شهاب شریعت

درنگی در زندگی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

علی رفیعی (علامرودشتی)

Marfat.com

Collection of Prof. Muhammad Iqbal Mujaddidi
Preserved in Punjab University Library.

پروفیسر محمد اقبال مجددی کا مجموعہ
پنجاب یونیورسٹی لائبریری میں محفوظ شدہ



Marfat.com

Marfat.com

شهاب شریعت

در رکنی در زندگی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

علی رفیعی (علامرودشتی)

Marfat.com

129877

شهاب شریعت: درنگی در زندگی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره)

علی رفیعی (علامرودشتی)

چاپ اول: قم، کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره)

سال نشر: ۱۳۷۳ ش / ۱۴۱۵ ق

حروفچینی: میلاد

لیتوگرافی: تیزهوش

چاپخانه: باقری

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

Marfat.com



قال رسول الله (ص): مَنْ ماتَ ومیراثُهُ الدفاتر والْـمَحابِر وَجَبَت لَـهُ الجَـنَّة.

[ارشاد القلوب دیلمی]

به مناسبت یکصدمین سالگرد میلاد مرجع فرهنگبان اسلام، تقدیم می‌گردد.

Marfat.com

Marfat.com



آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) در ۲۲ سالگی، نجف اشرف، ۱۳۳۷ قمری

Marfat.com

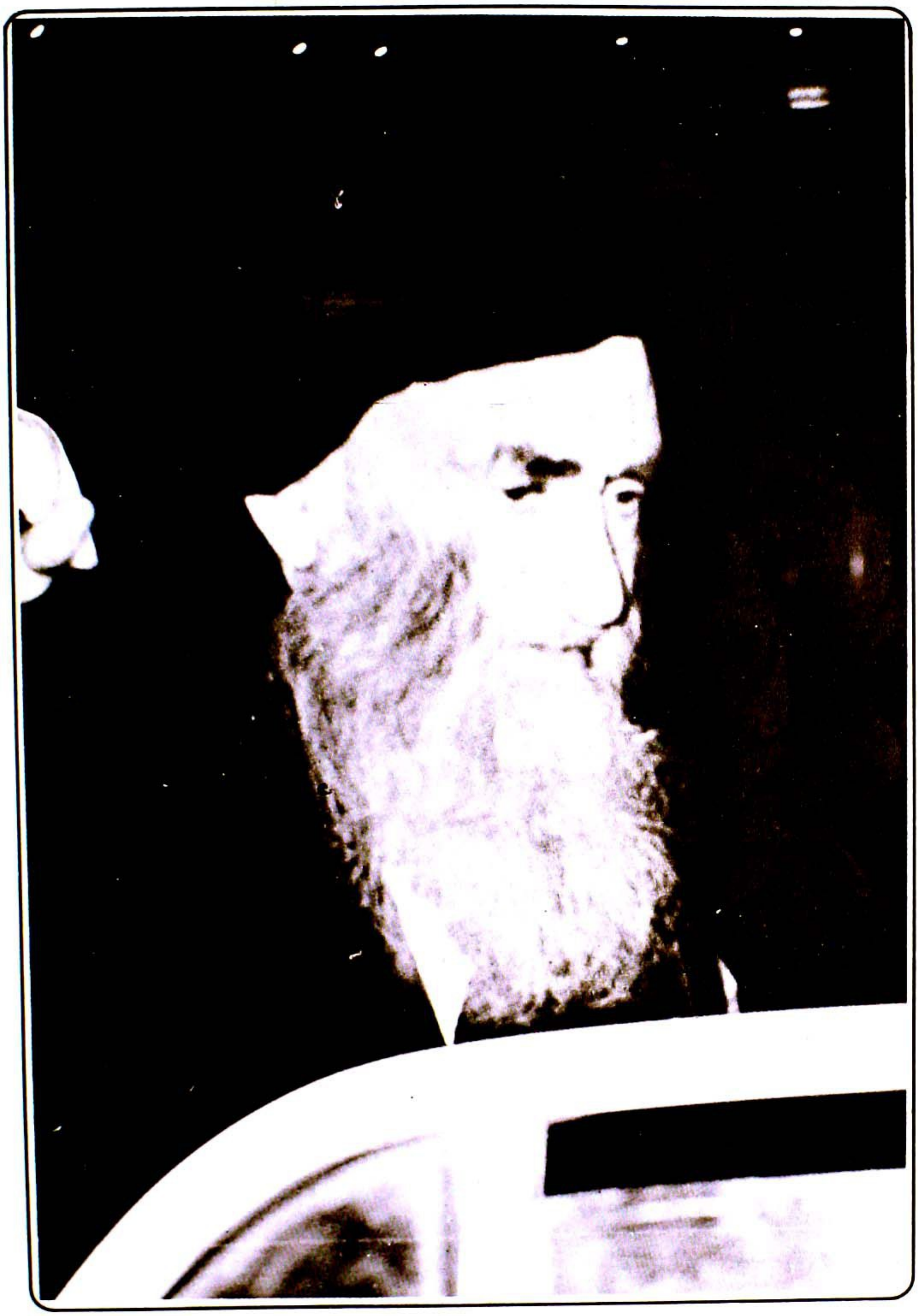

آخرین عکس آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) دو شب قبل از رحلت هنگام خروج
از صحن حضرت معصومه (س)، ۵ صفر المظفر ۱۴۱۱ / ۵ شهریور ۱۳۶۹

Marfat.com

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۹
مقدّمـه ۲۳
اجتهاد و مرجعیت در تشیّع ۲۷
نقش فقها در پاسداری از اسلام ۳۳
لزوم اجتهاد و تفقّه در دین ۳۶
مفهوم اجتهاد و تقلید ۳۹
شرایط فقاهت و مرجعیّت ۴۲
محدّثان و فقیهان بزرگ تاریخ تشیّع ۴۵
قرن چهارم هجری ۴۵
قرن پنجم هجری ۴۷
قرن ششم هجری ۴۹
قرن هفتم هجری ۵۰

Marfat.com

قرن هشتم هجری ۵۱
قرن نهم هجری ۵۲
قرن دهم هجری ۵۲
قرن یازدهم هجری ۵۳
قرن دوازدهم هجری ۵۵
قرن سیزدهم هجری ۵۶
قرن چهاردهم هجری ۵۷
قرن پانزدهم هجری ۵۹
سلسلهٔ نسب آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره) ۶۱
پژوهشی در بارهٔ مرعش ۷۳
شرح حال سیدالحکما مرعشی ۹۱
شرح حال سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی ۹۹
خاندان مادری حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشیٔ نجفی ۱۱۱

بخش یکم
دورهٔ تکوین شخصیّت و زندگی در عتبات عالیات

الف. طلوع فضیلت و تقوا ۱۲۱
ب. تحصیلات ۱۲۷
۱. مراحل تحصیلی در حوزه‌های علمیه ۱۲۷
۲. حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف ۱۲۹
کلیات دروس حوزوی ۱۳۲
۳. ورود به تحصیلات حوزوی ۱۳۳
یک. تحصیلات مقدماتی ۱۳۳

Marfat.com

ریاضیات ۱۳۴
طب ۱۳۸
علوم غریبه و سیر و سلوک عرفانی ۱۳۹
ادبیات ۱۴۰
قرائت قرآن ، تجوید و تفسیر ۱۴۳
دو . تحصیلات دورهٔ سطح ۱۴۶
فقه و اصول ۱۴۶
حدیث ، درایه ، رجال و تراجم ۱۵۱
کلام ، عقاید و ادیان ۱۵۹
فلسفه و منطق ۱۵۹
اخلاق و عرفان ۱۶۱
انساب ۱۶۲
سه . تحصیلات عالی ۱۶۴
خارج فقه و اصول ۱۶۴
اساتید زیدیه ۱۷۲
اساتید اهل سنت ۱۷۲
۴. همدرسان و هم‌مباحثه‌ها ۱۷۳
۵. اوج اجتهاد و مدارج علمی ۱۷۵
یک . منزلت علمی آیت‌الله مرعشی از دیدگاه مشایخ ایشان ۱۷۷
دو . نگاهی به مفهوم اجازه ۱۸۲
اجازات اجتهاد ۱۸۴
سه . مشایخ اجازات روایتی آیت‌الله مرعشی ۱۸۵
مشایخ شیعی ۱۸۵

Marfat.com

مشایخ اهل سنت ۱۸۷
مشایخ زیدی ۱۸۸
مشایخ اسماعیلی ۱۸۸

بخش دوم
مهاجرت به ایران و اقامت در قم

الف. مهاجرت آیت‌الله مرعشی نجفی ۱۹۱
۱. ورود به ایران و صلهٔ ارحام ۱۹۱
۲. زیارت امام هشتم (ع) ۱۹۲
۳. توقف در تهران ۱۹۲
۴. ورود به قم، شهر علم و فقاهت ۱۹۳
۵. موقعیّت حوزهٔ علمیهٔ قم ۱۹۳
۶. نقش آیت‌الله مرعشی‌نجفی‌در تثبیت حوزهٔ علمیهٔ قم ومقابله‌باعوامل رضاخان ۱۹۵
۷. روش تحصیلی و مواد درسی حوزهٔ علمیهٔ قم ۱۹۸
۸. مواد و شیوهٔ درسی معظم‌له ۱۹۹
۹. مشاهیر شاگردان و کسانی که از معظم‌له اجازه دریافت داشته‌اند ۲۰۰
۱۰. مرجعیّت آیت‌الله مرعشی ۲۰۷
۱۱. هیئت استفتاء آیت‌الله مرعشی ۲۰۸
ب. مقام و منزلت علمی، آثار و تألیفات ۲۱۰
۱. شخصیت علمی معظم‌له از دیدگاه صاحبنظران ۲۱۰
۲. مطالعهٔ آثار و تألیفات علما و دانشمندان ۲۱۵
۳. مقدمه‌ها و تقریظهای معظم‌له بر کتابها وتألیفات دیگران ۲۱۷

Marfat.com

۴. آثار و تألیفات ۲۱۸
علوم قرآن ، تفسیر ، تجوید و قرائت ۲۲۰
ادبیات ۲۲۰
حدیث ۲۲۰
ادعیه و زیارات ۲۲۱
فقه ۲۲۱
اصول فقه ۲۲۲
منطق ۲۲۳
لغت ۲۲۳
تاریخ ۲۲۳
رجال و تراجم ۲۲۳
انساب ۲۲۷
اجازات ۲۲۸
هیئت ۲۳۰
سفرنامه ۲۳۰
نوادر و علوم غریبه ۲۳۱
فهرست ۲۳۱
متفرقات ۲۳۱
کلام ۲۳۲
ج. خدمات فرهنگی ۲۳۶
یکم. تأسیس مدارس علمی و مراکز تحقیقی ۲۳۶
دوّم. تأسیس کتابخانهٔ عمومی ۲۳۷
سوّم. مساعدت به کتابخانه‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی ۲۴۴

Marfat.com

چهارم. تشویق به مطالعه ۲۴۵
پنجم. نقش ایشان در ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه ۲۴۵
د. بعد تبلیغی و ارشادی ۲۴۷
مرحلهٔ نخست. پاسداری از ارزشهای اسلامی و شعائر مذهبی ۲۴۷
۱. تألیف و تصنیف و نشر آثار اسلامی ۲۴۷
۲. پاسخگویی به سؤالات گوناگون ۲۴۸
۳. تأسیس یا تعمیر مساجد، حسینیه‌ها، قبور امامزادگان و بزرگان اسلام و تشیع ۲۴۹
۴. اهداء و ارسال کتب ۲۴۹
مرحلهٔ دوم. مسافرتها و ارتباط با دانشمندان ۲۵۰
۱. مسافرت به شهرهای عراق ۲۵۲
۲. مسافرت به شهرهای ایران ۲۵۳
۳. مسافرت به هند ۲۵۵
مرحلهٔ سوم. مکاتبه به عنوان عامل وحدت ۲۵۵
هـ. خدمات اجتماعی ۲۵۷
۱. ساخت و تجدید و تعمیر مدارس، مساجد و حسینیه‌ها ۲۵۷
۲. بیمارستان و درمانگاه ۲۵۸
۳. تهیّـهٔ مسکن طلاب علوم دینی قم ۲۵۸
۴. امور خیریهٔ دیگر ۲۵۹
و. مبارزات سیاسی ۲۶۰
نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ..... ۲۶۳
ز. سجایای اخلاقی و فضایل انسانی ۲۷۳
۱. عطوفت و مهربانی در روابط اجتماعی ۲۷۴

Marfat.com

۲. خوشرویی و برخورد شایسته با مردم ۲۷۶
۳. سخاوت در بذل و بخشش و دستگیری از مستمندان ۲۷۷
۴. زهد و تقوا و بی‌اعتنایی به دنیا ۲۷۹
۵. رعایت نظم دقیق زندگی ۲۸۰
۶. عبادت و تهجّد و نیایش ۲۸۱
۷. تدیّن شدید و پایبندی به احکام الهی ۲۸۳
۸. علاقهٔ شدید به خاندان رسالت و ولایت ۲۸۴
مناصب افتخاری ۲۸۵
۹. کرامات ۲۸۶
کرامت اول ۲۸۶
کرامت دوم ۲۸۷
کرامت سوم ۲۸۸
کرامت چهارم ۲۸۸
کرامت پنجم ۲۹۱
حکایت یکم ۲۹۱
حکایت دوم ۲۹۳
حکایت سوم ۲۹۴

بخش سوم

زندگی و روابط خانوادگی و فردی

فصل اول. روابط خانوادگی ۲۹۹
۱. ازدواج و زندگی مشترک ۲۹۹
۲. تنگی معیشت ۳۰۳

Marfat.com

۳. اخلاق و روابط خانوادگی ۳۰۴
فصل دوم. حماسهٔ استقامت ۳۰۸
۱. هجوم بی‌امان بیماریها ۳۱۱
۲. مسافرتهای درمانی ۳۱۲
۳. آخرین میقات ۳۱۵
۴. پرواز در ملکوت ۳۱۵
۵. حجاب خاک ۳۱۷
فصل سوم. انعکاس فاجعه ۳۲۲
۱. حوزه‌های علمیّه در سوگ آن عالم بزرگ ۳۲۲
۲. عظمت حادثه از زبان شخصیتها ۳۲۶
۳. مراسم سوگواری و مجالس ترحیم ۳۳۰
۴. انعکاس خبر رحلت معظم‌له در خارج از ایران ۳۳۲
۵. مطبوعات و جراید ۳۳۳
۶. در آینهٔ شعر ۳۳۴
ساحت دریا ۳۳۶
مدرس مینونشان ۳۳۷
شهاب ثاقب ۳۳۹
هماره حامی روح خدا بود ۳۴۱
بهبودی ۳۴۳
تندرستی تو دارم امید ۳۴۴
خوش آمدی ۳۴۵
گذرگاه ۳۴۶
شهاب معنی ۳۵۰

Marfat.com

سوگنامهٔ شهاب ۳۵۱
غمنامه ۳۵۳
فقید التُّقیٰ ۳۵۵
تعزیة وذکریٰ ۳۵۶
فصل چهارم. بازماندگان و وصایا ۳۵۸
۱. فرزندان ۳۵۸
۲. وصیتنامه‌های الهی و اخلاقی ۳۶۳
یک. وصایا و سفارشات خاص ۳۶۴
دو. توصیه‌ها و رهنمودهای عام ۳۶۹
کتابنامه ۳۷۵
اعلام ۳۹۵
اشخاص ۳۹۷
کتابها ۴۳۶
اماکن ۴۶۲
پیوست اول. اجازات ۴۷۳
اجازات اجتهاد علما به آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ۴۷۵
اجازات روایتی علما به آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ۴۹۳
اجازات آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به دیگران ۵۴۹
پیوست دوم. نامه‌ها ۵۶۱
پیوست سوم. اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی ۶۱۵
پیوست چهارم. اسناد و مدارک کتابخانه ۶۸۹
پیوست پنجم. در آینهٔ مطبوعات ۷۳۳

Marfat.com

پیوست ششم. اسناد گوناگون ۷۴۳
آلبوم عکس ۷۴۹

Marfat.com

پیشگفتار

مرجع عالیقدر شیعه، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت ـ علیهم السلام ـ مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ـ اعلی الله مقامه الشریف ـ از معدود عالمان و بزرگانی است که در بیشتر علوم اسلامی متبحّر و صاحب تألیفات فراوان است . همو بود که موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازهٔ اجتهاد و روایتی از علمای شیعی و زیدی و سنّی گردید ودر حقیقت « شیخ‌الاجازهٔ » عصر خود به‌شمار می‌آمد .

اینجانب که از کودکی در دامان آن بزرگوار بالیده و شاهد زندگی بسیار ساده ، لکن سراسر پر افتخار ایشان بودم ، از سالها پیش تصمیم گرفتم برای آشنایی بیشتر علاقه‌مندان با زندگی معظم له ، شرح احوال و آثارشان را در کتابی مستقل تنظیم کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم . بدین لحاظ ، آنچه را مربوط بدین موضوع بود ، اعم از کتاب و مقاله و دستنوشته و نهایتاً مشاهدات خود را ، ثبت و جمع آوری و سپس طبقه بندی نموده تا در فرصتی مناسب منتشر سازم .

متأسفانه رحلت جانسوز معظم له ، ما را از ادامهٔ کار باز داشت .

Marfat.com

آنگاه بسیاری از دوستان و علاقه‌مندان ما را تشویق بر به فرجام رسانیدن این کار می‌نمودند . اینجانب نیز با اشتیاق خاص درنگ را جایز ندانسته و مجدداً کار را ادامه داده و وعده دادم تا در اوّلین فرصت آن را تقدیم نمایم . ولی ابعاد زندگی پر افتخار آن مرد الهی ، که فراتر از باورمان بود و به همین علّت تا کنون موفق به انجام این مهم نشدیم ، مارا بر آن داشت تا انتشار آن را ، تا آنجاکه میسّر شود ، به عهدهٔ تعویق بسپاریم . بحمدالله این تأخیر باعث شد گوشه‌هایی دیگر از زندگی آن بزرگوار ، که تاکنون مجهول مانده بود ، از لابلای دستنوشته‌های پراکنده فراهم و هریک در جای خود قرار داده شود . بدیهی است اگر بخواهیم شرح احوال ایشان را ، آن گونه که باید ، بیاوریم ، قلم‌را یارای بیان آن نمی‌باشد . از این رو با مشورت تنی چند از صاحبنظران و دوستان تصمیم گرفته شد یک زندگینامهٔ نسبتاً کوتاه آماده کنیم و تفصیل بیشتر آن را در مُجموعه‌ای دیگر ، که به یاری خداوند در آینده‌ای نه چندان دور آماده می‌شود ، بیاوریم و در اختیار همگان قرار دهیم .

شایسته است از دوستان و محققانی که پیشتر در این زمینه مطالبی را تهیّه کرده و درکتاب حاضر از آنها استفاده شده و نام هریک در مقدّمهٔ مؤلف محترم آمده است ، تشکر و قدردانی شود . اینک نیز که این کتاب تحت عنوان *شهاب شریعت* به مناسبت صدمین سالگرد ولادت آن بزرگمرد منتشر می‌شود ، از محقق سختکوش ، آقای علی رفیعی علامرودشتی ، که پیشنهاد اینجانب را مبنی بر تنظیم و تألیف چنین اثری با روی باز پذیرا شده و از عهدهٔ این کار بزرگ بخوبی بر آمدند ، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم .

Marfat.com

با درود به روان پاک و مطهر فقید سعید ، مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ ره ـ امید است باانتشار این اثر، اندکی از حقوق معظم‌له بر اینجانب ، ادا شده باشد .

سیّد محمود مرعشی نجفی

قم ، صفر المظفر ۱۴۱۵

تیر ماه ۱۳۷۳

Marfat.com

129877

Marfat.com

مقدّمه

با گذشت چهار سال از ارتحال فقیه فرهنگبان، حضرت آیت‌الله ـ العظمی مرعشی‌نجفی ـ قدس سره‌الشریف ـ ضرورت ضبط و ثبت زندگی و خدمات فرهنگی معظم‌له آشکارتر گردید. در این مدّت، چند زندگینامهٔ مختصر از ایشان نوشته و برخی از آنها منتشر شد که البتّه فراگیر و کامل نبود و تنها دورنمایی از زندگی آن فقید را به دست می‌داد. از این رو ضرور می‌نمود تحقیقی دراز دامن در بارهٔ زندگی و شخصیت معظم‌له صورت پذیرد وکتابی‌درخور فراهم‌آید وهمهٔ جوانب زندگی و خدمات و اقدامات ایشان، ضبط و ثبت شود؛ باشد که مشتاقان را به‌کار آید و رهنوردان دین و فرهنگ را الگو باشد و برای نگارش تاریخ فرهنگ اقالیم قبله، دستمایهٔ سودمندی شود.

با عنایت بدین ضرورت، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی، فرزند مهتر آن فقید و تولیت کتابخانهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، از این بنده دعوت نمود تا عهده دار پژوهش در زندگی ایشان و نگارش کتابی در بارهٔ آن شوم. به دیده پذیرفتم؛ خاصّه اینکه مرا ارادتی دیرینه به آن مرزبان فرهنگ شیعه بود. با نام خدا کار را آغازیدم و بی‌درنگ، طرحی جامع برای نگارش زندگینامه پی‌افکندم. از آغاز چنین می‌نمود که آوردن زندگی ایشان در یک کتاب، چونان

Marfat.com

گنجانیدن بحر در کوزه است. بدین‌رو تصمیم گرفته شد که ضمن فراهم کردن زندگینامهٔ مفصلی از ایشان، شمّه‌ای از آن همه نیز در یک جلد خلاصه شود و زندگینامهٔ مختصری به‌دست داده شود. کتاب حاضر، ثمرهٔ آن تصمیم، و مشتمل بر اجمالی از زندگی و کارنامهٔ پر برگ و بار فقید سعید، حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی است. امید می‌رود زندگینامهٔ مفصّل و جامع ایشان نیز بزودی به‌خامهٔ همین مؤلف و توسط همین ناشر، که از باقیات صالحات اوست، در دسترس ارباب علم و ادب قرار گیرد.

می‌سزد اشاره شود که نگارش این اثر، مستند به انبوهی از اسناد و مدارک، و زیر نظر باریک بین حجت‌الاسلام والمسلمین سیّد محمود مرعشی‌است. پیش‌از اینکه طرح این‌زندگینامه‌پی‌افکنده‌شود، معظم‌له کلیهٔ اسناد، مدارک، یادداشتها و کتابهایی را که مربوط به زندگی آیت‌الله‌العظمی مرعشی بود، یکجا و بهٔ صورت طبقه‌بندی شده، در اختیار این قلمزن نهاد. سپس در فرایند پژوهش، هرجا که مشکلی رخ می‌نمود و اسناد را یارای گشودن گرهٔ‌کور تاریخ نبود، با استمداد از محفوظات و مشاهدات خویش، بر زوایای تاریک تاریخ پرتو می‌افکند و هیچ واقعه‌ای را به صورت سربسته، فرو نمی‌نهاد. با وصف این، از آنجا که نگارش کتاب حاضر طی سه ماه و با شتاب فراوان انجام گرفت، دور نیست که لغزشی بر قلم آمده باشد، که «الانسان محل‌السهو والنسیان».

باری، مهمترین منابعی که در نگارش این اثر از آنها بهره برده شده، چنین است:

۱. دستنوشته‌ها و یادداشتهای پراکندهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی

Marfat.com

نجفی ـ قدّس سرّه ـ در بارهٔ اساتید، مشایخ، مسافرتها و سوانح زندگی خویش.

۲. یادداشتها و توضیحات و افاضات شفاهی حجت‌الاسلام والمسلمین سیّد محمود مرعشی.

۳. اسناد و مدارک (اعلامیه‌ها، نامه‌ها، یادداشتها، تصاویر و ...) که در اختیار ایشان بوده است.

۴. ***التحفة الاحمدية في ترجمة زعيم الاسلام من السّادة المرعشيّة***، تألیف حجت الاسلام والمسلمین سید احمد روضاتی که در سال ۱۳۶۹ قمری آن را تألیف کرده و تصویری از نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ آیت‌الله ـ العظمی مرعشی موجود است.

۵. ***زندگینامهٔ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی***، تألیف حجت ـ الاسلام علی‌محمد ابن‌العلم دزفولی. این کتاب شامل زندگینامهٔ آن مرحوم از آغاز تا ۲۴ سالگی است که خود به نگارندهٔ آن تقریر کرده است. نسخهٔ خطی این اثر نیز در کتابخانه موجود است.

۶. یادداشتهای دستنویس دکتر علی‌اکبر خانمحمّدی در بارهٔ زندگی آیت‌الله‌العظمی مرعشی که در کتابخانه موجود است.

۷. ***قبسات من حياة سيّدنا الاستاذ آية الله العظمى السيّد شهاب‌الدين المرعشى النجفى***، تألیف حجت‌الاسلام سید عادل علوی. حساب کتابخانهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

در پایان ضمن سپاسگزاری از راهنماییها و ارشادهای حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی و دیگر فرزندان آن مرجع فرهنگبان، و با قدردانی از همسر و فرزندم که در هنگام نگارش این اثر از هرگونه دستیاری دریغ نکردند و محیطی آرام فراهم نمودند،

Marfat.com

و با تشکر از آقایان حسین رفیعی و حسن رفیعی که عهده‌دار تصحیح نمونه‌های چاپی‌کتاب بودند، از دانشوران وشاگردان حضرت آیت‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی انتظار می‌رود هرگونه سند و مدرکی که در بارهٔ ایشان دارند، به نشانی کتابخانهٔ معظم‌له ارسال دارنـد تـا در نگـارش زندگینامهٔ تفصیلی ایشان مورد استفاده قرار گیرد.

* * *

من در این دفتر، شمّه‌ای از زندگی پیشوایی را آورده‌ام که به صـد دفتر هم زیستنامهٔ او، کامل نخواهد شـد. آنـچه رقـم زده‌ام، درخـور پیمانه و امکانات من است، نه در شأن او.

دم کـــه مـــرد نـــایی انـــدر نـای کـرد
درخـــور نـای است نـه در خـورد مـرد

والله من وراءالقصد

علی رفیعی (علامرودشتی)

بهار ۱۳۷۳

Marfat.com

اجتهاد ومرجعیت در تشیّع

Marfat.com

Marfat.com

آیین پاک اسلام ، آخرین پیام و برنامهٔ آسمانی است که در یکی از تاریکترین ادوار زندگی جامعهٔ بشری ، برای هدایت و راهنمایی انسانها به شاهراه حقیقت ورستگاری ، برآخرین پیامبر حق نازل شد . این آیین گذشته از یک رشته اصول و مبانی اعتقادی واخلاقی ، مشتمل بر مجموعه‌ای از قوانین ، مقررات و دستورات انسان سازی است که همهٔ ابعاد ، شئونات و جهات زندگی فردی و اجتماعی انسانها را در بر می‌گیرد و ناظر بر زمینه‌های مختلف حقوقی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، حکومتی ، عبادی و مانند اینهاست . از این‌رو هر انسان مکلّفی ، در هر محیط وتحت هر شرایطی موظف است که تمامی اعمال فردی واجتماعی وبرنامهٔ زندگی مادی ومعنوی خویش را با آن تطبیق داده وبه این مجموعهٔ عام و فراگیر آسمانی ،که « شریعت » نامیده می‌شود ، گردن نهد و از آن پیروی نماید . بر این اساس این پیام آسمانی به سه بخش اساسی تقسیم می‌گردد که عبارتند از :

۱ ـ اصول اعتقادی ،که باید آنها را از روی علم و یقین دریافت و باور کرد واصطلاحاً آن را اصول دین نیز می‌نامند . در این بخش تقلید از دیگران جایز نیست و باید از راه فطرت واستدلال عقلانی به این اصول دست یافت .

۲ ـ شریعت ،که اصطلاحاً آن را فروع دین نیز می‌نامند و به دو رشتهٔ دستورات آیینی خدا پرستی (عبادات) ومعاملات تقسیم می‌گردد . شناخت این سلسله قوانین و مقررات که شریعت ویا احکام شرعی نامیده می‌شوند ،با استدلال عقلانی محض ممکن نیست ،

Marfat.com

بلکه باید از طریق پیامبر(ص) و سنّت آن حضرت و نمایندگان وی فراگرفت و به آن گردن نهاد .

۳ـ اخلاق ، که پیامبر اسلام(ص) فرمود : «**إني بعثت لأتمّم مكارم‌الأخلاق**» . اصول اخلاقی را با استدلال نمی‌توان دریافت ، بلکه باید از راه قلب و عرفان به آن رسید .

مسلمانان عصر پیامبر(ص) در شناخت این سلسله قوانین و مقررات عملی مشکلی نداشتند ؛ زیرا اگر با مشکلی مواجه می‌شدند ، پیامبر اسلام مشکل‌گشای آنان بود و کلیهٔ مسائل واحکام را برای آنها تبیین وتشریح می‌کرد . پس از رحلت پیامبر(ص) نیز تا آن زمان که اسلام در محدودهٔ جزیرةالعرب بود وصحابهٔ رسول‌الله و تابعین زنده بودند ، مسلمانان احکام شرعی و مشکلات خویش را با آنان در میان می‌گذاشتند وپاسخ سؤالات و مشکلاتشان را از اصحاب و یاران پیامبر و تابعین ، می‌گرفتند ؛ امّا با گسترش حوزهٔ نفوذ اسلام و فتوحات پیاپی سرزمینهای دور وگرویدن ملل مختلف به اسلام و تصادم اندیشه‌های مختلف با مقررات و دستورات اسلام وبرخورد مسلمانان با عقاید گوناگون ، مشکلات بسیاری در فراگیری ، آموزش و شناخت دستورات ، برنامه‌ها و مقررات اسلامی پیش آمد و مسلمانان در عمل کردن به وظایف دینی خود گرفتار برخی شبهات و مسائل پیچیده شدند که جوابگویی به آنها آسان نبود و دیگر اصحاب و تابعین هم وجود نداشتند تا مشکل آنان را پاسخ دهند و حل کنند . بدین ترتیب ، این خود مقدمه‌ای گردید برای پیدایش اجتهاد در جامعهٔ اسلامی و رشد سریع اسلام شناسان ، دین شناسان و متخصصّانی که در احکام شریعت اجتهاد کنند و به نیازهای روز افزون و جدید توجه کرده ، در مسائل اجتهاد نموده و فتوا دهند .

یقیناً نخستین مفتی اسلام شخص پیامبر اسلام است . از این‌رو آن بخش از دستورات رسول خدا(ص) راکه در تبیین و توضیح احکام شریعت است ، سنت می‌نامند . اصحاب ویاران نزدیک پیامبر(ص) که علم واطلاع بسیاری نسبت به مسائل شرعی داشتند ، پس از پیامبر اسلام و حتی در دوران خود آن حضرت ، اقدام به اجتهاد و صدور فتوا

Marfat.com

می‌کردند واز این راه به بسیاری از پرسشهای مسلمانان پاسخ می‌داده‌اند و راه حل عملی برای انجام وظایف دینی مسلمانان بیان می‌کردند که اشاره به موارد آن از حوصلهٔ این بحث خارج است .

شیعیان که در همان زمان حضور پیامبر(ص) نسبت به خاندان وی ارادت می‌ورزیدند ، در شناخت احکام و مقررات شرعی و وظایف دینی خود ، به خاندان پیامبر ،که وارثان اصلی علم رسول‌الله و حامیان واقعی اسلام بودند ، روی می آوردند و مشکلات دینی خودرا با آنان در میان می‌گذاشتند . آنان پس از رحلت پیامبر نیز به خاندان وی وفادار مانده وکلیهٔ دستورات و برنامه‌های اسلام را تنها از ائمهٔ معصومین(ع) می‌پرسیدند و هر فتوایی راکه از ناحیهٔ معصومین پاک صادر می‌شد ، می‌پذیرفتند و به کار می‌بستند . از نظر شیعه چون خاندان پیامبر(ص) در متن وحی قرار داشتند و علوم و معارف و مقررات اسلام را از پیامبر(ص) فراگرفته بودند ، شایسته‌ترین کسانی بودند که می‌باید مسلمانان در مسائل دینی خود به آنها مراجعه کنند .

شیعه معتقد است که پیامبر اکرم(ص) شجرهٔ شریعت را غَرس کرد و علی(ع) برای شناخت احکام شریعت ، بذر فقاهت و اجتهاد را پاشید و اهل‌بیت آن حضرت و امامان معصوم(ع) آن را آبیاری کردند تا سرانجام در زمان امام باقر وامام صادق(ع) درخت اجتهاد و فقاهت تناور گردید و به ثمر نشست ؛ چنان که تمامی فقها و مجتهدان ، از چشمهٔ جوشان علم و خوان گستردهٔ دانش امام علی(ع) و فرزندان وی ، بویژه امام صادق(ع) ، سیراب گردیده و استفاده‌ها برده و کسب فیض کرده‌اند و فقاهت و اجتهاد آموخته‌اند . در حقیقت امامان معصوم(ع) در پاسخ به مشکلات دینی اصحاب و یاران و پیروان خود و یا در مناظره و مباحثه و مجادله با مخالفین خویش ، احکام شرعی را از کتاب خدا و سنّت پیامبر(ص) به طریق معمولی استنباط کرده و فتوا داده‌اند ،که این عمل همان اجتهاد است .[1]

---

۱ . بحثی در بارهٔ مرجعیت و روحانیت ، علامهٔ طباطبائی ، ص ۱۶ ـ ۱۷ .

Marfat.com

شیعیان به استناد آیات قرآن اعتقاد دارند که خاندان رسالت و امامان معصوم(ع) از مصادیق اتمّ « اولواالأمر » هستند که اطاعت از آنان نیز چون اطاعت از خداوند و پیروی از پیامبر گرامی اسلام(ص) واجب شده است : «یٰا أَیُّهاالَّذینَ آمَنُوا أَطیعُواالله وَأَطیعُواالرَّسُولَ وَ أُولِی‌الأَمْرِ مِنْکُمْ»[1]. منظور از اولوا الأمر در این آیهٔ شریفه ائمهٔ معصومین(ع) هستند ، زیرا اطاعت مطلق در صورتی امکان دارد که اطاعت شونده معصوم باشد. اطاعت از جانشینان و نایبان ائمهٔ معصومین(ع) نیز واجب است . غیر از این مطلب ، امام معصوم(ع) و جانشین وی باید عالم ، عادل و نسبت به حوادث و پیشامدها بصیر و در حل آنها آگاه باشد . این امتیازات تنها در « اهل‌الذکر » وجود دارد که قرآن مجید مردم را برای حل مشکلاتشان به سوی آنها سوق داده است : «فَاسْئَلُوا أَهْلَ‌الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ»[2]. از نظر شیعه اهل‌الذکر همان اهل‌بیت پیامبر و خاندان وی ائمهٔ معصومین(ع) هستند که از جانب خداوند به عنوان « اولواالامر » انتخاب شده‌اند .

فقیهان و عالمان نیز نزد شیعیان یکی دیگر از مصادیق « اهل‌الذکر » هستند . آنان در حضور وغیبت امام معصوم از جانب وی به‌مقام زعامت‌امّت منصوب می‌گردند و رهبری جامعه را در اختیار می‌گیرند . از نظر شیعه در مفهوم ولایت یک نکتهٔ بسیار ظریف وجود دارد و آن این است که فقیه جامع‌الشرایط ، اگر ولایتی بر جامعه پیدا می‌کند و تکیه بر مسند اولواالأمری و یا بر مسند قضا می‌زند ، به نیابت وجود آنها است واین ولایت فرع بر ولایت پیامبر و ائمهٔ هدی(ع) است .

امامان معصوم(ع) در صورت بسط ید ، افراد صالح را به حکومت شهرها و بلاد و فرماندهی و امارت می‌گماشتند و بخشی از رهبری دینی و اجتماعی و سیاسی جامعه را به آنان واگذار می‌کردند . و در صورتی که بسط ید نداشتند ، به ارشاد و تهذیب نفوس می‌پرداختند و احکام دین و معارف اسلام را تبلیغ می‌کردند . در عصر غیبت کبری نیز

---

۱ . نساء ، ۵۹.
۲ . انبیاء ، ۷.

Marfat.com

اسلام شناسان و فقیهان متخصص که به صفات پارسایی و عدالت متّصف هستند ، به‌صورت عام ، نایب معصومین هستند . این فقیهان که خود منصوب به‌نصب عام اولواالأمر هستند ، همانند معصومین ، اگر بسط ید داشته باشند ، علاوه بر ارشاد و تهذیب نفوس ، رهبری دینی و سیاسی را نیز به عهده گرفته و افرادی صالح و مؤمن را به کارها و مشاغل دینی و اجتماعی می‌گمارند ، امّا در صورتی که خود بسط ید نداشته باشند ، تنها به ارشاد و تهذیب نفوس و تبلیغ احکام می‌پردازند و « امام گونه » عمل می‌کنند . مسئولیت فقیه جامع‌الشرایطی که در زمان غیبت کبری به‌نصب عام اولواالأمر به زعامت رسیده است ، بسی سنگینتر و دشوارتر از فقهایی است که در زمان حضور امام معصوم(ع) به صورت خاص منصوب شده‌اند . زیرا فقهای زمان حضور به امام دسترسی داشته و در مواجهه با مشکلات از امام حاضر کمک می‌گرفتند ، ولی فقهای زمان غیبت کبری از این نعمت محروم بوده و خود باید راه چاره‌ای برای مشکلات و حوادث واقعه بیابند .

نقش فقها در پاسداری از اسلام

در بارهٔ نقش فقها در پاسداری از اسلام و سنّت پیامبر گرامی اسلام(ص) روایات بسیاری وجود دارد که در واقع فلسفهٔ وجودی آنها را نیز روشن می‌سازد . شمارش یکایک آن روایات میسّر نیست و در اینجا به چند مورد اشاره می‌گردد :

۱ ـ قال رسول الله(ص) : « يحمل هذاالدين في كل قرن عدول ينفون عنه تأويل ـ المبطلين وتحريف‌الغالين وانتحال‌الجاهلين ، كما ينفي‌الكير خبث‌الحديد »[۱] . پایه‌های این دین در هر قرن بر دوش عدولی [فقهایی عادل] است که آن را از تأویلات باطل پیشگان و تحریفات منحرفان و غالیان و نسبتهای نابجای نادانان پاک می‌سازند ؛ چنان که کوره و دم آهنگران ، زنگار را از آهن می‌زداید .

---

۱ . اختیار معرفة الرجال ، ص ۴ ، رقم ۵ .

Marfat.com

۲ـ قال علی بن ابي حمزة ، سمعت أبا الحسن موسی بن جعفر(ع) یقول : «اذا ماتالمؤمن بکت علیهالملائکة... وثلم فيالاسلام ثلمة لا یسدّها شيء لانّ المؤمنینالفقهاء حصونالاسلام، کحصن سور المدینة لها»[۱]. امام موسی بن جعفر(ع) فرمود : وقتی مؤمنی [فقیه] از جهان می‌رود ، فرشتگان آسمان بر او می‌گریند ... و شکافی در اسلام پدید می‌آید که هیچ چیز آن را پر نخواهد کرد ؛ زیرا فقیهان مؤمن دژهای تسخیر ناپذیر اسلامند [که اسلام را از شرّ دشمنان حفظ می‌کنند] ، چنان که دژهای هر شهر ، آن را از دستبرد دشمن دور نگاه می‌دارد .

در این حدیث نقش فقیهان مؤمن بخوبی شناسانده شده است : اگر این فقیهان از دست بروند در دیوار محکم و دژ تسخیر ناپذیر اسلام شکاف می‌افتد و راه برای نفوذ دشمن به حوزهٔ فرهنگ اسلام باز می‌شود .

۳ـ قال رسولالله(ص) : «اللّهم ارحم خلفائی. قیل: یا رسولالله و من خلفاؤك؟ قال: الذین یأتون من بعدي ویروون حدیثي و سنّتي»[۲]. پیامبر فرمود : پروردگارا ، جانشینان مرا مورد مرحمت خود قرار ده (و این جمله را سه بار تکرار کرد) . پرسیدند : یا رسولالله ، جانشینان شما کیانند؟ فرمود : آنان که پس از من می‌آیند و احادیث و سنّتهای مرا برای دیگران باز می‌گویند .

پس راویان حدیث و فقیهان بر اساس این روایت جانشینان پیامبرند و ناقلین سخنان و سنت پیامبر(ص) ، یعنی بیان کنندهٔ دستورات و فرامین و احکام اسلام . جانشینان پیامبر ، در مرحلهٔ اول امامان معصوم(ع) هستند که خود مثل اعلای شخصیت رسولالله می‌باشند و در غیبت کبری ، فقها و راویان حدیث و سنّت که امین ، عادل ، عالم و با کفایتند و در حقیقت مثل اعلای شخصیت معصومین(ع) و نبیّ اکرم به شمار می‌روند . از این‌رو

---

۱ . اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۸، رقم ۳.
۲ . من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۰۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳؛ معانی الاخبار، ص ۳۵۶؛ وسائل‌الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۹، ب ۱۱، ح ۳۳۴۲۲.

Marfat.com

همیشه مورد احترام پیامبر(ص) وائمه اطهار(ع) بوده‌اند و معصومین ، عمل آنـان را در نقل حدیث و فتوا مورد تأیید قرار داده‌اند . از جمله معاذ بن مسلم نحوی گوید که امـام صادق(ع) به من فرمود : «بلغني: انّك تقعد في‌الجامع فتفتي‌الناس؟ قلت: نعم، واردت ان اسألك عن ذلك قبل ان أخرج، انّي اقـعد فـي‌المسـجد، فـيجيء‌الرجـل فـيسألني عن‌الشيء، فاذا عرفته بالخلاف لكـم أخـبرته بـما يـفعلون، ويـجيء‌الرجـل، اعـرفه بمودّتكم وحبّكم، فأخبره بما جاء عنكم، ويجيء‌الرجل لا اعرفه، ولا أدري مـن هـو، فأقول: جاء عن فلان كذا، وجاء عن فلان كذا، فأدخل قولكم فيما بين ذلك، فقال لي: اصنع كذا، فانّي كذا أصنع»[1]. امام فرمود : شنیده‌ام که در مسـجد جـامع مـی‌نشینی و برای مردم فتوا می‌دهی؟ گفتم : بلی ، چنین می‌کنم و قصد داشتم که این مـوضوع را از شما بپرسم قبل از اینکه از نزد شما خارج شوم . آری در مسجد می‌نشینم و هرگاه یکی از مخالفین شما می آید و مطلبی را می‌پرسد بر اساس فتوای علمای خودشان به وی جواب می‌دهم ، وآنگاه که یکی از دوستان شما می آید که اورا و مـحبت اورا نسـبت بـه شـما می‌شناسم ، بر اساس نظریات شما فتوا می‌دهم و آرای شما را به او می‌گویم و چـنانچه شخصی بیاید که وی را نمی شناسم ، در جواب سؤال وی می‌گویم : فـلان کس چـنین گفته و دیگری چنان گفته و اقوال وآرای شما را نیز در خـلال جـواب بـیان مـی کـنم . حضرت فرمود : چنین کن ؛ زیرا من نیز در جواب افراد مختلف چنین عمل می‌کنم .

این حدیث بخوبی نشان می‌دهد که در زمان خود ائمه نیز فقها و مفتیانی بوده‌اند که به پرسشهای مذهبی مردم جواب می‌داده‌اند و فتوا صادر می‌کرده‌اند و این عمل مورد تأیید ائمه(ع) بوده است .

در قسمتی از توقیع صاحب‌الامر ـ عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ـ بـرای اسـحاق بـن یعقوب چنین آمده است : «واما الحوادث‌الواقعة، فارجعوا فيها الى رواة حديثنا، فانّهم

---

۱ . رجـال الكشـي، ج ۲، ص ۲۵۲ (۴۷۰)؛ عـلل الشـرايع، ص ۵۳۱ (۲)؛ وسـائل الشـيعة، ج ۲۷، ص ۱۴۸ـ۱۴۹ (۳۳۴۵۱).

Marfat.com

حجّتي عليكم وانا حجةالله عليهم».[۱] در این توقیع ، امام(ع) مردم را در حوادث و پیشامدهایی که برایشان به وجود آید ، به راویان حدیث و ناقلان اخبار ارجاع داده و آنان را حجت خویش بر مردم به شمار آورده است .

لزوم اجتهاد و تفقه در دین

کلمات اجتهاد و تقلید که دو معنای متقابل دارند ، از دیرباز در میان مسلمانان رایج بوده و زیاد استعمال شده است . البته این دو کلمه در میان شیعیان بیشتر از دیگر فرق اسلامی رواج داشته و مکرّراً به کار می‌رفته و در مفاهیم گونا گونی ، غیر از آنچه امروزه مصطلح است ، استعمال می‌شده که در اینجا ، جای بحث از آن نیست . ولی باید اشاره کرد که موضوع اجتهاد و تقلید ریشهٔ وسیعتری دارد وسلوک طریق اجتهاد و تقلید ، یکی از اساسیترین اجزای زندگی انسان را تشکیل می‌دهد . هر انسانی با فطرت خویش ، راه زندگی را در جایی که می‌تواند با اجتهاد ، و آنجا که از اجتهاد عاجز است ، با تقلید از دیگران می‌پیماید . به عبارت دیگر ، اجتهاد و تقلید از اساسیترین و عمومیترین مسائل حیاتی انسان است . هر انسانی که پا به دایرهٔ اجتماع می‌گذارد ، در بخشهای بسیار کوچکی از جهات زندگی خود به اجتهاد می‌پردازد و در بزرگترین قسمت زندگی خویش نا گزیر از تقلید است . بنابر این تأکید اسلام و دستور به اجتهاد و تقلید در حقیقت نوعی ارشاد و راهنمایی جامعهٔ انسانی به سوی فطرت خویش است[۲]. زیرا احتیاجات علمی و نظری انسان بی‌حد و بی‌شمار است ، چنان که در برآوردن برخی از احتیاجات خود می‌تواند تا اندازه‌ای در معرفت و شناخت آنها تخصص و خبرگی پیدا کند و از راه استدلال پیش ببرد و اجتهاد نماید . امّا در جهات دیگر زندگی و نیازهای خویش که تخصص ندارد و نمی‌تواند خبرگی پیدا کند ، باید از کسی که ایمان به تخصص و دانش و

---

۱ . اکمال الدین صدوق ، ص ۴۸۴ (۴) ؛ الغیبة طوسی ، ص ۱۷۶ ؛ الاحتجاج طبرسی ، ص ۴۲۹ .
۲ . بحثی در بارهٔ مرجعیت و روحانیت ، علامهٔ طباطبایی ، ص ۱۳ ، ۲۰ .

Marfat.com

درستکاری وی دارد ، تقلید کند و به واسطهٔ همین اتصال ، از تخصص و تشخیص علمی و دانش وی برای پیمودن مسیر حیات مذهبی خود استفاده کند و آن را برای خود تشخیص علمی فرض کند .

از طرفی باید اعتراف کنیم که برای همهٔ مردم امکان و فرصت این نیست که به اجتهاد بپردازند . زیرا نه زمان اجازهٔ چنین کاری را به همه می‌دهد و نه تهیهٔ معاش زندگی فرصتی باقی می‌گذارد که همگان سالها به تحصیل علم پرداخته تا به تخصص و اجتهاد برسند . از این‌رو ما مجبوریم در قسمتهای مهمی از مسائل زندگی مادی و معنوی خویش از دیگران تقلید نموده واز تخصص و تجربیات آنها بهره گیریم . اتفاقاً اسلام به این عدم توانایی همگانی واقف بوده وبه آن در موارد بسیاری صریحاً و یا تلویحاً اشاره کرده است که به موردی از آن اشاره می‌کنیم :

« وَمٰا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلاٰ نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طٰائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذٰا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ »[1] . همه مؤمنان نمی توانند برای آموختن حقایق دین سفر کنند ؛ پس از هر گروه از مؤمنان ، تنی چند سفر نمایند و در احکام دین فقاهت یافته و پس از آنکه به میان قوم خود بازگشتند ، با دانش و فقه خویش ، آنهارا از ارتکاب معاصی باز داشته و بیم دهند .

روایات بسیاری نیز در باب وجوب فراگیری علم از طریق پیامبر(ص) و امامان(ع) به دست ما رسیده که مشهورترین آنها روایت « طلب‌العلم فریضة علی کل مسلم »[2] است . همچنین حضرت امام رضا(ع) به روایت از امیرالمؤمنین علی(ع) و او از پیامبر(ص) نقل فرموده است که : علم بیاموزید ؛ چه آنکه علم واسطهٔ بین شما و خداوند است و حلقهٔ ارتباط بین خالق و مخلوق . از این‌رو فراگیری علم بر همهٔ مسلمانان واجب

---

۱ . توبه ، ۱۲۲ .

۲ . بصائرالدرجات ، ص ۲۲ ، ۲۳ ؛ امالی طوسی ، ج ۲ ، ص ۱۰۲ ، ۱۳۵ ؛ روضة الواعظین ، ص ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ .

Marfat.com

است[۱]. این روایت را به صورتهای مختلف نقل کرده‌اند .

نتیجه‌ای که از آیات و روایات یاد شده می‌گیریم این است که یکی از وظایف مسلمانان دانش اندوزی و فراگیری علم است . البته به تصریح بسیاری از روایات علومی که فراگیری آن واجب است دانش دین و علم فقاهت در احکام و تشخیص علمی آنها از راه اجتهاد است . پر واضح است که تشخیص علم احکام دین و پیداکردن فقاهت در مسائل شرعی برای همهٔ مردم امکان پذیر نیست و تنها عده‌ای معدود ، قدرت و توانایی انجام این وظیفه را داشته و می‌توانند با بررسی دستورات و فرامین و احکام دینی از راه استدلال و به کار انداختن قواعد استنباط احکام به این مهم دینی پرداخته و مقررات و احکام دین را به دست آورده و مسلمانان را در عمل به دستورات اسلام راهنمایی کنند .

عمل استنباط احکام را در اسلام اصطلاحاً اجتهاد می‌نامند وکسی راکه صاحب این عمل و دارای قوهٔ استنباط است فقیه می‌نامند . آنهایی که از استنباط معذورند ، چون نمی‌توانند احکام را به دست آورند ، دارای وظیفه‌ای دیگر هستند که اصطلاحاً تقلید نامیده می‌شود و عاملین به تقلید را مُقلِّد می نامند .

علاوه بر آیات و اخبار راجع به اجتهاد و تقلید ، بهترین دلیل برای ثبوت اجتهاد و تقلید ، سیرهٔ مستمر مسلمین است که از صدر اسلام تا امروز ، دایر بوده و پیوسته افرادی که توانایی اجتهاد داشتند به اجتهاد و صدور فتوا می‌پرداختند وآنان که از توانایی فراگیری علم استدلالی به احکام شرعی و معارف دینی و اجتهاد عاجز بودند ، به فقها و دانشمندان مورد وثوق مراجعه نموده و مسائل مورد ابتلای خودرا از آنان اخذ کرده و تقلید می‌نمودند .

برای اثبات لزوم اجتهاد و تقلید در احکام شرعی ، غیر از دلایلی که از طرق آیات ، روایات و سیرهٔ مسلمانان ارائه شده ، دلایل دیگری ، از جمله دلیل عقلی ، نیز وجود دارد که به این شرح است : قوانین و مقررات دینی که در قرآن و سنّت آمده ، کلّی و

---

۱ . وسائل الشیعه ، ج ۲۷ ، ص ۲۵ ـ ۲۸ .

Marfat.com

محدود است ، در حالی که صور اعمال و حوادث واقعه و مسائل مستحدثه ، که مورد ابتلای جامعهٔ اسلامی است ، غیرمتناهی و نامحدود می‌باشد . از این‌رو برای به‌دست آوردن جزئیات احکام و تفاصیل آنها ، راهی جز استنباط ، اجتهاد ، اعمال نظر و پیمودن راه استدلال وجود ندارد . این هم راهی است که تمامی عقلای جامعه برای تشخیص وظایف فردی و اجتماعی از متن قوانین و دستورات کلّی و جزیی می‌پیمایند . اتفاقاً در احادیثی که از طریق پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به‌ما رسیده ، موارد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد صحابهٔ رسول‌الله(ص) و معصومین(ع) وپیروان آنان ، احکام شرعی راکه مورد ابتلای جامعهٔ رو به توسعهٔ اسلامی بوده ، از کتاب و سنّت به همین طریق استخراج و استنباط می‌کرده‌اند و از راه اجتهاد مشکلات جدید جامعهٔ اسلامی را در عمل به قوانین و مقررات اسلامی می‌گشوده‌اند که این همان اجتهاد است .[1]

مفهوم اجتهاد و تقلید

با توجه به دلایلی که از آیات ، روایات ، سیرهٔ مستمر مسلمانان و عقل راجع به لزوم اجتهاد ارائه شد ، شکی باقی نمی‌ماند که نه تنها اجتهاد در یافتن احکام و مقررات حوادث واقعه و مسائل جدید در جامعهٔ اسلامی لازم است ، بلکه امری واجب شمرده شده است . امّا نکتهٔ مهم در موضوع اجتهاد و تقلید این است که منظور از اجتهاد و تقلید از نظر فرق اسلامی چیست؟

اجتهاد به طور خلاصه و سربسته به‌مفهوم صاحبنظر شدن و تخصصّ فنی در امر دین است که از نظر شیعه به دو نوع مشروع و ممنوع تقسیم می‌گردد : اجتهاد ممنوع در نظر شیعه به‌معنای تقنین و تشریع قانون است که مجتهدی حکمی راکه در کتاب و سنّت نیست ، با فکر و رأی خویش جعل و وضع نماید . این نوع اجتهاد را اصطلاحاً « اجتهاد

۱ . بحثی در بارهٔ مرجعیت و روحانیت ، ص ۱۳ ـ ۱۶ .

Marfat.com

به رأی » می‌نامند که اهل تسنّن آن را جایز شمرده و آن را یکی از منابع واز ادلهٔ شرعیهٔ استخراج و استنباط حکم شرعی دانسته وآن را در عرض کتاب‌الله و سنّت رسول‌الله(ص) به شمار آورده‌اند . این نوع اجتهاد را برخی از علمای اهل تسنّن ، قیاس و یا استحسان هم نامیده‌اند . فقهای شیعه این گونه اجتهاد را در اصل مردود دانسته و استدلال طرفداران آن را مبنی بر اینکه « احکام کتاب‌الله و سنت رسول‌الله(ص) برای رفع حوایج جامعهٔ اسلامی کافی نیست » رد کرده و بی‌پایه دانسته‌اند . شیعه معتقد است که در آیات و احادیثی که از طریق پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به ما رسیده ، تصریح شده که حکم هر چیز به طور کلی در کتاب‌الله و سنّت رسول‌الله بیان شده وکافی است که مجتهد و فقیه با استفاده از آن احکام کلی ، مقررات جزئی را از آنها استخراج نماید .

اجتهاد به مفهوم قیاس و استحسان در میان اهل سنّت نیز چندان دوامی نیافت و تدریجاً آن را مردود شمرده و این حق را سلب و باب اجتهاد را مسدود ساختند واز آن پس فقها ، علما و سلاطین مردم را به تقلید و پیروی از چهار امام معروف اهل سنّت (مالک ، احمد بن حنبل ، ابوحنیفه و شافعی) سوق دادند . فقهای بزرگ و نامدار شیعه نیز با اجتهاد به این مفهوم سخت مخالفت ورزیده وکسانی چون شیخ طوسی در کتب خویش به رد آن پرداختند . ولی از قرن پنجم هجری مفهوم اجتهاد تغییر یافت و برخی از علمای اهل سنّت ، مانند ابن حاجب و غزّالی در کتابهای خود ، مفهوم جدیدی از اجتهاد را مطرح ساختند و آن را به معنی مطلق جهد و کوشش برای به دست آوردن حکم شرعی به‌کار بردند و دیگر اجتهاد به عنوان یکی از ادلهٔ شرعیه در عرض کتاب و سنّت قرار نمی‌گرفت واز آن پس فقهای شیعه نیز اجتهاد را در مفهوم جدید پذیرفتند .

اجتهاد تدریجاً به معنای وسیعتری استعمال گردید و آن را به معنای تدبّر و تعقّل برای فهم ادلهٔ شرعیه به‌کار بردند که احتیاج به یک رشته علوم مقدماتی داشت و مجتهد و فقیه با آن علوم مقدماتی ، قدرت و شایستگی و استعداد تعقّل و تدّبر صحیح و عالمانه در استنباط احکام شرعی پیدا می‌کرد . در حقیقت استنباط احکام از مجموع ادلهٔ شرعی

Marfat.com

بدون آگاهی از این علوم مقدماتی امکان پذیر نیست . مهمترین این علوم عبارتند از :

۱ ـ ادبیات عرب ، که مشتمل بر علومی چون صرف ، نحو ، معانی و بیان (شناخت استعارات و سمبل‌ها) و لغت شناسی می‌باشد .

۲ ـ منطق ، علمی که بر روی روابط مفاهیم و ساختمان اندیشه کار می‌کند .

۳ ـ اصول ، دانشی (فنّی) که مشتمل بر دهها قاعده واصل است واز ابزار استنباط حکم شرعی است .

۴ ـ رجال ، علمی که عهده‌دار مطالعه در شرح حال ناقلان حدیث و راویان اخبار است و صلاحیت و عدم صلاحیت آنان را در نقل حدیث مسجّل می‌سازد .

۵ ـ درایه ، دانشی که انواع حدیث و درجهٔ امتیاز و صحّت و سقم آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد .

افزون بر این علوم ، هر مجتهد باید به تاریخ و تفسیر نیز آگاهی داشته باشد و قواعد اصولی و فقه سایر مذاهب را نیز بخوبی بداند تا بتواند در هنگام استنباط و اجتهاد یک حکم از آنها بهره گیرد . بنابر این اجتهاد مشروع از نظر شیعه ، اجتهاد به معنای تخصص فنی است و عبارت از به کار بردن کوشش بسیار وجهد فراوان در یافتن حکم شرعی است . به اعتقاد ما شیعیان پس از حضرت ختمی مرتبت ، نخستین فقیه و مجتهد شریعت ، خلیفهٔ برحق او حضرت علی(ع) عهده‌دار این امر خطیر در جامعهٔ اسلامی بوده است و پس از وی یازده فرزند بزرگوارش به ترتیب عهده‌دار منصب فقاهت و اجتهاد بوده‌اند تا در نهایت در غیبت صغری این امر به دست نواب اربعه و در غیبت کبری به فقیهان و عالمان هر عصر قرار گرفت .

اصول کلی حاکم بر امر اجتهاد از نظر شیعه به این شرح است :

الف . شریعت اسلام شامل و ناظر بر کلیهٔ امور حیات است .

ب . قوانین شریعت امور قطعی و تمام شده نیست ، بلکه همواره اصل بر این است که مسائل جدیدی پیش آمده و بر مقتضای هر یک از آنها باید فتاوای جدیدی صادر گردد

Marfat.com

که در نهایت پویایی و تحرک شریعت را در هر عصری تضمین نماید .

ج . مصادر و ادلهٔ احکام شرع که هر مجتهد باید با توجه به آنها بـه اسـتنباط حکـم شرعی بپردازد ، بنابر اعتقاد عموم فقهای شیعه چـهار اصـل است : کـتاب‌الله ، سـنّت ، اجماع (که در آن حضور امام عصر قطعی است) و عقل .

د . وصول به امر اجتهاد نیازمند به مهارت علمی و مـمارست خـاص و طـولانی در علوم و فنون دیانت است .

هـ . اجتهاد و تقلید به‌تصریح همگان جز در فروع دین نیست .

و . فقها و مجتهدان بر اساس انتخاب مردم برگزیده نمی‌شوند ، بلکه فقیه و مجتهدی به مرجعیّت عامه می‌رسد و می‌تواند اقدام به صدور حکم و فتوا نماید که شرایط لازم را داشته باشد .

شرایط فقاهت و مرجعیت

شیعیان برای فقیهان و مفتیانی که به‌صدور حکم شرعیٌ و فتوا می‌پردازند ، شـرایـط خاصّی قائلند که اجمالاً به این شرح است :

۱ . علم استدلالی (ملکهٔ استنباط) و یا هدایت مخصوص الهی . هر کس دارای ایـن علم و هدایت خاص نباشد و اقدام به‌صدور حکـم و فـتوا نـماید بـه‌تصریح روایـات ، فرشتگان رحمت و عذاب اورا لعن کرده و گناه افرادی که به فتاوای وی عمل می‌کنند به گردن خود او می‌باشد : «**قال ابوجعفر(ع): من افتی‌الناس بغیر علم و لا هدی من‌الله، لعنته ملائکةالرحمة وملائکةالعذاب ولحقه وزر من عمل بفتیاه**» .[1]

۲ . احکام و فتوای مجتهد و فقیه باید مبتنی بر کتاب خـدا و سـنّت رسـول‌الله بـاشد و آن‌کس که بر خلاف ما انزل‌الله رأی و فتوا دهد ، به‌تصریح *قرآن* ، کافر است : «**وَمَنْ لَمْ**

---

۱ . الکافی ، ج ۷ ، ص ۴۰۹ ؛ المحاسن برقی ، ص ۲۰۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۷ ، ص ۲۰ .

Marfat.com

يَحْكُمْ بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْكٰافِرُونَ». [۱]

۳. فقیه باید در استنباط احکام شرعی علاوه بر کتاب و سنّت به آثار و اخبار امامان معصوم(ع) که همانا اهل‌بیت پیامبر هستند، مراجعه کند و اگر چنین نکرد، فقیهی گمراه است: «عن ابوعبدالله(ع): علیکم بآثار رسول‌الله وسنّته وآثارالائمّةالهداة من اهل‌بیت رسول‌الله(ص)، فانه من أخذ بذلك، فقد اهتدیٰ، ومن ترك ذلك ورغب عنه ضلّ، لأنَّهُم هم‌الذین امرالله بطاعتهم وولایتهم». [۲]

۴. فقیه باید به دور از هر نوع دنیا پرستی باشد؛ زیرا فقیه، امین پیامبران است: «قال رسول‌الله(ص): الفقهاء أمناءالرسل مالم یدخلوا في‌الدنیا» [۳]. حضرت علی(ع) نیز دوری از دنیا را از شرایط رهبری و پیشوایی دانسته است: «الا وان لکل مأموم اماماً یقتدي به، یستضيء بنورعلمه، الا وان امامکم قداکتفی من دنیاه بطمریه ومن طعمه بقرصیه، الا وانکم لا تقدرون علی ذلك، ولکن‌اعینوني‌بورع واجتهاد وعفة وسداد» [۴].

یعنی برای هر پیروی کننده‌ای امامی است که به وی اقتدا می‌کند واز نور علم وی روشنی می‌گیرد و هدایت می‌شود. آگاه باشید که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه و از خوراک به دو قرص نان اکتفاکرده است و شما بر چنین رفتاری توانا نیستید، پس مرا به پرهیزگاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری یاری کنید.

۵. فقیه باید دور از اسارت هوای نفس، رها از هوسهای مادی، خویشتندار، حافظ و نگهبان دین خدا باشد. با این ویژگیهاست که او می‌تواند پاسدار دین، شرف و ناموس مسلمین باشد: «قال‌العسکري(ع): فامّا من کان من‌الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لأمر مولاه، فللعوام ان یقلدوه». [۵]

---

۱. مائده، ۴۴.
۲. الکافی، ج ۸، ص ۸؛ وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۸۶ـ۸۷.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۶.
۴. نهج البلاغة، نامهٔ ۴۵.
۵. وسائل الشیعه ج ۲۷، ص ۱۳۱؛ الاحتجاج طبرسی، ص ۴۵۷.

Marfat.com

۶ . فقیه و مرجع باید تجسّم عینی و عالی ارزشهای بنیادین مکتب اسلام باشد و صفات تقوا ، عدالت ، حلم ، را به حدّ کمال در خود فراهم کرده باشد ، زیرا در این صورت است که فقیه مهر و محبّت جامعهٔ محروم و مستضعف را صمیمانه به‌دل گرفته و به آنان عشق می‌ورزد و با ظالمان و زورمندان سختگیری می‌نماید ، و همپای محرومین و مانند آنها زندگی می‌کند و درد آنها را به‌جان می‌چشد .

۷ . علم و آگاهی نسبت به زمان و شناخت چند و چون روابط سیاسی و رشد اجتماعی و توجه به‌مناسبات خاص اجتماعی ، کاردانی و باکفایت بودن و تدبیر نیز از جمله خصایص و شرایط فقاهت و مرجعیّت عامه است . برخی از علما و فقها شرایط دیگری نیز برای مرجعیت وزعامت شیعه و جامعه اسلامی عنوان کرده‌اند که در اینجا مجال شرح آنها نیست .(۱)

تقلید ممنوع از نظر شیعه عبارت از پیروی کورکورانه و سرسپردگی بی‌دلیل از غیر متخصص است ، و در مقابل تقلید مشروع ، اطاعت از متخصص فن و پیروی از علم و دانش وی می‌باشد .

سخن در باب امر اجتهاد ، مرجعیت و فقاهت از دیدگاه شیعه ، بسیار است که در این مختصر نمی‌گنجد و قصد ما هم این نبوده است ، بلکه هدف اشاره‌ای کوتاه به مسائل مهم مرجعیت بوده است . اینک جا دارد در خاتمهٔ این سخن ذکری از مشاهیر مجتهدان ، فقیهان و مراجع تقلید بزرگ شیعه از شروع غیبت صغری تا اوایل قرن چهارم هجری که زمان طلوع کوکب درخشان فقاهت و مرجعیت در شیعه است ، داشته باشیم .

امام دوازدهم مهدی(ع) در پنج سالگی بنابر ارادهٔ الهی و مشیّت خداوندی و به جهت مصالحی که بر ما پوشیده است ، از سال ۲۵۵ قمری از نظرها غایب شد که تا ۳۲۹ قمری به پایان رسید و آن را غیبت صغری می‌نامند و به مدت ۷۴ سال به طول انجامید . در این دوره چهار تن از علمای بزرگ عصر به‌عنوان نایبان آن‌حضرت و واسطه‌های

---

۱ . الجواهر ، ج ۲۱ ، ص ۳۹۸؛ ولایة الفقیه ، معرفت ، ص ۵ـ۷.

Marfat.com

ارتباط بین امام و شیعیان عمل می‌کردند که آنها را « نواب اربعه » می‌نامیدند و به ترتیب عبارتند از : عثمان بن سعید ، فرزندش محمد بن عثمان ، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی وابوالحسن سیمری . غیر از این نایبان خاص ، محدثان و فقیهان بزرگ دیگری نیز در نیمهٔ دوم قرن سوم هجری در تاریخ شیعه پیدا شدند که هریک از آنها به قدر امکانات محدود آن زمان در صیانت و پاسداری از حریم تشیع کوشیدند ، مشاهیر آنان عبارتند از :

۱ ـ فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) ، مؤلف کتاب ارزشمند *الایضاح* که در نوع خود کتابی پر ارزش بود و در دفاع از حریم تشیع نقش بسیار ارزنده‌ای داشت .

۲ ـ احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) ، نویسندهٔ کتابهای با ارزش *المحاسن* و *رجال* و کتابهای دیگر ، که از نگهبانان بزرگ مذهب تشیع بوده است .

۳ ـ محمد بن احمد بن یحیی (م ۲۹۳ق) ، نویسندهٔ نامدار کتاب *نوادر الحکمة* ، یکی از بزرگترین گردآورندگان احادیث که مرجع شیعیان قم و ری و بیشتر مناطق شیعه نشین بوده است .

محدثان و فقیهان بزرگ تاریخ تشیع

قرن چهارم هجری

در قرن چهارم نیز شخصیتهای علمی و فقهای برجسته‌ای در عالم تشیع قد علم کردند و با علم و تخصص و فقاهت خویش و آثاری که به‌وجود آوردند به اسلام و تشیع ، حرکت ، پویایی و جاودانگی بخشیدند واز شیعه و مذهب پر بار تشیع بخوبی پاسداری کردند . در اینجا به چند تن از آنان اشاره می‌کنیم :

۱ . محمد بن یعقوب رازی ، معروف به شیخ کلینی که در حدود ۲۵۵ قمری در عصر امام حسن عسکری(ع) دیده به جهان گشوده و در ۳۲۹ قمری در بغداد درگذشت . وی

Marfat.com

از بزرگان شیعه است که گفته‌اند چشم روزگار محدثی نامورتر از او ندیده است . او طی بیست سال یکی از استوارترین و محکمترین کتب حدیثی را به وجود آورد . این کتاب یکی از کتب معتبر چهارگانهٔ (کتب اربعه) شیعه است . دو جلد اول این کتاب به نام ***الاصول من الکافی*** شامل برخی از اصولی است که به‌عنوان [اصول اربعمأه] در تاریخ شیعه معروف است . کتاب کافی کلینی جمعاً هشت جلد است که در حدود ۱۶۱۹۹ حدیث را در بر دارد . نویسندگان شیعی و سنّی از این کتاب ستایش بسیار کرده‌اند . شیخ کلینی در بغداد مورد احترام فرق مختلف اسلامی بود و اورا به عنوان مرجع فقهی خویش قبول داشتند . او نخستین کسی است که در تاریخ اسلام « ثقةالاسلام » نامیده شد .

۲ . علی بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ق) ، پدر شیخ صدوق و مؤلف کتاب *الشرایع* که در قم مدفون است . در عظمت او همین بس که نامه‌ای به وسیله یکی از نواب خاص امام عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ـ برای آن حضرت فرستاد و در آن نامه در خواست حاجتی کرد که آن حاجت از طریق دعای آن حضرت برآورده شد و خداوند دو فرزند به او عنایت کرد که هریک از آنها از فقهای بزرگ شیعه گردیدند .

۳ . ابن ابی‌عقیل عمانی ، ابومحمد حسن بن علی حذّاء (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ق) ، فقیه و متکلم شیعی سدهٔ چهارم هجری و معاصر شیخ کلینی و علی بن بابویه قمی . فقهای شیعه به فتاوا و آرای وی زیاد استناد کرده‌اند . معروفترین کتاب وی *المتمسّك بحبل آل‌الرسول (ص)* نام دارد . ابن ابی‌عقیل وابن جنید اسکافی در میان علما و فقهای شیعه به « قدیمین » معروف هستند .

۴ . ابن جنید ، ابوعلی ، محمد بن احمد اسکافی (م ۳۸۱ق) ، فقیه اصولی و مؤلف کتاب معروف *تهذیب الشیعه لاحکام الشریعه* در حدود بیست جلد که بعد آن را مختصر کرد و *المختصر الاحمدی للفقه المحمدی* نامید .

۵ . محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۰۶ ـ ۳۸۱ق) ، معروف به شیخ صدوق که بحق اورا شیخ‌الشیعه و استاد شریعت نامیده‌اند . او در ۳۵۵ قمری در سنین جوانی وارد عراق

Marfat.com

شد .در مجلس درس وی‌مشایخ‌بزرگی‌شرکت می‌کردند واز او حدیث‌اخذ می‌کردند .او بانگارش بیش از سیصد کتاب و رساله در علوم فقه ، حدیث ، رجال ، کلام و دیگر علوم اسلامی خدمت بزرگی به جهان تشیع کرد . معروفترین کتاب وی *کتاب من لا یحضره‌الفقیه* نام داردکه یکی ازکتب اربعهٔ شیعه است . در جلالت شأن وی همین بس که با دعای امام زمان دیده به جهان گشود . وی در شهر ری مدفون است .

قرن پنجم هجری

یکی از پربارترین دوره‌های تاریخ تشیع قرن پنجم هجری است . در این قرن عالمان بزرگ و فقیهان نامدار و برجسته‌ای در میان شیعیان ظهور کردند که هریک از آنها در زمان خود پرچمدار علم و معرفت و پاسدار حریم تشیّع و نگاهبان شریعت اسلام بودند . نامورترین آنها عبارتند از :

۱ . محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۶ـ۴۱۳ق) ، معروف به شیخ مفید ،که پس از شیخ صدوق به زعامت شیعه رسید و اورا بزرگترین زعیم شیعه در کلام ، فقه ، حدیث و تاریخ در عصر خود دانسته‌اند . او در زمان دولت بویهیان که خود از خاندانی شیعی و مروج مذهب تشیع بودند ، زعامت شیعه را به‌دست گرفت . عضدالدولهٔ دیلمی فرمانروای مطلق جهان اسلام به زیارت شیخ می‌رفت . شیخ مفید تألیفات بسیاری در رشته‌های مختلف علوم اسلامی داشت . او سخنوری توانا و عالمی پارسا و متفکری بزرگ بود . او دو بار در اثر سعایت مفسدان توسط خلیفهٔ عباسی به خارج از بغداد تبعید گردید . اما یک لحظه از دفاع نسبت به حریم تشیّع دست نکشید . مهمترین آثار وی *المقنعه* ، *الارشاد* و *امالی* است . شیخ مفید ، استاد سید رضی و سید مرتضی است .

۲ . ابوالقاسم ، علی بن الحسین بن موسی (۳۵۵ـ۴۳۶ق) ، معروف به شریف مرتضی و علم‌الهدی . متکلّم ، فقیه ، اصولی ، مفسّر ، ادیب ، لغوی و شاعر بزرگ شیعه و نقیب طالبیان و شاگرد شیخ مفید که پس از استاد خود زعامت شیعه به او رسید . سید مرتضی

Marfat.com

یکی از بزرگان عصر خویش واز نامداران فقهای شیعه است که در علوم و فنون مختلف چیره دست بود . وی نیز چون استاد خود دارای آثار و تألیفات مختلفی است که معروفترین آنها *الذریعه* ، *ناصریّات* و *مسائل الخلاف* در فقه و *الشافی* در کلام می‌باشد . برادر وی سید رضی نیز یکی از نامورترین علمای شیعه است که کتاب *نهج البلاغه* را تألیف کرد .

۳ . ابوجعفر ، محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ـ ۴۶۰ق) ، معروف به شیخ‌الطائفه و شیخ طوسی ، که از مشاهیر فقها و علمای شیعه است . وی در ۴۰۸ قمری از خراسان به عراق آمد و پنج سال از محضر درس شیخ مفید استفاده کرد و پس از وی ۲۲ سال از خرمن دانش سید مرتضی توشه‌ها برداشت و پس از درگذشت استاد خود ، مرجعیّت علمی شیعه را به‌عهده گرفت و آوازهٔ دانش و شخصیت وی در عراق ، ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی پیچید ؛ چنان که به هنگام تدریس ، بزرگترین شخصیتهای علمی آن زمان ، اعم از شیعه و سنّی ، در زیر کرسی درس او زانو می‌زدند واز دانش بیکران وی بهره می‌بردند ، اما فتنه گران و بازیگران صحنهٔ سیاست که بزرگی شیخ و عظمت شیعه را تحمل نمی‌کردند ، عوام‌الناس را تحریک کرده و آشوب به راه انداختند تا بالاخره خانه و کاشانهٔ شیخ طوسی را غارت نموده و به‌آتش کشیدند ، کتابخانهٔ شیخ طوسی نیز در این فتنه و آشوب متعصبان گرفتار حریق گردید و شیخ طوسی از بغداد به نجف اشرف ، که در آن زمان آوازه‌ای نداشت ، هجرت کرد و همانجا رحل اقامت افکند .

ورود شیخ طوسی به نجف اشرف و برگذاری کرسی تدریس در این شهر ، باعث گردید که از هر سو شیفتگان و علاقه‌مندان به‌کسب دانش از اطراف و اکناف بلاد اسلام به این شهر روی آوردند و به این ترتیب حوزهٔ علمیهٔ نجف توسط شیخ‌الطائفه تأسیس و بنیانگذاری گردید که هم اکنون نیز برقرار است . شیخ طوسی دارای تألیفات بسیاری در رشته‌های مختلف علوم اسلامی است . سه کتاب معروف *الفهرست* ، *اختیار معرفة الرجال* و *رجال* وی جزو کتب اربعهٔ رجالی و دو کتاب *تهذیب* و *استبصار* او جزء کتابهای چهارگانهٔ

Marfat.com

(کتب اربعهٔ) حدیثی شیعه است . کتابهای *خلاف* و *مبسوط* در فقه و *عدة الاصول* وی در اصول نیز بسیار معروف هستند . شیخ طوسی در هر رشته‌ای که کتاب نوشته حرف اول را زده است . کتابهای وی در آن رشته‌ها از کتب معتبر در نزد شیعه است . شیخ طوسی نخستین مجتهدی است که اجتهاد و استنباط احکام شرعی را از اصول کلی آن به‌صورت عملی وارد فقه شیعه نمود ، و کتاب *المبسوط* او اولین کتابی است که به‌صورت فقه استدلالی و با استفاده از قواعد و اصول کلی و ارجاعات فروع فقهی به اصول کلی تدوین یافته است .

قرن ششم هجری

بزرگی و عظمت شیخ طوسی و یکّه تازی او در بسیاری از علوم و فنون تا مدتها مجالی به‌دیگران نمی‌داد که در مقابل اندیشه‌های بزرگ شیخ عرض اندام کنند . از این رو تا یک قرن پس از وی شخصیت مهمّی ظهور نکرد ، اما در اواسط نیمهٔ دوم قرن ششم هجری فقهای بزرگی در عالم تشیع پدید آمدند که برخی از آنها در مقابل آراء و نظریات شیخ قد علم کردند و افکار و اندیشه‌های وی را نقد کردند . مشاهیر این فقیهان عبارتند از :

۱ . سعید بن هبة‌الله بن حسن راوندی ، ملقب به قطب‌الدین و معروف به قطب راوندی (م ۵۷۳ق) ، فقیه ، متکلّم و مفسّر بزرگ شیعی ، اهل راوند کاشان که در قم سکونت داشت و در این شهر مدفون است . مهارت وی در علوم وفنون دینی مورد تأیید همگان است . مشهورترین کتاب وی فقه *القرآن* و یا *آیات الاحکام* است . وی شرحی بر کتاب *النهایهٔ* شیخ طوسی در ده جلد نوشته است .

۲ . ابوالقاسم جمال‌الدین عبدالله بن علی حسینی حلبی (۵۳۱ ـ ۵۸۰ق) ، معروف به ابن زهره . از بزرگان فقهای شیعه که زعامت و کرسی تدریس فقه شیعه را در حلب به‌عهده داشت . او صاحب آثار بسیاری است که معروفترین آنها *غنیة النزوع* در مبانی

Marfat.com

اصول فقه واجتهاد است .

۳ . ابن شهرآشوب ، رشیدالدین ابوعبدالله محمد بن علی سروی (۴۸۸ـ۵۸۸ق) ، از مفاخر علمای امامیه واز مشایخ جلیل‌القدر شیعه است . وی حدود صد سال زندگی کرد و در مازندران ، بغداد و حلب به تعلیم و تدریس پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد و آثار بسیاری تألیف نمود که معروفترین آنها *مناقب آل ابی طالب* و *معالم‌العلماء* است .

۴ . فخرالدین محمد بن احمد بن ادریس عجلی حلی (۵۴۳ـ۵۹۸ق) ، یکی از فقهای نامدار شیعه که به‌دلیل انتقاد از شیخ طوسی و اعتقاد نداشتن به خبر واحد بسیار معروف است . اثر مهم و معروف او کتاب *السرائر* است که یکی از مهمترین کتب فقهی شیعه به‌شمار می‌رود . ابن ادریس به دادن فتاوای بی‌سابقه و بیان اقوال خاص شهرت زیادی دارد .

قرن هفتم هجری

۱ . رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر ، مشهور به سید بن طاووس (۵۸۹ـ ۶۶۴ ق) ، متکلّم ، محدّث و فقیه حلّی ، که در سلسلهٔ عالمان و محدثان شیعی از اعتبار والایی بر خوردار است . او دارای آثار و تألیفات بسیاری در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که معروفترین کتاب وی *الاقبال* است و تنها اثر فقهی او کتاب *غیاث سلطان الوری لسکّان الثری* نام دارد . ابن طاووس در بغداد درگذشت و گفته‌اند بنابر وصیّت خود او جنازه‌اش را به نجف اشرف حمل کردند . امّا اکنون در بیرون شهر حلّه آرامگاهی منسوب به اوست .

۲ . نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی حلّی ، معروف به محقق اوّل و محقق حلّی (۶۰۰ ـ ۶۷۶ق) ، فقیه ، اصولی ، متکلّم واز بزرگان علمای شیعه . او در فقه روش جدیدی پدید آورد و توانست دانش فقه را بر پایه‌های محکمتری استوار سازد . آثار معروف او عبارتند از *معارج اصول* ، *مختصر نافع* و کتاب مهمّ *شرایع الاسلام* که از متون

Marfat.com

درسی حوزه‌های علمی شیعه است . کتاب مهم دیگر او *المعتبر* است که در آن از مبانی اجتهاد دفاع کرده است .

قرن هشتم هجری

۱ . جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهّر ، معروف به علاّمهٔ حلّی (۶۴۸ـ ۷۲۶ق) ، یکی از نامدارترین و بزرگترین فقهای شیعه ، که پایه گذار روش و سبک جدیدی در نحوهٔ استخراج و استنباط احکام شرعی از منابع آن ، بویژه سنّت ، بود و تقسیم بندی جدیدی برای روایات نمود . نمونهٔ بارز و پیشرفت اجتهاد را در کتاب معروف او به نام *القواعد* می توان یافت که در آن حکم هزاران فرع فقهی را با اجتهاد و ارجاع به اصول بیان کرده است . او کتابهای فراوانی در رشته‌های علوم اسلامی تألیف کرد ، اما کتابهای معروف فقهی او عبارتند از : *تذکرة الفقهاء* ، *تحریر الاحکام* ، *نهایه* و *منتهی* که همگی مشتمل بر بحثهای فقهی و استدلالهای علمی فراوان است . علامهٔ حلّی خدمات ذیقیمتی به مذهب تشیع کرد و هموست که سلطان محمد خدابندهٔ مغول را به مذهب تشیع درآورد . برخی از کتابهای او اکنون مورد عنایت حوزه‌های علمیهٔ شیعه است .

۲ . فخرالمحققین ، محمد بن حسن بن یوسف ، فرزند علامهٔ حلّی (۶۸۲ـ ۷۷۱ق) ، از بزرگان و محققان علمای امامیه و از فقهای برجستهٔ شیعه است . او استاد شهید اول بود . گویند او در جوانی به مقام اجتهاد رسید . ارزنده‌ترین کتاب او *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد* است که به دستور پدر خود تألیف کرد و به گفتهٔ شیخ بهایی نظیر آن در کتب فقه استدلالی تألیف نشده است .

۳ . جمال‌الدین محمد بن مکّی عاملی ، معروف به شهید اول (۷۳۴ـ ۷۸۶ق) ، که بعد از علامهٔ حلّی از سرآمدان فقهای شیعه به‌شمار رفته است . او نخستین بار فقه شیعه را از آراء و اقوال اهل سنّت تهذیب نمود و علمای پس از وی راه اورا ادامه دادند . شیخ حرّ عاملی ، همشهری او ، در فضیلت و مقام او چنین گوید : شهید ، دانشمندی ماهر ،

Marfat.com

فقیهی محدث ، ثقه‌ای متبحّر و کامل بود و در فنون عقلی ، نقلی ، زهد وادب یگانهٔ روزگار و در عصر خود شخصیتی بی‌نظیر بود . این بزرگوار در سال ۸۷۶قمری با فتوای مفتی مالکی مذهب در شام کشته شد . جسد وی را پس از کشتن به دار آویختند و سنگسار کردند و سوزاندند . او نخستین کسی است که در تاریخ علمای شیعه ملقب به « شهید » گردید . کتاب معروف وی که هم اکنون نیز در حوزه‌های شیعی تدریس می‌شود *لمعه* نام دارد که آن را در زندان نوشت .

قرن نهم هجری

۱ . ابن خازن حائری ، ابوالحسین زین‌الدین علی بن حسن بن محمد (م ۸۲۰ق) ، از فقهای طراز اول شیعه واز شاگردان شهید اول . چون جدّ وی متولی و خزینه‌دار حرم مطهر حضرت امام حسین(ع) بود ، خاندان وی را خازن نامیدند . در اجازه‌ای که شهید اول به وی داده ، دانش و فضل و تبحّر اورا در علوم معقول و منقول ستوده است . او در کربلا درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد .

۲ . ابن فهد حلّی ، جمال‌الدین ابوالعباس احمد بن فهد اسدی (۷۵۶ـ ۸۴۱ق) ، فقیه برجسته و عارف‌مشرب شیعی که در موضوع امامت مناظرات بسیاری با علمای تسنّن داشته است . او از شاگردان شهید اول و محقق اول و ابن خازن بود . معروفترین تألیف او *عدة‌الداعی* است .

قرن دهم هجری

۱ . نورالدین علی‌بن عبدالعالی‌عاملی ،مشهور به محقق‌ثانی‌ومحقق‌کرکی(م ۹۴۰ق)، از دانشمندان بزرگ و فقهای نامدار شیعه که در عهد شاه طهماسب صفوی به ایران آمد و مرجعیت عامه پیداکرد و در ترویج مذهب تشیع بسیار کوشید . چه بسا به همّت بلند او بود که تشیّع مذهب رسمی ایرانیان گردید . از آثار گرانقدر او می‌توان *جامع‌المقاصد* و

Marfat.com

شرح *الفیّهٔ* شهید اول را نام برد .

۲ . زین‌الدین بن علی بن احمد بن محمد ، معروف به شهید ثانی (۹۱۱ـ۹۶۵ق) ، از مفاخر و بزرگان علمای امامیه و از متبحران فقهای شیعه . او نخستین کسی است که در علم درایه کتابی مستقل تألیف کرد . همو بر کتاب *لمعهٔ* شهید اول شرحی مفصل نوشته و آن را ***الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*** نامیده است . این کتاب در حوزه‌های علمیهٔ شیعه تدریس می‌شود و به شرح *لمعه* معروف است . شهید ثانی را در اثر سعایت برخی از علمای تسننّ و به دلیل ترویج مذهب جعفری در راه قسطنطنیه به شهادت رسانده و جنازهٔ وی را به دریا انداختند . او دارای تألیفات بسیاری است که در این مختصر نمی‌گنجد .

۳ . شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۱۸ـ ۹۸۴ق) ، پدر شیخ بهایی که از علمای مبرّز و از فقهای معروف شیعه است . وی با اجتهاد در روایات توانست استصحاب را ، که یکی از اصول عملیه می‌باشد ، از طرق روایات ثابت کند . چراکه پیش از وی ، استصحاب را دلیلی ظنّی و اجتهادی ، مانند قیاس و استقراء ، می‌دانستند . از آثار فقهی او شرح *قواعد الاحکام* علامهٔ حلّی است .

۴ . محقق اردبیلی ، احمد بن محمد ، معروف به مقدّس اردبیلی (م ۹۹۳ق) ، فقیه ، متکلم واز زهاد زمانه که به عالم ربّانی موصوف است . از آثار مهم و ارزندهٔ وی *آیات الاحکام* و ***مجمع‌الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الاذهان*** علامهٔ حلی است . مقدس اردبیلی در نجف اشرف درگذشت و در ایوان طلای حضرت علی(ع) به خاک سپرده شد . علامه مجلسی در مقدمهٔ *بحارالانوار* در بارهٔ او نوشته است که در بین علمای پیشین و معاصر کسی را چون او ندیدم .

قرن یازدهم هجری

۱ . محمد بن عزالدین ،حسین‌بن‌عبدالصمد ،معروف‌به شیخ بهایی (۹۵۳ـ ۱۰۳۰ق)، فقیه ، اصولی ، محدث ، رجالی ، مفسر ، متکلم ، ریاضیدان و ادیب برجستهٔ شیعی که

Marfat.com

اورا بحق شیخ‌الفقها و استادالحکما دانسته‌اند . شیخ بهایی در علوم مختلف اسلامی چیره‌دست بود و از نوادر روزگار و نوابغ تاریخ به‌شمار می‌رود . او به کشورهای مصر ، عراق ، لبنان ، سوریه ، فلسطین ، افغانستان و بیشتر نواحی مسلمان نشین عرب ، عجم ، ترک و دیلم سفر کرد و آثار بسیاری پدید آورد که بیش از صد اثر علمی و ارزنده می‌شود . وی زعامت شیعه را در عهد شاه عباس بزرگ صفوی به‌عهده گرفت و به سمت شیخ‌الاسلامی نیز منصوب گردید . از کتابهای معروف فقهی وی ، *جامع عباسی* به فارسی است که در واقع رساله عملیهٔ اوست . شیخ بهایی در اصفهان درگذشت وبنابر وصیت‌او به مشهد مقدس منتقل ودر روضهٔ رضوی به خاک سپرده شد .

۲ . میرداماد ، سید محمد باقر حسینی گرگانی مرعشی (م ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ق) ، فقیه ، فیلسوف و از علمای طراز اول جهان تشیع که با شیخ بهایی معاصر بوده است . او دخترزادهٔ محقق کرکی است . او بر کتب اربعه شرح و حاشیه نوشته و آثار بسیاری در فقه ، حدیث و فلسفه دارد . یکی از معروفترین کتابهای وی *الروائح‌السماویة فی شرح‌الاحادیث الامامیّة* است . میرداماد بین راه نجف و کربلا درگذشت و جنازهٔ وی به نجف منتقل گردید و در آنجا به خاک سپرده شد . نسب میر داماد به سادات مرعشی می‌رسد که به همین مناسبت از اجداد نسبی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی محسوب می‌گردد و شرح حال وی در اعیان مرعشیان آمده است .

۳ . محمد بن‌مرتضی‌کاشانی ، معروف به فیض‌کاشانی وملاّ محسن‌فیض(م۱۰۹۱ق)، از حکما و فقهای نامدار واز محدثین و متکلمین عالیقدر شیعه . در علوم دینی شاگرد سید ماجد بحرانی و در فلسفه از شاگردان بزرگ ملا صدرای شیرازی است که بعدها داماد وی نیز گردید . او دارای آثار و تألیفات بسیاری است که معروفترین آنها *سفینة النجاة* ، *الوافي* ، *الحق المبین* ، *مفاتیح الشرایع* و *المحجة البیضاء* می‌باشد که عموماً در فقه ، حدیث و اصول هستند .

Marfat.com

قرن دوازدهم هجری

۱ . محمد بن حسن بن علی مشغری ، معروف به شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) ، از بزرگان علمای امامیه و از فقها و مراجع بزرگ تشیع که از جبل عامل لبنان به ایران آمد و در مشهد مقدس سکونت کرد وبه پیشوایی شیعیان خراسان و ریاست علمای آن دیار رسید و او را شیخ‌المشایخ می‌خواندند . شیخ حر عاملی دارای تألیفات ارزنده‌ای بود که از آن میان می‌توان به کتاب مهم و پر ارج *وسائل الشیعه* اشاره کرد . این کتاب یک دورهٔ کامل مدارک فقه شیعه و از کتب مرجع حوزه‌های علمیه است . وی در مشهد مقدس درگذشت و در صحن مطهّر حضرت رضا(ع) مدفون گردید .

۲ . علامهٔ مجلسی ، ملاّ محمد باقر بن محمد تقی ، معروف به مجلسی دوّم و علامهٔ مجلسی (م ۱۱۱۰ق) ، محدّث ، فقیه واز اعاظم و مفاخر جهان تشیع و از معروفترین مراجع اواخر عهد صفویه که فضایل وی بی‌شمار است . او برای نخستین بار در تاریخ تشیع ایران به منصب شیخ‌الاسلامی پایتخت صفویان (اصفهان) و تمام ایران نایل آمد . او کتابهای بسیاری در علوم و فنون مختلف اسلامی تدوین و تألیف کرد که معروفترین آنها مجموعهٔ دائرة المعارفی *بحارالأنوار* در ۱۱۰ جلد است ، دیگری *مرآة العقول* در شرح *اصول کافی* که تاکنون بیش از ۲۵ جلد آن منتشر شده است ، و کتاب *ملاذ الاخیار* در شانزده جلد که برای اولین بار از سوی انتشارات کتابخانهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی چاپ و منتشر گردیده است . علامهٔ مجلسی در اصفهان درگذشت و در کنار مسجد جامع آن شهر به خاک سپرده شد و حسب‌الامر حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، ضریح مجللی از سوی نیکوکاران تهیه و بر روی قبر وی نصب و به وسیلهٔ حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی افتتاح گردید . مرقد وی زیارتگاه عاشقان آل محمد و شیعیان است .

Marfat.com

قرن سیزدهم هجری

۱ . آقا محمدباقر بن محمدا کمل اصفهانی ، معروف به وحیدبهبهانی (م ح ۱۲۰۵ ق) ، از مراجع بزرگ و فقهای نامدار شیعه ، وی با مسلک اخباریگری در ایران و عراق ، که سخت شیوع یافته بود و تهدیدی علیه آزاد فکری مسلمین به شمار می‌رفت ، به مبارزه برخاست و با مجاهدات طاقتفرسایی توانست یک بار دیگر مکتب اجتهاد و اصول فقه را زنده و استوار سازد و شاگردان برجسته و نامداری به جامعهٔ شیعه تحویل دهد . وحید بهبهانی آثارگرانقدری در زمینهٔ فقه واصول ، حدیث و رجال از خود به جای گذاشت که معروفترین آنها *تعلیقةالبهبهانیة* است که حاشیه بر کتاب *منهج‌المقال* استرآبادی است . وی در کربلا درگذشت و در حرم مطهر حضرت امام حسین(ع) مدفون گردید .

۲ . سید مهدی بن مرتضی طباطبایی ، معروف به علامهٔ بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق) ، فقیه ، محدث ، متکلم ، حکیم ، منجم و ریاضیدان و از بزرگترین مراجع عظیم‌الشأن شیعه که در نجف سکونت داشت . از آثار ارزنده او می‌توان کتاب *الدرة النجفیة* ، *شرح وافیة الاصول* و *فوائد رجالیه* را نام برد .

۳ . شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (م ۱۲۲۸ق) ، صاحب کتاب *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغرّاء* واز فقهای مشهور شیعه که در کتاب خود اساس اجتهاد را تنقیح نموده ، چنان که شیخ انصاری در این باره گفته است : اگر فردی قواعد اصولی راکه شیخ جعفر در کتاب *کشف الغطاء* مطرح ساخته به اتقان بداند ، از نظر من مجتهد است .

۴ . آیت‌الله سید علی طباطبایی ، معروف به صاحب *ریاض* (م ۱۲۳۱ق) ، فقیهی بزرگ و محدثی برجسته و صاحب کتاب معروف *ریاض‌المسائل* که یک دوره فقه استدلالی و اجتهادی را در این کتاب آورده است .

۵ . میرزا ابوالقاسم گیلانی ، معروف به میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق) ، مؤلف کتاب مشهور *قوانین‌الاصول* که یکی از کتب اصولی درسی حوزه‌های علمیهٔ شیعه است .

Marfat.com

۶ . حاج ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ق) ، فرزند ملا مهدی نراقی ، که پدر و پسر هردو از علمای مبرز و از فقهای بزرگ شیعه هستند . کتاب معروف *مستندالشیعه* از تألیفات فقهی و مهم ملا احمد نراقی است . او در کاشان درگذشت و جنازهٔ وی به نجف منتقل و در همانجا به خاک سپرده شد .

۷ . شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ق) ، معروف به صاحب *جواهر* که بی‌نیاز از توصیف است . زیرا کتاب معروف و ارزندهٔ وی *جواهرالکلام في شرح شرایع‌الاسلام* او را از تعریف و تمجید و توصیف بی‌نیاز ساخته است . این کتاب نمونهٔ بارزی از سیر تحول و پیشرفت اجتهاد در فقه شیعه را به نمایش گذاشته است .

۸ . شیخ مرتضی انصاری دزفولی (۱۲۱۴ ـ ۱۲۸۱ق) ، معروف به شیخ انصاری و شیخ‌اعظم و از بزرگترین و بارزترین مجتهدان و فقهای دو قرن اخیر که علم اصول و فقه را دگرگون ساخت ؛ چنان که بحثهای اصولی و فقهی و استدلالهای محکم او در کتاب *فرائدالاصول* که به *رسائل* نیز معروف است و در *مکاسب* مشهود است . هر دو کتاب وی جزء کتب درسی حوزه‌های علمیهٔ شیعه است . بیشتر مجتهدان و فقیهان دو قرن اخیر خوشه چین خرمن دانش بیکران وی هستند .

قرن چهاردهم هجری

مرجعیت شیعه در قرن چهاردهم هجری حرکت و پویایی بیشتری داشته است . قرن چهاردهم هجری ، قرن هشیاری ، بیداری ملتها و عصر روشنگری لقب گرفته و شخصیتها و مراجع بزرگ و باکفایتی ظهور کردند که سکاندار کشتی تشیع شدند و رهبری شیعیان و زعامت مذهب را به‌عهده گرفتند . تعداد مراجعی که در این دوره پدید آمدند و خوش درخشیدند ، بسیار است که بیان حتّی اسامی آنان نیز در این کتاب میسّر نیست . در اینجا فقط به ذکر اسامی تعدادی از مشاهیر آنان اشاره می‌کنیم :

۱ . میرزا محمد حسن شیرازی ، معروف به میرزای بزرگ و ملقّب به مجدد مذهب

Marfat.com

(۱۲۲۴ ـ ۱۳۱۲ق) ، فقیه مجاهد و احیاکنندهٔ مذهب جعفری و یکی از علمای مبرّز شیعه که پس از شیخ انصاری مرجعیّت مطلق یافت و عموم شیعیان ایران و عراق و سایر نقاط از او پیروی می‌کردند . مبارزات سیاسی او بر ضد استعمار پیر انگلیس و عوامل او چون ناصرالدین‌شاه قاجار در تحریم استعمال تنباکو ، که منجر به الغای امتیاز کمپانی انگلیسی انحصار تنباکو شد ، بسیار معروف است . وی در شهر سامرا دیده از جهان فرو بست و در نجف اشرف به خاک سپرده شد .

۲ . آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ، معروف به آخوند و صاحب *کفایه* (۱۲۵۵ ـ ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۰ق) ، صاحب کتاب معروف *کفایة الاصول* که حاوی آخرین نظریهٔ شیعه در زمینهٔ مبانی اجتهاد و اصول استنباط است و از کتب مهم درسی حوزه‌های علمیهٔ شیعه به‌شمار می‌رود .

۳ . آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی ، معروف به صاحب *عروة* (۱۲۴۷ ـ ۱۳۳۷ق) ، از علما و فقهای مبرّز و مراجع عالیقدر شیعه و صاحب کتاب مشهور *عروةالوثقی* . این کتاب از شهرت فراوانی برخوردار است[۶]. در دهه‌های اخیر از سنتهای متداول در حوزه‌های علمی شیعه ، که رواج بسیار یافته ، آن است که هر مجتهدی ملزم است پس از رسیدن به مرحلهٔ اجتهاد برای ابراز نظریات اجتهادی خود بر این کتاب حاشیه زده و به نقد و بررسی آراء یزدی بپردازد و سپس نظریهٔ خود را بیان سازد . این کار موجب شهرت بسیار این کتاب گردیده است .

۴ . آیت‌الله میرزا محمدحسین‌نائینی (۱۲۷۳ ـ ۱۳۵۵ق) ، صاحب‌کتاب معروف تنبیه ـ *الملّة وتنزیه‌الامّة* و از فقهای بزرگ شیعه که آراء و نظریات او و استادش آخوند خراسانی در دهه‌های اخیر محور بحثهای اصولی حوزه‌های علمیهٔ شیعه بوده است .

۵ . آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۴ ـ ۱۳۵۵ق) ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم و از مجتهدان و مراجع بزرگ شیعه .

۶ . آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲ ـ ۱۳۸۰ق) ، فقیه

Marfat.com

برجسته ، استوار کنندهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم و صاحب کتاب مهم و معروف *جامع احادیث الشیعه* که تا کنون بیش از پانزده جلد آن منتشر شده است . اثر مهم دیگر وی کتاب *طبقات رجال* است که سبک و شیوهٔ جدیدی در علم رجال را در آن عرضه کرده است . کتاب مهم و ارزندهٔ دیگر او *تنقیح اسانید التهذیب* ، *من لا یحضره الفقیه و رجال کشی* است .

۷ . آیت‌الله‌العظمی سید محسن حکیم (۱۳۰۶ ـ ۱۳۹۰ق) ، از فقهای بزرگ که پس از آیت‌الله بروجردی به زعامت و مرجعیت مطلقه رسید و کتاب مهم او *مستمسک عروة الوثقی* نام دارد .

قرن پانزدهم هجری

۱ . آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (۱۳۲۰ ـ ۱۴۰۹ق) ، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که رهبری قاطع وی ملت مسلمان و متدین ایران را علیه طاغوت به پیروزی رساند . امام خمینی صاحب آثار و تألیفاتی در فقه ، اصول و عرفان است که آثار فقهی وی به صورت استدلالی در مجلداتی تاکنون منتشر شده است . ایشان در تهران به سرای باقی شتافت و مرقد وی بیرون تهران قرار دارد .

۲ . آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵ ـ ۱۴۱۱ق) ، از فقهای مبرّز شیعه که در این رساله شرح حال وی را به اجمال خواهیم آورد .

۳ . آیت‌الله‌العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (۱۳۱۷ ـ ۱۴۱۳ق) ، فقیه اصولی و از مراجع بزرگ و طراز اول شیعه در دهه‌های اخیر که آثار و تألیفات بسیاری پدید آورد و معروفترین اثر وی *معجم رجال‌الحدیث وتفصیل طبقات‌الرّواة* است که هم اکنون یکی از منابع مهم رجالی به شمار می‌رود . وی در نجف چشم از جهان فروبست و در همان جا دفن شد .

۴ . آیت‌الله‌العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی (۱۳۱۶ ـ ۱۴۱۴ق) ، فقیه اصولی و از مراجع طراز اول تشیع که در سالهای آخر عمر خود و پس از رحلت سه مرجع پیشین

Marfat.com

زعامت عامه یافت . آیت‌الله گلپایگانی در قم دیده از جهان فروبست و در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد .

Marfat.com

سلسلۂ نسب

آیت‌اللہ العظمی مرعشی نجفی

Marfat.com

حضرت امام زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین(ع)

امام محمّد باقر(ع) — عبـــدالله — علـــی — حسین‌اصغر(ابی‌عبدالله) — زیـــد — ابوالحسن عمر

عبیدالله‌الاعرج — عبدالله — ابومحمّد حسن — علـی — سلیمان

ابوالحسن سیّد محمّد اکبر

امیرالعارفین و امیرالعراقین ابو محمّد عبدالله (در برخی مراجع عبیدالله)

حمزه (حدّ سادات مرعشی شوشتر) — ابوالحسن علی مرعش — محمّد سلیق (حدّ سادات سلیقبه)

ابو محمّدحسن

ابی‌الحسن (نقیب‌الاشراف ری و طبرستان)

ابـــوهـــاشم

ابو عبدالله محمّد (نقیب)

سید ابو صدوق عبدالله (نقیب)

سیدکمال‌الدین صادق (سید صادق نقیب ری و طبرستان)

سید قوام‌الدین مشهور به میر بزرگ مرعشی سرسلسلهٔ سلاطین مرعشی

سلطان میر سیدکمال‌الدین

سلطان میر سیدعلی‌خان

سلطان میر سیدمرتضی‌خان

سلطان میر سیدمحمّدخان

کمال‌الدین دوّم — عبدالکریم اوّل

سلطان میر زین‌العابدین — سلطان میر عبدالله‌خان

شمس‌الدین‌بن کمال‌الدین — سلطان میر عبدالکریم (دوّم)

کمال‌الدین‌بن شمس‌الدین

میر سیّد محمّد خان مرعشی (وزیر) — میر شاهی‌بن عبدالکریم (ملقب به خانی)

سید ابوالمجد (زاهد شهید) — عبدالله‌بن سلطان محمودبن عبدالکریم

سید محمّد مرعشی (وزیر و نقیب‌السادات) — سلطان مرادبن میر شاهی‌بن عبدالکریم

سید علاءالدین (نقیب‌الاشراف) — محمودبن عبدالله‌بن محمود

سید جمال‌الدین

سید نصیرالدین

مجدالمعالی سید قوام‌الدین

سید شمس‌الدین (نقیب‌السادات)

حاج سیّد محمّد ابراهیم حائری

سیّد محمّد نجم‌الدین حائری

شرف‌الدین سید علی معروف به سیدالحکماء

آیة‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی

مرحوم آیت‌الله‌العظمی ابوالمعالی سیّد شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی(ره)

Marfat.com

آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی (م ۱۴۱۱ق) در قم ، ابن علاّمهٔ نسّابه ، زاهد عابد ، آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی (م ۱۳۳۸ق) در نجف اشرف ، ابن علاّمهٔ محقق ، جامع علوم عقلی و نقلی ، آیت‌الله سید شرف‌الدین علی ، معروف به سیدالحکما (م ۱۳۱۶ق) در تبریز و مدفون در نجف اشرف ، صاحب کتاب *قانون العلاج* و نخستین کسی که دندان مصنوعی را در ایران اختراع کرد ، ابن علاّمهٔ نسّابه ، فقیه ، محدث و زاهد حاج سید محمد نجم‌الدین حائری (م ۱۲۶۴ق) مدفون در نجف ، ابن علامهٔ فقیه ، متکلم ، شاعر ، زاهد و نسّابه حاج سید محمد ابراهیم حائری (م ۱۲۴۰ق) ، ابن علامهٔ فقیه زاهد نسابه و نقیب سید شمس‌الدین محمد (م ۱۲۰۰ق) ، ابن علامهٔ زاهد و صاحب کرامات و مقامات ، مجدالمعالی ، قوام‌الدین نسّابهٔ شاعر و متخلص به شیوا (م ۱۱۴۰ق) و مؤلف کتاب *نفي‌الریب عن نشأة‌الغیب* در اثبات معاد ، ابن علامه نصیرالدین محمد نقیب ، نسابه ، فقیه ، زاهد و شاعر (م ۱۰۵۹ق) ، ابن علامهٔ فقیه ، محدث ، شاعر ، ادیب ، زاهد و نسابه سید جمال‌الدین (م ۱۰۸۱ق) ، ابن علامهٔ فقیه اصولی ، متکلم ، محدث ، نسابه و حکیم سید علاءالدین نقیب‌الاشراف مرعشی ، ابن علامهٔ وزیر و نقیب فخرالدین سید محمد خان دوم مرعشی (م ۱۰۳۴ق) ، ابن علامهٔ وزیر ، ادیب ، شاعر و نقیب سید ابوالمجد محمدالنقی معروف به شهید که به دست کردهای شافعی در سال ۱۰۲۰ قمری به شهادت رسید ، ابن نقیب عالم ، وزیر زاهد و عابد ، سید محمد خان اول مرعشی ، ابن میرسید عبدالکریم خان دوم سلطان طبرستان و

Marfat.com

توابع آن ، ابن سلطان میرسید عبدالله خان مرعشی ، ابن سلطان میرسید عبدالکریم خان مرعشی اول پادشاه ناحیهٔ طبرستان و مازندران ، ابن سلطان میرسید محمد خان مرعشی ، ابن سلطان میرسید مرتضی خان مرعشی ، ابن سلطان میرسید علی خان مرعشی ، ابن سلطان میرسید کمال‌الدین صادق مرعشی که نخستین کسی است که با امیر تیمور گورگانی جنگهای بسیاری کرده است ، ابن علامه ، فقیه ، متکلّم ، زاهد که در علوم عقلی ونقلی تبحر بسیار داشت ، سید قوام‌الدین مشهور به میر بزرگ مرعشی سلطان طبرستان (م ۷۸۰ق) که مزارش در سبزه میدان شهرستان آمل مورد احترام و زیارتگاه است ، ابن سید کمال‌الدین صادق پدر میر قوام الدین نقیب الاشراف ری ، فقیه و محدث ، ابن علامه ابومحمد عبدالله محدث و نقیب ، ابن شاعر ادیب فقیه ، ابوهاشم نسابه ، ابن فقیه ابوالحسن علی ، نقیب اشراف طبرستان و ری ، ابن شریف ، محدث ، زاهد ابومحمد حسن نسابه موصوف به مدنی رومی ، ابن زاهد عابد و صاحب کرامات ابوالحسن علی‌ملقب به مرعش سرسلسلهٔ سادات مرعشیهٔ سراسر جهان ، ابن امیرالعارفین و امیرالعراقین سید عبدالله ابومحمد ، عالم نسابه و محدثٌ ، ابن شاعر ، عالم ، محدث ونسابه ، ابوالحسن محمد اکبر موصوف به ابوالکرم ، ابن فقیه ، زاهد ، محدث و نسابه ابومحمد حسن ملقب به دکّه و مشهور به حکیم راوی مدنی ، ابن ابوعبدالله حسین اصغر (م ۱۵۷ق) مدفون در بقیع ، ابن امام همام ، مولانا ابوالحسن علی زین‌العابدین(ع) امام چهارم شیعیان جهان ، ابن سیدالشهداء ابوعبدالله حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع) .

بنابر این سلسله نسب حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) و تمامی سادات مرعشی در تمام جهان منتهی می‌شود به امام سجاد علی بن الحسین زین‌العابدین و سیدالساجدین(ع) که خود فخر اولاد آدم و خاتم است و سر حلقهٔ عارفان و ساجدان و امام بحق و جانشین خاتم‌الانبیاء(ص) و این بزرگترین شرف و افتخار است که سادات مرعشیه دارا هستند .

نکته‌ای که در این مقام حائز اهمیت است و بویژه قابل اشاره آنکه اصولاً علم

Marfat.com

انساب ،که خود علم شریفی است ، موروثی این خاندان بوده و بدین لحاظ همواره این خانواده مرجع خاص وعام در این طریق بوده‌اند . در هر دوره و عصری ، سادات بنی فاطمه از اقصی نقاط بلاد اسلامی جهت تعیین سلسله نسب خویش و شجره نامه‌شان به آنان مراجعه کرده واز این آستان مقضی‌المرام برمی‌گشته‌اند . در باب خود این سلسله نیز تحقیقات ارزنده و وافی در تعیین سلسله انجام گرفته و کتابها و رساله‌ها در ترسیم شجره نامهٔ آنها پرداخته و تألیف شده است . بسیاری از عالمان و بزرگان سلسلهٔ سادات مرعشی خود نسابه و در این فنّ استاد بوده‌اند . آخرین نفر از این خاندان در این عصر که در علم نسب سرآمد همه بوده ، حضرت آیت‌الله العظمی فقید سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی است که او را نسابهٔ آل رسول‌الله(ص) و نسابهٔ اهل‌البیت خوانند . ایشان در این فن از تبحّر بسیار بالایی برخوردار بود و تحقیقات عمیق و گسترده‌ای در تعیین سلسلهٔ نسب تمامی سادات ، بویژه خاندان مرعشیان کرده و رساله‌ها و تألیفات بسیاری در این رشته داشت . از این رو به مصداق « صاحب‌البیت أدرٰی بِما في‌البیت » لازم است در شرح این سلسلهٔ جلیله و تراجم بزرگان این خاندان به تحقیقات ، آثار و تألیفات معظم‌له استناد کرده و به ترجمه و بیان شرح حال نیاکان ایشان بپردازیم . بر طبق نوشته‌های فقید سعید ، ایشان با ۳۳ واسطه به امام سجاد(ع) می پیوندند که شرح حال آنان از امام سجاد(ع) تا به این فقید سعید به گونهٔ ذیل است :

۲ . ابوعبدالله حسین‌الاصغر [۱] بن امام‌السجاد(ع) (حدود ۸۳ـ ۱۵۷ق) ، محدث ، عالم و از اصحاب پدر خود و برادرش امام باقر(ع) وامام صادق(ع) بوده است . مادر وی

---

۱ . طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۳۲۷ ؛ تاریخ الکبیر بخاری، ج ۲، ترجمهٔ ۲۸۴۷ ؛ تاریخ طبری ج ۷، ص ۵۵۳؛ الجرح والتعدیل ج ۳، ترجمهٔ ۲۵۰ ؛ رجال طوسی، ص ۸۶، ۱۱۳، ۱۶۸ ؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۴۲۹ ؛ تهذیب التهذیب ابن حجر، ج ۲، ص ۳۴۴ ؛ تاریخ الاسلام ذهبی، حوادث ۱۴۱ـ ۱۶۰ ق، ص ۱۱۱ـ ۱۱۲ ؛ تهذیب الکمال مزی، ج ۶، ص ۳۹۵ـ ۳۹۶ ؛ بحار الانوار مجلسی، ج ۴۶، ص ۱۶۱ ؛ احقاق الحق ج ۱ مقدمه، ص ۱۰۷ ؛ تنقیح المقال مامقانی، ج ۱، ص ۳۳۷ ؛ معجم رجال الحدیث خویی، ج ۶، ص ۴۳ ؛ المجدی، ص ۱۹۴ ؛ الفخری، ص ۵۷ ؛ الشجرة المبارکة فخر رازی، ص ۱۴۷ ؛ تهذیب الانساب عبیدلی، ص ۲۲۱ ؛ عمدة الطالب، ص ۲۷۷ .

Marfat.com

ام ولد رومی بوده است ، امّا برخی نوشته‌اند که مادر وی و برادرش عبدالله باهر ، فاطمه دختر امام حسن مجتبی(ع) بوده است . دلیل اینکه اورا حسین اصغر گفته‌اند آن است که برادر دیگری به نام حسین اکبر داشته که در حیات پدر درگذشته است . حسین از پدر خود و برادرش امام باقر(ع) واز عمهٔ خود فاطمه بنت‌الحسین(ع) و وهب بن کیسان روایت کرده است . کسانی چون ابراهیم ، عبیدالله ، محمد بن حسین و برادرانش ، خارجة بن عبدالله بن سلیمان بن زید بن ثابت ، عبدالله بن مبارک ، عبدالرحمان بن ابی‌الموال ، عنبسة بن بجاد عابد و موسی بن عقبه از وی روایت کرده‌اند .

در جلالت قدر و منزلت و بزرگی مقام او همین بس که مخالف و موافق اورا فردی « ثقه » دانسته و از او روایت کرده‌اند . در آغاز کتاب *شرح ناصریّه* از ابوالجارود زیاد بن منذر نقل شده که از امام باقر(ع) پرسیدند کدامیک از برادران نزد تو عزیزتر و برترند؟ امام فرمود : برادرم حسین فردی بردبار و حلیم است ، چنان‌که اگر افراد نادان حتّی به او ناسزا گویند ، با بردباری و رویی باز و کلامی خوش با آنها برخورد می‌کند .[۱]

نسائی او را فردی موثق دانسته و از او حدیث نقل کرده و گفته است که حسین اصغر در میان برادرانش شبیه‌ترین فرد به پدرش در ادب و خدا پرستی و خوف از خداوند بود . ابن حبّان نیز اورا فردی مورد اعتماد به شمار آورده و در کتاب خود ، *الثقات* ، شرح حال وی را آورده است .[۲]

شیخ مفید با اشاره به فضل و تقوای وی نوشته است که یکی از دختران وی ، همسر امام صادق(ع) و مادر اسماعیل ، امام فرقهٔ اسماعیلیه بوده است .[۳]

۳ . ابومحمد حسن بن حسین اصغر ، معروف به دکّه[۴](م ۲۰۰ق) ، حکیم ، فقیه ،

---

۱ . اعیان‌المرعشیین ، آیت الله مرعشی نجفی ، نسخهٔ خطی .
۲ . تهذیب الکمال ، مزی ، ج ۶، ص ۳۹۶.
۳ . الارشاد ، شیخ مفید ، ص ۳۰۰ـ۳۰۲.
۴ . لباب الانساب ، بیهقی ، ص ۲۵۵ ؛ تهذیب الانساب ، عبیدلی ، ص ۲۴۸ ؛ المجدی ، عمری ، ص ۲۰۸ ؛ ←

Marfat.com

محدث و شاعر که از بزرگواری و کرامت نفس بسیاری برخوردار بود . ابونصر بخاری ، زادگاه وی را شهر مکّه دانسته است ، امّا ابوالحسن عمری نوشته است که وی در مدینه چشم به جهان گشوده و از این‌رو او را حکیم مدنی گفته‌اند .(۱)

علت اینکه اورا « دَکَّه » نامیده‌اند نیز به درستی معلوم نیست ، زیرا در منابع به این موضوع اشاره‌ای نشده است . امّا دکّه ، نام دو موضع و مکان است : یکی آنکه محله‌ای در بغداد بوده ، چنان که ابن عنبه در *عمدة الطالب* به آن اشاره کرده است(۲)؛ و دیگری نام موضعی در بیرون شهر دمشق (واقع در غوطهٔ دمشق) است(۳). حال روشن نیست که ابومحمد حسن در کدامیک از این موضع سکونت کرده که او را به این نام خوانده‌اند ، ولی به قرینهٔ اینکه همگان نوشته‌اند که او مدتها در ارض روم سکونت داشته و در همان جا نیز درگذشته است ، می‌توان گفت که ممکن است ابومحمد حسن در مسیر حرکت به ارض روم در دَکَّهٔ دمشق مدتی اقامت کرده باشد وملقّب به « دکّه » شده باشد ؛ بویژه اینکه هم مرز بودن شام وارض روم در آسیای صغیر نیز خود مؤید این مطلب است . او دارای فرزندان و نوادگان بسیاری بوده که در بلاد مختلفی می‌زیسته‌اند و به بنودکه شهرت داشته‌اند .(۴)

به گفتهٔ ابن عنبه او سفری هم به مکه نموده و در آنجا مدتی سکونت داشته است(۵) واز آنجا به‌ارض روم رفته‌است و در سال ۲۰۰ قمری در همان‌جا درگذشته و آرامگاهش

→

الشجرة المبارکة ، فخرالدین رازی ، ص ۱۴۷ـ۱۴۸ ؛ عمدة الطالب ، ابن عنبه ، ص ۲۷۸ ، ۲۸۵ ، الفخری ، ابوطالب مروزی ، ص ۵۷ ، ۷۴ ؛ احقاق الحق ، قاضی نورالله شوشتری ، ۱/ مقدمه ، ص ۶۰۴ ، اعیان الشیعه ، امین ، ج ۵ ، ص ۵۵ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیه ، آیت الله مرعشی نجفی ، ص ۶ ، انوار المشعشعین ، خطّی ، ص ۱۸۹ .

۱ . عمدة الطالب ، ص ۲۷۸ ، ۲۸۵ .

۲ . مصدر سابق .

۳ . معجم البلدان یاقوت ، ج ۲ ، ص ۵۸۱ .

۴ . لباب الانساب ، بیهقی ، ص ۲۵۵ .

۵ . عمدة الطالب ، همان جا .

Marfat.com

در آن دیار زیارتگاه است . ابومحمد دکه از پدر خود واز امام صادق(ع) روایت کرده است .

۴ . ابوالحسن محمد اکبر ، موصوف به ابوالکرم[۱] (م ۲۵۶ق) ، محدث ، شاعر و صاحب شمشیر و قلم و نسّابهٔ بنی‌الحسین . مادر او خلیده نام داشت و دختر مروان بن عنبسه بود .

محمد اکبر تنها فرزند ابومحمد حسن دکّه بوده که تمامی بنودکّه از طریق او به حسن دکّه متصل می شوند . از تاریخ تولد ، زندگی و محل درگذشت وی اطلاعی در دست نیست .

۵ . امیر العارفین ، عبدالله بن محمد اکبر[۲] که به او امیرالعراقین هم می‌گفته‌اند . وی محدث ، فقیه ، شاعر ، زاهد ، نسّابه و تنها فرزند محمد اکبر بوده است . از تاریخ تولد ، زادگاه ، زندگانی ومحل درگذشت وی نیز اطلاع چندانی نداریم ، جز اینکه قاضی نورالله شوشتری نوشته است وی فرزند ابوالحسن محمد اکبر نبوده ، بلکه برادر او بوده و در جوانی شهید شده واز او نسلی باقی نمانده است .[۳]

امّا با توجه به کتب انساب و منابع رجالی و تاریخی و تقریرات آیت‌الله فقید مرعشی نجفی ، سخن قاضی نورالله محل تردید است . برخی از منابع نام اورا عبیدالله نوشته‌اند که قول مشهور همان عبدالله است . از عبدالله دو فرزند باقی مانده است : یکی محمد سلیق (جدّ اعلای سادات سلیقیّه) و دیگری علی مرعش (نیای بزرگ سادات مرعشیه) . به گفتهٔ ابونصر بخاری ، محمد را از آن رو سلیق خوانده‌اند که سلاقت زبان و شمشیر داشته است . (سلاقت عبارت است از سخنوری و یا زخم زبان و برندگی شمشیر .) وگویا چون

---

۱ . المجدی ، ص ۲۰۹ ؛ الشجرة المبارکة ، ص ۱۶۸ ـ ۱۶۹ ؛ سراج الانساب ، ۱۴۴ ـ ۱۴۵ ؛ رسالهٔ اسدیّه ، سراج الدین مختاری با مقدمهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی ؛ عمدة الطالب ، ص ۳۱۳.

۲ . تهذیب الانساب ، ص ۲۴۸ ؛ الشجرة المبارکة ، ص ۱۶۸ ؛ الفخری ، ص ۷۴ ؛ المجدی ، ص ۲۰۹ ؛ عمدةالطالب ، ص ۲۷۸ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۵ .

۳ . مجالس المؤمنین ، ج ۱ ، ص ۱۴۸ .

Marfat.com

محمد از شدت زبان ویا سخنوری بسیار برخوردار بوده و شمشیری تیز و برنده داشته اورا سلیق نامیده‌اند . این کلمه مأخوذ از آیهٔ «سلقوکم بألسنة حداد»[۱] است .

ابوالحسن عمری نوشته است که محمد سلیق ، همان محمد اکبر است که به همراه محمد بن امام صادق(ع) در مکه خروج کرد[۲] ، که با توجه به منابع و کتب انساب صحیح نیست .

۶ . ابوالحسن علی بن عبدالله بن محمد اکبر بن حسن دَکَّة بن حسین اصغر بن امام زین‌العابدین(ع)[۳] ، ملقب به مرعش و سرسلسلهٔ تمامی سادات مرعشیهٔ حجاز ، ایران ، عراق ، سوریه ، امارات عربی خلیج فارس ، ترکیه ، هند ، مصر ، حبشه ، زنگبار ، مغرب و دیگر نقاط جهان .

زادگاه و تاریخ تولد وی دانسته نیست واز زندگانی وی نیز اطلاع زیادی نداریم ، جز اینکه نوشته‌اند وی دارای فرزندان بسیار و نوادگان بی‌شماری است که عبارتند از :

الف . ابو الحسین ابراهیم بن مرعش ، معروف به ما کایاری (محلی نزدیک ری) که اعقاب و نوادگان وی در طبرستان سکونت داشته‌اند . سمعانی یکی از نوادگان وی را ذیل کلمهٔ مرعش به این صورت معرفی کرده است : ابوجعفر مهدی بن اسماعیل بن ابراهیم ، معروف به ناصرالدین بن ابی حرب ابراهیم بن حسین ، معروف به امیرک بن ابراهیم بن علی مرعش . سپس اضافه کرده که ناصرالدین را با پدرم دوستی بود . وی در دهستان مازندران ، نزدیک خوارزم و گرگان ، متولد شد و در گرگان پرورش یافت و در آخر عمرش در ساری سکونت کرد . او در بغداد از ابویوسف عبدالسلام بن محمد بن

---

۱ . احزاب ، ۱۹ .

۲ . المجدی ، ص ۲۰۹ .

۳ . تهذیب الانساب عبیدلی ، ص ۲۵۰ ؛ الانساب سمعانی ، ج ۵ ، ص ۲۵۸ ـ ۲۵۹ ؛ الشجرة المبارکة ، ص ۱۶۹ ؛ الفخری ، ص ۷۴ ـ ۷۵ ؛ المجدی ، ص ۲۰۹ ؛ عمدة الطالب ، ص ۲۷۸ ـ ۲۷۹ ؛ لباب الانساب ، بیهقی ، ج ۱ ، ص ۳۰۲ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۴ ـ ۱۴۵ ؛ مجالس المؤمنین ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ ـ ۱۴۸ ؛ تنقیح المقال ، ج ۱ ، ص ۲۷۴ ـ ۲۷۵ ؛ اعیان الشیعه ، ج ۸ ، ص ۲۸۷ ـ ۲۸۸ ؛ اللباب ابن اثیر ، ج ۳ ، ص ۱۹۶ ـ ۱۹۷ ؛ انوارالمشعشعیین ، خطی ، ص ۱۸۹ ـ ۱۹۰ .

Marfat.com

یوسف قزوینی ، و در کوفه از ابوالحسین احمد بن محمد بن احمد بن جعفر ثقفی ، و در گرگان از ابوالقاسم اسماعیل بن مسعدة اسماعیلی ، و در اصفهان از ابوعلی بن حسن بن علی اسحاق وزیر ، و در نهاوند از ابوعبدالله حسین بن نصر بن مرهف قاضی ، و در بصره از ابوعمر محمد بن احمد بن عمر بن نهاوندی ، استماع حدیث کرده است . او به حجاز ، عراق ، خراسان ، ماوراءِ النهر ، بصره و خوزستان نیز سفر کرد و مشایخ بسیاری را ملاقات نمود . من اورا در ایام کودکی دیده بودم و بعدها در ساری نیز با او ملاقات کردم واز او مطالبی فراگرفتم ، اما وی در شیعه گری غلوّ می‌کرد . ناصرالدین در ۴۶۲ قمری زاده شد و در ۵۳۹ قمری درگذشت .

ب . ابوالقاسم احمد بن مرعش قاضی که دارای یک فرزند بوده و از جانب الثار في‌الله حسنی اشرفی قضاوت طبرستان را به عهده داشته است .

ج . ابوالقاسم حمزة بن مرعش ، یکی از بزرگان مشایخ شیعه که دارای تألیفات بسیاری بوده و در سال ۳۵۸ قمری درگذشته است . یکی از فرزندان وی ، ابومحمد طبری حسن بن حمزه معروف به مرعشی ، عالمی محدثٌ و نسّابه بوده است . از نوادگان معروف او شاه میر بن سید زین‌الدین علی بن محمد شاه بن مبارزالدین ماندة بن کمال‌الدین حسین بن ابوالمفاخر محمد بن ابوالحسن علی بن ابوعلی احمد بن ابی‌طالب بن اسماعیل بن ابوالحسین ابراهیم بن ابوالحسین یحیی بن ابوعبدالله حسین بن ابوعلی محمد بن ابوعلی حمزة بن علی مامطیری قاضی بن ابوالقاسم حمزة بن علی مرعش است . اعقاب این سه برادر در طبرستان می‌زیسته‌اند .

د . ابواسماعیل احمد ویا محمد بن مرعش .

ه . ابوالقاسم جعفر بن مرعش .

و . ابوعبدالله حسین مامطیری که چهار فرزند داشته و اعقاب وی در مامطیر ، بغداد ، ری ، سمرقند ، قزوین ، گرگان و طبرستان سکونت داشته‌اند .

ز . ابوعلی محمد که در گرگان کشته شد .

Marfat.com

ح . ابومحمد حسن بن مرعش که سه فرزند داشته و اعقاب وی در قزوین سکونت داشته‌اند . یکی از نوادگان معروف او ابویعلی حمزة الاصغر بن حسن بن فقیه بن حمزةالاکبر بن حسن بن مرعش ، و از نسل اوست : سید نسّابه عبدالکریم امیر مازندران بن عبدالله بن عبدالکریم بن محمد بن مرتضی امیر طبرستان بن علی بن کمال‌الدین بن قوام‌الدین سلطان مازندران بن صادق کمال‌الدین بن عبدالله بن محمد بن ابوهاشم بن علی بن حسن بن علی مرعش که تمامی سادات قزوین از این دودمانند وبرخی از آنان متولی آستانهٔ شاهزاده حسین و بعضی از آنان نقیب‌الاشراف سادات هستند . اعقاب ابومحمد حسن در طبرستان ، بغداد ، ری ، گرگان ، سمرقند ، شیراز ، قزوین و مرعش نیز می‌زیسته‌اند .

مورخان مسلمان ، ذیل حوادث سال ۲۵۱ قمری از شخصی به نام علی بن عبدالله طالبی یاد کرده‌اند که مرعش یا مرعشی لقب داشته و از یاران داعی کبیر حسن بن زید بوده است و به احتمال قوی همین علی مرعش مورد بحث است . این مورخان نوشته‌اند که چون سلیمان بن عبدالله بن طاهر به نیابت از پسر برادر خود محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر و به دستور خلیفهٔ عباسی با سپاهی گران برای جنگ با داعی کبیر به طبرستان هجوم برد ، پس از مدتی جنگ وگریز بر طبرستان مستولی شد و حسن بن زید داعی کبیر مجبور شد از طبرستان به دیلمان بگریزد . در آن زمان علی بن عبدالله طالبی مرعشی از جانب داعی کبیر مسئولیت دفاع از شهر آمل را به عهده داشت . سلیمان بن عبدالله برای تسلط بر شهر آمل سپاهی به فرماندهی اسد بن جندار به آن شهر گسیل داشت . علی بن عبدالله طالبی نتوانست در مقابل سپاه اسد بن جندار مقاومت کند وعاقبت خود ویارانش که متجاوز از دو هزار نفر جنگجو و دو نفر از بزرگان جبل بودند ، عقب نشینی کردند و شهر به دست سپاهیان سلیمان بن عبدالله افتاد[1] . در همان سال نامه‌ای به دست علی بن

---

۱ . تاریخ طبری ، ج ۹ ، ص ۳۰۶ ؛ مروج الذهب ، مسعودی ، ج ۴ ، ص ۲۲۴ ؛ الکامل ابن اثیر ، ج ۷ ، ص ۱۶۳ ؛ مجالس‌المؤمنین ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ ـ ۱۴۸ .

Marfat.com

عبدالله طالبی مرعشی رسید مبنی بر شورش مردم اردبیل که مرعشی نامه‌ای تهدیدآمیز برای آنها نوشت و چهار هزار جنگجو نیز برای آرام کردن شورش و محاصرهٔ اردبیل فرستاد[۱]. این داستان نشان می‌دهد که علی مرعش طیّ سالهای حکومت حسن بن زید و برادر او محمد بن زید ، از داعیان زیدی ، سخت مورد اعتماد آنان بوده و مسئولیتهای مهمی به عهده داشته است .

گرچه این داستان با سکونت داشتن علی مرعش در قزوین[۲]، که خیلی از منابع به آن اشاره کرده‌اند ، سازگار است ، بویژه اینکه نوشته‌اند فرزندان واعقاب وی نیز در قزوین می‌زیسته‌اند ، امّا با مطالبی که راجع به سکونت وی در مرعش و یا قلعهٔ مرعش نوشته‌اند ، چندان سازگار نیست . زیرا نوشته‌اند علی مرعش در کمال قناعت زندگی می‌کرد و با بی‌بضاعتی روزگار می‌گذرانید ، تا اینکه به خاطر علوّ مقام و درجات روحانی ایشان ، امرا و حکّام آن عصر در حدود سال ۳۰۰ قمری ، شهر مرعش راکه بین ترکیه و سوریه بوده است ، به ایشان هدیه کرده و در تیول وی قرار داده‌اند و علی مرعش وفرزندان وی از منافع و عایدی اقطاع آن شهر استفاده می‌کرده‌اند و به قولی در آن شهر سکونت داشته‌اند و به گفتهٔ برخی علی مرعش در همان شهر درگذشته و در همان جا نیز به خاک سپرده شده است .[۳]

در اینجا مناسب است کلمهٔ مرعش را از نظر منابع لغوی ، جغرافیایی و تاریخی مورد بررسی قرار داده و معنا و مفهوم آن و علت انتساب علی مرعش و سلسلهٔ مرعشیه را به آن روشن سازیم .

---

۱ . اعیان الشیعه ، ج ۸، ص ۲۸۸ .
۲ . الشجرة المبارکة ، ص ۱۶۸ .
۳ . تقریرات حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

Marfat.com

پژوهشی در بارهٔ مرعش

کلمهٔ مرعش ، به فتح و ضمّ میم ، از ماده « رعش » ، در منابع لغوی ، جغرافیایی و تاریخی در چند مفهوم به کار برده شده که اجمالاً به این شرح است :

یکم . مادهٔ « رعش » در لغت به معانی خستگی ، عجز ، ترس ، شتاب ، تندروی و لرزش استعمال شده ، اما حقیقت واحد این کلمه در نزد اهل لغت ، همان لرزش و ارتعاش و یا لرزیدن به هنگام تندروی و پرواز است . از این‌رو شتری را که به هنگام تندروی و سرعت می‌لرزد ، « رعوش » می‌نامند . برخی نوشته‌اند که شمر بن مرعش یکی از پادشاهان حمیر را از آن جهت « ذو مرعش » گفته‌اند که در بدن وی ارتعاش وجود داشت .(۱)

دوم . مرعش به معنای کبوتر سفید دور پروازی است که در هنگام پرواز بسیار اوج گیرد و دایره‌وار حرکت کند و در هوا دور و معلّق می‌زند(۲) . بعضی گفته‌اند مرعش نوعی کبوتر است که به سبب بزرگی جثّه ، هنگام راه رفتن یا پرواز می‌لرزد و مرتعش می‌شود(۳) . گروهی هم آن راکبوتر نامه رسان دانسته‌اند :

شعرم به همهٔ جهان رسیده است مانند کبوتران مرعش(۴)

سوّم . مرعش ، شهری در سرحدات شام و بلاد روم است که جغرافیدانان مسلمان دربارهٔ آن به این شرح سخن گفته‌اند :

ابن خردادبه در شرح راه میان « رقّه » و سرحدات « جزریّه » ، از مرعش به عنوان شهری بین این راه نام برده که فاصلهٔ آن تا شهر حدث پنج فرسنگ است(۵) . دیگری

---

۱ . لسان العرب ، ابن منظور ، ج ۶ ، ص ۳۰۴ـ۳۰۵ .
۲ . صحاح اللغة ، جوهری ، ج ۲ ، ص ۱۰۰۶ ؛ تاج العروس ، ج ۱۷ ، ص ۲۱۵ـ۲۱۸ .
۳ . لغتنامهٔ دهخدا ، ذیل مادهٔ مرعش .
۴ . همان .
۵ . المسالک والممالک ، ص ۸۸ .

Marfat.com

نوشته است : مرعش وحدث دو شهرک خرم و آباد باکشتزارهای بسیار و آب فراوان است[۱]. مقدسی آن را شهری از ناحیهٔ « قنّسرین » ، یکی از نواحی ششگانهٔ اقلیم شام به‌شمار آورده است[۲]. مستوفی آن را شهری از اقلیم سوّم و چهارم (شام) دانسته است[۳]. جوهری آن را شهری در سرحدات نواحی جزیره (موصل) معرفی کرده است[۴]، ولی زبیدی نوشته است سخن جوهری درست نیست ، بلکه صحیح آن است که مرعش شهری از شام در مرز روم است نه از جزیره .[۵]

یاقوت حموی نیز آن را شهری در مرز بین شام و بلاد روم دانسته که دارای دو بارو و یک خندق است و در وسط آن دژی با باروی دیگر است که این دژ و بارو به نام مروانی خوانده می‌شود و آن را مروان بن محمد ، مشهور به مروان حمار ، یکی از خلفای بنی‌امیّه ، ساخته است . هارون‌الرشید بر وسعت این شهر افزود و یا اینکه آن را تجدید بنا کرد . در این شهر ، حصار یا آغل وجود داشته که آن را هارونیه می‌گفته‌اند .[۶]

به گفتهٔ ابوالفداء ، فاصلهٔ مرعش تا انطاکیه ۷۸ میل و تا مخاضة‌العلوی در کنار رود سیحان (جیحان) ، دوازده میل بوده است[۷]. برخی علت نامیده شدن این شهر را به مرعش چنین نوشته‌اند که چون این شهر در دامن کوه بلند و مرتفعی قرار گرفته ، آن را مرعش گفته‌اند[۸]؛ که البته این توجیه با مفهوم لغوی کلمهٔ مرعش نیز سازگار است .

این شهر نخستین بار در سال پانزدهم قمری توسط خالد بن ولید ، که به دستور ابوعبیدة بن جراح به این ناحیه گسیل شده بود ، فتح گردید و به اهالی آن به شرط خروج

---

۱ . حدود العالم ، ص ۱۷۰ ـ ۱۷۱ .
۲ . احسن‌التقاسیم ، ص ۱۳۶ .
۳ . نزهة القلوب ، ص ۲۶۸ .
۴ . صحاح اللغة ، ج ۲ ، ص ۱۰۰۶ .
۵ . تاج العروس ، ج ۱۷ ، ص ۲۱۵ ـ ۲۱۸ .
۶ . معجم البلدان یاقوت ، ج ۴ ، ص ۴۹۸ .
۷ . تقویم‌البلدان ، ابو الفداء ، ترجمهٔ آیتی ، ص ۲۸۹ .
۸ . بستان السیاحة ، ذیل مادهٔ مرعشیه ، ص ۳۱ .

Marfat.com

از شهر امان داد و آن را ویران نمود . سپس معاویة بن ابی سفیان در سال سی قمری آن را تجدید بنا کرد و سپاهیان خود را در آن مستقر ساخت ، اما در زمان یزید بن معاویه بار دیگر رومیان بر این شهر تاختند و آن را تصرف کردند . در سال ۷۵ قمری محمد بن مروان بر این شهر هجوم برد و آن را از رومیان باز پس گرفت . پس از وی عباس بن ولید بن عبدالملک به این شهر رفت و آن را تجدید بنا کرد و دژهای آن را استوار ساخت و مردم را در آن سکونت داد و مسجد جامعی در آن بنا نمود . در زمان مروان بن محمد ، معروف به مروان حمار ، بار دیگر رومیان این شهر را محاصره نمودند و با مسلمانان صلح کردند ؛ به شرط آنکه مسلمانان این شهر را تخلیه کنند و چنین شد و رومیان مرعش را ویران کردند . ولی مروان پس از فراغت یافتن از جنگ حمص سپاهی را به مرعش گسیل داشت تا مرعش را تجدید بنا کنند و دژی را در آن بنا کردند که دارای بارویی بود و آن را مروانی نامیدند .[۱]

ولید بن هشام در سال ۱۳۰ قمری ، که به مرعش هجوم برد و آن را تصرف کرد ، دژ استواری را در آن بنا نهاد[۲]. امّا یک بار دیگر رومیان به سرکردگی میخائیل با هشتاد هزار جنگجو به نواحی مرعش هجوم برد و عدهٔ بسیاری از مسلمانان راکشته و اسیر کرده و شهر را ویران نمودند . چون این خبر به ثمامة بن ولید رسید ، در سال ۱۶۱ قمری به آن نواحی لشکر کشید . مهدی عباسی نیز حسن بن قحطبه را با سپاهی گران به جنگ رومیان فرستاد و نواحی قنسرین تا مرعش را باز پس گرفت .[۳]

هارون‌الرشید در سال ۱۹۱ قمری ، سعید بن سَلْم بن قُتَیبه را والی مرعش ساخت . رومیان بر او تاختند ، امّا کاری از پیش نبردند[۴]. به دستور هارون‌الرشید ، شهرهای

---

۱ . فتوح البلدان بلاذری ، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۳ .
۲ . الکامل ابن اثیر ، ج ۲ ، ص ۴۹۷ .
۳ . فتوح‌البلدان ، ص ۱۹۴ .
۴ . الکامل ابن اثیر ، ج ۶ ، ص ۲۰۶ .

Marfat.com

مصیصه و مرعش را تجدید بنا کردند .[۱]

مرعش بار دیگر در سال ۲۹۲ مورد هجوم و تاخت و تاز رومیان قرار گرفت و به دست آنان افتاد[۲]. به گفتهٔ ابن‌حوقل شهر مرعش پیش از سال ۳۳۱ به دست رومیان افتاد ، ولی سیف‌الدولة علی بن عبدالله آن را باز گرفت ، که در ۳۳۷ بار دیگر رومیان به این شهر حمله کردند و آن را تصرف کردند .[۳]

شهر مرعش در طول تاریخ به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی آن ، مسلمانان آن را به عنوان اردوگاه و محل توقف مرزداران خود قرار داده بودند و فراز و نشیبهای بسیاری داشته است ؛ چنان که گاهی تحت تصرف مسلمانان بوده و زمانی در اشغال رومیان و صلیبیان . تا اینکه در ۹۲۱ دولت عثمانی در زمان پادشاهی سلطان سلیم ، این شهر و نواحی اطراف آن را به ترکیه ملحق ساخت .[۴]

مرعش اکنون مرکز استان و ایالتی به همین نام است که در دامن « آخنور طاقنک » بر تپّه‌ای در نزدیکی ایالت مرکزی در جنوب ترکیه واقع شده و از هوای سالمی برخوردار است و بیشتر اهالی آن از بازماندگان دورهٔ سلجوقیان هستند . بیش از ۴۹ مسجد جامع و چهارده مسجد عادی و متجاوز از ۲۵ مدرسه و یک کتابخانه دارد . آمار ساکنان آن پنجاه و دو هزار نفر است که سی و دو هزار نفر ترک زبان و بقیه ، کرد ، عرب ، ارمنی و غیر اینها هستند . این شهر اکنون محدود است از طرف شمال به البیستان و از طرف غرب به زیتون و اندرین و از طرف جنوب به بازار حق و حلب که تا حلب ۱۴۰ کیلو متر فاصله دارد و از طرف شرق به دخی اورفه و به ولایت شِهِر .[۵]

---

۱ . مروج الذهب ، مسعودی ، ج ۴ ، ص ۲۲۴ .
۲ . الکامل ابن اثیر ، ج ۷ ، ص ۵۳۷ .
۳ . الکامل ، ج ۸ ، ص ۴۸۰ ؛ قاموس الامکنه والبقاع ، علی بهجت ، ص ۱۸۳ .
۴ . همان .
۵ . دائرة المعارف شهرهای جهان ، ترجمهٔ عبد الحسین سعیدیان ، ص ۳۸۰ ؛ قاموس الاعلام ترکی ، ذیل کلمهٔ مرعش .

Marfat.com

چهارم . مرعش ، لقبی برای شخص معین است که در کتب تاریخ و رجال به آن اشاره کرده‌اند . مورخ نسّابه ، ابوسعد سمعانی ، ذیل کلمهٔ « مرعشی » نوشته است که « مرعش » نامی علوی و لقبی برای علی بن عبدالله بن حسن بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب(ع) است که به علی مرعش معروف بوده است .[۱]

سید علی خان نیز همین مطلب را تأیید کرده و نوشته است که علی مرعش با سه واسطه ، نسب به امام سجاد علی بن الحسین(ع) می‌برد .[۲]

قاضی نورالله شوشتری نیز این وجه را تأیید و ذکر نموده ، امّا نوشته است که او علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین اصغر است[۳] ، که به این ترتیب ، نسب علی مرعش با چهار واسطه به امام سجاد(ع) منتهی می‌شود .

مامقانی ذیل شرح حال حسن بن حمزة بن علی مرعش ، به نقل از تعلیقات شهید بر خلاصهٔ علامه حلّی ، همین روایت را تأیید کرده که مرعش لقب علی بن عبدالله است . امّا در روایتی دیگر به نقل از کتاب *انساب الالباب و القاب الاعقاب* شهید گفته است که مرعش لقب یحیی بن علی بن عبدالله است که عموم مرعشیان به او منسوب هستند[۴] . این روایت دوم به نقل از شهید را هیچیک از کتب تاریخی و رجالی ذکر نکرده‌اند و قول مشهور همان است که مرعش ، لقب علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین اصغر ، فرزند امام سجاد(ع) است .

حال که روشن شد مرعش لقب علی بن عبدالله است ، لازم است علت ملقب شدن وی به این لقب نیز بررسی و بیان گردد :

قاضی نورالله شوشتری نوشته است که ممکن است علت ملقب شدن علی به مرعش به دو جهت باشد : جهت اول آنکه چون علی بن عبدالله در بدن خود ارتعاش و لرزش

---

۱ . الانساب سمعانی ، ج ۵، ص ۲۵۸ ـ ۲۵۹ .
۲ . الدرجات الرفیعه ، ص ۵۲۰ .
۳ . مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ، ج ۱، ص ۱۴۷ ـ ۱۴۸ .
۴ . تنقیح المقال ، مامقانی ، ج ۱، ص ۲۷۴ ـ ۲۷۵ .

Marfat.com

داشته ، به مرعش ملقب شده است ؛ جهت دوّم آنکه چون علی از علوّ شأن و مقام وعظمت بسیاری برخوردار بوده واز این جهت اورا به مرغ (کبوتر) دور پرواز تشبیه کرده‌اند ، به مرعش ملقب ساخته‌اند .(۱)

زین‌العابدین شیروانی ، جهانگرد صوفی ، روایت دیگری در وجه انتساب علی مرعش ذکر کرده و نوشته است : به قول سیداجل عزالملّة والدین نسّابه ، مرعش نام قلعه‌ای است میان ارمنیّه و دیار بکر ، و علی مرعشی ، نیای بزرگ سادات مرعشی ، منسوب به آن قلعه است . از تعبیر سید نسّابه که گفته « علی‌المرعشی کان امیراً کبیراً ، والمرعش قلعة بین ارمنیّه و دیار بکر » استفاده می‌شود که چون علی رابه مرعش منسوب داشته و بعد از آن به ذکر معنی مرعش پرداخته ، علت ملقب شدن علی به مرعش به دلیل انتساب وی به این قلعه است(۲) . اما این مطلب به ثبوت نرسیده که علی در آن قلعه سکونت و یا امارت کرده باشد و اضافهٔ منسوب به منسوب‌الیه و ارادهٔ نسبت از آن نیز چندان وضوحی ندارد . از این‌رو همان وجه انتساب سابق‌الذکر اولی و ارجح است . اتفاقاً نوشتهٔ سمعانی در مورد کلمهٔ مرعش این موضوع را تأیید می‌کند . زیرا وی تصریح کرده که مرعش نام شخصی علوی است .(۳)

بنابر این در علت انتساب علی بن عبدالله و فرزندان وی به مرعش و مرعشی سه وجه ذکر شده که دو وجه آن برتر است و آن اینکه چون علی در بدن خود رعشه‌ای داشته و یا به دلیل علوّ شأن و رفعت مقام و عظمت وی ، به این لقب شهرت یافته است و از این‌رو خاندان وی به مرعشی معروف شده‌اند . قاضی نورالله از کسانی است که هر سه وجه یاد شده را در علت انتساب علی به مرعش یاد کرده و قبول نموده است . سپس اضافه کرده که سادات آل مرعش از معروفترین و برجسته‌ترین خاندانهای اصیل و جلیل هستند که به

---

۱ . مجالس‌المؤمنین ، ج ۱ ، ص ۱۴۸ .
۲ . بستان السیاحة ، شیروانی ، ص ۳۱ .
۳ . الانساب سمعانی ، ج ۵ ، ص ۲۵۸ ـ ۲۵۹ .

Marfat.com

نامهای مرعشیهٔ اصفهان ، مرعشیهٔ شوشتر ، مرعشیهٔ قزوین و مرعشیهٔ مازندران ، به چهار شعبهٔ بزرگ تقسیم شده‌اند و اعیان ، وزرا ، علما ، حکما و بزرگانی دیگر از آن برخاسته‌اند و همگی به همین سید علی مرعش منسوب و مجموع این سلسله را مرعشیون یا آل مرعش می‌نامند .[۱]

شیروانی در عین قائل بودن به این تقسیم بندی ، مدعی است که مرعشیهٔ شوشتر و اصفهان در اصل از مازندران کوچ کرده‌اند و به این دو ناحیه رفته‌اند . امّا مرعشیان قزوین در اصل در همان دیار بوده‌اند که وجود سنیّان متعصب در قزوین ، آنهارا به اختفا مجبور ساخته بود و تقیه می‌کردند . شیروانی ظاهراً معتقد است که تمامی مرعشیان ابتدا در مازندران بوده‌اند و از آنجا به دیگر نواحی کوچ کرده‌اند[۲] . گفتنی است محل سکونت سادات مرعشی به این چهار منطقه محدود نمی‌شود ، چراکه یقیناً این خاندان در دیگر مناطق سکونت داشته و دارند ؛ چنان که شاخه‌هایی از سادات مرعش در هندوستان ، آفریقا ، عتبات عالیات ، بویژه نجف اشرف ، سکونت داشته‌اند که آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نیز به همان مرعشیان نجف منسوب است . سادات مرعشیه گویا نخست در مدینهٔ طیبه سکونت داشته‌اند و سپس به مرعش در آسیای صغیر کوچ کرده و از آنجا به مازندران رفته‌اند و از مازندران به دیگر بلاد و شهرهای بزرگ جهان اسلام ، از جمله شهرهای ایران ، عراق ، ترکیه ، هندوستان ، شمال آفریقا ، حجاز و امارات عربی خلیج فارس مهاجرت کرده و پراکنده شده‌اند .

۷ . ابومحمد حسن بن علی مرعش[۳] (قرن چهارم هجری) ، محدث و نسابه که دارای فرزندانی بوده که یکی از آنها ابوطالب زید ، دیگری حمزه و دیگری محمد

---

۱ . مجالس المؤمنین ، همان جا .

۲ . بستان السیاحهٔ شیروانی ، همان جا .

۳ . عمدة الطالب ، ص ۲۷۹ ؛ الشجرة المبارکه ، ص ۱۶۹ ، ۱۷۰ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۴ ؛ ریاض العلماء ، ج ۱ ، ص ۲۶۳ ؛ اعیان الشیعه ، ج ۵ ، ص ۲۰۳ ؛ طبقات اعلام الشیعه ، قرن الرابع الهجری ، ص ۹۴ ؛ التحفه الاحمدیه ، روضاتی ، ص ۱۵ .

Marfat.com

است . همهٔ اولاد و اعقاب آنها در قزوین می‌زیسته‌اند .

افندی نوشته است که شریف ابومحمد حسن بن علی بن عبدالله علوی یکی از بزرگان علمای ما و از معاصرین شیخ صدوق است و شیخ ابوالحسن محمد بن احمد بن شاذان قمی ، چنان که کراجکی گفته ، در کتاب *ایضاح دفائن‌النواصب* از او روایت کرده است .

وی جدّ اعلای سادات مرعشی تیرهٔ مقیم مازندران بوده که بعد در نجف سکونت داشته‌اند و حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی نیز در نهایت به این تیره می‌پیوندد .

۸ . ابوعبدالله حسین زاهد بن ابومحمد حسن[۱] ، زادگاه ، تاریخ تولد ، زندگانی ، مرگ و محل دفن وی دانسته نیست ، جز اینکه در *رسالهٔ اسدیه* از وی یاد شده است .

۹ . ابوالحسن علی[۲] ، نقیب‌اشراف طبرستان و ری ،فقیه ،وزیر ،زاهد و صائم‌الدهر و از بزرگان سلسلهٔ مرعشیه . از زادگاه و تولد و زندگانی و مرگ وی نیز اطلاعی در دست نیست .

۱۰ . ابوهاشم علوی[۳] ، فقیه ، شاعر و نسّابه ،که در برخی از مشجرات سلسله نسب سادات مرعشیه از او به ابومحمد هاشم یاد کرده‌اند ، از زندگی وی اطلاع دقیقی در دست نیست ، جز اینکه افندی نوشته است ابوهاشم علوی یکی از بزرگان سادات واز شعرای امامیه است و گمان غالب آن است که وی همان سید ابوهاشم جعفر بن محمد علوی حسینی است که از اولاد و احفاد علی مرعش است واز تلعکبری روایت کرده ، اما قلیل‌الروایه بوده است .

برخی هم اورا معاصر صاحب بن عباد دانسته‌اند که میان آنان دوستی و صمیمیّت بسیاری بوده و صاحب بن عباد در مدح ابوهاشم ،که از بستر بیماری برخاسته بود ، قصیده‌ای سروده است .

---

۱ . التحفه الاحمدیه ، روضاتی ، ص ۱۵۰ .
۲ . همان ؛ شجرهٔ سلسلهٔ جلیله مرعشیه ، آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی ، ص ۵؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۴ .
۳ . سراج الانساب ، ص ۱۴۵ ، ۱۴۷ ؛ ریاض العلماء ، ج ۵، ص ۵۲۹ ـ ۵۳۰؛ امل الآمل ، ج ۲ ، ص ۳۵۸؛ مجالس‌المؤمنین ، ج ۱ ، ص ۱۵۰ .

Marfat.com

افندی گرچه خود این مطالب را نقل کرده ، اما در مورد تطبیق ابوهاشم علوی با ابوهاشم جعفر بن محمد وهمچنین معاصر بودن ابوهاشم علوی مرعشی با صاحب بن عباد ، به دیدهٔ تردید می‌نگرد .

۱۱ . شریف ابومحمد یا ابواحمد عبدالله بن علی [۱] ، محدث ، نقیب و وزیر که در برخی از منابع اورا شریف علی‌المرتضی نوشته‌اند که عهده‌دار منصب نقابت طبرستان بوده است .

۱۲ . شریف ابوعبدالله محمد [۲] ، نقیب و زاهد که از زندگی وی نیز اطلاعی در دست نیست .

۱۳ . ابومحمد عبدالله [۳] ، نقیب و کافل ایتام العلویّین که از زندگی وی نیز اطلاعی در دست نیست .

۱۴ . سید کمال‌الدین صادق بن عبدالله [۴] (م ۷۴۰ق) ، نقیب اشراف و پدر میر قوام‌الدین ، سرسلسلهٔ علویان و سلاطین طبرستان و از فقها و محدثین بزرگ که فقه و حدیث و تفسیر را از پدر خود ، عبدالله ، فراگرفته ، چنان که در شجرهٔ ابن زهره به این موضوع اشاره شده است . او مانند پدران خود در طبرستان منصب نقابت آن دیار و ری را به عهده داشته است .

۱۵ . سیدقوام‌الدین بن سیدکمال‌الدین صادق ،مشهور به میربزرگ [۵] (۷۶۰ـ ۷۸۱ق)،

---

۱ . سراج الانساب ، ص ۱۴۷ ، ۱۴۸ ؛ التحفة الاحمدیه ، روضاتی ، خطی ، ص ۱۴ ـ ۱۵ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ حلیهٔ مرعشیه ، آیت الله مرعشی نجفی ، ص ۵ ؛ مقدمهٔ احقاق الحق ، ج ۱ ، ص ۱۲۶ .

۲ . همان .

۳ . همان .

۴ . همان .

۵ . تاریخ طبرستان و رویان ومازندران ، سید ظهیر الدین مرعشی ، ص ۱۱۹ به بعد ؛ حبیب السیر ، خواندمیر ، ج ۳ ، ص ۳۳۸ به بعد ؛ تاریخ خاندان مرعشی مازندران ، تیمور مرعشی ؛ مجالس المؤمنین ، ج ۲ ، ص ۳۸۰ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۴ ، ۱۴۷ ؛ ریحانة الادب ، ج ۳ ، ص ۳۲۳ و ج ۴ ، ص ۲۹۳ ؛ تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۱ ، ص ۳۶۳ ؛ التدوین فی احوال جبال الشروین ، اعتماد السلطنة ، ص ۹۰ به بعد ؛ روضة الصفا ، ج ←

Marfat.com

عالم علوم عقلی و نقلی ، مرد قلم و شمشیر ، فیلسوف ، فقیه ، متکلم ، عارف و زاهد و مؤسس سلطنت سلسلهٔ مرعشیه در طبرستان که پس از وی هشت تن از اولاد و اعقاب وی به ترتیب حکومت و سلطنت طبرستان و نواحی اطراف آن را به‌عهده داشتند . نسب قوام‌الدین با هفت واسطه به سید علی مرعش متصل می‌گردد . او در اصل از سادات آمل و مازندران بود . مدتی به خراسان سفر کرد و در خدمت سید عزالدین سوغندی به سیر و سلوک اشتغال داشت . پس به مازندران بازگشت و بساط ارشاد گسترد و تدریجاً پیروانی فراهم آورد ، تا آنجا که کیاافراسیاب (حاکم مازندران) از او بیمناک شد و در جنگی که میان او و قوام‌الدین در سال ۷۶۰ قمری در محل دابویهٔ مازندران اتفاق افتاد ، کیاافراسیاب و پسران وی و اطرافیانش به دست درویشان ناوک‌انداز کشته شدند و سید بر آمل استیلا یافت و در اندک زمانی ساری ، کوهستان مازندران ، قلعهٔ فیروزکوه ، قلاع نور و کجور ، رویان و رستمدار را تصرف کرد و تا سال ۷۸۱ قمری حکومت کرد و در بارفروش (بابل امروزی) درگذشت و در سبزه میدان آمل به خاک سپرده شد که مزار وی زیارتگاه است . او دارای تألیفات و آثاری در علوم و فنون اسلامی بوده است ؛ از جمله *حقیقة الوجود* ؛ *شرائط الامارة* ؛ *ضیاء الکون فی النبوة والامامة* و غیره .

با میر قوام‌الدین ، دستهٔ تازه‌ای از حکام در مازندران پدید آمدند که مدتها بعد ، یعنی تا ۹۲۹ ، هنگام نگارش کتاب *حبیب السیر* توسط غیاث‌الدین خواندمیر ، حکومتشان بر قسمتهایی از مازندران ادامه داشت . گرچه با هجوم تیمور بر مازندران در سال ۷۹۴ تا اندازه‌ای از قدرت حکومتشان کاسته شد ، امّا تا ۱۰۰۲ به حکومتشان ادامه دادند .

۱۶ . سید کمال‌الدین صادق بن میر قوام‌الدین بزرگ[1] (۷۸۱ ـ ۷۹۵ق) ، قاری ،

→

۵، ص ۵۹۹ و ج ۶، ص ۱۱۸ ، ۲۰۶ ، ۸۶۶ ؛ معجم المؤلفین ، کحاله ، ج ۸، ص ۱۳۴ ؛ تاریخ ایلچی ، نظام شاه دکنی ، ص ۷۶ به بعد .

۱ . حبیب‌السیر ، خواندمیر ، ج ۳، ص ۳۴۴ به‌بعد ؛ روضة‌الصفا ، میرخواند ، ج ۷، ص ۱۱۴ ؛ سراج‌الانساب ،
←

Marfat.com

مفسّر ، شاعر ، خطاط و دومین حاکم و سلطان طبرستان و مازندران ، وی فقه ، حدیث ، اصول ، عرفان ، تجوید و ریاضیات را بخوبی فراگرفته بود و شعر نیز خوب می‌سرود و تخلص وی محزون بود . تألیفات او عبارتند از : *زاد القراء* در تجوید ؛ *منیة الحکیم* و *بغیةالفقیه* در حکمت ؛ *هدایة الادیب* در علوم بلاغت ؛ *دلیل الحیران* در سیر و سلوک . او نسبت به اجرای احکام دینی و شرعی بسیار متعصب و غیور و سختگیر بود . پسر وی نصیرالدین ، مورخ مشهور ، کتابی در انساب سادات مرعشیه نوشته و نوهٔ وی ، ظهیرالدین ، فقیه و مورخ بسیار مشهوری است که کتاب *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران* و *تاریخ گیلان و دیلم* را نوشته است .

کمال‌الدین پس از مرگ پدر خود ، در ۷۸۱ قمری ، در ساری بر اریکهٔ سلطنت تکیه زد و با امیر تیمور جنگهای بسیاری نمود ، امّا عاقبت خود و نزدیکانش اسیر شدند و از آن پس دست از سلطنت کشید و به حدود ماوراءالنهر رفت و در همان جا درگذشت . جسد آن بزرگوار را به ساری حمل و در آنجا به خاک سپردند .

۱۷ . میر سید علی‌خان بن سید کمال‌الدین صادق مرعشی [۱] (۸۰۹ـ ۸۲۰ق) ، سومین سلطان سلسلهٔ مرعشیان مازندران و طبرستان . او دومین فرزند سید کمال‌الدین است که به جای پدر تکیه زد و مدت یازده سال در ساری حکومت کرد و در سال ۸۲۰ درگذشت . اورا در کنار آرامگاه پدرش مدفون ساختند .

۱۸ . میر سید مرتضی‌خان بن میر سید علی‌خان مرعشی [۲] (۸۱۲ـ۸۳۷ق) ، چهارمین

→

ص ۱۴۴، ۱۴۷؛ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۴۵ به بعد؛ مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۸۱ به بعد؛ طبقات اعلام الشیعه، قرن الثامن الهجری، ص ۱۶۸؛ الذریعهٔ آقا بزرگ، مجلدات مختلف؛ ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۹۱ـ۲۹۲؛ تاریخ خاندان مرعشی مازندران، امیر تیمور مرعشی؛ معجم المؤلفین، کحاله، ج ۱۳، ص ۴۱۴.

۱ . تاریخ طبرستان، ص ۵۴۷ـ۵۴۸؛ التدوین فی احوال جبال الشروین، ص ۹۷؛ تاریخ مازندران مهجوری، ص ۳۸؛ التحفة الاحمدیه، روضاتی، خطی، ص ۱۶؛ احقاق الحق، مقدمه، ص ۱۲۷؛ شجرهٔ سلسلهٔ مرعشیه، ص ۴؛ مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲ . همان.

Marfat.com

نفر از خاندان مرعشیه که به حکومت طبرستان رسید . مادر وی ، دختر سید رضی‌الدین مرعشی ، پسر میر بزرگ بود . در دوران حکمرانی وی مردم طبرستان در آسایش بسر می‌بردند و واقعه‌ای مهم رخ نداد ؛ غیر از مناقشات کوتاهی که وی با عمویش سید نصیرالدین و دو فرزندش داشت . او مردی دادگر و نیرومند و بزرگ‌منش بود .

۱۹ . میر سید محمد خان بن میرسید مرتضی‌خان مرعشی [۱] (۸۳۷ـ۸۵۶ق) ، مفسّر و مورخ و سلطانی از سلالهٔ مرعشیان مازندران که به مدت هجده سال حکومت کرد . او مردی بی آزار و پاکدل و سلیم‌النفس بود . اغتشاشات و شورشهایی در قلمرو وی رخ داد که باکمک شاهرخ شاه تیموری فرونشست . سیدمحمدخان در ۸۵۶ قمری دیده از جهان فروبست .

۲۰ . میرسیدعبدالکریم‌خان‌اول بن میرسیدمحمدخان مرعشی [۲] (۸۵۶ ـ ۸۶۵ق) ، فقیه متورع و یکی دیگر از سلاطین سلسلهٔ مرعشیان که مدت نه سال بر منطقهٔ یاد شده حکومت کرد . او در هنگام وفات پدرش در اردوی جهانشاه تیموری بود و چون خبر درگذشت پدر را شنید ، به ساری بازگشت و به جای پدر نشست . از وقایع مهم دوران حکومت وی جنگی بود که بین او و بابر تیموری روی داد و عاقبت به مصالحه انجامید . عبدالکریم اول در ربیع الاخر ۸۶۵ دیده از جهان فروبست .

۲۱ . میرسید عبدالله‌خان بن عبدالکریم اول مرعشی [۳] (۸۶۵ـ۸۷۳ق) ، او پس از پدر خویش به حکومت رسید و مدت هشت سال بر طبرستان ومازندران حکمرانی کرد .

---

۱ . حبیب السیر ، ج ۳، ص ۳۵۰؛ احسن التواریخ ، روملو ، ص ۳۱۴و تعلیقات ، ص ۶۷۹؛ تاریخ مازندران ، مهجوری ، ص ۴۳؛ تاریخ طبرستان ، رویان و مازندران ، ص ۴۸۳ به بعد ؛ التحفة الاحمدیه ، روضاتی ، خطی ، ص ۱۶؛ مجالس المؤمنین ، ج ۲ ، ص ۳۸۱.

۲ . احسن التواریخ ، روملو ، ص ۳۱۴؛ حبیب السیر ، ج ۳، ص ۳۵۲ ـ ۳۵۳؛ تاریخ مازندران ، مهجوری ، ص ۴۹؛ احقاق الحق ، ج ۱ / مقدمه ، ص ۱۲۶ ؛ روضة الصفا ، ج ۶، ص ۷۸۸، ۸۱۷؛ التحفة الاحمدیه ، ص ۱۳ ؛ مجالس المؤمنین ، ج ۲ ، ص ۳۸۲.

۳ . حبیب السیر ، ج ۳، ۳۵۳؛ احسن التواریخ ، تعلیقات ، ص ۷۷۲؛ تاریخ خاندان مرعشی مازندران ، میر تیمور ، ص ۸؛ روضة الصفا ، ج ۸، ص ۲۹۷ ؛ التحفه الاحمدیه ، ص ۱۳ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ مرعشیه ، ص ۳؛ احقاق الحق ، مقدمه ، ص ۱۲۷ ؛ مجالس المؤمنین ، ج ۲ ، ص ۳۸۲.

Marfat.com

مادر شاه عباس صفوی یکی از دختران همین میر سید عبدالله است . در اثر بی کفایتی این سلطان ، رقابتهایی در دربار وی روی داد و سرانجام مردم به عموی پرهیزگار وی میر قوام‌الدین گرایش یافتند . از کارهای ناپسند او زندانی ساختن عمویش سید کمال‌الدین بود که منجر به درگذشت وی در زندان گردید . از این رو سید زین‌العابدین ، پسر سید کمال‌الدین ، به خونخواهی پدر ، میر سید عبدالله را در سال ۸۷۲ یا ۸۷۳ قمری در حمام از پای درآورد .

۲۲ . میرسید عبدالکریم خان دوم بن میرسید عبدالله مرعشی[۱] (۸۸۰ ـ ۹۳۲ق) ، او پس از کشته شدن پدر ، خردسال بود و یارای مقابله با سید زین‌العابدین نداشت . از این‌رو از سادات گیلان و سلطان ابوسعید تیموری یاری طلبید و باکمک آنان بر سید زین‌العابدین چیره شد و بر اریکهٔ سلطنت تکیه زد . امّا جنگ و اختلاف میان او و بنی عمش ادامه یافت ؛ چنان که گاهی او و گاهی میرسید زین‌العابدین به حکومت می‌رسیدند . این کشمکش تا سال ۸۹۲ قمری ، که میر سید زین العابدین درگذشت ، ادامه داشت . میر عبدالکریم خان با شاه اسماعیل صفوی روابط خوبی داشت ، ولی پس از روی کار آمدن شاه طهماسب ، این رابطه رو به تیرگی نهاد و در نهایت میر عبدالکریم در هشتاد سالگی به سال ۹۳۲ دیده از جهان فروبست .

۲۳ . میرسید محمدخان بن میرسید عبدالکریم مرعشی (م ۱۰۰۰ق) ، فقیه ، ادیب ، شاعر ، نقیب و وزیر که بر خلاف برادران از مناصب دنیوی چشم پوشیده و به کسب فضایل معنوی پرداخت . گرچه گاهی نیز بنا به ضرورت ، متکفّل برخی مناصب حکومتی ، از قبیل وزارت ، مشاوره و سفارت می‌شده است .

پس از میرعبدالکریم ، سلسلهٔ مرعشیان به شاخه‌های مختلفی تقسیم شدند و میر سید

---

۱ . روضة الصفا ، ج ۸ ، ص ۲۸ ، ۱۶۵ ؛ حبیب السیر ، ج ۳ ، ص ۳۵۳ ـ ۳۵۶ ؛ التدوین فی احوال جبال ـ الشروین ، ص ۹۷ ؛ احسن التواریخ ، تعلیقات ، ص ۷۷۲ ؛ تاریخ خانی ، ص ۳۷۵ ـ ۳۸۰ ؛ تاریخ مازندران ، مهجوری ، ص ۵۸ ـ ۵۹ ؛ التحفة الاحمدیه ، ص ۱۳ ؛ تاریخ خاندان مرعشی مازندران ، میر تیمور ، ص ۱۰۹ ؛ احقاق الحق ، مقدمه ، ص ۱۲۷ ؛ مجالس المؤمنین ، ج ۲ ، ص ۳۸۲ ـ ۳۸۳ .

Marfat.com

محمدخان ، جدّ مشترک و نیای بزرگ سادات شهرستانی مرعشی در کربلا ، سادات مرعشی نجف ، سادات سلسلهٔ محقق داماد در اصفهان و مرعشیان تهران و قم می‌باشد . زادگاه و تاریخ تولد و درگذشت وی دانسته نیست ، امّا به احتمال زیاد زادگاه وی در همان طبرستان و مازندران بوده است . از آثار اوست : *التعلیقة علی کتاب من لا یحضره الفقیه* و *تاریخ آل محمد(ص)* .

۲۴ . سید ابوالمجد بن میرمحمدخان نقیب‌الاشراف[۱] (ش ۱۰۲۰ق) ، معروف به شهید . فاضل نسّابه که منصب نقابت سادات طبرستان را به عهده داشت . تاریخ تولد و زادگاه وی دانسته نیست . وی استاد سید احمد بن محمد بن عبدالرحمان کیای گیلانی ، مؤلف کتاب *سراج الانساب* است که خود گیلانی به این مطلب تصریح کرده و نوشته است که سید ابوالمجد دارای آثاری به نامهای *مبسوط* و *مشجرات* در علم انساب است . ابوالمجد شعر نیز می‌گفته و در اشعار خود « مغفور » تخلص می‌کرده است . حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) ، علت شهادت اورا چنین بیان داشته است : سید ابوالمجد در یکی از مسافرتهایش به عتبات عالیات در یکی از نواحی کردستان اقامت کرد و در آنجا میان وی و برخی از علمای اهل سنّت مناظره‌ای در گرفت که به دلیل وسعت علم و سخنوری ، ابوالمجد در نهایت بر آنها غالب شد . سر انجام آنان کمر به قتل وی بسته و گروهی را به این کار تحریک می‌کنند و او را به شهادت می‌رسانند . آرامگاه آن سید مظلوم تا این اواخر در کردستان معلوم و محل توجه بوده است .

۲۵ . سید فخرالدین محمد خان دوم بن سید ابوالمجد[۲] (م ۱۰۳۴ق) ، علامهٔ نسابه و نقیب‌الاشراف که دارای منصب وزارت نیز بوده است . مادر وی از سادات طباطبایی و خود از بزرگان خاندان مرعشی و دارای آثاری در علوم شریعت ، بویژه تفسیر و تجوید

---

۱ . رسالهٔ اسدیه ، ص ۹۵ ؛ التحفة الاحمدیه ، ص ۱۳ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ مرعشیه ، ص ۳ ؛ احقاق الحق ، ج ۱ ، مقدمه ، ص ۱۳۰ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۷ .

۲ . احقاق الحق ، ج ۱/ مقدمه ، ص ۱۲۹ ؛ سراج الانساب ، ص ۱۴۷ ؛ التحفه الاحمدیه ، ص ۱۳ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیه ، ص ۳ .

Marfat.com

سلسلهٔ نسب آیت الله العظمی مرعشی نجفی ـــــــ

فقیه ، محدث ، متکلّم ، مورخ ، نسّابه و شاعر . مادر وی دختر شاه سلطان حسین صفوی و خود او از سادات خلیفهٔ سلطانی بوده است . سید قوام‌الدین در علوم مختلف ، از جمله علم نسب و ادبیّات ، دست داشت . از آثار او ، کتاب *نفي الريب عن نشأة الغيب* در اثبات قیامت و معاد ، و نیز *شرح الصحيفة السجاديه* است که کتاب اخیر در کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی موجود است . وی در صحن علوی در نجف اشرف مدفون است .

۳۰ . سید شمس‌الدین محمد بن سید قوام‌الدین حسینی مرعشی[۱] (م ۱۲۰۰ق) ، فقیه ، رجالی ، محدث ، حکیم ، متکلّم ، نسّابه که منصب نقابت سادات را نیز به‌عهده داشت . آثار وی عبارتند از : *اغاثة اللهفان في مقتل الغريب العطشان* ؛ *مشجرات السادات* و *شرح الارشاد* علامهٔ حلی در فقه . وی در کربلا سکونت داشت و در همان جا نیز درگذشت و در رواق حرم حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) به خاک سپرده شد .

۳۱ . سید نورالدین محمد ابراهیم حسینی مرعشی[۲] (م ۱۲۴۰ق) ، فقیه ، محدث ، نسابه ، نقیب‌الاشراف و صاحب تشجیرات در علم نسب و تعلیقات بر کتب فقه ، اصول ، کلام و الهیّات و جز اینها که به‌تصریح حضرت آیت‌اللّه‌العظمی مرعشی نجفی (ره) به دلیل دارا بودن مدارج علمی ملقب به علاّمه بوده است . یکی از آثار وی به نام *قطف الثمار* در مجموعهٔ ۲۸۱۲ شمارهٔ ۱ در کتابخانهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی موجود است .

۳۲ . سید نجم‌الدین محمد بن سید محمد ابراهیم مرعشی حائری[۳] (م ۱۲۶۴ق) ، فقیه ، محدث ، نسّابه ، منجم ، فلکی و ریاضیدان که به میرمحمدخان فلکی نیز شهرت داشته و شعر هم می‌سروده و تخلص وی « مظلوم » بوده است . او نزد پدر خود و صاحب قوانین و کاشف الغطاء دانش آموخت و از آنها و شیخ حسین نجف ، جدّ شیخ

---

۱ . همان .

۲ . همان .

۳ . احقاق الحق ، ج ۱/ مقدمه ، ص ۱۳۰ ، ۱۵۱ ؛ التحفة الاحمديه ، ص ۱۱ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ جليلهٔ مرعشيه ، ص ۱ .

Marfat.com

محمد طه نجف ، و از صاحب مفتاح الکرامة و جز آنان روایت کرده است . او دارای آثاری در فقه ، اصول ، نسب و حدیث است ؛ از جمله : *ذیل عمدة الطالب* ؛ *الحاشیة علی الفقیه* ؛ *لزوم نقد المشیخة الفقیه* ؛ *رسالة فی الاسطرلاب* ؛ *رسائل في النجوم* و *رسالة في الدائرة الهندسیة* .

مادر وی از سادات موسوی و جدهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و نوهٔ دختری فتحعلی شاه قاجار بوده است . نجم‌الدین نیز مانند پدر خویش در مدخل حرم مطهر حضرت ابوعبدالله حسین‌بن علی(ع) ، سالار شهیدان ، به خاک سپرده شد .

۳۳ . سید شرف‌الدین علی بن سید نجم‌الدین محمد ، مشهور به سیدالحکما و سیدالاطبا (۱۲۰۲ـ۱۳۱۶ق) .

۳۴ . سید شمس‌الدین محمود بن سید شرف‌الدین علی حسینی مرعشی (۱۲۷۹ـ ۱۳۳۸ق) که شرح حال وی و پدرش مستقلاً و مفصلاً خواهد آمد .

۳۵ . حضرت آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین محمد حسین بن سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی ، نجفی ، که در این اثر به شرح حال وی خواهیم پرداخت .

Marfat.com

Marfat.com

شرح حال سید الحکما مرعشی

Marfat.com

Marfat.com

آیت‌الله علامه ، شرف‌الدین سید علی بن سید نجم‌الدین محمد مرعشی ، معروف به سیدالاطبا وسیدالحکما[1] (۱۲۰۲ - ۱۳۱۶ق) . فقیه ، محدث ، حکیم ، طبیب ، ریاضیدان ، مورخ و نسّابه که در علوم و فنون مختلف ، آیتی از فکر ، خلاقیّت ، استعداد و ابتکار بود .

سیدالحکما در کربلا و گویا در سال ۱۲۰۲ قمری دیده به جهان گشود . او تحصیلات مقدماتی را در نجف اشرف به پایان برده و سپس فقه و اصول را در نزد اساتید مبرّز و مراجع عالیقدری چون شیخ محمد حسین بن عبدالرحیم اصفهانی ، معروف به صاحب فصول (م ۱۲۶۱ق) ، شیخ محمد حسن بن شیخ باقر اصفهانی ، معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۴ق) ، سید ابراهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی ، معروف به صاحب ضوابط (م ۱۲۶۴ق) ، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق) ، آقا میرزا فتاح ، خلف حاج میرزا یوسف طباطبائی ، حاج ملا علی خلیلی تهرانی ودیگران فراگرفت و مراتب عالی فقه و اصول را آموخت و موفق به کسب اجازات اجتهاد و روایت از این بزرگان گردید .

---

۱ . طبقات اعلام الشیعة ، آقا بزرگ تهرانی ، قرن الرابع عشر ، ج ۲ ، ص ۱۵۱۴ ؛ الذریعه ، ج ۱۲ ، ص ۹ و ج ۱۳ ، ص ۳۶۳ و ج ۱۷ ، ص ۲۳ و مجلدات دیگر ؛ ریحانة الادب ، ج ۲ ، ص ۲۵۵ و ج ۳ ، ص ۱۱۵ - ۱۱۷ ؛ دانشمندان آذربایجان ، ص ۱۰ - ۱۱ ؛ معجم المؤلفین ، ج ۷ ، ص ۲۰۳ ؛ مجلهٔ جهان پزشکی (مقالهٔ سید - الحکماء) سال ۱۳ خرداد و تیر ۱۳۳۸ ، شماره‌های ۳ و ۴ ، ص ۶۶ - ۷۱ ؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ، مشار ، ج ۳ ، ص ۳۸۰ - ۳۸۱ ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، ج ۱۳ ، ص ۳۰۹۳ ؛ التحفة‌الاحمدیه ، ص ۹ - ۱۱ ؛ شجرهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیهٔ تهران ، قم ، تبریز ، ص ۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ؛ احقاق‌الحق ، ج ۱/ مقدمه ، ص ۱۳۰ .

Marfat.com

آن مرحوم پس از نیل به مقام اجتهاد به ایران سفر کرد و مدتی در تبریز رحل اقامت افکند ، امّا اعمال ناشایست بسیاری از مقدس‌مآبها در آن شهر اورا از اقامت در آنجا دلسرد و منصرف کرد و چون علاقهٔ وافری به تحصیل طب داشت ، مطالعاتی را در این زمینه آغاز کرد و از آن پس با جدیت هرچه تمامتر به مدت پانزده سال در تبریز و اصفهان به فراگیری دانش پزشکی روی آورد . او مدتی در نزد میرزا حسن شیرازی به کسب علم طب پرداخت و سپس در اصفهان در نزد ابراهیم شیرازی ، کتاب *قانون* بوعلی و *شرح اسباب* و *شرح نفیسی* را فراگرفت . همچنین مدتی در تبریز در مطب استاد خود دانش پزشکی را عملاً نیز تجربه کرد .

بی‌مناسبت نیست در اینجا اشاره شود که برخی از منابع ، ایشان را تبریزی‌الاصل دانسته‌اند و این اشتهار بنا به گفتهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) ممکن است به دو دلیل باشد : یکی آنکه چون ایشان مدتی کوتاه در تبریز سکونت داشته ؛ دیگری آنکه چون همسر ایشان از اهالی تبریز بوده است . در حالی که قدر مسلّم این است که اصل این خاندان در کربلا و نجف می‌زیسته‌اند[۴]. در عین حال بیشتر افراد این خاندان با آنکه در نجف و کربلا سکونت داشته‌اند ، پیوندهای خانوادگی عمیقی با ایرانیان داشته‌اند و از ایرانیان زن گرفته‌اند . شاید این مسأله موجب اشتباه گردیده که برخی مورخین و محققین آنهارا تبریزی‌الاصل بدانند .

سیدالحکما مدتی هم در سبزوار نزد حکیم الهی حاج ملا هادی سبزواری ، طبیعیات ، الهیّات و دیگر فنون فلسفی را آموخت و سپس به تبریز مراجعت کرد و به طبابت پرداخت . امّا جان شیفته و نا آرام و دانش طلب وی آرام نگرفت و به سیر و سیاحت پرداخت . مدتی در مصر اقامت کرد و با علما و بزرگان آن دیار ملاقات کرد و گویا در این سفر بوده که با شیخ محمد عبده ، دانشمند برجستهٔ مصری و شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی ، ملاقات کرد و دوستی عمیقی بین آنان به وجود آمد ؛ چنان که باب مکاتبه بین آنان مفتوح گردید و در یکی از مکاتبات ، پس از بهبودی سیدالحکما از

Marfat.com

بیماری ، شیخ محمد عبده در قصیده‌ای بلند اورا تهنیت گفته است :

صَحَّتْ بِصِحَتِّكَ الدنیا من العلل یابن الوصي امیرالمؤمنین علیّ(ع)

ای فرزند علی ، امیرمؤمنان و وصیّ پیامبر(ص) ، با سلامتی و شفا یافتن تو ، دنیا نیز از بیماریهایش سلامتی و شفا یافت .

او پس از آن به هندوستان سفر کرد و در آنجا از میرزا عبدالحسین طیّاری هندی کسب فیض کرد و مدت هشت سال در شهرهای مختلف هند به سیر و سیاحت پرداخت و علوم مختلف غریبه را فراگرفت و با کوله‌باری از دانش و تجربه به ایران بازگشت . دستاورد او از این سفر ، دانش و معلومات و اطلاعات گسترده و خارق‌العاده‌ای در علوم طب و شیمی و دیگر علوم بود که بعداً نتایج درخشانی در زندگی وی پدید آورد . از جمله ساختن زنبور عسل مصنوعی و استفاده از نیروی بخار برای حرکت .

او با استفاده از اصول شیمیایی زنبور عسل درست می‌کرد! این زنبورها در آغاز سفید رنگ ، بی‌حس و بی‌حرکت بودند ، امّا پس از تابش آفتاب به آنها ، رنگشان متلون به رنگهای مختلف می‌گردید .

سیدالحکما سفری هم به مشهد کرد و مدتی در آن شهر ماندگار گردید و از علما و بزرگان آنجا نیز استفاده‌ها برد و در نزد حمزه میرزای قاجار عهده‌دار شغل طبابت بود . از آن پس به تبریز مراجعت کرده و مدتی به سمت پزشک مخصوص مظفرالدین شاه ، که در آن زمان ولایتعهدی ایران را داشت ، برگزیده شد . گویا در این دوره بود که شنید در اروپا دندان مصنوعی ساخته‌اند که او فوراً دست به کار شد و بدون دیدن آن دندانها و اطلاع از چگونگی ساختشان ، خود یک دست دندان مصنوعی برای معین‌الملک ، حاکم وقت تبریز ، ساخت که نسبت به دندانهای مصنوعی اروپا از مزایای بسیاری برخوردار بود . او این دندانها را از عاج و یا استخوان فیل درست کرده بود ، امّا برخلاف نوع اروپایی ، لثهٔ آن را از لاک نساخت ، که باعث تغییر طعم غذا گردد ، بلکه از اختراعات ترکیبی خود آن دانشمند بود . وی در میان دندانهای فکّ بالا و پایین یک

Marfat.com

فقره فنر از طلا تعبیه کرده بود که موقع باز و بسته کردن دندانها موافق دلخواه عمل کند . علاوه بر این ،کاشتن دندان در لثّهٔ طبیعی از ابتکارات او بوده است . این دندانها که سالها در تملك حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی بود ، اینک پس از گذشت بیش از صد سال از عمر آنان ، در موزهٔ تاریخ پزشکی ایران نگهداری می‌شود .

سیدالحکما مدت زیادی هم در تهران در محله سرچشمه مطبّی دایر کرد و در دوران ناصرالدین شاه به طبابت در این مطب اشتغال داشت . او در زمان مظفرالدین شاه به سمت پزشك مخصوص وی برگزیده شد و در تهران مکتب طبی و حکمتی تأسیس کرد و شاگردان بسیاری در رشتهٔ پزشکی تربیت کرد که یکی از شاگردان وی در این رشته ، میرزا عبدالحسین‌خان رکن‌الحکما فیلسوف‌الدوله ، صاحب کتاب *مطرح‌الانظار في تراجم‌الاطباء‌الاعصار* بود .

او برای انجام امور حجامت نیز ابتکار خاصی به کار برده بود . نوشته‌اند وی تیغی برای حجامت ساخته بود که با دگمهٔ مخصوص کار می‌کرد و برحسب نیاز یک یا دو و یا چند بار اتوماتیک‌وار خود عمل می‌نمود .

سیدالحکما در علوم مختلف چیره‌دست بود ؛ چنان‌که در علم نسب نیز از اطلاعات و دانش گسترده‌ای برخوردار بود . او علم نسب را نخست نزد پدر خود و سپس از دانشمندان این فن فراگرفت . وی از اساتید مبرز خود در نجف ، همچنین از علامه میر حامد حسین هندی ، صاحب کتاب *عبقات‌الانوار* و دیگر مشایخ شیعه و اهل سنت ، از جمله شیخ محمد عبده و مشایخ زیدیه ، اجازاتی داشته است .

تألیفات و آثار علمی : سیدالحکما در عرصهٔ قلم و تألیف نیز فردی پرکار بود ؛ چنان‌که نوشته‌اند وی بیش از سی عنوان کتاب تألیف و تدوین نمود که برخی از آنها به چاپ رسیده و بعضی از آنها هم هنوز به صورت دستنوشته باقی مانده است .

آثار چاپی او عبارتند از : *رسالة الجدري* ، چاپ سنگی ، تهران ؛ *زادالمسافرین* ، چاپ تهران ؛ *شرح وجيزة البهائي* ، چاپ سنگی ، تهران ؛ *قانون‌العلاج* ، چاپ تبریز ، ۱۲۷۰ق ،

Marfat.com

این کتاب در معالجهٔ وبا و طاعون نوشته شده و به حمزه میرزا والی خراسان تقدیم شده است . فرزند وی سید شمس‌الدین این کتاب را به عربی ترجمه کرد که نسخه‌ای از آن ترجمه به شمارهٔ ۴۱۱۵ در دانشگاه تهران موجود است .

آثار خطی : *تعلیقه بر رجال ابوعلی* ؛ *جامع‌العلل* ؛ *حاشیه بر قانون بوعلی سینا* ؛ *حاشیه بر شرح نفیسی* ؛ *حاشیه بر شرح اسباب* ؛ *حاشیه بر متاجر شیخ انصاری* ؛ *حاشیه بر فرائد شیخ انصاری* ، *حاشیه بر جواهر* ؛ *حاشیه بر شرایع* ؛ *حاشیه بر معالم* ؛ *حاشیه بر تفسیرالبیضاوی* ؛ *حاشیه بر مدارک* ؛ *حاشیه بر بحرالانساب لعمیدالدین النجفی* ؛ *حاشیه بر عمدة الطالب* ؛ *داد و ستد* (در متاجر) ؛ *جُنگ* (مانند کشکول در نسخه‌ها و مجربات نفیس) ؛ *ذریة المصطفی* ؛ *رساله در عمل شمسی* (کیمیا و طلا سازی) ؛ *رساله سیر و سلوک* ؛ *سفرنامهٔ استانبول و هندوستان* ؛ *شرح زیارت جامعه* ؛ *شرح برسی فصل هیئت* ؛ *شرح ضوابط* (در چند جلد) ؛ *شرح تشریح الافلاک* ؛ *رساله الموسیقی و بیان اقسامه و احکامه* ؛ *نسب‌السادات* ، ناتمام ، و رساله‌ای در انساب خاندان خودش ؛ *حاشیةالفصول* ؛ *تاریخ تبریز* ؛ *تعیین قبله* ؛ *حاشیه بر شرح اللمعة الدمشقیة* ؛ *حاشیه بر شرح منظومهٔ سبزواری* ؛ *رسالهٔ تعلیم خط کوفی وکیفیت نوشتن آن* ؛ *رسالهٔ جفر* ؛ *رسالهٔ رمل* ؛ *رسالهٔ زکام* ؛ رسالهٔ مناظرهٔ او با سید حسین رفاعی در استانبول ؛ *شرح الغاز و معمّیات شرف‌الدین علی یزدی* ؛ *شرح انوارالملکوت علامهٔ حلّی* ؛ *شرح دعای سمات* ؛ *شرح طب‌الائمه(ع)* ؛ *شرح طب‌النبی(ص)* ابوالعباس مستغفری ؛ *طلسمات و مثلثات و مربعات* ؛ *کیفیت پرکردن صد اندر صد عددی* و *حاشیه بر قانون شیخ‌الرئیس* . کافی است در تنوع آثار و تألیفات سیدالحکما دقت و بررسی شود تا اندازهٔ دامنهٔ اطلاعات و احاطهٔ وی بر علوم و فنون مختلف روشن گردد . او از معدود افرادی است که جامع علوم زمان خویش بوده است .

اولاد سیدالحکما : آیت الله سیدالحکما دارای فرزندان متعددی بوده است که عبارتند از :

۱ . آیت‌الله میرزا جعفر افتخارالحکما مرعشی (م ۱۳۱۸ق) که فرزند ارشد

Marfat.com

سیدالحکما بوده و تألیفاتی هم داشته است . از جمله : ***تقویم‌الشریعه*** ؛ ***رساله‌ای در امراض حصبه*** ؛ ***رساله‌ای در جدری*** ؛ ***الاطباءالاسلامیون*** و ***رساله‌ای در حرقت بول*** .

۲ . میرزا سید محمد مرعشی ، ملقب به معظم‌السادات .

۳ . آیت الله آقا میرزا اسماعیل شریف‌الاسلام مرعشی از علمای بزرگ تهران .

۴ . میرزا ابراهیم مرعشی که در تهران کتابفروشی داشته است .

۵ . میرزا عبدالستّار مرعشی .

۶ . میرزا عبدالغفار مرعشی .

۷ . آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی ، پدر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی .

سیدالحکما ، پس از ۱۱۴ سال عمر با برکت ،که هفتاد سال آن را به طبابت و حکمت گذرانده بود ، در سال ۱۳۱۶ قمری در تبریز دیده از جهان فروبست . جنازهٔ آن مرحوم به نجف اشرف انتقال یافت و در مقبرهٔ خانوادگیشان در وادی‌السلام دفن گردید .

در پایان تذکر این نکته لازم است که در گذشته عالمان اسلامی به مصداق حدیث نبوی « **العلم علمان: علم‌الابدان وعلم‌الادیان** » ، علاوه بر فراگیری علوم دینی ، به آموزش علم طب نیز روی می‌آوردند . مرحوم سیدالحکما نیز از شمار آن دسته از عالمان بود که جامع علوم دینی و طبی ، بلکه از سرآمدان آن بود .

Marfat.com

شرح حال

سید شمس الدین محمود مرعشی نجفی

Marfat.com

Marfat.com

آیت‌الله علامه ، سید شمس‌الدین محمود بن علی سیدالحکما حسینی مرعشی نجفی[1] (۱۲۷۹ـ۱۳۳۸ق) ، فقیه ، اصولی ، محدث رجالی ، مفسّر زاهد ، نسّابه ، جامع معقول و منقول و از علما و فقهای مبرّز حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف ، پدر حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) که نسب شریفش از جانب پدر به علامهٔ جلیل‌القدر و سرسلسلهٔ سلاطین مرعشیهٔ طبرستان ، میرسید قوام‌الدین ، مشهور به میربزرگ ، می‌رسد و از طرف مادر به علامهٔ بزرگوار ، عالم کامل ، آیت‌الله حاج سید یوسف طباطبایی تبریزی ، می‌پیوندد .

ایشان در ۱۲۷۰ و به قولی ۱۲۷۹ قمری[2] در نجف اشرف ، در محیط سراسر علم و فضیلت و تقوا ، و در خانواده‌ای همه اهل علم و کمال و معنویت ، دیده به جهان گشود و در چنین محیط و خانواده‌ای تربیت و نشو و نما یافت . او دورهٔ مقدمات و سطح دروس حوزوی را با موفقیّت پشت سر نهاد و وارد حوزه‌های دروس خارج فقه و اصول گردید و

---

۱ . یادداشتهای آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی ، ص ۲۱ ، ۲۲ ، ۳۴ ؛ مکارم الآثار ، ج ۶ ، ص ۲۲۳۸ ـ ۲۲۳۹ ؛ اعیان الشیعه ، ج ۱۰ ، ص ۱۰۷ ؛ التحفة الاحمدیه ، روضاتی ، خطی ، ص ۷ ـ ۹ ؛ شجرهٔ سلسله جلیلهٔ مرعشیه ، ص ۱ ، ۱۴ ؛ معارف الرجال ، حرزالدین ، ج ۲ ، ص ۳۹۵ ـ ۳۹۸ ؛ مصفی المقال ، آقا بزرگ تهرانی ، ص ۴۵۱ ـ ۴۵۲ ؛ الذریعه ، آقا بزرگ تهرانی ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ و ج ۴ ، ص ۵۷ و ج ۶ ، ص ۱۶۹ ، ۱۷۹ و ج ۲۴ ، ص ۱۴۹ ؛ شخصیت شیخ انصاری ، ص ۴۴۴ ؛ معجم رجال الفکر والادب فی النجف ، امینی ، ج ۳ ، ص ۱۱۸۸ ، معجم المؤلفین ، کحّاله ، ج ۱۲ ، ص ۱۸۳ ؛ احقاق الحق ، ج ۱/ مقدمه ، ص ۱۳۰ ـ ۱۳۱ ؛ اعیان المرعشیین ، خطی .

۲ . در برخی از مراجع سال تولد ایشان ۱۲۶۰ قمری ثبت شده است که صحیح نیست .

Marfat.com

۱۰۲ ـــــــ

انصاری قراجه‌داغی تبریزی ، سید حیدر حلّی ، سید جعفر حلّی و سید ابراهیم طباطبایی آل‌بحرالعلوم سپری ساخت .

ز . هیئت و ریاضیات را از علاّمه ملا اسماعیل قره‌باغی ، علاّمه آخوند ملا غلامحسین دربندی و میرزا محمد علی رشتی چهاردهی آموخت .

ح . علم کلام را از محضر سید اسماعیل عقیلی نوری ، صاحب *کفایة الموحّدین* ؛ پدر بزرگوارشان و دیگر اساتید این رشته استفاده کرد .

ط . علوم غریبه ، مانند جفر ، رمل و اوفاق را در نزد سید محمد تقی قزوینی ؛ میرزا باقر ایروانی وحاج ملا علی‌نجف آبادی اصفهانی ، صاحب کتابخانهٔ حسینیّهٔ شوشتریهای نجف ، تحصیل کرد .

ی . علم طب را نخست از پدر خود و سپس از میرزا حسن شیروانی ، برادر مولی محمد شریف شیروانی ، صاحب کتاب *الصدف* ، فرا گرفت و در این دانش ممتاز گردید .

هم مباحثه‌های ایشان ، عالمان و فقیهانی مانند آیت‌الله سید حسن مدرّس و آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی ، صاحب *وسیلة النجاة* ، بوده‌اند .

نا گفته نماند که بزرگان و فقها و شخصیتهای علمی یاد شده ، همگی از مراجع تقلید عصر خود و از دانشمندان مبرّز زمان خود و عموماً صاحب تألیفات و تصنیفات متعدد در علوم مختلف بوده و شناخته شده‌اند .

آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مدارج علمی را پشت سر نهاد تا بالاخره به مقام پرافتخار اجتهاد و فقاهت نایل گردید . بسیاری از بزرگان و علما و فقها به ایشان اجازهٔ روایتی و اجتهاد داده‌اند که مشاهیر آنان عبارتند از : والد بزرگوارشان که اجازهٔ نقل حدیث مفصلی به ایشان داده‌اند که تمامی طرق نقل حدیث را ، از عامه و خاصه و سایر فرق مسلمین ، در برداشت ؛ حاج میرزا حسین نوری محدث ؛ حاج میرزا محمد حسین مرعشی حائری شهرستانی ، صاحب *الموائد* ؛ ملا لطف‌الله مازندرانی لاریجانی ؛ فاضل شربیانی ؛ شیخ محمد حسن مامقانی ؛ شیخ محمد طه نجف ، صاحب *الرجال* ؛ سید

Marfat.com

۱۰۴ ـــــــ

شرح حال سید شمس الدین محمود مرعشی نجفی ـــــــ

۱۰۶ ـــــــ

شرح حال سید شمس الدین محمود مرعشی نجفی ـــــــ

حائری ، سید محمدتقی خوانساری و عالم زاهد آیت‌الله علامه شیخ اسدالله قمی استفاده کرد و خود نیز کتابهای *شرح لمعه* و *مطول* را تدریس می‌نمود . پس از آن به عشق نجف اشرف و زیارت اعتاب مقدسه به عراق سفر کرد و در نجف اشرف در مدرسهٔ وسطی آخوند رحل اقامت افکند و در حوزه‌های درس آیات عظام نائینی و ابوالحسن مشکینی شرکت کرد و خوشه‌ها برچید . در کنار آن علم رجال ، درایه و فلسفه را نیز فرا گرفت و خود نیز به تدریس *مکاسب* و *رسائل* پرداخت . وی در اندک مدتی جزء مدرسین طراز اول نجف اشرف به شمار رفته و از حضرات آیات عظام نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی موفق به اخذ درجهٔ اجتهاد گردید و بی‌نهایت مورد عنایت و علاقهٔ آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت . در این مدت با حضرات آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی ، میلانی ، ادیب اردوبادی و احمد اهری ، مأنوس بوده و مباحثات علمی داشت . وی از علمای بزرگی مانند شیخ مرتضی طالقانی ، حاج شیخ عباس قمی ، شیخ شمس‌الدین بادکوبه‌ای و دیگران اجازهٔ روایتی دریافت کرد .

سید ضیاءالدین مرتضی در ۱۳۶۰ قمری تصمیم گرفت برای زیارت حضرت ثامن ـ الحجج علی بن موسی‌الرضا(ع) به ایران سفر کند ، امّا با مخالفت شدید حضرت آیت‌الله العظمی اصفهانی مواجه شدند و پس از اصرار بسیار ایشان بالاخره آیت‌الله اصفهانی موافقت کردند که پس از زیارت امام هشتم(ع) و به جا آوردن صلهٔ ارحام مجدّداً به نجف اشرف مراجعت نمایند . ایشان پس از تشرف به مشهد مقدس ، جهت ملاقات و صلهٔ ارحام به تبریز رفتند . پس از چندی که قصد کردند به نجف اشرف بازگردند ، جمعی از علمای تبریز و دائی ایشان و بستگان با اصرار تمام او را در تبریز نگاه داشتند . وی در همان تبریز رحل اقامت افکند و متأهل گردید و مشغول تدریس دروس مختلف و تشکیل حوزهٔ درس خارج گردید که هم اکنون نیز ادامه دارد . علمای نجف ، از جمله حضرت آیت‌الله خوئی ، در زمان حیات خود اصرار به بازگشت ایشان به نجف اشرف داشتند و کتباً و به طور سفارشی از ایشان می‌خواستند که به جهت نیاز حوزهٔ مقدسهٔ علمیهٔ

Marfat.com

نجف به چنین شخصیتهای علمی ، ایشان حتماً به نجف اشرف عزیمت کنند ، ولی دست تقدیر و مشیّت الهی چنین رقم زده است که آیت‌الله سید ضیاءالدین مرعشی در خطّهٔ آذربایجان بمانند و مردم آن دیار از وجود ایشان استفاده کنند . هم اکنون وی یکی از مراجع آن خطّه به شمار رفته و بی‌نهایت مورد احترام خاص و عام می‌باشد .

آیت‌الله سید ضیاءالدین مرتضی درکنار تدریس ، راهنمایی و ارشاد اهالی مؤمن آن منطقه به تألیف و تصنیف نیز اشتغال داشته‌اند وکتب بسیاری به رشتهٔ تحریر کشیده‌اند که برخی از آنها عبارتند از :

۱ . *شمس‌الضّحی في مناقب النبيّ والائمة الهدی* ، این کتاب چاپ شده است .

۲ . *روضة العارفین* ، کتابی در تهذیب نفس .

۳ . *روضة الاحباب* .

۴ . *تقریرات آیت الله نائینی* ، (یک دورهٔ اصول) .

۵ . *تقریرات آیت الله نائینی* ، (فقه) .

۶ . *تعلیقه بر مکاسب شیخ انصاری* .

۷ . *تعلیقه برکفایة الاصول* آخوند خراسانی .

۸ . *حاشیة علی عروة الوثقی* .

۹ . *القواعد الفقهیّه* .

۱۰ . *رجال الحدیث* .

آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی در یادداشتهای خویش راجع به فرزند خود سید ضیاءالدین چنین نوشته است : « از خداوند مسألت می‌نمایم این فرزند را هم خلف صالح حقیر و مروج دین قرار بدهد . آثار نبوغ در او زیاد می‌بینم و از خداوند خواسته‌ام که از مروّجین شرع و مذهب اجداد طاهرین بوده باشد . کام اورا با تربت حضرت سیدالشهدا و آب فرات برداشته‌ایم . خواب خوبی در حق او دیده‌ام و او صاحب اولاد عدیده خواهد شد و در ایران سکونت خواهد کرد . ای فرزند عزیزم سید

Marfat.com

مرتضی ، مرا فراموش ننمایی ، زحمت تورا خیلی کشیده‌ام . . . شبهای جمعه تا در نجف هستی بر سر قبر والدین بیا و اگر نبودی به خواندن *قرآن* خوشنود بنما . . . فرزندم از نماز شب غفلت ننما . تهجّد شب شخص را به مقاماتی عالی می‌رساند ؛ نباید غفلت کرد از مناجات و ابتهال نیمه‌های شب » .

آیت‌الله سید ضیاءالدین مرتضی مرعشی نجفی ، دارای چهار فرزند پسر هستند که دو تن از آنها روحانی هستند : یکی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید شمس‌الدین مرعشی از افاضل حوزهٔ علمیه قم ، و دیگری حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی مرعشی که در تبریز اشتغال به تدریس و اقامهٔ جماعت دارند .

اما دختران آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود دو تن هستند که در یادداشتهای معظم‌له چنین معرفی شده‌اند : « دختر اول فاطمه ملقب به خانم نجفی که در ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد گردید . خداوند سبحان او را از همسر عزیزم ، علویهٔ محترمه ، صاحبه خانم ، مرحمت فرموده که خیلی شبیه به مادرش می‌باشد » . وی همسر آقای حاج حسین واعظی از خانواده‌های اصیل روحانی و مشهور تبریز بوده‌اند و دارای چهار فرزند هستند . این بانو در حدود ۱۴۱۲ قمری در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به‌خاک سپرده شد .

« دیگری مرضیّه مکنّا ، به ام ابیها ، که در ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف چشم به جهان گشود . خداوند اورا از صالحات زمان خود قرار بدهد . در او آثار خوبی زیاد مشاهده می‌کنم . وی در ایران سکونت خواهد کرد . در حق وی نیز خوابی خوب دیده‌ام . عاقبت به‌خیر خواهد شد » . این بانو نیز همسر آقای شریف از اخیار و اوتاد بازار تهران بوده و دارای پنج فرزند می‌باشد . این بانو نیز در ۱۳۹۰ قمری در تهران چشم از جهان فروبست و در بهشت زهرا به‌خاک سپرده شد .

Marfat.com

خاندان مادری

حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

Marfat.com

Marfat.com

چنان که قبلاً یاد شد ، مادر حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، فرزند آیت‌الله سید ابوالقاسم حسینی خوئی بوده است . سید ابو القاسم از شاگردان مبرّز فاضل شربیانی ، شیخ محمد طه نجف و شیخ محمد حسن مامقانی و از علما و فضلای حوزهٔ علمیهٔ نجف به شمار می‌رفت . وی در نجف درگذشت و در همان وادی‌السلام نجف در مقبرهٔ خانوادگی خاندان مرعشی مدفون گردید .

پدر سید ابوالقاسم ، آیت‌الله حاج سید مهدی خوئی ، یکی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود که به امر شیخ انصاری از نجف به تبریز مسافرت کرد و در آنجا رحل اقامت افکند و در مدرسهٔ علمیهٔ صادقیهٔ آن شهر به تدریس پرداخت و به وعظ وارشاد و اقامه نماز جماعت در آن شهر مشغول گردید .

این سید جلیل‌القدر که اصالتاً اهل خوی بود ، از بنی اعمام سادات عالیقدر « مقبره » بود و نسبشان با چند واسطه به عالم ربّانی سید حسن حسینی زنوزی ، صاحب کتاب *ریاض‌الجنة* می‌رسد که در زنوز مرند بقعه و بارگاه دارد . نسب زنوزی نیز با چند واسطه به امامزادهٔ عظیم‌الشأن علی بن امام زین‌العابدین سید سجاد(ع) متصل می‌شود که در قبرستان بقیع مدفون است . همچنین نسب بسیاری از سادات ، از جمله سادات خاتون‌آبادی ، امام جمعه‌ای های اصفهان و تهران ، سادات قائم مقامی ، سادات سجادی ، که در قریهٔ « تقرود » اطراف قم سکونت دارند ، سادات میرهادی تفرشی ، سادات کاظمی تفرشی ، سادات کوه کمری در آذربایجان ، که یکی از مشاهیر این

Marfat.com

خاندان آیت‌الله‌العظمی سید محمد حجّت کوه کمری تبریزی ، مؤسس مدرسهٔ حجتیهٔ قم و از مراجع تقلید وقت بود ، به همین سید حسن زنوزی و از طریق وی به امامزادهٔ یاد شده می‌رسد .

جدّهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی (مادر آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود) عالم فاضل ، عابد صاحب کرامات ، مفسّر و ادیب شمس‌الشرف خانم طباطبایی (م ۱۳۲۸ق)، از زنان باکمال عصر خود بود . حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، مقدمات و کتاب مغنی‌اللبیب را نزد ایشان آموخته است . مُهر نام این بانو « شمس‌الشرف طباطبایی » بوده است .

این عالم فاضل دختر علاّمه ، حجت‌الاسلام حاج سید محمد ، معروف به « حاج آقا » ، مؤلف کتاب *مصباح* در دعا بوده‌اند ، که این بزرگوار خود پسر عمّ پدر علاّمهٔ طباطبائی ، صاحب تفسیر معروف *المیزان* و دیگر تصانیف در حکمت و فلسفه می‌باشد . حاج سیدمحمد ، فرزند آیت‌الله حاج سیدعبدالفتاح طباطبائی ، صاحب‌کرامات‌معروف است . ایشان هم فرزند آیت‌الله‌العظمی عالم کامل حاج میرزا یوسف طباطبائی [۱] (م۱۲۴۲ق) ، یکی از شاگردان برجستهٔ علامهٔ بزرگ آقا باقر وحید بهبهانی است که با علامهٔ جلیل‌القدر میرزای قمّی ، صاحب کتاب *قوانین‌الاصول* ؛ علامهٔ بحرالعلوم و فاضل نراقی هم مباحثه بوده است .

حاج میرزا یوسف طباطبائی از مراجع بزرگ تقلید اهالی آذربایجان و قفقاز (که در آن دوره جزءِ خاک ایران بوده) و صاحب تألیفات بسیار است که از آن جمله می‌توان به کتاب *مسوّدالخدود في مسائل‌الحدود* در فقه ، *شرح خلاصةالحساب شیخ بهائی* ، *حاشیه بر قواعد علامهٔ حلّی* و *الجهاد في‌الحضّ علی‌الجهاد* اشاره کرد .

---

۱ . تاریخ اولاد الاطهار ، محمد رضا طباطبایی ، ص ۸۸ ـ ۹۱؛ اعیان الشیعة ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۸؛ طبقات اعلام‌الشیعه ، قرن الثالث عشر ، ج ۲ ، ص ۷۵۶؛ الذریعه ، ج ۵ ، ص ۲۹۸ و ج ۶ ، ص ۲۹۸ و ج ۷ ، ص ۸۴۵؛ الاعلام زرکلی ، ج ۸ ، ص ۲۳۸؛ معجم المؤلفین ، ج ۱۳ ، ص ۳۱۰.

Marfat.com

خاندان مادری حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ـــــــ

نسب آیت‌الله‌مرعشی نجفی ، چنان که یاد شد ، از طرف پدر منتهی می‌شود به سید فقیه ، عالم عابد ، زاهد عارف و محدث علامه ، میرقوام‌الدین مرعشی ، مشهور به میربزرگ ، سرسلسله و مؤسس سلطنت مرعشیان طبرستان و آمل و از طریق وی به حسین اصغر ، فرزند امام سجاد(ع) . مرعشیان طبرستان یکی از اصیلترین و شریفترین خانواده‌های علویان طبرستان بوده‌اند که از میان آنان عالمان ، فقیهان ، محدثان ، نقیبان ، امرا ، وزرا و سلاطین بزرگی قد برافراشته‌اند و خدمات بزرگی به ایران و اسلام ، بویژه مذهب تشیع ، انجام داده‌اند .

در نیاکان مادری ایشان هم شخصیتهای بزرگی در عالم علم و فضیلت و تقوی ظهور کرده‌اند . از باب مثال مادر پدرشان ، علویهٔ فاضلهٔ شریفه ، شرف‌النساء شمس شرف ، دختر حجت‌الاسلام سید محمد ، صاحب کتاب *سلاح‌الداعی* ، نوهٔ آیت‌الله مجاهد میرزا یوسف طباطبائی تبریزی (م ۱۲۴۲ق) بوده است و مادر سید علی شرف‌الدین ، سید الاطبا و الحکما مرعشی نیز از علویات بود . یکی از جده‌های مادری وی دختر جهانگیر میرزا پسر فتحعلی‌شاه قاجار بوده است ، و دیگری دختر علامه سید محمد بن علی بن حسین موسوی عاملی (م ۱۰۰۹ق) ، دختر زادهٔ شهیدثانی ، معروف به صاحب *مدارک* . همچنین یکی دیگر از جده‌های مادری او از نوادگان سید علامه و فیلسوف شهیر میرداماد بوده است ، و دیگری از نوادگان علامهٔ مجلسی (م ۱۱۱۰ق) و دیگری از ذراری سید علامه سلطان‌العلما سیدحسین بن میرزا رفیع‌الدین مرعشی آملی(م ۱۰۹۸ق). همچنین یکی از جده‌های او دختر شاه سلیمان صفوی و دیگری سیدهٔ جلیله ، خان آغا بیگم ، دختر شاه عباس اول صفوی و دیگری دختر شاه طهماسب و دیگری دختر شاه صفی و دیگری دختر شاه سلطان حسین صفوی بوده است . همچنین یکی از جده‌های مادری وی از سادات نقوی و دختر میر شاه محمد است که قبر وی در افغانستان محل توجه و زیارتگاه است .

بنابراین سلسلهٔ نسب آیت‌الله مرعشی‌نجفی(ره) از دوناحیهٔ پدری و مادری ، هر دو به

Marfat.com

عترت‌طاهره وخاندان ولایت ونبوت ورسالت می‌پیوندد ؛ چنان‌که خود آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نیز در کتاب مهم و ارزندهٔ *مشجرات آل رسول الله الاکرم(ص)* و دیگر یادداشتهای خویش بارها به آن اشاره کرده‌اند ، که در کمتر سلسله‌ای از سادات چنین اتفاقی افتاده است .(۱)

اولئک آبائی فجئني بمثلهم اذا جمعتنا یا جریرالمجامع

نکته‌ای مهم که در اینجا باید اشاره کنیم ، اختلافهایی است که در برخی از منابع در سلسلهٔ نسب و اسامی بعضی از افراد این سلسلهٔ جلیله پیش آمده است . یکی از این اشتباهات ،اختلاف‌اندکی‌است که‌در نسبنامه وشجره‌نامهٔ آیت‌الله‌مرعشی‌نجفی‌در برخی از منابع آمده وایشان علت‌آن‌را در نامه‌ای‌به‌آقای‌روضاتی‌به‌این‌صورت‌بیان‌داشته است :

وقتی ما در عراق بودیم ، شجره‌نامهٔ اصلی ما در ایران بود و من به عموی کوچک خود سید ابراهیم کتبی ، که از تاجران کتاب بود ، نوشتم که صورت شجره‌نامه را برای من بفرستد . عمویم در حال کتابت از روی نسخهٔ اصلی مرتکب اشتباهاتی شده بود و گمان کرده بود که جد ما سید ابراهیم است که مادر وی دختر میرزا ضیاءالدین محمد از سادات احفاد خلیفه سلطان است . زیرا در شجره‌نامهٔ اصلی در بارهٔ اسم ضیاءالدین محمد چنین ثبت شده است : السید ابراهیم ، مادر او دختر ضیاءالدین است . و عموی ما که فردی عوام و بی‌سواد بود ، گمان کرده بود که ابراهیم بن عبدالفتاح بن ضیاءالدین بن محمد است . در حالی که عبدالفتاح دائی جدّ پدری ماست و چون شجره‌نامهٔ اصلی را ندیده بودم ، سالها در این اشتباه بودم ، تا آنکه شجره‌نامهٔ اصلی به دست من افتاد و این اشتباه برطرف شد .(۲)

---

۱ . التحفة الاحمدیه ، ص ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۱۸ .
۲ . همان .

Marfat.com

Marfat.com

بخش یکم

دورهٔ تکوین شخصیّت

و زندگی در عتبات عالیات

Marfat.com

Marfat.com

الف. طلوع فضیلت و تقوا

۱. حضرت آیت‌الله‌العظمی ابوالمعالی سید شهاب‌الدین ، محمد حسین حسینی مرعشی نجفی ، اعلی‌الله مقامه‌الشریف[1] (۱۳۱۵ ـ ۱۴۱۱ ق / ۱۲۷۶ ـ ۱۳۶۹ ش /

---

۱ . التحفة الاحمدية في ترجمة زعيم الاسلام من السادة المرعشيّة ، روضاتی ، خطی ؛ رسالهٔ ابن العلم دزفولی در زندگینامهٔ آیت‌الله‌مرعشی نجفی ، خطی ؛ معارف‌الرجال ، ج ۲ ، ص ۲۶۸ ـ ۲۸۱ و ۳۹۸ ؛ آثارالحجة ، ج ۲ ، ص ۴۶ ـ ۵۳ ؛ علماء معاصرين ، خيابانی ، ص ۲۱۷ ـ ۲۱۹ ؛ مشاهير دانشمندان اسلام ، ج ۴ ، ص ۱۰۸ ؛ آينهٔ دانشوران ، ص ۲۵ ـ ۲۶ ؛ تذكرة القبور ، آخوند جزی اصفهانی ، مقدمه ، ص يد ـ يه ؛ اختران تابناک ، ج ۱ ، ص ۲۵۶ ؛ ريحانة الادب ، ج ۳ ، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۴ و ج ۴ ، ص ۱۱ ؛ گنجينهٔ دانشمندان ، ج ۱ ، ص ۲۱۱ ـ ۲۱۵ و ج ۲ ، ص ۳۷ ـ ۵۲ ، ۳۱۵ ـ ۳۱۹ و ج ۹ ، ص ۱۱ ـ ۵۸ ؛ طبقات اعلام الشيعه ، قرن الرابع عشر ، قسم ۲ ، جزء ۱ ، ص ۸۴۷ ـ ۸۴۸ ؛ الذريعة ، ج ۷ ، ص ۲۹۲ و مجلدات ديگر ؛ قبسات من حياة سيدنا الاستاذ آيت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، عادل العلوی ؛ گنجينهٔ دانشوران ، رحيمی ، ص ۱۵ ـ ۱۶ و ۲۱۹ ؛ گنجينهٔ آثار قم ، عباس فيض ، ص ۶۵۲ ـ ۶۵۳ ؛ زير بنای تمدن و علوم اسلامی ، عقيقی بخشايشی ، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۴ ؛ زندگينامهٔ حضرت معصومه (س) ، محمدی اشتهاردی ، ص ۱۶۴ ـ ۱۶۵ ؛ دستنوشته‌ها و مصاحبه‌های دکتر سيد محمود مرعشی نجفی ؛ دستنوشته‌های دکتر علی اکبر خانمحمدی ؛ گنج و گنجينه ، دکتر خانمحمدی ؛ فقهای نامدار شيعه ، عقيقی بخشايشی ، ص ۴۹۸ ـ ۵۴۴ ؛ دائرة المعارف تشيع ، ج ۱ ، ص ۲۱۹ ؛ اسناد انقلاب اسلامی ، روحانی ، صفحات متعدد ؛ مجلهٔ كائنات اردو ، مقاله آيت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی از شمس‌العلماء ، ربيع الثاني ۱۴۱۱ ، ص ۹ ـ ۲۴ ؛ روزنامهٔ ندای حق ، مقاله آيت‌الله آقای سيد شهاب‌الدين نجفی ، عماد زاده ، ۲۴ آبان ۱۳۲۹ / ۴ صفر ۱۳۷۰ ، ش ۱۰ ، ص ۱ و ۴ ؛ ايران من‌الداخل ، فهمی هويدی ، ص ۱۳۷ ـ ۱۳۸ ؛ اعيان المرعشيّين ، آيت الله مرعشی ، خطّی ؛ روزنامهٔ اطلاعات ، شماره ۱۹۴۱۲ ، دهم شهريور ۱۳۷۰ ، ص ۱۰ ؛ مجلهٔ آينده ، تهران ، س ۱۷ ، ش ۵ ـ ۸ (مرداد ـ آبان) ۱۳۷۰ ، ص ۵۴۷ ـ ۵۴۸ ؛ مجلهٔ آينهٔ پژوهش ، قم ، س ۱ ، ش ۱ ، (خرداد ـ تير) ۱۳۶۹ ، ص ۶۱ ـ ۷۳ ؛ مجله اصلاح (اردو) لكهنو ، هند ، ج ۸۸ ، ش ۵ ، س ۱۴۱۳ ق ، ص ۲۰ ـ ۳۰ ؛ مجلهٔ پيام‌انقلاب ، تهران ، ش ۶۶ (شهريور) ۱۳۶۱ و شماره ۷۱ (آبان) ۱۳۶۱ ، ص ۴۳ ؛ مجلهٔ جهان پزشكی ، س ۱۳ ، ش ۳ ـ ۴ (خرداد و تير) ۱۳۳۸ ، ص ۷ ـ ۸ ؛ سروش للعالم العربی ، بيروت ، س ۱۰ ، ش ۱۱۳ ـ ۱۱۴ (محرم و صفر) ۱۴۱۱ ، ص ۷۴ ـ ۷۶ ؛ الطريق‌الاسلامي (مجله عربی) ، بيروت ، ش ۵۸ ، سال ۱۴۱۱ ق ، ص ۱۲۲ ـ ۱۲۴ ؛ مجلة الموسم العربی ، بيروت ، ش ۹ ـ ۱۰ ، سال ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م ، ص ۶۲۰ ـ ۶۲۵ ؛ مجلهٔ نشر دانش ، تهران ، س ۱۰ ، ش ۵ (شهريور) ۱۳۶۹ ؛ مجلة الواعظ (اردو) ، ندوة الواعظين ، لكهنو ، هند ، ربيع الاول ۱۴۱۱ ، ص ۳۰ ـ ۳۲ ؛ الاجازة الكبيرة ، آيت‌الله مرعشی نجفی ، ص ۵۱۹ ـ ۵۲۵ .

Marfat.com

۱۸۹۷ ـ ۱۹۹۰م) ، علاّمهٔ محقق ، جامع معقول و منقول ، نسّابهٔ آل رسول‌الله(ص) ، فقیه اهل‌بیت(ع) ، عالم اصولی ، محدث رجالی ، ادیب اریب ، مورخ و ریاضیدان ، مرجع عالیقدر عصر ویکی از مفاخر جهان تشیع است .

۲ . آیت‌الله مرعشی در بین‌الطلوعین روز پنجشنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۵ در نجف اشرف ، شهر علم وکمال وپایگاه ولایت و امامت ، در خانوادهٔ تقوا و فضیلت ، دانش و معنویت ، پا به‌دایرهٔ هستی نهاد . در برخی از منابع تاریخ تولد وی را ۲۲ صفر ۱۳۱۸ نوشته‌اند که یقیناً درست نیست . زیرا پدر بزرگوارشان (آیت‌الله سید شمس‌الدین مرعشی) اولاً در پشت کلام‌الله مجید و ثانیاً در یادداشتهای خویش راجع به خاندان مرعشی ، به خط خود تولد اورا ۲۰ صفر المظفر ۱۳۱۵ ثبت کرده است . اتفاقاً آیت‌الله مرعشی خود در بسیاری از تقریرات و دستنوشته‌هایشان همین تاریخ را تأیید کرده‌اند .

مرحوم آیت‌الله ابن‌العلم دزفولی در بارهٔ نامگذاری معظّم‌له نوشته‌اند :

> بر اساس سنّت و آداب و رسوم خانوادگی که هر مولودی را برای نامگذاری نزد علما می‌برده‌اند ، ایشان را نیز پس از تولد و تطهیر و تنظیف ، نخست به آستان مقدس و حرم مطهر علوی برده و او را دخیل عتبهٔ مقدسهٔ آن حضرت نموده ، سپس به نزد خاتم‌المحدثین ثقةالاسلام حاج میرزا حسین نوری ، صاحب *مستدرک الوسائل* ، بردند و ایشان پس از گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ این کودک ، نام خودرا که محمد حسین[1] بود ، به وی مرحمت کرد . بعد او را خدمت شیخ‌الفقهاء والمجتهدین حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل بردند و او عنوان آقا نجفی

---

۱ . در التحفة الاحمدیة ، ص ۴ آمده است که چون تولد وی مصادف با روز اربعین اباعبدالله الحسین(ع) بود، او را «محمد حسین» نام نهادند.

Marfat.com

را به او عنایت کرد . پس این کودک را به حضور جمال‌الزاهدین و زین‌السالکین آقا سیدمرتضی کشمیری بردند و ایشان کنیهٔ ابوالمعالی را به وی داد . بعد اورا به نزد سید الفقهاء والمجتهدین آقای سید اسماعیل صدر بردند و او لقب شهاب‌الدین را به وی مرحمت کرد که بیشتر هم به همین لقب شهرت دارد . پس از آن اورا به محضر شیخ فقهای شیعه ، محمد طه نجف ، بردند و ایشان برای این کودک دعا کرد .

۳ . یکی از مواهب الهی در حق این کودک آن بود که مادر وی هیچگاه بدون وضو به وی شیر نداد و پس از دوران شیرخوارگی مواظبت کردند که لقمه‌ای غذای حرام و حتی مشتبه به او ندهند و غالباً از غذای غیرحیوانی اورا تغذیه می‌کردند . دوران کودکی گذشت و دورهٔ نوجوانی فرا رسید و این نوجوان در محیطی سرشار از علم و عمل صالح و در خانواده‌ای که مثل اعلای اخلاق فاضله بودند پرورش یافت . تمامی حرکات و سکنات و کلمات پدر و مادر به‌مثابهٔ علوم حسی در جان وی چنان نقش بست که اورا با تمام وجود به دوست داشتن خیر و صلاح ، تمسک شدید به دین حنیف اسلام ، محبت بی‌شائبه و مودّت خالصانه و عاشقانه نسبت به پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیت طاهرین(ع) سوق داد و در او عشق سرشاری نسبت به خاندان رسالت پدید آورد که روز به روز افزایش می‌یافت ، با چنین روحیه‌ای او پا به دایرهٔ تعلّم و فراگیری دانش نهاد .

این سخن که نخستین مدرسه برای کودک ، خانه و اولین معلمان وی مادر و پدر او هستند ، سخنی گزافه نیست . زیرا این مادر است که فرزند را می‌پروراند و درس زندگی به او می‌آموزد و این پدر است که اساس اخلاق و سلوک در حیات اجتماعی را به وی یاد می‌دهد . طبیعی است آموزشهایی که کودک در محیط خانه از پدر و مادر و دیگر اساتید خود فرا می‌گیرد ، مانند شیری که می‌خورد ، با جان وی عجین می‌شود و فراموشش نمی‌شود . از این‌رو اسلام به محیط خانواده و چگونگی تربیت و پرورش کودک در

Marfat.com

خانواده بسیار اهمیت داده است .

نخستین کلماتی که به این نوجوان در خارج از محیط خانه تلقین و آموزش دادند ، جملهٔ « هو الفتاح‌العلیم » بود که آقا شیخ علی رُفَیش نجفی ، تیمّناً و تبرّکاً به وی آموخت . سپس پدر بزرگوارش او را به حرم مطهر و روضهٔ منوّرهٔ مولی‌الموالی امیرالمؤمنین علی(ع) برد و در مقابل ضریح مقدس مولی(ع) خمیرمایهٔ تمامی علوم و معارف بشری ، یعنی « الفبا » را به او تعلیم کرد ، و در همان حرم مطهّر اورا مفتخر به عمامه و لباس روحانیت ساخت . از آن پس جدهٔ پدریش ، فاضل عالم ، بی‌بی شمس شرف بیگم ، که خود از نوابغ عصر در علم و عمل و شعر و ادب بود ، آموزش وی را به عهده گرفت . نخست اورا با *قرآن مجید* آشنا کرد و تمامی *قرآن* را به وی آموخت و سپس کتب فارسی ادبی ، فقهی و اخلاقی را به او تعلیم نمود و ادبیات عرب را تا کتاب *مغني اللبیب* به وی درس داد . او در چنین خانواده‌ای که اسباب تعلیم و تربیت دینی و دنیوی ، علمی و فرهنگی و ظاهری و باطنی فراهم بود و در بیتی که سالها مورد علم و فقاهت و تقوا بود ، رشد نمود و بالنده شد و به مدارج عالی کمال علمی وعملی رسید .

پدر وی که سخت به تربیت و آموزش او دل بسته بود ، هنوز این نوجوان راکه به سنّ بلوغ نرسیده بود ، به همراه خویش به حوزهٔ درس فقیه بزرگ شیعه آخوند خراسانی می‌برد و در او جوهرهٔ فقاهت می آفرید ؛ چنان که مادر وی در پرورش جسم او کمال مراقبت داشت و به هنگام شیر خوارگی او ، اصول صحیح تعلیم و تربیت اسلامی را رعایت می‌نمود و از این راه نقشی بس بزرگ و اساسی در شکل‌گیری شخصیّت وی ایفا کرده بود .

او نسبت به پدر و مادر خویش ، که نعمت تعلیم و تربیت و اتمام و کمال در حق وی اداکرده بودند ، همیشه به صورت متواضعانه‌ای ادای احترام می‌کرد . حتی در همان دوران اگر مادرش به او می‌گفت برو و پدرت را از خواب بیدارکن ، برای وی مشکل بود که با صدا زدن ، پدر را از خواب بیدار کند . از این‌رو همیشه برای بیدارکردن پدر

Marfat.com

بزرگوارش ، صورت خود را به‌پای پدر می‌مالید و اورا با این تمهیدات بیدار می‌کرد . و چون پدرش بیدار می‌شد ، برای وی دعای خیر می‌نمود ؛ چنان‌که آیت‌الله مرعشی بارها می‌فرمود : « من به این‌مقام و موفقیّت نرسیدم ، مگر به برکت دعای پدرم » .

این نوجوان که در چنین خانواده‌ای بالیده بود ، چنان شور و اشتیاقی در فراگیری علوم از خود نشان می‌داد که قابل توصیف نیست . او خود حکایت می‌کرد که روزی پس از درس استاد ، به دنبال وی به طرف منزلش به راه افتادم و در مباحث مطرح شده در درس مناقشه و سؤال می‌کردم ؛ تا آنجا که استاد از سؤالات و مناقشات من خشمگین گردید و محکم به سر من کوبید . من نه تنها ناراحت نشدم ، بلکه دست استاد راکه به سر من کوفته بود ، بوسیدم . با این حرکت من ، اشک در چشم استاد حلقه زد و فرمود : ای شهاب! مرا ادب کردی .

این تواضع و فروتنی نخست مدیون تربیت خانوادگی وی ، و ثانیاً مرهون شهری است که هزارسال معدن علم و فقاهت و اجتهاد و اخلاق بوده است ، و ثالثاً در گرو تربیت و آموزش اساتید بزرگ و دانشمندان فرزانه‌ای است که در شکل گیری شخصیت وی نقشی اساسی ایفا کرده‌اند .

اغراق نیست اگر بگوییم آیت‌الله مرعشی ، یکی از پر استادترین چهره‌های علمی معاصر است ، که توفیق درک محضر استادان متعدد ، در رشته‌های گوناگون را یافته است . امّا اینکه کدامیک از این اساتید ، نقشی مؤثرتر ، بزرگتر و ارزنده‌تر در شکل‌گیری شخصیت ، علم ، تقوا و پرورش استعدادهای درونی وی داشته‌اند ، پرسشی است که بسادگی نمی‌توان به آن پاسخ داد . امّا ناگفته پیداست که پدر و مادر وی ، نقشی حیاتی ، سازنده و مهم در زندگی او ایفا کرده‌اند ، او خود بارها از نقش سازندهٔ پدر و مادرش در حق خویش به احترام و سپاس یاد کرده و بیشتر پیشرفتهای خود را مدیون زحمات طاقتفرسای آنها می‌دانسته است . و این مطلبی نیست که قابل انکار باشد . زیرا مادری که بی وضو به او شیر نمی‌داد و چنان مواظب بود که لقمه‌ای غذای حرام و حتی

Marfat.com

شبهه‌ناک از گلوی وی پایین نرود ، همان قدر در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر بود که دیگر اساتید . او با این کارش ، نخستین درس پاکی و تقوا را به کام فرزندش ریخت . پدر وی نیز که عالم به علوم و معارف گوناگون بود و در بسیاری از آنها استاد مسلم ، نخستین معلم ، استاد ، مربی ، پیر و مرشد او بود .

اساتید وی ، که تعدادشان بسیار زیاد است و ما در این مختصر ، نام و مشخصّات آنهارا فهرستوار ذکر خواهیم کرد ، به چند دسته تقسیم می‌شوند : دسته‌ای از آنها کسانی هستند که آیت‌الله مرعشی ماهها و سالها در نزد آنان تلمُذ کرده و از آنان علوم مختلف فراگرفته است . شماری دیگر ، اساتیدی هستند که حضرت آیت‌الله پاره‌ای از اوقات خود را در محضرشان بوده و از آنها کسب فیض نموده است . و از گروهی از آنان فقط در ایام تعطیلات استفاده نموده و از برخی از آنان هم فقط چند روز یا چند ساعت مطلبی و یا درسی فراگرفته است .

آیت‌الله مرعشی در مورد اشتیاقش به درس و حضور در محضر اساتید و حوزه‌های تدریس چنین فرموده‌اند :

> من شبها بیش از سه الی چهار ساعت استراحت نمی‌کردم و همیشه به دنبال کسب علم و فراگیری دانش بودم . هرجا استادی می‌یافتم ، به هر طریقی به نزد وی می‌شتافتم و اورا راضی می‌کردم تا حد اقل یک درس خصوصی از او فراگیرم .

او بر مبنای این درس اساسی اسلامی که « برکةالعلم في تعظیم‌الاستاذ » ، همیشه و در همه جا از اساتید خویش به بزرگی و احترام یاد می‌کرد و از هیچگونه تواضع و فروتنی در حق آنان کوتاهی نمی‌کرد . یکی از امتیازات او آن بود که از یک استاد علوم مختلفی را فرا می‌گرفت . از این رو از تکرار نام اساتیدش در این فهرست گریزی نیست ، اما کوشش شده در بارهٔ هر استاد تنها یک بار توضیح داده شود و در بقیهٔ موارد فقط به ذکر نام و عنوان وی اکتفا گردد و در شماره گذاری نیز تنها یک بار شمارش می‌شود .

Marfat.com

ب. تحصیلات

۱. مراحل تحصیلی در حوزه‌های علمیه

تدریس علوم در حوزه‌های علمی دینی شیعه از دیرباز در سه مرحله انجام می‌گرفت :

مرحلهٔ اول . مقدمات : شامل دو بخش علوم « آلی » و « اولیات فقه و اصول فقه » . علوم آلی عبارتند از دانشهایی که وسیله و ابزار دیگر علوم هستند و اصطلاحاً آنها را مبادی عربیت می‌نامند که شامل ادبیات عرب (صرف و نحو) ، بلاغت (معانی ، بیان و بدیع) و منطق و کلام است . کتابهایی که در این مرحله تدریس می‌شوند عبارتند از : *جامع‌المقدمات* که خود شامل یازده کتاب کوچک در صرف ، نحو ، منطق و آداب تعلیم و تربیت است ؛ *البهجة‌المرضية في شرح‌الفية بن مالک* که حاوی یک دورهٔ ادبیات عرب است و به مناسبت نام مؤلف آن جلال الدین سیوطی ، اختصاراً آن راکتاب سیوطی هم می‌نامند ؛ *شرح ابن عقیل* یا *شرح الفیهٔ ابن ناظم* ؛ *مغني اللبيب عن كتب الاعاريب* از ابن هشام که مختصراً آن را *المغني* می‌گویند ؛ *شرح‌النظام* در علم صرف و منطق و حاشیهٔ ملا عبدالله یزدی بر کتاب *تهذیب المنطق* تفتازانی .

اولیات فقه و اصول فقه عبارتند از مقدمات اولیهٔ فقهی که در این بخش ، کتابهای *تبصرة‌المتعلّمین* ؛ *شرایع‌الاسلام* ؛ *عروة‌الوثقی* و رساله‌های عملیهٔ مراجع تدریس می‌شوند .

مرحله دوم . سطح : شامل دو بخش ، اصول فقه و فقه . کتابهایی که در این دوره تدریس می‌شوند عبارتند از : *معالم‌الدین* ؛ *قوانین‌الاصول* ؛ *اصول فقه مظفر* ؛ *حلقات شهید*

Marfat.com

صدر ؛ *فرائدالاصول* یا *رسائل* شیخ انصاری و *کفایةالاصول* آخوند خراسانی در اصول فقه و کتابهای *شرح لمعه* و *مکاسب* شیخ انصاری در فقه . درکنار کتب اصولی و فقهی این دوره برخی از کتابهای کلامی و فلسفی مانند **شرح باب حادی عشر** ؛ **شرح تجرید** ؛ **منظومهٔ سبزواری** و *اسفار* ملا صدرای شیرازی نیز تدریس می‌شوند .

یکی از امتیازات این مرحله آموزشی ، عمیق و استدلالی بودن کتابهای آن است . این کتابها معمولاً دارای حواشی متعدد و تعلیقات و شروح مختلف است که طلاب باید به آنها توجه داشته باشند و از آنها بهره گیرند . امتیاز دیگر این دوره ، مطالعه و تحقیق بر روی کتب مشابه درسی است که هر طلبه‌ای موظف است آنهارا همگام با کتب درسی برای درک بهتر و عمیقتر مباحث مورد نظر مطالعه کند . امتیاز سوم در این مرحله ، نوشتن و تقریر دروسی است که استاد القا می‌کند . بویژه نظریات و آراء و تعلیقات فقها و علمای گذشته و استاد در هنگام تدریس .

مرحلهٔ سوم . خارج : که اصطلاحاً خارج فقه یا اصول می‌نامند و آخرین مرحلهٔ آموزشی در حوزه‌های علوم دینی است . در این مرحله ، اساتید ، که همانا فقها ، مجتهدان و مراجع تقلید هستند ، در حوزه‌های درس خود مباحث فقه و اصول را باب باب و فصل فصل ، به همان صورتی که در کتب فقهی و اصولی مطرح شده‌اند ، بدون استفاده از کتاب طرح می‌کنند و آراء و نظریات پیشینیان را در بارهٔ آن باب فقهی یا اصولی یکی پس از دیگری بیان نموده و به رد یا اثبات آن نظریات می‌پردازند . آنگاه نظر و رأی خاص خود را با دلایل روشن و متقنی مطرح ساخته وبدین‌سان یک باب فقهی و یا یک اصل اصولی را به اثبات می‌رسانند و تدریس می‌کنند . از آن جهت که در دورهٔ تدریس خارج ، کتاب به کار نمی‌آید ، آن را درس خارج می‌نامند .

در این مرحله ممکن است استاد یک باب فقهی ویا اصولی را در چندین ماه بحث کند تا به نتیجه برسد . زیرا ممکن است طی جلسهٔ درس ، شاگردان در دلایل نظریات و آراء استاد به بحث و مناقشه بپردازند وگاه نظریات استاد را رد کنند و یا حد اقل به زیر

Marfat.com

سؤال ببرند .

در این دورهٔ آموزش ،که معمولاً خارج از متن کتب انجام می‌گیرد ، معمولاً فقها و مراجع ، مباحث سه کتاب مهم فقهی واصولی را محور مباحث خویش قرار می‌دهند که عبارتند از :*کفایة الاصول* آخوند خراسانی در اصول فقه و *عروة الوثقی* سید کاظم یزدی و *شرایع الاسلام* محقق حلی در فقه . از این‌رو فقها و مراجع بر این سه کتاب ، حواشی ، تعلیقات و شروح بسیاری نوشته‌اند .

دروس حوزوی چند خصیصهٔ مهم و ارزشمند دارند که در دروس دانشگاهی رایج نیست : اول حق انتخاب استاد است . دوم حق انتخاب کتاب و متن درسی است . سوم عدم محدودیت مواد درسی و زمان آن است . چهارم حق انتخاب هم مباحثه است که هر طلبه‌ای می‌تواند یکی از همدرسیهای خود را به صورت آزاد انتخاب و دروس خود را با هم مرور کنند . پنجم آزادی بحث در مباحثات و مذاکرات علمی و تدریس است ، بویژه در دورهٔ درس خارج .

تاریخچه و موقعیّت علمی حوزه‌های علمیهٔ جهان اسلام ، بویژه تشیع ، بسیار خواندنی و جالب است و حدیثی مفصّل دارد که در این مختصر نمی‌گنجد ، امّا اشاره‌ای کوتاه به موقعیت تاریخی وعلمی حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف ، به عنوان مهمترین پایگاه علمی ، فکری و مذهبی شیعه ، ضروری است .

۲. حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف

حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف سابقه‌ای دیرینه و هزار ساله دارد . این حوزه توسط شیخ‌الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق) در ۴۴۸ قمری تأسیس گردید . شیخ طوسی یکی از بزرگترین عالمان وفقیهان جهان اسلام به شمار می‌رود . وی پس از مهاجرت از بغداد به نجف اشرف ، این شهر را به عنوان پایگاه علمی و فکری جهان تشیع در آورد و میراث گرانقدر شیعه را با دانش گستردهٔ خود بارور ساخت ؛ چنان که

Marfat.com

طیّ سیزده سال که او در این حوزهٔ علمی به تدریس و تألیف اشتغال داشت ، سیل طالبان علم به این شهر سرازیر گردید .

سخن در مورد سابقهٔ حوزهٔ علمیهٔ نجف و جوانب گوناگون آن ، از نظر تاریخی ، علمی ، ادبی و فنی ، چیزی نیست که در این مختصر بگنجد . چراکه در هر گوشهٔ این شهر مدارس علمیه‌ای وجود داشته و دارد که صدها وهزارها طالب علم در آن مشغول تحصیل بوده و هستند و در تمامی زوایای محله‌های آن هزاران عالم ، فقیه ، مجتهد ، محدث ، ادیب ، مورخ ، جغرافیدان ، ریاضیدان و فیلسوف می‌زیسته‌اند که قابل شمارش نیست و بیان و قلم از ابلاغ آن عاجز است . این شهر آرامگاه شخصیتی آسمانی و الهی است که « باب علم پیامبر(ص) » بود وبه برکت وجود او این شهر به عنوان معدن علم ، حکمت ، سرچشمه معارف اسلامی ، شیعی و مهبَط دانشمندان و فرزانگان شیعه ، همیشه استوار مانده است .

حوزهٔ کهنسال نجف از دیر باز مورد هجوم و تاخت و تاز دشمنان اسلام وتشیع بوده و حوادث تلخ و ناگواری بر آن رفته است . امّا همیشه چُون قله‌ای استوار و دژی تسخیر ناپذیر در مقابل این تهاجمات و حوادث وحشیانه و غارتگرانه و ضدّ اسلامی و شیعی مقاومت کرده و نستوه و پابرجا باقی مانده است . به‌رغم همهٔ آن تهدیدات ، هجومها و تضییقاتی که برای آن به‌وسیلهٔ دشمنان و حکومتها پیش می آمده ، بیش از پیش به حیات فکری ، فرهنگی ، علمی و رسالت عالم‌پروری خود ادامه داده است . در حقیقت حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف در جهان اسلام عموماً و در تشیع خصوصاً ، همیشه به‌عنوان پیشقراول دانش ، فرهنگ و تمدن مطرح بوده وگوی سبقت از دیگر مراکز علمی جهان اسلام ربوده است .

این حوزهٔ بزرگ و کهنسال به برکت امیرالمؤمنین(ع) و به دلیل وجود دانشمندان و عالمان برجسته در آن ، در آینده نیز پیشتاز باقی خواهد ماند . خاک و طبیعت این شهر عالم‌پرور است ؛ گویی از ازل بر تارک این شهر نوشته شده که همیشه جایگاه علم و

Marfat.com

معدن حکمت و محل فرود عالمان دین و پرورشگاه فقیهان و محدثان باشد .

بنابر این تنها به موقعیت این حوزهٔ مقدس در زمان تحصیلی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در آن اکتفا می‌کنیم و به طور گذرا به موقعیت علمی و شخصیتهایی که پاسدار حرمت ، قداست و زعامت آن بوده‌اند می‌پردازیم .

درست ۳۶ سال پیش از تولد آیت الله مرعشی ، عالمی بزرگ ، فقیهی عالیقدر ، زعیمی توانا و مرجعی خستگی ناپذیر ، زعامت ، رهبری و مرجعیت این حوزه را در جهان تشیّع به عهده داشت که اورا شیخ اعظم و یا شیخ انصاری می‌نامیدند . نزدیک به ۱۳۳ سال است که مراجع ، فقها و علمای شیعه جیره‌خوار احسان و دانش وی هستند . زیرا یا مستقیماً شاگرد او بوده‌اند ویا از کتابها و شاگردان وی استفاده کرده و می‌کنند . این عالم بزرگ با فکر و دانش خود تحولی عظیم در فقه و فقاهت شیعه به وجود آورد که باعث حرکت جدیدی در میان حوزه‌های علمیه و فقهای شیعه گردید .

دیری نپایید که شاگرد برجستهٔ وی ، آیت‌الله مطلق ، مجدّد مذهب ، معروف به میرزای شیرازی و یا میرزای مجدّد شیرازی (م۱۳۱۲ق) قد علم کرد و پرچم پرافتخار زعامت شیعه را به‌دست گرفت . او نه تنها حوزهٔ نجف را پاسداری کرد ، بلکه حوزهٔ سامرّا را با رفتن خود به آن شهر ، توانمند ، متحرک و پویا ساخت و به برکت وجود او حوزه‌های علمیهٔ کاظمین و کربلا نیز رونق گرفتند . او یک حرکت فکری سیاسی را در حوزه‌های علمیه پی‌ریخت که بعدها نتایج درخشانی پدید آورد .

پس از وی نوبت پاسداری و حفاظت از میراث بزرگ شیعه به آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی رسید که به فقه شیعی رونق بخشید و کتابی به نام *عروة الوثقی* نوشت که پس از وی هریک از فقهای شیعه به آن حاشیه و تعلیقه می‌زنند . آنگاه آیت‌الله محقق آخوند خراسانی طلوع کرد و رشتهٔ اصول فقه را چنان بارور ساخت که از زمان تألیف کتاب علمی و تحقیقی او به نام *کفایة الاصول* ، هیچ عالم و فقیهی از خواندن آن بی‌نیاز نیست . این کتاب سالهاست که در دوره‌های سطح و خارج دروس حوزوی متن درس

Marfat.com

شمرده می‌شود .

این دو بزرگوار نهضت علمی شیخ انصاری راکه به‌وسیلهٔ میرزای شیرازی آبیاری شده بود ، به تکامل علمی خود رساندند . همزمان با این دو بزرگوار و پس از آنان ، شخصیتهای بزرگی مانند سید ابوالحسن اصفهانی ، شیخ الشریعهٔ اصفهانی و صدها فقیه برجسته و استاد مبرّز و عالم متبحّر در حوزهٔ علمیهٔ نجف قدم به میدان گذاشتند که با وجود خویش و به برکت دانش بیکران خود روز به روز بر رونق این حوزهٔ علمیه افزودند و آن را در دو بخش فقاهت و سیاست فعّال و پویا ساختند .

آیت‌الله مرعشی نجفی در چنین حوزه‌ای به تحصیل پرداخت و از جلسات درس و افکار بلند چنان دانشمندان و فقیهانی بهره گرفت . شمار زیاد اساتید و مشایخ عالی رتبهٔ معظّم‌له ، خود نشانگر موقعیت مهم ، پویا و عظمت حوزه‌های علمیهٔ نجف ، کربلا ، کاظمین و سامرّا در آن روزگار است .

کلیات دروس حوزوی

بنا بر سنّت دیرینه‌ای که در حوزه‌های علمیهٔ شیعه و مدارس جهان اسلام رایج بوده ، تمامی علوم و فنون و معارف بشری و اسلامی تدریس می‌شده و طالبان علم به فراخور حال و استعداد خویش از این چشمه‌های جوشان معرفت و معادن علم و حکمت سیراب می‌شده‌اند و استفاده می‌کرده‌اند . اسلام از همان آغاز دورنمای تقسیم و طبقه‌بندی علوم را ترسیم کرد و علما و دانشمندان جهان اسلام آن را تدوین نموده و علوم و معارف بشری و اسلامی را به دسته‌ها و رشته‌های گوناگون ، امّا مرتبط باهم ، طبقه‌بندی کردند . از نظر اسلام و دانشمندان اسلامی علم خود یک حقیقت واحد است که به مثابهٔ درختی تناور شاخ وبرگ بسیار دارد . از این‌رو در حوزه‌های علمیه به این حقیقت واحد توجه داشته‌اند و تمامی شاخه‌های آن را مقدس و محترم می‌شمرده‌اند . امّا کلیّات دروس حوزوی عبارتند از : قرائت *قرآن* ، احکام ، تفسیر ، اخلاق ، ادبیات عرب (صرف و

Marfat.com

نحو ، معانی بیان و بلاغت) ، فقه ، اصول ، حدیث ، درایه ، رجال ، تراجم ، ریاضیات عام ، الهیّات ، طبیعیات ، منطقیات ، فلسفه ، کلام (عقاید ، ادیان و مذاهب) ، تاریخ ، جغرافیا ، هیئت ، نجوم و طب که هریک از این علوم و فنون خود به رشته‌ها و شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند .

۳. ورود به تحصیلات حوزوی

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی با توجه به محیط خانواده ، که از دیر باز به عنوان بیت علم و فقاهت معروف بوده و بیشتر افراد خاندان وی عالم ، فقیه ، محدث و ادیب بوده‌اند ، و با توجه به آن سنّت دیرینه و شیوهٔ مرضیه‌ای که در حوزه‌های علمیه رایج بوده و آنهارا به صورت کانونهای تربیتی اخلاقی و علمی درآورده بود ، قدم به این محیط علمی گذاشت و به تحصیلات حوزوی پرداخت . او از این فرصت و موفقیت ممتاز خانوادگی و حوزوی بخوبی استفاده کرد و یک لحظه از عمر خود را به بطالت نگذراند . مراحل تحصیلی ایشان عبارت است از :

یک. تحصیلات مقدماتی :

آیت‌الله مرعشی ، قسمتی از تحصیلات مقدماتی را در میان خانواده و نزد پدر ، مادر و جدّهٔ پدری خویش سپری ساخت . بنابر این نخستین اساتید وی در این دوره عبارتند از :

۱ . آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی (م ۱۳۳۸ق) ، فقیه ، محدث ، مفسّر و نسّابه که مقدمات بیشتر علوم متداول را به فرزند خویش آموخت .

۲ . فاضل عالم ، بی‌بی شمس شرف بیگم (م ۱۳۲۸ق) ، دومین استاد ، مربی و معلّم ، جدّهٔ آیت‌الله مرعشی ، که مبادی احکام شرعی ، قرائت قرآن و ادبیات عرب تا کتاب *مغني‌اللبیب* را نزد وی فرا گرفت .

Marfat.com

پس از این دورهٔ اولیهٔ آموزش ، پدرش او را به مدارس جدید فرستاد تا علوم ریاضی ، هندسه ، جغرافی و دیگر علوم رایج را بیاموزد . وی دروس جدید را در مدت پنج سال به صورت شایسته و با نمرات بالایی پشت سر گذارد وبا احراز مقام اول ، موفق به اخذ گواهینامهٔ عالی آن زمان گردید . برخی از علوم جدید را ، پس از اتمام دورهٔ مدارس جدید نیز نزد اساتید خصوصی ادامه داد ؛ بویژه ریاضیات ، هیئت و طب را از دانشمندان بزرگ و عالمان متخصص در این رشته‌ها فراگرفت .

او که بنابر موقعیت خانوادگی از سنین کودکی به آموختن علوم و فنون مختلف پرداخته بود ، به تناسب رشد سنّی که پیدا می‌کرد ، دایرهٔ آموزش خویش راگسترش می‌داد و روز به روز اشتیاقش به فراگیری علوم مختلف بیشتر می‌شد ، تا اینکه پا به دایرهٔ تکلیف نهاد و با بهره‌وری از آموزشهای سابق خویش ، تشنه‌تر از پیش ، همچون عاشقی شیفته ، سر در پی استاد ، پیر و مرشد نهاد و هنگامی که مراد خویش را یافت ، خاضعانه و متواضعانه ، سر بر آستان وی سایید و بر خاک قدم او بوسه زد و کحل‌البصر خویش ساخت .

به این ترتیب ایشان از هر شاخساری ،گلی چید و از هر بوستانی ، میوه‌ای برگرفت و از هر چشمه‌ای ، جرعه‌ای نوشید و نهال جان و فکر خویش را بارور ساخت و قد برافراشت و از اقران خویش برگذشت و مدارج کمال را یکی پس از دیگری پیمود .

دیگر اساتید وی در علوم مختلف عبارتند از :

ریاضیات

اساتید این دورهٔ مقدماتی از دورهٔ ورود به مدرسهٔ جدید برای تحصیل ریاضیات ، هندسه و جغرافی به این شرح است :

۳ . محقق و ریاضیدان ، حجت‌الاسلام شیخ عبدالکریم بوشهری معروف به سعادت (۱۲۹۷ ـ ۱۳۲۷ق) ، مؤلف کتابهای *شش هزار مسئله* ، چاپ بمبئی در ۱۳۲۷ قمری و

Marfat.com

میزان‌التعلیم، تهران، ۱۳۴۲ قمری.

۴. عباس بن شیخ اسدالله خلیلی، معروف به «اقدام»، مدیر جریدهٔ *اقدام* که آن را در ۱۲۹۹ قمری در تهران منتشر می‌کرد. وی متولد نجف اشرف بود و سالها در آن شهر زیست تا اینکه در نهضت مردم عراق علیه انگلیسیها شرکت کرد و عاقبت محکوم به اعدام شد، امّا به ایران فرار کرد و بقیهٔ عمر را در ایران بسر برد.

۵. محقق فاضل، میرزا علی خان بن حاج عندلیب‌الذاکرین تهرانی نجفی، معروف به دکتر عندلیب زادهٔ تهرانی، داماد مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی.

۶. علامهٔ متکلم، حجت‌الاسلام والمسلمین آقا محمد محلاتی، فرزند آیت‌الله حاج شیخ محمد اسماعیل محلاتی نجفی غروی (۱۲۹۵ـ۱۳۳۸ق)، صاحب کتاب *گفتار خوش یارقلی* در ردّ بر بهائیت، و کتاب *مذاکرات میزبان و میهمان* که هر دو به چاپ رسیده‌اند.

۷. حاج میرزا عبدالرحیم بلبله‌ای بادکوبه‌ای، ملقب به ثقةالاسلام (م ۱۳۶۵ق)، مؤلف کتاب *عزت دیروز و ذلّت امروز*، خطابه‌ای در بیان علل و عوامل ترقی و تنزل مسلمین در گذشته و امروز. آیت‌الله مرعشی پس از خروج از مدرسهٔ جدید باز هم به تحصیل علوم ریاضی و هندسه پرداخت و از اساتید مبرّزی در این علوم استفاده کرد که برخی از آنان عبارتند از:

۸. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدابوالقاسم موسوی خوانساری (۱۳۱۳ـ۱۳۸۰ق) که در مدرسهٔ آخوند نجف اشرف می‌زیسته و تألیفات زیادی در علوم ریاضی و جبر و مقابله و رمل و جفر داشته است؛ از جمله: حاشیه بر *خلاصة الحساب* شیخ بهایی، حاشیه بر کتاب (*اُکَر*) حکیم ذاویز یلاسوس یونانی، حاشیه بر *تحریر اقلیدس*، کتابی در رمل و جفر، *شرح دعاء سیفی*، کتابی در جبر و مقابله، کتاب *بحرالحساب* و جز اینها. ایشان مدتی در هند و پاکستان به ترویج شرع مطهر اشتغال داشته تا اینکه سرانجام در شهر کلکته چشم از

Marfat.com

جهان فروبست . آیت‌الله مرعشی زمانی که در مدرسهٔ آخوند سکونت داشته ، از ایشان ریاضیات و علوم غریبه آموخته است .

۹ . علامهٔ محقق حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا محمود اهری (م ۱۳۴۱ق) ، مدرّس ریاضیات در نجف اشرف و مؤلف رسالهٔ *اثبات واجب* که به سبک *اثبات الواجب* جلال‌الدین دوانی نوشته و شرح *خلاصة الحساب* و حاشیة *برکفایة الاصول* مرحوم آخوند خراسانی .

۱۰ . علامهٔ محقق شیخ عبدالحمید رشتی نجفی که در انقلاب مشروطه سهم بسزایی داشته است .

۱۱ . فاضل محقق ، میرزا احمد منجم شیرازی نجفی ، مؤلف کتاب *معرفة التقویم* و غیر آن .

۱۲ . علامهٔ محقق آیت‌الله سید محمدکاظم عصّار (۱۳۰۵ـ۱۳۹۴ق) ، حکیم متکلم ، فقیه ، اصولی و شاعر که کتب بسیاری در فقه ، اصول ، ریاضیات و غیر آن تألیف نموده است . او مدتی ریاست دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را به‌عهده داشت .

۱۳ . علامهٔ زاهد حاج میرزا جمال‌الدین بن میرزا ابوالمعالی کرباسی اصفهانی (م ۱۳۵۰ق) ، صاحب کتاب *تلخیص الهیئة* که آیت‌الله مرعشی کتابهای *تشریح‌الافلاک* شیخ بهائی و کتاب *فارسی هیئت* ملا علی قوشچی و کتاب *شرح چغمینی* را نزد وی آموخته است .

۱۴ . علامه محقق و فقیه اصولی آیت‌الله میرزا محمود شیرازی نجفی عسکری (۱۲۹۱ـ۱۳۷۸ق) ، مؤلف حواشی بر کتب ریاضی و بر *کفایةالاصول* و *مطارح‌الانظار* شیخ انصاری ، مشهور به *تقریرات شیخ* ، و جز اینها که به ایشان مسائل علم هیئت و مباحث مربوط به وقت و قبله را آموخته‌اند .

۱۵ . آیت‌الله‌شیخ حبیب‌الله ذوالفنون (۱۲۷۸ـ۱۳۶۷ق) ، عالم وفیلسوف و ریاضیدان که در نجوم و زیج ضرب‌المثل بود .

Marfat.com

۱۶ . آیت الله شیخ حیدر علی رقاع (نائینی‌الاصل تهرانی مسکن) ، مؤلف حواشی بر شرح چغمینی .

۱۷ . آیت‌الله آقا حسین بن محمد نجم‌آبادی تهرانی (م۱۳۴۷ق) ، صاحب کتاب *القسطاس‌المستقیم* و *رسالة في معرفة القبلة* که در تهران همراه کتاب *تحفة الوارثین* ، به چاپ رسیده است .

۱۸ . حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا باقر ایروانی نجفی (م۱۳۳۹ق) ، که سالیان متمادی در نجف اشرف سکونت داشته ویکی از علما و زهّاد بزرگ بوده است و عاقبت هم در همان نجف درگذشت و در وادی‌السلام به خاک سپرده شد . او دارای تألیفات زیادی است ؛ از جمله : *شرح مفتاح جلدکی* ، *شرح کتاب سرخاب* در رمل ، شرح بر جفر محمد قاسم هندوشاه و غیر آن . ایروانی از آیت‌الله شیخ عبدالغنی بادکوبه‌ای شهید (که در زندان کمونیستهای بلشویک در روسیه به شهادت رسید) روایت می‌کرده است . آیت‌الله مرعشی اجازه‌ای در اوراد و اذکار ، که معروف به اجازهٔ « نفسی » است ، از او دریافت کرده است .

۱۹ . یاسین‌علی‌شاه هندی (م‌حدود ۱۳۴۵ق) ، یکی از عرفا که سالها معتکف آستان مقدس علوی(ع) بوده و در صحن مطهر آن حضرت در حجرهٔ بالای درب طوسی اقامت داشته و در نجف دیده از جهان فروبست . وی نیز اجازه‌ای در اوراد و اذکار ، که معروف به اجازهٔ « نفسی » است ، به آیت‌الله مرعشی داده‌اند .

۲۰ . آیت‌الله سید هبةالدین شهرستانی (۱۳۰۱ ـ ۱۳۸۶ق) ، از علما و فقها و متکلمین برجستهٔ شیعه که در صحن مطهر کاظمین(ع) مدفون است و تألیفات بسیاری در رشته‌های گوناگون دارد که برخی از آنها عبارتند از : *نهضة‌الحسین*(ع) ، *منهاج‌الحاج* ، *المعجزة‌الخالدة* و *الهیئة والاسلام* .

۲۱ . علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (زندهٔ ۱۳۵۶ق) ، صاحب تألیفات و آثار ، از جمله کتاب *هدیّة العبد الی القرّاء الکریم* . وی یکی از علمای بزرگ شافعی بوده که

Marfat.com

در بغداد می‌زیسته و بنا به تقریرات حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی ، در اثر مباحثات و مناظراتی که بین ایشان و شیخ عبدالسلام درگرفته ، عاقبت شیخ مستبصر و شیعه شده و بعدها به قم به حضور آیت‌الله مرعشی رسیده و ایشان کتابهای بسیاری به وی داده‌اند و با هم تا آخر عمر مکاتبه داشته‌اند .

طب

آیت‌الله مرعشی در همین دوره که هنوز به شانزده سالگی نرسیده بود ، و پس از تحصیل علوم ریاضی ، هندسه ، جغرافی و برخی علوم مقدماتی دیگر ، تمایل به فراگیری علم طب پیدا کرد و در نزد اساتید این فن کتب طبی را فراگرفت . اساتید معروف وی در علم طب عبارتند از :

آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی ، پدر بزرگوارشان که کتابهای *طبّ النبي* ؛ *طب الائمة* ؛ *مخزن الادوية* ؛ *قرابادین اکبری* و *جواهرالطبّ* را نزد وی آموخت .

۲۲ . محمدعلی‌خان بختیاری ، معروف به مؤیدالأطبا (زنده در سال ۱۳۴۲ق) . وی اصالتاً اهل بختیاری بوده ، امّا در تهران تولد شده و در کربلا سکونت داشته و یکی از پزشکان مشهور ایرانی مقیم عراق بوده که از شهرهای مختلف عراق بیماران به او مراجعه می‌کرده‌اند . از آثار او می‌توان *حاشیه بر قانون ابن سینا* ؛ *شرح قانونچه* و *شرح بُزء الساعة* ابو زکریای رازی را نام برد . ایشان یک حزب *قرآن کریم* را به خط خود نوشته که اکنون در کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیّهٔ قم موجود است .

آیت‌الله مرعشی مدت دو سال نزد ایشان طب یونانی و علم تشریح را از کتاب *شرح نفیسی* ؛ *شرح اسباب و علامات* و قسمتی از کتاب *قانون* ابن سینا آموخت .

یک نسخه از کتاب *قرابادین کبیر* در طب ، چاپ هند ، در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی موجود است که در پشت برگ اول آن ، مرحوم آقا نوشته‌اند : این کتاب را از استادم در علم طب ، علاّمه میرزا محمدعلی‌خان بختیاری طبیب ، در

Marfat.com

دورهٔ تکوین شخصیّت و زندگی در عتبات عالیات ـــــــ

۲۵ . غلامرضا شاه‌عراقی ، معروف به مرکب‌ساز ،که سالها در بلاد هند سیاحت کرده و دارای علوم غریبه بوده است . وی برای امرار معاش و تأمین زندگی خود به شغل مرکب‌سازی در گوشه‌ای از مسجدالخضراء در نجف اشرف اشتغال داشته است .

۲۶ . حجت‌الاسلام آیت‌الله‌علی خاقانی‌نجفی ،معروف‌به‌خیگانی (۱۲۵۵ ـ ۱۳۳۴ق)، فقیه رجالی و نویسندهٔ *شعراءالغري* در شرح حال شعرای نجف اشرف در دوازده جلد . ایشان نیز به مرحوم آقا اجازه‌ای در اوراد و اذکار اجازهٔ « نفسی » داده است .

۲۷ . شیخ ضیاءالدین سرابی (م ۱۳۴۰ق) ، عالم ، مجتهد و زاهد که چون همیشه حلیف مرقد مطهّر مولی‌الموالی علی(ع) بود ، او را « طیرالحرم » می‌گفتند . ایشان نیز اجازه‌ای به مرحوم آقا داده است .

۲۸ . آیت‌الله شیخ محمد حرزالدین نجفی (۱۲۷۳ ـ ۱۳۶۵ق) ، عالم رجالی متبحر و صاحب آثار و تألیفات بسیار ، از جمله *معارف الرجال* ؛ *مراقدالمعارف* ؛ *مقتل‌الحسین*(ع) و *اثبات وجود الحجّة المنتظر*(ع) .

۲۹ . علاّمه میرزا علی‌اکبر حَکَمی یزدی قمی (۱۳۲۲ق) ، صاحب کتاب *الرضاعیات* که به منزلهٔ ترجمهٔ فارسی *رضاعیات* شیخ انصاری است . وی مدرس فلسفه و طب یونانی بود . آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از شاگردان وی در فلسفه بودند . او در علوم غریبه نیز چیره‌دست بود و آیت‌الله مرعشی در نزد وی علم حروف و اوفاق را آموخته است .

ادبیات

ادبیات عرب از دیرباز در حوزه‌های علمیهٔ شیعه به عنوان علوم پایه مورد آموزش بوده‌اند . در حقیقت از آن تاریخ که حضرت امیرالمؤمنین(ع) علم نحو را به ابوالاسود دوئلی آموخت ، علوم ادبی در فرهنگ اسلامی جایگاه مهمی یافت . طالبان علم باید آن را بیاموزند تا بتوانند از *قرآن* ، حدیث و منابع فقهی استفاده کنند . از این‌رو این علوم را

Marfat.com

کلید ورود به حوزهٔ فرهنگ اسلامی دانسته‌اند . آیت‌الله مرعشی نیز از این قاعدهٔ رایج در حوزهٔ علمیه خارج نبود و در همان سنین اولیهٔ عمر به آموزش ادبیات نزد پدر و جدّهٔ خود پرداخت و از آن پس نزد اساتید برجستهٔ این رشته مشغول فراگیری آنها گردید که عبارتند از :

۳۰ . آیت‌الله علاّمه شیخ مرتضی طالقانی نجفی (۱۲۷۴ ـ ۱۳۶۳ق) ، فقیه ، محدث ، زاهد زمانه و صاحب آثار و تألیفات بسیار ؛ از جمله : *حاشیه بر مطوّل* ؛ *حاشیه بر شرح منظومهٔ سبزواری* ؛ *حاشیه بر مجمع‌الامثال* میدانی ؛ *حاشیه بر روضات‌الجنات* خوانساری و *حاشیه بر جوهرالنضید علامهٔ حلّی* .

عبارت مُهر وی «رَبِّ نَجِّ مُرتُضیٰ مِنَ‌النّار» بوده است . او از شاگردان جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملاّ محمد کاشانی (ساکن اصفهان) بوده و با آیت‌الله شیخ محمد حسن طالقانی ، یکی از علمای بزرگ تهران ، نسبت سببی داشته است . طالقانی در نجف اشرف چهره در نقاب خاک کشید .

مرحوم آقا در بارهٔ این استاد گرانقدر خویش در مجموعه‌ای به خطّ مبارکشان چنین نوشته‌اند :

استاذي في‌العربية والتفسير ، زاهدالزمان ، سلمان عصره ، اوحدي‌الدهر في‌الحفظ والاحاطة ،مجموعةالفضائل ، عيبةالعلوم والفنون‌المتنوعة ، مدرّس‌النجف الاشرف ، الذي قلّ من لم يقرء عليه من اهل العلم ، حجت الاسلام ونابغة الايّام ، الشيخ مرتضى ـ الطالقانى ، صاحب‌الكرامات‌الباهرة والمقامات‌المشهورة . . .

همچنین در یادداشتهای دیگری نوشته است که : « در ۱۳۳۹ قمری در خدمت همامین علمین ، نورین نیّرین ، اسعدین زهرین ، آقای شیخ مرتضی طالقانی و آقای حاج شیخ محمد رضا اصفهانی ـ دام ظلّهما علی رؤس‌المتعلمین ـ حاضر شدم و استفاده از این دو بزرگوار خیلی طولانی شد و کتاب *مطوّل* را خدمت ایشان تکمیل نمودم» .

Marfat.com

مرحوم آقا نزد این استاد ، علوم بلاغت ، تفسیر ، *مقامات حریری* ؛ *مقامات بدیع‌الزمان همدانی* ؛ *نهج‌البلاغة* ؛ *دیوان* مجنون عامری و *سبعهٔ معلقه* با شرح از صاحب *مدارک* و غیر آنها را آموخت .

۳۱ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم‌خرم‌آبادی موسوی نجفی ، معروف به امام‌النّحاة (۱۲۴۵ ـ ۱۳۴۱ق) ، مرحوم آقا در ص ۱۲۸ مجموعهٔ خویش ایشان را چنین معرفی کرده است :

ومنهم‌استاذي في‌الادب ونبذ من‌الحديث ،الزاهدالناسك‌الورع ـ الصمدانى ، امام‌النحاة في عصره ، صاحب‌الافكارالابكار وربّ ارباب‌الانظار ، سيدي‌ومولاي‌السيد محمد كاظم الموسوي الخرم‌آبادي النجفي ، صاحب‌المنظومات‌الكثيرة ، قدس‌الله سرّه‌القدوسي . . .

از آثار وی منظومه‌ای در نحو است به طریق *الفیهٔ ابن مالک* که در آن نظریات خود را در علم نحو درج کرده است . او از سادات « آهو قلندر » لرستان بود که در نجف دیده از جهان فروبست و در همان جا به خاک سپرده شد . مرحوم آقا در شانزده سالگی علم نحو را از ایشان آموخت .

۳۲ . علامهٔ زاهد ، حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا محمود حسینی مرعشی شوشتری ، مشهور به معلّم ، ساکن نجف اشرف و مؤلف *شرح البهجة المرضیّة* در نحو و غیر آن . مرحوم آقا نزد ایشان کتابهای *شرح سیوطی* ؛ *شرح ابن عقیل* ؛ *شرح نظام* ؛ *شرح رضی برکافیه* و *شرح شافیه* را فراگرفت .

۳۳ . حجت‌الاسلام والمسلمین ، شیخ محمدحسین‌سدهی‌اصفهانی نجفی (م حدود ـ ۱۳۴۵ق) ، صاحب تألیفات و آثاری چون *تعلیقة علی‌القوانین* و *تعلیقة علی‌الفصول في‌الاصول* و از علما و زهّاد بزرگ زمان خود ، که سالها در مدرسهٔ صدر نجف اشرف مشغول تدریس بود و در اواخر عمر به شهر سِدِهٔ اصفهان (خمینی شهر فعلی) بازگشت و

Marfat.com

تا آخر عمر در آنجا زیست و در همان شهر نیز چهره در نقاب خاک کشید .

۳۴ . آیت‌الله علاّمه ، شیخ نعمت‌الله اسکی لاهیجانی یا لاریجانی (م ۱۳۴۱ق) ، از زهّاد علما و از شاگردان آخوند ملا لطف‌الله مازندرانی و آخوند خراسانی که تا آخر عمر مجرّد زیست و عاقبت در نجف اشرف دیده از جهان فرو بست و در وادی‌السلام به‌خاک رفت .

۳۵ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد رضا اصفهانی ، که مرحوم آقا خود تصریح کرده‌اند که در سال ۱۳۳۹ قمری در خدمت ایشان و آقا شیخ مرتضی طالقانی تلمذ کرده است .

قرائت قرآن ، تجوید و تفسیر

آیت‌الله مرعشی در همان دوران کودکی ، و یا دقیقتر بگوییم در پنج سالگی ، از جدّهٔ پدری خویش بانوی عالم فاضل ، شمس شرف بیگم ، قرائت قرآن را بخوبی آموخت . سپس نزد پدر خویش سید شمس‌الدین ، تجوید و تفسیر را فرا گرفت و از آیت‌الله شیخ محمد حسین بن محمد خلیل شیرازی ، که پیش از این نام وی به عنوان یکی از اساتید ذکر گردید ، در شانزده سالگی ، تفاسیر *بیضاوی* و *جوامع‌الجامع* را آموخت . آیت‌الله شیرازی در ۱۳۲۹ قمری درگذشت ودر رواق مطهّر عسکریّین(ع) در سامرّا به‌خاک سپرده شد . او صاحب آثاری به نام *کتاب في لغات القرآن* و *رسالة في شرح الضابطة* ، و جز اینهاست .

از دیگر اساتید وی ، آیت‌الله میرزا باقر ایروانی ، آیت‌الله سید هبة‌الدین شهرستانی ، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی ، صاحب کتاب *هدیّة‌العبد الی القرّاء الکریم* ، هستند که نام آنان قبلا جزء اساتید مرحوم آقا ذکر شده بود . امّا اساتید دیگر او در قرائت ، تجوید و تفسیر عبارتند از :

۳۶ . آیت‌الله شیخ شمس‌الدین شکوئی عشق آبادی ، از شاگردان فیلسوف بزرگ

Marfat.com

حاج میرزا ابوالحسن جلوه ، علامهٔ فیلسوف حاج میرزا هاشم گیلانی و علاّمه سید عبدالکریم لاهیجانی . او اصالتاً اهل « شکی » ، از شهرهای قفقاز ، بود که در نجف اشرف سکونت داشت ویکی از مشاهیر مدرسّان علم منطق و تفسیر بود . مرحوم آقا در هفده سالگی قسمتی از تفسیر *قرآن* را از وی آموخت .

۳۷ . آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی (۱۳۰۵ ـ ۱۳۵۸ق) ، صاحب کتابهای *الفوائد الرجالیة* ؛ *حاشیة العروة الوثقی* و *حاشیة الکفایة* . وی در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر علوی به خاک رفت . مرحوم آقا از ایشان علم تجوید و قرائت *قرآن* را آموخت .

۳۸ . آیت‌الله سید احمد ، معروف به سید آقا شوشتری جزایری (۱۲۹۱ ـ ۱۳۸۴ق) ، از احفاد محدث بزرگ سیّد نعمت‌الله شوشتری جزایری . مرحوم آقا در بارهٔ حضور در درس ایشان چنین نوشته‌اند : « قسمتی از فقه ، حدیث و *قرآن* را نزد وی خواندم . در جلسهٔ تلاوت و تجوید *قرآن* وی حاضر می‌شدم و از او قرائت را فرامی‌گرفتم » .

وی از شاگردان سید مرتضی کشمیری ، حاج نوری و شیخ محمد طه نجف بود . سید آقا شوشتری در شبهای ماه مبارک رمضان در مسجد هندی نجف اشرف به تدریس و تجوید *قرآن* می‌پرداخت . از آثار وی می‌توان کتابهای *تعویداللسان* ؛ *صیغ‌النکاح* و *الکواکب‌الدریّة* را نام برد .

۳۹ . آیت‌الله شیخ محمداسماعیل‌بن محمدعلی‌محلاتی‌نجفی (۱۲۶۹ ـ ۱۳۴۳ق) ، فقیه ، متکلّم و از شاگردان آیت‌الله مجدّد شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی که صاحب تألیفات بسیاری است ؛ از جمله : *الدرراللوامع* در فقه ، اصول و رجال ؛ *اللئالی‌المربوطة في لزوم‌المشروطة* ؛ *نفائس‌الفوائد* و *دیوان شعر* . مرحوم آقا نوشته‌اند که وی در شبهای ماه رمضان کلام و عقاید را تدریس می‌کرد و من در جلسات درس وی حاضر می‌شدم و از انفاس قدسی او استفاده می‌کردم . در آن زمان وی مشغول تألیف رسالهٔ مشهور خود به نام *نورالعلم والمعرفة في‌العقائد* بود . وی در اصول و غیر آن از فکری عمیق و نظری صائب

Marfat.com

برخوردار بود . نسبت به مشروطه و لزوم آن پافشاری بسیاری داشت ؛ چنان که در آن باب کتابی نوشت . وی در ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۴۳ درگذشت و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد .

۴۰ . علامه شیخ نصرالله قاری حافظ کاشانی ، ساکن نجف اشرف .

۴۱ . آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی نجفی (۱۲۸۲ ـ ۱۳۵۲ق) ، متکلّم ، مفسّر و از شاگردان شیخ محمد طه نجف ، آخوند خراسانی و سید کاظم طباطبائی یزدی و مؤلف کتابهای *التوحید والتثلیث* ؛ *الرحلة المدرسیة* و تفسیر معروف *آلاء الرحمن* و غیر از اینها . او در نجف متولد شد و در همان جا نیز درگذشت و در یکی از حجره‌های صحن شریف حیدری به خاک رفت .

۴۲ . آیت‌الله حاج میرزا فرج‌الله تبریزی ، مشهور به عباچی‌زاده (م۱۳۴۲ق)[۱] ، فقیه، رجالی که دارای تألیفات ارزشمندی است ؛ از جمله : *حاشیة علی‌المکاسب* و *تقریرات استاذه الخلیلی* در کتاب *وقف* . او *قرآن* را خوب تلاوت و قرائت می‌کرد و مرحوم آقا مدتی در درس تجوید وی شرکت می‌کرد . از او اجازهٔ روایت دعاء سیفی را ، که نسخه‌ای صحیح از آن را در اختیار داشت ، دریافت کرد . آیت‌الله تبریزی در علم رجال و تراجم و شناخت کتابهای غیر معروف چیره دست بود و کتابخانه‌ای مملوّ از کتب نادر و ارزشمند داشت . وی در ایوان شریف علوی اقامهٔ جماعت می‌کرد و عاقبت هم در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد .

۴۳ . سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی (م۱۳۲۵ق) ، علاّمه ، راوی ، صاحب سجاده و تدریس جامع سید سلطانعلی بغداد و صاحب آثار و تألیفات فراوان ، از جمله : *الردّ علی‌القادیانی* ؛ *الردّ علی‌الوهابیّة* و *الطریقة‌المرعیّة* . مرحوم آقا هنگامی که برای گذراندن

---

۱ . در الاجازة‌الکبیرة ، آیت الله مرعشی ، ص ۱۲۵ ، تاریخ درگذشت ایشان ۱۳۳۹ قمری ثبت شده است ، اما قول صحیح در وفات ایشان همان ۱۳۴۲ قمری است که مرحوم آقا در صفحه اول مجموعه به خط خود به آن تصریح کرده‌اند .

Marfat.com

تعطیلات حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف برای مدت کوتاهی به بغداد رفته بود ، در جلسات درس تفسیر *صحیح بخاری* و *شمائل ترمذی* و غیر اینها شرکت نموده و از وی اجازهٔ روایتی دریافت کرده‌اند .

۴۴ . علاّمه شیخ نورالدین شافعی ، مشهور به شیخ نوری ، عالم ، قاری ، حافظ *قرآن* که در تلاوت اورا عاصم زمان خود دانسته‌اند . وی از علمای عامّه و مدتی ساکن سامرّا بوده که در اواخر عمر در بغداد می‌زیسته و مرحوم آقا در بغداد یک دورهٔ تجوید و دو ثلث قرائت *قرآن* را در ۲۱ سالگی از ایشان فراگرفته و سند قرائات را نیز از ایشان دریافت کرده است .

دو . تحصیلات دورهٔ سطح :

فقه واصول

آیت‌الله مرعشی با توشهٔ فراوانی که از علوم مقدماتیّ و پایه برگرفته بود ، قدم به دایرهٔ تحصیلات دورهٔ سطح فقه و اصول فقه گذاشت . نخستین استاد وی در این رشته‌ها ، پدر وی آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی بود . دیگر اساتید وی که قبلاً از آنها نام بردیم ، عبارتند از : آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی ؛ آیت‌الله سید آقا شوشتری ، که مرحوم آقا بخشی از *شرح لمعه* را در هیجده سالگی از ایشان آموخته‌اند ؛ آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی اردبیلی ، که مرحوم آقا بخشی از *کفایة‌الاصول* را در بیست سالگی نزد وی آموخت ؛ حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ نعمت‌الله لاریجانی اسکی مازندرانی ، که مرحوم آقا قسمتی از *شرح لمعة* را در هجده سالگی نزد ایشان آموخت ؛ آیت‌الله شیخ محمد حسین سِدِهی اصفهانی نجفی ، که مرحوم آقا کتاب *قوانین‌الاصول* را در مدرسهٔ صدر نجف اشرف از ایشان فراگرفت ؛ آیت‌الله میرزا محمود شیرازی نجفی ، که مرحوم آقا نیمی از *تقریرات شیخ* را در نوزده سالگی از وی آموخت ؛

Marfat.com

حجت الاسلام سید محمد کاظم نحوی خرّم‌آبادی نجفی ؛ آیت‌الله شیخ محمد حسین بن محمد خلیل شیرازی نجفی ؛ علاّمه میرزا محمود اهری و حجت الاسلام عباس خلیلی ، مدیر نشریهٔ *اقدام* . دیگر اساتید وی که مرحوم آقا دورهٔ سطح فقه و اصول را در نزد آنان آموخته عبارتند از :

۴۵ . آیت‌الله حاج میرزا علی بن شیخ عبدالحسین ایروانی نجفی (۱۳۰۱ ـ ۱۳۵۴ق) ، فقیه محقق و صاحب تألیفاتی در فقه و اصول ؛ از جمله : *حاشیة الکافیة* که جزء اول آن چاپ شده است ؛ *حاشیة المکاسب* که چاپ شده است و خیر *الزاد لیوم المعاد* که رسالهٔ عملیّهٔ ایشان است . او از شاگردان آخوند خراسانی ، سید محمد کاظم یزدی و مجدّد شیرازی است . مرحوم آقا قسمتی از اصول را نزد وی خوانده است .

۴۶ . آیت‌الله حاج سید محمد رضا مرعشی رفسنجانی (۱۲۸۵ ـ ۱۳۴۲ق) ، از شاگردان آخوند خراسانی ، شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی . او دارای تألیفاتی در فقه است ؛ از جمله : *اجوبة المسائل الکرماتیة* ؛ *اجوبة المسائل الیزدیة* و *رسالة فی تحقیق الکر* . او پدر آیات سید مهدی و سید کاظم اخوان مرعشی است . وی در نجف اشرف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد .

۴۷ . آیت‌الله شیخ غلامعلی قمی (م۱۳۵۵ق) ، از شاگردان آخوند خراسانی و میرزای شیرازی که مدتی در سامرّا اقامت داشته است ، امّا در نجف دیده از جهان فروبست و در همان جا به خاک رفت .

۴۸ . آیت‌الله میرزا حبیب‌الله اشتهاردی (۱۳۱۰ ـ ۱۳۷۳ق) ، از علما و فقهای بزرگ مقیم سامرّا که در اواخر عمر در قم اقامت داشته و در همان جا چهره در نقاب خاک کشید و در مقبرهٔ شیخان به خاک سپرده شد . او داماد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی شریف عسکری بود .

۴۹ . آیت‌الله شیخ عبدالحسین بن شیخ عیسیٰ رشتی نجفی (۱۲۹۲ ـ ۱۳۷۳ق) ، عالم کامل و جامع معقول و منقول . وی در کربلا دیده به جهان گشود و چندین سال در نجف

Marfat.com

۱۴۸ ـــــــ

نیامد . مرحوم آقا قسمتی از فقه و اصول را نزد وی آموخت ،اجازهٔ روایتی و اجازهٔ دعاء سیفی را از او دریافت کرد .

۵۳ . آیت‌الله سید ابراهیم بن میرزا حسن حسینی ، مشهور به میرزا آقا اصطهباناتی (۱۲۹۷ ـ ۱۳۷۹ق) ، فقیه ، محدث و از مراجع تقلید . وی در اصطهبانات چشم به جهان گشود و پس از فراگیری مقدمات علوم و قسمتی از سطح به نجف اشرف رفت و در آنجا در حوزه‌های درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شرکت کرد وبه درجهٔ اجتهاد رسید . او پس از میرزای شیرازی به مرجعیت رسید و *رسالهٔ عملیّه* ؛ *حواشی‌العروة* و *حواشی‌الوسیلة* وی به چاپ رسید . وی در صحن شریف علوی اقامهٔ جماعت می‌کرد . او در همان شهر درگذشت و در حسینیه‌ای که اکنون در شارع‌الرسول است ، به خاک سپرده شد . مرحوم آقا بخشی از *کفایة‌الاصول* را در بیست سالگی نزد وی آموخت .

۵۴ . آیت‌الله حاج سید علی طباطبائی یزدی (م ۱۳۷۰ق) ، فرزند آیت‌الله‌العظمی حاج سید محمد کاظم طباطبائی یزدی ، صاحب *عروة الوثقی* . مرحوم آقا در نوزده سالگی کتاب *فصول* را از ایشان آموخت و در همان سال حاشیه‌ای موسوم به *مسارح‌الافکار في حلّ مطارح‌الانظار* و *حذف‌الفضول عن مطالب‌الفصول* را تألیف فرمود .

آیت‌الله طباطبائی یزدی در نجف اشرف درگذشت و در آرامگاه خانوادگی خود در همان شهر به خاک سپرده شد .

۵۵ . حجّت‌الاسلام والمسلمین سید محمد جعفر بن محمد باقر بن علی بن رضا بن آیت‌الله بحرالعلوم طباطبائی نجفی (۱۲۸۹ ـ ۱۳۷۷ق) ، عالم متتبّع که در نجف دیده به جهان گشود و در حوزهٔ درس آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبائی و آخوند خراسانی شرکت می‌کرد . سپس مشغول تدریس و تألیف گردید . از آثار او می‌توان به شرح *نجاة‌العباد* ؛ *اسرارالعارفین* (در شرح دعای کمیل) چاپ نجف و *تحفة‌العالم* در شرح *خطبة‌المعالم* در دو جلد نام برد . ایشان از مشایخ روایتی مرحوم آقا و استاد سطح وی بوده است . او در همان شهر چشم از جهان فروبست و در همان جا نیز به خاک رفت .

Marfat.com

۵۶ . آیت‌الله میرزا محمد علی بن محمد نصیر چهاردهی رشتی (۱۲۵۲ ـ ۱۳۳۴ق) ، فقیه ، زاهد ، مجتهد متورّع و یکی از اعجوبه‌های دهر . وی در چهارده ، یکی از نواحی رشت ، متولد شد . مقدمات و سطح را در همان جا گذراند و سپس به نجف اشرف رفت و در حوزه‌های درس مولی علی خلیلی ، محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت کرد . او دارای تألیفات بسیاری است ؛ از جمله : *ذریعةالعباد* ؛ *التحفةالحسینیة* ؛ شرح زیارة *عاشوراء* ؛ *شرح زیارةالجامعة* ؛ *شرح دعاءالسمات* ؛ *وسیلةالنجاة* ؛ *شرح مبحث‌الوقت والقبلة* و *شرح بعض خطب نهج‌البلاغة* . مرحوم آقا در عنفوان جوانی از وی اجازهٔ شفاهی گرفت .

۵۷ . علاّمه محمد حسین تهرانی قاجار ، از متخصصان تدریس *کفایةالاصول* در نجف اشرف .

۵۸ . آیت الله شیخ محمد حسن تهرانی تویسرکانی‌الاصل (م ۱۳۴۰ق) ، عالم و فقیه که در تهران دیده به جهان گشود و در همان جا نزد شیخ فضل‌الله نوری و میرزای آشتیانی دانش آموخت . سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات درس بزرگان حوزه شرکت نمود . او در مدرسهٔ قوام نجف اشرف سکونت داشت و در همان مدرسه هم تدریس می‌کرد . مرحوم آقا بخشی از *شرح لمعة* را در هجده سالگی از ایشان آموخت . او در نجف درگذشت و در همان جا دفن گردید .

۵۹ . آیت‌الله شیخ یعقوب علی زنجانی که در آغاز در نجف اشرف سکونت داشت و بعدها به زنجان مراجعت کرد و تا آخر عمر در آنجا می‌زیست . مرحوم آقا در هفده سالگی *معالم‌الاصول* و در هجده سالگی *قوانین‌الاصول* را از وی فراگرفت .

۶۰ . آیت‌الله شیخ عبدالحسین مرندی ، از علما و فضلای کربلا که در صحن شریف حسینی نزدیک باب‌الزینبی اقامهٔ جماعت می‌کرد . مرحوم آقا نوشته‌اند در ایام زیارتی کربلا ، بارها به حضور وی می‌رسیدم و گویا از وی اندکی اصول آموختم و به من اجازهٔ شفاهی داد .

Marfat.com

آیت‌الله مرعشی در کنار حضور در جلسات و حوزه‌های درسی فقه واصول ، در حلقه‌های درسی دیگر علوم رایج حوزوی در دروهٔ سطح نیز شرکت می‌کرد و از عالمان ، محدثان و بزرگان این علوم استفاده می‌کرد و دانش می آموخت که مختصراً به این رشته‌ها و اساتید وی اشاره می‌کنیم .

حدیث ، درایه ، رجال و تراجم

حدیث از نظر مسلمان و بویژه شیعه ، از اعتبار واهمیت بسیاری برخوردار است . زیرا پس از قرآن ، مهمترین وسیلهٔ اطلاع از احکام ، دستورات دین و مذهب ، احادیث است . ازاین‌رو شناخت احادیث از وظایف اصلی و اساسی فقها و مجتهدان است . برای اطلاع از چگونگی احادیث علمی به نام علم‌الحدیث پدید آمد ؛ یعنی دانشی که به یاری آن اقوال و افعال و احوال پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) و سایر صحابهٔ رسول‌الله شناخته می‌شود . علم‌الحدیث به دو بخش روایةالحدیث و درایةالحدیث تقسیم می‌گردد . علم روایةالحدیث عبارت است از دانشی که راجع به کیفیت اتصال احادیث به رسول‌الله(ص) و امامان معصوم(ع) بحث می‌کند ؛ آن هم از حیث احوال روات آنها در ضبط ، عدالت ووثاقت آنهاکه به اصول‌الحدیث هم معروف‌است . علم‌درایةالحدیث ، که اختصاراً آن را علم‌الدّرایة هم می‌نامند ، عبارت از دانشی است که از شناخت متن ، سند حدیث ، معنی و مفهوم الفاظ و مراد از آنها بحث می‌کند و مبتنی بر قواعد زبان عربی و ضوابط شرعی است .

منظور از علم رجال ، دانشی است که از احوال راویان و محدثان و کسانی که در سلسلهٔ اسناد روایات معصومین(ع) واقع شده‌اند ، بحث می‌کند ، از آن جهت که این روات و محدثان ، عادل هستند یا فاسق ، موثقند یا غیر موثق ، قوی هستند یا ضعیف و معلوم‌الهویّة هستند یا مجهول .

مقصود از علم تراجم ، دانشی است که در آن به شرح حال علما و بزرگان اسلام

Marfat.com

۱۵۲ ـــــــ

یا *سبیل‌الرشاد* در شرح *نجاة العباد* در فقه که این دو کتاب هردو چاپ شده‌اند ؛ *الصراط‌المستقیم* در اصول دین ؛ *قصدالسبیل* ؛ *المناسک* ؛ *المسائل‌البحرانیّة* و *المسائل‌الکاظمیة* .

مرحوم آقا در شانزده سالگی نزد وی علم رجال را آموخته است . خوانساری در نجف اشرف دیده از جهان فروبست و در وادی‌السلام مدفون شد .

۶۲ . آیت‌الله ابومحمد سید حسن صدرالدین موسوی کاظمی ، معروف به سید حسن صدر (۱۲۷۲ ـ ۱۳۵۴ق) ، فقیه ، محدث ، ادیب و از عالمان بزرگ و شیوخ اجازات در زمان خود که شمار بسیاری از علما و فضلا از وی اجازهٔ روایتی دریافت کرده‌اند . وی از بزرگترین شاگردان مجدّد شیرازی بوده است . او دارای آثار و تألیفات مهم و بسیاری در رشته‌های گوناگون است ؛ از جمله : *تأسیس‌الشیعة* ؛ *تکملة امل‌الآمل* ؛ *قاطعة‌اللجاج* رد بر اخباریّه ؛ *الدررالموسویّة في شرح‌العقائدالجعفریّة* کاشف‌الغطاء ؛ *وفیات‌الاعلام من الشیعة الکرام* و *الشیعة وفنون‌الاسلام* که بیشتر آنها به چاپ رسیده‌اند .

مرحوم آقا نزدیک به یک سال در کاظمین از محضر ایشان علم رجال آموخت و اجازات متعددی از وی دریافت کرد . سید حسن صدر در بغداد درگذشت و به کاظمین انتقال یافت . در تشییع جنازه‌اش عدهٔ بسیاری از علما و بزرگان ، نمایندهٔ پادشاه عراق ، وزرا ، امرا وسایر طبقات مردم شرکت کردند و اورا در حجرهٔ خانوادگی در صحن شریف به خاک سپردند .

۶۳ . آیت‌الله علاّمه حاج شیخ عبدالله بن آیت‌الله محمد حسن مامقانی نجفی (۱۲۹۲ ـ ۱۳۵۱ق) ، فقیه رجالی و عالم بزرگ که در نجف دیده به جهان گشود و زیر نظر و نزد پدرش مقدمات علوم را فراگرفت . سپس نزد شیخ هاشم ارونقی ملکی ، شیخ حسن میرزا ، شیخ غلامحسین دربندی و دیگران فقه و اصول را آموخت و خارج فقه و اصول را از پدر خویش فراگرفت و به درجهٔ اجتهاد رسید . او را تألیفات و آثار بسیاری است ؛ از جمله : *تنقیح‌المقال* در علم رجال ؛ *مرآة‌الکمال* ؛ *مخزن‌المعانی* ؛ *منتهی‌المقاصد* در شرح

Marfat.com

شرایع‌الاسلام در ۶۳ جلد و *مقباس‌الهدایة* که بیشتر این آثار به چاپ رسیده‌اند .

آیت‌الله مامقانی در نجف اشرف چشم از جهان فروبست و در محلهٔ العمارة ، یکی از محله‌های نجف اشرف ، به خاک سپرده شد .

۶۴ . آیت‌الله شیخ موسی کرمانشاهی بن محمد جعفر ، معروف به کتابفروش (م۱۳۴۳ق)، فقیه اصولی و رجالی که در کرمانشاه دیده به جهان گشود و در کودکی به کربلا رفت ، و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت . فقه و اصول و سایر علوم اسلامی را نزد میرزا محمد حسین حسینی شهرستانی آموخت و پس از وفات استاد خود به تدریس و تألیف پرداخت . برخی از آثار وی عبارتند از : *تحقیق‌الاحکام* و *رسالة في‌المنطق* . او در کربلا درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد . مرحوم آقا نوشته‌اند در یکی‌از حجرات مدرسهٔ صدر کربلا به حضور وی رسیدم و از او حدیث ، درایة و علم حروف آموختم .

۶۵ . آیت‌الله علاّمه ، حاج میرزا محمد علی حسینی مرعشی شهرستانی حائری (م۱۳۴۴ق) ، فقیه ، محدث و رجالی . وی در کربلا چشم به جهان گشود و در همان جا نزد پدر خود آیت‌الله میرزا محمد حسین مرعشی شهرستانی و فاضل اردکانی و دیگران دانش آموخت و در ۱۳۱۵ قمری ، پس از رحلت پدرش ، به جای وی به امامت و تدریس پرداخت و آثار گرانقدری تألیف کرد که بیشتر آنها به چاپ رسیده‌اند ؛ از جمله : *شرح‌الباب‌الحادي عشر* ؛ *هدیّة‌الزائرین* ؛ *الدرّة‌الوجیزة* در شرح *الوجیزة في علم‌الدرایة* از شیخ بهائی . او در همان شهر ، چهره در نقاب خاک کشید . مرحوم آقا به هنگام توقف در کربلا ، علم درایه را از ایشان آموخت و اجازهٔ شفاهی از ایشان گرفت .

۶۶ . آیت‌الله میرزا ابوالهدی بن میرزا ابوالمعالی بن ملا محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی (م۱۳۵۶ق) ، فقیه و رجالی . وی در ۱۳۲۰ قمری به نجف اشرف سفر کرد و در حوزهٔ درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی شرکت جست . او دارای تألیفات و آثاری ارزشمند است ؛ از جمله : *البدرالتمام في احوال‌الوالدالقمقام* ، که رساله‌ای است در احوال پدر و جدش که در ۱۳۱۷ قمری با رسائل اصولی وی چاپ شده

Marfat.com

است ؛ *سماءالمقال* در علم رجال که کتاب دیگرش ، *الصراط‌المستقیم* ، را از آن انتخاب و برگزیده است ؛ *الدرّالثمین* در اسامی کتب . مرحوم آقا کتاب *سماءالمقال* را از وی آموخته است . کرباسی در اصفهان درگذشت و در همان جا نیز به خاک سپرده شد .

۶۷ . آیت‌الله حاج شیخ علی زاهد قمی نجفی (۱۲۸۳ ـ ۱۳۷۱ق) ، فقیه و عالم جلیل‌القدر و زاهد معروف . او در تهران دیده به جهان گشود و در ۱۳۰۰ قمری به نجف اشرف رفت و در جلسات درس فقه و اصول میرزا حبیب‌الله رشتی ، شیخ عبدالله مازندرانی ، آخوند خراسانی ، آقا رضا همدانی و میرزا حسین خلیلی شرکت کرد و حدیث را از میرزا حسین نوری فراگرفت و در کمتر از چهل سالگی در زمرهٔ یکی از فقها و مجتهدان بزرگ در آمد و تألیفات مهم و ارزنده‌ای از خود به جای گذاشت ؛ از جمله : *تنویرالمرآة* در شرح *اسانید کافی* و بیان احوال رجال ذکر شده در اسناد آن ؛ *شرح‌التبصرة* در چهار جلد ؛ *صلاةالمسافر* و *سراج‌المبتدی* در شرح *بدایةالهدایة* از شیخ حرّ عاملی . وی در نجف اشرف چهره در نقاب خاک کشید و در مقبرهٔ عالم متقی شیخ نصرالله حویزی (م۱۳۴۶ق) در محلهٔ العماره دفن شد .

۶۸ . آیت‌الله شیخ محمد حسین قمشه‌ای کبیر نجفی (حدود ۱۲۵۰ ـ ۱۳۳۶ق) ، فقیه متقی و زاهد . او مقدمات و سطح را در اصفهان گذراند . سپس به نجف اشرف رفت و در حلقهٔ درس شیخ مرتضی انصاری ، سید حسین کوه کمری ، میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت نمود و به درجهٔ عالی اجتهاد و مدارج والای علمی رسید . از تألیفات او *ادلّةالرشاد في شرح نجاةالعباد* در هجده جلد بزرگ و *عُدّة طریق‌التدقیق* در اصول فقه در چهارده جلد است . مرحوم آقا در ایام جوانی ، در حالی که آیت‌الله قمشه‌ای در کهولت سن بود ، اورا ملاقات کرد و از او اجازهٔ شفاهی دریافت کرد . قمشه‌ای در محرم ۱۳۳۶ درگذشت و در صحن شریف حیدری به خاک سپرده شد .

۶۹ . حجت‌الاسلام آخوند ملا محمد حسین قمشه‌ای صغیر (م۱۳۳۷ق) ، عالم متورع و از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی در فقه و اصول و مولی

Marfat.com

حسینقلی همدانی در اخلاق . او به زهد و تقوا شهرت داشت و به مرحوم آقا اجازهٔ شفاهی داد . وی نیز در نجف اشرف چهره در نقاب خاک کشید و در نزدیک قبر استادش ، قمشه‌ای کبیر ، در صحن شریف حیدری به خاک رفت .

۷۰ . آیت‌الله‌حاج شیخ محمدباقربیرجندی‌جازاری‌قائنی‌خراسانی(۱۲۷۶ ـ ۱۳۵۲ق)، فقیه و خادم علوم اهل‌البیت(ع) . وی در قائن دیده به جهان گشود و در مشهد مقدس مقدمات علوم را فراگرفت . سپس به سامرّا رفت و در جلسهٔ درس مجدّد شیرازی شرکت نمود و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت کرد و از علما و فقها دانش آموخت و به وطن خویش بازگشت و در بیرجند سکونت نمود وبه تدریس و تألیف پرداخت . از آثار اوست : *آیات‌الاحکام* ؛ *بدایةالمعرفة* ؛ *الکبریت‌الاحمر* در شرایط منبر ؛ *وثیقةالفقهاء* در شرح التبصره ؛ *الفوائدالغرویة* در علم درایه و رجال و *فاکهةالذاکرین* . مرحوم آقا در سالی که این استاد عازم حج بودند و در نجف توقف داشتند ، از محضرشان استفاده کردند .

۷۱ . آیت‌الله حاج محمدحسن بن حاج محمدصالح بن حاج مصطفی آل‌کبّة الربیعی ـ البغدادی‌النجفی (۱۲۶۹ ـ ۱۳۳۶ق) ، فقیه ، ادیب و عالم جلیل‌القدر . وی در کاظمین متولد گردید . پدرش یکی از اعیان و تجّار بغداد بود . در آغاز همراه پدرش به شغل تجارت پرداخت و در همان دوران به تحصیل علوم ادبی نیز اشتغال داشت . سپس دست از تجارت کشید و برای ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف رفت و در آنجا مدتی در درس شیخ عبدالله مازندرانی شرکت کرد . سپس به سامرّا رفت ودر حلقهٔ درس مجدّد شیرازی حضور یافت و پس از آن در جلسهٔ درس میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد اصفهانی فشارکی حاضر شد و این اساتید به وی اجازهٔ اجتهاد دادند . از آن پس به تدریس و تألیف پرداخت . از آثار اوست : *المواقیت* ؛ *صلاةالجماعة* ؛ *صلاةالمسافر* ؛ شرح *قطرالندی* و شرح بعض *ابواب کتاب‌الارشاد* . او تا آخر عمر معمّم نشد و عاقبت در نجف اشرف درگذشت و در آرامگاه خانوادگی خویش به خاک سپرده شد . مرحوم آقا در شبهای ماه مبارک رمضان از جلسات درس وی استفاده می‌کرد .

Marfat.com

۷۲ . حجت‌الاسلام والمسلمین مولی شیخ محمد مهدی بنابی حائری (م۱۳۴۱ق) ، عالم زاهد که مقدمات علوم را در تبریز فراگرفت و سپس به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در نجف اشرف سکونت گزید و در حلقات درسی سید حسین کوه کمری ، فاضل ایروانی ، محمدحسن مامقانی و میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت نمود و به درجات عالی علمی رسید . آنگاه به کربلا رفت و در محضر فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نیز دانش آموخت و از آن پس خود به تدریس پرداخت و در همان شهر نیز چهره در نقاب خاک کشید .

۷۳ . علاّمه‌سیدناصرحسین‌بن‌علاّمه‌میرحامدحسین هندی‌لکهنوی (۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۱ق)، فقیه ، محدث ، متکلّم و مفسر . وی در لکهنو نزد علما و بزرگان دانش آموخت . از جمله نزد مولوی محمد یوسف واز پدر خود ، میرحامد حسین ، صاحب کتاب معروف *عبقات‌الانوار* . مرحوم آقا در هنگام تشرف ایشان به نجف اشرف چند روزی از این استاد کسب فیض و از او روایت کرده است .

۷۴ . آیت‌الله سید عبدالصمد بن سید احمد موسوی جزائری شوشتری (۱۲۴۳ ـ ۱۳۳۷ق) ، عالم و فقیه جلیل‌القدر . او در شوشتر دیده به جهان گشود و مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخت . سپس برای ادامهٔ تحصیل به نجف مشرف شد و در جلسات درس شیخ مرتضی انصاری ، مجدّد شیرازی و دیگر علما وفقها شرکت کرد و به درجهٔ اجتهاد رسید . از آن پس به زادگاه خویش بازگشت و به تبلیغ ، ارشاد ،تدریس و تألیف پرداخت . از آثار اوست : *فصل‌الخطاب* ؛ *التحفة‌النظامیّة* ؛ *نظم‌الکافیة* ؛ *رسالة فی‌المنطق و تعلیقة علی‌الرسائل* . وی در شوشتر دیده فروبست و جنازه‌اش به نجف اشرف منتقل گردید و در آرامگاه سید علی شوشتری در صحن شریف حیدری به خاک سپرده شد .

۷۵ . آیت‌الله علاّمه سید عبدالحسین بن سید علی حسینی آل کمونهٔ بروجردی نجفی (۱۲۶۸ ـ ۱۳۳۶ق) ، فقیه فاضل و عالم جلیل‌القدر . وی در بروجرد پا به هستی نهاد و مقدمات علوم را نزد پدر خود و سید ریحان‌الله موسوی بروجردی آموخت و در ۱۲۹۸

Marfat.com

قمری به نجف اشرف رفت و از شیخ محمد حسین کاظمی ، شیخ زین‌العابدین مازندرانی ، مولی لطف‌الله مازندرانی و میرزا حسین نوری علوم متداول را آموخت . او را تألیفات و آثار پر ارزشی در فقه ، اصول و دیگر علوم است ؛ از جمله : *رسالة في قاعدةالقرعة* ؛ *رسالة في قاعدةالشكّ بعدالفراغ* ؛ *رسالة في قاعدةاليد* ؛ *المنظومة في‌الرجال و شرح خطب‌الحسين(ع) وكلماته‌القصيرة و اشعاره* . او در نجف اشرف دیده فروبست و در صحن مطهّر علوی به خاک رفت .

۷۶ . آیت‌الله سید محمد علی حسینی شاه‌عبدالعظیمی نجفی (۱۲۵۸ ـ ۱۳۳۴ق) ، فقیه متقی و عالم کامل که در ری متولد شد و مقدمات و سطح را در زادگاه خویش آموخت و در ۱۲۷۲ قمری به نجف اشرف مسافرت کرد و چند سالی از محضر شیخ انصاری استفاده کرد و پس از وی در جلسات درس مولی علی خلیلی و مجدّد شیرازی فقه و اصول و رجال فراگرفت . او در طویرج ، هنگام مراجعت از زیارت اباعبدالله ـ الحسین(ع) درگذشت و به نجف منتقل گردید و در ایوان طلای شریف علوی ، نزدیک مقبرهٔ علامهٔ حلّی ، به خاک سپرده شد . او دارای تألیفات ارزشمندی است ؛ از جمله : *منتخب‌الخلاصة في‌الرجال* ؛ *منتخب كتب‌الرجال‌الاربعة* ؛ *الايقاد والايقاظ* که برخی از آنها چاپ شده‌اند . مرحوم آقا از وی در ایام جوانی اجازه‌ای شفاهی گرفت .

۷۷ . آیت‌الله سید میرزا هادی بن سید علی خراسانی بَجَستانی حائری راثی (۱۲۹۷ ـ ۱۳۶۸ق) ، فقیه اصولی و متکلم و از مدرسین برجستهٔ نجف اشرف . وی در نجف و کربلا نزد آخوند خراسانی ، سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی دانش آموخت . از تألیفات اوست : *جوامع‌الكلم* ، *منظومه‌ای در نحو* ؛ *مرقات‌الثقات* ؛ *طبقات‌الرواة* و *تاريخ كربلاء* . وی در کربلا درگذشت و در حرم حسینی دفن شد . مرحوم آقا نوشته‌اند که در نزد وی حدیث ، رجال و تراجم آموخته‌اند .

Marfat.com

کلام، عقاید و ادیان

فراگیری عقاید، ادیان و علم کلام نیز از دیر باز در حوزه‌های علمیه رواج داشته و طلاّب علوم دینی در کنار آموزش فقه، اصول و دیگر علوم، در حلقه‌های درس علم کلام و مباحث مربوط به عقاید، ادیان و مذاهب نیز شرکت می‌کردند. آیت‌الله مرعشی در این رشته‌ها نیز، چون سایر علوم، اساتید برجسته‌ای داشته که در سایر علوم و فنون حوزوی نیز استاد وی بوده‌اند. این اساتید عبارتند از: آیت‌الله شیخ محمد اسماعیل محلاتی نجفی، که مرحوم آقا در شانزده سالگی از ایشان عقاید آموخته؛ آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی نجفی، که مرحوم آقا شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای پنجشنبه و جمعه از وی علم کلام و عقاید آموخته است؛ آیت‌الله سید هبةالدین شهرستانی، که مرحوم آقا در نجف، کربلا و کاظمین از ایشان عقاید فراگرفته است؛ آیت‌الله آقا محمد بن محمد اسماعیل محلاتی؛ پدر بزرگوارشان، آیت‌الله سید شمس‌الدین؛ آیت‌الله میرزا علی اکبر حَکَمی یزدی، ساکن قم.

فلسفه و منطق

از علوم رایج در حوزه‌های علمیه فلسفه و منطق است که آیت‌الله مرعشی در این رشته‌ها نیز اساتید بزرگی داشته است؛ از جمله شمس‌الدین شکوئی قفقازی عشق آبادی، ساکن نجف اشرف، که مرحوم آقا در هفده سالگی نزد وی علم منطق آموخته است. سایر اساتید وی عبارتند از:

۷۸. حجت‌الاسلام حاج ملاّ علی محمد نجف‌آبادی اصفهانی (م ۱۳۳۲ق)، حکیم متألّه و متکلم صالح زاهد. او در زادگاه خویش و در اصفهان مقدمات علوم را نزد مولی محمد کاشی و جهانگیرخان قشقائی فراگرفت. سپس عازم عتبات عالیات شد و در سامرّا در حوزهٔ درس آیت‌الله مجدّد شیرازی شرکت کرد و بعد به نجف اشرف رفت و

Marfat.com

در محضر بزرگان و اساتید حوزهٔ نجف دانشهای متداول را آموخت . پس از آن خود در مسجد هندی نجف به تدریس معقول و منقول پرداخت . او دارای کتابخانه‌ای نفیس بود که پانزده هزار جلد کتاب چاپی و خطی داشت . وی این کتابخانه را وقف حسینیهٔ شوشتریها کرد . او در همان شهر چهره در نقاب خاک کشید .

۷۹ . آیت‌الله حاج فاضل مشهدی (م۱۳۴۳ق) ، حکیم متألّه که در مشهد مقدس سکونت داشت . مرحوم آقا نوشته‌اند : « سالی که ایشان به عتبات مقدسه مشرف شد ، در کربلا به حضور وی رسیدم و قسمتی از علوم رایج را نزد او آموختم و از ایشان اجازهٔ شفاهی گرفتم » . او پدر دکتر فاضل ، ساکن مشهد ، است .

۸۰ . علاّمه میرزا طاهر بن فرج‌الله تنکابنی (۱۲۸۰ ـ ۱۳۶۰ق) ، از بزرگان فلسفه و عرفان که در کلاردشت مازندران دیده به جهان گشود . مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفت و سپس به تهران رفت و در جلسات درس مولی محمد رضا قمشه‌ای ، آقا علی مدرس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه شرکت کرد . سپس خود به تدریس در مدارس قنبرعلی‌خان و سپهسالار پرداخت . او دارای کتابخانه‌ای بسیار نفیس بود که همهٔ آن مجموعه اکنون در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی موجود است . وی در تهران درگذشت و در مقبرهٔ شیخ صدوق ، معروف به ابن بابویه ، به خاک سپرده شد . تنکابنی حواشی متفرقه‌ای بر برخی از کتب فلسفی نوشته است . مرحوم آقا کلام و فلسفه را از ایشان آموخته است .

۸۱ . علاّمه میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۰۶ ـ ۱۳۷۲ق) ، حکیم و فیلسوف عالیقدر معاصر که در تهران چشم به جهان گشود و در پانزده سالگی اجازات متعددی از اساتید خود دریافت کرد و در ۱۳۲۷ قمری به عتبات مقدسه رفت و در حوزهٔ درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شرکت کرد و اجازهٔ اجتهاد گرفت و پس از مراجعت به ایران به کشورهای هند ، بلژیک ، ایتالیا ، فرانسه ، آلمان و مصر و به شهرهای رم و بخارا سفر کرد و چون به ایران بازگشت به تدریس علوم عقلی پرداخت . وی دارای

Marfat.com

تألیفات بسیاری است ؛ از جمله : *تعلیقة علی شرح منظومةالسبزواري* و *اساس‌التوحید* که هردو چاپ شده‌اند . او در تهران چشم از جهان فروبست و جنازهٔ وی به قم منتقل و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد .

اخلاق و عرفان

آیت‌الله مرعشی به گواه همهٔ کسانی که با او ارتباط داشته‌اند ، فردی متخلّق به اخلاق اسلامی و از عارفان و واصلان به حق بوده است . او این تکامل اخلاقی و عرفانی را نخست مدیون همّت و تلاش خود ، و در مرحلهٔ دوم مدیون خاندان خویش ، که همه در سیر و سلوک عرفانی واخلاق اسلامی شهره‌اند ، بوده است و در مرحلهٔ سوم وامدار اساتید و عارفان برجسته‌ای چون پدر بزرگوار خود آیت‌الله سید شمس‌الدین ؛ علاّمه میرزا محمود اهری ؛ علاّمه میرزا علی‌اکبر حَکَمی یزدی ؛ سید یاسین‌علی‌شاه هندی ، از عرفای فرقهٔ خاکساری ؛ آقا غلامرضا شاه عراقی ، معروف به مرکّب ساز ، از عرفای معاصر ؛ آخوند ملا محمد حسین قمشه‌ای کبیر و ملاّ محمد حسین قمشه‌ای صغیر بود که اسامی آنان قبلاً جزء اساتید وی ذکر گردید . امّا دیگر اساتید ایشان در این دو رشته ، به این شرح است :

۸۲ . آیت‌الله سید میرزا علی آقا بن سید میرزا حسین طباطبائی تبریزی ، معروف به قاضی (۱۲۸۵ ـ ۱۳۶۶ق) ، عالم و عارف جلیل‌القدر که در تبریز قدم به هستی گذاشت و مقدمات و سطح را در همان زادگاه خویش گذراند و در ۱۳۱۳ قمری به نجف مهاجرت کرد و در جلسات درس شیخ محمد حسن مامقانی ، فاضل‌شربیانی ، شیخ‌الشریعهٔ ـ اصفهانی ، میرزا حسین خلیلی و سید احمد کربلائی ، فقه ، اصول ، حدیث ، تفسیر و اخلاق را فراگرفت و خود در شمار اساتید این علوم ، بویژه اخلاق و عرفان ، درآمد و کتب متعددی در فقه و تفسیر نوشت ؛ از جمله : *تفسیرالقرآن* ، از اول *قرآن* تا آیهٔ ۹۱ سورهٔ انعام . او در نجف اشرف به لقای حق پیوست و در وادی‌السلام به خاک سپرده شد .

Marfat.com

۸۳ . علاّمهٔ سالک ، سید احمد بن سید ابراهیم موسوی تهرانی‌الاصل ، معروف به سید احمد کربلائی (م۱۳۳۲ق) ، فقیه و عارف ربّانی که در کربلا دیده به جهان گشود و مقدمات و مبادی علوم را در آنجا آموخت و به نجف اشرف رفت و در آنجا در جلسات درس میرزای شیرازی ، میرزا حبیب‌الله رشتی ، میرزا حسین خلیلی تهرانی و مولی حسینقلی همدانی حاضر شد و علوم متداول را فراگرفت و به درجهٔ اجتهاد و مدارج والای اخلاق و عرفان رسید . وی دارای آثاری در سیر و سلوک است . برخی از رسائل و مکاتبات او را یکی از شاگردانش ، به نام شیخ اسماعیل عارف تبریزی ، متخلص به نائب ، با بعضی از مکاتبات مولی حسینقلی همدانی و شیخ محمد بهاری همدانی ، گردآوری کرده و آن را *تذکرة‌المتقین* نامیده که در زمان حیات ایشان چاپ شده است . کربلائی در نجف چشم از جهان فروبست و در صحن شریف حیدری به خاک رفت .

۸۴ . آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی (م۱۳۴۳ق) ، فقیه متقی و عارف سالک فی سبیل‌الله . او در نجف اشرف مبادی و علوم عالی را آموخت و مراتب سیر و سلوک را نزد مولی حسینقلی همدانی تکمیل کرد و فقه و اصول را از شیخ آقا رضا همدانی فراگرفت . سپس به ایران بازگشت و در دارالایمان قم سکونت نمود . از آثار وی می‌توان به : *اسرار الصلاة* ؛ *المراقبات* و *السیر والسلوک* اشاره کرد .

انساب

علم انساب یکی از علوم ارزشمند در طول تاریخ بشری است و اختصاص به یک دوره از تاریخ و قومی خاص و مکانی خاص نداشته است ، بلکه در میان تمامی ملل عالم رواج داشته است . امّا در فرهنگ اسلامی به آن عنایت فراوانی شده ، چنان که نسب شناسی در زمرهٔ علوم شریف مطرح شده است و شارع مقدس آثار و احکام شرعی مختلفی ، مانند حکم ارث ، حکم عاقله ، صلهٔ رحم ، تحریم صدقه بر سادات و وجوب خمس برای ذریهٔ پیامبر(ص) را بر آن مترتب ساخته است . در باب طهارت ، زکات و

Marfat.com

نکاح نیز این علم به‌کار می‌آید و پیامبر اکرم(ص) سفارش اکیدی به فراگیری این علم نموده و فرموده است : «**تعلّموا انسابکم لتصلوا ارحامکم**» . از این رو و با توجه به آیهٔ ذوی‌القربی ، دانشمندان اسلامی بـه ایـن عـلم شـریف ارج مـی‌گذاشـته‌انـد و آن را از متخصصّین این فنّ می‌آموخته‌اند .برخی از علما عمر گرانبهای خویش را در کسب این علم مصروف می‌کرده‌اند .

این دانش در قرون اولیه ، بویژه قرون پنجم تا هفتم هجری قمری ، رونق بسیار داشته است ، امّا متأسفانه در این چند قرن اخیر کمتر به آن پرداخته‌اند ؛ چـنان کـه در آسـتانهٔ متروک شدن و محو و زوال قرار گرفته بود ، تا اینکه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی که خود از ذراری رسول‌الله(ص) بود و اصولاً خـاندان وی خـود هـمیشه در طـول تـاریخ پاسدار این علم شریف و نسّابهٔ آل رسول‌الله و عترت او بوده‌اند ، قدم پیش گـذاشت و کمر همّت بر میان بست و این دانش راکه در آستانهٔ فراموشی قرار داشت ، نجات داد . ایشان نخست نزد اساتید برجسته و متخصصّین این فنّ به تحصیل این عـلم پـرداخت و سپس به نشر آثار قدما وعلمای سلف پرداخت و خود نیز به تألیف کتابهای مهم و ارزنده رسائل مختلفی در این رشته اقدام نمود . نخستین استاد وی در این رشته پـدر عـلاّمه و بزرگوارش ، آیت‌الله شمس الدین محمود مرعشی نجفی ، بوده که مـرحـوم آقـا عـلم نسب ، بویژه مشجرات سادات را از ایشان آموخته است . دیگر اساتید ایشان عبارتند از :

۸۵ . علاّمهٔ نسّابه سید محمدرضا بن سید علی موسوی ، مشهور بـه صـائغ بـحرانـی غُرَیفي (۱۲۹۶ ـ ۱۳۳۹ق) ، او پس از تحصیل مقدمات علوم بـه آمـوختن عـلم انسـاب مشغول گردید و در این رشته به مدارج عالی رسید و در زمرهٔ یکی از علمای این عـلم درآمـد و بـه تألیـف کـتب و رسـاله‌های مـتعددی پـرداخت کـه از جـمله مـی‌توان بـه *الانساب‌المشجرة* ؛ *شجرةالنبوّة* و *الشجرةالطیّبة* اشاره کرد . وی در روز مبعث ۱۳۳۹ قمری به لقاء حق پیوست و در نزدیک باب‌القبلهٔ صحن شریف حیدری به خاک سپرده شد .

۸۶ . آیت‌الله علاّمهٔ نسّابه ، سید مهدی بن علی موسوی صائغ بحرانی غُریفی (۱۲۹۹ ـ

Marfat.com

۱۳۴۳ق) ، فقیه اصولی و ادیب اریب ویکی از بزرگان علم انساب . او فقه و اصول را نزد شیخ محمد طه نجف نجفی و حدیث و رجال را نزد ثقةالاسلام نوری فرا گرفت و سپس به تحصیل علم نسب در نزد پسر عمّ خود ، سید عدنان غریفی ، پـرداخت . وی دارای آثار و تألیفاتی در رشته‌های مختلف علمی است که از آن جمله می‌توان به آثـار ذیـل اشاره کرد : *الانساب والمشجرات* ؛ *الدرّةالنجفية في الردّ على الصوفيّة* ؛ *غايةالكـمال فـي نسب آل‌سليمان وآل‌كمال* ؛ *درّةالنّضيدة في شرح القصيدة* که استادش شیخ محمد طه نجف سروده بود ؛ *كلمةالصدق* در ردّ نصاری ؛ *منتهى‌المأمول في علم‌الاصول* ؛ *الرغائب في ايمان ابي‌طالب* و *ديوان‌الشعر* در مدایح و مراثی ائمّه(ع) . مرحوم آقا نوشته‌اند که او حق بزرگی به گردن من در این علم دارد . غُریفی در بصره چشم از جهان فروبست . جنازهٔ ایشان را به نجف منتقل کردند و در نزدیک باب‌السلطانی بارگاه علوی ، در کـنار اسـتادش سـید عـدنان غریفی ، به خاک سپرده شد .

سه . تحصیلات عالی :

آیت‌الله مرعشی نجفی با تحصیل علوم مختلف و کسب دانشهای گونا گون دوره‌های مـقدماتی ، سـطح و انـدوختن اطـلاعات گسـترده نـزد اسـاتید مـتعدّد ، قـدم بـه دورهٔ تحصیلات عالی و نهایی حوزه‌های علمیه نهاد و با عزمی جزم ، همّتی بلند و جـدیتر از پیش در محضر فقها ، مجتهدان ، مراجع عالیقدر شیعه و سایر علمای اسـلامی زانـو بـه زمین زد و از حوزه‌های مختلف دروس عالی استفاده کرد . وی در این دوره نیز اساتید فراوانی داشته است که به آنها اشاره خواهیم کرد .

خارج فقه و اصول

برخی از اساتید ایشان در دورهٔ خارج همان اسـاتید دورهٔ سـطح وی نـیز بـوده‌انـد .

Marfat.com

اسامی آنان به این شرح است : علاّمهٔ محقق آیت‌الله آقا میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی نجفی ، آیت‌الله علاّمه شیخ محمد اسماعیل بن محمد علی محلاتی نجفی ، آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی ، آیت‌الله حاج میرزا محمد علی مرعشی شهرستانی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری . دیگر اساتید او عبارتند از :

۸۷ . آیت‌الله آقا ضیاءالدین بن مولی محمدا کبر عراقی سلطان‌آبادی ، معروف به آقاضیاء (م۱۳۶۱ق) ، فقیه اصولی ، محدّث رجالی و از مراجع طراز اول تقلید شیعه . وی در سلطان‌آباد اراک دیده به جهان گشود و در پرتو توجهات پدر بزرگوارش ، که خود از فقهای برجسته بود ، مبادی و مقدمات علوم را فراگرفت . مدتی به اصفهان رفت و نزد علمای آن دیار به کسب دانش پرداخت ، سپس عازم نجف اشرف شد و در جلسات درس سید محمد فشارکی ، میرزا حسین خلیلی تهرانی ، آخوند خراسانی ، سید کاظم یزدی طباطبائی و شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی ، فقه ، اصول ، حدیث ، رجال ، حکمت و کلام را فراگرفت . از آن پس خود به تدریس پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد . پس از درگذشت سید محمد کاظم طباطبائی صیت شهرتش در همه جا پیچید . صدها عالم و مجتهد از درس او برخاستند که هریک از آنان خود شهرت بسیاری یافتند . وی کتب بسیاری در فقه و اصول تألیف کرد که برخی از آنها عبارتند از : *کتاب‌القضاء* ؛ *کتاب‌البیع* ؛ *فروع‌العلم‌الاجمالی* ؛ *المقالات‌الغرّیة* در اصول فقه و شرح *علی‌تبصرة‌العلاّمة* که بعضی از قسمتهای آن چاپ شده است .

مرحوم آقا از اول اصول تا مبحث مطلق و مقیّد را از آن عالم بزرگوار فراگرفته و از شاگردان ممتاز ایشان به‌شمار می‌آمد و چندین اجازهٔ روایتی و اجتهاد از وی دریافت کرده است .

آقا ضیاء درنجف اشرف به شاخسار جنان رفت و در حجرهٔ دوم سمت چپ باب ـ السلطانی به خاک سپرده شد .

۸۸ . آیت‌الله شیخ احمد بن علی بن محمد رضا بن موسی جناجی نجفی ، معروف به

Marfat.com

آل کاشف‌الغطاء (م۱۳۴۴ق) ، عالم ، فقیه و مجتهد بزرگ . او در نجف چشم به هستی گشود و در همان جا فقه و اصول را از آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی فراگرفت و پس از درگذشت استاد خود طباطبائی ، مرجع تقلید شیعیان لبنان و بعضی بلاد دیگر شد ، تا اینکه چشم از جهان فروبست و در آرامگاه خانوادگی خویش مدفون گردید . بعضی از تألیفات وی عبارت است از : *قلائدالدرر* ؛ *سفینةالنجاة* و *احسن‌الحدیث فی‌المواریث* . مرحوم آقا مبحث طهارت و صلاة را در صحن مطهر مولی‌الموالی(ع) از ایشان آموخت .

۸۹ . آیت‌الله سید احمد بن محمد باقر بهبهانی حائری (م۱۳۵۱ق) ، فقیه اصولی و عالم جلیل‌القدر . وی در نجف اشرف در جلسات درس شیخ هادی تهرانی ، فاضل ایروانی ، شیخ محمد حسن آل یس و میرزا ابوالقاسم طباطبائی حائری ، و در کربلا در جلسهٔ درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی و دیگران شرکت کرد واجازات متعددی از اساتید خود دریافت نمود . او چندین تألیف دارد ؛ از جمله : *معین‌الوارثین* که چاپ شده است ؛ *حاشیة علی‌القوانین* و *رسالة فی‌المنجزات* . مرحوم آقا مبحث حجیّت قطع را هنگام توقف وی در نجف اشرف از ایشان آموخته است .

۹۰ . آیت‌الله شیخ علی اصغر ختائی تبریزی نجفی (م۱۳۴۳ق) ، عالم جلیل ، فقیه متقی ، فاضل و یکی از مدرسین برجسته . وی از شاگردان برجستهٔ علاّمه شیخ هادی تهرانی و برخی دیگر از علما و فقها بود . از آثار او می‌توان به *التعادل والتراجیح* و *رسالة فی‌العصیر* اشاره کرد . مرحوم آقا مباحث مشتق ، اشتراک لفظی ، ترادف ، صحیح ، اعم ، حقیقت و مجاز را در مسجد شیخ انصاری نجف از ایشان آموخت .

۹۱ . آیت‌الله شیخ محمد حسین بن علی شیخ‌العراقین آل‌کاشف‌الغطاء نجفی (۱۲۹۴ - ۱۳۷۴ق) ، فقیه عالیقدر و یکی از شخصیتهای مبرّز شیعه که مرجعیّت و سیاست را باهم جمع کرد . او در نجف دیده به جهان گشود و در بیت علم و فقاهت تربیت یافت و مقدمات علوم و سطح را در دورهٔ جوانی و در دههٔ دوم عمر خود فراگرفت . سپس در

Marfat.com

جلسات درس آخوند خراسانی ، سید محمد کاظم یزدی ، شیخ آقا رضا همدانی ، میرزا محمدباقر اصطهباناتی ، شیخ احمد شیرازی و جمعی دیگر از فحول علما شرکت کرد و به درجات عالی اجتهاد و فقاهت رسید و اجازات بسیاری از اساتید خود دریافت نمود و خود از آن پس به تدریس و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت نمود ؛ چنان که صیت شهرتش از اقصی نقاط جهان اسلام گذشت و جماعت بسیاری از شیعیان از وی تقلید نمودند و *رسالهٔ عملیهٔ* ایشان چاپ شد . او تألیفات دیگری نیز دارد که عبارتند از : *حاشیة علی‌العروةالوثقی* ؛ *سفینةالنجاة* ؛ *التبصرة* و *اصل‌الشیعة واصولها* که چاپ شده است . آثار قلمی وی به بیش از هشتاد جلد می‌رسد . او در کرند کرمانشاه درگذشت و جنازهٔ پاک ایشان به نجف حمل گردید و در وادی‌السلام به خاک سپرده شد .

۹۲ . آیت‌الله شیخ علی بن شیخ باقر بن شیخ محمد حسن صاحب‌الجواهر النجفی (م ۱۳۴۰ق) ، فقیه اصولی و عالم جلیل القدر . او در خانواده‌ای قدم به عالم هستی گذاشت که نیای آن شخصیّت عظیم‌الشأن جهان تشیع ، صاحب *جواهرالکلام* بود و پدرش از علمای بزرگ و بیت زعامت و مرجعیت بود . وی مقدمات و سطح را در این بیت گذراند و در محضر علمای بزرگی چون شیخ محمدحسین کاظمی ، میرزا حبیب‌الله رشتی ، شیخ هادی تهرانی ، آخوند خراسانی ، شیخ محمد طه نجف و سید محمد هندی ، فقه ، اصول ، رجال ، حدیث و دیگر علوم رایج را فراگرفت تا خود به مقام مرجعیت رسید وحاشیه‌ای بر *عروةالوثقی* سید یزدی‌نوشت . مرحوم آقا قسمتی از مباحث فقه ، از جمله مبحث انفعال آب قلیل از کتاب طهارت را از ایشان آموخت . او در نجف اشرف دیده از جهان فروبست و در مقبرهٔ جد خود ، صاحب *جواهر* ، به‌خاک رفت .

۹۳ . آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری طبرسی (م ۱۳۴۴ق) ، فقیه ، اصولی و متکلم . او مقدمات و سطح را در ایران تکمیل کرد ، سپس به عتبات عالیه رفت و از علما و فقها استفادهٔ بسیار برد . از آن پس به سامرا رفت و در آنجا از محضر مجدّد شیرازی به مدت پنج سال دروس عالی آموخت و به تهران بازگشت و مشغول وعظ ، ارشاد ، تدریس و

Marfat.com

تألیف گردید . از تألیفات وی می توان *شرح القواعد* در چندجلد ؛ *رسالة في تحریم المشروطة* و *تعلیقة علی الاسفار* را نام برد . مرحوم آقا به هنگام توقف در تهران به مدت شش ماه از جلسات درس ایشان استفاده کرده و نوشته است که این استاد وی را بر شاگردان دیگر مقدم می‌داشت و احترام بسیار می‌کرد و به او اجازهٔ روایتی شفاهی داده است . وی در تهران به سرای باقی شتافت و در آستانهٔ حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری به خاک سپرده شد .

۹۴ . آیت‌الله حاج میر حسین بن میرزا عزیزالله رضوی قمی (۱۲۸۶ ـ ۱۳۵۳ق) ، فقیه محقق و عالم بزرگوار . او تحصیلات خود را در تهران در نزد سید عبدالکریم لاهیجی و در نجف اشرف در نزد آخوند خراسانی و شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی گذراند و به تهران بازگشت و به تدریس در مدرسه صدر تهران مشغول شد . ایشان شرحی بر *کفایة الاصول* استاد خود نوشت . مرحوم آقا نوشته‌اند به هنگام توقف در تهران در مدرسهٔ صدر به حضور وی رسیدم و مبحث قطع و ظن را در مدت چند ماه از او آموختم و ایشان را عالمی محقق ، بویژه در کلمات آخوند خراسانی ،یافتم . وی برادر ادیب و شاعر اهل‌بیت ، متخلص به قدرت ، بود .

۹۵ . آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶ ـ ۱۳۵۵ق) ، فقیه اهل‌بیت ، مجدّد مذهب جعفری و مؤسس حوزهٔ علمیه قم . ایشان در مهرجرد یزد دیده به جهان گشود و قرائت *قرآن* و مبادی علوم را در زادگاه خویش فراگرفت و به یزد رخت عزیمت بست و در آنجا مقدمات ، سطوح فقه و اصول را نزد سید یحیی کبیر آموخت و پس از آن به اعتاب مقدسه رفت و در جلسات درس فاضل اردکانی ، مجدّد شیرازی ، سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد . در سال ۱۳۱۶ قمری از محضر آخوند خراسانی دورهٔ عالی فقه و اصول راکسب نمود و در حدود ۱۳۲۵ به کربلا رفت‌ومشغول به تدریس گردید. در ۱۳۳۳ برای زیارت امام علی بن موسی‌الرضا(ع) به‌ایران آمد و در هنگام‌مراجعت بزرگان‌اراک از وی‌دعوت‌کردند که در

Marfat.com

آنجا بماند و او اجابت کرد . چون سید یزدی صاحب *عروةالوثقی* دعوت حق را لبیک گفت ، جمعی از شیعیان از وی تقلید کردند . او در سال ۱۳۴۰ قمری به قم عزیمت کرد و حوزهٔ علمیه قم را به صورت کنونی پی‌ریخت و به تربیت شاگردان پرداخت ؛ چنان که بیشتر علما و فقهای کنونی ایران از شاگردان وی به شمار می‌روند . او دارای تألیفات ارزشمندی در فقه و اصول است ؛ از جمله کتاب *الصلاة* ؛ کتاب *دررالفوائد* در اصول فقه ؛ *التعلیقة علی متاجر* شیخ انصاری . آیت الله حائری در ۱۷ ذی‌القعدةالحرام ۱۳۵۵ به سرای باقی شتافت و جمع بسیاری برای تشییع وی حضور داشتند و او را در حرم حضرت فاطمهٔ معصومه(س) به خاک سپردند . مرحوم آقاکه به دعوت ایشان به قم آمده بود ، مدتی در جلسات درس وی شرکت می‌کرد و از او اجازاتی دریافت نمود .

۹۶ . آیت‌الله حاج میرسید علی یثربی حسینی کاشانی (۱۳۱۱ ـ ۱۳۷۹ق) ، فقیه و عالم جلیل‌القدر و فرزند آیت‌الله سید محمدرضا یثربی کاشانی که در کاشان تولد شد و در همان جا نیز درگذشت . مرحوم آقا هنگام اقامت در قم در جلسات درس ایشان حاضر می‌شد .

۹۷ . آیت‌الله حاج شیخ حسن علاّمی (۱۳۰۵ ـ ۱۳۹۴ ق) ، از فقها و علمای کرمانشاه که در همان شهر دیده به جهان گشود و در همان جا نیز چهره در نقاب خاک فرو برد .

۹۸ . آیت‌الله شیخ ابوالمجد آقا محمدرضا بن محمد حسین اصفهانی ، معروف به مسجد شاهی (۱۲۸۷ ـ ۱۳۶۲ق) ، فقیه اصولی و ادیب اریب . وی در نجف اشرف پا به عرصهٔ هستی نهاد و مقدمات علوم را در همان شهر آموخت . سپس با پدر خود به اصفهان رفت و دورهٔ مقدمات و سطح را به پایان برد وبه نجف اشرف بازگشت و در جلسات درس آخوند خراسانی ، شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی ، سید محمد کاظم یزدی و آقا رضا همدانی شرکت کرد وخود به درجهٔ اجتهاد رسید . او رجال وحدیث‌را از ثقةالاسلام نوری وسید مرتضی کشمیری فراگرفت و با ادبا و شعرایی مانند سید ابراهیم طباطبائی ، سید محمد سعید حبوبی ، شیخ جواد شبیبی ، سید جعفر حلّی و حاج محمد حسن آل کبّة

Marfat.com

مجالست داشت . وی را تألیفاتی در فقه و اصول و آثاری در علم و ادب است ؛ از جمله : *ذخائرالمجتهدین* در شرح *معالم‌الدین* ؛ *الردّ علی‌البهائیة* ؛ *نقدفلسفه داروین* که در بغداد چاپ شده است ؛ *وقایةالاذهان* و *دیوان‌الشعر* به زبان عربی که اخیراً چاپ شده است . ایشان در ۱۳۳۳ قمری به اصفهان بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت تا اینکه در ۲۴ محرم ۱۳۶۲ درگذشت و در آرامگاه خانوادگی خود دفن شد . مرحوم آقا نوشته‌اند که بارها در قم به حضور وی رسیدم و قسمتی از فقه و اصول و ادبیات و ریاضیات را از او فراگرفتم . در ۱۳۵۰ در اصفهان و در ۱۳۵۱ به هنگام مسافرتم به شیراز در اصفهان به حضور ایشان شتافتم و از وی بهرهٔ فراوان بردم .

۹۹ . آیت‌الله شیخ محمدمهدی بن‌حسین بن عزیز خالصی کاظمی (۱۲۷۷ ـ ۱۳۴۳ق)، فقیه اصولی و عالم فرزانه و مجاهد فی سبیل‌الله که در کاظمین پا به هستی نهاد و علوم اولیه و سطح را در زادگاهش گذراند و سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات درس شیخ محمد طه نجف و آخوند خراسانی شرکت نمود و چون به درجهٔ اجتهاد رسید ، خود به تدریس و تألیف پرداخت . او در ۱۳۴۱ قمری با حکومت استعماری انگلیس در عراق درافتاد . عاقبت ایشان را به حجاز تبعید کردند ، ولی دیری نپایید که به ایران‌عزیمت‌کرد وبه همرزمانش ، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمدحسین نائینی پیوست . وی مدتی در قم توقف کرد و بعد به مشهد مقدس مهاجرت نمود و در آنجا باقی ماند تا اینکه در ۱۲ رمضان ۱۳۴۳ به سرای باقی شتافت و در رواق حرم علی بن موسی‌الرضا(ع) به خاک سپرده شد .او دارای تألیفات بسیاری در علوم و فنون مختلف است ؛ از جمله *الحاشیة علی‌الکفایة* ؛ *الحاشیة علی‌الالفیة* ؛ *الدراری‌اللامعات* ؛ *القواعدالفقهیّة* ؛ *مختصرالرسائل* ؛ *عناوین‌الاصول* در اصول فقه ؛ *الشریعةالسمحاء* . مرحوم آقا به هنگام اقامت در کاظمین ، اصول را از اول مبحث وضع تا آخر مبحث امر از ایشان فراگرفت .

۱۰۰ . آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسین بن محمدحسن معین‌التجار اصفهانی

Marfat.com

غروی ، معروف به کمپانی (۱۲۹۶ ـ ۱۳۶۱ق) ، فقیه اصولی ، فیلسوف ، ادیب و شاعر . وی سطوح را در نجف اشرف نزد شیخ حسن تویسرکانی و دورهٔ عالی فقه و اصول را نزد شیخ آقا رضا همدانی ، سید محمد فشارکی ، آخوند خراسانی گذراند و فلسفه را از شیخ محمدباقر اصطهباناتی آموخت و سپس خود به تدریس و تألیف پرداخت . ایشان به هردو زبان عربی و فارسی شعر می‌سرود و *دیوان شعر فارسی* وی بارها چاپ شده است . دیگر آثار او عبارتند از : *نهایةالدرایة* در شرح *کفایه* ؛ *الحاشیة علی‌المکاسب* ؛ *الانوارالقدسیة* و *الوسیلة* که رسالهٔ عملیهٔ ایشان می‌باشد . پس از وفات مرحوم نائینی ، عدّه‌ای از شیعیان به وی مراجعه کردند ، امّا اجل به او مهلت نداد و به سرای باقی شتافت و در حجرهٔ کوچکی در ایوان طلای حرم مولی‌الموالی(ع) به‌خاک سپرده شد .

۱۰۱ . آیت‌الله شیخ محمدمهدی نوایی مازندرانی نجفی (م۱۳۴۱ق) ، فقیه اصولی و زاهد ناسک که در مازندران مقدمات علوم را فراگرفت وبه تهران رفت در آنجا از محضر شیخ فضل‌الله نوری در فقه و اصول و از میرزا محمدهاشم اشکوری در علوم عقلی استفاده کرد . سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در حلقهٔ درس آخوند خراسانی شرکت نمود . پس از آن خود به تدریس و تألیف پرداخت . برخی از تألیفات وی به‌این شرح‌است : *حاشیة علی‌الکفایة* ؛ *حاشیة علی‌الاسفار* و *شرح علی‌الدرایة* شهید ثانی . او در نجف درگذشت و در همان جا به‌خاک رفت .

۱۰۲ . آیت‌الله حاج میرمحمدصادق بن میرزا حسین نائب‌الصدر خاتون‌آبادی اصفهانی ، معروف به مدرّس (م۱۳۴۸ق) ، عالم و فقیه جلیل‌القدر . وی مقدمات علوم را در اصفهان فراگرفت ، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد ودر آنجا در محضر سید محمدکاظم یزدی و آخوند خراسانی ، فقه و اصول را آموخت و در شمار یاران نزدیک آخوند خراسانی در آمد ؛ چنان که گفته‌اند در تألیف کتاب *کفایةالاصول* استاد خود را یاری داد و به قولی برخی از تحقیقات *کفایةالاصول* از وی می‌باشد . ایشان پس از تکمیل دورهٔ عالی فقه و اصول و گرفتن اجازهٔ اجتهاد به اصفهان بازگشت و به تدریس و تألیف

Marfat.com

مشغول شد . او در ۱۳۴۵ قمری به اتفاق آیت‌الله حاج آقا نورالله و جمعی از علمای اصفهان به قم مهاجرت کرد و چند ماه در حوزهٔ قم تشکیل جلسهٔ درسی داد . در این زمان بود که مرحوم آقا از محضر ایشان استفاده نموده و در جلسات درس وی شرکت کرده است . مدرس خاتون‌آبادی پس از مرگ حاج آقا نورالله به اصفهان بازگشت ، ولی دیری نپایید که دعوت حق را لبیک گفت و در بقعهٔ سیدالعراقین به خاک سپرده شد . او تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشتهٔ تحریر درآورد و جزواتی در این دو رشته نوشت که تاکنون به چاپ نرسیده‌اند .

اساتید زیدیه

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نزد برخی از علمای زیدیّه نیز علم‌الحدیث را آموخته است و از بسیاری از علمای زیدیه اجازه دریافت نموده که نامشان در بخش مشایخ معظّم‌له خواهد آمد .

۱۰۳ . علاّمه جمال‌الدین احمد بن علی بن حسن حمنی زیدی کوکبانی یمنی‌الاصل هندی‌المسکن (م ۱۳۴۰ق) ، فقیه ، محدث و متکلّم که از هند به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین اقامت نمود . در آن زمان بود که مرحوم آقا قسمتی از کتاب *صحیفهٔ حضرت علی بن موسی‌الرضا*(ع) ؛ *امالی* ابوالحسین هارونی زیدی ؛ *امالی*‌المؤیّدبالله و *النفحة‌العنبریّة في سلالة خیرالبریة* را نزد وی آموخت . کوکبانی در کاظمین دیده از جهان فروبست و در همان جا نیز به خاک رفت .

اساتید اهل سنت

مرحوم آقا نزد بسیاری از علمای اهل سنّت نیز کتب حدیثی آنهارا فراگرفته و اجازهٔ روایتی دریافت نموده است . همچنین از برخی از آنان علوم دیگری نیز فراگرفته که قبلاً به نام آنان اشاره شد ؛ از جمله : شیخ عبدالسلام کردستانی ، که مرحوم آقا قسمتی از

Marfat.com

کتاب *صحیح مسلم* را از ایشان آموخته و از ایشان اجازه شفاهی دریافت کرده است ؛ شیخ نورالدین شافعی و سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی‌بغدادی . دیگراساتید وی‌عبارتنداز :

۱۰۴ . علاّمه سیدعبدالوهاب افندی حنفی ، مدرس و مفتی استان کربلای معلّی در زمان دولت عثمانیها . مرحوم آقا قسمتی از *شمائل‌ترمذی* را از وی آموخته است .

۱۰۵ . علاّمه سید علی ، خطیب نجف‌اشرف که مرحوم آقا یک سوم *صحیح بخاری* را از وی آموخته است .

۴. همدرسان و هم مباحثه‌ها

حضرت آیت‌الله مرعشی به دلیل حضور در جلسات درسی اساتید مختلف و در اماکن متعدد ، همدرسها و هم مباحثه‌های بسیاری داشته که در اینجا فقط به همدرسهای ایشان در درس *معالم‌الاصول* و *کفایةالاصول* اشاره می‌کنیم :

الف . شرکای جلسهٔ درس *معالم‌الاصول* حوزهٔ درس آیت‌الله شیخ یعقوب‌علی زنجانی :

۱ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد صادق مرعشی .

۲ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید هدایت‌الله طارمی .

۳ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف بربری .

۴ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی مهدوی لاهیجی (۱۳۱۳ ـ ۱۴۱۲ق) ، از علمای بزرگ لاهیجان که از ابتدای تحصیلات شریک درس مرحوم آقا و هم مباحثهٔ ایشان بوده ، تا اینکه وی به لاهیجان می‌رود و در آنجا به وعظ وارشاد و تدریس می‌پردازد .

۵ . حجت‌الاسلام آقا میرزا علی‌اکبر محلاّتی .

۶ . حجت‌الاسلام دشتی ، یکی از احفاد شیخ حسین ماحوزی بحرانی .

۷ . مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم بن سید مرتضی فقیه ارسنجانی شیرازی (۱۳۱۸ ـ ۱۴۱۲ق) که سالیان متمادی هم حجره و همدرس و هم مباحثهٔ مرحوم آقا بوده و در سال

Marfat.com

۱۳۴۲ قمری همراه آقا به ایران و قم آمده و بعد به شیراز رفته و سکونت کرده است .

۸ . حجت‌الاسلام آقا سید ابوالقاسم اشکوری .

۹ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین بن آقا میرزا جواد اصطهباناتی شیرازی آل حدائق (متولد ۱۳۱۵ق) ، فقیه و عالم بزرگوار ، سبط شیخ حسین آل عصفور ، صاحب تتمیم *حدائق* و برادر زادهٔ شیخ یوسف بحرانی ، صاحب *الحدائق الناظره* .

۱۰ . مرحوم آیت‌الله آقا سید علی بن آیت‌الله‌العظمی حاج سیدمحمدموسوی خلخالی (م ۱۳۹۲ق) ، برادر حاج سید آقا موسوی خلخالی .

ب . شرکای درس خارج *کفایة‌الاصول* حوزه‌های درس آیات عظام آقا ضیاءالدین عراقی ، سید احمد بهبهانی ، شیخ علی‌اصغر ختایی تبریزی ، شیخ مهدی نوایی مازندرانی ، شیخ مهدی خالصی و سید حسن صدر ، عبارتند از :

۱ . آیت‌الله حاج میرزا حسین بن علاّمه حاج میرزا موسی فقیه سبزواری (۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ق) ، ساکن مشهد مقدس که در همان جا نیز دیده فروبست و در باغ رضوان مشهد به‌خاک سپرده شد .

۲ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد حسینی مرعشی ، ساکن کرمانشاه .

۳ . مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم بن مرتضی فقیه ارسنجانی شیرازی ، که در دورهٔ سطح نیز همدرس و هم مباحثهٔ ایشان بوده است .

۴ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصطهباناتی شیرازی که وی نیز در دورهٔ سطح همدرس ایشان بوده است .

۶ . حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مهدی بن محمدمهدی کُجوری ، از فضلا و ائمهٔ جمعهٔ شیراز .

۷ . حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا مهدی تبریزی ، برادر زادهٔ آیت‌الله میرزا صادق آقا تبریزی .

۸ . حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد فاضل قائینی نجفی (۱۳۰۵ ـ ۱۴۰۵ق) ،

Marfat.com

فرزند حجت‌الاسلام شیخ عبدالکریم قائینی نجفی .

۹ . حجت‌الاسلام سید محمدمهدی اهری بوشهری ، ساکن برازجان ، که در این اواخر درگذشت .

۱۰ . حضرت آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خوئی (۱۳۱۷ـ۱۴۱۳ق) ، فقیه اصولی ، زعیم حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف و مرجع فقید عالم تشیع و صاحب آثار و تألیفات بسیار ، از جمله *معجم رجال‌الحدیث* .

۵. اوج اجتهاد و مدارج علمی

کوششهای خستگی ناپذیر ومستمر حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ قدس‌الله نفسه‌الزکیّة ـ در ۲۷ سالگی به ثمر نشست و او راکه در راه تحصیل علوم و فنون مختلف اسلامی ، بویژه فقه و اصول و حضور در جلسات متعدد و مختلف علما و فقها ، یک لحظه دریغ نکرده بود ، در این مدت کوتاه ، در زمرهٔ علما وفقها درآورد و از او مجتهدی پر تلاش ساخت و از نظر علم و فضل در درجه‌ای قرار داد که دیگران بر او غبطه می‌خوردند . او خود از تلاشها ،کوششها و جدیتهای تحصیلی خود چنین یادکرده است :

> هیچگاه در سنین جوانی به‌دنبال تمایلات نفسانی نرفتم ، همیشه در پی تحصیل علم بودم ، به صورتی که شبانه‌روز بیش از چند ساعت نمی‌خوابیدم و هرکجا نشانی از استادی یا عالمی و یا جلسهٔ درسی که مفید تشخیص می‌دادم ، می‌یافتم ، لحظه‌ای در رفتن به نزد آن استاد ، عالم و جلسهٔ درس درنگ نمی‌کردم .

معظم‌له بهترین دورهٔ عمر خود را در راه تحصیل علم و ملکات نفسانی گذراند و از هیچ کوششی در راه نیل به مدارج عالی علمی ، فرهنگی ، معنوی و اخلاقی دریغ نورزید تا به قلّهٔ اجتهاد رسید و مدارج کامل علمی ، عملی و اخلاقی را پشت سر نهاد و به

Marfat.com

موفقیت ممتاز و غبطه برانگیزی رسید . او در طول دوره‌های تحصیلی خویش ، چنان که گذشت ، از محضر و حوزه‌های درسی اساتید ، علما ، فقها و مشایخ بسیاری استفاده کرد و خوشه‌ها برچید و کام جان را با میوهٔ علم و عمل شیرین ساخت . گرچه از شخصیتی چون او ، دور از انتظار نبود ؛ زیرا از یکسو به خاندانی مرتبط بود که بیتشان مهد علم ، فقاهت و اجتهاد بود و از سوی دیگر ، زادگاه وی در شهری بود که در آن باب علم پیامبر(ص) خفته بود . و از طرفی در حوزه‌ای قدم گذارد که یکی از پربارترین دوره‌های علمی خود را آغاز کرده بود . امّا بودند کسانی که در همین شهر و حوزه و در میان خاندانهای علمی سر برآوردند و با تمام کوششهایی که در جهت تربیت آنها انجام گرفت به‌جایی نرسیدند . پس تربیت خانوادگی ، محیط و جامعه به‌تنهایی ضامن پیشرفت ، ترقی و پیروزی نیست ، بلکه کوشش و استعداد و ظرفیت فردی نیز لازم است که این ویژگیها نیز در آیت‌الله مرعشی جمع بود . به همین دلیل و با سود بردن از آن موقعیتها ، توانست به مقام اجتهاد و ملکه شریفهٔ استنباط و فضائل علمی ، عملی و اخلاقی دست یابد .

استعداد کامل ، قوهٔ حافظهٔ بی‌نظیر ، قدرت فراگیری و بهره‌وری فراوان ، اشتیاق بیش از حد به یادگیری ، عشق به تعالی و پیشرفت ، تمایل شدید به دانش‌اندوزی در همهٔ علوم و فنون ، علاقهٔ به درس ، بحث ، مطالعه و کتاب ، لذّت جمع‌آوری ذخائر و آثار گرانقدر علما و فقها و دستاوردهای آنان در طول تاریخ ، انس با علما و دانشمندان در هر کجا و هر زمان ، شور رسیدن به حق ، سرمستی پیوند با اولیاء و انبیاء ، احساس خستگی نکردن ، شجاعت اخلاقی ، باور این اندیشه که ندانستن عیب نیست و نپرسیدن عیب است ، و دهها صفت از این دست ، از امتیازات معظم له بود که اورا در آن ذروهٔ علمی و ستیغ قلّه اجتهاد و بلندای شرف و فضیلت قرار داد . این صفات ، به اضافهٔ پژوهش مستمر و تحقیق مداوم و تلاش پی در پی در راه رسیدن به مقصود ، اورا در موقعیت برجسته‌ای از نظر علمی قرار داد که با قدرت و نیروی الهی به علوم عقلی و نقلی تسلط کامل پیدا کرد

Marfat.com

و جامع معقول و منقول گردید وبحق او عالمی عامل ، ادیبی اریب ، محدّثی موثّق ، فقیهی مسلّم ، مجتهدی جامع‌الشرایط ، اصولی‌ای مبرّز ، رجالی‌ای خبیر ، مورّخی بصیر و دقیق ، نسّابه‌ای بی‌مانند ، متکلّمی توانمند و عارفی به تمام معنی بود که در همهٔ علوم و فنون رایج زمان خود دست داشت و در بیشتر آنها چیره‌دست و در شماری از علوم وفنون به مقام عالی اجتهاد رسیده بود . و این امتیازات خود از شرایط اصلی اجتهاد ، فقاهت و بویژه در این زمان ، از ارکان مرجعیت است .

علاّمهٔ مجاهد ، آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء نجفی ، که خود از بزرگترین مراجع تقلید شیعه در عصر حاضر بوده و استاد و از مشایخ اجازه مرحوم آقا می‌باشد ، در کتاب فقهی *السؤال والجواب* نوشته است : فقیه ، مجتهد و مرجع عام‌الشرایط کسی است که در بیشتر علوم و فنون خبرگی و اطلاع داشته و صاحبنظر باشد و تألیفات بیشتری در علوم و فنون مختلف داشته باشد ؛ نه هر کسی که فقط عارف به فقه و اصول باشد .

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی یکی از مصداقهای بارز سخن کاشف‌الغطاء می‌باشد . فقها ، علما ، مجتهدان ، اساتید و مشایخ معظم له هم یقیناً این ویژگیها را در او یافته‌اند که مقام علمی ، فقاهت و اجتهاد وی را تأیید و اجازات گوناگون به نام او صادر کرده‌اند .

در این اجازات به القاب ، عناوین و صفاتی ممتاز برمی‌خوریم که در حق وی ادا شده و اورا به آنها مورد خطاب قرار داده‌اند . در ذیل به برخی از این اجازات به ترتیب سال وفات مجیزین و همچنین اشاره‌ای به مفهوم اجازه و سپس بعضی از مشاهیر شیوخ اجازات ایشان اشاره می‌کنیم :

یک. منزلت علمی آیت‌الله مرعشی از دیدگاه مشایخ ایشان

۱ . آیت‌الله شیخ فضل‌الله حائری مازندرانی (م ۱۳۴۵ق) در اجازهٔ روایتی که در ۱۳۳۷ قمری به معظم‌له داده (نخستین اجازه‌ای که ایشان در ۲۲ سالگی موفق به دریافت آن

Marfat.com

شده است) ایشان را با عناوین « سید سند ، عالم مؤید معتمد ، صاحب فهم رشیق و فکر دقیق » یاد کرده است .

۲ . آیت‌الله شیخ محمدباقر بیرجندی جازانی قائنی خراسانی (۱۲۷۶ ـ ۱۳۵۲ق) در اجازهٔ اجتهادی که به ایشان در ۱۳۴۱ قمری داده ، او را چنین ستوده است : « العالم‌العامل ، العلم‌العلاّم والحبرالخبیرالقمقام ، زبدةالفضلاءالمحققین ، نخبةالفقهاء ـ المدققین ، مجموعةالمحامد والفواضل ، افتخارالسادات‌الفخام والعلماءالاسنادالکرام ، صاحب‌القوةالقدسیّة والملکةالقدّوسیة التي یعدّ بها علی استنباط‌الفروع‌الشرعیة من‌القواعد والاصول‌الاصیلةالاصلیّة ، البحرالخضم‌الزاخر ، سیدنا وسندنا ... »

۳ . آیت‌اللهالعظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶ ـ ۱۳۵۵ق) ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم ،در اجازهٔ اجتهاد برای وی چنین‌نوشته است : « سید سند ،کهف‌معتمد ، قدوةالانام ورکن‌الاسلام که به درجهٔ اجتهاد نائل و در مکارم اخلاق به مراتب والا و در علوم و معارف به درجات عالی رسیده است ». همو در اجازهٔ اجتهاد دیگری که در سال ۱۳۵۱ قمری به ایشان داده ، او را چنین خطاب کرده است : « سیدالعلماءالاعلام ، ملاذالانام ، السیدالسندالجلیل والفاضل‌المعتمدالنبیل » . سپس اشاره کرده است که ایشان « عمر شریف خود را در تحصیل علوم عالی دینی و تنقیح مبانی احکام شرعی صرف کرده و در تهذیب اخلاق و اکتساب کمالات معنوی ، سعی بلیغ نموده است و در کوشش خود به مراتب والای علم و عمل و مدارج شامخ تقوی و ورع و مقام عالی اجتهاد نائل شده و ملکهٔ شریفهٔ استنباط را حائز شده است » .

۴ . محدث جلیل‌القدر حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۴ ـ ۱۳۵۹ق) در اجازهٔ روایتی که در ۱۳۵۰ قمری به ایشان داده ، وی را با عناوین و القابی چون « الحسیب‌النسیب ، المعظم‌الجلیل‌النبیل ،السیّدالفاضل‌التّقی‌الزّکی‌الذّکی‌الصّفی‌الوفی ،شمس سماءالسیادة والافادة والکمال ، وغرّة سماءالنقابة والنجابة والجلال ، الجامع بین مکارم‌الاخلاق وطیب‌الاعراق » یاد نموده است .

Marfat.com

۵ . آیت‌الله‌العظمی آقا ضیاءالدین عراقی (۱۲۷۸ ـ ۱۳۶۱ق) در یکی از اجازات اجتهادی که در ۱۳۴۱ قمری به معظم‌له داده است ، از ایشان با عناوین « عالم عادل ، فاضل کامل ، سید سند ، رکن معتمد ، فخر محققین ، افتخار مجتهدین ، جامع معقول و منقول ، مجمع فروع و اصول » یادکرده که « در دانش طلبی تا آنجاکوشش نموده که بر اقران خویش فائق شده و مشار بالبنان گردیده و به درجهٔ اجتهاد نائل شده است » . همو در اجازه‌ای دیگر وی را « عالم عامل ، فاضل‌کامل ، ابوالمکارم ، عمدةالمحققین ، نخبةالمدققین وعلم‌الأعلام » دانسته است که « مدتی از عمر شریف خود را در تحصیل علوم دینی و معارف اسلامی صرف و به درجهٔ اجتهاد نائل و به سعادت قوهٔ استنباط رسیده است » .

۶ . آیت‌الله‌العظمی میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۹۶ ـ ۱۳۶۱ق) در اجازهٔ اجتهادی که در سال ۱۳۴۶ قمری به ایشان مرحمت نموده ، او را در زمرهٔ کسانی دانسته که از نظر علم و عمل ممتاز و دارای صلاح و سداد است .

۷ . آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۵ق) در اجازهٔ اجتهادی که حدود ۱۳۴۶ قمری به نام ایشان صادر کرده ، او را « عالم فاضل ، صاحب فکر قویم و سلیقه‌ای مستقیم و محقق مدقق » شمرده که « به درجهٔ اجتهاد مقرون به رشد و صلاح رسیده است » .

۸ . آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی (۱۲۹۰ ـ ۱۳۷۷ق) ، مؤلف کتاب معروف *المراجعات* ، در اجازهٔ روایتی که در ۱۳۵۰ قمری برای ایشان صادر نموده ، چنین آورده است : « السیدالسند ، والثقةالصدوق‌المعتمد ، علیم‌العلم ، وعلم‌الحلم ، الورع‌الناسك ، السالك في علمه وعمله اهدى‌المسالك ، العلامةالفهامة ، مفخرة كلّ ذي عمامة ، البحّاثةالمتضلّع ، النسابةالمتتبّع ، الشريف حسباً ونسباً ، المنيف خلقاً وادباً » .

۹ . آیت‌الله‌العظمی سید ابراهیم ، مشهور به میرزا آقا اصطهباناتی (۱۲۹۷ ـ ۱۳۷۹ق)

Marfat.com

۱۸۰ ـــ

در اجازهٔ اجتهادی که به سال ۱۳۴۱ قمری به نام ایشان صادر کرده ، او را « خورشید آسمان تحقیق ، بدر فلک تدقیق ، نقّاد ماهر و بصیر ، صاحب فطرت وقّاد ، متفطّن نقاد و عماد فقها و مجتهدین » به‌شمار آورده است که « در جلسات فقهی و اصولی ایشان حضوری فعّال ، همراه با فهم دقیق ، محققانه ، عالمانه ، عمیقانه و مدققانه داشته و به درجهٔ والا و ارجمند اجتهاد دست یافته است » .

۱۰ . آیت‌الله‌العظمی میر سید علی یثربی کاشانی (۱۳۱۱ ـ ۱۳۷۹ق) در اجازهٔ روایتی که در ۱۳۴۶ قمری به معظم‌له عنایت کرده ، ایشان را با صفات و القاب « العالم‌القابل والفاضل‌الکامل ، علم‌الاعلام ، ملاذالانام ، حجةالاسلام ، نخبةالفقهاءالفخام ، العدل‌الوفیّ والزکیّ‌الحفیّ » مورد خطاب قرار داده است .

۱۱ . آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ ـ ۱۳۸۰ق) در اجازهٔ روایتی که به سال ۱۳۵۷ قمری به نام ایشان صادر فرموده ، ایشان را چنین ستوده است : « سیدناالعالم‌العامل‌المحقق ، والفاضل‌الکامل‌المدقق ، الجامع بین‌الکمالات‌العلمیّة والعملیّة ، الملکات‌الکریمةالنفسانیّة » .

۱۲ . آیت‌الله سید هبةالدین حائری شهرستانی (۱۳۰۱ ـ ۱۳۸۶ق) در اجازهٔ روایتی به سال ۱۳۳۷ قمری که به ایشان مرحمت کرده (دوّمین اجازه‌ای که ایشان در ۲۲ سالگی دریافت نموده است) او را چنین معرفی نموده است : « العالم‌الجلیل ، مرکز دائرةالافادة والرفادة وقطب سماءالسیادة والسعادة ، المنعوت باشرف اوصاف‌الافاضل ، الممتاز باصناف‌الفضائل والفواضل ، المتورّع‌السناد والمتتبّع‌النقّاد ، نسّابةالعترةالامجاد » .

۱۳ . آیت‌الله علاّمه آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ ـ ۱۳۸۹ق) صاحب کتاب معروف *الذریعة الی تصانیف‌الشیعة* ، در اجازهٔ روایتی مفصّلی که در ۱۳۴۰ قمری به نام ایشان صادر کرده ، او را چنین ستوده است : « السیدالسندالجلیل والمولی‌النبیل ، البالغ من‌المجد منتهاه ومن‌الفضل اعلاه واقصاه ، الشریف‌الحسیب والعیلم‌النسیب ، مقوةالنقباء والنجباء وقدوةالنبلاء الاجلاّء ، المصنّف‌المتین والمؤلف‌الوزین . . . والمبدع‌الفصیح ، ملک

Marfat.com

ازمة جهات حسن‌التقریر والتحریر ، وحائزالسباق في میدان‌البیان والتعبیر ، الجامع من‌الفضائل جلّها وزبدتها والعارج علی‌المعالی سنامها وذروتها . . . » .

۱۴ . آیت‌الله علاّمه سید ناصر حسین هندی (۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۱ق) فرزند آیت‌الله میر حامد حسین ، صاحب کتاب معروف *عبقات‌الانوار* ، در اجازهٔ مفصّل روایتی که در ۱۳۵۲ قمری به ایشان عنایت نموده ، ایشان را به « الثقةالجلیل والکامل‌البارع‌النبیل ، محرز خصل‌السبق في مضمارالتحقیق وحائز قصب‌الشفق في سباق‌التدقیق ، مطلع نیّري‌الفروع والاصول وملتقی بحري‌المعقول والمنقول ، السیدالنبیه . . . » وصف کرده است .

گفتنی‌است آیت‌الله مرعشی بیشتر این‌اجازات را در سنین جوانی دریافت کرده است .

۱۵ . علاّمه سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی ، در اجازهٔ روایتی به ایشان ، اورا « عالم علاّمه و محقق مدقّق » نامیده است .

۱۶ . علاّمه سید یحیی بن منصوربالله ، مشهور به امام یحیی ، در اجازهٔ روایتی که در سال ۱۳۵۵ قمری به معظم‌له داده ، اورا سید کامل و فاضل علاّمه دانسته و به او اجازهٔ عام روایتی زیدیه داده است .

۱۷ . علاّمه محقّق ومفتی یمن در اجازهٔ روایتی عامّی که در ۱۳۹۵ قمری به ایشان داده ، او را « آیت‌الله‌العظمی » و « مجتهد اعلم و افضل » خطاب کرده است .

در اجازات مختلف اجتهادی ، روایتی و نفسی که از طرف فقیهان ، مجتهدان و علمای طراز اول جهان اسلام از مذاهب مختلف اسلامی به نام ایشان صادر شده ، عناوین و القاب مختلفی از این دست که ذکر شد فراوان است و آنان مقام علمی ، عملی ، معنوی و اخلاقی وی را ستوده‌اند و به فقاهت و مدارج والای علمی و اخلاقی او اعتراف نموده‌اند که حتی‌اشاره به‌نام آنها نیز در این مختصر امکان ندارد و ان شاءالله در زندگینامهٔ مفصل ایشان ، که بعداً منتشر می‌شود ، بتفصیل خواهد آمد . در همین مختصر نیز در بخش موقعیت عام علمی ، فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اخلاقی وی ، اشاراتی دوباره نسبت به مقام علمی او خواهیم داشت و به نظریات و آراء مورخان ، شرح حالنگاران و

Marfat.com

علما و دانشمندان در حق وی خواهیم پرداخت .

دو. نگاهی به مفهوم اجازه

حدیث و حاملان و راویان آن در جامعهٔ اسلامی از موقعیّت و پایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار هستند . زیرا حدیث ، بیان و تفسیر *قرآن* ، احکام و قوانین اسلام است و محدّث و راوی بازگو کننده و ناقل آن . از این‌رو در علم‌الحدیث و رجال سخت به آن‌دو پرداخته‌اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر آن راههای مختلفی ارائه کرده‌اند ؛ چنان که برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن نیز شرایط خاصی در نظر گرفته‌اند که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست . امّا راهها و به اصطلاح « طرق حمل حدیث » ، گوناگون و مختلف است که اشاره‌ای کوتاه به آن خواهیم کرد :

شهید ثانی طرق حمل حدیث و راههایی راکه بدان وسیله حاملان حدیث می‌توانند از آن برای حمل و نقل حدیث استفاده کنند ، هفت طریق دانسته است که به ترتیب عبارتند از : سماع (شنیدن) ، قرائت ، اجازه ، مناوله، کتابت ، اعلام و وجاده که هریک از این راهها دارای تقسیمات و بخشهای متعدد است . از این هفت راه ، جز « طریق اجازه » ، بقیه رواج چندانی ندارند . از این‌رو مختصراً به آن می‌پردازیم .

اجازات را اصولاً علما و محدثان بر سه قسم دانسته‌اند : اول . اجازهٔ روایتی که اصل در اجازات به هنگام اطلاق همین قسم است . دوم . اجازهٔ اجتهاد (شهادتنامهٔ علمی) که اجازه دهنده برای اثبات قدرت استنباط احکام شرعی از روی ادلّهٔ تفصیلی ، آن را به اجازه گیرنده می‌دهد . این نوع اجازه در بین متأخرین بسیار متداول شده است که اجازه دهنده برای اجازه گیرنده اجازه‌ای صادر می‌کند مبنی بر اینکه وی به درجهٔ اجتهاد علمی احکام شرعی رسیده است ؛ اعم از اینکه این اجتهاد مطلق باشد و یا متجزّی که قدرت اجتهاد بخشی از احکام را داشته باشد . سوم . اجازهٔ امور حسبیّه و گرفتن وجوه شرعی ، مانند خمس ، سهم امام ، زکات ، صدقات ، کفّارات و تصرف در امور دینی اسلامی و

Marfat.com

اجتماعی مسلمانان . اجازه دهنده را در اصطلاح « مُجیز » و اجازه گیرنده را « مُجاز » می‌خوانند . این اجازات به دو نوع شفاهی و کتبی تقسیم می‌شوند .

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ اعلی‌الله مقامه‌الشریف ـ گذشته از فضایل علمی و اخلاقی ، در زمرهٔ معدود فقهایی است که از سنین جوانی و در طول زندگی پر بار و بابرکت خویش ، موفّق به دریافت بیش از چهار صد اجازهٔ روایتی از مشایخ جهان اسلام شده است .

این اجازات به یک اعتبار به دو دستهٔ اصلی کتبی و شفاهی تقسیم می‌شوند : اجازات کتبی ایشان نزدیک به صد و پنجاه اجازه ، و اجازات شفاهی ایشان متجاوز از دویست و پنجاه اجازه می‌باشد . به اعتباری دیگر ، این اجازات به سه دسته تقسیم می‌گردند : دستهٔ اول اجازاتی است که از جانب علما و فقهای شیعه به ایشان داده شده و بیش از ۳۳۹ اجازهٔ روایتی می‌شود . دستهٔ دوم اجازات علمای اهل سنت است که به ۵۶ اجازهٔ روایتی می‌رسد که در بارهٔ روایت کتب صحاح ستّه و دیگر کتب حدیثی آنان مربوط می‌شود . سومین دسته اجازاتی است که علمای زیدیه و اسماعیلیه به ایشان داده‌اند و به نه اجازه می‌رسد . به یک اعتبار دیگر اجازات داده شده به ایشان به چهار بخش طبقه بندی می‌شود : اجازات اجتهادی ، اجازات روایتی ، اجازات در امور حسبیّه و اجازات نفسی . نظر به اطلاعات سرشار و گستردهٔ ایشان در علوم اسلامی پاره‌ای از این اجازات طرفینی و به اصطلاح اهل حدیث و فقها « اجازات مُدَبّجه » بوده است .

یادآوری این نکته ضروری است که آن دسته از اجازات که کتبی هستند ، به یاری خداوند در کتاب *المسلسلات في الاجازات* ، در آینده‌ای نزدیک در دو جلد به عربی منتشر خواهد شد که جلد اول آن ، اصل اجازات با دستخط « مُجیزین » و جلد دوم شامل زندگینامهٔ اجازه دهندگان است که به کوشش فرزند ارشد ایشان جمع آوری و تدوین گردیده است .

به جرأت می‌توان گفت که در چند قرن اخیر در میان بزرگان علمای شیعه کسی را

Marfat.com

نمی‌شناسیم که موفق به دریافت این تعداد اجازه از مشایخ اسلام شده باشد . از این‌رو می‌توان گفت معظم‌له غیر از مقامات معنوی و مرجعیت تقلید شیعیان ، « شیخ‌الاجازه » نیز می‌باشد ؛ بویژه که خود ایشان نیز هزاران اجازهٔ روایتی وانواع دیگر آن را بنا به درخواست علما ، فضلا ، مدرّسان و فقهای حوزه‌های علمیهٔ شیعه و دیگر مسلمانان داخل و خارج کشور برای آنان مرقوم داشته‌اند . تعدادی از این اجازات جمع‌آوری شده است .

در میان اجازاتی که مشایخ به مرحوم آقا داده‌اند ، چهار اجازهٔ روایتی نیز از زنان مجتهد شیعه به‌چشم می‌خورد که معروفترین آنها مجتهد عالم ، عابد زاهد ، خانم نصرت امینی اصفهانی است . تصویر این اجازهٔ کتبی در کتاب *المسلسلات* آمده است .

اجازات اجتهاد

اجازات اجتهادی که به آیت‌الله مرعشی داده شده بسیار است . در اینجا به نام برخی از مشاهیر کسانی که به وی اجازه داده‌اند ، اشاره می‌شود :

۱ . آیت‌الله آخوند ملا محمدحسین فشارکی اصفهانی (م۱۳۵۳ق) .

۲ . آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم (م۱۳۵۵ق) .

۳ . آیت‌الله علاّمه سید محمد بن محمود حسینی لواسانی معروف به عصّار تهرانی ، متخلص به « آشفته » (۱۲۶۴ ـ ۱۳۵۶ق).

۴ . آیت‌الله‌العظمی آقا ضیاءالدین عراقی (م۱۳۶۱ق) .

۵ . آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی (م۱۳۶۲ق) .

۶ . آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ق) .

۷ . آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدکاظم شیرازی (م۱۳۶۶ق) .

۸ . آیت‌الله‌العظمی میرسید علی یثربی کاشانی (م۱۳۷۹ق) .

Marfat.com

سه. مشایخ اجازات روایتی آیت الله مرعشی

حضرت آیت‌الله مرعشی برای ورود به قافلهٔ حاملان حدیث و ناقلان روایات و اتصال به سلسلهٔ راویان و محدثان پیش از خود و جلوگیری از گسستن رشتهٔ معارف علما و محدثان گذشته با آینده ، از بزرگان بسیاری در جهان تشیع موفق به اخذ اجازهٔ روایتی گردید که در اینجا اسامی برخی از مشاهیر آنان را به ترتیب سال وفات می آوریم :

مشایخ شیعی

۱ . آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی نجفی (م۱۳۳۸ق) ، پدر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) .

۲ . آیت‌الله میرزا فتح‌الله شریعت ، معروف به شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی (م۱۳۳۹ق) .

۳ . آیت‌الله سید محمدمهدی غریفی بحرانی (م۱۳۴۳ق) .

۴ . آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل بن محمد علی محلاتی نجفی (م۱۳۴۳ق) .

۵ . آیت‌الله شیخ علی کاشف‌الغطاء (م۱۳۵۰ق) ، پدر علامهٔ مجاهد ، حاج شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء .

۶ . آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مامقانی (م۱۳۵۱ق) ، صاحب کتاب *تنقیح‌المقال* .

۷ . آیت‌الله شیخ محمدباقر بیرجندی (م۱۳۵۲ق) .

۸ . آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم حسینی دهکردی (م۱۳۵۳ق) .

۹ . آیت‌الله سید حسن صدر (م۱۳۵۴ق) .

۱۰ . آیت‌الله میرزا علی آقا فرزند میرزای شیرازی (م۱۳۵۵ق) .

۱۱ . آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی (م۱۳۵۵ق) .

۱۲ . آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م۱۳۵۵ق) ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم .

Marfat.com

۱۳ . آیت‌الله حاج میرزا ابوالهدی کرباسی اصفهانی (م۱۳۵۶ق) .

۱۴ . آیت‌الله میرزا محمد حسن علیاری تبریزی (م۱۳۵۸ق) .

۱۵ . آیت‌الله‌محدث عالیقدرحاج شیخ عباس‌قمی(م۱۳۵۹ق)،صاحب *مفاتیح‌الجنان* .

۱۶ . آیت‌الله علامهٔ محقق حاج شیخ ابوعبدالله بن نصرالله زنجانی (م۱۳۶۰ق) ، مؤلف *تاریخ‌القرآن* .

۱۷ . آیت‌الله‌العظمی آقا ضیاءالدین عراقی (م۱۳۶۱ق) .

۱۸ . آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی‌اصفهانی ، معروف‌به کمپانی(م۱۳۶۱ق).

۱۹ . آیت‌الله شیخ ابوالمجد آقا محمدرضا اصفهانی ، معروف به مسجدشاهی (م۱۳۶۲ق) .

۲۰ . آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی (م۱۳۶۳ق) .

۲۱ . آیت‌الله شیخ محمد حرزالدین نجفی(م۱۳۶۵ق) ، صاحب کتاب *معارف‌الرجال* .

۲۲ . آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (م۱۳۶۵ق) .

۲۳ . آیت‌الله سید میرزا علی‌آقا بن میرزا حسین طباطبائی تبریزی ، معروف به قاضی (م۱۳۶۶ق) .

۲۴ . آیت الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی (م۱۳۶۹ق) .

۲۵ . آیت‌الله علامه سید محسن امین عاملی (م۱۳۷۱ق) ، صاحب کتاب *اعیان‌الشیعه* .

۲۶ . آیت‌الله میرزا محمد تهرانی عسکری (م۱۳۷۱ق) .

۲۷ . آیت‌الله علامهٔ نسّابه سید عبدالله موسوی بلادی (م۱۳۷۲ق) .

۲۸ . آیت‌الله میرزا حیدر قلیخان سردار کابلی (م۱۳۷۲ق) .

۲۹ . آیت‌الله مجاهد شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء (م۱۳۷۳ق) .

۳۰ . آیت‌الله سید محمد جعفر بن محمد باقر بحرالعلوم (م۱۳۷۷ق) .

۳۱ . آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی (م۱۳۷۷ق) .

۳۲ . آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی (م۱۳۷۹ق) .

Marfat.com

۳۳ . آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی (م ۱۳۸۰ق) .

۳۴ . آیت‌الله میرزا محمدعلی اردوبادی غروی (م ۱۳۸۰ق) .

۳۵ . آیت‌الله سید میرزا عبدالهادی حسینی شیرازی (م ۱۳۸۲ق) .

۳۶ . آیت‌الله سید هبة الدین شهرستانی (م ۱۳۸۶ق) .

۳۷ . آیت‌الله علاّمهٔ محقق آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ق) .

۳۸ . آیت‌الله سید عبدالمحمد بن سید عبدالحسین لاری (م ۱۳۹۳ق) .

۳۹ . آیت‌الله سید محمدصادق بحرالعلوم (م ۱۳۹۹ق) .

۴۰ . عالم فاضل خانم نصرت بیگم امینهٔ اصفهانی (م ۱۴۰۳ق) .

۴۱ . آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی (م ۱۴۰۶ق) .

مشایخ اهل سنّت

تعداد بسیاری از مشایخ روایتی مرحوم آقا از علما و فقهای بزرگ اهل سنّت و جماعت هستند که برخی از مشاهیر آنان عبارتند از :

۱ . علاّمهٔ فقیه شیخ محمد بُخَیت مصری حنفی مطیعی (م ۱۳۵۴ق) ، مفتی قاهره و مؤلف کتاب *الردّ علی الوهابیة* .

۲ . علاّمهٔ محدث و فقیه شیخ یوسف بصیر دجوی مالکی مصری (م ۱۳۶۵ق) ، صاحب کتاب *الجواب المنیف في نفي التحریف* .

۳ . علاّمهٔ مورخ شیخ محمّد راغب بن محمود طباخ حلبی (م ۱۳۷۰ق) ، صاحب *اعلام النبلاء في تاریخ حلب الشهباء* .

۴ . علامه شیخ عبدالحفیظ بن محمدطاهر فهری فاسی مالکی مغربی (م ۱۳۸۳ق) .

۵ . علاّمهٔ فقیه محدّث و نسّابهٔ مورخ سید علوی بن طاهر بن عبدالله هدار حدّاد علوی شافعی حسینی حضرمی ، صاحب کتاب *القول الفصل فیما لبني هاشم من الفضل* .

۶ . علاّمه شیخ محمد طاهر بن عاشور مالکی مغربی .

Marfat.com

۷ . علاّمه شیخ احمد بن امین کفتارو ، مفتی عام جمهوری عربی سوریّه .

۸ . علاّمه سید ابراهیم موسوی رفاعی راوی بغدادی ، صاحب سجاده و تدریس در جامع سلطانعلی ، یکی از جوامع بغداد .

۹ . علاّمه شیخ ابراهیم جبالی مصری .

۱۰ . علاّمه شیخ محمّد بهجت بیطار دمشقی ، محدث ، مفسّر و متکلّم مشهور شام و صاحب کتاب *نقد عین‌المیزان* و از اعضای مجمع علمی ادبی عربی .

مشایخ زیدی

مشایخ معظم‌له از ائمّه و فقهای زیدیّه نیز متعدد است که به اسامی برخی از آنان اشاره می‌شود :

۱ . المتوکل علی‌الله ، یحیی بن محمد حمیدالدین حسنی ، امام زیدیّه ، ساکن صنعا در یمن و سلطان سابق آن .

۲ . سید محمد بن زبارهٔ حسنی یمانی زیدی ، علاّمهٔ نسّابه ، محدث ، مفسّر و متکلّم و مؤلف کتاب *نیل الوطر في علماء القرن الثالث عشر* .

۳ . علاّمه سید احمد بن محمد بن زبّاره ، مفتی عام جمهوری عربی یمن .

۴ . قاضی شیخ عبدالله بن عبدالکریم بن محمد جرافی زیدی یمانی (م۱۴۰۱ق) .

۵ . علاّمه قاضی احمد بن احمد بن محمد سیاغی یمانی (م۱۴۰۲ق) .

مشایخ اسماعیلی

۱ . علاّمه سید سیف‌الدین طاهر ، امام اسماعیلیّه .

۲ . علاّمه سید محمد هندی ، مقیم گجرات هند .

Marfat.com

بخش دوم

مهاجرت به ایران و اقامت در قم

Marfat.com

Marfat.com

الف. مهاجرت آیت‌الله مرعشی نجفی

حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، پس از رحلت پدربزرگوارشان در ۱۳۳۸ قمری، برای تکمیل معلومات خویش و حضور در جلسات اساتید، فقها و علمای دیگر شهرهای عراق، به کاظمین، سامرا و کربلا عزیمت کرد و چند سالی در حوزه‌های درس علمای بزرگ این سه شهر شرکت نمود و از محضر آنان استفاده برد و کسب فیض کرد و پس از سالها تلاش مستمر در کسب علم و فضیلت و اندوختن تجربه‌های ارزشمند و آشنایی با علوم و فنون مختلف در عراق، به قصد زیارت و عتبه‌بوسی آستان امام هشتم، علی بن موسی‌الرضا(ع) و به جای آوردن صلهٔ ارحام به ایران مسافرت کرد، به این امید که بار دیگر به نجف اشرف بازگردد؛ اما روح تشنه و جان شیفتهٔ وی در دستیابی به علم و حکمت و فراگیری معارف و رسیدن به کعبهٔ مقصود او را در ایران ماندگار ساخت.

۱. ورود به ایران و صلهٔ ارحام

ایشان در ۲۱ محرّم‌الحرام ۱۳۴۲ از نجف اشرف مهاجرت کرد و در ۶ صفرالمظفر همان سال وارد کرمانشاه گردید. پس از چند روز استراحت و دیدار با برخی از علمای آن دیار، از طریق همدان و زنجان به تبریز رفت و با ارحام خویش ملاقات نمود. او در این سفر با علما و دانشمندان متعددی در مسیر خویش و در تبریز دیدار کرد و از محضر آنان نیز بهره‌های فراوان برد و اطلاعات بسیاری به دست آورد. همچنین ایشان که دلبستهٔ کتاب و کتابخانه‌ها بود، مشتاقانه به بازدید کتابخانه‌های مختلف پرداخت و کتابهای گوناگون و متعددی را از نظر گذراند و مطالب و اسامی آنها را یادداشت کرد.

Marfat.com

۲. زیارت امام هشتم(ع)

ارادت خالصانه و محبت شدید وی به خاندان ولایت و اهل بیت رسالت(ع) و شوق عتبه‌بوسی ثامن‌الحجج که اورا به ایران کشانده بود ، مجال درنگ بیشتر را در تبریز به او نداد . از این‌رو در همان سال رخت سفر به مشهد مقدس کشید و سر بر آستان مقدس حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) سایید و آتش اشتیاقی که سالها در درون وی شعله کشیده و سر برداشته بود ، بادیدار مرقد مطهّر آن حضرت ، بیشتر در جانش شرر افکند ؛ چنان که بی تابانه ، ضریح مقدس را در آغوش کشید و ساعتها حدیث شور و اشتیاق را زمزمه کرد و به بازگویی دردمندیهای شیعیان و درد فراق خویش پرداخت . او که اکنون به دریا متصل شده و شربت گوارای عرفان و وصال را نوشیده بود ، جانی تازه گرفت و در عمق جان و ژرفای وجود خود ، احساسی دیگرگونه یافت که توصیف آن مشکل است . وی سبکبار بر بال اندیشه ، به بازدید کتابخانه و گنجینهٔ نفایس آستان قدس شتافت و ساعتها کام جان را با دیدن گنجینه‌های نفایس ، کتابها و رساله‌ها شیرین ساخت ، سپس به دیدار علما ، فقها ، دانشمندان ، مدارس علمی ، مراکز تحقیقی و فرهنگی شتافت و استفادهٔ فراوان برد و از محضر علما کسب فیض کرد و سرمست از جام وصال امام هشتم(ع) و پر بار از اطلاعات و معلومات گسترده و مفیدی که به دست آورده بود ، راه دیار دیگری در پیش گرفت .

۳. توقف در تهران

آیت الله مرعشی نجفی در ۲۱ جمادی‌الثانی همان سال وارد تهران گردید و نزدیک به یک سال یاکمتر در تهران توقف کرد و در حوزه‌های درس شخصیتهای بزرگ علمی ، مانند آیت‌الله شیخ عبدالنبی نوری (م۱۳۴۴ق) ، آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی (م۱۳۴۷ق) ، آیت‌الله میر سید حسن رضوی قمی (م۱۳۵۲ق) ، آیت‌الله میرزا طاهر

Marfat.com

تنکابنی(م ۱۳۶۰ق) ، آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی(م ۱۳۷۲ق) و آیت‌الله میرزا حیدرعلی نائینی ، دروس فقه ، اصول ، فلسفه و کلام را دنبال کرد و با عالمان دیگر نیز ملاقات نمود و علوم متفرقهٔ دیگر را فراگرفت و از کتابخانه‌های مهم آن روز تهران نیز بازدید به عمل آورد .

۴. ورود به قم ، شهر علم و فقاهت

معظم‌له عصر روز ۷ شعبان ۱۳۴۳ تهران را به قصد زیارت مرقد مطهّر حضرت فاطمهٔ معصومه (س) ترک کرد و پس از زیارت حضرت عبدالعظیم(ع) در شهر ری در ۱۲ شعبان همان سال وارد شهر عالم‌پرور قم گردید و به امر و درخواست حضرت آیت‌الله ـ العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس و زعیم حوزهٔ علمیهٔ قم در این شهر رحل اقامت افکند و مدتی در جلسات درس آیت‌الله‌العظمی حائری ، آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی ، آیت‌الله میر سید علی یثربی کاشانی و حاج میرزا علی‌اکبر مدرس یزدی ، معروف به حکیم الهی ، و دیگر دانشمندانی که از شهرستانهای دور و نزدیک به قم مسافرت و یا مهاجرت کرده بودند ، مانند آیت‌الله حاج میرزا محمدصادق اصفهانی ، شرکت کرد و بهره‌های فراوان برد ؛ گو اینکه در برخی از این جلسات ، احتراماً شرکت می‌کرد .

۵. موقعیت حوزهٔ علمیهٔ قم

شهر قم از دیر باز و به روایتی از قرن اول هجری قمری ، مرکز علم ، حکمت و معرفت بود و به عنوان حرم اهل بیت(ع) و به تعبیر همیشگی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، « عُشّ آل محمد(ص) » ، همیشه مورد احترام و ستایش بزرگان اسلام و بویژه شیعیان بوده است . طیّ قرنهای متمادی ، محدثان ، فقیهان ، فیلسوفان ، عالمان و سیاستمداران بزرگی از آن برخاسته‌اند . این شهر از سده‌های بسیار دور ، سنگر علم ،

Marfat.com

حکمت ، فضیلت ، تقوا و مرکز تجمّع طالبان و عاشقان دانش و مهد پرورش بزرگان بوده است . از این شهر بزرگانی نامدار در علم وادب ، حکمت و فلسفه ، فقه و حدیث و سیاست برخاسته‌اند که چندتن از مشاهیر آنان عبارتند از :

۱ . ابوعبدالله یا ابوالحسن محمد بن خالدبرقی (زندهٔ ۱۸۳ق) ،محدث ،رجالی ،مفسّر و متکلم شیعی و از اصحاب امام موسی بن جعفر ، امام علی بن موسی‌الرضا و امام محمد تقی جوادالائمة(ع) . از آثار او می‌توان به *فضائل‌القرآن* و *البلدان والمساحة* اشاره کرد .

۲ . ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۰ یا ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) ، محدّث رجالی و از یاران امام جواد و امام هادی(ع) و صاحب اثر معروف *الرجال* .

۳ . ابوالحسن علی بن حسین بن موسی ، معروف به ابن بابویه قمی (م۳۲۹ق) ، محدث ، فقیه و از بزرگان علمای شیعه و پدر شیخ صدوق که در مقابل فرزند او را « صدوق اول » می‌نامند .

۴ . ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی ، معروف به ابن قولویه (م۳۶۸ یا ۳۶۹ق) ، از مشاهیر فقها و محدثان شیعه و استاد شیخ مفید و صاحب *کامل‌الزیارات* .

۵ . ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی ، معروف به ابن‌بابویه وصدوق (م۳۸۱ق) ، محدث ، فقیه متکلم و از بزرگان علمای شیعه و نویسندهٔ کتاب *من لایحضره‌الفقیه* ، یکی از کتب اربعهٔ شیعه .

۶ . ابوعبدالله حسین بن علی بن حسین بن موسی ، معروف به ابن بابویه قمی (زندهٔ ۳۸۷ق) ، فقیه ، محدث و برادر شیخ صدوق .

۷ . خواجه نصیرالدین طوسی (م۶۷۲ق) ، فیلسوف و حکیم نامدار شیعی و مولف کتاب *اخلاق‌ناصری* و *اساس‌الاقتباس* .

۸ . قاضی سعید بن محمد مفید قمی ، معروف به قاضی سعید و ملقب به حکیم کوچک (م۱۱۰۳ق) ، مؤلف آثار بسیار ، از جمله *کلید بهشت* .

کسانی چون فارابی ، علامهٔ حلّی ، شیخ بهائی ، ملاّ صدرا ، فیض کاشانی ، علاّمهٔ

Marfat.com

نائینی ، مدرس ، علامهٔ طباطبائی و هزاران تن دیگر از فقها و علمای طراز اول تشیع و اسلام از این شهر و از حوزهٔ عملیهٔ آن برخاسته‌اند که ذکر اسامی یکایک آنان مجال دیگری می‌طلبد .

حوزهٔ علمیهٔ قم با این وضع کنونی سابقه‌ای کوتاه دارد و به زمانی بر می‌گردد که آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به دعوت جمع بسیاری از علمای قم از اراک به قم آمد و زعامت حوزهٔ کوچک این شهر را به دست گرفت و حوزهٔ بزرگ و جدیدی را تأسیس کرد و برای اداره و تدریس ، عالمان و فقیهان را از شهرهای مختلف به قم فراخواند . از آن تاریخ تاکنون ، این حوزه در شمار یکی از مراکز مهم علمی جهان اسلام و بویژه تشیع درآمد .

آیت‌الله مرعشی نجفی یکی از کسانی بود که به دعوت و امر آیت‌الله حائری در این شهر رحل اقامت افکند و این درست سه سال پس از تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم بود . در حقیقت مرحوم آقا را نیز می‌توان در شمار کسانی یاد کرد که در تأسیس ، شکل‌گیری و وضعیّت فعلی این حوزهٔ نوپا قدمهای مؤثر برداشت و کوشش مستمری انجام داد . زیرا از زمان ورود تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری ، چون یاری وفادار در کنار وی باقی ماند و در زمان زعامت آیت‌الله‌العظمی بروجردی نیز نقشی اساسی ایفا کرد و پس از فوت ایشان ، خود به عنوان یکی از چند مرجع و فقیه برجسته ، گوشه‌ای از زعامت حوزهٔ علمیهٔ قم را به عهده گرفت و به ادارهٔ حوزه و تربیت طلاب پرداخت .

۶. نقش آیت‌الله مرعشی‌نجفی در تثبیت حوزهٔ علمیه ومقابله باعوامل رضاخان

رضاخان پهلوی می‌خواست اسلام و مذهب را در ایران ریشه کن کند . از این‌رو مهمترین پایگاه و سنگر آن (حوزهٔ علمیهٔ قم) را زیر شدیدترین فشارها و ضربات قرار داد و برای اینکه این حوزه را از درون تهی سازد ، دستور داد که طلاب و علما نیز تابع

Marfat.com

حکومت وی باشند و از نظام لباس متحدالشکل فرمایشی او پیروی کنند و هیچکس حق ندارد بدون اجازهٔ حکومت وی لباس روحانی بپوشد .این قانون را باید همهٔ علما رعایت می‌کردند و برای پوشیدن لباس روحانیت اجازهٔ رسمی از وزارت اوقاف می‌گرفتند . امر دائر بود بین اینکه علما و اساتید بزرگ یکسره با این قانون مخالفت کنند و زیر فشار عوامل رضاخان نابود شوند ، و یا اینکه خانه نشین شده و دست به هیچکاری نزنند ،که این هردو حال مساوی بود با از هم پاشیدن و سقوط حوزهٔ علمیه . راه دیگر آن بود که فعلاً برای جلوگیری از تعطیل دروس حوزه و دفاع منفی ، به این قانون گردن نهند . آیت‌الله مرعشی با صلاحدید مؤسس حوزه و دیگر علما و فقها راه دوم را پیش گرفت و تقاضا کرد که هم می‌خواهد تدریس کند و هم در لباس روحانیت باقی بماند . دو اجازه نامه از وزارت داخلهٔ رژیم رضاشاه موجود است که به ایشان اجازهٔ پوشیدن لباس روحانیت داده‌اند : یکی در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۰۸ و دیگری در ۲۱ دیماه ۱۳۱۶ . اجازه‌نامهٔ دوم « المثنی » می‌باشد .

اجازه نامه‌ای هم از طرف ادارهٔ معارف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای تدریس توسط معظم‌له صادر شده است . متن اجازه به این شرح است :

نظر به مادهٔ دهم نظامنامهٔ مصوّبهٔ هیئت وزراء عظام ، مورخهٔ پانزدهم اسفندماه ۱۳۰۷ ، چون آقای آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی ، فرزند آقا سید محمود مرحوم ، بر حسب مرقومهٔ آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند ، وزارت معارف تصدیق می‌نماید که سمت مدرسی فقه و اصول را در قم دارا می‌باشد .

رئیس معارف

علی اصغر حکمت

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

Marfat.com

در این دوره که فشار رژیم رضاخانی برای نابودی حوزهٔ علمیهٔ نوپای قم روز به روز زیادتر می‌شد ، مرحوم آقا به فرمودهٔ خودشان ، شبها لحظه‌ای استراحت نداشتند و همواره طلاب را تشویق و ترغیب به ادامهٔ تحصیل می‌نمودند . ایشان مقیّد بودند که بهانه‌ای به دست رژیم ندهند تا درسها را به تعطیلی بکشاند . زیرا اساس و فلسفهٔ وجودی حوزه‌های علمیه ، درس و مباحثات علمی بود و بقیهٔ امور حاشیه و فرع بودند و تعطیل هر درس ، شکستی جبران ناپذیر برای حوزهٔ علمیهٔ قم به شمار می آمد . آیت‌الله مرعشی بخوبی به این امر واقف بود و به آن سخت اهتمام می‌ورزید .

ایشان از همان ۱۳۴۳ قمری که در قم رحل اقامت افکند ، به دستور آیت‌الله حائری ، جلسات تدریس سطح تشکیل داد و هر روز به صورتی مرتب و منظم بین شش تا هفت جلسهٔ درس در مدرسهٔ فیضیّه ، صحن و حرم مطهر حضرت معصومه (س) ، برقرار می‌کرد . خود معظم‌له می‌فرمود : « در تدریس تقیّدی به نوع درس نداشتم . از این‌رو ، رشته‌های مختلف علوم ادبی ، معانی بیان ، منطق ، اصول ، فقه و آنچه مورد نیاز طلاب بود ، تدریس می‌کردم » . اهتمام ایشان به تدریس چنان بود که حتّی در روزهای تعطیل برای جمعی از فضلا تدریس می‌کرد و یا به مباحثات علمی می‌پرداخت .

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله حائری با آیات و مراجع سه گانه ، آیت‌الله حجّت ، آیت‌الله صدر و آیت‌الله خوانساری ، همکاری نزدیکی در نگهبانی و حفظ و حراست از این سنگر علم و فضیلت داشته است . وی از این دوره درس خارج فقه و اصول را شروع کرد . او یکی از کسانی بود که از آیت‌الله‌العظمی بروجردی دعوت کرد تا به قم عزیمت نماید و زعامت حوزه را به دست گیرد . ایشان در دورهٔ زعامت وی نیز به تدریس خارج ادامه داد و خود در زمرهٔ فقها و مراجع درآمد . پس از فوت آیت الله بروجردی ، معظم‌له به سهم خود در ادارهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم شرکت نمود و درست از سال ۱۳۸۰ قمری عهده‌دار تهیهٔ نان طلاب گردید .

Marfat.com

۷. روش تحصیلی و مواد درسی حوزهٔ علمیّهٔ قم

در حوزهٔ علمیهٔ نوپای قم نیز روش و شیوهٔ تحصیلی و مواد درسی عام دیگر حوزه‌های علمیهٔ شیعه بیش و کم رواج داشت که آنهارا می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد :

دورهٔ اول : با آموزش *قرآن* و چند کتاب از نظم و نثر فارسی و حفظ اشعار کتاب *نصاب‌الصبیان* آغاز می‌گردد و با خواندن کتابهای *امثله* ؛ *صرف میر* ؛ *صمدیّة* ؛ *الکبری* در منطق ؛ *عوامل ملا محسن* که مجموعاً در کتابی به نام *جامع‌المقدمات* گرد آمده بود ؛ *شرح نظام* ؛ *سیوطی* و *مغني‌اللبیب* که در حقیقت سطوح عالی صرف و نحو است ، ادامه می‌یابد و یک محصل رسمی در عرض چهار سال آنهارا می‌خواند .

دورهٔ دوم : مباحثی از منطق با آموزش کتاب *شرح شمسیّه* ؛ *حاشیهٔ ملا عبدالله یزدی* ؛ *مطوّل* تفتازانی در معانی و بیان و بندرت منظومهٔ سبزواری در فلسفه و منطق . این دوره نیز تا دو سال به طول می‌انجامد .

دورهٔ سوم : یادگیری سطوح اولیّهٔ فقه و اصول[۴]، مانند *معالم‌الاصول* ؛ *شرایع‌الاسلام* . در حقیقت این دوره را می‌توان آغاز جدّی زندگی طلبگی دانست .

دورهٔ چهارم : سطوح متوسطه و عالیهٔ فقه و اصول ، شامل فراگیری کتابهای *قوانین‌الاصول* ؛ *شرح لمعه* ؛ *رسائل* ؛ *مکاسب* و *کفایهٔ* آخوند خراسانی . در کنار این دورهٔ اخیر برخی‌از طلاب‌علوم‌دیگری‌را ، مانندتفسیر ، فلسفه ،کتابهای‌ملا صدرای‌شیرازی ، ریاضیّات و طبیعیّات نیز فرا می‌گیرند . این دو دوره جمعاً شش سال به درازا می‌کشد .

دورهٔ پنجم : خارج فقه و اصول که مقدمهٔ رسیدن به اجتهاد و فقاهت است و یک‌دورهٔ آن معمولاً کمتر از چهار سال نیست . در این دوره نیز جمعی به یادگیری تفسیر ، علم‌الحدیث ، رجال ، درایه و برخی از علوم دیگر می‌پردازند . این روش در زمان مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی نیز ادامه داشت ، امّا بعدها تدریجاً تغییراتی در مواد درسی و کتب آن داده شد : بعضی از کتب حذف و کتابهای دیگری جایگزین آن

Marfat.com

گردید و شماری از علوم جدید نیز در حوزهٔ علمیهٔ قم معمول شد .

۸. مواد و شیوهٔ درسی معظم‌له

آیت‌الله مرعشی ابتدا به تدریس سطح پرداخت و کتابهای *معالم‌الاصول* ؛ *شرح لمعه* ؛ *قوانین‌الاصول* ؛ *فرائدالاصول* ؛ *متاجر* و *کفایةالاصول* را تدریس می‌کرد . ایشان علاوه بر فقه و اصول ،منطق ،کلام ، تفسیر ،فلسفه ، رجال ، درایه وعلم‌انساب‌را نیز تدریس‌می‌کرد .

مجالس تدریس ایشان در مدرسهٔ فیضیّه ، بقعهٔ روی آب انبار صحن کوچک حضرت معصومه (س) ،که اکنون راهروی آن صحن ، به مسجد اعظم است ، شبستان روبروی ایوان آیینهٔ صحن بزرگ ، و این اواخر در مسجد بزرگ بالاسر حرم مطهر ، منزل و حسینیه‌ای که در کنار منزل ایشان قرار دارد ، تشکیل می‌گردید . این تدریس از ۱۳۴۳ قمری تا آخر عمر ایشان ادامه یافت . او در روزهای آخر عمر نیز همان قدر به بحث و درس اهتمام داشت که در ایام جوانی . گرچه در این چند سال اخیر به علت ضعف بینایی و کسالتی که داشت برخی از درسهایشان تعطیل شده بود ، امّا کوشش داشت که وقفه‌ای در درسها پیش نیاید و حداکثر فرصت خود را در راه پرورش نیروی علمی و فکری طلاب به‌کار می‌گرفت .

ایشان از بیانی گرم ، سخنانی‌نافذ ، صدایی پرجاذبه ،گفتاری فصیح و ملیح برخوردار بود . در درس از حشو و زوائد پرهیز می‌کرد . مطالب را به صورت دسته‌بندی شده و فشرده و پیوسته بیان می‌کرد ؛ چنان‌که طلاب و شاگردان را به تأمل و تعمق وامی‌داشت . او در درس خود از مطایبات و سخنان نغز و دلنشین نیز استفاده می‌کرد تا جلسهٔ درس یکنواخت و کسل‌کننده نباشد .

درس فقه ایشان بر اساس *شرایع‌الاسلام* محقق حلّی بود و از رجال و درایه ، معانی و بیان و ریشه‌یابی لغات غافل نبود . شاگردان درس فقه ایشان در این اواخر حدود هزار نفر بودند که برای انتقال بیانات ایشان به شاگردان از بلندگو استفاده می‌شد . نخست یکی از

Marfat.com

شاگردان ایشان روایات باب فقهی مورد بحث را از کتابهای *وسائل‌الشیعة* و یا *مستدرک‌الوسائل* قرائت می‌کرد و مرحوم آقا پس از آن درس را تقریر می‌نمود.

جلسهٔ درس معظم‌له به اعتراف همگان یکی از مهمترین حلقه‌های درسی حوزهٔ علمیهٔ قم بود[۱] و از مباحث اخلاقی، تربیتی، ادبی، تاریخی و رجالی در خلال دروس فقه و اصول خالی نبود. ایشان به طرز شگفت‌آوری به شاگردان تزریق اخلاق و تشویق آداب می‌نمود. توانایی پرورش تدریس وتفهیم مطالب وموضوعات درسی به شاگردان که گاهی تا سطح فهم تمامی حضار جلسه تنزل می‌کرد، از ویژگیهای معظم‌له و موهبتی الهی بود که به هر که خواهد عطا کند و جزء الطاف الهی در حق ایشان بود: «**ذلك فضل‌الله یؤتیه من یشاء**». وگویا همین مطلب یکی از دلایل تحریک حسادتهای حسودان در بین اقران او به‌شمار می‌رفت وتا این‌اواخر عمر شریف وی‌نیز وجود داشت.

این توانایی و قدرت شگرف وی در تفهیم مطالب را بسیاری از شاگردان برجستهٔ ایشان معترف و در آثار خویش به آن اشاره کرده‌اند.

ناگفته نماند که ایشان حدود پنجاه سال پیش جلسهٔ درس تفسیری هم داشتند که غیر از طلاب جمعی از متدیّنین نیز در آن شرکت می‌کردند. این جلسهٔ درس تفسیر غالباً در روزهای تعطیلی تشکیل می‌گردید.

۹. مشاهیر شاگردان و کسانی که از معظم‌له اجازه دریافت داشته‌اند

محصول این حلقه‌های درس در طول بیش از هفتاد سال تدریس در حوزهٔ علمیهٔ قم، شمار فراوانی از شاگردان بودند که هم اکنون خود در عداد علما، فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیهٔ شیعه و از علمای بزرگ شهرهای مختلف ایران و سایر کشورهای اسلامی هستند. تعدادی از این شاگردان به درجهٔ رفیع اجتهاد رسیده و از معظم‌له اجازهٔ

---

۱. برای آگاهی بیشتر در خصوص وضع تدریس در حوزه و شاگردان قدیمی مرحوم آقا به کتاب آینه‌دانشوران، تالیف سید علیرضا ریحان یزدی مراجعه شود.

Marfat.com

اجتهاد دریافت کرده‌اند و شمار بسیاری از شاگردان موفق به اخذ اجازات روایتی و امور حسبیّه از ایشان شده‌اند . شمارش تمامی شاگردان ایشان در این مختصر نمی‌گنجد وان‌شاءالله در زندگینامهٔ تفصیلی معظم‌له ، که در دست تدوین است و در آینده‌ای نزدیک منتشر می‌گردد ، خواهد آمد . در اینجا تنها فهرستی از مشاهیر شاگردان معظم‌له را بدون در نظر گرفتن مقام علمی آنها در تقدم و تأخّر ، ذکر خواهیم کرد :

۱ . آیت‌الله شهید حاج شیخ حسین غفاری ، که پیش از انقلاب در زندان ساواک به شهادت رسید .

۲ . آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی ، فرزند ارشد امام‌خمینی که به‌طرز مشکوکی در عراق به شهادت رسید .

۳ . آیت‌الله شهید علاّمه شیخ مرتضی مطهَری .

۴ . آیت‌الله شهید دکتر محمد مفتح .

۵ . آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسین حسینی بهشتی .

۶ . آیت‌الله شهید محمد صدوقی ، امام جمعهٔ یزد (شهید محراب) .

۷ . آیت‌الله شهید حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی تبریزی ، امام جمعهٔ تبریز (شهید محراب) .

۸ . مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید محمود طالقانی ، ابوذر زمان .

۹ . مرحوم آیت‌الله شیخ شهاب‌الدین اشراقی ، داماد امام خمینی .

۱۰ . مرحوم آیت‌الله حاج سید مرتضی فقیه مبرقعی (۱۳۲۱ ـ ۱۴۱۴ق) ، برادر همسر آیت‌الله مرعشی نجفی .

۱۱ . مرحوم آیت‌الله سید جمال‌الدین مجدی قزوینی .

۱۲ . مرحوم آیت‌الله سید حسین شاه‌عبدالعظیمی ، معروف به اثنی‌عشری .

۱۳ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری ، فرزند آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی .

Marfat.com

۱۴ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد محققی لاهیجانی ، که مدتها نمایندهٔ آیت‌الله‌العظمی بروجردی در شهر هامبورگ آلمان بود ویکی‌از مهمترین‌مساجد و مراکز مذهبی شیعه را در آن شهر بنیاد نهاد .

۱۵ . مرحوم آیت‌الله آقا جلال‌الدین محلاتی ، فرزند آیت‌الله‌العظمی شیخ جعفر محلاتی شیرازی .

۱۶ . آیت‌الله حاج سید مهدی غضنفری خوانساری .

۱۷ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدصادق نصیری سرابی ، از اصحاب شورای استفتای مرحوم آقا .

۱۸ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمد فکور احمدآبادی یزدی .

۱۹ . مرحوم آیت‌الله شیخ عباس‌مستقیم‌قمی ،از اصحاب شورای‌استفتای‌مرحوم‌آقا .

۲۰ . مرحوم آیت‌الله سید احمد مشرف قمی .

۲۱ . مرحوم آیت‌الله شیخ حسن غروی ، مقرر درس آیت‌الله‌العظمی خوئی .

۲۲ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامرضا فقیهی بروجردی ، داماد آیت‌الله‌العظمی سید محمدتقی خوانساری .

۲۳ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا تهرانی ، استاد حوزهٔ علمیهٔ مشهد .

۲۴ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا نائینی .

۲۵ . مرحوم آیت‌الله سید محمد رضوی قمی .

۲۶ . مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالقاسم انصاری کمره‌ای .

۲۷ . مرحوم آیت‌الله سید علی علوی قزوینی .

۲۸ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ حسین کبیر قمی ، فرزند آیت‌الله آقا شیخ محمد کبیر .

۲۹ . مرحوم آیت‌الله شیخ اسدالله کرمانشاهی .

۳۰ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمود ابوترابیان اردکانی ، فرزند حاج محمدحسین و

Marfat.com

داماد مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی .

۳۱ . مرحوم آیت‌الله شیخ علی‌اکبر دبیری .

۳۲ . مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالرحیم شاه‌عبدالعظیمی ، فرزند حاج آقا بزرگ و امام جماعت آستانهٔ حضرت عبدالعظیم .

۳۳ . مرحوم آیت‌الله سید حسن شجاعی .

۳۴ . مرحوم آیت‌الله شیخ یوسف علی مامقانی .

۳۵ . مرحوم آیت‌الله آقا نجفی شهرستانی .

۳۶ . مرحوم آیت‌الله حاج سید رضا علمائی قمی .

۳۷ . مرحوم آیت‌الله شیخ حسن نوری همدانی .

۳۸ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی علوی .

۳۹ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدتقی واحدی .

۴۰ . مرحوم آیت‌الله حاج آقا صدرا اراکی از علمای بزرگ تهران .

۴۱ . مرحوم آیت‌الله مجتهد زادهٔ تنکابنی .

۴۲ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمود سالک کاشانی اصفهانی .

۴۳ . مرحوم آیت‌الله حاج سید رضا امامی سِدِهی .

۴۴ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل‌طاهر خمینی .

۴۵ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای .

۴۶ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد اسماعیل رجبی یزدی ، نمایندهٔ مرحوم آقا و مراجع دیگر در بمبئی .

۴۷ . مرحوم آیت‌الله شیخ علی‌محمد ابن‌العلم دزفولی ، که زندگینامهٔ آیت‌الله مرعشی را تا ۲۴ سالگی تألیف کرده‌اند .

۴۸ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسن لاهوتی گیلانی .

۴۹ . مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی قدسی ، فرزند شمس‌الواعظین لنگرودی .

Marfat.com

۵۰ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالله شهیدی قزوینی ، نوادهٔ شهید برغانی و داماد آیت‌الله‌العظمی حجت کوه کمری .

۵۱ . آیت‌الله امام موسی صدر ، رهبر سابق شیعیان لبنان .

۵۲ . آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین وشنوه‌ای قمی ، از افراد گروه کتاب *احقاق‌الحق* .

۵۳ . آیت‌الله حاج شیخ قدرت‌الله وجدانی فخرسرایی ، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم .

۵۴ . آیت‌الله سید حسن نبوی بیرجندی ، مقرر بحث فقه آیت‌الله مرعشی که از ایشان اجازهٔ اجتهاد نیز دریافت کردند .

۵۵ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی فرزند ارشد ایشان و تولیت کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی که از پدر خود اجازهٔ روایتی مفصّلی به نام *الاجازة‌الکبیرة* دریافت کرده‌اند ، و این اجازه به کوشش حجت‌الاسلام محمد سمامی حائری اخیراً منتشر شده است .

۵۶ . حجت‌الاسلام والمسلمین سید عادل علوی ، مقرر بحث قصاص معظم‌له که بر ایشان قرائت کرده و نویسندهٔ کتاب زندگینامهٔ عربی آیت‌الله مرعشی به نام **قبسات من حیاة** *سیدنا‌الاستاذ آیة‌الله‌العظمی السید شهاب‌الدین‌المرعشي‌النجفي* که از این کتاب در نوشتار حاضر بسیار استفاده شده است .

۵۷ . آیت‌الله سید احمد روضاتی اصفهانی ، که اجازهٔ روایتی از معظم‌له دریافت نموده است و کتابی در زندگینامهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به نام *التحفة‌الاحمدیة* نوشته که مخطوط آن در کتابخانه معظم‌له موجود است و از این کتاب نیز در این نوشتار بسیار استفاده شده است .

۵۸ . حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی ، عضو شورای‌انقلاب فرهنگی .

۵۹ . آیت‌الله سلطان‌الواعظین شیرازی ، صاحب کتاب معروف **شبهای پیشاور** .

۶۰ . آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی ، از مدرسین حوزهٔ علمیه و از افراد گروه کتاب *احقاق‌الحق* .

Marfat.com

۶۱ . آیت‌الله حاج سیدمهدی حسینی لاجوردی قمی ،از افرادگروه کتاب *احقاق‌الحق* .

۶۲ . مرحوم حجت‌الاسلام حاج میرزا علی‌اکبر ایرانی .

۶۳ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید جواد مرعشی نجفی ، فرزند مرحوم آقا و صاحب آثار و تألیفات .

۶۴ . علی‌اصغر فقیهی ، استاد دانشگاه ، ادیب ، محقق و نویسنده .

۶۵ . آیت‌الله علامه سید مرتضی عسکری ، از علمای بزرگ ساکن تهران .

۶۶ . آیت‌الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی ، از اساتید مبرّز حوزهٔ علمیهٔ قم و شارح کتب درسی حوزه .

۶۷ . آیت‌الله شیخ‌اسماعیل رحمت‌خواه‌تبریزی،ازاصحاب جلسهٔ استفتای‌مرحوم آقا.

۶۸ . آیت‌الله شیخ محمد امامی کاشانی ، عضو فقهای شورای نگهبان .

۶۹ . آیت‌الله حاج میرزا جواد تبریزی ، از اساتید مبرّز حوزهٔ علمیهٔ قم .

۷۰ . آیت‌الله سید مهدی یثربی کاشانی ، امام جمعهٔ کاشان .

۷۱ . آیت‌الله حاج میرزا مسلم ملکوتی سرابی ، امام جمعهٔ تبریز .

۷۲ . آیت‌الله شیخ محی‌الدین انواری ، عضو مجلس خبرگان .

۷۳ . آیت‌الله حاج سید عبدالعلی موسوی آیت‌اللهی لاری ، امام جمعهٔ لار .

۷۴ . آیت‌الله سید مهدی مرعشی رفسنجانی اخوان مرعشی .

۷۵ . آیت‌الله سید کاظم مرعشی رفسنجانی اخوان مرعشی .

۷۶ . آیت‌الله شیخ صادق احسان‌بخش گیلانی ، امام جمعهٔ رشت .

۷۷ . آیت‌الله سید رضا صدر ، برادر امام موسی صدر و فرزند آیت‌اللهالعظمی صدرالدین صدر .

۷۸ . آیت‌الله شیخ مجدالدین محلاتی شیرازی ، فرزند آیت‌اللهالعظمی محلاتی شیرازی .

۷۹ . آیت‌الله سید مهدی روحانی .

Marfat.com

۸۰ . آیت‌الله شیخ حسین نوری ، از اساتید و علمای مبرّز حوزهٔ علمیهٔ قم .

۸۱ . آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی‌اردبیلی ،رئیس سابق شورایعالی‌قضائی‌کشور .

۸۲ . آیت‌الله شیخ علی‌پناه اشتهاردی .

۸۳ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی ستوده ، از اساتید مبرّز حوزهٔ علمیهٔ قم .

۸۴ . آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری ، امام جمعهٔ اصفهان .

۸۵ . مرحوم آیت‌الله سید علیرضا ریحان یزدی ، مؤلف آینهٔ‌دانشوران .

۸۶ . آیت الله حائری شیرازی ، امام جمعهٔ شیراز .

۸۷ . آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبائی .

۸۸ . آیت‌الله سید سعید اختر رضوی ، مقیم تانزانیا .

۸۹ . آیت‌الله شیخ محمدرضا مهدوی کنی ، از علمای بزرگ تهران .

۹۰ . آیت‌الله سید جواد مدرسی یزدی .

۹۱ . آیت‌الله شیخ مهدی حائری تهرانی ، امام جماعت مسجد ارک تهران .

۹۲ . مرحوم آیت‌الله سید ابراهیم خراسانی کاظمینی .

۹۳ . آیت‌الله شیخ محمد حسین مسجدجامعی تهرانی .

۹۴ . مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی توحیدی تبریزی .

۹۵ . حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد رازی ، مؤلف *آثارالحجة* و *گنجینهٔ دانشمندان* .

۹۶ . حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدباقر حجتی ، استاد دانشگاه تهران ، محقق و نویسنده .

۹۷ . دکتر عباس زریاب خوئی ، استاد ممتاز دانشگاه تهران ، دانشمند ، محقق و نویسنده .

۹۸ . دکتر محمدتقی دانش پژوه ، استاد دانشگاه ، محقق ، نویسنده و فهرستنگار نسخ خطی .

Marfat.com

۹۹ . دکتر علیرضا فیض ، استاد دانشگاه تهران و نویسنده .

۱۰۰ . مرحوم دکتر حسین کریمان ، استاد دانشگاه تهران ، محقق و نویسنده .

گفتنی است که عده‌ای از این شاگردان در دروس سطح و جمعی از آنها در جلسات درس خارج معظم‌له شرکت می‌کرده‌اند .

۱۰. مرجعیّت آیت‌الله مرعشی

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ اعلی‌الله مقامه‌الشریف ـ در همان دورهٔ تحصیلات خود در نجف اشرف به مقام رفیع اجتهاد نایل شده بود و از اساتید و مراجعی که در درسشان شرکت کرده بود ، اجازهٔ اجتهاد داشت . پس از ورود به ایران و اقامت در قم ، اجازاتی هم از فقها و مراجع ایران ، از جمله آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله‌العظمی بروجردی دریافت کرد .

ایشان پس از رحلت آیت‌الله حائری ، درس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در شمار علمای طراز دوم حوزهٔ علمیهٔ قم مطرح گردید و پس از رحلت آیات سه گانه ، حجّت ، صدر و خوانساری ، به عنوان یکی از مراجع حوزه شناخته شد و نخستین رساله‌های عملیهٔ ایشان به نام **نخبة‌الاحکام** و دیگری *سبیل‌النجاة* در بین سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ قمری منتشر گردید و از همان زمان عده‌ای در ایران از ایشان تقلید کردند . بعد از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی ، معظم‌له به عنوان یکی از مراجع طراز اول ایران مطرح گردید و جمع بسیاری از شیعیان در ایران ، هند ، پاکستان ، افغانستان و بعضی از کشورهای عربی از ایشان تقلید کردند . در همان دوره نیز ایشان امور شهریهٔ طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم و برخی حوزه‌های دیگر ایران و خارج را به عهده گرفت . این شهریه عموماً به‌صورت مهر نان بین طلاب تقسیم می‌گردید ، گاهی نیز تقسیماتی به طلاب به صورت پول و یا کتاب و لباس داده می‌شد .

Marfat.com

۱۱. هیئت استفتاء آیت‌الله مرعشی

امور بیت معظم‌له که بسیار پر مراجعه بود ، بیشتر به دوش فرزند ارشد ایشان بود ، اما جوابگویی به مسائل و پرسشهای مذهبی و احکام و ابلاغ نظریات و فتاوای معظم‌له را یک هیئت استفتا به عهده داشتند که عبارتند از :

۱ . آیت‌الله سید حسن بن سید عبدالرحیم موسوی نبوی بیرجندی خراسانی (متولد ۱۳۴۰ق) ، یکی از خواص اصحاب مرحوم آقا که در تنظیم حواشی *عروة‌الوثقی* و *مناسک* حضرت آقا دست داشته است .

۲ . مرحوم آیت‌الله حاج سید مرتضی فقیه مبرقعی (۱۳۲۱ ـ ۱۴۱۴ق) ، برادر همسر مرحوم آقا و از علمای قم و صاحب آثار و تألیفات .

۳ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا صادق‌نصیری‌سرابی (متولد ۱۲۹۱ش) ، یکی از خواص اصحاب مرحوم آقا و از اعضای گروه کتاب *احقاق‌الحق* و صاحب آثار و تألیفات .

۴ . آیت‌الله حاج سید عبدالحمید مرندی (متولد ۱۳۳۵ق) ، از خواص اصحاب مرحوم آقا و عضو گروه کتاب *احقاق‌الحق* . ایشان از علما و فضلای حوزه به‌شمار می‌آیند .

۵ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس بن حاج حبیب‌الله تاجر مستقیم قمی (متولد ۱۳۳۳ق) ، از خواص اصحاب آقا و دارای آثار و تألیفات .

۶ . آیت‌الله حاج میرزا حسن غفاری نژاد تبریزی (متولد ۱۳۴۵ق) ، از علما و اصحاب آقا و صاحب آثار و تألیفات ، از جمله حدیث *از نظر شیعه* و *کاوشهای علمی در رجال و اسانید* .

۷ . آیت‌الله حاج میرزا ابوطالب تجلیل تبریزی (متولد ۱۳۴۵ق) ، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و از اعضای گروه کتاب *احقاق‌الحق* و صاحب آثاری چون *کتاب‌البیع* ، مشتمل بر دو قسمت تقریرات درس آیت‌الله‌العظمی حجّت و نظریات خودشان ؛ *معجم‌الثقات* و *ترتیب‌الطبقات* ، که هر دو کتاب چاپ شده‌اند ، *مدارک‌الحج* (مخطوط) که به اشارهٔ

Marfat.com

آیت‌الله‌العظمی بروجردی تألیف کرده‌اند . ایشان از سال ۱۳۹۱ قمری خود به‌تدریس خارج *عروةالوثقی* و *کفایةالاصول* مشغول هستند .

۸ . مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد موحّدی قمی (متولد ۱۳۱۴ق) ، که رساله‌های عملیهٔ مرحوم آقا را تنظیم و ترتیب کرده است . ایشان همچنین رسالهٔ عملیهٔ مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی را نیز تنظیم نموده است .

۹ . آیت‌الله حاج سید رضا بن آیت‌الله حاج سید محمد امامی سدهی (همایونشهری) اصفهانی (متولد ۱۳۴۳ق) ، برادر حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید علینقی (فیض‌الاسلام) شارح *نهج‌البلاغه* و *صحیفهٔ کاملهٔ سجادیّه* .

۱۰ . آیت‌الله شیخ اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی . از فضلا و علمای حوزهٔ علمیهٔ قم .

۱۱ . آیت‌الله حاج سید محمد ابهری . از علما و مدرسین حوزه .

۱۲ . آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بن ملا عبدالمجید واعظ مرندی (متولد ۱۳۲۸ق) ، مؤلف کتاب *نور باهر* که خاطرهٔ سفر آیت‌الله مرعشی به مشهد اردهال را در این کتاب آورده است . ایشان از علما و فضلای حوزه و از اصحاب مرحوم آیت‌الله حجت نیز بوده‌اند .

۱۳ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله شهیدی قزوینی .

۱۴ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ یدالله غروی .

۱۵ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی ، فرزند ارشد و وصی آیت‌الله مرعشی .

این جلسهٔ استفتاء پس‌از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی در سال ۱۳۸۰ قمری ، هفته‌ای یک بار تشکیل می‌گردید .

Marfat.com

ب. مقام و منزلت علمی، آثار و تألیفات

۱. شخصیت علمی معظم‌له از دیدگاه صاحبنظران

شخصیتهای بزرگ در تاریخ دارای ابعاد وجودی گونا گونی هستند که با توجه به آن ابعاد وجودی، شناخت آنها امکان پذیر است. امّا شناخت صحیح آن ابعاد وجودی در توان همگان نیست، تنها افراد خبره و صاحبنظر می‌توانند تا حدودی به ما درشناخت این شخصیتها کمک کنند.

در بارهٔ زندگی، ابعاد مختلف و شخصیت درخشان آیت‌الله مرعشی، تا کنون سخنان بسیاری گفته و یا نوشته شده است، امّا حقیقت این است که این نوشته‌ها و گفتارها، تنها شعاعی از انوار این خورشید فروزان علم و فقط پرتوی از ابعاد وجودی این شخصیت بزرگ و جامع‌الاطراف عصر ما را به نمایش گذاشته‌اند و نتوانسته‌اند آن چنان که باید و شاید، چهرهٔ واقعی وشخصیت ذوابعاد وی را ترسیم‌کنند. برای‌شناخت درست معظم‌له و ترسیم ابعاد وجودی و مقام و منزلت ایشان، سه گروه صلاحیت دارند که اینان اساتید و مشایخ، شاگردان و دوستان و نزدیکان او هستند.

گروه اول، اساتید ومشایخ: پیش از این اشاره کردیم که آیت‌الله مرعشی یکی از پراستادترین شخصیتهای علمی‌عصرحاضراست که مشایخ فراوانی از علمای مذاهب مختلف تشیع، تسنن، زیدی، اسماعیلی و اخباری دارد. این اساتید و مشایخ، هریک به اندازهٔ شناختی که از موقعیت علمی و مقام اخلاقی و معنوی ایشان داشته‌اند، در اجازات اجتهاد، روایتی و نفسی که به او داده‌اند، صفات اخلاقی و معنوی و کمالات علمی وی را برشمرده‌اند.

Marfat.com

علما و فقهایی مانند آقا ضیاءالدین عراقی ، سید ابوالحسن اصفهانی ، میرزا حسین نائینی ، میرزا آقا اصطهباناتی ، شیخ عبدالکریم حائری ، حاج آقا حسین بروجردی ، سید حسن صدر ، سیدمحسن امین ،شیخ علی کاشف الغطاء ،محمدحسین کاشف الغطاء ، سید عبدالله بلادی موسوی ، سید ناصرحسین موسوی هندی و آقا بزرگ تهرانی از فقهای شیعه ؛ شیخ ابراهیم جبالی ، محمد بخیت مطیعی حنفی مصری ، سید ابراهیم رفاعی بغدادی شافعی ، محمد بهجت بیطار دمشقی ، محمد طاهر بن عاشور مالکی مغربی و شیخ امین کفتارو ، مفتی جمهوری سوریه ، از علمای اهل سنّت ؛ حمیدالدین یحیی حسینی ، معروف به امام یحیی ، امام زیدیهٔ یمن ، سید جمال الدین احمد کوکبانی و محمد بن زبارهٔ زیدی یمنی ، از علما و ائمهٔ زیدیه ، و چندتن از ائمّه وعلمای اسماعیلیه ، در اجازات اجتهاد و روایتی که به معظم‌له داده‌اند ، مقام و منزلت علمی و دانش گستردهٔ وی در علوم وفنون مختلف را ستوده‌اند و برای او صفات ، عناوین و کمالاتی ذکر کرده‌اند که هریک از آن صفات و عناوین در فرهنگ اسلامی و در اصطلاح علما و فقها ، نشانگر یک مقام و درجهٔ علمی و معنوی است . این شخصیتها ایشان را با عناوین ذیل یادکرده‌اند : عالم ، عادل ، عامل ، فاضل ، کامل ، محقق ، مدقّق ، جامع بین کمالات و فضایل علمی و عملی و اخلاقی و معنوی ، سید سند ، رکن معتمد ، فخرمحققین ، افتخارمجتهدین ، زبدةالفضلاء ، نخبةالفقهاء ، عمدةالعلماء ، راسخ در علم ، جامع معقول و منقول ، مجمع اصول و فروع ، حبرمؤید ، جلیل معتمد ، رکن الملة والدین ، حجت‌الاسلام والمسلمین ، قدوةالانام ، رکن الاسلام ، مهذّب صفی ، مروج الاحکام ، ثقةالاسلام ، آیت‌الله فی الانام ، صاحب فکرقویم ، برخوردار از سلیقهٔ مستقیم ، ناقد ماهر ، بصیر و خبیر و صاحب فطرت وقاد ، متفطن نقّاد ، عماد فقها و مجتهدین ، خورشید آسمان تحقیق وافاده ، بدرکامل فلک تدقیق و سیادت ، ادیب اریب ، نادرهٔ دوران و فریدهٔ روزگار . پر واضح است که اسناد این صفات و عناوین در فرهنگ اسلامی و در میان علما و فقهای جهان اسلام به کسی ، از روی هوای نفس ،

Marfat.com

۲۱۲ ـــــــ

بر آیندگان است .[۱]

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی‌محمد ابن‌العلم دزفولی اهوازی ، که چندین سال از محضر این استاد بزرگوار بهره برده و زندگینامهٔ ایشان را براساس تقریرات خود معظم‌له تا ۲۴ سالگی به رشتهٔ تحریر کشیده ، استاد خودرا چنین ستوده است : آیت‌الله مرعشی ، سید علما و مجتهدین ، مربّی فضلا و محصلین و وارث علوم انبیا و مرسلین است . او معدن کمالات و منبع علوم و فنون مختلف و جامع سعادات و فضایل است .[۲]

حجت‌الاسلام والمسلمین سید عادل علوی ، یکی دیگر از برآمدگان اخیر حلقه‌های درس و جلسات بحث ایشان که مقرر درس استاد نیز می‌باشد ، در زندگینامه معلم و مربی خود کتابی به نام **قبسات** نوشته و استاد خود را با این عناوین و صفات یاد کرده است : مرجع دینی و زعیم روحی ، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، یکی از فقها و مراجع بزرگ اسلام و خبیر در علوم اسلامی است که در معارف الهی بسیار زبردست و ماهر است . ایشان در مجلس فقها ، فقیهی پارسا ، لغزش ناپذیر و درست کردار ؛ در محفل مصنفین ، مؤلفی بزرگ ، شامخ و مؤید ؛ در اخلاق فاضله ، معلمی راستگو ، امین و بزرگوار ؛ در سیاست بسان شمشیری برنده ؛ در علم نسب راهنمای فنّ و در علوم و فنون استادی قادر ، توانا ، صاحبنظر ، آگاه ، محققی نامدار و عارف است . او را شیخ‌الاجازهٔ این عصر می‌توان نامید .[۳]

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد رازی ، از دیگر شاگردان او ، مقام استاد را چنین معرفی می‌کند : آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی شخصیتی بافضیلت ، بلندنظر ، زینت بخش علمای عاملین و سند فقها و مجتهدین ، علاّمهٔ بزرگوار و برتر ، یکی از مفاخر امروز عالم تشیع و از افتخارات شیعه است که حقی بزرگ بر گردن حوزهٔ علمیهٔ قم

---

۱ . الحجاب في الاسلام ، ص ۱۰۰ و در آخر کتاب فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) من کتاب المسند للامام احمد بن حنبل .
۲ . زندگینامه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، مخطوط ، ص ۲ .
۳ . قبسات ، ص ۹ .

Marfat.com

و اسلام و مسلمانان دارد . او در میان عموم مسلمانان از شهرت بسزایی برخوردار و مورد تجلیل و تکریم علمای اهل سنت مصر ، سوریه ، یمن ، حجاز ، پاکستان ، هندوستان ، افغانستان ، جاوه ، سودان ، اندونزی و دیگر ممالک اسلامی است که از او با عناوین امام‌اعظم ، علاّمهٔ اکبر ، نسّابهٔ بحّاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند .(۱)

گروه سوم ، دوستان ، نزدیکان و معاصران : افراد بسیاری از دوستان ، نزدیکان و معاصران در بارهٔ شخصیت علمی و مقام و منزلت ایشان اظهار نظر کرده‌اند و در کتب تاریخی و تراجم به شرح حال معظم‌له پرداخته‌اندکه به چند مورد اکتفا می‌کنیم :

آیت‌الله شیخ محمد حرزالدین نجفی ، او را عالمی محقق ، فقیهی اصولی ، استادی موثق ، عادلی متورع ، فاضلی کامل و ادیب دانسته که به مدارج عالی علمی رسیده و بویژه در علم رجال و درایه چیره‌دست است .(۲)

آیت‌الله علاّمه آقا بزرگ تهرانی ، ایشان را فاضل معاصر ماهر در فن رجال ، انساب ، تاریخ ،تراجم علما وآگاه به‌طبقات و طرق مشایخ و اجازات آنها معرفی نموده است .(۳)

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد اسماعیل کاشف‌الغطاء از او به عنوان عالم عَلَم و مجاهد زاهدی یاد کرده که از تمایلات نفسانی و اغراض دنیوی به حدّ تجرّد رسیده و در قول خود دور از خطا و در عمل بسیار بزرگوار و دارای نفسی کریم و بخشنده است . لبهای خودرا جز به ذکر آیات و روایات و یا تفقّد از حال افراد باز نمی‌کند .(۴)

علاّمه ملا علی خیابانی تبریزی ، مقام و منزلت ایشان را چنین مورد ستایش قرار داده است : آیت‌الله مرعشی یکی از اکابر علما و اجلاّء عصر حاضر است . وی علاّمهٔ فهّامهٔ نسّابه ، فقیه اصولی ، محدث رجالی ، ادیب اریب ، فاضل کامل ، مورخ و ریاضیدان ، حاوی فروع و اصول ، جامع معقول و منقول و معروف به کثرت مشایخ نسبت به اهل

---

۱ . آثار الحجة ، ج ۱ ، ص ۴۶ ؛ گنجینهٔ دانشمندان ، ج ۲ ، ص ۳۷ ـ ۳۹ .
۲ . معارف الرجال ، ج ۲ ، ص ۲۶۸ .
۳ . مصفی المقال ، ص ۱۹۶ .
۴ . العلماء والدولة ، ص ۳۲ .

Marfat.com

تصاری است که پرسشهای گوناگون از بلاد دور به حضرتش فرستاده و به پاسخ
متقن نائل می‌گردند[۱]. دانشمند رجالی فرزانه محمدعلی مدرس تبریزی نیز او را
ن صفات ستوده است.[۲]

ح حالنگاران دیگری، مانند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هادی امینی[۳]،
د و مورخ عمادزادهٔ اصفهانی[۴]، محقق رجالی احمد رحیمی[۵] و دیگران نیز
کم با همین عناوین و القاب از معظم‌له یاد کرده‌اند و مقام علمی ایشان را ستوده‌اند
ال پرداختن به آنها نیست.

مطالعهٔ آثار و تألیفات علما و دانشمندان

ت‌الله مرعشی نجفی نه تنها یکی از پراستاد و پرشاگردترین شخصیتهای علمی
است، بلکه از نظر مطالعه و تحقیق در آثار و تألیفات علما و فقهای گذشته و
یز شخصیتی بی‌نظیر، پرکار و پرمطالعه‌ترین عالم و فقیه عصرحاضر است. عشق
آور وی به کتاب زبانزد خاص و عام و در محافل علمی و نزد اهل فن ضرب‌المثل
یشان از دوران تحصیل در نجف اشرف، یعنی از حدود سال ۱۳۲۰ قمری، که
خردسال بود، به کتاب، مطالعه و کتابخانه علاقه‌مند شد و دیری نگذشت که
قه به عشقی بهت‌آور و سرشار تبدیل گردید؛ چنان که روزها گرسنگی می‌کشید
کتابی را به‌دست آورد. در بارهٔ علاقهٔ شدید ایشان به کتاب و کتابخانه در

عاصرین، ص ۲۱۷.
الادب، ج ۳، ص ۱۲۹.
حال الفکر والادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸۹.

Marfat.com

بخشهای بعد سخن خواهیم گفت .

معظم‌له از همان دوران نوجوانی به دلیل سروکار داشتن با کتب و آثار گذشتگان ، علاقه و میل فراوانی به مطالعه و بررسی تألیفات علما و دانشمندان جهان اسلام از یکسو ، و آثار و کتب دانشمندان ملل دیگر ، از دیگرسو داشت . از این‌رو بسیاری از ساعات شبانه‌روز را به مطالعه کتب می‌گذراند . جالب است بدانیم که او هر کتاب را با دقت از اول تا آخر می‌خواند و فیش‌برداری می‌کرد . هم اکنون یادداشتهای فراوانی از ایشان موجود است که محصول مطالعات پیگیر و مستمر ایشان در طی بیش از نود سال از زندگی بابرکت معظم‌له است . این یادداشتها برخی به صورت کتاب تألیف شده و بسیاری از آنها به صورت پراکنده در کتابخانهٔ عمومی ایشان حفظ و نگهداری می‌شود .

هم اکنون صدها وبلکه هزارها کتاب در کتابخانهٔ عمومی ایشان موجود است که در پشت جلد و یا بر صفحهٔ اول آن کتاب این عبارت به خط مبارک ایشان موجود است : « طالعته من اوله الی آخره » . آمار این‌گونه کتابها که معظم‌له از اول تا آخر مطالعه کرده‌اند ، در زندگینامهٔ تفصیلی ایشان ارائه خواهد شد . نکتهٔ مهم در بارهٔ کتبی که ایشان مطالعه کرده‌اند این است که این کتابها به صورت سطحی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند ، بلکه به شکلی نقّادانه ، موشکافانه و عمیق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و لغزشها و اشتباهات نویسندگان و مؤلفان این کتب از دید تیزبین ایشان به‌دور نمانده و در حاشیهٔ همان صفحه یا در اول و یا در آخر کتاب تذکر داده شده و با شمارهٔ صفحه یادداشت گردیده است . مطالب مهم و سرفصلها در بیشتر موارد استخراج و در صفحهٔ اول کتاب قید شده‌اند که برای افراد دیگری که به مطالعهٔ این کتابها می‌پردازند بسیار سودمند است .

اهمیت و ارزش و گسترهٔ کار معظم‌له آنگاه مشخص می‌گردد که بدانیم بسیاری از این کتابها خطی و بسیار ناخوانا و چاپ سنگی با خطی ریز و درهم و آشفته بوده و در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی می‌باشد . علاوه بر این باید توجه داشت که معظم‌له مرجع تقلید و مورد مراجعهٔ مردم سراسر جهان بوده و وقت مطالعه بسیار کم داشته

Marfat.com

وسیلة‌المحبّین الی زیارة‌المقرّبین ، فارس حسّون ؛ *کاوشهای علمی* ، میرزا حسن غفاری ؛ گفتار شیعه در اصول و فروع ، شمس الدین مجتهدی نجفی ؛ *تحفة‌الواعظین* ، شیخ محمد حسن شهیدی قمی ؛ *مفتاح الکتب الاربعة*، دهسرخی ؛ *سلک الدرر*، جعفر صبوری قمی ؛ *مؤتمر علماء بغداد* ؛ *نهج البلاغة منظوم* ، محمد علی انصاری قمی ؛ *اکتفاء القنوع بما هو مطبوع* ، ادوارد فندیک ؛ *الاجازة الکبیرة* ، سید عبدالله موسوی جزائری تستری ؛ *الفخری في انساب الطالبیّین* ، اسماعیل مروزی ازورقانی ؛ *المجدی في انساب الطالبیّین* ، نجم‌الدین عُمری نسّابه ؛ *لباب الانساب* ، بیهقی ؛ *بهجة‌الآمال في شرح زبدة‌المقال* ، ملا علی علیاری تبریزی ، ودهها کتاب دیگر که در فهرست آثار ایشان به قسمتی دیگر از آنها اشاره خواهیم کرد .

۴. آثار و تألیفات

حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی با وجود همهٔ اشتغالات علمی و اجتماعی و با تمام مسئولیتهای سنگین زعامت ، فقاهت و مرجعیّت و با گرفتاریهای فراوانی که در زمینه‌های دیگر داشتند ، یکی از موفّقترین علما ، فقها و دانشمندان در زمینهٔ تألیف ، تصنیف و تحقیق به شمار می‌روند . آنان که با قلم و نگارش سروکار دارند ، بهتر اطلاع دارند که نویسندگی و نگارش کتاب ، آن هم در زمینه‌های مختلف ، تا چه اندازه فراغت و فرصت می‌طلبد و در کنار آن بیش از هر چیز به آسایش فکری و آرامش خاطر نیاز است . گرفتاریهای روزمرّه و مراجعات مکرر افراد گوناگون به نویسنده و مؤلف ، از عوامل بازدارنده‌ای هستند که توفیق تحریر و تألیف را از فرد سلب می‌کنند . امّا معظم‌له با وجود همهٔ این مشکلات و مسئولیتها ، که گاهی تنها مراجعات بیت ایشان و کارهای مربوط به آن خود به اندازهٔ یک وزارتخانه کار و مسئولیت به عهدهٔ معظم‌له گذاشته بود ، آثار و تألیفاتی بر جای گذاشتند که خود نشانی صادق از همّت و پشتکار فوق‌العاده و دلیلی بر پرکاری و خستگی‌ناپذیری وی می‌باشد ، که خود از الطاف و توفیقات و مواهب الهی است و براحتی نصیب هرکس نمی شود .

Marfat.com

آیت‌الله مرعشی در طول زندگی پربرکت و توأم با نشیب و فرازهای زیاد ، پیوسته از هر فرصت‌کوتاهی سود جسته وبه‌تألیف وتصنیف ونگارش‌کتاب و رساله پرداخته‌است .

آثار وتألیفات‌ایشان به‌چند دسته تقسیم‌می‌شوند : دسته‌ای‌از آنها به چاپ رسیده‌اند ، دستهٔ دیگر آثاری است که به صورت مخطوط باقی مانده و اکنون در کتابخانهٔ معظم‌له موجود هستند ، دسته‌ای از آثار ایشان به مرور زمان و در اثر حوادث مختلف از میان رفته و یا مفقود شده‌اند ، و شماری از دستنوشته‌های معظم‌له نیز به صورت اوراق پراکنده‌ای است که ان شاءالله در آینده جمع‌آوری ، بررسی و مدون خواهند شد . گفتنی است بر اساس وصیتنامهٔ معظم‌له ، فرزند ارشد ایشان ، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی مأمور این کار شده‌اند . در بخشی از وصیتنامه چنین آمده است :

سفارش می‌کنم او را به تدوین و تنظیم کتاب خودم ، *مشجرات آل‌رسول‌الله‌الاکرم(ص)* ، و نیز حواشی و تعلیقاتی که بر کتاب *عمدةالطالب* دارم و تمامی آثار حقیر و آنچه از قلم من بر صفحات جاری شده ، چه بسا شبهای بسیاری را تا صبح بیدار بوده و چه رنجهایی در روزها جهت استخراج از گوشه و کنار صدها کتاب ، بلکه هزاران کتاب در فنون مختلف کشیده‌ام .

سفارش می‌کنم او را به تکمیل آنچه از قلم من صادر شده ، از تألیف و تصنیف و نیز نشر آنهاکه شامل نوشتجات زیادی در فقه ، اصول ، کلام ، انساب ، رجال ، درایه ، تفسیر ، حدیث ، تاریخ ، تراجم ، مجموعه‌ها ، سیر و سلوک و عرفان و مقامات و نیز نوشتجات دیگر در حالات معنوی ، مکاشفات ، مجاهدات ، ریاضتها و سختیهایی که متحمل شده‌ام ، می‌باشد .

آثار آن مرحوم در رشته‌های مختلف وعلوم گوناگون است . فهرست آثار و تألیفات ایشان به صورت تفکیک شده به این شرح است :

Marfat.com

علوم *قرآن*، تفسیر، تجوید و قرائت

۱. *التجوید*، مشتمل بر فواید مهم علم تجوید (عربی ـ مخطوط).

۲. *الردّ علی مدّعی التحریف*، ردّ بر کتاب *فصل الخطاب* ثقةالاسلام نوری (عربی ـ مخطوط).

۳. *حاشیة علی انوارالتنزیل* بیضاوی که در ۲۲ سالگی در نجف اشرف نوشته‌اند (عربی ـ مخطوط).

۴. *سندالقرّاء والحفّاظ*، تألیف ۱۳۸۹ قمری (عربی).

۵. مقدمة *تفسیر الدرّالمنثور*، جلال‌الدین سیوطی، تألیف ۱۳۷۷ قمری که در ابتدای جلد اول این تفسیر چاپ شده است.

ادبیات

۶. *قطف‌الخزامی من روضةالجامی*، حاشیه بر شرح *کافیهٔ جامی* (عربی ـ مخطوط).

۷. *المعوّل في امرالمطوّل*، حاشیه بر شرح *تلخیص* تفتازانی (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام).

۸. *الفروق*، در بیان فرق بین الفاظ متشابه (عربی ـ مخطوط).

حدیث

۹. *مفتاح احادیث‌الشیعة*، شامل تعیین موارد احادیث ومواضع آنان (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام).

۱۰. حاشیه بر *الفصول‌المهمّة*، شیخ حرّ عاملی (عربی، مخطوط ـ ناتمام).

۱۱. حاشیهٔ مختصر بر «*کتاب من لایحضره‌الفقیه*»، شیخ صدوق (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام).

Marfat.com

ادعیه و زیارات

۱۲ . مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات ، با مقدمه‌ای در شجره‌نامهٔ خاندان مرعشی (فارسی ـ چاپ تهران ، ۱۳۷۱ق) .

۱۳ . شرح دعای شریف سِمات ، تألیف در ۲۲ سالگی (عربی ـ مخطوط در مدرسهٔ سامراء) .

۱۴ . شرح زیارت جامعهٔ کبیره ، تألیف در کاظمین (عربی ـ ناتمام) .

۱۵ . مقدمهٔ مفاتیح‌الجنان شیخ عباس قمی ، تألیف ۱۳۸۹ قمری (فارسی ـ چاپ با کلیات مفاتیح همان سال) .

۱۶ . شمس‌الامکنة والبقاع في خيرة ذات‌الرقاع (عربی) .

۱۷ . فوائد چند در خصوص صحیفهٔ کاملهٔ سجادیّه ، تألیف ۱۳۶۱ قمری ، قم (عربی ـ چاپ تهران) .

فقه

۱۸ . رساله در اثبات حلّیت لباس مشکوک (عربی ـ مخطوط) .

۱۹ . رساله در بیع خیاری ، (عربی ـ مخطوط) .

۲۰ . لغات‌الفقه و یا : مصطلحات‌الفقهاء (عربی ـ مخطوط) .

۲۱ . توضیح‌المسائل (رسالهٔ عملیّه)، که بیش از ۵۵ بار در تهران و قم چاپ شده است (فارسی).

۲۲ . حاشیهٔ مختصر بر مبحث وقت و قبلهٔ کتاب شرح لمعه ، تألیف ۱۳۴۵ قمری در فقه .

۲۳ . حاشیه بر کتاب متاجر ، شیخ مرتضی انصاری (عربی ـ مخطوط) .

۲۴ . حاشیه بر کتاب الوسیله آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۲۵ . راهنمای سفر مکّه و مدینه ، که به وسیلهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ رضا سراج ، با

Marfat.com

فتاوای ایشان تنظیم شده است (فارسی ـ چاپ تهران) .

۲۶ . *سبیل النجاة (رسالهٔ عملیه)* که قبل از *توضیح المسائل* ایشان در ۱۳۷۳ قمری چاپ شده است (فارسی) .

۲۷ . *سیصد مسأله در احکام اموات* ، توسط حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد منتظری یزدی تنظیم شده است (فارسی ـ چاپ تهران) .

۲۸ . *الغایة القصوی لمن رام التمسّک بالعروة الوثقی* ، حاشیه‌ای استدلالی بر *عروة الوثقی* ، در دو جلد که جلد اول به کوشش و تصحیح حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی (فرزند ایشان) در ۱۳۷۷ قمری و جلد دوم در ۱۳۶۱ شمسی در قم چاپ شده است (عربی) .

۲۹ . *مسارح الافکار فی توضیح مطارح الانظار* ، حاشیه بر *تقریرات* شیخ انصاری که در نوزده سالگی نوشته است (عربی ـ مخطوط) .

۳۰ . *مصباح الناسکین* ، آخرین رسالهٔ ایشان در مناسک حج ، به کوشش حجج اسلام حاج میرزا ید الله غروی و حاج سیّد شمس الدّین مرعشی ، زیر نظر سیّد محمود مرعشی نجفی (چاپ قم ، ۱۳۶۸ش) .

۳۱ . *مناسک حج* ، ترجمهٔ حجت‌الاسلام سید خادم رضا (اردو ـ چاپ پاکستان، ۱۹۷۷م).

۳۲ . *منهاج المؤمنین* ، نخستین رسالهٔ عملیهٔ عربی ایشان که بین سالهای ۱۴۰۶ ـ ۱۴۰۹ قمری در دو جلد در قم چاپ شده است .

۳۳ . *نخبة الاحکام* ، نخستین رسالهٔ عملیهٔ فارسی مختصر ایشان که بین سالهای ۱۳۶۶ ـ ۱۳۷۳ قمری در قم چاپ شده است .

۳۴ . *هدایة الناسکین* ، در مناسک حج و زیارت حرمین شریفین (فارسی ـ چاپ قم) .

گفتنی است که رساله‌های عملیهٔ ایشان به زبانهای انگلیسی ، اردو ، عربی ، سواحلی و برخی از زبانهای دیگر نیز چاپ شده است .

اصول فقه

۳۵ . *حاشیه بر فرائد الاصول* ، شیخ انصاری (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

Marfat.com

۳۶ . *حذف‌الفضول عن مطالب‌الفصول* ، تلخیصی از کتاب *فصول* ، که در نوزده سالگی نوشته‌اند (عربی) .

۳۷ . *حاشیه بر قوانین‌الاصول* ، میرزای قمی (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۳۸ . *الهداية إلى مقاصد* [۱] *الكفاية* ، که *مصباح‌الهداية في سالك‌الكفاية* نیز خوانده شده است . مرحوم آقا این حواشی را در ۱۳۳۹ قمری در نجف و در ۲۴ سالگی تألیف نموده‌اند (عربی ـ مخطوط در دو جلد) .

منطق

۳۹ . *رفع‌الغاشية عن وجه‌الحاشية* ملا عبدالله یزدی بر *تهذیب‌المنطق* تفتازانی (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

لغت

۴۰ . *الامثال التي أوردها‌العلامة‌النويرى في كتاب نهاية‌الارب* (عربی ـ مخطوط) .

تاریخ

۴۱ . *تعیین مدفن رأس‌الحسین(ع)* (عربی ـ مخطوط) .

۴۲ . *حاشیة وقایع‌الایام* محدث قمی (مخطوط ـ ناتمام) .

رجال و تراجم

۴۳ . *التبصرة في ترجمة مؤلف‌التكملة* ، تألیف ۱۳۹۷ قمری در شرح حال میرزا محمدمهدی کشمیری لکهنوی، صاحب کتاب تکملة *نجوم‌السماء*، چاپ ۱۳۹۷ قمری (عربی).

۴۴ . *تراجم اعیان‌السادة‌المرعشیین* ، تألیف ۱۳۷۱ قمری (عربی ـ مخطوط) .

---

۱ . در بعض موارد « في معاضل » آمده است .

Marfat.com

۴۵ . تکمیل کتاب تذکرةالقبور آخوند گزی اصفهانی (چاپ شده در ضمیمهٔ تذکرةالقبور ، ۱۳۲۸ق ، اصفهان) .

۴۶ . الحدیقةالوردیّة حول روضةالبهیة ، تألیف ۱۴۰۳ قمری (عربی ـ چاپ قم با ترجمهٔ شرح لمعه) .

۴۷ . ریاض‌الاقاحی ، شرح حال زین‌الدین بیاضی نباطی عاملی (عربی ـ تهران ، ضمیمهٔ الصراط‌المستقیم) .

۴۸ . زهرالریاض في ترجمة صاحب‌الریاض ، شرح حال مولی عبدالله افندی اصفهانی (عربی ـ قم ، ۱۴۰۱ق) .

۴۹ . سادات‌العلماءالذین کانوا بعدالألف من‌الهجرة ، (عربی ـ مخطوط) .

۵۰ . سجع‌البلابل في ترجمة صاحب‌الوسائل ، شرح حال شیخ حرّ عاملی (عربی ـ قم ، ضمیمهٔ اثبات‌الهداة) .

۵۱ . شرح حال ادوارد فندیک (عربی ـ قم ، مقدمهٔ اکتفاءالقنوع ، ۱۴۰۹ق) .

۵۲ . شرح حال سید ابوالقاسم طباطبائی تبریزی نجفی حائری (تهران ، ضمیمهٔ مشجرهٔ اجازات علماء امامیّه ، ۱۳۷۸ق) .

۵۳ . شرح حال سید اعجازحسین نیشابوری کنتوری (قم ، ضمیمهٔ کشف‌الحجب والاستار ، ۱۴۰۹ق) .

۵۴ . شرح حال بهلول بهجت افندی ، قاضی زنگه‌زوری «تهران ، مقدمهٔ تشریح و محاکمهٔ تاریخ آل محمد (ص)» .

۵۵ . شرح احوال حضرت سلطان علی فرزند امام باقر(ع) که در مشهد اردهال کاشان مدفون است .

۵۶ . شرح حال مولی عبدالواسع کاشانی (عربی ـ قم ، در مقدمهٔ کتاب شرح دعاءالسمات ، ۱۳۹۶ق) .

۵۷ . شرح حال شیخ عزالدین ابن‌اثیر موصلی جزری (عربی ـ تهران ، در مقدمهٔ اسدالغابة ،

Marfat.com

۱۳۴۲ق) .

۵۸ . شرح حال آیت‌الله شیخ محمد محلاتی نجفی ، استاد مرحوم آقا (فارسی ـ تهران ، ضمیمهٔ گفتار خوش یارقلی ، ۱۳۸۴ق) .

۵۹ . الصَّرفة في ترجمة صاحب کتاب النفحة ، نام دیگر آن التحفة لطالب النفحة ، شرح حال سید ابوالفضیل محمدکاظم موسوی یمانی مؤلف کتاب النفحة العنبرية (عربی ـ مخطوط).

۶۰ . الضوء البدري في حياة صاحب الفخري (عربی ـ قم ، مقدمهٔ الفخري ، ۱۴۰۹ق) .

۶۱ . العِزّیه ، شرح حال امامزاده یحیی (عربی ـ تهران ، ۱۳۴۱ و ۱۳۵۴ش) .

۶۲ . غاية الآمال في ترجمة صاحب بهجة الآمال ، شرح حال ملا علی علیاری تبریزی (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب ، ۱۳۹۵ق) .

۶۳ . رسالة طریفه ، شرح حال شیخ محمد جعفر یا شیخ علینقی کمره‌ای (فارسی ـ تهران ، ضمیمهٔ تحفهٔ سلطانی ، ۱۳۸۰ق) .

۶۴ . الظرائف في ترجمة صاحب الطرائف ، شرح حال جاپلقی بروجردی (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب ، ۱۴۱۰ق) .

۶۵ . الفتحیّة ، شرح حال میرابوالفتح حسینی شریفی عربشاهی ، صاحب تفسیر شاهی (عربی ـ تبریز ، ضمیمهٔ همان کتاب چاپ شده است) .

۶۶ . رساله‌ای در حالات نصر بن مزاحم منقری ، مؤلف کتاب وقعة صفین (عربی) .

۶۷ . الفوائد الرجالیّة (عربی ـ مخطوط) .

۶۸ . کاشفة الحال في ترجمة مؤلف خزانة الخیال (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب . ۱۳۵۲ش) .

۶۹ . کشف الاستار عن حیاة مؤلف کشف الاستار (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب ۱۴۰۹ق).

۷۰ . کشف الارتیاب في ترجمة صاحب لباب الانساب بیهقی (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب ، ۱۴۱۰ق) .

۷۱ . کشف الظنون عن صاحب کشف الظنون (عربی ـ مقدمهٔ همان کتاب ، تهران ، ۱۳۸۸ق).

Marfat.com

۷۲ . *اللئالی المنتظمة والدرر الثمینة* در شرح حال علاّمهٔ حلی ، قاضی نورالله شوشتری و فضل بن روزبهان (عربی ـ تهران ، مقدمهٔ *احقاق الحق* ، ۱۳۷۷ق) .

۷۳ . *لُمعة النور والضیاء في ترجمة السید ابي الرضا* ، *فضل الله راوندی کاشانی* (عربی ـ تهران ، مقدمهٔ کتاب *المناجاة الالهیّات در مناقب امیرالمؤمنین* (ع) ، ۱۳۴۳ش) .

۷۴ . *لؤلؤة الصدف في حیوة السید محمد الاشرف* (عربی ـ قم ، مقدمهٔ *فضائل السادات* ، ۱۳۸۰ق) .

۷۵ . *المُجدي في حیاة صاحب المَجدي* (عربی ـ قم ، مقدمهٔ همان کتاب ، ۱۴۰۹ق) .

۷۶ . مستدرک کتاب *شهداء الفضیلة* ، علامهٔ امینی (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۷۷ . *المشاهد والمزارات* (عربی ـ مخطوط) .

۷۸ . *مطلع البدرین* ، شرح حال فخرالدین طریحی (عربی ـ تهران ، ضمیمهٔ *مجمع البحرین* ، ۱۳۳۹ش) .

۷۹ . *مُفرّج الکروب* ، شرح حال دیلمی ، صاحب *ارشاد القلوب* (فارسی ـ تهران ، مقدمهٔ همان کتاب ، ۱۳۸۷ق) .

۸۰ . مقدمهٔ *ایضاح الفوائد في شرح اشکالات القواعد* (عربی ـ قم ، ۱۳۸۸ق) .

۸۱ . مقدمهٔ *تتمیم امل الآمل* ، قزوینی (عربی ـ قم ، ۱۴۰۷ق) .

۸۲ . مقدمهٔ *روضة المتقین في شرح کتاب من لا یحضره الفقیه* ، علاّمهٔ مجلسی (عربی ـ قم ، ۱۳۹۳ق) .

۸۳ . مقدمهٔ *کاوشهای علمی* ، ترجمهٔ آیت‌الله غفاری‌نژاد تبریزی (فارسی ـ قم ، ۱۴۰۵ق).

۸۴ . مقدمهٔ کتاب *معجم الثقات وترتیب الطبقات* ، ابوطالب تجلیل تبریزی (عربی ـ قم ، ۱۳۹۱ق) .

۸۵ . مقدمهٔ کتاب *مجموعهٔ نفیسه* (عربی ـ قم ، ۱۴۰۶ق) .

۸۶ . مقدمهٔ کتاب *مؤتمر علماء بغداد* (عربی ـ تهران ، ۱۳۹۹ق) .

۸۷ . مقدمهٔ کتاب *وقایع السنین والاعوام* خاتون آبادی (عربی ـ تهران ، ۱۳۵۲ش) .

Marfat.com

۸۸ . *المنن والمواهب العددیّة* ، شرح حال عبیدلی سبزواری (عربی ـ تبریز ، مقدمهٔ *کتاب الاسدیّه* ، ۱۳۹۳ق) .

۸۹ . *منیة العاملین* ، شرح حال ابن فتّال نیشابوری (عربی ـ قم ، ضمیمهٔ *روضة الواعظین* ، ۱۳۷۷ق) .

۹۰ . *منیة الرجال في شرح نخبة المقال* در علم رجال (عربی ـ قم ، جلد اول ضمیمهٔ منظومهٔ *نخبة المقال* ، ۱۳۷۸ق) .

۹۱ . *المواهب العلیّة في ترجمة شارح الرسالة الذهبیّة* ، شرح حال محمد بن حسن مشهدی (عربی ـ قم ، مقدمهٔ کتاب *الفوائد الرضویّه* ، ۱۴۰۰ق) .

۹۲ . *منهج الرشاد في ترجمة الفاضل الجواد الکاظمی* (عربی ـ تهران ، ضمیمهٔ *مسالک الإفهام في آیات الاحکام* ، ۱۳۸۷ق) .

۹۳ . *المیزان القاسط في ترجمة مورخ واسط* (عربی ـ تهران ، مقدمهٔ *مناقب علی بن ابیطالب (ع)* ، ۱۳۹۴ق) .

۹۴ . *نبراس النور والضیاء في ترجمة مؤلف نجوم السّماء* (عربی ـ قم ، مقدمهٔ *نجوم السّماء* ، ۱۳۹۴ق) .

۹۵ . *وسیلة المعاد في مناقب شیخنا الاستاذ* ، شرح حال بلاغی (عربی ـ تهران ، ضمیمهٔ *مدرسه سیّار* ، ۱۳۸۳ق) .

۹۶ . *وفیات الأعلام* ، نام دیگر آن *وفیات العلماء* (عربی ـ مخطوط) ، به ترتیب الفبا در یک جلد .

۹۷ . *هدیة ذوي الفضل النهی بترجمة المولی علم الهدی* (عربی ، تهران ، ضمیمهٔ *معادن الحکمة في مکاتیب الائمة* ، ۱۳۸۸ق) .

انساب

۹۸ . مقالهٔ « اثبات صحّت نسب خلفاء فاطمییّن مصر » (مجلهٔ *هدی الاسلام* ، عربی ،

Marfat.com

قاهره) .

۹۹ . *کتاب در انساب و تبار شناسی غیر سادات* (عربی ـ مخطوط) .

۱۰۰ . *الافطسیّة* ، در نسب سادات روستای « طَغَرود » قم (فارسی ـ تهران ، ضمیمهٔ *وقایع الایام*) .

۱۰۱ . *حاشیه بر بحرالانساب* سید عمیدالدین نجفی (عربی ـ قاهره ، حاشیهٔ همان کتاب ، ۱۳۵۵ق) .

۱۰۲ . *رساله در خصوص سادات مدینهٔ منوره* « فارسی ـ تهران ، ضمیمهٔ کتاب *پیشوای اسلام حضرت محمد*(ص) » .

۱۰۳ . *شجره‌نامهٔ سادات حسینی کاشانی* (فارسی ـ قم ، مقدمهٔ کتاب *کشکول ریاض‌الانس یا گلهای ارغوان* ، ۱۳۹۴ق و در مقدمهٔ کتاب *حدائق‌الانس*) .

۱۰۴ . *رساله در شرح اعقاب و ذراری حضرت ابوالفضل العباس*(ع) (فارسی ـ تهران ، ضمیمهٔ کتاب *تاریخ زندگانی قمر بنی هاشم*(ع) ، عمادزادهٔ اصفهانی ، ۱۳۲۱ش) .

۱۰۵ . *حاشیه بر کتاب عمدة‌الطالب في انساب آل ابیطالب*(ع)(عربی ـ مخطوط ، چندین جلد).

۱۰۶ . *طبقات‌النسابین* (عربی ـ مخطوط ، دو مجلد بزرگ) .

۱۰۷ . *مزارات‌العلویین* (عربی ـ مخطوط) ، به ترتیب حروف الفباء . نام دیگر آن *مزارات‌الطالبیین* است .

۱۰۸ . *ملجأ‌الهارب في اغلاط عمدة‌الطالب* (عربی ـ مخطوط) .

۱۰۹ . *مشجرات آل رسول‌الله‌الاکرم* و یا *مشجرات‌الهاشمیین* ، شامل انساب علویان و سادات کشورهای مختلف ، بویژه ایران ، که مدت نیم قرن مرحوم آقا روی آن کار کرده‌اند (عربی ـ مخطوط) .

اجازات

۱۱۰ . *الاجازة‌الکبیرة* ، یا: *الطریق والمحجّة لثمرة‌المُهجة* ، بزرگترین اجازهٔ آقا به فرزند

Marfat.com

ارشد و وصیّ خود، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی (عربی ـ قم، ۱۴۱۴ق).

۱۱۱ . *الدرةالنثیرة فیما یتعلق بالاجازةالکبیرة* (عربی ـ قم ، ضمیمهٔ *الاجازةالکبیرة* ، سید عبدالله جزایری) .

۱۱۲ . *الدرّالفرید في نبذ من‌الاسانید* ، اجازهٔ روایتی مفصّلی که برای حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا علی‌اصغر قراگزلو همدانی در ۱۳۵۶ قمری مرقوم داشته‌اند (عربی) .

۱۱۳ .*الاجازة* ، برای حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی‌همدانی‌ثابتی ، ۱۳۷۶ قمری (عربی).

۱۱۴ . *الثبت‌الکافی* ، در اجازات (عربی ـ قم ، مقدمهٔ کتاب *شرح معالم‌الدین* حاج سید علی علوی ، ۱۳۹۳ق) .

۱۱۵ . *الاجازات* ، برای آیت‌الله شیخ مهدی معزّی تهرانی (عربی ـ قم ، ۱۳۷۶ق) .

۱۱۶ . *الاجازات* ، برای آیت‌الله شیخ محمدصادق نصیری سرابی در چهارصد صفحه (عربی ـ مخطوط ، ۱۳۸۲ق) .

۱۱۷ . *الاجازات* ، برای آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی در ۴۰۶ صفحه (عربی ـ قم ، ۱۳۷۸ق) .

۱۱۸ . *الدوحةالفاطمیّة* ، اجازه‌ای برای سید معزّالدین محمدصادق از نوادگان خلیفه سلطان که در ۲۵ رمضان ۱۳۳۹ مرقوم داشته‌اند . این سوّمین اجازهٔ کتبی مرحوم آقا در نجف اشرف قبل از مسافرت به ایران است . اصل اجازه هم اکنون در مجموعه‌ای خطی به خط مبارکشان موجود است .

اولین اجازهٔ کتبی را مرحوم آقا برای حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمدباقر بن حاج میرزا محمد سرابی مشهدی طوسی در شنبه ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۹ در نجف اشرف مرقوم داشته‌اند . دومین اجازهٔ کتبی را نیز برای حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدصادق مرعشی در ۱۱ رجب سال ۱۳۳۹ در نجف اشرف نوشته‌اند .

Marfat.com

۱۱۹ . *الاجازات* ، برای حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سلطان‌الواعظین شیرازی (عربی ـ تهران ، در آخر کتاب *شبهای پیشاور* ، ۱۳۷۰ق) .

۱۲۰ . *المسلسلات في ذکرالاجازات* ، مشتمل بر اجازات علمای شیعه ، اهل سنت و زیدیه که کتباً و شفاهاً به معظم‌له داده‌اند و حدود چهارصد اجازه می‌باشد . این اثر در دو جلد به عربی توسط فرزند ارشدشان ، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی ، تدوین شده است که بزودی منتشر خواهد شد .

۱۲۱ . *زبدةالاسانید* ، اجازه به علامهٔ پاکستانی استاد رشید ترابی (عربی ـ قم ، ۱۳۷۷ق).

۱۲۲ . *الاجازة* ، برای حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدحسن لنگرودی (عربی ـ قم ، ۱۳۷۸ق) .

۱۲۳ . *غنیةالمستجیز* ، برای میرزا محمد احمدآبادی طبیب‌زادهٔ اصفهانی (عربی ـ قم ، ضمیمهٔ کتاب : *الشموس الطالعة في شرح زیارةالجامعة* ، سیدحسین همدانی ، ۱۳۷۷ق).

افزون‌بر اجازاتی‌که ذکر شد وهمه مفصل هستند ، مرحوم آقا اجازات مفصل دیگری هم به افراد داده‌اند که اکنون اطلاع دقیقی از آنها نداریم . همچنین اجازات مختصر ایشان به افراد هم بسیار زیاد است که به چندین هزار اجازه می‌رسد . تفصیل این‌گونه روایات را در زندگینامهٔ مفصل مرحوم آقا ، تا آنجاکه به دست بیایند ، خواهیم آورد .

هیئت

۱۲۴ . *کتاب‌الوقت والقبلة* (عربی ـ مخطوط) .

سفرنامه

۱۲۵ . *الرحلةالآذربایجانیّة* (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۱۲۶ . *الرحلةالاصفهانیّة* (عربی ـ مخطوط) .

۱۲۷ . *الرحلةالخراسانیّة* ، تألیف ۱۳۴۲ قمری (عربی ـ مخطوط) .

Marfat.com

۱۲۸ . *الرحلة‌الشیرازیّة* (عربی ـ مخطوط) .

نوادر و علوم غریبه

۱۲۹ . **حاشیه برکتاب سرخاب** ، در رمل (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۱۳۰ . حاشیه بر کتاب **مفتاح** علاّمه ایدمُر جلدکی در اعمال شمسی و قمری و زحلی (عربی ـ مخطوط) .

۱۳۱ . **حاشیه برکتاب** *السرّالمکنون* ، در علم حروف (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۱۳۲ . *سلوة الحزین و مونس الکئیب* و یا *مونس‌المضطهد* و یا *روض‌الریاحین* و یا *نسمات‌الصبا* ، کشکولی در فواید علم جفر ، رمل ، حروف ، اعمال شمسی ، زحلی ، زهری ، مریخی ، ختومات ، اوراد و اذ کار مجرّب ، مثلثات ، بعضی مجرّبات طبی و غیر آن از مطالب متنوعهٔ نفیسه (عربی و فارسی ـ مخطوط) .

۱۳۳ . *الشمعة في مصطلحات اهل‌الصنعة* (عربی ـ مخطوط) .

فهرست

۱۳۴ . *فهرس اسامی‌الکتب‌التي نقلنا عنها في ملحقات‌الاحقاق* (عربی ـ مخطوط ، چندین جلد) .

متفرقات

۱۳۵ . *جذب‌القلوب‌الی‌دیارالمحبوب* ، که در عنفوان جوانی در سامرّا نوشته‌اند (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام ، تألیف ۱۳۳۹ق) . این کتاب را *فاکهة‌النوادي* نیز نامیده است .

۱۳۶ . *اجوبة‌المسائل‌الرازیّة* (عربی ـ مخطوط) .

۱۳۷ . *اجوبة‌المسائل‌العلمیة والفنون‌المتنوعة* (عربی ـ مخطوط) .

۱۳۸ . *اُنس‌الوحید* ، کشکولی است که در عنفوان جوانی در سامرّا نوشته‌اند (عربی ـ

Marfat.com

مخطوط ـ ناتمام) .

۱۳۹ . مقدمّهٔ کتاب چهرهٔ درخشان امام زمان(ع) ، قم ، ۱۳۹۹ قمری .

۱۴۰ . رساله‌ای در حقیقت غنا و اقسام آن ، با اصول موسیقی و بیان مشخصات غنا از غیر غنا (عربی ـ مخطوط ـ ناتمام) .

۱۴۱ . مجموعهٔ بیاضی شکل در اسامی کتب تراجم و رجال و تاریخ و حدیث و لغت از عامه و خاصه (عربی ـ مخطوط) .

۱۴۲ . رسالهٔ نظرات اصلاحی در بارهٔ پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فارسی ـ قم ، ۱۳۹۹ق) .

۱۴۳ . شمع الاندية والبقاع في خيرة ذات الرقاع ، در استخارات (عربی ـ قم ، ۱۳۵۰ق) .

۱۴۴ . الفوائد النسبيّة والرجاليّة والادبيّة والحديثيّة (عربی ـ مخطوط ، یک مجلد بزرگ) .

۱۴۵ . شقائق النعمان ونفحات الريحان (عربی ـ مخطوط) .

۱۴۶ . رساله‌ای در بارهٔ افرادی که شبیه رسول خدا(ص) بوده‌اند (عربی ـ مخطوط) .

۱۴۷ . مجموعهٔ مکاتبات ، شامل پاره‌ای از مکاتبات ایشان با علما و بزرگان دیگر مذاهب که در پشت صفحهٔ اول این مجموعه چنین مرقوم فرموده است : هذه مجموعة حاوية للمكاتبات و المطارحات التّي دارت بيني و بين اعلام العلم والادب ورجالات الفضل والكمال ، تألیف ۱۳۸۶ قمری (عربی ـ مخطوط) .

کلام

۱۴۸ . ملحقات الاحقاق (احقاق الحق) ، بزرگترین و مفصلّترین اثر تألیفی مرحوم آقا که حاصل تلاش پیگیر و مستمر نزدیک به نیم قرن معظم‌له است .

اصل کتاب ، احقاق الحق ، تألیف قاضی نورالله مرعشی شوشتری (ش ۱۰۱۹ق) ، است که متن آن در سه جلد اول آمده و از جلد چهارم به بعد کاملاً تعلیقات معظم‌له

Marfat.com

می‌باشد . از این مجموعهٔ دائرةالمعارف‌گونه تاکنون ۲۷ جلد آن منتشر شده و احتمالاً بیش از پنجاه جلد خواهد شد . ایشان نسبت به ادامهٔ کار و انتشار آن فوق‌العاده اهتمام داشتند . بسیاری از کتب کتابخانه را شخصاً از اول تا آخر بررسی و مطالب مورد نظر را جمع آوری و در این کتاب آورده‌اند : چاپ اول آن از جلد اول تا پانزدهم از سوی انتشارات اسلامیه در تهران چاپ شده است و چاپ دوم از جلد اول تا بیست و هفتم از سوی واحد انتشارات کتابخانه در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲ شمسی به کوشش حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی ، فرزند ارشد و وصیّ ایشان و تولیت کتابخانهٔ معظم‌له ، منتشر شده و به یاری خداوند در صورت رفع مشکلات مجلدات بعدی یکی پس از دیگری تدریجاً انتشار خواهند یافت و به دست طالبان آن خواهد رسید .

مناسب است در اینجا اشاره‌ای به چگونگی تألیف این کتاب مهم و ارزنده داشته باشیم . آیت‌الله مرعشی نجفی از نیم قرن پیش به تهیهٔ مدارک و منابع این تحقیق اقدام کرد و کتابهای مهم و مرجع حدیث و دیگر موضوعات مربوط به این کتاب را با مشکلات فراوان تهیه نمود . فرزند ارشد و وصی ایشان در این راه کمک فراوانی به ایشان کرد که اگر مساعدتهای ایشان نبود ، شاید کار تألیف به شکل کنونی انجام نمی‌گرفت . از همان زمان ، آیت الله مرعشی نجفی هیئتی به نام « لجنةاحقاق‌الحق » در منزل خویش منعقد نمودند ، اعضای این لجنه در آغاز کار حدود شانزده نفر بودند و بعدها تعدادشان به نوزده نفر رسید که در پایان این بحث به اسامی آنان اشاره خواهد شد .

اعضای این لجنه ، که مستقیماً زیر نظر ایشان فعالیت می‌کردند ، در آغاز به استخراج احادیث مأثوره از کتب اهل سنت و جماعت و ثبت و ضبط نکات دقیق علمی از حدیث ، کلام ، تفسیر ، تاریخ ، رجال ، درایه و غیره می‌پرداختند و به نام کتاب ، مؤلف ، محل و سال چاپ و شماره جلد و صفحهٔ مرجع و مدرک بررسی شده اشاره می‌کردند .

گروه دوم ، اقدام به نوشتن مطالب استخراج و علامتگذاری شده می‌کردند . پس از آن گروه سوم مقابله می‌نمودند و سپس گروه چهارم ، مطالب استخراج شده را در هر

Marfat.com

موضوع که بود ، با رعایت ترتیب تقدم مؤلفین ، از نظر تاریخ از قرن دوم تا عصر حاضر ، در موارد مناسب « *احقاق‌الحق* » وارد می‌کردند . در پایان گروه آخر ، نوشته‌های مذکور را دو باره مرور و بعد از تصحیح دوم و علامتگذاری مطبعی ، آمادهٔ چاپ می‌نمودند .

منابع و مآخذی که جهت این کار توسط حجت‌الاسلام والمسلمین مرعشی تهیه شده بود ، بیش از پنج هزار عنوان کتاب از مراجع اهل سنّت در فضایل و مناقب ائمهٔ اطهار(ع) و مثالب دشمنانشان و بعضی مسائل مهم فقهی ، اصولی و آراءِ آنان است . اهمیت این کار وقتی روشن می‌شود که بدانیم بسیاری از این کتابها جدّاً کمیاب و نادرالوجود و یا منحصر به نسخه‌های خطّی آنها بوده است .

مرحوم آقا خود شخصاً بیشتر این منابع را از اول تا آخر مطالعه نموده و موارد لازم را علامتگذاری و یادداشت می‌کردند و مستقیماً عملکرد اعضای لجنه را زیر نظر داشتند و تمامی مطالب با تأیید ایشان استخراج و آماده می‌گردید .

اعضای لجنهٔ احقاق‌الحق ،که‌سالهاست‌به‌این‌کار مشغول بوده ویا هستند ،عبارتنداز :

۱ . مرحوم حجت‌الاسلام میرزا علی‌اکبر ایرانی .

۲ . آیت‌الله حاج شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی (متولد ۱۳۴۵ق) .

۳ . حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسن باقری همدانی .

۴ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا تقی زرگری تبریزی .

۵ . آیت‌الله میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی .

۶ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله شهیدی قزوینی (۱۳۴۰ ـ ۱۴۱۴ق) .

۷ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا یدالله غروی تبریزی .

۸ . آیت‌الله حاج میرزا حسن غفاری نژاد تبریزی (متولد ۱۳۴۵ق) .

۹ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید موسی کوکبی تبریزی .

۱۰ . آیت‌الله حاج سید مهدی لاجوردی قمی .

۱۱ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا رسول مرزآبادی .

Marfat.com

۱۲ . آیت‌الله حاج میرزا باقر مرندی (متولد ۱۳۲۸ق) .

۱۳ . آیت‌الله حاج سید عبدالحمید مرندی (متولد ۱۳۳۵ق) .

۱۴ . مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدصادق نصیری .

۱۵ . مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا احمد مولوی همدانی .

۱۶ . آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین وشنوه‌ای (متولد ۱۳۲۹ق) .

۱۷ . آیت‌الله سید عبداللطیف قریشی کوه کمری .

۱۸ . حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا اسماعیل مروی .

۱۹ . حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی‌اصغر موحّدی همدانی .

تعدادی از شاگردان مرحوم آقا که در دروس فقه و اصول ایشان طیّ بیش از ۶۷ سال تدریس ایشان در قم از محضر معظم‌له کسب فیض نموده‌اند ، تقریرات درسی ایشان را نوشته‌اند که اشاره به همهٔ آنها مجال دیگری می‌طلبد ، امّا دومورد آن را در اینجا ذکر می‌کنیم :

۱ . *تقریرات خارج مکاسب* ، که مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ قدرت‌الله قارائی زنجانی در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته‌اند و دستنوشتهٔ ایشان اکنون در کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی موجود است .

۲ . *تقریرات کتاب قصاص* ، که حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید عادل علوی در سه جلد تنظیم و از سوی واحد انتشارات کتابخانه درحال انتشاراست .

Marfat.com

ج. خدمات فرهنگی

کارنامهٔ خدمات فرهنگی معظم‌له نیز چون شخصیّت علمی وی پربار است و موارد گوناگونی را فرا می‌گیرد که به چند مورد اشاره می‌شود :

یکم. تأسیس مدارس علمی و مراکز تحقیقی

۱ . مدرسهٔ مهدیّه واقع در خیابان باجک قم ، کوی یزدیها . بانی این مدرسه مرحوم حاج مهدی ایرانی و متولی آن آقای علی ایرانی است . سال تأسیس آن ذیقعدهٔ ۱۳۷۶ می‌باشد . طبق نظر واقف ، ادارهٔ مدرسه تحت نظر مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی قرار گرفت و توسط ایشان تعمیرات و خرید لوازم آن انجام شده است .مساحت این مدرسه در حدود ۴۵۰ متر است که سیصد متر آن زیربنا و دارای ۳۵ حجره جهت سکونت طلاب علوم دینی می‌باشد . کتابخانهٔ این مدرسه حدود دوهزار جلد کتاب دارد که توسط مرحوم آقا تهیه شده است .

۲ . مدرسهٔ مؤمنیّه واقع در خیابان چهارمردان قم ، چهارراه سجادیّه ، کوی سفیدآب، که مدرسهٔ بزرگ و مجللی است . این مدرسه در سال ۱۳۸۹ قمری تأسیس شده است . این مکان قبلاً مدرسهٔ علمیه بوده که توسط میرزا عبدالمؤمن خان ساخته شده بود ، ولی به مرور زمان از بین رفته و تخریب شده بود که معظم له آن را به صورت فعلی درآورد . ساختمان مدرسه دارای مساحت ۲۰۱۶ متر است که ۱۱۷۶ متر آن زیربنا و ۸۴۰ متر آن حیاط مدرسه است . این مدرسه در دو طبقه ساخته شده و ۷۶ حجره و مجموعاً ظرفیت ۲۲۲ نفر را دارد .

Marfat.com

معظم‌له برای استفادهٔ طلاب این مدرسه کتابخانه‌ای با حدود ۳۵۰۰ جلد تأسیس کرده است .

۳ . مدرسهٔ شهابیّه واقع درخیابان امام قم ، مقابل ادارهٔ دارایی که در زمان رژیم پهلوی سینما بود ، ولی پیش از انقلاب به دست جوانان مبارز و انقلابی شهر منفجر گردید و سپس به‌امر معظم‌له خریداری شد و در ۱۴۰۰ قمری به صورت مدرسهٔ علمیّه درآمد . مساحت آن ۴۷۵ متر است که ۳۳۳ متر آن زیر بنا در سه طبقه (غیر از زیر زمین) و دارای ۳۸ حجره جهت سکونت طلاب می‌باشد .

این مدرسه نیز دارای کتابخانه و مَدْرَس ، دو سالن جهت تدریس و سخنرانی است .

۴ . مدرسهٔ مرعشیّه ، واقع در خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم سابق) ، روبروی کتابخانهٔ معظم‌له ، که زمین آن را مرحوم حاج عباس فنائیان وقف کرد و در سال ۱۳۸۳ قمری بنیان مدرسهٔ علمیه در آن نهاده شد . مساحت آن ۴۲۰ متر است که ۶۶۰ متر زیر بنا و غیر از زیر زمین سه طبقه دارد و ۱۶۰ متر آن حیاط مدرسه است . این مدرسه دارای ۳۷ حجره و نیز دارای مَدْرَس می باشد .

غیر از مدارس یاد شده در قم ، آیت‌الله مرعشی نجفی در کمک به تعمیرات و خرید وسایل لازم مدارس شهرستانهای مختلف ایران نیز کوششهای فراوانی داشته است .

۵ . تشکیل « لجنهٔ احقاق‌الحق » که پیش از این در بارهٔ آن مطالبی به اختصار ذکر گردید .

۶ . ایجاد واحد تحقیق و انتشارات کتابخانهٔ عمومی که تاکنون بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب مهم و مرجع در بیش از سیصد جلد منتشر ساخته است .

دوم . تأسیس کتابخانهٔ عمومی

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی که عشقی سرشار به کتاب و کتابخانه‌ها داشت ، از آن زمان که در نجف اشرف مشغول به تحصیل بود ، به فکر گردآوری کتب و آثار

Marfat.com

دانشمندان و میراث بزرگ جهان اسلام و تشیع افتاد . او که شاهد به غارت رفتن منابع اسلامی و نسخ خطی بود ، نمی‌توانست ساکت بنشیند و دست روی دست بگذارد ؛ از این‌رو با اینکه توان مالی خریداری این نسخه‌ها را نداشت و نمی‌توانست با دلاّلان کتاب که برای کشورهای اروپایی این نسخ را به ثمن بخس و نازلترین قیمت خریداری و به آن کشورها می‌فرستادند ، مقابله کند ، با این حال ، لحظه‌ای درنگ نکرد و به خود تردید روا نداشت . ایشان در راه گردآوری این نسخه‌ها و آثار با مشکلات فراوانی دست به گریبان بود . برای جبران عدم توان مالی ، شبها در یک کارگاه برنج کوبی به کار می‌پرداخت و روزها روزه می‌گرفت و نماز استیجاری می‌خواند و بیشتر اوقات یک وعده از غذایش را حذف می‌کرد و درآمد حاصل این چند مورد را صرف خرید کتاب می‌نمود . گاهی هم عبا یا قبا و یا کفشهای خود راگرو می‌گذاشت ، تا کتاب مورد نظر از چنگش بیرون نرود . بر بیشتر نسخه‌های خریداری شده که از این راه به دست آمده‌اند ، چگونگی خرید آنها را با خط مبارک خود یادداشت کرده‌اند . فی المثل بر پشت چند جلد نسخهٔ خطی مرقوم داشته‌اند که آن را با حذف چند وعده غذای روزانه و یا خواندن نماز استیجاری و یاگرفتن روزهٔ استیجاری خریداری کرده‌ام . یک نمونه از آن راکه در پشت یکی از کتابها به خط مبارک خودشان مرقوم فرموده‌اند ، می‌آوریم :

کتاب *کشف‌اللغات والاصطلاحات* للعلامة الشيخ عبدالرحيم بن احمدالهندي‌البهاري‌الحنفي الشهير بـ« سور » ، الّفه باستدعاء ولده‌العلامةالشيخ شهاب‌الدين‌البهاري في سنة ۱۰۶۰ وتوفي بعدالفراغ منه بقليل ، اشتريته باجرة سنتين من‌الصلوة نيابة عن‌المرحوم الميرزا محمدالبزّازالطهراني ، بمبلغ عشرين روبية بريطانية ، وفقني‌الله تعالى لاتمام‌العمل ، وكان‌الشروع في‌الصلوة من ضحوة يوم ۲۱ من ذي القعدة ۱۳۴۲ في الغري‌الشريف ، وأناالكئيب كاتب هذه‌الاحرف في حال‌الجوع فانّي لم أتمكن من

Marfat.com

تحصيل ما أقوت به منذ عشرين ساعة فرّج الله عن كل مكروب شهاب‌الدين الحسيني المرعشي النجفي ۱۳۴۲ بمدرسة القوام من مدارس مشهد جدي اميرالمؤمنين روحي له‌الفداء .

گاهی هم برای خرید یک کتاب با دلاّلان به مقابله می‌پرداخت و اگر پیروز می‌شد ، به زندان می‌افتاد . اشاره به یک مورد از آنها برای ما و آیندگان بسیار عبرت‌انگیز است ؛ ایشان در یکی از خاطره‌های خویش چنین نوشته‌اند :

آن وقتها من در مدرسهٔ قوام که در محلهٔ مشراق نجف اشرف واقع است ، حجره‌ای داشتم . یک روز از مدرسه ، به قصد بازار ، که جنب صحن علوی بود ، حرکت کردم . در ابتدای بازار ناگهان چشمم به زنی تخم‌مرغ فروش افتاد که در کنار دیوار نشسته بود و از زیر چادر وی گوشهٔ کتابی پیدا بود . حسّ کنجکاوی من تحریک شد ، به‌طوری که مدتی خیره به کتاب نگاه کردم . طاقت نیاوردم ، پرسیدم این چیست ؟ گفت : کتاب ، و فروشی است . کتاب را گرفتم و با حیرت متوجه شدم که نسخه‌ای نایاب از کتاب *ریاض‌العلماء* علاّمه میرزا عبدالله افندی است که احدی آن را در اختیار ندارد . مثل یعقوبی که یوسف خود را پیدا کرده باشد ، با شور و شعفی وصف ناشدنی به زن گفتم این را چند می‌فروشی ؟ گفت : پنج روپیّه [آن زمان در عراق روپیّه رواج داشته است] من که از شوق سر از پا نمی‌شناختم ، گفتم : دارایی من صد روپیّه است و حاضرم همهٔ آن را بدهم و کتاب را از شما بگیرم . آن زن باخوشحالی پذیرفت . در این هنگام سر و کلّه کاظم دجیلی ، که دلاّل خرید کتاب برای انگلیسیها بود ، پیدا شد . او نسخه‌های کمیاب ، نادر و کتابهای قدیمی را به هر طریقی به چنگ می‌آورد

Marfat.com

و توسط حاکم انگلیسی نجف اشرف [در زمان تسلط انگلستان بر عراق]که گویا اسمش و یا عنوانش « میجر » [سرگرد] بود ، به کتابخانهٔ لندن می‌فرستاد . کاظم دلاّل کتاب را به زور از دست من گرفت و به آن زن گفت : من آن را بیشتر می‌خرم و مبلغی بالاتر از آنچه من به آن زن گفته بودم ، پیشنهاد کرد . در آن لحظه من اندوهگین روبه سمت‌حرم شریف امیرالمؤمنین(ع) کردم و آهسته گفتم : آقاجان من می‌خواهم با خرید این کتاب به شما خدمت کنم ، پس راضی نباشید این کتاب از دست من خارج شود . هنوز کلامم تمام نشده بود که زن تخم‌مرغ فروش ، رو کرد به دلاّل و گفت : این کتاب را به ایشان فروخته‌ام و به شما نمی‌فروشم . کاظم دجیلی ، شکست‌خورده و عصبانی از آنجا دور شد . پس من به آن زن گفتم : بلندشو برویم تا پول کتاب را بدهم . زن همراه من به مدرسه آمد ، اما در حجره بیشتر از بیست روپیه نداشتم . از این‌رو تمام لباسهای کهنه و قدیمی را با ساعتی که داشتم به فروش رساندم تا پول کتاب فراهم شد وبه آن زن دادم و او رفت . امّا طولی نکشید که کاظم دلاّل ، همراه چند شرطه [پلیس] به مدرسه حمله کردند و مرا دستگیر نموده و پیش حاکم انگلیسی (میجر) بردند . او نخست مرا به سرقت کتاب متّهم کرد و بسیار عربده کشید ، و بعد چون نتیجه نگرفت به زبان انگلیسی شروع به فحّاشی و تهدید کرد . از این کار هم نتیجه نگرفت . دستور داد مرا زندانی کنند . آن شب در زندان مدام با خدا راز و نیاز می‌کردم که کتاب در مخفیگاهش محفوظ بماند . روز بعد مرجع بزرگ آن وقت ، آیت‌الله میرزا فتح‌الله نمازی اصفهانی ، معروف به شیخ‌الشریعه ،

Marfat.com

فرزند مرحوم آخوند خراسانی را به نام میرزا مهدی ، با جماعتی برای آزادی من به نزد حاکم شهر فرستاد . بالاخره نتیجه این شد که من از زندان آزاد شوم با این شرط که در مدت یک ماه کتاب را به حاکم انگلیسی تسلیم کنم .

پس از آزادی بسرعت به مدرسه رفتم و همهٔ دوستان طلبه‌ام را جمع کردم و گفتم : باید کار مهمی انجام بدهیم که خدمت به اسلام وشریعت‌است !طلاب گفتند :چه کاری ؟ومن گفتم :نسخه‌برداری و استنساخ از روی این کتاب ، و فوراً دست به کار شدیم و قبل از مهلت مقرر چند نسخه از روی آن استنساخ گردید و من اصل نسخهٔ ریاض را برداشتم و به منزل شیخ‌الشریعه رفتم و گفتم : شما امروز مرجع مسلمین هستید و این هم کتابی است که مثل و نمونه‌اش در جهان اسلام پیدا نمی‌شود و حالا یک نفر انگلیسی می‌خواهد آن را تصاحب کند . شیخ‌الشریعه چون کتاب را دید ، چند بار به احترام کتاب از جای خود بلند شد و نشست و گفت : الله‌اکبر ، لا اله الاّ الله . بعد کتاب را از من گرفت و تا پایان مهلت مقرر نزد خود نگهداشت . جالب است که پیش از پایان مهلت مقرر حاکم وقت انگلیسی به دست عده‌ای از مردم نجف به قتل رسید و کتاب نزد شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی باقی ماند و پس از رحلت ایشان دیگر نمی‌دانم آن کتاب چه شد و به دست چه کسی افتاد .

امّا از روی آن نسخهٔ کتاب ، تعداد دوازده نسخهٔ دیگر تهیّه شد که یک نسخه نزد آیت‌الله سید حسن صدر و دیگری نزد آیت‌الله علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی باقی ماند . و نسخه‌ای هم که اینجانب استنساخ کرده بودم ، اکنون در کتابخانه موجود

Marfat.com

است و از روی همین نسخه ، چاپ کنونی *ریاض‌العلماء* انجام گرفته است . تـاریخ ایـن واقـعه بـه سـالهای ۱۳۴۰ ـ ۱۳۴۱ قـمری بـاز می‌گردد .[۱]

به این ترتیب کوششهای خستگی ناپذیر ایشان ثمره داد و بسیاری از نسـخ خـطی و کتب نادر و عزیزالوجود و گرانقدر جـمع آوری گـردید . پس از مـهاجرت بـه ایـران و سکونت در قم نیز معظم‌له به کار گردآوری نسخ خطی و خریداری کتب مهم و ارزنده ادامه دادند تا اینکه مـنزل آن حـضرت دیگـر گـنجایش کـتابهای جـمع آوری شـده را نداشت . از این‌رو در مدرسهٔ مرعشیه که به وسیلهٔ خود ایشان تأسیس شده بود ، کتابخانهٔ کوچکی تشکیل گردید و در حقیقت این کتابخانهٔ کوچک سنگ بنای اولیـهٔ کـتابخانهٔ عمومی فعلی ایشان گردید .

پس از چندی طبقهٔ سوم همان مدرسه به عنوان کتابخانه ساخته شد که در تاریخ نیمهٔ شعبان ۱۳۸۶ / ۲۵ آبان ۱۳۴۵ / ۱۰ دسامبر ۱۹۶۶ با ۱۰۳۰۰ جلد کتاب چـاپی و دوهـزار جلد خطی افتتاح گردید . امّا دیری نپایید که در اثر استقبال روز افزون مراجعه کنندگان به آن کتابخانه و کمبود فضای مناسب برای پذیرش مراجعین بیشتر و همچنین کمبود فضای لازم جهت استقرار کتابهای جدید ، که روز به روز افزایش می‌یافت ، حضرت آیت‌الله مرعشی را به‌فکر تأسیس کتابخانه‌ای جدید و مستقل و عمومی انداخت . از این‌رو قطعهٔ زمینی به‌مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل همان مدرسه در خیابان ارم (آیت‌الله مرعشی نجفی فعلی) تهیه گردید و با زیر بنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمهٔ شعبان ۱۳۹۴ / ۱۲ شهریور ۱۳۵۳ با حدود شانزده هزار جلد کتاب چاپی و خطی و با حضور مـعظم‌له و جمعی از علما و فضلا و مردم قم افتتاح گردید . از آن پس کار خریداری کتب ، بیش از پیش ادامه یافت و مرحوم آقا و فرزند ایشان ، حجت‌الاسلام والمسلمین مرعشی ، تلاش فراوانی در جهت گسترش کتابخانه انجام دادند . گسترش روز افـزون کـتابها و اسـتقبال

---

۱ . یادداشتهای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به نقل از فرزند ارشد ایشان .

Marfat.com



Marfat.com

کر مشکل کمبود فضای مناسب مطالعه و مخزن برای استقرار کتب ، هرچه بیشتر
ا نشان داد ؛ این بود که معظم‌له و فرزند ایشان ، که تولیت کتابخانه را به عهده
د ، به دنبال راه چاره افتادند و مذاکراتی با حضرت امام خمینی (ره) و مسئولین
انجام گرفت و حضرت امام ، طی حکمی دولت وقت را مأمور فراهم ساختن
ت گسترش کتابخانه نمودند . سپس قطعه زمینی در کنار کتابخانه در چند نوبت و در
ع با ۲۴۰۰ متر مربع فراهم گردید و کلنگ بنای آن توسط آقا در ۲۰ ذی‌الحجهٔ
۲۳ / ۱۴ تیر ۱۳۶۹ ژوئیه ۱۹۹۰ طی مجلس باشکوهی ، که جمع بسیاری از علما ،
طلاب و مسئولین در آن شرکت داشتند ، به زمین زده شد و کارهای ساختمانی
چند مرحله آغاز گردید . در مرحلهٔ اول طرح توسعهٔ جدید ، حدود شانزده‌هزار
ع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰
طی در نظر گرفته شد که امید می‌رود در صورت تأمین اعتبار کافی در سال
ل / ۱۹۹۶م آمادهٔ بهره‌برداری گردد .

کتابخانه از همان آغاز به خاطر نسخه‌های خطی نفیس و ارزشمند و گاه منحصر
کتب قدیمی مهم و کمیاب مورد توجه بیش از حد دانشمندان و شخصیتها و مراکز
تحقیقی داخل و خارج کشور قرارگرفت ؛ چنان که هم اکنون این کتابخانه از
جهانی برخوردار است و با چهارصد مؤسسه ، مرکز علمی ، دانشگاه و کتابخانه
ر جهان ارتباط مبادلاتی و فاکسی دارد و هر روز میزبان گروه زیادی از طالبان
نشمندان ، محققان و نویسندگان سراسر جهان است .

شهرت بیشتر مدیون کوششها و زحمات پیگیر حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی
طی بیش از هشتاد سال خون دلها خورد و رنجها کشید تا این مجموعهٔ گرانقدر و

تلاشهای خالصانه و عاشقانهٔ فرزند ارجمند ایشان ، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی ، تولیت کتابخانه است که از همان آغاز افتتاح تاکنون یاروفادار پدر خود بود و یک لحظه در گسترش و رشد فزایندهٔ این کتابخانه و منابع آن از پای ننشست و سخت کوشید تا سرانجام کتابخانه را به این موقعیت مهم جهانی رسانید .

یکی از برکات کتابخانه ، احیاکردن آثار و تألیفات علما و فقها و دانشمندان شیعی و اسلامی است که قبلاً به آن اشاره کردیم .

سوم . مساعدت به کتابخانه‌ها ، مراکزعلمی و دانشگاهی

آیت‌الله مرعشی نجفی ، که سخت شیفتهٔ دانش و حکمت و کتاب و کتابخانه و دانش‌پژوهان بود ، از همان سالهای آغازین سکونت در قم به فکر تشکیل کتابخانه‌های مختلف و مساعدت به کتابخانه‌های موجود و مراکز علمی و دانشگاهی افتاد . از این‌رو ، از مجموعهٔ کتابهایی که با رنج زیاد فراهم نموده بود ، تعداد ۲۷۸ نسخهٔ خطی نفیس را به کتابخانهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) دانشگاه تهران ، اهداکرد که تفصیل آن در مقدمهٔ جلد اول فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه آمده است . همچنین شمار زیادی از نسخه‌های خطی و کتب چاپی را به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی ، آستانهٔ حضرت معصومه (س) ، آستانهٔ حضرت عبدالعظیم در شهر ری ، آستانهٔ شاهچراغ در شیراز ، مدرسهٔ فیضیّه در قم و دهها کتابخانهٔ داخلی و خارجی اهدا کردند . مساعدت و اهدای کتاب توسط معظم‌له نه تنها شامل این کتابخانه‌ها بود ، بلکه هر کتابخانه‌ای که در گوشه‌ای از ایران و یا خارج از ایران توسط شیعیان و مسلمانان بنیان نهاده می‌شد ، از طرف ایشان هم کمکهای مالی انجام می‌گرفت و هم کتابهای بسیاری به آنها هدیه می‌شد . کار اهدای کتب ، که اثر خیری از ایشان بود ، اکنون نیز توسط فرزند ایشان و تولیت کتابخانه ، به پاس حرمت پدر بزرگوارش انجام می‌گیرد .

چنان که قبلاً اشاره شد ، معظم‌له چندین مدرسهٔ علمیه را در قم بنیان نهادند که برای

Marfat.com

مشکوة ، محمدقزوینی ، عباس اقبال آشتیانی ، بدیع‌الزمان فروزانفر ، محمدتقی مدرس رضوی ، محمود شهابی ، جلال‌الدین همایی ، ناظرزادهٔ کرمانی و دانشمندان و اساتید دیگری روزهای جمعه از تهران به قم می‌آمدند و در منزل معظم‌له به مطالعهٔ مجموعهٔ نفیس ایشان و مباحثات علمی می‌پرداختند . این رفت وآمدهای مکرر اساتید دانشگاه تهران به منزل ایشان نوعی ارتباط دوستانه‌ای بین دانشگاه و حوزهٔ علمیهٔ قم به‌ارمغان آورده بود .

مکاتبات مکرر ایشان با اساتید دانشگاه و شخصیتهای علمی کشور نیز نقش ارزنده‌ای در ارتباط بین حوزه و دانشگاه داشته است . همچنین تأسیس کتابخانهٔ عمومی ایشان در قم و اهدای کتاب به برخی از کتابخانه‌های دانشگاهی نقش مهمی در کشاندن دانشگاهیان به قم و علاقه‌مندی آنان به این حوزه و علمای بزرگ آن داشته است .

Marfat.com

د. بعد تبلیغی وارشادی

تبلیغ و ارشاد از وظایف مسلّم علما و فقها و بالاخص مراجع بزرگ تقلید و رهبران فکری و علمی شیعه است . از این‌رو می‌بینیم که علما و فقها و مراجع بزرگ نقش بسیار ارزنده و مهمی را در این راه ایفا کرده‌اند . حضرت آیت‌الله مرعشی در این قسمت نیز همیشه پیشتاز بوده است و رسالت خویش را در امر تبلیغ و ارشاد ، به درستی و شایستگی در چند مرحله به این شرح انجام داده است :

مرحلهٔ نخست . پاسداری از ارزشهای اسلامی و شعائر مذهبی

یکی از وظایفی که آیت‌الله مرعشی سرلوحهٔ زندگی و برنامه‌های خویش قرارداده بود و طی حیات با برکت خویش سخت روی آن پافشاری می‌کرد و شدیداً به آن پایبند و دل‌بسته بود ، حفاظت و حراست از دستاوردهای اسلام و شیعه و قوانین و مقررات شریعت پاک و شعائر مقدس مذهبی بود . ایشان این وظیفهٔ مقدس را با برنامه‌ریزی منظم و دقیق از چند راه به بهترین وجه ممکن انجام می‌داد :

۱. تألیف و تصنیف و نشر آثار اسلامی

نگاهی کوتاه به آثار و تألیفات معظم‌له که پیش از این از آنها یاد شد ، روشن می‌سازد که ایشان از همان آغاز جوانی که هنوز مسئولیت زعامت و مرجعیت نداشتند ، برای پاسداری از مجموعهٔ قوانین و مقررات اسلامی و دستاوردهای پیامبر(ص) و ائمهٔ طاهرین و در جهت روشنگری جامعهٔ اسلامی و بیان صحیح اعتقادات ، احکام و اخلاق

Marfat.com

اسلامی ، دست به تألیف و تصنیف کتب مختلف زد و در زمینه‌های گوناگون اسلامی ، بویژه اعتقادات ، کتابها و رساله‌ها و مقاله‌های کوچک و بزرگ علمی و متقن تألیف نمود که تنها کتاب دائرةالمعارف‌گونهٔ ایشان به نام *ملحقات احقاق‌الحق* به بیش از پنجاه جلد بالغ می‌گردد . معظم‌له در این کتاب و دیگر کتب و رساله‌های روشنگرانهٔ خود با بهترین شیوه به بیان موضوع و ارائهٔ سند پرداخته است . شمار این تألیفات و آثار نشانگر توجه عمیق ایشان نسبت به پاسداری از حریم اسلام و تشیع می‌باشد .

۲. پاسخگویی به سؤالات گوناگون

طیّ دوران زعامت و مرجعیّت ایشان و حتی پیش از آن ، نامه‌ها و سؤالهای گوناگونی در بارهٔ مسائل و موضوعات مختلف اسلامی و شعائر مذهبی ، از افراد مختلف دانشمند و عامی و از مناطق متعدد به حضور ایشان می‌فرستادند و از ایشان راجع به مسائل اعتقادی ، فلسفی ، ادیان و مذاهب ، اخلاق ، احکام ، ادعیه و زیارات ، انساب ، تاریخ ، شناخت بزرگان اسلام ، اهل بیت رسول‌الله(ص) و علوم و فنونِ مختلف ، سؤال می‌کردند و ایشان در کوتاهترین کلمات و جملات و با بهترین اسلوب و ارائهٔ سند به آنها پاسخ می‌داد . از باب نمونه از ایشان راجع به مسألهٔ امامت و ولایت ، روا یا ناروا بودن کتابت *قرآن* به‌حروف لاتین ، چگونگی برگزاری مراسم عزاداری سرور شهیدان حضرت امام حسین(ع) ، آداب نیایش و زیارات ، شجرهٔ امامزادگان و سادات و عشایر و بیوتات منسوب به آل محمد(ص) ، حجاب ، اسناد برخی از دعاها و احادیث و صدها موضوع دیگر سؤال شده که معظم‌له طیّ نامه‌های مفصل و یا کوتاه و یا اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مختلف به جواب پرداخته‌اند و حتی رساله‌هایی نیز در این‌گونه مسائل نوشته‌اند ؛ مانند *اجوبةالمسائل الرازیّة* که در آن راجع به نجاست الکل ، جواز عکسبرداری ، جواز تشریح اموات در مدارس طبّی ، محل احرام کسانی که با هواپیما به مکه سفر می‌کنند و مانند اینها سخن رفته ، و رسالهٔ *اجوبةالمسائل العلمیة والفنون‌المتنوّعة* که از حریم شعائر مذهبی و

Marfat.com

دستورات دینی حراست نموده‌اند . در اثر تبلیغات و ارشادات معظم‌له گروه زیادی از یهودیان ، مسیحیان و بابیان ، مسلمان و به مذهب جعفری و شیعهٔ اثنی‌عشری پیوسته‌اند .

۳. تأسیس یاتعمیر مساجد ،حسینیه‌ها ، قبور امامزادگان وبزرگان اسلام وتشیع

مساجد به‌عنوان نخستین پایگاههای توحید و تبلیغ اسلام ، و حسینیه‌ها و تکایا به‌عنوان مراکز وعظ و ارشاد وذکر فضایل اهل بیت عصمت و طهارت(ع) ،قبور و مراقد امامزادگان و بزرگان به عنوان مراکز نیایش ، دعا ، عرفان و معنویت ، از دیرباز مورد توجه علما و فقهای اسلام بوده است و حضرت آیت‌الله مرعشی نیز که سخت شیفتهٔ اسلام و اهل بیت(ع) بود ، شدیداً به این مراکز اسلامی اهتمام داشت . از این‌رو مجدّانه در امر تأسیس و بازسازی صدها مسجد ، حسینیه و دیگر مراکز مذهبی کوشید که شمارش آنها سخن را به درازا می‌کشاند . به دو مورد اشاره می‌کنیم :

یک . حسینیهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی ، در جنب منزل ایشان که به امر معظم‌له و از ثلث مرحوم حاج غلامحسین اسلامبولچی با سعی و کوشش حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی در سال ۱۳۹۹ قمری ساخته شد و در اعیاد اسلامی ، موالید و وفیّات ائمّه ، برای تبلیغ ، وعظ و ارشاد مورد استفاده قرار می‌گیرد و مدتی هم مرحوم آقا خارج اصول را در این حسینیه تدریس می‌کرد و هم اکنون روزانه آقایان مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم از بامداد تا غروب آفتاب در آن به تدریس اشتغال دارند .

دو . بازسازی مرقد مطهر عالم بزرگوار و جلیل‌القدر شیعه علامهٔ مجلسی در اصفهان ،که به امر ایشان بازسازی و تعمیر اساسی گردید و به صورت آبرومندانه‌ای درآمد و هم اکنون زیارتگاه عاشقان علما و فقها و محدثان اسلام و تشیع است .

۴. اهداء و ارسال کتب

یکی دیگر از راههای اشاعهٔ اسلام و ترویج مذهب حقّه جعفری و تبلیغ شعائر دینی ،

Marfat.com

که معظم‌له تا پایان عمر با برکت خود به آن پایبند بود ، اهدای تألیفات و آثار علما و فقهای اسلام ، بویژه شیعه ، برای شخصیتهای علمی ، دانشمندان فرق گوناگون اسلامی و دیگر ادیان ، مراکز تحقیقی و دانشگاهی و مؤسسات عام‌المنفعه بود . معظم‌له برای معرفی معارف اسلام راستین ، کوشش می‌کرد آثار و تألیفات علمای شیعه را در زمینه‌های گوناگون جمع آوری کند و آنهارا برای دانشمندان و علمای اسلامی در مصر ، سوریه ، حجاز ، عراق ، ترکیه ، هند ، پاکستان ، افغانستان ، یمن ، مراکش ، تونس ، الجزائر ، لبنان و دیگر کشورها ، ارسال نماید . نمونه‌های بسیاری از نامه‌های تشکر آمیز دانشمندان اسلامی و دانشمندان دیگر ادیان ، مانند مسیحیان ، در قبال ارسال کتاب برایشان ، هم اکنون موجود است .

مرحلهٔ دوم. مسافرتها و ارتباط با دانشمندان

سیر و سفر در تکامل و رشد انسان بسیار مفید است و اسلام به آن اهمیت فراوان داده و تأکید و توصیهٔ بسیاری به پیروان خویش نموده است . در آیهٔ ۱۱ سورهٔ انعام آمده است : «قُلْ سيرُوا في‌الاَرْضِ ثُمَّ‌انْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ‌الْمُكَذِّبين» . این سیر در آفاق برای تکمیل نفوس بشری ، تحصیل علوم و آداب ، کسب معیشت ، تجربه‌اندوزی و عبرت‌آموزی بسیار لازم و مفید است . خداوند در آیهٔ ۱۲۳ سورهٔ توبه ، مؤمنان را به سفرهای آموزشی و علمی ، جهت کسب معارف اسلامی و فقاهت در دین امر می‌کند : «وَما كانَ‌الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كافَّةً فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا في‌الدّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ اِذا رَجَعُوا لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» .

در شعری منسوب به حضرت علی(ع) برای مسافرت کردن پنج فایده شمارش شده که بسیار معروف است :

تَغَرَّبْ عَنِ الْاَوْطانِ في طَلَبِ الْعُلىٰ وَسافِرْ فَفي الاَسفارِ خَمْسَ فَوائِدٌ
تَفَرُّجِ هَمٍّ ، وَاْكْتِسابِ مَعيشَةٍ وَعِلْمٍ وَاٰدابٍ وَ صُحْبَةَ مٰاجِدٌ

Marfat.com

در ادب فارسی نیز چنین آمده است :

هرکس که سفر کند ، پسندیده شود　　خاک قدمش ، سرمهٔ هر دیده شود
پاکیزه تر از آب ، نباشد چیزی　　جایی که وطن نمود ، گندیده شود

از این‌رو می‌بینیم عالمان و دانشمندان عموماً ، و علما و فقهای اسلامی خصوصاً ، به این امر توجه داشته‌اند و به توصیه‌های اسلام نسبت به سیر و سفر در آفاق عمل نموده‌اند . کسانی چون ابوریحان بیرونی (۳۲۶ـ ۴۴۰ق) ، ابن جبیر (۵۴۰ـ ۶۱۴ق) ، یاقوت حموی (۵۷۵ـ۶۲۶ق) ، ابن بطوطه (۷۰۲ـ ۷۷۷ق) ، ابن خلدون (۷۳۲ـ۸۰۸ق) و صدهاتن از علمای اسلامی به سیر و سفر پرداخته‌اند و برخی از آنها آن قدر مسافرت کرده‌اند که عنوان « رحّالة » یافته‌اند و سفرنامه‌هایی نوشته‌اند که به نام « الرحلة » معروف است و آقا بزرگ تهرانی به برخی از آنها اشاره کرده است .(۱)

آیت‌الله مرعشی نجفی که خود از برآمدگان این مکتب است ، از همان آغاز جوانی دست به مسافرتهای علمی ـ تحقیقی بسیاری زده است و اساتید ، مشایخ و دانشمندان بزرگی را در این مسافرتها ملاقات و از آنها کسب فیض نموده است . معظم‌له به شهرهای مختلفی در عراق ، ایران و سایر کشورها سفر نموده و با دانشمندان معروفی ، مانند علاّمه سید محمود شکری آلوسی بغدادی ، شیخ طنطاوی جوهری مصری ، علاّمه سید علی خطیب ، سید یاسین حنفی ، انستانس کرملی بغدادی ، شیخ عبدالسلام شافعی کردستانی ، سید ناصر حسین هندی فرزند میر حامد حسین صاحب کتاب معروف *عبقات‌الانوار* ، تاگور فیلسوف مشهور هندی ، میرزا احمد تبریزی سرسلسلهٔ فرقهٔ ذهبیّه ، میرزا عنایت‌الله اخباری ، پروفسور کربن فرانسوی ، حاج زین‌العابدین خان ابراهیمی کرمانی ، سید محمد بن زبارهٔ حسنی یمنی زیدی وزیر امام یحیی یمنی زیدی ، سید جمال‌الدین کوکبانی یمنی زیدی ، مسیوگدار فرانسوی ، دکتر فؤاد سزگین آلمانی ، سید ابراهیم رفاعی راوی بغدادی ، رشید بیضون لبنانی ، سید محمد رشید رضا شاگرد

۱ . الذریعة ، ج ۱۰ ، ص ۱۶۵ـ ۱۶۶ و ج ۱۳ ، ص ۱۸۵ـ ۱۹۰ .

Marfat.com

محمدعبده مصری و صاحب تفسیر *المنار* ، عارف‌الزین مدیر مجلهٔ *العرفان* در لبنان ، قاضی بهجت افندی صاحب کتاب *تاریخ آل محمد*(ص) ، دکتر حسن قاسم مصری ، شیخ ابراهیم جبالی از علمای بزرگ ازهر مصر ، شیخ یوسف دجوی مصری ، شیخ محمد بهجة‌البیطار دمشقی ، پروفسور ولستر انگلیسی و صدها دانشمند دیگر ملاقات نموده و از آنها دانش آموخته و یا اجازهٔ روایتی دریافت کرده و یا با آنها به مباحثات علمی پرداخته است . این مسافرتها عموماً جنبهٔ آموزشی و پژوهشی داشته است که به چند دسته تقسیم می‌شود :

۱. مسافرت به شهرهای عراق

گویا نخستین مسافرت علمی و آموزشی ایشان پیش از رحلت پدرشان در نجف اشرف انجام گرفته است که آیت‌الله مرعشی در ۲۱ سالگی و در ۱۳۳۶ قمری به همراه دوست دیرین خود ، آیت‌الله شیخ محمد حسین شیرازی ، به سامرا سفر کرد و بیش از سه سال در آن شهر به فراگیری دانش نزد علما و دانشمندان آن دیار پرداخت و اطلاعات بسیار و تجربیات گرانقدری را به دست آورد . ایشان در این شهر با طلاب علوم دینی اهل تسنن طرح دوستی ریخت و به نزد آنان رفت و با آنها به مباحثه پرداخت و چند مدت هم با شیخ عبدالسلام کردستانی ملاقات کرد و از وی استفاده نمود و با او نیز مباحثاتی در مورد مسائل اسلامی به بهترین شکل انجام داد ؛ چنان که وی را متمایل به مذهب تشیع نمود و به تصریح خود معظم‌له در یکی از تقریرات خویش به ابن‌العلم اهوازی ، این شیخ به او اجازهٔ روایتی داد و در سال ۱۳۵۶ قمری در قم به نزد معظم‌له آمد و شیعه شد . همچنین با شیخ نورالدین شافعی ، معروف به شیخ نوری ، نیز در این شهر ملاقات کرد .

در ۱۳۴۰ قمری به کاظمین و بغداد سفر نمود و در این دو شهر با شخصیتهای معروفی ، مانند سید ابراهیم رفاعی بغدادی شافعی ملاقات کرد و از کتابخانه‌های جامع

Marfat.com

مرجان ، جامع اعظم ابوحنیفه ، آلوسیها و چند کتابخانهٔ دیگر بازدید به‌عمل آورد و با رؤسای برخی از فرقه‌های مذهبی نیز ملاقات نمود .

در همین سال به کربلا رفت و از شیخ عبدالهادی مازندرانی اجازهٔ شفاهی گرفت . در این شهر مقدس با حاج میرزا موسی اسکوئی تبریزی ، میرزا محمد ثقةالاسلام تبریزی و برادر او ، میرزا محمد تبریزی ، که از رؤسای فرقهٔ شیخیّه بودند ، ملاقات و با آنان مباحثه نمود و از عقایدشان آگاهی یافت .

ایشان به دیگر شهرهای عراق ، مانند حلّه ، موصل ، العمارة ، کوت ، بصره ، عشّار ، سماوه ، حیرهٔ قدیم ، کوفه ، مسیّب ، دجیل ، زبیر و برخی از شهرهای کوچک و بزرگ دیگر عراق نیز سفر نمود و طی این مسافرتها با شخصیتهای علمی و مذهبی ملاقات کرد .

۲. مسافرت به شهرهای ایران

معظم‌له در ۱۳۴۲ قمری ، به قصد زیارت حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) به ایران عزیمت نمود و در همان سال وارد کرمانشاه گردید . سپس به شهرهای مختلفی ، چون کرند ، کنگاور ، اسدآباد ، همدان ، قروه ، اراک ، تهران ، دماوند ، فیروزکوه ، قزوین ، خرّم‌درّه ، ابهر ، زنجان ، میانه ، تبریز ، مراغه ، اردبیل ، خوی ، مرند ، شاهرود ، سبزوار ، سمنان ، دامغان ، نیشابور و مشهد مقدس سفر نمود و در همین سال وارد تهران گردید و در ۱۳۴۳ قمری به قم مهاجرت و در آنجا برای همیشه سکونت نمود . ایشان در کرمانشاه از شیخ هادی بن شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی اجازهٔ شفاهی روایتی دریافت کرد .

در ۱۳۴۴ قمری بار دیگر به همدان رفت و با سید عبدالحسین بن سید فاضل لاری ملاقات و از وی اجازهٔ روایتی گرفت و کتاب *الکنزالمرصود في قواعدالتلمود* چاپ مصر را ، که بسیار نادر و کمیاب بود ، خریداری نمود .

در ۱۳۴۵ قمری به‌اصفهان واز آنجا به شیراز رفت ودر این‌شهر با شیخ عبدالحسین

Marfat.com

شیرازی ، حاج میرزا عبدالباقی ملاّباشی شیرازی ، شیخ جعفر محلاتی و دیگر علمای آن شهر ملاقات کرد . سپس به شهرهای اصطهبانات ، بوانات ، جهرم ، کازرون ، دالکی و بوشهر مسافرت کرد و بهره‌ها و تجربیات و اطلاعات ارزشمندی به دست آورد .

در ۱۳۳۹ قمری بار دیگر به اصفهان رفت و مدّت چهار ماه در آن شهر اقامت نمود . طی سالهای ۱۳۵۰ ـ ۱۳۵۱ قمری دو بار دیگر به اصفهان و شیراز رفت و در اصفهان یک‌هفته در گورستان تخت فولاد ماند و سنگ نوشتهٔ قبرهای علما ، ادبا ، شعرا و سادات و امامزادگان را بدقت بررسی و متن آن را یادداشت نمود و بسیاری از قبرها را که مجهول بودند مورد شناسایی قرار داد . سپس به گورستانهای واقع در آب بخشان ، ستّی فاطمه ، چولمان ، سنبلان ، جوباره ، جعفریه ، امامزاده اسماعیل ، هارون ولایت ، امامزاده احمد و مقبرهٔ علامهٔ مجلسی نیز سرکشی نمود و به کشفیات بسیاری دست یافت که بسیار مفید بود . برخی از یادداشتهای سفر وی در ذیل کتاب *تذکرةالقبور* آخوند گزی اصفهانی به چاپ رسیده‌اند و یادداشتهای کامل این سفر به نام *الرحلةالاصفهانیّة* یا سفرنامهٔ اصفهان به صورت دستنوشته می‌باشد .

سخن در بارهٔ سفرهای ایشان و دستاوردهای آن بسیار است که ان‌شاءالله در زندگینامهٔ تفصیلی ایشان به صورت کامل خواهد آمد ، امّا در اینجا ناگزیریم اشاره کنیم که چون ایشان در صدد تهیهٔ کتابی در زمینهٔ ملل و نحل و بیان ادیان و مذاهب ، شبیه *ملل ونحل* شهرستانی بود ، به این سفرهای تحقیقی دست زد و با رهبران مذاهب گوناگونی ، مانند علمای اهل سنّت (شافعیّه ، مالکیّه ، حنفیّه و حنبلیّه) ، زیدیّه ، اسماعیلیّه ، شیخیّه ، کریمخانیّه ، اخباریّه ، عرفا و صوفیّه ، قادیانیّه ، کسرویّه ، صائبیّه ، نصارا ، یهود ، زرتشتیها ، یزیدیّه ، نصیریّه ، خوارج (اباضیّه) ، طاهریّه ، بودائیان ، سیکها ، خاخول و رؤسای برخی فرقه‌های دیگر ملاقات نمود و با آنها مذاکرات و مباحثاتی انجام داد و نسبت به اصول عقاید آنان اطلاعات ارزشمندی به دست آورد که هم اکنون به صورت دستنوشته‌های پراکنده در کتابخانهٔ ایشان موجود است .

Marfat.com

۳. مسافرت به هند

آیت‌الله مرعشی نجفی مسافرتی هم به هند داشته و در شهر بمبئی با علما و دانشمندان اسلامی و مذاهب گوناگون بودایی و هندی ملاقات کرد و باکوله باری از دانش و تجربه به ایران آمد .

ایشان در سال ۱۳۴۵ قمری در قم ، به امر آیت‌الله‌العظمی حائری ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم ، به استقبال فیلسوف و شاعر هندی تاگور رفت و با او مباحثاتی انجام داد . همچنین در ۱۳۵۵ قمری ، هنگامی که سید محمد بن زبارهٔ حسنی زیدی یمانی وزیر امام یحیی یمنی سلطان مقتول یمن به شهر قم آمد ، باز هم به دستور مؤسس حوزه ، با او ملاقات کرد و به سؤالات او در زمینه‌های گوناگون ، بویژه در انساب ، که تخصص وی بود ، جواب داد و از ایشان اجازهٔ روایتی دریافت کرد .

مرحلهٔ سوم . مکاتبه به عنوان عامل وحدت

یکی دیگر از کارهای تبلیغی و ارشادی آیت‌الله مرعشی نجفی ، نقش برجسته‌ای است که معظم‌له در وحدت میان علمای مذاهب مختلف اسلامی داشته و در تحقق این امر کوشیده است . نامه‌ها و نوشته‌های فراوانی در میان اسناد زندگینامهٔ ایشان موجود است که نشان می‌دهد معظم‌له مکاتبات فراوانی با دانشمندان و علمای مذاهب مختلف اسلامی داشته است . این مکاتبات در ایجاد وحدت و اخوّت اسلامی ، تقریب مذاهب و ایجاد زمینهٔ تفاهم و مودّت نقش بسیار ارزنده و مؤثری در آن دوره بازی کرده است که به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می‌کنیم :

ایشان مکاتبات متعددی با رئیس جمعیّت اخوّت اسلامی مصر ، علاّمه شیخ طنطاوی جوهری (م۱۳۵۸ق) صاحب تفسیر *التاج‌المرصّع بجواهرالقرآن والعلوم* ، معروف به تفسیر *الجواهر في تفسیرالقرآن‌الکریم* ، واز اساتید برجستهٔ جامع الازهر قاهره ، داشته است . در

Marfat.com

یکی از این مکاتبات ، علامهٔ طنطاوی به تاریخ ۱۹ ربیع الاول ۱۳۵۸ (بیش از نیم قرن پیش) در پاسخ ارسال نامه و کتاب *شرح صحیفهٔ سجادیّه* و کتب دیگر ، که از سوی معظم‌له برای ایشان فرستاده شده ، به نمایندگی از جمعیّت اخوّت اسلامی قاهره چنین نوشت :

حضرت استاد ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی ، مشهور به نجفی ، نسّابهٔ آل الرسول(ص) ، سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد ، تلگرام شریف مدتی است عزّ وصول بخشیده است . شما در این تلگرام یادآور شده‌اید آیا کتاب *ریاض السالکین* شما در شرح *صحیفهٔ امام زین العابدین*(ع) فرزند حسین السبط(ع) ، که توسط علاّمه سید علی بن معصوم ، صاحب کتاب *سلافة العصر* که در نوع خود بی‌نظیر و یگانه است ، به دست ما رسیده است یا خیر ؟ به عرض آن جناب می‌رسانم که آن کتاب ارزشمند و نفیس به من رسیده است و آن را توسط سید محسن اعظمی به حضور جمعیّت اخوّت اسلامی تسلیم نموده‌ام و در کتابخانهٔ آن جمعیّت قرار گرفته است . زیرا اگر در آن کتابخانه باشد نفع آن عمومی و پر دوام و ماندگار است . این جمعیّت خوشوقت خواهند بود اگر لطف نمایید و کتابهای دیگری از این نمونه که در کشور شما موجود است و می‌تواند به نوعی در ایجاد تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش مؤثری ایفا کند به آدرس این جمعیت ارسال فرمایید . در پایان بهترین تحیّات و درودهای مرا بپذیرید .

مخلص شما : طنطاوی جوهری

رئیس هیئت جلسات تحریر

هدف از این مکاتبات نخست اعلام کلمهٔ اهل بیت(ع) و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در ممالک اسلامی بوده است و دوّم ایجاد وحدت و اخوّت اسلامی .

Marfat.com

ه. خدمات اجتماعی

یکی دیگر از جلوه‌های شخصیّت بابرکت آیت‌الله مرعشی انجام امور خیریّه و خدمات عام‌المنفعهٔ اجتماعی است که معظم‌له در این قسمت نیز پیشتاز بود. ایشان به مصداق آیات «والباقِیاتُ‌الصّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَخَیْرٌ اَمَلاً - یا - وَخَیْرٌ مَّرَدّاً»[1] در انجام کارهای عام‌المنفعه و اعمال صالح خداپسندانه، که اجر آن نعمت ابدی و عاقبتی نیکو و ارزنده به همراه دارد، کوشش داشت. وی می‌کوشید تا آنجا که ممکن است، به دردها و آلام مردم محروم و ستمدیده و نیازمند رسیدگی نماید و از شدت اثرات آن بکاهد و احتیاجات شخصی و اجتماعی آنان را بر طرف سازد. کارنامهٔ خدمات اجتماعی ایشان، چون دیگر خدمات ایشان، بسیار درخشان و به جاماندنی و جاودانه است که در این مختصر به برخی از مهمترین آنها فهرستوار اشاره می شود:

۱. ساخت و تجدید و تعمیر مدارس، مساجد و حسینیه‌ها

در بعد خدمات فرهنگی ایشان، اجمالاً به برخی از خدمات ایشان در بنیاد، تجدید و تعمیر مدارس علوم دینی، مساجد، حسینیّه‌ها، آب انبارها، بقاع متبرکه و قبور علمای اسلام اشاره کردیم که معظم‌له صدها مسجد، حسینیه و مدرسه را در ایران و کشورهای هند، پاکستان، امیر نشینهای خلیج فارس و برخی کشورهای دیگر به افراد خیّر و نیکوکار اجازهٔ ساخت و یا تعمیر داده‌اند و یا اینکه خود اقدام کرده‌اند. از باب نمونه ایشان در قم، مسجد راه آهن را که متفقین در زمان جنگ به عنوان کلیسا قرارداده

---

۱. سورهٔ کهف، ۴۶ و سورهٔ مریم، ۷۶.

Marfat.com

بودند ، پس از رفتن آنان به عنوان مسجد تجدید بنا کرد و همچنین مسجد راه آهن ازنا را بنیان نهاد و یا مقبرهٔ علامهٔ مجلسی را در اصفهان از نو بنا کرد و نمونه‌های دیگری که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست .

۲. بیمارستان و درمانگاه

معظم‌له در قسمت امور درمانی و بیمارستانی نیز یا خود شخصاً اقدام کرده ویا به افراد خیّر و نیکوکار اجازه داده است که از باب وجوهات بسازند ؛ از جمله بیمارستان کامکار در قم که مرحوم کامکار به اجازهٔ ایشان آن را تأسیس کرد ، و یا درمانگاه جدّا راکه در بیمارستان نکویی قم بنیان نهاد . یاکمک ایشان به مخارج ضروری آسایشگاه معلولین قم ، واقع در جادهٔ سراجه ، و یاکمک به مخارج ماهیانه بیمارستان سهامیهٔ قم در ۱۳۴۳ شمسی و مدتی پس از آن . یا ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی که خود معظم‌له ساختند و یا مرکز توانبخشی و بهزیستی واقع در میدان امام قم که زمین آن را مرحوم حاج آقا طاهری قزوینی به معظم‌له واگذار نمود و ایشان آن را وقف امور خیریّه کردند که به‌عنوان مرکز توانبخشی (بهزیستی) ویا « دارالشفای آل محمد(ص) » ساخته شد و هم‌اکنون از آن بهره‌برداری می‌گردد .

۳. تهیهٔ مسکن طلاب علوم دینی قم

معظم‌له غیر از تأمین مهرنان ماهانهٔ طلاّب در قم و برخی از حوزه‌های علمیهٔ شهرستانها ، و غیر از مبالغ تقسیمی که به صورت دوره‌ای هراز مدتی بین طلاب تقسیم می‌کردند ، به فکر تأمین مسکن طلاب نیز بودند . از این رو در انتهای خیابان طالقانی (آذر سابق) در قم ، اقدام به ساختن ۱۴۰ باب خانه برای طلاب کردند که در قطعات کوچک وبزرگ به‌صورت یک شهرک ساخته شد ودر اختیار طلاب محروم قرار گرفت . این شهرک هم‌اکنون به‌عنوان کوی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی معروف است .

Marfat.com

۴. امور خیریّهٔ دیگر

کارها و امور متفرقه‌ای مانند کمک به سازمان آب منطقه‌ای قم در ۱۳۵۸ شمسی و پرداخت مبالغ زیادی به آن سازمان ، احداث واحد موتور برق امامزاده سلطان علی بن امام محمد باقر(ع) واقع در اردهال کاشان در ۱۳۸۱ قمری ، کمک به زلزله‌زدگان ، سیل‌زدگان ، پناهندگان جنگ تحمیلی ، مساعدت به لوله کشی ، برق‌کشی و تهیهٔ وسایل و لوازم منزل صدها طلبهٔ فقیر و سایر افراد محروم در قم و دیگر شهرستانها و ادای دیون و قرضهای هزاران طلبه در حوزه‌های علمیه و صدها نمونهٔ دیگر از این قبیل امور خیریّه ، از دیگر کارهای معظم‌له است که آنهارا با سعهٔ صدر انجام داده‌اند .

Marfat.com

و. مبارزات سیاسی

اندیشهٔ سیاسی ، مجاهدات حق‌طلبانه و مبارزات آزادیخواهانهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی را نمی‌توان جدای از بستر حوادث تاریخی و محیط زندگی وی مورد بررسی قرار داد . از این‌رو درنگی کوتاه در زمان تولد ، زادگاه ، محیط تربیتی ، اجتماعی و جغرافیایی محل زیست معظم‌له ، به ما در شناخت چگونگی شکل‌گیری شخصیت و اندیشهٔ سیاسی ایشان کمک می‌کند .

آیت‌الله مرعشی درست در کوران حوادث سیاسی جهان اسلام و اندکی پس از مبارزات سیاسی آیت‌الله‌العظمی حاج میرزا محمدحسن شیرازی ، معروف به مجدد شیرازی یا میرازی بزرگ (م۱۳۱۲ق) علیه استبداد ناصری و نهضت بیدارگرانهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی (م۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ یا ۱۳۱۶ق) در جهان اسلام ، و در متن نهضت بیداری ایرانیان و ملتهای مسلمان عراق ، مصر ، ترکیه و دیگر مناطق اسلامی دیده به جهان گشود و نه ساله بود که نهضت مشروطه‌خواهی در ایران ، که سالها پیش آغاز شده بود ، در ۱۳۲۴ قمری به پیروزی رسید . در یازده سالگی شاهد به‌توپ بسته شدن مجلس شورای ملی مشروطهٔ ایران بود که به دست محمدعلی‌شاه قاجار به قصد برچیدن آزادی و بساط مشروطه انجام گرفت . او گرچه نوجوانی بیش نبود ، اما از نزدیک با محافل علمی و روحانی نجف اشرف ارتباط داشت و می‌دید و می‌شنید که آیت‌الله‌العظمی آخوند خراسانی (م۱۳۲۹ق) فرمان عزل و خلع محمدعلی شاه قاجار را صادر می‌کند . هنوز هیجده سال از عمر وی نگذشته بود که جنگ جهانی اول در ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م آغاز شد و بسیاری از کشورهای اسلامی ، از جمله عراق و زادگاه وی ، نجف اشرف ، میدان

Marfat.com

تاخت و تاز استعمار پیر و حیله گر انگلیس و دیگر دولتهای استعماری قرار گرفت .

آیت‌الله مرعشی الفبای مبارزه و جهاد فی‌سبیل‌الله وسیاست را در خانواده‌ای آموخت که امام و راهنمایشان ، بزرگترین مرد آزادهٔ تاریخ ، حسین بن علی(ع) و یاران با وفایش می‌باشند . آن هم در محیطی که آرامگاه امام مجاهدان و امیرمؤمنان علی(ع) و مهد پرورش بزرگمردان علم و عمل ، فقاهت و مرجعیت بود . او در مجلس درس کسانی زانو به زمین زد که همگان از پیشتازان مبارزات ضد استعماری بودند و با جهاد خالصانه ، حق طلبانه و آزادیخواهانهٔ خویش ، عرصه را بر استعمار پیر و زخم خوردهٔ انگلیس در عراق و ایران تنگ کرده بودند و از آنان راه مبارزه و جهاد را آموخت . بااینکه هنوز جوانی بیش نبود ، همراه پدر بزرگوار خویش در جهاد علما و فقها و ملت عراق علیه دولت اشغالگر انگلیس در نجف اشرف شرکت کرد و به صفوف مجاهدان پیوست و برای آیندهٔ خویش و جهان اسلام توشه برداشت .

آیت‌الله مرعشی حدود سه سال پس از کودتای ۱۳۳۹ق / ۱۲۹۹ش / ۱۹۲۰م رضاخان میرپنج و دو سال بعد از شهادت میرزاکوچک خان جنگلی (ربیع الثانی ۱۳۴۰ / آذر ۱۳۰۰) روحانی مبارز گیلان ، و دو ماه پیش از سفر احمد شاه قاجار به اروپا (۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ / ۱۴ مهر ۱۳۰۲) ، یعنی در محرم ۱۳۴۲ / شهریور ۱۳۰۲ ، پس از مهاجرت از نجف اشرف وارد ایران گردید . ورود ایشان به ایران مصادف بود با دورهٔ سخت کشمکشهای سیاسی روس و انگلیس در ایران ، مبارزات آزادیخواهانهٔ شیخ محمد خیابانی در تبریز ، میرزاکوچک خان جنگلی در گیلان و کودتای فرمایشی رضاخان به صلاحدید دولت انگلیس که حکومت استبدادی قاجاریه را در آستانهٔ سقوط قرار داده بود و رضاخان به تقلید از آتاتورک در ترکیه ، به فکر تغییر حکومت سلطنتی ایران به رژیم جمهوری افتاده بود .

ایشان که از مبارزات سیاسی علمای عراق علیه انگلستان تجربیات خوبی کسب کرده

Marfat.com

بود ، در تهران با مرحوم مدّرس ، یار دیرین پدرش مرحوم آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود ، روحانی مبارزی که یک تنه در مقابل قلدریهای رضاخان قد علم کرده بود ، ارتباط برقرار کرد و چندین جلسه نزد وی رفت و به گفتهٔ معظم‌له از ایشان استفاده‌های بسیار برد و در جریان امور سیاسی کشور ایران قرار گرفت و درسهای آموزنده‌ای از او آموخت و با روحیات مستبدّانه ، قلدرمآبانه و ضد دینی رضاخان ،که دو سال بعد در ۲۹ جمادی‌الآخر ۱۳۴۴ / ۲۴ آذر ۱۳۰۴ با دسیسه‌های بسیار به سلطنت رسید ، آشنا گردید . او بعدها در نوشته‌های خویش از رضاخان بانفرت یاد کرده است . در یکی از یادداشتهای ایشان ، تاریخ پوشش کلاه فرنگی یا کلاه پهلوی را ۱۳۵۴ قمری ذکر کرده و از رضاشاه با عنوان « خبیث » یاد نموده و سپس اضافه کرده که به امر این طاغوت در ۱۳۵۵ قمری کشف حجاب زنان در ایران روی داد .

معظم‌له در چند اجازهٔ روایتی که به شاگردان و علمای شیعه داده ، از فساد رضاخان سخن گفته است . از جمله در اجازه‌ای که به شیخ احمد شاهرودی داده ، از دولت رضاخان به عنوان دولت زیانکاری که دنیا را بر آخرت برگزیده و شریعت حضرت محمد(ص) را تغییر داده و نوامیس شرع مقدس را مورد هتک و اهانت قرار داده و سنن و احکام الهی را تغییر و مساجد و معابد را تخریب و *قرآن* را به آتش کشیده و نجبای امّت اسلامی راکشته ، یاد کرده است . در اجازهٔ دیگری پس از شرح حال آیت‌الله حاج سید محمود حیات شاهی تهرانی ، ضمن اینکه از این عالم تقدیر نموده ، از دولت رضاخانی به عنوان آشکارترین مصادیق زندیق یاد نموده و از جنایات گوناگون وی در محو اسلام و کشتار مسلمانان بی‌پروا سخن گفته است .

معظم‌له کوششهای فراوانی کرد تا حوزهٔ علمیهٔ قم و جامعهٔ روحانیت شیعه را از زیر ضربات پی‌درپی عوامل رضاخان ،که سعی در متلاشی ساختن آن داشتند ، نجات دهد . وی نوعی مبارزهٔ منفی با رژیم رضاخانی آغاز کرد و جدیت نمود به هرطریق که شده ، هم خود و هم دیگر طلاب حوزه ، لباس روحانی خویش را در مقابل فشار رژیم

Marfat.com

پهلوی ، که کوشش داشتند قانون لباس متحدالشکل را در ایران جا بیندازند ، حفظ کنند . از این‌رو هیچگاه این لباس مقدس را از خود دور نساخت و نگذاشت دیگران هم این لباس را از خویش دور کنند .

این مبارزهٔ منفی و پنهانی در زمان محمدرضا شاه پهلوی نیز ادامه یافت و معظم‌له در موارد بسیاری به کمک انقلابیون شتافت . از جمله ارتباط بسیار نزدیکی میان ایشان و فدائیان اسلام وجود داشت . چند نامه در میان اسناد زندگی معظم‌له موجود است که یکی از شهید سید مجتبی نواب صفوی و دیگری از شهید سید عبدالحسین واحدی (شهدای راه آزادی و اسلام) است که در ۱۳۷۵ق / ۱۳۳۴ش به درجهٔ رفیع شهادت رسیدند . در این نامه‌ها نوعی صمیمیّت وجود دارد که نشان می‌دهد ارتباط بسیار خوب و نزدیکی بین آنان وجود داشته و نواب صفوی از حمایتهای معظم‌له برخوردار بوده است .

مکاتبه‌ای بین ایشان و دکتر مصدق نیز انجام گرفته که مربوط می‌شود به سال ۱۳۴۴ شمسی ، یعنی زمانی که دکتر مصدق به روستای احمدآباد تبعید شده بود . در این نامه آیت‌الله مرعشی به مناسبت درگذشت همسر دکتر مصدق ، نامهٔ تسلیتی برای ایشان ارسال کرده بود و دکتر مصدق از نامهٔ تسلیت‌آمیز ایشان تشکر نموده است . این نامه نشان می‌دهد که آیت الله مرعشی به عنوان دهن‌کجی به رژیم مستبد شاه به مصدق تسلیت گفته بود .

نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

اواخر دوران زعامت روحی ومعنوی آیت‌الله‌العظمی بروجردی ، دوران پراضطراب سیاسی و اجتماعی کشور ایران بود . گرچه با وجود سیطرهٔ روحی و معنوی آیت‌الله بروجردی به صورت ظاهر مسأله‌ای نبود ، ولی در درون جامعهٔ پرتلاطم ایران ، مسائل و حوادثی می‌گذشت که آیندهٔ آن قابل پیش بینی بود که چه پیامدهایی در بر خواهد

Marfat.com

داشت .

شاه ایران گرچه در شهریور ۱۳۲۰ با دخالت متفقین روی کار آمده بود ، ولی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این دیگر آمریکا بود که شاه را یکّه تاز صحنهٔ سیاست ایران کرد و خود یکسره اختیار جان ، مال ، ناموس و اقتصاد مردم ایران را به دست گرفت و از آن پس حکومت زور ، خفقان و فساد روی کار آمد و هر نوع فکر آزادیخواهانه و اندیشهٔ رهایی از یوغ استعمار را سرکوب می‌کرد ؛ مگر احساسات و هنر نماییهایی که در مسیر تفکر غربی و غربیان باشد . آمریکائیان در ایران برای بقای خود ، نه تنها از قتل و کشتار رویگردان نبودند ، بلکه برای از میان بردن آثار و موازین و مظاهر اسلام ، از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کردند . از این‌رو ، چهره‌های اصیل سیاسی ، فرهنگی و مذهبی به هر نحو و تحت هر شرایطی نابود می‌شدند و یا زیر شکنجه ، زندان و تبعید قرار می‌گرفتند ؛ بویژه دشمنی آشکار و آشتی ناپذیر با اسلام و مظاهر اسلامی و روحانیت مدافع آن را در سر لوحهٔ برنامه‌های خویش قرار داده بودند .

جنایات رژیم دست نشاندهٔ آمریکا و خیانتهای آنان نسبت به مقدسات اسلام در زمان نخست وزیری اسدالله علم ، مهرهٔ مزدور و غلام خانه‌زاد و جان‌نثار و سرسپردهٔ آمریکا ، به اوج خود رسید . او در اندک مدتی تمامی مظاهر آزادیهای نسبی را نیز از میان برد . فعالیّت گروهها را تعطیل ساخت و رهبران احزاب و گروها را تبعید کرد و یا به زندان افکند و فعالیت سازمان اطلاعات و امنیّت را گسترش داد و کوشش فراوانی کرد تا از نفوذ روحانیت و مراجع شیعه بکاهد و مسلمانان متعهد و مؤمن را از نیروهای مقنّنه ، قضایی و مجریه اخراج و یا حد اقل آنها را محدود سازد .

این نوکر سرسپردهٔ بی‌سواد آمریکا ، انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی را با حذف شرط اسلام و تحلیف به قرآن و منع شرکت زنان به تصویب هیئت وزیران رساند و با این تصویبنامه قصد داشت وانمود کند که به‌اصطلاح طرفدار آزادسازی فضای سیاسی کشور است و به این ترتیب غائلهٔ انجمنهای ایالتی و ولایتی را که ضد قانون اساسی و اسلام

Marfat.com

بود ، به راه انداخت . علما و مراجع حوزهٔ علمیهٔ قم و دیگر شهرستانها بلا فاصله واکنش نشان دادند و از نفوذ گستردهٔ خویش در جهت لغو این تصویبنامه استفاده کردند .

آیت‌الله مرعشی نیز همگام با دیگر علما و مراجع و جامعهٔ اسلامی ایران نخست تلگرافی به شاه زد و از او خواست که این تصویبنامه را لغو کند . امّا وقتی جوابی از طرف شاه داده نشد ، چندین تلگراف به اسدالله علم ، نخست وزیر وقت ، زد و آن قدر با دیگر علما پا فشرد تا نخست وزیر و هیئت دولت را مجبور ساختند تا غیر قابل اجرا بودن این تصویبنامه را اعلام کردند . شاه و نوکر وی در اینجا به خوبی از نفوذ روحانیت و مراجع تقلید در جامعهٔ ایران آگاه شدند . از این‌رو برای حذف این نفوذ قدرت شروع به برنامه‌ریزی کردند و از آمریکا تقاضای پشتیبانی بیشتر در برنامه‌های به اصطلاح اصلاحی خود نمودند و به آمریکائیان اطمینان دادند که در صورت پشتیبانی ، حاضرند بی‌چون و چرا از آمریکا پیروی کنند . پس از اطمینان از پشتیبانی آمریکا ، حادثهٔ ۱۹ دی ۱۳۴۱ ، به نام انقلاب شاه و مردم و یا رفراندم برای اصلاحات مطرح شد . این مطلب و مسألهٔ کاپیتالاسیون ، یعنی مصون بودن امریکائیان از تعقیب قضایی کشور ایران در صورت انجام جنایت و کشتن ایرانیان ، باعث شد تا بحران جدیدی در ایران به وجود آید و نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شکل گیرد .

این حادثه وقتی اوج گرفت که آیت‌الله‌العظمی امام خمینی اعلامیه‌های شدیداللحن و سخنرانیهای شورانگیز خودرا در مدرسهٔ فیضیهٔ قم آغاز کرد و بشدت به دخالت بی‌وقفهٔ آمریکا در اوضاع ایران و سرسپردگی رژیم دست نشاندهٔ ایران و حتی اطاعت بی‌چون و چرای شاه از سیاستهای استعماری آمریکا و بهره بردن صهیونیستهای جنایتکار از امکانات کشور اسلامی ایران در جهت منافع خویش ، اعتراض کرد . مأمورین شاه شبانه به منزل ایشان ریختند و او را به تهران بردند . در پی دستگیری امام خمینی ، مردم شهرهای قم ، تهران و برخی از شهرهای دیگر ایران به کوچه و خیابان ریختند و این حرکت رژیم شاه را بشدت محکوم کردند . مأمورین مسلّح مردم را به گلوله بستند و

Marfat.com

شمار بسیاری را به خاک و خون کشیدند . علما و مراجع فوراً دست به کار شدند و با صدور اطلاعیه‌ها ، اعلامیه‌ها ، تلگرافهای متعدد و سخنرانیهای آتشین خواستار آزادی امام خمینی شدند . در همین زمینه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی اعلامیهٔ شدید اللحنی صادر و استخلاص سریع حضرت امام خمینی (ره) را خواستار شدند . ایشان به همراه سایر مراجع و علمای طراز اول به تهران سفر کردند و مدت چهار ماه به منظور استخلاص امام خمینی (ره) از زندان رژیم پهلوی اقامت کردند و در شهریور ۱۳۴۲ به مشهد مقدس عزیمت نمود و در بیت مرحوم آیت‌الله‌العظمی میلانی (که ایشان هم به تهران آمده بودند) وارد شدند . در این سفر مردم خراسان ، بویژه شهر مقدس مشهد ، در فرودگاه مشهد از ایشان استقبال بی‌نظیری به عمل آوردند که موجب ترس و وحشت بیشتر رژیم پهلوی گردید . ایشان بلا فاصله پس از ورود به مشهد به حرم مطهر مشرّف شدند و آنگاه به اقامتگاه خویش رفتند . طی چند روز اقامت در مشهد مقدس ، روزانه هزاران نفر به دیدار ایشان شتافته و علمای طراز اول مشهد نیز طی اعلامیه‌هایی از ایشان تجلیل کردند . شعرا و مدّاحان نیز قصایدی در مدح و در تجلیل از شخصیت معظم‌له سرودند . پس از دستگیری امام خمینی (ره) آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی فرزند ارشد امام برای انجام مذاکراتی به منزل آیت‌الله مرعشی رفته بودند و عوامل رژیم از این ماجرا اطلاع یافته و از پشت بام به منزل آیت‌الله مرعشی هجوم می‌برند و فرزند امام را دستگیر می‌کنند و آنگاه که معظم‌له به دستگیری ایشان اعتراض نموده و مانع بردن ایشان می‌شوند ، عوامل رژیم با مشت به سینهٔ ایشان می‌زنند و حاج آقا مصطفی را می‌برند که از همان جا به ترکیه تبعید می‌شود .

آیت‌الله مرعشی که از دیرباز با امام خمینی دوستی و صمیمیّت فراوان داشت با صدور بیانیه‌ها ، اعلامیه‌ها و تلگرافها از مقام و منزلت علمی امام خمینی دفاع کرد و خواستار آزادی وی و رفع اهانت از معظم‌له گردید .

رابطهٔ صمیمی بین ایشان و امام خمینی از نامه‌های بسیاری که بین آنان ردّ و بدل

Marfat.com

شده ، و اکنون موجود است ، بخوبی آشکار است . از جمله نامه‌ای است که امام پیش از وقایع ۱۵ خرداد به آیت‌الله مرعشی نوشته و ایشان را به صرف شام در منزل خود دعوت کرده است . و نیز نامه‌ای از فرزند ارشد امام خمینی ، آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی باقی مانده که ایشان در نامهٔ خود به آیت‌الله مرعشی از این همه صمیمیّت و دلبستگی دو مرجع (آیت‌الله مرعشی و امام خمینی) تعجب می‌کند و در پایان متذکر می‌شود : « امیدوارم که خداوند مقداری از حسن نیّت سرکار را به دیگران هم عنایت فرماید » .

ایشان که نسبت به سرنوشت امام از ناحیهٔ رژیم فاسد و جنایتکار پهلوی سخت احساس خطر می‌کرد ، در جواب جمعی از طلاب حوزهٔ علمیه (که آنها نیز به نوبهٔ خود از دسیسه‌های رژیم پهلوی نسبت به جان امام بیمناک بودند) راجع به مقام و منزلت علمی امام خمینی ، سرسختانه اظهار می‌دارد که : « چنانچه کراراً اینجانب عقیدهٔ خودرا اظهار کرده‌ام ، بازهم به موجب این سؤال عرض می‌کنم که حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ یکی از مراجع تقلید عالم تشیع هستند و از اساطین روحانیت اسلام و از مفاخر عالم تشیّع . امید است خداوند متعال موجبات رفع نگرانیهای مسلمین و انجام منویات مقدّسهٔ روحانیت‌اسلام را فراهم‌فرماید » . این‌بیانیه را ایشان‌در ۱۱صفر ۱۳۸۳ (۱۳۴۲ش) پس از دستگیری امام و خطر اینکه رژیم دست نشاندهٔ پهلوی امام خمینی را به عنوان اینکه مرجع نیست و باید محاکمه شود ، صادر کردند .

ایشان در نامه‌ها و تلگرافهای متعدد برای دفاع از امام خمینی و مقامات روحانی دیگر ، به مراجع عالیقدری مانند آیت‌الله‌العظمی حکیم ، آیت‌الله‌العظمی شاهرودی ، آیت‌الله‌العظمی خویی ، آیت‌الله‌العظمی میلانی و دیگر علما و فقها ، از آنها می خواهد که در این مورد اقدام کنند . نمونه‌هایی از این تلگرافها و اعلامیه‌ها در پایان کتاب خواهد آمد .

پس از آزادی امام خمینی و تبعید وی به ترکیّه ، ایشان به امام تلگراف می‌زند و اظهار

Marfat.com

همدردی می‌کند و امام از ایشان تشکر می‌نماید . سپس سخنرانیهای متعددو بیانیه‌های مختلفی نیز صادر می‌نماید و تبعید امام به ترکیه را شدیداً محکوم و برای شهدای ۱۵ خرداد مجلس یادبودی برپا می‌سازد .

در یک نامه با امضای آقایان مهدی حسینی روحانی ، ربّانی شیرازی ، حسینعلی منتظری ، ناصر مکارم شیرازی ، محمد محمدی ، عبدالعظیم محصلی ، علی مشکینی ، سید محمدرضا سعیدی ، محمد مفتح ، ابراهیم امینی ، حسین تقوی ، علی‌اکبر مسعودی ، عبدالله جوادی ، احمد آذری قمی ، احمد جنّتی ، حسین شب‌زنده‌دار ، حسین نوری ، هاشم تقدیری ، محمدحسین مسجدجامعی ، محمدتقی مصباح ، سید جلال‌الدین طاهری ، محمد موحدی لنکرانی ، صالحی نجف‌آبادی ، ابوالقاسم خزعلی ، سید محمدباقر ابطحی ، جعفر سبحانی ، مهدی حائری ، قدوسی ، سید حسن طاهری ، علی قدیری ، سید یوسف تبریزی و اکبر هاشمی رفسنجانی ، که بسیاری از آنان هم اکنون جزء علمای بزرگ حوزه و از مراجع تقلید شیعه هستند ، از آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله‌العظمی میلانی مبنی بر کسب تکلیف با توجه به فرا رسیدن ماه مبارک رمضان و در پیش بودن امر تبلیغ و اینکه بسیاری از طلاب و مبلغین عازم تبلیغ هستند و با توجه به تضییقاتی که رژیم پیش آورده و نمی‌گذارد مبلغان و طلاب از اهداف عالی روحانیت و مقدسات اسلام سخن بگویند ، آیت‌الله مرعشی در پاسخی مفصل به تاریخ ۲۷ شعبان ۱۳۸۴ (۱۳۴۲ش) اظهار می‌دارد : « در خصوص وظیفهٔ گویندگان و آقایان طلاب عظام که سؤال فرموده‌اید ، البته متوجهید که در این مورد پس از تبعید المجاهد في سبيل‌الله حضرت مستطاب آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ چه در منبر و چه شفاهاً و چه در منشورات کتباً گفته و نوشته‌ام . در آنجا به طور صریح و مشروح ، هدف و وظیفه را شرح داده‌ام . مجدداً نیز تذکر می‌دهم که وظیفهٔ روحانیون و خدام شرع انور این است که مردم را به وظایف دینی خود آشنا نموده و احکام الهیّه را مشروحاً بیان فرمایند . . » در پایان از آنان می‌خواهد که برای آزادی حضرت آیت‌الله

Marfat.com

خمینی ـ دامت برکاته ـ از دعا مضایقه نفرمایند .

از این تاریخ به بعد اعلامیّه‌ها ، بیانیّه‌ها و سخنرانیهای مختلفی در دفاع از اسلام و روحانیت از جانب ایشان صادر گردید که کارنامهٔ پرافتخار و مبارزات ایشان را درخشانتر از پیش می‌سازد .

پس از تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق در تلگرافهایی به نجف اشرف برای آیت‌الله‌العظمی حکیم ، آیت‌الله‌العظمی خویی و آیت‌الله‌العظمی شاهرودی از آنان می‌خواهد از این میهمان عزیز و بزرگوار خود به گرمی استقبال نموده و احترام نمایند .

سخنرانی مفصّل و تاریخی ایشان در ۲۳ رجب ۱۳۸۴ در مسجد بالاسر حرم‌مطهر حضرت معصومه(س) راجع به نقش برجستهٔ روحانیت شیعه در دفاع از احکام اسلام و قوانین شریعت و حفظ استقلال مملکت در طول تاریخ ایران و در مواقع حسّاس و بحرانی ، واقعاً به یاد ماندنی است . ایشان در این سخنرانی از علمای مجاهدی یاد می‌کند که به هنگام هجوم بیگانگان به این کشور و تجاوز به مقدسات اسلام چگونه فدا کارانه جان باختند ، اما استقلال کشور را حفظ کردند و از اسلام دفاع نمودند . سپس به صورت استفهام می‌پرسد که آیا این علما و فقها و مراجع مرتجع هستند ؟ آیا اینان نبوده‌اند که در طول تاریخ بهترین دفاع را از استقلال کشور انجام داده‌اند ؟ سپس هجوم همه جانبهٔ رژیم علیه اسلام و روحانیت را شدیداً محکوم می‌نماید .

آیت‌الله مرعشی نه تنها در صحنهٔ داخلی ایران از اسلام و مسلمین دفاع جانانه کرد ، بلکه در مواقع بسیار حساس از دیگر مسلمانان نیز که مورد تجاوز و ستم قرار گرفته بودند ، شدیداً دفاع کرد . از جمله اعلامیه‌های متعددی که در دفاع از مسلمانان مظلوم فلسطین و محکومیت اسرائیل جنایتکار و تقاضای کمک از تمامی مسلمانان جهان برای دفاع از ملت مظلوم فلسطین ، صادر کرده است .

معظم‌له هنگامی که رژیم بعثی عراق ایرانیان مسلمان را با وضع فجیعی از عراق اخراج کرد ، شدیداً به این حرکت ناشایست و جنایتکارانهٔ عراق اعتراض کرد و از اهانت

Marfat.com

و بی‌حرمتی به عتبات مقدسه اظهار تأسف کرد .

ایشان در سال ۱۳۵۲ شمسی فتوایی علیه خرید و فروش کالاهایی که سود آن در راه تبلیغات حزب جاسوس‌پیشهٔ بهائیت استفاده می‌شد ، صادر کرد و آن را حرام خواند ؛ حزبی که به‌کمک رژیم پهلوی بر بیشتر منابع اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی کشور مسلط شده بود .

در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۴ نیز در نامه‌ای به حضرت آیت‌الله آشتیانی ، تهاجم بی‌رحمانه و خشن عوامل رژیم پهلوی به مدرسهٔ فیضیه و دستگیری جمعی از طلاب و ضرب و شتم آنان را متذکر شد و محکوم کرد و از آیت‌الله آشتیانی خواست در جهت استخلاص محبوسین بی‌گناه معجلاً اقدام کند .

پس از شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی ، تنها از سوی مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی مراسم ترحیمی در حسینیهٔ ایشان منعقد گردید و پس از ختم مراسم ، شرکت کنندگان با شعارهای کوبندهٔ خود مظالم رژیم را بازگو کرده که عده‌ای دستگیر شدند و بار دیگر حرکتهای انقلابی در قم و برخی از شهرستانهای ایران آغاز گردید .

آیت‌الله مرعشی که در طول دوران تبعید امام به نجف اشرف ، بارها فرزند خود ، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا محمود ، را به نجف فرستاده تا از نزدیک از حال امام جویا شود و نامه‌ها و پیامهای محرمانه‌ای را به امام برساند و از امام نیز پیامهایی برای معظم‌له بیاورد ، نخستین مرجعی بود که برای امام پیام تسلیت فرستاد . و به همین دلیل ساواک فرزند ایشان را دستگیر و به تهران منتقل و پس از چندی او را آزاد ساخت . و هنگامی که در روزنامهٔ اطلاعات در سال ۱۳۵۶ شمسی به امام خمینی اهانت شد ، باز هم وی از نخستین افرادی بود که اعلامیهٔ شدیداللحنی صادر کرد و از مقام شامخ امام و روحانیت دفاع نمود و نسبت به حوادث تلخ و ضرب و شتم طلاب و مردم مسلمان و کشتار آنان اظهار تأسف نمود و مجازات جنایتکاران را خواستار شد .

در پی اوجگیری تظاهرات و انقلاب ملت مسلمان ایران و کشتارهایی که توسط رژیم

Marfat.com

منفور پهلوی انجام می‌گرفت ، ایشان اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی صادر کرد و سخنرانیهای فراوانی انجام داد . غیر از اینها ، اعلامیه‌های مشترکی با مراجع بزرگ قم نیز صادر کرد که نقش بسیار بزرگی در پیشبرد انقلاب اسلامی داشت .

پس از هجرت امام خمینی از عراق ، ایشان تلگرافی به حسن‌البکر ، رئیس‌جمهور عراق ، می‌زند و از وی می‌خواهد که سریعاً ترتیب بازگشت امام را به محل اقامت قبلی ایشان فراهم سازد . پس از آن همراه با آیات عظام قم ، شریعتمداری و گلپایگانی ، در ۱۴ مهر ۱۳۵۷ اعلامیه‌ای صادر و رفتار غیر انسانی رژیم عراق را شدیداً محکوم می‌نمایند و سپس به ملت ایران اعلام می‌کنند که جامعهٔ روحانیت مجاهدات خود را در راه پیشرفت مقاصد دینی تعقیب می‌کنند و از راهی که در پیش گرفته‌اند باز نخواهند گشت .

بعد از آنکه امام خمینی به پاریس رفتند ، معظم‌له طی تلگرافی به امام از پیشامد ناگواری که برای ایشان اتفاق افتاده بود ، فوق‌العاده اظهار تأثر می‌نماید و پس از آن تلگرافی‌برای‌رئیس‌جمهور فرانسه ، والری‌ژیسکاردستن ،می‌فرستد واز او وملت‌فرانسه می‌خواهدکه‌مهمان‌نوازی خودرا به‌مرتبهٔ کمال‌برسانند . سپس‌فرزند خود حجت‌الاسلام والمسلمین‌سید محمود مرعشی را به نمایندگی از جانب خود ، همراه با آیت‌الله اشراقی ، داماد امام ، به پاریس فرستادند و ایشان پیامهای پدر بزرگوار خود را به امام رسانیدند .

در ۲۵ آذر ۱۳۵۷ نیز اطلاعیهٔ مشترکی از طرف ایشان و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری در اعتراض به اقدامات غیر انسانی و کشتار مردم مسلمان در شهرهای مختلف ایران صادر می‌شود و در پی آن به مناسبت حوادث خونین و فجیع در شهرها اعلام عزای عمومی می‌کنند .

با اعلام نخست وزیری شاپور بختیار و ادعای وی مبنی بر موافقت اکثر روحانیون بزرگ بانخست‌وزیری‌او ، آیت‌اللهمرعشی‌در تاریخ ۳۰دی۱۳۵۷اعلامیه‌ای‌منتشرمی‌کند و قویاً ادعای وی را تکذیب و بختیار را نیز دست نشاندهٔ رژیم فاسد ، ظالم و دیکتاتور که

Marfat.com

دستش به خون ملت مسلمان ایران آلوده شده ، به شمار آورده و او را غیرقانونی و مردود می‌شمارد . و هنگامی که بختیار فرودگاههای کشور را به روی هواپیمای امام می‌بندد ، این حرکت مذبوحانه را محکوم می‌نماید . همچنین در اولین روز حکومت نظامی رژیم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ فرزند ارشد آقا ، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی را ساواک دستگیر و در سلول انفرادی انداخت و پس از چندی با اقداماتی که از سوی بعضی علمای تهران انجام شد ، ایشان را آزاد نمودند .

در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی و پس از بازگشت امام به ایران ، معظم‌له از همگامی با سایر مراجع ، بویژه با رهبر انقلاب ، از هیچ کوششی فروگذاری نکرد و پس از انتخاب مهندس مهدی بازرگان به سمت نخست وزیری دولت موقت از طرف امام ، او نخستین کسی بود که این حسن انتخاب را به مهندس بازرگان تبریک می‌گوید و اظهار امیدواری می‌کند که ایشان در این مسئولیت خطیر وظایف خویش را به نحو احسن و مطلوب به انجام رساند .

بالاخره در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ، روز پیروزی انقلابِ اسلامی ، اعلامیهٔ مهمّی خطاب به ملت ایران صادر کرده و از عموم طبقات ، که بافداکاریها و جانبازیهای خویش در راه اعتلای کلمهٔ حق و پیشبرد اهداف عالیهٔ اسلامی و خواسته‌های مشروع خود تا پای جان استقامت کردند و از علمای اعلام و حجج اسلام شهرستانها و مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه و افسران و درجه داران و همافران نیروی هوایی و دیگر اقشار جامعه ، صمیمانه تشکر می‌کند .

آیت‌الله مرعشی پس از پیروزی انقلاب تا آخرین لحظهٔ عمر شریف و با برکت خود درکنار ملت مسلمان ، با ایمان و فداکار ایران و همگام با رهبر انقلاب ، امام خمینی ، و دیگر مسئولین مملکتی درکوران حوادث و لحظه‌های حساس سرنوشت ساز انقلاب و کشور باقی ماند و لحظه‌ای از منویات اسلام و روحانیت مبارز دور نشد . عاش سعیداً و مات سعیداً .

Marfat.com

ز. سجایای اخلاقی و فضایل انسانی

در ادیان آسمانی ، بویژه در آیین اسلام ، اخلاق و فضایل انسانی از جایگاه بسیار بزرگ وارجمندی برخوردار است و نسبت به سجایای اخلاقی تأکید فراوان شده و در روایات آمده است که : «**خصّ‌الانبیاء بمکارم‌الاخلاق**»[1]. این ، بدان لحاظ است که پیامبران به عنوان رهبران معنوی جامعه و هدایتگر و مرشد انسانها ، خود باید بیش از دیگران متخلق به اخلاق کریمه باشند .

قرآن مجید ، پیامبر اسلام(ص) را به داشتن اخلاق عظیم و سجایای برجستهٔ معنوی مورد ستایش قرار داده است : «**اِنَّكَ لَعَلیٰ خُلُقٍ عَظیمٍ**»[2]. پیامبر گرامی اسلام(ص) فلسفهٔ بعثت خود را تکمیل نمودن مکارم اخلاق دانسته و از این‌رو پیامبر و ائمّهٔ طاهرین ، پیروان اسلام را دعوت به اخلاق پسندیده کرده‌اند : «**علیکم بمکارم‌الاخلاق**» . پیامبران ، خود الگوی شایستهٔ اخلاق بوده‌اند و این سیرهٔ پسندیده و اخلاق شایسته را علما ، که وارثان انبیا هستند ، به شایستگی به ارث برده‌اند ؛ چنان که به آنها در داشتن سجایای اخلاقی پسندیده مثل می‌زنند .

یکی از اسوه‌های برجستهٔ اخلاق و فضایل انسانی ، آیت‌الله مرعشی است که همگان اورا به عنوان عالم عامل ، پارسا و متخلق به اخلاق اسلامی یاد کرده‌اند . ایشان در طول دوران زندگی خود ، پیوسته در تکمیل اخلاق فاضله کوشیده‌اند ، تا آنجا که در حوزهٔ علمیهٔ قم نیز به او در تقوا ، پرهیزگاری و صفات شایستهٔ انسانی مثل می‌زنند . او هیچگاه

---

۱ . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۵۶.
۲ . قلم ، ۴.

Marfat.com

مطلبی را به دیگران توصیه نمی‌کرد که خود به آن عمل نکرده باشد ، و هیچوقت به غیر از آنچه رضای خدا در آن است سخن نمی‌گفت .

سجایای اخلاقی و فضایل پسندیدهٔ انسانی در وجود معظم‌له ،کم نبوده که بتوان در این مختصر به آن پرداخت . اما اشاره به چند مورد از آنها لازم است :

۱. عطوفت و مهربانی در روابط اجتماعی

یکی از مهمترین مسئولیتها و صفات شایستهٔ مردان دین و عالمان و فقیهان ،گسترش عطوفت و مهربانی و ایجاد برادری و مهربانی در سطح جامعه است . و این میسّر نیست ، مگر اینکه عالمی و فقیهی که مدعی رهبری معنوی و اصلاح جامعه است ، خود دارای ارتباط تنگاتنگ و شایسته‌ای با جامعه و مردم بوده و از روابط اجتماعی خوبی برخوردار باشد و نسبت به امور مسلمین و تک تک افراد جامعهٔ اسلامی ، احساس مسئولیت کند که پیامبر(ص) فرمود آنکه به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد ، مسلمان نیست . عالمی که از مردم و غوغای جامعه دور باشد ، نمی تواند شرایط لازم رهبری را به دست آورد . آیت‌الله مرعشی در روابط خود با جامعهٔ اسلامی و مردم کوچه و بازار چنان گرم و صمیمی ، نیکوکار و مهربان بود که برای افراد و آحاد مردم به مثابهٔ برادری شفیق و مهربان ، پدری عطوف ، معلمی غمخوار و رهبری رؤف و بخشنده بود . او چندان مهربان وصمیمی بود که مردم میان خود و او فاصله‌ای احساس نمی‌کردند . نمونه‌های بسیاری از روابط پدرانه و برادرانهٔ وی را می‌توان مثال زد که نشانگر اخلاق پسندیده و فضیلتهای انسانی اوست ؛ از جمله نقل کرده‌اند در هنگام بمباران قم توسط رژیم بعثی عراق ،که بیشتر مردم به خارج از شهر و به پناهگاههای امن رفته بودند ، ایشان در قم مانده بود و با اینکه همیشه فاصلهٔ بین منزل تا صحن حضرت معصومه (س) را برای اقامهٔ نماز جماعت به علت کسالت با ماشین طی می‌کرد ، در آن روزها و شبهای بمباران ، این مسافت را پیاده می‌رفت و هنگامی که از او پرسیدند چرا پیاده می‌روید ، در جواب گفت

Marfat.com

که می‌خواهم مردم مرا مشاهده کنند و آرامش خاطر پیدا کنند و اندکی خیالشان آسوده شود .

شاگرد ایشان ، حجت الاسلام سید عادل علوی ، در کتاب قبسات اشاره کرده است که روزی پیر مردی به نزد ایشان آمد و پس از سلام و احوالپرسی گفت : حضرت آقا من یک نفر کارگر حمام هستم که داستانی از شما به خاطر دارم و می‌خواهم آن را نقل کنم . و آن ، این است که در آن ایام که شما جوان بودید و به حمام عمومی می آمدید ، روزی باکودکان خود به حمام تشریف آوردید و چند کودک را در حمام مشاهده کردید . سپس در بارهٔ آنان از من پرسیدید و من گفتم که این کودکان یتیم هستند . شما بلا فاصله به فرزندان خود فرمودید دقّت کنید در حضور آنان به من « بابا » نگویید . و بعد مبلغی پول به من دادید تا برای آنها دفتر و قلم و دیگر وسایل مدرسه را خریداری کنم .

این موضوع نشان می‌دهد که معظم‌له حتی در آن ایام که هنوز به مقام مرجعیّت عامه نرسیده بود نیز به فکر مستمندان و ایتام و از میان بردن فاصلهٔ بین خویش و جامعه بوده و مصمّم بوده که ارتباط بسیار نزدیکی با مردم محروم و مستضعف جامعهٔ اسلامی داشته باشد .

در دوران مرجعیت عامه و زعامت ایشان نیز بین ایشان و مردم حجاب و مانعی وجود نداشت و منزل وی همیشه ملجأ و پناه مستمندان و طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم بود . در رابطهٔ خود با مردم چنان خودمانی و صمیمی رفتار می‌کرد که کوچک و بزرگ و زن و مرد به‌راحتی با وی سخن می‌گفتند . باز هم شاگرد ایشان ، حجت‌الاسلام سید عادل علوی ، نقل کرده که دو روز پیش از رحلت ایشان ، پیرزنی که از ایشان تقلید می‌کرد ، به حضور ایشان آمد تا ادای خمس مالش کند . پس از پرداخت پول ، با خیالی آسوده و آرامش خاطر از معظم‌له خواست که روز قیامت در پیشگاه خداوند از وی شفاعت کند و ایشان با کمال فروتنی جواب دادند که اگر از شفاعت‌کننده‌ها باشم ، چنین خواهم کرد .

او نه تنها نسبت به دوستان و پیروان خود چنین عاطفه و شفقتی داشت ، بلکه با

Marfat.com

دشمنانش که کم هم نبودند ، با مهربانی رفتار می‌کرد و در مقابل اذیّت و آزار آنان با مهربانی رفتار می‌کرد و گذشت می‌نمود . او خود گفته بود که یک بار به مجلسی وارد شدم و در کنار فردی نشستم و او که با من عداوت و کینهٔ بسیار داشت ، در مقابل جمعیت حاضر در جلسه به من پشت کرد و من در هنگام برخاستن و ترک مجلس به شکلی که وی متوجه نشود ، مبلغی را در دامن او گذاشتم و از جلسه بیرون آمدم . بعدها شنیدم که آن شخص برای دوستانش نقل می‌کرد که آن شب آه در بساط نداشته و دستی از غیب به وی کمک کرده و این را از کرامات خود می‌دانست و خبر نداشت که آن مبلغ را من در دامن او ریخته‌ام .

یک بار هم وقتی از حسادت دشمنان و تنگ نظری آنان که نمی‌توانستند شاهد نماز جماعت باشکوه وی در صحن و حرم حضرت معصومه (س) باشند ، به تنگ می آید و به حرم حضرت فاطمهٔ معصومه (س) پناه می‌برد و دور از چشم اغیار ، در حالی که عبای خود را به روی سر کشیده بود ، خود را به ضریح آن حضرت می‌چسباند و از حسادت و تنگ نظریهای حسودان شکوه می‌نماید . در این هنگام حالت مکاشفه‌ای به وی دست می‌دهد و خودرا در محاصرهٔ دشمنان می‌بیند و مشاهده می‌کند که هریک ازآنان به طرف وی سنگ پرتاپ می‌کنند . او به جدّ خود امیرالمؤمنین(ع) استغاثه می‌کند و طلب یاری می‌نماید ، در آن هنگام جدّ وی به کمک وی می‌شتابد و او را از روی زمین بلند می‌کند و به ایشان می‌فرماید که مانند جدّ خود شکیبا و بردبار باش . معظم‌له می‌فرمود پس از این حادثه در خویش حالتی از سکون ، آرامش و شکیبایی در قبال حسودان و دشمنان یافتم .

۲. خوشرویی و برخورد شایسته با مردم

از خصوصیات‌اخلاقی معظم‌له ، خوشرویی و خوش برخوردی فوق‌العادهٔ ایشان با آحاد جامعه بود که دوست و دشمن به آن معترف هستند . او در جلسهٔ درس و یا در

Marfat.com

محفل دوستان و یا در جلسات مختلف دیگر بسیار بذله گو و شوخ‌طبع بود . و در جمع خواص و دوستان نزدیک از شوخی و مطایبات نیکو پرهیز نداشت و معتقد بود که باید در زندگی با مردم خوشدل ، دوست و بشّاش بود و برخوردی شایسته داشت . از همان دوران جوانی به تجربه و دانش افراد کهنسال ارج می‌نهاد و دوستان خود را در جمع آنان می‌یافت و هرگاه پیرمرد غریبی را می‌یافت ، اورا به حجرهٔ خود در مدرسه و یا به منزل خویش دعوت می‌کرد و از تجربه‌ها و دانش وی استفاده می‌نمود .

دلسوزی و مهربانی وی نسبت به مردم زبانزد خاص و عام بود . خوب به درد دل آنان گوش می‌داد و پای صحبت آنان می‌نشست و چون پدری دلسوز و برادری مهربان به‌مشکلات آنان رسیدگی و در رفع آن می‌کوشید ؛ بویژه نسبت به طلاب محروم و اهل‌علم عنایتی خاص داشت . او از رنج و محرومیت مردم رنجور می‌شد و از خوشی و شادی آنان خوشحال و شادمان می‌گشت . بارها اتفاق افتاد که وقتی پای درد دل طالب علمی می‌نشست و از حوادث تلخ زندگی وی آگاه می‌شد ، بسیار محزون ، متألم و گریان می‌شد . او هرگز در تابستانهای گرم ۴۵ درجهٔ قم این شهر را ترک نکرد و همپا و همگام با مردم ، گرما و سرمای این شهر کویری را تحمل نمود و خودرا همردیف فقیرترین افراد جامعه ، که از نعمت وسایل آسایش محروم بودند ، قرار داد .

در نامه‌ای از نواب صفوی به معظم‌له ، خطاب پدر گرامی در سرلوحهٔ نامه آمده که نشان می‌دهد آن شهید بخوبی معظم‌له را شناخته بود که اورا پدر خطاب می‌کرد .

۳. سخاوت در بذل و بخشش و دستگیری از مستمندان

در سخاوت و بذل و بخشش وسعهٔ صدر و دستگیری از فقرا و کمک به افراد محروم و مظلوم پیشقدم و پیشتاز بود . او قلبی سلیم و مهربان داشت و در کرم و بخشش ، بسیار دست و دل باز بود . بسیاری از مواقع خود گرسنه می‌ماند و به دیگران کمک می‌کرد . در اهدای کتب و انفاق انگشتری به جدّ خویش امیرالمؤمنین علی(ع) اقتدا می‌کرد ؛

Marfat.com

چنان که نوشته‌اند هزاران نفر از دانشمندان ، علمای اعلام ، خطبای عظام و دیگر اصناف جامعه را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و مانند آنها مسرور ساخت . او در بین مراجع شیعه به مبسوط‌الید و سخاوتمند بودن شهره بود و تا آنجاکه استطاعت داشت به قضای حوایج مردم می‌کوشید و در این راه هیچ مانعی، مانند کهولت سن، بیماری، اندوه و ناراحتی ، اورا از دستگیری و کمک به دیگران باز نمی‌داشت . او از مصداقهای بارز این آیهٔ شریفه بود : «ثُمَّ كٰانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوٰاصَوا بِالْصَبْرِ وَتَوٰاصَوْا بِالْمَرْحَمَة» .[1]

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی ، خاطره‌ای را از بذل و بخششها و دستگیری ایشان از مستمندان برای اینجانب نقل کردند که به شرح زیر است :

یک روز پس از رحلت ایشان که مجلس ترحیمی از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تهران تشکیل شده بود ، حقیر به اتفاق چندتن از دوستان جهت شرکت در مجلس فوق عازم تهران شدیم . ساعتی قبل از تشکیل مجلس در تهران به دفتر یکی از دوستان رفتیم تا کمی استراحت کنیم و آنگاه به مجلس ترحیم برویم . پس از ورود به دفتر دوستمان ، دیدم که ایشان شدیداً متأثر است و به من گفت : مطلبی را امروز بایستی برایتان بازگو کنم و آن این است که مرحوم آقا به وسیلهٔ من و تنی چند از بازاریهای تهران وجوه قابل توجهی را در اول هر ماه حواله می‌فرمود تا بر اساس لیستی که قبلاً به ما داده بود ، آن را میان خانواده‌های فقیر تقسیم کنیم . در آن لیست فقط آدرسهایی در جنوب شهر تهران در محلات فقیرنشین نوشته شده بود و نام اشخاص و افرادی در آن لیست نبود . ایشان ما را مکلف ساخته بودند که آن وجوه را به آدرسهای فوق ببریم و هیچگاه هم

---

۱ . سورهٔ بلد ، ۱۷ .

Marfat.com

نبایستی سؤال کنیم که آنجا منزل چه کسی است . شاید خیلی از صاحبان آن آدرسها هم نمی‌دانستند که این پول از کجا حواله شده است . معظم‌له ما را قسم داده بودند که نبایستی هیچکس ، حتی فرزندانم ، متوجه این موضوع بشود . بعدها مشخص شد که همین وضع در قم و تعدادی از شهرستانهای دیگر هم بوده است .

او فقیه و مرجعی روشن ضمیر ، انساندوست و اسلامخواه بود که در بعد خدمات اجتماعی و دستگیری از محرومان جامعه تنها به حوزهٔ علمیه ، طلاب و مردم قم بسنده نمی‌کرد ، بلکه نسبت به شئون دیگر مسلمانان ایران نیز اهتمام فراوانی داشت و با احداث مراکز درمانی و کمکهای مالی از دردهای جامعهٔ اسلامی ایران می‌کاست . بارها در حوادث ناگواری ، مانند سیل ، طوفان ، زلزله و بمبارانهای دوران جنگ ، به کمک مردم شتافت و آسیب دیدگان را تسلّی بخشید . حتی به مهاجران غیرایرانی ، مانند مهاجران عراقی ، افغانی ، لبنانی ، و آوارگان فلسطینی ، بنگلادشی ، هندی ، الجزائری و سومالیائی نیز کمکهای فراوان می‌کرد .

۴. زهد و تقوا و بی‌اعتنایی به دنیا

بدیهی است کسی که نسبت به امور مادی و زخارف دنیوی تعلّق خاطر داشته باشد ، نمی‌تواند این‌گونه که ذکر شد ، به بذل و بخشش بپردازد و خود تهیدست بماند . از کثرت زهد و تقوایی که داشت ، هیچگاه به فکر جمع مال و ثروت برنیامد و پیرامون امور مادی نگشت . با تمایلات مادی قطع رابطه کرده بود . اگر مالی هم به دست می آورد ، صرف خرید کتاب می‌کرد و این علاقهٔ بسیار به کتاب هم نزد اهل بصیرت از علاقه‌های مادی نیست ؛ سهل است که همهٔ کتابهایش را وقف جامعه کرد .

معظم‌له در بخشهایی از وصیتنامهٔ خویش به این مطلب اشاره کرده و نوشته است که :

چون من بعد از خود چیزی از زخارف دنیوی را باقی

Marfat.com

نگذاشته‌ام ، به فرزند ارشدم وصیّت می‌کنم که نسبت به دیگر فرزندانم با نیکی رفتار کند و صلهٔ رحم در حق آنها به‌جا آورد.

این به آن جهت بود که معظم‌له هر وقت چیزی از مال دنیا به دست می‌آورد ، در حوایج مردم و دستگیری از اهل‌علم و نذورات خاصه صرف می‌کرد . ایشان بار دیگر تأکید می‌کند که :

من بزودی از این دنیا می‌روم ، در حالی که برای ورثهٔ خود جز نامی نیک باقی نگذاشته‌ام و آنها را به خداوند بزرگ سپرده‌ام . اگر می‌خواستم زراندوزی کنم و برای فرزندانم مال و ثروت به ارث بگذارم ، با موقعیتی که در میان جامعه داشتم ، می‌توانستم ، اما از این کار سرباز زدم .

آری ایشان هرچه داشت ، در راه مستمندان و فقرا و افراد بی‌بضاعت مصرف می‌کرد . بارها برای تأمین ما یحتاج مردم فقیر ، اگر خود دستش تهی بود ، به دیگران رجوع می‌کرد و در رفع نیازهای آنها می‌کوشید .

نقل کرده‌اند که بسیار مواقع دستور می‌داد ، نابینایان فقیر شهر قم یا اطراف را دعوت به صرف شام ویا نهار کنند ، ولی نگویند از جانب چه کسی است ، و آن وقت خود به پذیرایی از آنها می‌پرداخت و حتّی کفشهای آنهارا در جلوی پایشان جفت می‌کرد ، و آنها می‌آمدند و صرف نهار یا شام می‌کردند و می‌رفتند و نمی‌دانستند میزبانشان کیست !

۵. رعایت نظم دقیق در زندگی

آیت‌الله مرعشی عنایتی شدید به ارزش وقت و رعایت نظم در زندگی داشت و از بی‌نظمی در زندگی ، که بزرگترین علت تضییع وقت و هدر دادن عمر گرانبهاست ، بشدّت بیزار بود و آن راگناهی بزرگ می‌دانست . از این‌رو کوشش می‌کرد از ثانیه‌ها و لحظات عمر نیز در راه به کمال رساندن خود و ارشاد و راهنمایی دیگران سود جوید و

Marfat.com

بهره برگیرد . به مصداق رهنمود امام صادق(ع) ، ساعات شبانه‌روز را به سه بخش تقسیم نموده و هر بخشی را برای کاری در نظر گرفته بود . اوقات خویش را یا در راه تعلیم و تعلّم به کار می‌گرفت و یا به عبادت و نیایش می‌گذراند ویا در راه کمک به دیگران ، دستگیری از مستمندان و رفع نیازهای مردم محروم و مسلمان استفاده می‌کرد . سرما و گرمای تابستان و زمستان در اراده و تصمیم وی تأثیری نداشت و به این نظم دقیق خللی وارد نمی‌کرد . به وعده‌های خود اهمیت خاصی قائل بود . زیرا شاگرد مکتبی بود که یکی از صفات پیروان خود را وفای به عهد و وعده قرار داده بود : « المؤمن اذا وعد وفیٰ » . در ایامی که خود هنوز گرفتار بیماری و کهولت سن نشده بود و می‌توانست در مجالس ترحیم شرکت کند ، نخستین کسی بود که درست سر ساعت مقرر در آن مجلس حضور می‌یافت . همچنین ساعات درس را دقیق رعایت می‌کرد .

ایشان برای حضور در اقامهٔ نماز جماعت ، همیشه پیش از وقت حاضر می‌شد ، تا مردم به کار و زندگی خویش برسند . حضور وی برای اقامهٔ نماز صبح در حرم مطهر حضرت معصومه (س) همیشه پیش از بازگشایی درهای صحن مطهر بود و مدتی به انتظار می‌نشست تا درها را خدّام باز کنند .

۶. عبادت ، تهجّد و نیایش

عشق و علاقهٔ شدید معظم‌له به عبادت ، تهجّد و دعا از مطالبی نیست که بتوان آن را ترسیم کرد . زیرا این موضوع رابطه‌ای ناپیدا میان خداوند و بنده‌اش می‌باشد و عبادت و نیایش به درگاه معبود هم تنها در نماز و روزه و ذکر ظاهری نیست . شخص موّحد و مؤمن در همه حال خدا را عبادت می‌کند و به یاد خداست . او در لحظه لحظه عمر و با سلول سلول خویش تسبیحگوی خدای جهان است . بویژه اگر عالمی مجتهد و فقیهی زاهد باشد که عمری را در عبادت و نیایش گذرانده باشد . امّا از باب اینکه زندگی بزرگان ما درس عبرت و آموزش است ، به نکاتی راجع به عبادت و نیایش این مرجع

Marfat.com

عالیقدر اشاره می‌کنیم .

یکی از مظاهر عبادت و پرستش ، نماز است و آیت‌الله مرعشی سخت مقید بود که نمازهای خویش را در وقت فضیلت و با جماعت برگذار کند . در برخی از یادداشتهای معظم‌له آمده است :

هنگامی‌که در قم سکونت کردم ، صبحها در حرم حضرت معصومه (س) اقامهٔ جماعت نمی‌شد . و من تنها کسی بودم که این سنت را در آنجا رواج دادم و از شصت سال پیش به این طرف صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می‌رفتم و منتظر می‌ایستادم . این انتظار گاهی یک ساعت قبل از طلوع فجر بود تا خدام درها را باز کنند ، زمستان و تابستان نداشت . در زمستانها ، هنگامی که برف همه جارا می‌پوشاند ، بیلچه‌ای کوچک به دست می‌گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز می‌کردم تا خود را به حرم مطهر برسانم . در آغاز خود به تنهایی نماز می‌خواندم ، تا پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن کم‌کم افراد دیگر اقتدا کردند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم مطهرِ آغاز کردم و تا امروز که شصت سال از آن تاریخ می‌گذرد ، ادامه دارد . آهسته آهسته ظهرها و شبها نیز اضافه شد و از آن پس روزی سه بار در مسجد بالاسر حضرت معصومه(س) و صحن شریف نماز می‌خواندم .

نماز جماعت ایشان در آستانهٔ حضرت معصومه (س) در این مدت یکی از پرشکوهترین نمازهای جماعت کشور به شمار می‌رفت ؛ بویژه در عید فطر و دیگر اعیاد اسلامی شکوه آن چند برابر می‌گردید . ایشان مقید بود در انجام نماز جماعت رعایت حال همهٔ افراد را بنماید .

Marfat.com

نیایشهای نیمه شب و اوراد و اذکار نیز سنّت همیشگی وی بوده و حتی از این نظر صاحب اجازه هم بوده است . او شبهای بسیاری را با دعا و نیایش به صبح رساند ،گرچه خود جز در یک مورد از آن سخن نگفته است ، امّا اطرافیان و اصحاب خاص وی همیشه از نیایشهای نیمه شب ایشان و اثرات آن سخنها گفته‌اند . او خود در وصیتنامهٔ خویش به وارثانش توصیه می‌کند که پس‌از مرگم ، سجاده‌ای‌راکه مدت هفتاد سال برآن نماز شب خوانده‌ام با من دفن کنید . از این توصیه استفاده می‌شود که ایشان از سنین جوانی نماز شب می‌خوانده و هیچگاه آن را رها نکرده است . او در وصیتنامهٔ خود به فرزندان خویش و به طلاب و به عموم مردم سفارش می‌کند که به خواندن برخی از دعاها مداومت داشته باشند . حتی در نامه‌هایی که به دوستان و یا به علما می‌نوشته به آنها توصیه می‌کرده است که به فلان دعا اهمیّت بسیار بدهند و در خواندن آن لحظه‌ای درنگ نکنند .

۷. تدین شدید و پایبندی به احکام الهی

آیت‌الله مرعشی در خانواده‌ای تربیت یافته بود که تقیّد شدیدی نسبت به دستورات دین و احکام خداوند داشتند . از این رو دلبستگی عجیبی داشت که قوانین و فرامین دینی را مو به مو اجراکند و معارف الهی را بشناسد و به‌کار بندد . او در تدین خود تظاهر نمی‌کرد ، بلکه شدیداً به دین و مذهب عشق می‌ورزید و از هر حرکت ضد دینی و یا سخنی که شائبهٔ سست دینی داشت ، پرهیز می‌کرد و از کسانی که از دین برای مقاصد دنیوی استفاده می‌کردند ،گریزان بود .کوشش می‌کرد تا فرزندان ، شاگردان ، مقلدان و دوستان خویش را در پایبندی به مظاهر اسلامی و شعائر مذهبی علاقه‌مند و مشتاق ساخته و آنها را مقیّد به عمل سازد .

ایشان با مظاهر تمدن جدید ،که با دین و شریعت مخالفت داشت و یا باعث سست شدن عقیدهٔ مسلمانان می‌گردید ، سخت مبارزه می‌کرد ، تا آنجاکه حتی از پوشیدن

Marfat.com

لباس خارجی پرهیز داشت و در عمر با برکت خود هیچگاه از لباسی که پارچه یا نخ و یا دکمهٔ آن از خارج از ایران آمده بود ، استفاده نکرد . و این نشان می‌دهد که معظم‌له تا چه اندازه نسبت به امور شریعت و مظاهر دینی مقیّد بوده است .

۸. علاقهٔ شدید به خاندان رسالت و ولایت

محبت فوق‌العاده و عشق شدید وی به خاندان رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد . اخلاص و علاقهٔ بی‌انتهای ایشان به این خاندان از لحظه لحظهٔ عمر وی و از نوشته‌ها و کتابها و آثار قلمی و علمی معظم‌له بخوبی نمایان است . او با دارا بودن مقام مرجعیّت ، همیشه خود را کوچکترین خادم خاندان پیامبر(ص) معرفی می‌کرد و در نوشته‌هایش همیشه جملهٔ زیبای « خادم علوم اهل‌البیت(ع) » به چشم می‌خورد . او در این گفتهٔ خویش نیز صادق بود و در تمامی دوران زندگی یک لحظه از دفاع نسبت به مقدسات و شعائر مذهبی و مسألهٔ ولایت غافل نماند . کتابهای بسیاری در مناقب و فضایل اهل بیت ، از گوشه و کنار جهان ، جمع کرد و کوشش فراوانی کرد تا کتابهای مخالفین شیعه و اهل بیت را که در مناقب خاندان رسالت و در فضایل اهل بیت توسط علمای آنها نوشته شده ، گردآورد و یکجا در معرض استفادهٔ اهل آن قرار دهد . کتابخانهٔ عمومی ایشان که حاصل عمری تلاش پیگیر در این راه است ، خود بهترین دلیل و گواه این عشق و محبت است . جز این ، آثار و نوشته‌های خود معظم‌له ، بویژه موسوعهٔ بزرگ و معروف *احقاق‌الحق و ملحقات* آن که تاکنون ۲۷ جلد آن منتشر شده ، گواه دیگر این مدعاست که در طول بیش از شصت سال از عمر خویش چه رنجها که نکشید تا این اثر مستند و علمی در موضوع ولایت را به جامعهٔ شیعی و اسلامی عرضه کند . نگاهی به عنوان آثار ایشان نشان می‌دهد که بیشتر آنها در موضوع ولایت و دفاع از خاندان رسالت است .

ایشان از نظر عاطفی نیز محبت فوق‌العاده‌ای به اهل‌بیت(ع) داشت و در مجالس

Marfat.com

عزای این خاندان و در موالید بخوبی آشکار بود . عشق سرشار وی به سیدالشهدا و شهیدان واقعهٔ کربلا ، چنان شوری در او ایجاد می‌کرد که در مجلس آن حضرت سر از پا نمی‌شناخت و در عزای آن سید مظلومان با صدای بلند می‌گریست . در ماه محرم و صفر و دیگر ایام سوگواری ، کاملاً سیاه می‌پوشید . همه ساله دههٔ عاشورا و سایر ایام عزا و اعیاد اسلامی و شیعی در منزل خویش و یا این اواخر در مدرسه‌ها و حسینیهٔ خود مجلس سوگواری یا مراسم جشن برقرار می‌کرد و خود به خدمت کردن به عزاداران می‌پرداخت .

علاقهٔ شدید ایشان به ساحت مقدس ائمهٔ طاهرین و اولاد آنها باعث شده بود که وی در بسیاری از بقاع متبرکه سمت افتخاری خادم آن آستانه‌ها را به خود اختصاص دهد و به آن مباهات نماید . برخی از مناصب افتخاری خدمتگذاری ایشان در تعدادی از بقاع متبرکه و در آستانه‌های بعضی از امامزادگان و مشاهد مشرفه در ذیل آورده می‌شود .

مناصب افتخاری

یک . منصب افتخاری خدمتگذاری و خادمی روضهٔ منوّره و حرم سیدالشهداء ابوعبدالله حسین بن علی(ع) در کربلای معلّی که به وسیلهٔ تولیت حرمین شریفین امام حسین(ع) و ابوالفضل العباس و سرکشیک و چندتن از خدام مهر و امضا شده است .

دو . مناصب پرافتخار نقیب‌السادات و تدریس در حرم حسینی و حضرت ابوالفضل ـ العباس(ع) .

سه . منصب افتخاری خدمتگذاری حرم ابوالفضل العباس(ع) در کربلای معلّی که توسط رئیس خدام و چندتن از دیگر خدمتگذاران آن حرم شریف امضا شده است .

چهار . مقام مدرّسی آستانهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه (س) در قم که به تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۴۸ صادر و به وسیلهٔ تولیت آستانه امضا شده است .

پنج . منصب افتخاری نسّابهٔ آستانهٔ مقدسهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه (س) در قم که به

Marfat.com

تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۱۶ توسط تولیت آستانه امضا و صادر شده است .

شش . منصب پرافتخار امام جماعت مادام‌العمری آستانهٔ مقدسهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه(س) که در ۱۷ شهریور ۱۳۶۰ توسط تولیت آستانهٔ مقدسه ، آقای احمد مولائی ، امضا و صادر شده است .

هفت . منصب خادم افتخاری آستانهٔ مقدسهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه (س) .

هشت . منصب افتخاری خدمتگذاری بقعهٔ متبرکهٔ حضرت سلطان سید جلال‌الدین اشرف در آستانهٔ اشرفیهٔ گیلان که توسط تولیت وقت آستانهٔ مقدّسه ، در تاریخ اول شوال ۱۳۸۰ ، مطابق ۲۸ اسفند ۱۳۳۹ ، امضا و صادر شده است .

نه . منصب خدمت افتخاری در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری .

ده . منصب خدمت افتخاری حرم علی بن امام محمد باقر در مشهد اردهال کاشان .

یازده . منصب افتخاری خدمتگذاری در حرم احمد بن امام موسی بن جعفر(ع) ، معروف به شاهچراغ ، در شیراز .

دوازده . منصب خدمت افتخاری در حرم ثامن‌الحُجج ، علی بن موسی‌الرضا(ع) در مشهد مقدس .

احکام صادرهٔ این مناصب افتخارآمیز هم اکنون در میان اسناد زندگینامهٔ ایشان موجود است .

۹. کرامات

شکی نیست که اولیاءالله و بندگان مؤمن و صالح خدا دارای کرامات معنوی هستند که آیت‌الله مرعشی یکی از آنها است . شاگرد ایشان ، حجت‌الاسلام علوی ، در کتاب خویش به نام *قبسات* ، کرامات چندی از معظم‌له نقل کرده است که برخی از آنها عبارتند از :

کرامت اول: در زمان کشف حجاب به وسیلهٔ رضاخان پهلوی ، رئیس پلیس قم که

Marfat.com

فردی بسیار پست و رذل بود و به زور متوسل می‌شد تا از سر زنان مؤمن چادر و حجاب برگیرد ، روزی در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به میان زنان با حجاب و صالحی که برای زیارت رفته بودند ، رفت و قصد داشت با زور حجاب زنی مؤمن را برگیرد که با فریاد و آه و ناله او و دیگر زنان حاضر در حرم ، آیت‌الله مرعشی به آن قسمت می‌رود و وقتی موضوع را مشاهده می‌کند ، غیرت و جوانمردی اسلامی وی به جوش می‌آید و چون نمی‌تواند خود را کنترل کند ، سیلی محکمی به صورت رئیس پلیس می‌زند . او معظم‌له را تهدید به قتل می‌کند ، اما طولی نمی‌کشد که روز بعد ، وقتی رئیس پلیس مزبور وارد بازار می‌شود ، قسمتی از سقف بازار بر سر وی فرو می‌ریزد و در دم هلاک می‌شود و مردمی که از جریان با خبر بوده‌اند ، این موضوع را از کرامات آیت‌الله مرعشی به‌شمار می‌آورند .

کرامت دوم: زمانی که هنوز سی سال از عمر آیت‌الله مرعشی نگذشته بود ، شبی در عالم رؤیا می‌بیند که قیامت برپا شده است و به حساب همگان رسیدگی می‌شود و اورا در آن عالم رؤیا به مکانی دیگر و غیر از آنجاکه دیگران را برای حساب نگاه داشته بودند ، می‌برند و به او می‌گویند که چون شما اهل علم هستید به جایگاه علما برده می‌شوید تا در مقابل افراد دیگر محاسبه نشوید . در این حال وارد خیمه‌ای بزرگ می‌شود و آنجا پیامبر(ص) را می‌بیند که بر منبری نشسته است و به حساب علما رسیدگی می‌فرماید و در دست راست و چپ آن حضرت دو عالم کهنسال با هیئت صالحین نشسته‌اند و جلوی هریک از آنها کتابهای فراوانی قرار دارد و علما و دانشمندان در صفوف مختلفی ایستاده‌اند که هر صف نشانهٔ یک قرن بود و او در صف چهاردهم به انتظار حساب خویش ایستاده در حالی که بسیار مضطرب بود . زیرا می‌دید که پیامبر اسلام(ص) به دقت به حساب علما رسیدگی می‌فرماید . از کسی که در کنارش ایستاده بود ، سؤال کرد که آن دو نفر که در کنار پیامبر(ص) قرار دارند چه کسانی هستند ؟ جواب داد : یکی شیخ مفید و دیگری علامهٔ مجلسی است . پرسید آن کتابها چیست ؟ گفت تألیفات آن دو

Marfat.com

عالم است . امّا کتابهایی که جلوی علامه مجلسی قرار داشت بیشتر بود . هرگاه یک نفر از علما احتیاج به شفاعت پیدا می‌کردند ، یکی از دو عالم ، یعنی شیخ مفید یا علاّمهٔ مجلسی ، از او شفاعت می‌کرد و بخشوده می‌شد . در این حال از خواب بیدار می‌شود .

کرامت سوم : آیت‌الله مرعشی می‌فرمودند که: «در روزگاری که جوانتر بودم، روزی در اثر مشکلات فراوانی که داشتم ، از جمله می‌خواستم دخترم را شوهر دهم ولی مالی نداشتم که برای دخترم جهیزیّه تهیّه کنم ، با ناراحتی به حرم فاطمهٔ معصومه (س) رفتم و با عتاب و خطاب ، در حالی که اشکهایم سرازیر بود ، گفتم ای سیده و مولای من ، چرا نسبت به امر زندگی من اهمیتی نمی‌دهی ؟ من چگونه با این بی‌مالی و بی‌چیزی دخترم را شوهر دهم ؟ سپس با دل شکسته به منزل بازگشتم . در این حال حالت غشوه‌ای مرا فراگرفت و در همان عالم رؤیا شنیدم کسی در می‌زند . رفتم پشت در و آن را باز کردم . شخصی را دیدم که ایستاده ، وقتی مرا دید گفت : سیّده تو را می‌طلبد . با عجله به حرم رفتم و چون به صحن شریف آن حضرت وارد شدم ، چند کنیز را دیدم که مشغول تمیز کردن ایوان طلا هستند . از سبب آن پرسیدم . گفتند هم اکنون سیّده می‌آید . پس از اندکی حضرت فاطمهٔ معصومه (س) آمد ، در حالی که بسیار نحیف و لاغر و رنگ پریده و در شکل و شمایل چون مادرم فاطمهٔ زهرا (س) بود . (چون جده‌ام را سه بار پیش از این در خواب دیده بودم و می‌شناختم .) به نزد عمه‌ام رفتم و دست وی را بوسیدم . آنگاه آن حضرت به من فرمود ای شهاب : کی ما به فکر تو نبوده‌ایم که مارا مورد عتاب قرار داده و از دست ما شاکی هستید ؟ تو از زمانی که به قم وارد شدی ، زیر نظر و مورد عنایت ما بوده‌ای . در این حال از خواب بیدار شدم و چون دانستم که نسبت به حضرت معصومه(س) اسائهٔ ادب کرده‌ام ، فوراً برای عذرخواهی به حرم شریف رفتم . پس از آن حاجتم برآورده شد و در کارم گشایشی صورت گرفت » .

کرامت چهارم : معظم‌له فرموده‌اند که : «در سال ۱۳۳۹ قمری (یک سال پس از درگذشت پدرشان) در مدرسهٔ قوام نجف اشرف ، طلبه بودم . در آن هنگام کتاب **حاشیهٔ**

Marfat.com

ملا عبدالله یزدی را در منطق تدریس می‌کردم . زندگیم به سختی و مشقت اداره می‌شد و هیچ راه فراری از دست فقر و تنگدستی نداشتم . هجوم ناراحتیها و رنجها بر قلبم سنگینی می‌کرد . این مشکلات و ناراحتیها عبارت بودند از : اخلاق ناپسند برخی از معمّمین که به بیوت مراجع رفت و آمد داشتند . از رفت و آمد آنها به منزل مراجع برای من سوءِ ظنّی به همهٔ مردم پیش آمده بود ؛ چنان که با کسی ارتباط برقرار نمی‌کردم و حتی نماز جماعت را در پشت سر افراد عادل نیز ترک کرده بودم . دیگر آنکه یکی از منسوبین من بشدّت از تدریس من جلوگیری می‌کرد و به استادم نیز گفته بود مرا به درس خود راه ندهد . دیگر آنکه مبتلا به بیماری حصبه شده بودم و بعد از شفا از آن بیماری حالت کند ذهنی و نسیان برایم پیش آمده بود . دیگر آنکه بینایی چشمهایم بسیار کم شده بود . دیگر آنکه از تند نوشتن عاجز شده بودم . دیگر آنکه گرفتار فقر شدیدی شده بودم . دیگر آنکه در قلبم احساس نوعی بیماری روحی دائمی می‌کردم . دیگر آنکه تزلزلی در عقیده‌ام نسبت به بعضی از امور معنوی تدریجاً روی می‌داد . دیگر آنکه از خداوند می‌خواستم که دوستی دنیا را از قلب و جان من دور سازد . دیگر آنکه امید داشتم خداوند سفر حج بیت‌الله‌الحرام را نصیبم کند ، به شرط آنکه در مکه یا مدینه بمیرم و در یکی از آن دو شهر دفن شوم . دیگر آنکه خداوند توفیق علم و عمل صالح را با همهٔ گسترهٔ آن به من عنایت کند . این مشکلات و آرزوها لحظه‌ای مرا آرام نمی‌گذاشت ، از این‌رو به فکر توسّل به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) افتادم و به کربلا رفتم ؛ در حالی که فقط یک روپیه بیشتر نداشتم و با آن دو قرص نان و کوزه‌ای آب خریده بودم . و قتی وارد کربلا شدم ، به جانب نهر حسینی رفتم و غسل کردم و به حرم شریف رفتم و پس از زیارت و دعا ، نزدیک غروب بود که به غرفهٔ خادم حرم ، سید عبدالحسین ، صاحب کتاب *بغیة‌النبلاء فی تاریخ کربلاء* ، رفتم . او از دوستان پدرم بود و از او اجازه خواستم که یک شب در حجرهٔ وی بمانم ، در حالی که ممنوع بود کسی شبها در حرم مطهر باقی بماند ، امّا ایشان موافقت کرد و من آن شب در حرم ماندم

Marfat.com

و پس از تجدید وضو به حرم مشرف شدم . فکر کردم که در کدام مکان از حرم شریف بنشینم . معمول این بود که مردم در طرف بالای سر می‌نشستند ، ولی من فکر کردم که امام در حیات ظاهری خود متوجه فرزند خود علی‌اکبر(ع) بوده است ، قطعاً پس از شهادت نیز به سوی فرزند خود نظر دارد ، از این‌رو در قسمت پایین پای آن حضرت در کنار قبر علی‌اکبر نشستم . اندکی از جلوسم نگذشته بود که صدای حزین قرائت *قرآن* را از پشت روضهٔ مقدسه شنیدم . به آن طرف متوجه شدم ، در آن هنگام پدرم را دیدم که نشسته بود و تعداد سیزده رحل *قرآن* در کنار وی بود . در جلوی او نیز رحلی بود و *قرآنی* بر آن قرار داشت و قرائت می‌کرد . به نزد وی رفتم و دست ایشان را بوسیدم و از حال وی پرسیدم . با تبسّم پاسخ داد که در بهترین حالت و برخوردار از نعمتهای الهی است . پرسیدم در اینجا چه می‌کنید ؟ جواب داد ما چهارده نفریم که در اینجا مشغول تلاوت *قرآن مجید* هستیم . پرسیدم آنها کجا هستند ؟ فرمود : به خارج حرم رفتند . سپس با اشاره به رحلها ، آن سیزده نفر دیگر را معرفی کرد که عبارت بودند از : علاّمه میرزا محمدتقی شیرازی ، علاّمه زین‌العابدین مرندی ، علاّمه زین‌العابدین مازندرانی ، و اسامی بقیه را نیز گفت که به خاطرم نمانده است . سپس پدرم از من پرسید که تو برای چه کاری به اینجا آمده‌ای ، در حالی که ایام درسی است ؟ علّت آمدنم را برایش شرح دادم . پس به من امر کرد که بروم و حاجتم را با امام خویش در میان بگذارم . پرسیدم امام کجاست ؟ گفت در بالای ضریح است . تعجیل کن . زیرا قصد عیادت زائری را دارد که در بین راه بیمار شده است . بلند شدم و به طرف ضریح رفتم و آن حضرت را دیدم ، امّا برایم ممکن نبود که درست به صورت ایشان نگاه کنم . زیرا چهرهٔ مبارک آن حضرت در هاله‌ای از نور پنهان بود . به حضرت سلام کردم و جوابم را داد ، و فرمود به بالای ضریح بیا . عرض کردم من شایستگی ندارم که به نزد آن حضرت بروم . بار دیگر امر به بالای ضریح کرد ، امّا بار دیگر شرم و حیا مانع شد که به نزد آن حضرت بروم . پس به من اجازه داد که در مکانی که ایستاده بودم بمانم . پس به آن حضرت بار دیگر نگاه کردم ، در این هنگام امام

Marfat.com

تبسمی ملیح بر لبانش نقش بست . از من پرسید : چه می‌خواهی؟ من این شعر فارسی را قرائت کردم : آنجاکه عیان است / چه حاجت به بیان است . آن حضرت قطعه‌ای نبات به من عنایت کرد و فرمود تو مهمان مایی . سپس فرمود : چه چیزی از بندگان خدا دیده‌ای که به آنها سوءِ ظن پیدا کرده‌ای ؟ با این سؤال در من یک دگرگونی پیدا شد و احساس کردم که دیگر به کسی سوءِ ظنّی ندارم و با همهٔ مردم ارتباط و نزدیکی بسیاری دارم . صبح موقع نماز به مرد ظاهرالصلاحی که نماز می‌خواند اقتداکردم و هیچ ناراحتی و بدگمانی در من نبود . سپس حضرت فرمود به درس خود بپرداز ؛ زیرا آن کس که مانع تو می‌شد ، دیگر نمی‌تواند کاری کند . و چون به نجف اشرف بازگشتم ، همان شخصی که از نزدیکانم بود و مانع درس من می‌شد ، خودش به دیدنم آمد و گفت من فکر کرده‌ام که تو جز تدریس راهی دیگر نداری . آن حضرت مرا شفا داد و بیناییم قویتر شد . سپس قلمی را به من بخشید و فرمود این قلم را بگیر و با سرعت بنویس . پس از آن ناراحتی قلبیم بر طرف شد و برایم دعاکرد که در عقیده‌ام ثابت قدم بمانم . دیگر حاجاتم نیز بر آورده شد ؛ غیر از مسألهٔ حج که اصلاً متعرض آن نشد . شاید به دلیل شرطی که در سفر حج گذارده بودم ، آن حضرت متعرض آن نشد . با آن حضرت وداع کردم و به نزد پدرم بازگشتم و از پدرم پرسیدم آیا حاجتی و امری دارید یا خیر . پدرم گفت : برای تحصیل علوم اجداد خود بیشتر کوشش کن و نسبت به برادر و خواهرانت مهربان باش و دین اندکی به عبدالرضا بقال بهبهانی دارم که آن را پرداخت کن . من به نجف بازگشتم و دیگر همهٔ آن ناراحتیها و سوء ظنها از بین رفته بود » .

کرامت پنجم: آیت‌الله مرعشی از معدود افرادی است که به حضور امام عصر ـ عجل الله تعالی فرجه‌الشریف ـ مشرف شده است و در این مورد حکایات متعددی دارد که خود معظم‌له به این شرح مطرح کرده است :

حکایت یکم: « زمان تحصیل علوم دینی و فقه اهل‌بیت(ع) فوق‌العاده مشتاق دیدار جمال دلارای حضرت بقیةالله ـ عجل الله تعالی فرجه‌الشریف ـ شدم و عهد نمودم که

Marfat.com

چهل شب هر چهارشنبه پیاده به مسجد سهله مشرف شده ، در آنجا بیتوته نمایم ؛ به این قصد که به فوز دیدار امام‌عصر(ع) نائل شوم . بر این عمل مداومت داشتم تا چهارشنبهٔ سی و ششم یا سی و پنجم ، که آن شب اتفاقاً قدری دیرتر از شبهای پیشین حرکت نمودم ، هوا ابری و بارندگی بود ، در نزدیکی مسجد شریف سهله خندقی وجود داشت که به آن خندق سرازیر شدم . در تاریکی با حال وحشت و خوف از سارقین ، که در آن زمان زیاد بودند ، ناگهان از پشت سر صدای راه رفتن کسی به گوشم رسید ، وحشت من افزون شد . برگشتم و نگاه کردم . سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم . او پیش آمد و با زبان فصیح فرمود : یا سید سلام علیکم ، که وحشت من زایل شد و آرامش پیدا کردم . تعجب است که در آن تاریکی چگونه سید بودن وی را تشخیص دادم ، امّا در آن زمان به این فکر نیفتادم و غافل بودم . با آن سید عرب شروع به صحبت کردم و به راه ادامه دادیم . آن سید پرسید کجا می‌روید؟ عرض کردم به مسجد سهله و به قصد تشرف به زیارت مولا و امام‌عصر(ع) . پس از چند قدم که رفتیم ، به مسجد زید بن صوحان رسیدیم . آن مرد عرب گفت : خوب‌است وارد مسجدٌ شویم و نماز تحیت به‌جا آوریم . وارد شدیم و دو رکعت نماز را به‌جا آورده و دعای پس از نماز را خواندیم . آن شخص عرب آن دعا را از حفظ می‌خواند . در آن هنگام گویی تمام اجزای مسجد با وی آن دعا را می‌خواندند . انقلابی عجیب در خود مشاهده می‌کردم که از توصیف آن عاجزم . پس از اتمام دعا ، آن مرد عرب به‌سوی من نگاه کرد و گفت : یا سید آیا گرسنه‌ای؟ خوب است شامی خورده و پس از آن به مسجد سهله برویم . سفرهٔ غذایی را از زیر عبای خویش بیرون آورد ، در میان آن سفره ، سه قرص نان و دو ـ سه دانه خیار بسیار سبز بود که گویی تازه از بستان چیده بودند و حال آنکه آن زمان در چلّهٔ زمستان بودیم . من با مشاهدهٔ همهٔ این حالات باز هم انتقال پیدا نکردم که آن شخص عرب کیست؟ پس از صرف شام به مسجد سهله رفتیم و آن سید عرب تمامی اعمال مسجد سهله را به‌جا آورد و من هم از او پیروی کردم . هنگامی که فریضهٔ مغرب و عشا را به‌جای آورد ، من هم به

Marfat.com

او اقتدا کردم ، بدون اینکه از خود بپرسم که این شخص عرب کیست؟ سپس آن سید عرب به من گفت که آیا شما نیز پس از اعمال مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روید یا در مسجد سهله می‌مانید؟ من گفتم می‌مانم . پس از آن با آن سید عرب در وسط مسجد بر سکوی مقام حضرت صادق(ع) نشستیم و من به آن سید عرب عرض کردم آیا میل به چای یا قهوه یا دخانیات دارید تا حاضر کنم؟ آن سید گفتند : این امور از فضول معاش است و ما از فضول معاش اجتناب می‌کنیم . این کلمه در من تأثیر بسیار گذاشت که تا کنون هم هر وقت یک استکان چای صرف می‌نمایم ، فرمایش آن سید عرب در نظرم می‌آید ، اعضای من مرتعش می‌شود . به هر حال مجلس دو ـ سه ساعت با ایشان طول کشید و در خلال این مدت مطالبی مطرح شد که اختصاراً به این شرح است : سخن در مورد چگونگی استخاره کردن و رهنمودی که آن سید ارائه کردند ، تأکید ایشان به خواندن برخی از سوره‌ها پس از نمازهای واجب یومیه ، خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا ، و مطالبی دیگر . [مشروح آنها در زندگینامه تفصیلی خواهد آمد] .

پس از این صحبتها من برای رفع حاجتی از مسجد خارج شدم . حرکت کردم که سر حوض بروم ، در وسط راه به ذهن من خلجان نمود که این چه شبی است و این سید عرب صاحب فضایل کیست؟ شاید همان مطلوب من باشد . به مجرد خطور این مطلب به‌ذهنم ، به داخل مسجد برگشتم و متوجه شدم که از آن سید عرب اثری نیست و اصلاً کسی در مسجد حضور ندارد و حال آنکه من هنوز از مسجد بیرون نرفته بودم . به این ترتیب من به مراد خود رسیده بودم ، در حالی که اورا نشناخته بودم . از این‌رو دیوانه‌وار اطراف مسجد تا صبح قدم زدم ؛ نظیر عاشقی دلسوخته که معشوق خودراگم نموده است» .

حکایت دوم: « وقتی در سامرا اقامت داشتم ، شبی برای زیارت حضرت سید محمد(ع) از سامرا بیرون رفتم و راه راگم نمودم . پس از یأس از زندگی خود ، به‌واسطهٔ تشنگی فوق‌العاده و گرسنگی و وزیدن باد مسموم در قلب‌الاسد ، بیهوش شده روی

Marfat.com

خاکهای گرم افتادم ، ولی دفعتاً چشم باز کردم ، سر خود را بر زانوی شخصی دیدم . آن شخص کوزهٔ آبی به لب من رسانید که تاکنون نظیر آن آب را در گوارایی و شیرینی نیاشامیده بودم . پس از خوردن آب ، سفرهٔ نان را باز نمودم . دو ـ سه قرص نان ارزن در آن بود . پس از صرف غذا ، آن مرد عرب به من فرمود : نهری جاری در اینجا وجود دارد ، خود را در آن شستشو بده . من گفتم : در اینجا نهری نیست و گرنه من این‌قدر تشنه نمی‌شدم که مشرف به هلاکت باشم . آن مرد عرب فرمود : این آب است که در اینجا جاری است . من به مجرد صادر شدن این کلمه از شخص عرب ، دیدم نهر باصفایی است و تعجبم زیاد شد که نهر در کنار من بود و من از تشنگی و عطش بسیار ، نزدیک بود هلاک شوم . آن مرد عرب سپس از من پرسید قصد کجا داری؟ گفتم حرم مطهر سید محمد(ع) . آن شخص عرب فرمود : این هم حرم سید محمد است . و من مشاهده کردم و دیدم نزدیک بقعهٔ سید محمد(ع) هستم و حال آنکه محلی که راه را در آنجا گم کرده بودم قادسیه بود و مسافت بسیاری از آنجا تا مرقد سید محمد وجود دارد . در فاصلهٔ مصاحبت با آن مرد عرب از وی استفادهٔ فراوان بردم و مطالب چندی برایم توضیح داد و بیان کرد . از سفارشها و توصیه‌های وی ، تأکید بر تلاوت *قرآن مجید* ، انکار تحریف *قرآن* ، نیکی به والدین ، رفتن به زیارت بقاع متبرکه و امامزادگان ، احترام به ذریهٔ علوی ، خواندن نماز شب ، ذکر تسبیح حضرت زهرا ـ سلام‌الله علیها ـ و تأکید در زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) بود . در این هنگام به فکرم خطور کرد که نکند این شخص محترم همان امام زمان(ع) باشد . با بروز این فکر در ذهنم ناگهان آن شخص عرب از نظرم ناپدید شد و چقدر متأسف شدم که یار در کنارم بوده است و اورا نشناخته‌ام » .

حکایت سوم : «بار دیگر در همان زمان اقامت در سامرا ، چندی در سرداب مقدس شبها بیتوته می‌کردم . شبهای زمستان بود . در اواخر یکی از آن شبها که در سرداب مقدس بودم ، ناگهان صدای پایی شنیدم ، با آنکه در سرداب بسته بود . فوق‌العاده

Marfat.com

وحشت نمودم که شاید از مخالفین شیعه و از دشمنان اهل بیت(ع) باشد . شمعی که با خود داشتم خاموش شده بود ، اما صدا و لحن نیکویی به گوشم رسید که فرمود : سلام‌علیکم ونام مرا به زبان آورد . من جواب دادم و عرض کردم شما کی هستید؟ فرمود یک نفر از بنی اعمام شما . عرض کردم در سرداب بسته بود ، شما از کجا وارد شدید؟ سید فرمود : « الله علی کل شيء قدير » . من عرض کردم : اهل کجا هستید؟ فرمود : اهل حجاز هستم . سید حجازی فرمود : چرا در این وقت به اینجا آمده‌اید؟ عرض کردم : حوائجی دارم و به جهت آنها متوسّل شده‌ام . فرمود : جز یک حاجت ، بقیهٔ حوائج شما برآورده خواهد شد . سپس آن سید حجازی سفارشهایی کردند ؛ از جمله تاکید بر نمازجماعت ، مطالعهٔ فقه ، حدیث و تفسیر ، صلهٔ رحم ، رعایت حقوق اساتید و معلمین و تاکید در مطالعه و حفظ *نهج البلاغه* و ادعیهٔ *صحیفهٔ سجادیه* .

پس من از آن سید حجازی خواستم که برای من به درگاه الهی دعا کند . پس دستها را به سوی آسمان برداشت و عرض کرد : الهی بحق النبیّ و آله ، این سید را موفق به خدمت شرع بفرما و حلاوت مناجات باخود را به او بچشان و حبّ او را در قلوب مردم جای ده و او را از شر وکید شیاطین ، مخصوصاً حسد ، مصون بفرما . در طی صحبت ، آن سید حجازی قدری تربت حضرت سیدالشهداء را که با هیچ چیز مخلوط نبوده و به‌اندازهٔ چند مثقال بود ، به‌من داد که مختصری از آن تربت هنوز نزد من است و یک انگشتر عقیق هم به‌من داد که هنوز هم آن را دارم و آثار فراوانی از آن دیده‌ام . پس از آن ناگهان آن سید حجازی ناپدید شد و من آن‌زمان فهمیدم که آن سید حجازی ، همان امام زمان بوده است و متاسفانه در وقت حضور وی ندانستم » .

دو حکایت دیگر نیز از تشرف ایشان به حضور امام زمان(ع) وجود دارد که یکی در همین سرداب مقدس است که بار دیگر انجام یافته و ایشان را از دست یکی از دشمنان ، که در آن سرداب به ایشان حمله کرده بود ، نجات داده است ؛ و دیگری تشرف ایشان به حضور آن حضرت در مسجد جمکران قم است که از آن تاریخ به بعد ، آیت‌الله

Marfat.com

مرعشی در تعمیرات ومخارج این مسجد تازمان حیات خویش سهیم بوده است .

البته این حکایات را حدود ۳۷ سال قبل ، حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نه به عنوان خود ، که به نام یک سید ، برای یکی از خواص نزدیکان خویش نقل کرده و اکیداً سفارش نموده بود که تا من زنده هستم ، برای کسی نقل نکن . اما از قرائنی که در دست است ، به روشنی می‌توان فهمید که آن سید جلیل‌القدر که به حضور امام زمان رسیده ، خود ایشان بوده‌اند . در برخی از منابع نیز به این موضوع صریحاً اشاره کرده‌اند .

Marfat.com

بخش سوم

زندگی و روابط خانوادگی و فردی

Marfat.com

Marfat.com

فصل اول. روابط خانوادگی

آنچه تاکنون گذشت، به زندگی علمی، اجتماعی و سیاسی آیت‌الله مرعشی نجفی تعلق‌داشت وکمتر به‌زندگی خصوصی و روابط خانوادگی‌ایشان مربوط می‌شد. ازاین‌رو در این بخش، بیشتر به این قسمت از زندگی ایشان پرداخته و تا آنجاکه مقدور و در حدّ این مختصر باشد، نگاهی به زندگی مشترک، روابط خانوادگی، فرزندان، منسوبین و رحلت ایشان خواهیم افکند.

۱. ازدواج و زندگی مشترک

آیت‌الله مرعشی‌نجفی نخست با یکی‌از دخترعموهای خود به نام‌گوهرتاج، ملقب‌به فخرالسادات، فرزند مرحوم حجت‌الاسلام سید ابراهیم مرعشی در هشتم جمادی‌الاول سال ۱۳۴۵ پیمان زناشویی بست و حاصل این پیمان دختری بیشتر نبود. زیرادر اثر بروز اختلاف میان ایشان و معظم‌له، میانشان جدایی افتاد و آن فرزند نصیب پدر گردید و ایشان در امر تربیت وی زحمات زیادی متحمل گردید. این دختر بعدها به‌همسری حاج سید خلیل میری تهرانی، یکی از تجّار تهران، درآمد.

همسر دوم ایشان دختر مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقعی رضوی قمی (م۱۳۳۵ق) یکی از علمای بزرگ قم بود. نسب آیت‌الله مبرقعی به سید جلیل‌القدر علامه سید رشیدالاسلام رضوی‌قمی، تولیت آستانهٔ حضرت‌بی‌بی‌فاطمهٔ معصومه(س)، و از طرف شاه طهماسب اول صفوی، و از او به امامزاده موسی مبرقع، فرزند حضرت جوادالائمّه(ع)، می‌رسد. ایشان نزد حاج ملاّ غلامرضا، معروف به حاج آخوند قمی،

Marfat.com

و آقا سید عبدالله برقعی رضوی دانش آموخت . سپس در مدرسهٔ مهدی‌قلیخان ،معروف به مدرسهٔ خان به تدریس پرداخت . او دارای یک پسر و چهار دختر به این شرح بوده است :

پسر ایشان مرحوم آیت‌الله حاج آقا سید مرتضی فقیه مبرقعی (۱۳۲۰ ـ ۱۴۱۴ق) ، معروف به حاج داداش ، از علما و فضلای برجستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم و از اصحاب خاص آیت‌الله‌العظمی بروجردی است که سالیان متمادی از سوی آن مرحوم تولیت مدرسهٔ مبارکهٔ فیضیه را به عهده داشت .

حاج سید مرتضی نزد اساتید برجسته‌ای ، مانند آیت‌الله میرزا محمد همدانی ، آیت‌الله‌العظمی حائری ، آیت‌الله‌العظمی حجت کوه کمری ، آیت‌الله‌العظمی سید محمدتقی خوانساری ، آیت‌الله‌العظمی بروجردی ، و آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی دانش آموخت و سپس خود به تدریس دروس مختلف حوزوی پرداخت و در معقول استاد برجسته‌ای بود .

ایشان از یاران قدیمی و بسیار نزدیک امام خمینی به شمار می‌رفت مرحوم امام خمینی همیشه مراتب فضل و دانش وی را تأیید و اورا مورد احترام قرار می‌داد . او دارای آثار و تألیفات مختلفی است که از جمله می‌توان به *تقریرات* درس اصول و فقه و مکاسب و خمس ایشان ، مربوط به درس آیت‌الله‌العظمی حجّت کوه کمری ، اشاره کرد .

حاج سید مرتضی ، برادر همسر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی بود که مدتی هم در جلسات درس معظم‌له شرکت کرد و سرانجام در ۱۴۱۴ قمری در قم دیده از جهان فروبست و حسب‌الامر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه(س) به‌خاک سپرده شد .

ایشان سبط آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبایی ، برادر بزرگ آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی ، بوده است .

Marfat.com

امّا دختران ایشان عبارتند از :

یک . همسرآقای سید ابوالفضل لاجوردی ، پدر آیت‌الله حاج سید مهدی لاجوردی حسینی .

دو . همسرآیت‌الله فاضل موحدی‌لنکرانی (۱۳۱۴ ـ ۱۳۹۲ق) ، عالم و فقیه اصولی و از مجتهدان‌بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم واز اصحاب خاص حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی . او مدتی از محضر آیت‌الله آقا زادهٔ کفایی ، آیت‌الله آشتیانی ، آیت‌الله قمی و آیت‌الله‌العظمی حائری استفاده نمود و سپس خود به تدریس متون فقه و اصول پرداخت و در مسجد تکیهٔ حاج سید حسن در قم ، اقامهٔ جماعت می‌نمود تا اینکه چشم از جهان فروبست و در جوار حضرت معصومه(س) به‌خاک سپرده شد . ایشان پدر آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل موحدی لنکرانی از فقها و مراجع فعلی حوزهٔ علمیهٔ قم است .

سه . همسرآیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی که پس از همسر اول معظم‌له به‌همسری ایشان درآمد و حاصل این ازدواج هفت فرزند بود که چهار پسر و سه دخترند .

چهار . همسر آیت‌الله علاّمه حاج شیخ محمد کرمی بن محمد طه بن شیخ نصرالله حویزی (متولد ۱۳۴۰ق) ، از علما و فضلای معاصر خوزستان و سبط آیت‌الله شیخ حسن مامقانی . او مقدمات و سطوح را نزد مدرسین بزرگ نجف اشرف آموخت و در ۱۳۶۱ قمری به قم مهاجرت کرد و در حوزه‌های درس آیت‌الله‌العظمی حجت کوه کمری و آیت‌الله‌العظمی بروجردی شرکت کرد و از محضر آنان استفاده نمود . او دارای تألیفات و آثاری می‌باشد .

آیت‌الله مرعشی از طریق همسر خویش با جمعی از بیوتات علمی و علمای بزرگ قم فامیلی نسبی پیدا نموده بود که عبارتند از :

الف . آیت‌الله‌العظمی حاج آقاحسین بن‌سید محمودطباطبائی‌قمی (۱۲۸۲ ـ ۱۳۶۶ق)، از مشاهیر علما و مراجع که در قم چشم به جهان گشود و برای تحصیل به عتبات عالیات

Marfat.com

سفر نمود و در سامرا از محضر آیت‌الله مجدّد شیرازی استفاده کرد و سپس به ایران بازگشت و در تهران از میرزا ابوالحسن جلوه ، شیخ علی مدرس نوری ، میرزا حسن کرمانشاهی ، میرزا محمد آشتیانی ، شیخ فضل‌الله نوری و دیگران استفاده کرد و دارای آثار و تألیفات بسیاری است .

ب . ثقةالمحدثین حاج شیخ عباس بن محمدرضا ، معروف به محدث قمی (۱۲۹۰ ـ ۱۳۵۹ ق) ، عالم جلیل‌القدر و محدث نامدار و صاحب کتاب معروف *مفاتیح‌الجنان* ؛ *الکنی والالقاب* و *منتهی‌الامال* ، که از توصیف بی‌نیاز است .

ج . آیت‌الله حاج سید محمود بن آیت‌الله آقا سید صادق روحانی قمی که در ۱۳۰۷ قمری در قم متولد شد و در نزد شیخ حسین علامه به تحصیل پرداخته و در جلسات درس شیخ حسن فاضل ، آیت‌الله حاج غلامرضا صاحب حاشیه و آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبایی دانش آموخت و در ۱۳۳۰ قمری به نجف اشرف مشرف و از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی ، و در مشهد مقدس از آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و دیگران استفاده نموده است و پس از آن به قم رحل اقامت افکنده و به تدریس پرداخته است .

د . آیت‌الله حاج میرزا محمدتقی اشراقی (م۱۳۶۷ق) ، مجتهد و فقیه اصولی و واعظ معروف و برجسته که در فقه ، اصول ، کلام ، حکمت و تفسیر صاحبنظر و با اطلاع بود . او فردی سخنور ، متخلّق به اخلاق حمیده ، صریح‌اللهجه ، شجاع ، متواضع و مروج مذهب بود . ایشان پس از سخنرانی در ۲۴ رمضان ۱۳۶۷ در تهران درگذشت و جنازهٔ وی را به قم منتقل و در مسجد بالاسر ، نزدیک قبر استادش آیت‌الله‌العظمی حائری ، به خاک سپردند . آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی ، داماد حضرت امام خمینی ، فرزند ایشان است .

گفتنی است عموی همسر آیت‌الله مرعشی ، آیت‌الله حاج سید حسین کوچه‌حرمی (م۱۳۵۷ق) ، از علمای حوزهٔ علمیهٔ قم بود ، که عالمی زاهد و مورد توجه اهالی قم بوده و تحصیلات خودرا در قم و نجف اشرف به پایان برده و در مسجد بالاسر حضرت

Marfat.com

معصومه(س) و نیز در صحن مطهر ، اقامهٔ جماعت می‌نموده است . همین عالم بزرگوار است که جای نماز جماعت خودرا به مرحوم آقا در بیش از شصت سال پیش وا گذار کرده بود . ایشان در ۱۳۵۷ قمری چشم از جهان فروبست و در نزدیکی قبر آیت‌الله‌العظمی حائری ، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم ، در مسجد بالاسر به خاک سپرده شد .

۲. تنگی معیشت

آیت‌الله مرعشی نجفی در زندگی خود بسیار فقیر و تنگدست بود و حکایتهای فراوانی در زندگی ایشان وجود دارد که نشان می‌دهد ایشان از همان اوان زندگی در نجف اشرف با تنگدستی و مشکل تأمین معاش مواجه بوده است . ایشان پس از رحلت پدر خود در ۱۳۳۸ قمری ، یعنی از ۲۳ سالگی ، گرفتار فقر و بی‌چیزی شدید بود ؛ چنان‌که گاهی گرسنه می‌ماند .

در یک مورد خود ایشان تصریح کرده است که هنگامی که در مدرسهٔ قوام زندگی می‌کرد ، چند شبانه روز غذایی به دست نیاورد و رنگ چهره‌اش به زردی گرایید و این گرسنگی اورا بسیار ناتوان ساخته بود و با اینکه دوستان هم حجره‌اش علامه حاج میرزا حسن شیرازی و علامه میرزا محمدحسین شیرازی ، از نوادگان میرزای شیرازی بودند و این تغییر حالت اورا می‌دیدند ، نتوانستند به گرسنگی و فقر او پی‌ببرند .

بارها در نجف اشرف برای خرید کتاب ، لباسها و کفشهای خودرا گرو می‌گذاشت و یا می‌فروخت و همان‌گونه که گذشت ، هنگامی که قصد داشت کتاب *ریاض‌العلماء* را خریداری کند ، مجبور شد لباسها و ساعت خودرا به فروش برساند تا بتواند قیمت کتاب را پرداخت نماید . و گاهی هم روزهای بسیار روزه می‌گرفت و ماهها نماز استیجاری می‌خواند تا بتواند مبلغی تهیه کند و یا پس انداز نماید و با آن کتاب مورد نظرش را بخرد .

بعدها که به مرجعیت رسید بازهم در زندگی فردی و خصوصی خود گرفتار فقر و فاقه بود و نمی‌توانست مخارج زندگی خود را به راحتی تأمین نماید . زیرا اگر چیزی هم

Marfat.com

به‌دستش می‌رسید ، برای خرید کتاب مصرف می‌کرد ؛ چنان که وقتی مهمانانی ، مانند اساتید دانشگاهها ، در روزهای جمعه به منزل ایشان می آمدند ، به گفتهٔ فرزندشان ، فقط به آنها آبگوشت می‌داد . آن مرحوم در یکی از وصیتنامه‌هایشان نوشته‌اند :

> من بعد از خودم چیزی از زر و زیور دنیا به جای نگذاشته‌ام و هرچه به دستم رسید ، حتّی نذورات مخصوص خودم را ، برای رفع نیاز مردم و بویژه اهل علم صرف می‌کردم و چیزی از مال دنیا حتی به‌مقدار پوست‌هستهٔ خرمایی برای ورثه نگذاشتم . . . بااینکه اگر در صدد ارث گذاشتن مال و منال بودم ، با موقعیتی که در جامعه داشتم ، می توانستم .

این نمونه‌ها و دهها نمونهٔ دیگر در زندگی ایشان نشان می‌دهد که وی وضع مالی خوبی نداشته و در عین اینکه مال بسیاری از سهم امام(ع) ، خمس ، زکات و دیگر نذورات از جانب مقلدانش به ایشان تقدیم می‌شد ، خود با وضع فقیرانه‌ای زندگی می‌کرد و به همین دلیل هم هیچگاه استطاعت مالی پیدا نکرد تا به حج برود ، که این بسیار درخور توجه است .

۳. اخلاق و روابط خانوادگی

چنان که قبلاً در مورد روابط و رفتار اجتماعی ایشان مطالبی بیان شد ، وی از نظر رفتار فردی و خانوادگی نیز بسیار ممتاز بود . مردم قم خوب به خاطر دارند که حضرت آیت‌الله مرعشی در روابط فردی خود و اخلاق و رفتار با مردم تا چه اندازه متواضع و فروتن بود . معظم‌له خود فرموده‌اند که : « من در بسیاری از خانه‌های مردم قم رفت و آمد داشتم ؛ چنان‌که در مجالس مختلف شادی وغم آنها شرکت می‌کردم . هنگامی که فرزندشان متولد می‌شد ، در مجلس جشن ختنه سوران ، جشن عقد و عروسی ، و یا موقع بازگشتشان از زیارت مشاهد مشرفه یا حج به دیدن آنها می‌شتافتم و شرکت

Marfat.com

می‌نمودم » . همچنین در مواقع بیماری به عیادت و در هنگام عزا به تسلیت آنها می رفت و این یک عادت و سنّت برای ایشان بود که در روابط خود با مردم چنان به آنها نزدیک باشد که مردم احساس بیگانگی نکنند و حقیقتاً هم مردم چنین بودند و با او احساس یکرنگی و صمیمیت داشتند ؛ تا آنجا که اسرار خودرا ، که به همسران یا پدران و مادران خود نمی‌گفتند ، با مرحوم آقا در میان می‌گذاشتند . آن مرحوم بارها می‌فرمود : « من صندوقچهٔ اسرار مردم هستم » . بسیاری از مواقع مشکلاتشان را تنها با او در میان گذاشته و حل مشکلشان را فقط ازاو می‌طلبیدند . خوشرفتاری ایشان نسبت به مردم و رفع مشکلات و نیازمندیهای آنان ، که بیشتر مخفیانه انجام می‌گرفت ، باعث محبوبیت عجیب وی در بین مردم متدین قم شده بود ؛ با اینکه بسیاری از خانواده‌ها و مستمندان که ایشان به آنها کمک می‌کرد ، اورا نمی‌شناختند .

اصولاً خشونت در وجود ایشان نبود و همین امر باعث می‌شد که گاهی افراد منحرف را به راه راست هدایت می‌کرد . از جمله معظم‌له نقل کرده‌اند که : « یک وقت برای مجلس خیری به محلهٔ جوی شور ، که یکی از محلات دور افتادهٔ زمان گذشته قم بود و با مرکز شهر فاصله داشت و این فاصله را باغها و کوچه‌باغها پر کرده بود ، رفته بودم . آن شب هوا بسیار سرد بود و از شب قبل برف سنگینی آمده بود و برفها روی زمین باقی مانده و در برخی از جاها یخ زده بود . شبی مهتابی و سرد بود و من به آن مجلس رفتم و جلسه به‌طول انجامید و دیر وقت به طرف منزل از طریق کوچه‌باغها حرکت کردم . در یکی از کوچه‌باغها به مرد مستی برخوردم که چوبدستی در دست داشت و راه را بر من بست و پرسید ای سید کجا میروی؟ گفتم به منزل . گفت از کجا می آیی؟ گفتم از یک جلسه که برای امر خیری تشکیل شده بود . گفت چه کاره‌ای؟ گفتم روحانی و آخوند هستم . گفت باید برایم روضه بخوانی . گفتم در اینجا که نمی‌شود ؛ زیرا هوا سرد است و اتاق و فرش و صندلی و مستمعی نیست . گفت بر گردهٔ من بنشین و برایم روضه بخوان و تهدید کرد . من به ناچار بر گردهٔ وی سوار شدم و برایش روضه خواندم . عجیب است

Marfat.com

که بسیار گریه کرد و پس از خاتمه به همراه من تا منزل آمد . چند وقت از این قضیه گذشت و یک‌وقت پس از نماز جماعت در حرم مطهر حضرت معصومه (س) ، مردی که اندکی ریش هم داشت جلو سجادهٔ من زانو زد و با اصرار دست مرا ، که شدیداً اکراه داشتم ، بوسید و گفت آقا مرا ببخشید ، من اشتباه کردم . پرسیدم شما کی هستید؟ من شمارا نمی‌شناسم؟ گفت من همان شخصی هستم که چند وقت پیش شبانگاه راه را بر شما بستم و گفتم برایم روضه بخوان . من وقتی اورا شناختم ، گفتم تورا بخشیدم و اصولاً از تو دلگیر نشدم ؛ ولی آن مرد با گریه گفت مرا ببخش و از خداوند بخواه که توبهٔ مرا قبول کند . زیرا من از نحوهٔ رفتار شما با خودم سخت متأثر شدم و توبه کردم . آن مرد از آن پس جزو اخیار شد ؛ چنان که چندین سال در نماز جماعت من شرکت می‌کرد ، تا اینکه چشم از جهان فروبست و در تشییع جنازهٔ او عدهٔ فراوانی از مردم و از جمله من شرکت کردیم » .

هنگامی که افراد به دیدن ایشان می آمدند ، اصرار داشتند که دست وی را ببوسند و چون معظم‌له از این کار شدیداً ناراحت می‌شد ، نمی‌گذاشت دستشان را ببوسند . امّا گاهی برخی افراد چنان دست او را برای بوسیدن بشدّت می‌کشیدند که چندین بار مچ دستشان از جا در رفته بود و بشدّت درد می‌کرد .

همسر ایشان نقل کرده است که : «مدت شصت سال با آیت‌الله مرعشی زندگی کردم و در این مدت هیچگاه نسبت به من با تحکم سخن نگفت و با من رفتاری تند و خشونت آمیز نداشت و با تندی با من صحبت و رفتار نکرد . تا آن زمان که خود قادر به حرکت کردن و انجام کاری بود ، نمی‌گذاشت دیگران کاری برایش انجام دهند . حتی هنگامی‌که تشنه بود ، خود بلند می‌شد و به آشپزخانه می‌رفت و آب می آشامید و به من نمی‌گفت . وی غیر از اینکه همسری خوب و مهربان و دوست داشتنی بود ، برای من مانند یک رفیق صمیمی و همکاری غمخوار نیز بود و در کارهای منزل به من کمک می‌کرد . بسیاری از اوقات در کارهای آشپزخانه ، از قبیل درست کردن غذا ، پاک کردن

Marfat.com

سبزی ، شستن میوه و وسایل آشپزخانه به من کمک می‌کرد و رفتارشان برای تمامی افراد خانه الگو بود» .

فرزند ارشد ایشان ، حجت‌الاسلام والمسلمین مرعشی ، نقل کرده‌اند که شبی با همسرم به منزل مرحوم آقا رفتیم . موقع صرف شام در سر سفره چون تشنه شده بودم ، از همسرم خواستم کمی آب به من بدهد . ناگهان حضرت آقا بشدّت متغیر و ناراحت شد و به من فرمود : « اگر تشنه هستی خودت بلند شو و برای خودت آب بیاور . زیرا زن در خانهٔ مرد ، برده نیست که با او چنین رفتاری شود و او نیز همانند تو دارای حق و حقوقی است که باید رعایت شود » .

آیت‌الله مرعشی نسبت به فرزندان و افراد خانوادهٔ خویش نیز بسیار مهربان و خوشرفتار بود . برخی از شبها که نوه‌هایشان در منزل جمع می‌شدند ، معظم‌له برای آنها با بیانی شیرین و جذاب ، حکایتها و داستانها می‌گفت و نوه‌هایشان را سخت تحت تأثیر قرار می‌داد . سپس در لابلای آن حکایات و داستانها ، نصایحی می‌فرمود که بسیار مؤثر بود .

Marfat.com

فصل دوم. حماسهٔ استقامت

تاریخ از مردان بزرگی که در مقابل ناملایمات زندگی ، فشارهای جسمی و کوران حوادث شکننده ، بسختی مقابله کرده و دشمنان جسم و جان خودرا سرکوب یا زمینگیر ساخته‌اند ، با احترام فراوان یاد می‌کند . اینان الگوی شکیبایی ، مقاومت ، بردباری و مبارزه در برابر این‌گونه حوادث ، مصائب و شداید به شمار می‌روند .

آیت‌الله مرعشی با پیکر نحیف ، لاغر و شکنندهٔ خویش ، سمبل مقاومت در مقابل بیماریهای گوناگون جسمانی ، حوادث ناگوار روحی و حماسهٔ شکیبایی و استقامت در برابر رنجوری تن بود . او که نزدیک چهل سال با شدیدترین ناراحتیهای جسمی و روحی دست به‌گریبان بود ، لحظه‌ای درنگ ، عقب‌نشینی و ناتوانی از خود نشان نداد و همیشه شاداب و سرزنده ، همانند درختی تناور و کوهی استوار ، کوشاتر از پیش به فعالیتهای مختلف علمی ، فرهنگی عبادی و اجتماعی خویش ادامه داد و با بال صبر و استقامت بر فراز همهٔ رنجوریهای جسم و جان به پرواز خود اوج بیشتر داد و تا مدتها نگذاشت کسی به رنجوری او پی‌ببرد .

بیشتر رنجوریهای جسمانی معظم‌له به سالهای اوج جوانیش باز می‌گردد . زیرا در آن سالهایی که جسم او نیازمند تغذیهٔ خوب ، سالم و با برنامه بود ، ایشان به واسطهٔ دو عامل عمده از آن محروم بود : یکی فقر و محرومیت روزگار تجرد و ایام تحصیل علوم دینی در نجف اشرف بود . او هنوز به حدّ کافی ، رشد جسمانی نکرده و نهال قامت وی تنومند و تناور نشده بود که با رحلت پدر بزرگوار خویش مزهٔ فقر و محرومیت را احساس کرد و به‌تصریح خود معظم‌له روزها می‌گذشت و او غذایی برای سد جوع خویش

Marfat.com

به‌دست نمی‌آورد و دوستان صمیمی و همقطارانش با اینکه زردی رخسار وی را می‌دیدند ، از گرسنگی ، فقر و محرومیت او خبر نداشتند . این گرسنگیهای پی در پی قوای جسمانی ایشان را چنان تحلیل برده و اورا ناتوان ساخته بود که در همان آغاز جوانی به ناراحتی قلبی گرفتار شده بود . روشن است که این ناراحتیها بعدها تأثیر بسیار بد و شکننده‌ای بر اعضا و جوارح وی خواهد گذاشت و او را با مشکلات عدم سلامتی جسمانی مواجه خواهد نمود ، امّا او تنها عکس‌العملش در مقابل این ناراحتیها این بود که می‌گفت : « برای کسب علم و فضیلت چه باک از این ناملایمات و رنجوریهای تن » .

عامل دیگر ، روزه‌های پی در پی و حذف یک وعده غذای روزانه ، که گاهی به هر سه وعدهٔ غذایی نیز می‌انجامید ، بوده است . ایشان به دلیل علاقهٔ شدید و میل فراوان به کتب و آثار نفیس خطی و حتی چاپی ، تن به این کار داده بود تا بلکه بتواند کتاب یا رساله‌ای چاپی یا خطی را از دستبرد غارتگران نجات دهد . آن روزها سخت در تلاش بودند تا این ذخایر گرانقدر و حاصل عمر هزاران دانشمند فرزانه را به‌رایگان و یا به نازلترین قیمت بخرند و از سرزمینهای اسلامی خارج کرده و آنهارا نابود ساخته و یا زینتبخش کتابخانه‌های اروپا و آمریکا سازند . او یک‌تنه قد علم کرد و پرچمدار مبارزه با این چپاولگران و دلاّلان شد و چون مال و منالی نداشت ، سهل است که با فقر و تنگدستی دست به گریبان بود ، لا جرم از جان مایه می‌گذاشت و گرسنگی را با جسم رنجور خویش تحمل می کرد تا مگر با این تمهیدات مایهٔ اندکی به دست آورد (مایه‌ای که حق جسم و منشأ رشد آن بود) و آن را در راه خریداری کتابی مصرف سازد .

این کار که سراسر دوران جوانی و سالهای بسیاری از عمر با برکت ایشان را اشغال کرده بود ، تدریجاً بر اندام جسمانی وی اثر نامطلوب گذاشت و اورا در نیمه راه عمر گرفتار مهلکترین دردها و شدیدترین نارساییها و ناتوانیهای جسمانی ساخت که تا آخر عمر هم اورا رها نکرد .

به این دو عامل که نقشی مستقیم و اصلی در بیماریهای بعدی وی بازی کردند و از

Marfat.com

مقاومت و رشد جسمانی او شدیداً کاستند ، می‌توان عوامل دیگری نیز اضافه کرد که به این شرح است :

یک . شب‌زنده‌داریهای ممتد و کم‌خوابیهای مداوم که در سراسر عمر بی‌کم وکاست اجرا می‌شد . ایشان در ۲۴ ساعت شبانه روز تنها چهار ساعت استراحت می‌کردند و بقیهٔ ساعات را مشغول تحصیل ، تدریس ، مطالعه ، تألیف و تصنیف ، نیایش و عبادت و رفع مشکلات جامعه بودند . او نزدیک به هشتاد سال از عمر خود را شبی بی‌نیایش و نماز شب نگذراند . عدم‌استراحت لازم وفشار بیش از حدّ وتلاش بیست ساعتهٔ شبانه‌روزی ، باعث ضعف و تحلیل رفتن قوای جسمانی وی گردید .

دو . مطالعهٔ پیگیر و همیشگی نسخ خطی وکتب چاپی با حروف بسیار ریز و ناخوانا ، عامل مهم دیگری در تضعیف اعضا و قوهٔ بینایی معظم‌له بود . معظم‌له تا روزهای واپسین عمرش پنج روز هفته را به تدریس می‌گذراند و غیر از ساعتهای خواب که بسیار اندک بود ، همواره نماز می‌خواند و مطالعه می‌کرد . او در سالهای آخر عمر که قدرت بینایش به شدت کاسته شده بود ، شامگاه در جمع خانواده و یا در حلقهٔ محفل دوستان می‌نشست و یا در ساعتهای پیش از خواب ،کتاب یا مقدمه‌ای بر یک اثر تحقیقی را با صدایی مقطع وکلامی بریده دیکته می‌کرد و دمی را به بطالت و غفلت نمی‌گذراند .

سه . فشارها و ناراحتیهای خارجی ،که کم هم نبودند ، عامل دیگری در بروز ناراحتیهای جسمانی وکسالتهای پی در پی ایشان بودند . از باب نمونه هنگامی که ملت مسلمان و انقلابی ایران ، بویژه مردم قم ، از بیم جان به منزل ایشان ،که آن را مأوی و ملجأ و پناهگاه مطمئن خویش می‌شمردند ، پناهنده شدند ، ناگهان معظم‌له مشاهده می‌کند که حریم مقدس امن بیت او را شکسته‌اند و عوامل دَدمنش رژیم با بی‌شرمی پا به‌ساحت آستان منزل وی گذارده و در پیش چشم ایشان جوان مسلمانی را می‌کشند ، بشدّت ناراحت می‌شود و بدن رنجور و جسم دردمند و چشم ضعیف وی که توان تحمل و مشاهده این همه ظلم را نداشت به سختی آسیب دیده و اورا شدیداً بیمار نموده و روانهٔ

Marfat.com

بیمارستان می‌نماید که این مطلب بارها و بارها اتفاق افتاد .

این عوامل دست به‌دست هم دادند و او را در مقابل حملات سخت بیماریها ، آسیب‌پذیر ساختند . با همهٔ اینها او کسی نبود که به این راحتی تسلیم شود . از این رو از همان آغاز دورهٔ پایان جوانی به این سو ، به شکلی اعجاب‌انگیز و شگفت‌آور ، در مقابل بیماریها مقاومت کرد و چون کوه ایستادگی نمود و حماسهٔ استقامت و شکیبایی آفرید و نه تنها تسلیم نشد که مردانه به پیش تاخت و این بدن نحیف ، جسم لاغر و پیکر شکننده و گرفتار بیماریهای گوناگون را تا نزدیک صد سالگی رساند و به خوبی و شایستگی از آن حدّاکثر استفاده را برد . چشم‌انداز این حماسه گرچه بسیار پهناورتر و پرفراز و نشیبتر از این مختصر است که بیان شد ، ولی چاره‌ای نداریم جز اینکه سخن را کوتاه کنیم و به فصل آخر این حماسه بپردازیم که بالاخره در مقابل مشیّت‌الهی تمکین می‌کند و سر تسلیم فرود می‌آورد . فشردهٔ مطالب این فصل به این شرح است :

۱. هجوم بی‌امان بیماریها

این بدن رنجور که در سفر طولانی و پرفراز و نشیب خویش کوله‌باری از ضعف و ناتوانی را به همراه خود ارمغان آورده است ، در گیرودار نبرد جانانهٔ مقاومت ، اکنون مورد هجوم بی‌رحمانهٔ بیماری قلبی ، فشار خون ، ضعف چشم ، قند بسیار بالا و مانند اینها قرار می‌گیرد و چندین بار در بیمارستانهای مختلف شهر قم و تهران بستری می‌گردد و با کمک پزشکان معالج موقتاً درمان می‌شود از جمله بستری شدن ایشان در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری در روز ششم دیماه ۱۳۴۱ . پیش از ورود ایشان به شهر ری ، شمار بسیاری از مردم شهر ری و تهران برای استقبال از معظم‌له تا کهریزک آمده بودند و ایشان پس‌از زیارت حرم‌مطهر حضرت‌عبدالعظیم(ع)در میان‌انبوه‌جمعیت‌استقبال‌کننده در بیمارستان بستری شدند . در مدتی که آن حضرت در بیمارستان بستری بودند ، همه‌روزه تعداد بسیاری از طبقات مختلف بویژه روحانیون و علما و شخصیّت‌های مهم

Marfat.com

از ایشان عیادت کردند . پس از چند روز که بهبودی نسبی به دست آوردند به قم مراجعت نمودند . در هنگام بازگشت به قم مردم متدیّن و مسلمان قم چندین طاق‌نصرت در مسیر ورود ایشان برپا نموده و تا علی‌آباد به استقبال آمده و تعداد بسیاری گاو و گوسفند در مسیر ایشان کشتند و مقدم ایشان به قم را بدین وسیله گرامی داشتند که در آن تاریخ این استقبال را کم‌نظیر خوانده‌اند .

با اینکه از حدود سال ۱۳۵۴ شمسی تا لحظهٔ آخر عمر زیر نظر پزشکان مشهور ، از جمله پرفسور رشید معصومی ، متخصص قلب ، قرار گرفته و روز به روز و گاهی ساعت به ساعت بر اساس مدارک و اسناد درمانی ایشان که اکنون موجود است ، نبض ، فشارخون ، حرارت بدن ، وزن ، ادرار و سایر موارد دقیقاً کنترل می‌گردید و این آزمایشات مختلف برای جلوگیری از تسریع بیماری همیشه ادامه داشت .

۲. مسافرتهای درمانی

شدت بیماری و ناتوانی این پیکر نحیف و تکیده در برابر هجوم بی‌امان بیماری ، ایشان را مجبور ساخت که در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ راه دیار غربت را در پیش گیرد ؛ به امید آنکه راه درمانی در آن سوی مرزهای دیار آشنا یافت گردد . از این‌رو حضرت آیت‌الله مرعشی به منظور معالجهٔ قلب و چشم راهی لندن می‌شود . در این سفر که دو هفته به طول می‌انجامد ، فرزند ارشد ایشان حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی ، یک پزشک معالج ، یک پزشکیار ، یک مترجم و یک خدمتکار ایشان را همراهی می‌کنند . چند روزی در بیمارستانی از این شهر بزرگ بستری و به مداوای قلب و چشم می‌پردازد . مشاورهٔ پزشکی که در لندن انجام گرفت ، نظر پزشک معالج ایشان پروفسور معصومی در ایران را تأیید می‌کرد که ایشان باید استراحت مطلق کند . سرانجام در پنجم خرداد به ایران مراجعت و همان شب به قم وارد شدند و صبح روز بعد جمع بسیاری از علما ، فضلا ، طلاب و دوستداران وی به عیادتش آمدند . این بهبودی دیری

Marfat.com

نپایید و بار دیگر به اشارهٔ پزشک معالج در فروردین ۱۳۶۰ ، برابر مارس ۱۹۸۱ ، برای معالجهٔ چشم ، راهی کشور اسپانیا گردید و در کلینیک بارا کر شهر بارسلون بستری گردید .

به این مناسبت دانشجویان مسلمان مقیم اسپانیا ، طی تلگرامی طول عمر و سلامت عاجل آن حضرت را از درگاه قادر متعال خواستار شدند .

امام خمینی ، رهبر انقلاب اسلامی ایران ، و برخی از مسئولین جمهوری اسلامی ، از جمله مرحوم شهید رجائی ، نیز با مخابرهٔ تلگرامهایی به اسپانیا ، برای معظم‌له سلامتی ، شفای عاجل و طول عمر آرزو کردند .

در این سفر ایشان با به دست آوردن بهبودی نسبی ، از برخی کتابخانه‌های مهم اسپانیا دیدار کردند و سپس به ایران مراجعت نمودند . توصیهٔ پزشکان معالج این بود که ایشان به استراحت مطلق بپردازند و از مطالعه و تدریس پرهیز کنند . امّا مگر ایشان می‌توانست چنین کند؟ او که سالهای طولانی عشق و امیدش کتاب ، مطالعه ، تدریس و تعلیم بوده است ، چگونه آرام می‌نشست و تن به آرامش می‌داد؟ کتاب ، مطالعه و تدریس همهٔ آرزو و امید وی به شمار می‌رفت .

اشتغالات روز افزون ، مراجعات مکرر و بیش از پیش افراد ، گروهها و مقلدان ایشان و انبوه نامه‌ها و سؤالات دینی مسلمانان از سراسر جهان ، تمامی اوقات شبانه‌روزی معظم‌له را پر کرده بود و مطالعه و پاسخ به آن همه نامه ، که بیشتر آنهارا خود می‌خواند و جواب می‌داد و گاهی نیز برای ایشان قرائت می‌کردند ، بسیار وقتگیر بود . این اشتغالات روزافزون به علاوهٔ مطالعات دیگر و تدریس بار دیگر سلامتی ایشان را به خطر انداخت و در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۷ در بیمارستان تهران کلینیک بستری شد و زیر عمل جراحی قرار گرفت و معاینات قلبی از ایشان به عمل آمد و با اطمینان یافتن پزشکان به سلامتی معظم‌له در ۲۴ تیر ماه بیمارستان را ترک نمود و به قم بازگشت . این بهبودی نیز چندان دوام نیاورد و بار دیگر در چهارده آبان ۱۳۶۸ ایشان را به تهران منتقل نموده و در بیمارستان خاتم‌الانبیا بستری گردید و پزشکان معالج وی و مسئولین بیمارستان کوشش فراوانی در

Marfat.com

راه حصول سلامتی ایشان به عمل آوردند .

خاطرهٔ دیداری که اینجانب در این بیمارستان از ایشان دارم ، هیچوقت از یادم نمی‌رود . آن زمان در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تهران مشغول به کار بودم . ریاست آن مرکز مرا به نمایندگی از جانب خود و محققان و نویسندگان دائرةالمعارف به‌عیادت ایشان فرستادند . ایشان با چهره‌ای باز ، که رنج بیماری نمی‌توانست مهر و عطوفت پدرانه را از آن محو سازد ، مرا به حضور پذیرفت و با تبسّمی شیرین و سرشار از لطف سلامم را پاسخ داد و از پیشرفت کارم بر روی کتاب *ریاض‌الجنهٔ* زنوزی که به امر ایشان مشغول تصحیح آن بودم ، پرسش نمود و فرمود مایلم بر این کتاب مقدمه‌ای بنویسم . امّا افسوس که چنین نشد و بیماری شدید ایشان مجال نوشتن مقدمه‌ای بر این کتاب را از معظم‌له سلب نمود .

در هنگام بستری شدن ایشان در بیمارستان ، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب ، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ریاست جمهور ، ریاست مجلس شورای اسلامی ، آیت‌الله یزدی رئیس قوهٔ قضائیه ، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ، اعضای محترم شورای نگهبان ، مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم ، معاونان ریاست جمهوری ، برخی از وزرا ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، مسئولین بسیاری از نهادها ، ادارات ، سازمانهای انقلاب اسلامی ، شخصیتهای علمی و سیاسی ، جامعهٔ روحانیت و اقشار مختلف جامعه از ایشان عیادت نمودند و برای سلامتی عاجل و طول عمر معظم‌له دعا کردند .

آیات عظام و مراجع عالیقدر حوزه‌های علمیه ، از جمله آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی و آیت‌الله‌العظمی اراکی ، تلگرامهایی خطاب به ایشان مخابره کردند . در این تلگرامها سلامتی و شفای عاجل ایشان آرزو شده بود .

آیت‌الله مرعشی پس از بهبودی نسبی که به دست آوردند در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۶۸ ، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۱۰ ، با تجویز پزشکان معالج ، بیمارستان را ترک گفته و با یک

Marfat.com

هلیکوپتر به قم بازگشتند و طی تلگرامها و اطلاعیه‌های جدا گانه از تشریف فرمایی و تفقد مقام معظم رهبری ، ریاست جمهور ، ریاست مجلس شورای اسلامی و دیگر مسئولین مملکتی و سایر اقشار مردم ، که در بیمارستان از ایشان عیادت کرده بودند ، تشکر نموده و از زحمات ریاست بیمارستان خاتم‌الانبیا ، پزشکان و کارکنان آن قدردانی کردند .

۳. آخرین میقات

این عالم فرزانه و عارف زاهد که عمری در راه دین مقدس اسلام و مذهب حقّهٔ جعفری قلم و قدم زده بود و نزدیک به هشتاد سال به تدریس و تربیت شا گردان مکتب اهل‌بیت ، تألیف و تصنیف ، عبادت و نیایش گذرانده و آثار خیریهٔ فراوانی را به‌وجود آورده بود ، سرانجام برای آخرین میقات باحق به محراب عبادت ایستاد و در پیشگاه حضرت حق به نیایش پرداخت و سر بر خا ک سایید و با معبود خویش سخن گفت . کسی چه می‌داند آن آخرین میقات ، آن عارف پارسا ، با خالق یکتای خویش از چه موضوعی سخن گفته است؟ امّا این را می‌دانیم که میان عارفان به حقیقت پیوسته و معبودشان سخن از هجران و فراق بسیار است و آرزوی وصل ، سرآغاز همهٔ نیایشها .

آیت‌الله مرعشی که سالها درد هجران به عشق معبود حقیقی را به جان خریده و در رهگذر عمر پربار و بابرکت خویش ، همیشه در اشتیاق رسیدن به حقیقت مطلق بود ، حال که در منظر یگانهٔ هستی بخش ایستاده و آخرین مراحل سیر الی‌الله را در آخرین میقات تجربه می‌کند ، در آن نیایش شامگاهی چه سخنی می‌توانست بر لب جاری کند که غیر از ذ کر و نام الله باشد؟ آن ذات پا ک ازلی سرمدی ، آن واحد احد ، « اَلّذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَد » .

۴. پرواز در ملکوت

محراب در اسلام سمبل جهاد و مبارزه است و نماز ، پرواز مؤمنان پا کباخته به سوی

Marfat.com

ملکوت‌اعلی وچه خوش است در آستانهٔ محراب ، کلام از جان برآید و جان با معراج خویش به سوی جانان اوج گیرد و این کمال مطلوب مردان حق است ، که سرحلقهٔ خوبان عالم در چنین جایی فرمود : « فُزت وربّ‌الکعبة » .

آیت‌الله مرعشی که سالها در محراب عبادت به مجاهدت پرداخته بود ، در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۱ ، برابر با هفتم شهریور ۱۳۶۹ ، در ۹۶ سال عمر گرانمایه خلاصه شد و طومار عمرش به آخر رسید و پس از اقامهٔ آخرین نماز جماعت در صحن مطهر حضرت فاطمهٔ معصومه (س) ، به فاصله چند دقیقه که از آخرین میقات به منزل بازگشته بود ، گرفتار حمله و سکتهٔ قلبی شد . فرزند ارشد ایشان بلا فاصله پزشکان معالج را به یاری طلبید ، ولی معالجات مؤثر واقع نشد و آن پیکر نحیف و رنجدیده ، که نزدیک به یک قرن در حرکت مستمر و مداوم لحظه‌ای از تب و تاب نیفتاده بود ، برای همیشه از حرکت باز ایستاد و مرغ جان از قفس تن آزاد گردید . چراکه حال دیگر نوبت تحرک و پرواز او بود تا به عالم ملکوت اوج گیرد و تا آستان معبود عروج کند . بدین‌سان و آرام ، به نحوی که موجب تعجب همگان گردید ، از این دیار خاکی و فانی به دیار باقی و جاودانی شتافت . نگاه نگران و پرسشگر اطرافیان به دهان پزشک دوخته شده بود و نفسها در سینه‌ها زندانی بود تا او لب باز کند ؛ امّا او لبها را فروبسته و با نگاه خویش گفت : دفتر تمام گشت و به آخر رسید عمر!! و با این سخن ، جهان اسلام و عالم تشیع در غم ارتحال یکی از بزرگترین سرمایه‌های ارزشمند علمی و معنوی خویش به سوگ نشست و این عالم بزرگوار ، به یکی از آرزوها و خواسته‌های دیرینهٔ خود ، که همان مرگ در حال نماز و عبادت در صحن حضرت فاطمهٔ معصومه (س) بود ، رسید .

فرزند ارشد ایشان می‌فرمود : پدرم گویی مدتها پیش ، از مرگ خویش خبر داشت ؛ چراکه از یک هفته و بلکه ۲۴ ساعت قبل از رحلت بارها راجع به مرگ خویش سخن می‌گفت و هرگاه در صدد کاری بر می‌آمدیم که مربوط به ایشان بود ، می‌فرمود : « من

Marfat.com

بزودی از میان شما می‌روم و یکی - دو روز بیشتر مهمان شما نیستم » .

۵. حجاب خاک

حادثهٔ مرگ آیت‌الله مرعشی چنان ناگهانی اتفاق افتاد که وقتی ملت مسلمان ایران ، بویژه مردم متدین شهر عالم‌پرور قم ، خبر این ضایعهٔ هولناک و تأسفبار را با پخش آیهٔ مبارکهٔ «إِنَّا لِلّٰه وَإِنَّا إِلَیْهِ راجِعُون» از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران شنیدند ، برایشان غیر قابل باور بود ؛ مخصوصاً آنها که چند ساعت قبل از این خبر ، در صحن مطهر حضرت معصومه (س) در اقامهٔ نماز جماعت مغرب و عشا ، به ایشان اقتدا کرده بودند . امّا وقتی خبر این واقعهٔ ناگوار و صدای قرائت قرآن ، از حسینیهٔ معظم‌له و از بلندگوهای حرم مطهر حضرت فاطمهٔ معصومه(س) پخش و اعلام گردید ، سراسیمه و مضطرب از منازل خود به کوچه و خیابان آمدند و ضمن عزاداری ، گرداگرد منزل و حسینیهٔ ایشان اجتماع کردند و تا صبح به سوگواری پرداختند .

در پی رحلت این مرد الهی ، از طرف مقام معظم رهبری ، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ، پیامی در پنجشنبه هشتم صفر ۱۴۱۱ برابر با هشتم شهریور ۱۳۶۹ ، به این شرح صادر گردید :

ارتحال عالم جلیل‌القدر و فقیه اهل‌بیت(ع) آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - رضوان‌الله تعالی علیه - را به حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و جهان تشیّع ، مخصوصا مراجع عظام و علمای اعلام و حوزه‌های علمیه و بالاخصّ خانوادهٔ محترم ایشان ، تسلیت می‌گویم .

آن بزرگوار یکی از اساطین حوزهٔ علمیّه و از ارکان علمی و عملی آن محسوب می شدند و عمر با برکت خودرا به تعلیم و تدریس و تربیت و تزکیّه مصروف نمودند .

Marfat.com

فقدان این عالم جلیل حقّاً ضایعه‌ای بزرگ است . از خداوند متعال علّو درجات آن حضرت را مسئلت نموده و ملت عزیز را به تجلیل از مقام شامخ ایشان در سراسر کشور دعوت می‌کنم .

از طرف مقام ریاست جمهوری ، حجت‌الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی نیز اعلامیه‌ای در همان تاریخ به این شرح صادر گردید :

انا لله و انّا الیه راجعون

ضایعهٔ مولمهٔ فقدان عالم وارسته ، عارف والامقام و مرجع عالیقدر جهان اسلام ، مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ رضوان‌الله تعالی علیه ـ را به پیشگاه بقیّة‌الله‌الاعظم ـ ارواحنا له‌الفداء ـ و رهبر معظم انقلاب اسلامی ، مراجع عظام ، جامعهٔ روحانیّت ، خانواده محترم و فرزند گرامی ایشان و امت اسلامی تسلیت عرض می‌کنم .

این مرد بزرگ ، عمر خود را در راه ترویج دین مبین اسلام و فرهنگ غنی شیعه ، در جهان مصروف داشته و خودرا وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرد . بحق پشتوانهٔ استوار و محکم برای انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و از یاوران صدیق امام راحل و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی ـ قدس سره‌الشریف ـ بود . به مناسبت این ثلمهٔ عظیم ، از سوی دولت جمهوری اسلامی سه روز عزای عمومی اعلام می‌شود .

پیکر پاک آن عالم ربّانی و عارف زاهد ، بنا به توصیهٔ خود معظم‌له ، پس از مراسم تغسیل و تکفین در حسینیهٔ خود ایشان ، که در جنب منزلشان واقع شده بود ، قرار داده و بر اساس خواستهٔ ایشان عمامهٔ آن حضرت را باز نموده ، یک سر آن را به عنوان دخیل به

Marfat.com

پایهٔ منبر حضرت سیدالشهدا(ع) و سر دیگر آن را به پایهٔ تابوت ایشان وصل کرده و در آن حال مصیبت وداع سالار شهیدان حسین بن‌علی(ع) با اهل بیت طاهرینش خوانده شد.

پس از پایان این مراسم در روز جمعه، ساعت ۹/۳۰ دقیقهٔ صبح نهم شهریور ۱۳۶۹، در میان انبوه جمعیت عزادار و صدها هزار نفر تشییع کننده که از شهر مذهبی و مقدس قم و دیگر شهرستانها برای شرکت در مراسم تشییع و خاکسپاری معظم‌له، از ساعتها پیش در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف بیت و حسینیهٔ ایشان اجتماع کرده و به عزاداری مشغول بودند، پیکرش به سوی حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشییع گردید. در حرم مطهر نیز مراسم دخیل و خواندن وداع حضرت سیدالشهدا، چنان‌که در حسینیهٔ آن مرحوم صورت گرفته بود، انجام گرفت. سپس حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی بر پیکر ایشان نماز خواندند (در آن زمان حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در مشهد مقدس بودند).

بعد از مراسم طواف در حرم بی‌بی فاطمهٔ معصومه(س) و نماز میّت، پیکر آن حضرت به سوی کتابخانهٔ عمومی معظم‌له تشییع گردید و در ساعت یازده صبح مراسم تدفین و به خاکسپاری آغاز گردید. ایشان خود وصیّت کرده بود:

> حقیر با اینکه محل دفن مناسبی در حرم مطهر بی‌بی فاطمهٔ معصومه(س) برایم از سالیان قبل در نظر گرفته شده، لکن میل دارم در کنار کتابخانهٔ عمومی، زیر پای افرادی دفن شوم که به‌دنبال مطالعهٔ علوم آل محمد(ص) به این کتابخانه می‌آیند. از این‌رو مرا در قبری در کتابخانهٔ عمومی خود دفن کنید و هنگامی که مرا در قبر می‌گذارید، باز هم مصیبت وداع امام حسین(ع) را بخوانید.

مراسم تدفین بر اساس خواستهٔ ایشان انجام گرفت؛ به این صورت که کیسه‌ای را که در آن خاک مراقد ائمهٔ طاهرین(ع) و اولاد آنان و قبور اصحاب و بزرگان بود، برای

Marfat.com

تیمّن و تبرک با ایشان دفن کردند و مقداری از آن را هم زیر صورت و قدری از آن را محاذی صورت ایشان قرار دادند و پس از آن جزء کوچکی از سجادهٔ ایشان ، که هفتاد سال بر روی آن نماز شب به‌جا آورده بود و فقط همان جزء کوچک باقی مانده بود ، و تسبیحی از تربت امام حسین(ع) راکه با آن در سحرها به عدد آن استغفار کرده بود ، در میان قبر ایشان قرار دادند . بعد دستمالی راکه در موقع عزاداری جدش حضرت حسین بن علی(ع) و اهل بیت مکرّم او و معصومین(ع) اشکهای چشم خود را با آن پاک کرده بود ، بر روی سینه و در زیر کفن ایشان قرار دادند و دو عقیق را نیز در زیر زبان ایشان گذاشتند و قرآن کوچکی راکه به فرزند ارشد خود سپرده بود ، بر اساس توصیهٔ معظم‌له در دست راست ایشان قرار دادند . پس ازآن قوطی کوچک محتوی آب زمزم را سوراخ کرده و در قبر پاشیدند . با مراسم تلقین ، مراسم خاکسپاری به پایان رسید و درحالی‌که جمعیّت عزادار با فریادهای « عزا عزاست امروز ، روز عزاست امروز ، آیت حق مرعشی ، پیش خداست امروز » و دهها شعار دیگر ، در خیابانهای اطراف کتابخانه به سر وسینه می‌زدند ودر میان حزن و اندوه فراوان خانواده ، فرزندان ایشان و حاضرین ، به خاک سپرده شد .

در این مراسم نمایندگان آیات عظام ، نمایندگان مقام معظم رهبری ، نمایندهٔ ریاست جمهوری ، معاون اول و سایر معاونان ریاست جمهوری ، تنی چند از اعضای هیئت دولت جمهوری اسلامی ، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی و تنی چند از اعضای بیت امام خمینی ، اعضای شورای نگهبان ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، نمایندگان قوهٔ قضائیه ، جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شورای مدیریت و جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیّهٔ قم ، جمعی از مقامات لشکری و کشوری ، رئیس فدراسیون جهانی شیعیان از لندن ، تنی چند از نمایندگان کشورهای اسلامی مقیم در ایران ، استادان ، فضلا ، علما ، طلاب ایرانی و غیر ایرانی مقیم حوزهٔ علمیه ، مسئولین محلی و نزدیک به یک میلیون نفر از اصناف و اقشار

Marfat.com

مختلف مردم که بسیاری از آنها از شهرستانها به قم آمده بودند ، شرکت داشتند . تشییع پیکر پاک آن حضرت از محل حسینیهٔ ایشان و در مسیر خیابان اراک ، میدان آستانه ، حرم مطهر ، خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم) تا کتابخانهٔ عمومی و محل خاکسپاری انجام گرفت و در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقهٔ ظهر پیکر پاک آن عالم فرزانه در حجاب خاک از نظرها پنهان شد و در دل خاک تیره مأوی گرفت و انبوه عزاداران ، بویژه فرزندان و خانوادهٔ خودرا ، در بهت و حیرت و اندوه و حزن باقی گذاشت .

جمعیت انبوه که تا پیش از به خاکسپاری و تا آن زمان که پیکر پاک در منظرشان بود ، عمق فاجعه و ژرفای ضایعه را احساس نمی‌کردند ، همین که پیکر پاک آن عالم ربانی از نظرشان ناپدید شد ، ناگهان به فریاد و ضجّه درآمدند و بی‌پروا به سر و سینه می‌زدند و به این شکل فرزندان آن مرجع عالیقدر راکه سخت در حزن و اندوه فرو رفته بودند ، تا حسینیهٔ آن مرحوم و تا بیت معظم‌له همراهی کردند تا تسلّی بخش بازماندگان وی باشند .

Marfat.com

فصل سوم. انعکاس فاجعه

رحلت حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، حادثه‌ای ناگوار ، ثلمه‌ای عظیم ، واقعه‌ای دردناک و ضایعه‌ای جبران ناپذیر برای اسلام ، جهان تشیع و حوزه‌های علمیهٔ شیعه بود که انعکاس وسیعی در میان شیعیان وجوامع علمی پیدا کرد و موجی از ناراحتی ، غم و اندوه را به همراه داشت که به این شرح است :

۱. حوزه‌های علمیّه در سوگ آن عالم بزرگ

برای حوزه‌های علمیه فقدان هر عالم و فقیه صالح و پاکباخته ، ضایعه‌ای بزرگ و جبران ناپذیر است ؛ بویژه اگر آن عالم و فقیه نقش زعامت و مرجعیت نیز داشته باشد . از این رو وقتی خبر رحلت حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی در حوزه‌های علمیه منتشر شد ، یکپارچه در سوگ و مأتم فرو رفتند . زیرا حوزه‌های علمیه نه تنها یک عالم ، بلکه پدری مهربان ، مرجعی روشن ضمیر ، رهبری دلسوز و استادی پر مایه را از دست داده بود که نزدیک به‌هشتاد سال در مکتب و حوزهٔ درس خویش عالمان و فقیهان بسیار پرورده بود و خود شاگرد خلفی برای فقها و مراجعی نامدار ، مانند آقا ضیاء عراقی ، سید ابوالحسن اصفهانی ، شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی ، علامهٔ نائینی ، شیخ عبدالکریم حائری بود و یکی از آخرین بازماندگان فقیهانی که نزدیک به هشتاد سال سکّان کشتی تشیّع را به‌دست داشته‌اند و در سنگرهای مبارزه دوش به دوش و متحّد باهم پیش آمدند و یک لحظه در مقابل ظلم و استبداد تسلیم نشدند .

حوزهٔ علمیهٔ قم از یاد نمی‌برد که آیت‌الله مرعشی یکی از معدود کسانی بوده که در

Marfat.com

کنار آیت‌الله‌العظمی حائری سنگ بنای این حوزهٔ نوپا راگذارده و در شکل‌گیری آن نقش بسیار ارزنده‌ای داشته و پس از آن نیز در همه حال به حفاظت و پاسداری و نگهبانی از موجودیت آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است . حوزهٔ علمیه از یاد نمی‌برد که معظم‌له در این عصر جدید یگانه کسی بود که بیش از ۴۵۰ اجازه از فقها و مشایخ جهان اسلام دریافت کرده و به بیش از چند هزار نفر از علما و فقها در طول بیش از نیم قرن اجازه داده و « شیخ‌الاجازه » در میان علمای بزرگ اسلام و شیعه بوده است . از این‌رو جامعهٔ روحانیت شیعه و حوزه‌های علمیه در سوگ این طلایه‌دار اجازه و فقیه نامور و عالم یگانه در سوز و گداز و اندوهی سترگ فرو رفت .

نخستین کسی که عمق فاجعه را در حوزهٔ علمیهٔ قم احساس و آن را در غمنامه‌ای سرود ، حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی ، فقیه اهل بیت و زعیم بزرگ حوزه بود که بیش از هفتاد سال چون دو یار قدیمی درکنار هم و باهم در حفظ و حراست این میراث تشیع کوشیده‌اند . ایشان طی پیامی غمبار ، عظمت این فاجعه و ژرفای این ضایعه را چنین ارزیابی و اعلان کرد :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

انّا لله وانّا الیه راجعون

رحلت مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی ـ قدس سره ـ که یکی از مراجع و از شخصیتهای بزرگ و ارزندهٔ روحانی بودند ، موجب کمال تأسف و تأثر گردید . فقدان این‌گونه رجال ، بخصوص در عصر حاضر ، غم‌انگیز و جبران‌ناپذیر است . سوابق مجاهدات و تلاشهای ایشان علیه استعمار در سنگرهای مختلف قابل توجه و فراموش نشدنی است . ایشان از نخستین علمایی بودند که در مبارزات علیه رژیم فاسد پهلوی ، با سایر مراجع عظام و علمای اعلام تا پیروزی

Marfat.com

انقلاب اسلامی همکاری داشته و در صحنه بودند و همواره از حریم مقدس تشیع دفاع می‌نمودند و در حفظ و نشر آثار ارزنده و مدارک و مخازن اسلامی ، خصوصاً معارف اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و آثار اعاظم علمای امامیّه ، همّت والایی مصروف داشتند .

این مصیبت بزرگ را به پیشگاه مقدس حضرت بقیةالله‌الاعظم ـ ارواحنا فداه ـ و مراجع عظام و علمای اعلام و حوزه‌های علمیه ، بویژه حوزهٔ علمیهٔ قم ، و خاندان محترم و آقا زادگان معظم تعزیت عرض نموده ، علوّ درجات آن فقید سعید و اجر جزیل و صبر جمیل برای بازماندگان مسئلت دارد .

محمد رضا موسوی گلپایگانی

پنجشنبه هشتم شهریور ۱۳۶۹ / هشتم صفر ۱۴۱۱

این غمنامه از زبان و قلم عالمی صالح و فقیهی وارسته می‌تراود که خود از بزرگان واساطین حوزهٔ علمیه و از مراجع بزرگ جهان تشیع بود و سالها با آیت‌الله مرعشی سنگر به سنگر علیه استبداد و استعمار مبارزه کرده بود .

در تلگراف و پیام تسلیتی که در این رابطه از جانب حضرت آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خویی از نجف اشرف به ایران مخابره شد و پیام سوگ حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف بود ، چنین آمده است :

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای سید محمود مرعشی نجفی ، دامت تاییداته ، ارتحال مرحوم مغفور آیت‌الله آقای والد ـ قدس سره ـ موجب تأثر شدید اینجانب گردید . مصیبت وارده را به حضرت بقیةالله‌الاعظم ـ ارواحنا فداه ـ و عموم خدمتگذاران روحانی و تمامی حوزه‌های علمیه و به جنابعالی و سایر بازماندگان

Marfat.com

آن مرحوم تسلیت می‌گویم .

از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نمایم که آن فقید سعید ، که عمر شریف خودرا در خدمت به دین و مذهب صرف نمود ، با اجداد طاهرینش محشور و به جنابعالی و بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل عطا فرماید . البتّه ما خودرا در این فاجعه با آن خانواده شریک در مصیبت می‌دانیم . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .
ولا حول و لا قوة الاّ بالله‌العلی‌العظیم .

خوئی ـ نجف اشرف

۱۳ شهریور ۱۳۶۹

همچنین مرحوم آیت‌الله‌العظمی میرزا هاشم آملی طی تلگرام تسلیتی چنین آورده‌اند :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

حضرت مستطاب حجت‌الاسلام حاج سید محمود مرعشی دامت توفیقه

رحلت جانگداز حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی که عمر پربرکت خویش را در راه تعالی دین مبین اسلام و مذهب حقهٔ جعفری به پایان بردند به حضرتعالی و سایر بازماندگان محترم آن مرحوم و به جمیع مؤمنین تسلیت عرض می‌کنم . رحلت ایشان الحق ضایعه‌ای بزرگ برای حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود . از خداوند متعال خواستاریم که مراتب عالیهٔ ایشان را عالی‌تر سازد و آن فقید سعید را در جوار رحمت خویش مغتنم سازد .

جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم در اطلاعیه‌ای که در هشتم شهریور ۱۳۶۹ منتشر نمود با این فاجعهٔ عظیم و تأسفبار چنین برخورد کرد :

Marfat.com

اذا مات العالم ثلم في الاسلام ثلمة لا يسدّها شيء

ارتحال ناگهانی عالم ربانی ، فقیه بزرگوار ، خدمتگذار به مکتب اهل بیت(ع) ، حضرت آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی - رضوان‌الله تعالی علیه - که عمر پربرکت خویش را در راه علوّ کلمه الله وتربیت و تعلیم فضلا و مدرسین عالیمقام سپری نمودند ، به‌حضور مقدس بقیة‌الله‌الاعظم - ارواحنا فداه - و مقام معظم رهبری و مراجع بزرگ تقلید و حوزات علمیه و امت شهیدپرور و بالأخص بیت شریف آن مرجع عالیقدر تسلیت عرض نموده و برای آن فقید سعید ، علوّ درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از خدای بزرگ خواستاریم .

جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم

۸ شهریور ۶۹

در پیامها ، اطلاعیه‌ها و تلگرامهایی که از سوی مراجع عالیقدر و آیات عظام ، از جمله آیت‌الله‌العظمی اراکی ، آیت‌الله‌العظمی منتظری و سایر علما و فقها و حوزه‌های علمیهٔ داخل و خارج کشور صادر و ارسال گردید ، عمق این فاجعه و ضربهٔ سهمگینی که بر حوزه‌های علمیهٔ شیعه وارد شده بود ، بیان گردیده بود .

۲. عظمت حادثه از زبان شخصیتها

در پیام تسلیت اعضای محترم فقهای شورای نگهبان چنین آمده است :

رحلت عالم جلیل‌القدر ، فقیه اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع)، مرجع عالیقدر تقلید شیعیان ، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - قدس سره‌الشریف - را به ساحت مقدس حضرت ولی‌عصر ارواحنا لتراب مقدمه‌الفداء ، رهبر

Marfat.com

معظم انقلاب اسلامی ، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ـ دامت برکاته ـ حضرات آیات عظام ، مراجع بزرگ تقلید ، حوزه‌های علمیه و خانوادهٔ محترم آن مرحوم ، خصوصاً فرزند برومندشان ، تسلیت گفته ، علوّ درجات آن بزرگوار و صبر و اجر بیت شریفشان را از خدای سبحان خواستاریم .

امام جمعهٔ موقت تهران ، آیت‌الله امامی کاشانی در بخشی از سخنان خود در نماز جمعهٔ تهران در روز ۹ / ۶ / ۶۹ چنین اظهار داشت :

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، علاوه بر مقام والای علمی ، فقیهی بزرگ بودند و عمر بابرکت خود را در حوزه‌های علمیه تدریس کردند . ایشان به علم و کتاب توجه زیادی داشتند و کتابخانهٔ عظیمی را از خود به یادگار گذاشتند . علاقهٔ ایشان به کتاب به حدی بود که وصیت کرده‌اند در کتابخانه به خاک سپرده شوند . پشتکار ایشان به درس و تعلیم و تربیت به حدی بود که تا لحظات آخر عمر آن را ترک نکردند . آنچه که باعث عزای جامعهٔ اسلامی ما شد این بود که جمهوری اسلامی و جامعهٔ اسلامی یکی از پشتوانه‌های خود را از دست داد . ایشان همواره از امام امت(س) در طول مبارزاتشان علیه رژیم ستم‌شاهی حمایت می‌کردند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره با امام و انقلاب بودند و مسئولین کشور نیز همیشه از ارشادات ایشان بهره می‌بردند . کشور ما عنصری را که از لحاظ فکری ، تقوا ، رشد علمی و اجتماعی و فهم دینی در حد بسیار بالایی بود از دست داد و اینکه رهبر انقلاب اسلامی عموم مردم را به تجلیل از مقام ایشان دعوت کردند ، به خاطر شخصیت بزرگ آن مرحوم و در واقع

Marfat.com

تجلیل از حوزه‌های علمیه بود .

رئیس مجلس شورای اسلامی ، حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی ، ضمن اینکه رحلت ایشان را ثلمه‌ای عظیم بر جهان اسلام و حوزه‌های مقدس علمیه دانست ، اشاره کرده است که :

این مرجع عالیقدر از دوستان و یاران صمیمی رهبر معظم انقلاب‌اسلامی وراحل‌عظیم‌الشأن ، حضرت امام خمینی(س) بود که دوران پر برکت عمر شریف خویش را در راه تعالی اسلام بزرگ ونشر و ترویج احکام قرآن و خدمت به مسلمین صرف کرد .

او بحق یکی از چهره‌های منور روحانیت شیعه و از خادمین وارادتمندان اهل بیت عصمت(ع) بود . فقدان این عالم عارف برای روحانیت معظم و امّت اسلامی بس دلخراش و سنگین است . اینجانب این حادثهٔ دلخراش و ناگوار را به بیت معظم ، خصوصاً فرزند عزیزشان ، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی ، حوزه‌های علمیه ، روحانیت متعهد و ملت مسلمان ایران تسلیت عرض می‌نمایم .

در تلگرام رئیس قوهٔ قضائیه ، آیت‌الله یزدی ، ضمن اینکه این مصیبت را به رهبر معظم انقلاب ، مراجع عظام ، حوزه‌های علمیه و بیت رفیع آن مرجع والامقام تسلیت گفته بود چنین آمده است :

جهان اسلام و عالم تشیع در غم ارتحال یکی از بزرگترین سرمایه‌های ارزشمند علمی خود ، حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای مرعشی نجفی ـ رضوان‌الله تعالی علیه ـ به سوگ نشست .

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ، یادگار امام راحل ، طی تلگرامی این مصیبت را به حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی به شرح ذیل

Marfat.com

تسلیت گفت :

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی دامت افاضاته

ضایعهٔ عظیم و ارتحال جانسوز بزرگ شخصیّت علم و اجتهاد ، مرجع بزرگوار جهان تشیع ، حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ـ قدس سره‌الشریف ـ که عمر با برکت خویش را در مسیر تقوا و خدمت به خدا و خلق و توسعه و بسط معارف اسلام و فقه جعفری و دفاع از اهل بیت عصمت و طهارت ـ علیهم السلام ـ وقف نمود ، حقاً بر جهان اسلام و مسلمین و حوزه‌های علمیه مصیبتی بزرگ و ثلمه‌ای غیر قابل جبران وارد ساخت و یکی از یاران دیرین و دوستان پرسابقهٔ حضرت امام‌خمینی ـ سلام‌الله‌علیه ـ از میان ما رفت و به آن عزیز پیوست .

اینجانب ضمن اظهار تأسف و تأثر شدید مراتب تسلیت و همدردی خویش را به ملت شریف ایران و حوزه‌های علمیه و خاندان بزرگ و عزیز آن مرجع عظیم‌الشأن اعلام نموده و از پیشگاه مقدس پروردگار برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر وافر و برای آن شخصیت عالیقدر علوّ درجات مسئلت می‌دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله .

در اطلاعیه‌ای که به همین منظور از سوی جامعه روحانیت مبارز تهران صادر شد ، چنین آمده است :

بسمه تعالی

انا لله وانا الیه راجعون

رحلت جانگداز مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیت‌الله ـ

Marfat.com

العظمی مرعشی نجفی ـ رضوان‌الله تعالی علیه ـ مصیبت عظیمی است که علاقه‌مندان به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) را داغدار نمود .

جامعهٔ روحانیت مبارز تهران ضمن تجلیل از مقام علمی و تقوایی آن فقیه و مرجع عالیقدر ، رحلت ایشان را به محضر مقدس حضرت بقیةالله‌الاعظم حجت بن‌الحسن‌العسکری(عج) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه و بیت شریف آن مرحوم ، بالاخص فرزند محترمشان ، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی ، تسلیت عرض نموده و برای آن عالم فقید و سعید علوّ درجات را مسئلت می‌نماید .

۶۹/۶/۸

جامعهٔ روحانیت مبارز تهران

در تلگرامها ، اطلاعیه‌ها و پیامهایی که از طرف معاون اول رئیس جمهوری دکتر حبیبی ، آیت الله جنتی ، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی ، شورای نگهبان ، نمایندهٔ ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی ، دبیرخانهٔ مرکزی ائمهٔ جمعه ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم ، ستاد فرماندهی کل قوا ، مجمع روحانیون مبارز تهران ، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور ، اعم از اهل تشیع و تسنن ، و دیگر شخصیتها ، نهادها ، سازمانها و مراکز علمی کشور صادر گردید ، هریک به نوعی از این ضایعهٔ مولمه برای جهان اسلام ، تشیع و حوزه‌های علمیه یاد کردند .

۳. مراسم سوگواری و مجالس ترحیم

آیت‌الله‌العظمی اراکی ، شیخ‌الفقهای شیعه ، عصر روز دهم شهریور به مناسبت رحلت این عالم بزرگوار ، مجلس بزرگداشتی در مدرسهٔ فیضیّه و همچنین مجلس

Marfat.com

ترحیمی در یازدهم شهریور در صحن مطهر حضرت بی‌بی فاطمهٔ معصومه(س) برگزار کردند .

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی نیز که در مشهد مقدس حضور داشت ، به مناسبت این مصیبت بزرگ در صحن حضرت ثامن‌الحجج(ع) و در آستان قدس رضوی مجلس باشکوهی برپا نمود که عدهٔ بسیاری از علما و شخصیتهای روحانی و سیاسی و دیگر اقشار مردم حضور داشتند .

آیت‌الله خامنه‌ای ، مقام معظم رهبری ، نیز در تجلیل از مقام فقهی و علمی آیت‌الله مرعشی ، مجلس با شکوهی در روز شنبه دهم شهریور در مدرسهٔ عالی شهید مطهری تهران برگزار نمودند که جمعیت انبوهی از اقشار مختلف مردم در آن شرکت داشتند . مقام معظم رهبری شخصاً در این مراسم شرکت و تا آخرین لحظه مراسم در مجلس حضور داشتند و طبقات مختلف ، بویژه شخصیتهای کشوری و لشکری ، از جمله ریاست جمهور و عموم مسئولین شرکت نموده و واعظ شهیر حجت‌الاسلام والمسلمین آقای فلسفی در خصوص زندگی آن مرجع عظیم‌الشأن بیانات مبسوطی ایراد نمود .

بیت آیت‌الله‌العظمی مرعشی ضمن اظهار تشکر از رهبر معظم انقلاب ، ریاست جمهور ،مراجع عظام وسایر اقشار جامعه ، مجلس عزای آن‌مرحوم‌را در حسینیهٔ‌معظم‌له برقرار نمودند که علما ، فضلا ، نمایندگان مراجع ، نمایندگان مقام رهبری و ریاست جمهوری و دهها هزار نفر از مردم متدین و مسلمان شرکت نمودند .

مجالس سوم ، هفتم و چهلم معظم‌له در سراسر کشور از سوی علما ، فقها ، روحانیون ، ائمهٔ جمعه و جماعات ، مقامات کشوری ، سپاه پاسداران ، ارتش جمهوری اسلامی ایران ، کمیتهٔ امداد امام خمینی ، سازمانها ، نهادها ، ادارات دولتی و سایر اصناف وطبقات برگزار شد و از مقام علمی ، فقهی ، سیاسی و معنوی معظم‌له تجلیل به‌عمل آمد و در فضایل معنوی و شخصیت علمی ایشان مطالب مهم و ارزنده‌ای از سوی دانشمندان و خطبا بیان گردید .

Marfat.com

در مراکز علمی ، پژوهشی و دانشگاهی کشور ، از طرف دانشمندان ، محققان ، اساتید و انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاهها ، مجالس ترحیم و بزرگداشت آن عالم جلیل‌القدر برگزار شد و از مقام علمی ایشان تجلیل به عمل آمد .

۰۴ انعکاس خبر رحلت معظم‌له در خارج از ایران

رحلت آیت‌الله مرعشی نجفی و انعکاس خبر آن در بسیاری از کشورهای جهان و در میان مسلمانان و شیعیان جهان ، موجی از غم و اندوه به همراه داشت . در لبنان و پاکستان سه روز عزای عمومی اعلام شد و در برخی از کشورها شیعیان تا سه روز به عزاداری پرداختند . به همین مناسبت انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا مراسم باشکوهی برای بزرگداشت و تجلیل از مقام والای آیت‌الله مرعشی در مرکز بزرگ تعلیمات اسلامی واشنگتن برگزار کردند و از خدمات ایشان به فرهنگ و تمدن اسلامی تجلیل به‌عمل آوردند . همچنین مسلمانان شهرهای مختلف کانادا ، از جمله شهر مونترال ، با برگزاری مراسمی در مسجد حضرت فاطمهٔ زهرا(س) این شهر از خدمات آن مرحوم به اسلام و انقلاب اسلامی تجلیل کردند .

اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا نیز طی پیامی ، رحلت آن عالم ربانی را تسلیت گفته و نقش ارزندهٔ آن حضرت را در فرهنگ و تمدن اسلام و پیشبرد اهداف مقدس اسلامی ستودند .

شیعیان هند ، جامو و کشمیر ، برخی از اساتید دانشگاههای هند ، دبیران انجمن شیعیان ، شخصیتهای علمی ، مقامات روحانی و مسلمانان هند ، یاد آن عالم جلیل‌القدر راگرامی داشتند و طی پیامهای تسلیتی که به ایران فرستادند و مجالس ترحیمی که برگزار کردند ، فقدان ایشان را ضایعه‌ای بزرگ و جبران ناپذیر برای عالم اسلام و شیعیان به‌شمار آوردند .

در بیروت نیز شخصیتهای علمی ، سیاسی ، روحانی و شیعیان جنوب ، ضمن

Marfat.com

برگزاری مراسم ارتحال معظم‌له ، از مقام شامخ ایشان تجلیل کردند و شیخ محمدمهدی شمس‌الدین ، رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعه ، مفتی جعفریه لبنان ، علامه سید محمدحسین فضل‌الله ، شیخ احمد الزین قاضی شرع صیدا ، هیئت علمای جبل عامل ، تجمع علمای مسلمین لبنان ، جنبش انقلابی حزب‌الله و دیگر احزاب اسلامی و شخصیتهای روحانی طی پیامهای تسلیت به مقامات جمهوری اسلامی و بیت معظم‌له ، رحلت جانگداز و فقدان ایشان را تسلیت گفتند و به همین مناسبت رادیوهای صدای نور ، صدای مستضعفین و صدای ایمان ، برنامه‌های عادی خودرا قطع نموده و به پخش آیات *قرآن مجید* پرداختند . در تلگرام جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان ، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی را نوری از سلسلهٔ منوّر اهل‌بیت معرّفی کرد که فقدان ایشان ضربهٔ دردناکی بر پیکر مسلمانان جهان وارد آورد .

تجمع علمای حجاز ، حرکت اسلامی افغانستان ، حزب‌الله افغانستان ، حزب وحدت اسلامی افغانستان ، علما و شخصیتهای علمی پاکستان ، سوریه ، امیرنشینهای خلیج فارس و شیعیان این کشورها ، طی جلسات ترحیم و پیامهای تسلیت نسبت به آن عالم پارسا و متقی ادای احترام کردند و به همین مناسبت امیر ، نخست وزیر و ولیعهد دولت بحرین ، تلگرامهای تسلیتی برای ریاست جمهوری اسلامی ایران ، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ، به ایران مخابره و درگذشت ایشان را تسلیت گفتند . همچنین علامه سید ساجد نقوی رهبر شیعیان پاکستان نیز در پیامهایی این ضایعهٔ عظیم را تسلیت گفت .

۵. مطبوعات وجراید

بیشترین سهم و نقش را در انعکاس گستردهٔ خبر رحلت آن فقیه اهل بیت(ع) و عالم جلیل‌القدر ، مطبوعات و جراید به‌عهده داشتند . از روز رحلت آن بزرگوار تا پس از مراسم اربعین معظم‌له ، بیشتر مطبوعات و جراید داخلی کشور به انتشار اخبار مربوط به رحلت ، تشییع و تدفین ، مراسم بزرگداشت و ترحیم ، گزارش پیامها ، اطلاعیه‌ها و

Marfat.com

تلگرامهای تسلیت به مناسبت رحلت ایشان پرداختند و روزی نبود که موضوع و مطلبی راجع به آن بزرگوار منعکس نکنند . مقالات مفصّل در مورد زندگینامه ، شخصیت علمی و فقهی ، موقعیت اجتماعی و سیاسی ، خدمات معظم‌له به عالم تشیع و جهان اسلام ، نقش ایشان در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلام و شیعه ، شناخت عمیق ایشان نسبت به آثار و ذخایر اسلامی و اطلاعات گستردهٔ وی در مورد علوم اسلامی ، بویژه در علم فقه ، اصول و انساب در بیشتر مجله‌ها ، فصلنامه‌ها ، ماهنامه‌ها و بویژه روزنامه‌های کثیرالانتشار ، مانند مجلهٔ *آینهٔ پژوهش* ، *حوزه* ، *نورعلم* ، *مکتب اسلام* ، *کیهان اندیشه* ، *آینده* ، *کیهان فرهنگی* ، و روزنامه‌های *جمهوری اسلامی* ، *کیهان* فارسی ، عربی ، انگلیسی ، ترکی ، *اطلاعات* ، *سلام* ، *رسالت* و *ایران تایمز* منتشر گردید . در این روزنامه‌ها هر روزه پیامهای تسلیت ، اعلامیه‌های برگزاری مراسم و مجالس ترحیم و بزرگداشت و تجلیل از مقام آن عالم ربانی را منتشر می‌ساختند .

برخی از مجله‌ها و نشریات خارجی نیز خبر رحلت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی را منعکس نمودند . از جمله روزنامهٔ *رضاکار* در لاهور پاکستان ؛ هفته‌نامهٔ حیدرآباد دکن به نام *نظام گزت* ؛ روزنامهٔ *سان شان* ، حیدرآباد ؛ *مجلهٔ الموسم‌العربی* ؛ *مجلة‌الطریق* ؛ گاهنامهٔ *دنیای شیعه* در انگلستان ؛ مجلهٔ *شمس و قمر* ، حیدر آباد و روزنامهٔ *ایندپندنت* لندن که ضمن گزارش خبر رحلت ایشان ، اقدام به درج مقالاتی در بارهٔ زندگینامه و شخصیت علمی و فرهنگی معظم‌له نیز نمودند .

۶. در آینهٔ شعر

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، نه تنها از دیدگاه شرح حالنویسان ، دانشمندان ، اساتید و مشایخ خویش از شخصیت علمی والایی برخوردار و همیشه و همه جا مورد ستایش آنان بوده است ، که در منظر شاعران و در پیشگاه احساس و عاطفه نیز از مقام ارجمند و موقعیّت عاطفی ارزشمندی برخوردار بوده و در طول دورهٔ مرجعیّت و زندگی

Marfat.com

پربار و بابرکت خویش ، در آینهٔ شعر ، آیینه‌دار عاطفه و احساس شاعران بسیاری بوده است . شاعران قصاید کوتاه و بلندی در مدح و منقبت یا در عزا و مرثیت ایشان سروده‌اند و از فضایل انسانی ، سجایای اخلاقی ، سخاوت ، علم و فقاهت معظم‌له ، داد سخن داده‌اند و با اینکه نتوانسته‌اند آن چنان که باید و شاید ، مقام و منزلت علمی و عملی و مقامات معنوی وی را تجسم بخشند امّا :

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

گویا همین پهناوری دریای بیکرانهٔ شخصیت علمی و معنوی معظم‌له بوده که یکی از شاگردانش را به سرودن ابیاتی کشانده که اینجانب به سرودهٔ وی عنوان « ساحت دریا » داده‌ام . لاجرم به گزینش برخی از قصاید در مدیحت و مرثیت وی پرداخته‌ام ؛ باشد که در آینده‌ای نزدیک تمامی این سروده‌ها ، قصیده‌ها و غزلها را در زندگینامهٔ مفصل حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی منعکس ساخته و از این منظر عاطفی نیز به تماشای این مرجع عالیقدر بنشینیم .

Marfat.com

ساحت دریا

صد سال اگر با صد زبان مدحت سرایم
از صد یکی وصف تورا گفتن نشایم

تو بحر بی‌پایان و من موری شناور
از مور ، طی بحر ، کی باشد میسّر

من شبنم خردم ز دریا می‌زنم دم
دیوانه‌ام ، بی‌ترس و پروا می‌زنم دم

ورنه چه جای عرض حرف از شبنم خرد؟
کز فرط خجلت پیش دریا بایدش مرد

زین دم زدن باشد تورا ننگ و مرا ناز
بگذار تا گردم من مسکین ، سرافراز

از عشق تو دیوانه و مجنون و مستم
نندیشم از گستاخیم ، اینم که هستم

توصیف شبنم ، کاستن از ارج دریاست
گرچه زکاهش ساحت دریا مبرّاست

من بینوا از وصف تو جویم نوایی
و رنه ز استغنا ، تو برتر از ثنایی

من دلخوشم از بردن نام و نشانت
تا آبرو یابم به جمع عاشقانت

Marfat.com

مَدْرَس مینونشان

این قصیده را خوشدل تهرانی در جشن افتتاح مدرسهٔ مرعشیهٔ حضرت آیت الله ـ العظمی مرعشی نجفی ، مصادف با نیمهٔ شعبان و ولادت حضرت ولی عصر(عج) در ۱۳۸۵ قمری ، سروده است :

آدمی را علم و دین ، گوهر دو گردد ، توأمان
می‌تواند یافتن از فتنهٔ دوران امان
دانش صنعت اگر فاقد ز تقوا شد ، ضرر
همچنین ایمان بی‌علم و خرد ، دارد زیان
علم و دین مر آدمی‌را چون دو بال از بهر طیر
با دو بال آری کند ، پرواز ، مرغ اندرجهان
« اطلبواالعلم ولو بالصین » ز پیغمبر شنو
هم « من‌المهد الی‌اللحد » از کلام وی بخوان
پس سزاوار است گر بینی به روزی اینچنین
افتتاح مَدْرَس یکتا زعیم این زمان
مَدْرَس دینی بود ، از نایب سلطان عصر
نیمهٔ شعبان بود میلاد شاه انس وجان
آیت‌عظمی ، شهاب ثاقب چرخ علوم
آفتابی فیض بخش و آسمانی بیکران
حضرت سید شهاب‌الدین ، امام‌المسلمین
حضرت سید شهاب‌الدین فروغ بزم جان

Marfat.com

مـرجـع تـقلید شـیعه ، حـامی شـرع شـریف
هـادی راه هـدی مـلجای هـر خـرد و کـلان

کیست غیر از حضرتش امروز در ایران زمین
پـرچـم « نـصرٌ مـن‌الله » را بـه کـف گـیرد عـیان

* * *

آیت‌اللّـــها ، زعـــیما ، رهـــبرا ، دریـــا دلا
ای به هر خصلت چو جدّ خود مشارٌ بالبنان

افـــتتاح مَـــدْرَسَت را تـــا ســرایـد تـهنیت
« خوشدل » از تهران به‌قم آمد بـه طـبعی دُرفشان

در حـــضور ده هـــزار از طـالبان عـلم و دیـن
هـــمچنین ده‌هـا هـزار از مـردم روشـنروان

خواهد از حق طول عـمر و صـحت و تـوفیق تـو
دسـتها را بـین کـه بـاشد جـمله سـوی آسـمان

هـــم ز فـــرزند بـــرومندت تشکـر مـی‌کنم
گـر پـی ایـجاد ایـن مَـدْرَس بـه روزان و شـبان

رنج بُردی آیت‌الله زاده ، مـحمود آن کـه هست
خوی وی چون‌نام وی مـحمود ،آن والا جـوان

شـیر را بـچه هـمی مـاند بـدو ، آری سـزاست
آن پـدر را ایـن چـنین فـرزند پـاک کـاردان

در هزار و سـیصد و هشـتاد و پـنج هـجری است
ســـال تـــاریخ بـنای « مَـدْرس مـینونشان »

Marfat.com

شهاب ثاقب

قصیدهٔ زیر را خوشدل تهرانی ، شاعر معروف ، هنگام تشریف فرمایی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به قصبهٔ کهریزک تهران ، که به دلیل بیماری قصد بستری شدن در بیمارستان فیروزآبادی تهران را داشته ، در حضور بیش از ده هزار نفر استقبال کننده از معظم‌له ، سروده است :

خیر مقدم ای « شهاب ثاقب » تقوا و دین
مظهر علم و فضیلت مقتدای راستین
آیت‌الله معظم افتخار دین و شرع
حجت‌الاسلام اعظم اعتماد شرع و دین
بحر علم ودانش و تقوا و فضل و رأی و هوش
کان قدس و طاعت و تقوی و ایمان و یقین
عالمان از سفرهٔ علم و کمالت ریزه‌خوار
عاملان از خرمن تقوی و قدست خوشه‌چین
فکرتت عرشی و فخر دودمان « مرعشی »
شبل فحل شیر یزدان نجل خیرالمرسلین
ای که می‌باشد تورا حلم و حیا در آستان
وی که می‌ریزد تو را جود و سخا از آستین
مذهب اسلام را همچون تو باید پیشوا
و آن چنان پیغمبری فرزند باید این چنین

Marfat.com

نیست غم بیماریت را چون شفا همراه تست
خاصه کز بهر دعا بالاست ، دست مسلمین

زود باشد باز یابی صحت خودراکه هست
قلب پاک حضرتت آئینهٔ صدق و یقین

کاروان حج اسلامیّهٔ انصار را
مفتخر کردی تو ای فرخنده مرد علم و دین

نکته‌ای‌در خاتمت « خوشدل » سراید تا شود
خوش ، دلِ جمله عزیزان از کهین و از مهین

جانب فیروزآبادی ، بهین مستشفیت
زان مقام افتد که می‌باشد به فیروزی قرین

بی‌گمان فیروز می‌گردی به بیماری و هست
این یگانه آرزوی ما زخلاق مبین

بارالها ده شفا بر آیت‌عظمای ما
این‌دعا از « خوشدل » و آمینش از روح‌الامین

Marfat.com

همواره حامی روح خدا بود

قدسیّهٔ مدنی کاشانی

طـــریق او طـــریق کـــبریا بـــود
عـــیان از چـــهره‌اش نـور خـدا بـود
ســـرور ســـینهٔ زهـــرای اطـــهر
فـــروغ دیـــدگان مـــصطفی بـــود
بـــه طـــوفان بـــلایا و حـــوادث
هـــماره حـــامی روح خـــدا بـــود
کـــلامش بَـر عـدو تـیر شـرر بـاش
پیامش عـنبر افشـان چـون صـبا بـود
جـــناب « مـــرعشی » آن آیت‌الله
کـــه زو بـاغ شـریعت بـا صـفا بـود
شـــهاب آســـمان دیـــن و عـــرفان
بـــه ظـــلمت گـمرهان را رهـنما بـود
بـــه بـــحر بـــیکران عـــلم و تـــوحید
فـــروزان گـــوهری بس پـر بـهـا بـود
دم جـــانبخش او هـــمچون مســـیحا
دعـــایش دردمـــندان را شـــفا بـــود
مـــربی هـــزاران گـــل بـــه دامـــن
گـــران مـــایه ادیـــبی پـــارسا بـــود

Marfat.com

بشد خاموش بزم ما صد افسوس
که مهری تابناک و پر ضیا بود

بسوی باغ مینو کرد پرواز
همان بلبل که تسلیم قضا بود

چو او زین دار فانی رخت بربست
ز او آثار رخشانی به جا بود

ز این غم شد هزاران دیده خون بار
که این مأتم ز امت جانگزا بود

به تجلیل مقام آن فرهمند
به تشییعش به قم محشر بپا بود

بگویم تسلیت این غم به حجت
که او در این عزا صاحب عزا بود

Marfat.com

بهبودی

سید احمد سجّادی قمی

شکـــر لِـلّه کـه یـافت بـهبودی
آیت حـــق زعـــیم و رهـبر مـا
آن کـه بـاشد مـلاذ و مـلجأ خـلق
در شـــدائـــد مـعین و یـاور مـا
حـــامی دیـــن و حـــافظ مـلّت
مـــقتدای انـــام و ســـرور مـــا
« نـــجفی » آیت بـــزرگ خـــدا
نسـل پـاک رسـول و مـفخر مـا
هـمه خـواهـان ، شـفای وی زخـدا
آن خـــدای کـــریم و قـادر مـا
خواهد از حق هـمیشه « سـجّادی »
ســـایه‌ایش را مـدام بـر سـر مـا

Marfat.com

تندرستی تو دارم امید

علی عارفی

تقدیم به پیشگاه مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ، به مناسبت حصول سلامتی معظم‌له در بیمارستان فیروزآبادی تهران که در حدود سی و چند سال پیش سروده شده است :

آیت‌الله‌العظمی نجفی
که خدا کرده به فضلت تأیید
افقه و اعلم و اتقی ، ازهد
تویی امروز ، در این دهر ، فرید
کی توان فضل تورا منکر شد
نور فضل تو در عالم تابید
شیعه در اندلس و هند و پکن
ز تو امروز نماید تقلید
شهر قم بر تو مباهات کند
چون نمودی شرفش را جاوید
حکم تو بر همه واجب باشد
شیعیان را چه سیاه و چه سفید
طول عمرت زخدا می‌خواهم
تندرستی تو دارم امید

Marfat.com

خوش آمدی

این قصیده را شاعر معاصر ، علی عارفی ، حدود ۳۵ سال پیش به مناسبت بستری شدن حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در بیمارستان فیروزآبادی و حصول سلامتی و بازگشت به قم ، سروده است .

ای نور دل و دانش و ایمان خوش آمدی
ای بی‌نظیر در همه ایران خوش آمدی
بس دیده‌ها که بود تو را متصّل براه
ای آرزوی قلب محبّان خوش آمدی
بر دوستان گذشت بسی سخت دوریت
می سوختند در غم هجران خوش آمدی
تاریک بوده ، بارهٔ قم در نبودنت
ای نور پاک حضرت یزدان خوش آمدی
هستی چو جدّ خویش به جود و سخا ، فرید
با مهر و رأفتی تو ، به اخوان خوش آمدی
لطف و صفا و حسن و کرامت علی‌الدّوام
سر تا به پای توست نمایان خوش آمدی
جان چیست تا که در قدم تو فداکنم
ای خوبتر زجان و زجانان خوش آمدی
بودم در انتظار جمال تو ماهها
در آتش فراق تو سوزان خوش آمدی
دارم امید آنکه بمانی تو بر قرار
مسرور و شاد و خرّم و خندان خوش آمدی

Marfat.com

گذرگاه

مصطفی فیضی کاشانی

تـــا پـــرند نـــیلگون بـــر روی پـــوشد آســمان
غـــم فـــرو بـــارد زبـــام ســقف نـــیلی بـــی‌گمان

نـیســت دنـیـا مـعبر شـادی کـــه پـیغمبر سـرود
جـــنت کـــافر بـــود دنـــیا و ســـجن مـــؤمنان

ای کـــه مست بـــادهٔ جـــاهی زمـــانی هـوش دار
آخـــر مســـتی پشـــیمانی است ، وای از آن زمـان

نـیســت دنـیـا جـز ربـاطی در گـذرگاهی مـضیق
تـــا شـــبانروزی بـــرآســـاید در آنـــجا کـاروان

خـوان ، مـقام جـاودانـی نـیست هـرگز بـر مـقیم
لاجـــرم روزی دو ، چـون مـنزل کـند گـردد روان

هـــر بـــنا آبـــادتر گـردد ، پس از چـندی خـراب
کـــاخ را بگـذار و بـا کـوخی بسـاز انـدر جـهان

مـال بـیش از حـد ، و بـال و جـاه مـردانست چاه
چشـــم اگـر پـوشی ز مـال و جـاه بـاشی در امـان

شـــادمانی نـــیست ســـهم عـــالم کـون و فسـاد
هـرچـه جـویی بـیشتر در زیـر ایـن هـفت آسـمان

گـــر بـــه قـــرآن راه داری ، نک ز قـرآن پـند گـیر
تـــا کـــنی بـــاور مکـــافات بـــد نـــاباوران

Marfat.com

نیست قوم عاد را ز آن قبّهٔ ذات‌العماد
پاره سنگی از ستونی تابود ، اینک نشان
باد و طوفان شد عذاب قوم هود و قوم نوح
یعنی انسان در ره باد است ،گه بس ناتوان
شیر و مور و پشّه و پیل است در شطرنگ دهر
مات گردد شیر زور دهر ،از موری نوان
شیر مات و پیل بند مور و لق را چیست عُجب
هیچ وپوچی را به هیچستان ،چه‌باشد قدر و شان
دامن از عالم فروهل ، سُلّم معراج بین
علم و ایمان باشد آنجا زینه‌های نردبان
بر بُراق برق سیر علم و ایمان شو سوار
تاکه سبحان‌الّذی اسری ، تورا گردد عیان
گر حیات جاودان خواهی ، برون شو زین حیات
تاکنی سیر عوالم ، چون ملک با بال جان
شو فنا در بحر « موتوا » تا بقا یابی به حق
جسم را بگذار و شو در عالم روحانیان
شو هُمای علم و عرفان ، تا ببینی قاف قرب
شو سبک پرواز ، همچون آیت آخر زمان
عالم علم الهی ، حجّت کبرای حق
مرجع تقلید عالیقدر جمع شیعیان
مرعشی آن روح ایمان ، زبدهٔ آن رسول
کرد سیر عالم علوی ، سرای جاودان

Marfat.com

بـــحر عـــلم و کـــان ایـــمان جـوهر فـقه‌النّـبی
چشـــمهٔ فـــیّاض دانش ، از مـــعانی تـــا بـــیان
نـــیم قـــرنی مـدرسش را حـور و غـلمان مسـتفید
مســـتنیر از مســـجد و مـــحراب او ، روح‌الجـنان
وصـف تـصنیفش بـه *قـرآن* ، آیت « نـون والقـلم »
از دو صـــد افـــزون‌تر آمـد آفـرین بـر ایـن بـنان
از مـــعادن مـــنّتی بـــر خـــاندان فـــیض داشت
شـــرح مســـتوفای او در وصـف فـیض و خـاندان
وآن کـتب راکـو نـمود از مـال خـالص وقـف عـام
بـــود مـــیراث گـــرانـــقدری ، زگـــنج بـــاستان
گـــــرز کـــمیّت فـــزون است از مآت و از الوف
هـــر مـــجلد را بـــهایی بـــه زگـــنج شـــایگان
نـیست هـرکس راکـرامت ایـن چـنیـن ، طـاب ثـراه
کـانچه عـمری داشت ، بـخشد بـر خـلایق رایگـان
نـیّت صـدقش نگـــر ، بـرجـاست ، عـیـنٌ جـاریة
تـــا خـلف مـحمود بـاشد ، ایـنت مـیراثـی گـران
عـــاقبت اورا خـــلف مـــحمود شـد ، مـیراث‌دار
در پـــناه ایـــزدی بـــادا ، زهـــر بـــد در امـــان
مـــرحـــبا مـــیراث بـــخش و مـرحـبا مـیراث‌دار
اســـعدالله گـــویم ایـــن را ، روّح‌الله گـــویم آن
او نـــدای « ارجـعی » را بـا خـوشی لبـیک گـفت
شـــد روان امّـــا ســـرشک خـلق از پـیر و جـوان

Marfat.com

آتش حسرت بسوزانید جان را هر دریغ
غم نصیب از هر دریغ سینه سوزی انس و جان
راست خواهی« فیضی »ازاین‌غم‌به‌خودپیچید وسوخت
آه از دل خاست ، همچون شعلهٔ آتش فشان
آه چون برخاست ، گفتم از ره تاریخ آن
« شد به‌سوی‌جنة‌المأویٰ ، که یادش جاودان »(۱)

Marfat.com

شهاب معنی

سید ناصر حسینی میبدی

« الا یـا ایّـهاالسّـاقی ، ادر کَأسـاً و نـاولها »
زهـــجران شـهاب مـعنی و اسـرار مـنزلها

حـریف دُردی عشـق و شـراب لاله گـونِ لا
سـر سُکـر نـهان را شـاهد خـمار بـیدلها

مـی صـبّوح مسـتان و جـمال دولت عـرفان
لب لعـل خـرامـانش ، حـدیث کـوی عـاقلها

حکـیم حکـمت عشـق و فـقیه و پـیر دریـا دل
زکلک جانفزای او ، بـرون شـد حـلّ مشکـلها

حسینی سیرت و سیما ز نسـل مـرعشی آن کـو
فـراقش آتشـی خـونین بـزد انـدر سـلاسلها

بیا ساقی که از نامش ، پریشان گشته ایـن عـالم
بـیا کـز بـادهٔ نـاب تـو مـارا شـد فـضائلها

فلک پیمای مجنونم ، چو موجی از پـی لیـلی
کـجا یـابم نشـان از او ، ز دریـاها و سـاحلها

الا ای آیت‌عـظمی ، مـن درویش بـی سـامان
چگونه دعوی وصلش کنم ، ای روح مـحفلها

Marfat.com

سوگنامهٔ شهاب

براتی

فـقیه و مـرجـع تـقلید و پـیشوای عـظام

سـلیل خـتم رسـولان و سـیدالاعـلام

یگـانه کـوکب رخشـان آسـمان و کـمال

خـجسته مـطلع انـوار عـلم و بـدر ظـلام

جهان دانش و عـرفان ، زفـضل و ادراکش

هـماره یـافته زیب و شکـوه و عـزّ تـمام

بـر آستان ولایت ، نـهاده سـر بـه خـلوص

هوای نـفس و هـوس را نـهاده بـر سـر کـام

زجـهد و هـمّت او ، فـقه جـعفری زفـروع

گـرفته رونـق و بـخشیده تـا اصـول قـوام

بـه پـیشگامی نـهضت ، مـجاهدی نستوه

قـرار داشت شب و روز در کـنار امـام

شـهاب ثـاقب دیـن مـبین ، شـهاب‌الدیـن

فـروغ فـلسفه و مـنطق و رجـال و کـلام

از این جـهان بـه جـنان ، مـیهمان داور شـد

به روح پـاک و شـریفش سـلام بـاد سـلام

هـنوز دیـده بـه سـوگ امـام خـونبار است

هـنوز پـرچـم حـزن و عـزاست بـر هـر بـام

Marfat.com

دریـغ و درد کـه در سـوگ آیـتی‌عظمی
دوباره جـامهٔ گـردون شـده است نـیلی فـام

گمان مدار که چون مرعشی ، زعیم و فـقیه
بـه قـرنهای فـراوان ، دگـر بـزایـد مـام

مـقام عـالم دیـن را خـدا شـناسد و بس
کـه ایـن مـقال نگـنجد بـه مـحتوای کـلام

بـه اجـتهاد پس از انـبیا ، مـعارف دیـن
مـصون بـماند و یـابد عـلی‌الدوام دوام

اگـر نـه عـالم دیـن بـود رهـنمای طـریق
ره نـجات و ضـلالت کـدام بـود کـدام

اگـر نـبود شکـافندهٔ مسـائل شـرع
نبود در همه جا ، حـرفی از حـلال و حـرام

به سوگ عـالم دیـن ، آسـمان کـمانی شـد
چـرا ز چشـم « بـراتـی » نـبارد اشک مـدام

Marfat.com

غمنامه

محسن حافظی کاشانی

ای مـــــرعشی ای آیت عـــظمای اســـلام
ای ســـوگوار از داغ تـــو دنـــیای اســـلام
ای آســـــمان عـــلم را تـــابنده اخـــتر
شـــد دامـــن خـــاک زمـــین بـــهر تـــو بســـتر
ای جـــرعه نـــوش چشـــمهٔ عـــرفان و دانش
ای داده بـــر دنـــیای عـــلم ، عـــلم تـــو ارزش
ای عـــالم روشـــن ضـــمیر مـــلک اســـلام
در بـــحر غـــمها ، نـــاخدای فـــلک اســـلام
ای ســـید عـــالی مـــقام ، ای پـــاک طـــینت
کـــردند مـــانند عـــلی خـــانه نشـــینت
ای مکـــتب ســـرخ تشـــیّع ، زنـــده از تـــو
فـــقه و اصـــول جـــعفری ، پـــاینده از تـــو
ای ســـر خـــوش و ســـرمست از جـــام ولایت
ای پـــاسدار مکـــتب قـــرآن و عـــترت
ســـید شـــهاب‌الدیـــنی و مـــرد خـــدایـــی
ســـرو ریـــاض مکـــتب آل عـــبایی
ای گل در این صحن چمن ، جای تو خـالیست
در بـین اربـاب سـخن ، جـای تـو خـالیست

Marfat.com

ای خـــــلقها از داغ تـــو ، در ســـوگواری
ای اشکـــها در مأتـــمت از دیـــده جـاری
دردا کـــه از بـــیداد چـــرخ کـــینه گســتر
ســر و قـدت بگـرفت خـاک تـیره در بـر
شـــد جـام لاله ، قـلب اهـل دل ، ز داغت
گـــیرد ســـپاه اشک مـــا هـر دم سُـراغت
ای ریـــزه‌خوار ســـفرهٔ جـــدّت پـــیمبر
رفـــتی بـــه نـــزد مـادرت زهـرای اطـهر
ای یـــادگار مکـــتب سُـــرخ حســـینی
دانش پـــژوهان جـــهان را نـــور عـــینی
تـا شـد چـراغ عـمر پـر فـیض تـو خـاموش
تـنها نـه قـم ، ایـران شـد از داغت سـیه‌پوش
شـــد « حـافظی » بـا دیـدهٔ گـریان بـرایت
بســـرود ایـن غـمنامه در سـوگ و عـزایت

Marfat.com

فقيد التُّقى

في رثاء و تاريخ وفاة الراحل الكبير ، آية‌الله المرعشي النجفي

حاج محمد باقر النجفي

قد قام في « قُم » ناعى الحُزن من كَمَدٍ
يَنْعىٰ فقيدالتُّقىٰ والمجد والشَّرف
واعلنت حوزةالعِلْمِ الحدادَ اَسىً
لشاخِصٍ هو في الاسلام غير خفيٍّ
قضى و تاريخه « آهٍ له اسفاً
المرعشيّ شهاب الدينِ النَّجفي »[1]

---

۱. ۱۴۱۱ قمری.

Marfat.com

تعزية وذكرى

صاحب ناصر سعيد الباقر

اَقِم لِذِكرىٰ الخالدينَ بِـذِي الدِّيـارُ
مُـــرَجاً تُـعَطَّرُ بِـالشَّذىٰ و نَـظَارُ
حُبّاً لِذِي النَّـجمُ المُـهَيمنِ ضَـوءُها
مِـــنْ آل طٰـــهٰ ، خُـلَّصاً اطـهارُ
ولقد سألتُ النَّفسَ فـي هِيَمِ السُّـهىٰ
عَـمّا مَـضىٰ مـن سـالفٍ أسـفارُ
اَيــنَ المُـعَّلىٰ فـي البُـروجِ لَـهُ غِـنِاً
اَيْنَ المُـغَّردُ فـي القـصورِ له الدّيـارُ
اَيــنَ المُـورَّدِ فـي البـيادرِ حُسْـنهُ
ايـــن المُـــعلّىٰ عـالرِّقابِ يُـدارُ
تـلك المـقابرُ و القِـبابُ لَـهُم تَـواً
والذِّ كـــر عـــطرٌ نـــالَه اَخـيارُ
فـــالذّ كـــرُ بـاقٍ للـخيار يـتارُ
هـــمُ انـجمٌ تـزهُو بـها الأديـارُ
مَـا الخُـلدُ الاّ للـعزيزِ وان مَشَتْ
بـين المـحافِلِ فـي الدّنـا اوتـارُ
فـــالنَّفسُ تَـــهوىٰ خـيِرّاً ومـنارُ
وَالنّـفسُ مِـنْ ضَـمأٍ هَـوَت احـرارُ

Marfat.com

هـــذا العَـــزاءُ و هـذهِ الاخـيارُ
عَـبرىٰ لذكـر « المـرعشّي » تـحارُ
هٰـــذي بُـــطونَ وُلاتِـــها شَـرِبَتْ
مـــن كأس حُـــرٍّ عـــالمٍ مِـبْرارُ
جـــائت تُـــعَزّي عِـزَّها وَثِـمارُ
لله دامت ادمُـــــعي مـــــدرارُ
لله ذكـــر « المـــرعشّي » يُـدارُ
لله خَـــطبٌ والخـــطوبُ كـبارُ
حُـــبّي لآل المـصطفىٰ شـرفٌ
اَنَّ المَـــحَبّةَ شُـــعبةٌ وشِـــعارُ
وَاُعَـــزّى مـــحموداً له آثـــارُ
ابـن الفـقيد لِـذى الدّيـار عـمارُ
عِـــزٌّ لآل المـــرعشّي ومَـــنزلٌ
فـــي دار قُـــمٍّ كُـــلُّه آثـــارُ
لله دام بـــــنائهُ وشـــــعارُ
للـــخير ضَـــمَّ مـــواردا بـــرّارُ
دامت يـــداك مـــحامداً اغـــيارُ
فـــالذّكـــر رَحْبٌ والخـيار مـنارُ
اَســـاً لِـــذِكركَ يـا فـقيد اُضـارُ
فـــالله ادعـــو جَـــنّةً ابـــرارُ

Marfat.com

فصل چهارم. بازماندگان و وصایا

۱. فرزندان

از نیکبختیهای آیت‌الله مرعشی آن است که در تمامی زمینه‌هایی که از خود اثر یا آثاری به جا گذاشته ، بی استثنا همگی باقیات‌الصالحاتی هستند که نام نیک وی را جاودانه کرده‌اند . از جملهٔ آنها فرزندان عالم ، صالح و متدینی است که پا جای پای پدر گذاشته و بر آنند که خلف شایسته‌ای برای پدر بزرگوار خویش باشند . این هم از الطاف و عنایات الهی است که همگان از آن برخوردار نیستند . فرزندان پسر ایشان عبارتند از :

۱ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی ، ملقب به جمال‌الدین (متولد ۱۳۲۰ش) فرزند ارشد و وصی پدر بزرگوار خود . عالم ، فاضل ، کتابشناس ، متخصص کتب خطی و آثار هنری اسلامی و دکترای جامعه شناسی که در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۰ / ۲۶ ربیع‌الآخر ۱۳۶۱ / ۱۳ مه ۱۹۴۲ در شهر علم و اجتهاد قم ، و در بیت فقاهت و مرجعیت دیده به جهان گشود و پس از گذراندن دوره‌های دبستان و دبیرستان به سلک روحانیت درآمد و در حوزهٔ علمیهٔ قم مقدمات و سطح را نزد پدر بزرگوار خود و اساتید برجسته‌ای ، مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی ، آیت‌الله سید مهدی لاجوردی ، آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی ، آیت‌الله محمدتقی ستوده ، حجت‌الاسلام حاج شیخ احمد ورامینی و دیگر اساتید آموخت و به درس خارج فقه و اصول پدر خود قدم گذارد که تا اواخر عمر معظم‌له ، ادامه یافت . ایشان در کنار فراگیری علوم فقه و اصول و دیگر علوم حوزوی ، مانند تفسیر ، حدیث ، منطق و فلسفه ، به رجال ، انساب و بویژه کتابشناسی و نسخه‌شناسی سخت علاقه‌مند گردید و همواره به مطالعهٔ کتب و رسائل قدما

Marfat.com

و متأخرین در این رشته‌ها می‌پرداخت و از تجربیات گستردهٔ پدر خویش استفادهٔ فراوان می‌برد ، تا اینکه خود در برخی از این رشته‌ها صاحبنظر گردید . سپس در رشتهٔ جامعه‌شناسی دانشگاه لندن به تحصیل پرداخت و در مارس ۱۹۸۵ موفق به اخذ دکترای جامعه‌شناسی گردید .

دکتر مرعشی با تبحری که در علوم حوزوی یافته بود ، موفق به اخذ اجازهٔ اجتهاد از آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالنبی اراکی و اجازات دیگری در امور شرعی از دیگر مراجع گذشته و حال و نیز اجازات روایی از آیت‌الله علاّمه حاج آقا بزرگ تهرانی ، صاحب *الذریعة* ، و آیت‌الله سید محمدصادق بحرالعلوم گردید . امّا مفصلترین اجازهٔ روایتی را پدر بزرگوارش ، به نام *الاجازةالکبیرة* ، یا *الطریق والمحَجَّة لثمرةالمُهجة* به ایشان داد که این اجازه با همین نام به کوشش حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سمامی حائری به چاپ رسیده است .

دکتر مرعشی از همان آغاز جوانی همیشه یار و مددکار و عصای دست پدر خویش بوده است . وی ادارهٔ بیت و امور مرجعیّت ، مدارس و کتابخانهٔ عمومی معظم‌له را به عهده داشته و به‌تصریح آیت‌الله مرعشی در یکی از فرازهای وصیتنامهٔ الهی و اخلاقی خود : ایشان در تأسیس و اداره و ابقای کتابخانه از همان آغاز نقش اساسی و ارزنده‌ای داشته و در حقیقت بانی و مؤسس اولی آن شخص ایشان بوده است . آن مرحوم بارها به ایشان می‌فرمود : « اگر تو نبودی ، هرگز چنین کتابخانه‌ای با این وسعت و اهمیّت به‌وجود نمی‌آمد » . غیر از ادارهٔ امور بیت ایشان و کتابخانه و مدارس ، دکتر مرعشی نقش بسیار ارزنده‌ای در پیشبرد اهداف و پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است ، زیرا ایشان حلقهٔ واسطهٔ میان پدر خود و رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی بوده است . پیامهای مهم و سرّی که میان آنان مبادله می‌شد ، به وسیلهٔ دکتر مرعشی انجام می‌گرفت و پخش و نشر اطلاعیه‌ها و پیامهای آیت‌الله مرعشی و برخی از پیامها و اطلاعیه‌های امام خمینی پیش از ورود به ایران به عهدهٔ ایشان قرار داشت .

Marfat.com

در مواقعی که پدر بزرگوارشان به دلیل بیماری و یا به عللی دیگر نمی‌توانستند برای اقامهٔ نماز جماعت در حرم مطهّر حضرت معصومه (س) حاضر شوند ، دکتر مرعشی به جای پدر اقامهٔ جماعت می‌کردند و چون بنابر تراکم کارها و گرفتاریهای مربوطه به کتابخانه و ادارهٔ دفتر آقا موفق به انجام این مهم نمی‌شدند ، اخوی کوچکتر ایشان ، حاج آقا جواد ، برای اقامهٔ نماز می‌رفتند .

دکتر مرعشی در کنار این فعالیتها به کار تألیف و تصنیف نیز اشتغال داشته و مقدمه‌های بیشتر کتابهای منتشر شده از سوی کتابخانه را شخصاً نوشته است . برخی از آثار وی عبارتند از : تصحیح کتاب *شرح نخبة‌المقال* در علم رجال ، اثر پدر بزرگوارشان ؛ تصحیح و آماده سازی برخی از رساله‌های عملیهٔ آیت‌الله مرعشی ؛ همگامی و کوشش در تحقیق و چاپ کتاب *احقاق‌الحق* قاضی نورالله شوشتری و *ملحقات احقاق‌الحق* که توسط آیت‌الله مرعشی تهیه شده و لجنهٔ احقاق‌الحق مسئولیت تحقیق آن را داشت و تا کنون ۲۷ جلد آن منتشر شده است ؛ *شرح حال و آثار و آراء ابن سینا* ؛ *شرح حال و آثار و آراء ابوحامد غزالی* ، که در قم در سال ۱۳۴۱ شمسی چاپ و منتشر شده‌اند ؛ جمع آوری اجازات حضرت والدشان به انضمام زندگینامهٔ اجازه‌دهندگان که تحت عنوان *المسلسلات في‌الاجازات* ، آمادهٔ چاپ است ؛ *شرح حال و آثار و آراء ابونصر فارابی* ، که تا کنون به چاپ نرسیده است ؛ شرح احوال و زندگی بیش از دویست تن از دانشمندان اسلامی ، اعم از شیعی ، سنّی و زیدی که به مرحوم والدشان اجازهٔ روایتی داده‌اند و به‌صورت دستنویس باقی مانده است .

دکتر مرعشی هم اکنون نیز تولیت کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و ریاست واحدهای تحقیقاتی آن کتابخانه را به عهده دارند و در برخی مجامع علمی داخل و خارج کشور و چند مرکز علمی و فرهنگی بین‌المللی عضویت دارند .

ایشان در ۱۳۴۰ شمسی از میان یک خانوادهٔ سرشناس قم همسری برای خود برگزید . حاصل ازدواج آنان سه فرزند دختر است که همگی از تحصیلات عالی دانشگاهی و

Marfat.com

علمی برخوردارند .

۲ . جناب عمدةالاعلام ، آقای سید محمدکاظم مرعشی نجفی (متولد ۱۳۲۲ش) دارای تحصیلات عالی دانشگاهی که هم اکنون در تهران اقامت دارند و در وزارت نفت شاغلند و با دختر یکی از خانواده‌های سرشناس پیمان زناشویی بسته است . ایشان نیز همانند پدر بزرگوارشان که همیشه منبع خیرات و مبرات بودند ، در دستگیری و کمک به مستمندان و شرکت در امور خیریه پیشقدم و منشأ خیرات و مبرات هستند .

۳ . حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمدجواد مرعشی نجفی ، ملقب به نجم‌الدین (متولد ۱۳۲۶ش) که در شهر مقدس قم و در بیت فقاهت و مرجعیت پا به هستی گذاشت و در دامن پر مهر مادر عفیفه و با تقوای خویش ، پرورش یافت . پس از به پایان رساندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه و گرفتن دیپلم ، به تحصیل علوم دینی پرداخت و مقدمات و سطوح را نخست از پدر بزرگوار خویش و سپس از حجج اسلام حاج شیخ مهدی بیگدلی ، حاج سید محمدتقی جواهری ، حاج شیخ محمدصادق نصیری ، حاج شیخ احمد کریمی ، صلواتی و علوی گرگانی فراگرفت و از آن پس در حوزهٔ درس خارج فقه و اصول والد معظم خود شرکت نمود . عمدهٔ تحصیلات ایشان در علوم فقه واصول در قسمت سطح نزد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد کریمی و در قسمت خارج نزد پدر بزرگوارشان بوده که تا آخر عمر معظم‌له ادامه داشت . و نیز در جلسات درس آیت‌الله‌العظمی آمیرزا هاشم آملی شرکت نمود . حاصل این تلاش پیگیر اجازات متعددی در امور حسبیّه و روایی بود که از فقهای بزرگ و عالیقدر شیعه و پدر بزرگوار خویش دریافت کرد و از آن پس به تدریس و تألیف رو آورد که هم اکنون نیز ادامه دارد . برخی از آثار و تألیفات ایشان به این شرح است :

چهرهٔ درخشان امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ، که ترجمه‌ای است از کتاب *الزام‌الناصب في اثبات‌الحجة‌الغائب* تألیف شیخ علی یزدی ؛ *نهضت خونین حسین(ع)* ، که ترجمهٔ کتاب *مع‌الحسین(ع) في نهضته* تألیف اسد حیدر است ؛ ترجمهٔ کتاب *المناقب* ابن

Marfat.com

مغازلی با عنوان مناقب *امیرالمؤمنین(ع)* ؛ *قهرمان کربلا زینب کبری* که ترجمه‌ای است از کتاب *السیّدة* زینب تألیف حسن محمد قاسم مصری ؛ ترجمهٔ *اخبارالزینبیّات* منسوب به یحیی عبیدلی که پدر بزرگوارشان مقدمه‌ای هم بر آن نوشته است ، امّا گویا بعدها در انتساب این کتاب به عبیدلی تردید پیدا کرده است ؛ ترجمهٔ کتاب *البیان فی اخبار صاحب‌الزمان(ع)* تألیف شیخ ابو عبدالله گنجی شافعی با عنوان **خورشید پنهان** که همهٔ این ترجمه‌ها به چاپ رسیده‌اند . از دیگر آثار ایشان می‌توان به تقریرات درسی ایشان از دروس استادش حجت‌الاسلام والمسلمین کریمی و تقریرات درس خارج پدر بزرگوارشان در مباحث حدود ، قصاص ، دیات ، ودیعه و ارث ؛ *رسالة رأس‌الحسین(ع)* و ترجمهٔ *لئالی‌الاخبار* تویسرکانی اشاره کرد .

ایشان در زمان حیات والد معظم خود و به هنگام کسالت ایشان در مسجد بالاسر و مسجد موزهٔ آستانه مبارکهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه(س) و دو سال پس از رحلت معظم‌له شبها در صحن شریف اقامهٔ جماعت کرده‌اند .

حاج آقا جواد مرعشی در سال ۱۳۴۹ شمسی با صبیّهٔ مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی سبط ،که از علمای بزرگ و معروف تهران بوده‌اند ، ازدواج کرده است .

۴ . حجت‌الاسلام حاج سید امیرحسین مرعشی نجفی که در ۱۳۳۰ شمسی در شهر قم و در خانوادهٔ علم و تقوا تولد یافت و از خرمن پر مهر پدری عطوف و مادری عفیفه خوشه‌ها برچید و دوره‌های دروس جدید را باگرفتن دیپلم پشت سر نهاد و چون دیگر برادران به سلک روحانیت درآمد و در حوزه‌های درس اساتید بزرگ حوزه ، مانند حجج اسلام محسنی ملایری ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ، شیخ خلیل صادقی ، شیخ مصطفی عاملی دزفولی ، آیت‌الله مرحوم حاج شیخ محمدصادق نصیری و آیت‌الله وجدانی شرکت جُست و سپس به دروس خارج فقه و اصول والد معظم خود قدم گذاشت و از آن بزرگوار استفاده کرد . ایشان نیز اجازاتی در امور حسبیّه و روایی از برخی مراجع و از پدر خویش دریافت کرد و در ادارهٔ امور بیت والد خود با برادران

Marfat.com

ارجمندش همکاری داشت .

حاج آقا امیرحسین مرعشی در ۱۳۶۷ شمسی با صبیهٔ آیت‌الله حاج سید عبداللطیف قریشی ، که از اصحاب خاص پدرشان به شمار می‌رفت ، ازدواج کرد .

دختران آیت‌الله مرعشی نیز چهارتن بوده‌اند که همگی ازدواج کرده‌اند و عبارتند از :

۱ . همسر مرحوم حاج سید خلیل میری تهرانی ، از تجّار تهران .

۲ . همسر مرحوم حاج سید عباس موسوی حرمی ، از خاندانهای سرشناس قم .

۳ . همسر حاج علی آقا فاضل لنکرانی ، برادر بزرگ آیت‌الله فاضل لنکرانی .

۴ . همسر حضرت آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی ، از علمای بزرگ تهران و استاد دانشگاه .

۲. وصیتنامه‌های الهی و اخلاقی

آیت‌الله مرعشی بر طبق سنّت حسنهٔ اسلامی ، در دوران حیات وصیتهایی کرده که بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز است . این وصیتنامه‌ها از آن لحاظ که جنبهٔ نصیحت و ارشاد عمومی دارند ، آنها را « وصیتنامه‌های الهی و اخلاقی » نامیده‌اند . ایشان در این وصیتنامه‌ها تصریح کرده است که از مال و منال دنیا چیزی نداشته است تا در بارهٔ آن وصیّتی کند . از این‌رو هر بند از این وصیتنامه‌ها برای فرزندان ایشان و عموم جامعه ، راهگشای مشکلات هریک از پیروان راستین مذهب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) . سرمشق زندگی فردی و اجتماعی شیعیان ، بویژه طلاب و علمای حوزه‌های علمیّه ، و رهنمونی برای کسانی است که مدعی رهبری و ارشاد جامعهٔ اسلامی هستند .

معظم‌له جمعاً سه وصیتنامهٔ عمومی داشته که به ترتیب در تاریخهای ۲۴ شوال ۱۳۸۶ ، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۹۸ و سلخ رمضان ۱۴۰۹ تنظیم شده‌اند و هریک از آنها دارای فرازهای متعددی در زمینه‌های مسائل اعتقادی ، اخلاقی ، اجتماعی ، دینی ، و در دو بعد عقیده

Marfat.com

و عمل است .

یکی از وصیتنامه‌ها با این عبارات آغاز می‌گردد :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، الحمدلله‌الباقی بعد فناءالموجودات ووارث‌الکائنات ، والصلوة والسلام علی سیّدالانبیاء و مقدام‌السفراء ، سیدنا ابی‌القاسم محمد بن عبدالله ، صلی‌الله علیه وآله وعلی سُفُن‌النجاة والمشاکی فی‌الهلکات ، صلوة دائمة مستمرّة .

وبعد چنین گوید خادم علوم اهل‌بیت عصمت وطهارت(ع) ، پناهنده و معتکف آستان مقدّس آن بزرگواران و امیدوار به شفاعت آنان ، ابوالمعالی شهاب‌الدین‌الحسینی‌المرعشی‌النجفی ، که این چند صفحه را در حال صحّت نفس و بدن و سلامت عقل ، بدون اکراه و اجبار ، به عنوان وصیّت ذیلاً به قلم تحریر درمی‌آورم . حقیر معتقد به عقائد حقّه شیعهٔ اثنی عشریّه و آنچه نبی اکرم(ص) و ائمّهٔ طاهرین(ع) فرموده‌اند می‌باشم و از خداوند منّان مسألت می‌نمایم با همین عقیدهٔ پاک و موالاة و حبّ آل رسول (صلی‌الله علیه وآله) از دنیا بروم .

این وصیتنامه‌ها حاوی فرازهای مختلفی است که به دو بخش اساسی به این شرح تقسیم می‌شود :

یک. وصایا و سفارشات خاص

در این بخش معظم‌له مطالبی را به فرزند ارشد خویش توصیه کرده است که به فرازهای مهمی از آن اشاره می‌کنیم :

وصیّ خودقراردادم، فرزندارشدذکورم،جناب‌حجت‌الاسلام

Marfat.com

آقای حاج سید محمود مرعشی که دقیقاً به مواردی که ذکر می‌گردد ، بایستی عمل نماید :

سفارش می‌کنم اوراکه دامن همّت به‌کمر زده و با ارادهٔ تمام و آهنین آمادهٔ ترویج دین حنیف ودفاع از مذهب حقّهٔ اثنی عشری باشد ، چه این مذهب در حالی که غریب است ، با فریاد بلند آوا سر می‌دهد : « *هل من ناصر ینصرنی هل من ذابٌّ یذبُّ عنّی ولا اری من یلبّي دعوته و یجیب صرخته ، الّاالقلیل ، شکرالله مساعیهم و جزاهم خیرالجزاء* » .

سفارش می‌کنم اورا بر صلهٔ رحم . زیرا آن از نیرومندترین اسباب توفیق و برکت در عمر و زیادی روزی است ، بویژه به برادران و خواهران خود و نیکی کردن در حق آنان . زیرا من پس از خود چیزی از زخارف دنیا برای آنان نگذاشتم و آنچه راکه به دستم رسید ، در نیازهای مردم ، خصوصاً اهل علم ، صرف نمودم ؛ حتّی نذورات شخصی خودراکه مردم برای من نذر می‌نمودند ، همه را در احتیاجات اهل علم ، صرف کردم . من بزودی از دنیا می‌روم و از مال دنیا چیزی برای بازماندگانم ننهادم . وکیل آنها را خداوند کریم قرار داده . پس پند گیرید ای صاحبان بصیرت .

سفارش می‌کنم اورا به تصنیف و تألیف و نشر کتابها و آثار دانشمندان شیعهٔ امامیّه ، بویژه کتابهای گذشتگان از آنان . زیرا این روش از بهترین راههای تقویت مذهب در زمان واژگون و انحطاط است .

سفارش می‌کنم اورا به تدوین و تنظیم کتاب خودم ، مشجرات

Marfat.com

آل رسول الله الاکرم(ص) ، و نیز حواشی و تعلیقاتی که بر کتاب *عمدة الطالب* دارم و تمامی آثار حقیر و آنچه از قلم من بر صفحات جاری شده ، و چه بسا شبهای بسیاری را تا صبح بیدار بوده و چه رنجهایی در روزها جهت استخراج از گوشه و کنار صدها کتاب ، بلکه هزاران کتاب در فنون مختلف کشیده‌ام .

سفارش می‌کنم اورا به تکمیل آنچه از قلم من صادر شده ، از تألیف و تصنیف و نیز نشر آنها که شامل نوشتجات زیادی در فقه ، اصول ، کلام ، انساب ، رجال ، درایه ، تفسیر ، حدیث ، تاریخ ، تراجم ، مجموعه‌ها ، سیر و سلوک و عرفان و مقامات و نیز نوشتجات دیگر در حالات معنوی ، مکاشفات ، مجاهدات ، ریاضتها و سختیهایی که متحمل شده‌ام ، می‌باشد .

سفارش می‌کنم در کوشش و پایداری در به‌پا داشتن شعائر الهی در حسینیّه‌ای که در قم مقدس بنیانگذاری کرده‌ام .

سفارش می‌کنم اورا به اینکه کیسه‌ای را که در آن خاک مراقد ائمهٔ طاهرین(ع) و اولاد آنان و قبور اصحاب و بزرگان ، جمع آوری کرده‌ام ، برای تیمّن و تبرّک با من دفن نماید و مقداری از آن را هم زیر صورت و قدری محاذی صورت بریزند .

سفارش می‌کنم اورا به اینکه لباس سیاهی که در ماههای محرم و صفر می‌پوشیدم[1] ، جهت حزن و اندوه در مصیبتهای آل رسول اکرم(ص) با من دفن شود .

سفارش می‌کنم او را به سجاده‌ای که هفتاد سال بر روی آن

---

۱ . این لباس را بعد از این وصیت ، خودشان به شخص و یا محلی داده‌اند که هیچیک از بازماندگان از آن اطلاعی ندارند .

Marfat.com

نمازشب به‌جا آورده‌ام ، با من دفن شود .

سفارش می‌کنم به تسبیحی از تربت امام حسین(ع) که با آن در سحرها به عدد آن استغفار کرده‌ام ، با من دفن شود .

سفارش می‌کنم به دستمالی را که اشکهای زیادی در رثای جدّم حسین مظلوم(ع) واهل بیت مکرّم او ریخته و صورت خود را با آن پاک می‌کردم ، بر روی سینه در کفنم بگذارند .

سفارش می‌کنم اورا که دو عقیق را پس از انجام مراسم غسل در زیر زبانم بگذارند .

سفارش می‌کنم اورا که قرآن کوچکی را که به او سپرده‌ام ، به هنگام دفن در دست راست من بگذارند .

سفارش می‌کنم اورا که قوطی حلبی محتوی آب زمزم را سوراخ کرده ، به هنگام دفن در قبر بپاشند .

سفارش می‌کنم اورا که پس از مرگ در منزل مسکونی مرا غسل ندهد و حتماً به غسالخانه عمومی شهر برده و در آن محل مرا غسل دهند .

در مجالس ترحیم سفارش می‌کنم که از عموم مؤمنین ، خصوصاً اهل علم ، خاصه شاگردانم ، حلال بودی بطلبند . چه آنکه ممکن است گاهی عصبانی شده و در بحث با آنان تندی کرده باشم و خدارا شاهد می‌گیرم که از روی اختیار نبوده . . .

سفارش می‌کنم اورا که جنازهٔ مرا در حسینیّه‌ای که تأسیس کرده‌ام برای عزای جدّم ، قرار داده و همین عمل بستن عمّامه را تکرار کنند ؛ بدین ترتیب که یک سر آن را به منبر سیدالشهدا و سر دیگر را به تابوتم بسته و همان گونه مصیبت و داع را بخوانند .

Marfat.com

همچنین هنگامی که جسدم را در قبری که در کتابخانهٔ عمومی خود در شهر قم تأسیس کرده‌ام ، می‌گذارند ، مصیبت وداع امام حسین(ع) را بخوانند . و سفارش می‌کنم که کوشش کند که بدن من در همین مکان کتابخانه دفن شود ، حتی اگر در بیرون شهر قم اجل من فرا رسد .

در مورد این بخش از وصیتنامه ، فرزند ارشد ایشان چنین گفته است که این مطلب را از پدرم پرسیدم و ایشان چنین بیان داشتند : « حقیر با آنکه محل دفن مناسبی در حرم مطهر بی‌بی فاطمهٔ معصومه ـ سلام‌الله علیها ـ برایم از سالیان قبل در نظر گرفته شده ، لکن میل دارم در کنار کتابخانهٔ عمومی زیر پای افرادی که به دنبال مطالعهٔ علوم آل محمد(ص) به این کتابخانه می آیند ، دفن شوم » .

سفارش می‌کنم او را که یکی از ذاکرین و یا مدّاحان و نوکران أباعبدالله‌الحسین(ع) را معیّن کند که در هر شب جمعه یادی از مصیبتهای آل رسول و عترت او در مقبره‌ام بنماید .

در باره این فراز هم فرزند ارشد ایشان گفته‌اند که قبل از رحلت ایشان شخصاً به اینجانب فرمودند که : « چون شبها اکثر آقایان و دوستان گرفتارند ، لذا این مجلس ذکر مصیبت را قبل از نماز مغرب و عشا شب جمعه در مقبره‌ام تشکیل بدهید » که هم‌اکنون ادامه دارد .

سفارش می‌کنم او را و تمامی فرزندان مکرّم خودرا تا در شب جمعه هر هفته اطراف قبر من اجتماع کرده چند آیه از قرآن کریم را خوانده و به مصیبتهای سیدالشهداء و اهل‌بیت بزرگوارش گوش فرا دهند .

Marfat.com

دو. توصیه‌ها و رهنمودهای عام

در این بخش آیت‌الله مرعشی برای راهنمایی ، ارشاد و نصیحت فرزندان خویش و دیگران ، سفارشاتی کرده است که فرازهای مهمی از این سفارشها و توصیه‌ها به این شرح است :

سفارش می‌کنم اورا به اندیشیدن در کتاب خداوند و پند گرفتن از آن و به زیارت اهل گورستان و قبور و اندیشیدن در اینکه آنان دیروز چه کسانی بوده و امروز چه شدند و چگونه بودند؟ پس چگونه گردیدند و کجا بودند و امروز کجا هستند . و نیز کم کردن معاشرت و همنشینی ، زیرا معاشرت در این زمان هم منع دارد و هم خطر و کم انجمنی است که خالی از بهتان و غیبت در حق مؤمنین و عیبجویی و تحقیر و ضایع کردن حقوق و برادری آنان باشد .

سفارش می‌کنم اورا به زهد و بی‌اعتنایی به شئون دنیا و راه و روش ورع و پرهیزگاری و احتیاط .

سفارش می‌کنم اورا به دوری جستن از غیبت بندگان خدا ، بویژه اهل علم ، زیرا غیبت آنان چون خوردن مردار مسموم است .

سفارش می‌کنم او را به خواندن سورهٔ یس بعد از نماز صبح هر روز یک مرتبه و نیز به خواندن سورهٔ نبأ (عمّ یتسائلون) بعد از نماز ظهر و به خواندن سورهٔ عصر پس از نماز عصر و به خواندن سورهٔ واقعه بعد از نماز مغرب و به خواندن سورهٔ الملک بعد از نماز عشا و تأکید می‌کنم بر آن مداومت کند بر آنچه یادآور شدم . زیرا من

Marfat.com

شخصاً روایت می‌کنم این روش را از استادان بزرگوار خود و بارها نیز تجربه آموخته‌ام .

سفارش می‌کنم به‌کوشش اکید در امر کتابخانهٔ عمومی که در این شهر مقدس تأسیس کرده‌ام برای حوزهٔ مقدسهٔ قم و عموم مردم و نیز حسینیّه‌ای که از نفقهٔ مرحوم حاج غلامحسین شاکرین بنیاد کرده‌ام و در آن عزای آل رسول(ص) و مجالس یادبود برادران دینی منعقد می‌گردد . همچنین مدرسه‌ای که در خیابان ارم ساخته‌ام و نیز مدرسه‌ای که نوسازی و عمران آن را نموده‌ام که در انتهای خیابان چهارمردان واقع شده و نیز مدرسهٔ شهابیّه که در محلّ سینمای سابق قم قرار دارد که زمین آن را از صاحبش خریداری و باکمک مردمان با ایمان ساخته شد . خداوند توفیقات آنان را افزون فرماید . و غیر آنها از آثاری که خداوند توفیق ساختن آن یا ترمیم و تعمیر آن را به حقیر داد .

راجع به موضوع کتابخانهٔ عمومی ،که اهم موضوعات این وصیت است ، این است که این کتابخانه در حقیقت بنیانگذار آن آقای حاج سید محمود ، فرزندم ، می‌باشد . زیرا ایشان بیش از بیست سال قبل با اختصاص دادن دو حجره در مدرسهٔ مرعشیهٔ خیابان ارم که رو بروی کتابخانهٔ فعلی قرار دارد ، برای کتابخانهٔ مدرسه و سپس خریداری چند زمین و خانه قدیمی که محل فعلی کتابخانه را تشکیل می‌دهد ، این مؤسسهٔ عام‌المنفعهٔ عظیم را بتدریج توسعه داده تا به امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی است . من جداً از ایشان که برای ابقا ، اداره و توسعهٔ روزافزون آن‌از هیچ‌کوششی فروگذاری‌نکرده ونمی‌کند وهمواره

Marfat.com

تمام اوقات خود را ، چه روزها و چه شبها و با مسافرتهای متعدد و تحمل رنج و زحمت صرف در آن می‌نماید ، تشکر و قدردانی می‌کنم . در حقیقت بایستی گفت که بانی و مؤسس اوّلی آن شخص ایشان است . تنها نگرانی حقیر در بارهٔ این فرهنگستان عظیم اسلامی توسعهٔ ساختمان و ادارهٔ آن از لحاظ مالی ، پس از حقیر می‌باشد . چون چنین مؤسسهٔ عظیمی با مخارج سنگین و توسعهٔ روزافزون آن ظاهراً از عهدهٔ شخص یااشخاص خارج و تنها می‌توان بر روی پشتوانهٔ دولتی تکیه کرد واین خود از وظائف دولت یا نهادهای دیگر است که چنین مجموعه‌ای را نگاه بدارند . . . حقیر متولّیان را یکی پس از دیگری معیّن کرده‌ام .

سفارش می‌کنم اورا به محاسبهٔ نفس در هر هفته ؛ مانند حساب شریک از شریک دیگر ، با دقت کامل . و اگر لغزشی احساس کرد با توجه در صدد تدارک و جبران آن برآید و اگر حسنه‌ای در اعمال و رفتارش یافت ، خداوند سبحان را شکرگزار باشد و از درگاهش مزید توفیق را طلب کند .

سفارش می‌کنم اورا به تهذیب نفس و مجاهدات شرعیّه و من شخصاً به آنچه راکه خداوند کریم روزی کرده تا آن روز چشمهایم ندیده و گوشهایم نشنیده ، سپاس می‌گذارم خداوند را بر این نعمت بزرگ که بعضی از آنها را در کتاب مخصوصی که آن را نامیده‌ام *سلوة‌الحزین* و گاهی *مونس‌الکئیب‌المضطهد* و گاه *روض‌الریاحین* و گاهی *نسمات‌الصبا* آورده‌ام و هرکدام از این چهار نام راکه می‌خواهی انتخاب کن .

ای فرزند من ، ای میوهٔ دل من ، بدان که این مجموعه که به آن

Marfat.com

اشاره کردم ، قسمتی از اسرار و اوراد و اذ کار و . . . غیره است که در آن آورده‌ام .

به فرزندان و شا گردان و دوستان و مؤمنین نصیحت پدرانه‌ای از پدر پیر نود و چند ساله دارم که این دنیا فانی است . در این دنیا هرچه ذخیرهٔ مادّی کنید ، فنا می‌شود . ذخیرهٔ آخرت فنا نشدنی است . حقیر با آنکه میلیونها از وجوه و غیره به دستم رسید ، تماماً بدون کم و کاست ، جهت طلاب ، مؤسسات دینی ، فقرا ، ایتام و سایر موارد مستحقه صرف و حال که از این دنیا رخت بربسته و آفتاب عمرم رو به پایان است خیلی سبک و راحتم . چرا که نه یک وجب آب و زمین دارم و نه دیناری در بانکی یا جایی ذخیره کرده‌ام .

سعی کنند از کارهای تشریفاتی که باعث سوء ظن مردم به اهل علم می‌شود جداً دوری کنند . مال‌اندوزی و زراندوزی را کنار بگذارند که همه چیز در یک لحظه از دست می‌رود . تا می‌توانید بارتان را سبک کنید تا فردای قیامت از سؤال و جواب آن عاجز نباشید . به فقرا و مستمندان تا می‌توانید مساعدت کنید که بدین‌وسیله سلامت خود و فرزندانتان را بیمه کرده‌اید .

در پایان وصیتنامه‌ها ، حضرت آیت‌الله مرعشی از خداوند طلب مغفرت می‌نماید و این چنین به مناجات می‌پردازند :

خداوندا از تو طلب زیادتی توفیق می‌خواهم برای دوستان ، تا علم نافع در روز معاد وعمل شایستهٔ ایشان را زیاد فرمایی و از تو می‌خواهم تا این بیچارهٔ مسکین مستکین و اولادم را به زیر پرچم امیرالمؤمنین(ع) محفوظ بداری .

Marfat.com

پروردگارا من از درگاهت درخواست عفو وبخشش دارم از آنچه از من و فرزندان و دوستان و مؤمنین مبادرت به آن شده و اینکه نامهٔ اعمال مارا به دست راست ما بدهی . همچنین از تو می‌خواهم که مارا با دوستی و محبّت آل رسول(ص) از دنیا ببری .

الهی به مادر دل شکسته‌ام ، به مادر پهلو شکسته‌ام ، و به عمّهٔ بازو بسته‌ام نظر لطفی بفرما تا مارا از جملهٔ محبّان خاندان عصمت و طهارت(ع) قرار دهی و دست مارا از ذیل عنایت آن بزرگواران کوتاه نفرمایی . پروردگارا زنده‌دار مارا به حیات آنان و بمیران مارا با دوری از دشمنان آنان .

خداوندا می‌دانی که من هلاک در دوستی و محبّت آنان هستم . پس مرا جزای کسانی راکه در راه تو شهید شده و خون خودرا ریختند و در راه آنان جنگیدند ، عنایت کن و ثواب شهیدان ده ، مرا در زمرهٔ کسانی که از این خانواده و هدف و روش آنان دفاع می‌کنند ، قرار ده و مرا در طریقهٔ راه آنها قرار فرما ، و به راهنمایی آنها مرا هدایت کن تا گام به گام در راه آنها قدم بردارم و از کسانی که تمسّک به دوستی آنها نموده و به ریسمان آنها چنگ زده‌اند قرار ده . آمین آمین . راضی به یک آمین نبوده ، بلکه هزاران آمین ، تا اضافه و افزوده گردد و خداوند رحمت کند کسی راکه آمین بگوید و درود بر رهروان راه حق وهدایت و کسانی که از میدان هواپرستی و خودخواهی دور هستند .

واناالعبدالموصی خادم علوم اهل البیت(ع) و المنیخ مطیته بابوابهم ابوالمعالی شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی رزقه‌الله شفاعة جدّه امیرالمؤمنین(ع) روحی له‌الفداء آمین .

Marfat.com

Marfat.com

کتابنـامه

Marfat.com

Marfat.com

کتابنامه

آ

۱. آخوند گزی اصفهانی، شیخ عبدالکریم، **تذکرة‌القبور**، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، قم، ۱۳۷۱ش واصفهان ۱۳۶۹ق.

۲. آژند، یعقوب، **قیام مرعشیان**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵ش.

۳. آقا بزرگ تهرانی، محسن، **الذریعة الی تصانیف‌الشیعة**، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.

۴. همو، **طبقات اعلام‌الشیعة**، به کوشش علینقی منزوی، قم، مؤسسهٔ اسماعیلیان، ۱۳۷۲ش.

۵. همو، **مصفی‌المقال**، به کوشش احمد منزوی، تهران، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.

الف

۶. ابطحی، سید حسن، **ملاقات با امام زمان (ع)**، قم.

۷. ابن ابی‌حاتم رازی، عبدالرحمان بن محمد، **الجرح والتعدیل**، حیدر آباد دکن، ۱۳۷۲ق / ۱۹۵۳م.

۸. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابوالکرم، **الکامل في‌التاریخ**، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م.

۹. همو، **اللباب في تهذیب‌الانساب**، قاهره، ۱۳۶۵ـ۱۳۶۹ق.

۱۰. ابن اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمد، **تاریخ طبرستان**، به کوشش عباس اقبال،

Marfat.com

تهران، ۱۳۲۰ش.

۱۱. ابن جوزی، ابوالفرج، عبدالرحمان بن علی، ***المنتظم***، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیّه، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۳م.

۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ***تهذیب التهذیب***، حیدر آباد دکن، ۱۳۲۵ق.

۱۳. همو، ***لسان المیزان***، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

۱۴. ابن سعد، محمد، ***طبقات الکبری***، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار بیروت، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.

۱۵. ابن العلم، علی محمد دزفولی اهوازی، ***زندگینامهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تا ۲۴ سالگی***، تنظیم ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۸ق، مخطوط، موجود در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

۱۶. همو، ***منتخبات***، قم، ۱۳۶۹ش.

۱۷. ابن عنبه، جمال‌الدین، ***عمدة الطالب***، نجف، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.

۱۸. ابن معصوم مدنی، سیدعلی خان شیرازی، ***الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة***، نجف، ۱۹۶۲م.

۱۹. ابن منظور، جمال‌الدین محمد، ***لسان العرب***، بیروت، دار صادر، [بی تاریخ].

۲۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ***الفهرست***، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳م.

۲۱. ابوطالب مروزی، اسماعیل بن حسین، ***الفخری***، به کوشش مهدی رجائی، قم، کتابخانهٔ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۲۲. ابوالفداء، ***تقویم البلدان***، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۴۹ش.

۲۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ***التدوین فی احوال جبال الشروین (تاریخ سواد کوه مازنداران)***، به کوشش مصطفی احمد زاده، ۱۳۷۳ش.

۲۴. افندی، سامی، ***قاموس الاعلام***، استانبول، ۱۳۱۶ق.

Marfat.com

۲۵. افندی، میرزا عبدالله اصفهانی، ***ریاض‌العلماء***، به کوشش سید احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ق.

۲۶. امامت، حاج سید عزیزالله، ***زندگانی سلطان علی بن امام محمد باقر(ع) وهلال بن علی***، زیر نظر عمادالدین طبسی، قم.

۲۷. امین، سید محسن، ***اعیان‌الشیعه***، به کوشش حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

۲۸. امینی، محمد هادی، ***معجم رجال‌الفکر والادب في‌النجف خلال الف عام***، بیروت، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م.

۲۹. انصاری، مرتضی، ***زندگانی وشخصیّت شیخ انصاری***، اهواز، ۱۳۸۰ق.

ب

۳۰. ***بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت***، جمعی‌از نویسندگان، تهران، ۱۳۴۱ش.

۳۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***التاریخ‌الکبیر***، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۰ق.

۳۲. برقعی، سید علی‌اکبر، ***راهنمای دانشوران***، چاپ ۱۳۵۱ش.

۳۳. برقی، ابوجعفر احمد بن‌محمد، ***المحاسن***، قم، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۳۱ش.

۳۴. بلاذری، احمد بن‌یحیی، ***فتوح‌البلدان***، به کوشش رضوان‌محمد رضوان، مصر.

۳۵. بهجت، علی، ***قاموس‌الامکنة والبقاع***، مصر، ۱۳۲۴ق / ۱۹۰۶م.

۳۶. بیهقی نسّابه، ابوالحسن مشهور به ابن فندق، ***لباب‌الانساب***، به کوشش مهدی رجائی و مقدمهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.

Marfat.com

ت

۳۷. تربیت، محمدعلی خان، ***دانشمندان آذربایجان***، تهران.

ج

۳۸. جزائری، سید مصطفی موسوی معروف به امامزاده، ***گلستان پیغمبر***، نجف، ۱۳۷۳ق.

۳۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، ***صحاح اللغة***، به کوشش احمد عبدالغفور عطار، قاهره، ۱۹۵۶م.

ح

۴۰. حائری، مهدی، ***سیمای مسجد صاحب الزمان(ع)***، قم، دارالنشر.

۴۱. ***حدودالعالم من المشرق الی المغرب***، با تعلیقات مینورسکی و مقدمهٔ بارتولد و ترجمهٔ میرحسین شاه، و کوشش مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران، دانشگاه الزهراء(س)، ۱۳۷۲ش.

۴۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***امل الآمل***، به کوشش سید احمد حسینی اشکوری، قم، ۱۳۶۲ش.

۴۳. همو، ***وسائل الشیعه***، تهران، ۱۳۸۳ق.

۴۴. حرزالدین، محمد، ***معارف الرجال***، به کوشش محمدحسین حرزالدین، نجف، ۱۹۶۴م.

خ

۴۵. خانمحمدی، علی‌اکبر، ***گنج وگنجینه*** (در بررسی ومعرفی کتابخانهٔ عمومی

Marfat.com

مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۰ش.

۴۶. خیابانی، علی، **علماء معاصرین**، تهران، ۱۳۶۶ ق.

۴۷. خواندمیر، غیاث‌الدین، **حبیب‌السیر**، بامقدمهٔ جلال‌همائی، تهران، ۱۳۳۳ش.

۴۸. خوئی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال‌الحدیث**، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.

د

۴۹. **دائرةالمعارف تشیع**، جمعی از نویسندگان، تهران، ۱۳۶۶ش.

۵۰. **دائرةالمعارف شهرهای جهان**، ترجمهٔ عبدالحسین سعیدیان، تهران، ۱۳۶۳ش.

۵۱. دانش پژوه، محمدتقی، **نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران** «نسخ خطی کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی»، تهران، ۱۳۴۶ش.

۵۲. همو، **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران**، تهران، ۱۳۴۰ش.

۵۳. دوانی، علی، **نهضت دوماههٔ روحانیون ایران**، قم، ۱۳۴۱ش.

۵۴. دهخدا، علی‌اکبر، **لغتنامه**، تهران، دانشگاه، ذیل مادهٔ «مرعش».

ذ

۵۵. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، **تاریخ‌الاسلام**، به کوشش عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

۵۶. همو، **سیر اعلام‌النبلاء**، به کوشش شعیب‌الارنؤوط و جمعی از محققان، بیروت، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.

ر

۵۷. رازی، محمد شریف، **آثارالحجة**، قم، ۱۳۳۲ش.

۵۸. همو، **گنجینهٔ دانشمندان**، تهران، ۱۳۵۲ش.

Marfat.com

۵۹. همو، *مشاهیر دانشمندان اسلام*، ترجمهٔ *الکنی والالقاب*، شیخ عباس قمی، تهران، ۱۳۵۱ش.

۶۰. رحیمی، احمد، *گنجینهٔ دانشوران*، قم، ۱۳۸۰ق.

۶۱. روحانی، سید حمید، *اسناد انقلاب اسلامی*، تهران، ۱۳۶۹ش.

۶۲. روضاتی، سید احمد، *التحفة الاحمدیة في ترجمة زعیم السادة المرعشیّة*، مخطوط و موجود در کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۶۳. روملو، حسن، *احسن التواریخ*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، ۱۳۴۹ش.

۶۴. ریحان یزدی، سید علیرضا، *آینهٔ دانشوران*، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ش.

ز

۶۵. زامباور، *معجم الانساب والاسرات الحاکمة في التاریخ الاسلامی*، ترجمهٔ کورکیس عواد و محمد موسی بیک، بغداد، ۱۹۵۵م.

۶۶. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، *تاج العروس*، به کوشش محمود محمد الطناحی، کویت، ۱۳۶۹ق / ۱۹۷۶م.

۶۷. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، ۱۹۸۹م.

س

۶۸. سمعانی، ابوسعد عبدالکریم، *الانساب*، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، بیروت.

ش

۶۹. شایان، عباس، *مازندارن، جغرافیای تاریخی واقتصادی*، تهران، ۱۳۳۴ش.

Marfat.com

۷۰. شمس گیلانی، حسن، **تاریخ علما وشعرای گیلان**، تهران، ۱۳۲۷ش.
۷۱. شیروانی، زین‌العابدین، **بستان‌السیاحة**، اصفهان، ۱۳۴۲ق، چاپ سنگی.

ص

۷۲. صاحب جواهر، محمدحسن، **جواهرالکلام**.
۷۳. صدر، سید حسن، **الشیعة وفنون‌الاسلام**، صیدا، ۱۳۳۱ق.
۷۴. صدوق، محمد بن علی، معروف به ابن بابویه قمی، **اکمال‌الدین**، نجف، مطبعةالحیدریة، ۱۳۸۹ق.
۷۵. همو، **علل‌الشرایع**، نجف، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
۷۶. همو، **عیون اخبارالرضا**، نجف، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
۷۷. همو، **کتاب من لا یحضره‌الفقیه**، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۲ق.
۷۸. همو، **معانی‌الاخبار**، به کوشش محمدمهدی خرسان، نجف، ۱۳۹۱ق / ۱۹۷۱م.
۷۹. صفا، ذبیح الله، **تاریخ ادبیات درایران**، تهران، ۱۳۶۳ش.
۸۰. صفّار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، **بصائرالدرجات**، تهران، ۱۳۲۷ق.
۸۱. صفدی، خلیل بن ایبک، **الوافی‌بالوفیات**، به کوشش رمضان عبدالتواب، ویسبادن، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.

ط

۸۲. طباطبائی، محمدرضا، **تاریخ اولادالاطهار**، قم.
۸۳. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، **الاحتجاج**، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۸۴. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ‌الامم والملوك**، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۸م.
۸۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **اختیار معرفةالرجال**، به کوشش حسن

Marfat.com

مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش.

۸۶. همو، ***امالی***، نجف، ۱۳۴۸ق.

۸۷. همو، ***رجال***، به کوشش محمدصادق آل‌بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.

۸۸. همو، ***الغیبة***، نجف، ۱۳۸۵ق.

ع

۸۹. عبیدلی نسّابه، ابوالحسن محمد بن ابوجعفر، ***تهذیب‌الانساب***، به کوشش محمدکاظم محمودی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ق.

۹۰. عقیقی بخشایشی، ***کتاب وکتابخانه، زیربنای تمدن وعلوم‌اسلامی***، قم، ۱۳۵۳ش.

۹۱. همو، ***فقهای نامدار شیعه***، قم، ۱۳۷۲ش.

۹۲. علوی، عادل، ***قبسات من حیاة سیدناالاستاذ آیة‌الله‌العظمی‌المرعشی‌النجفی***، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۹۳. عماد زادهٔ اصفهانی، عمادالدین حسین، ***تاریخ وجغرافیای کربلای معلی***، تهران، ۱۳۲۶ش.

۹۴. همو، ***زندگانی حضرت ولی عصر صاحب‌الزمان(ع)***، تهران، ۱۳۷۹ق / ۱۳۳۹ش.

۹۵. همو، ***زندگانی قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل عباس بن علی بن ابیطالب*** (ع)، تهران، ۱۳۵۵ش.

۹۶. عمری نسابه، علی بن محمد علوی، ***المجدی في انساب‌الطالبیین***، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

ف

۹۷. فتّال نیشابوری، ابوعلی محمد بن حسن، ***روضة‌الواعظین***، تهران، ۱۳۰۳ق.

۹۸. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ***الشجرة‌المبارکة في انساب‌الطالبیّة***، به کوشش

Marfat.com

مهدی رجائی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۹۹. فهمی هویدی، *ایران من‌الداخل*، قاهره، ۱۴۰۸ق.

۱۰۰. فیض، عباس، *گنجینهٔ آثار قم*، ۱۳۴۹ش.

ق

۱۰۱. قاضی نورالله شوشتری شهید، *مجالس‌المؤمنین*، تهران، ۱۳۶۳ش.

ك

۱۰۲. کچوئی، محمدعلی، *انوارالمشعشعیّین*، تهران، جلد اول، تهران، در ۱۳۲۷ قمری چاپ سنگی شده و بقیهٔ آن به صورت خطی در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی، موجود است.

۱۰۳. کحّالة، عمر رضا، *معجم‌المؤلفین*، بیروت، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۷م.

۱۰۴. کشی، ابوعمرو محمد بن عمر، *رجال*، نجف، بی‌تاریخ.

۱۰۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، ۱۳۸۱ق.

۱۰۶. کیاگیلانی، سید احمد بن محمد، *سراج‌الانساب*، به کوشش مهدی رجائی، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

ل

۱۰۷. لاهیجی، علی بن شمس‌الدین، *تاریخ خانی*، نسخهٔ خطی، موجود در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

م

۱۰۸. مامقانی، عبدالله بن محمد، *تنقیح‌المقال*، نجف، ۱۳۴۹ ـ ۱۳۵۱ق.

Marfat.com

۱۰۹. مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

۱۱۰. محلاتی، ذبیح‌الله، ***اختران تابناک***، تهران، ۱۳۴۹ش.

۱۱۱. محمدی، سید زین‌العابدین، ***چهرهٔ درخشان حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در آسمان علم وعرفان***، دستنوشتهٔ تألیفی، ۱۳۷۱ش، موجود در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۱۱۲. محمّدی اشتهاردی، محمد، ***زندگی‌نامهٔ حضرت معصومه(س)***، قم.

۱۱۳. مختاری عبیدلی، سید سراج‌الدین محمد قاسم حسینی، ***رسالهٔ اسدیّه في انساب العلوية***، با مقدمهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۹۳ق.

۱۱۴. مدرس تبریزی، محمد علی، ***ریحانة‌الادب***، تبریز، ۱۳۴۶ش.

۱۱۵. مدرسی طباطبائی، سید حسین، ***برگی از تاریخ قزوین***، قم، ۱۳۶۱ش.

۱۱۶. مراغی، محمد مصطفی، ***الاجتهاد في‌الاسلام***، قاهره، ۱۳۷۹ق.

۱۱۷. مرعشی، سید شمس‌الدین محمود، ***رسالهٔ موالید ووفیات***، در بارهٔ خاندان خود، مخطوط، موجود نزد حجّت الاسلام والمُسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی.

۱۱۸. مرعشی، سید ظهیرالدین، ***تاریخ طبرستان و رویان و مازندران***، به کوشش برنهارد دارن و مقدمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۳ش؛ و به کوشش عباس شایان، تهران، ۱۳۳۳ش.

۱۱۹. همو، ***تاریخ گیلان و دیلمستان***، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۷ش.

۱۲۰. مرعشی صفوی، محمد خلیل، ***مجمع‌التواریخ***، با مقدمه عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ش.

۱۲۱. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، ***الاجازة‌الکبیرة، او الطریق‌المحجّة لثمرة‌المهجة***، به کوشش محمد سمامی‌حائری، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ق.

Marfat.com

۱۲۲. همو، *اعیان‌المرعشیین*، مخطوط، موجود در کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۱۲۳. همو، *شجرهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیهٔ طهران ـ قم ـ ری*، قم، ۱۴۰۲ق.

۱۲۴. همو، *اللئالی‌المنتظمة والدررالثمینة*، به کوشش حسن غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق؛ و در مقدمهٔ *احقاق‌الحق* و تعلیقات آن.

۱۲۵. همو، *نبذ من ترجمة احوالی*، که در یکی از اجازات مفصل ایشان و در آخر کتاب *الاجازةالکبیرة*، آمده است.

۱۲۶. همو، کلیهٔ یادداشتها و دستنوشته‌های معظم‌له که در نزد فرزند ارشد ایشان و در کتابخانه موجود است.

۱۲۷. مرعشی نجفی، سید محمود، دستنوشته‌ها، مصاحبه‌ها و یادداشتها و تذکرات شفاهی.

۱۲۸. مزی، جمال‌الدین یوسف، *تهذیب‌الکمال في اسماء‌الرجال*، به کوشش بشّار عوّاد معروف، بیروت، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م.

۱۲۹. مستوفی، حمدالله، *نزهةالقلوب*، به کوشش گای لسترنج، لیدن، ۱۹۱۳م.

۱۳۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *مروج‌الذهب*، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م.

۱۳۱. مشار، خانبابا، *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، تهران، ۱۳۴۱ش.

۱۳۲. معتوق، حسین، *المرجعیّةالدینیّةالعلیا عندالشیعةالامامیة*، بیروت، ۱۳۹۰ق.

۱۳۳. معرفت، محمدهادی، *ولایةالفقیه*، قم.

۱۳۴. معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمد علی، *مکارم‌الآثار*، اصفهان، ۱۳۶۲ش.

۱۳۵. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.

۱۳۶. مقدس‌زاده، سیدمحمد، *رجال قم و بحثی در تاریخ آن*، تهران، ۱۳۳۵ش.

۱۳۷. مقدسی، محمد بن احمد، *احسن‌التقاسیم*، به کوشش محمد مخزوم،

Marfat.com

بیروت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م.

۱۳۸. مهجوری، اسماعیل، ***تاریخ مازندران***، ساری، بی تاریخ.

۱۳۹. میر تیمور مرعشی، ***تاریخ خاندان مرعشی مازندران***، به کوشش منوچهر ستوده، ۱۳۵۶ش.

۱۴۰. میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین، ***روضة‌الصفا***، تهران، ۱۳۳۸ش.

ن

۱۴۱. نجاشی، احمد بن علی، ***رجال***، به کوشش محمدجواد نائینی، بیروت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

۱۴۲. نظام شاه دکنی، ***تاریخ ایلچی***، پاریس، ۱۸۸۵م.

۱۴۳. نوربخش، سید حسن، ***یادوارهٔ نهضت اسلامی***، تهران، ۱۳۶۰ش.

و

۱۴۴. وشنوی، قوام‌الدین قمی، ***الحجاب في الاسلام***، قم.

۱۴۵. همو، ***فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) من کتاب « المسند »*** لاحمد بن حنبل، قم.

ه

۱۴۶. هدایت، رضاقلیخان، ***ملحقات روضة‌الصفا***، تهران، ۱۳۳۹ش.

ی

۱۴۷. یاقوت حموی، ***معجم‌البلدان***، به کوشش ف. وستنفلد، گوتینگن، ۱۸۴۶م.

Marfat.com

مقالات فارسی

۱۴۸. *آئین اسلام* (مجله)، قم، «تاریخ تأسیس حوزهٔ علمیّه در قم»، سال چهارم، شمارهٔ ۶ و «عاشورای قم ـ اوضاع حوزهٔ علمیهٔ قم»، سال چهارم، شمارهٔ ۳۰.

۱۴۹. **آینده** (مجله)، تهران، سال هفده، شماره‌های ۵ـ۸ (مرداد ـ آبان) ۱۳۷۰.

۱۵۰. **آینهٔ پژوهش** (مجله)، قم، «آشنائی با کتابخانهٔ آیة‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، سال اول، شماره اول (خرداد ـ تیر) ۱۳۶۹ و شماره دوم (مرداد ـ شهریور) ۱۳۶۹.

۱۵۱. **اطلاعات** (روزنامه)، تهران، «مروری بر زندگانی و آثار آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، دهم شهریور ۱۳۷۰، شمارهٔ ۱۹۴۱۲.

۱۵۲. **پاسدار اسلام** (ماهنامه)، قم، «زندگینامهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، مهر ۱۳۶۹، شمارهٔ ۱۰۶.

۱۵۳. **پیام انقلاب** (مجله)، تهران، «بیوگرافی آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری و ارزشهای اخلاقی او در مصاحبه با آیت‌الله مرعشی نجفی»، شمارهٔ ۶۶ و اعلامیهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی به مناسبت تبعید امام خمینی(س)» شمارهٔ ۷۰ و «مروری بر زندگی و مقامات علمی و مبارزات سیاسی آیت‌الله حاج ملا علی کنی»، و «پاسخ آیات عظام مرعشی و میلانی به جامعهٔ مدرسین پیرامون وظیفهٔ وعاظ به خاطر دستگیری امام خمینی»، شمارهٔ ۷۱ و «کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، شماره‌های ۱۱۳، ۱۱۴ و «شرحی بر زندگانی پربرکت زین‌العلماء والمجتهدین آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، شمارهٔ ۱۱۷ و «بررسی خدمات و آثار و تألیفات آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، شمارهٔ ۱۱۸.

۱۵۴. **پیام جامعهٔ داروسازان ایران** (بولتن)، تهران، «نامهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی به جامعهٔ داروسازان ایران»، سال ۱۳۶۱ش، سه‌ماههٔ اول، شمارهٔ ۱۷.

۱۵۵. **پیام زن** (مجله)، تهران، «نگاهی کوتاه به همّتی بلند»، سال اول، شمارهٔ ۷،

Marfat.com

مهر ۱۳۷۱.

۱۵۶. *جهان پزشکی* (مجله)، تهران، «سیّدالحکما، مرحوم میرسید علی مرعشی»، سال سیزدهم، شمارهٔ ۳ و ۴، (خرداد و تیر) ۱۳۳۸.

۱۵۷. *جوانان امروز* (مجله)، تهران، شماره ۶۴۷، تیر ۱۳۵۸.

۱۵۸. *رسالت* (روزنامه)، تهران، «فرازهایی از وصیتنامهٔ الهی ـ اخلاقی آیت‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی»، ۲۲ / ۴ / ۱۳۷۳ش.

۱۵۹. *رهنمون* (فصلنامه)، تهران، شمارهٔ ۷.

۱۶۰. *زن روز* (مجله)، تهران، «به کتابخانهٔ بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی برویم» و مقالهٔ «کوتاه در بارهٔ ۹۶ سال زندگی پربار آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، شهریور ۱۳۶۹، شمارهٔ ۱۲۸۱.

۱۶۱. *سلام* (روزنامه)، تهران، «به بهانهٔ سالگرد ارتحال»، سال سوم، شمارهٔ ۶۲۹ (۵ / ۵ / ۱۳۷۲ش).

۱۶۲. *شفاء* (خبرنامه)، تهران، شمارهٔ ۴، مهر ۱۳۷۱.

۱۶۳. *طلوع اسلام* (مجله)، تهران، «بیوگرافی حضرت آیة‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی مد ظله‌العالی»، سال ۱۳۴۶ش، شماره‌های ۲۷۲ تا ۲۸۰.

۱۶۴. *کرانه* (فصلنامه)، تهران، «کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، سال اول، شمارهٔ اول، ۱۳۷۳ش.

۱۶۵. *کیهان اندیشه* (مجله)، قم، «رحلت عالم عالیمقدار و فقیه بزرگوار آیت‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی»، (مرداد و شهریور) ۱۳۶۹، شمارهٔ ۳۱.

۱۶۶. *مکتب اسلام* (مجله)، قم، «زندگی پرافتخار آیة‌الله‌العظمی مرعشی»، مهر ۱۳۶۹ / ربیع‌الاول ۱۴۱۱، سال ۳۰.

۱۶۷. *ندای حق* (روزنامه)، تهران، «رحلت حضرت آیت‌الله‌العظمی آقا حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی»، سال یازدهم، شمارهٔ ۲۷، فروردین ۱۳۴۰ / شوال

Marfat.com

۱۳۸۰، شماره مسلسل ۵۳۰ و «گامی بزرگ در راه تأمین نیازمندیهای شهر مذهبی قم»، سال هفدهم، فروردین ۱۳۴۶.

۱۶۸. **ندای قومس** (هفته نامه)، سال سوم، ۲۲ / ۴ / ۱۳۷۳ش، شمارهٔ مسلسل ۱۵۰.

۱۶۹. **نشر دانش** (مجله)، تهران، سال دهم، شمارهٔ ۵، شهریور ۱۳۶۹.

۱۷۰. **نورعلم** (مجله)، قم، «نجوم امت، زندگانی آیةالله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی»، دورهٔ چهارم، شماره اول (مسلسل ۳۷).

۱۷۱. **نوزده دی** (هفته نامهٔ بعثت)، قم، «آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به لقاءالله پیوست»، سال یازدهم، شمارهٔ ۱۲۷ (مسلسل ۵۴۴)، ۱۳۶۹/۶/۱۱ش؛ و شماره‌های بعد.

۱۷۲. **هنر و مردم** (مجله)، تهران، «کتابخانهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، دورهٔ جدید، آبان ۱۳۴۷، شمارهٔ ۷۳.

مقالات عربی

۱۷۳. ***التوحید*** (مجله)، تهران، «دوائرالمعارف»، عدد ۶۶، محرم و صفر ۱۴۱۴، و «لقاء ثقافی»، عدد ۶۹، رجب وشعبان ۱۴۱۴.

۱۷۴. ***سروش للعالم‌العربی*** (مجله)، بیروت، «جمکران»، السنةالعاشرة، عدد ۱۱۳ ـ ۱۱۴، (محرم و صفر) ۱۴۱۱.

۱۷۵. ***الطریق‌الاسلامی*** (مجله)، بیروت، «المرجع‌الدیني آیةالله‌العظمی سید شهاب‌الدین‌الحسینی‌المرعشی‌النجفی»، سنة ۱۴۱۱ق، عدد ۵۸.

۱۷۶. ***العالم*** (مجله)، لندن، السنةالتاسعة، عدد ۴۴۹، ربیع‌الاول ۱۴۱۳.

۱۷۷. ***الغدیر*** (مجله)، بیروت، «مجلس فاتحة عن روح آیةالله‌العظمی‌المرعشی ـ النجفی»، ربیع‌الاول ۱۴۱۱، اعداد ۸ و ۹.

۱۷۸. ***لواءالصدر*** (روزنامه)، ۱۱ صفر ۱۴۱۱.

Marfat.com

۱۷۹. *الموسم* (فصلنامه)، بیروت، «اعلام‌الامامیّة، آیة‌الله‌العظمی السید شهاب‌الدین المرعشی النجفی»، العددالخامس، المجلدالثانی، ۱۹۹۰م / ۱۴۱۰ق و «وصیة مرجع»، عددالتاسع والعاشر، المجلدالثالث، ۱۴۱۱ق.

۱۸۰. *النور* (مجله)، لندن، «مکتبة‌المرعشی‌النجفی، اضخم مکتبة عربیة في ایران»، السنةالثالثة، العددالرابع والثلاثون، رمضان ۱۴۱۴.

مقالات اردو

۱۸۱. *اسد لاهور* (مجله)، لاهور، «هدیهٔ تبریک و تهنیت»، آگست ۱۹۷۹ / شوال ۱۳۹۹، شمارهٔ ۳۲.

۱۸۲. *اصلاح* (مجله)، لکهنو، هند، «منتخب وصیتنامهٔ ایمانی حضرت آیة‌الله ـ العظمی مرعشی نجفی»، سال ۱۴۱۳ق، جلد ۸۸، شمارهٔ ۵.

۱۸۳. *رضاکار* (هفت روزه)، لاهور، پاکستان، «آیة‌الله شهاب‌الدین نجفی مرعشی ۹۶ برس کی عمرمین انتقال کرگئی»، ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۰، جلد نمبر ۵۴.

۱۸۴. *سان شاین* (روزنامه)، حیدرآباد هند، سال ۱۹۷۳م.

۱۸۵. *شمس وقمر* (مجله)، حیدرآباد هند، «موت العالِم موت العالَم، مفکر اعظم، مرجع دینی، فقیه‌العصر، میناره زهد و تقوی، آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین نجفی‌المرعشی»، سال ۱۹۹۰م، شمارهٔ ۲.

۱۸۶. *کائنات* (مجله)، دهلی، هند، «ارتحال و آثار آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی»، ربیع‌الثانی ۱۴۱۱.

۱۸۷. *المنتظر* (مجله)، لاهور، ۱۹۷۵م، شمارهٔ ۱۰ و ۱۷.

۱۸۸. *نظام‌گزت* (هفته نامه)، حیدرآباد، «ارتحال پرملال مجتهد اعظم فرقهٔ امامیّه»، آگست ۱۹۷۰.

۱۸۹. *الواعظ* (مجله)، لکهنو، هند، ربیع الاول ۱۴۱۱.

Marfat.com

مقالات انگلیسی

190. ***El Correo Catalán***, "El Ayatollah Najafi, maxima autoridad en teologiá chiita", Barcelona, 31 de marzo de 1981.

191. ***El Pais***, "Aeropuerto de Barajas, Salón de autoridades", Madrid, 28 de marzo de 1981.

192. ***Encyclopedia of Islam***, "MARASHIS", Leiden, vol. 6, 1991.

193. ***Iran times***, "Marashi - Najafi dies at ago 96", London, 1990.

194. ***Iran Week***, Tehran, 29 June, 1979.

195. ***Sakon Musulunci***, "AYATULLAHI MARASHI", Tehran, Mujalla ta 23, 1411 (1991).

196. ***The Independent***, "Ayatollah al - ozma shihab al - Din Marashi - Najafi", John Gurney, London, saturday 1 september 1990.

197. ***THE LIGHT***, "AYATULLAH AL-`UZMA AL-MARÁSHI AN-NAJAFI", Tanzania, vol.24, No.5, Oct.1990.

198. ***The Message of peace***, "Ayatullah Najafi Marashi", Qom, Iran, vol. 1, 13 Rajab. 1399.

199. ***World Guide to Libraries***, Ed.11,Munchen. New York. London, 1993.

200. ***World survey of Islamic Manuscripts***, London, vol. One, 1992.

Marfat.com

Marfat.com

اعـلام•

• فهرستها توسط آقای حسین رفیعی و سرکار خانم میترا عسگری تهیه شده است که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌شود.

Marfat.com

Marfat.com

اشخاص

«آ»

آتاتورک، کمال مصطفی، ۲۶۱
آخوندگزی اصفهانی، ۱۲۱، ۲۲۴، ۲۵۴
آدم (ع) [ابوالبشر]، ۶۴
آذری قمی، احمد، ۲۶۸
آشتیانی، ۲۷۰
آشتیانی، محمّدحسن، ۱۰۴
آشتیانی، میرزا محمّد، ۳۰۲
آشتیانی، میرزا مهدی، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۹۳، ۳۰۱
آقا بزرگ تهرانی، محمّد محسن، ۸۳، ۹۳، ۱۰۱، ۱۵۲، ۱۸۰، ۱۸۷، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۵۱، ۳۵۹
آقا شریف [همسر مرضیّه ام ابیها]، ۱۱۰
آقا صدرا اراکی، ۲۰۳
آقانجفی شهرستانی، ۲۰۳
آل‌حدائق، محمّدحسین اصطهباناتی شیرازی، ۱۷۴
آل‌شبیر خاقانی، محمّدطاهر، ۱۸۷
آل‌طاهر خمینی، محمّدحسین، ۲۰۳
آل‌عصفور، حسین، ۱۷۴
آل‌کاشف الغطا، احمد بن علی نجفی ۱۶۵ـ۱۶۶
آل‌کاشف الغطا، عباس، ۱۰۲
آل‌کاشف الغطا، محمّدحسین بن علی نجفی [شیخ العراقین]، ۱۶۶
آل‌کبّه، محمّدحسن ربیعی، ۱۵۶، ۱۶۹
آل‌کمونه بروجردی نجفی، سیّد عبدالحسین بن سیّدعلی حسینی، ۱۵۷

Marfat.com

آلوسی بغدادی، محمود شکری، ۲۵۱
آل‌یس، محمّد حسن، ۱۶۶
آملی، میرزا هاشم، ۳۲۵، ۳۶۱
آیت اللهی لاری، عبدالعلی موسوی ۲۰۵
آیتی، عبدالمحمّد، ۷۴

«الف»

ابراهیم، ۶۶
ابراهیم بن عبدالفتاح بن ضیاءالدّین بن محمّد، ۱۱۷
ابراهیم زاده سرابی، محبوب، ۲۱۷
ابراهیم طباطبا، ۱۱۵
ابراهیمی کرمانی، زین‌العابدین، ۲۵۱
ابطحی، محمّدباقر، ۲۶۸
ابن ابی‌عقیل عمانی، حسن بن علی حذاء، ۴۶، ۱۴۲
ابن اثیر، عزالدّین موصلی جزری، ۶۹، ۷۱، ۷۵ـ۷۶، ۲۲۴
ابن ادریس، محمّد بن احمد بن ادریس عجلی حلّی، ۵۰
ابن بابویه قمی، حسین بن علی بن حسین بن موسی، ۱۹۴
ابن بابویه قمی، علی بن حسین بن موسی [صدوق اوّل]، ۴۶، ۱۹۴
ابن بابویه قمی، محمّد بن علی بن حسین بن موسی ← صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمی
ابن بطوطه، ۲۵۱
ابن جبیر، ۲۵۱
ابن جنید اسکافی، محمّد بن احمد، ۴۶
ابن حاجب، ۴۰
ابن حبّان [صاحب الثقات]، ۶۶
ابن حنبل، احمد، ۴۰، ۲۱۳
ابن حوقل، ۷۶
ابن خازن حائری، علی بن حسن بن محمّد، ۵۲
ابن خرداد به [صاحب المسالک و الممالک]، ۷۳
ابن خلدون، ۲۵۱
ابن زبارة، احمد بن محمّد بن زبارة حسنی زیدی یمانی، ۱۸۸
ابن زبارة، محمّد بن زبارة حسنی زیدی یمانی، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۲۵، ۲۵۱
ابن زهره، عبدالله بن علی حسینی حلبی ۴۹، ۸۱

Marfat.com

ابن سعد [صاحب طبقات]، ۶۵
ابن سینا، حسین بن عبدالله [ابوعلی] ۹۷، ۱۰۵، ۱۳۸، ۳۶۰
ابن شهر آشوب، محمّد بن علی سروی ۵۰
ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر ۵۰، ۱۰۵
ابن عاشور مالکی مغربی، محمّدطاهر ۱۸۷، ۲۱۱
ابن عنبه [صاحب عمدة الطالب]، ۶۷
ابن العلم دزفولی اهوازی، علی محمّد ۲۵، ۱۲۱ـ۱۲۲، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۵۲
ابن فتّال نیشابوری، ۲۲۷
ابن فهد حلّی، احمد بن فهد اسدی [صاحب عدّة الداعی]، ۵۲
ابن قولویه، جعفر بن محمّد بن جعفر بن موسی، ۱۹۴
ابن قولویه، علی بن حسین بن موسیٰ ۱۹۴
ابن مالک، محمّد [صاحب الفیّة]، ۱۲۷، ۱۴۲
ابن معصوم، سیّد علی بن نظام الدّین احمد بن معصوم [صاحب سلافة العصر]، ۲۵۶
ابن مغازلی، علی بن محمّد، ۳۶۱
ابن منظور [صاحب لسان العرب]، ۷۳
ابن هشام [صاحب مغنی اللّبیب]، ۱۳۷
ابواسماعیل احمد و یا محمّد بن مرعش، ۷۰
ابوترابیان اردکانی، محمّدحسین، ۲۲۰
ابوترابیان اردکانی، محمود، ۲۰۲
ابوالجارود زیاد بن منذر، ۶۶
ابوالحسن محمّد اکبر [ابوالکرم]، ۶۴
ابوالحسین ابراهیم بن مرعش [ماکایاری]، ۶۹
ابوحنیفه، ۴۰
ابوطالب بن عبدالمطلب، ۱۶۴
ابوطالب زین بن ابومحمّد حسن بن علی مرعش، ۷۹
ابو عبدالله حسین بن نصر بن مرهف قاضی، ۷۰
ابو عبدالله حسین زاهد بن ابومحمّد حسن مرعشی، ۸۰
ابوعبیدة بن جراح، ۷۴
ابوعلی بن حسن بن علی اسحاق وزیر ۷۰

Marfat.com

ابوعلی محمّد بن سیّد علی مرعش، ۷۰
ابوعمر محمّد بن احمد بن عمر بن نهاوندی، ۷۰
ابوالفداء [صاحب تقویم البلدان]، ۷۴
ابوالقاسم احمد بن مرعش [قاضی]، ۷۰
ابوالقاسم جعفر بن مرعش، ۷۰
ابوالقاسم حمزة بن مرعش، ۷۰
ابوالمجد بن میر محمّدخان نقیب الاشراف، ۸۶
ابوالمجد محمّد النقی [شهید]، ۶۳
ابومحمّد حسن بن علی مرعش، ۷۱، ۷۸
ابومحمّد حسن نسّابه [مدنی رومی]، ۶۴
ابومحمّد عبدالله مرعشی، ۶۴، ۸۱
ابومحمّد طبری، حسن بن حمزه [مرعشی]، ۷۰
ابومحمّد هاشم [ابوهاشم علوی حسینی مرعشی]، ۸۰
ابوهاشم جعفر بن محمّد [ابوهاشم علوی حسینی مرعشی]، ۸۱
ابوهاشم نسّابه، ۶۴
ابویعلی حمزة الاصغر بن حسن، ۷۱
ابهری، محمّد، ۲۰۹
اثنی عشری شاه عبدالعظیمی، حسین ۲۰۱
احسان بخش گیلانی، صادق، ۲۰۵
احمد آبادی طبیب زادهٔ اصفهانی، محمّد ۲۳۰
احمد بن موسی بن جعفر (ع) [شاهچراغ]، ۲۸۶
احمد الزّین، ۳۳۳
احمد شاه قاجار، ۲۶۱
احمدی، احمد، ۲۰۴
اخباری حائری هندی، ابوالحسن بن احمد، ۱۳۹
اخباری، عنایت الله، ۲۵۱
اخباری هندی، احمد علی، ۱۳۹
اخوان مرعشی، سیّد کاظم، ۱۴۷، ۲۰۵
اخوان مرعشی، سیّد مهدی، ۱۴۷، ۲۰۵
ادیب اردوبادی، ۱۰۸
اراکی، عبدالنّبی، ۳۵۹
اراکی، محمّدعلی، ۳۱۴، ۳۲۶، ۳۳۰
اردکانی، فاضل، ۱۰۴
اردوبادی غروی، محمّدعلی، ۱۸۷
ارونقی ملکی، هاشم، ۱۵۳
استاد الحکما ← عاملی، بهاء الدّین محمّد بن حسین بن عبدالصمد [شیخ

Marfat.com

بهایی]
استرآبادی [صاحب منهج المقال]، ۵۶
اسحاق بن یعقوب، ۳۵
اسد آبادی، سیّد جمال‌الدّین، ۹۴، ۲۶۰
اسد بن جندار، ۷۱
اسد حیدر، ۳۶۱
اسکوئی تبریزی، موسی، ۲۵۳
اسکی لاهیجانی [لاریجانی]، نعمت‌الله ۱۴۳، ۱۴۶
اسلامبولچی، غلامحسین، ۲۴۹
اسماعیل بن امام صادق (ع)، ۶۶
اسماعیلی، اسماعیل بن مسعدة، ۷۰
اشتهاردی، حبیب‌الله، ۱۴۷
اشتهاردی، علی‌پناه، ۲۰۶
اشراقی، شهاب‌الدّین، ۲۰۱، ۲۷۱، ۳۰۲
اشراقی، محمّدتقی، ۳۰۲
اشکوری، ابوالقاسم، ۱۷۴
اشکوری، محمّدهاشم، ۱۷۱
اصطهباناتی، سیّد ابراهیم بن حسن حسینی [میرزا آقا]، ۱۴۹، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۸۶
اصطهباناتی، میرزا محمّدباقر، ۱۰۲، ۱۶۷، ۱۷۱
اصفهانی، سیّد ابوالحسن، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۶۱، ۳۰۲، ۳۲۲
اصفهانی، محمّدحسین بن عبدالرحیم [صاحب فصول]، ۹۳
اصفهانی، محمّدرضا [مسجدشاهی] ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۸۴، ۱۸۶
اصفهانی، محمّدصادق، ۱۹۳
اصفهانی نجفی، شمس‌المحدثین حسینی، ۲۱۷
اعتماد السلطنه [صاحب التدوین فی احوال جبال الشروین]، ۸۱
اعتمادی تبریزی، مصطفی، ۲۰۵
اعرجی کاظمی، سیّد جعفر، ۱۰۲
اعظمی، محسن، ۲۵۶
افتخارالحکما، میرزا جعفر مرعشی، ۹۷
افندی، بهلول بهجت، ۲۲۴
افندی، عبدالله [صاحب ریاض العلماء] ۸۰ـ۸۱، ۲۲۴، ۲۳۹
افندی حنفی، عبدالوهاب، ۱۷۳
اقبال آشتیانی، عباس، ۲۴۶
اقدام ← خلیلی، عباس بن اسدالله

Marfat.com

[اقدام]
اقلیدس، ۱۳۵
البونی، احمد بن علی، ۱۳۹
الیاسی مراغی [صاحب بیان المطالب (حاشیهٔ مکاسب)]، ۲۱۷
امام جعفر صادق (ع)، ۳۱، ۳۵، ۴۳، ۶۵ـ۶۶، ۶۸، ۲۸۱، ۲۹۳
امام حسن عسکری (ع)، ۴۳، ۴۵
امام حسن مجتبیٰ (ع)، ۶۶
امام حسین (ع)، ۵۲، ۵۶، ۶۴، ۶۶، ۸۸ـ۸۹، ۱۰۹، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۴ـ۲۹۵، ۳۱۹ـ۳۲۰، ۳۶۱ـ۳۶۲، ۳۶۷ـ۳۶۸
امامزاده موسیٰ مبرقع (ع) ← مبرقع، موسی بن امام محمّدتقی جوادالائمه(ع)
امامزاده یحیی (ع)، ۲۲۵
امام زمان، مهدی موعود (عج)، ۳۵، ۴۴، ۴۶ـ۴۷، ۱۴۰، ۱۴۸، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۹۱ـ۲۹۲، ۲۹۴ـ۲۹۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۶۱ـ۳۶۲
امام زین‌العابدین علی بن الحسین (ع) ۶۴ـ۶۵، ۷۷، ۱۰۷، ۲۵۶
امام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۳۱، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۵۳، ۸۷، ۹۵، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۰، ۲۱۳، ۲۲۶ ـ ۲۲۷، ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۷۶ ـ ۲۷۷، ۳۵۳، ۳۷۲ ـ ۳۷۳
امام علی بن موسی الرضا (ع)، ۳۷، ۵۵، ۱۰۸، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۱ ـ ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۵۳، ۲۸۶، ۳۳۱
امام علی‌النقی (ع)، ۱۹۴
امام محمّدباقر (ع)، ۳۱، ۴۲، ۶۵ـ۶۶
امام محمّدتقی (ع)، ۱۹۴، ۲۹۹
امام موسی بن جعفر (ع)، ۳۴، ۱۹۴
امامی سدهی، سیّد رضا بن سیّد محمّد [همایونشهری]، ۲۰۳، ۲۰۹
امامی کاشانی، محمّد، ۲۰۵، ۳۲۸
امّ ولد رومی، ۶۶
امیرک بن ابراهیم بن علی مرعش [ناصرالدّین بن ابی‌حرب ابراهیم بن حسین]، ۶۹
امین، سیّد محسن [صاحب اعیان‌الشّیعة]، ۶۷، ۱۸۶، ۲۱۱

Marfat.com

امینهٔ اصفهانی، نصرت، ۱۸۴، ۱۸۷
امینی، ابراهیم، ۲۶۸
امینی، عبدالحسین [علّامه]، ۲۲۶
امینی، محمود، ۲۱۷
امینی، هادی، ۱۰۱، ۲۱۵
انصاری، مرتضیٰ [شیخ انصاری] ۵۶ـ۵۸، ۹۳، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۸، ۱۳۱ ـ ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۵، ۱۵۷ ـ ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۲۱ـ۲۲۲
انصاری قمی، محمّدعلی، ۲۱۸
انصاری کمره‌ای، ابوالقاسم، ۲۰۲
انواری، محی‌الدّین، ۲۰۵
اهری، احمد، ۱۰۸
اهری، میرزا محمود، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۶۱
اهری بوشهری، محمّدمهدی، ۱۷۵
ایرانی، مهدی، ۲۳۶
ایرانی، میرزا علی‌اکبر، ۲۰۵، ۲۳۴، ۲۳۶
ایروانی، علی بن عبدالحسین، ۱۴۷
ایروانی، میرزا باقر، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳

«ب»

بابر تیموری، ۸۴
بادکوبه‌ای، شمس‌الدّین، ۱۰۸
بادکوبه‌ای شهید، عبدالغنی، ۱۳۷
بازرگان، مهدی، ۲۷۲
باقری همدانی، حسن، ۲۳۴
بجستانی حائری راثی، هادی بن علی خراسانی، ۱۵۸
بحرانی، سیّد ماجد، ۵۴
بحرانی، یوسف، ۱۷۴
بحرالعلوم، سیّد مهدی بن مرتضی [علّامه]، ۵۶، ۱۱۴
بحرالعلوم، محمّدجعفر بن محمّدباقر ۱۸۶
بحرالعلوم، محمّدصادق، ۱۸۷، ۳۵۹
بخاری، ابونصر، ۶۵، ۶۷ـ۶۸
بخاری [صاحب صحیح بخاری] ۱۴۶، ۱۷۳
بختیار، شاپور، ۲۷۱ ـ ۲۷۲
بختیاری، محمّدعلی خان [مؤیّد الاطبّا]، ۱۳۸
براتی [شاعر]، ۳۵۱ـ۳۵۲

Marfat.com

براقی نجفی، سیّد حسّون نسّابه، ۱۰۲
بربری، یوسف، ۱۷۳
برغانی [شهید]، ۲۰۴
برقعی رضوی، سیّد عبدالله، ۳۰۰
برقی، احمد بن محمّد بن خالد، ۴۲، ۴۵، ۱۹۴
برقی، محمّد بن خالد، ۱۹۴
بروجردی، سیّد حسین طباطبائی، ۵۸ـ ۵۹، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۷ ـ ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۶۳، ۳۰۰ـ۳۰۱
بزّاز طهرانی، محمّد، ۲۳۸
بستان الرّازی [صاحب تأسیسات] ۲۱۷
بشاری، احمد بن محمّد ← مقدسی
بقّال بهبهانی، محمّد بن احمد، عبدالرضا، ۲۹۱
بلادی موسوی، سیّد عبدالله، ۱۸۶، ۲۱۱
بلاذری [صاحب فتوح البلدان]، ۷۵
بلاغی نجفی، محمّدجواد، ۱۴۵، ۱۵۹، ۲۲۷
بلبله‌ای بادکوبه‌ای، عبدالرّحیم [ثقةالاسلام]، ۱۳۵
بنایی حائری، محمّدمهدی، ۱۵۷
بوشهری، عبدالکریم [سعادت]، ۱۳۴
بهاری، شهاب‌الدّین، ۲۳۸
بهاری همدانی، محمّد، ۱۶۲
بهاری هندی حنفی، عبدالرّحیم بن احمد، ۲۳۸
بهبهانی، احمد، ۱۷۴
بهبهانی حائری، احمد بن محمّدباقر ۱۶۶
بهشتی، سیّد محمّدحسین حسینی ۲۰۱
بیاضی نباطی، زین‌الدّین، ۲۲۴
بیرجندی جازانی قائنی خراسانی، محمّدباقر، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۸۵
بیرونی، ابوریحان، ۲۵۱
بیضاوی [صاحب انوار التنزیل]، ۹۷، ۱۰۵، ۱۴۳، ۲۲۰
بیضون، رشید، ۲۵۱
بیطار دمشقی، محمّد بهجت، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۵۲
بیگدلی، مهدی، ۳۶۱ـ ۳۶۲
بیهقی [صاحب لباب الانساب]، ۶۶ـ ۶۷، ۶۹، ۲۱۸، ۲۲۵

Marfat.com

« پ »

پهلوی، رضاخان، ۱۹۵ ـ ۱۹۶، ۲۶۱ ـ ۲۶۲، ۲۸۶
پهلوی، محمّدرضا، ۲۶۳

« ت »

تاگور، ۲۵۱، ۲۵۵
تبریزی، احمد، ۲۵۱
تبریزی، سیّد یوسف، ۲۶۸
تبریزی، فرج‌الله، ۱۴۵
تبریزی، محمّد، ۲۵۳
تبریزی، مهدی، ۱۷۴
تبریزی، میرزا جواد، ۲۰۵
تبریزی، میرزا صادق، ۱۷۴
تبریزی، میرزا موسی، ۱۰۴
تبریزی شیرازی، شهاب‌الدّین، ۱۴۸
تجلیل تبریزی، ابوطالب، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۳۴، ۳۵۸
ترابی، رشید، ۲۳۰
ترمذی، ۱۴۶، ۱۷۳
تفتازانی، سعدالدّین، ۱۲۷، ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۲۳
تقدیری، هاشم، ۲۶۸
تقوی، حسین، ۲۶۸
تقوی، ساجد، ۳۳۳
تلعکبری، ۸۰
تنکابنی، طاهر بن فرج‌الله، ۱۶۰، ۱۹۲ ـ ۱۹۳
توحیدی تبریزی، محمّدعلی، ۲۰۶
تویسرکانی، حسن، ۱۷۱
تویسرکانی، محمّد نبیّ بن احمد، ۳۶۲
تهرانی، جواد، ۲۰۲
تهرانی، محمّدحسن، ۱۵۰
تهرانی، هادی، ۱۰۲، ۱۶۶ ـ ۱۶۷
تهرانی شریف عسکری، محمّد بن رجب‌علی، ۱۴۷ ـ ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۸۶
تهرانی قاجار، محمّدحسین، ۱۵۰
تهرانی نجفی، علی‌خان بن حاج عندلیب الذاکرین، ۱۳۵
تیمورلنگ، ۸۲

« ث »

ثابتی همدانی، علی، ۲۲۹

Marfat.com

ثقفی، ابوالحسین احمد بن محمّد بن جعفر، ۷۰
ثقة الاسلام تبریزی، محمّد، ۲۵۳
ثمامة بن ولید، ۷۵

«ج»

جاپلقی بروجردی، ۲۲۵
جامی، نورالدّین عبدالرحمان، ۲۲۰
جبالی مصری، ابراهیم، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۵۲
جرافی زیدی یمانی، عبدالله بن عبدالکریم بن محمّد، ۱۸۸
جزایری، سیّد عبدالله، ۲۲۹
جزایری، سیّد نعمت‌الله، ۱۴۴
جزائری موسوی شوشتری، سیّد عبدالصمد بن سیّد احمد، ۱۵۷
جلدکی، ایدمر بن علی، ۱۳۷، ۲۳۱
جلوه، میرزا ابوالحسن، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۶۰، ۳۰۲
جمال الدّین بن سیّد علاءالدّین مرعشی [سیّد]، ۶۳، ۸۷
جمالی خراسانی کاظمینی نجفی، محمّدعلی بن حسن، ۱۴۸
جنّتی، احمد، ۲۶۸، ۳۳۰
جوادی، عبدالله، ۲۶۸
جواهری، سیّد محمّدتقی، ۳۶۱
جوهری [صاحب صحاح اللّغة]، ۷۳ـ ۷۴، ۸۴
جهانشاه تیموری، ۸۴
جهانگیر میرزا، ۱۱۶

«چ»

چهاردهی رشتی، علی بن محمّد نصیر ۱۵۰
چهار سوقی اصفهانی، سیّد محمّدهاشم ۱۰۲
چغمینی، محمود بن محمّد، ۱۳۶ـ ۱۳۷

«ح»

حاج آقا نورالله، ۱۷۲
حاج داداش ← فقیه مبرقعی، سیّد مرتضی
حافظی کاشانی، محسن، ۳۵۳ـ ۳۵۴
حائری، مرتضی، ۲۰۱
حائری تهرانی، مهدی، ۲۰۶، ۲۶۸
حائری شیرازی، ۲۰۶

Marfat.com

حائری مازندرانی، فضل‌الله، ۱۷۷
حائری مرعشی، سیّد محمّد ابراهیم، ۶۳
حائری مرعشی، سیّد محمّد نجم‌الدّین ۶۳
حائری یزدی، عبدالکریم، ۵۸، ۱۰۷ ـ ۱۰۸، ۱۶۸ ـ ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۴ ـ ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۵ ـ ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۱، ۳۰۰ ـ ۳۰۳، ۳۲۲ ـ ۳۲۳
حبوبی، محمّدسعید، ۱۶۹
حبیبی، حسن، ۳۳۰
حجت کوه کمری تبریزی، سیّد محمّد ۱۱۴، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۷ ـ ۲۰۹، ۳۰۰ـ۳۰۱
حجتی، محمّدباقر، ۲۰۶
حرزالدّین نجفی، محمّد [صاحب معارف الرجال]، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۸۶، ۲۱۴
حرّ عاملی، محمّد بن حسن بن علی مشغری ← عاملی، محمّد بن حسن بن علی مشغری [شیخ حرّ عاملی]
حرمی، موسوی، عباس، ۳۶۳
حریری، قاسم بن علی، ۱۴۲
حسن البکر، ۲۷۱
حسن بن حمزة بن علی مرعش، ۷۷
حسن بن زید ← داعی کبیر، حسن بن زید
حسن بن قحطبه، ۷۵
حسنی، عبدالعظیم (ع)، ۱۹۳، ۲۸۶، ۳۱۱
حسنی اشرفی [الثار فی الله]، ۷۰
حسین‌اصغر بن امام زین‌العابدین (ع) ۶۴ـ ۶۶، ۱۱۶
حسین بن حاج میرزا خلیل [میرزا] ۱۲۲
حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ← ابن بابویه قمی، حسین بن علی بن حسین بن موسیٰ
حسینی دهکری، ابوالقاسم، ۱۸۵
حسینی سبزواری، سیّد حسین، ۱۰۶
حسینی سبزواری، فاطمه، ۱۰۶
حسینی عاملی، محمّدجواد بن احمد [صاحب مفتاح الکرامة]، ۸۹
حسینی کاشانی، عبّاس، ۲۱۷
حسینی کوه کمره‌ای خوئی، سیّد ابوالقاسم بن سیّد مهدی، ۱۰۷

Marfat.com

حسینی مازندرانی، مصطفی، ۲۱۷
حسینی مرعشی، سیّد شمس‌الدّین محمّد بن سیّد قوام الدّین، ۸۸
حسینی مرعشی، سیّد محمّد، ۱۷۴
حسینی مرعشی، سیّد نورالدّین محمّدابراهیم، ۸۸
حسینی مرعشی، مجدالمعالی سیّد قوام‌الدّین بن محمّد نصیرالدّین [شیوا]، ۸۷ـ۸۸
حسینی میبدی، ناصر، ۳۵۰
حکمت، علی اصغر، ۱۹۶
حکمی قمی، مهدی، ۱۹۳
حکمی یزدی قمی، علی‌اکبر، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۶۱
حکیم، سیّد محسن، ۵۹، ۲۶۷، ۲۶۹
حکیم، علی، ۱۰۲
حکیم الهی ← مدرّس یزدی، میرزا علی‌اکبر
حکیم راوی مدنی ← دکّه، ابومحمّد حسن
حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر [علّامه] ۵۱، ۵۳، ۷۷، ۸۸، ۹۷، ۱۴۱، ۱۵۸، ۱۹۴، ۲۲۶
حلّی، حیدر، ۱۰۳
حلّی، سیّد جعفر، ۱۰۳، ۱۶۹
حمدانی، سیف الدولة علی بن عبدالله ← سیف الدوله، علی بن عبدالله
حمزة بن ابومحمّد حسن بن علی مرعش، ۷۹
حمزه میرزای قاجار، ۹۵، ۹۷
حنفی، یاسین، ۲۵۱
حویزی، نصرالله، ۱۵۵
حیات شاهی تهرانی، سیّد محمود، ۲۶۲

«خ»

خاتون آبادی، سیّد عبدالحسین، ۲۲۶
خارجة بن عبدالله بن سلیمان بن زید بن ثابت، ۶۶
خاقانی نجفی، علی، ۱۰۲، ۱۴۰، ۱۵۲
خالد بن ولید، ۷۴
خالصی کاظمی، محمّد مهدی بن حسین بن عزیز، ۲۶۱، ۱۷۰، ۱۷۴
خامنه‌ای، سیّد علی، ۲۷۸، ۳۰۰، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۵
خان آقا بیگم صفوی، ۱۱۶
خانمحمّدی، علی‌اکبر، ۲۵، ۱۲۱

Marfat.com

ختائی تبریزی نجفی، علی اصغر، ۱۶۶، ۱۷۴
خراسانی، محمّدکاظم [صاحب کفایة الاصول]، ۵۸، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۸ ـ ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۴۷ ـ ۱۴۹، ۱۵۴ ـ ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵ ـ ۱۷۱، ۱۹۸، ۲۴۱، ۲۶۰
خراسانی، میرزا محمّد، ۱۴۸
خراسانی کاظمینی، سیّد ابراهیم، ۲۰۶
خزعلی، ابوالقاسم، ۲۶۸
خطیب، علی، ۱۷۳، ۲۵۱
خلخالی موسوی، سیّد علی بن سیّد محمّد، ۱۷۴
خلیده بنت مروان بن عنبسه، ۶۸
خلیفه سلطان، ۱۱۷، ۲۲۹
خلیلی، عباس بن اسدالله [اقدام]، ۱۳۵، ۱۴۷
خلیلی تهرانی، ملّا علی، ۹۳، ۱۰۲، ۱۵۰، ۱۵۸
خلیلی تهرانی، میرزا حسین، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۵۵، ۱۶۱ ـ ۱۶۲، ۱۶۵
خمینی، روح الله [امام]، ۵۹، ۲۰۱، ۲۴۳، ۲۶۵ ـ ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۸ ـ ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۵۱، ۳۵۹
خمینی، سیّد احمد، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۸
خمینی، سیّد مصطفیٰ، ۲۰۱، ۲۶۶ ـ ۲۶۷، ۲۷۰
خواند میر، غیاث‌الدّین [صاحب حبیب‌السّیر]، ۸۱ ـ ۸۲
خوانساری، سیّد ابوالقاسم موسوی ۱۳۵
خوانساری، سیّد محمّدباقر [صاحب روضات الجنات]، ۱۴۱
خوانساری، سیّد محمّدتقی، ۱۰۸، ۱۴۰، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۷، ۳۰۰
خوانساری نجفی، ابوتراب سیّد عبدالعلی، ۱۵۲، ۱۶۵
خوشدل تهرانی [شاعر]، ۳۳۷ ـ ۳۴۰
خوئی، سیّد ابوالقاسم موسوی، ۵۹، ۶۵، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۶۷، ۲۶۹، ۳۲۴ ـ ۳۲۵
خوئی، سیّد حسن، ۱۰۷
خوئی، سیّد مهدی، ۱۱۳
خیابانی، محمّد، ۲۶۱

Marfat.com

خیابانی، ملّا علی واعظ تبریزی [صاحب علماء معاصرین]، ۱۲۱، ۲۱۴

«د»

داروین، ۱۷۰
داعی کبیر، حسن بن زید، ۷۱ـ۷۲
دانش پژوه، محمّدتقی، ۲۰۶
دبیری، علی‌اکبر، ۲۰۳
دجوی مالکی مصری، یوسف بصیر ۱۸۷، ۲۵۲
دجیلی، کاظم [دلّال]، ۲۳۹ـ۲۴۰
دربندی، غلامحسین، ۱۰۳، ۱۵۳
دشتی، ۱۷۳
دکّه، ابوالحسن محمّداکبر [ابوالکرم] ۶۸ـ۶۹
دکّه، ابومحمّد حسن [حکیم راوی مدنی]، ۶۴، ۶۶ـ۶۸
دوانی، جلال‌الدّین، ۱۳۶
دوئلی، ابوالاسود، ۱۴۰
دهخدا، علی‌اکبر [علّامه]، ۷۳
دهسرخی، سیّد محمود [صاحب مفتاح الکتب الاربعة]، ۲۱۸
دیلمی، حسن [صاحب ارشاد القلوب] ۵، ۲۲۶
دیلمی، عضدالدوله ← عضدالدولهٔ دیلمی

«ذ»

ذاویزیلاسوس حکیم یونانی، ۱۳۵
ذوالفنون، حبیب‌الله، ۱۳۶
ذومرعش ← شمر بن مرعش
ذهبی، شمس‌الدّین محمّد بن احمد، ۶۵

«ر»

رازیء، ابوزکریا، ۱۳۸
رازی، فخرالدّین ← فخرالدّین رازی
رازی، محمّد، ۲۰۶، ۲۱۳
راوندی، سعید بن هبةالله بن حسن ← قطب راوندی، سعید بن هبةالله بن حسن
راوندی کاشانی، فضل‌الله، ۲۲۶
ربّانی شیرازی، ۲۶۸
رجائی، محمّدعلی، ۳۱۳
رجبی یزدی، محمّداسماعیل، ۲۰۳
رحمت خواه تبریزی، اسماعیل، ۲۰۵،

Marfat.com

۲۰۹، ۲۳۴
رحیمی [مؤلف گنجینهٔ دانشوران]، ۱۲۱
رحیمی، احمد، ۲۱۵
رشتی، میرزا حبیب‌الله، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۷
رشتی، میرزا حسن، ۱۴۸
رشتی چهار دهی، محمّدعلی، ۱۰۳
رشتی، نجفی، عبدالحسین بن عیسی ۱۴۷
رشتی نجفی، عبدالحمید، ۱۳۶
رضوی، سعید اختر، ۲۰۶
رضوی قمی، حسن، ۱۹۲
رضوی قمی، حسین بن عزیزالله، ۱۶۸
رضوی قمی، سیّد رشید الاسلام، ۲۹۹
رضوی قمی، محمّد، ۲۰۲
رضی‌الدّین بن قوام‌الدّین مرعشی، ۸۴
رفاعی، سیّد حسین، ۹۷
رفاعی راوی بغدادی شافعی، سیّد ابراهیم موسوی، ۱۴۵، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۵۱ـ۲۵۲
رفیعی، حسن، ۲۶
رفیعی، حسین، ۲۶
رفیعی [علامرودشتی]، علی، ۲۰، ۲۶
رفیعی قزوینی، سیّد ابوالحسن، ۱۴۰، ۳۰۰
رقاع، حیدرعلی، ۱۳۷
روحانی، سیّد حمید، ۱۲۱
روحانی قمی، سیّد محمود بن صادق ۳۰۲
روحانی، سیّد مهدی حسینی، ۲۰۵، ۲۶۸
روضاتی، سیّد احمد، ۲۵، ۷۹ ـ ۸۱، ۸۳ ـ ۸۴، ۸۷، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۱، ۲۰۴، ۲۱۲
روملو [صاحب احسن التواریخ]، ۸۴
ریحان یزدی، سیّد علیرضا، ۲۰۰، ۲۰۶

«ز»

زاهد قمی نجفی، علی، ۱۵۵
زبیدی [صاحب تاج العروس]، ۷۴
زرکلی، خیرالدّین، ۱۱۴
زرگری تبریزی، میرزا تقی، ۲۳۴
زریاب خوئی، عباس، ۲۰۶
زمردیان، احمد، ۲۱۷
زنجانی، ابو عبدالله بن نصرالله، ۱۸۶

Marfat.com

زنجانی، یعقوب علی، ۱۵۰، ۱۷۳
زنوزی، سیّد حسن حسینی [صاحب ریاض الجنّة]، ۱۱۳
زنوزی، سیّد حسین، ۱۱۴
زید بن صوحان، ۲۹۲
زینب کبریٰ (س)، ۳۶۲
زین‌العابدین بن کمال‌الدّین مرعشی، ۸۵

«ژ»

ژیسکاردستن، والری، ۲۷۱

«س»

سالک کاشانی اصفهانی، محمود، ۲۰۳
سبحانی، جعفر، ۲۶۸
سبزواری، ملّا هادی، ۹۴، ۹۷، ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۹۸
سبط، محمّدعلی، ۳۶۲
سپهسالار، میرزا حسین خان قزوینی ۱۶۰
ستوده، محمّدتقی، ۲۰۶، ۳۵۸
سجّادی قمی، سیّد احمد، ۳۴۳
سدهی اصفهانی نجفی، محمّدحسین، ۱۴۲، ۱۴۶
سرابی، ضیاءالدّین [طیر الحرم]، ۱۴۰
سرابی مشهدی طوسی، محمّدباقر بن محمّد، ۲۲۹
سراج، رضا، ۲۲۱
سردار کابلی، حیدر قلیخان، ۱۸۶
سزگین، فؤاد، ۲۵۱
سعید بن سلم بن قتیبه، ۷۵
سعیدی، سیّد محمّدرضا، ۲۶۸
سعیدیان، عبدالحسین، ۷۶
سلطان آبادی، ملّا فتحعلی، ۱۰۲
سلطان ابوسعید تیموری، ۸۵
سلطان سلیم عثمانی، ۷۶
سلطانٌ سیّد جلال‌الدّین اشرف، ۲۸۶
سلطان العلما ← مرعشی آملی، سیّد حسین بن میرزا رفیع‌الدّین
سلطانعلی بن امام محمّدباقر (ع)، ۲۲۴، ۲۵۹، ۲۸۶
سلطان محمّد خدابنده، ۵۱
سلطان الواعظین شیرازی، ۲۰۴، ۲۳۰
سلطانی طباطبائی، محمّدباقر، ۲۰۶
سلیمان بن عبدالله بن طاهر، ۷۱
سمامی حائری، محمّد، ۲۰۴، ۳۵۹
سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم [صاحب

Marfat.com

الانساب]، ۶۹، ۷۷ـ۷۸
سوغندی، سیّد عزالدّین، ۸۲
سیاغی یمانی، احمد بن احمد بن محمّد ۱۸۸
سیّد بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر ← ابن طاووس
سیّد الحکما، سیّد شرف‌الدّین علی مرعشی، ۶۳، ۸۹، ۹۱، ۹۳ـ۹۴، ۹۶ـ۹۸، ۱۰۲، ۱۱۶
سیّد خادم رضا، ۲۲۲
سیّد رضی [صاحب نهج البلاغه]، ۴۷ـ ۴۸
سیّد عبدالحسین [صاحب بغیة النبلاء في تاریخ کربلا]، ۲۸۹
سیّد العراقین، ۱۷۲
سیّد محمّد (ع)، ۲۹۳ـ۲۹۴
سیّد مرتضی، علی بن حسین بن موسیٰ [علم الهدی]، ۴۷ـ۴۸، ۱۰۹ـ۱۱۰
سیف الدّوله، علی بن عبدالله [حمدانی] ۷۶
سیف‌الدّین طاهر، ۱۸۸
سیمری، ابوالحسن، ۴۵
سیوطی، جلال‌الدّین، ۱۲۷، ۱۴۲، ۲۲۰

«ش»

شافعی [امام]، ۴۰
شافعی، نورالدّین [شیخ نوری]، ۱۴۶، ۱۷۳، ۲۵۲
شافعی کردستانی، عبدالسلام ← کردستانی شافعی، عبدالسلام
شاکرین، غلامحسین، ۳۷۰
شاه آبادی، محمّدعلی، ۱۸۶
شاه اسماعیل صفوی، ۸۵
شاهرخ شاه تیموری، ۸۴
شاهرودی، احمد، ۲۶۲
شاهرودی، سیّد محمود، ۲۶۷، ۲۶۹
شاهزاده حسین (ع) [امامزاده در قزوین]، ۷۱
شاه سلطان حسین صفوی، ۸۸، ۱۱۶
شاه سلیمان صفوی، ۱۱۶
شاه صفی، ۱۱۶
شاه طهماسب صفوی، ۵۲، ۸۵، ۱۱۶، ۲۹۹
شاه عباس صفوی، ۵۴، ۸۵، ۱۱۶
شاه عبدالعظیمی، عبدالرحیم، ۲۰۳
شاه عبدالعظیمی، محمّدعلی حسینی

Marfat.com

۱۵۸
شاه عراقی، غلامرضا [مرکّب ساز] ۱۴۰، ۱۶۱
شاه میر بن سیّد زین‌الدّین علی بن محمّد شاه، ۷۰
شب زنده‌دار، حسین، ۲۶۸
شبیبی، جواد، ۱۶۹
شجاعی، سیّد حسن، ۲۰۳
شریف الاسلام، میرزا اسماعیل مرعشی، ۹۸
شریعت اصفهانی، فتح‌الله [شیخ الشّریعه]، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۳۲، ۱۴۷ـ ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸ ـ ۱۶۹، ۱۸۵، ۲۴۰ـ ۲۴۱، ۲۶۱، ۳۲۲
شریعتمدار ساوه‌ای، محمّدحسین، ۲۰۳
شریعتمداری، سیّد کاظم، ۲۷۱
شریف ابو عبدالله محمّد مرعشی، ۸۱
شریف ابومحمّد یا ابواحمد عبدالله بن علی [شریف علی مرتضی]، ۸۱
شریف علی مرتضی ← شریف ابومحمّد یا ابواحمد عبدالله بن علی
شریف مرتضی ← سیّد مرتضی، علی بن حسین بن موسی [علم الهدیٰ]
شکویی، آخوند ملّا باقر، ۱۰۲
شکویی عشق آبادی، شمس الدّین ۱۴۳، ۱۵۹
شمر بن مرعش [ذو مرعش]، ۷۳
شمس‌الدّین محمّد بن قوام‌الدّین، ۶۳
شمس‌العلماء، ۱۲۱
شوشتری، علی، ۱۵۷
شوشتری، نورالله [قاضی]، ۶۷ ـ ۶۸، ۷۷ـ ۷۸، ۲۲۶، ۲۳۲، ۳۶۰
شوشتری جزائری، سیّد احمد [سیّد آقا]، ۱۴۴، ۱۴۶
شهابی، محمود، ۲۴۶
شهرستانی [صاحب ملل و نحل]، ۲۵۴
شهرستانی، هبةالدّین، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۸۷
شهید اوّل، محمّد بن مکّی عاملی، ۵۱ـ ۵۳، ۷۷، ۲۱۷
شهید برغانی ← برغانی [شهید]
شهید ثانی، زین‌الدّین بن علی بن احمد بن محمّد، ۵۳، ۱۱۶، ۱۷۱، ۱۸۲
شهیدی قزوینی، عبدالله، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۳۴
شهیدی قمی، محمّدحسن، ۲۱۸

Marfat.com

شیخ اعظم ← انصاری، مرتضی [شیخ انصاری]
شیخ بهایی ← عاملی، بهاءالدّین محمّد بن حسین بن عبدالصمد
شیخ‌الرئیس ← ابن سینا، حسین بن عبدالله
شیخ‌الطائفه ← طوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن
شیخ مفید شیرازی [داور]، ۱۰۲
شیخ نوری ← شافعی، نورالدّین
شیرازی، ابراهیم، ۹۴
شیرازی، احمد، ۱۶۷
شیرازی، سیّد عبدالهادی حسینی، ۱۸۷
شیرازی، عبدالحسین، ۲۵۳
شیرازی، علی، ۱۴۸، ۱۸۵
شیرازی، محمّدحسین بن محمّد خلیل ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۵۲، ۳۰۳
شیرازی، محمّدکاظم، ۱۸۴
شیرازی، میرزا حسن، ۳۰۳
شیرازی، میرزا محمّدتقی، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۸، ۲۹۰
شیرازی نجفی، محمود، ۱۴۶
شیرازی نجفی عسکری، میرزا محمود ۱۳۶
شیروانی، زین‌العابدین [صاحب بستان السیاحة]، ۷۸ـ۷۹
شیروانی، محمّد شریف، ۱۰۳
شیروانی، میرزا حسن، ۱۰۳

«ص»

صاحب اصول الفقه ← مظفر، محمّدرضا
صاحب اعلام النبلاء فی تاریخ حلب الشهباء ← طبّاخ حلبی، محمّد راغب بن محمود
صاحب اعیان الشیعة ← امین، سیّد محسن
صاحب بن عباد، ۸۰ـ۸۱
صاحب بهجة الآمال ← علیاری تبریزی، ملّا علی
صاحب تتمیم حدائق ← آل‌عصفور، حسین
صاحب تشریح الاصول ← نهاوندی، ملّا علی
صاحب تنقیح المقال ← مامقانی،

Marfat.com

عبدالله
صاحب تهذیب المنطق ← تفتازانی،
سعدالدّین
صاحب جواهر الکلام ← نجفی،
محمّدحسن
صاحب حاشیه ← غلامرضا
صاحب حدائق الناظرة ← بحرانی،
یوسف
صاحب الذریعة الیٰ تصانیف الشیعه ←
آقا بزرگ تهرانی، محمّدمحسن
صاحب رسائل ← انصاری، مرتضی
[شیخ انصاری]
صاحب ریاض الجنّة ← زنوزی، سیّد
حسن حسینی
صاحب ریاض العلماء ← افندی،
عبدالله
صاحب ریاض المسائل ← طباطبائی،
سیّد علی
صاحب السرائر ← ابن ادریس، محمّد
بن احمد بن ادریس عجلی حلّی
صاحب ضوابط ← موسوی قزوینی،
سیّد ابراهیم بن محمّدباقر
صاحب عبقات الانوار ← میرحامد
حسین موسوی هندی
صاحب عروة الوثقی ← یزدی، سیّد
محمّدکاظم
صاحب قوانین ← میرزای قمی، سیّد
ابوالقاسم
صاحب کفایة الاصول ← خراسانی،
محمّدکاظم
صاحب کفایة الموحدین ← عقیلی
نوری، اسماعیل
صاحب مبانی الاصول ← چهارسوقی
اصفهانی، سیّد محمّدهاشم
صاحب المحاسن ← برقی، احمد بن
محمّد بن خالد
صاحب مدارک ← عاملی، سیّد محمّد
بن علی بن حسین موسوی
صاحب مستدرک الوسائل ← نوری،
میرزا حسین
صاحب مصباح الفقیه ← همدانی،
رضا
صاحب معارف الرجال ← حرز الدّین
نجفی، محمّد
صاحب مفاتیح الجنان ← قمی، عبّاس
صاحب مفتاح الکرامة ← حسینی

Marfat.com

عاملی، محمّدجواد بن احمد صاحب ناصر سعید الباقر، ۳۵۶
صاحبه خانم، ۱۰۷، ۱۱۰
صادق کمال‌الدّین بن عبدالله بن محمّد ۷۱
صادقی، خلیل، ۳۶۲
صالحی نجف آبادی، ۲۶۸
صبوری قمی، جعفر، ۲۱۸
صدر، امام موسی، ۲۰۴ـ۲۰۵
صدر، سیّد اسماعیل، ۱۰۴، ۱۲۳
صدر، سیّد حسن صدرالدّین موسوی کاظمی، ۱۵۳، ۱۷۴، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۴۱
صدر، سیّد رضا، ۲۰۵
صدر، سیّد محمّدباقر [شهید صدر] ۱۲۸
صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمی ۳۶، ۴۶ ـ ۴۷، ۷۹، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۹۴، ۲۲۰
صدوق اوّل، علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ← ابن بابویه قمی، علی بن حسین بن موسی
صدوقی، محمّد، ۲۰۱
صفائی خوانساری، احمد، ۲۱۷
صلواتی، ۳۶۱

«ض»

ضیاءالدّین محمّد [میرزا]، ۱۱۷

«ط»

طارمی، هدایت‌الله، ۱۷۳
طالبی مرعشی، سیّد علی بن عبدالله ← مرعش، سیّد علی بن عبدالله
طالقانی، سیّد محمود، ۲۰۱
طالقانی، محمّدحسن، ۱۴۱
طالقانی، مرتضی، ۱۰۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۸۶
طالقانی نیا، محسن، ۲۱۷
طاهری، سیّد حسن، ۲۶۸
طاهری اصفهانی، جلال‌الدّین، ۲۰۶، ۲۲۹، ۲۶۸
طاهری قزوینی، ۲۵۸
طبّاخ حلبی، محمّدراغب بن محمود، ۱۸۷
طباطبائی، سیّد ابراهیم [آل بحرالعلوم] ۱۰۳، ۱۶۹

Marfat.com

طباطبائی، سیّد عبدالفتّاح، ۹۳، ۱۱۴
طباطبائی، سیّد علی [صاحب ریاض المسائل]، ۵۶
طباطبائی، شمس شرف بیگم، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۴۳
طباطبائی، سیّد محمّدحسین [علّامه] ۳۱، ۳۶، ۱۱۴، ۱۹۵
طباطبائی، سیّد محمّدرضا، ۱۱۴
طباطبائی تبریزی، میرزا علی بن میرزا حسین، ۱۶۱، ۱۸۶
طباطبائی تبریزی، میرزا یوسف، ۹۳، ۱۰۱، ۱۱۴ـ۱۱۶
طباطبائی تبریزی نجفی حائری، سیّد ابوالقاسم، ۱۶۶، ۲۲۴
طباطبائی حائری، میرزا جعفر، ۱۰۴
طباطبائی قمی، سیّد احمد، ۳۰۰، ۳۰۲
طباطبائی قمی، سیّد حسین، ۱۴۸، ۳۰۰ـ۳۰۲
طباطبائی نجفی، سیّد محمّد، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۱۶
طباطبائی نجفی، سیّد محمّدجعفر بن محمّدباقر، ۱۴۹
طباطبائی یزدی، سیّد علی، ۱۴۹
طبرسی [صاحب الاحتجاج]، ۳۶، ۴۳
طبری، ابو محمّدحسن بن حمزه [مرعشی]، ۷۰
طبری، محمّد بن جریر، ۶۵
طبسی نجفی، محمّدرضا، ۲۱۷
طریحی، فخرالدّین، ۲۲۶
طنطاوی جوهری مصری، ۲۵۱، ۲۵۵ـ۲۵۶
طوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن [شیخ الطائفه]، ۳۶ـ۳۷، ۴۰، ۴۸ـ۵۰، ۶۵، ۱۲۹
طوسی، نصیرالدّین [خواجه]، ۱۹۴
طیّارهٔ هندی، عبدالحسین، ۹۵

«ظ»

ظهیرالدّین مرعشی [صاحب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران]، ۸۳

«ع»

عاد (ع)، ۳۴۷
عارف تبریزی، اسماعیل [نائب]، ۱۶۲
عارف الزّین، ۲۵۲
عارفی، علی، ۳۴۴ـ۳۴۵

Marfat.com

عامری، مجنون، ۱۴۲
عاملی، بهاءالدّین محمّد بن حسین بن عبدالصمد [شیخ بهایی]، ۵۱، ۵۳ـ ۵۴، ۱۳۵ـ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۹۴
عاملی، حسین بن عبدالصمد، ۵۳
عاملی، سیّد شرف‌الدّین عبدالحسین موسوی، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۱
عاملی، سیّد محسن امین ← امین، سیّد محسن
عاملی، سیّد محمّد بن علی بن حسین موسوی [صاحب مدارک]، ۱۱۶، ۱۴۲
عاملی، علی بن عبدالعالی ← محقق کرکی، علی بن عبدالعالی عاملی
عاملی، محمّد بن حسن بن علی مشغری [شیخ حرّ عاملی]، ۵۱، ۵۵، ۱۵۵، ۲۲۰، ۲۲۴
عاملی دزفولی، مصطفی، ۳۶۲
عباچی زادهٔ تبریزی، فرج‌الله، ۱۴۵
عباس بن ولید بن عبدالملک، ۷۵
عبدالله بن امام زین‌العابدین (ع) [عبدالله باهر]، ۶۶
عبدالله خان بن عبدالکریم خان اوّل مرعشی، ۸۴ـ۸۵
عبدالله بن مبارک، ۶۶
عبدالله بن محمّداکبر [امیرالعارفین وامیرالعراقین]، ۶۴، ۶۸
عبدالرحمان بن ابی‌موال، ۶۶
عبدالفتاح بن ضیاءالدّین بن محمّد، ۱۱۷
عبدالکریم بن عبدالله بن عبدالکریم بن محمّد بن مرتضی، ۷۱
عبدالکریم خان اوّل بن محمّد خان مرعشی، ۸۴
عبدالکریم خان دوّم بن میر سیّد عبدالله مرعشی، ۸۵
عبدالمؤمن خان، ۲۳۶
عبده، محمّد، ۹۴ـ۹۶، ۲۵۲
عبیدالله، ۶۶
عبیدلی [صاحب تهذیب الانساب]، ۶۵ـ ۶۶، ۶۹
عبیدلی، یحییٰ، ۳۶۲
عبیدلی سبزواری، ۲۱۷، ۲۲۷
عثمان بن سعید، ۴۵
عراقی، ضیاءالدّین محمّد [آقا ضیاء]، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۱۱، ۳۲۲

Marfat.com

عربشاهی، میر ابوالفتح حسینی شریفی ۲۲۵
عریضی بحرانی نجفی، سیّد علی نسابه، ۱۰۲
عسقلانی، ابن حجر [صاحب تهذیب التهذیب]، ۶۵
عسکری، سیّد مرتضی، ۲۰۵
عصّار، سیّد محمّدکاظم حسینی، ۱۳۶
عصّار تهرانی، سیّد محمّد بن محمود حسینی لواسانی [آشفته]، ۱۸۴
عضدالدولهٔ دیلمی، ۴۷
عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۲۱
عقیلی نوری، اسماعیل [صاحب کفایة الموحّدین]، ۱۰۳
علاءالدّین نظام‌الدّین بن سیّد فخرالدّین ۸۷
علّامه، حسین، ۳۰۲
علّامی، حسن، ۱۶۹
علم، اسدالله، ۲۶۴ـ۲۶۵
علمائی قمی، سیّد رضا، ۲۰۳
علم الهدی ← سیّد مرتضی، علی بن حسین بن موسیٰ
علم الهدی [مولی]، ۲۲۷
علوی، سیّد عادل، ۲۵، ۱۲۱، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۳۵، ۲۷۵، ۲۸۶
علوی، سیّد علی، ۲۰۳، ۲۲۹
علوی، شریف ابومحمّد حسن بن علی بن عبدالله، ۸۰
علوی حسینی مرعشی، سیّد ابوهاشم جعفر بن محمّد، ۸۰ـ۸۱
علوی شافعی حسینی حضرمی، علوی بن طاهر بن عبدالله، ۱۸۷
علوی قزوینی، سیّد علی، ۲۰۲
علوی گرگانی، ۳۶۱
علیاری تبریزی، محمّدحسن، ۱۸۶
علیاری تبریزی، ملّا علی، ۲۱۸، ۲۲۵
علی‌اصغر بن امام زین‌العابدین (ع) ۱۰۷
علی‌اکبر (ع)، ۲۹۰
علی بن ابی‌حمزه، ۳۴
علی بن امام زین‌العابدین (ع)، ۱۱۳
علی خان بن سیّد کمال‌الدّین صادق مرعشی، ۸۳
علی بن عبدالله بن حسن بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) ← مرعش، سیّد علی

Marfat.com

بن عبدالله
علی بن کمال‌الدّین بن میر قوام‌الدّین، ۷۱
علی بهجت [صاحب قاموس الامکنة والبقاع]، ۷۶
عماد زادهٔ اصفهانی، حسین، ۱۲۱، ۲۱۵، ۲۲۸
عمری، ابوالحسن علی بن محمّد بن صوفی [صاحب المجدي]، ۶۶ـ ۶۷، ۶۹، ۲۲۶
عمری نسّابه، نجم‌الدّین، ۲۱۸
عمید زنجانی، عباسعلی، ۳۳۶
عنبسة بن بجاد عابد، ۶۶
عندلیب زادهٔ تهرانی، علی‌خان بن حاج عندلیب الذاکرین، ۱۳۵

«غ»

غروی تبریزی، حسن، ۲۰۲
غروی تبریزی، یدالله، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۳۴
غریفی، سیّد عدنان، ۱۶۴
غریفی بحرانی، محمّدرضا بن علی موسوی صائغ، ۱۶۳
غریفی بحرانی، محمّدمهدی بن علی موسوی صائغ، ۱۶۳ـ ۱۶۴، ۱۸۵
غزّالی، ابوحامد، ۴۰، ۳۶۰
غضنفری خوانساری، مهدی، ۲۰۲
غفّاری، حسین [شهید]، ۲۰۱
غفّاری نژاد تبریزی، میرزا حسن، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۳۴
غلامرضا [صاحب حاشیه]، ۳۰۲

«ف»

فارابی، ابونصر، ۱۹۴، ۳۶۰
فارس حسّون، ۲۱۸
فاضل [دکتر]، ۱۶۰
فاضل، حسن، ۳۰۲
فاضل اردکانی، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۸
فاضل ایروانی، ۱۵۷، ۱۶۶
فاضل شربیانی، ملّا محمّد، ۱۰۲ـ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۶۱
فاضل مشهدی، ۱۶۰
فاضل موحّدی لنکرانی، علی، ۲۰۳، ۳۰۱، ۳۶۳
فاضل موحّدی لنکرانی، محمّد، ۲۶۸، ۳۰۱، ۳۱۹، ۳۵۸، ۳۶۳
فاضل نراقی، ۱۱۴

Marfat.com

فاطمه بنت امام حسن مجتبیٰ (ع)، ۶۶
فاطمه بنت الحسین (ع)، ۶۶
فاطمهٔ زهـرا (س)، ۲۸۸، ۲۹۴، ۳۳۲، ۳۴۱، ۳۵۴
فاطمهٔ معصومه (س)، ۶۰، ۱۲۱، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۱ ـ ۲۸۲، ۲۸۵ ـ ۲۸۸، ۳۰۰ ـ ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۶ ـ ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۳۱، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۸
فتحعلی شاه قاجار، ۸۹، ۱۱۶
فخرالدّین رازی، ۶۵، ۶۷
فـخرالدّیـن مـحمّدخان دوّم بـن سـیّد ابوالمجد مرعشی، ۸۶
فخرالسادات، گوهر تاج، ۲۹۹
فخر المـحققین، مـحمّد بـن حسـن بـن یـوسف حـلّی [صـاحب ایـضاح الفوائد]، ۵۱
فروزانفر، بدیع الزمان، ۲۴۶
فشارکی اصفهانی، محمّد، ۱۵۶
فشارکی اصفهانی، محمّدحسین، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۴
فضل بن روز بهان، ۲۲۶
فضل بن شاذان، ۴۵
فقیه ارسنجانی شیرازی، سیّد ابوالقـاسم بن سیّد مرتضی، ۱۷۳ ـ ۱۷۴
فقیه سبزواری، حسین بن موسی، ۱۷۴
فـقیه مـبرقعی، سـیّد مـرتضی [حـاج داداش]، ۲۰۱، ۲۰۸، ۳۰۰
فقیه مبرقعی رضوی قمی، سـیّد عـباس ۲۹۹
فقیهی، علی‌اصغر، ۲۰۵
فقیهی بروجردی، غلامرضا، ۲۰۲
فکور احمدآبادی یزدی، محمّد، ۲۰۲
فلسفی، محمّدتقی، ۳۳۱
فنائیان، عباس، ۲۳۷
فندیک، ادوارد، ۲۱۸، ۲۲۴
فهری فاسی مالکی مغربی، عبدالحـفیظ بن محمّدطاهر، ۱۸۷
فهمی هویدی، ۱۲۱
فیض، عباس، ۱۲۱
فیض، علیرضا، ۲۰۷
فیض الاسلام، علینقی، ۲۰۹
فیض کاشانی، محمّد بن مـرتضی [مـلّا محسن فیض]، ۵۴، ۱۹۴
فیضی کاشانی، مصطفی، ۳۴۶، ۳۴۹

Marfat.com

فیلسوف الدوله، میرزا عبدالحسین خان رکن‌الحکما، ۹۶

«ق»

قارائی زنجانی، قدرت‌الله، ۲۳۵
قاضی زنگه زوری، بهجت افندی، ۲۲۴
قاضی سعید، سعید بن محمّد مفید قمی ۱۹۴
قاضی طباطبائی تبریزی، سیّد علی بن حسین، ۱۶۱
قاضی طباطبائی تبریزی، سیّد محمّدعلی، ۲۰۱
قاضی نورالله مرعشی شوشتری ← شوشتری، نورالله [قاضی]
قائینی نجفی، عبدالکریم، ۱۷۵
قائینی نجفی، محمّدفاضل، ۱۷۴
قدسی، میرزا مهدی، ۲۰۳
قدوسی، علی، ۲۶۸
قدیری، علی، ۲۶۸
قراجه داغی تبریزی، محمّدعلی انصاری، ۱۰۳
قراگزلو همدانی، میرزا علی‌اصغر، ۲۲۹
قره‌باغی، اسماعیل، ۱۰۳
قریشی کوه کمری، عبداللطیف، ۲۳۵، ۳۶۳
قزوینی، ابویوسف عبدالسلام بن محمّد بن یوسف، ۶۹ـ ۷۰
قزوینی، صالح، ۱۰۴
قزوینی، عبدالنبی [صاحب تتمیم امل الآمل]، ۲۲۶
قزوینی، محمّد، ۲۴۶
قزوینی، محمّدتقی، ۱۰۳
قزوینی حلّی، معزالدّین محمّد، ۱۰۴
قشقایی، جهانگیرخان، ۱۰۲، ۱۴۱، ۱۵۹
قطب راوندی، سعید بن هبةالله بن حسن ۴۹
قمر بنی‌هاشم، ابوالفضل العباس (ع) ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۸۵
قمشه‌ای، محمّدرضا، ۱۶۰
قمشه‌ای صغیر، محمّدحسین، ۱۵۵، ۱۶۱
قمشه‌ای کبیر، محمّدحسین نجفی ۱۵۵ـ ۱۵۶، ۱۶۱
قمی، ابوالحسن محمّد بن احمد بن شاذان، ۸۰

Marfat.com

قمی، اسدالله، ۱۰۸
قمی، حسین، ۳۰۱
قمی، عباس [صاحب مفاتیح الجنان] ۱۰۸، ۱۷۸، ۱۸۶، ۲۲۱، ۲۲۳، ۳۰۲
قمی، غلامعلی، ۱۴۷
قمی، ملّا غلامرضا [حاج آخوند]، ۲۹۹
قنبر علی‌خان، ۱۶۰
قوشچی، ملّا علی، ۱۳۶

«ک»

کاشانی، سیّد ابوالقاسم، ۱۳۵
کاشانی، عبدالواسع، ۲۲۴
کاشانی، ملّا محمّد، ۱۰۲، ۱۴۱
کاشانی، محمّد بن مرتضی فیض [ملّا محسن فیض] ← فیض کاشانی، محمّد بن مرتضی [ملّا محسن فیض]
کاشانی، ملّا حبیب‌الله، ۱۰۴
کاشانی، نصرالله قاری، ۱۴۵
کاشانی مدنی، قدسیّه، ۳۴۱
کاشف‌الغطاء، جعفر [صاحب کشف الغطاء]، ۵۶، ۸۸، ۱۵۳
کاشف‌الغطاء، عباس نجفی، ۱۰۴
کاشف‌الغطاء، علی، ۱۸۵، ۲۱۱
کاشف‌الغطاء، محمّداسماعیل، ۲۱۴
کاشف‌الغطاء، محمّدحسین نجفی، ۱۷۷، ۱۸۵ـ۱۸۶، ۲۱۱
کاشی، محمّد، ۱۵۹
کاظمی، محمّدحسین، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۷
کاظمی، جواد، ۲۲۷
کامکار، ۲۵۸
کبیر قمی، حسین، ۲۰۲
کبیر قمی، محمّد، ۲۰۲
کتبی، سیّد ابراهیم، ۱۱۷
کجوری، مهدی بن محمّدمهدی، ۱۷۴
کحاله، عمررضا، ۸۲ـ۸۳، ۸۷، ۱۰۱
کراجکی، ۸۰
کرباسی اصفهانی، ابوالهدی بن میرزا ابوالمعالی بن محمّدابراهیم، ۱۵۴ ـ ۱۵۵، ۱۸۶
کرباسی اصفهانی، جمال‌الدّین بن میرزا ابوالمعالی، ۱۳۶
کربلائی، سیّد احمد ← موسوی تهرانی، سیّد احمد بن ابراهیم

Marfat.com

کربن [فرانسوی]، ۲۵۱
کردستانی شافعی، عبدالسـلام، ۱۳۷ ـ ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۷۲، ۲۵۱ ـ ۲۵۲
کرمانشاهی، اسدالله، ۲۰۲
کـــرمانشاهی، مـــوسی بـــن جـــعفر [کتابفروش]، ۱۵۴
کرمانشاهی، میرزا حسن، ۳۰۲
کرمانشاهی، هادی بن عبدالرحیم، ۲۵۳
کرمانی، محمّدنجف، ۱۰۲
کرملی بغدادی، انستانس، ۲۵۱
کرمی حویزی، محمّد بن محمّد طه بـن نصرالله، ۳۰۱
کروبی، مهدی، ۳۲۸
کریمان، حسین، ۲۰۷
کریمی، احمد، ۳۶۱ ـ ۳۶۲
کشفی بروجردی، ریحان‌الله، ۱۰۴
کشمیری، سـیّد مـرتضی، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۴۴، ۱۶۹
کشمیری لکهنوی، محمّدمهدی، ۲۲۳
کشّـــی، ابـوعمر مـحمّد بـن عـمر بـن عبدالعزیز، ۳۵، ۵۹
کـــفائی، مـــیرزا مـهدی [آیت‌الله زاده] ۲۴۱، ۳۰۱
کفتارو، احمد بن امین، ۱۸۸، ۲۱۱
کلیبری انصاری تـبریزی، عـبدالرحـیم ۱۰۴
کلینی، محمّد بن یعقوب رازی، ۴۵ ـ ۴۶
کمال‌الدّین بن محمّدخان مرعشی، ۸۵
کمال‌الدّین صادق بن عـبدالله مـرعشی ۸۱
کمال‌الدّین صادق بـن مـیر قـوام‌الدّیـن مرعشی، ۶۴، ۸۲ ـ ۸۳
کمپانی، محمّدحسین بـن مـحمّدحسن اصفهانی غروی، ۱۷۰ ـ ۱۷۱، ۱۸۶
کمره‌ای، مـحمّدجعفر [شـیخ عـلینقی] ۲۲۵
کوچک‌خان جنگلی [میرزا]، ۲۶۱
کوچه حرمی، سیّد حسین، ۳۰۲
کوکبانی، احمد بن علی بن حسن حسنی زیدی، ۱۷۲، ۲۱۱، ۲۵۱
کوکبی تبریزی، سیّد موسی، ۲۳۴
کوه کمری، سیّد حسین، ۱۵۵، ۱۵۷
کیا افراسیاب [حاکم مازندران]، ۸۲
کیای گیلانی، سیّد احمد بن مـحمّد بـن عبدالرحمان، ۸۶ ـ ۸۷

Marfat.com

«گ»

گدار [فرانسوی]، ۲۵۱
گلپایگانی، سیّد محمّدرضا موسوی ۵۹ـ ۶۰، ۲۷۱، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۳ـ ۳۲۴، ۳۳۱
گنجی شافعی، ابو عبدالله، ۳۶۲
گورکانی، امیر تیمور، ۶۴
گیلانی، میرزا هاشم، ۱۴۴، ۱۴۸

«ل»

لاجوردی، سیّد ابوالفضل، ۳۰۱
لاجوردی قمی، سیّد مهدی حسینی ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۳۴، ۳۰۱، ۳۵۸
لاری، سیّد عبدالحسین بن سیّد فاضل ۲۵۳
لاری، سیّد عبدالمحمّد بن سیّد عبدالحسین، ۱۸۷
لاهوتی گیلانی، حسن، ۲۰۳
لاهیجانی، عبدالکریم، ۱۴۴، ۱۶۸
لنگرودی، شمس‌الواعظین، ۲۰۳
لنگرودی، محمّدحسن، ۲۳۰

«م»

ماحوزی بحرانی، حسین، ۱۷۳
مازندرانی، زین‌العابدین، ۱۰۴، ۱۵۷ـ ۱۵۸، ۱۶۶، ۲۹۰
مازندرانی، عبدالله، ۱۵۵ـ ۱۵۶
مازندرانی، عبدالهادی، ۲۵۳
مازندرانی لاریجانی، ملّا لطف‌الله ۱۰۳، ۱۵۲، ۱۵۸
مالک [امام]، ۴۰
مامطیری، ابو عبدالله حسین، ۷۰
مامقانی، عبدالله بن محمّدحسن، ۶۵، ۷۷، ۱۵۳ـ ۱۵۴، ۱۸۵
مامقانی، محمّدحسن، ۱۰۲ـ ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۵۷، ۱۶۱، ۳۰۱
مامقانی، یوسف علی، ۲۰۳
مبرقع، موسی بن امام محمّدتقی (ع) ۲۹۹
مجتهد زادهٔ تنکابنی، ۲۰۳
مجتهدی نجفی، شمس‌الدّین، ۲۱۸
مجدالمعالی قوام‌الدّین [شیوا]، ۶۳
مجدی قزوینی، جمال‌الدّین، ۲۰۱
مجلسی، محمّدباقر [صاحب بحار

Marfat.com

الأنوار]، ۵۳، ۵۵، ۶۵، ۱۱۶، ۲۲۶، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۸۷ـ۲۸۸
محبّ‌الاسلام [صاحب اقوال الائمه] ۲۱۷
محدّث قمی، عباس [صاحب مفاتیح الجنان] ← قمی، عباس [صاحب مفاتیح الجنان]
محدّث نوری، میرزا حسین ← نوری، میرزا حسین [صاحب مستدرک الوسائل]
محزون ← کمال‌الدّین صادق بن میر قوام‌الدّین مرعشی
محسنی ملایری، ۳۶۲
محصلی، عبدالعظیم، ۲۶۸
محقق اردبیلی ← مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد
محقق اوّل ← محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحییٰ
محقق ثانی ← محقق کرکی، علی بن عبدالعالی عاملی
محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحییٰ [محقق اوّل]، ۵۰، ۵۲، ۱۲۹، ۱۹۹
محقق کرکی، علی بن عبدالعالی عاملی [محقق ثانی]، ۵۲، ۵۴
محققی لاهیجانی، محمّد، ۲۰۲
محلاتی، جلال‌الدّین، ۲۰۲
محلاتی، محمّداسماعیل بن محمّدعلی غروی نجفی، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۸۵
محلاتی، محمّد بن محمّداسماعیل ۱۳۵، ۱۵۹، ۲۲۵
محلاتی، میرزا علی‌اکبر، ۱۷۳
محلاتی شیرازی، جعفر، ۲۰۲، ۲۵۴
محلاتی شیرازی، مجدالدّین، ۲۰۵
محمّد آقا تاجر توتون فروش تبریزی ۱۰۷
محمّد الاشرف، ۲۲۶
محمّد بن احمد بن یحییٰ [صاحب نوادر الحکمة]، ۴۵
محمّد بن امام جعفر صادق (ع)، ۶۹
محمّد بن حسین، ۶۶
محمّد بن زید، ۷۲
محمّد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر، ۷۱
محمّد بن عبدالله (ص)، ۶۴، ۷۹، ۸۶، ۲۶۲، ۳۴۱، ۳۶۴
محمّد بن عثمان، ۴۵

Marfat.com

محمّد بن مروان، ۷۵
محمّدحسین فضل‌الله، ۳۳۳
محمّد خان بن سیّد مرتضی خان مرعشی، ۸۴
محمّد خان بن میر سیّد عبدالکریم مرعشی، ۸۵ـ ۸۶
محمّدرشید رضا، ۲۵۱
محمّد سلیق، ۶۸ـ ۶۹
محمّدعلی شاه قاجار، ۲۶۰
محمّدمهدی شمس‌الدّین، ۳۳۳
محمّدی، محمّد، ۲۶۸
محمّدی اشتهاردی، محمّد، ۱۲۱
مختاری، سراج‌الدّین، ۶۸
مدرّس، سیّد حسن، ۱۰۳، ۱۹۵، ۲۶۲
مدرّس تبریزی، محمّدعلی، ۲۱۵
مدرّس خاتون آبادی، ۱۷۲
مدرّس رضوی، محمّدتقی، ۲۴۶
مدرّس زنوزی، علی، ۱۶۰
مدرّس نوری، علی، ۳۰۲
مدرّس یزدی، علی‌اکبر [حکیم الهی] ۱۹۳
مدرّسی یزدی، جواد، ۲۰۶
مرتضی خان بن میر سیّد علی خان مرعشی، ۶۴، ۸۳
مرزآبادی، رسول، ۲۳۴
مرعش، سیّد علی بن عبدالله [علی مرعش]، ۶۴، ۶۸ـ ۶۹، ۷۱ـ ۷۲، ۷۷ـ ۸۰، ۸۲
مرعشی، سیّد ابراهیم، ۲۹۹
مرعشی، سیّد شمس‌الدّین، ۲۲۲
مرعشی، سیّد ظهیرالدّین، ۸۱
مرعشی، سیّد علاءالدّین نقیب الاشراف، ۶۳
مرعشی، سیّد علی بن عبدالله ← مرعش، سیّد علی بن عبدالله [علی مرعش]
مرعشی، سیّد محمّد خان اوّل، ۶۳
مرعشی، سیّد مهدی، ۱۱۰
مرعشی، فخرالدّین سیّد محمّدخان دوّم ۶۳
مرعشی، محمّدصادق، ۱۷۳، ۲۲۹
مرعشی، میرزا ابراهیم، ۹۸
مرعشی، میرزا عبدالستّار، ۹۸
مرعشی، میرزا عبدالغفّار، ۹۸
مرعشی، میر سیّد عبدالکریم خان اوّل ۶۴

Marfat.com

مرعشی، میر سیّد عبدالله خان، ۶۴
مرعشی، میر سیّد علی خان، ۶۴
مرعشی، میر سیّد محمّدخان، ۶۴
مرعشی آملی، سیّد حسین بن میرزا رفیع‌الدّین [سلطان العلما]، ۱۱۶
مرعشی حائری، سیّد نجم‌الدّین میر محمّد خان فلکی [مظلوم]، ۸۸ـ۸۹
مرعشی حائری شهرستانی، محمّدعلی حسینی، ۱۵۴، ۱۶۵
مرعشی حائری شهرستانی، میرزا محمّدحسین حسینی، ۱۰۲ ـ ۱۰۳، ۱۵۴
مرعشی رفسنجانی، محمّدرضا، ۱۴۷
مرعشی شوشتری، میرزا محمود حسینی [معلم]، ۱۴۲
مرعشی نجفی، سیّد امیر حسین، ۳۶۲ـ ۳۶۳
مرعشی نجفی، سیّد شمس‌الدّین بن مرتضی، ۱۱۰
مرعشی نجفی، سیّد شمس‌الدّین محمود، ۶۳، ۸۹، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳ ـ ۱۰۴، ۱۰۶ ـ ۱۰۷، ۱۰۹ ـ ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۶۲
مرعشی نجفی، سیّد شهاب‌الدّین، در اکثر صفحات کتاب
مرعشی نجفی، سیّد ضیاءالدّین مرتضی ۱۰۷ ـ ۱۱۰
مرعشی نجفی، سیّد علی بن شمس‌الدّین محمود، ۱۰۶ ـ ۱۰۷
مرعشی نجفی، سیّد محمّدجواد، ۲۰۵، ۲۱۷، ۳۶۱ ـ ۳۶۲
مرعشی نجفی، سیّد محمّدکاظم، ۳۶۱
مرعشی نجفی، سیّد محمود، ۲۱، ۲۳ ـ ۲۵، ۵۵، ۱۲۱، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۹ ـ ۲۳۰، ۲۳۳ ـ ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۷۰ ـ ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۲۴ ـ ۳۲۵، ۳۲۸ ـ ۳۳۰، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۵۷ ـ ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۷۰
مرعشی نجفی، فاطمه [معروف به خانم نجفی]، ۱۱۰
مرعشی نجفی، مرضیّه [ام ابیها]، ۱۱۰
مرکّب ساز ← شاه عراقی، غلامرضا
مرندی، باقر، ۲۳۵

Marfat.com

مرندی، زین‌العابدین، ۲۹۰
مرندی، عبدالحسین، ۱۵۰
مرندی، عبدالحمید، ۲۰۸، ۲۳۵
مروان بن عنبسه، ۶۸
مروان بن محمّد [مروان حمار]، ۷۴ـ ۷۵
مروان حمار ← مروان بن محمّد [مروان حمار]
مروزی ازورقانی، اسماعیل بن حسین [صاحب الفخري]، ۶۷، ۲۱۸، ۲۲۵
مروی، اسماعیل، ۲۳۵
مزی، جمال‌الدّین یوسف [صاحب تهذیب الکمال]، ۶۵ـ ۶۶
مستغفری، ابوالعباس، ۹۷
مستقیم قمی، عباس، ۲۰۲، ۲۰۸
مستوفی، حمدالله [صاحب نزهة القلوب]، ۷۴
مسجد جامعی تهرانی، محمّدحسین ۲۰۶، ۲۶۸
مسجد شاهی ← اصفهانی، محمّدرضا
مسعودی، علی‌اکبر، ۲۶۸
مسعودی، علی بن حسین بن علی [صاحب مروج الذهب]، ۷۱، ۷۶
مسلم بن حجاج [صاحب صحیح مسلم] ۱۷۳
مشار، خان بابا، ۹۳
مشرف قمی، احمد، ۲۰۲
مشکوة، سیّد محمّد، ۲۴۵
مشکینی، علی، ۲۶۸
مشکینی، میرزا ابوالحسن، ۱۰۸، ۱۴۴، ۱۴۶
مشهدی، محمّد بن حسن، ۲۳۷
مصباح، محمّدتقی، ۲۶۸
مصدق، محمّد [دکتر]، ۲۶۳
مصری، حسن قاسم، ۲۵۲، ۳۶۲
مطهری، مرتضی [شهید]، ۲۰۱، ۳۳۱
مطیعی حنفی مصری، محمّد بخیت ۱۸۷، ۲۱۱
مظفّر، محمّدرضا [صاحب اصول الفقه] ۱۲۷
مظفرالدّین شاه قاجار، ۹۵ـ ۹۶
مظلوم ← مرعشی حائری، سیّد نجم‌الدّین میر محمّد خان فلکی
معاویة بن ابی‌سفیان، ۷۵
معرفت، محمّدهادی، ۴۴
معزّالدّین، محمّدصادق، ۲۲۹

Marfat.com

معزّی تهرانی، مهدی، ۲۲۹
معصومی، رشید، ۳۱۲
معظّم السادات مرعشی، سیّد محمّد، ۹۸
معلّم ← مرعشی شوشتری، میرزا محمود حسینی
معلّم ثالث، ۲۱۷
معین‌الملک [حاکم تبریز]، ۹۵
مفتّح، محمّد [دکتر]، ۲۰۱، ۲۶۸
مفید، محمّد بن محمّد بن نعمان [شیخ مفید]، ۴۷ـ۴۸، ۶۶، ۱۱۵، ۱۹۴، ۲۷۸ـ۲۸۸
مفید قمی، سعید بن محمّد [قاضی سعید]، ۱۹۴
مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد [محقق اردبیلی]، ۵۳
مقدسی، محمّد بن احمد البشاری [صاحب احسن التقاسیم]، ۷۴
مکارم شیرازی، ناصر، ۲۶۸
ملّا باشی شیرازی، عبدالباقی، ۲۵۴
ملّا صدرای شیرازی [صدرالمتألّهین] ۵۴، ۱۲۸، ۱۹۴، ۱۹۸
ملّا عبدالله [صاحب حاشیه]، ۱۰۶
ملّا محسن [صاحب عوامل]، ۱۹۸
ملّا محسن فیض ← فیض کاشانی، محمّد بن مرتضی
ملکوتی سرابی، میرزا مسلم، ۲۰۵
ملکی تبریزی، میرزا جواد، ۱۶۲
منتظری، حسینعلی، ۲۶۸، ۳۲۶
منتظری یزدی، محمّد، ۲۲۲
منجّم باشی تبریزی، ۱۰۷
منجّم شیرازی نجفی، احمد، ۱۳۶
منقری، نصر بن مزاحم، ۲۲۵
موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۲۰۶
موسوی بروجردی، ریحان‌الله، ۱۵۷
موحّدی قمی، محمّد، ۲۰۹
موحّدی همدانی، علی‌اصغر، ۲۳۵
موسوی تهرانی، سیّد احمد بن ابراهیم ۱۶۱ـ۱۶۲
موسوی جزائری تستری، عبدالله، ۲۱۸
موسوی خرم‌آبادی، محمّدکاظم [امام النحّاة]، ۱۴۲
موسوی خلخالی، حاج سیّد آقا، ۱۷۴
موسوی قزوینی، سیّد ابراهیم بن محمّدباقر، ۹۳
موسوی، یمانی، ابوالفضیل محمّدکاظم ۲۲۵

Marfat.com

موسی بن عقبه، ۶۶
مولائی، احمد، ۲۸۶
مولوی محمّدیوسف، ۱۵۷
مولوی همدانی، احمد، ۲۳۵
مؤید الاطباء بختیاری، محمّدعلی خان ۱۳۸
المؤید بالله، ۱۷۲
مهدوی کنی، محمّدرضا، ۲۰۶
مهدوی لاهیجانی، مهدی، ۱۷۳
مهجوری [صاحب تاریخ مازندران] ۸۳ـ۸۵
مهدی بن اسماعیل بن ابراهیم، ۶۹
مهدی عبّاسی [خلیفهٔ عباسی]، ۷۵
مهدی قلیخان [صاحب مدرسهٔ خان] ۳۰۰
میخائیل [سردار رومی]، ۷۵
میدانی [صاحب مجمع الامثال]، ۱۴۱
میر تیمور مرعشی [صاحب تاریخ خاندان مرعشی مازندران]، ۸۱، ۸۳ـ۸۵
میرحامد حسین موسوی هندی [صاحب عبقات الانوار]، ۹۶، ۱۰۴، ۱۵۷، ۱۸۱، ۲۵۱
میرخواند [صاحب روضة الصفا]، ۸۲
میرداماد، سیّد محمّدباقر حسینی گرگانی مرعشی، ۵۴، ۸۶ـ۸۷، ۱۱۶
میرزا آقا اصطهباناتی ← اصطهباناتی، سیّد ابراهیم بن حسن حسینی
میرزای شیرازی، محمّدحسن [مجدد شیرازی]، ۵۷، ۹۴، ۱۳۱ـ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۵ـ ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۷ ـ ۱۶۸، ۲۶۰، ۳۰۲ـ۳۰۳
میرزای قمی، سیّد ابوالقاسم [صاحب قوانین]، ۵۶، ۸۸، ۱۱۴، ۲۲۳
میر سیّد عبدالکریم خان دوّم، ۶۳
میر شاه محمّد، ۱۱۶
میر قوام‌الدّین بن سیّد کمال‌الدّین صادق مرعشی [میر بزرگ]، ۶۴، ۸۱ـ۸۲، ۸۴، ۱۰۱، ۱۱۶
میر قوام‌الدّین بن محمّد خان مرعشی ۸۵
میری تهرانی، سیّد خلیل، ۲۹۹، ۳۶۳
میلانی، سیّد هادی، ۱۰۸، ۲۶۶ـ۲۶۸

Marfat.com

« ن »

ناصرالدّین بن ابی‌حرب ابراهیم بن حسن ۶۹ـ ۷۰
ناصرالدّین شاه قاجار، ۵۸، ۹۶
ناظر زادهٔ کرمانی، ۲۴۶
نائب‌الصدر خاتون آبادی اصفهانی، میر محمّدصادق بن میرزا حسین ۱۷۱
نائینی، محمّدرضا، ۲۰۲
نائینی، میرزا حیدرعلی، ۱۹۳
نائینی، میرزا محمّدحسین، ۵۸، ۱۰۸ ـ ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۷۰ ـ ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۴ـ۱۹۵، ۲۱۱، ۳۲۲
نبوی بیرجندی، حسن، ۲۰۴، ۲۰۸
نجف‌آبادی اصفهانی، ملّا علی محمّد ۱۰۳، ۱۵۹
نجفی، حسین نجف، ۸۸
نجفی، سیّد عمیدالدّین، ۹۷، ۲۲۸
نجفی، علی بن باقر بن محمّدحسن ۱۶۷
نجفی، علی رفیش، ۱۲۴
نجفی، محمّدباقر، ۳۵۵
نجفی، محمّدحسن [صاحب جواهر الکلام]، ۵۷، ۹۳، ۱۰۴، ۱۶۷
نجفی، محمّد طه نجف، ۸۹، ۱۰۲ ـ ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۴۴ ـ ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰
نجم آبادی تهرانی، حسین بن محمّد ۱۳۷، ۱۶۵، ۱۹۲
نحوی خرم‌آبادی نجفی، محمّدکاظم ۱۴۷
نحوی، معاذ بن مسلم، ۳۵
نراقی، احمد [صاحب مستند الشیعه] ۵۷
نراقی، مهدی [صاحب جامع السعادات] ۵۷
نسائی، ۶۶
نصیرالدّین بن سیّد کمال‌الدّین صادق مرعشی، ۸۳ـ ۸۴
نصیرالدّین محمّد بن سیّد جمال‌الدّین مرعشی [هدایت]، ۶۳، ۸۷
نصیری سرابی، محمّد صادق، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۳۶۱ـ ۳۶۲
نظام شاه دکنی، ۸۲
نوّاب صفوی، سیّد مجتبیٰ، ۲۶۳، ۲۷۷

Marfat.com

نوایی مازندرانی نجفی، محمّدمهدی ۱۷۱، ۱۷۴
نوبختی، ابوالقاسم حسین بن روح، ۴۵
نوح (ع)، ۳۴۷
نوری، فضل‌الله، ۱۵۰، ۱۷۱، ۳۰۲
نوری، میرزا حسین [صاحب مستدرک الوسائل]، ۱۰۲ـ۱۰۳، ۱۲۲، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۹، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۶۸
نوری طبرسی، عبدالنبی، ۱۶۷، ۱۹۲
نوری همدانی، حسن، ۲۰۳
نویری [صاحب نهایة الارب]، ۲۲۳
نهاوندی، ملّا علی، ۱۰۲
نیشابوری کنتوری، سیّد اعجاز حسین ۲۱۷، ۲۲۴

«و»

واحدی، محمّدتقی، ۲۰۳
واحدی، سیّد عبدالحسین، ۲۶۳
واعظ مرندی، محمّدباقر بن ملّا عبدالمجید، ۲۰۹
واعظی، حسین، ۱۱۰
وجدانی فخر سرایی، قدرت‌الله، ۲۰۴، ۳۶۲
وحید بهبهانی، محمّدباقر بن محمّداکمل، ۵۶، ۱۱۴
ورامینی، احمد، ۳۵۸
وشنوه‌ای قمی، قوام‌الدّین، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۳۵
ولستر، ۲۵۲
ولید بن هشام، ۷۵
وهب بن کیسان، ۶۶

«هـ»

هارون‌الرشید عبّاسی، ۷۴ـ۷۵
هارونی زیدی، ابوالحسین، ۱۷۲
هاشمی رفسجانی، اکبر، ۲۶۸، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۳۳
هما خانم بنت محمّد آقا تاجر توتون فروش تبریزی، ۱۰۷
همایی، جلال‌الدّین، ۲۴۶
همدانی، بدیع‌الزمان، ۱۴۲
همدانی، حسین، ۲۳۰
همدانی، سیّد رضا [صاحب مصباح الفقیه]، ۱۰۲، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱

Marfat.com

همدانی، ملّا حسینقلی، ۱۰۲، ۱۵۶، ۱۶۲
همدانی، میرزا محمّد [امام الحرمین] ۱۰۴، ۳۰۰
هندوشاه، محمّدقاسم، ۱۳۷
هندی، سیّد محمّد، ۱۶۷، ۱۸۸
هندی، سیّد ناصر حسین موسوی ۱۵۷، ۱۸۱، ۲۱۱، ۲۵۱
هندی، یاسین علی شاه، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۶۱
هود (ع)، ۳۴۷

«ی»

یاقوت حموی [صاحب معجم البلدان] ۶۷، ۷۴، ۲۵۱
یثربی کاشانی، محمّدرضا، ۱۶۹
یثربی کاشانی، مهدی، ۲۰۵
یثربی کاشانی، میر سیّد علی، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۹۳
یحییٰ بن علی بن عبدالله، ۷۷
یحییٰ بن محمّد حمیدالدّین حسنی المتوکل علی الله [امام یحییٰ]، ۱۸۱، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۵۱، ۲۵۵
یحییٰ بن منصور بالله ← یحییٰ بن محمّد حمیدالدّین حسنی المتوکل علی الله [امام یحییٰ]
یحییٰ کبیر، ۱۶۸
یزدی، سیّد محمّدکاظم، ۵۸، ۱۰۲، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۴۷ ـ ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵ ـ ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱
یزدی، شرف‌الدّین علی، ۹۷
یزدی، علی، ۳۶۱
یزدی، محمّد، ۳۱۴، ۳۲۸
یزدی، ملا عبدالله، ۱۲۷، ۱۹۸، ۲۲۳، ۲۸۹
یزید بن معاویه، ۷۵
یوسف (ع)، ۲۳۹

Marfat.com

كتابها

«آ»

آثار الحجة، ۱۲۱، ۲۰۶، ۲۱۴

آلاء الرحمٰن، ۱۴۵

آیات الاحکام، ۵۳، ۱۵۶

آینده (مجلّه)، ۱۲۱، ۳۳۴

آینهٔ پژوهش (مجلّه)، ۱۲۱، ۳۳۴

آینهٔ دانشوران، ۱۲۱، ۲۰۶

آئین پارسائی، ۲۱۷

«الف»

اثبات الواجب، ۱۳۶

اثبات وجود الحجة المنتظر (ع)، ۱۴۰

اثبات الهداة، ۲۲۴

اثنی عشر رسالة، ۲۱۷

الاجازات، ۲۲۹ ـ ۲۳۰

الاجازة الکبیرة، ۲۲۹

الاجازة الکبیرة یا الطریق المحجة لثمرة المهجة، ۱۲۱، ۱۴۵، ۲۰۴، ۲۱۸، ۲۲۸، ۳۵۹

أجوبة المسائل الرازیّة، ۲۳۱، ۲۴۸

أجوبة المسائل العلمیة و الفنون المتنوّعة، ۲۳۱، ۲۴۸

أجوبة المسائل الکرمانیّة، ۱۴۷

أجوبة المسائل الیزدیّة، ۱۴۷

أجوبة موسی جارالله، ۱۴۸

الاحتجاج، ۳۶، ۴۵۷

احسن التقاسیم، ۷۴

احسن التواریخ، ۸۴ـ۸۵

احسن الحدیث فی المواریث، ۱۶۶

Marfat.com

احقاق الحـق، ۶۵، ۶۷، ۸۳ـ۸۸، ۹۳، ۱۰۱، ۲۰۴ ـ ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۸۴، ۳۶۰
اخبار الزینبیّات، ۳۶۲
اختران تابناک، ۱۲۱
اختیار مـعرفة الرجـال (رجـال کشّـی) ۳۳، ۴۸
اخلاق ناصری، ۱۹۴
ادلّة الرشاد فی شرح نجاة العباد، ۱۵۵
الارشاد، ۴۷، ۶۶، ۱۱۵
ارشاد القلوب، ۵، ۲۲۶
اساس الاقتباس، ۱۹۴
اساس التوحید، ۱۶۱
استبصار، ۴۸
اسد الغابة، ۲۲۴
الاسدیّة ← رسالهٔ اسدیّه
اسرار الصلاة، ۱۶۲
اسرار العـارفین (شـرح دعـای کـمیل) ۱۴۹
اسفار، ۱۲۸
اسناد انقلاب اسلامی، ۱۲۱
اصلاح (مجلّه)، ۱۲۱
اصل الشیعة و اصولها، ۱۶۷
اصول فقه، ۱۲۷
اصول کافی، ۳۴، ۴۶، ۵۵، ۲۷۳
الاطباء الاسلامیّون، ۹۸
اطلاعات (روزنامه)، ۱۲۱، ۳۳۴
الاطوار، ۱۴۸
الاعلام، ۱۱۴
اعلام النبلاء فی تـاریخ حـلب الشـهباء ۱۸۷
اعیان الشیعة، ۶۷، ۶۹، ۷۲، ۷۹، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۸۶
اعیان المرعشیّین، ۶۶، ۱۰۱، ۱۲۱
اغاثة اللهفان فی مقتل الغریب العـطشان ۸۸
الافطسیّة، ۲۲۸
الاقبال، ۵۰
اقوال الائمة، ۲۱۷
اکتفاء القنوع بما هو مطبوع، ۲۱۸، ۲۲۴
اکمال الدّین، ۳۶
الزام الناصب فی اثـبات الحـجة الغـائب ۳۶۱
الفیّهٔ ابن مالک، ۱۴۲
امالی (ابوالحسین هارونی زیدی)، ۱۷۲

Marfat.com

امالی (شیخ مفید)، ۴۷
امالی (طوسی)، ۳۷
امالی (المؤید بالله)، ۱۷۲
الامثال التی أوردها العلامة النویري في كتاب نهاية الارب، ۲۲۳
امثله، ۱۹۸
امل الآمل، ۸۰
الانساب (سمعانی)، ۶۹، ۷۷ـ۷۸
انساب الالباب و القاب الاعقاب، ۷۷
الانساب المشجّرة، ۱۶۳
انساب و تبارشناسی غیر سادات، ۲۲۸
الانساب و المشجّرات، ۱۶۴
انس الوحید، ۲۳۱
الانوار القدسیّة، ۱۷۱
انوار المشعشعیّین، ۶۷، ۶۹
اوثق الوسائل، ۱۰۴
ایران تایمز (روزنامه)، ۳۳۴
ایران من الداخل، ۱۲۱
الایضاح، ۴۵
ایضاح دفائن النواصب، ۸۰
ایضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، ۵۱
الایقاد و الایقاظ، ۱۵۸
ایندپندنت (روزنامه)، ۳۳۴

«ب»

بحارالانوار، ۵۳، ۵۵، ۶۵، ۱۴۸
بحثی در بارهٔ مرجعیّت و روحانیّت، ۳۱، ۳۶، ۳۹
بحر الحساب، ۱۳۵
بداية المعرفة، ۱۵۶
البدر التمام في احوال الوالد القمقام ۱۵۴
بستان السیاحة، ۷۴، ۷۸ـ۷۹
بصائر الدرجات، ۳۷
بغیةُ النبلاء في تاریخ کربلاء، ۲۸۹
البلدان، ۱۹۴
بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، ۲۱۸
البهجة المرضیّة في شرح الفیّة بن مالک ۱۲۷
بیان المطالب (حاشیهٔ مکاسب)، ۲۱۷
البیع، ۱۶۵، ۲۰۸

«پ»

پیام انقلاب (مجلّه)، ۱۲۱

Marfat.com

پیشوای اسلام حضرت محمّد (ص) ۲۲۸

«ت»

تاج العروس، ۷۳ـ۷۴
التاج المرصّع بجواهر القرآن و العلوم (الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم) ۲۵۵
تاریخ آل‌محمّد (ص)، ۸۶، ۲۵۲
تاریخ ادبیات در ایران، ۸۱
تاریخ الاسلام، ۶۵
تاریخ اولاد الاطهار، ۱۱۴
تاریخ ایلچی، ۸۲
تاریخ تبریز، ۹۷
تاریخ خاندان مرعشی در مازندران ۸۱، ۸۳ـ۸۵
تاریخ خانی، ۸۵
تاریخ زندگانی قمر بنی هاشم (ع)، ۲۲۸
تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۸۱، ۸۳ـ۸۴
تاریخ طبری، ۶۵، ۷۱
تاریخ الکبیر، ۶۵
تاریخ کربلاء، ۱۵۸
تاریخ گیلان و دیلم، ۸۳
تاریخ مازندران، ۸۳ـ۸۵
تاریخ و جغرافیای کربلای معلّی، ۲۱۵
تأسیسات، ۲۱۷
تأسیس الشیعة، ۱۵۳
التبصرة، ۱۶۷
التبصرة في ترجمة مؤلف التکملة، ۲۲۳
تبصرة المتعلّمین، ۱۲۷
تتمیم حدائق، ۱۷۴
التجوید، ۲۲۰
تحریر الاحکام، ۵۱
التحفة الاحمدیّة في ترجمة زعیم الاسلام من السادة المرعشیّة، ۲۵، ۷۹ ـ ۸۱، ۸۳ ـ ۸۸، ۹۳، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۱ـ۱۲۲، ۲۰۴، ۲۱۲
التحفة الحسینیّة، ۱۵۰
تحفهٔ سلطانی، ۲۲۵
تحفة العالم في شرح خطبة المعالم، ۱۴۹
التحفة لطالب النفحة (الصّرفة فی ترجمة صاحب کتاب النفحة)، ۲۲۵
التحفة النظامیّة، ۱۵۷
تحفة الوارثین، ۱۳۷
تحفة الواعظین، ۲۱۸

Marfat.com

تحقيق الاحكام، ۱۵۴
التدوين في احوال جبال الشروين، ۸۱، ۸۳، ۸۵
تذكرة الفقهاء، ۵۱
تذكرة القبور، ۱۲۱، ۲۵۴
تذكرة المتقين، ۱۶۲
تراجم اعيان السادة المرعشيّين، ۲۲۳
ترجمة البيان في اخبار صاحب‌الزمان ← خورشيد پنهان
ترجمهٔ لئالى الاخبار، ۳۶۲
ترجمهٔ المناقب (مناقب اميرالمؤمنين) ۳۶۱_۳۶۲
تشريح الاصول، ۱۰۲
تشريح الافلاک، ۱۳۶
تشريح و محاكمهٔ تاريخ آل‌محمّد (ص) ۲۲۴
التعادل و التراجيح، ۱۶۶
تعليقه بر رجال ابوعلى، ۹۷
تعليقه بر كفاية الاصول، ۱۰۹
تعليقه بر مكاسب، ۱۰۹
تعليقة البهبهانيّة، ۵۶
تعليقة على الاسفار، ۱۶۸
التعليقة على اصول الكافي، ۸۷
التعليقة (الحاشية) على حكمة الاشراق ۸۷
تعليقة على الرسائل، ۱۵۷
تعليقة على شرح منظومة، ۱۶۱
تعليقة على الشفاء، ۱۴۸
تعليقة على الفصول فى الاصول، ۱۴۲
تعليقة على القوانين، ۱۴۲
التعليقة على كتاب من لا يحضره الفقيه ۸۶
التعليقة على متاجر، ۱۶۹
التعليقة (الحاشية) على مختصر الاصول، ۸۷
تعويذ اللسان، ۱۴۴
تعيين قبله، ۹۷
تعيين مدفن رأس الحسين (ع)، ۲۲۳
تفسير بيضاوى، ۱۴۳
تفسير شاهى، ۲۲۵
تفسير القرآن، ۱۶۱
تفسير المنار، ۲۵۲
تفسير الميزان، ۱۱۴
تقريرات آيت‌الله خليلى، ۱۴۵
تقريرات آيت‌الله نائينى (فقه)، ۱۰۹
تقريرات حضرت آيت‌الله العظمى

Marfat.com

مرعشی نجفی (ره)، ۷۲
تقریرات خارج مکاسب، ۲۳۵
تقریرات درس اصول و فقه آیت‌الله ـ العظمی حجت کوه‌کمری، ۳۰۰
تقریرات شیخ انصاری، ۱۳۶، ۱۴۶
تقریرات کتاب قصاص، ۲۳۵
تقویم البلدان، ۷۴
تقویم الشریعة، ۹۸
تکملة امل الآمل، ۱۵۳
تکملة نجوم السماء، ۲۲۳
تکمیل تذکرة القبور، ۲۲۴
تلخیص الهیئة، ۱۳۶
تنبیه الملّة و تنزیه الامّة، ۵۸
تنقیح اسانید التهذیب، ۵۹
تنقیح المقال در علم رجال، ۶۵، ۶۹، ۷۷، ۱۵۳، ۱۸۵
تنویر المرآة در شرح اسانید کافی و بیان احوال و رجال، ۱۵۵
التوحید و التثلیث، ۱۴۵
توضیح المسائل، ۲۲۱ ـ ۲۲۲
تهذیب الانساب، ۶۵ ـ ۶۶، ۶۸ ـ ۶۹
تهذیب التهذیب، ۶۵
تهذیب الشیعة لاحکام الشریعة، ۴۶
تهذیب الکمال، ۶۵ ـ ۶۶
تهذیب المنطق، ۱۲۷، ۲۲۳

«ث»

الثبت الکافی، ۲۲۹
الثقات، ۶۶

«ج»

جامع احادیث الشیعة، ۵۹
جامع عباسی، ۵۴
جامع العلل، ۹۷
جامع المقاصد، ۵۲
جامع المقدمات، ۱۲۷، ۱۹۸
جذب القلوب الی دیار المحبوب (فاکهة النوادی)، ۲۳۱
الجرح و التعدیل، ۶۵
جمهوری اسلامی (روزنامه)، ۳۳۴
جُنگ، ۹۷
الجواب المنیف فی نفی التحریف، ۱۸۷
جوامع الجامع، ۱۴۳
جوامع الکلم، ۱۵۸
جواهر الاخلاق، ۲۱۷
جواهر الطّب، ۱۳۸

Marfat.com

الجواهر في تـفسير القـرآن الكـريم ← التاج المرصع بجواهر القرآن والعلوم
جواهر الكلام في شرح شرايـع الاسـلام ۴۴، ۵۷، ۱۶۷
الجهاد فی الحضّ علی الجهاد، ۱۱۴
جهان پزشکی (مجلّه)، ۹۳، ۱۲۱

«چ»

چهرهٔ درخشان امام زمان یا ترجمهٔ الزام الناصب، ۲۱۷، ۳۶۱

«ح»

حاشیه بر بحر الانساب، ۹۷، ۲۲۸
حاشیه بر تحریر اقلیدس، ۱۳۵
حاشیه بر تفسیر بیضاوی، ۹۷
حاشیه بر جواهر، ۹۷
حاشیه بر جوهر النضید، ۱۴۱
حاشیه بر خلاصة الحساب، ۱۳۵
حاشیه بر روضات الجنات، ۱۴۱
حاشیه بر شرایع، ۹۷
حاشیه بر شرح اسباب، ۹۷
حاشیه بر شرح عمدة الطالب، ۹۷
حاشیه بر شرح کافیهٔ جـامی ← قـطف الخزامي من روضة الجامي
حاشیه بر شرح اللمعة الدمشقیّة، ۹۷
حاشیه بر شرح منظومه، ۹۷، ۱۴۱
حاشیه بر شرح نفیسیی، ۹۷
حاشیه بر فارسی هیئت، ۱۰۶
حاشیه بر فرائد الاصول، ۹۷، ۲۲۲
حاشیه بر الفصول المهمّة، ۲۲۰
حاشیه بر قانون ابن سینا، ۹۷، ۱۳۸
حاشیه بر قواعد الاحکام، ۱۱۴
حاشیه بر قوانین الاصول، ۲۲۳
حاشیه بر کتاب (اُکر)، ۱۳۵
حاشیه بر کتاب سرخاب، ۲۳۱
حاشیه بر کتاب السرّ المکنون، ۲۳۱
حاشیه بر کتاب عمدة الطالب في انساب آل ابیطالب، ۲۲۸
حاشیه بر کتاب متاجر، ۹۷، ۲۲۱
حاشیه بر کتاب مفتاح، ۲۳۱
حاشیه بر کتاب الوسیله، ۲۲۱
حاشیه بر کفایة الاصول، ۱۳۶
حاشیه بر مجمع الامثال، ۱۴۱
حاشیه بر مدارک، ۹۷
حاشیه بر مطوّل، ۱۴۱
حاشیه بر معالم، ۹۷

Marfat.com

حاشية رياض المسائل، ۱۰۵
حاشية العروة الوثقى، ۱۴۴، ۱۶۷
حاشية علىٰ الاسفار، ۱۷۱
الحاشية على الالفيّة، ۱۷۰
حاشية على انوار التنزيل، ۲۲۰
حاشية علىٰ تشريح الافلاک، ۱۰۵
حاشية على تفسير البيضاوى، ۱۰۵
حاشية علىٰ حاشية ملّا عبدالله في المنطق، ۱۰۶
حاشية علىٰ شرح اللمعة فى الفقه، ۱۰۵
حاشية علىٰ شرح المطالع، ۱۰۵
حاشية على عروة الوثقى، ۱۰۹، ۱۶۷
حاشية على عمدة الطالب في انساب آل‌ابيطالب، ۱۰۵
الحاشية على الفقيه، ۸۹
حاشية على القانون فى الطبّ، ۱۰۵
حاشية على القوانين، ۱۰۵، ۱۶۶
حاشية علىٰ كفاية الاصول، ۱۰۵، ۱۷۰ـ ۱۷۱
حاشية على مزار البحار، ۱۰۶
الحاشية على المكاسب، ۱۰۵، ۱۴۵، ۱۷۱
حاشية الفصول، ۱۹۷
حاشية الكافية، ۱۴۴، ۱۴۷
حاشيهٔ مختصر بر كتاب من لا يحضره الفقيه، ۲۲۰
حاشيهٔ مختصر بر مبحث وقت و قبلهٔ كتاب شرح لمعه، ۲۲۱
حاشية المطوّل، ۱۰۵
حاشية معالم الاصول، ۱۰۵
حاشية المكاسب، ۱۴۷، ۱۵۲
حاشيهٔ ملّا عبدالله يزدى، ۱۹۸، ۲۸۸ـ ۲۸۹
حاشية وقايع الايّام، ۲۲۳
حبيب السير، ۸۱ـ ۸۲، ۸۴ـ ۸۵
الحجاب فى الاسلام، ۲۱۳
حدائق الانس، ۲۲۸
الحدائق الماظرة، ۱۷۴
حدود العالم، ۷۴
حديث از نظر شيعه، ۲۰۸
الحديقة الورديّة حول روضة البهيّة، ۲۲۴
حذف الفضول عن مطالب الفصول، ۱۴۹، ۲۲۳
الحق المبين، ۵۴
حقيقة الوجود، ۸۲

Marfat.com

حلقات شهید صدر، ۱۲۷ـ۱۲۸
حواش علی منتهی المقال، ۱۰۶
حواشی بر شرح چغمینی، ۱۳۷
حواشی العروة الوثقی، ۱۴۹
حواشی الوسیلة، ۱۴۹
حوزه (مجلّه)، ۳۳۴

«خ»

خلاصة الاقوال، ۷۷
خلاف، ۴۹
خودآموز معالم، ۲۱۷
خورشید پنهان (ترجمهٔ کتاب البیان في اخبار صاحب الزمان)، ۳۶۲
خیر الزّاد لیوم المعاد، ۱۴۷

«د»

دادوستد (در متاجر)، ۹۷
دانشمندان آذربایجان، ۹۳
دائرة المعارف تشیع، ۱۲۱
دائرة المعارف شهرهای جهان، ۷۶
الدراری اللّامعات، ۱۷۰
الدرّ الثمین، ۱۵۵
الدرّ الفرید في نبذ من الاسانید، ۲۲۹
الدرجات الرفیعة، ۷۷
درر الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار ۲۱۷
درر الفوائد (در اصول فقه)، ۱۶۹
الدرر اللوامع، ۱۴۴
الدرر الموسویّة في شرح عقائد الجعفریّة، ۱۵۳
دروس، ۲۱۷
الدرّة النثیرة فیما یتعلق بالاجازة الکبیرة ۲۲۹
الدرّة النجفیّة فی الردّ علی الصوفیّة، ۵۶، ۱۶۴
الدرّة النضیدة في شرح القصیدة، ۱۶۴
الدرّة الوجیزة (در شرح الوجیزة في علم الدرایة)، ۱۵۴
دلیل الحیران، ۸۳
الدوحة الفاطمیّة، ۲۲۹
دیوان سیّد جمال‌الدّین مرعشی، ۸۷
دیوان الشعر، ۱۷۰
دیوان شعر در مدایح و مراثی أئمّه، ۱۶۴
دیوان مجنون عامری، ۱۴۲
دیوان محلاتی نجفی، ۱۴۴

Marfat.com

«ذ»

ذخائر المجتهدين در شرح معالم الدّين ۱۷۰
ذرایع البیان في عوارض اللّسان، ۲۱۷
الذریعة الیٰ تصانیف الشیعة، ۴۸، ۸۳، ۹۳، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۸۰، ۲۵۱، ۳۵۹
ذریعة العباد، ۱۵۰
ذرّیة المصطفی، ۹۷
ذیل عمدة الطالب، ۸۹

«ر»

راهنمای سفر مکّه و مدینه، ۲۲۱
الرجال، ۱۰۳
الرجال برقی، ۴۵، ۱۹۴
رجال الحدیث، ۱۰۹
رجال طوسی، ۴۸، ۶۵
رجال کشّی، ۳۵، ۵۹
الرحلة الآذربایجانیّة، ۲۳۰
الرحلة الاصفهانیّة، ۲۳۰، ۲۵۴
الرحلة الخراسانیّة، ۲۳۰
الرحلة الشیرازیّة، ۲۳۱
الرحلة المدرسیّة، ۱۴۵
الردّ علی البهائیّة، ۱۷۰
الردّ علی القادیانی، ۱۴۵
الردّ علی مدّعي التحریف (ردّ بر کتاب فصل الخطاب)، ۲۲۰
الردّ علی الوهابیّة، ۱۴۵، ۱۸۷
رسالهٔ ابن العلم دزفولی در زندگینامهٔ آیت‌الله مرعشی، ۱۲۱
رسالهٔ اثبات واجب، ۱۳۶
رسالهٔ اسدیّه، ۶۸، ۸۰، ۸۶، ۲۱۷، ۲۲۷
رساله‌ای در امراض حصبه، ۹۸
رساله‌ای در بارهٔ افرادی که شبیه رسول خدا (ص) بوده‌اند، ۲۳۲
رساله‌ای در جدری، ۹۸
رساله‌ای در حالات نصر بن مزاحم منقری، ۲۲۵
رساله‌ای در حرقت بول، ۹۸
رساله‌ای در حقیقت غنا و اقسام آن، با اصول موسیقی و بیان مشخصات غنا از غیر غنا، ۲۳۲
رسالهٔ تعلیم خطّ کوفی و کیفیّت نوشتن آن، ۹۷
رسالة الجدري، ۹۶

Marfat.com

رسالهٔ جفر، ۹۷
رساله در اثبات حلّیت لباس مشکـوک، ۲۲۱
رساله در بیع خیاری، ۲۲۱
رسـاله در تشـریح اعـقاب و ذراری حضرت اباالفضل العباس (ع)، ۲۲۸
رساله در خصوص سادات مدینهٔ منوّره، ۲۲۸
رسـاله در عـمل شـمسی (کـیمیا و طلاسازی)، ۹۷
رسالهٔ رأس الحسین (ع)، ۳۶۲
رسالهٔ رمل، ۹۷
رسالهٔ زکام، ۹۷
رسالهٔ سیر و سلوک، ۹۷
رسالهٔ طریفه، ۲۲۵
رسالهٔ عملیهٔ آیت‌الله اصطهباناتی، ۲۰۹
رسالهٔ عملیهٔ آیت‌الله بروجردی، ۱۴۹
رسالة فی الاسطرلاب، ۸۹
رسالة في تحريم المشروطة، ۱۶۸
رسالة في تحقيق الكرّ، ۱۴۷
رسالة في تراجم اعيان السادة المرعشيّة ۱۰۶
رسالة في تراجم بني طاووس، ۱۰۵
رسالة فی الدائرة الهندسية، ۸۹
رسالة في شرح الضابطة، ۱۴۳
رسالة في شرط المتأخّر، ۱۰۵
رسالة في عدم وجـوب الاجـتهاد عـلى جميع المكلفين عيناً، ۱۳۹
رسالة فی العصير، ۱۶۶
رسالة في فضائل السادة الاطهار، ۱۰۶
رسالة في قاعدة الشک بعد الفراغ، ۱۵۸
رسالة في قاعدة القرعة، ۱۵۸
رسالة في قاعدة اليد، ۱۵۸
رسالة في معرفة القبلة، ۱۳۷
رسالة فی المنجّزات، ۱۶۶
رسالة فی المنطق، ۱۵۴، ۱۵۷
رسالة في وجوب صلاة الجمعة عيناً في زمن الغيبة، ۱۰۶
رسالهٔ مناظرهٔ سیّد الحکما با سیّد حسین رفاعی در استانبول، ۹۷
رسـالة المـوسيقی وبـيان اقسـامه واحكامه، ۹۷
رسالهٔ نـظرات اصـلاحی دربـارهٔ پـيش نـويس قـانون اسـاسی جـمهوری اسلامی ایران، ۲۳۲
رسائل ← فرائد الاصول

Marfat.com

رسائل فی النجوم، ۸۹
الرضاعیّات، ۴۰
رضاکار (روزنامه)، ۳۳۴
الرغائب في ایمان ابیطالب، ۱۶۴
رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة، ۲۲۳
الروائح السماویّة في شرح الاحادیث الامامیّة، ۵۴
روض الریاحین ← سلوة الحزین ومونس الکئیب
الروضة البهیّة في شرح اللمعة الدمشقیّة (شرح لمعه)، ۵۳، ۱۰۸، ۱۲۸، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۹۸ـ۱۹۹.
روضة الصفا، ۸۱ـ ۸۲، ۸۴ـ۸۵
روضة العارفین، ۱۰۹
روضة الواعظین، ۳۷، ۲۲۷
رهنمای سعادت یا راه هدایت، ۲۱۷
ریاض الاقاحی، ۲۲۴
ریاض الجنّة، ۳۱۴
ریاض السالکین شرح صحیفهٔ امام زین‌العابدین (ع)، ۲۵۶
ریاض العلماء، ۷۹ـ ۸۰، ۲۳۹، ۲۴۲
ریاض المسائل، ۵۶
ریحانة الادب، ۸۱، ۸۳، ۹۳، ۱۲۱، ۲۱۵

«ز»

زاد القرّاء، ۸۳
زاد المسافرین، ۹۶
زبدة الاسانید، ۲۳۰
زندگی قمر بنی‌هاشم حضرت اباالفضل العباس بن علی بن ابی‌طالب (ع) ۲۱۵
زندگینامهٔ آیت‌الله مرعشی تا ۲۴ سالگی ۲۰۳
زندگینامهٔ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، ۲۵، ۲۱۳
زندگینامهٔ حضرت معصومه (س)، ۱۲۱
زهر الریاض في ترجمة صاحب الریاض، ۲۲۴
زیربنای تمدّن و علوم اسلامی، ۱۲۱

«س»

سادات العلماء الذین کانوا بعد الألف من الهجرة، ۲۲۴
سان شان (روزنامه)، ۳۳۴
سبعهٔ معلقه با شرح از صاحب مدارک

Marfat.com

۱۴۲
سبل الرشاد (سبیل الرشاد) در شرح نجاة العباد، ۱۵۲ ـ ۱۵۳
سبیل النجاة، ۲۰۷، ۲۲۲
سجع البلابل فی ترجمة صاحب الوسائل، ۲۲۴
سراج الانساب، ۶۸ ـ ۶۹، ۷۹ ـ ۸۲، ۸۶
سراج المبتدی در شرح بدایة الهدایة ۱۵۵
السرائر، ۵۰
سروش للعالم العربی (مجلّه)، ۱۲۱
السعید و السعادة، ۲۱۷
سفرنامهٔ استانبول و هندوستان، ۹۷
سفینة النجاة، ۵۴، ۱۶۶ ـ ۱۶۷
سلاح الداعی، ۱۱۶
سلافة العصر، ۲۵۶
سلام (روزنامه)، ۳۳۴
سلک الدرر، ۲۱۸
سلوة الحزین و مونس الکئیب (مونس المضطهد) یا روض الریاحین یا نسمات الصبا، ۲۳۱، ۳۷۱
سماء المقال، ۱۵۵
سند القرّاء و الحفّاظ، ۲۲۰
السؤال و الجواب، ۱۷۷
السیّد البطحاء، ۲۱۵
السیّدة زینب، ۳۶۲
السیر و السلوک، ۱۶۲
سیصد مسأله در احکام اموات، ۲۲۲
سیوطی، ۱۲۷، ۱۹۸

« ش »

الشافی، ۴۸
شبهای پیشاور، ۲۰۴، ۲۳۰
شجرهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیّه، ۶۷، ۸۰ ـ ۸۱، ۸۳ ـ ۸۴، ۸۶ ـ ۸۸، ۹۳، ۱۰۱
الشجرة الطیبة، ۱۶۳
الشجرة المبارکة، ۶۵، ۶۷ ـ ۶۹، ۷۲، ۷۹
شجره نامهٔ سادات حسینی کاشانی ۲۲۸
شجرة النبوّة، ۱۶۳
شخصیّت شیخ انصاری، ۱۰۱
شرائط الامارة، ۸۲
الشرایع، ۴۶
شرایع الاسلام، ۵۰، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۹۹
شرح ابن عقیل ← شرح الفیّهٔ ابن ناظم

Marfat.com

شرح احوال حضرت سلطانعلی فرزند امام باقر (ع)، ۲۲۳
شرح الارشاد، ۸۸
شرح اسباب و علامات، ۱۳۸
شرح الغاز و معمّیات شرف‌الدّین علی یزدی، ۹۷
شرح الفیّهٔ ابن ناظم (شرح ابن عقیل) ۱۲۷، ۱۴۲
شرح الفیّهٔ شهید اوّل، ۵۳
شرح انوار الملکوت، ۹۷
شرح باب حادی عشر، ۱۲۸، ۱۵۴
شرح بر جفر (محمّدقاسم هندوشاه) ۱۳۷
شرح بر سی فصل هیئت، ۹۷
شرح بزءُ الساعة، ۱۳۸
شرح بعض ابواب کتاب الارشاد، ۱۵۶
شرح بعض خطب نهج البلاغه، ۱۵۰
شرح البهجة المرضیّة، ۱۴۲
شرح التبصرة، ۱۵۵
شرح تجرید، ۱۲۸
شرح تشریح الافلاک، ۹۷
شرح تلخیص تفتازانی، ۲۲۰
شرح چغمینی، ۱۳۶
شرح حال آیت‌الله شیخ محمّد محلاتی نجفی، ۲۲۵
شرح حال ادوارد فندیک، ۲۲۴
شرح حال بهلول بهجت افندی، ۲۲۴
شرح حال سیّد ابوالقاسم طباطبائی تبریزی نجفی حائری، ۲۲۴
شرح حال سیّد اعجاز حسین نیشابوری کنتوری، ۲۲۴
شرح حال شیخ عزالدّین ابن اثیر موصلی جزری، ۲۲۴
شرح حال مولی عبدالواسع کاشانی ۲۲۴
شرح حال و آثار و آراء ابن‌سینا، ۳۶۰
شرح حال و آثار و آراء ابوحامد غزالی ۳۶۰
شرح حال و آثار و آراء ابونصر فارابی ۳۶۰
شرح خطب الحسین (ع) و کلماته القصیرة و اشعاره، ۱۵۸
شرح خلاصة الحساب، ۱۱۴، ۱۳۶
شرح دعای سیفی، ۱۳۵
شرح دعای شریف سمات، ۹۷، ۱۵۰، ۲۲۱

Marfat.com

شرح رضی بر کافیه، ۱۴۲
شرح زیارت جامعه، ۹۷، ۱۵۰، ۲۲۱
شرح زیارة عاشوراء، ۱۵۰
شرح سیوطی ← شرح البهجة المرضیّة
شرح شافیه، ۱۴۲
شرح شمسیّه، ۱۹۸
شرح صحیفهٔ امام زین‌العابدین (شرح صحیفهٔ سجادیه) ← ریاض السالکین
شرح الصحیفة السجادیّة، ۸۷ـ۸۸
شرح ضوابط، ۹۷
شرح طب الائمة، ۹۷
شرح طب النبی (ص)، ۹۷
شرح علی تبصرة العلّامة، ۱۶۵
شرح علی الدرایة (شهید ثانی)، ۱۷۱
شرح قانونچه، ۱۳۸
شرح قطر الندی، ۱۵۶
شرح قواعد الاحکام، ۵۳، ۱۶۸
شرح کتاب سرخاب در رمل، ۱۳۷
شرح کفایة الاصول، ۱۴۸، ۱۶۸
شرح لمعه ← الروضة البهیّة فی شرح لمعة الدمشقیّة
شرح مبحث الوقت و القبلة، ۱۵۰
شرح معالم الدّین، ۲۲۹
شرح مفتاح جلدکی، ۱۳۷
شرح ناصریّهٔ ابوالجارود، ۶۶
شرح نجاة العباد، ۱۴۹
شرح نجاة العباد ← سبل الرشاد (سبیل الرشاد)
شرح نخبة المقال، ۳۶۰
شرح النظام، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۹۸
شرح نفیس، ۲۱۷
شرح نفیسی، ۱۳۸
شرح وافیة الاصول، ۵۶
شرح وجیزة البهائي، ۹۶
شرح وجیزة فی علم الدرایة ← الدرة الوجیزة
الشریعة السمحاء، ۱۷۰
شش هزار مسئله، ۱۳۴
شعراء الغري، ۱۴۰
شقائق النعمان و نفحات الریحان، ۲۳۲
شمائل ترمذی، ۱۴۶، ۱۷۳
شمس الضحی في مناقب النبي والائمة الهدیٰ، ۱۰۹
شمس المعارف الکبری، ۱۳۹
شمس و قمر (مجلّه)، ۳۳۴

Marfat.com

شمع الانـدية و البـقاع فـى خـيرة ذات الرقاع، ۲۳۲
الشمعة في مصطلحات اهل الصنعة، ۲۳۱
الشـــموس الطـــالعة فـي شـرح زيـارة الجامعة، ۲۳۰
الشيعة و فنون الاسلام، ۱۵۳

« ص »

صحاح اللغة، ۷۳ـ ۷۴
صحيح بخارى، ۱۴۶، ۱۷۳
صحيح مسلم، ۱۷۳
صـــحيفهٔ حـــضرت عـــلى بـن مـوسى الرضا(ع)، ۱۷۲
صحيفهٔ سجّاديّه، ۲۹۵
صحيفهٔ كامل سجّاديّه، ۲۰۹
الصحيفة المهديّة، ۱۴۸
الصراط المستقيم، ۱۵۳، ۱۵۵، ۲۲۴
صرف مير، ۱۹۸
الصـــرفة فـي تـرجـمة صـاحب كـتاب النفحة ← التحفة لطالب النفحة
الصلاة، ۱۴۸، ۱۶۹
صلاة الجماعة، ۱۵۶
صلاة المسافر، ۱۵۵ـ ۱۵۶
صمديّه، ۱۹۸
صيغ النكاح، ۱۴۴

« ض »

الضوء البدري في حياة صاحب الفخري ۲۲۵
ضياء الكون فى النبوّة و الامامة، ۸۲

« ط »

طبّ الائمة، ۱۳۸
طبّ النبي، ۱۳۸
طبقات ابن سعد، ۶۵
طـبقات اعـلام الشـيعة، ۷۹، ۸۳، ۹۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۵۲
طبقات رجال، ۵۹
طبقات الرواة، ۱۵۸
طبقات النسّابين، ۲۲۸
طرائق الرياض، ۱۰۵
الطريق الاسلامى، ۱۲۱
الطـــريق و المـــحجة لثـمرة المـهجة ← الاجازة الكبيرة
الطريقة المرعيّة، ۱۴۵
طلسمات و مثلثات و مربعات، ۹۷

Marfat.com

«ظ»

الظرائف في ترجمة صاحب الطرائف ۲۲۵

«ع»

عبقات الانوار، ۹۶، ۱۰۴، ۱۵۷، ۱۸۱، ۲۵۱
عدّة الاصول، ۴۹
عدّة الداعي، ۵۲
عُدّة طريق التدقيق، ۱۵۵
عروة الوثقى، ۵۸، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۶۹، ۲۰۸ ـ ۲۰۹، ۲۲۲
عزّت ديروز و ذلّت امروز، ۱۳۵
العِزّيه (شرح حال امامزاده يحيىٰ)، ۲۲۵
عشق و رستگاری، ۲۱۷
علل الشرايع، ۳۵
علماء معاصرين، ۱۲۱، ۲۱۵
العلماء و الدولة، ۲۱۴
عمدة الطالب، ۶۵، ۶۷ـ۶۹، ۷۹، ۲۱۹، ۳۶۶
عناوين الاصول، ۱۷۰
عوالى اللألى، ۲۱۷
عوامل ملّا محسن، ۱۹۸
عيون اخبار الرضا، ۳۴

«غ»

غاية الآمال في ترجمة صاحب بهجة الآمال، ۲۲۵
الغاية القصوى لمن رام التمسّک بالعروة الوثقى، ۲۲۲
غاية الكمال في نسب آل‌سليمان وآل‌كمال، ۱۴۶
غنية المستجيز، ۲۳۰
غنية النزوع، ۴۹
غياث سلطان الورى لسكّان الثرى، ۵۰
الغيبة (طوسى)، ۳۶

«ف»

فاكهة الذاكرين، ۱۵۶
فاكهة النوادي ← جذب القلوب الىٰ ديار المحبوب
الفتحيّة، ۲۲۵
فتوح البلدان، ۷۵
الفخري في انساب الطالبيين، ۶۵، ۶۷ـ

Marfat.com

۶۹، ۲۱۸، ۲۲۵
فرائد الاصول (رسائل)، ۵۷، ۱۲۸، ۱۹۸ـ۱۹۹
الفرائد النسبية والرجاليّة و الادبيّة والحديثيّة، ۲۳۲
فروع العلم الاجمالي، ۱۶۵
الفروق، ۲۲۰
فصل الخطاب، ۱۵۷، ۲۲۰
فصول، ۲۲۳
فضائل اميرالمؤمنين على (ع) من كتاب المسند للامام احمد بن حنبل، ۲۱۳
فضائل السادات، ۲۲۶
فضائل القرآن، ۱۹۴
فقهای نامدار شيعه، ۱۲۱
فقه القرآن و يا آيات الاحكام، ۴۹
الفوائد الاصوليّة و الصلاة، ۱۴۸
فوائد چند در خصوص صحيفهٔ كاملهٔ سجاديه، ۲۲۱
الفوائد الرجاليّة، ۵۶، ۱۴۴، ۲۲۵
الفوائد الرضويّة، ۲۲۷
الفوائد الغروية، ۱۵۶
فهرس امامى الكتب التي نقلنا عنها في ملحقات الاحقاق، ۲۳۱
الفهرست، ۴۸
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشگاه الهیات و معارف اسلامی ۲۴۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۸۷
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ۹۳

«ق»

قاطعة اللجاج رد بر اخباريّه، ۱۵۳
قاموس الاعلام تركى، ۷۶
قاموس الامكنة و البقاع، ۷۶
قانون ابن سينا، ۱۳۸
قانون العلاج، ۶۳، ۹۶
قبسات من حياة سيّدنا الاستاذ آيةالله العظمى المرعشي النجفي، ۲۵، ۱۲۱، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۷۵، ۲۸۶
قرابادين اكبرى، ۱۳۸
قرابادين كبير، ۱۳۸
القسطاس المستقيم، ۱۳۷
قصد السبيل، ۱۵۳

Marfat.com

القضاء، ۱۶۵
قطف الثمار، ۸۸
قطف الخزامي من روضة الجامی (حاشیه بر شرح کافیهٔ جامی)، ۲۲۰
قلائد الدرر، ۱۶۶
القواعد، ۵۱
القواعد الفقهية، ۱۰۹، ۱۷۰
قوانين الاصول، ۵۶، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۹۸ـ۱۹۹، ۳۶۲
القول الفصل فيما لبني هاشم من الفضل ۱۸۷

«ک»

كاشفة الحال فی ترجمة مؤلف خزانة الخيال، ۲۲۵
الكافی، ۴۲ـ۴۳
الكامل (ابن اثير)، ۷۱، ۷۵ـ۷۶
كامل الزيارات، ۱۹۴
کاوشهای علمی در رجال و اسانید ۲۰۸، ۲۱۸
كائنات (مجلّه)، ۱۲۱
الكبریٰ (در منطق)، ۱۹۸
الكبريت الاحمر، ۱۵۶
كتاب في لغات القرآن، ۱۴۳
كتاب فی الهندسة، ۱۰۶
كتاب فی الهيئة، ۱۰۶
كتاب من لا يحضره الفقيه، ۳۴، ۴۷، ۵۹، ۱۵۲، ۱۹۴
كتاب الوقت و القبلة، ۲۳۰
كشف الارتياب في ترجمة صاحب لباب الانساب، ۲۲۵
كشف الاستار عن حياة مؤلف كشف الاستار، ۲۲۵
كشف الاستار عن وجه الكتب و الاسفار ۲۱۷
كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار، ۲۱۷، ۲۲۴
كشف الظنون عن صاحب كشف الظنون ۲۲۵
كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء ۵۶
كشف اللغات، ۲۳۸
كشكول رياض الانس (گلهای ارغوان) ۲۲۸
كفاية الاصول، ۵۸، ۱۰۲، ۱۲۸ـ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۴۸ ـ ۱۵۰،

Marfat.com

۱۷۱، ۱۷۳ ـ ۱۷۴، ۱۹۸ ـ ۱۹۹،
۲۰۹
کفایة الحکیم، ۸۷
کفایة الموحّدین، ۱۰۳
کلمة الصدق (در ردّ نصارا)، ۱۶۴
کلید بهشت، ۱۹۴
الکنز المرصود في قواعد التلمود، ۲۵۳
الکنی و الالقاب، ۳۰۲
الکواکب الدرّیة، ۱۴۴
کیفیّت پر کردن صد اندر صد عددی، ۹۷
کیهان اندیشه، ۳۳۴
کیهان انگلیسی (روزنامه)، ۳۳۴
کیهان ترکی (روزنامه)، ۳۳۴
کیهان عربی (روزنامه)، ۳۳۴
کیهان فارسی (روزنامه)، ۳۳۴
کیهان فرهنگی (مجلّه)، ۳۳۴

«گ»

گاهنامهٔ دنیای شیعه (انگلیسی)، ۳۳۴
گفتار خوش یارقلی در ردّ بهائیّت
۱۳۵، ۲۲۵
گفتار شیعه در اصول و فروع، ۲۱۸
گلهای ارغوان ← کشکول ریاض

الانس
گنجینهٔ آثار قم، ۱۲۱
گنجینهٔ دانشمندان، ۱۲۱، ۲۰۶، ۲۱۴ ـ ۲۱۵
گنجینهٔ دانشوران، ۱۲۱

«ل»

اللباب ابن اثیر، ۶۹
لباب الانساب، ۶۶ـ۶۷، ۶۹، ۲۱۸
لزوم نقد المشیخة الفقیه، ۸۹
لسان العرب، ۷۳
لغات الفقه (یا مصطلحات الفقهاء)، ۲۲۱
لغتنامهٔ دهخدا، ۷۳
اللمعة الدمشقیّة، ۵۲ـ۵۳
لمعة النور و الضیاء في ترجمة السیّد ابی‌الرضا، ۲۲۶
لؤلؤة الصدف في حیوة السیّد محمّد الاشرف، ۲۲۶
اللئالي المربوطة في لزوم المشروطة ۱۴۴
اللئالي المنتظمة و الدرر الثمینة، ۲۲۶

Marfat.com

«م»

ماهنامهٔ مکتب اسلام، ۳۳۴
مبانی الاصول، ۱۰۲
مبسوط، ۴۹
مبسوط سیّد ابوالمجد، ۸۶
متاجر، ۱۹۹
المتمسّک بحبل آل الرسول (ص)، ۴۶
مجالس المؤمنین، ۶۸ـ ۶۹، ۷۱، ۷۷ـ ۸۱، ۸۳، ۸۵
المجدي في انساب الطالبيين، ۶۵ـ ۶۶، ۶۸ـ ۶۹
المُجدي في حياة صاحب المجدي، ۲۲۶
مجلة الطريق، ۳۳۴
مجلة العرفان، ۲۵۲
مجلة الموسم العربی، ۱۲۱، ۳۳۴
مجلة هدی الاسلام، ۲۲۷
مجمع البحرين، ۲۲۶
مجمع الزيارات، ۱۰۵
مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان، ۵۳
مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات، ۲۲۱
مجموعه‌ای در اسامی کتب تراجم و رجال و تاریخ و حدیث و لغت از عامّه و خاصّه، ۲۳۲
مجموعة فيها عدة تراجم، ۱۰۶
مجموعهٔ مکاتبات، ۲۳۲
مجموعهٔ نفیسه، ۲۱۷
المحاسن، ۴۲، ۴۵
المحجة البيضاء، ۵۴، ۱۰۲
المخازن، ۲۱۷
المختصر الاحمدی للفقه المحمّدی، ۴۶
مختصر الرسائل، ۱۷۰
مختصر في لغات القرآن، ۱۳۹
مختصر النافع، ۵۰
مخزن الادوية، ۱۳۸
مخزن المعانی، ۱۵۳
مدارک الحج (مخطوط)، ۲۰۸
مدائن الفضائل و المعاجز، ۲۱۷
مدرسهٔ سیار، ۲۲۷
مذاکرات میزبان و میهمان، ۱۳۵
مرآة العقول، ۵۵
المراجعات، ۱۷۹
المراقبات، ۱۶۲
مراقد المعارف، ۱۴۰
مرقات الثقات، ۱۵۸

Marfat.com

مروج الذهب، ۷۱، ۷۶
مـزارات الطـالبيين (مـزارات العـلويين) ۲۲۸
مزارات العلويين ← مزارات الطالبيين
المساحة، ۱۹۴
مسارح الافكـار فـي تـوضيح مـطارح الانظار، ۲۲۲
مسارح الافكار في حلّ مطارح الانـظار ۱۴۹
مسالک الافهام في آيات الاحكام، ۲۲۷
المسالک و الممالک، ۸۸
المسائل البحرانيّة، ۱۵۳
مسائل الخلاف در فقه، ۴۸
المسائل الكاظميّة، ۱۵۳
مستدرک امل الآمل، ۱۰۶
مستدرک البحار، ۱۴۸
مستدرک كتاب شهداء الفضيلة، ۲۲۶
مستدرک الوسائل، ۱۰۲، ۲۰۰
المسـلسلات فـی الاجـازات، ۱۸۳ ـ ۱۸۴، ۳۶۰
المسلسلات في ذكر الاجازات، ۲۳۰
مستمسک عروة الوثقى، ۵۹
مستند الشيعه، ۵۷
مسوّد الخدود في مسائل الحدود در فقه ۱۱۴
المشاهد و المزارات، ۲۲۶
مشاهير دانشمندان اسلام، ۱۲۱
مشجّرات (سيّد ابوالمجد)، ۸۶
مشـجّرات آل رسـول‌الله الاكـرم (ص) (مشجّرات الهاشميين)، ۱۱۵، ۱۱۷، ۲۱۹، ۲۲۸، ۳۶۶
مشجّرات السادات، ۸۸
مشجّرات العلويين، ۱۰۴
مشـجّرات الهـاشميين ← مشـجّرات آل رسول‌الله الاكرم (ص)
مشجّرهٔ اجازات علماء اماميه، ۲۲۴
مصابيح الانوار، ۱۴۸
مصباح (در دعا)، ۱۱۴
مصباح (در فقه)، ۸۷
مصباح الفقيه، ۱۰۲
مصباح الناسكين، ۲۲۲
مـصباح الهـدايـة فـي سـالک الكـفاية (الهداية الى مقاصد الكفاية)، ۲۲۳
مصطلحات الفقهاء ← لغات الفقه
مصفى المقال، ۱۰۱، ۲۱۴
مـطارح الانـظار (تـقريرات شـيخ

Marfat.com

انصاری)، ۱۳۶
مطرح الانظار في تراجم الاطباء الاعصار، ۹۶
مطلع البدرين، ۲۲۶
مطوّل، ۱۰۸، ۱۴۱، ۱۹۸
معادن الحكمة في مكاتيب الائمة، ۲۲۷
معارج اصول، ۵۰
معارف الرجال، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۸۶، ۲۱۴
معالم الاصول، ۱۰۵، ۱۲۷، ۱۵۰، ۱۷۳، ۱۹۸ـ۱۹۹
معالم الدّين ← معالم الاصول
معالم العلماء، ۵۰
معانی الاخبار، ۳۴
المعتبر، ۵۱
المعجزة الخالدة، ۱۳۷
معجم البلدان، ۶۷، ۷۴
معجم الثقات و ترتيب الطبقات، ۲۰۸
معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرّواة، ۵۹، ۶۵، ۱۷۵
معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، ۱۰۱، ۲۱۵
معجم المؤلفين، ۸۲ـ۸۳، ۹۳، ۱۰۱، ۱۱۴
مع الحسين (ع) في نهضته، ۳۶۱
معرفة التقويم، ۱۳۶
المعوّل في امر المطوّل، ۲۲۰
معين الوارثين، ۱۶۶
مغنی اللبيب عن كتب الاعاريب، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۹۸
مفاتيح الجنان، ۱۸۶، ۳۰۲
مفاتيح الشرايع، ۵۴
مفتاح احاديث الشيعة، ۲۲۰
مفتاح الكتب الاربعه، ۲۱۸
مُفرّج الكروب، ۲۲۶
المقالات الغرّية، ۱۶۵
مقامات بديع الزمان همدانی، ۱۴۲
مقامات حريری، ۱۴۲
مقباس الهداية، ۱۵۴
مقتل الحسين (ع)، ۱۴۰
مقدمهٔ احقاق الحق، ۸۱
مقدمهٔ ايضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد، ۲۲۶
مقدمهٔ تتميم امل الآمل، ۲۲۶
مقدمهٔ تفسير الدّر المنثور، ۲۲۰
مقدمهٔ روضة المتّقين في شرح كتاب من

Marfat.com

لا یحضره الفقیه، ۲۲۶
مقدمهٔ کاوشهای علمی، ۲۲۶
مقدمهٔ کتاب چهرهٔ درخشان امام زمان (ع)، ۲۳۲
مقدمهٔ کتاب مجموعهٔ نفیسه، ۲۲۶
مقدمهٔ کتاب معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ۲۲۶
مقدمهٔ کتاب مؤتمر علماء بغداد، ۲۲۶
مقدمهٔ کتاب وقایع السنین و الاعوام ۲۲۶
مقدمهٔ مفاتیح الجنان، ۲۲۱
المقنعه، ۴۷
مکارم الآثار، ۱۰۱
مکاسب، ۱۲۸، ۱۹۸
ملاذ الاخیار، ۵۵
ملجأ الهارب في اغلاط عمدة الطالب ۲۲۸
ملحقات الاحقاق ← احقاق الحق
ملل و نحل شهرستانی، ۲۵۴
المناجاة الالهیات در مناقب امیرالمؤمنین (ع)، ۲۲۶
المناسک (آیت‌الله خوانساری)، ۱۵۳
مناسک (آیت‌الله مرعشی نجفی)، ۲۰۸
مناسک حج، ۱۰۵، ۲۲۲
مناقب آل ابی‌طالب، ۵۰
مناقب علی بن ابیطالب (ع)، ۲۲۷
مناهل الضَرَب في انساب العرب، ۱۰۲
منتخب الخلاصة فی الرجال، ۱۵۸
منتخب کتب الرجال الاربعة، ۱۵۸
منتهیٰ، ۵۱
منتهی الامال، ۳۰۲
منتهی المأمول في علم الاصول، ۱۶۴
منتهی المقاصد در شرح شرایع الاسلام ۱۵۳ ـ ۱۵۴
منظومه‌ای در نحو، ۱۵۸
منظومهٔ سبزواری، ۱۲۸، ۱۹۸
المنظومة فی الرجال، ۱۵۸
منظومهٔ نخبة المقال، ۲۲۷
منهاج الحاج، ۱۳۷
منهاج المؤمنین، ۲۲۲
منهج الرشاد فی ترجمة الفاضل الجواد الکاظمی، ۲۲۷
منهج المقال، ۵۶
منیة الحکیم و بغیة الفقیه، ۸۳
منیة الرجال في شرح نخبة المقال، ۲۲۷
منیة العاملین، ۲۲۷

Marfat.com

المواقيت، ۱۵۶
المواهب العلّية في ترجمة شارح الرسالة الذهبية، ۲۲۷
الموائد، ۱۰۳
مؤتمر علماء بغداد، ۲۱۸
مؤلفين كتب چاپی فارسی و عربی، ۹۳
مونس الكئيب المضطهد ← سلوة الحزين ومونس الكئيب
مونس المضطهد ← سلوة الحزين ومونس الكئيب
مؤيد الفضلاء، ۱۳۹
مهج الدعوات، ۱۰۵
ميزان التعليم، ۱۳۵
الميزان القاسط في ترجمة مورخ واسط ۲۲۷

«ن»

ناصريّات، ۴۸
النبراس فی الميزان، ۸۷
نبراس النور و الضياء في ترجمة مؤلف نجوم السماء، ۲۲۷
نجوم السماء، ۲۲۷
نخبة الاحكام، ۲۰۷، ۲۲۲
نزهة القلوب، ۷۴
نسب السادات، ۹۷
نسمات الصبا ← سلوة الحزين ومونس الكئيب
نشرية اقدام، ۱۴۷
نصاب الصبيان، ۱۹۸
نظام گزت (هفته نامهٔ حيدرآباد دكن) ۳۳۴
نظم الكافية، ۱۵۷
نفائس الفوائد، ۱۴۴
النفحة العنبريّه فی سلالة خير البرية ۱۷۲، ۲۲۵
نفی الريب عن نشأة الغيب، ۶۳، ۸۸
نقد عين الميزان، ۱۸۸
نقد فلسفهٔ داروين، ۱۷۰
نوادر الحكمة، ۴۵
نور باهر، ۲۰۹
نور علم (مجلّه)، ۳۳۴
نور العلم و المعرفة فی العقائد، ۱۴۴
النهاية (شيخ طوسی)، ۴۹
نهايهٔ (علّامهٔ حلّی)، ۵۱
نهاية الدراية، ۱۷۱
نهج البلاغة، ۴۳، ۴۸، ۱۴۲، ۲۰۹

Marfat.com

نهج البلاغة منظوم، ۲۱۸
نهضت خونين حسين (ع)، ۳۶۱
نهضة الحسين (ع)، ۱۳۷
نيل الوطر في علماء القرن الثالث عشـر ۱۸۸

«و»

الواعظ (مجلّه)، ۱۲۱
الوافي، ۵۴
الوافي بالوفيات، ۶۵
وثيقه الفقهاء در شرح التبصرة، ۱۵۶
وسائل الشيعة، ۳۴ـ۳۵، ۳۸، ۴۲ـ۴۳، ۵۵، ۲۰۰
الوسيلة، ۱۷۱
وسيلة المحبّين الى زيارة المقرّبين، ۲۱۸
وسيلة المعاد في مناقب شيخنا الاسـتاد ۲۲۷
وسيلة النجاة، ۱۰۳، ۱۵۰
وفيات الاعلام ← وفيات العلماء
وفيات الاعلام من الشيعة الكرام، ۱۵۳
وفيات العلماء (وفيات الاعلام)، ۲۲۷
وقايع الايام، ۲۲۸
وقاية الاذهان، ۱۷۰
وقعة صفّين، ۲۲۵
ولاية الفقيه، ۴۴

«هـ»

هادم اللّذات في ذكر الموت و الاعـتبار ۱۰۵
هداية الاديب، ۸۳
الهداية الى مقاصد الكـفاية ← مـصباح الهداية في سالک الكفاية
هداية الناسكين، ۲۲۲
هدية ذوى الفضل النهى بترجمة المـولى علم الهدى، ۲۲۷
هدية الزائرين، ۱۵۴
هدية العبد الىٰ القرّاء الكريم، ۱۳۷، ۱۴۳
هيئت قوشچى، ۱۳۶
الهيئة و الاسلام، ۱۳۷

Marfat.com

اماکن

«آ»

آب بخشان، ۲۵۴
آخنور طاقنک، ۷۶
آذربایجان، ۹۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳ - ۱۱۴
آستان قدس رضوی، ۱۹۲، ۲۴۴، ۳۳۰ - ۳۳۱
آستانهٔ اشرفیه، ۲۸۶
آستانهٔ حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) ۱۶۸، ۲۰۳، ۲۴۴
آستانهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه (س) ۲۴۴، ۲۸۲، ۲۸۵ - ۲۸۶، ۲۹۹
آستانهٔ شاهچراغ، ۲۴۴
آسیای صغیر، ۶۷، ۷۹
آفریقا، ۷۹
آلمان، ۱۶۰، ۲۰۲
آمریکا، ۲۶۴ - ۲۶۵، ۳۳۲
آمل، ۶۴، ۷۱، ۸۲، ۱۱۶
آهو قلندر، ۱۴۲

«الف»

ابهر، ۲۵۳
احمد آباد، ۲۶۳
ادارهٔ دارایی قم، ۲۳۷
ادارهٔ معارف، ۱۹۶
اراک، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۹۵، ۲۳۵
اردبیل، ۷۲، ۲۵۳
اردهال کاشان، ۲۵۹
ارض (زمین)، ۲۵۰

Marfat.com

ارض روم (ارز روم)، ۶۷
ارمنیّه، ۷۸
اروپا، ۹۵، ۲۶۱، ۳۳۲
ازنا، ۲۵۸
اسپانیا، ۳۱۳
استانبول، ۹۷
اسد آباد، ۲۵۳
اسرائیل، ۲۶۹
اصطهبانات، ۱۴۹، ۲۵۴
اصفهان، ۵۴ـ۵۵، ۷۰، ۷۹، ۸۶، ۹۴، ۱۱۳، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۹ ـ ۱۷۲، ۲۰۶، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۵۳ـ۲۵۴، ۲۵۸
افغانستان، ۵۴، ۱۱۶، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۵۰، ۳۳۳
الجزائر، ۲۵۰
امارات عربی، ۶۹، ۷۹
امامزاده احمد، ۲۵۴
امامزاده اسماعیل، ۲۵۴
اندرین، ۷۶
اندلس، ۳۴۴
اندونزی، ۲۱۴
انطاکیّه، ۷۴
انگلستان، ۵۸، ۱۷۰، ۲۴۰، ۲۶۱، ۳۳۴
ایتالیا، ۱۶۰
ایران، ۴۸، ۵۲، ۵۵ـ۵۶، ۵۸ـ۵۹، ۶۳، ۶۹، ۷۹، ۸۱، ۹۴ـ۹۵، ۱۰۸ـ۱۱۰، ۱۱۴ ـ ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۷ ـ ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۸۹، ۱۹۱ ـ ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷ ـ ۲۲۹، ۲۳۱ ـ ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱ ـ ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱ ـ ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۹ ـ ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳ ـ ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۱۲ ـ ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۳۱ ـ ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۹

« ب »

بابل، ۸۲

Marfat.com

بارسلون، ۳۱۳
بارفروش (بابل امروزی)، ۸۲
بازار تهران، ۱۱۰
بازار حق، ۷۶
بازار قم، ۲۸۷
بحرین، ۳۳۳
بخارا، ۱۶۰
بختیاری، ۱۳۸
برازجان، ۱۷۵
بروجرد، ۱۵۷
بصره، ۷۰، ۱۶۴، ۲۵۳
بغداد، ۴۵ ـ ۴۸، ۵۰، ۶۷، ۶۹ ـ ۷۱، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۵ ـ ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۷۰، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۵۲
بقیع (قبرستان)، ۶۴، ۱۱۳
بلژیک، ۱۶۰
بمبئی، ۱۳۴، ۲۰۳، ۲۵۵
بوانات، ۲۵۴
بوشهر، ۲۵۴
بهشت زهرا (گورستان)، ۱۱۰
بیت الله الحرام، ۲۸۹
بیرجند، ۱۵۶
بیروت، ۱۲۱، ۳۳۲
بیستان، ۷۶
بیمارستان تهران کلینک، ۳۱۳
بیمارستان خاتم الانبیا، ۳۱۳، ۳۱۵
بیمارستان فیروزآبادی، ۳۱۱، ۳۳۹، ۳۴۴ ـ ۳۴۵

«پ»

پاریس، ۲۷۱
پاکستان، ۱۳۵، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۵۰، ۲۵۷، ۳۳۲ ـ ۳۳۴
پکن، ۳۴۴
پل منجّم، ۱۰۷

«ت»

تانزانیا، ۲۰۶
تبریز، ۶۳، ۹۳ ـ ۹۸، ۱۰۷ ـ ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۹۱ ـ ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۵۳، ۲۶۱
تخت فولاد (گورستان)، ۲۵۴
ترکیه، ۷۲، ۷۶، ۷۹، ۹۶، ۲۵۰، ۲۶۰ ـ ۲۶۱، ۲۶۶ ـ ۲۶۷، ۲۶۹

Marfat.com

تقرود (طَغَرود)، ۱۱۳، ۲۲۸
تونس، ۲۵۰
تـــهران، ۵۹، ۸۶، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۳۷ ـ ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۰ ـ ۱۶۱، ۱۶۷ ـ ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۹۲ ـ ۱۹۳، ۲۰۳، ۲۰۵ ـ ۲۰۶، ۲۲۱ ـ ۲۲۲، ۲۲۴ ـ ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۵ ـ ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۱۳ ـ ۳۱۴، ۳۲۷، ۳۲۹ ـ ۳۳۱، ۳۳۸ ـ ۳۳۹، ۳۴۴، ۳۶۱ ـ ۳۶۳

«ج»

جادهٔ سراجه، ۲۵۸
جامع الازهر قاهره، ۲۵۵
جامو، ۳۳۲
جاوه، ۲۱۴
جبل، ۷۱
جبل عامل، ۵۵، ۳۳۳
جزریّه، ۷۳
جزیره (موصل)، ۷۴
جزیرة العرب، ۳۰
جعفریه، ۲۵۴
جمکران قم، ۲۹۵
جوباره، ۲۵۴
جهرم، ۲۵۴
جیحان، ۷۴

«چ»

چولمان، ۲۵۴
چهاردِه، ۱۵۰
چهار راه سجّادیه، ۲۳۶

«ح»

حبشه، ۶۹
حـــجاز، ۶۹ ـ ۷۰، ۷۹، ۱۷۰، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۵۹
حدث، ۷۳ ـ ۷۴
حلب، ۴۹ ـ ۵۰، ۷۶
حلّه، ۵۰، ۲۵۳
حمص، ۷۵
حمیر، ۷۳
حوزهٔ علمیهٔ سامرّا، ۱۳۱ ـ ۱۳۲
حوزهٔ عـلمیهٔ قـم، ۱۱۰، ۱۶۸ ـ ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۴ ـ ۱۸۵، ۱۹۳،

Marfat.com

۱۹۵، ۱۹۷ ـ ۲۰۰، ۲۰۴ ـ ۲۰۹،
۲۱۲ ـ ۲۱۳، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۵،
۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۰۰ ـ
۳۰۳، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۲ ـ ۳۲۶،
۳۳۰، ۳۵۸، ۳۷۰
حوزهٔ علمیهٔ کاظمین، ۱۳۱ ـ ۱۳۲
حوزهٔ علمیهٔ کربلا، ۱۳۱ ـ ۱۳۲
حوزهٔ علمیهٔ مشهد، ۲۰۲
حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف، ۱۰۱، ۱۰۸،
۱۱۳، ۱۲۹ ـ ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۶۰،
۱۷۵، ۳۲۴
حیدرآباد، ۳۳۴
حیدرآباد دکن، ۳۳۴
حیرهٔ قدیم، ۲۵۳

«خ»

خراسان، ۴۸، ۵۵، ۷۰، ۸۲، ۲۶۶
خرّم درّه، ۲۵۳
خلیج فارس، ۶۹، ۷۹، ۲۵۷، ۳۳۳
خمینی شهر (سِدِهٔ اصفهان)، ۱۴۲
خوارزم، ۶۹
خوزستان، ۷۰
خوی، ۱۱۳، ۲۵۳

خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی قم (ارم سابق)، ۲۳۷، ۲۴۲، ۳۲۱، ۳۷۰
خیابان اراک قم، ۳۲۱
خیابان امام خمینی قم، ۲۳۷
خیابان باجک قم، ۲۳۶
خیابان چهارمردان قم، ۲۳۶، ۳۷۰
خیابان آیت‌الله طالقانی قم (آذر سابق) ۲۵۸

«د»

دابویهٔ مازندران، ۸۲
دالکی، ۲۵۴
دامغان، ۲۵۳
دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران (دانشکدهٔ معقول و منقول سابق)، ۱۳۶، ۲۴۴
دانشگاه تهران، ۹۷، ۲۰۶ ـ ۲۰۷، ۲۴۶
دانشگاه لندن، ۳۵۹
دجیل، ۲۵۳
دخی اورفه، ۷۶
دکّهٔ (بغداد)، ۶۷
دکّهٔ (دمشق)، ۶۷
دماوند، ۲۵۳

Marfat.com

دمشق، ۶۷
دیار بکر، ۷۸
دیلم، ۵۴، ۸۳
دیلمان، ۷۱

«ر»

راوند، ۴۹
رستمدار، ۸۲
رشت، ۱۴۸، ۱۵۰، ۲۰۵
رقّه، ۷۳
رم، ۱۶۰
روسیه، ۱۳۷، ۲۶۱
روضهٔ رضوی، ۵۴
روم، ۷۳ـ۷۴
رویان، ۸۱ـ۸۴
ری، ۴۵، ۶۴، ۶۹ ـ ۷۱، ۸۰ ـ ۸۱، ۱۵۸، ۱۶۸، ۱۹۳

«ز»

زبیر، ۲۵۳
زمین، ۳۵۳
زنجان، ۱۵۰، ۱۹۱، ۲۵۳
زنگبار، ۶۹
زنوز مرند، ۱۱۳
زیتون، ۷۶

«س»

ساری، ۶۹ـ ۷۰، ۸۲ـ ۸۴
سازمان آب منطقه‌ای قم، ۲۵۹
سامرّا، ۵۸، ۱۴۳، ۱۴۶ـ ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۹۱، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۹۳ـ ۲۹۴، ۳۰۲
سبزوار، ۹۴، ۱۰۷، ۲۵۳
سبزه میدان آمل، ۶۴، ۸۲
ستّی فاطمه، ۲۵۴
سِدِهٔ اصفهان ← خمینی شهر فعلی
سرچشمهٔ تهران، ۹۶
سلطان آباد اراک، ۱۶۵
سمرقند، ۷۰ـ ۷۱
سماوه، ۲۵۳
سمنان، ۲۵۳
سودان، ۲۱۴
سوریه، ۵۴، ۶۹، ۷۲، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۵۰، ۳۳۳
سنبلان، ۲۵۴
سیحان، ۷۴

Marfat.com

«ش»

شارع الرّسول (نجف)، ۱۴۹
شام، ۵۲، ۶۷، ۷۳ـ۷۴، ۱۸۸
شاهرود، ۲۵۳
شروین، ۸۱، ۸۳، ۸۵
شکی، ۱۴۴
شمال آفریقا، ۷۹
شوشتر، ۷۹، ۱۵۷
شهر ری، ۴۷، ۲۴۴، ۲۸۶، ۳۱۱
شیراز، ۷۱، ۱۷۰، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۴۴، ۲۵۳ـ۲۵۴، ۲۸۶

«ص»

صنعا، ۱۸۸
صیدا، ۳۳۳
صین (چین)، ۳۳۷

«ط»

طبرستان، ۶۳ـ۶۴، ۶۹ـ۷۱، ۸۰ـ۸۴، ۸۶، ۱۰۱، ۱۱۵ـ۱۱۶
طویرج، ۱۵۸

«ع»

عبا فروشان، ۱۱۵
عراق، ۴۶، ۴۸، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۹ـ۷۰، ۷۹، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۳۹ـ۲۴۰، ۲۵۰ـ۲۵۳، ۲۶۰ـ۲۶۱، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۴
عشّار، ۲۵۳
علی‌آباد قم، ۳۱۲
العمارة، ۲۵۳

«غ»

الغري ← نجف اشرف
غوطهٔ دمشق، ۶۷

«ف»

فرات (رودخانه)، ۱۰۹
فرانسه، ۱۶۰، ۲۷۱
فرودگاه مشهد، ۲۶۶
فلسطین، ۵۴، ۲۶۹
فیروزکوه، ۲۵۳

Marfat.com

«ق»

قائن، ۱۵۶
قادسیه، ۲۹۴
قاهره، ۱۸۷، ۲۲۸، ۲۵۶
قبله، ۲۳، ۱۳۷
قروه، ۲۵۳
قزوین، ۷۰ـ۷۲، ۷۹ـ۸۰، ۲۵۳
قسطنطنیه، ۵۳
قلعهٔ فیروزکوه، ۸۲
قلعهٔ کجور، ۸۲
قلعهٔ مرعش، ۷۲
قلعهٔ نور، ۸۲
قفقاز، ۱۱۴، ۱۴۴
قم، ۲۱، ۴۵ـ۴۶، ۴۹، ۵۸ـ۶۰، ۶۳، ۸۶، ۹۳، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱ـ۱۶۲، ۱۶۹ـ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵ـ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱ـ۲۳۳، ۲۳۵ـ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱ـ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۱ـ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷ـ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۹ـ۲۷۱، ۲۷۴ـ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹ـ۲۸۳، ۲۸۵ـ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۹ـ۳۰۲، ۳۰۴ـ۳۰۵، ۳۱۰ـ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۴ـ۳۴۵، ۳۵۴ـ۳۵۵، ۳۵۷ـ۳۵۸، ۳۶۰ـ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰
قنّسرین، ۷۴ـ۷۵

«ک»

کازرون، ۲۵۳
کاشان، ۴۹، ۵۷، ۱۶۹، ۲۰۵، ۲۲۴، ۲۸۶
کاظمین، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۱، ۲۲۱، ۲۵۲
کانادا، ۳۳۲
کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۸۷ـ۸۸، ۱۰۵ـ۱۰۶، ۱۳۸ـ۱۳۹، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۳۵، ۳۶۰
کتابخانهٔ حسینیهٔ شوشتریهای نجف ۱۰۳

Marfat.com

کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ۹۳
کربلا، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۸۶، ۸۸، ۹۳ـ۹۴،
۱۳۸ ـ ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۴،
۱۵۷ ـ ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸،
۱۷۳، ۱۹۱، ۲۱۵، ۲۵۳، ۲۸۵،
۲۸۹، ۳۶۲
کردستان، ۸۶
کرمانشاه، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴،
۱۹۱، ۲۵۳
کرند، ۱۶۷، ۲۵۳
کشمیر، ۳۳۲
کلاردشت، ۱۶۰
کلکته، ۱۳۵
کنگاور، ۲۵۳
کوت، ۲۵۳
کوفه، ۷۰، ۲۵۳، ۲۹۳
کوهستان مازندران، ۸۲
کوی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی
نجفی قم، ۲۵۸
کوی سفید آب قم، ۲۳۶
کوی یزدیهای قم، ۲۳۶
کهریزک، ۳۱۱، ۳۳۹

«گ»

گجرات، ۱۸۸
گرگان، ۶۹ـ۷۱
گیلان، ۸۳، ۸۵، ۲۶۱، ۲۸۶

«ل»

لار، ۲۰۵
لاهور، ۳۳۴
لاهیجان، ۱۷۳
لبنان، ۵۴ـ۵۵، ۱۶۶، ۲۰۴، ۲۵۰،
۲۵۲، ۳۳۲ـ۳۳۳
لرستان، ۱۴۲
لکهنو، ۱۲۱، ۱۵۷
لندن، ۲۴۰، ۳۱۲، ۳۳۴، ۳۵۹

«م»

مازندران، ۵۰، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۷۹ـ۸۶،
۱۶۰، ۱۷۱
ماکایار، ۶۹
مامطیر، ۷۰
ما وراء النهر، ۷۰، ۸۳
مجلس شورای ملّی، ۲۶۰

Marfat.com

محلّهٔ جوی شور قم، ۳۰۵
محلّهٔ العمارهٔ نجف، ۱۵۴ـ ۱۵۵
محلّهٔ مشراق نجف، ۲۳۹
مخاضة العلوی، ۷۴
مـــدینهٔ مـنوّره، ۶۷، ۷۹، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۸۹
مراغه، ۲۵۳
مراکش، ۲۵۰
مرعش، ۷۱ـ ۷۶، ۷۸ـ ۷۹
مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۱۴
مرند، ۱۱۳، ۲۵۳
مروانی، ۷۴ـ ۷۵
مسیّب، ۲۵۳
مشهد اردهال، ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۸۶
مشـــهد مـقدّس، ۵۴ـ ۵۵، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۹۲، ۲۵۳، ۲۶۶، ۲۸۶، ۳۰۲، ۳۱۹، ۳۳۱
مصر، ۵۴، ۶۹، ۹۴، ۱۶۰، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۵۰، ۲۵۲ـ ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۰
مصیصه، ۷۶
مغرب، ۶۹
مقام المهدی، ۱۰۶
مکّه، ۶۷، ۶۹، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۸۹
موزهٔ تاریخ پزشکی ایران، ۹۶
موصل، ۲۵۳،
مونترال، ۳۳۲
مهرجرد یزد، ۱۶۸
میانه، ۲۵۳
میدان آستانهٔ قم، ۳۲۱
میدان امام خمینی قم، ۲۵۸

«ن»

نجف اشـرف، ۴۸، ۵۰، ۵۳ـ ۵۴، ۵۶ـ ۵۹، ۶۳، ۷۹ـ ۸۰، ۸۶ـ ۸۸، ۹۳ـ ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۴ـ ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۵ـ ۱۳۷، ۱۳۹ـ ۱۵۰، ۱۵۲ـ ۱۶۲، ۱۶۴ـ ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۱، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۷ـ ۲۳۸، ۲۴۰ـ ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۶۰ـ ۲۶۱، ۲۶۹ـ ۲۷۰، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۰۱ـ ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۲۴ـ ۳۲۵
نهاوند، ۷۰
نهر حسینی، ۲۸۹

Marfat.com

نیشابور، ۲۵۳

«و»

وادی السلام نجف، ۹۸، ۱۰۶ ـ ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۷
واشنگتن، ۳۳۲
وزارت داخله، ۱۹۶
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۹۶
وزارت نفت، ۳۶۱
ولایت شِهِر، ۷۶

«ه»

هارون ولایت، ۲۵۴
هارونیّه، ۷۴
هامبورگ، ۲۰۲
همدان، ۱۹۱، ۲۵۳
هندوستان، ۶۹، ۷۹، ۹۵، ۹۷، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۳۸ ـ ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۸۸، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۷، ۳۳۲، ۳۴۴

«ی»

یزد، ۱۶۸، ۲۰۱
یمن، ۱۸۱، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۵۵

Marfat.com

پیوست اول

اجازات•

□ اجازات اجتهاد علما به آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

□ اجازات روایتی علما به آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

□ اجازات آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به دیگران

• در سراسر پیوستها، کلّیهٔ اجازات و دیگر اسناد و نامه‌ها و اطلاعیه‌ها به ترتیب تاریخ آمده و تقدّم و تأخّر آنها فقط بر اساس تاریخ آنهاست.

Marfat.com

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ ضیاءالدّین عراقی به آیت‌الله مرعشی (ره)
نجف اشرف، سال ۱۳۴۱ قمری

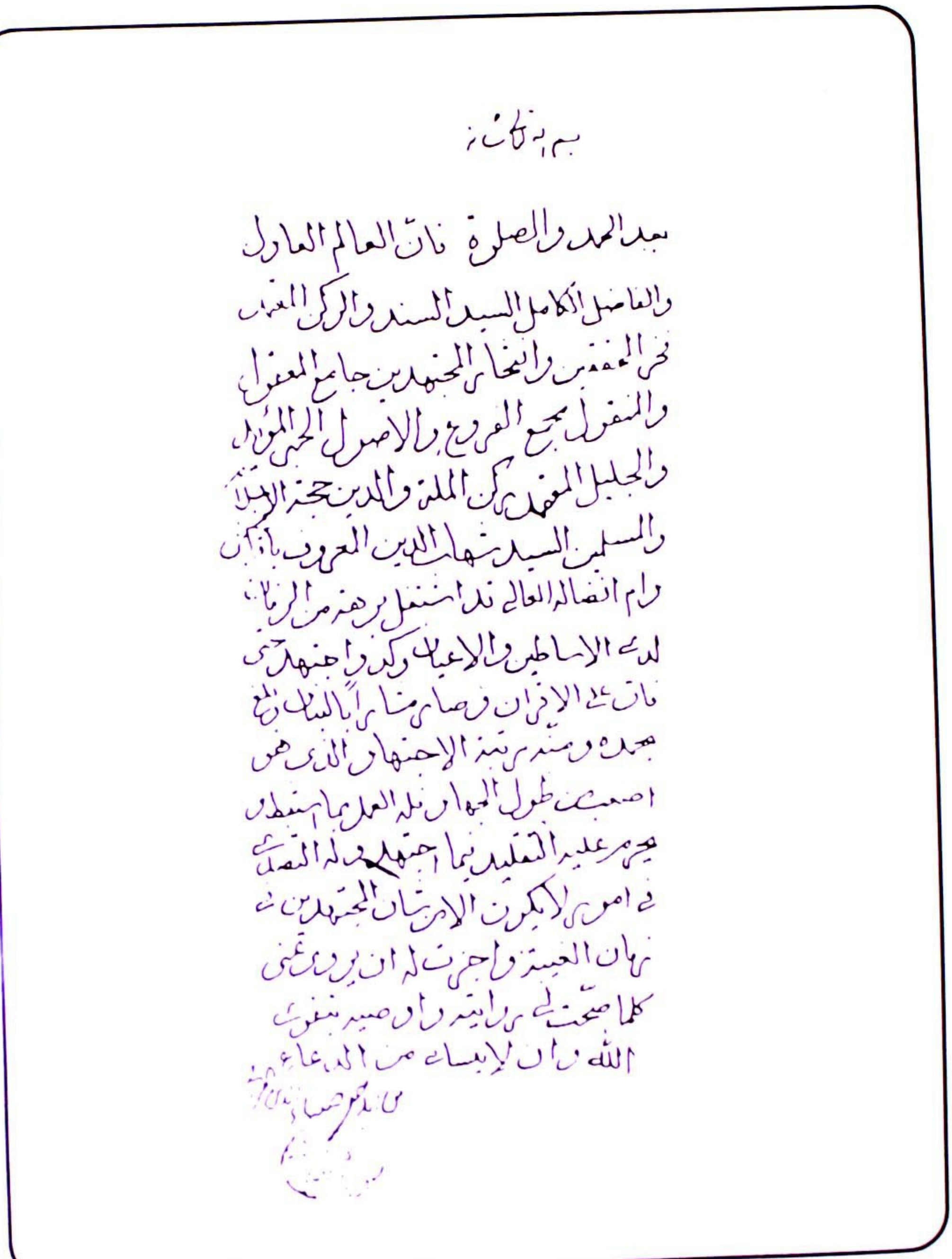

بسم الله تعالی شأنه

بعد الحمد والصلوة فانّ العالم العادل
والفاضل الكامل السيد السند والركن المعتمد
فخر المحققين وافتخار المجتهدين جامع المعقول
والمنقول مجمع الفروع والاصول الحبر المؤيد
والجليل المعتمد ركن الملة والدين حجة الاسلام
والمسلمين السيد شهاب الدين المعروف بآقا نجفي
دام افضاله العالي قد اشتغل برهة من الزمان
لدى الاساطين والاعيان وكدّ واجتهد حتى
فاق على الاقران وصار مشاراً بالبنان وبلغ
بحمده ومنّه رتبة الاجتهاد الذي هو
اصعب من طول الجهاد فله العمل بما استنبط و
يحرم عليه التقليد فيما اجتهد وله التصدي
في امور لا يكون الا من شأن المجتهدين في
زمان الغيبة واجزت له ان يروي عني
كلما صحّت لي روايته واوصيه بتقوى
الله وان لا ينساني من الدعاء

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد دوم مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ ضیاءالدّین عراقی به آیت‌الله مرعشی (ره)

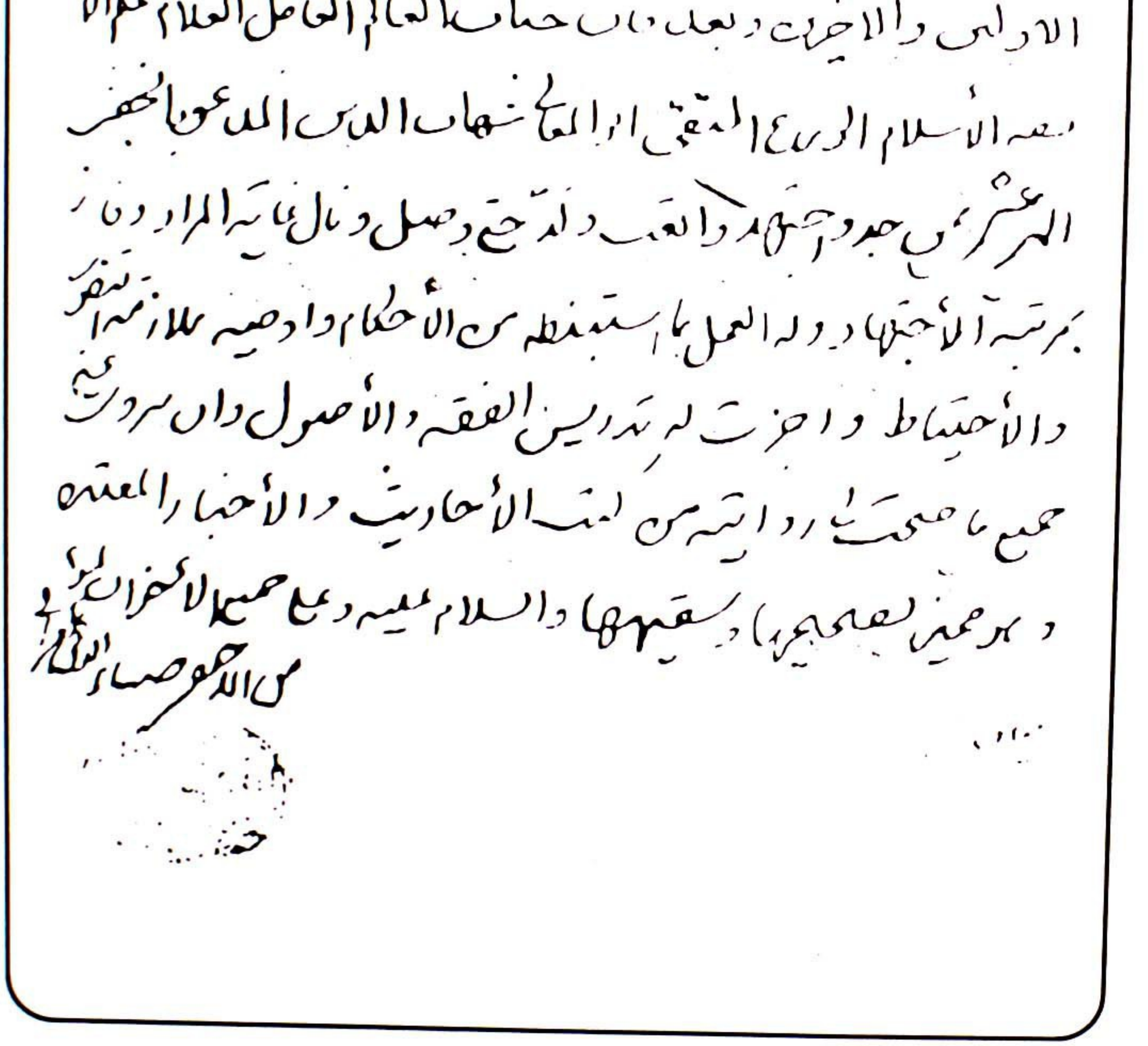

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی من اصطفاه
الاولین والآخرین وبعد فان جناب العالم العامل العلام علم الاعلام
بقیة الاسلام الورع التقی ابو المعالی شهاب الدین المدعو بالجعفر
المرعشی من جد واجتهد واتعب وکدّ حتی وصل ونال غایة المراد وفاز
بمرتبة الاجتهاد وله العمل بما استنبطه من الاحکام واوصیه بملازمة التقوی
والاحتیاط واجزت له تدریس الفقه والاصول وان یروی عنی
جمیع ما صحت لی روایته من کتب الاحادیث والاخبار المعتمدة
وهو ممیز بصحیحها وسقیمها والسلام علیه وعلی جمیع الاخوان المؤمنین
من الاحقر ضیاء الدین عراقی

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد سوم مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ ضیاءالدّین عراقی به آیت‌الله مرعشی (ره)

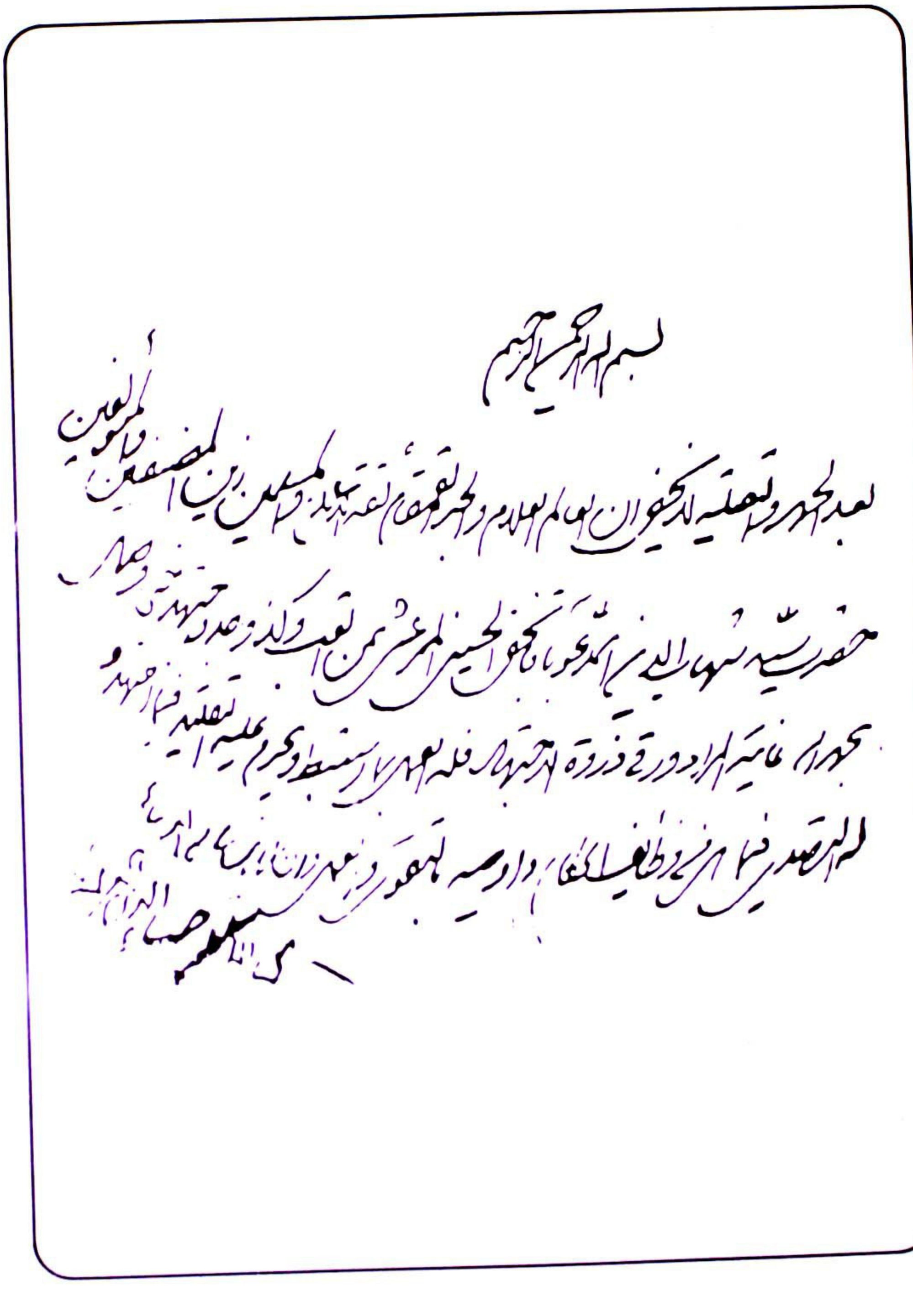

اجازهٔ اجتهاد چهارم مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ ضیاءالدّین عراقی
به آیت‌الله مرعشی (ره)

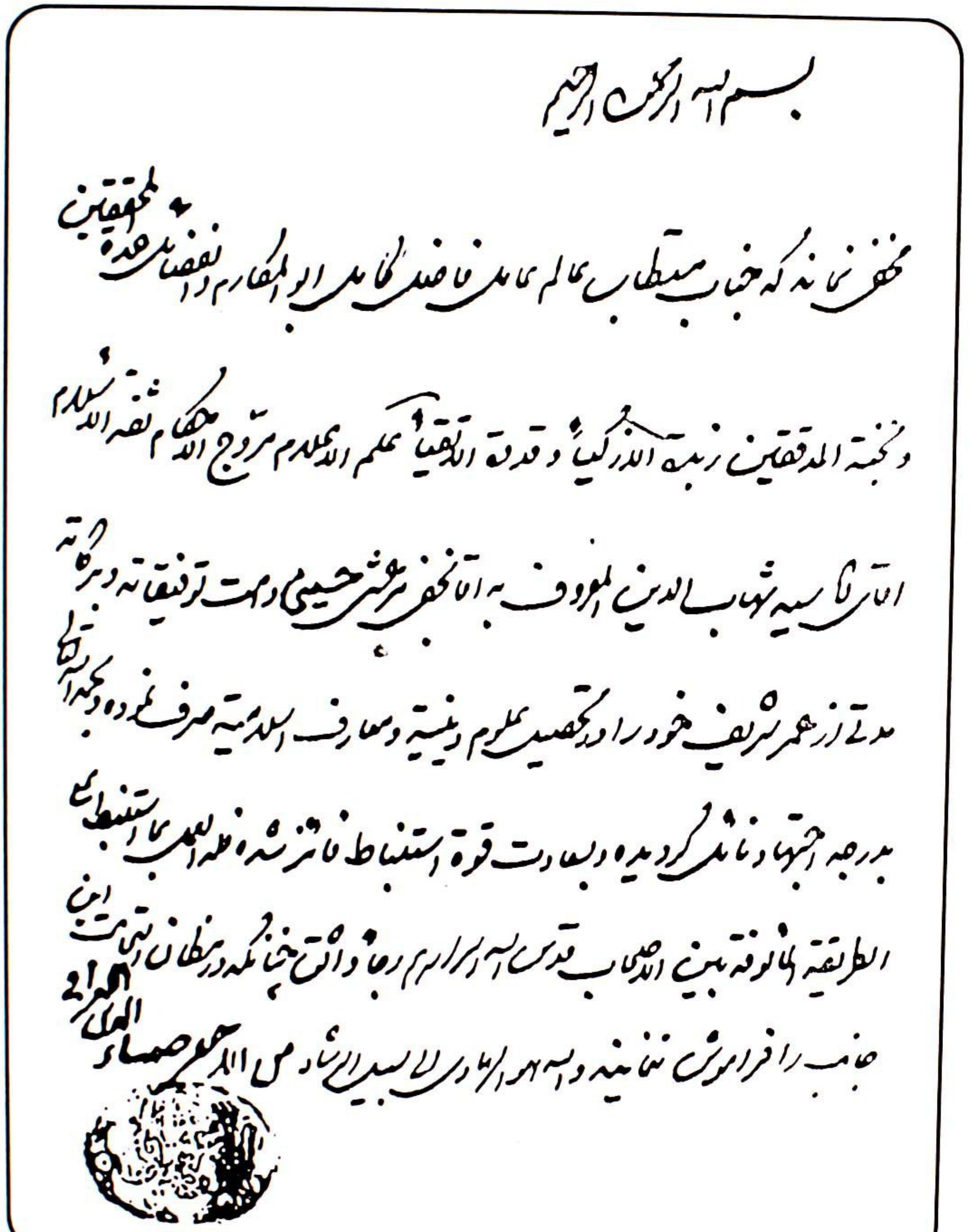

بسم الله الرحمن الرحیم

مخفی نماند که جناب مستطاب عالم عامل فاضل کامل ابوالمکارم والفضائل عمدة المحققین
ونخبة المدققین زبدة الاذکیاء وقدوة الاتقیاء علم الاعلام مروج الاحکام ثقة الاسلام
آقای آقا سید شهاب الدین المعروف به آقا نجفی مرعشی حسینی دامت توفیقاته وبرکاته
مدتی از عمر شریف خود را در تحصیل علوم دینیه ومعارف اسلامیه صرف نموده وبحمدالله تعالی
بدرجه اجتهاد نائل گردیده وبسعادت قوة استنباط فائز شده فله العمل بما استنبط علی
الطریقة المألوفة بین الاصحاب قدس الله اسرارهم رجاء واثق چنانکه در مظان استجابت این
جانب را فراموش ننمایند والله هو الهادی الی سبیل الرشاد من الاحقر ضیاء الدین العراقی

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی
به آیت‌الله مرعشی (ره) نجف اشرف، سال ۱۳۴۱ قمری

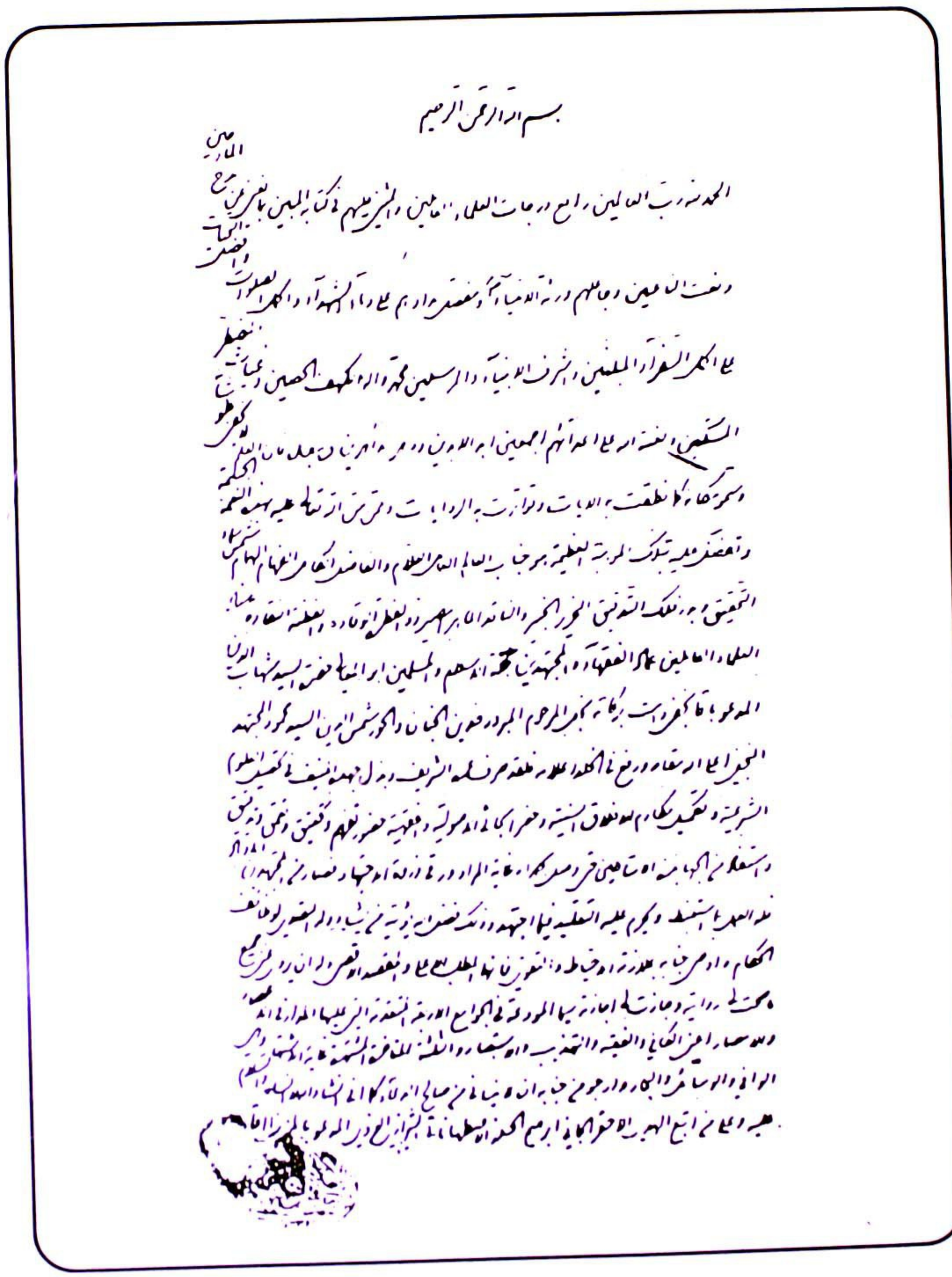

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و افضل درجات العلماء العاملین و اشرف علیهم فی کتابه المبین بما یفتخر من مع
و نعت الناطقین و جاعلهم ورثة الانبیاء و مقصد هذا رهم علماء الشهداء و اکمل الصلوات
علی اکمل السفراء المبلغین و اشرف الانبیاء و المرسلین محمد و اله مکهف الحصین و غیاث
المستجیرین و نعته ان علی ائمتهم الحجج الامین ابی الائمة و مرجع الاولین و الآخرین و علی آله الطیبین
و سمرکاته نطقت بالآیات و تواترت به الروایات و تشرف بالانتساب و تقرب الی الله بالاکتساب
و تفضل علیه تلک المرتبة العلیة بحر جناب العالم العلامة و الفاضل الفهامة الهمام الشمس
التحقیق و جبل تلک التدقیق النحریر الخبیر و الناقد الماهر البصیر ذو العقل الوقاد و الفطنة النقاد
العلماء العاملین عماد الفقهاء و المجتهدین حجة الاسلام و المسلمین ابو الضیاء حضرة السید شهاب الدین
المدعو باقا کمر دامت برکاته کابن المرحوم المبرور حسین الخوانساری و الحر شمس الدین السید کمر المجتهد
النجیب الی ان ساعده و رفع فی الخلد علاه فلقد حرر فسلمه الشریف و بذل جهده المنیف فی تحصیل العلوم
الشرعیة و تحقیق الاحکام المتعلقة بالسنة و حفظ الکتاب المرضیة و الفقهیة حفظ تفهم و تحقیق و تمعن و تدقیق
و استظهار و اکباب من اوقاته علی حد رصین بحیث ادرک غایة المراد و ورقه ازلة الاجتهاد و صار من المجتهدین
فلله الحمد باستحقاق و یحرم علیه التقلید فیما اجتهد و ادرک فصار من یؤتی به فی باب ولایة التقلید لوظائف
الاحکام و ادعی جنابه بعد ذلک اجازته و خاطبه و التمس منا بلطف علما و فضلا و کرما ان نرد علیه
بحث له روایة و اجازة لما اجازنا به المرحوم فی الجوامع الاربعة المشتهرة التی علیها المدار فی اعصار
و الاعصار امین الکافی و الفقیه و التهذیب و الاستبصار و الله الملهم الموفق للصواب و هو حسبنا و نعم
الوکیل و الوسائل و البحار و ارجو من جنابه ان لا ینسانی من صالح ادعیته کما انی لا انساه و الله یحفظه
هذه و یحمیه و یتبع الهدی و یحرز الحسنی و یجازیه ما هو اهله و یحسن الیه بالمزید انه قریب مجیب

Marfat.com

دو اجازهٔ دیگر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی
به آیت‌الله مرعشی (ره)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی من اصطفاه من الاولین والآخرین
والعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین وبعد فان شرف العلم لا یخفی
وفضله لایضع وممن تصدی للطالب والعمل به هو جناب العالم العامل
العلام مروج الأحکام شریعتمدار الأنام شهاب الدین الآقا النجفی
المرعشی دام توفیقه فلقد بذل فی هذا السبیل همته من عمره واشتغل
بنشر العلم فی زمرة من تصدی لتعلیم صلوت الیومیة وسلامة حتی یتیسر
مرتبة الاجتهاد ولایجوز له التقلید فیما اجتهد فیها وحیث
ان یروی عنی جمیع ما صحت لی روایته من کتب التفسیر والاخبار
المعتبرة واوصیه بملازمة التقوی والاحتیاط

الاحقر ابراهیم الحسینی
المدعو بالمرزا آقا



بسم الله الرحمن الرحیم

انچه بر احقر واضح ومعلوم است از زمانی که جناب مستطاب
شریعتدار رکن الاسلام آقای سید شهاب الدین مرعشی مدظله
به آقا نجفی داشت بر کمال زهد وتقوی وورع وعبودیت ایشان
مرتبهٔ استنباط وملکهٔ اجتهاد داشت

الاحقر ابراهیم الحسینی
الاصطهباناتی المدعو بالمرزا آقا



Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله سیّد محمّدکاظم حسینی عصّار تهرانی به آیت‌الله مرعشی (ره) در سال ۱۳۴۶ قمری

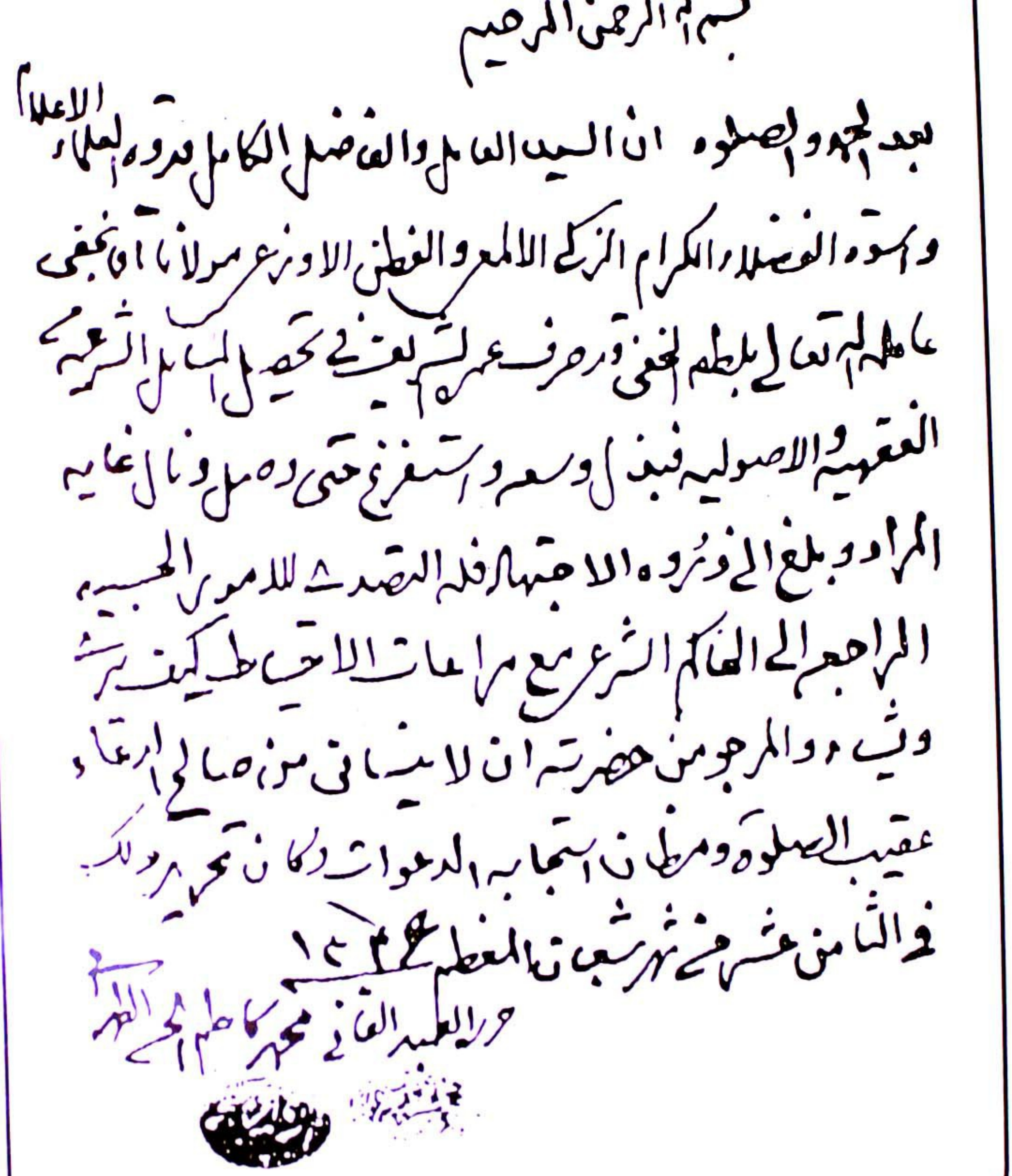

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد والصلوة ان السید العامل والفاضل الکامل قدوة العلماء الاعلام واسوة الفضلاء الکرام الزکی الالمعی والفطن الاوزعی سرلانا او نجفی عاملهٔ الله تعالی بلطفه الخفی ورحم عمره لسعیه فی تحصیل المسائل الشرعیه العقلیه والاصولیه فبذل وسعه واستفرغ حتی وصل ونال غایه المراد وبلغ الی ذروه الاجتهاد فله التصدی للامور الحسبیه الراجعه الی الحاکم الشرع مع مراعات الاحتیاط کیف یشاء ویشاء والمرجو من حضرته ان لا ینسانی من صالح ادعائه عقیب الصلوة ومظان استجابه الدعوات وکان تحریره فی الثامن عشر من شهر شعبانا المعظم سنه ۱۳۴۶

حرره العبد الفانی محمد کاظم الحسینی الطهرانی

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد دیگر مرحوم آیت‌الله سیّد محمّدکاظم عصّار تهرانی (ره) به آیت‌الله مرعشی (ره) در سال ۱۳۴۶ قمری که به وسیلهٔ مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیّد علی یثربی کاشانی تأیید شده است

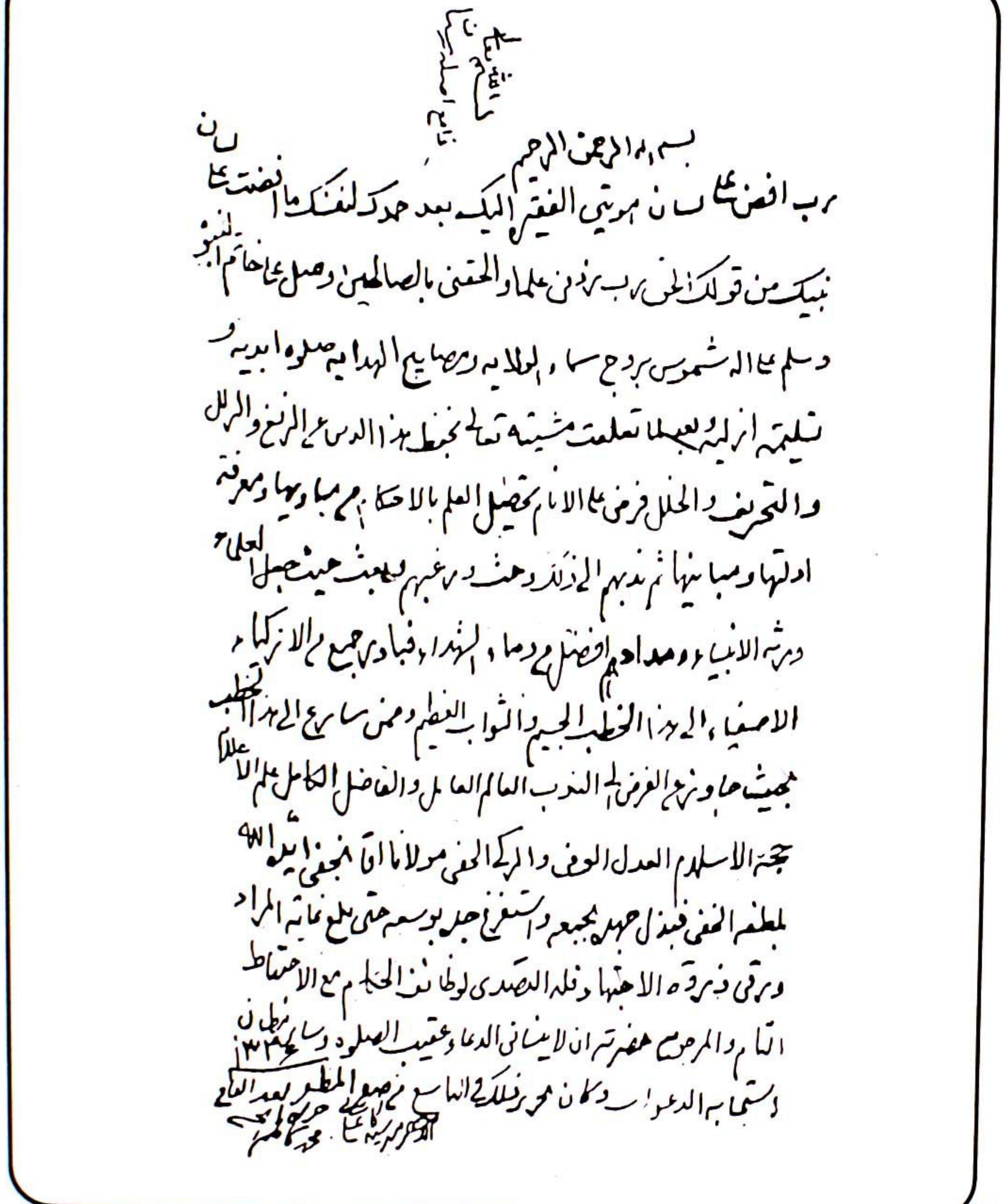

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیّد علی یثربی کاشانی
به آیت‌الله مرعشی (ره) در سال ۱۳۴۶ قمری

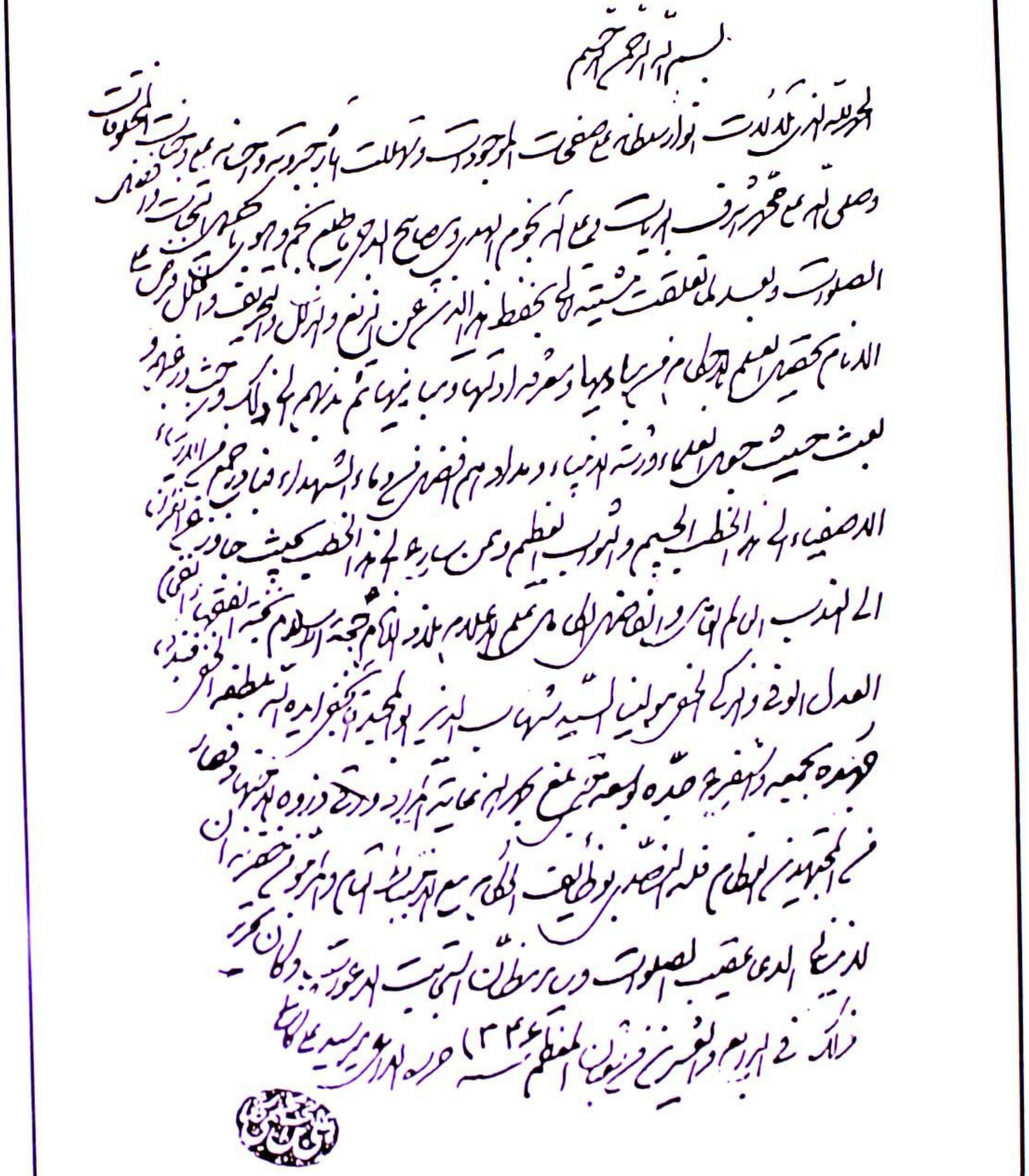

Marfat.com

دو اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا حسین نائینی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۹ قمری

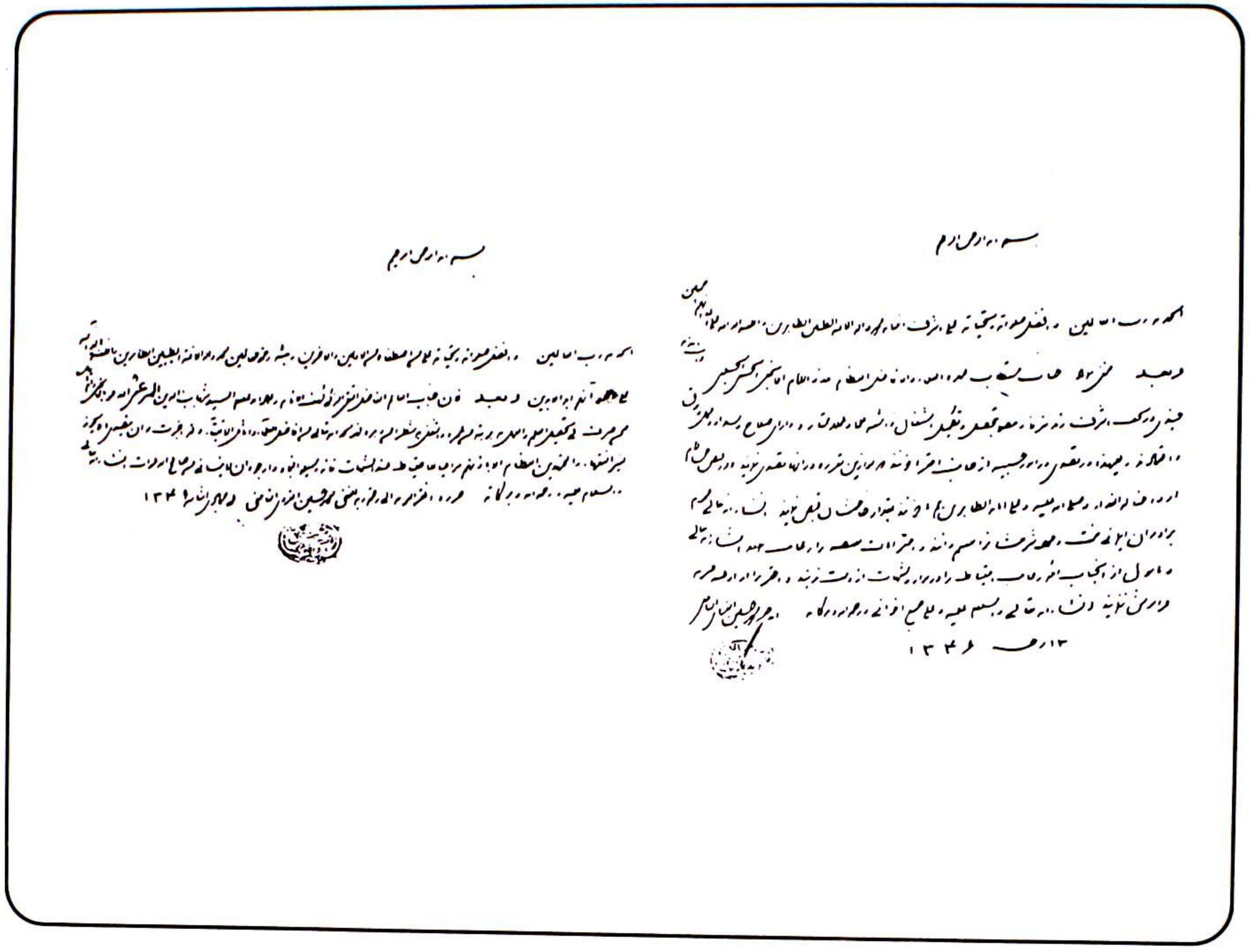

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله‌العظمی میرزا حسین نائینی به آیت‌الله مرعشی (ره)، سال ۱۳۴۷ قمری

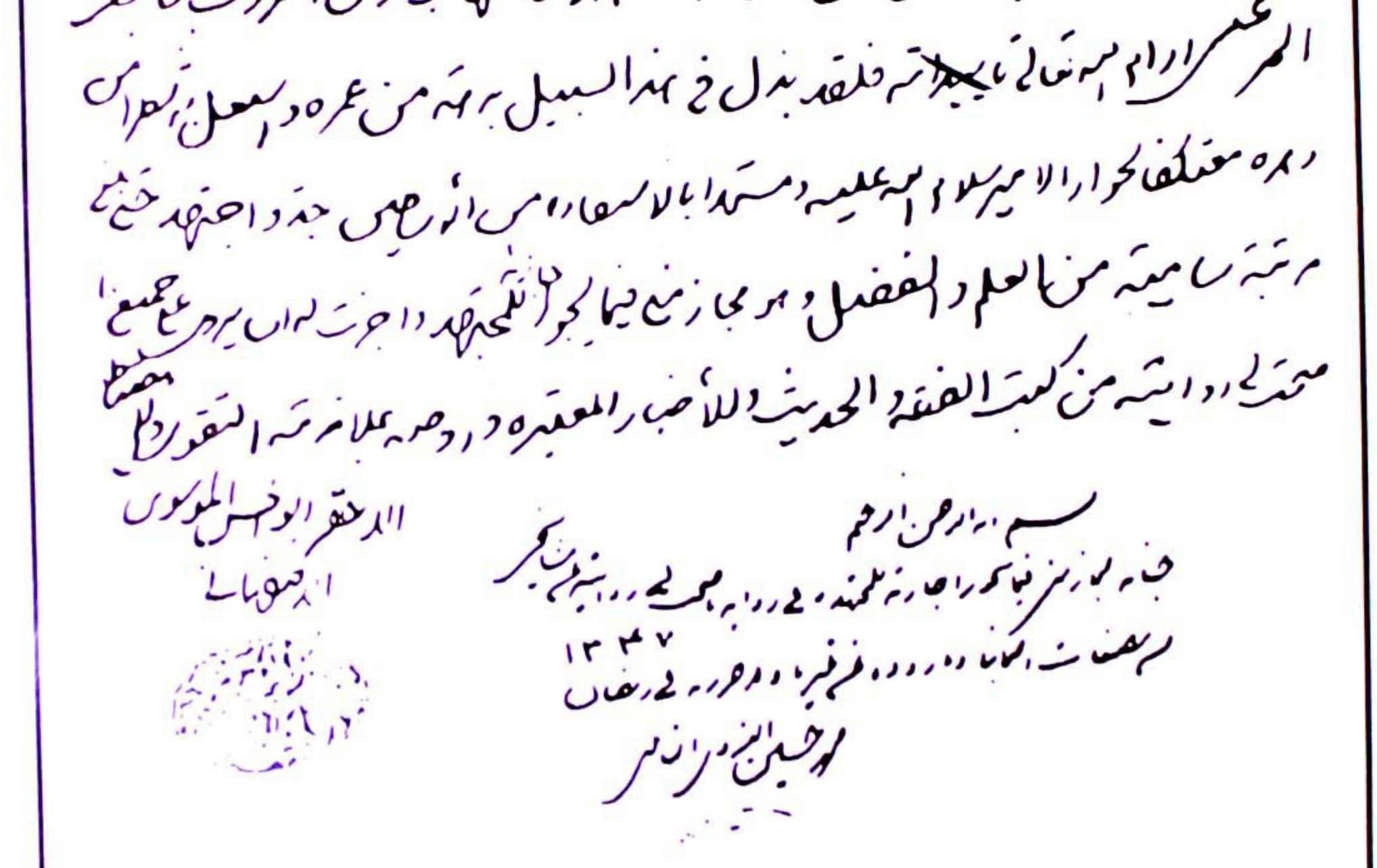

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والسلام علی من اصطفاه من الأولین والآخرین واللعنة الدائمة علی أعدائهم أجمعین

وبعد فإن شرف العلم لا یحصی وفضله لا یحصی وممن تصدی للطلب والعمل به هو جناب العالم العامل العلامة

والفاضل المحقق الفهام الورع التقی روح الأحکام الأغا شهاب الدین المعروف بآقا نجفی

المرعشی أدام الله تعالی تأییداته فلقد بذل فی هذا السبیل برهة من عمره واشتغل بشطر من

دهره معتکفا لجوار الأمیر سلام الله علیه ومستمدا بالاستفادة من الأساطین جد واجتهد حتی بلغ

مرتبة سامیة من العلم والفضل وهو مجاز منی فیما یجوز للمجتهد وأجزت له أن یروی عنی جمیع

ما صحت لی روایته من کتب الفقه والحدیث والأخبار المعتبرة وأوصیه بملازمة التقوی والاحتیاط

الأحقر أبو الحسن الموسوی

الأصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

جنابه مجاز منی فیما یجوز إجازته للمجتهد فی روایة ما صحت لی روایته عن مشایخی

من مصنفات أصحابنا وما رووه عن غیرنا ولا حررته فی رمضان ۱۳۴۷

محمد حسین النوری النائینی

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد دیگر مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی به آیت‌الله مرعشی (ره)

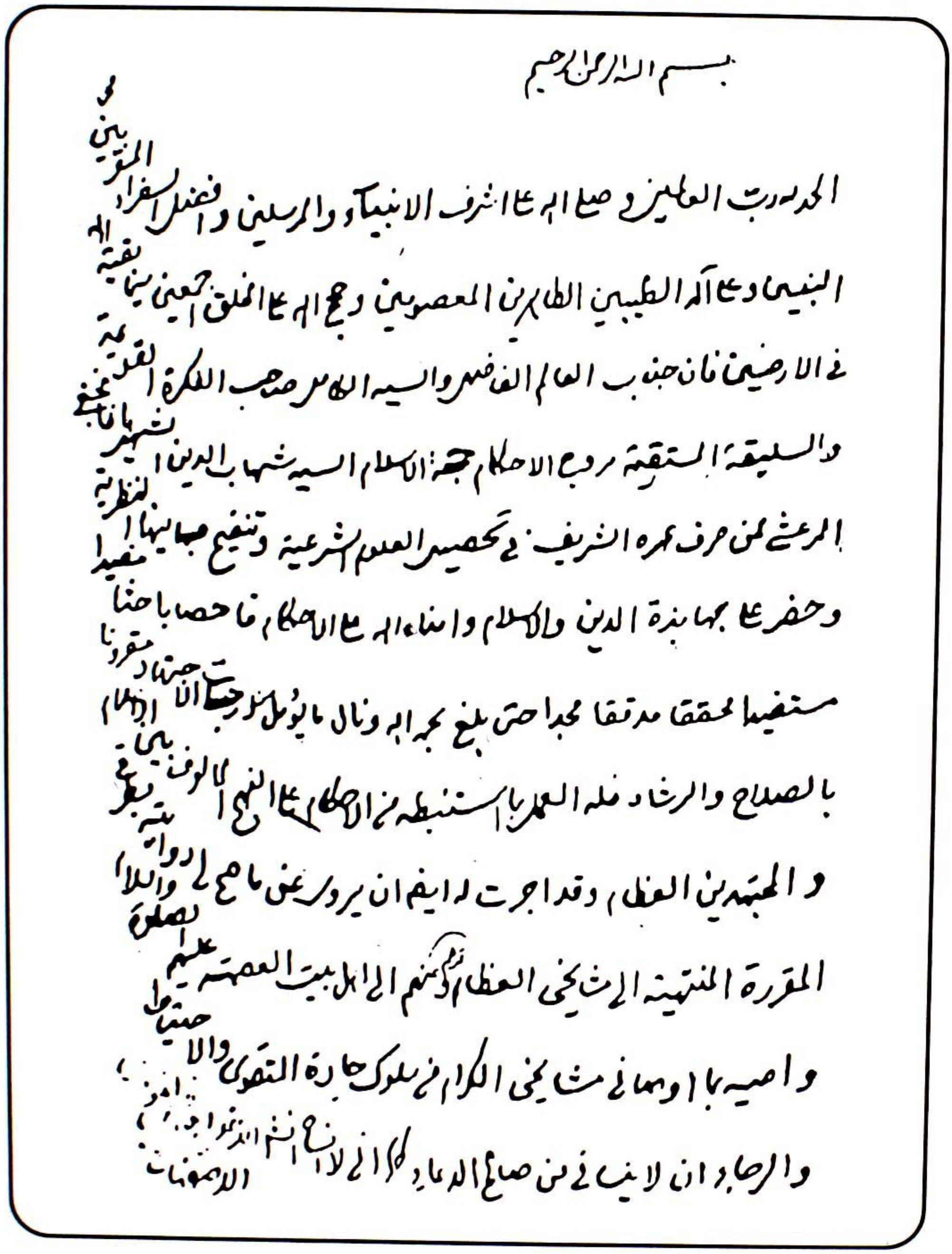

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی اشرف الانبیاء والمرسلین و افضل السفراء المقربین
النبیین و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین و حجج الله علی الخلق اجمعین سیما بقیة الله
فی الارضین فان جناب العالم الفاضل والسید الکامل صاحب الفکرة القویمة
والسلیقة المستقیمة مروج الاحکام حجة الاسلام السید شهاب الدین الشهیر بآقا نجفی
المرعشی ممن صرف عمره الشریف فی تحصیل العلوم الشرعیة و تنقیح مبانیها النظریة
وحضر علی جهابذة الدین والاسلام وامناء الله علی الاحکام فاحصا باحثا مفیدا
مستفیدا محققا مدققا مجدا حتی بلغ بحمد الله ونال ما یؤمل من درجات الاجتهاد مقرونا
بالصلاح والرشاد فله العمل بما استنبطه من الاحکام علی النهج المألوف بین الاسلام
والمجتهدین العظام وقد اجزت له ایضا ان یروی عنی ما صح لی روایته بطرقی
المقررة المنتهیة الی مشایخی العظام ثم عنهم الی اهل بیت العصمة علیهم الصلوة والسلام
واوصیه بما اوصانی مشایخی الکرام من سلوک جادة التقوی والاحتیاط
والرجاء ان لا ینسانی من صالح الدعاء کما انی لا انساه ان شاء الله تعالی
الاصفهانی

اجازهٔ اجتهاد و روایتی مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ محمود شیرازی غروی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۴۷ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی رفع درجات العلماء ونصبهم فی خلقه امناء وجعلهم ورثة الانبیاء وفضل مدادهم علی دماء الشهداء والصلوة والسلام علی اکمل السفراء وافضل النقباء محمد سید الانبیاء وآله المعصومین الاصفیاء واللعنة الدائمة علی اعدائهم ما دامت الارض والسماء وبعد فلا یخفی ان جناب المستطاب العالم الفاضل والعامل العادل مجمع الکمالات والفضائل ومنبع الافاضات والفواضل عمدة العلماء الراسخین وزبدة الفقهاء الراشدین الادیب الاریب اللبیب الحسیب النجیب الامین السید شهاب الدین المشهور بالنجفی الحسینی المرعشی ادام الله تعالی افضاله وکثر فی العلماء العاملین امثاله ممن یتصدی لتحصیل العلوم الدینیة ویجتهد فی تکمیل المعارف الیقینیة من مدارج الدرجات العلی ویفوز بالفتح المعلی فله العمل بما یستنبطه من الاحکام علی النهج المألوف بین الاعلام والتصدی لما لا یتوان یتصدی له من عسر الغیبة الاذن وابه العام وازیده فی جمیع ما یحتاج روایته من مصنفاتنا صحیحا باسرها وما یرویه عن غیرنا بحق اجزت له عن الاساطین العظام والجهابذة الفخام عن العالمین العلمین الاومین الاطهرین المجتبین الاتیین الاجدرین بمعالی عصرهما وحیدی دهرهما حضرة الاغا الحاج المیرزا حسین المیرزا خلیل الطهرانی النجفی والشیخ محمد طه نجف قدس سرهما بطرقهما الکثیرة المنتهیة کلها الی آیة الله العظمی استاد الکل فی الکل حضرة الاغا الوحید البهبهانی والمحدث البحرانی نور ضریحهما باسانیدهما المفصلة فی فهارس الشیوخ وکتب النسخة المنتهیة کلها الی ارباب الجوامع العظام ومنهم الی مهبط الوحی ومعدن العصمة والنبوة صلوات الله علیهم اجمعین واوصیه ان لا یدع فی شیء من الامور رعایة الاحتیاط فانه وسیلة النجاة وان یتبعها هدیها الاوضاح امیر المؤمنین صلی الله علیه وآله الطاهرین مما اورده فی النهج من وصایاه المتضمنة بذکر الموت وانلال الاسلة عنه خصوصا ما رواه عنه من خطبة بعد تلاوه المنکر الکاثر فان لکثرة التامل والتدبر فیها الشانا من الشان وارجو ان لا ینساه من صالح الدعاء کما لا انساه انشاء الله تعالی والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته کتبه بیمناه الفانی احوج البریة واظلم الاریة ربه النبی محمود الشیرازی الغروی عفی عنه وعن والدیه

۱۳ شهر شوال ۱۳۴۷

Marfat.com

دو اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله العظمی محمدکاظم شیرازی
به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۴۷ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین من الآن الی یوم الدین وبعد فان
والعالم العدل عدة الاعلام حجة الاسلام والمسلمین السید علی
المرعشی لمن اراد التخون فی سلسلة الوراثة المنیرة عن آبائه
سلام الله علیهم اجمعین فاجزته لهم فضله ان یروی عنی جمیع
ما صحت لی روایته وسنحت لی اجازته عن شامخی النقابة
حملة الاخبار ونقاة الآثار منهم الشیخ الثقة خلیفة الماحی
المجد الحاج النوری صاحب المستدرک الوسائل لآتی
الکتب الاربعة لمحدثی الشیعة من القدماء التی علیها یدور رحی
الاجتهاد والاستنباط والکتب الثلث لمحدثی الشیعة
المتاخرین المعاصرین والوسائل والذریعة ارجو ان یعمنی بها السعی
قضاء حوائج اخواننا المؤمنین وان لا ینسانی فی الله
لاسیما فی مظان الاجابة خصوصا عقیب الصلوة
انی للانسان انشاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الهادی الی سبیل الرشاد والصلوة والسلام علی محمد خاتم الانبیاء
وسید المرسلین وعلی آله الائمة الهداة المعصومین الی یوم التناد
فقد استجازنی حجة الاسلام حجة الله علی الانام السید علی الحسینی
ممن عندکم من اهل الاجتهاد والاستنباط فاجزت له
مراده الاحکام وان شعرت الی ان قال المرتضی الحسینی
الاسد آبادی حرره فی ۲۷ شهر رمضان المبارک سنة ۱۳۴۷
وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیرا

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسّس حوزهٔ علمیهٔ قم به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۱ قمری

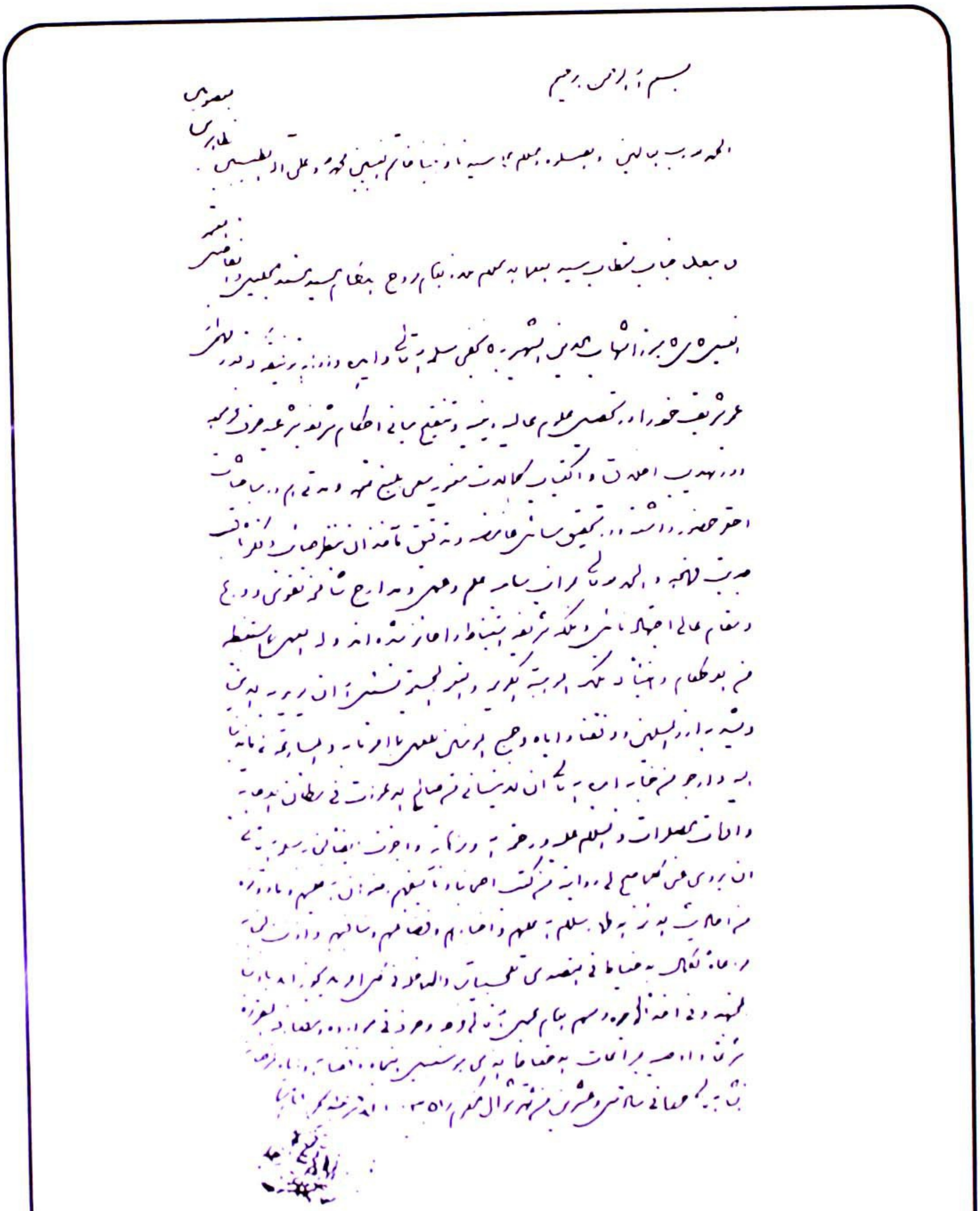

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد دیگر مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم به آیت‌الله مرعشی (ره)

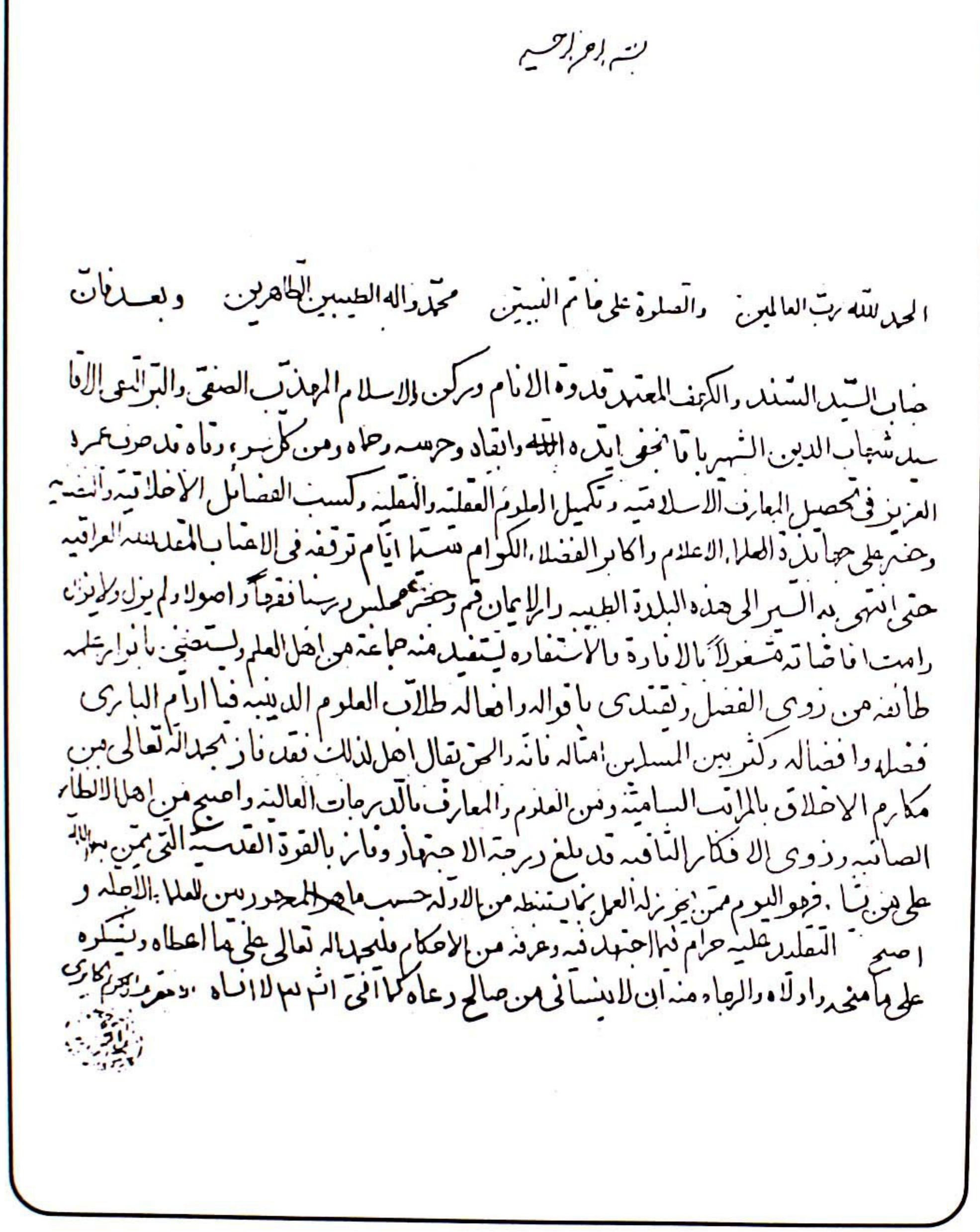

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی خاتم النبیین محمد واله الطیبین الطاهرین وبعد فان
جناب السید السند والکهف المعتمد قدوة الانام ورکن الاسلام المهذب الصفی والبر التقی الاقا
سید شهاب الدین الشهیر باقا نجفی ایده الله وابقاه وحرسه وحماه ومن کل سوء وقاه قد صرف عمره
العزیز فی تحصیل المعارف الاسلامیة وتکمیل العلوم العقلیة والنقلیة وکسب الفضائل الاخلاقیة والنفسیة
وحضر علی جهابذة العلماء الاعلام واکابر الفضلاء الکرام سیما ایام توقفه فی الاعتاب المقدسة العراقیة
حتی انتهی به السیر الی هذه البلدة الطیبة دار الایمان قم وحضر مجلس درسنا فقهاً واصولاً ولم یزل ولا یزال
دامت افاضاته مشغولاً بالافادة والاستفادة یستفید منه جماعة من اهل العلم ویستضیئ بانوار علمه
طائفة من ذوی الفضل ویقتدی باقواله وافعاله طلاب العلوم الدینیة فیا ادام الباری
فضله وافضاله وکثر بین المسلمین امثاله فانه والحق یقال اهل لذلک فقد فاز بحمد الله تعالی من
مکارم الاخلاق بالمراتب السامیة ومن العلوم والمعارف بالدرجات العالیة واصبح من اهل الانظار
الصائبة وذوی الافکار الثاقبة قد بلغ درجة الاجتهاد وفاز بالقوة القدسیة التی یمن بها الله
علی من یشاء فهو الیوم ممن یجوز له العمل بما یستنبطه من الادلة حسب ما هو المحرر بین العلماء الاجلة و
اصبح التقلید علیه حرام فیما اجتهد فیه وعرفه من الاحکام فلیحمد الله تعالی علی ما اعطاه ویشکره
علی ما منحه واولاه والرجاء منه ان لا ینسانی من صالح دعاه کما انی ان شاء الله لا انساه . الاحقر عبدالکریم الحائری

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدحسین علّامی اصفهانی کرمانشاهی به آیت‌الله مرعشی (ره)

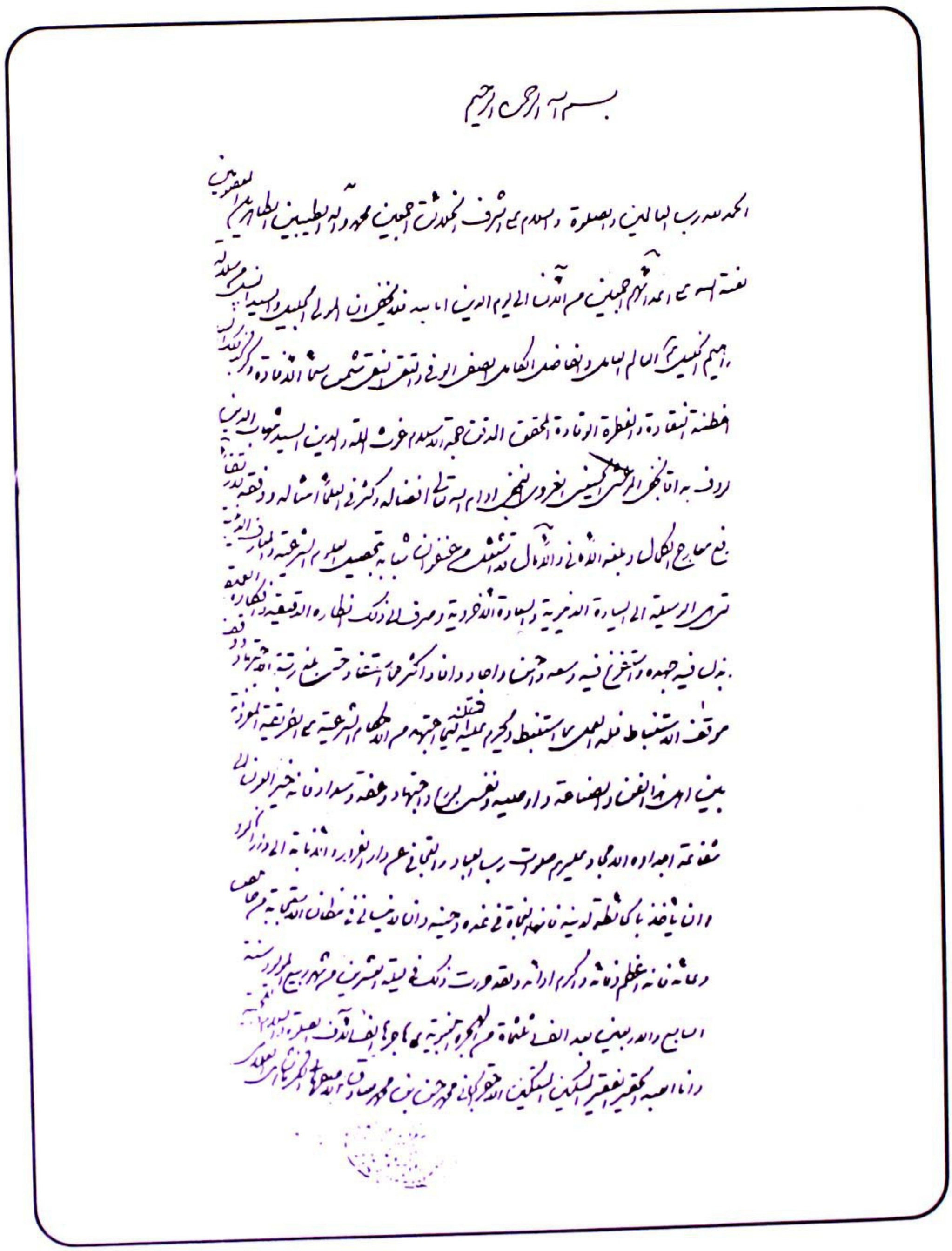

Marfat.com

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله سیّد حسن صدرالدّین موسوی کاظمی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۳۹ قمری

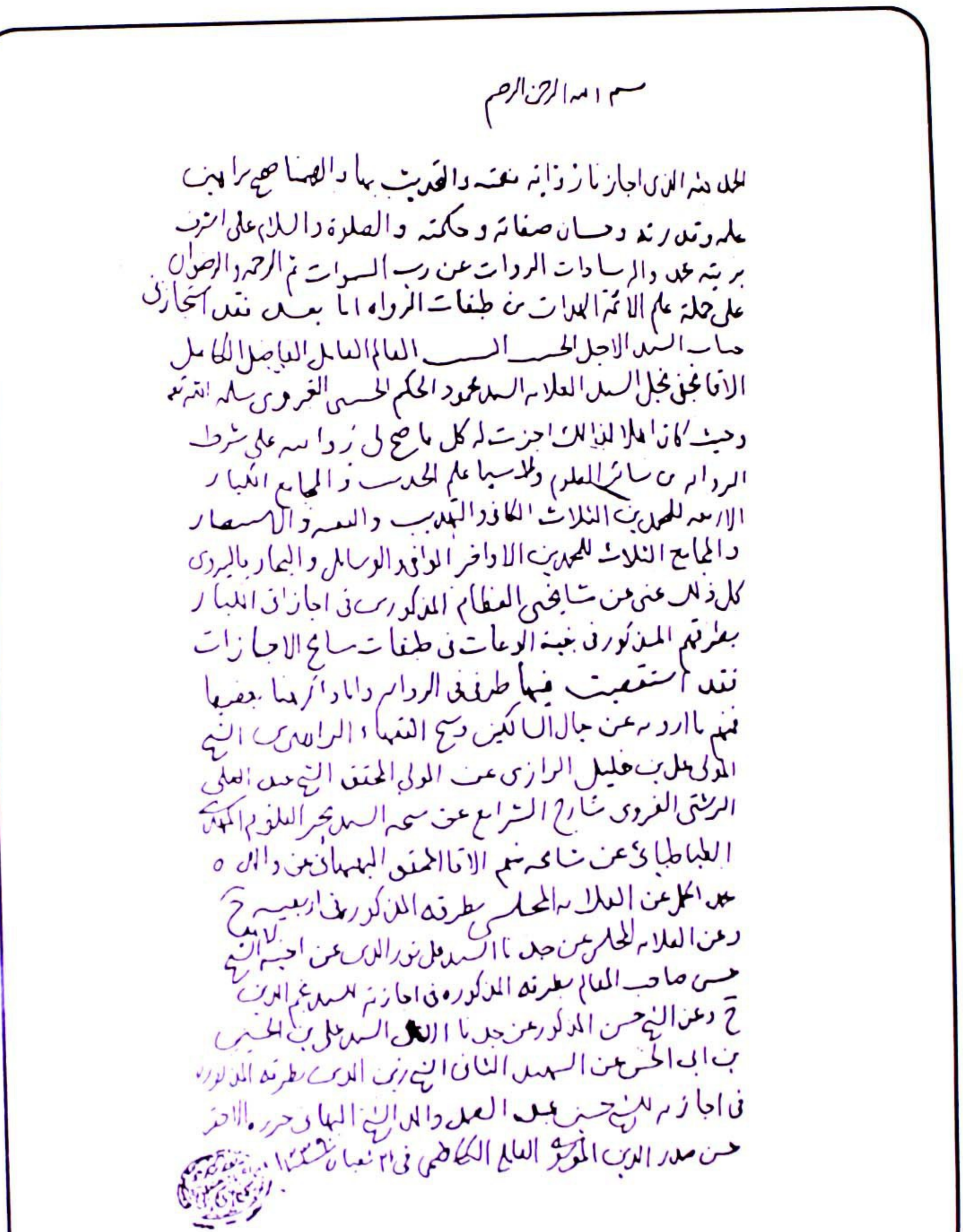

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اجازنا روایة نعمته والتحدیث بها والهمنا صحیح براهین
علمه وقدرته وحسان صفاته وحکمته والصلوة والسلام علی اشرف
بریته محمد وآله سادات الرواة عن رب السموات ثم الرحمة والرضوان
علی جملة علم الائمة الهداة من طبقات الرواة اما بعد فقد استجازنی
جناب السید الاجل الحسیب النسیب العالم العامل الفاضل الکامل
الآقا نجفی نجل السید العلامة السید محمود الحکیم الحسینی الغروی سلمه الله تعالی
وحیث کان اهلا لذلک اجزت له کل ما صح لی روایته علی شرط
الروایة من سائر العلوم ولا سیما علم الحدیث والمجامع الکبار
الاربعة للمحمدین الثلاث الکافی والتهذیب والفقیه والاستبصار
والمجامع الثلاث للمحمدین الاواخر الوافی والوسائل والبحار بالبردی
کل ذلک عنی عن مشایخی العظام المذکورین فی اجازاتی الکبار
بطرقهم المذکورة فی بغیة الوعاة فی طبقات مشایخ الاجازات
فقد استقصیت فیها طرقی فی الروایة واما ذکرنا بعضها
فمنهم ما ارویه عن جمال السالکین وشیخ الفقهاء الزاهدین الشیخ
المولی علی بن خلیل الرازی عن المولی المحقق الشیخ عبد العلی
الرشتی الغروی شارح الشرائع عن شیخه السید بحر العلوم المهدی
الطباطبائی عن مشایخه منهم الآقا المحقق البهبهانی عن والده
محمد اکمل عن العلامة المجلسی بطرقه المذکورة فی اربعینه ح
وعن العلامة المجلسی عن جدنا السید علی نور الدین عن اخیه الشیخ
حسن صاحب المعالم بطرقه المذکورة فی اجازته للسید نجم الدین
ح وعن الشیخ حسن المذکور عن جدنا الاول السید علی بن الحسین
بن ابی الحسن عن الشهید الثانی الشیخ زین الدین بطرقه المذکورة
فی اجازته للشیخ حسین عبد الصمد والد الشیخ البهائی حرره الاحقر
حسن صدر الدین الموسوی العالم الکاظمی فی ۲۱ شعبان سنة ۱۳۳۹

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مفصّل دیگر مرحوم آیت‌الله سیّد حسن صدرالدّین موسوی کاظمی به آیت‌الله مرعشی (ره)، حدود سال ۱۳۴۷ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اجازنا ان نحدث بنعمته، وان نروی انار عدله وحکمته، والهمنا صحاح براهین علمه وقدرته، والصلوة علی خیر بریته، خاتم الرواة عن رب السموات، محمد وآله الهداة، ثم الرحمة والرضوان علی علماء الشریعة، وشیوخ الشیعة، حملة اخبار الائمة الهادین ونقلة انارهم المعنعنة عن جدهم الصادق الامین

اما بعد فان علماء السلف والخلف قد اعتنوا بالاجازة والاستجازه، حتی قطعوا الیها کل فدفد ومفازه، لما خلوا بی عموم روات حدیثنا الوارد فی التوقیع المبارک فان المجاز له یصیر بها راویا متصل الاسناد بالراوی له عنه ولد ونحوها لا یصیر راویا فلا یصح ان یقول اخبرنا او حدثنا او ینشا بدلها فان صحة اسناد الکافی مثلا الی مصنفه لا یلزم منه ان یکون المسند الیه راویا له عنه لانه لم یحدثه الکلینی به لفظا ولا معنی والاجازة فی قوة الاخبار والسماع اجمالا لان الاخبار غیر متوقف علی التصریح لفظا کما فی القرائة علی الشیخ فانها تحتاج الی ان یقرء التلمیذ والشیخ یسمع ثم یجیزه بالکتاب والاصل والغرض حصول الافهام وهو متحقق بالاجازه ولما کانت الاجازة بهذه الغایة المنظمی احب جناب السید النزیه العالم الفاضل الکامل جامع الفضائل والفواضل السید شهاب الدین الشهیر بافا نجفی الحسینی الحسنی المرعشی دام توفیقه الفوز بفضیلة الشرف فی النظم فی سلسلة اهل العصمة فکتب الی فی طلب ذلک زاد الله جل جلاله فی شرفه فاجزته بکل طرقی فی الروایة بالاجازة

Marfat.com

الی جمیع ما للروایة فیه مدخل مما یجوز روایته من معقول ومنقول وفروع واصول
وفقه وحدیث وتفسیر بالروایة العامة عن عدة من المشایخ العظام والفقهاء
الکرام الثقات الاعلام الانبات اولهم الشیخ الفقیه المتبحر فی الحدیث والرجال
الوحید فی الزهد والعبادة فی عصره الشیخ المولی علی بن الخلیل الرازی الغروی
المتوفی سنة ۱۰۹۶ المعروف بالحاجی ملا علی بن المیرزا خلیل الطبیب الطهرانی عن الشیخ
عبد العلی الرشتی شارح النزایع عن السید بحر العلوم المهدی الطباطبائی
المتوفی سنة ۱۲۱۲ والسید مهدی سید علی صاحب الریاض المتوفی سنة ۱۲۲۶ والشیخ
الکبیر صاحب کشف الغطاء. الشیخ جعفر النجفی المتوفی سنة ۱۲۲۸ جمیعا عن المحقق
الوحید البهبهانی الاقا باقر المتوفی سنة ۱۲۰۶ عن ابیه محمد اکمل عن العلامة المجلسی
صاحب البحار المتوفی سنة ۱۱۱۰ عن ابیه التقی المجلسی عن الشیخ البهائی المتوفی سنة ۱۰۳۱
عن ابیه الحسین بن عبد الصمد عن شیخه الشهید الثانی بطریقه الاتی الیها الاشارة
(حیلولة) وعن الشیخ الملا علی بن المیرزا خلیل المذکور عن شیخه محمد حسن بن الشیخ
باقر المتوفی سنة ۱۲۶۶ صاحب الجواهر عن السید جواد صاحب مفتاح الکرامة
المتوفی سنة ۱۲۳۱ والشیخ جعفر صاحب کشف الغطاء جمیعا عن السید بحر العلوم عن
الشیخ یوسف المحدث البحرانی صاحب الحدائق المتوفی سنة بطریقه التی
ذکرها فی لؤلؤة البحرین (حیلولة) وعن المولی الحاج ملا علی بن المیرزا خلیل
عن شیخنا العلامة المرتضی الانصاری المتوفی سنة ۱۲۸۱ عن المولی احمد النراقی
صاحب المستند عن السید بحر العلوم الطباطبائی (وعن المولی الحاج ملا
علی المذکور) عن الشیخ جواد ملا کتاب النجفی شارح اللمعتین عن الشیخ

Marfat.com

جعفر بن خضر صاحب کشف الغطآء عن الشیخ محمد مہدی الفتونی عن
صاحب الحدائق (وعن المولی الحاج ملا علی المذکور) عن الشیخ الفقیہ
الشیخ رضا بن الشیخ زین العابدین العاملی النجفی المصنف عن السید
العلامۃ المتبحر السید عبد اللہ شبر المصنف المکثر صاحب جامع الاحکام
المتوفی ۱۲۴۲ھ عن الشیخ کاشف الغطآء والشیخ اسد اللہ صاحب
المقابیس المتوفی ۱۲۳۵ھ جمیعا عن السید بحر العلوم الطباطبائی (حبلولۃ)
وارویٰ عن الشیخ العارف الربانی جمال السالکین الاخوند مولی حسین
قلی الہمدانی المتوفی ۱۳۱۱ھ والشیخ محمد طٰہٰ النجفی المتوفی ۱۳۲۳ھ جمیعا
عن المولی الحاج ملا علی بن المیرزا خلیل المذکور فہما شرکائی فی الاجازہ عنہ
ولیس لہما من غیرہ اجازہ استجزتہما لمحض التبرک (ثانی مشایخی فی الاجازۃ
السید العلامۃ المتبحر المیرزا محمد ہاشم الخوانساری اصلا الاصفہانی المتوفی
فی شہر رمضان فی النجف ۱۳۱۸ھ صاحب اصول آل الرسول عن سیدنا
آیۃ اللہ العلامۃ السید صدر الدین العاملی عم والد المتوفی ۱۲۶۴ھ
عن والدہ السید صالح عن ابیہ السید محمد جدنا طاب ثراہ عن شیخہ
الشیخ الحر محمد بن الحسن المشغری صاحب الجامع الکبیر الوسائل بطرقہ المذکورۃ
فی آخر الوسائل الجلیلۃ [حبلولۃ] وعن السید صدر الدین المذکور
عن السید بحر العلوم والسید مہدی الشہرستانی الحایری والسید
السید محسن الاعرجی صاحب المحصول وشرح الوافیہ جمیعا عن المحقق البہبہانی

Marfat.com

المتقدم ذكره وطرفه [حيلولة] عن ثقة الاسلام وخاتمة المتبحرين في الدين
والرجال الحاج آقا النوري الحسين بن العلامة محمد تقي صاحب مستدرك
الوسائل بطرقه المذكورة في آخر في فوائد المستدرك (ومن مشايخي في اجازة
الرواية وشريكي فيها عن اخيه الشيخ الفقيه حجة الاسلام الحاج ميرزا حسين
بن الميرزا خليل الطهراني النجفي عم خمس وتسعين سنة ومات سنة ١٣٢٦
عن السيد الجليل الحيد اسد الله بن حجة الاسلام السيد محمد باقر الرشتي
اصلا والاصفهاني منشأ المتوفى في شهر صفر سنة ١٢٦٠ عن ابيه حجة الاسلام النوري
باصفهان سنة ١٢٧٦ عن السيد الميرسيد علي صاحب الرياض الطباطبائي
والشيخ جعفر كاشف الغطاء والميرزا القمي عن السيد بحر العلوم عن المحقق البهبهاني
عن ابيه عن العلامة المجلسي بطرقه المذكورة في اربعينه وآخر بحاره التي منها ما رويه باسناده
عنه عن جده الاعلى السيد نور الدين علي بن علي بن الحسين بن ابي الحسن
الموسوي عن شيخه واخيه السيد محمد صاحب المدارك واخيه لامه الشيخ
حسن صاحب المعالم عن السيد علي بن الحسين جدنا الاعلى ويعرف بالسيد
علي بن ابي الحسن والشيخ عز الدين عبد الحسين بن عبد الصمد والد البهائي
والسيد علي بن محمد الدين النهائي جميعا عن الشهيد الثاني بطرقه المذكورة في
اجازته الكبيرة للشيخ حسين بن عبد الصمد والد البهائي وهي مذكورة
في آخر البحار في الاجازات فمنها ما رويه عن الشهيد الثاني عن شيخه علي بن عبد
العالي الميسي عن الشيخ محمد بن المؤذب الجزيني عن الشيخ ضياء الدين علي بن عبد

Marfat.com

الشهيد الاول محمد بن مكي عن الشيخ فخر الدين محمد عن والده العلامة الحسن بن
يوسف بطرقه المذكورة في اجازته لبني زهرة التي منها عن شيخه المحقق
صاحب الشرايع جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد عن السيد فخار
بن معد الموسوي عن الشيخ شاذان بن جبرئيل القمي عن الشيخ
محمد بن ابي القاسم الطبري عن الشيخ ابي علي الحسن عن والده شيخ
الطائفة عن الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان عن الشيخ ابي القاسم جعفر
بن محمد بن قولويه عن ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني وبالاسناد
عن الشيخ المفيد عن الشيخ الصدوق محمد بن علي بن الحسين بن موسى
بن بابويه القمي بطرقه المذكورة في مشيخة من لا يحضره الفقيه شكر الله
مساعيهم جميعا فليروي السيد شهاب الدين سلمه الله تعالى عني عن مشايخي
المذكورين بالطرق المذكورة الى المحمدين الثلاث الاوائل ارباب الكتب الاربع
بطرقهم الى المعصومين وهي مذكورة في اوائل اسانيدهم وفي مشيختهم وقد
ذكرت الكثير منها في بغية الوعاة في طبقات مشايخ الاجازات رضي
الله تعالى عنهم جميعا وقد جزت له دام توفيقه ان يروي عني ايضا كل ما يروي
من مصنفاتي التي تزيد على الثمانين في العلوم الدينية هذا مع رجائي ان تذكرني
بالدعاء في اوقات دعواتك ومناجاتك زاده الله في شرفك تمت
الاجازة عصر يوم الخميس سادس وعشرين من شهر رمضان المبارك وقد
تم من عمري خمس وسبعون لان تولدي كان في ٢٩ من شهر رمضان يوم
الجمعة عند الزوال سنة ١٢٧٣ اثنين وسبعين ومائتين بعد الالف الاحقر حسن
بن السيد العلامة الهادي الموسوي المشتهر بالسيد حسن صدر الدين

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ علی کاشف الغطاء نجفی و فرزندشان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء نجفی به آیت‌الله مرعشی (ره) به ترتیب در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۵۲ قمری

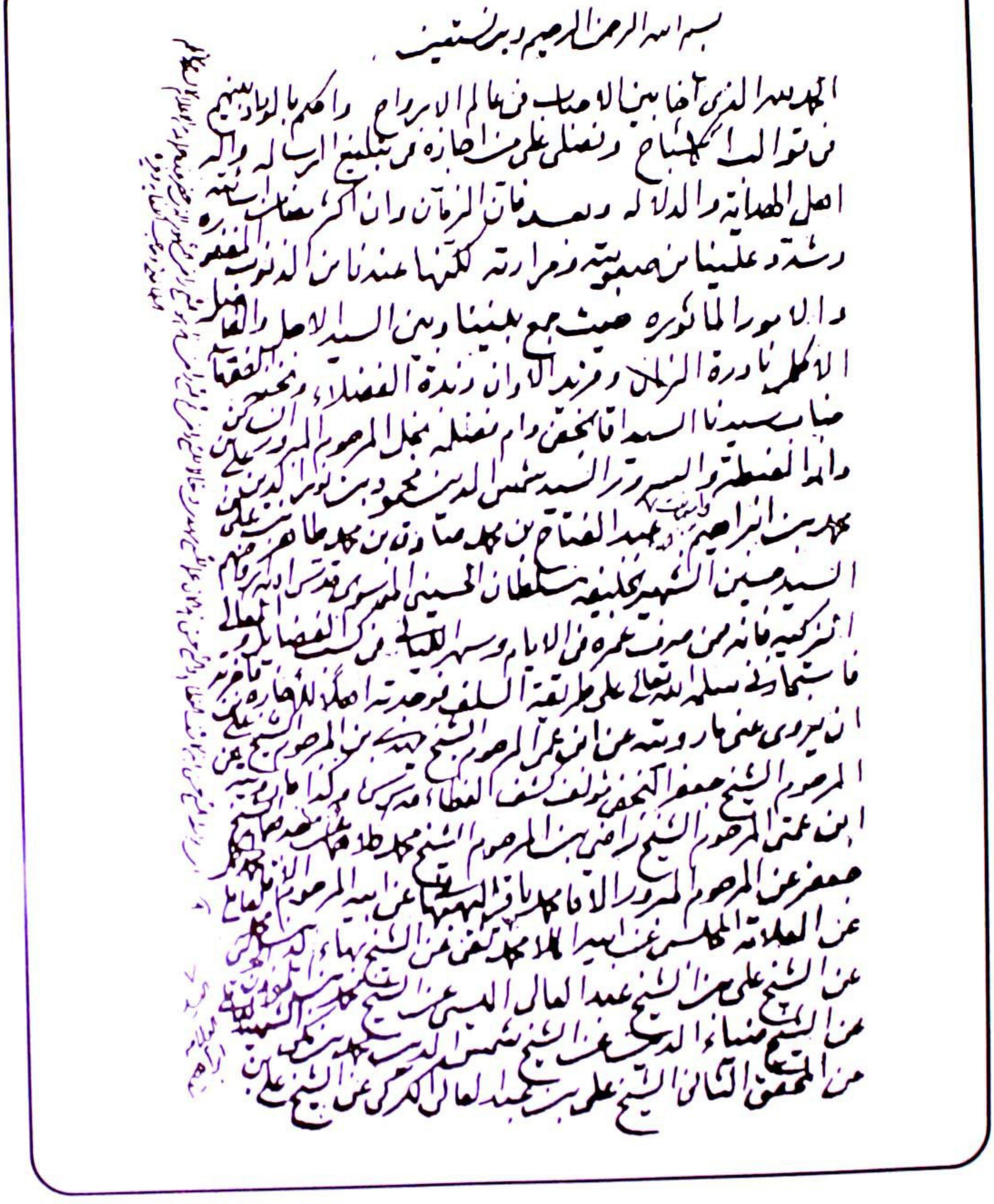

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی آخا بیننا لا صبابة فی عالم الارواح واحکم بالوداد بیننا فی تواتی الکفاح ونصلی علی من اطاره من تبلیغ ارساله وآله اصل الهدایة والدلالة وبعد فان الزمان وان اکر، مضلات اتنه رشده وعلینا من صبوبته وضراوته لکنها عندنا من اندر النوادر والامور المأثوره حیث جمع بیننا وبین السید الاصل والفاضل الاکمل نادرة الزمان وفرید الاوان ونبذة الفضلاء ونخبة الفقهاء جناب سیدنا السید آقا نجفی دام فضله نجل المرحوم المبرور علی بن والد الفطن والسری زاد السید شمس الدین محمود بن نور الدین علی بن محمد بن ابراهیم ... ومحمد الفتاح بن محمد صادق بن محمد طاهر ... السید حسین الشهیر بخلیفة سلطان الحسینی المسری قدس الله سرهم الی آخر کیه فانه من صرف عمره فی الایام وسهر اللیالی فی کسب الفضایل والمعالی فاستجازنی سلمه الله تعالی علی طریقة السلف فرخصته اهلا للاجازة بان یروی عنی ما رویته عن ابن عمی المرحوم الشیخ جعفر بن المرحوم الشیخ خضر عن المرحوم الشیخ جعفر النجفی مؤلف کشف الغطاء عن والده المرحوم الشیخ خضر عن ابن عمه المرحوم الشیخ راضی بن المرحوم الشیخ محمد طاهر عن ابیه المرحوم الشیخ جعفر عن المرحوم المبرور الآقا محمد باقر البهبهانی عن ابیه المرحوم الملا محمد اکمل عن العلامة المجلسی عن ابیه الملا محمد تقی عن الشیخ بهاء الدین عن الشیخ علی بن الشیخ عبد العالی المیسی عن الشیخ محمد بن السید شمس الدین محمد بن مکی عن الشیخ منصور بن الشیخ مناء الدین عن الشیخ شمس الدین محمد بن مکی عن الشیخ المحقق الثانی الشیخ علی بن الشیخ عبد العالی الکرکی عن الشیخ علی بن

Marfat.com

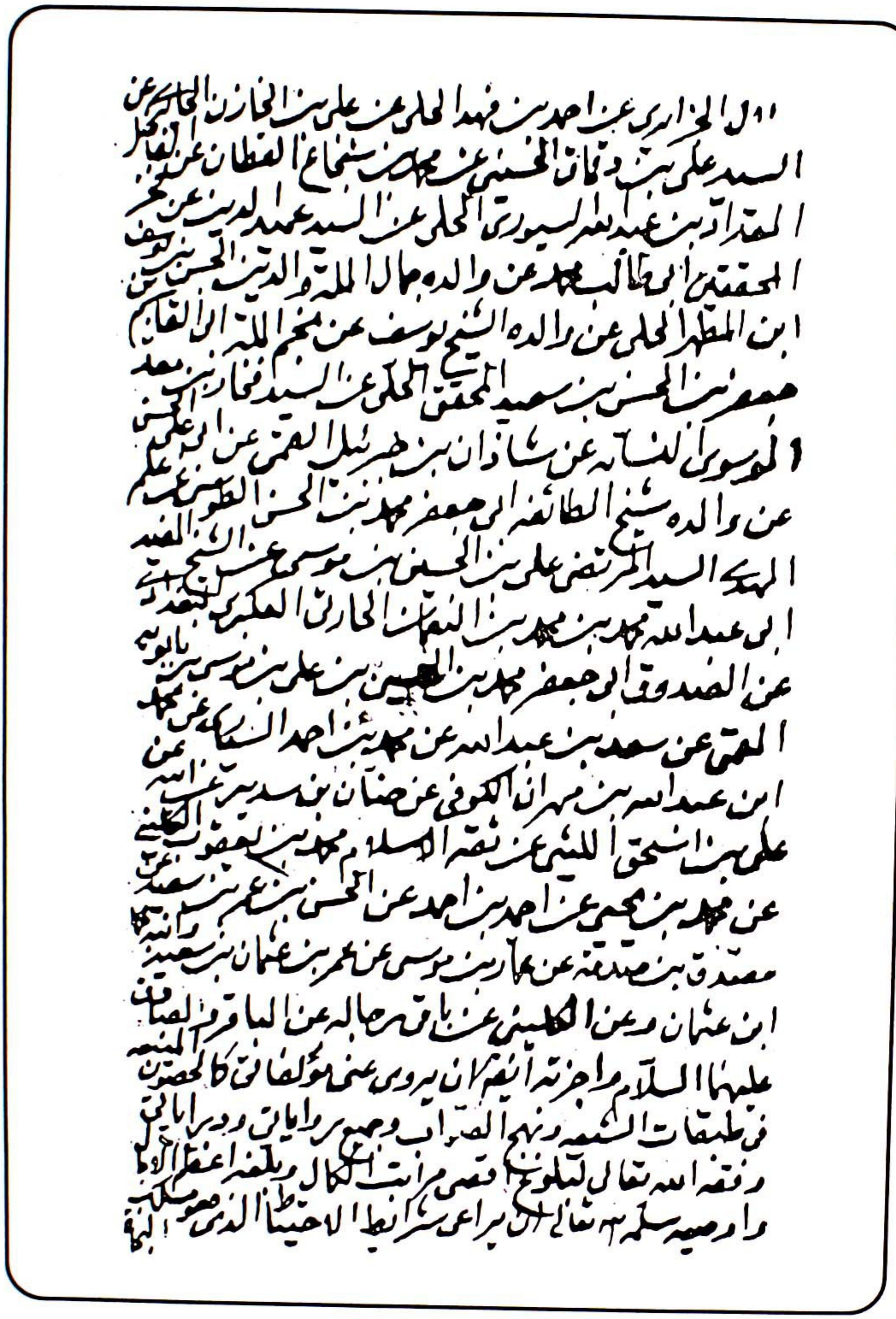

Marfat.com

النجاة
واوصيه دام مجده انلا ينساني من صالح الدعوات في جميع الاوقات
ومظان الاجابات واعقاب الصلوات وان كان ذلك مما لا
ينبغي ان يلقى اليه الا انه جرى السلف الصالح عليه ووفقنا الله
واياه للتقوى ورزقنا جميع سعادة الاخرة والاولى انه رؤف
رحيم عطوف كريم حرر وجرى بيده الفانية يوم الجمعة السابع عشر
من شهور سنة الالف والثلثمائة والاربعين هجرية علي بن محمد
ابن موسى بن المرحوم الشيخ جعفر النجفي الغروي مؤلف كتاب كشف
الغطاء قدس الله ارواحهم الزكية والحمد لله رب العالمين وصلى الله على
رسوله محمد وآله الطاهرين سنة ١٣٤٠

بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد والمجد
وقد اجزته ايضا كما اجازه والدي العلامة اعلى الله مقامه بتلك الطرق
المزبورة وبطرقي الخاصة من اساتيذي الاعلام في عصرهم كالعلامة المحدث
النوري صاحب المستدرك والحاج مرزا حسين المرزا خليل والحاج ملا
رضا الهمداني صاحب مصباح الفقيه والشيخ علي الخيقاني والسيد محمد كاظم
الطباطبائي والشيخ ملا محمد كاظم الهروي الخراساني ومن علماء السنة الشيخ
سليم البشري شيخ الجامع الازهر والشيخ محمد بخيت المطيعي مفتي
الديار الحقانية في مصر قد اجزت له ادام الله تأييده وتسديده
بعد ان وجدته اهلا وقد ملاء الله علما وورعا وفضلا انه
يروي عني جميع ما صحت لي روايته من اولئك الاساطين لعظام العلماء
بطرقهم الى النبي والائمة سلام الله عليهم وانا احقر محمد الحسين الكاشي
حرر في بلدة قم المباركة ١٤ رجب مرجب سنة ١٣٥٢

اجازهٔ روایتی مفصّل مرحوم آیت‌الله علّامه شیخ محسن مشهور به آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة به آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۳۴۱ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اجاز لنا تحدیث الائه واماض بلسنا سوائر نعمائه والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا محمد المرسل لکافة الانام المستدلة بشرعه والاحکام وعلی اوصیائه الاثنی عشر الهادین لطبقات البشر المنصوص علیه بغوائر الاثر والمخصوصین بغرائز الحجرات والنصوص عند الغدر والمخصوص صلوتی منصلة السلاسل الی یوم القیام بانصال اللیالی والایام وبعد

لما استقل العقل الشریف بشرف العلم وفضله وجزم بلزوم تحصیله وفرضه وانکر کل النکیر علی فرشه الاعمی والبصیر ابتغی الظلمات والنور او الظل والحرور او الاحیاء والاموات فضل ذوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون بما انه العاقل السعید وکان ضنابا آناء اللیل وساعات النهار ومن ثنایا بارد الریق فی الکشف عن المجهولات والعلم بحقایقها ودقایقها واستعد بحدا الفضل الشریف جم غفیر من السلف الخلف فجدوا فی العلم العلم وجدوا لاهله والکسل حتی سار وا فی مراحلها السیر الحثیث وصاروا مصدوقة الحسن البصری واصحاب الحدیث رفعه الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات ومنهم السباسبة الجبل والمراد العدد النبیل البالغ من الجم منتهاه ومن الفضل اعلاه واقصاه الشریف الحسب والعلم النسب غرة النقباء والنجباء وقدوة النبلاء الاجلاء المصنف المبرز والمؤلف الزین المنشئ البدیع الفصیح الذی ازنه جهات حسن التحریر والتحبیر وحاز السبق فی مبدانه بیان والتعبیر الجامع من الفضائل جلها وزبدتها والعارج علی المعالی سنامها وذروتها بقیة الهدی المرضی الزکی الوفی السید شهاب الدین المدعو بابی نجفی نجل السید السند العالم العلم الکامل الماهر البحر الخبر النحریر والفقیه المحدث النابه الخبیر السید الحمید الحلیم الکریم سیدنا ومولانا المؤلف محکم العبنة من بقیة السید الاجل سلطان العلماء المرحوم ضیع الدین بن المرتضی شجاع الدین محمود بن المرتضی بن علی المشهور بخلیفة سلطان المشهدی نسبه الشریف الی علی العریضی ثم الی الامام السجاد زین العابدین صلوات الله علیه فانه زبدة السلالة مشترک جمع بین شرفة الحسب والنسب وضم مجد الموروث الی الکمال المکتسب حتی فاق علی کل جمیع الاقران والاتراب وعمر الشریف مجاوز عن ربیعه الشباب ثم انه دام علا الحسن فی هذا البلد استجار فحول فی تحصیل هذه المعالی وکانه استانس خیفة کم بخال الرجال الی الربوع والطلال واستجرة بعد فقد الشطوط والانهار بالفیئ والظلال لکن اصله الذکی وعنصره الزاکی حاموا وانجاروا سموا وطاروا الی هذا الکتاب بعد الاستجار من رب الارباب الجبر لعنبول کل مسؤل بلوغ کل مامول سالما فیه العصمة عن الخطاء والزلل فی الفضول والعمل واجزته دامت برکاته ان یروی عنی جمیع ما صح لی روایته وروایته وصح لی اجازته من جمیع مصنفاتی الاسلم من تصانیف العلماء العلم بما بارز من اصحابنا الاربعین عشر نة من القرون الفضلیة والقرنة الفاضلة خصوصا جوامع احادیثنا المأثورة التی هی اصلة الحلال والحرام من الاربعة المفقة المشهورة عند الخاص والعام الکافی والفقیه والاستبصار وتهذیب الاحکام وعلل الشرایع المتاخرة المنشرة المتداولة والوافی الضبیطة والبحار الجلیلة والوسائل الحریة ومستدرکه المشور وما الحقناه بانفسنا واخبرنا علیهم السلام من الرسائل والکتب المناجات الخطب کنهج البلاغة والصحیفة الکاملة والرسالة الذهبیة والتفسیر العسکری وغیرها وکذا ما الفته بقلمی القاصر الغیر المقابل للذکر فی الدفاتر لکن الامور معقودة بنواصیها ومن غیرها کتبته فی الفقه والاصول اشباه بسیرة فیها شریف الانام بحقیقة المدینة والاسلم ترجمة بهذه البرة وفیها المقامات فی طرق شیخ الاجازات ومصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال محصول مطلع البدور تلخیص الجزیة الثالثة وهدیة الرازی المجد الشیرازی ترجمة لاحوال ابن احمد المرزا الشیرازی الکبیر توفی سنة ونلث الاعلام او ثلثمائة بعد الالف التمام المرتبة علی المائة الاربعة اولها البدور الباهرة بعد مرور العاشرة ثم الکواکب المنشرة فی القرن الثانیة والعشرة وسعداء النفوس فی القرن الخامس وفضلاء العشر فی القرن الرابع عشر والاربعة الی تصانیف الشیعة حصر لکتبهم بترتیب الحروف علی النحو المالوف فی ست مجلدات اسئل انه تکمیله مجلدا ثانیا ویجیز غیرة ذلک من تصانیف الائمة والمناجاة المذکورة فی کشف الظنون کتاب طبی او الذریعة المذکورة او غیرهما

فاجزته دام تأییدا ان یروی جمیع ذلک عنی عن شیخی العظام نکس اسرار الماضین نهم الدام
فضلا الباقین وهم جماعة اولی الجار فمنهم شیخنا العلامة الاجل حجة الاسلام شیخ الطائفة ثالث
المجلسین الحاج میرزا حسین بن العلامة التقی المیرزا محمد تقی بن الصالح الصفی المیرزا علی الطهرانی التوری
فکس الله سرادالتوراة المولوة عشائی والتوراة الادبعا الثلث بقین من جمادی الثانیة سنة ١٣٢٠
ترجمته مفصلا فی تقنیا البشر ج هو یکشف عن خزانه مستدرک الوسائل وهو جملة من فضائله
الباهرة المجزة المصقول فی حسن التالیف والنظم والترتیب وکثرة منها مطبوعة بعضها نادر وبعضها
مراد ومع ذلک لا یوجد منها نسخة فشرعوا بالتمس العالی موکنوز الطالبین والراغبین
وهو یروی عن شیخة الحاج العلام الجلیل المسطور بن بطرفهم فحالت فوائده خالیة المسند الجلیل
وثانیهم شیخنا العلامة الاعظم وحجة الله فی الانام شیخ نهنا الدین الحاج میرزا محمد حسین بن الصالح
الحاج میرزا خلیل الرازی الطهرانی النجفی المتوفی فی الریاسة العامة التقلیدیة بعلیاء الله العظم الشرائع
کان ولادته سنة ١٢٣٣ وتوفی بمسقط راسه بن المطوعین من یوم الجمعة ثامن شوال سنة ١٣٢٥ الحوت
منه شنوفات الدی جمیع تنویعه لی بوفاته بالحجر من اخص تلامیذه وهو شیخ الجلیل الحاج شیخ مهدی العلامة
الحاج مولی علیهما الطائفة الطهرانیة النجفیة دامت برکاتهما یروی عن اجازة العلامة الفقیه الاتقی
الذی یجب بورعه المثل جمال السالکین الحاج مولی علی میرزا خلیل بطرقه المسطورة فی خاتمة المستدرک فی شوال سنة ١٢٩٢
وعن السید العلامة الاجل حجة الاسلام وبرکة الحاج سید محمد باقر الرشتی
عن الحجة الاسلام علی الاطلاق فی جمیع الآفاق بإجازته الکبری المسطورة فی اجازته الکبری
فی مجلد منه وسطه فی خاتمة العلامة المولی محمد الخوانساری النجفی وثالث مشایخ شیخنا الطهرانی هو العلامة
الفقیه المنسوب الیه الکرامات المولی زین العابدین الکلیاکانی المولود سنة ١٢١٥ والمتوفی سنة ١٢٩٨ وهو
عن شیخه جعفر الکاشف صاحب الجناح والشیخ محمد تقی شیخی العالم واخیر صاحب الفصول
والشیخ محمد حسن صاحب الجواهر والکل عن الشیخ الاکبر الشیخ جعفر کاشف الغطاء وثالثهم شیخنا
الفقیه المدقق الاتقی الشیخ محمد طاهر بن الشیخ محمد حسن بن الشیخ محمد رضا الشیخ محمد علی نجف النجفی
النجفی المتوفی السابع من الشهر الاول من البلایا بعد الثالث عشر من شوال سنة ١٣٢٣ صاحب التصانیف الشریفة
فی الفقه والاصول الرجال وهو جد التقلید لاکثر من اهل العراق وغیرهم من اهل الحال وهو تلمیذ الشیخ

المتوفی سنة ١٢٩٢

ناصر اللثامین

محمد الجعفر المتوفی سنة ١٢٧١ ویروی عن جمال السالکین الحاج مولی علی میرزا خلیل
کتابه اتعاف المقالة لاحوال الرجال وبرایهم سبعتا العلامة الاجل الذی یعرب بر الشیخ
الکرامات الباهرات الفقیه المحدث الخط المتبع الماهر الزاهد العابد الورع الاعلی اراب
التسلیم والرضا سیدنا الاجل الاشرف الافخر المرتضی بن السید محمد کریم ابن السید
السید محمد بن السید رضا الموسوی الطوسی النجفی المشهور بالمرتضی الکشمیری المولد الغروی المسکن الحائری المدفن توفی
اللیلة من لیلة الرابع عشر من شهر شوال سنة ١٣٢٣ ودفن بین الصحن الشریف وقبر شیخنا العلامة
الشیخ عبد الحسین وقد حضرت تشییعه فکان من مشاهیر یوم شاهدت فیه العلم فی ذلک الیوم
المسبوق فان شیخی وفاة العلامة المفسر المحقق الفقیه المتکلم الادیب الشاعر الاصولی
فی تلک السنة باحدث من شیخنا الاوحد والحبر المفضل ومنهم الی الیوم من اساطین الکرسی الشاهد
والشاعر العظام الی ان یظهر صاحب الصمصام وخالق الصارم محمد بن الحسن وعجل فرجه وسهل مخرجه
ویروی سبعتا المذکور عن جمع من اجلة اصحاب الجواهر کلهم عنه وهم الشیخ الفقیه الشیخ
فتح الشیخ فالم الجنفی النجفی المتوفی سنة ١٣٠٠ والشیخ العلامة الفقیه الشیخ محمد الشهیر
والسید العلامة السید حسین بن السید ضیاء الشاهد بحر العلوم ویروی بعضها عن السید العلامة ١٣٠٧ المتوفی سنة
الاجل السید محمد الفروشی المتوفی سنة ١٣٠٠ والعلامة المفسر الحاج ملا هادی السبزواری الاصفهانی المذکور
فی خاتمة المستدرک عن بعضها ویروی اجمع عن الشیخ الفقیه النبیه الاجل الحاج شیخ زین العابدین
ابن مصلح البارفروشی الحائری المتوفی سنة ١٣٠٨ عن العلامة السید ابراهیم القزوینی صاحب الضوابط
وتلمیذ شریف العلماء وعن المولی العلامة الشهیر بسبع العلی تلمیذ شریف العلماء ایضا وعن العلامة
الانصاری بسنده المذکور فی المستدرک ویروی اجمع عن السید الاجل الفقیه الجلیل السید محمد
السید اسمعیل المرعشی الساروی المتوفی شهید الرصافة سنة ١٣١٠ عن الحاج ابی نصر رحمه الله
والد حاسدهم شیخنا العلامة المحقق المفسر شمس الافاضل والمولی علی رحمه الله
غرة ربیع الثانی سنة ١٣٢٢ وهو شیخ اجازة فضلا ابن عمه واخوه عن الطویل بالشیخ الاصول
المطبع المناطق الشهیر کما مر فی فاضل تلامیذ العلامة الانصاری وصفوتهم بعد نبلائهم وکان
کما ذکره لی طبا الانشاء بامر الاجازة والاستظهر فی الروایة بعد اذن خاتمة الروایة الاجازة عن شیخه

Marfat.com

قال في آخر النفثة في الاحتياط العمل بالروايات بطريق الاجازة فانتهى
الشيخ محمد بن شريف الكاظمي النجفي المتوفى ١٣٠٨ فحصل الكتب الاربعة التي عليها مدار العمل
وتبارك في رواياتها عن الشيخ محمد بن الكاظمي سادس مشايخي وهو السيد العلامة النقيب الحاج
السيد عبد الله بن الحاج السيد نعمة الله الحسيني الجزائري المتوفى ١٣٣٤ وله تصانيف كثيرة جلها
منتخبات من سائر الكتب مثل منتخب الكتب الاربعة ومنتخب الوسائل ومنتخب رجال النجاشي والكشي
وغير ذلك رباعي الحجم الا الاخير فانه ثلاثي الحجم الا انه ضخم كما ان منتخب الوسائل
منه على القطع الكبير والاول كثير الحجم قال في الاخير انه على ما ذكره الشيخ
الاستجازة منه حتى في تاريخ اجازته لصاحب الترجمة العلامة الشيخ محمد بن الكاظمي وشاركه في اجازة الرواية عن
العلامة الكاظمي سابع مشايخي وهو شيخ العلامة الجامع المعارف الفنون جنة الاسلام الحاج ميرزا حسين
فخر الله المدعو بالشيخ شريعة بن الحاج ميرزا جواد النجفي الشيرازي الاصفهاني النجفي المتوفى ١٣٣٩ عن نيف
وكان فيها اصوليا محققا مفسرا للغوامض رجاليا اديبا حافظا ظاهريا ملما بالفنون الاسلامية
وله رسائل جليلة كتب لي بخطه الشريف اجازة مبسوطة مؤرخة ١٣٢١ لكنها اشتملت
على ذكر من شاركني من الاجازة العلامة الشيخ محمد بن الكاظمي عن جملة من الاعلام وهم
الشيخ حسين الشيخ الاكبر كاشف الغطاء والشيخ علي الجنفري العلامة صاحب الجواهر والعلامة الانصاري
والشيخ حبيب مؤلف كتاب مطرح الجميع مسطورة في خاتمة المستدرك وناولني شيخنا الشريف لمآب
في تاريخ كتابة الاجازة لي بعض ما صدرت له من الاجازات عن مشايخه منها اجازة العلامة البارع
شاهم الجهارسوقي منها المؤرخة ١٢٩٥ ومشايخه فيها مسطورة في الخاتمة واخرى اجازة لنجله العلامة
السيد محمد باقر صاحب روضات الجنات المتوفى ١٣١٣ والاجازتان بخط السيد العلامة منعوته
الاخوي الجزيل بخطه في ١٢٩٥ سنة وقد استنسخها الفقيه صاحب الروضات المذكور في
في ذيل الاجازة جماعة منهم السيد محمد ابراهيم بن محمد باقر الموسوي الفرزنجي الحائري صاحب الضوابط المتوفى ١٣٥٣
من شجيبة شريف العلماء وهو شريف للذين يحفظ الاثر المتوفى ١٣٤٥ سنة والشيخ موسى جعفر

* ومرج قاله روضات بان اجازته له ١٣٥٣

كاشف عن والده الشيخ الاكبر ومنهم الشيخ عبد الشيخ علي الشيخ الاكبر عن ابيه عن عبد الله الشيخ الاكبر
ومنهم الشيخ محمد هاشم بن الشيخ محمد نجف شارح الشرايع الموسوم بزبدة الاحكام المتوفى ١٢٩٩
عن الشيخ حسين الشيخ الاكبر عن ابيه الشيخ جعفر كاشف الغطاء وابن شارح صاحب الروضات

والده السيد العالم الجليل الامجد الورع العابد بقية السلف الصالح الخلف الفهيم بقية العلامة السيد حسين بن الشيخ ابي محمد
الموسوي الفرزنجي الاصفهاني المتوفى ١٢٧٤ وهو يروي عن جماعة منهم السيد عبد الرسول الموسوم بالشهير
بالبقير المتوفى ١٢٥٣ عن الشيخ الاكبر كاشف الغطاء ومنهم الميرزا محمد حسين الحلم الجيد الرزين الحجة
المتوفى بالنجف ١٢٥٣ عن والده الميرزا عبد الباقي شيخ علوم العلوم ومنهم والد الميرزا القمي صاحب
السيد حسين بن الشيخ ابي محمد علوم ابي القاسم جعفر الكبير الشهير بمير عن والده السيد حسين
ابي محمد علوم ومير الميرزا محمد الشهير بالمجاهد وعن صاحب الجلس بطريقهم المسطورة في خاتمة المستدرك
وخامس مشايخ صاحب الروضات الذي جملة الاجازة المذكورة لولدهم ووصفه بنجله اجلهم
واعقلهم وابرعهم واعلمهم هو السيد الامام المشهور الاوفاق بحجة الاسلام على الاطلاق الحاج سيد
محمد باقر بن محمد تقي الموحد الرشتي الاصفهاني المتوفى ١٢٦٠ عن المحقق البهبهاني والمقدس الكاظمي والشيخ اسد الله
وصاحب الرياض بطرقهم المشهورة وقد حاز بحر بهذه الاسطر حصلت بيدي اجازة بخطه الشريف
شريفة في ضاعف مني فحوى ما بين فرائد انهذه الاجازة فذكر اني شاركته بالنظر فيهم السيد العلامة
المسدد المؤيد الذي بلغ من العلوم الاصلية والفرعية قاصيها وملك من الفنون العقلية
والنقلية ناصيها السيد محمد الفرزنجي اصلا والحلي انشاء والنجفي مولدا وموطنا ومدفنا
الله درجه وكثر في عن عنه العلماء صاحب الاثر المعروف السيد باقر الفرزنجي عن خاله العلامة
المؤيد المسدد البدل النحرير والهمام الذي قلما تكفل بمثله الزمان لم ينظر صاحب الكرامات
الباهرة المشهورة والمقامات العالية المذكورة السيد محمد مهدي المشهور بحر العلوم والعلامة
الطباطبائي بطرقه المكاثرة الى ان قال ويروي اجازته شيخنا السيد محمد الفرزنجي عن استاذه
الفقيه النبيه الشيخ حسن صاحب انوار الفقاهة عن والد العلامة الفقيه كاشف الغطاء
كما كتب بخطه في هذا المقام في الحاشية بالفظه والظاهر ان رواية الشيخ حسن عن ابيه العلامة
انما كانت بتوسط اخويه العلامتين الشيخ موسى شارح البغية والشيخ علي صاحب الحصار اب
ثم انه يروي اجازة السيد محمد الفرزنجي ايضا عن العالم العامل البدل الزاهد العابد السيد محمد تقي

Marfat.com

الحرزي عن مشايخه الذين ذكرهم في اجازته كبيرنا الغريب ذو اللؤلؤة الحاج كاظم شيخنا
الشيخ شريعة مدرسا وانما ذكرت منه هذا المقدار لان شيخنا العلامة النوري لم يذكره في خاتمة
المستدرك من مشايخ العلامة السيد محمد الحرزي انه عمه السيد باقر وقد شاركه شيخنا الشيخ شريعة
في الرواية عن السيد محمد الحرزي المذكور من مشايخه وهو شيخ العلامة المؤسس الاعلم حجة الاسلام
وآية الله في الانام شمس سماء مولانا واستاذنا الاخوند الحاج ملا محمد كاظم الخراساني الطوسي ثم
النجفي المشهور بالآخوند الغبرة من فوق الحجة ثم النجفي فانه يروي عن السيد محمد الحرزي بالاجازة بمسودة كبيرنا المذكور
وصورتها موجودة والناسخ من مشايخي هو الشيخ العلامة الفقيه الشيخ عطية الحسين
الناظم الطوسي في رجب سنة ١٣٣٤ كان من مشايخ المترجم الحرزي وله شرح اللمعة الاشبه
في ثلث مجلدات وتعليقات على الفوائد الرجالية المصدرة بها تعليقة الاستاذ الاكبر البهبهاني
ورسائل فقهية اخر ليست بصغيرها مثل مكاسبه الاخوند وبلا معارض كبيرنا كربلائي الحاج شيخ
زين العابدين الازندي وكان له تقريب اسناده العلامة الانصاري عن استاذه الشيخ راضي عن العلامة
الحاج ملا علي الحاج مرزا خليل بما مر فيه من الرجال الكبير التعليقات الرجالية السابق ذكره
وله الرواية عن سنده الحاج مولى علي الخليلي خطا وذكر انه قرأ ظاهر الشرح جميعه على المشار اليه وعلى
الحاج شيخ زين العابدين المقام مقامه المزبور في كربلاء ويروي عن الشيخ علي الخيفاني ابن عم
مشايخي وهو السيد العلامة الاجل جمال السالكين الاوحد الاتقى الاوحد سيدنا الجليل
الحاج سيد محمد السيد ابراهيم الطهراني اصلا المعروف بالكربلائي المتوطن بالنجف مصرفوه في
السابع والعشرين من شوال سنة ١٣٣٢ كان من بلاغة الله البارزة في العلامة الحاج مرزا
حبيب الله الرشتي ومن خواص اصحاب جمال السالكين الاخوند الملا حبيب الله الخراساني الهمداني وله الرواية
عنه وعن الشيخ الخيفاني والحاج مرزا حبيب الطهراني وكلاهما عن العلامة الحاج مولى علي مرزا خليل
ويروي عن الحاج مولى علي الخليلي ابن العلامة عشر من مشايخي وهو الشيخ العلامة الفقيه الكامل

المدرس الباذل الذي قرأ عليه جل طلبة النجف في العصر الاواخر المولى الورع الوفي
الميرزا محمد علي نصير الرشتي النجفي المتوفى سنة ١٣٣٣ ويروي عن العلامة الحاج مولى
علي الخليلي سبطه العلامة الاجل الحاج ملا باقي الشهير بشيخ الشريعة الاسلام والمسلمين في هذا
اليوم وصدر الملة والدين حضرة السيد الحسن صدر الدين دام ظله على رؤس الاشهاد
فانه دام ظله كتب لي اجازة مبسوطة في سنة ١٣٣٠ ذكر فيها مولاه الاجازة وجملة
من المصنفات وذكر مشايخه وهم الحاج مولى علي الخليلي واخوه العلامة الحاج ميرزا حسين
الطهراني والحاج ميرزا ابراهيم الجهارسوقي والعلامة السيد محمد الحرزي وغيرهم تغمدهم
الله اسرارهم بنوره وعني جناب السيد دام علاه عن مولاه المشايخ العظام اوجه
الذين ذكرت عدتهم الاثني عشر مع بعض مالهم من الآثار والتواريخ والاثر رجاء
ان لا ينساني حضرته بصالح دعواته في مظان الاجابة فانه لغفلته فاني مدى كثير
الحاجة الى الدعاء لجميع اموري وكذلك اسئل كل من نظر في هذه الاوراق بعد
العفو عن الزلات والصفح عن الدعاء لقضاء الحاجات بما يحتاج اليه كثيرا
بعد الممات وقد افتتاح هذه الاجازة باللسان في شهر الاعظم شهر رمضان
من سنة ١٣٤٠ وفرغت من كتابة هذه الاوراق في شهر رجب سنة ١٣٤١ احد شهور سنة
وانا الاحقر الجاني محمد محسن المدعو باقي بن زين العابدين الحاج علي بن الحاج عبد المحسن الشهير
غفر له ولوالديه ولمن يعز عليهم بمحمد وآله الامجاد بحق لا اله الا الله الحي القيوم الواحد الصمد

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۴۷ قمری

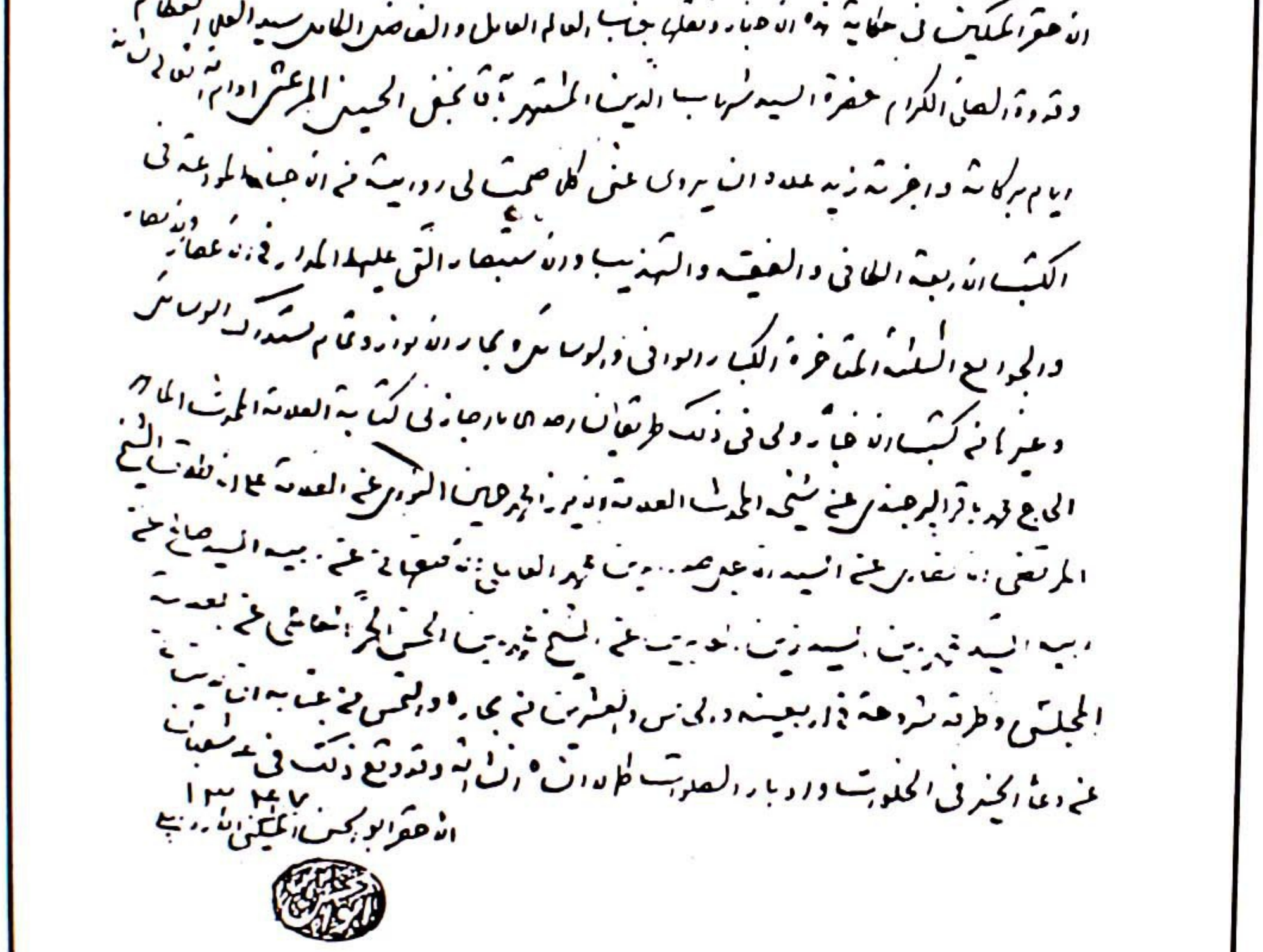

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب المربوبین الذی رفع درجات العالمین علی العالمین وجعلهم حملة اخبار الائمة الطاهرین ونقلة آثارهم المنعتة عن جدهم الصادق الامین علیه وعلی آله الغر المیامین افضل صلوة المصلین واللعنة الدائمة علی اعدائهم من الان الی یوم الدین وبعد فان افضل ما صرفت الیه الهمم بوعلم الدین والتفقه فی شریعة سید المرسلین علیه وآله صلوات الملک الاکبرین وعدة تدارکه هی ان اجناء المنقولة عن الائمة المختار واولاده الاطهار ولذا رشحنی الاحقر المکین فی حکایة هذه الاخبار ونقلها جناب العالم العامل والفاضل الکامل سید العلی العظام وقدوة الصلحاء الکرام حضرة السید شهاب الدین المشتهر بآقا نجفی الحسینی المرعشی ادام الله تعالی ایام برکاته واجزله مزید مثوبته ان یروی عنی کل ما صحت لی روایته فی انواع العلوم وانقله الکتب الاربعة الکافی والفقیه والتهذیب والاستبصار التی علیها المدار فی هذه الاعصار والجوامع الستة الاخری کالوافی والوسائل وبحار الانوار ومستدرک الوسائل وغیرها من کتب الاخبار ولی فی ذلک طرقان ارصدتها بالاجازة فی کتابة العلامة المحدث الحاج المرتضی الانصاری عن السید صاحب الضوابط عن بحر العلوم عن الصادق عن ابیه السید صالح عن ابیه السید مهدی بن السید زین العابدین عن ابیه السید شفیع عن ابیه السید حسین الحر العاملی عن والده الشیخ محمد بن الحسین المجلسی وطریقة شروحه فی اربعینه وهی عن الشیخ البهائی فی بحاره والحسین فی عنایته ان عن شیخه الشیخ حسن صاحب المعالم فی دعاء الخیر فی الخلوات واوراد الصلوات ظاهرا ان ابنه وقد وقع ذلک فی شعبان سنة ۱۳۴۷

الاحقر ابوالحسن الحسینی الانصاری

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مفصّل مرحوم آیت‌الله سیّد ابوالقاسم حسینی نجفی اصفهانی دهکردی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۴۸ قمری

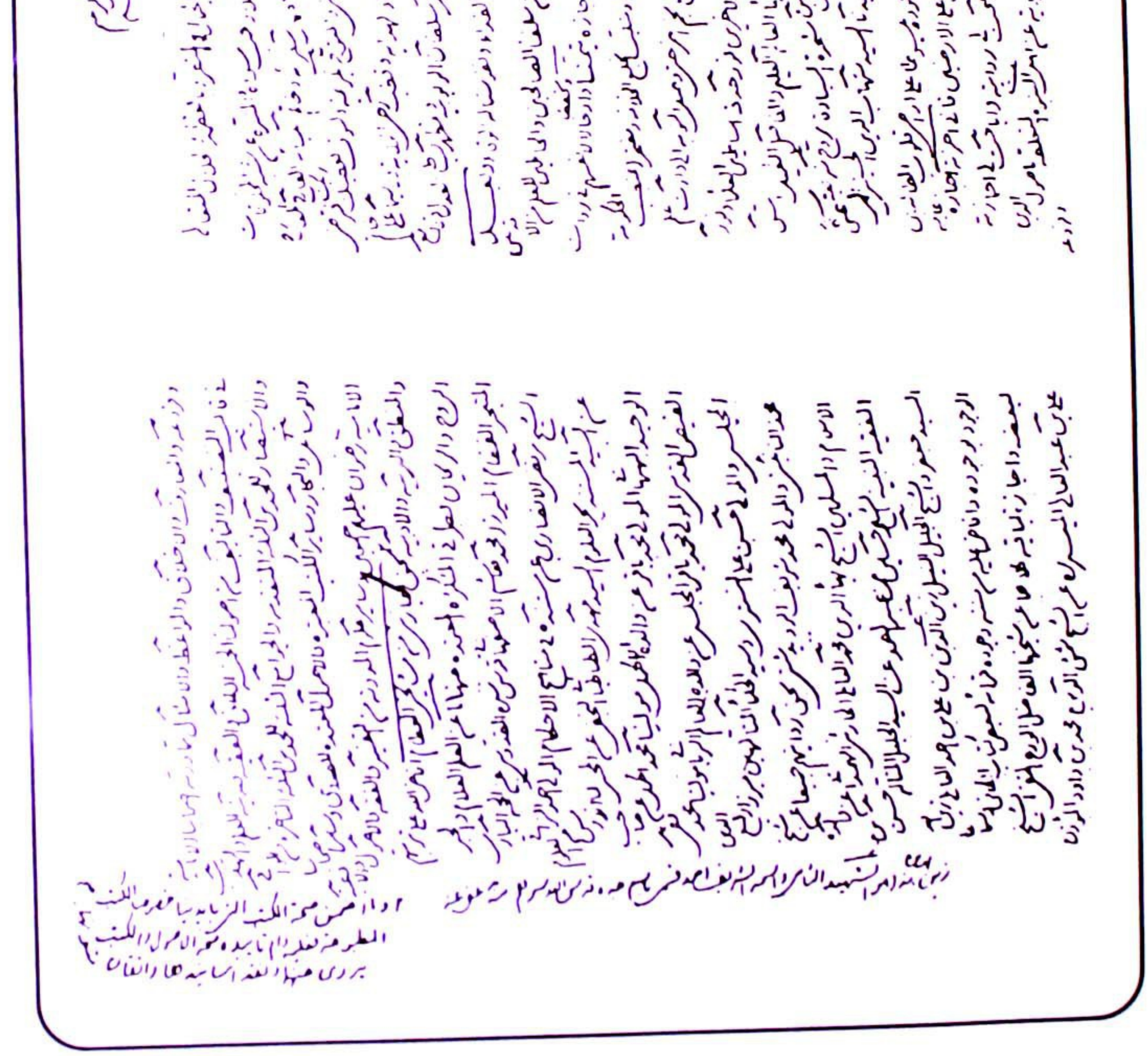

Marfat.com

Marfat.com

محمد شریف بن شمس الدین محمد الرویدشتی وقدوة العارفین المولی محمد محسن القاسانی
بحق روایتهم جمیعا عن شیخ الاسلام الشیخ بهاء الدین محمد عن ابیه الفقیه النبیه عز الدین
الحسین بن عبد الصمد الحارثی الهمدانی عن الشیخ الاعظم السعید الشهید زین الدین المعروف
بالشهید الثانی قال قدس سره فی بعض اجازاته لبعض السادة الکرام اجزت ان
یروی عنی بحق روایتی عن جمع من الاشیاخ اجلهم رتبة واعلاهم سندا شیخنا
الجلیل نور الدین علی بن عبد العالی المیسی بحق روایته عن جماعة من اشیاخه
منهم الشیخ شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن داود الشهیر بابن المؤذن الجزینی
بحق روایته عن جماعة اجلهم الشیخ الصالح ضیاء الدین علی بن الشیخ
الشهید السعید ابی عبد الله محمد بن مکی الشهیر بالشهید الاول عن جماعة
اجلهم الامام فخر المحققین محمد بن شیخ الاسلام مفتی فرق الانام جمال
الدین الامام العلامة الحلی حسن بن الشیخ السدید یوسف بن علی بن
مطهر الحلی عن والده الامام العلامة عن جماعة من مشایخه اکملهم
الامام نجم الدین جعفر بن الحسن بن سعید الحلی عن جلة من مشایخه
الاعاظم اشرفهم السید شمس الدین فخار بن معد الموسوی عن الفقیه
شاذان بن جبرئیل القمی نزیل مهبط الوحی دار الهجرة عن العماد
ابی جعفر محمد بن ابی القاسم الطبری عن الشیخ الفقیه ابی علی
الحسن عن ابیه شیخ الطائفة ومحیی المذهب ابی جعفر محمد بن
الحسن الطوسی عن مشایخه المودعة فی کتابی التهذیب والاستبصار
اجلهم واعلاهم الشیخ المفید محمد بن محمد بن نعمان عن الشیخ رئیس
المحدثین ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی عن الشیخ
الاجل جعفر بن محمد بن قولویه عن الشیخ الاجل ثقة الاسلام
ابی جعفر محمد بن

شیخ زین الدین بن علی بن احمد الشامی الشهید الثانی

اتصال السند الی الشیخ الطوسی ره ثم الی الصدوق ثم الی الکتب الاربعة

ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی عطر الله مضجعه بجمیع کتبه وروایاته منها الکتاب الکافی
اصولا وفروعا الذی لا یوجد فی الاسلام مثله الفه فی عشرین سنة جزاه الله عن
الاسلام واهله خیر الجزاء عن رجاله المودعة فی اسناده فی الکافی المنتهیة الی
ائمة الدین خلفاء رسول رب العالمین علیهم صلوات الله اجمعین ومنها
ما عن علامة العلماء المحققین مولینا الامام المولی محمد کاظم النجفی الهروی
بحق روایته واجازته عن السید المستند صاحب المقامات الفاخرة و
الکرامات الظاهرة العالم الربانی السید مهدی الحلاوی القزوینی عن عمه الاجل
الاکرم البدر الفاخر والبدر الظاهر السید محمد باقر عن شیخه الاعظم الفقیه علی
الاطلاق الشیخ جعفر النجفی صاحب کشف الغطاء عن شیخه استاد الکل
المولی محمد باقر البهبهانی عن والده الاکمل مولینا محمد اکمل عن مشایخه الاعاظم
المولی میرزا محمد الشیروانی والشیخ جعفر القاضی والمولی محمد شفیع الاسترابادی
والمحقق المدقق جمال الدین محمد الخوانساری جمیعا عن الشیخ الاجل
الاورع المحدث البارع الفقیه المولی محمد تقی المجلسی عن الشیخ الاعظم
والمولی المعظم الورع التقی النقی المولی عبد الله التستری عن الشیخ الاجل
الاعظم نعمة الله بن الشیخ الاعلم احمد بن الشیخ المعظم شمس الدین محمد بن
خاتون العاملی عن ابیه وعن شیخ علمائنا المحققین نور الدین علی بن
عبد العالی عن جده محمد عن الشیخ الاجل جمال الدین احمد العینائی
عن الشیخ الاکمل زین الدین جعفر بن الحسام عن السید اجل الاعلم الحسن
بن ایوب الشهیر بابن نجم الدین عن شیخ علماء الاسلام الشهید السعید
محمد بن مکی ره وعن المولی محمد تقی المجلسی عن الشیخ الاعظم شیخ الاسلام

Marfat.com

والسلبين الشيخ بهاء الدين عن ابيه الاجل الشيخ الاسلام والمسلمين حسين بن
عبد الصمد الحارثي الهمداني عن شيخ علمائنا المتاخرين دارث علوم الاولين
والاخرين الشيخ زين الدين الجليل الشيخ الشهير بالشهيد الثاني عن الشيخ
نور الدين علي بن العالي عن الشيخ الاجل شمس الدين محمد بن داود المؤذن
الجزيني عن الشيخ الاجل ضياء الدين علي عن والده الاجل السعيد الشهيد
محمد بن مكي عن جماعة من مشايخه الفضلاء منهم السيد عميد الدين عبد المطلب
الحسني والشيخ الافضل فخر المحققين ابو طالب محمد بن العلامة والسيد
الفاضل النسابة ابو عبد الله محمد بن القاسم بن معية الحسيني والسيد
الكبير نجم الدين مهنا بن سنان المدني والمولى العلامة قطب الدين محمد
الرازي جميعا عن الشيخ الاجل ابن الله في العالمين جمال الملة والحق
والدين ابي منصور الحسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلي عن
والده الاجل سديد الدين يوسف وعن شيخه المحقق نجم الدين
ابي القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد عن السيد الاجل فخار بن
معد الموسوي عن الشيخ الجليل شاذان بن جبرئيل القمي عن الشيخ
عماد الدين ابي القاسم الطبري عن الشيخ ابي علي الحسن عن والده
شيخ الطائفة ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي جميع تصانيفه و
مؤلفاته التي منها تهذيب الاحكام والاستبصار عن شيخ علماء
الاسلام والمعتمد عليه عند الخاص والعام ابي عبد الله محمد بن
محمد بن النعمان المعروف بالشيخ المفيد عن شيخه رئيس المحدثين
ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بابويه القمي جميع ما رواه
التي منها كتاب من لا يحضره الفقيه عن الشيخ الاجل جعفر بن محمد
قولويه عن الشيخ الاجل ثقة الاسلام والمسلمين ابي جعفر محمد بن
يعقوب

فيه ان الفقيه
يروي عن
الصدوق

بقية كتب الطبرسي جميع كتبه ورواياته منها الكتاب المستطاب القائم بما يحتاج
المتصلة الى الائمة المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين عن رسول رب العالمين
وخاتم النبيين محمد المبعوث على اهل العالمين عن جبرئيل امين رب العالمين
عن الله تبارك وتعالى خالق الخلائق اجمعين وعنها ما عن الفقيه المؤتمن
الميرزا محمد حسن النجفي الاصفهاني سبط العلامة المشتهر بالمامقاني الولد المهر باقر
الفاضل الجهبذ عن الشيخ الكبير الشيخ محمد حسن صاحب جواهر الكلام عن الفقيه
على الاطلاق الشيخ جعفر صاحب كشف الغطاء عن استاذه الطود الاجل البهبهاني
عن ابيه الشيخ الاجل محمد اكمل عن العلامة المجلسي عن قطب العلماء البررة
السيد حسين المفسر الكركي عن الشيخ نور الدين محمد بن حسين عن السيد محمد
عن ابيه الحسيب السيد حسن الرضوي عن العالم الجليل الشيخ محمد بن علي بن
جمهور الاحسائي عن الشيخ الجليل علي بن هلال الجزائري عن الشيخ المهذب
احمد بن محمد بن فهد الحلي عن الشيخ علي بن خازن الحائري عن شمس الفقهاء محمد بن
الشهيد الاول عن المحقق عن والده آية الله في العالمين العلامة الحلي
عن عم الملة والمذهب ابي القاسم جعفر بن سعيد المحقق الاول عن الشيخ
مفيد الدين محمد بن جهم قال حدثني الفقيه السني قال سمعت من مولاي
ابي محمد الحسن العسكري عليه وعلى ابائه وولده القائم افضل الصلوة والسلام
يقول احسن ضنك ولو بجر بطرح الله في سره فتقاتل نصيبك منه
نقلت يا ابن رسول الله ولو بجر فقال الا تنظر الى الجر الاسود وهذا جر سرور
قال السند مذكورة اصل كتاب عوالي اللئالي ومنقول عن خط العالم الجليل
محمد بن علي الجباعي جد شيخنا البهائي اراه عن المحدث البارع الحاج ميرزا حسين

النوری عن العالم الربانی المولی الحاج الملا علی ابن الحاج المیرزا خلیل الطبیب
الطهرانی عن جماعة منهم الشیخ الجلیل الشیخ عبد العلی الرشتی عن شیخه الفاضل
ابی علی صاحب کتاب منتهی المقال فی علم الرجال عن استاده الوحید البهبهانی
بالسند المتقدم انفا فلیرد ادام الله تاییده ما شاء واحب من فنون العلوم المدونة
وسایر الکتب الاربعة وکتاب نهج البلاغة والصحیفة السجادیة وسایر الکتب
والاصول المعتمدة وجمیع مصنفاتی ومؤلفاتی واوصیه دام علاه بما اوصی الله به
تبارک وتعالی وسایر انبیائه ورسله واوصیائهم حجج الله علی خلقه والمشایخ
الاجلة العظام من التمسک التام بالاحتیاط فی عامة اموره المتعلقة بالدین
والدنیا فان لا ینسانی من صالح الدعاء حیا ومیتا کتبه بیمناه فی غایة تقلب
القلب واضطراب الخاطر علی سبیل العجالة وانا الاحقر السید ابو القاسم الحسینی
النجفی الاصفهانی الدهکردی فی ضحوة یوم الجمعة السادس من شهر محرم الحرام
من شهور سنة ۱۳۴۸ ثمانیة واربعین وثلثمائة بعد الالف الهجریة
حامدا مصلیا مسلما کثیرا کثیرا



فانه سفینة النجاة والعلم بالوظائف والعمل بالوظائف وعلیه بتهذیب النفس والتحلی بالفضائل وارشاده دام ظله

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء نجفی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۴۸ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم وله الحمد والعظمة

الحمد لله على ما اسبغ من نعمه واجازه والصلوة والسلام على محمد وآله مجاز الحقيقة وحقيقة المجاز وبعد فان السيد السند الفاضل المورع التقي النسابة الهمام السيد شهاب الدين المدعو باقا نجفي الحسيني دام عزه خلف المرحوم المبرور شمس الدين طاب ثراه احب ورغب في ان ينتظم في سلك المحدثين والرواة عن اجداده المعصومين الهداة ويندرج في هذا الدرج العالي والسمط الغالي ولما وجدته اهلا واحرزت منه علما وفضلا اجزت له الرواية عني بجميع ما صح لي روايته وتم لي سنده عن مشايخي الكرام واساتيدي العظام منها ما اجازني به استادي خاتمة المحدثين وذروة العارفين الحاج ميرزا حسين النوري الطبرسي والمرجع العام في عصره الحاج ميرزا حسين الخليلي الطهراني واعمامي الاعلام من آل كاشف الغطاء بما صحت لهم روايته واجازته عن الشيخ حسن صاحب انوار الفقاهة عن ابيه الشيخ الاكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء عن استاده الوحيد الآقا محمد باقر البهبهاني عن ابيه محمد اكمل عن المحدث المجلسي عن الشيخ البهائي عن ابيه الشيخ حسين عبد الصمد عن الشهيد الثاني عن الشيخ علي ابن عبد العالي الميسي عن الشيخ شمس الدين الجزيني عن الشيخ ضياء الدين عن والده الشهيد الاول عن فخر المحققين عن والده العلامة آية الله الحلي عن استاده المحقق الاول نجم الملة والدين عن السيد فخار بن معد الموسوي عن شاذان بن جبرئيل القمي عن ابن ابي القاسم الطبري عن الشيخ ابي علي عن والده شيخ الطائفة الشيخ الطوسي عن الشيخ المفيد عن ابن قولويه عن ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني عن الفقيه الجليل علي بن ابراهيم عن شيخه الامين على الدنيا والدين يونس بن عبد الرحمن عن ثامن الائمة وثمرة شجرة العصمة الامام علي بن موسى الرضا عن آبائه الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين، هذا احد طرقنا اليهم صلوات الله عليهم وقد اجزنا له الرواية بهذا الطريق وبسائر طرقنا الاخرى واوصيته برعاية الورع والاحتياط وملازمة التقوى والسداد وان لا ينسانا من صالح دعواته ولا سيما في مظان الاجابة والله ولي التوفيق لنا وله وبه المستعان حرر في زاوية النجف الاشرف المقدسة ۴ ربيع المولود ۱۳۴۸

محمد الحسين آل كاشف الغطاء

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۱ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی زین سماء کلامه باصله کما زین سماء الدنیا بزینة الکواکب. و رمی شیاطین الغی من افکارهم بکل شهاب ثاقب. و فجر بافلاذهم عیون الاخبار فروی بوداناتهم کل صادر. والصلاة علی افصح من تکلم بالضاد محمد صلی الله علیه و آله الذی روی احادیث العصمة عنه باصح الاسناد مسلسلا بالاباء والاجداد. و بعد فان السید الشریف والجهبذ النظیف ذو الفضائل والمناقب و شرف الدنی طالب عماد الفقهاء و عمید المدینی السید شهاب الدین ممر الله بدوام عمره دوارس المدارس و حلی بشهاب فکرته من المعضلات الحنادس من مهج بنی السادة کرم الحسب و شرف الکتب فضار منقطع القرین و تلقی رایة العلم کرایة الادسی بالیمن و قد حمزلی فی کلوم الشریعة فوجدته ذا قوة قدسیة و فطنة علویة لا لهیبة مسخرا للفروع من الاصول عارفا بالمعقول و المنقول و قد استجازنی فی نقل روایات الائمة و کتب ذمار الامة فاجزت له ان یروی عنی ما صح طریقه من مشایخی الصالحین و سندة اصار المصریین و طرق کثیرة لا یساعد المجال علی نقل جمیعها منها ما اخبرنی به الشیخ الامام العلامة الحاج میرزا حسین النوری صاحب مرقده عن شیخه کعلامة الحاج ملا مرتضی الانصاری عن المولی احمد النراقی عن والده ماجد، عن العلوم الطباطبائی. و اخبرنی الشیخ الامام الحاج لاشتات کلوم والفضائل من فرد مثله فی الاوائل و فرد شده فی الاوائل الحاج سید فتح الله المازندرانی المعروف بشریعتی، و کسبا لحدث الفقیه السید حسن الصدر و کشریف العالم الرئیس الحاج سید محمد کفرودینی جمیعا عن السید العلامة کسید محمد الفرزینی عن عمه السید باقر کفرودینی عن خاله بحر کعلوم بطرقه الکثیرة الی ذکرت عدة منها فی اجازتی المبسوطة فلیرد عنی بها و بسائر طرق کتب اصحابنا و روایاتهم و کتب المخالفین و منقولاتهم مراعیا للاحتیاط فی الدین و ساعیا فی صلاح المسلمین و استل الله لی و له کشریف، و انا العبد ابو المجد محمد الرضا الکلانتر کنانی الاصبهانی النجفی الاصفهانی ثالث صفر عام ۱۳۵۱ ببلدة اصبهان کتبه حامدا مصلیا

اجازهٔ روایتی مفصّل مرحوم آیت‌الله سیّد اسحاق مشهور به ناصر حسین موسوی هندی، فرزند مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیّد حامد حسین، مؤلف کتاب عبقات الانوار به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۲ قمری

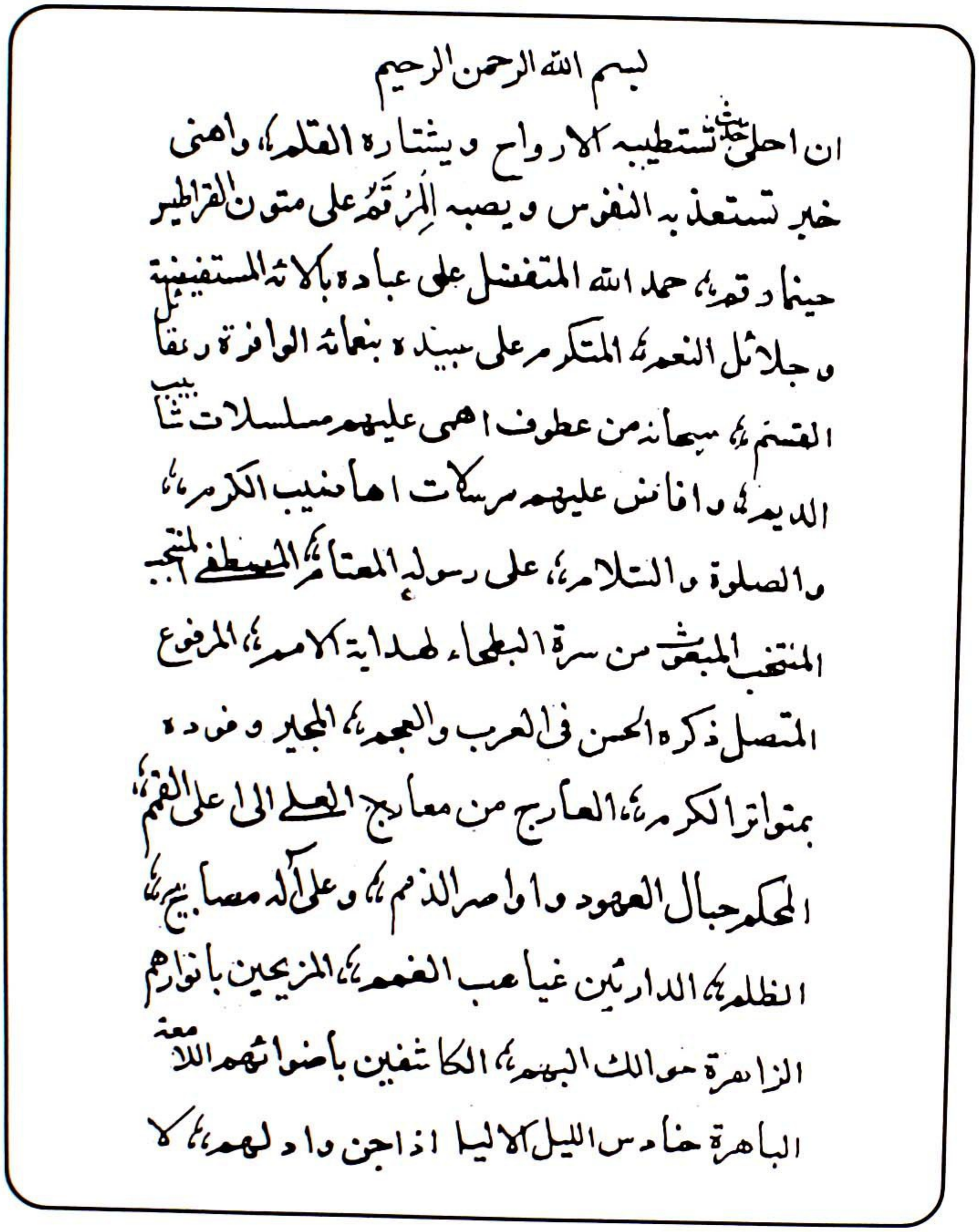

بسم الله الرحمن الرحیم

ان احلی حدیث تستطیبه الارواح و یشتاره القلم، و اهنی خبر تستعذبه النفوس و یصبه الرقم علی متون القراطیر حینما رقم، حمد الله المتفضل علی عباده بالائه المستفیضة و جلائل النعم، المتکرم علی سبیذه بنعمائه الوافرة رقما القسم، سبحانه من عطوف اهمی علیهم مسلسلات شآبیب الدیم، و افاض علیهم مرسلات اهاضیب الکرم، و الصلوة و التسلام، علی رسوله المعتام المصطفی المنتجب المنتخب المبعوث من سرة البطحاء لهدایة الامم، المرفوع المتصل ذکره الحسن فی العرب و العجم، المجید و فوده بمتواتر الکرم، العارج من معارج العلی الی اعلی القمم، المحکم حبال العهود و اواصر الذمم، و علی آله مصابیح الظلم، الدارئین غیاهب الغمم، المزیحین بانوارهم الزاهرة حوالک البهم، الکاشفین باضوائهم اللامعة الباهرة حنادس اللیل الالیما اذا جن واد لهم، لا

Marfat.com

سیما ابن عمہ وصہرہ الحزبر الباسل القصمہ، والسید
الماجد الخضمہ، الواضع لعلوا سنادہ علی ظہر النبی
القدمہ، الشافی بکلامہ المعجز کل مرض وسقمہ، مطہر
بیت اللہ عن کل وثن وصنم، مفجر ینابیع الحکمہ، ممعنی
عزائم الہممہ، محیی دوارس الرممہ، مسلوۃ دائمۃ
باقیۃ ما ظہرت اسرار الوجود عن خبایا العدمہ، متلا حقۃ
متتالیۃ لا تکتمل بالعممہ اما بعد فان احق الفضائل
واولاہا، واز ہر العقائل واسناہا ہو العلم
الذی یتضاءل عندہ راس کل عز وفخر، ویتطامأ
عند عظمتہ تلیع عنق الدہر، ویضمحل فی خذائہ
کل نور وینکسف، وینمحی فی ازائہ کل ضیاء ویخسف،
فلا مجد الا وہو ذروتہ وسنامہ، ولا شرف الا وہو
یمینہ وحسامہ، ما قرطا ماریۃ باغلی منہ واغلی،
ولا المسک الاذفر والعنبر الاشہب باطیب منہ واذکی
بید ان لہ افانین وفنون، وعسالیج وعصون،
وان من اجل العلوم شانا، واعلاہا مکانا، وارجحہا

Marfat.com

میزانا، واکملها تبیانا، علم الحدیث فله من بینها
الرتبة الاعلی، والمنزلة القصوی، وکفی له علوا
وامتیازا، وسموا واعتزازا، انه یری منازل کانت
مهبط جبرئیل، ویعترف وجوها نطق فی شانهم
الکتاب الجمیل، ویوصل الی مربع محفوف بالتقدیس
والتهلیل، وینظم فی عقد منظوم من جواهر معادن
الوحی والتنزیل، ویشد بحبل ممدود یصل الی الله
الجلیل، ولذا اهتم بشانه العلماء واتعبوا ابدانهم
واسهروا اجفانهم، وتجرعوا لنیله غصص النوی
، وباتوا وفی احشائهم تتقد نار الجوی، وخاضوا
لاجله لجج الدامار، وجزعوا شقق البیداء حق
فازوا بالمراد، واصبحوا زعماء البلاد، ومناهج
الرشاد، وهداة العباد ومنهم العالم الثقة
الجلیل، والکامل البارع النبیل، محرز خصل
السبق فی مضمار التحقیق، وحائز قصب الشق

Marfat.com

فی سباق التدقیق، مطلع نیرّی الفروع والاصول
وملتقی بحری المعقول والمنقول، السید النبیه ابو
المعالی شهاب الدین بن محمود الحسینی المرعشی
النجفی وفقه الله لمراضیه، وجعل مستقبله خیرا من ماضیه
فانه دام علاه استجازنی طلبا للسعادة، وادراکا
لشرف الاتصال باهل بیت العصمة والسیادة، فاجزت
له ان یروی عنی کلما سمحت لی روایته عن مشائخی
العظام عن مشائخهم الی ان ینتهی الامر الی الائمة
المعصومین سلام الله علیهم اجمعین او الی ارباب
الکتب المولفة فی الفنون والعلوم من التفسیر و
الحدیث والفقه والاصول والکلام والعربیة و
غیرها لاسیما فی البلاغة والصحیفة السجادیة والکتب
الاربعة التی علیها المدار فی الاعصار والامصار
والجوامع الثلثة المتاخرة التی بلغت فی الوضوح
حد الشمس فی رابعة النهار ولی طریقان الاول

Marfat.com

الاول ان اروی عن حجة الاسلام وایة الله فی الانام
الوالد الماجد العلام اعنی العلامة السید حامد حسین
اعطاه الله من الاجر کفلین والاخر روایتی عن الاستاذ
العلامة والحبر الفهامة قدوة المجتهدین ومنتجع
العلماء الربانیین اورع الناس مولانا المفتی السید
محمد عباس اعلی الله مقامه واجزل فی الخلد اکرامه
وکل منهما یروی عن ایة الله فی العالمین وحجته علی
الجاحدین سید العلماء مولانا السید حسین سقی الله
ثراه وجعل الجنة مثواه عن مشائخه الاعلام احلهم
الله دار السلام علی ما هو مذکور فی تقریظ روائح
القران فی فضائل امناء الرحمن وارجو منه دام
علاه ان یراعی فی الروایة مسلک الاحتیاط بعد
الدرایه وان لا ینسانی فی مظان استجابة الدعوات
الصالحات لاسیما فی زوایا الخلوات واعقاب الصلوات
والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد
وآله الطیبین الطاهرین وکان ذلک فی السابع
من شهر جمادی الاخرة سنة اثنتین وخمسین و
ثلثمائة بعد الالف من الهجرة النبویة علی صاحبها
الاف السلام والتحیة

کتبه العبد المذنب ناصر حسن الموسوی جعله الله من اهل الصراط السوی

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله سیّد محسن حسینی امین عاملی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۳ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین

وبعد فقد اجازنی الأخ فی الله السید العالم الفاضل الکامل مجمع الفضائل ومنقذ الأماثل السید شهاب الدین المعروف بالنجفی الحسینی المرعشی ادام الله فضله وتأییده وتسدیده فاستخرت الله تعالی واجزت له ان یروی عنی جمیع مصنفاتی ومؤلفاتی وان یروی عنی ما صحت لی روایته عن مشایخی الکرام باسانیدهم المتصلة الی اهل بیت العصمة علیهم السلام (منهم) شیخنا واستاذنا الحجة المدقق الزاهد العابد الورع الشیخ محمد طه نجف النجفی عن الشیخ الفقیه الورع العابد الزاهد الشیخ ملا علی ابن الحاج میرزا خلیل الطبیب الطهرانی عن الاعلام الفقیه قدوة الامامیة الشیخ محمد حسن صاحب الجواهر والشیخ الفقیه الشیخ جواد ابن الشیخ موسی ابن ملا کتاب الکرسی النجفی والسید الفاضل السید محمد ابن السید جواد صاحب مفتاح الکرامة العاملی وعن الشیخ الفقیه الشیخ رضا ابن الشیخ زین العابدین العاملی النجفی جمیعا عن السید العلامة السید جواد العاملی صاحب مفتاح الکرامة عن السید الاعلام السید مهدی بحر العلوم الطباطبائی (ومنهم) السید الفقیه المحقق المدقق السید محمد الهندی النجفی عن ملا علی ابن میرزا خلیل عن الشیخ الاعلام المحقق المدقق قدوة الامامیة الشیخ مرتضی الانصاری عن مشایخه وعن الشیخ ملا علی عن صاحب الجواهر والشیخ جواد ابن ملا کتاب والشیخ رضا ابن زین العابدین والسید محمد ابن صاحب مفتاح الکرامة جمیعا عن صاحب مفتاح الکرامة عن بحر العلوم ومن السید محمد الهندی عن الشیخ مرتضی ومنهم السید النقیب المحقق المدقق السید محمد ابن السید محمد تقی الطباطبائی النجفی عن عمه الفقیه المحقق المدقق البارع السید علی صاحب الرياض عن صاحب الجواهر عن صاحب مفتاح الکرامة عن بحر العلوم حرر ببلدة قم المبارکة ج ۲۳ صفر سنة ۱۳۵۲، حرره بیده الفانیه العبد الجانی محسن الحسینی العاملی عفی عنه السرعسکر حامدا مصلیا مسلما

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله سیّد عبدالله بلادی موسوی به آیت‌الله مرعشی (ره) در سال ۱۳۵۶ قمری

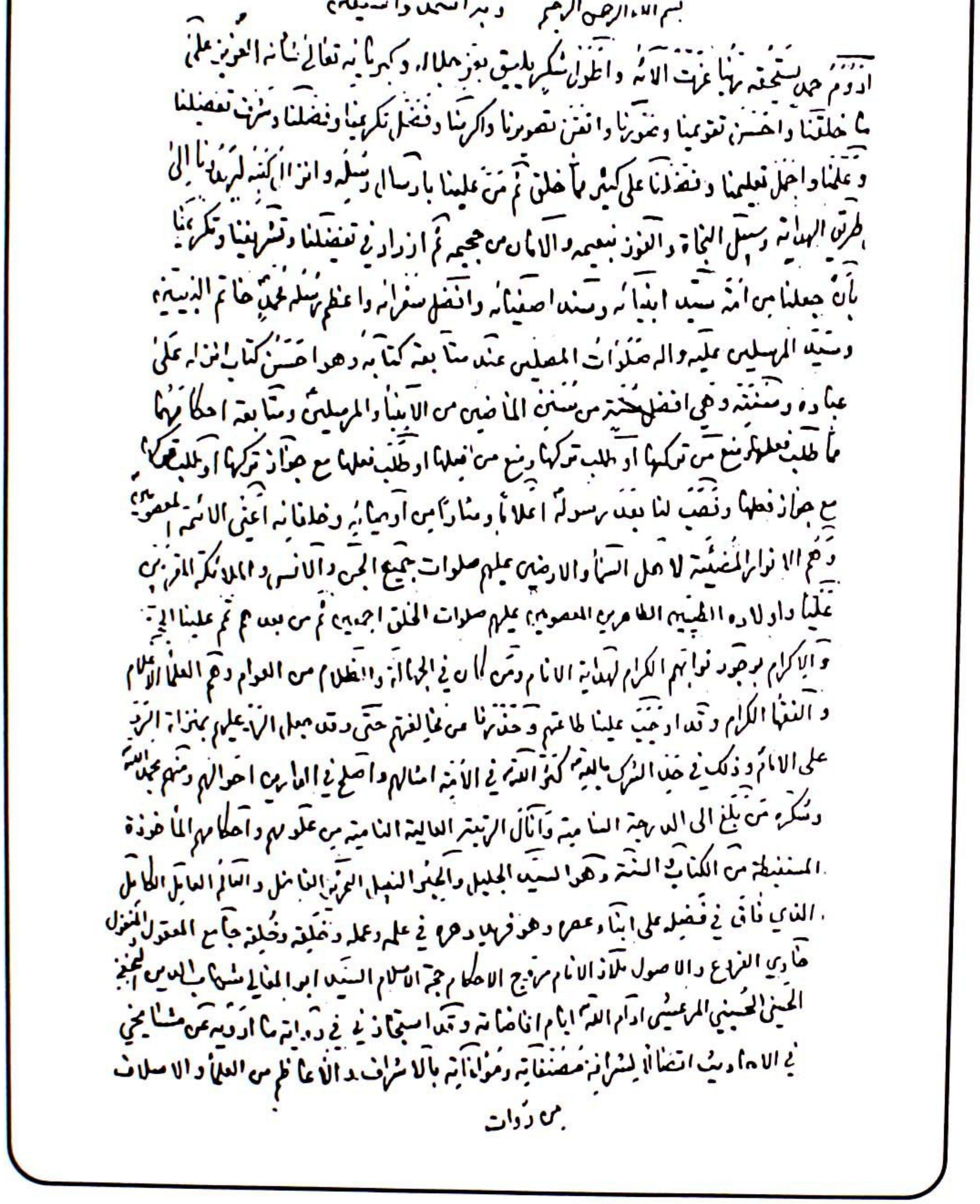

بسم الله الرحمن الرحیم وبه استمد واستعین

ادوم حمد یستحقه ربنا عزت آلائه واطول شکر یلیق بعز جلاله وکبریائه تعالی شأنه العزیز علی
ما خلقنا واحسن تقویمنا وصورنا واتقن تصویرنا واکرمنا وفضل تکریمنا وفضلنا وشرف تفضیلنا
وعلمنا واجمل تعلیمنا وفضلنا علی کثیر مما خلق ثم من علینا بارسال رسله وانزال کتبه لیهدونا الی
طریق الهدایة وسبیل النجاة والفوز بنعیمه والامان من جحیمه ثم ازداد فی تفضیلنا وتشریفنا وتکریمنا
بان جعلنا من امة سید انبیائه وسند اصفیائه وافضل سفرائه واعظم رسله محمد خاتم النبیین
وسید المرسلین علیه وآله صلوات المصلین عند متابعة کتابه وهو احسن کتاب انزله علی
عباده وسنته وهی افضل سنة من سنن الماضین من الانبیاء والمرسلین ومتابعة احکامهما
مما طلب فعلها ومنع من ترکها او طلب ترکها ومنع من فعلها او طلب فعلها مع جواز ترکها او طلب ترکها
مع جواز فعلها ونصب لنا بعد رسوله اعلاما ومنارا من اوصیائه وخلفائه اعنی الائمة المعصومین
وهم الانوار المضیئة لاهل السماء والارضین علیهم صلوات جمیع الجن والانس والملائکة المقربین
علیا واولاده الطیبین الطاهرین المعصومین علیهم صلوات الخلق اجمعین ثم من بعدهم تمم علینا الحجة
والاکرام بوجود نوابهم الکرام لهدایة الانام ومن کان فی الجهالة والظلام من العوام وهم العلماء الاعلام
والفقهاء الکرام وقد اوجب علینا طاعتهم وحذرنا من مخالفتهم حتی وقد جعل الرد علیهم بمنزلة الرد
علی الامام وذلک فی حد الشرک بالله کثر الله فی الامة امثالهم واصلح فی الدارین احوالهم ومنهم بحمد الله
وشکره من بلغ الی الدرجة السامیة وانال الرتبة العالیة النامیة من علومهم واحکامهم المأخوذة
المستنبطة من الکتاب والسنة وهو السید الجلیل والحبر النبیل النحریر الفاضل والعالم العامل الکامل
الذی فاق فی فضله علی ابناء عصره وهو فرید دهره فی علمه وعمله وخلقه وخلقه جامع المعقول والمنقول
حاوی الفروع والاصول ملاذ الانام مروج الاحکام حجة الاسلام السید ابو المعالی شهاب الدین النجفی
الحسینی الحسینی المرعشی ادام الله ایام افاضاته وقد استجازنی فی روایة ما ارویه عن مشایخی
فی الاحادیث اتصالا لشرافة مصنفاته ومؤلفاته بالاشراف والاعاظم من العلماء والاسلاف
من رواة

Marfat.com

من رواة الاحاديث اثابه الله مضاجعهم فلما رأيته للاجازة اهلاً ووجدته لحمل الرواية محلاً
اجزته ان يروي عني كلما ارويه بطريقين احدهما ما كان متصلاً بعد مجيزي المرحوم المغفور المبرور
الشيخ علي اكبر الهمداني صاحب دعوة الحسنى الى المرحوم المغفور المبرور حجة الاسلام الحاج ميرزا حسين
النوري الطبرسي نور الله ضريحه صاحب مستدرك الوسائل عن مشايخه المذكورين في اخر مستدركه
وفي مواقع النجوم المتصل الى المعصوم واجزت له ان يروي عني من ثانيهما الذي ينتهي من مجيزي المرحوم
المغفور المبرور شيخنا واستادنا الشيخ عبد الهادي البغدادي الهمداني المعروف بشليلة طاب رمسه
الى الشيخ الانصاري صاحب المكاسب والرسائل طاب ثراه وجعل الفردوس مثواه ومنه الى حيث ينتهي من الرواية
عن العلماء الاعلام المنتهية الى الامام عليه الصلوة والسلام وقد ذكرتهما في اول كتابي الموسوم بزلال المعين
في الاحاديث الاربعين فيجوز له الرواية بكل ما يرويه صاحب المستدرك وصاحب الرسائل مجلس سرهما
وهو مجاز عني في ذلك فبارك الله له واوصيه بتقوى الله في خلواته وجلواته وترك الركون الى الدنيا
الدنية وما فيها من زخارفها وان لا يحوز منها الا ما قد وجب لحفظ نفسه وعائلته من اقل ما يقنع به
من المأكل والملبس والمسكن ولا يدخر لنفسه ذهباً ولا فضة ولا اموالاً ولا عقاراً لانها تكون
عليه وبالاً يبتلى بحسابها لان في حلالها حساب وفي حرامها عقاب وفي الشبهات عتاب ودفع
الضرر المتوقع واجب عقلاً ونقلاً واوصيه ان يبالغ في تحصيل اربعة اشياء لدنياه واخرته فانها
اقرب شيء الى الدوام والثبات والبقاء من كل ما فيها اثنان منها للدنيا واثنان للاخرة اما الاثنان
للدنيا فاحدهما المبالغة في تحصيل العلوم النافعة للمعاد وتصنيف الكتب المفيدة للعباد وثانيهما
الذرية وكثرة النسل لان الاول والثاني اقرب الاشياء الى البقاء والدوام مما فيها من زخارفها
وقد حث الشارع بهما بقوله ورقة فيها علم تكون ستراً بين صاحبها والنار وقال تناكحوا تناسلوا
تكثروا اني اباهي بكم الامم يوم القيمة ولو بالسقط الى غير ذلك مما ورد فيهما واما الاثنان للاخرة الاول
منهما المعرفة يثبته بالعقل والنقل حتى يعرف خالقه ومعبوده لئلا يكون عابداً لمخلوق مثله والثاني منهما
العبادة لهذا المعبود العزيز جلت عظمته وعزت آلائه ليكون جامعاً بين المعرفة والعبادة وينبغي

Marfat.com

ام ایعاب نفسہ فی تحصیل ھذہ الاربعۃ لا یمنعھا الآن عنھا ذائل لابنات فیہ وثانیۃ لا بقاء لہ
واوصیہ ایضا لا یکون للظالمین نصیرا ولا فی نحو احکام اللہ للناسقین بیا ولا ظھیرا وقد انقلبت
حال الزمان وتغیر سلوک ھذا الدھر الخوان فتقدم المتاخرین الناس واخر المتقدم منھم تعالی
یخرج التعالی فی خفیۃ من الدین وادبارا من العلم وھو خبیث بضعف الدین وقلۃ اھلہ وتفقد
الفضیلۃ قال اذا ظھرت البدع فی امتی فلیظھر العالم علمہ ومن لم یفعل فعلیہ لعنۃ اللہ واوصیہ
بکثرۃ تلاوۃ القرآن والدعاء والمناجات والاستغفار فی الاسحار واوصیہ بالمودۃ والاحسان
الی ذوی القربی من ذوی رحمہ سواء من الساداۃ والعلویات والتحوم علی الارامل والایتام و
والفقراء والمساکین قال اتقوا اللہ فی ذریتہ نبیکم فلا یظلمون بحضرتکم وبین اظھرکم وانتم تقدرون
علی الدفع عنھم وقال اتقوا اللہ فی الفقراء والمساکین فشارکوھم فی معایشکم واوصیہ بقلۃ الاکل
وقلۃ النوم قال ما ملأ آدمی وعاء شرا من بطنہ وقلیل من اللیل ما یھجعون وفی الاسحار ھم یستغفرون
وقال لو استقل الناس فی الطعام لاستقامت ابدانھم وقال تجوع ترا ربک وقال ابغض
الغریم النوم واوصیہ باصلاح ذات البین فانہ افضل من عامۃ الصلوۃ والصیام وذلک دینھم
واوصیہ بصلۃ الارحام والنھی وقیام اللیل وحسن العشرۃ مع الناس وکظم الغیظ والبر
الی الوالدین والتحفظ علی المصالح الخمس للعباد الاول نفوس الناس الثانی ادیان الناس
الثالث عقول الناس الرابع اعراض الناس الخامس اموال الناس فان حکمۃ بعث الانبیاء کانت
لحفظ ھذہ المصالح الخمس وتشھد بذلک ابواب الفقہ فانھا مھدت لحفظ ھذہ المصالح الخمس
من الطھارۃ الی الدیات واوصیہ بالصبر بجناحیہ احدھما الصبر علی الشھوات واللذات وانھا
الصبر علی المکاره والثانی قال حفت الجنۃ بالمکاره وحفت النار بالشھوات وقال انا اجالس
عبدا جعل جسمہ سقیما وقلبہ حزینا وبیتہ خالیۃ من حطام الدنیا واوصیہ بکثرۃ العبادۃ ودوام
الذکر فان فی ذلک صلاح امر اخرتہ ودنیاہ واوصیہ بعد ذلک کلہ ان لا ینسانی من الدعاء طلب
الغفران من المنان والسلام علی من اتبع الھدی وجانب الھوی والردی حرر یوم
الثلاث سادس من شھر شعبان المعظم احد شھور سنۃ ۱۳۰۰ الاحقر الافقر الی الرب البار عبد الرشید

Marfat.com

اجازات روایتی

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۷ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد فانا اجزنا سیدنا العالم العامل المحقق والفاضل الکامل المدقق الباذخ بین الکمالات العلمیة والعملیة والملکات الکریمة النفسانیة اخانا فی الله الاخ البر نور شهاب الدین المرعشی النجفی النازل ببلدة قم المحروسة استدعی منا ان نجیز له ما لنا وروی عن مشایخنا وکما نصح لنا روایته من الروایات المأثورة عن رسول الله صلی الله علیه وآله وعن الائمة الطاهرین المعصومین من اهل بیته الذین قرنهم بکتابه الله عند الایصاء بالتمسک بهم من بعده من السنن والادعیة وغیرها ومن الکتب المصنفة للفریقین فی المعقول والمنقول بما لنا من الشیخ الدین اجاز لنا فی الروایة عنهم بطرقهم المشهورة الی المصنفین من المحدثین والاحادیث عنهم شیخنا العلامة الذی انتهت الیه ریاسة التدریس والتحقیق وتخرج علیه کثیر من العلماء والمجتهدین ومن غیرهم اعنی سید الاماثل والاعاظم المبرزین قدوة الله تعالی بغفرانه ورحمته ومهد برده من السید العالم الجلیل صاحب الکرامات المشهورة والآیات المأثورة السید محمد مهدی الطباطبائی عن عمه الفقیه النبیه صاحب الکرامات السید محمد باقر الطباطبائی عن خاله سید العلماء والمجتهدین وآیة الله تعالی فی الارضین العلامة الطباطبائی السید محمد مهدی المدعو بحر العلوم بطرقه المذکورة فی اجازاته وفی خاتمة مستدرک الوسائل ومنهم الشیخ الفقیه النبیه استاد الافاضل والمجتهدین الحاج میرزا فتح الله المعروف بشیخ الشریعة طاب ثراه

[illegible] الانصاری

وامر برا من مکافة احدهم السید محمد مهدی القزوینی الطباطبائی المذکور وهو یومئذ المحقق الفقیه النبیه الزاهد العابد الشیخ محمد حسین الکاظمی صاحب حدیقة الشیعة فی تراجم اعلام الاسلام فی سبع مجلدات من شیخه الفقیه الماهر الباهر الشیخ محمد حسن صاحب الجواهر من مشایخه العلمین الفقیهین کاشف الغطاء وصاحب مفتاح الکرامة عن الوحید البهبهانی وعن العلم المحقق المعروف بالاطلاق الشیخ یوسف الاحسائی عن العالم الفقیه المحقق الحاج المولی احمد النراقی عن مشایخه العظام کوالده العلامة المحقق الطباطبائی وصاحب الریاض وکاشف الغطاء والسید محمد مهدی الشهرستانی عن الوحید المجدد البهبهانی وغیره وعن الفقیه الوجیه المحقق الشیخ حسن صاحب انوار الفقاهة من اجلة العلامتین الفقیهین الشیخ موسی والشیخ علی نجلی الشیخ جعفر کاشف الغطاء وغیرهم العالم المتبحر علی رأس القرن الشیخ مرتضی الانصاری صاحب الشیخ محمد حسن صاحب الجواهر عن جماعة منهم الفقیه الجلیل حجة الاسلام الحاج السید محمد باقر الرشتی الاصفهانی صاحب مصابیح الانوار عن بحر العلوم وعن اولهم اجازه العالم الجلیل النبیل السید ابو القاسم الدهکردی المازندرانی عن شیخنا المحقق العلامة مولانا محمد تقی وعن السید الجلیل المیرزا محمد هاشم الموسوی الاصفهانی عن مشایخه بطرقه الکثیرة التی منها عن الشیخ المحقق الانصاری المذکور قدس الله تعالی ارواحهم ثم انی اوصیه رزقه الله بما اوصانی به السلاسة منه الاقتداء بالاحیاء والوقوف عند الشبهات وصرف بقیة عمره الشریف فی التصنیف والتالیف وترویج الدین الحنیف وارجو منه طاب ثراه ان لا ینسانی فی هذه الدیار بصالح دعواته وجعل الله له بجاه النبی الهادی محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم فی شهر رمضان المبارک سنة ۱۳۵۷

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم آیت‌الله‌العظمی میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی به آیت‌الله مرعشی (ره)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العلماء ورثة الانبیاء وفضل مدادهم علی دماء
الشهداء والصلوة والسلام علی خاتم الانبیاء وافضل السفراء وعلی
آله وخلفائه ائمة الهدی وحجج الله علی البرایا وبعد فان السید العالم
العامل الفاضل الکامل حجة الاسلام والمسلمین سیدنا السید شهاب
الدین المدعو باغا نجفی دامت افاداته اراد الدخول فی مجلس
الرواة وسلسلة الناقلین للاخبار المرویة عن الائمة الهداة اقتداء
بمشایخنا الماضین فاجزت له ان یروی عنی جمیع ما صحت
اجازته وساغت روایته لاسیما الکتب الاربعة والکتب الثلثة
للمحمدین الثلثة المتاخرین البحار والوسائل والوافی بطرقی المتصلة
الی مشایخی العظام منهم آیة الله الخراسانی صاحب کفایة
الاصول نور الله مرقده عن شیخه
وارجو من جنابه ان لا ینسانی فی الدعوات کما انی لا انساه
الاحقر ابن ابراهیم الحسینی الشیرازی الاصطهباناتی الشهیر بالمیرزا آقا

Marfat.com

اجازات روایتی ـــــــ

اجازهٔ روایتی مرحوم مغفور علویهٔ مجتهد بانو امینهٔ اصفهانی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۸ قمری

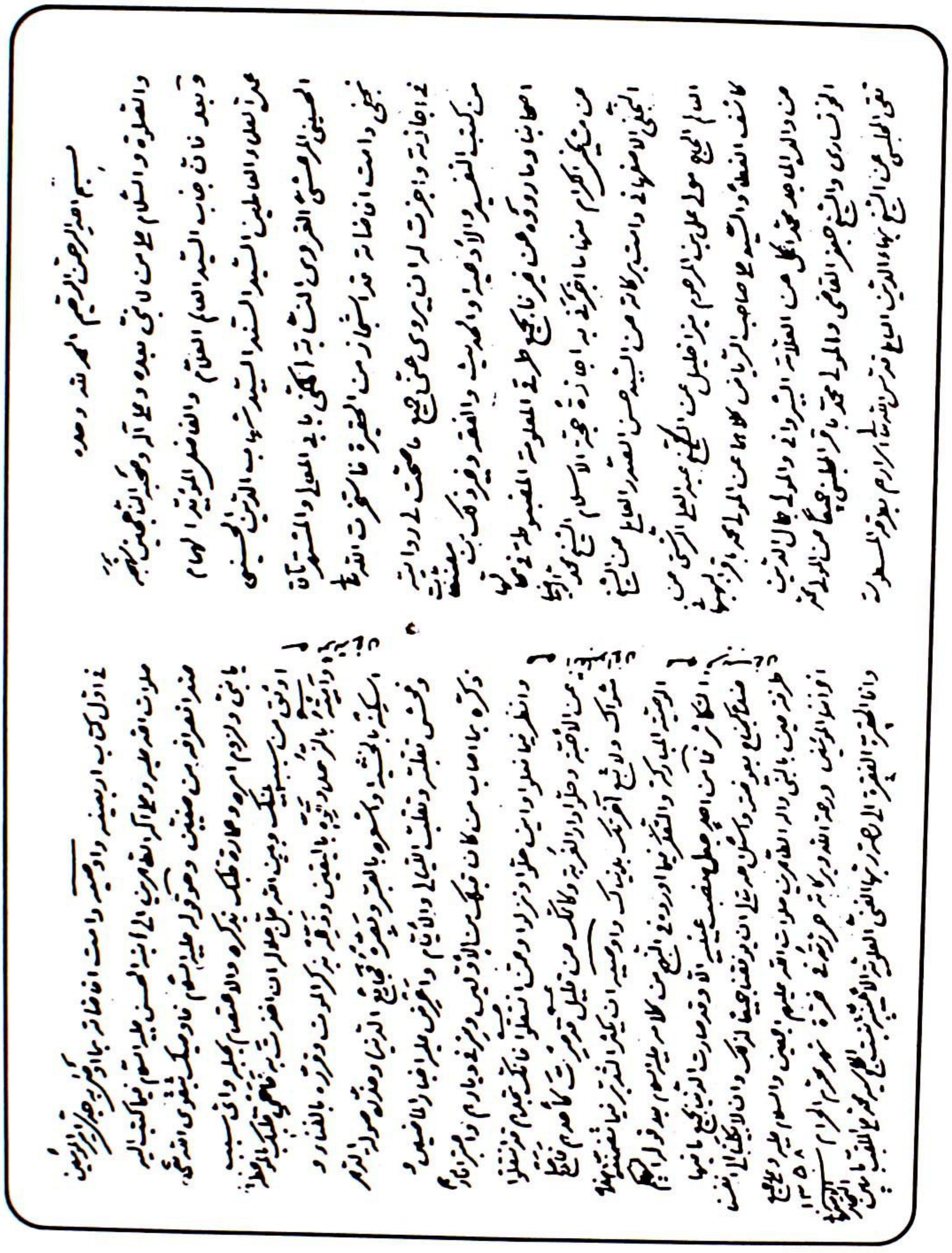

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وحده

والصلوة والسلام علی من لا نبی بعده وعلی آله وصحبه الناجحین منهم

وبعد فان جناب السید العالم العلام والفاضل المؤید الهمام

عمدة العلماء العاملین السید السند السید شهاب الدین الحسینی

الحسینی المرعشی القروی النسابة المکنی بابی المعالی والمستهتر آقا

نجفی دامت افاضاته قد استجاز من الحقیرة فاستخرت الله تعالی

فی اجازته واجزت له ان یروی عنی جمیع ما صحت لی روایته

من کتب التفسیر والادعیة والحدیث والفقه وغیر ذلک من مصنفات

اصحابنا وما رووه عن غیرنا بجمیع طرقی المعلومة المضبوطة فی مکانها

من مشایخ الکرام منها ما اجزنی به اجازة حجة الاسلام الشیخ محمد الرضا

النجفی الاصفهانی دامت برکاته من السید حسن الصدر العاملی عن الشیخ

العالم الحاج مولی علی بن المرحوم میرزا خلیل عن الشیخ عبد العلی الرشتی عن

کاشف الغطاء والسید علی صاحب الریاض کلاهما عن المولی محمد باقر البهبهانی

عن والده الماجد محمد اکمل عن العلامة البیروانی والمولی جمال الدین

الخوانساری والشیخ جعفر القاضی والمولی محمد باقر المجلسی جمیعا عن المولی محمد

تقی المجلسی عن الشیخ بهاء الدین العاملی قدس الله تعالی اسرارهم بطرقه المسطورة

فی اول کتاب اربعینه واوصیه دامت افاضاته بما اوصی به جدی امیر المؤمنین

صلوات الله علیه وعلی آله الطاهرین الی ابنه الحسن علیه السلام فیما کتب الیه

عند انصرافه من صفین وهو قوله علیه السلام فاوصیک بتقوی الله تعالی

یا بنی ولزوم امره وعمارة قلبک بذکره والاعتصام بحبله وای سبب

اوثق من سبب بینک وبین الله جل جلاله ان اخذت به فاحی قلبک بالموعظة

وامته بالزهد وقوه بالیقین وذلله بذکر الموت وقرره بالفناء و

اسکنه بالخشیة واشعره بالصبر وبصره فجائع الدنیا وحذره صولة الدهر

وفحش تقلبه وتقلب اللیالی والایام واعرض علیه اخبار الماضین و

ذکره بما اصاب من کان قبلک من الاولین وسر فی دیارهم واعتبر آثارهم

وانظر فیما فعلوا واین حلوا ونزلوا وممن انتقلوا فانک تجدهم قد انتقلوا

عن الاحبة وحلوا دار الغربة وکانک عن قلیل قد صرت کاحدهم فاجمل

شراک ولا تبع آخرتک بدنیاک واوصیه ان یکثر التدبر فیما تضمنته هذه

الوصیة المبارکة والتفکر فیما اورده فی النهج من کلامه علیه السلام بعد قوله الحکیم

الکاثر فما من احد جعل منصب عینیه الا وقد صارت الدنیا بجمیع ما فیها

عنده کجناح بعوضة واسئل الله تعالی ان یوفقنا جمیعا لذلک وان لا یکلنا الی انفسنا

طرفة عین بالنبی وآله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین والسلام علیه وعلی جمیع

اخواننا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته حررته فی غرة شهر محرم الحرام سنة ۱۳۵۸

وانا الحقیرة الفقیرة الی رحمة ربها الغنی العلویة الامینیة بنت الحاج سید محمد علی الملقب بامین التجار

Marfat.com

اجازهٔ مرحوم علّامه سیّد ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی، مدرّس جامع سیّد سلطان علی در بغداد به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۱ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم على متواتر آلائك ونشكرك على مسلسل
نعمائك ونسئلك متصل الصلوة والتسليمات
على المرفوع من بين المخلوقات الى اعلا الدرجات
وعلى آله المشهورة اخبارهم العالية واصحابه
المستفيضة آثارهم المتوالية
اما بعد فان الاسناد من الدين والآخذ به
متمسك بالحبل المتين فمن ثم عكف
اهل العلم عليه وتوجهت مطاياهم اليه
ولما كان منهم العالم العلامة المحقق والحبر
الفهامة المدقق السيد الشريف شهاب الدين
آقا نجفي وفقه الله تعالى للارشاد وسهل
لنا وله طرق السداد طلب مني الاجازة التي

هي امان عند اقتحام المفازة وفي الحقيقة لست
اهلا ان استجاز وهل لمثلي بهذا جواز ولكن
حسن الظن حمله وعلى علاتي حققت امله
فاجزته للاحاديث الشريفة والآثار المنيفة
كما اجازني بذلك فضلاء العصر وجهابذته
اولهم صدر الصدور العظام وفخر مشايخ
الاسلام المرحوم المبرور السيد ابو الهدى الرفاعي
المشهور وهو طيب الله ثراه اخذ الاجازة
من عدة مشايخ منهم العلامة الهمام والفهامة
المقدام السيد محمد الاهدل اليماني الحسيني
الشافعي ومنهم الفاضل الكامل سليل السادة
الافاضل المرحوم السيد محمود آل السيد نسيب
آل السيد حمزة الحسيني مفتي الشام ولكل منهم

Marfat.com

مغيث المصري عن الشهاب احمد الملوي عن السيد الشيخ
احمد الاجهوري الخالدي عن عبد الله بن سالم المصري
عن الشيخ محمد البابلي عن الشيخ شمس الدين محمد ابن
الشهاب احمد الرملي عن الشيخ زكريا الانصاري
عن الحافظ الشهاب ابن حجر عن ابراهيم ابن احمد التنوخي
الى آخر ما هو مذكور في اثباتهم المسلسلات في الفقه
والتفسير والحديث الى ترجمان القرآن المجيد الصحابي
الجليل عبد الله ابن عباس رضي الله عنه عن علي
ابن ابي طالب كرم الله وجهه عن المفسر الاعظم
رسول الله صلى الله عليه وسلم وما اجازة المشار
اليه سيدنا الرواس بالاجمال فقد روى تفسير
الجلالين والدر المنثور للسيوطي وتفسير ابي
حيان وتفسير الفخر الرازي وتفسير البيضاوي
عن شيخه الامير وهو عن شيخه الاسقاطي وهو عن

اسانيد واثبات مشهورة ومنهم شيخ فطامه
وسعد ايامه المرحوم المبرور السيد محمد مهدي الرواس
رضي عنه رب الناس فقد اخذ عنه الاجازة
بالتفاسير والصحاح الست والفقه كل سند
منها الى مرجعه وسني منبعه بواسطة مشايخه
الفخام اجلهم شيخ الازهر الامير وهو عن الشيخ علي
الاسقاطي عن الشيخ عبد الله بن سالم البصري
عن ابي الامداد ابراهيم اللقاني والنور علي ابن محمد
اللاهوري عن عمر ابن الجاوي عن ابي الفضل السيوطي
وسنده مشهور في التفاسير والصحاح والفقه
والشيخ الثاني لسيدنا الرواس هو عمه السيد بدر الدين
عن عمه السيد محمد مبارك وثبتهم مشهور في التفسير
وغيره والشيخ الثالث لسيدنا الرواس هو الشيخ

Marfat.com

الشیخ عبدالله بن سالم البصری عن ابی النجا سالم
السنهوری عن محمد بن عبدالرحمن العلقمی عن الجلال
ابی الفضل عبدالرحمن السیوطی وعن الجلال المحلی الشافعی
وکذا الدر المنثور بهذا السند وکذا باقی التفاسیر
بهذا السند وروی علم التفسیر بالاجمال
عن عمه السید بدرالدین الرفاعی وهو عن ابن عمه العلامة
السید محمد مبارک وهو عن عم ابیه العلامة السید
محمد شهاب الدین وهو عن شیخه وابن عمه السید
حسین برهان الدین الهرام الرفاعی البصری عن
عمه السید حسین عن ابن عمه السید سراج الدین الصغیر
عن جده السید محمود عن ابیه السید محمد برهان الدین عن
ابیه السید حسین الغواص عن ابیه السید محمد شاه
عن ابیه السید محمد خزام الموصلی عن عمه ملک عن ابیه السید
محمود الاعمر عن ابیه السید حسین العراقی عن ابن عمه السید

تاج الدین

تاج الدین عن ابن عمه السید عبدالرحمن شمس الدین عن جده
جده السید محمد خزام السلیم عن ابیه السید شمس الدین عن ابیه
السید صالح عبدالرزاق عن ابیه السید شمس الدین محمد
عن ابیه شیخ الاسلام صدرالدین علی عن ابیه شیخ
الوقت السید عزالدین احمد الضیا والرفاعی عن اخیه
السید عبدالمحسن عن جده القطب الکبیر السید احمد الحسینی
الرفاعی رضی الله عنه عن خاله السید منصور البطائحی
الانصاری عن الشریف حسن ابن عبدالله الرفاعی
عن النقیب السید یحیی الرفاعی عن ابیه السید ثابت
عن ابیه السید حازم الحسینی الاشبیلی عن ابیه السید علی
عن ابیه السید رفاعه عن ابیه السید مهدی عن
ابیه السید ابی القاسم محمد عن ابیه السید حسن عن
ابیه السید حسین عبدالرحمن الرضی المحدث القطیعی

Marfat.com

من ابيه السيد محمد الاكبر عن ابيه السيد موسى الثاني
عن ابيه السيد ابراهيم المرتضى المجاب من اخيه الامام علي
الرضا عن ابيه الامام موسى الكاظم عن ابيه الامام جعفر
الصادق عن ابيه الامام محمد الباقر عن ابيه الامام
زين العابدين عن ابيه الشهيد السعيد ابي عبد الله
الحسين ع وله سندان الاول عن ترجمان القرآن
سيدنا عبد الله ابن عباس رضي الله عنهما عن امير
المؤمنين علي ابن ابي طالب كرم الله وجهه والثاني
بلا واسطة عن ابيه علي الكرار صهر النبي المختار والد
الائمة الاطهار عن النبي المختار صلى الله عليه وعلى آله
واصحابه الابرار وهو تلقى الوحي عن جبريل عليه
السلام وهو عن رب العالمين سبحانه وتعالى وكفى
بالله وليا وكفى بالله نصيرا

هذه وصيتي للاخ العلامة المجاز اوصيه بتقوى الله في السر
والعلانية والتواضع وحسن الخلق وتكليم الناس على قدر عقولهم
وحفظ السر والتماس العذر للاخوان وطهارة الصدر
والضمير للصدر الاول من الآل والاصحاب والاتباع واساتذة
الامة المحمدية وصلحائهم واوصيه بالتحلي بالاخلاق الحميدة
والتخلي عن الاخلاق الذميمة وان لا ينساني من صالح دعائه
ونسأل الله تعالى ان يوفقني واياه لما يحبه ويرضاه
وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم

حرر ذلك في شعبان ١٣٥١
٢٦

حرره الفقير صاحب السجادة الرفاعية في
الدركاه العلوي ببغداد
السيد ابراهيم الرازي
الرفاعي

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه شیخ محمّد بُخیت مطیعی حنفی مصری از علمای بزرگ مصر به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۲ قمری

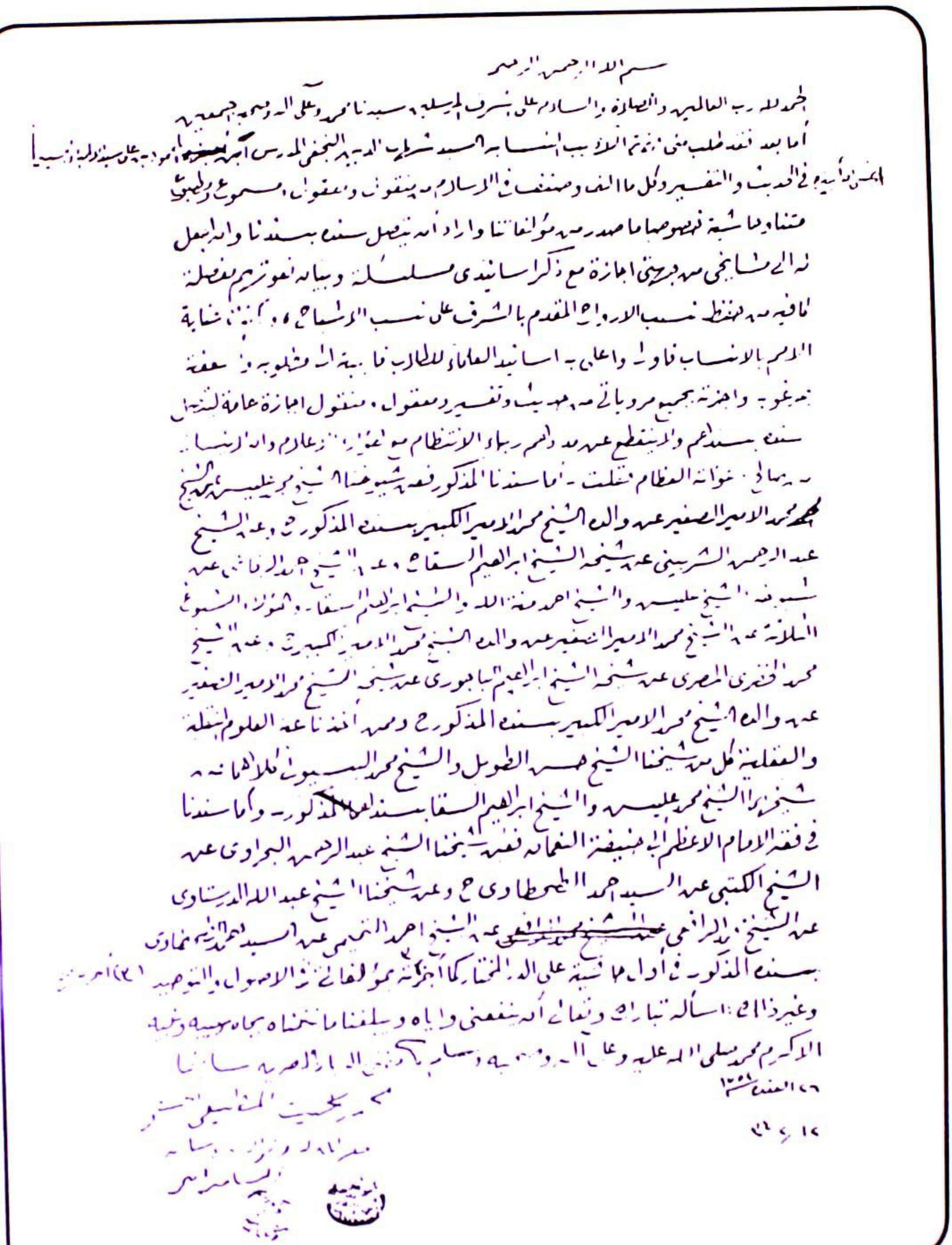

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه شیخ ابراهیم جبالی از علمای بزرگ جامع الازهر مصر به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۴ قمری

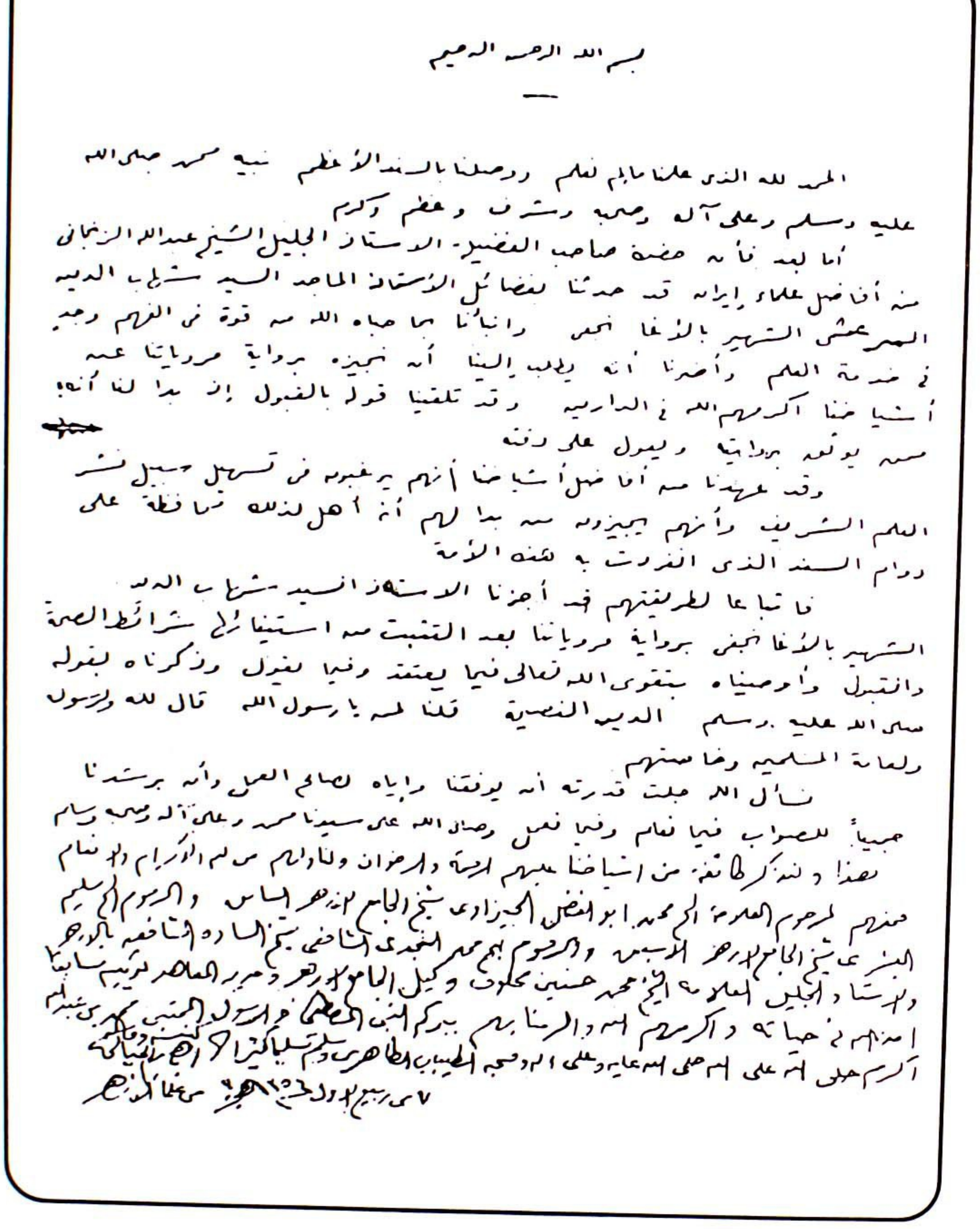

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی علمنا مالم نکن نعلم وصلنا بالسند الأعظم نبیه محمد صلی الله علیه وسلم وعلی آله وصحبه وشرف وعظم وکرم

أما بعد فأنه حضنی صاحب الفضیلة الاستاذ الجلیل الشیخ عبدالله الزنجانی من أفاضل علماء إیران قد حدثنا بفضائل الأستاذ الماجد السید شهاب الدین المرعشی الشهیر بالأفغانی بمصر وانبأنا بما حباه الله من قوة فی الفهم وجد فی خدمة العلم وأخبرنا أنه یذهب إلینا أنه یجیزه بروایة مروایاتنا عنه أشیاخنا أکرمهم الله فی الدارین وقد تلقینا قوله بالقبول إذ بدا لنا أنه ممن یوثق بروایته ویعول علی دقته

وقد عهدنا منه أفاضل أشیاخنا أنهم یرغبون فی تسجیل جمیل نشر العلم الشریف وأنهم یجیزونه بما لهم أنه أهل لذلک فنا فاطفة علی دوام السند الذی انفردت به هذه الأمة

فاتباعا لطریقتهم قد أجزنا الاستاذ السید شهاب الدین المشهور بالأفغانی بروایة مروایاتنا بعد التثبت منه استیفاءً لشرائط الصحة والقبول وأوصیناه بتقوی الله تعالی فیما یعتقد وفیما یقول وذکرناه بقوله صلی الله علیه وسلم الدین النصیحة قلنا لمن یا رسول الله قال لله ولرسوله ولعامة المسلمین وخاصتهم

نسأل الله جلت قدرته أن یوفقنا وإیاه لصالح العمل وأن یرشدنا جمیعاً للصواب فیما نقول وفیما نفعل وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم

بصدا ولنذکر طائفة من أشیاخنا عنهم ارسنا والرضوان ولنا ولهم من علم الأرام والإنعام منهم المرحوم العلامة الکبیر محمد ابو الفضل الجیزاوی شیخ الجامع الأزهر سابقاً والمرحوم الشیخ سلیم البشری شیخ الجامع الأزهر الأسبق والمرحوم بهیج محمد البخدی الشافعی شیخ السادة الشافعیة بالأزهر وبهشاد الجلیل العلامة الشیخ محمد حسنین مخلوف وکیل الجامع الأزهر وحریر العاصر الرئیس سابقاً امدهم فی حیاته وأکرمهم الله والرضا بهم یبرکم النبی الصفی وآله الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً والحمد لله رب العالمین

وکتب فی ربیع الأول سنة ۱۳۵۴ هجریة

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه سیّد علی بن محمّد بن عقیل علوی شافعی یمانی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۵ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله مجيز من ارتضى من عباده بجزيل صلاته ومثيب من اتقاه بمتواتر هباته ونسأله أن يديم افضل الصلوات كلها على سر اكسير الوجود الرحمة الهداة لكل موجود وآله ينابيع كل فضل وجود وصحابته المعرفين بالعهود وتابعيهم الى انتهاء الاجل المعدود .

أما بعد . فان الأجازات من مستحسنات آثار السلف الصالح وبها تماسكت حلقات سلسلة الأخذ القوية وترادفت جسام النفحات المعنوية وتأصلت اواصر الارتباط بوشائج التعظيم والاغتباط فعم النفع وشمل الفضل غير أن لكل مقام مقالا وان لكل مقال رجالا ومثلي ممن لا يطمع في أن يجاز لا ينبغي له الأقدام على أن يجيز واسوأ الاقتراف عدم الأعتراف وقد تزاحمت اسراب الخواطر في فكري ماذا عسى أن أجيب وأمامي طلب مولانا العلامة النسابة سيدي السيد شهاب الدين النجفي المرعشي الحسيني أطال الله بقاءه وحفظه فلم أجد مفرا من امتثال أمره سلوكا للأدب وتعرضا لصالح دعائه وتشبها بالصالحين أن التشبه بالكرام فلاح .

أقول أجزت سيدي السيد شهاب الدين في جميع مروياتي عن كل من أجازني عن كل من أجازهم أن صحت لي الأجازة وعلى رأس أولئك الاعلام سيدي الوالد العلامة بل الله ثراه وهو يروي عن ابيه عن جده هكذا هكذا الى المختار عليه الصلاة والسلام وعن ابيه عن جده لأمه العلامة الكبير الشهير عبد الله بن الحسين بن طاهر والى جديه رضي الله عنهما ينتهي سند الأخذ بحضرموت للسادة العلوية . ويروي عن مولانا أمير المؤمنين الامام يحيى حميد الدين نصره الله ويروي عن جم غفير من جلة العلماء الاعلام وسادات العلويين الطيبين . وكما في اجازة له رحمه الله ولجماعة أنا منهم من شيخه الافق العلامة ابي بكر بن شهاب الدين العلوي وكما اجازه وأياي والشيخ العلامة الطيب الساسي علامة اليمن السيد المرحوم محمد بن عبد الرحمن الأهدل ساكن المراوعة سنة ١٢٤٩

حسبي وفي تعدادهم لم أطمع . أجزته في جميع ما صحت لي الاجازة بواسطة هؤلاء العلماء الاعلام وروايته والعمل به اجازة تامة من كل وجوهها . واسأله ان يستغفر لي ويدعو لي فأني اجبته واقدمت على الاجازة متجاسرا امتثالا لأمره وتعرضا لصالح دعائه .

واضرع الى الله ان يعينني واياه والمسلمين على ذكره وشكره وحسن عبادته وان يثبت قلوبنا على دينه ويجعل اهويتنا تبعا لما جاء به حبيبه صلى الله عليه وآله وسلم ونعوذ به ان نشرك به شيئا نعلمه ونستغفره لما لا نعلم وما هو به اعلم انه الاعز الاكرم غافر الذنب وقابل التوب اكرم من سأل واوسع من جاد بالعطايا وصلى الله على سيد الكونين وآله وسلم . وكتبه بيده الفانية العبد الذليل

بالحديدة . غرة ربيع الآخر سنة ١٣٥٥ هـ

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علامهٔ محقق شیخ محمّد بهجت بیطار دمشقی (ره)، در سال ۱۳۵۷ قمری به آیت‌الله مرعشی (ره)

بسم الله الرحمن الرحیم

من الضعیف محمد بهجة البیطار الدمشقی الی صاحب الفضیلة العالم السید الأستاذ الجلیل شهاب الدین النجفی الناب، حفظه الله.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، أما بعد فقد اطلع علی کتابکم الکریم فشکرت لکم فیه ما رأیته بین حسن إجاد وسرور وصفاء وثقة بهذا الفقیر المعترف بالضعف والتقصیر واستجازتکم منه وهو لیس بأهل أن یجاز فکیف بأن یجیز ولکن لامتثال خیر الأدب، وفائدة ذلک الاستفادة بنیل وإثبات المعاصرة.

فأقول قد أجزت لهذا الأستاذ الجلیل السید شهاب الدین النجفی الناب ما أروی عن أساتذتی الأعلام ومنهم عالما الشام جدی الإمام الشیخ عبد الرزاق البیطار وأستاذی الشیخ جمال الدین القاسمی راجیا أن لا ینسانی من صالح دعائه وحسن إخائه، موصیا إیاه کما أوصی بتقوی الله سرا وعلانیة، والوقوف عند حدوده وأوامره ونواهیه، وسأله سبحانه دوام التوفیق لنا وله ولجمیع المسلمین، وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله الطیبین الطاهرین وصحبه الهادین المهدیین.

والحمد لله رب العالمین

۱۰ ج، ۱۳۵۶ه

وکتبه الفقیر إلیه سبحانه
محمد بهجة البیطار

أما ما التزم به من ترجمتی فقد کنت بدأت بکتابتها وأسأل الله أن یوفقنی إلی تمامها، وسأتشرف بإرسالها کاملة إن شاء الله وأما مکتوباتی فمعظمها منشور فی المجلات کمجلة المجمع العلمی الدمشقی ومنار الإسلام بمصر ومجلة التمدن الإسلامی بدمشق وسائر الصحف النشرة، و(الثقافتان) سیعاد طبعه بدمشق لتفاد نسخه وسأقدمه الیکم ان شاء الله وقد طلبت کم قواعد التحدیث من طابعیه (مکتب النشر العربی) فأخبرونی أنهم بإغوا باقی نسخه لإحدی المکتبات المصریة الکبری، وإنما املک منه الأسخة واحدة، ومتی عید طبعه فاتشرف بتقدیمه أیضا إن شاء الله.

والسلام علیکم وعلی من لدیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۰ ج، ۱۳۵۶

محمد بهجة البیطار

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه شیخ یوسف دجوی، عضو جمعیّت علمای بزرگ مصر به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۸ قمری / ۱۹۳۹ میلادی

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وآله وأصحابه وعلى جميع الصالحين من أهل السماوات وأهل الأرضين. وبعد فقد طلب مني الأستاذ الجليل والعلامة النبيل الشيخ المقدم في العلم والعمل السيد شهاب الدين الحسيني الشهير بالمرعشي أن ألبي له إجازة عامة في كل ما أجازني به شيخي وإني أجيبه إلى ذلك تلبية لرغبته وحسن عقيدته وإن كنت لست هنالك ولا أهلا لذلك ولكن أرجو منه وعوة صالحة يسألها لله تعالى أن يحشرنا في زمرة المتحابين في الله وأن يجعلني خيرا مما يظنونه ويغفر لي ما لا يعلمونه فأقول وبالله التوفيق:

أجازني الأستاذ الفاضل الشيخ السيد شهاب الدين المرعشي بكل ما ورد بثبت الشيخ الأمير رضي الله عنه وأستاذي في ذلك الشيخ سليم البشري والشيخ محمود عبد الرزاق رحمهما الله تعالى عنه الشيخ إبراهيم السقا الكبير عن الشيخ الأمير الصغير عن والده الأمير الكبير رضي الله عنهم أجمعين شرط عليه ما اشترطه المشايخ رحمهم الله تعالى من التشبث عند الكلالة إلى آخر ما لا يخفى عليه من التفصيل على أن أحد يدعوني بعد السلام وبلوغ المرام أن يلهج فاه بنا بجنب سيد الأنام عليه الصلوة والسلام وأن يقبل فسحة من هذا العصر بنه وكرمه.

يوسف الدجوي
مفتي جمعية كبار العلماء

في ١٨ يولية سنة ١٩٣٩م

أرجو الإفادة بوصول هذا وبوصول الثمن والتاريخ

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه شیخ محمّد طاهر بن عاشور مالکی مغربی

به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۸۸ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمد الله على ان زاد صلتنا برسوله توثقا بعروة اخباره . وابقاها لنا منقبة فلا نزلّ عن التطواف بقطب مداره . فصلاة وسلاما عليه وعلى حملة شرعه وحديثه . الذين فضلوا بصحبته ثم الذين اتبعوهم بجاد السير وحثيثه . وعلى آله الذين شرفوا محتدا . ولم يتخذوا للبعد عن سته واخلاقه ملتحدا .

اما بعد فقد رغب مني الفاضل السيد شهاب الدين ابو المعالي الحسني المرعشي النجفي سدد الله قلمه ان اجيز له الرواية عني فيما ثبت لي روايته في كتب السنة النبوية وفي كتب العلوم الشرعية والادبية .

ولما رايت هذه امانة قد ائتمنني مشائخي اياها . ورجوت ان اكون في عداد من سمع المقالة فاداها . ورايت الاجازة نسبة زكية . وبقية مما ترك لنا صدر الامة من الخصيصة . اجبته لمهم التمامه . وامددت من صفوة الشجرة المباركة نير نبراسه .

فها انا ذا اجزت السيد ابا المعالي الحسنيه فيما صحت لي الرواية به من الاسانيد التي تلقيتها من مشائخي جزاهم الله عن حسن صنيعهم احسن الجزاء .

ولي اربعة اسانيد اولها ما اجاز لي العلامة المفتي اثر الشريعة في فعله وقوله جدي والدُ أُمي. وأبي في تربية نفسي وتقويم فهمي الوزير الشيخ محمد العزيز بوعتور المولود في رجب سنة 1340 والمتوفى في المحرم سنة 1325 وكانت اجازته لي في جمادى الاولى سنة 1321 .

وثانيها ما اجاز لي العلامة الضليع شيخ الإسلام الشيخ محمود ابن الخوجة المولود سنة 1250 والمتوفى سنة 1329 وكانت اجازته لي في جمادى الاولى سنة 1326

وثالثها ما اجاز لي الاستاذ العلامة النحرير الشيخ سالم بوحاجب كبير اهل الشورى للمذهب المالكي بتونس المولود سنة 1244 والمتوفى سنة 1342 وكانت اجازته لي في رمضان سنة 1328 .

ورابعها ما اجازلي الاستاذ العلامة المفتي المالكي بتونس الشيخ عمر بن احمد المعروف بابن الشيخ المتوفى سنة 1329 وقد ناهز التسعين. وكانت اجازته لي في ربيع الاول سنة 1325.

وهذه المناهل بعضها يلاقي بعضا. حتى يخالها الناظر جداول تخللت روضا . وهي وان كان جميعها صراطا مستقيما . وحقيقا بقوله :

Marfat.com

قد بلونا ابا سعيد حديثا وبلونا ابا سعيد قديما

فانا اقتصر على سوق سند اولها لانه يتصل بثلاثة اثبات مشهورة تمكن الاحالة عليها. ولانا اجازته لي معضودة بالرواية بالقراءة والضبط والفهم وذلك بما اجاز له بخطه الحافظ الجليل الشيخ محمد صالح الرَّضَوي البخاري السمرقندي المتوفى بالمدينة المنورة سنة 1263 حين حلوله بتونس في جمادى الثانية سنة 1262 عن رفيع الدين القندهاري عن محمد بن عبد الله الشريف عن عبد الله بن سالم البصري بما تضمنه كتابه المسمى بالامداد.

وبسنده القريب من غير طريق الامداد الى الامامين البخاري ومسلم الذي ساذكره. وايضا بما اجاز للجد بخطه الشيخ يوسف بدر الدين المدني كما يثبت بسخط وذلك حين حلوله بتونس سنة 1261 عن حسن القويسني ومحمد فتح الاله وعبد الرحمن الكُزْبَري عن الشيخ محمد الامير المصري بما تضمنه ثبته المعروف وبسنده القريب الى الامام البخاري الذي ساذكره.

وبما اجاز لجدي بخطه العلامة الشيخ محمد الشاذلي ابن صالح كبير اهل الشورى للمذهب المالكي المتوفى بتونس سنة 1305 وكانت اجازته له سنة 1289 عن شيخ الاسلام محمد بن محمد بن محمد بيرم المشهور بالثالث عن جده شيخ الاسلام محمد بيرم المشهور بالاول عن الشيخ احمد المكودي الفاسي ثم التونسي عن الشيخ احمد بن المبارك السجلماسي عن الشيخ عبد القادر الفاسي بما تضمنه ثبته المشهور.

وبما اجاز له بخطه العلامة الحافظ شيخ الاسلام محمد ابن الخوجه المتوفى بتونس سنة 1279 وكانت اجازته اياه في ربيع الثاني سنة 1273 بما تضمنه ثبته عن شيوخه من ذلك اجازة الشيخ الحفني واجازة السيد البليدي واجازة الشيخ الطيري الملقب بالجمال الاخضر واجازة الشيخ عقيلة عن عبد الله بن سالم البصري صاحب الامداد

واما ما اجاز لي الشيخ محمود ابن الخوجه فعن ابيه شيخ الاسلام محمد ابن الخوجه عن شيخ الشيوخ العلامة ابراهيم الرياحي عن محمد الامير السلاوي عن عمر بن عبد الصادق عن احمد الصباغ عن عبد الله بن سالم البصري صاحب الامداد. وبما تضمنته إجازة السيد البليدي وثبت الشيخ عبد القادر الفاسي.

واما ما اجاز لي الشيخ سالم بوحاجب فهو عن العلامة

Marfat.com

الشيخ عمر ابن الطالب المعروف بابن سُودَة الفاسي حين حلوله بتونس عن عبد السلام الازمي عن محمد التاودي بن سُودة الفاسي عن احمد بن المبارك السجلماسي عن علي الحريشي عن الشيخ عبد القادر الفاسي بما تضمنه ثبته المشهور .

واما ما اجاز لي الشيخ عمر ابن الشيخ فعن الشيخ محمد الشاذلي ابن صالح عن الشيخ ابراهيم الرياحي بما تضمنه سنده المذكور في اجازة الشيخ ابن الخوجه، وعن شيخ الاسلام محمد بيرم الثالث بسنده المذكور آنفا في اجازة جدي .

وها أنا ذا أسرد السند الى رسول الله صلى الله عليه وسلم في موطا مالك وفي صحيحي البخاري ومسلم التي هي اصح الكتب المصنفة باتفاق ايمة الاثر بخصوص طريق جدي المذكور .

فاما الموطا فارويه عن جدي الوزير الشيخ محمد العزيز بوعتور عن الشيخ محمد صالح الرَّصّوي عن رفيع الدين عن محمد بن عبد الله عن عبد الله بن سالم البصري عن محمد بن علاء الدين البابلي عن سالم ... عن محمد الغيطي عن عبد الحق السنباطي عن الحسن بن محمد الحسني عن الحسن النسابة عن محمد ابن ... ابر الوادناشي ثم التونسي عن عبد الله بن محمد بن هارون الطائي القرطبي المشهور بطريقته العالية في الموطا عن حمد بن يزيد القرطبي عن محمد بن عبد الرحمن ... رجي القرطبي عن محمد بن فرج مولى ابن الطلاع ... يونس بن مغيث المعروف بالصفار عن أبي عيسى يحيى بن عبد الله بن يحيى بن يحيى بن يحيى الليثي عن ... أبيه عُبيد الله بن يحيى عن أبيه يحيى بن يحيى الليثي ... الامام مالك بن انس رضي الله عنه فيما عدا ثلاثة ... من آخر كتاب الاعتكاف لم يسمعها يحيى ابن يحيى من مالك فرواها عن زياد بن عبد الرحمان الملقب بشَبْطُون (بشين معجمة مفتوحة ثم باء موحدة) القرطبي عن مالك رضي الله عنه. وباعتبار الاحاديث الثنائية عن مالك يكون بيني وبين رسول الله صلى الله عليه وسلم اثنان وعشرون راويا في غالب الموطا ، وثلاثة وعشرون في الابواب الثلاثة التي رواها يحيى بن يحيى عن زياد بن عبد الرحمان عن مالك

ولنا عن الجد سند آخر في كتاب الموطا يرويه عن شيخه يوسف بدر الدين المدني عن الشيخ حسن القويسني والشيخ محمد فتح الاله والشيخ عبد الرحمان الكُزْبُري ثلاثتهم عن الشيخ محمد الامير المصري بما تضمنه ثبته الشهير من طريق أبي بكر الطرطوشي عن أبي

Marfat.com

الوليد الباجي الى محمد بن احمد العتبي الاندلسي عن يحيى بن يحيى الليثي عن مالك بن انس .

واما صحيحا البخاري ومسلم فلي فيهما سند عزيز قريب غريب من طريق الفِرَبْري في كليهما وهو عن جدي الوزير المذكور عن الشيخ محمد صالح الرضوي عن عمر بن عبد الكريم عن محمد بن سِنَّة عن احمد بن موسى بن عُجَيْن اليماني (يقال بنون في آخر اسمه وبلام) عن محمد النهرواني عن محمد الطاوسي عن بابا يوسف الهروي عن محمد بن شاذَبُخْت الفَرْغاني عن يحيى الختلاني عن محمد بن يوسف الفِرَبْري عن الامام محمد بن اسماعيل البخاري وعن الامام مسلم بن الحجاج القشيري بما في صحيحيهما ولا يعرف سند غير هذا يتصل بالامامين البخاري ومسلم رضي الله عنهما .

وبهذا السند يكون بيني وبين رسول الله صلى الله عليه وسلم في الاحاديث الثلاثية من صحيح البخاري خمسة عشر راويا .

نفع الله المجاز ببركة هذا السند واشرق عليا من انواره ما يضيء الى اقصى امد . موصيا اياه بالاحتياط في رواية الحديث اسنادا وتفهيما . محذرا اياه من التساهل ذلك فاني رايت خطره على الدين عظيما . واسأل الله ان يوفقني واياه لما فيه رضاه . وان يجنبنا العبل الى ما ينكره الدين ويأباه . وانا محمد الطاهر ابن عاشور التونسي الحنفي . وكتب كمال الطاهر ابن عاشور
٢٠ شوال سنة ١٣٨٨

Marfat.com

اجازهٔ روایتی علّامه شیخ احمد بن شیخ امین کفتارو، مفتی جمهوری عربی سوریّه به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۴۰۲قمری / ۱۹۸۲ میلادی

بسم الله الرحمن الرحيم

الجمهورية العربية السورية
إدارة الإفتاء العام
والتدريس الديني
مكتب المفتي العام

نحمدك اللهم على متواتر آلائك، ونشكرك على مسلسل نعمائك، ونسألك متصل الصلوات والتسليمات على المرفوع من بين المخلوقات وعلى آله الأبرار المشهورة أخبارهم، وأصحابه الأخيار المستفيضة آثارهم. أما بعد:

فإن الإسناد من الدين والأخذ به متمسك بالحبل المتين، فمن ثم عكف أهل العلم عليه وتوجهت مطايا هممهم إليه.

ولما كان منهم مولانا:

(آية الله السيد شهاب الدين المرعشي النجفي)

وفقه الله تعالى لإرشاد العباد، وسهل لنا وله طرق السداد آمين، طلب مني الإجازة التي هي أمان عند اقتحام المفازة، ولست أهلاً أن استجاز، وهل يقال بهذا الجواز إلا أنه حسّن فيّ ظنه أثابه الله تعالى على قصده بالجنة، فأجزته برواية الأحاديث الشريفة والآثار المنيفة، كما أجازني بذلك فضلاء العصر وجهابذة العلم منهم بحر الفضلاء ومغترف الفحول والنبلاء أفضل من عنه يتلقى العلامة الشيخ ابراهيم السقا عن الإمام المهذب العلامة الشيخ ثعيلب عن العلامة الشهاب الملوي ذي النور في الديجور عن الإمام الشيخ عبدالله بن سالم صاحب الثبت المشهور، وعن العلامة الشيخ محمد الأمير عن والده الشيخ الكبير وقد حوى ثبته الأسانيد بما لا يحتاج إلى مزيد، فروى صحيح الإمام البخاري عن العلامة الشيخ علي الصعيدي حال قرائته بالجامع الأزهر عن الشيخ محمد عقيلة المكي عن الشيخ حسن بن علي العجيمي عن ابن الفحل اليمني عن الإمام يحيى الطبري. قال أخبرنا البرهان ابراهيم بن محمد بن صدقة الدمشقي عن الشيخ عبدالرحمن بن عبد الأول الفرغاني عن أبي عبدالرحمن محمد بن شاذان بخت الفرغاني بسماعه لجميعه على الشيخ أبي لقمان بن مقبل شاهان الختلاني عن محمد بن يوسف الفربري عن جامعه. وروى صحيح مسلم عن الشيخ علي السقاط عن الشيخ ابراهيم الفيومي عن الشيخ أحمد الفرقاوي عن الشيخ علي الأجهوري عن الشيخ نورالدين علي القرافي عن الحافظ جلال الدين السيوطي، عن البلقيني، عن التنوخي عن سليمان بن حمزة عن أبي الحسن علي بن نصر عن الحافظ عبدالرحمن بن مندة عن الحافظ أبي بكر محمد بن عبدالله عن مكي النيسابوري عن الإمام مسلم.

وأوصي مولانا المجاز - نظر الله تعالى بعين العناية إليه - بتفريغ القلب عن الأغيار، وملازمة الأذكار المأثورة والأدعية المشهورة، والإكثار من الصلاة والسلام على خير الأنام مع المشاهدة المعنوية المنتجة للمجالسة الحسية، راجياً من مولانا المجاز ضاعف الله تعالى لنا وله الأجور، أن لا ينساني من الدعوات الصالحات.

أمّنا الله جميعاً بالمدد الأسنى، وختم لنا بالحسنى والحمد لله رب العالمين.

الشيخ أحمد بن الشيخ أمين كفتارو
المفتي العام للجمهورية العربية السورية
المرشد العام لجماعة الأنصار الإسلامية
أحمد كفتارو

٤/٣/١٤٠٢
٣١/١/١٩٨٢

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه، المتوکّل علی الله سیّد یحیی بن المنصور بالله محمّد بن یحیی حمیدالدّین یمانی، مشهور به امام یحیی، امام زیدیّه و سلطان سابق یمن، به خط مرحوم علّامه محمّد بن زبارهٔ حسنی یمانی زیدی به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۵ قمری

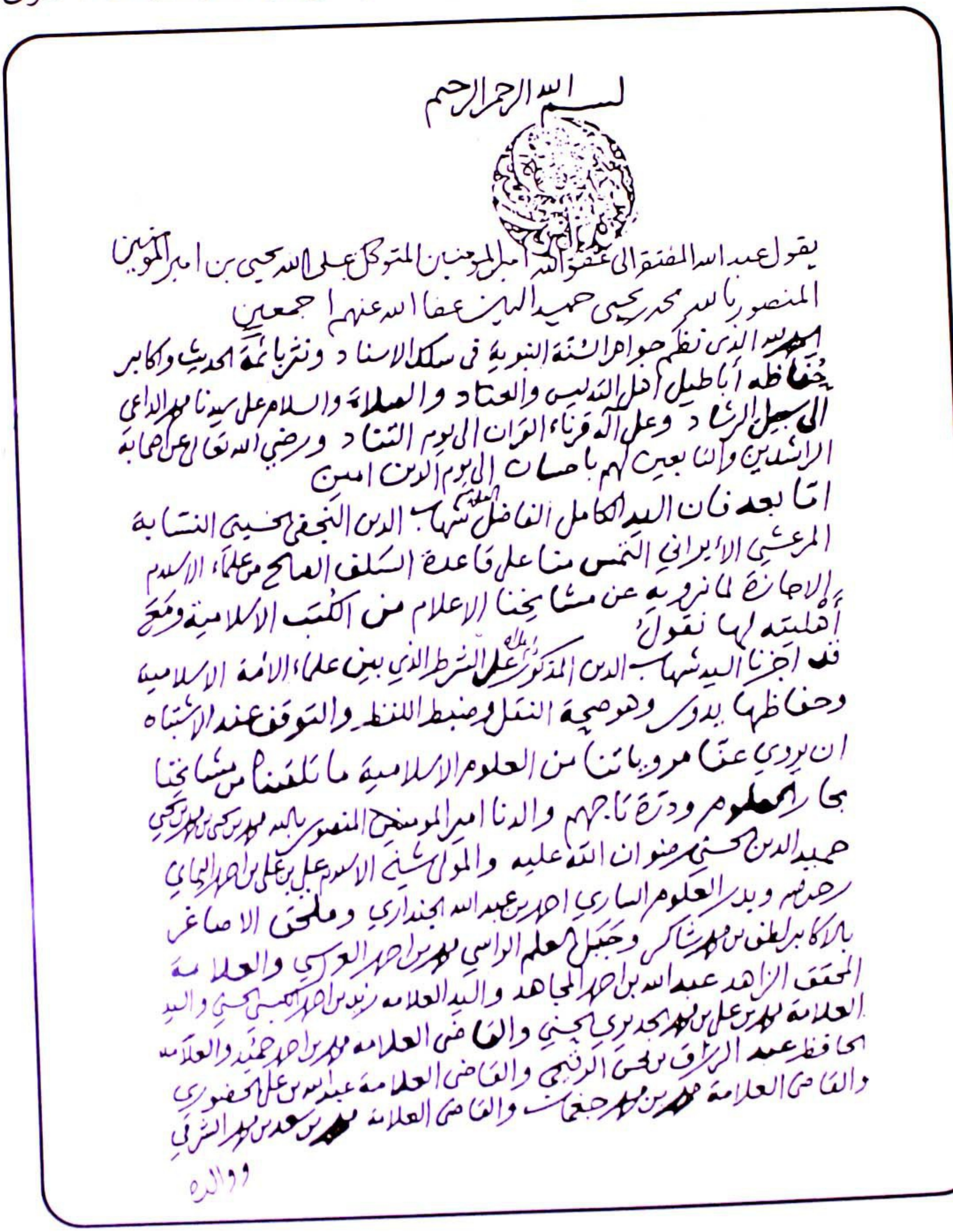

بسم الله الرحمن الرحیم

یقول عبد الله المفتقر الی عفو الله امیر المومنین المتوکل علی الله یحیی بن امیر المومنین المنصور بالله محمد یحیی حمید الدین عفا الله عنهم اجمعین

الحمد لله الذی نظم جواهر السنة النبویة فی سلک الاسناد ونثر بائمة الحدیث واکابر حفاظه أباطیل اهل التدلیس والعناد والصلاة والسلام علی سیدنا مهد الداعی الی سبیل الرشاد وعلی آله وابناء القرآن الی یوم التناد ورضی الله تعالی عن اصحابه الراشدین وأتابعین لهم باحسان الی یوم الدین امین

اما بعد فان السید الکامل الفاضل شهاب الدین النجفی الحسینی النسابة المرعشی الایرانی التمس منا علی قاعدة السلف الصالح من علمآء الاسلام الاجازة لما نرویه عن مشایخنا الاعلام من الکتب الاسلامیة ومعرفة أهلیته لها نقول

قد اجزنا السید شهاب الدین المذکور علی الشرط الذی بین علمآء الامة الاسلامیة وحفاظها یدور وهو صحة النقل وضبط اللفظ والتوقف عند الاشتباه ان یروی عنا مرویاتنا من العلوم الاسلامیة ما تلقیناه من مشایخنا بما لهم من العلوم ودرجاتهم والدنا امیر المومنین المنصور بالله محمد بن یحیی بن محمد بن یحیی حمید الدین حسنی رضوان الله علیه والمولی شیخ الاسلام علی بن علی بن احمد الیمانی رحمه وبدر العلوم الساری احمد بن عبد الله الجنداری وملحق الاصاغر بالاکابر لطف بن محمد شاکر وجبل العلم الراسی محمد بن احمد العرشی والعلامة المحقق الزاهد عبد الله بن احمد المجاهد والسید العلامة زید بن احمد الحسنی الحسنی والسید العلامة محمد بن علی بن محمد بحر الحسنی الحسنی والقاضی العلامة محمد بن احمد حمید والعلامة الحافظ عبد الرزاق بن حسن الرقیحی والقاضی العلامة عبد الله بن علی الحفوری والقاضی العلامة محمد بن محمد جغمان والقاضی العلامة محمد بن سعد بن محمد الشرفی

ووالده

ومن طرق اسنادنا للمطرب المعرب عن العلامة الحسن بن علي العمري عمره الله تعالى
عن شيخه احمد بن محمد السياغي عن شيخه الحسن بن احمد بن يوسف الرباعي
عن السيد عبد الله بن محمد بن اسمعيل الامير الحسني عن المؤلف الشيخ عبد القادر خليل كدك
هذا والذي نوصي به المجاز له عافاه الله تعالى ووفقه وايانا والمؤمنين
الى رضاه هو تقوى الله سبحانه في السر والعلانية فذلك افضل ما تواصى
به المؤمنون والعمل بطاعته والاعتصام بكتابه وسنة نبيه
والاقتداء بالائمة الهداة من عترته واهل بيته فبذلك الفوز
والنجاة في الدارين ونستمد من المجاز له الدعوات بخير الدارين
وبان يحفظ الله علينا دين الاسلام ويحميه وجميع اهله من كيد
اعدائه اللئام وان يجعل خير اعمارنا جميعا اواخرها وخير اعمالنا
خواتمها وخير ايامنا يوم لقائه امين اللهم امين والحمد لله رب
العالمين وحرر بمحروس صنعا اليمن في اليوم السادس عشر من شهر الله
المحرم سنة ١٣٥٥ خمس وخمسين وثلاثمائة والف للهجرة ختمها الله تعالى
وما بعدها بخير ونصر مبين لعموم المسلمين وسبحان الله وبحمده
سبحان الله العظيم

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه سیّد محمّد بن محمّد بن یحیی زبارهٔ حسنی یمانی زیدی به آیت‌الله مرعشی (ره)، قم، در سال ۱۳۵۵ قمری

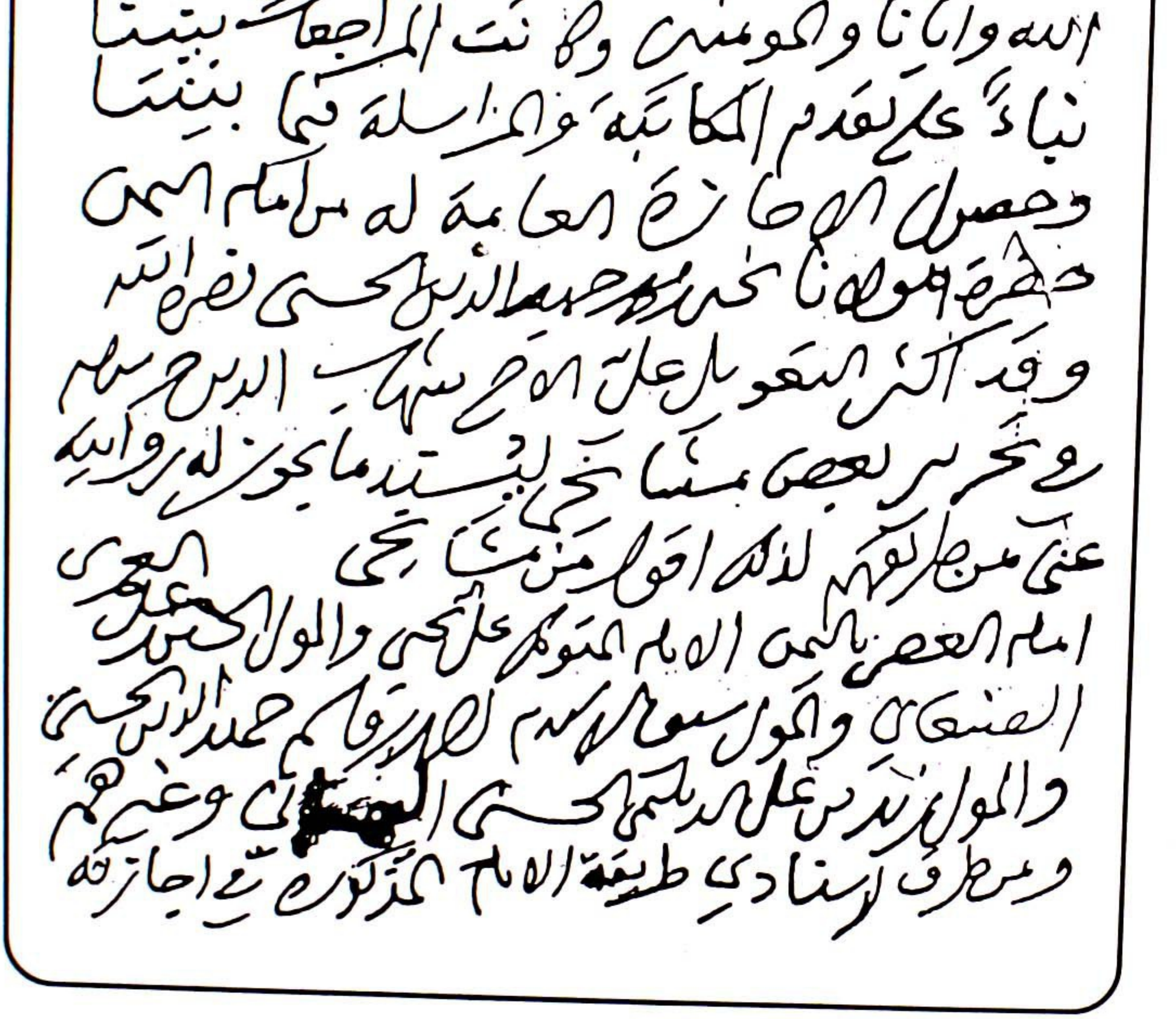

Marfat.com

لحضرة الاخ شهاب الدين هذا وكذلك عن العمري المذكور بطرقه
المذكورة عن اجازة الامام المذكورة.
وطريقة اسنادي عن سيف الاسلام الحسن بن قاسم احمد الدين رحمه الله
مذكورة في اول كتاب فتح القدير الجامع بين فني الرواية
والدراية من علمي التفسير للعلامة محمد بن علي الشوكاني وقد تم بحمد الله
طبعه في مصر في خمس مجلدات
وبالجملة قد اضرب الفقير شهاب الدين ان يروي
بطريق اسنادي ما يجوز لي روايته مما ذكرته
في ترجمة يوسف المزجاجي في الجزء الثاني من
كتابي نيل الوطر بتراجم نبلاء اليمن بالوقت الثالث عشر
واشترط عليه الشرط المعلوم بين علماء الفن وارجو
ان لا ينساني من الدعاء فمن ارغب الرغائب دعاء
الغائب للغائب ونسأل الله ان يوفقنا واياه وجميع
المؤمنين الى ما يحبه ويرضاه ويختم لنا جميعا بالحسنى
بحق جلاله وبعز الاسلام واهله انه على كل شيء قدير
وسبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم
وحرر في مدينة قم ليلة عشرين جمادى الآخرة ١٣٥٥ خمس وخمسين
وثلاثمائة والف للهجرة كتبه [illegible] الحسيني غفر الله له وللمؤمنين

Marfat.com

اجازهٔ روایتی مرحوم علّامه شیخ عبدالواسع بن یحییٰ واسعی یمانی به آیت مرعشی (ره)، در سال ۱۳۵۵ قمری

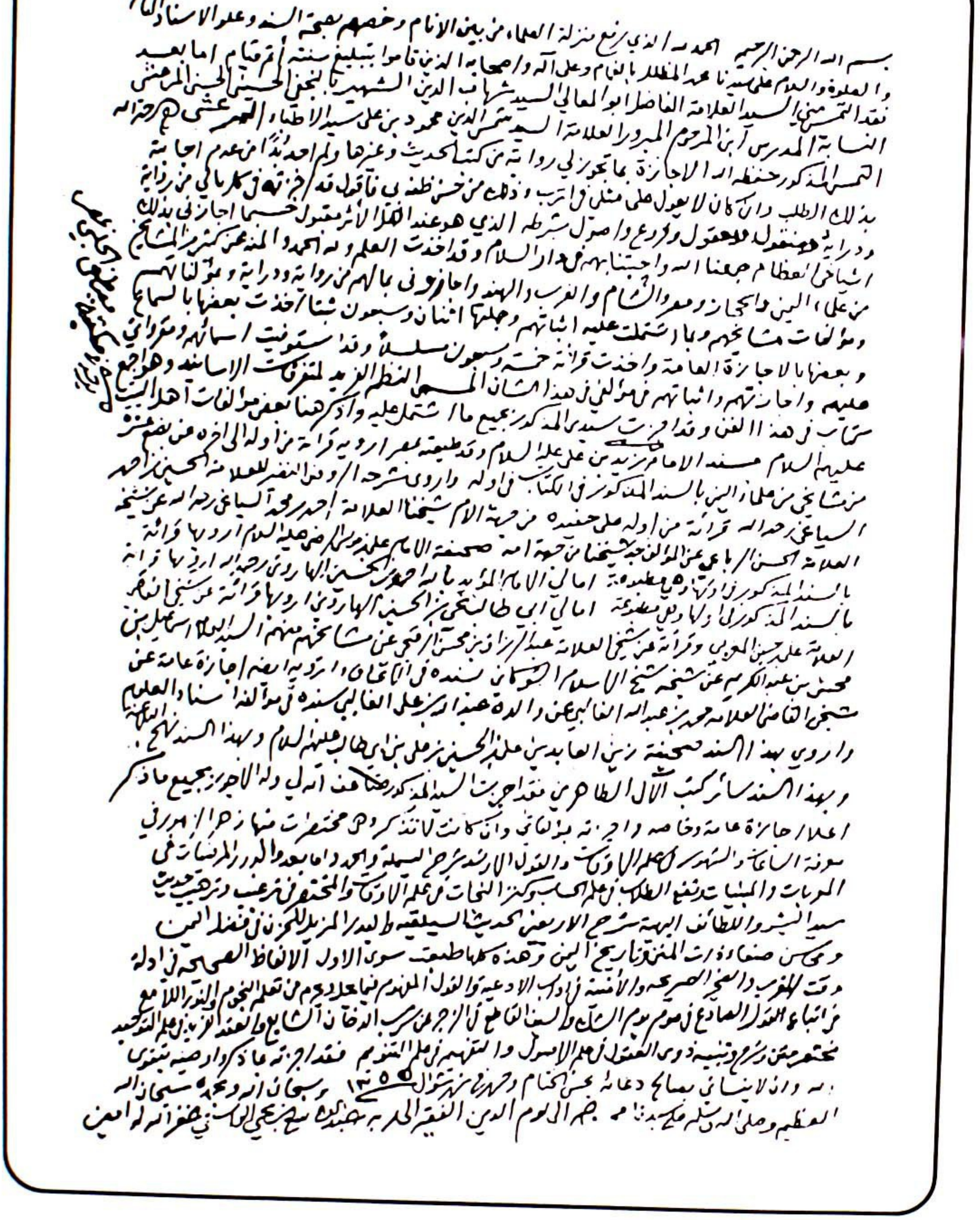

Marfat.com

اجازهٔ روایتی علّامه سیّد احمد بن محمّد بن زبارهٔ حسنی زیدی، مفتی یمن به آیت‌الله مرعشی (ره)، در سال ۱۳۹۵ قمری

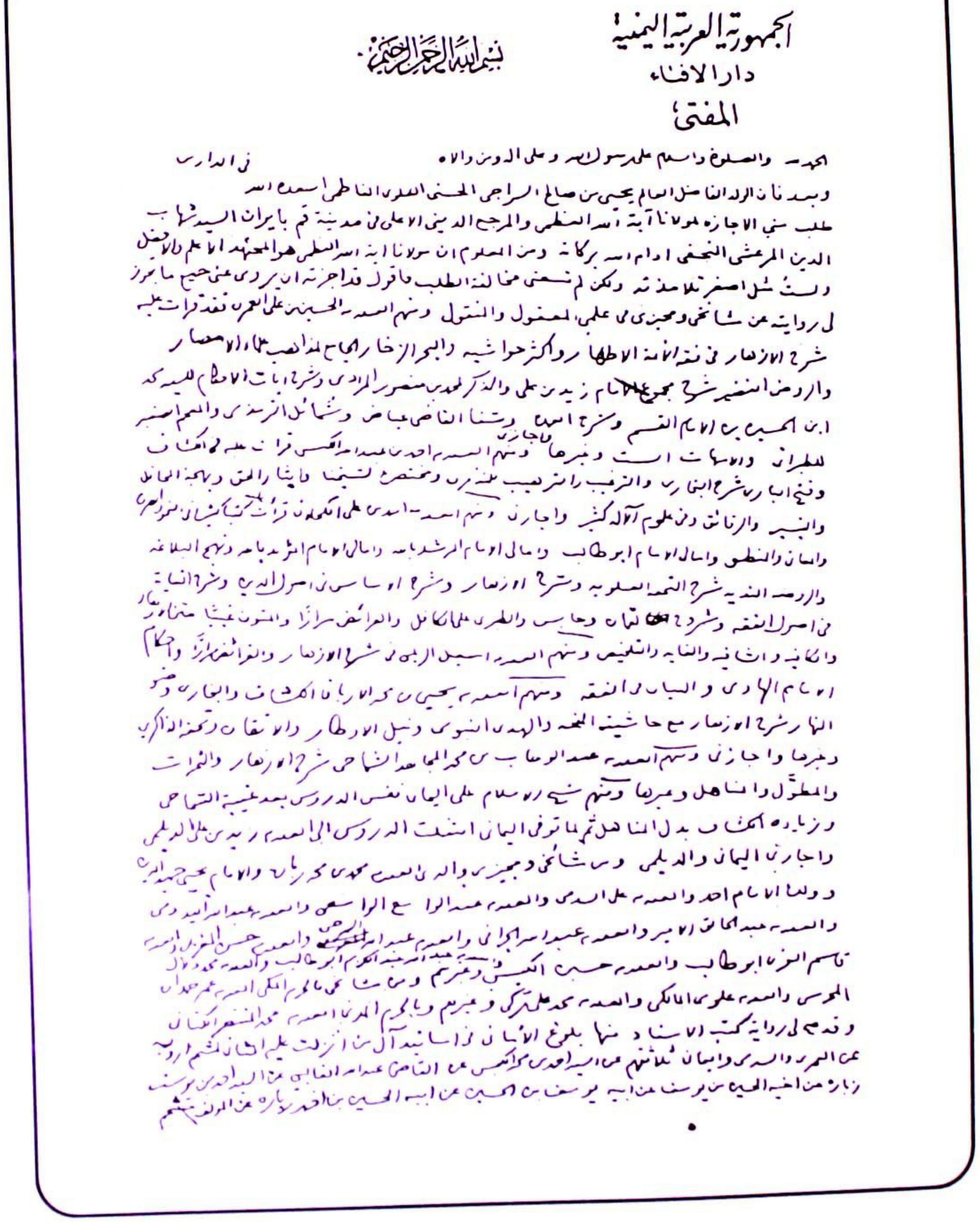

الجمهورية العربية اليمنية
دار الافتاء
المفتي

بسم الله الرحمن الرحيم.

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه

وبعد فإن الولد الفاضل العالم يحيى بن صالح الشرجي الحسني الزيدي الفاطمي أسعده الله في الدارين طلب مني الاجازة لمولانا آية الله العظمى والمرجع الديني الأعلى في مدينة قم بإيران السيد شهاب الدين المرعشي النجفي أدام الله بركاته ومن المعلوم أن مولانا آية الله العظمى هو المجتهد الأعلم والأفضل وأنا تلميذ تلاميذه ولكن لم تسعني مخالفة الطلب فأقول قد أجزته أن يروي عني جميع ما يجوز لي روايته عن شيوخي ومجيزي في المعقول والمنقول ومنهم السيد الحسين بن أحمد العمري فقد قرأت عليه شرح الأزهار في فقه الأئمة الأطهار وأكثر حواشيه والبحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الأمصار وأكثر التنقيح شرح جمع الجوامع للإمام زيد بن علي والذكر لمحمد بن منصور المرادي وشرح أبيات الأحكام للسيد محمد ابن الحسين بن الإمام القاسم وشرح أسماء رجال شيوخنا القاضي عباض وشمائل الترمذي والمعجم الصغير للطبراني والأربعينات أكثرها وأجازني ومنهم السيد أحمد بن محمد الشامي قرأت عليه وأكثر فتح الباري شرح البخاري والترغيب والترهيب للمنذري ومختصر التبيان في آداب حملة القرآن والتبيان والرسالة وفي علوم آلة كثيرة وأجازني ومنهم السيد علي الكبسي قرأت عليه كتاب الشفاء للقاضي عياض والبيان والتقصي وأمالي الإمام أبي طالب وأمالي الإمام المرشد بالله وأمالي الإمام المؤيد بالله ونهج البلاغة والروض النضير شرح المجموع الفقهي الكبير وشرح الأزهار وشرح الأساس في أصول الدين وشرح الغاية في أصول الفقه وشرح الكافل وحاشيته والبحر الزخار علم الفوائد غزيرا ومتونا غزيرة متناثرة في الأزهار والكافل والغاية والتقصي ومنهم السيد إسماعيل الأكوع شرح الأزهار والفوائد غزيرا وأحكام الإمام الهادي والبيان والفقه ومنهم السيد يحيى بن محمد الأرياني الكشاف والبحار وشرح الأزهار مع حاشيته الفقه والهداية النبوي وسبل الأوطار والانتقاء وتحفة الذاكرين وغيرها وأجازني ومنهم السيد عبد الوهاب بن محمد المجاهد الشامي شرح الأزهار والثمرات والمطول والمناهل وغيرها ومنهم شيخ الإسلام علي الإيماني نفس الدروس بعد غيبة الشامي وزيادة الكشاف بدل المناهل ثم لما توفي الإيماني استنابت الدروس إلى السيد زيد بن علي الديلمي وأجازني الإيماني والديلمي وسائر مجيزي والد السيد محمد بن محمد زبارة والإمام يحيى حميد الدين وولداه الإمام أحمد والسيد علي الوزير والسيد عبد الواسع الواسعي والسيد عبد الرقيب الوزير والسيد عبد الخالق الأمير والسيد عبد الله الجرافي والسيد عبد الله بن عبد الكريم الأرياني والسيد عبد الله بن عبد الرحمن الأكوع والسيد حسن المنصور والسيد قاسم المنصور أبو طالب والسيد حسين الكبسي وغيرهم وسائر مجيزي والد السيد عمر حمدان المحرسي والسيد علوي المالكي والسيد محمد علي المشهور وغيرهم وبالجملة فالسيد محمد المنصور الكفيل وقد صح لي رواية كتب الإسناد منها بلوغ الأماني ذو الأسانيد آل من أنزلت عليهم الكتاب المشهور الروية عن السيد والسيد والبيان ثلاثتهم عن أبيه أحمد بن محمد الكبسي عن القاضي عبد الله الثلايا عن السيد أحمد بن يوسف زبارة عن أخيه الحسين بن يوسف عن أبيه يوسف بن الحسين عن أبيه الحسين بن أحمد زبارة عن المولى هاشم

Marfat.com

الجمهورية العربية اليمنية
دار الافتاء
المفتي

بسم الله الرحمن الرحيم

ومنها اتحاف الاكابر بمسلسلات الاكابر كلاهما عن السيد اسمعيل الاكوع والسيد محمد بن اسمعيل الامير كلاهما عن المؤلف الشوكاني ومنها المستند الوجيز في سند عبد الكريم ابو طالب عن محمد بن ذلال وعبد الله ابو طالب وقاسم العزي ثلاثتهم عن المؤلف ابو طالب ومنها الدر الفريد للواسعي عنه ومنها فهرس الفهارس والاثبات للسيد محمد عبد الحي الكتاني عن والده عن المؤلف الكتاني ومنها اتحاف ذوي الهمم العلية للسيد محمد الحسن ابن علوي المالكي عنه ومنها العسجد المنظوم للغالبي عن العمري والسدي واليماني ثلاثتهم عن محمد الفرائضي عن المؤلف الغالبي ومنها الاعلام والتحفة لقاطن عن العمري والسدي واليماني عن احمد الديباغي عن الحسن ابن احمد الديباغي عن والده عن المؤلف قاطن ومنها الامداد لسالم البصري عن السدي عن اسمعيل الاكوع ومحمد اسمعيل الامير وعن محمد العمراني واحمد حسن المعلمي كلاهما عن الشوكاني عن عبد القادر بافضل عن محمد حياة السندي عن المؤلف البصري وغيرها من كتب الاسناد وادرج المسلسل بالاولية الخمس وغيرها من المسلسلات عن العمري بسنده

هذا وارجو من المجاز له مولانا ابنه العلامة السيد شهاب الدين الرعشي أبي بجبزني وارجو دعوته الصالحة واسأل الله له ولعموم المؤمنين التوفيق وحسن الختام والنصر للاسلام وخذلان الباطل ولا حول ولا قوة الا بالله وصلى الله وسلم على محمد وآله

غرة جمادى الاولى ١٣٩٥

مفتي اليمن
محمد زبارة

ولنتبرك بذكر سند مجموع الامام زيد بن علي بن الحسين بن علي عليهم السلام اروية عن العمري والسدي واليماني بن احمد بن محمد الكبسي عن عبد الله الغالبي عن احمد بن يوسف زبارة عن ابيه يوسف بن الحسين زبارة عن ابيه الحسين بن احمد زبارة عن ابن صالح ابي الرجال عن احمد بن سعد الدين المسوري عن الامام المؤيد بالله محمد بن الامام القاسم عن ابيه الامام القاسم بن محمد عن امير الدين بن عبد الله عن احمد بن عبد الله عن الامام شرف الدين عن صارم الدين عن المطهر بن محمد بن سليمان عن الامام المهدي احمد بن يحيى المرتضى عن محمد بن يحيى عن القاسم بن احمد حميد عن ابيه عن الامام عبد الله بن حمزه عن محيي الدين وعمران بن الحسن عن القاضي جعفر بن احمد بن عبد السلام الذي اوصل المجموع من الجيل والديلم عن احمد بن الحسن الكندي عن زيد بن الحسن البيهقي عن الحاكم ابي الفضل وهب الله بن الحاكم ابي القاسم الحسكاني عن الحافظ ابي سعيد عبد الرحمن النيسابوري عن ابي الفضل محمد بن عبد الله الشيباني عن علي بن محمد بن عبد الله بن الحاكم عن ابي الحسن محمد بن اسلم الطوسي عن ابراهيم بن ابراهيم البخاري عن نصر بن مزاحم المنقري عن ابراهيم بن الزبرقان التيمي عن ابي خالد عمرو بن خالد الواسطي عن الامام الشهيد الولي زيد بن علي بن الحسين بن علي سلام الله عليهم

Marfat.com

اجازات آیت‌الله مرعشی به دیگران

Marfat.com

Marfat.com

اجازهٔ روایتی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) به علّامه شیخ عبدالواسع بن یحیی واسعی یمانی در سال ۱۳۵۵ قمری که این اجازه را علّامه واسعی سال ۱۳۵۷ قمری در کتاب الدّر الفرید الجامع لمتفرقات الاسانید، در قاهره چاپ کرده است

الدر الفريد الجامع لمتفرقات الأسانيد

للشيخ عبد الواسع بن يحيى الواسعى غفر الله له

بسم الله الرحمن الرحيم



لقد حسن المؤلف عرسه بما جمع
في هذه الكراريس من الاسانيد
الشريفة وفيها من الأجر ما
يبلغ به ان شاء الله الدرجات
المنيفة فالله يجزيه خيرا

رجعت إلى اليمن فى خلال سياحتي ووجدت معي كراريس فيها أثبات ومسلسلات ومقروآت على بعض المشايخ فأحببت جمعها فى مؤلف لنفع اخوانى من أهل العلم وبعد اطلاع أمير المؤمنين دوحة العصابة الهاشمية الامام يحيي ابن الامام المنصور بالله محمد بن يحيي أدام الله أيامه ونشر بالنصر أعلامه كتب ما ذكر أعلا هذا بقلمه الشريف وسمى هذا الكتاب بما ذكر ﴿ الدر الفريد ﴾ وقد اجتمعت بكثير من العلماء فى أقطار كثيرة مايزيد عن الألف وليس الغرض لجمع ذلك بل لمن أخذت عنهم اسئل الله أن يجعل ذلك خالصا لوجهه الكريم آمين

طبع على نفقة مؤلفه والحقوق محفوظة

طبع بمطبعة حجازى بالقاهرة سنة ١٣٥٧

Marfat.com

وهذه إجازة السيد العلامة شهاب الدين
أبوالمعالى الحُسينى الحَسنى من علماء الامامية ـ حفظه الله ـ
من ايران مدينة قُم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الروايات ، عن الأئمة السادات ، ذريعة لنيل السعادات ، وصان طرقها من تطرق الشكوك والشبهات ، والصلاة والسلام على أشرف البريات ، محمد المنتهى اليه سلسلة العلوم من كل جهات ، وعلى أهل بيته الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا ، الذين من تمسك بذيلهم فقد نجا ، ومن تخلف عنهم فقد هلك ، كيف وإلى الله يدعون ، وبأمره يعملون ، وبقوله يحكمون ، صلاة دائمة مستمرة ، وبعد فقد استجاز عني الأخ الفاضل ، والعالم الكامل ، شمس سماء العلم والجلالة ، وبدر أوج السعادة والنبالة ، العلامة البحاثة ، الأستاذ المؤرخ الرحلة ، شيخنا الشيخ **عبدالواسع بن يحيى الواسعى اليمانى** ـ دام مجده وفاق سعده ـ في رواية ما صحت لديَّ روايته وساغت عندي إجازته ، من معقول ومنقول وذلك بعدما استجزت عنه رواية ما يرويه وقد أجازنى وانى وان كنت لا أعد نفسى الجانية من فرسان هذا المضمار ولا من سباق هذا الزمان ولكن امتثال أمره المطاع ، ألزمني باسعاف المسؤول ، وانجاح المأمول ، فاستخرت الله في ذلك وأجزت له ـ دام علاه وزيد في ورعه وتقاه ـ أن يروي عني كل ما أرويه بطرقي المتكثرة ، المنتهية الى أهل بيت الوحي والرحمة ، وخُزَّان العلم والحكمة ، وهى تقرب من مائتي طريق ، مضافاً الى ما لي من طرق أهل السنة وغيرها ، من فِرَق الاسلام ولا أعلم في هذه الأعصار ، انه اتفق لأحد مثل ما اتفق لي من جمع الطرق بهذا المقدار وذلك من فضل ربي ، أأشكر أم أكفر ولكن الأسف أن المجال غير مقتض لذكرها مفصلة لما حل بنا مما يذيب القلوب ويهيج الأحزان والكروب وأرجو الله تعالى أن يكشف هذه الغمة عن الأمة . والذي يمكنني في هذه الساعة أن أقول أجزت لك أيها

Marfat.com

العبد الصالح والولي الفالح أن تروي عني عن مشايخي من الامامية ومنهم نجم سماء السيادة شرف آل الرسول فخر بني‌الزهراء البتول ، سيدي الوالد العلامة الأستاذ السيد شمس الدين المحمود الحُسيني المرعشي ، النسابة المتوفى سنة (١٣٣٨ق) عن والده شرف الدين ، السيد علي سيد الاطباء التبريزي الحسيني المرعشي المتوفى سنة ١٣١٤ ، عن والده السيد محمد ، عن والده السيد ابراهيم ، عن العلامة السيد محمد ، عن استاذه السيد عبدالفتاح ، عن والده السيد ضياءالدين محمّد ، عن والده السيد محمّدصادق ، عن والده السيد محمدالطاهر ، عن والده السيد على النوّاب ، عن والده السيد حسين علاء الدين ، عن والده السيد رفيع الدين محمد ، عن والده السيد شجاع الدين المحمود ، عن والده السيد علي ، عن والده السيد هدايةالله ، عن والده الشريف السيد علاءالدين الحسين الحسيني ، عن العلامة السيد غياث الدين المنصور الدشتكي الحسيني الشيرازي ، وهو يروي عن آبائه ومشايخه السادة الميامين خلفاً عن سلف إلى أن ينتهي إلى أئمة أهل البيت ـ عليهم‌السلام ـ وطرقهم الى النبي الأكرم ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ مشهورة معروفة في جوامع أصحابنا كالكافي والاستبصار والتهذيب والبحار والوافي والوسائل والأمالي والمجالس والارشاد ومدينة العلم وبصائر الدرجات ودعائم الاسلام والمحاسن والجعفريات وعلل الشرائع وعيون الأخبار وكشف الغمة وإكمال الدين وثواب الأعمال وغيرها وممن أروي عنه العلامة الأستاذ خاتم أهل الحديث في القرن الرابع عشر ليث بني هاشم الحبر المحيط بأحاديث آل الرسول سند العراق الآية الحجة السيد أبو محمد الحسن صدرالدين ابن الهادي الموسوي نزيل بلدة الكاظمين المشرفة بطرقه المعروفة وممن أروي عنه العلامة الأستاذ الزاهد العابد خادم قبري الامامين العسكريين ببلدة سرَّ من راى المعروفة بـ(سامراء) الحجة الثبت الشيخ الميرزا محمد بن علي الطهراني بطرقه المعروفة وممن أروي عنه العلامة الأستاذ المصلح الكبير الحجة الثبت سيدنا السيد نجم الحسن الهندي مؤسس مدرسة الواعظين المشهورة ببلاد الهند وطرقه معروفة وممن أروي عنه فخر الشيعة ومروّج الشريعة مجدد مذهب أجداده الطاهرين وقامع بدع

Marfat.com

المنتحلين ، السيد إسحق المشتهر بناصر الحسين الهندي ، نجل صاحب كتاب عبقات *الأنوار* المشهورة وطرقه معروفة الى غير ذلك من طرق المأتين وأما مشايخي من علماء الزيدية فعدة ، منهم بل هو أعلا طرقي إلى أئمة أهل البيت الامام الهمام ابن الأئمة الكرام سيف آل الرسول وشرف بني الزهراء البتول سيد ملوك الاسلام أمير المؤمنين الامام يحيى بن محمد حميد الدين ـ نصره الله وخلد ملكه وأجرى في بحار التأييد فلكه ـ بطرقه المعروفة لديكم ومنهم العلامة الفقيه المرحوم شيخ آل الرسول السيد محمد بن عقيل العلوي الحضرمي ومنهم عدة من علماء بلدة زبيد من بلاد اليمن السعيدة وغيرهم وأما مشايخي من أهل السنة فعدة منهم العلامة المحدث السيد ابراهيم الراوي الشافعي البغدادي بطرقه ومنهم العلامة الشيخ محمد بخيت مفتي الديار المصرية سابقاً بطرقه المعروفة ومنهم العلامة السيد محمود شكري افندي البغدادي بطرقه ومنهم الاستاذ الشيخ ابراهيم المصري بطرقه ومنهم الشيخ نورالدين الشافعي المشتهر بالشيخ نوري القارىء الحافظ ومنهم الشيخ عبدالسلام الكردي إلى غير ذلك من طرقهم ، فلشيخنا العلامة الشيخ عبدالواسع أن يروي عني عن هؤلاء ، الحديث ومقدماته والفقه والأصولين والتفسير والنسب والتاريخ والتراجم والكلام والعلوم الآلية وغيرها بالأسانيد المتكثرة المضبوطة في أماكنها ومن أراد فليراجع المجلد الأخير من *بحارالأنوار* وكتاب *لؤلوة البحرين والدرة البهية والروضة الندية وامل الآمل* وغيرها والمرجو من جنابه أن لا ينساني من صالح الدعاء في مظان الاجابة وأماكن الاستجابة ، كما إني لست أنساه ، إن شاء الله تعالى والسلام عليه وعلى جميع موالي أهل البيت الطاهرين والرحمة والبركة . عصمنا الله وإياهم من الزلل والخطل ، والهفوة في القول والعمل ، إنه على ذلك قدير وبالاجابة جدير وصلّى الله على سيدنا ونبينا وحبيب قلوبنا وطبيب نفوسنا ، أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين مساكن ذكر الله ، ومعادن حكمته وتراجمة وحيه ، عناصر الأبرار ودعائم الأخيار ، الذين بهم عرّفنا الله معالم ديننا ، وأصلح ماكان فسد من دنيانا وبهم تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة . اللهم أحيينا حياتهم ، وأمتنا مماتهم واحشرنا في زمرتهم

Marfat.com

اجازات آیت‌الله مرعشی به دیگران ـــ

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی میر سیّد علی یثربی کاشانی به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدحسین اصطهباناتی شیرازی، همدرس مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی که معظم له و مرحوم آیت‌الله‌العظمی حائری نیز آن را تأیید کرده‌اند

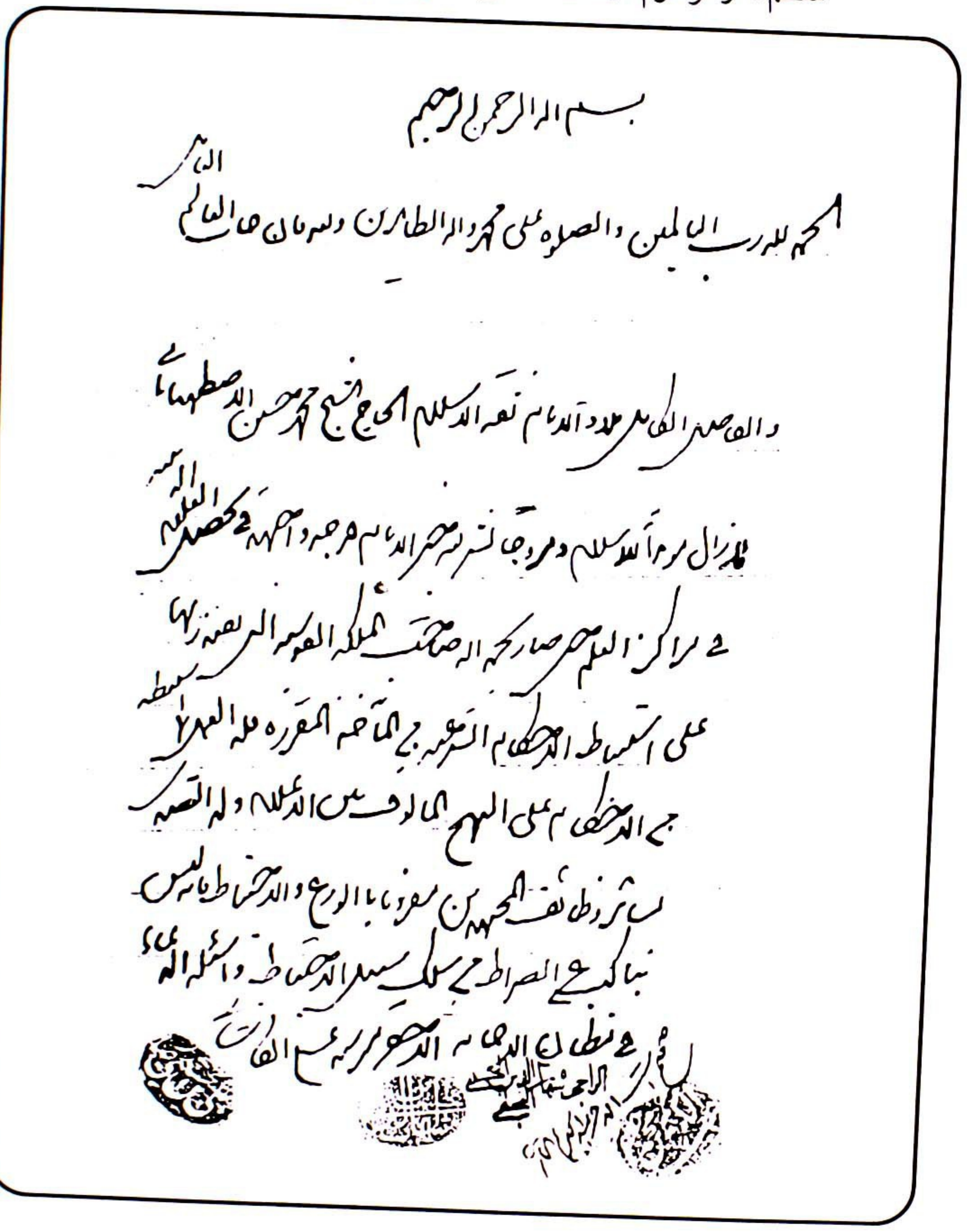

اجازهٔ مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به مرحوم حجّت الاسلام والمسلمین آقا میرزا علی‌اصغر ذکاوتی همدانی در سال ۱۳۵۷ قمری که مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج سیّد محمّدتقی خوانساری نیز آن را تأیید کرده‌اند

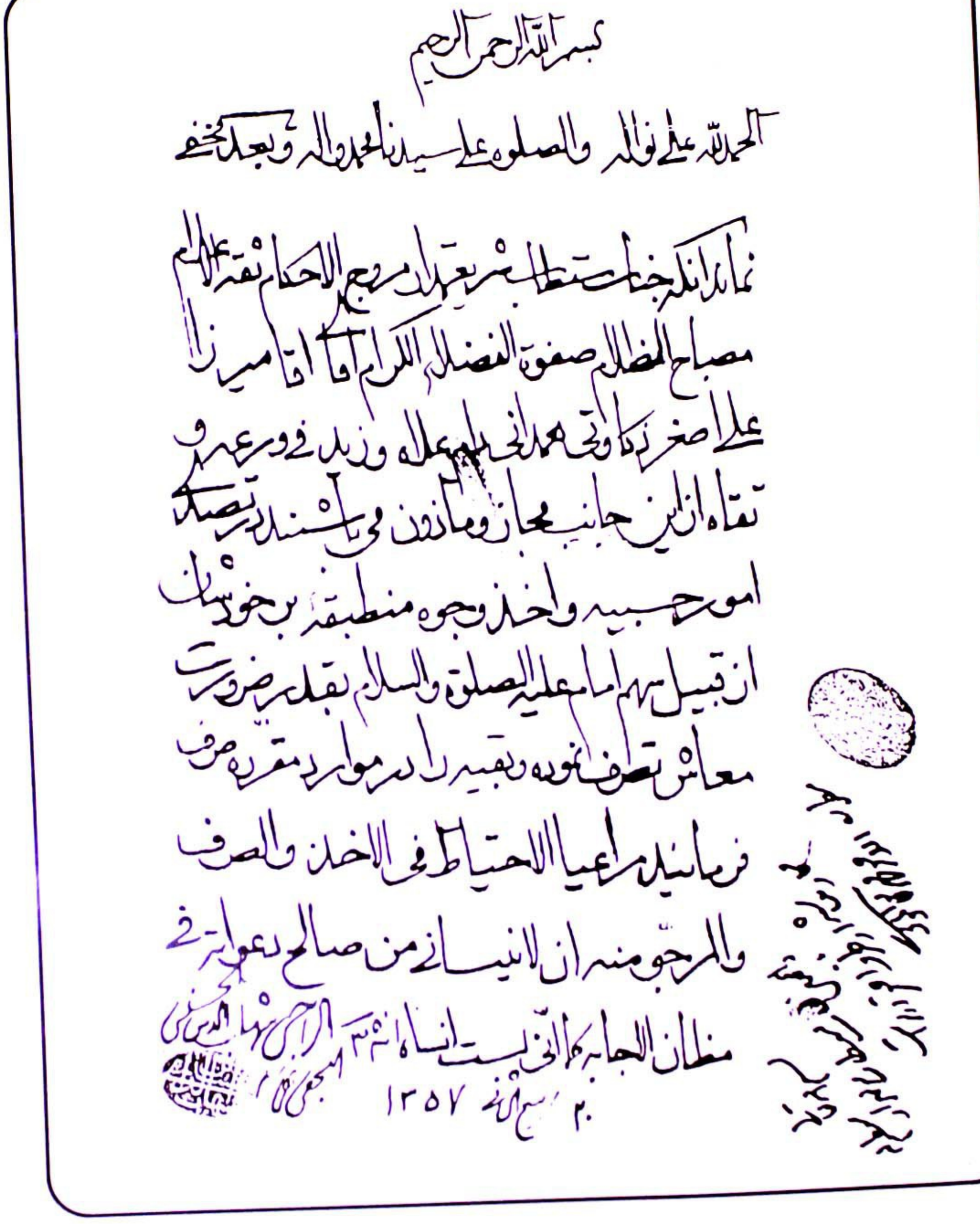

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی نواله والصلوة علی سیدنا محمد واله وبعد مخفی

نماند انکه جناب مستطاب شریعتمدار مروج الاحکام ثقة الاسلام

مصباح الظلام صفوة الفضلاء الکرام آقای آقا میرزا

علی اصغر ذکاوتی همدانی دام علاه وزید فی ورعه و

تقاه از این جانب مجاز و ماذون می باشند در تصدی

امور حسبیه واخذ وجوه منطبقه بر خودشان

از قبیل سهم امام علیه الصلوة والسلام بقدر ضرورت

معاش تصرف نموده وبقیه را در موارد مقرره صرف

فرمایند مراعیا الاحتیاط فی الاخذ والصرف

والمرجو منه ان لا ینسانی من صالح دعواته فی

مظان الاجابة کما انی لست انساه ان شاء الله

الراجی شهاب الدین الحسینی

۲۰ ربیع الثانی ۱۳۵۷

Marfat.com

اجازهٔ مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به حجّت الاسلام و المسلمین
آقا میرزا ابوالقاسم رسولی، در سال ۱۳۷۲ قمری

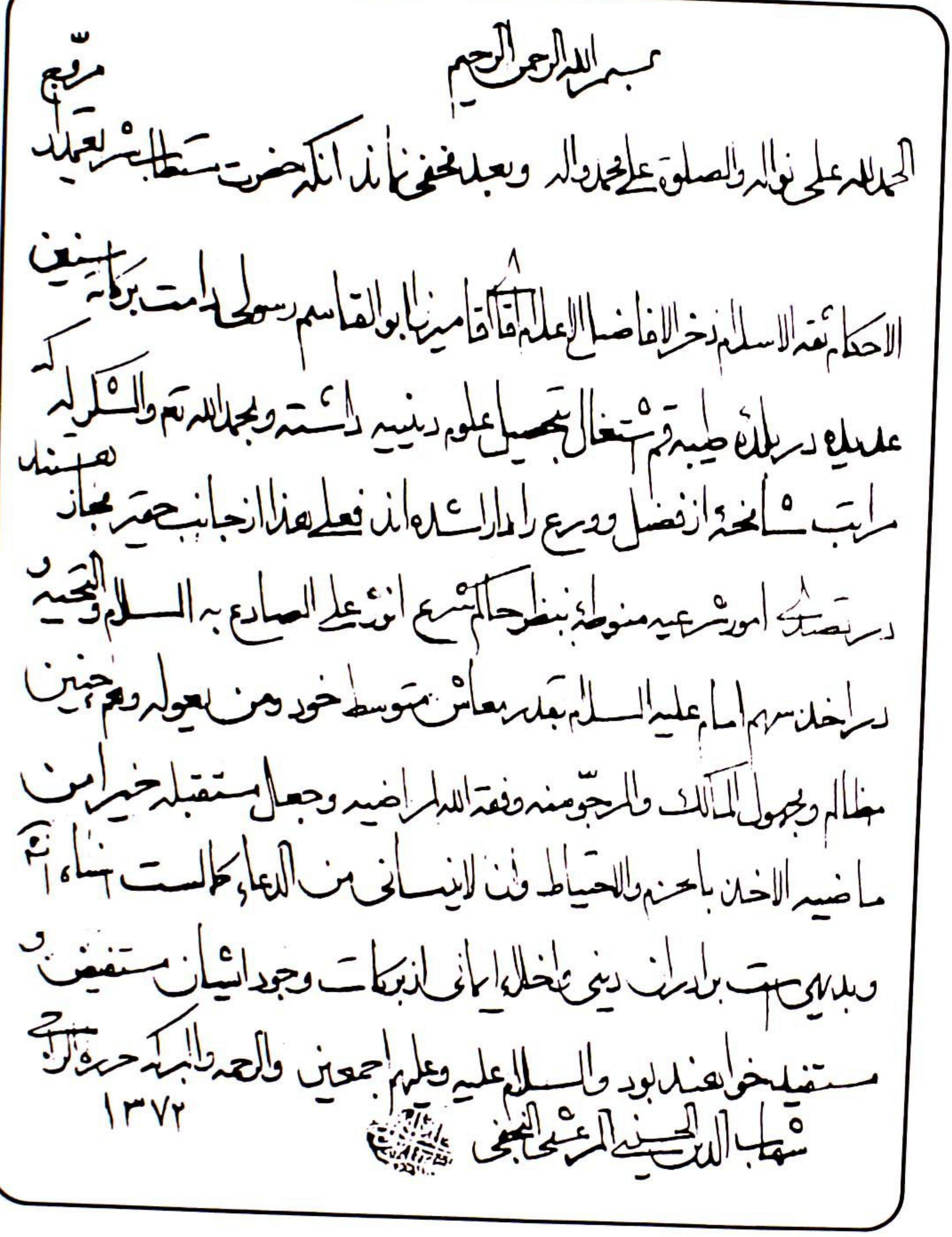

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی نواله والصلوة علی محمد واله وبعد مخفی نماند انکه حضرت مستطاب شریعتمدار مروّج
الاحکام ثقة الاسلام ذخر الافاضل الاعلام آقای آقا میرزا ابوالقاسم رسولی دامت برکاته سنین
عدیده در بلدهٔ طیبه قم اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته وبحمد الله تعالی والشکر له که
مراتب شامخهٔ از فضل وورع را دارا شده اند فعلی هذا از جانب حقیر مجاز هستند
در تصدی امور شرعیه منوطهٔ بنظر حاکم شرع انور علی الصادع به السلام والتحیه و
در اخذ سهم امام علیه السلام بقدر معاش متوسط خود ومن یعوله وهم چنین
مظالم ومجهول المالک والمرجو منه وفقه الله لمراضیه وجعل مستقبله خیرا من
ماضیه الاخذ بالحزم والاحتیاط وان لا ینسانی من الدعاء کما لست انساه انشاء الله
وبدیهی است برادران دینی واخلاء ایمانی از برکات وجود ایشان مستفیض و
مستفید خواهند بود والسلام علیه وعلیهم اجمعین والرحمه والبرکه حرره الراجی
شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی
۱۳۷۲

Marfat.com

اجازهٔ اجتهاد مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به آیت‌الله حاج میرزا محمّدباقر مرندی، در سال ۱۳۸۳ قمری

بسمه تعالی شأنه

الحمد لله علی نواله والصلوة علی محمد وآله وبعد ان شرف العلم مما لا یخفی ومحامده وفضائله لا تحصر ولا تستقصی سیما العلوم الشرعیة التی هی الوسائل الی نیل المنی والدرجة العلیا فی النشاة الاخری فلله در رجالها حیث لم یألوا الجهود فی هذا المضمار وحازوا السبق وفازوا بالسباق شکر الله مساعیهم وان ممن صرف العمر فی تحصیلها وغاصوا اللجج فی استخراج لئالیها ودراریها العالم الجلیل والحبر النبیل فخر الفضلاء الراشدین ذخر العلماء المتقین حجة الاسلام والمسلمین الاخ الروحانی والخلیل الروحانی الحاج المیرزا محمد باقر المرندی نزیل قم المشرفة فانه دام علاه وزید فی ورعه وتقاه اکب علی الاشتغال سحر لیله واتعب نهاره حتی برع وفاق علی الاقران والاتراب وبلغ رتبة الاجتهاد وردّ الفروع الی اصولها مشفوعة بالورع والسداد فلیحمد الله تعالی علی ما انعمه ویحرم علیه التقلید فیما اجتهد فی الحکام اوصیه ونفسی بالحزم والاحتیاط فی الفتوی والاخذ بالنمط المعتدل والله حسبی ونعم الوکیل والسلام علی من اتبع الهدی ونأی بجانبه عن الهوی حرره الغریب الکئیب شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی فی منتصف اول الربیعین ۱۳۸۲

Marfat.com

Marfat.com

پیوست دوم

نامه‌ها

Marfat.com

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالله مامقانی به آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۳۴۸ قمری

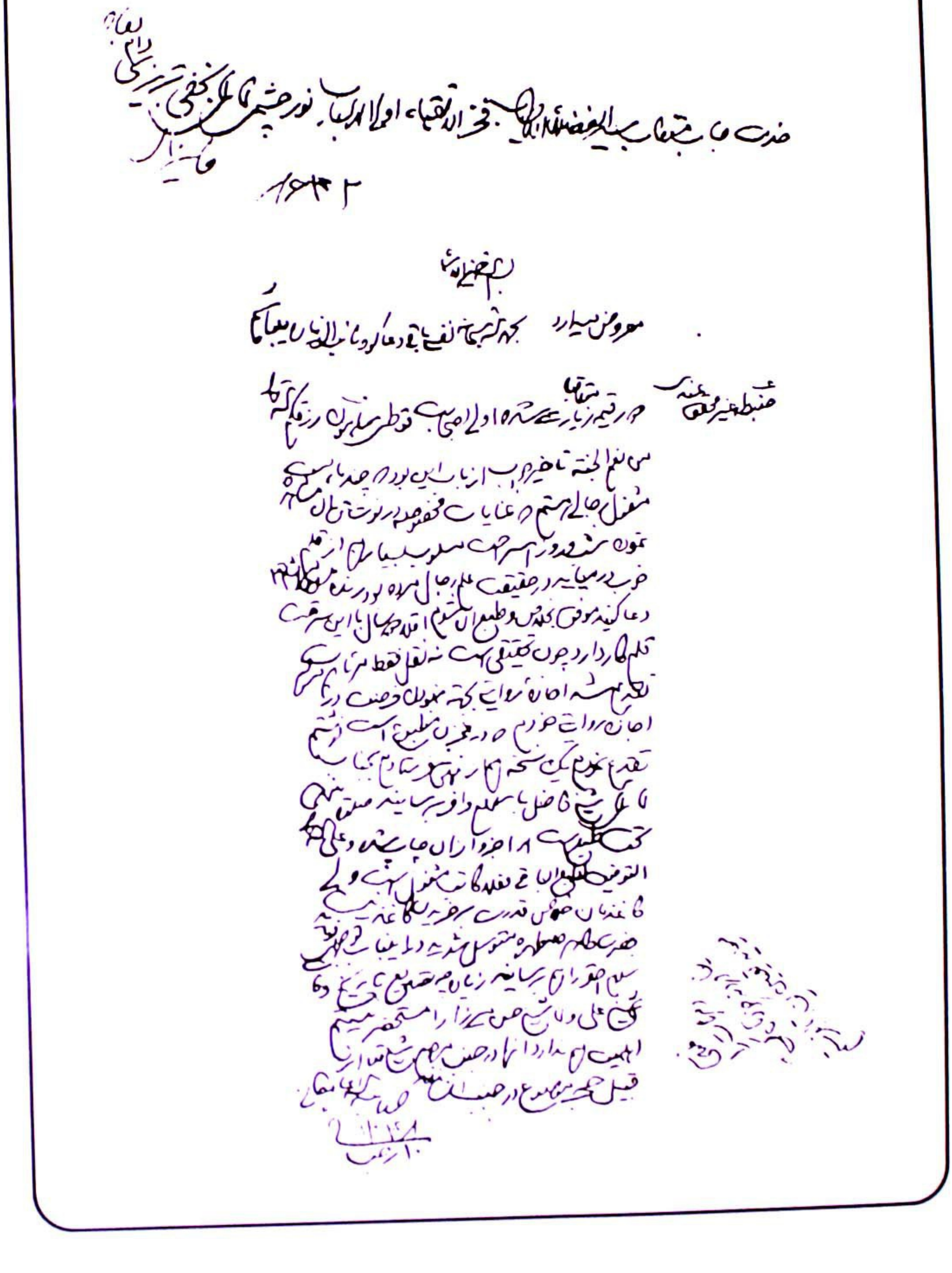

نامهٔ مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۰ قمری

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا نجفی به آیت‌الله مرعشی قمری

در سال ۱۳۵۵ قمری

مرقوم میدارد امام توفق و تسدید و تزوج
دفن صعف مسئلام باد از خاکپای حضرت باشند
از تعدان و صول خبر فوت جلد مقام حسره ۲ وضع
الاتمام الکرام محزن تعم وغم کاری ندارم اسئل ۲ الصبر
الجمیل والاجر الجزیل ـ جندی قبل مراسله مشتمل نفوذ
رسید و ضعف و تعرف حواسی مانع تجمل جواب شد
در باب مصحف حفر اما تعدد فلسفه دارد دن تقوی
اسباب طبع ان فراهم نشده و اما کتاب دعاء تمام
فاحه مقدار اثر احدی سرکار دادم در صین صنعن
مجلد نواهی را ملاحظه نفرمودند ابدا اساسا انعاد حرمت
میدارم مسئله عدم حرمت نقلیات عین معصومه که
سفارش سرکار شد مذاکره شد ما فوائد مهمه دیگر در
دفاع از صاحب فضول عم و دفع تهمت اینکه انسان
مسئله اجماع امر دینی را مبنی بر اصالة الوجود
المذهبه نموده اند و جواب اشکالات بر انسان در

مکروه ۲ اقسام عبادات الی کاظم الحسنه الی فردلک
مما تطلعون علیه انشاء الله اگر مقالیه فرمایند و در زاویه
شمالی گاهی نگذارند که تل و جب غبار و خاک بروان
باشد خیلی میل دارم مسائل مرقومه محط انظار فضلا شود
و تعداد دراد و صد بقا مطلع سازند و زیاده مصدع
استیضاح امر دیگر من کما هلا الجواد که مرحوم ملای اب
ملحق باشب ملاحظه فرمایند
صدی قبل مراسله مفصله بحساب نفقه کاسلام اقاجان میرزا
مهدی مرقوم نوشتم تاکنون جواب ان نرسیده همدام
نرسیده یا اینکه مقالب ان مایل جواب نمود یا قهرلانی
جواب ننودم و در خوف ان جواب مراسله نفقه کاسلام
اقاجان اسعد الله ایام نجابتی بود سوال مرقومه رسید انرا
مرحوم دارید
کتاب محرالانساب مصحف ان کلیت و قسمان کجا
یافت میشود سیدم مصری در انساب بنی کاظم
مرحوم داشته ابدا ارسال دارید اجمالی از وضع
وفات مقبلم مرحوم دارید چون مرحوم ملا نفقه فکله
توضیح ان نیبار وفات خود داشتند اما دوازدهم

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله شیخ ابو عبدالله زنجانی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۴ قمری

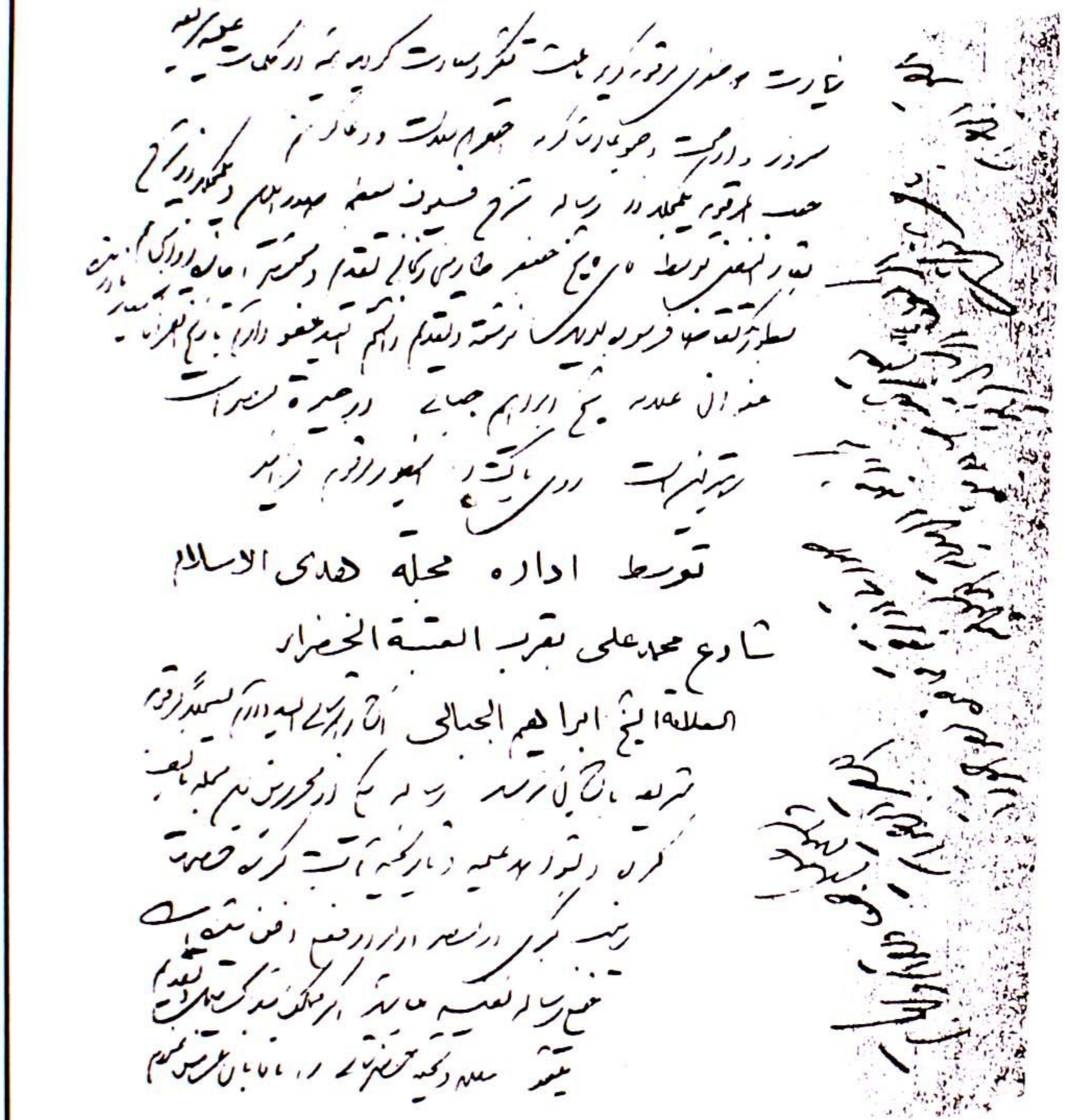

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ ضیاءالدّین عراقی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۵ قمری

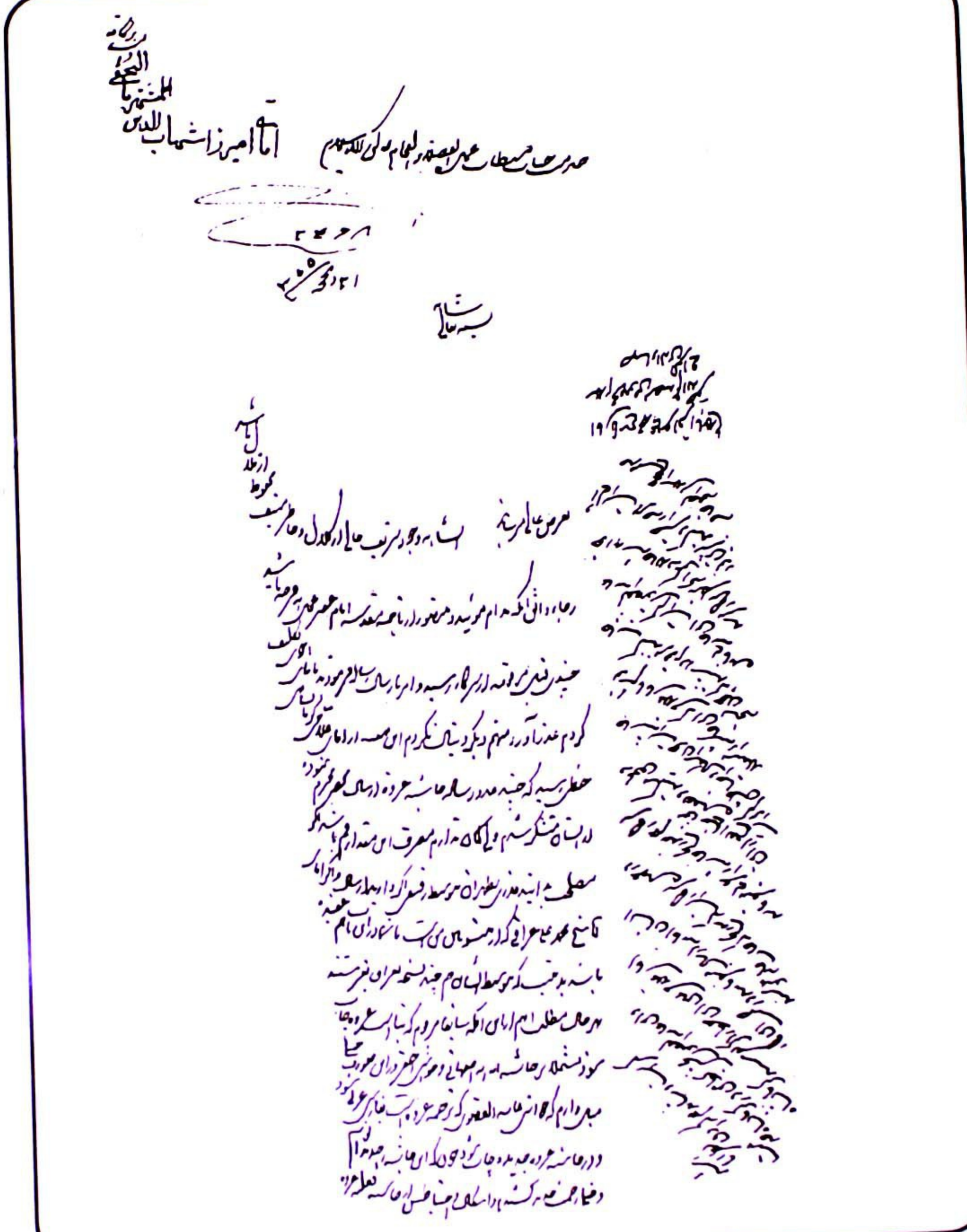

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله علّامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۷ قمری

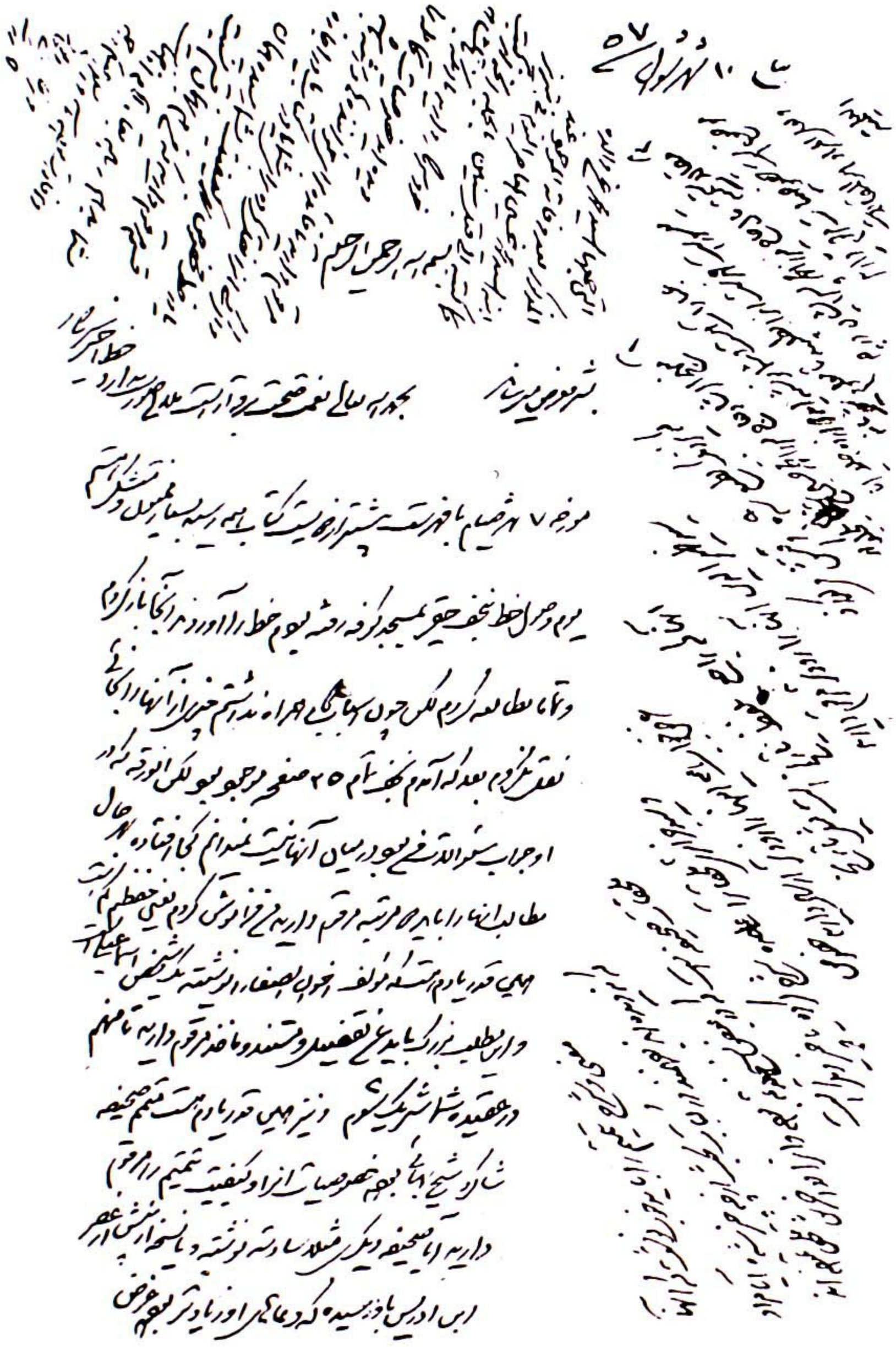

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله علّامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیت‌الله مرعشی

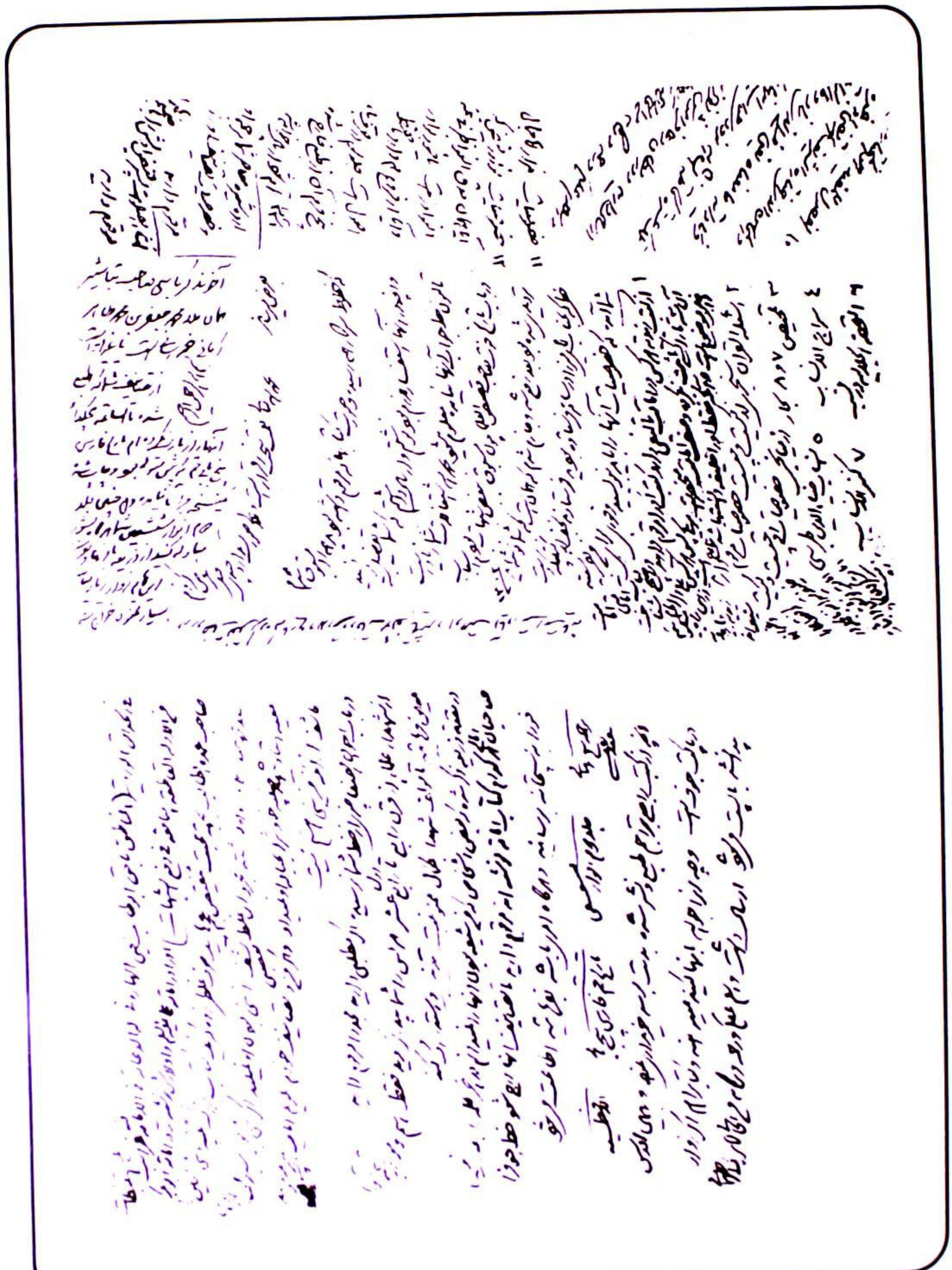

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله علّامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۷۰ قمری

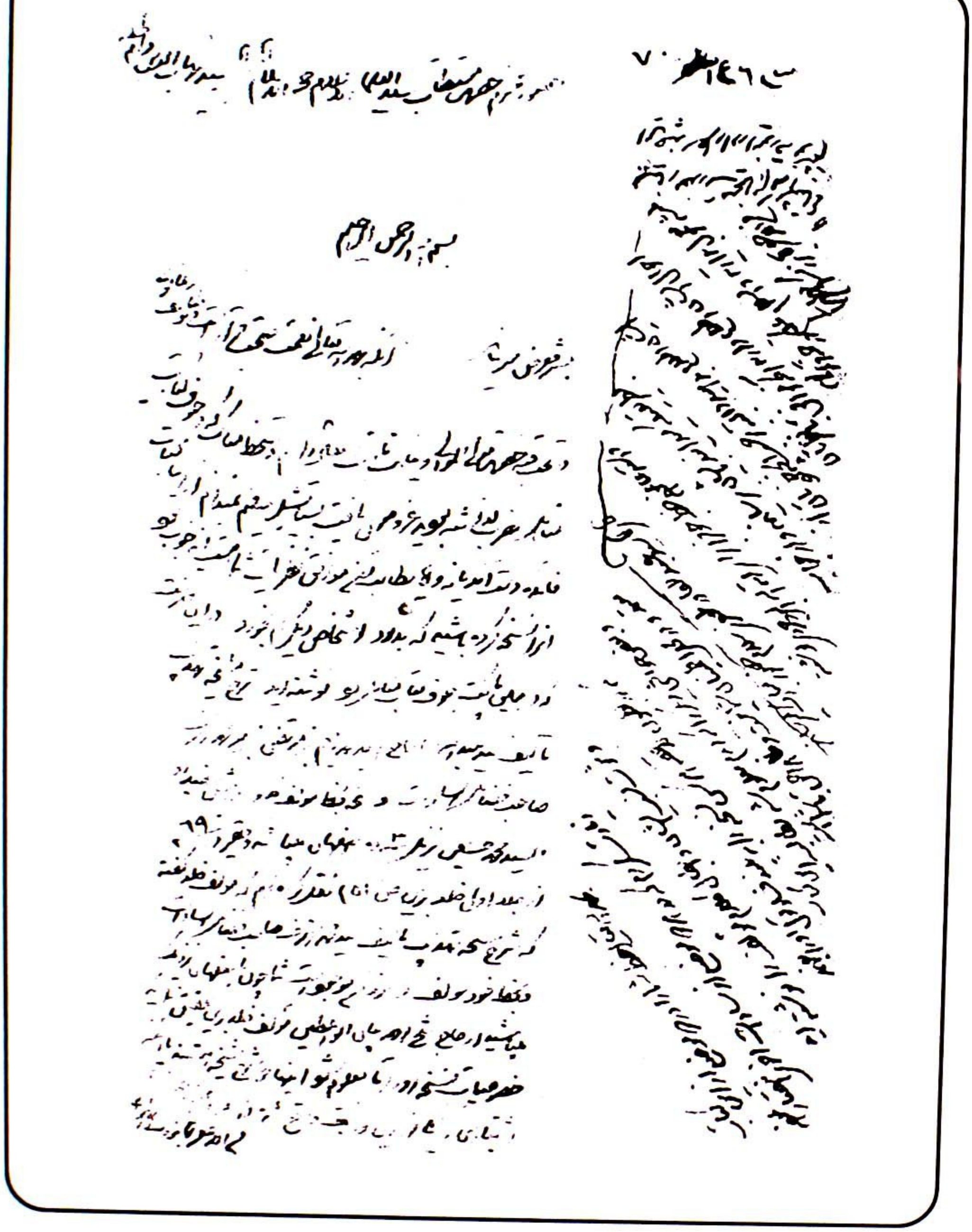

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله میرزا محمّد عسکری تهرانی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۷ قمری

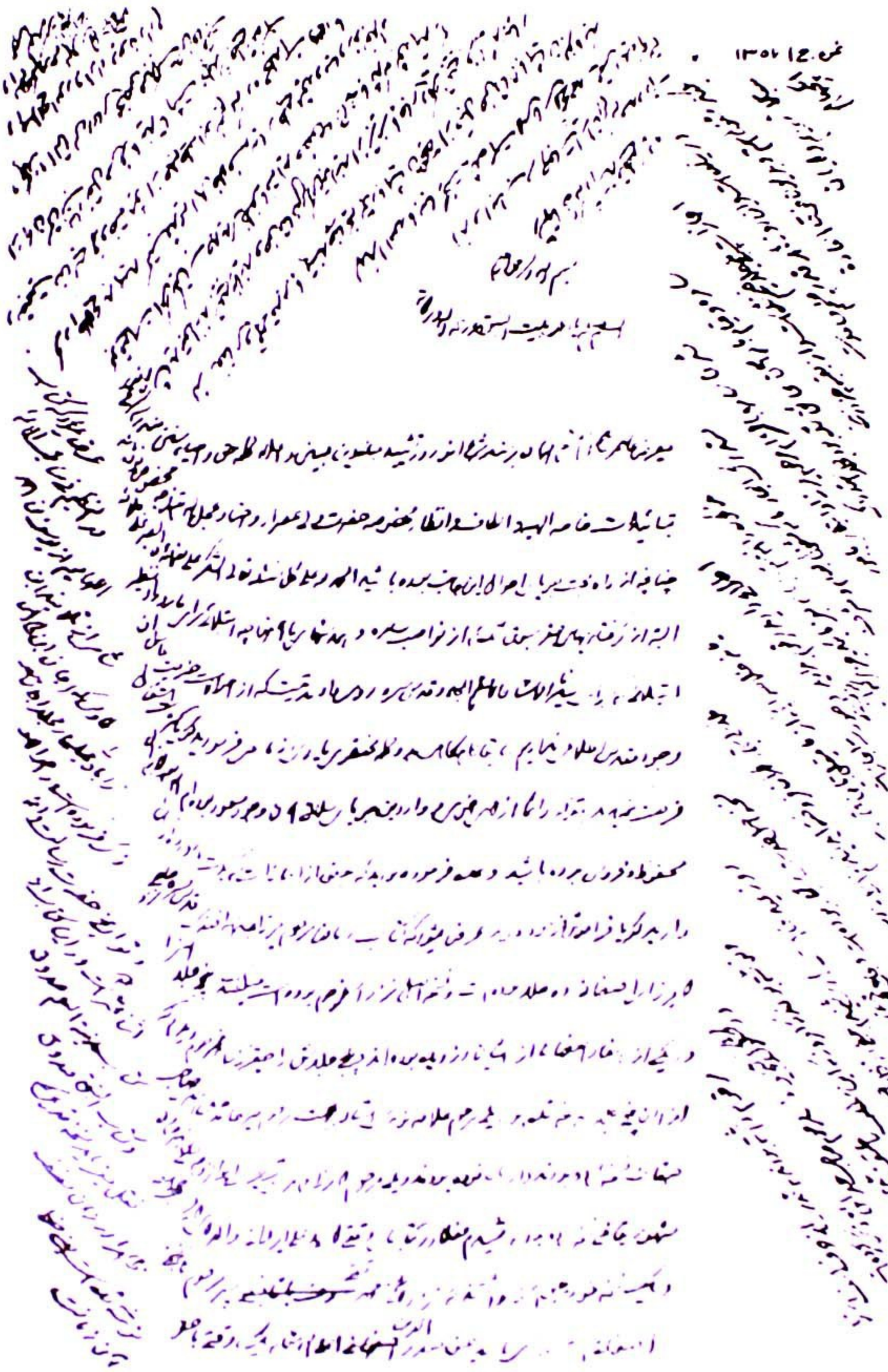

Marfat.com

Marfat.com

نامهٔ مرحوم شیخ طنطاوی جوهری مصری مؤلف تفسیر الجواهر و رئیس هیئت تحریریّهٔ جماعت اخوة الاسلامیّهٔ مصر به آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۹۳۸ میلادی

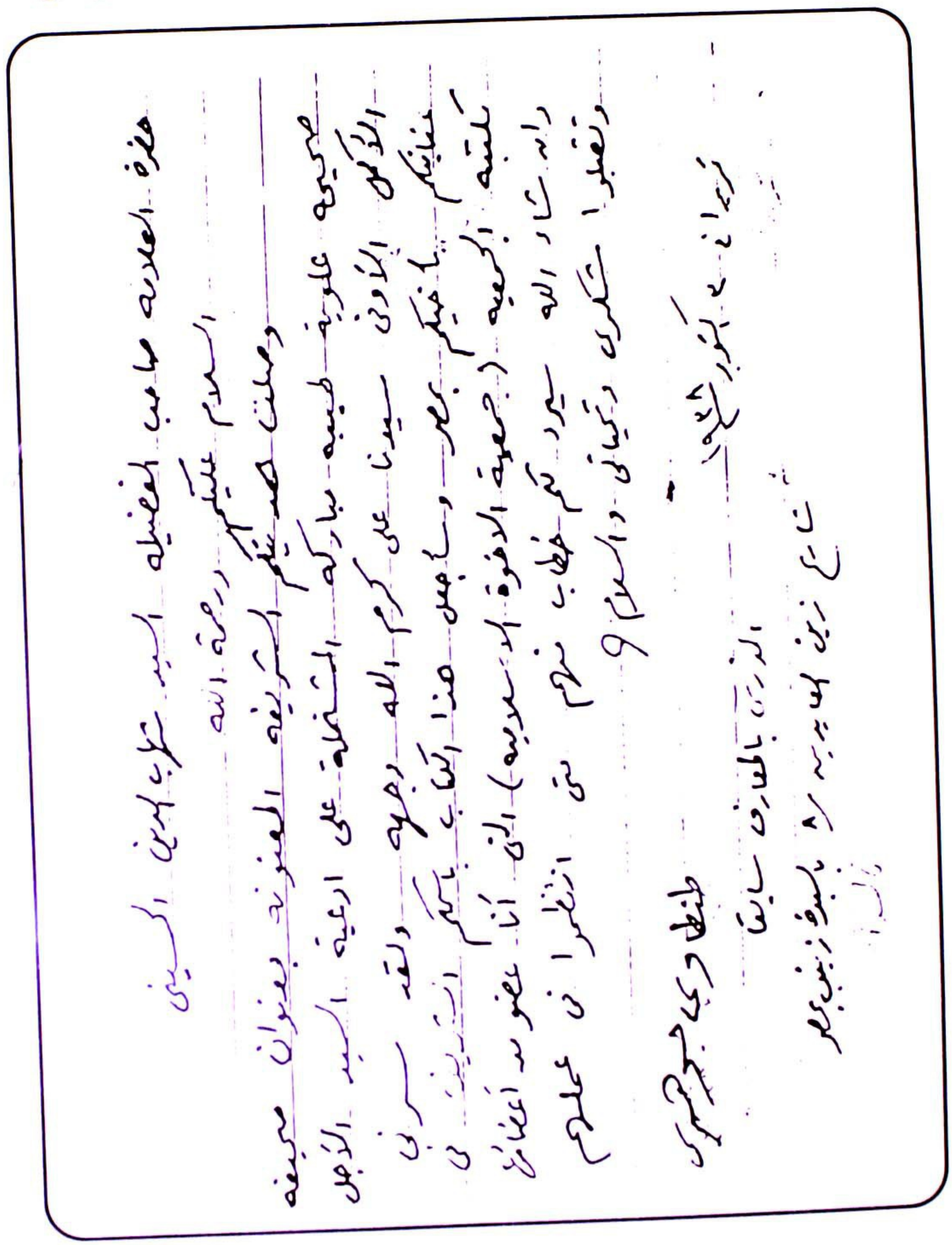

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم شیخ طنطاوی جوهری به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۸ قمری / ۱۹۳۹ میلادی

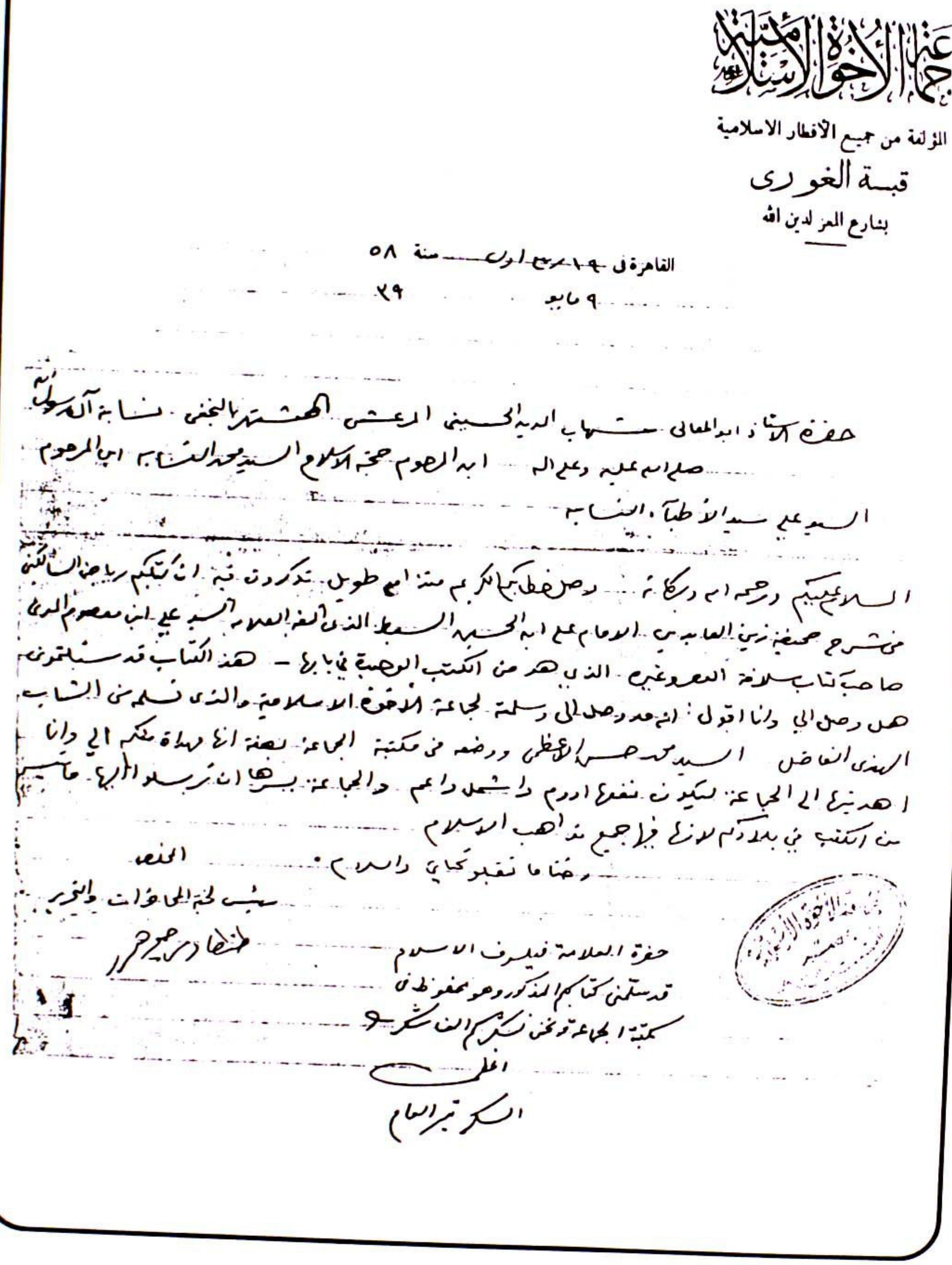

جماعة الأخوة الإسلامية
المؤلفة من جميع الأقطار الاسلامية
قبة الغوری
بشارع المعز لدين الله

القاهرة فی ۱۹ ربیع اول سنة ۵۸
۹ مایو ۲۹

حضرة الاستاذ ابو المعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی المشتهر بالنجفی نسابة آل رسول الله
صلی الله علیه وعلی آله ابن المرحوم حجة الاسلام السید محمد النسابة ابن المرحوم
السید علی سید الاطباء النسابة

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وصل خطابکم الکریم منذ امد طویل تذکرون فیه ان کتابکم ریاض السالکین
فی شرح صحیفة زین العابدین الامام علی ابن الحسین السبط الذی الفه العلامة السید علی ابن معصوم المدنی
صاحب کتاب سلافة العصر وغیره الذی هو من الکتب الوحیدة فی بابها - هذا الکتاب قد سئلتمونی
هل وصل الی وانا اقول: انه قد وصل الی وسلمته لجماعة الاخوة الاسلامیة والذی تسلمه من الشاب
الهندی الفاضل السید محمد حسن الاعظمی ووضعه فی مکتبة الجماعة بصفة انها مهداة منکم الی وانا
اهدیتها الی الجماعة لیکون نفعها ادوم واشمل واعم والجماعة یسرها ان ترسلوا الیها ما تیسر
من الکتب فی بلادکم لانها فیها جمیع مذاهب الاسلام
وختاما تقبلوا تحیاتی والسلام

المخلص
رئیس لجنة المحاضرات والتحریر
طنطاوی جوهری

حضرة العلامة فیلسوف الاسلام
قد سلمنی کتابکم المذکور وهو محفوظ فی
مکتبة الجماعة ونحن نشکرکم الف شکر
اعظمی
السکرتیر العام

Marfat.com

نامهٔ مدیر مجلهٔ هفتگی «هدی الاسلام» به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۷ قمری / ۱۹۳۸ میلادی

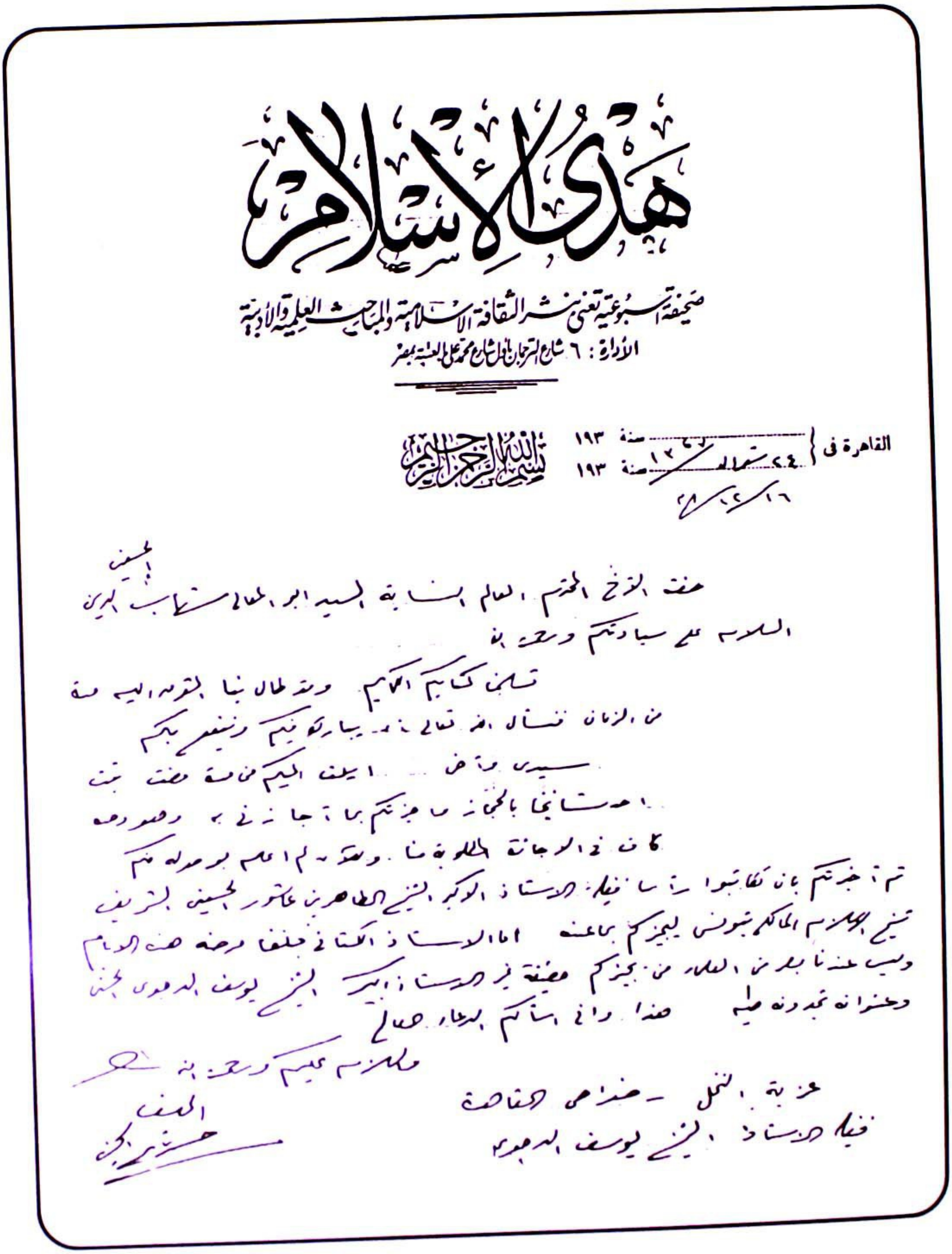

هدى الإسلام

صحيفة أسبوعية تعنى بنشر الثقافة الإسلامية والمباحث العلمية والأدبية

الإدارة: ٦ شارع الترجمان بأول شارع محمد علي بالعتبة بمصر

القاهرة في ٢٤ شعبان ١٣٥٧ سنة ١٩٣٨

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرة الأخ المحترم العالم النسابة السيد أبو المعالي شهاب الدين الحسيني

السلام على سيادتكم ورحمة الله

تسلمت كتابكم الكريم وقد طال بنا الشوق إليه مدة من الزمان فنسأل الله تعالى أن يبارك فيكم وينفع بكم

سيدي وأخي ... أسلمت إليكم من مدة مضت تبت أحد مشايخنا بالحجاز وأجزتكم بما أجازني به وهو وحده كاف في الإجازة المطلوبة منا. وهذا لم أعلم بوصوله منكم

ثم أخبرتكم بأن تكاتبوا رأسا فضيلة الأستاذ الأكبر الشيخ الطاهر بن عاشور الحسيني الشريف شيخ الإسلام المالكي بتونس ليجيزكم بما عنده أما الأستاذ الكتاني فلقد مرضه هذه الأيام وليس عندنا بمصر من العلماء من يجيزكم حقيقة غير الأستاذ الأكبر الشيخ يوسف الدجوي الحسني وعنوانه تجدونه طيه هذا وإني أسألكم الدعاء العالي

وللزم عليكم ورحمة الله

المحب

حسن بن الحسين

عزبة النخل - خواص القاهرة

فضيلة الأستاذ الشيخ يوسف الدجوي

Marfat.com

نامهٔ مرحوم علّامه شیخ محمّد بهجت بیطار دمشقی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۵۹ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

صاحب السیادة الأستاذ المؤرخ النسابة العلامة الجليل السيد شهاب الدين النجفي ،
نقيب الأشراف ومؤسس المكتبة الخيرية أدام المولى فضله

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته أما بعد فقد كان لطلع على كتابكم الثاني ،
فزادكم فضلاً على فضل ، وزادني شكراً على شكر ، وقد ارسلت الى سيادتكم
كتاب قواعد التحديث ورسالة نقد عين الميزان ، هدية أرجو أن تكون مقبولة .
وليس عندي من باقي الرسائل شيء ، وما نحن فيه الآن مانع من الطبع والنشر ،
على ان معظم ما كتبت وما كتب وقد نشر في المجلات والصحف لمجلات المنار بمصر والمجمع
العلمي والمتدن الإسلامي بدمشق ، والعالم الإسلامي في بغداد وغيرها .
وقرائي للمعقول والمنقول والفروع والأصول كانت على والدي صوفي زمانه الشيخ محمد
بهاء الدين البيطار المتوفى ١٣٢٨ هـ وجدي علامة الشام الشيخ عبد الرزاق البيطار
المتوفى ١٣٢٥ هـ وأستاذي علامة الشام الثاني الشيخ جمال الدين القاسمي الدمشقي
المتوفى ١٣٢٢ هـ ومحدث الشام الأكبر الشيخ محمد بدر الدين الحسني المغربي المتوفى ١٣٥٤ هـ
وهؤلاء الأجلاء هم الشيوخ الذين أخذت عنهم ، ولست قادراً الآن على تقديم تراجمهم
وترجمة هذا الضعيف الى سيادتكم فمعذرة وعفواً .
كما اني اعتذر عن إطالتي في الجواب ، والكتابان المذكوران القواعد والنقد ،
قد أرسلا منذ أكثر من شهر مسجلين في البريد ، وأرجو أن يكونا وصلاكم بخير والسلام عليكم

في ٢٥ ذي القعدة الحرام ١٣٥٩ هـ

وكتبه المخلص :
محمد بهجة
البيطار

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله علامه سید شرف‌الدین عاملی به آیت‌الله مرعشی

در سال ۱۳۵۹ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

جعلت فداک شهاب الدین علی من اعتدی علیه وفقده السلام علی من اهتدی الیه
تحیة الاسلام وحسنة الایالی والایام یا ابن خیرة الله من خلقه وسلالة الاکرمین علیه
والاقربین الیه والتحیات المبارکات النامیات الزاکیات تغدو منک وتروح علی علم الهدی
ومنار التقی وکنز العفو عن تقصر فی الخدمة، أو تقصر عن اداء الواجب فی شکر النعمة
تلک شنشنة نعرفها من عوارف الهاشمیین وسجیة اختص الله بها الطاهرین
ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء، والله ذو الفضل العظیم

تشرفنا بکتابکم الأخیر حافلا بمننکم ولطفکم آهلا بما انتم اهله من رحمان وحنان
وقد شکرت عنکم الرقیق بخطه واسلوبکم الانیق نعم لقد العتبی حتی ترضی لکنی اجهر
ان لا اسیغ فی الخاطر العاطر انی انساکم وهیهات هیهات ان یتعلق الثعلب بسواک

ولو انی نسیتک بعض یوم ... لنبت بکفی ابصیام دهری

وانما هی الشواغل والبلابل تحول بین المرء وواجباته

أما بغیة الراغبین فلم یتیسر لنا طبعها لغلاء الورق فی بلادنا بسبب هذه الحروب
وسنرسل لخدمتکم من المرجعات وجوبتجاریه والفصول المهمة ما طلبتم عند اول فرصة
تمکن حیث ان البرید فی هذه الایام لا یتحمل الکتب انما کتاب شرف الاسباط
وکتاب تذییل سلک الدرر فطلبهما من دمشق الشام واقدمهما بعون الله الیکم
وفقنا الله تعالی لانشاء مدرسة تضمن تعلیم اربعمائة ناشئ من ایتام آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم
مجانا فهی کما هی کصرح عظیم بفرجها الواسعة وجامعها الرحب وناديها الفخم الذی یسع
الف نسمة تجتمع فیه یوم الغدیر ویوم عاشوراء ویوم مولد النبی (ص) ومواليد الائمة (ع)
وفی کل یوم جمعة وعند کل مقتضی للاجتماع وقد وسمنا المدرسة بالجعفریة واضفنا النادی
والجامع الی الامام الصادق علیه السلام وتمکنا والحمد لله من اخذ قطعة ارض من الحکومة امام هذا
الصرح المشید لاتقل مساحتها عن عشرة آلاف متر مربع استولینا علیها بعونة الله تعالی
بعد محاکمات کانت بینی وبین مالیة الحکومة کتب فیها النصر بعد سنتین من المحاکمة والحمد لله

بین یدیّ الآن مؤلف فی تزییف حدیث البخاری ومسلم قدمناه الشریف بالتوفیق
والتأیید لکن التعیة الواجبة فرضت علینا استعمال الحکمة فی هذا التألیف وقد رأینا ان
من الحکمة ان یکون هذا التألیف کترجمة لابی هریرة وان یکون اسمه تاریخ ابی هریرة
وجعلناه ذا فصول الاول فی اسمه ونسبه الثانی فی حاله قبل اسلامه الثالث
فی من اسلم ومدة صحبته الرابع فی حاله علی عهد النبی (ص) الخامس فی حاله علی عهد الخلیفتین
السادس فی حاله علی عهد عثمان السابع فی حاله علی عهد امیر المؤمنین الثامن فی حاله علی عهد معاویة
التاسع فی نوادره مع العاشر فیما تبرویه العامة من فضائله الحادی عشر فی کیفیة حدیثه
الثانی عشر فی کیفیة حدیثه ثم اوردنا فی هذا الفصل اربعین حدیثا مما رواه عنه البخاری ومسلم
لا تبرأ ولا دلیل علی مثلها فطاعة وشناعة وتکلمنا فی کل حدیث بما یوجبه العلم والله ولی التوفیق
بکل اعتدال یقنع المخصم مهما کان عنیدا واستطردنا فی هذا الفصل احادیث اخرجها البخاری
من هذا القبیل عن غیر ابی هریرة ثم عاتبنا البخاری ومسلما علی اسنافها الی هذا الحضیض
مع ترفعها من احادیث فی فضل اهل البیت هی جامعة لشرائط الصحة عندهما کحدیث الغدیر
ونحوه مما اجمع المسلمون علی صحته الفصل الثالث عشر من فصول الکتاب فی ذکر اناقة علی
ابی هریرة فی اکثار علی کثیر من الصحابة والتابعین الرابع عشر فی اعتذار ابی هریرة عن
کمیة حدیثه وعن کیفیته بان النبی قال للصحابه ایکم یبسط ردائه لیحوله العلم حتوا فلم یبسط
رداءه الا ابو هریرة فحثا له من العلم ما یشاء ثم قال له ضمه الیک فضمه فلم ینس شیئا بعدها ابدا
وقد علقنا علی هذا العذر ما ینا سبه ومحمد شر وهو المسؤول ان یوفقنا لما یرضیه من الاعمال الخالصة
لوجهه الکریم انه ارحم الراحمین

غمت علینا انباء سیدنا آیة الله السید صدر الدین الصدر فالتمس رفع تحیاتی لمقامه السامی
وافادتی عن احواله وشؤونه الصحیة والعلمیة ومکاتبته بین اهل العلم وعن استبداله واسدام حکیم
وعلی من لدیکم من اخوانه کما ان جمیع من لدینا من ابنائنا وابناء اعمامنا واخوالنا الذین تشرفوا بخدمتکم
فی قم فخصوصا السید علی یهدون الواجبات واسأل الله حفظکم

عبد الحسین شرف الدین

فی ۱۴ شعبان ۱۳۵۹ھ

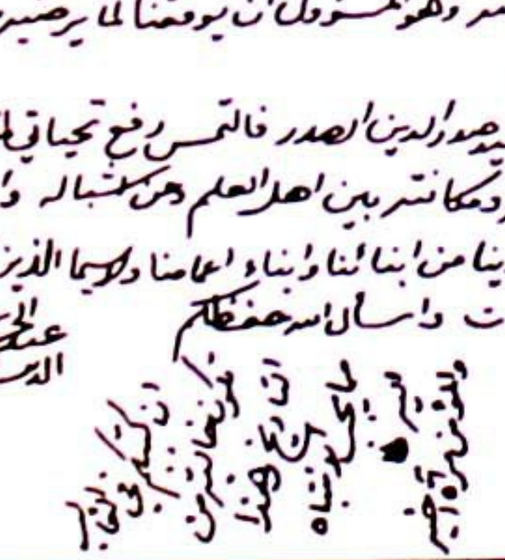

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله حیدرقلی سردار کابلی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۶۱ قمری

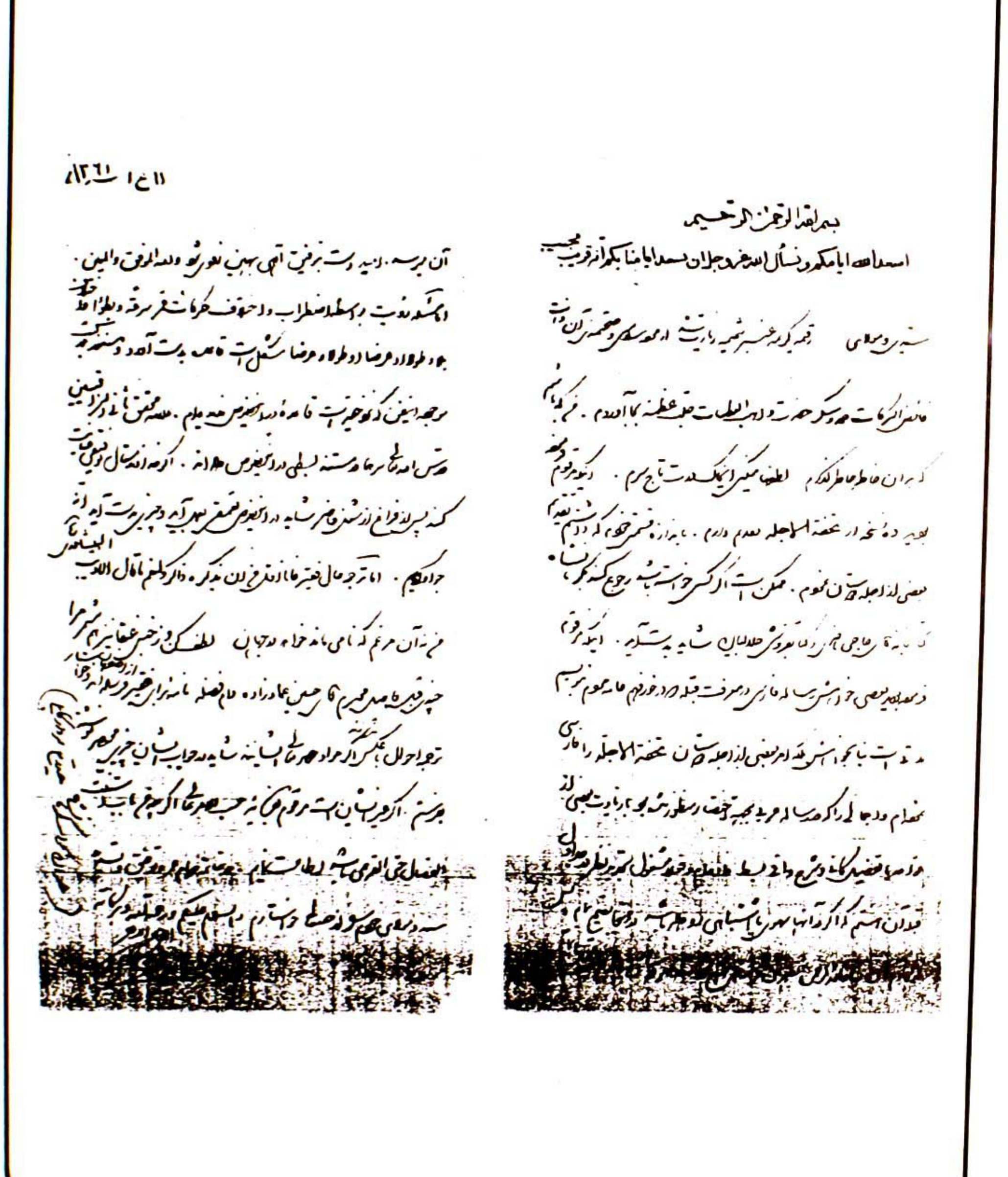

Marfat.com

نامهٔ مرحوم علّامه سیّد حسین محمّد رفاعی مصری رئیس رابطة عموم السّادة الاشراف الکبری العالمیّة به آیت‌الله مرعشی



رابطة عموم السادة الأشراف الكبرى العالمية
رئيسها فضيلة السيد حسين محمد الرفاعي
سنة ١٣٥٥ هجرية
مركز الرياسة العامة العالمية للرابطة

تحريراً بمصر بالروضة شارع المقياس رقم ٣٥

(الرابطة) لذوى القربى آل البيت الكرام ذرية الرسول الأعظم ﷺ فى مصر والسودان وكافة بقاع أنحاء الأرض

رابطة الأشراف الكبرى العالمية — وصلة وتعارف بين أشراف القطر المصرى وسائر الأشراف فى كافة بقاع المعمورة

الخطابات باسم رئيس رابطة السادة الأشراف الكبرى العالمية ذى الدرجتين فضيلة العالم الكبير الشريف العلوى السيد حسين محمد الرفاعى من كبار علماء الجامع الأزهر الشريف . ومن كبار موظفى دار الكتب المصرية بالقاهرة ومحقق ومزيل وناشر كتاب بحر الأنساب المحيط العالمى للامام النجفى المتوفى سنة ٩٠٠ هجرية والمشتمل على أسماء وفروع وتواريخ ومناقب وأضرحة عموم السادة الأشراف فى القطر المصرى والسودان والحجاز والعجم والعراق والشام والجزائر ومراكش وتونس وطرابلس والهند وجاوه والصين والأندلس وتركيا واليمن وسنغافوره وحضرموت وعموم ممالك الدنيا — وقد طبع بحر الأنساب فى ثلاث أجزاء مجلد واحد من نسخة بخط السيد مرتضى الزبيدى المتوفى سنة ١٢٠٥ هجرية الذى وصل ما فاته الامام النجفى — وقد أكمل رئيس الرابطة ما فاته النجفى والزبيدى من زمن الرسول الأعظم فى هذا البحر إلى وقتنا هذا سنة ١٣٥٦ هجرية فمن يريد اقتناء هذا الكنز العظيم يرسل جنيه مصرى باسم فضيلة رئيس الرابطة يرسل له هذا البحر الذى يتعرف منه الشريف نسب وفضائل آبائه وأجداده فى عموم الدنيا وأما من لم يدرك طبع نسب عائلته وفضائل أجداده فى هذا البحر الذى طبع فعليه إرسال الاشتراك جنيه مصرى آخر مع نسب وفضائل آبائه وأجداده ليدرج فى الجزء الرابع المسمى (الوصاف المبين فى طبقات ومناقب الأشراف المعاصرين) وهو سجل عالمى يحوى جميع الأشراف وفضائلهم فى بقاع الدنيا ويخلد مجد الأشراف وعائلاتهم على ممر الدهور .

الوصاف أو الجزء الرابع مقدم للطبع وسيقفل باب الاشتراك فيه قريباً نظراً لاقبال جميع السادة الأشراف عليه فى جميع بقاع الأرض هذا وبحر الأنساب الذى طبع وأقبلت على شرائه جميع الأشراف فى العالم لم يبق منه إلا نسخ قليلة فالبدار البدار إلى اقتنائه والاشتراك فى الوصاف.

(مبادىء الرابطة) حب الله والرسول وذريته والتعارف بينهم والحث على احترامهم والاخلاص لهم والتفانى فى نصرتهم وتفضيلهم عن المال والنفس .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله السادة الأشراف الطيبين الطاهرين .

حضرة صاحب السيادة الحسيب النسيب السيد أبو المعالى شهاب الدين النجفى

نقيب السادة الأشراف بقم .. ايران

السلام على سماحتكم ورحمة الله وبعد التحية السامية اللائقة بمقامك السامى تشرفت بخطابات سماحتك مرارا على يد أخينا .. السيد حسن قاسم .. وأنكركم شكرا جزيلا على تقديركم لعمالنا وهذا المجهود الشاق الذى بذلنا فيه الروح

Marfat.com

والنفس والمال ، وإذ شاء الله أرجو أن أتشرف بخطاباتكم
سيادتكم لنا أساسا إما بعنوان نائب الكتب الصادرة بالقاهرة وإما
بمنزلنا المركز العام للرابطة بالعنوان «مصر ٣٥ شارع القياس بالروضة»
في صدد الموضوع استلمنا منه أخيرا تأكيد الكتب المرسلة
بالكشف طبعا نظرا لأن حكومة إيران لا تصدر مثل هذه النقود لخارج
بمجرد ما أخبرتمونا بذلك ، وأنا آسف لأن هذه الكتب لم تصل عندي
مثل نظيرتها التي عالجتم عنكم وعلى هذا نرجو لكم عدم إرسال أي
كتاب لنا بعد الآن ونحن مرسل لحضرتكم «كتاب بحر الدماء»
الذي درج مذيلا بتوقيعكم الشريف وهو الآن سيادي الكثرة من
جميع طبقات وشعوب قلة نظرا لإقبال الناس عليه وأيضا إننا
سنطبعه اثنا عشر قريبا صافيا أجرة البريد السوكر في النسخة الى
مترسل لسيادتكم وللكل كل هذا هدية من الشعب إنما باسم
السيد أرجو أن ترسل لي هدية وبركة نصف أقة مما هي من البن
الجيد الذي لا يوجد في مصر وكلما شربنا منه في الرابطة ذكرنا مكارم
سيادتكم

على أننا كنا نتمنى في الكتاب الجديد الذي اشتراكم جميعا مصرة أن ترسلوا لنا
أسماء من أشراف موثوق بهم ويكون بدل الجميع منهم إما مثال الشمير بقدر
جنيه أو شاهي بقدر جنيه أو أي حاجة من التجارة غير الكتب فسادي جنيه
بدل كل مشترك مع أسماء الله يا سيادة السيد قد خسرنا في كتاب بحر الدماء نحو
الماتين جنيها لأنه كلف كثيرا ، وأما الكتاب الجديد فإنه سيكون مجموعا عالميا
يحوي جميع أسماء الأشراف وتراجمهم في كافة بقاع الأرض إن شاء الله ما دام الكون والعمر باقية فانجدوا مساعدتنا بالدعاء لهذا المشروع الجليل
وبوركم خدمة لأبناء الرسول الأعظم في إيجاد المشترين لنا من بلاد إيران
وكل من تشتروا به من السادة الأشراف ترسله منه يوضع في الكتاب الجديد وأرجو
أن تنظموا من خطاباتكم ومن على فضيلتكم ألف تحية وألف سلام —

حسين محمد الرفاعي
مدير الكتب المصرية ورئيس الرابطة الأشراف الكرام العالمية

Marfat.com

نامهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) به آقای دکتر علینقی منزوی فرزند علّامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، در سال ۱۳۶۵ قمری

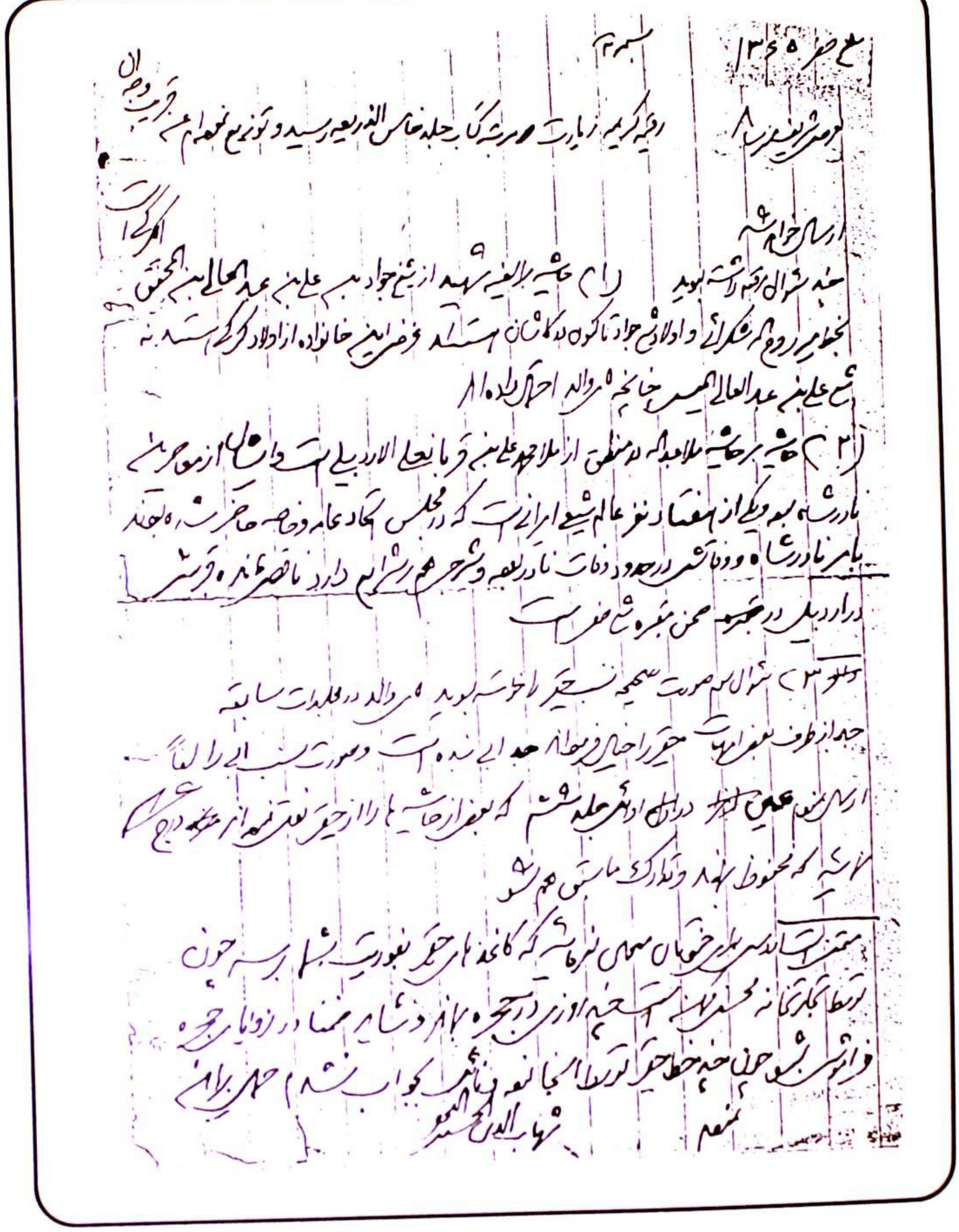

نامهٔ دیگری از حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)
به آقای دکتر علینقی منزوی

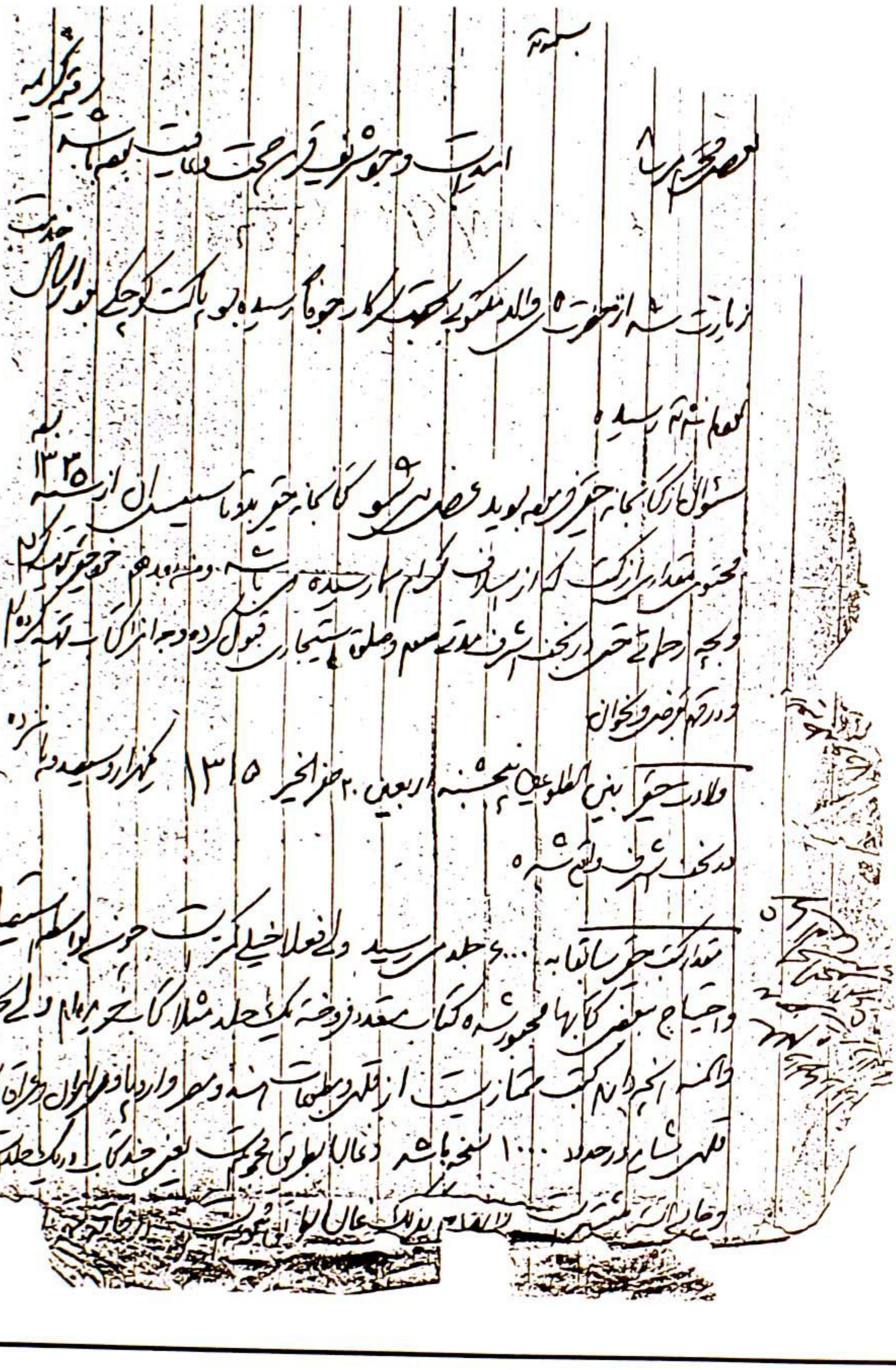

نامهٔ مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدحسین کاشف‌الغطاء نجفی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۶۸ قمری

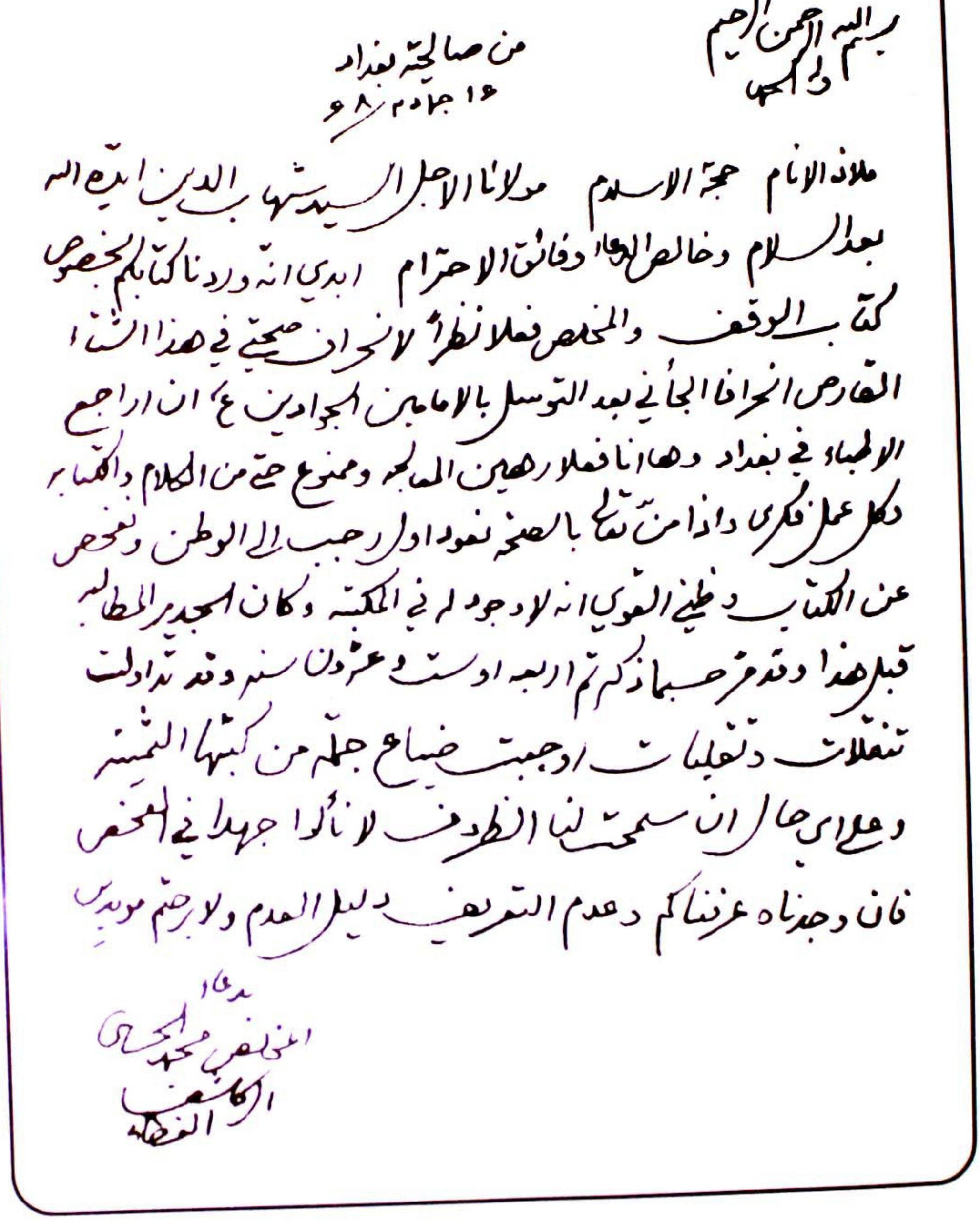

بسم الله الرحمن الرحیم
وله الحمد

من صالحیة بغداد
۱۶ جمادی ۲ / ۶۸

ملاذ الانام حجة الاسلام مولانا الاجل السید شهاب الدین ایده الله
بعد السلام وخالص الدعاء وفائق الاحترام ابدی انه وردنا کتابکم بخصوص
کتاب الوقف والمخلص فعلا نظراً لانحراف صحتی فی هذا الشتاء
القارص انحرافا الجأنی بعد التوسل بالامامین الجوادین ع ان اراجع
الاطباء فی بغداد وها انا فعلا رهین المعالجة وممنوع حتی من الکلام والکتابة
وکل عمل فکری واذا من تعالی بالصحة نعود اول رجب الی الوطن ونفحص
عن الکتاب وظنی القوی انه لا وجود له فی المکتبة وکان الجدیر المطالبة
قبل هذا وقد مر حسبما ذکرتم اربعة او ست وعشرون سنة وقد تداولت
تنقلات وتقلبات اوجبت ضیاع جملة من کتبها الثمینة
وعلی ای حال ان سمحت لنا الظروف لا نألوا جهدا فی الفحص
فان وجدناه عرفناکم وعدم التعریف دلیل العدم ولا برحتم مؤیدین

بدعاء
المخلص محمد الحسینی
الکاشف
الغطاء

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله شیخ محمّدحسین کاشف‌الغطاء نجفی به آیت‌الله مرعشی

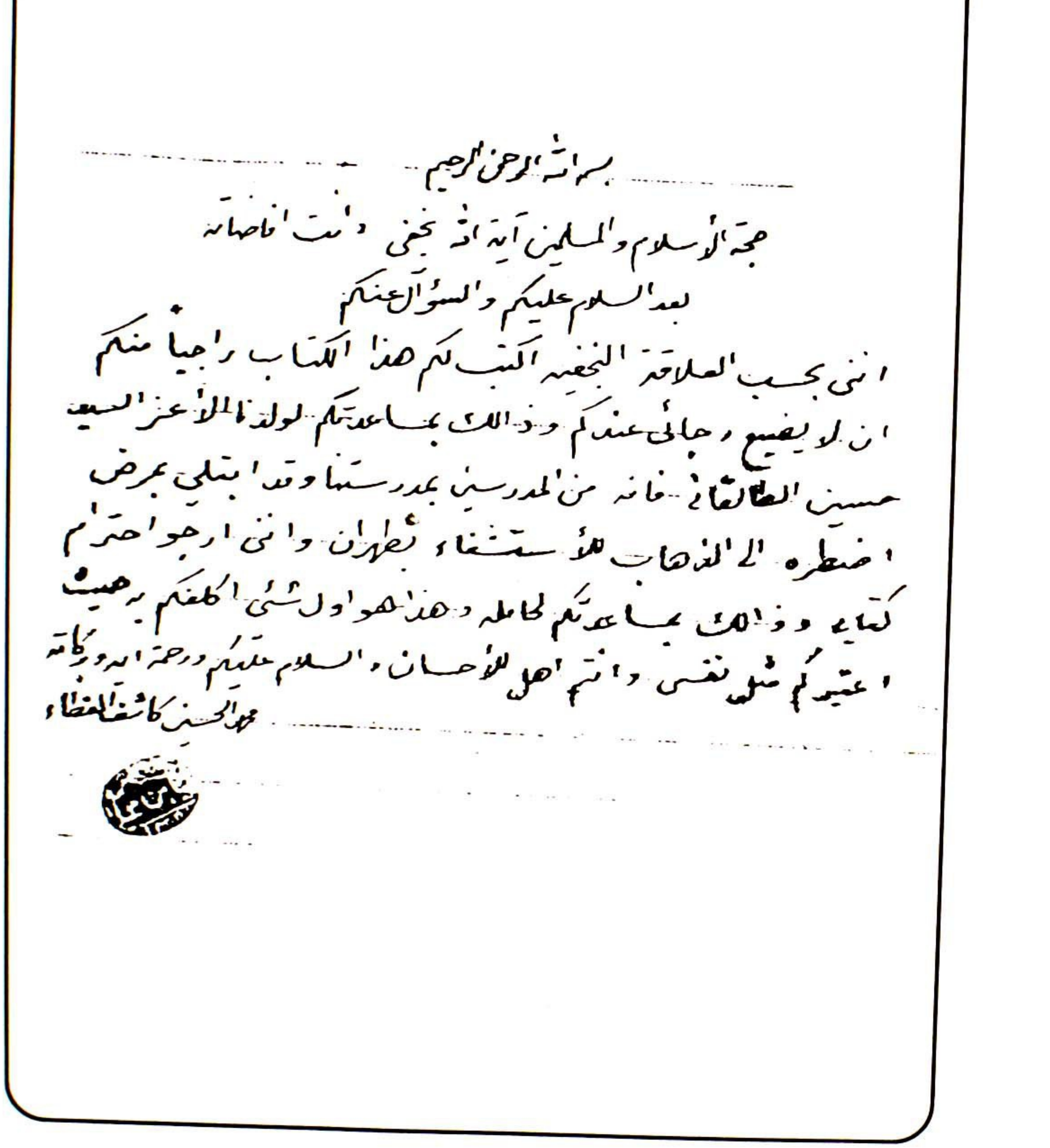

بسم الله الرحمن الرحیم

حجة الاسلام والمسلمین آیة الله نجفی دامت افاضاته

بعد السلام علیکم والسؤال عنکم

انی بحسب العلاقة النجفیة اکتب لکم هذا الکتاب راجیا منکم ان لا یضیع رجائی عندکم وذلک بمساعدتکم لولدنا الأعز السید حسین الکاشف، فانه من المدرسین بمدرستنا وقد ابتلی بمرض اضطره الی الذهاب للاستشفاء بطهران وانی ارجو احترام کتابی وذلک بمساعدتکم لحامله وهذا هو اول شیء اکلفکم به حیث اعتبرکم مثل نفسی وانتم اهل للاحسان، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد الحسین کاشف الغطاء

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی به آیت‌الله مرعشی

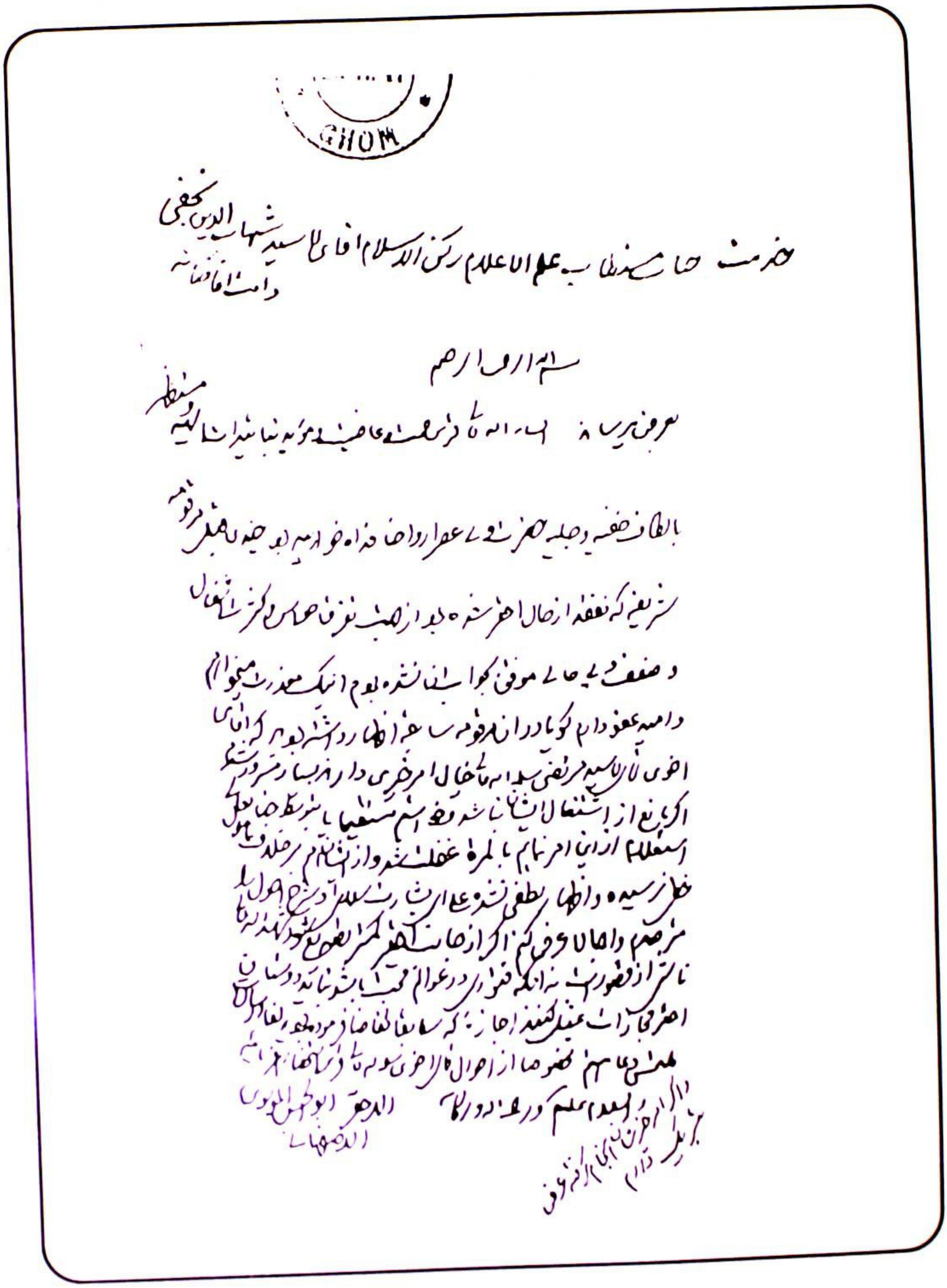

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی به آیت‌الله مرعشی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعرض عالی میرساند جواب سؤالات آقای بحرینی را عند وصول النوبة الیها

بنحویکه وقت و موقع مقتضی بود نوشتم برای ایشان ارسال فرمائید غیر کتاب عمدة الطالب

در انساب کتابی نزد حقیر نیست نه در انساب طالبیین و نه در انساب عرب مطلقا

در باب سید مسیحا مرقوم نفرموده اید که او را از اهل کدام عصر نوشته اند اینجا

قبری باین عنوان معروف بلی از طوائف سادات بروجرد پرسیدم یک طائفه

که آنها را سادات سرپل میگویند و نسب آنها بحسن افطس ابن علی الاصغر ابن

علی بن الحسین علیهما السلام میرسد بر حسب شجره که در دست دارند اظهار داشتند

که یکی از اجداد ما که تقریبا یکصد و هفتاد قبل از این تاریخ وفات کرده اسمش

میرزا مسیحا بوده و در قرب امامزاده جعفر مدفون و یکنفر از اعقاب او را

در همان قبر دفن کرده اند و قبر مذکور باسم او معروف شده بنا بر این

اگر مسئول عنه از حیث تاریخ و نسب مخالفت نداشته باشد محتمل است

همین سید باشد والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

کتبه حسین الطباطبائی

Marfat.com

الجواب عن الثالث ... الظاهر ان من في قوله [illegible] من الحق للابدلية وقوله [illegible] شيئا مفعول مطلق للدلالة على المصدر [illegible] قال ابن مالك وقد ينوب عنه ما يدل كوبة كل الجد وافرح الجزء فالمعنى ان الظن لا يغني الظان شيئا من الاغناء بدل ما كان يحق له تحصيله من العلم او بدل ما هو الثابت في الواقع

الجواب عن الرابع ... الاقوى عدم الشمول فان مدلولها هو ان الطغيان على الله تعالى بتلك المرتبة ومن مرتبة ارادة ما هو عصيان لله تعالى مغفور اما لعدم وصوله حد الموجب للعقوبة او لان الغفران عن العمل بما هم به مكفر له وعلى الوجهين لا تشمل الطغيان الذي وصل الى المعصوم حسب ما يراه العقل ما يستحق عليه العقوبة وبالجملة فالعزم على فعل ما يستحق عليه العقوبة مع عدم كونه كذلك في الواقع على حد العزم على فعل ما يستحق عليه العقوبة مع كونه كذلك من حيث مرتبة الطغيان وتعلقه على حد فعله في الطغيان ومرتبته ومرتبة قبح العقل وليس نقل هذا الا كالعزم على ذلك فلا يستدل بهذه الاخبار على العفو عما صدر من صاحب الاشارات على ما يأتي

الجواب عن الخامس ... انه على تعليله رابعا وثانيا وفي عبارة [illegible] بعده فان مدينة العلم في اذهان المسلمين باخبار الحديث الدائر بين رسول الله صلى الله عليه وآله وبين علي عليه السلام ثم اولاده المعصومين عليهم السلام ولا معنى للنقل من الشيخ واذا اردتم انسداد باب العلم فالجواب ان الامور مختلفة فباب العلم مفتوح بالنسبة الى بعضها ومنسد في بعض

الجواب عن السادس ... انه يمكن الجمع بان المذموم هو استقلال الرواية هو في صورة البيع عرفا مع عدم كونه بيعا شرعا لعدم القصد اليه او لفقد سائر الشروط وغير المذموم هو التوصل الى فائدة الرواية بتبع حقيقة في الاول يكون مصداقا للبيع حقيقة وشبيها وتسامحا واستعمل به ما هو رديء وفي الثاني باع واشترى حقيقة وحصل فائدة الرواية من دون ان يكون مصداقا له

بعد السلام والتحية اهديه الى جنابكم

فاذا كان وصول الاسئلة كيف مشتغلا بكتابة شيء فتاخرت كتابة الجواب الى ان فرغت منها والمرجو من جنابكم العالي ان لا تنسوا في اوقات التوجه والدعاء والسلام عليكم ورحمة الله

كتبه حسين الطباطبائي البروجردي

نامهٔ شهید سیّد مجتبی نوّاب صفوی به آیت‌الله مرعشی
بین سالهای ۱۳۶۸ ـ ۱۳۶۹ قمری

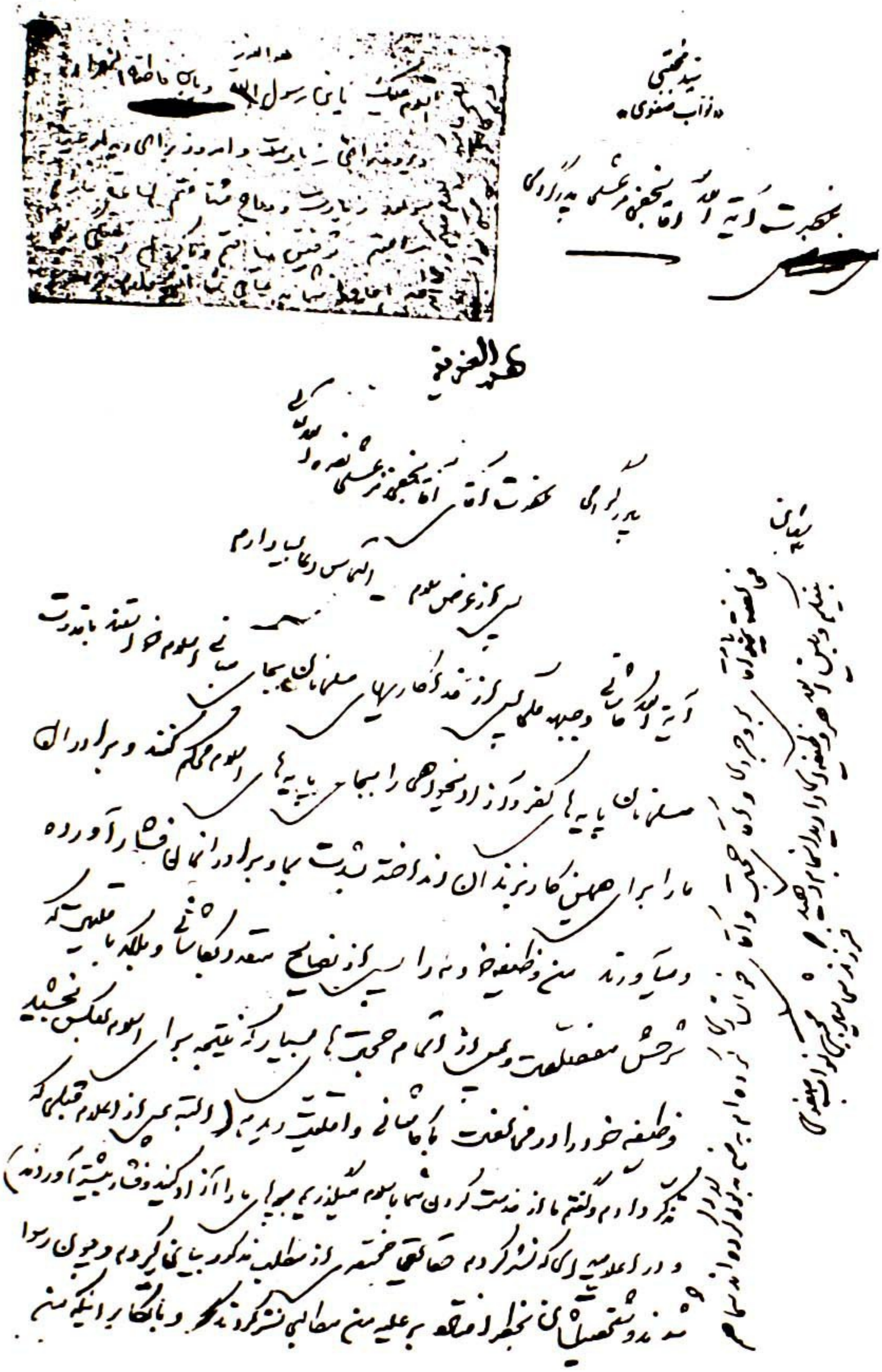

سید مجتبی
«نواب صفوی»

بحضرت آیة الله آقا نجفی مرعشی پدر گرامی

هو العزیز

پدر گرامی حضرت آقای آقا نجفی مرعشی نصره الله تعالی

پس از عرض سلام التماس دعا بسیار دارم

آیة الله کاشانی و جبهه ملی پس از فداکاریهای مسلمانان بجای مبانی اسلام خواستند با قدرت
مسلمانان پایه‌های کفر و آزادیخواهی را بجای پایه‌های اسلام محکم کنند و برادران
ما را برای همین کار بزندان انداخته بشدت بما و برادرانمان فشار آورده
و می‌آورند من وظیفه خود را پس از نصایح متعدد بکاشانی و بلکه باقلیت که
شرحش مفصلست و پس از اتمام حجت‌های بسیار که نتیجه برای اسلام بعکس بخشید
وظیفه خود را در مخالفت با کاشانی و اقلیت دیدم (البته پس از اعلام قبلی که
تذکر دادم و گفتم ما از خدمت کردن شما باسلام میگذریم بچه‌های ما را آزاد کنید و فشار بیشتر آوردند)
و در اعلامیه‌ای که نشر کردم حقایق مختصری از مطلب مذکور بیان کردم و چون رسوا
شدند و شخصیتشان بخطر افتاد بر علیه من مطالبی نشر کردند و با تکرار اینکه من

Marfat.com

نامهٔ شهید سیّد عبدالحسین واحدی به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۲۷ شمسی / ۱۳۶۹ قمری

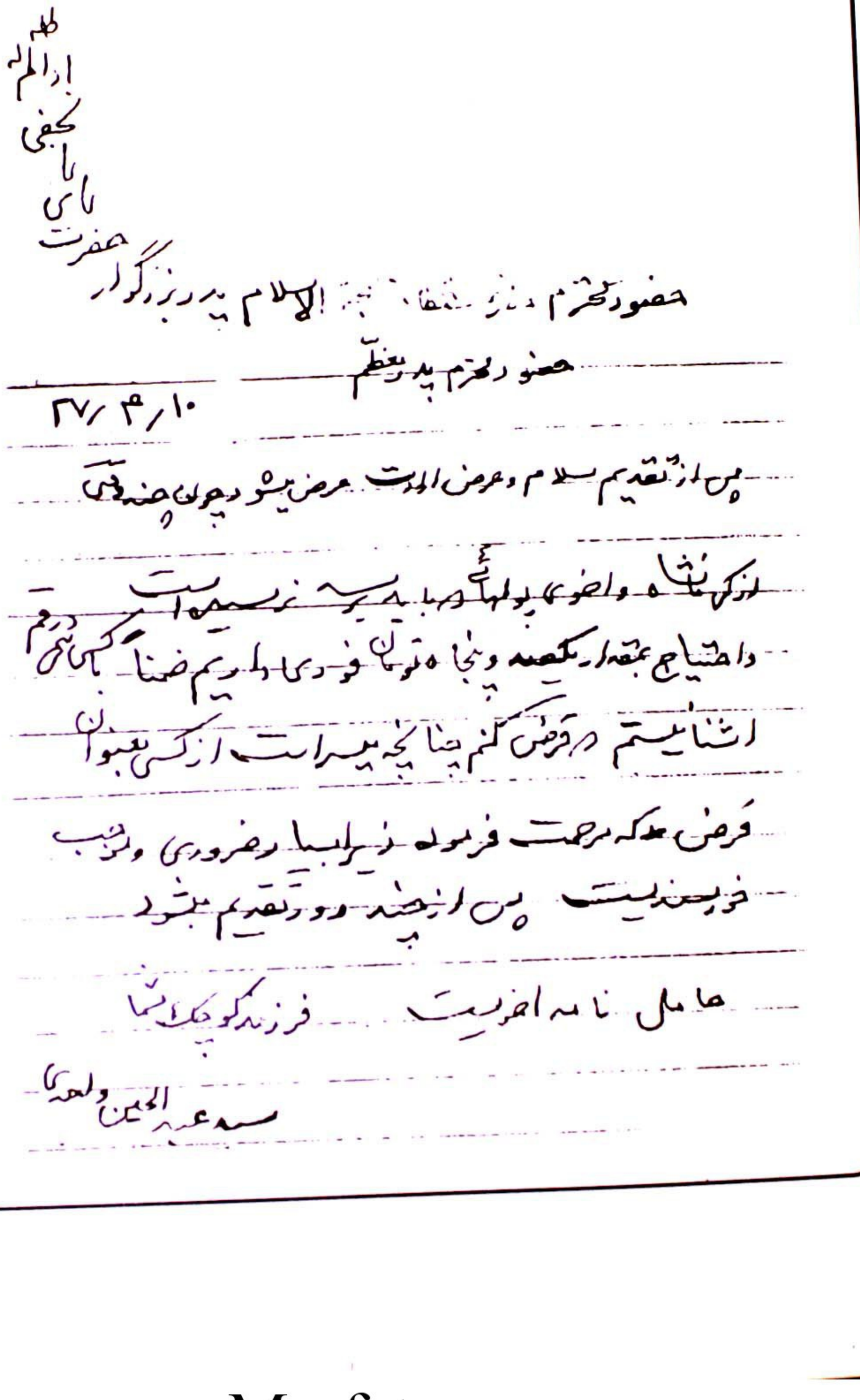

طهم
از الم له
نجفی
با
پای
حضرت

حضور محترم حضرت مستطاب حجة الاسلام پدر بزرگوار

حضور محترم پدر معظم

۲۷/۴/۱۰

پس از تقدیم سلام و عرض ارادت عرض میشود چون چند وقتی

از کرمانشاه و اخوی پولهائی که باید برسد نرسیده است

و احتیاج بمقدار یکصد و پنجاه تومان فوری داریم ضمناً با کسی سی درهم

آشنا نیستم که قرض کنم چنانچه میسر است از کسی بعنوان

قرض که مرحمت فرموده زیرا بسیار ضروری و موجب

خورسندیست پس از چند روز تقدیم میشود

حامل نامه اخویست فرزند کوچک شما

سید عبدالحسین واحدی

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله سیّد هبة‌الدّین شهرستانی به آیت‌الله مرعشی

بسم الله و له الحمد

بعرض عالی میرساند با تقدیم مراسم مهر پاک و ادعیه زاکیه
پیوسته مترقب بشائر سلامتی و زیارت آثار قدا ستنمود
بوده و از قصور در عریضه نگاری شرمنده و معتذر و غالباً با آقایان
دوستان و زائرین بذکر جمیل و مآثر جلیله رطب اللسان و اینک
بمناسبت سفر آقای آمحمد جشنی از سکنهٔ تهران پارهٔ مطبوعات
مطلوبه با مناسبه را تقدیم محضر پاک نموده خواهشمند تنازل
بقبول و اعلام از وصول هستم و ادعیهٔ خالصانه و ارادت
صمیمانه را خاتمهٔ عریضه قرار میدهد

مخلص
هبة الدین الحسینی

۳ ربیع الثانی
از کاظمین

مجدداً زحمت افزا است در خصوص رسالهٔ (ذری
(ذری المعالی فی ذریة ابی المعالی) که در نسب
نامیه خود تألیف نموده‌ام برای ابن عم معظم آقای
آمیرزا محمد صادق طباطبائی دام عزه در مرقومهٔ
خود اشاره بآن فرموده‌اید اتمام مانده هر وقت
در انجام یافت با کمال امتنان تقدیم میشود
و تازگی رساله‌ای بنام (الشرف الراجح)
تألیف و شرف بطبع است نسخ آن تقدیم
خواهد شد خیلی ملتمس دعا است

مخلص
هبة الدین الحسینی

آقایانم آیة الله زادگان تهرانی را بعرض اخلاص مصدعم

Marfat.com

نامهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به آیت‌الله العظمی حاج سیّد احمد خوانساری (ره) و جواب ایشان به آیت‌الله مرعشی

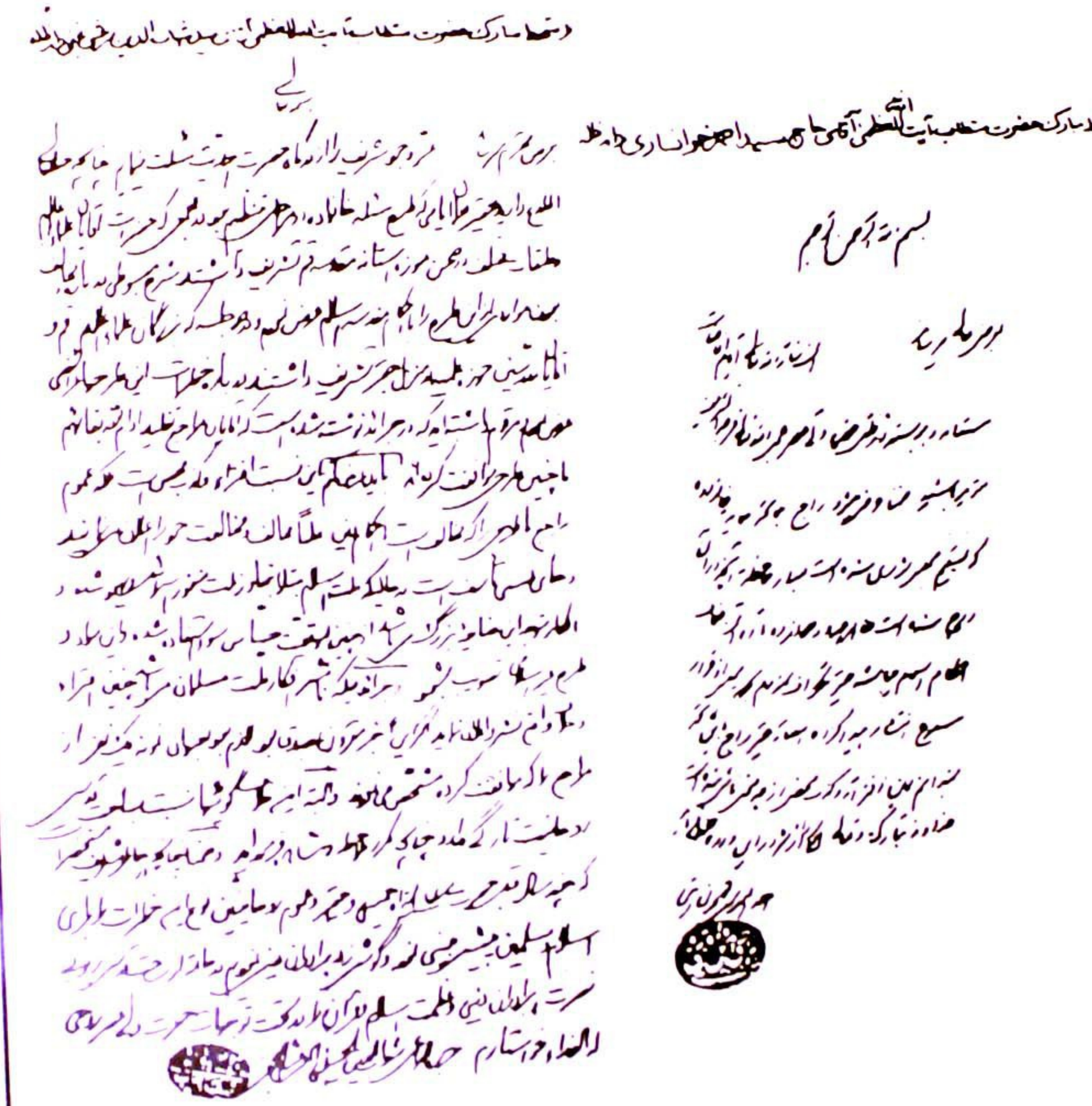

Marfat.com

نامهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به مرحوم بدیع‌الزّمان فروزانفر
۲۹ ربیع‌الاوّل ۱۳۷۸

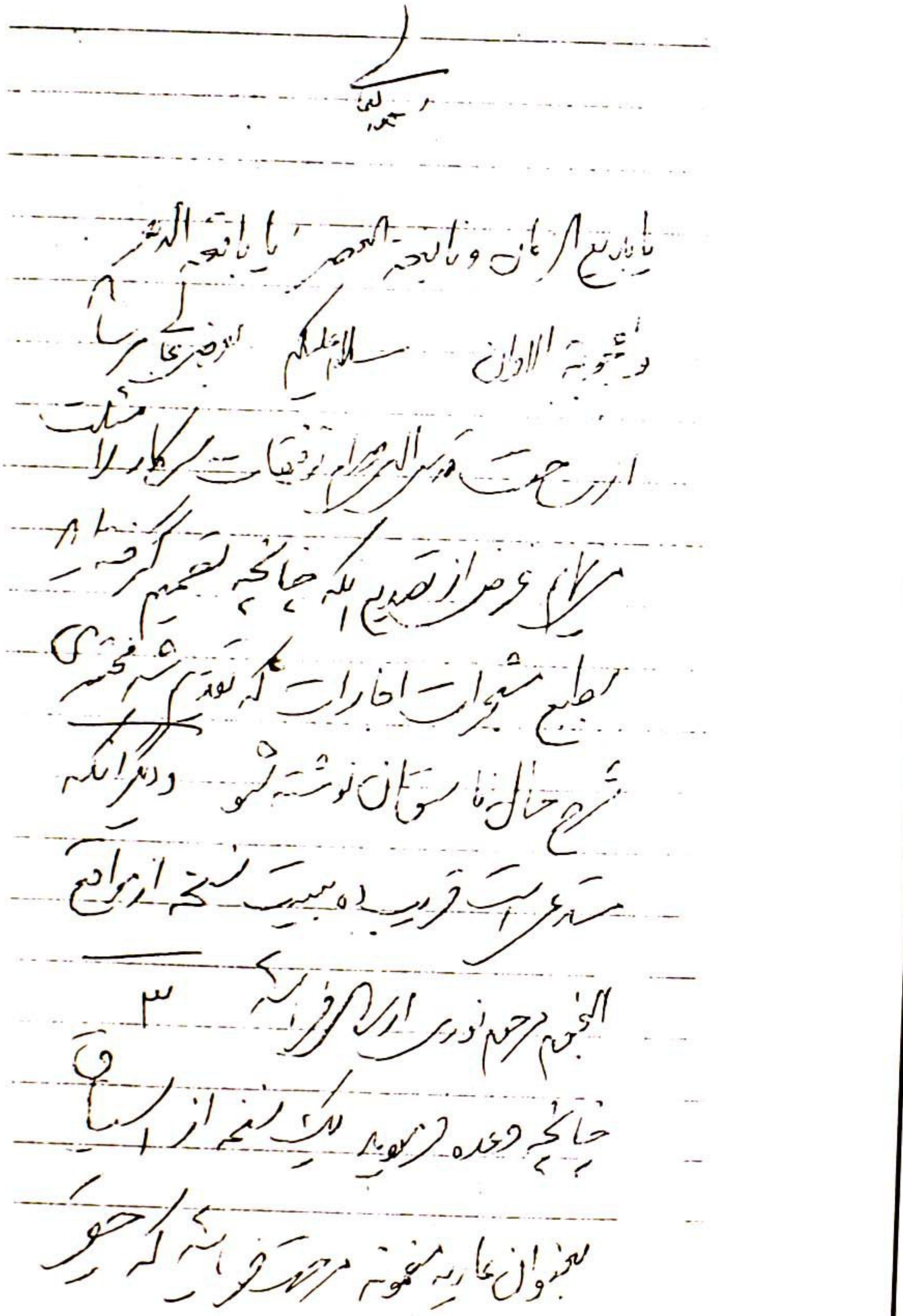

Marfat.com

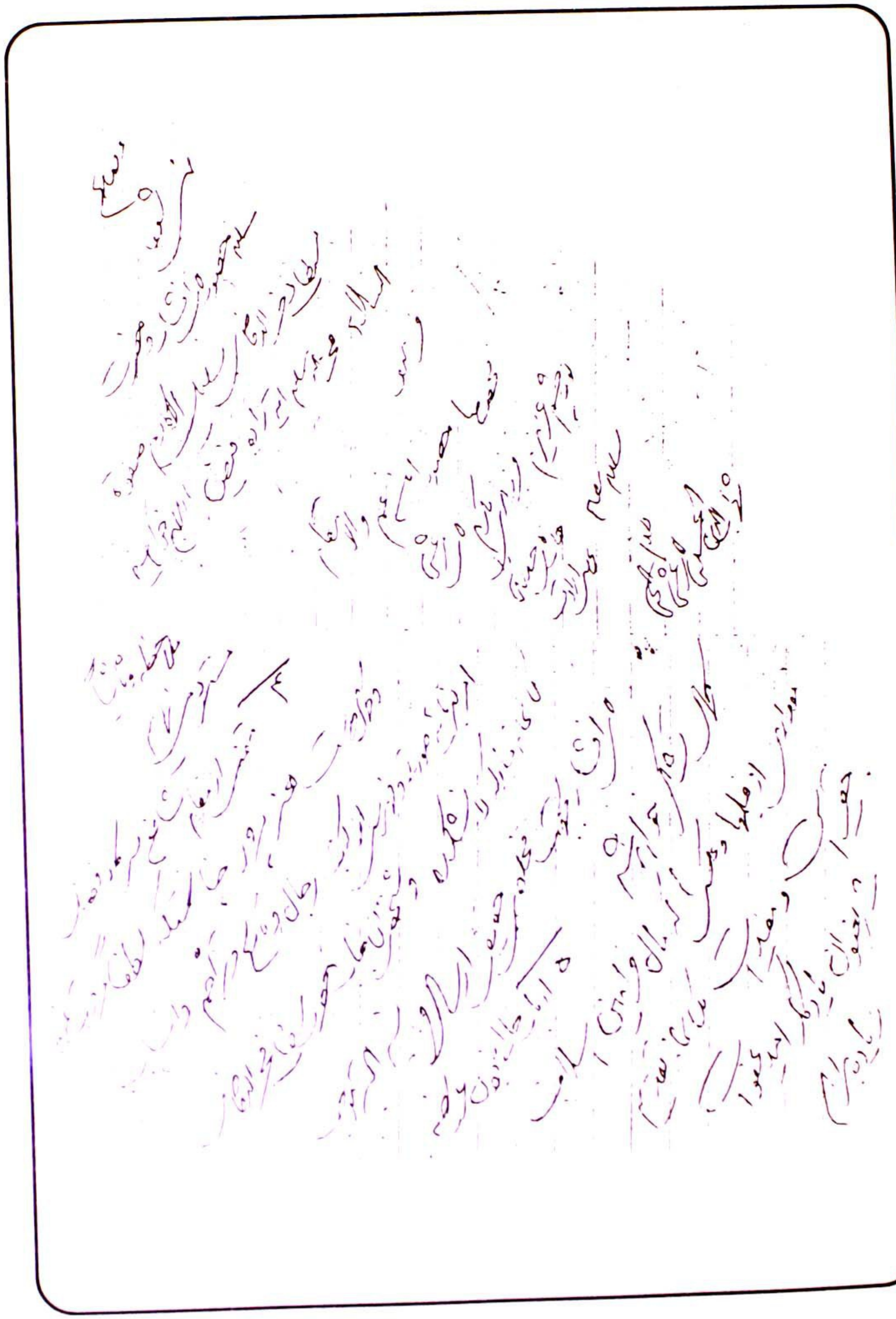

Marfat.com

نامهٔ مرحوم دکتر فرهاد رئیس دانشگاه تهران به آیت‌الله مرعشی
در سال ۱۳۳۸ شمسی / ۱۳۸۰ قمری

اداره
دایره
شماره ۲۰۹۰۶
بتاریخ ۱۰/۶/۳۸
ضمیمه

دانشگاه تهران

حضرت آیت الله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی

چون طبق گزارش شماره ۶۰۱ مورخ ۲/۶/۱۳۳۸ آقای فروزانفر استاد ورئیس دانشکده علوم معقول و منقول تعداد ۲۷۸ جلد از کتابهای خطی نفیس شخصی خود راجهت مطالعه واستفاده دانشجویان علوم دینی بکتابخانه دانشکده علوم معقول و منقول اهداء فرموده ایشان بدینوسیله مراتب امتنان وسپاسگزاری دانشگاه تهران رابحضورعالی معروض میدارد وتوفیق حضرتعالی رادرانجام خدمات دینی و علمی وفرهنگی ازدرگاه احدیت مسئلت دارد.

رئیس دانشگاه ـ دکتر فرهاد

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد محمّدهادی میلانی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۳ قمری

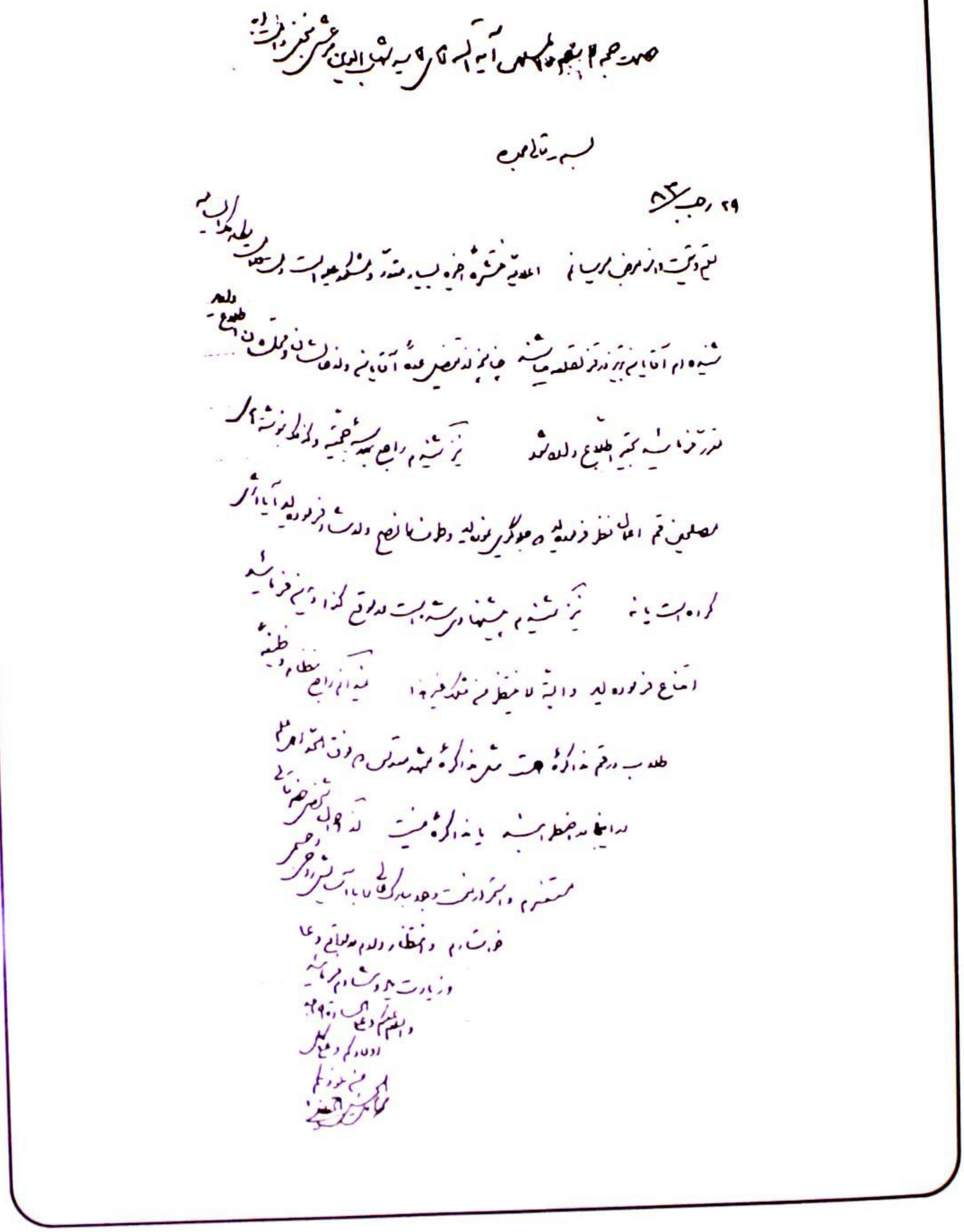

Marfat.com

تلگراف حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد محسن حکیم در سال ۱۳۸۴ قمری

النجف الاشرف

سماحه آیت الله الحکیم دام ظله

قد فجعنا بنباء عظیم من مخالفة الحکومة العراقیة للاحکام المسلّمة فی الاسلام وبین اهل القبلة واتّخاذها محکمات القرآن الشریف والسّنة النبویة ظهریا اتّباعا لسنّاد الصلیب او اللا دینیین فورب السماء ان هذه الکارثه مما تقصم اظهر المسلمین وتفجع قلب سید المرسلین و اسئل الله بحق حامی الحمی المرتضوی ان ینصرکم و یشد ازرکم فی هذه الخطوه الراقیة من الذب عن حریم الدّین ونحن شدید و الانکار علی هذه الحکومة الجبّاره بقیامها علی الشّریعة الغرّاء

دمتم مؤیدین

شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی

۲۱ ج ۲ ـ ۸٤

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد محسن حکیم به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۴ قمری

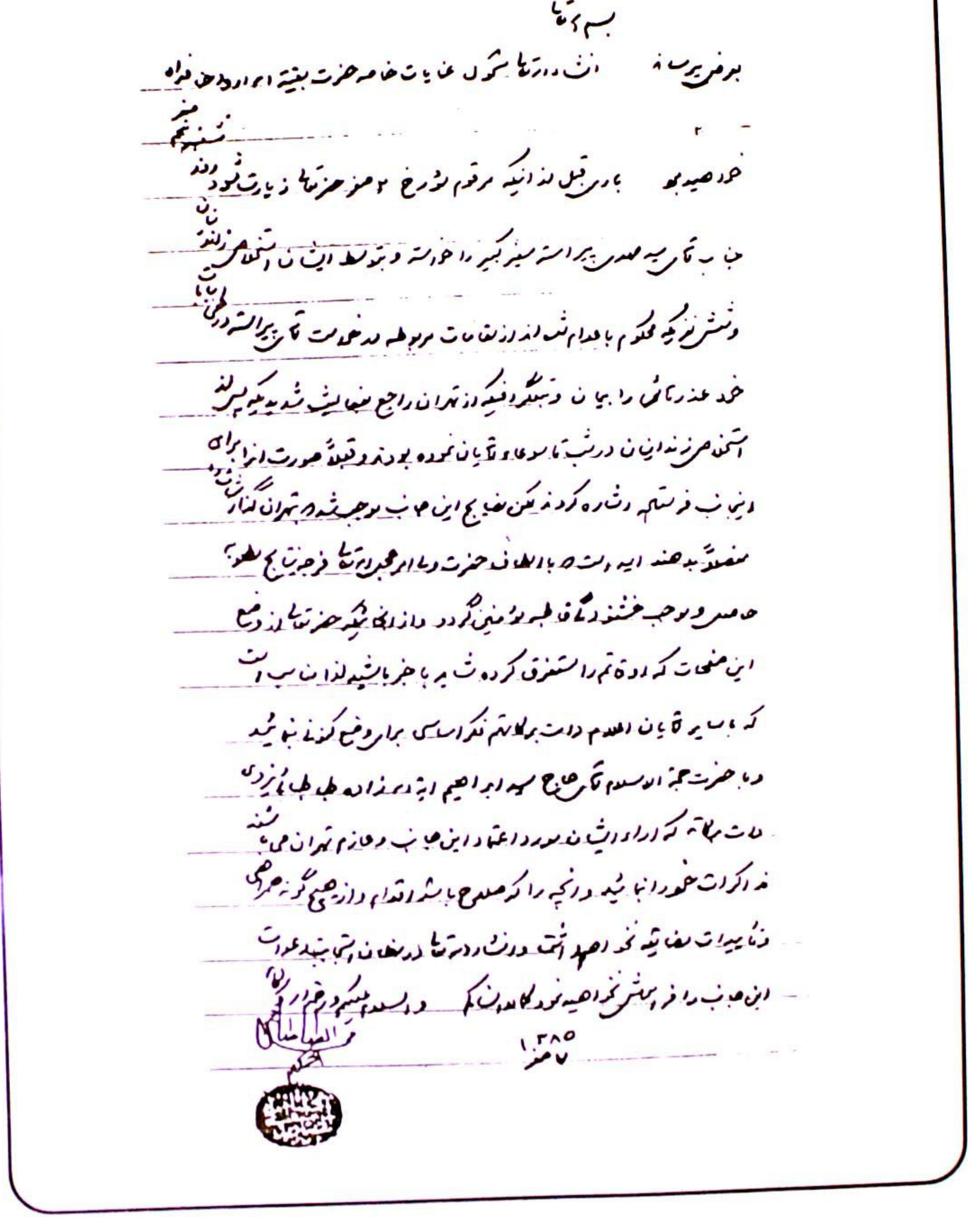

بسم الله تعالی

بعرض میرساند انشاء الله تعالی مشمول عنایات خاصه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

خواهید بود باری قبل از اینکه مرقوم مورخ ۲ صفر حضرتعالی زیارت شود روز شنبه پنجم صفر

جناب آقای سید مهدی پیراسته سفیر کبیر را خواسته و بتوسط ایشان استخلاص زندانیان

و شش نفری که محکوم باعدام شده اند از مقامات مربوطه درخواست آقای پیراسته در طی اسبابات

خود عذرهائی را بیان و تلگرافیکه از تهران راجع بفعالیت شدیدیکه پس از

استخلاص زندانیان در شب تاسوعا و آقایان نموده بودند و قبلاً صورت آنرا برای

اینجانب فرستاده اشاره کردند لکن نصایح این جانب موجب شد که بتهران گذارش شده

مفصلاً بدهند امید است که با الطاف حضرت ولی امر عجل الله تعالی فرجه نتایج مطلوبه

حاصل و موجب خشنودگی قاطبه مؤمنین گردد و از آنجائیکه حضرتعالی از وضع

این صفحات که اوقاتم را مستغرق کرده شاید باخبر باشید لذا مناسب است

که با سایر آقایان اعلام دامت برکاتهم فکر اساسی برای وضع کنونی بنمائید

و با حضرت حجة الاسلام آقای حاج سید ابراهیم آیة الله زاده طباطبائی یزدی

دامت برکاته که آراء ایشان مورد اعتماد این جانب و عازم تهران می‌باشند

مذاکرات خود را بنمائید و آنچه را که صلاح باشد اقدام و از هیچ گونه همراهی

و تأییدات مضایقه نخواهم داشت و انشاء الله تعالی در مظان استجابت دعوات

این جانب را فراموش نخواهید نمود کما لا یخفی والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۸۵
۷ صفر

محمد الطباطبائی الحکیم

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد محسن حکیم به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۵ قمری

قم

ایران

حضرت مستطاب آیة الله آقای حاج شیخ مرعشی دامت برکاته

بسمه تعالی

پس از ابلاغ سلام و استسلام از حالات مبارک بوسند رجات مرقوم شریف که بوسیله آقای نبوی ارسال داشته بودید اطلاع حاصل و باعث مزید تأملات روحی ایجانب گردید یک سال و نیم قبل با آقایان علماء تکلوا نموده که بعتبات عالیات مشرف شوند تا باهم کاری از پیش ببریم زیرا در ایران دوره پرفتنه و فسادی که بر ضد اسلام و احکام مقدسه الهی از هر طرف متراست باید هم دست بوده تا بتوانیم از لطمات شوم الحاد بر نوامیس دین جلوگیری بنمائیم متأسفانه تلقی بقبول نشد و وقع ما وقع انا لله وانا الیه راجعون علی ای حال در صدد چاره بوده و هستم و انشاء الله تعالی با دعای حضرتعالی و سایر آقایان جمیع مشاکل حل شود و نتیجه گرفته شود و از ادعیه خود فراموشم نخواهید نمود کما لا اناکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد الحسین الطباطبائی الحکیم

۱۳۸۴
۲۴ رجب

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمّدتقی آملی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۴ قمری

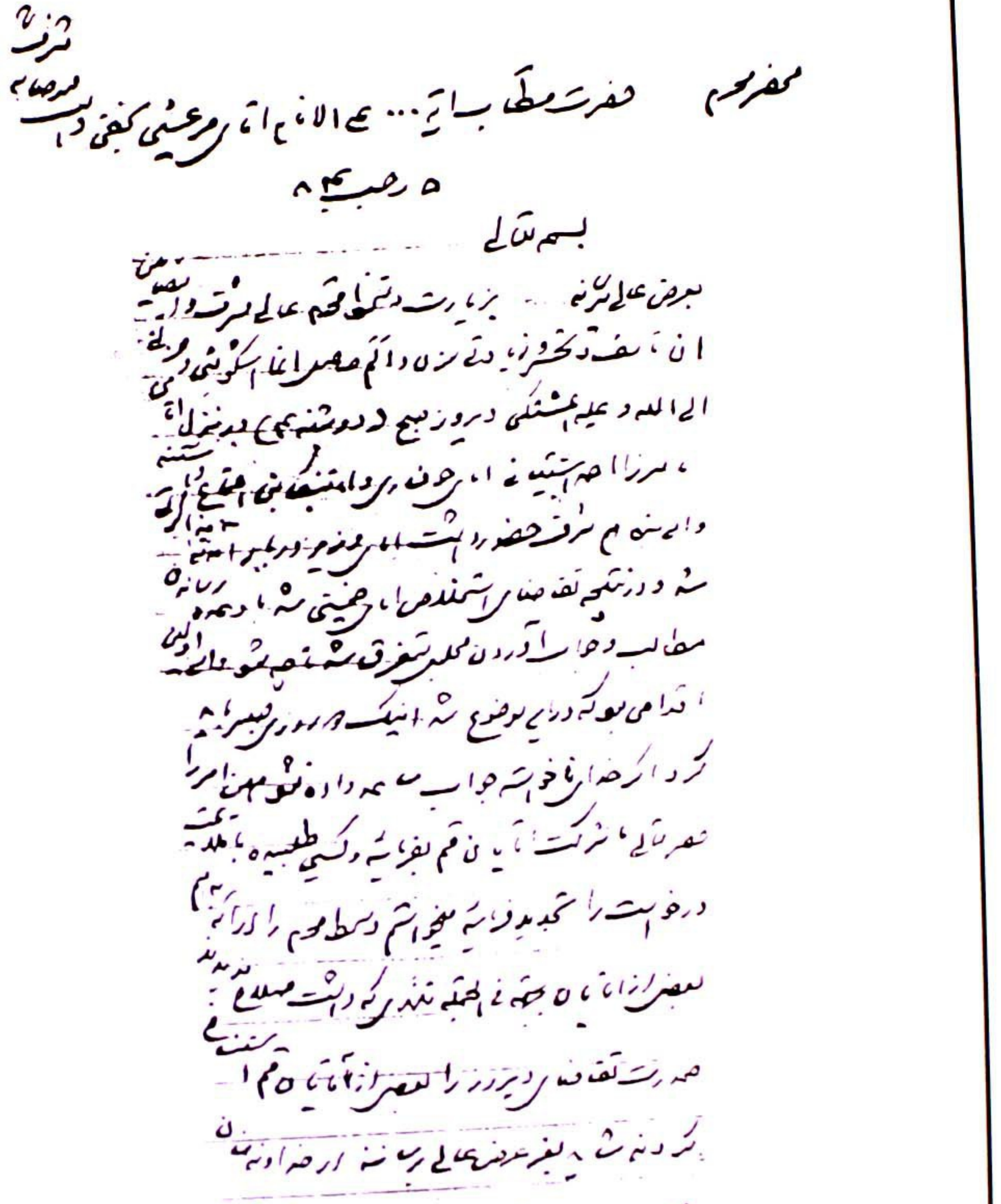

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد ابوالقاسم خوئی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۴ قمری

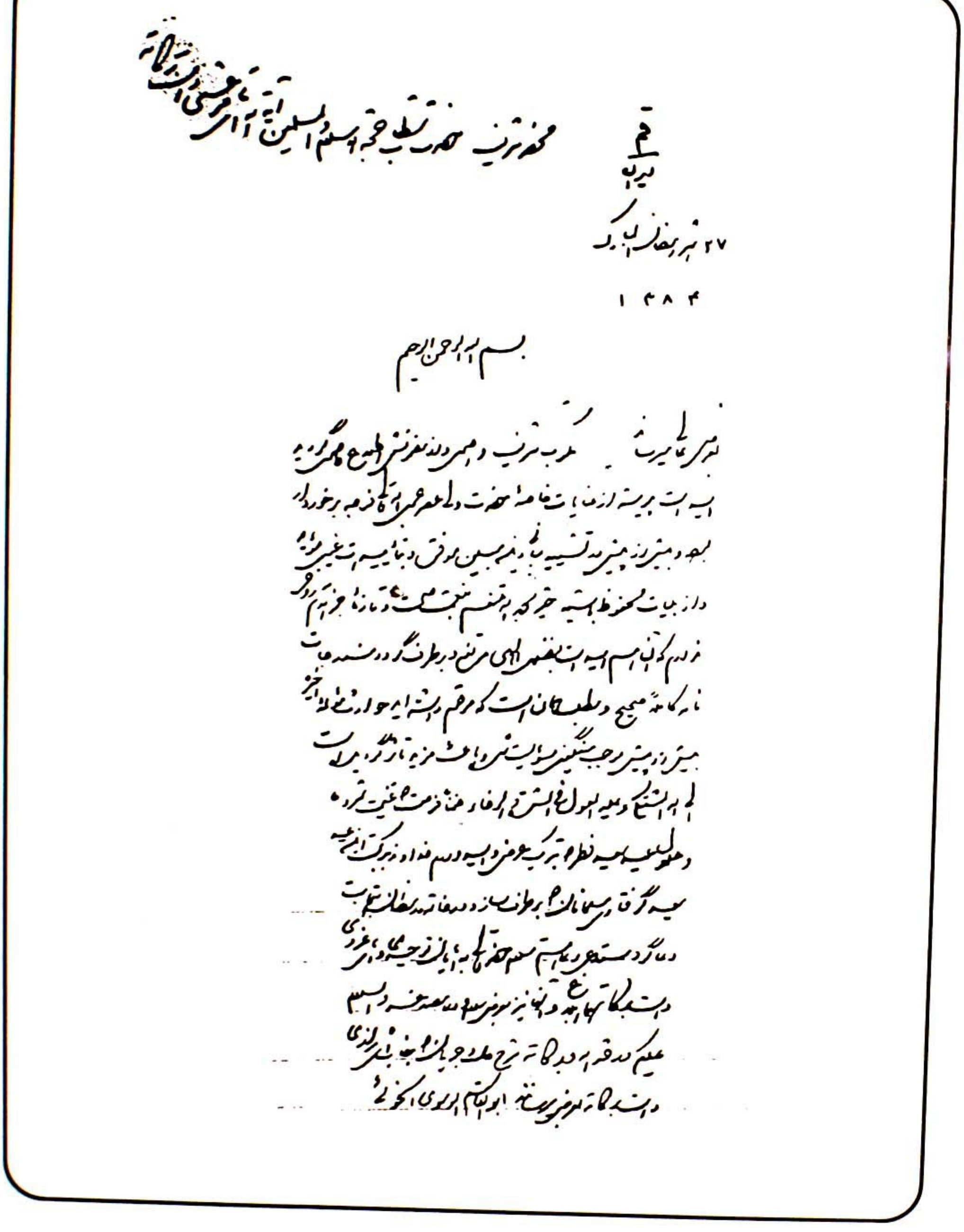

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی از نجف اشرف به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۸۵ قمری

۲۹ جمادی الثانیه ۱۳۸۵

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیة الله آقای نجفی دامت برکاته

بعرض عالی میرساند: مرقوم محترم بوسیلهٔ آقازاده محترم ایده الله تعالی واصل و موجب تشکر گردید سلامت
و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است حقا باید از مساعی جمیله ملت محترم ایران و حضرات مراجع و علماء اعلام و افاضل
کرام حوزه‌های مقدسه علمیه خصوصا حوزه مقدسه قم تشکر کنم و از خداوند تعالی عظمت و عزت همه را خواستار شوم
تشرف حقیر باعتاب مقدسه گرچه فوزی است عظیم چه از لحاظ زیارت اعتاب مقدسه ائمه اسلام علیهم الصلوة والسلام
و چه از لحاظ تشرف بحضور حضرات مراجع عظام و علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه نجف اشرف و کربلای معلی
و دیگر اعتاب مقدسه لکن اهمیت موقف در ایران ایجاب میکند که در صورت رفع منع از خدمتگزار
ملت محترم و استقلال مملکت با سرعت وقت مراجعت نموده در غم و شادی ملت محترم ایران عموما و حضرات اعلام
خصوصا شریک باشم امید است که حضرات فضلاء عظام و مشتغلین حوزه‌های مقدسه علمیه خصوصا حوزه قم
کما فی السابق بتحصیل علوم دینیه و ترویج دیانت مقدسه ادامه دهند و هیچگونه تزلزلی بخود راه
ندهند از خداوند تعالی توفیق و تأیید آنها و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم از جنابعالی در رمضان
اجابت دعوات امید دعای خیر برای حسن عاقبت خواستار است والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
روح الله الموسوی

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی از نجف اشرف به آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۳۹۸ قمری

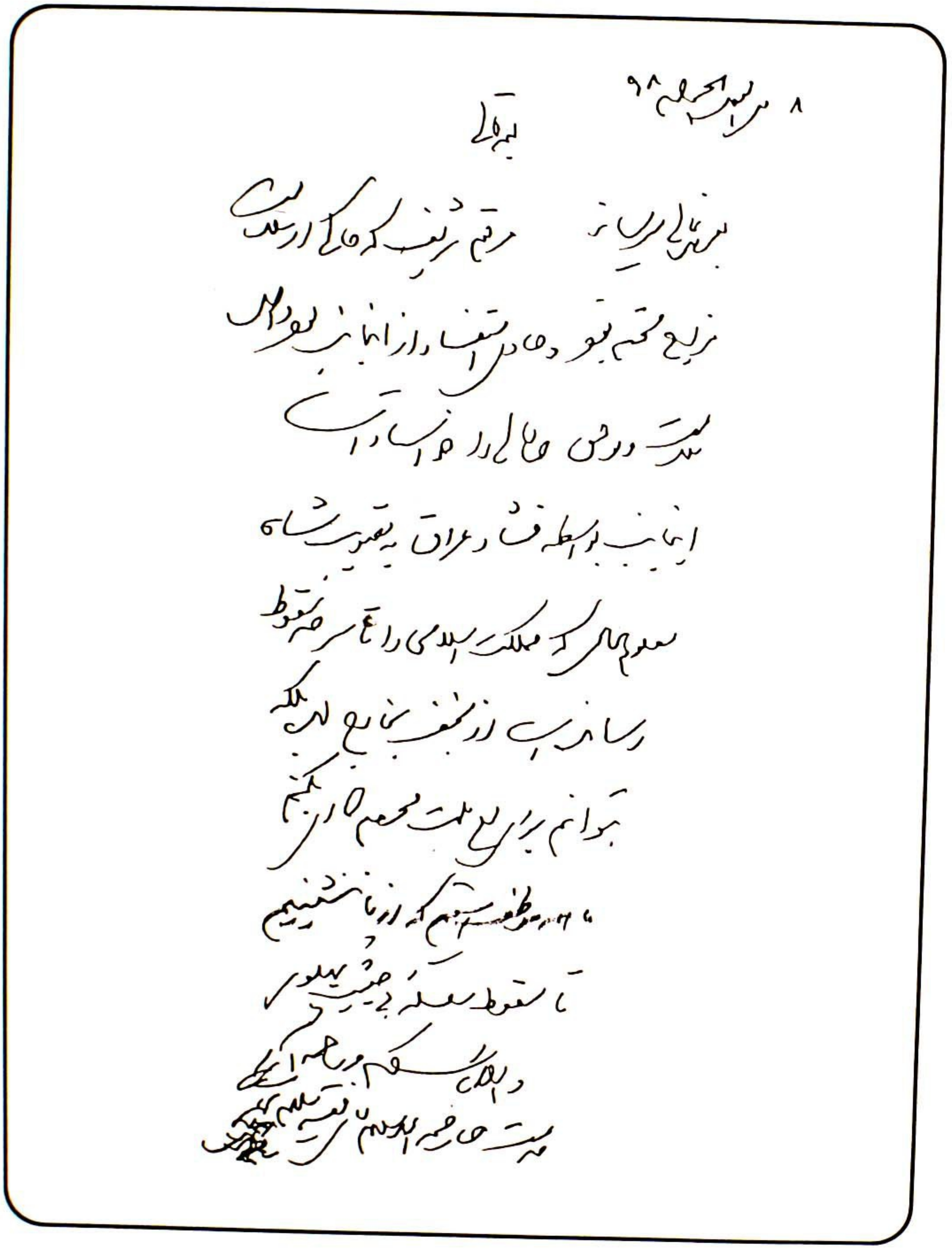

Marfat.com

نامهٔ مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی به آیت‌الله مرعشی

بسمه تعالی شأنه ۲۲ جمادی الثانیه

محضر شریف حضرت مستطاب حجة‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای مرعشی دام ظله العالی

بعرض انور میرساند امید است انشاءالله مزاج شریف سلامت و پیوسته الطاف
آن حضرت شامل ما و جمیع مسلمین باشد و اتفاقاً اینجا موجب تعجب است که دو نفر رئیس
و مرجع چگونه این مقدار با اسم صمیمیت دستگیری دارند خصوصاً بعد از اینکه ملاحظه حال
خودشان را میکنند. بالجمله غرض از تصدیع آنکه دستگاه با تمام قوی فشار میکند که ایشان
آزارند و بخواسته خودشان بعراق رفته‌اند و مع‌الاسف مراجع خودمان را اغفال
کرده‌اند و ایشان را بعراق مقید کردند با اینکه فشار خارج موجب بازگشت ایشان
بایران میبود و عجب است که بعضی از مراجع هنوز هم آزادی ایشان را اعلام نکنند
و نمیدانم غرض صحیح از این کار چیست سرکار عالی دستور فرمائید که وعاظ محترم
و خطباء معظم باین نکته متعرض شوند و اعلام کنند که اگر ایشان عراق را اختیار
نمیکردند چه بسا حالا در ایران بسر میبردند ولی چونکه مطلع نبودیم از اعتراضیه
سازمان حقوق بشر به دبیرکل سازمان ملل - اوتانت - عراق را اختیار کردیم
امیدوارم که خداوند مقداری از حسن نیت سرکار را بدیگران هم عنایت فرماید
خدمت حضرات اصحاب محترم و دوستان جانثار معظم بعرض سلام مصدعم خدمت
آقای فقیه و مرزآبادی مخصوصاً سلام مخلص را ابلاغ خواهید فرمود سید مصطفی خمینی

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی به آیت‌الله مرعشی

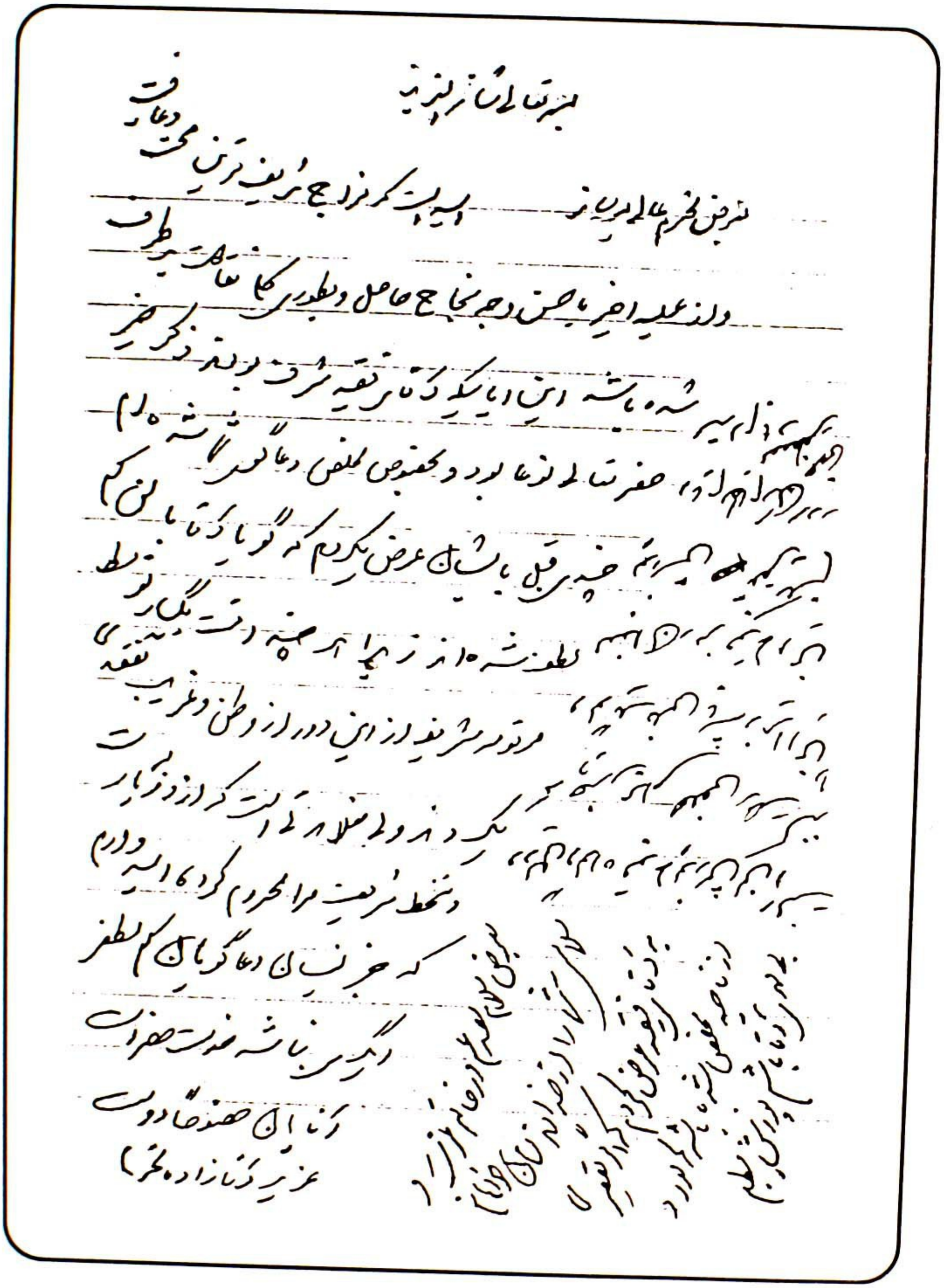

Marfat.com

نامهٔ دیگری از مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی به آیت‌الله مرعشی

Marfat.com

نامهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به یکی از مقلّدان خود در موضوع کمک ایشان به بازماندگان نیروهای مسلمان عراق و اردن که در جنگ با اسرائیل شرکت داشتند، در سال ۱۳۴۶ ـ ۱۳۴۷ شمسی

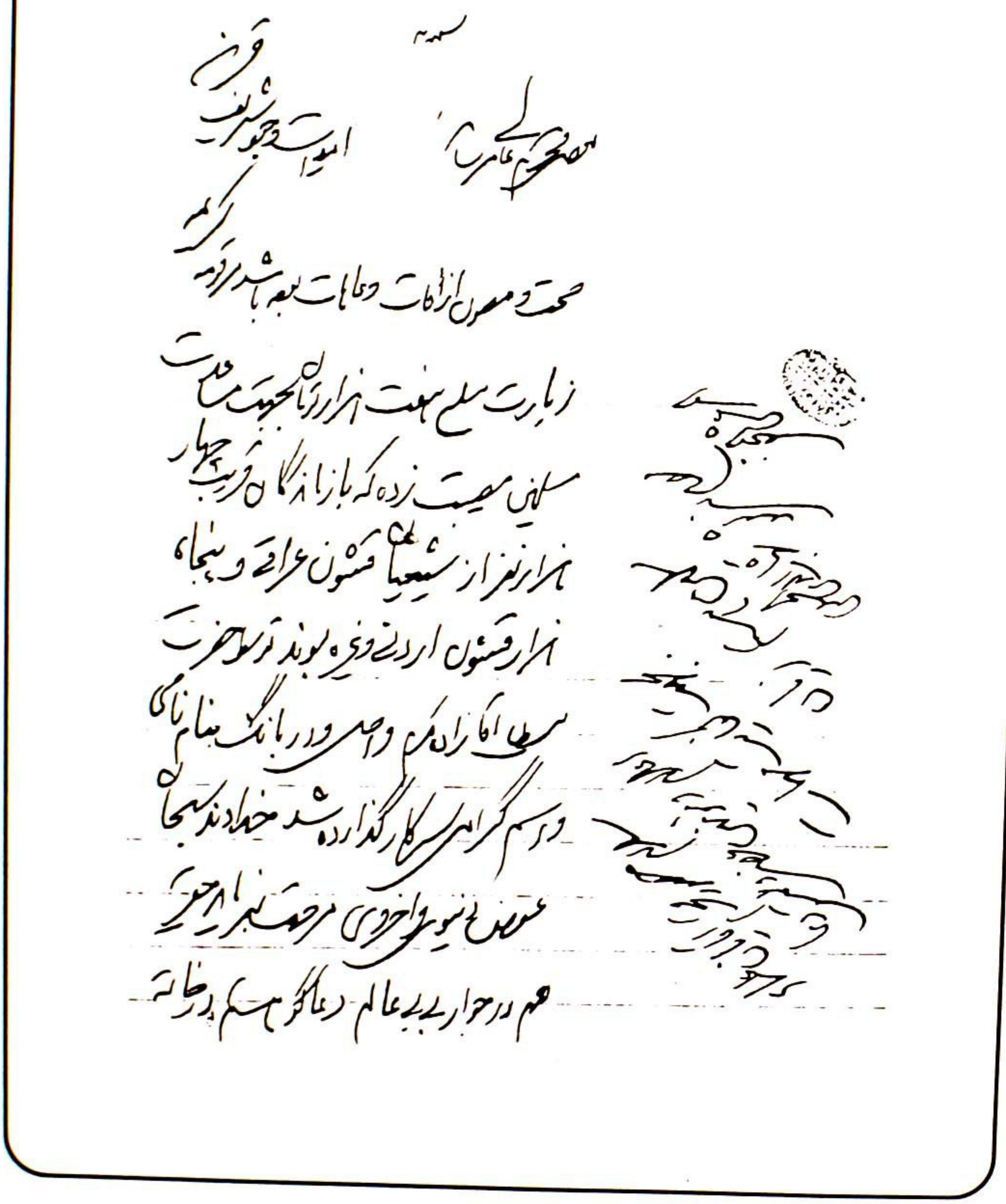

تقدیر و تشکّر سفیر وقت اردن در بغداد از آیت‌الله مرعشی در مورد کمک معظم‌له به خانواده‌های فلسطینی، در سال ۱۹۶۷ میلادی

سفارة المملكة الاردنية الهاشمية

بغداد

الرقم .....

التاريخ ٢٣/١١/١٩٦٧

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة الاستاذ شهاب الدين النجفي ادامه الله،

سلام الله عليكم ورحمته وبركاته، وبعد "

تلقينا ببالغ الشكر والتقدير تبرعكم السخي ب(٢٦٠٠) بطانيه المقدمة الى اخواننا النازحين من الضفة الغربية وانني اذ اشعركم باتخاذ الاجراءات اللازمة لايصال الكمية الى اللجنة العليا لاغاثة النازحين لا يسعني الا ان اقدم لكم خالص الشكر والامتنان على هذه الاريحية الاسلامية وبارك الله فيكم وزاكم .

واقبلوا احترامي "

السفير

نامهٔ مرحوم صالح ابو رفیق مدیر معهد المخطوطات العربیّة فی القاهرة به آیت‌الله مرعشی، در سال ۱۹۷۴ میلادی

المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم
معهد المخطوطات العربية
الرقم ١٢٧/٧/٧٤

القاهرة فی ٢٢/٢/ سنة ١٣ / سنة ١٩٧٤

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة الامام الجليل آية الله العظمى السيد شهاب الدين المرعشى أدام الله فضله
قم — ايران

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته وبعد ،

فانى احمد الله تبارك وتعالى أن اتاح لى شرف المثول بين يدى عالم جليل وامام مجتهد ذكرنى بما كان عليه سلفنا الصالح من عظمة فى تواضعهم ، وسمو فى لين جانبهم ، وتمثلت أمامى فى استقبالكم لجمهور المسلمين المستفتين لكم الناهلين من مورد علمكم صورة المؤمن الحق ، الذى وصفها الرسول الكريم صلوات الله وسلامه عليه بقوله " ألا من أحاسنكم واقربكم منى منازل يوم القيامة الموطئون اكنافا الذين يألفون ويؤلفون " .

ولكم كان بودى ان أبقى اكثر مما بقيت الى جانب شخصيتكم الكريمة وأدبكم الجم، ولكننى عدت الى بلدى داعيا الله جلت قدرته أن يجمعنا مرة ومرات على خير .

واود بهذه المناسبة ان اذكر لسماحتكم ان المعهد الذى أتشرف برئاسته يصدر مجلة تعنى بشئون المخطوطات والتراث الاسلامى ،ولكم يسرنى ان تتفضلوا بكتابة مقال عن نوادر مخطوطات خزانتكم العامرة للنشر فيها ليستفيد بها العاملون فى حقل التراث الاسلامى العظيم .

وانتهز هذه الفرصة لاقدم لكم المجلد الاخير منها .

نفع الله بسماحتكم امة الاسلام ، متسربلين برداء الصحة والسعادة والتوفيق .

وتفضلوا بقبول فائق الاحترام .

صالح ابو رفيق
مدير معهد المخطوطات
(صالح ابو رفيق)

Marfat.com

نامهٔ مرحوم عالم علویّه بانو نصرت امین اصفهانی به آیت‌الله مرعشی

۴ محرم الحرام

بسمه تعالی

السلام علی السید العالم الفاضل المحقق المدقق المهذب الکامل الصفی الزکی

بشرف عالی میرساند بعد از اهداء تحیّة و سلام عرضه میدارم امّا در خصوص
استجازه‌ئی که فرموده بودید اگرچه خود را قابل نمیدانستم لکن مع ذالک
از جهت اطاعت امر جناب عالی مختصر اجازه‌ئی در جوف تقدیم شد ملاحظه
فرمائید امّا در خصوص نسب که حضوراً عرض شد تا میر معصوم معلوم است
از قراریکه بعضی از قدماء و معمّرین از اقوام و فامیل ما میگویند و سابق
هم از بعض دیگر آنها که فعلاً وفات کرده‌اند شنیده‌ام از این قرار است
مرحوم الوالد الحاج سید محمد علی ابن الحاج سید حسن ابن امیر معصوم المشتهر
با سید میرزا ابن السید محمد ابن امیر معصوم که فعلا در تخت فولاد جلو روی
قبر آقا محمد مدفون است و چون فرمودید نقش لوح را بردارم برداشتم
با کلام صاحب تذکرة القبور در جوف ملاحظه فرمائید و این مدت همه
روز منتظر آن اوراق سیر و سلوک که وعده فرمودید با آن کتاب عالمه بودم
و هنوز نائل نشده‌ام نمیدانم جهت بی مرحمتی چیست وقتی این حقیر بقول خود
وفا کردم البتّه جناب عالی اولی باین هستید که بقول خود رفتار فرمائید و اگر
آن اوراق موجود نیست یا میل مبارک نیست که او را بفرستید خواهش مندم
اگر ممکن است اجمالی از سیر و سلوک شخصی خودتان و بوارقات
و مشاهداتی اگر حاصل شده مرقوم فرمائید و اگر میل مبارک نیست
که کسی از این مطالب اطلاع پیدا کند قول میدهم که بکسی اظهار
نکنم و بشاید همین چند روز یکجلد کتاب اربعین بتوسط پست یا کسی
دیگر میفرستم بتوسط سرکار که مرحمت کنید بآن آقا که میخواستند در خاتمه
تحیات فائقه را تقدیم و سلامتی و سعادت و دوام تأییدات آن
وجود مقدس را مسئلت دارم و زیاده جز التماس دعای مخصوص
عرضی ندارم

العلویة الامینة

عنوان جواب اصفهان سرای مخلص تجارت خانه حاج معین التجار
بخانه واده برسد

Marfat.com

نامهٔ آقای مهندس مهدی بازرگان به آیت‌الله مرعشی در چهاردهم بهمن ۱۳۵۷ چند روز پیش از انتصاب به نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب اسلامی ایران

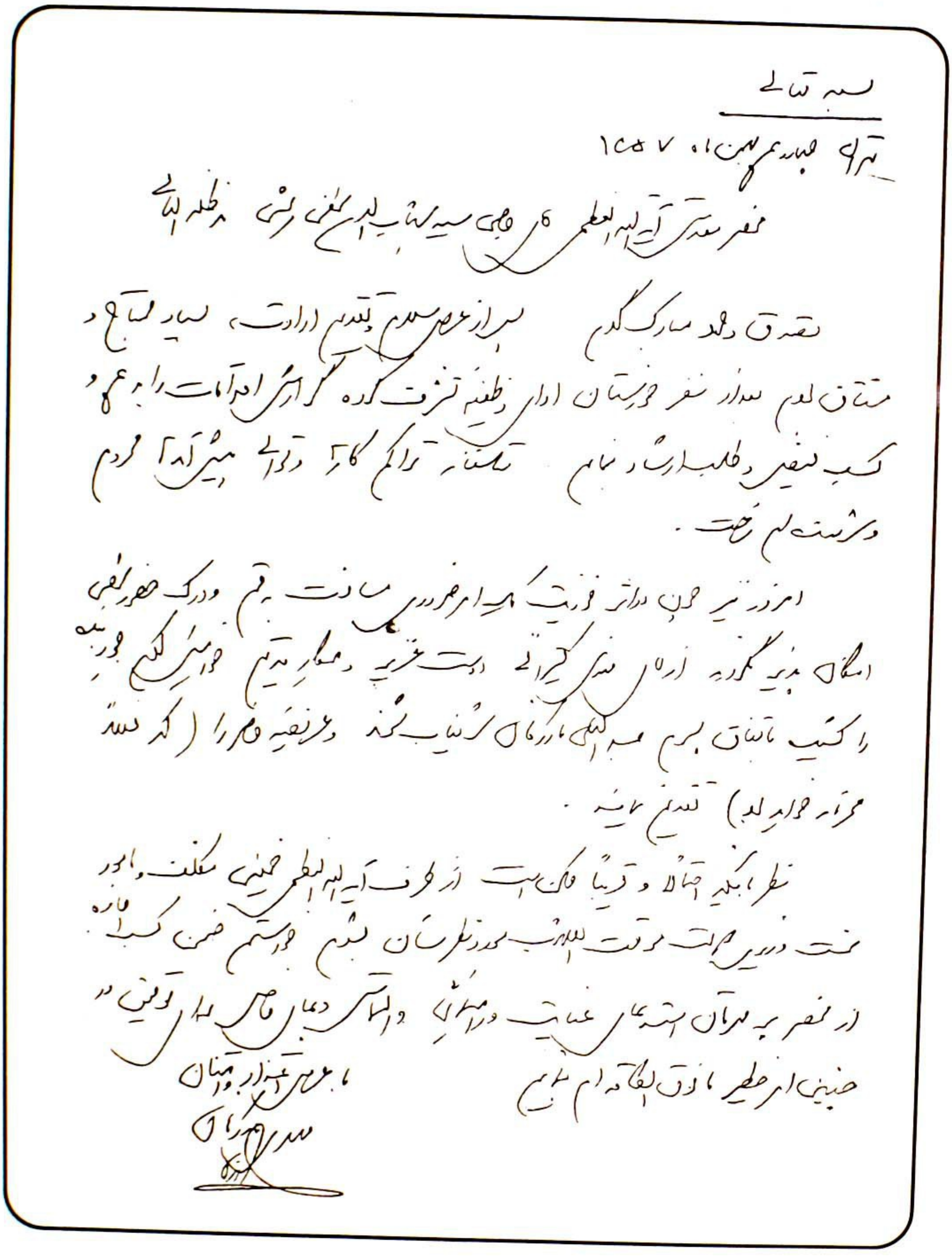

بسمه تعالی

تهران چهاردهم بهمن ماه ۱۳۵۷

محضر مقدس آیت‌الله العظمی آقای حاجی سید شهاب‌الدین مرعشی مدظله العالی

تصدق وجود مبارک گردم پس از عرض سلام و تقدیم ارادت، بسیار محتاج و مشتاق بودم بعد از سفر خوزستان ادای وظیفه تشرف کرده گزارش اقدامات را بدهم و کسب فیض و طلب ارشاد نمایم. متأسفانه تراکم کارها و توالی پیش‌آمدها مردم و شرمنده‌ام ساخت.

امروز نیز چون در اثر فوریت یک امر ضروری مسافرت به قم و درک حضور شخصی امکان‌پذیر نگردید از آقای مهدی کیرانی دوست عزیز و همکار قدیم خواهش کردم جوربنده را کشیک باتفاق پسرم عبدالعلی بازرگان شرفیاب شوند و عریضه حاضر را (که فعلاً محرمانه خواهد بود) تقدیم نمایند.

نظر باینکه احتمالاً و قریباً ممکن است از طرف آیت‌الله العظمی خمینی مکلف و مأمور نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب مورد نظرشان بشوم خواستم ضمن کسب اجازه از محضر پرمهرتان استدعای عنایت و راهنمائی و التماس دعای خاص برای توفیق در چنین امر خطیر مافوق الطاقه‌ام بنمایم.

با عرض اعتذار و امتنان

مهدی بازرگان

Marfat.com

نامهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به اهالی الشتر
در سال ۱۳۹۹ قمری

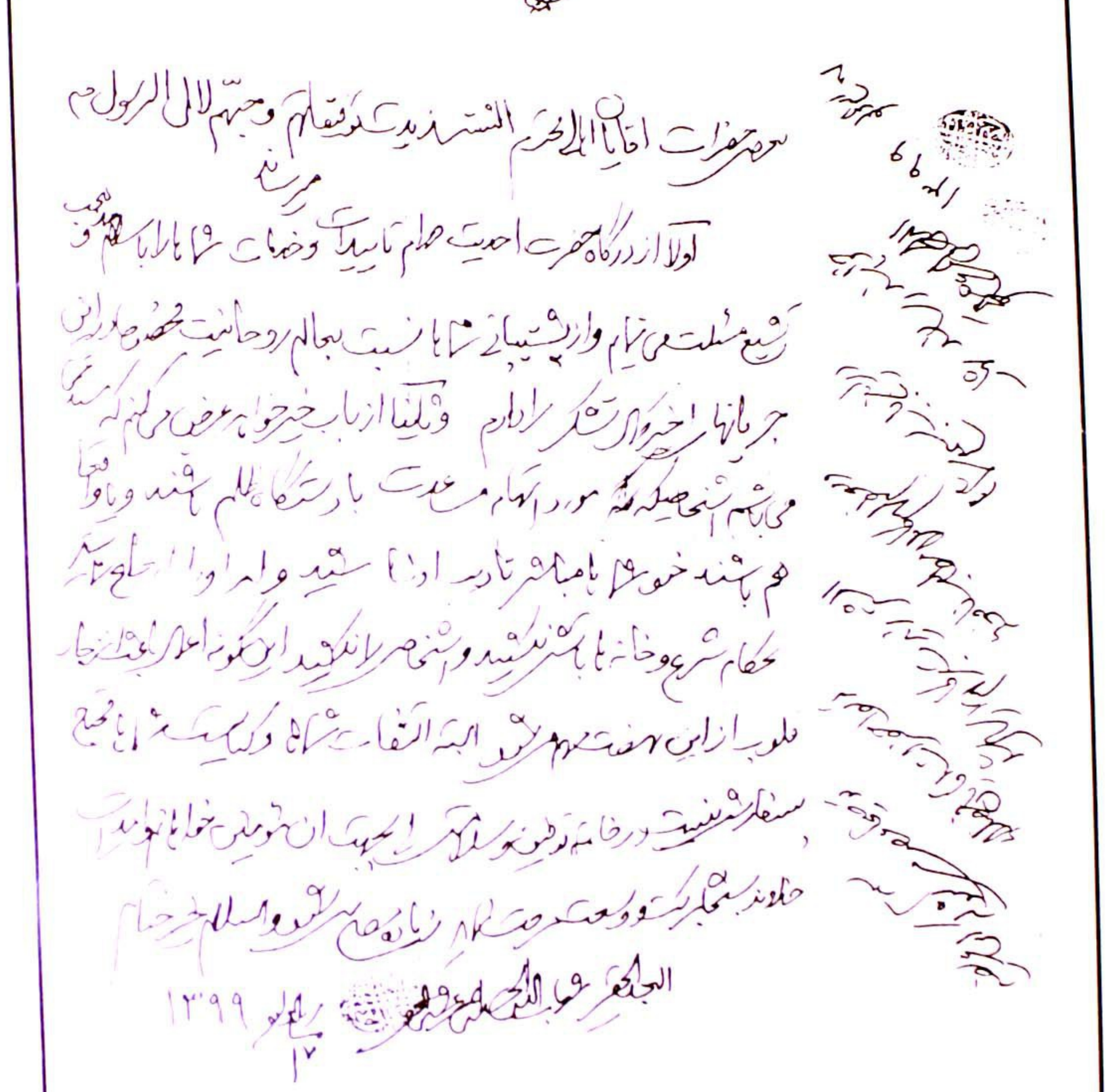

Marfat.com

خلاصهٔ تلگراف مرحوم آیت‌الله العظمی سیّد ابوالقاسم خوئی به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۹۹ قمری

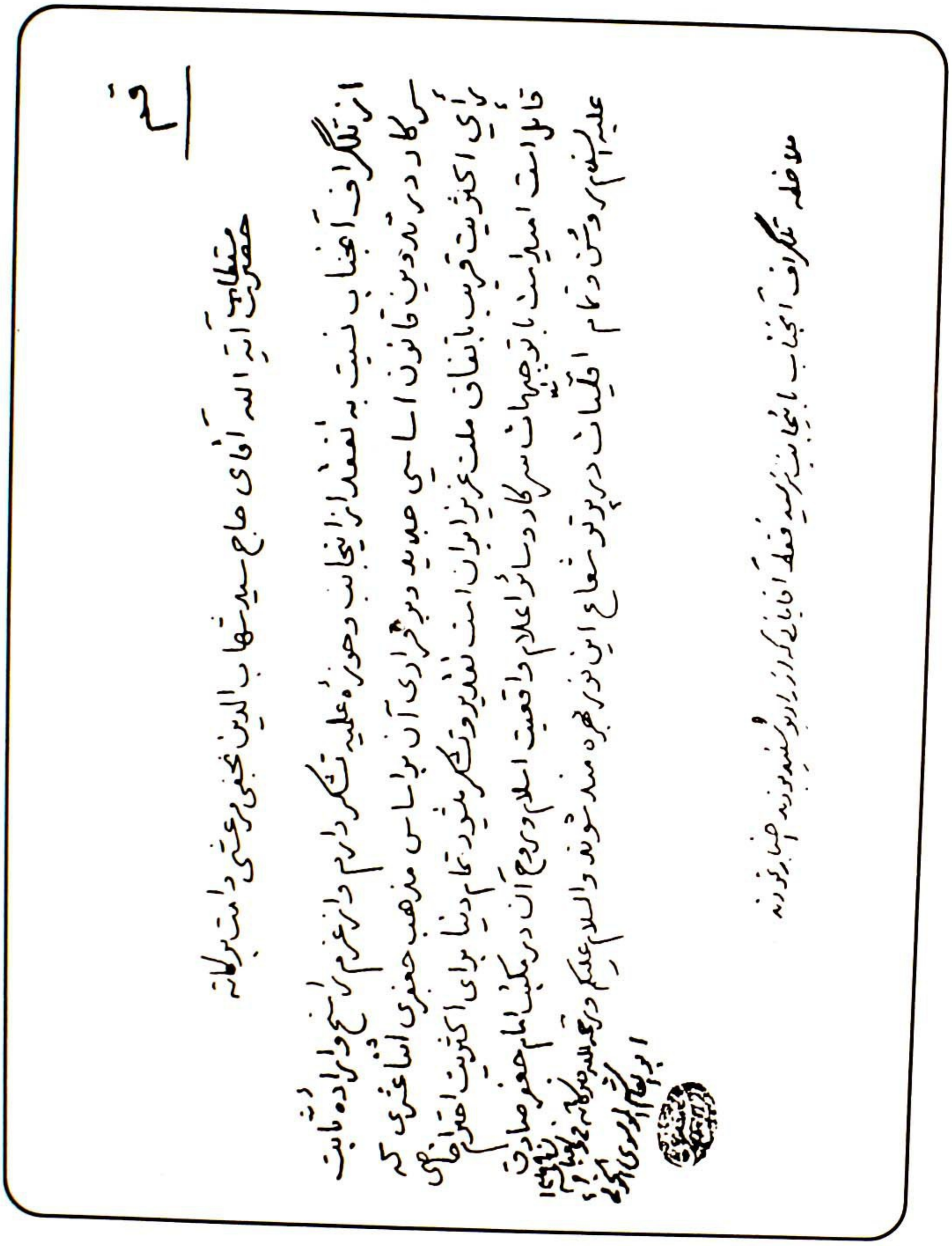

قم

مستطاب حضرت آیة الله آقای حاج سید شهاب الدین نجفی مرعشی دامت برکاته

از تلگراف آنجناب نسبت به تفقد از اینجانب و حوزهٔ علمیه تشکر دارم و از عزم راسخ و اراده ثابت سرکار در تدوین قانون اساسی جدید و برقراری آن بر اساس مذهب جعفری اثنا عشری که رأی اکثریت قریب باتفاق ملت عزیز ایران است تقدیر و تشکر میشود تمام دنیا برای اکثریت احترام خاصی قائل است امید است با توجهات سرکار و سائر اعلام واقعیت اسلام و روح آن در مکتب امام جعفر صادق علیه السلام روشن و تمام اقلیات در پرتو شعاع این نور بهره مند شوند والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۹۹ ق

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ملاحظه تلگراف آنجناب باینجانب نرسید فقط آقایانی که از زیارت بوسنیه بودند اخبار نمودند

Marfat.com

پیام تسلیت حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به مقام معظّم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۶۸ شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم

تهران

حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی خامنه‌ای رهبر محترم جمهوری اسلامی ایران دامت برکاته

باسلام و تحیات و تسلیت بمناسبت رحلت جانگداز رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی حضرت مستطاب آیة الله آقای خمینی قدس سره الشریف. در پی مسئولیت بس حساس و سنگین مقام رهبری جمهوری اسلامی که بر عهده آنجناب گذاشته شده بدینوسیله ضمن تأیید با احساس وظیفه و بعنوان پدری سالخورده که روزهای آخر عمر را برحسب ظاهر سپری میکند از جنابعالی انتظار دارم تا در جهت احیاء فرهنگ غنی اسلام و ترویج شرع مطهر و آشنائی هرچه بیشتر مسلمانان با قرآن کریم خاصه مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیش از پیش اهتمام فرموده و با پیروی از دستورات الهی و انسان ساز آن خاندان معصوم که در طول تاریخ مظلوم واقع شده اند باشتابی بیشتر گام بردارید. بدیهی است عظمت اسلام و حفظ نظام و توفیق مستمر در متابعت دقیق از فرمایشات حضرات ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین و سرافرازی مسلمین در گرو اعمال مسئولان و خدمتگذاران اسلام خصوصاً روحانیون عزیز ایدهم الله تعالی میباشد. امید است خداوند سبحان عموم ما را در ظل عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در راه نیل به اهداف عالیه اسلامی و وظائف دینی خود موفق و دشمنان اسلام و مذهب را نابود فرماید. در خاتمه از درگاه ربوبی توفیقات جنابعالی را مسئلت و ملتمس دعا در مظان اجابت میباشم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

قم - شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

تشکّر حضرت آیت‌الله سیّد علی خامنه‌ای مقام معظّم رهبری به آیت‌الله مرعشی در سال ۱۳۶۸ شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیة الله العظمی آقای مرعشی نجفی دامت برکاته

با سلام و تحیت پیام تسلیت آن جناب بمناسبت فضایعه ی عظیم ارتحال امام امت و سلاله ی نبوت و ولایت حضرت امام خمینی قدس سره و نیز تایید و وصیت خیر بمناسبت مسولیت بزرگی که بر عهده اینجانب قرار گرفته است موجب تشکر گردید.

امید است با استظهار به ادعیه ی زاکیه ی آن جناب و همه ی صلحاء و اخیار در حرکت به سمت هدف های اسلامی گامهائی درنگ پیش نهاید و نظام مبتنی بر شریعت اسلام که ضامن اجرای عدالت و ترویج ارزشهای والای انسانی و حمایت از مظلومین است، روز بروز مستحکم تر و جامع تر گردد.

بی شک در تحکیم مبانی اسلام و تبیین فرهنگ نجات بخش قرآن، حوزه های علمیه و اساتید عالیمقام آن دارای نقش ممتاز و بیگانه اند. از خداوند متعال دوام و استحکام حوزه های علمیه و توفیقات جنابعالی را مسئلت می نمایم

سید علی خامنه ای

۶۸، ۳، ۳۰

Marfat.com

پیوست سوم

اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی
آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی
از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ شمسی

Marfat.com

Marfat.com

تاریخ: آذر ۱۳۴۱

پاسخ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به سؤال عده‌ای از تجار و کسبه در مورد غائلهٔ انجمنهای ایالتی و ولایتی

بسمه تعالی

بدین وسیله به استحضار عموم مؤمنین و ملت مسلمان ایران می‌رساند غائلهٔ اخذ آراء که اخیراً مورد بحث شده و موجبات ناراحتی ملت متدین ایران و عالم روحانیت را فراهم آورده و متأثر کرده است صحیح نیست بلکه جائز نیست شرعاً کما اینکه این موضوع را در تهران مدت اقامت خود در بیمارستان فیروزآبادی به اولیاء امور تذکر دادم و مجدداً به وظیفهٔ شرعی خود عمل نموده و به اظهار نظر اقدام نمودم امید است که اولیاء امور در حفظ نوامیس الهی و مقدسات اسلامی کوشا بوده و از اجراء احکام شرعیه خودداری ننمایند در خاتمه دوام توفیق و تائیدات قاطبهٔ مؤمنین را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم والسلام.

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

Marfat.com

محضر مقدس حضرت مستطاب آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی متع الله المسلمین بطول بقائه

محترماً به عرض عالی می‌رساند : نظر مبارک حضرت آیت‌الله راجع به شرکت زنان در انتخابات از نظر شرع مطهر اسلام و قانون اساسی چیست ، مستدعی است صریحاً دو کلمه مرقوم فرمائید ؟

عده‌ای از تجار وکسبهٔ تهران

بسمه تعالی

عرض می‌شود : مسئلهٔ فوق راکراراً از قم و سایر شهرها بـه انـحاء مـختلفه از حـقیر سؤال نموده‌اند و جوابی که به آنها نوشته شده به قرار ذیل است

قضیهٔ مداخلهٔ نسوان در امر انتخابات مستلزم محرماتٌ و مفاسد کثیره و بر خلاف شرع مقدس اسلام است، و اما راجع به قانون ، هر قانونی که بر خلاف قرآن مجید و مـذهب امامیه باشد از نظر اسلام قانونیت نداشته و تمسک به آن از شئونات فقیه نـیست ، امـید است از این امر غیر مشروع صرف نظر شود ؛ در خاتمه اصلاح امور و توفیق و تائیدات عموم مؤمنین را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم .

والسلام علی من اتبع الهدی

فی ۱۵ شوال ۱۳۸۲

شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۲/۱/۳۱

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در بارهٔ دستگیری و ضرب و جرح طلاب

بسم الله الرحمن الرحیم

حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر الّذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا

بدیهی است مردم مسلمان ایران و جهان در این چند ماه اخیر هر روزه با حوادث خطیره روبرو شده و گاه و بی‌گاه برای روشن شدن وظیفهٔ شرعی خود به مراجع تقلید مراجعه نموده و کسب تکلیف می‌نمایند البته همان طوری که قبلاً به وسیلهٔ چندین اعلامیه (مورخهٔ مهرماه ۴۱ و مورخهٔ ۱۰ جمادی الثانی و ۲۰ جمادی الثانی و ۱۵ رمضان و ۱۵ شوال ۸۲) متذکر شده‌ام دولت وقت در این مدت از مسیر قانون اسلام تجاوز و به وسائل مختلف نسبت به قوانین اسلام هتک نموده است و هرچند صباحی بر طبق هوای نفسانی یک عده مردم شهوت‌پرست قوانینی بر خلاف قانون اسلام به صورت تصویبنامه درآورده که قلوب مردم متدین را جریحه‌دار کرده و عده‌ای از برادران دینی ما را به عناوین مختلف زندانی و تحت شکنجه قرار داده است که عواقب وخیمی را در بر دارد از طرفی مراجع تقلید شیعه و بزرگان اسلام، به وسیلهٔ اعلامیه‌های پی در پی مسئولین امر را به مضرات این‌گونه عملیات گوشزد نموده‌اند لیکن متأسفانه گوش به نصایح روحانیون و مراجع وقت نداده بلکه در صدد خرابکاری و کارشکنیهائی علیه روحانیت برآمده که زیان آن بالنتیجه اول عاید خود آنها خواهد شد.

حملهٔ ناجوانمردانهٔ یکمشت مأمورین دولت با لباس مبدل به مدرسهٔ فیضیهٔ قم در روز جمعه وفات رئیس مذهب جعفری در ملأ عام و اجتماع هزاران نفر از مردم مسلمان ایران جنایتی فراموش نشدنی است گرچه آمار دقیقی از تلفات این واقعهٔ جانگداز در دست

Marfat.com

نیست لکن آنچه مسلم است عدهٔ زیادی از طلاب و محصلین علوم دینی مجروح و مصدوم و مفقودالاثر هستند که تعداد نود و پنج نفر از مصدومین طبق آمار صحیح در دفتر جداگانهٔ حقیر ضبط و تحت رسیدگی اینجانب می‌باشند و هنوز عده‌ای از آنها تحت معالجه هستند « خرابیهای مدرسهٔ فیضیه اثر بارزی از اعمال وحشیانهٔ این مأمورین دور از انسانیت است البته اینجانب تاکنون به‌وسیلهٔ اعلامیه یا وسائل دیگر مضرات و عواقب وخیمهٔ این جریانات وحشیانه راگوشزد اولیای امور و علاقه‌مندان به استقلال مملکت و دیانت نموده و مترصّد تنبّه آنان بوده و آنی ساکت ننشسته‌ام متأسفانه مسئولین امور به‌جای جبران گذشته و مرهمگذاری به قلوب جریحه‌دار مسلمین و روحانیت پا را فراتر گذارده محصلینی راکه مورد نظر حضرت ولی‌عصر(عج) و حامی دین و استقلال مملکت می‌باشند مورد هجوم و حمله قرار داده و به ضرب و زور عده‌ای را به عنوان مشمولی با در دست داشتن ورقهٔ تحصیلی رسمی به سربازی برده و پاره‌ای را تهدید و وادار به تفرّق کرده است لذا بر خود لازم دانستم که اولیای امور و مسئولین امر را بار دیگر تذکر دهم که این‌گونه عملیات بر خلاف مصالح ملت و قیام علیه قانون اسلام و موجب نابودی مملکت می‌باشد .

ناگفته نماند که مراجع تقلید و عموم علماء اعلام قم و نجف و سایر بلاد با همفکری و وحدت نظر با پشتیبانی قاطبهٔ ملت مسلمان بالاخص خطباء عظام و تجار و اصناف محترم تهران و شهرستانها تا سرحد شهادت در مقابل عملیات ناجوانمردانه و مخالف انسانیت استقامت نموده و دشمنان دین و ملت را تا پرتگاه دوزخ بدرقه می‌کنند .

ضمناً لازم می‌دانم از همدردی و عنایت حضرتین آیتین آقای حکیم و آقای خوئی ـ دامت برکاتهما ـ مراتب تشکر خود را اظهار نمایم . در خاتمه از ملت متدین و شرافتمند ایران تقاضا داریم در مرحلهٔ اول به وظیفهٔ آرامش خود عمل نمایند وچنانچه اولیای امور از تصویب مواد مخالف شرع مطهر اسلام منصرف نشوند مراجع تقلید

Marfat.com

عموماً مردم مسلمان ایران و جهان را به وظائف خود آشنا خواهند ساخت والله المستعان في كل شكوى .

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۸۲

تاریخ: ۱۳۴۲/۲/۱۲

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به مناسبت چهلمین روز فاجعهٔ اسفناک مدرسهٔ فیضیهٔ قم

بسم الله الرحمن الرحیم

ومن كلام لأمير المؤمنين(ع) قد تكفل باعزاز الحوزة

این ایام که مصادف است با چهلمین روز حادثهٔ اسفناک و جانگداز یعنی روزی که قلوب سادات بنی‌الزهراء ـ علیها سلام ـ و شاگردان امام جعفر صادق(ع) در مقابل اعمال ناجوانمردانه و بی‌رحمانهٔ مأمورین در جوار مرقد مطهر و قبهٔ سامیهٔ حضرت معصومه(ع) به لرزه درآمد و عده‌ای در روی خاک مدرسهٔ فیضیه مثل مارگزیده به خود می‌پیچیدند و فریاد وامحمداه و وا امام‌زماناه طنین انداز بود (فجزاهم الله عن الاسلام واهله خیرا) .

طوبی بر آن مادرانی که امثال شما فرزندان متدین و با شهامت را در آغوش خود تربیت داده و انظار عموم مسلمین جهان را به سوی شما منعطف کرده است . ما بدین‌وسیله اجر جزیل و صبر جمیل برای پدران و مادران چشم به راه و غمدیدهٔ شما سربازان امام زمان(عج) را از خداوند متعال خواهانیم . رحمت ابدی به ارواح پاک شماها باد ای جوانان با ایمان و ای نونهالان نخلستان محمدی . بدانید که ملت مسلمان ایران و جهان شب و روز انگشت تأثر و تأسف به دندان گرفته و به حال شماها اشک

Marfat.com

می‌ریزند و به یاد شما در محضر امیرالمؤمنین(ع) مراجع عظام و آیات گرام ـ ادام الله برکاتهم ـ و مسلمین مجالس ترحیم و دعا برگزار می‌نمایند و عقلای دنیا نسبت به مسببین این فاجعه ابراز انزجار و اظهار تنفر می‌کنند .

آنان خیال می‌کردند صدای نالهٔ مظلومین در محیط مدرسه و چهار دیوار آن باقی خواهد ماند و احدی مطلع نخواهد شد غافل از اینکه دست انتقام الهی بسیار قوی و آه مظلومین در امواج هوا فانی نشدنی است .

اینان گمان می‌کردند که می‌توان قدرت روحانی و معنوی راکه پیوسته مؤیّد است از ارواح طیبه از بین برد در صورتی که این فرزندان روحانی مکتب جعفری برنامه‌های وسیع و منظم اسلامی را از بدو امر سرمشق خود قرار داده و دائماً نقشهٔ پیشرفت اسلام و قربانیهای آن را در جلو چشم خود مجسم می‌نمایند و در تعقیب هدف مقدس و شرعی خود آماده و باکمال استقامت ثابت قدم می‌باشند .

دنیای کنونی این نحوه عملیات و شکنجه‌ها را از قِبَلِ مسئولین امر جز اهمال و بی‌اعتنائی به قانون مقدس اسلام نمی‌تواند تفسیر کند و اولیای امور باید بدانند که این جرم از آنها غیر قابل عفو است و خدای قادر جلیل انتقام آنها را خواهد گرفت ﴿اِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَاد﴾ خداوند بزرگ شاهد و گواه من است که از آن روز منحوس تا حال با این کسالت مزاج و نقاهت قلبی شبها به یاد شما نورچشمان عزیز اشک ریخته و با دل سوزان از ساحت قدس الهی عظمت اسلام و عزت شما را مسئلت نموده‌ام .

خدمات عالم روحانیت بر احدی پوشیده نیست و همواره در حفظ دین و ناموس ملت شرافتمند ایران و استقلال مملکت سعی و کوشش خود را در تمام مراحل به دنیا ثابت نموده است .

مصادر امور نباید هر روز با یک پیمانی با اجانب و کفار با دین و آئین و موجودیت ملت مسلمان و غیور بازی نمایند .

بس است ملت را این همه در فشار روحی و جسمی قرار ندهید بازار ایران و اقتصاد

Marfat.com

مملکت کمتر چنین وضع نامطلوبی را به خود دیده است . بیائید قدری هم به فکر راحتی افراد مملکت خود باشید و چنان که در اعلامیهٔ ۲۵ ذیقعده تذکر داده‌ام هرچه زودتر به این نوع افکار خاتمه دهید و از اقدام آنچه بر خلاف شرع مطهر اسلام است خودداری کرده و بیش از این قلوب مردم متدین را جریحه‌دار ننمائید ﴿وَسَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ﴾ .

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

۸ ذیحجة الحرام ۱۳۸۲

تاریخ: ۱۳۴۲/۳/۱۵

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در پی دستگیری امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

«اَلَّذینَ اِذا اَصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قالُوا اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ»

مردم مسلمان غیور و با شهامت ایران وجهان ! بدانید که یکی از آیات عظام و مجاهدین بزرگ عالم اسلامی را دستگاه جبار از تاریکی شب استفاده کرده و ایشان را از خانه خود غفلتاً بیرون و به جای نامعلومی برده است ، وقاحت و بی‌شرمی و جسارت دولت به جائی رسیده که به مراجع وقت حمله می‌کند .

خداگواه است که با این وضع دلخراش زندگی در این مملکت برای ماگوارا نخواهد بود ، ملت شرافتمند مبادا از حرارت شماها کاسته شود مبادا از پشتیبانی مراجع عظام دریغی داشته باشید .

ما بدین وسیله (هل من ناصر ینصرنا) گفته و تا آخرین لحظه ، استقامت خواهیم ورزید خون ما رنگینتر از خون برادر عزیزمان حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی

Marfat.com

نیست و مادامی که ایشان را صحیح و سالم بدست ما ندهند دست از اقدام برنمی‌داریم و تا آخرین قطرهٔ خون خود از حریم اسلام و *قرآن* دفاع خواهیم کرد و چنانچه در صحن مطهر حضرت معصومه(ع) مأمن مسلمین به عموم ملت و طبقات مختلفه عرض کردم که اگر یک مو از سر عزیزمان کم شود دست به اقدامات دامنه‌داری زده و ان شاء الله تعالی نخواهیم گذاشت موئی از سرشان کم شود .

حقیر و عموم علمای اعلام و قاطبهٔ مسلمین جهان در تعقیب این موضوع جداً اقدام خواهیم کرد .

انا لله وانا الیه راجعون

۱۲ محرم الحرام ۱۳۸۳

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

تاریخ: ۱۳۴۲/۳/۱۸

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در بارهٔ دستگیری امام خمینی و برگزاری مراسم یادبود شهدای ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحیم

(اللهم انصر الاسلام واهله واخذل الکفر ومن تبعه)

در تعقیب اعلامیهٔ مورخهٔ ۱۲ محرم الحرام یعنی روزی که حضرت آیت‌الله خمینی - دامت برکاته - غافلگیر و عالم تشیع را غرق در دریای تأثر نمودند لازم دانستم که مجدداً متذکر شوم . هدف اصلی روحانیت جز جلوگیری از آنچه راکه بر خلاف شرع مطهر اسلام است نبوده و در این هدف مقدس تمام آیات عظام قم و نجف اشرف و مشهد مقدس و سایر شهرستانها و عموم حجج اسلام و خطباء عظام - دامت تأییداتهم - با

Marfat.com

پشتیبانی قاطبهٔ ملت مسلمان ایران و شیعهٔ جهان سهیم می‌باشند . و از روز اول علمای اعلام و مراجع عالیمقام برای روشن ساختن اذهان عموم مردم متدین فتاوای خود را با تحمل مشقات زیاد در دسترس مسلمین قرار داده و در ضمن کراراً دولت را به نصایح خود متوجه و اعلام نمودند که هرچه زودتر با خواسته‌های مشروع عالم روحانیت موافقت نموده و باعث تشنج و برانگیخته شدن احساسات دینی مردم نشوند . متأسفانه مصادر امور کوچکترین موافقتی از خود نشان نداده بلکه در مقام کارشکنی ملت بی‌گناه و ستمدیده را با شدت عمل به خاک و خون کشیده و عده‌ای را در زندانها تحت شکنجه قرار و روز به روز عواقب امر را وخیم‌تر می‌سازد . غافل از اینکه اگر حالا هم به فکر چاره‌جویی افتاده و به خواسته‌های عموم مراجع مطلبی داشت . (آیا) هدف ایشان غیر از هدف سایر آیات عظام بوده یقیناً ایشان جز صلاح دین و مملکت منظوری نداشته‌اند . (آیا) وجدان اجازه می‌دهد مردی راکه در تمام مدت عمر به فکر ترویج دین و اصلاح جامعه باشد این نحوه گرفتار شود . (آیا) رواست که ملت در خواب راحت باشند و آیت‌الله خمینی در تاریکی شب بدست مأمورین مسلّم بی‌رحم گرفتار شود . اینها فردا در محکمهٔ عدل الهی چه جوابی خواهند داد .

چیزی که موجب مزید تأثر است اینکه حجت الاسلام آقای آقا مصطفی خمینی (آقازادهٔ معظم‌له) اطلاع دادند که آیت‌الله خمینی در همان شبِ گرفتاری شدیداً کسالت داشتند و تا کنون جا و مکان ایشان معلوم نشده که لا اقل احوالپرسی به عمل آید تا بتوانیم خانواده جلیله و اطفال ایشان را ساکت نمائیم . ما بزودی شفای عاجل و بهبودی کامل و استخلاص ایشان را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمائیم .

خوب است اولیاء امور به نصایح عالم روحانیت گوش داده دست از این اعمال غیر انسانی بردارند و از قهر و غضب ملت ستمدیده و محروم بترسند و از توهین مراجع دینی و علمای اعلام بهراسند والا روز به روز بر احساسات دینی ملت افزوده خواهد شد . ملت مسلمان از منافع و مادیات خود صرفنظر می‌کند ولی از دین و پیشوایان مذهبی خود

Marfat.com

صرفنظر نخواهد کرد . تعطیل چند روزهٔ بازار و دکاکین ایران با این وضع خراب اقتصاد مملکت بهترین شاهد است بر این معنی . با اینکه حقیر و عموم آیات عظام مردم راکراراً به حفظ آرامش توصیه نموده‌ایم .

دستگاه تبلیغات خیال می‌کند که با توهین و هتک حرمت آیات عظام مردم را از هدف مقدس دینی خود منصرف خواهند نمود حاشا وکلا .

بعضی از مسئولین امر که ادعا می‌کند با یکی از روحانیون مورد علاقه خود ملاقات کرده و در باره انتخابات نسوان صحبت نموده و آن فرد روحانی گفته است زنهای ایرانی مثل زنان دیگر نیستند بهتر آنست که برای اثبات و مدرکیت حرف خود بر فرض صحت ، آن روحانی را معرفی نموده یقیناً عالم روحانیت و افکار عمومی ملت مسلمان ایران در بارهٔ او قضاوت خواهد نمود . چنانچه حقیر در اعلامیهٔ مورخهٔ (۱۵ شوال) عدم جواز و استلزام مفاسد کثیرهٔ این امر صریحاً تذکر داده‌ام .

ما علاوه ازگرفتاری حضرت آیت‌الله خمینی از پیش آمد ناگوار وگرفتاری حضرات آیت‌الله قمی از مشهد و آیت‌الله محلاتی و حجج إسلام آقای استرآبادی و آقای خلخالی و آقای خندق‌آبادی و آقای فلسفی واعظ شهیر و سایر خطبای عظام از طهران و حجج اسلام آقای دستغیب و آقای مصباحی و آقای مجدالدین محلاتی را از شیراز ، بسیار متأسفم .

امید است که اگر سرنیزه بگذارد در حرم مطهر حضرت معصومه ـ علیها سلام ـ نصف شب دعاگو بوده و استخلاص همه را با عملی شدن خواسته‌های شرعی آنان از خداوند مسئلت نمایم .

حقیر روز سه‌شنبه را به مناسبت روز هفتم جوانانی که در راه پشتیبانی از عالم اسلام جانبازی کرده‌اند روز عزا اعلام و مراتب تأثر و همدردی خود را به بازماندگان آنان ابراز و رحمت واسعهٔ پروردگار عالم را مسئلت نموده و صبر جمیل و اجر جزیل را خواهانم .

۱۶ محرم الحرام ۱۳۸۳

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۲/۴/۱۲

پاسخ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به نامهٔ عده‌ای از اصناف و تجار تهران در بارهٔ مقام علمی و تقوایی حضرت امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض می‌شود چنانچه کراراً سؤال شده و جوابی که داده شده است بدین قرار می‌باشد.

مقام علمی و تقوائی معظم‌له بحمدالله والمنه کاملاً محرز و شأن ایشان اجل از این است که مورد سؤال واقع شود. حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ علاوه بر اینکه مدت مدیدی در حوزهٔ مقدسهٔ قم به تدریس و تهذیب طلاب محترم علوم دینیه اشتغال داشتند بعد از رحلت حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای بروجردی ـ اعلی‌الله مقامه الشریف ـ جداً با ما در ترویج دین مقدس و تشیید مبانی حقه اسلام تشریک مساعی داشتند.

اقدامات دینی و مجاهدات خداپسندانهٔ این مرد بزرگ بر احدی مخفی نبوده و منظور نظر صاحب شرع انور می‌باشد دشمنان دین و منافقین خیال می‌کنند با اشاعهٔ بعضی از مطالب خلاف واقع و هتک و توهین از مقام شامخ علم و روحانیت می‌توانند بر پیکر مقدس اسلام ضربه‌ای وارد کنند غافل از اینکه حقایق بر مردم روشن و ولی عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ـ خود حامی دین و سلسلهٔ جلیلهٔ روحانیت می‌باشد.

هدف مشترک و مقدس عموم حضرات آیات عظام و مراجع شیعه جز نشر تعالیم اسلامی و اجرای احکام و قوانین قرآن نبوده و نخواهد بود.

(در خاتمه) امید است خداوند قادر متعال موجبات استخلاص حضرت آیت‌الله

Marfat.com

خمینی و سایر آیات عظام و حجج اسلام و خطباء کرام را فراهم آورده و بزودی چشم تمام مسلمین را به استخلاص ایشان روشن و منوّر فرماید .

۱۱ صفر المظفر ۱۳۸۳

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

عقیدهٔ حضرات آیات عظام و مراجع بزرگ تقلید نسبت به مقام شامخ حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج آقا روح الله خمینی

مرجع عالیقدر شیعیان جهان (متع الله المسلمین بطول بقائه)

سؤال

حضرت بندگان آیت‌الله‌العظمی آقای آقا سید کاظم شریعتمداری ـ متع الله المسلمین بطول بقائه ـ چون اخیراً بر خلاف انتظار عموم مسلمین و کلیه نوامیس جهانی برای حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا روح‌الله خمینی ناژاحتیهائی فراهم شده تمنا دارد نظر مبارک را در بارهٔ شخصیت عالی معظم‌له مرقوم فرمائید .

جمعیتهای مذهبی

جواب

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج آقا روح‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع محترم تقلید می‌باشند و شخصیت دینی ایشان نباید بر کسی مخفی باشد . از خداوند متعال استخلاص معظم‌له و ظفر و غلبهٔ اسلام را خواستارم .

پانزدهم صفرالخیر ۱۳۸۳

الأحقر سید کاظم شریعتمداری

Marfat.com

سؤال

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی ـ دامت برکاته ـ گرچه شخصیت علمی و تقوائی و مقام شامخ حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ که یکی از مراجع تقلید عالیمقام عالم تشیع هستند بر مسلمانان ایران بلکه مسلمانان جهان پوشیده نیست ولی مقتضی است عقیدهٔ خود را نسبت به معظم‌له اظهار فرمائید .

جمعی از طلاب علوم دینی

جواب

بسم الله الرحمن الرحیم

چنانچه کراراً اینجانب عقیده خود را اظهار کرده‌ام باز هم به موجب این سؤال عرض می‌کنم حضرت آیت‌الله آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ که یکی از مراجع عالم تشیع هستند از اساطین روحانیت اسلام و مفاخر عالم تشیع بوده ، امید است خداوند متعال موجبات رفع نگرانیهای مسلمین و انجام منویات مقدسهٔ روحانیت اسلام را فراهم فرماید .

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

سؤال

حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج سید محمدهادی میلانی ـ مد ظله ـ مستدعی است راجع به مقام و شخصیت حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج آقا روح‌الله خمینی ـ مد ظله ـ عقیدهٔ خودتان را مرقوم بفرمائید .

اصناف بازار

Marfat.com

جواب

بسمه تعالی شأنه

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج آقا روح‌الله خمینی از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع تقلید می‌باشند . موقعیت دینی و شخصیّت اسلامی ایشان بر کسی پوشیده نیست . متعجبم چرا چنین سؤالی می‌شود .

۱۴ صفرالخیر ۱۳۸۳

محمدهادی الحسینی المیلانی

سؤال

حضور مبارک حضرت آیت‌الله آقای حاج محمدتقی آملی ـ دامت برکاته ـ معروض می‌دارد گرچه شخصیت علمی و تقوی و مقام شامخ حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ که یکی از مراجع عالیمقام عالم تشیع هستند بر مسلمانان ایران بلکه بر مسلمانان جهان پوشیده نیست . ولی اکنون برای مطلبی مقتضی است عقیدهٔ خود را نسبت به مقام معظم‌له اظهار فرمائید مزید تشکر است .

عده‌ای از مقلدین ایشان

جواب

بسمه تعالی

مقامات علمی و عملی حضرت آیت‌الله آقای خمینی ـ مد ظله العالی ـ پوشیده نیست تا محتاج به بیان باشد . اینجانب جناب ایشان را به عنوان یک نفر از طراز اول از مجتهدین و مراجع تقلید می‌شناسم و می‌دانم جمله کثیری از شیعیان از ایشان تقلید می‌کنند صحت و عافیت ایشان و باقی روحانیون و عموم شیعیان را از مقام مقدس خواهانم .

العبد محمدتقی الاملی

Marfat.com

تصویر متن دست‌نویس اعلامیهٔ قبل

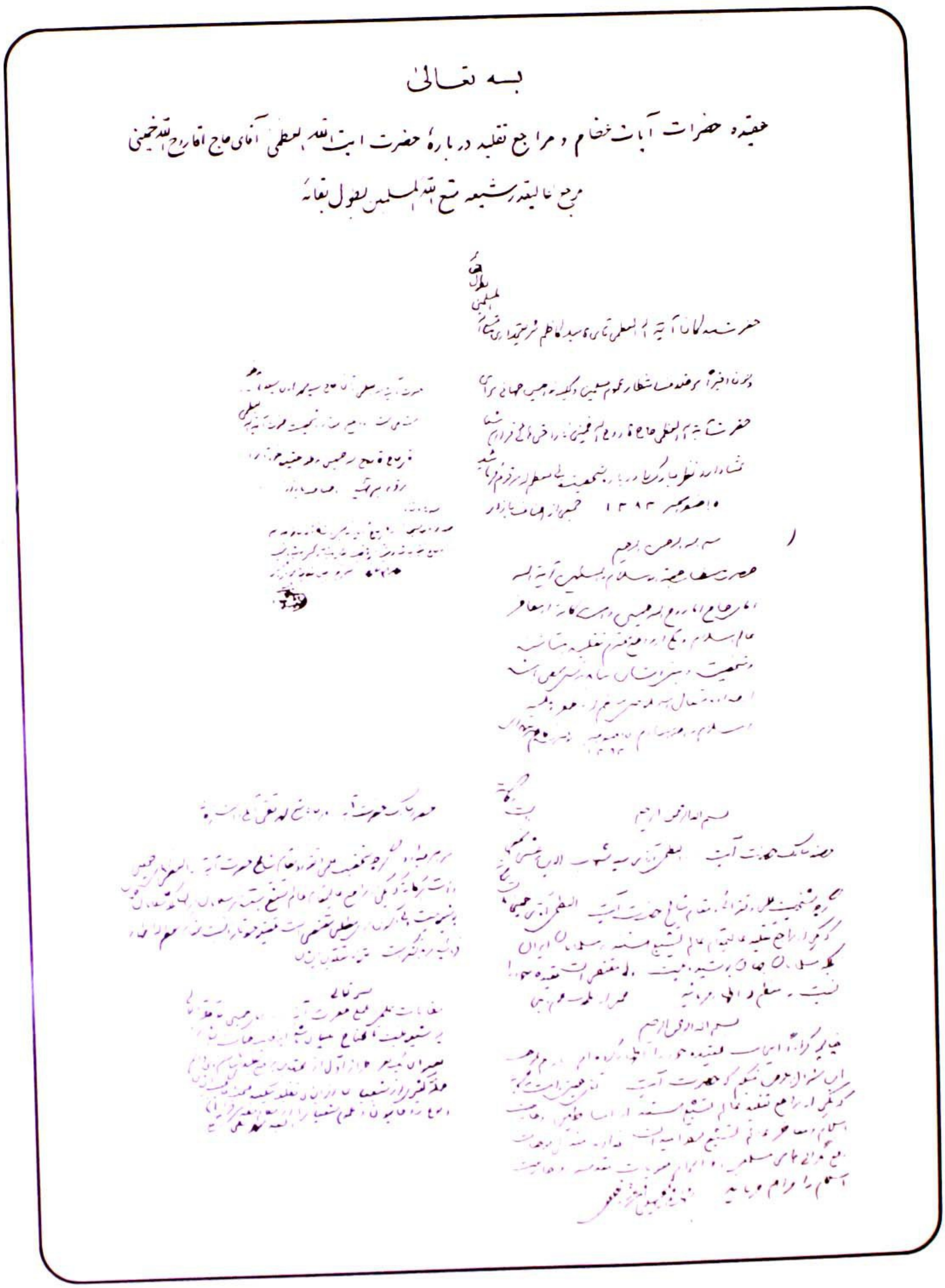

بسمه تعالی

عقیده حضرات آیات عظام و مراجع تقلید دربارهٔ حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا روح‌الله خمینی

مرجع عالیقدر شیعه متع الله المسلمین بطول بقائه

حضرت سیدکان آیة‌الله العظمی آقای سید کاظم شریعتمداری متع الله المسلمین بطول بقائه

[illegible]

حضرت آیة‌الله العظمی حاج آقا روح‌الله خمینی [illegible]

[illegible]

۱۵ صفر الخیر ۱۳۹۳ جمعی از اصناف بازار

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب حجة‌الاسلام والمسلمین آیة‌الله

آقای حاج آقا روح‌الله خمینی [illegible]

[illegible]

۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۲/۵/۱۴

پاسخ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به اطلاعیهٔ منتشر شدهٔ ساواک در پی آزاد نمودن امام خمینی

بسمه تعالی شأنه

وَمَکَرُوا وَمَکَرَ اللهُ وَاللهُ خَیْرُ الماکِرِینَ

جواب اطلاعیهٔ بی‌امضائی که به نام سازمان اطلاعات و امنیت کشور در روزنامهٔ کیهان و اطلاعات « مورخهٔ دوازدهم مردادماه برابر ۱۳ ربیع المولود » چاپ شده است عیناً درج می‌گردد :

« طبق اطلاع رسمی که از سازمان اطلاعات و امنیت کشور واصل گردیده است چون بین مقامات انتظامی و حضرات آقایان خمینی و قمی و محلاتی تفاهمی حاصل شد که در امور سیاسی مداخله نخواهند کرد و از این تفاهم اطمینان کامل حاصل گردیده است که آقایان بر خلاف مصالح و انتظامات کشور عملی انجام نخواهند داد علیهذا آقایان به منازل خصوصی منتقل شدند .»

۱ ـ اولاً این اطلاعیه چون بدون امضاء مشخص از طرف یک مقام مسئول می‌باشد هیچگاه نمی‌تواند ارزش یک خبر رسمی و سیاسی را داشته و یا اینکه الزام‌آور باشد و بلکه بیشتر نسبت به آن شائبهٔ جعل اخبار و اکاذیب و احتمال شایعه سازی می‌رود تا یک خبر رسمی و قاعدتاً باید روی قوانین مطبوعات ، هر روزنامه‌ای که ناشر این نوع اخبار گردد مورد تعقیب قرار بگیرد .

۲ ـ در دو سطر اول این اطلاعیهٔ بی‌امضا و پا در هوا نوشته شده « طبق اطلاع رسمی که از سازمان اطلاعات و امنیت کشور واصل گردیده » باید در اینجا از صاحب روزنامه

Marfat.com

پرسیده شود ، چرا و به چه علت اطلاع واصل شدهٔ رسمی را عیناً چاپ نکرده‌اید و اشکال کارتان چه بوده که از روی آن « اطلاعیهٔ رسمی » آمده‌اید خودتان یک خبر رسمی در روزنامه ، بطور نیمه رسمی تنظیم نموده‌اید!!! چرا؟

۳ـ در این اطلاعیه طرز تنظیم خبر و ادای احترام نسبت به حضرات آیت‌الله خمینی ، آیت‌الله قمی و آیت‌الله محلاتی ـ دامت برکاتهم ـ رعایت وظیفه اخلاقی و دینی نشده است به چه دلیل؟ ، البته این رجال فداکار که از برگزیدگان علم و تقوای این مملکت هستند نمی‌بایستی اخلاقاً این نوع خطاب نسبت به ایشان به عمل آید .

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد

۴ـ وامّا کلمه و جملهٔ « تفاهمی حاصل شده که در امور سیاسی مداخله نخواهند کرد » مطلبی است بسیار مضحک و شرم‌آور زیرا امروز نه تنها در جوامع ملتهای متمدن بلکه سیاهان آدمخوار و وحشیهای آفریقا هم دیگر این نوع تحمیلات و قید و حدود را قبول نکرده زیر بار نخواهند رفت و تا روزی که اصل « حق آزادی بشر » مفهوم عام دارد هر شخص در هر جای دنیا در راه بهبود وضع کشور خود طبق قوانین مذهبی و مملکتی خویش حق دخالت و حق نظارت و حق فعالیّت در امور اجتماعی که مفهومش همان نظارت در امور سیاسی است دارد و می‌بایستی هر شخص به نسبت قدرت و به نسبت تشخیص و معرفت و به نسبت قابلیت خود تأثیر کامل در بهبود وسائل سعادت اجتماع بگذارد با رعایت مذهب و مرام خود علی‌الخصوص یک مرجع دینی ، ملت متمدن و مسلمان ایران به هیچوجه نمی‌تواند قبول کند که طبقات ممتازهٔ علماء عالیمقام عالماً و عاملاً چراغ هدایت و بصیرت ، دیگر خود را با قراردادی مضحک « تفاهماً » خاموش گردانند و یا خود را از حق وظیفه‌ای که انجام آن مستقیماً به عادت دنیوی و اخروی مسلمین بستگی دارد ممنوع کنند این محال است . . . محال است . . . محال ، زیرا دستور : «کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیته» ملاک زندگی مردم مسلمان باید باشد و البته یک روح شیطانی در این اطلاعیهٔ پا در هوا و سبک خواسته است که علماء را با این

Marfat.com

طرز بیان بی‌ارزش و زبون و سازشکار به جامعه معرفی کند حاشا وکلا .

۵ - همچنین اگر در جمله « و از این تفاهم اطمینان کامل حاصل گردیده است که آقایان بر خلاف مصالح و انتظامات کشور عملی انجام نخواهند داد » توجه بشود مسخره‌ترین طرز جمله‌بندی بنظر می‌رسد مثل اینکه آقایان علماء افراد غیر مطلع و غیر وارد و یا در ردیف اشخاص سابقه‌دار و شرور بوده‌اند که کلانتری محل از آنها التزام می‌گیرد که دیگر امنیت محله را بر هم نزنند ومزاحم زندگی دیگران نشوند در صورتی‌که بر کلیهٔ افراد جامعهٔ ما روشن است که هیچ فردی از افراد کشور و هیچ طبقه‌ای از طبقات مملکت ممکن نیست به اندازهٔ جامعهٔ روحانیت شیعه رعایت مصالح اجتماعی و اخلاقی و وجدانی و ایمانی را تا کنون کرده باشند ، چه خواه ناخواه اثر قهری علوم و معارف عالیهٔ دین حنیف اسلام و تقوی و فضیلت ایمانی آشنایان به تعالیم وسیع مذهب تشیع مانع هرگونه فساد و انحراف فرد و جامعه می‌باشد وکیست که نداند هر شرارت و هر تخریب و هر ضایعه ویا هر افتضاحی که تا کنون پیش آمده است بر اثر عدم لیاقت مسئولین بی‌ایمان و بی‌کفایت و یا مغرض و مشکوک و خائن بوده است نه از جامعهٔ روحانیت .

۶ ـ اگر بر مبنای بی‌گناهی بنا باشد که آقایان عظام را پس از آن همه افترا و تهمتهای شرم‌آور آزاد نمایند دیگر جملهٔ معوج « منازل خصوصی » برای اقامت آقایان چه معنی و مفهومی خواهد داشت جز اینکه همه بدانند و بفهمند که تنظیم کنندگان این اطلاعیه خواسته‌اند با مکر و تزویر و دادن یک نوع آزادی تصنعی و فریبنده برای آقایان علما و زندانیها فداکاری و مجاهدت بی‌نظیر جامعهٔ روحانیت و مهاجرتهای دسته‌جمعی مراجع شیعه و علمای بلاد را به مرکز که دنیا را به خود متوجه ساخته در نظر عامه بی‌اثر نمایند و در عین حال همان حکومت نظامی و همان خفقان و سلب آزادی نسبت به طبقهٔ روحانیون و سایر طبقات ملت مسلمان ایران خصوصاً در امر انتخابات برقرار است و به همین علت می‌باشد که به روشنی و وضوح به مردم کشور می‌نمایانیم تنظیم این اطلاعیه که نشانهٔ کامل عدم لیاقت تنظیم کنندگان آن است بیشتر رسواکنندهٔ کسانی است که حتی

Marfat.com

از ترس و شرم جرأت امضاء آن را نکرده‌اند در صورتی که یک عمر بهره‌بردار از عناوین و مشاغل و مقامات حساس بوده و جیره‌خوار دستگاه هستند لذا حقاً جای دارد همان طوری که چندین سال است همهٔ متفکرین قوم می‌گویند ، و ما هم نیز بر این عقیده‌ایم کسانی که در دستگاهها شاغل امور مهمهٔ کشور هستند اکثراً نشان داده‌اند که فهم و لیاقت و شایستگی به آن مشاغل مهمه را نداشته و پیوسته می‌بینیم آثار لیاقت و فطانت و هوش و کفایتشان در انجام کارهای اجتماع مانند تنظیم همین اطلاعیهٔ بی‌اساس می‌باشد و بالاخره دریافت خواهد شد که برای اصلاح امور مردم و جلب توجه و رضایت ملت بینا و فهیم این مملکت چاره‌ای جز برکنار کردن این انبوه نالایق نیست و به ناچار باید در تعقیب کارها و سخنان گذشته اسم این اطلاعیه را هم یک نوع اطلاعیهٔ پوشالی نام نهاد زیرا معلوم است تنظیم کنندگان این اطلاعیه چقدر به مغز گیج خود فشار آورده‌اند تا چنین اطلاعیه‌ای را تنظیم کرده‌اند .

با این تجزیه و تحلیلی که درج گردید می‌توان به خوبی دریافت که موضوع متن اطلاعیه ساختگی و بکلی بی‌اساس و به هیچوجه مقرون به حقیقت نمی‌تواند باشد و بزودی ان شاء الله پرده‌ای از روی این صحنه‌سازیها برداشته شده و حقایق بر عموم مردم مسلمان ایران و جهان کشف خواهد شد .

۱۵ ربیع الأول ۱۳۸۳ ـ تهران

شهاب الدین المرعشی النجفی

Marfat.com

حضور مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی
متع الله المسلمین بطول بقائه

با در نظر گرفتن اوضاع فعلی و سلب آزادی از تمام طبقات مردم و محدودیت کامل مراجع عظام و زندانی بودن رجال و سایر افراد مملکت و تعطیل مجالس و محافل تبلیغات مذهبی، شرکت در امر انتخابات جایز است یا خیر؟ مستدعی است نظریه خود را در این باره مرقوم فرمائید .

اصناف بازار تهران

بسه تعالی

این موضوع از حقیر به طرق مختلفه از شهرستانها سؤال شده و جوابی که نوشته شده به قرار ذیل است:

با توجه به مراتب مذکورهٔ فوق و نبودن آزادی چه در قلم و چه در بیان و محدودیت کامل در اقدامات دینی فقط وکارشکنی‌ها و حکومت سر نیزه و مقاصد سوئی که اولیاء امور در نظر دارند مانند شرکت نسوان و سایر اموری که سابقاً تصریح شده معاونت و شرکت در امر انتخابات به هر نحو و عنوانی باشد جایز نیست، در خاتمه از حضرت ولی عصر روحی له الفداء استمداد کرده، سعادت و توفیق و اصلاح امور مسلمین را از خداوند متعال خواهانم .

والسلام علی من اتبع الهدی
۲۱ ربیع المولود ۱۳۸۳ طهران
شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

اطلاعیهٔ علمای مشهد برای استقبال از حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در مشهد
۲۷ شهریور ۱۳۴۲

(اطلاعیه)

بدین وسیله باطلاع عموم برادران دینی میرساند
روز چهارشنبه ۲۷ شهریور عالم مجاهد حضرت آیة الله
العظمی آقای:
سید شهاب الدین مرعشی نجفی
ساعت ۹½ صبح با هواپیما برای تشرف بآستان قدس
رضوی بمشهد وارد و در منزل
حضرت آیة الله العظمی آقای میلانی
اقامت خواهند فرمود
مجتبی قزوینی . الاحقر محمد رضا الموسوی . محمد کاظم
بامیانی . الاحقر حبیب ا... تبریزی . حسنعلی مروارید . الاحقر
جواد طهرانی . الاحقر عماد الاسلام بختیاری . علم الهدی .
الاحقر غلامحسین تبریزی . الاحقر الحاج السید محمد علوی . سید
ابراهیم علم الهدی . مرتضی الحسینی . الاحقر شیخ
محمد حسین الخراسانی . سید حسن نجف آبادی . خلیل
الدین الحسینی . الاحقر محمد علی مدرس النجفی . عباس طبسی
شیخ محمد رضا نوقانی . سید نور الدین میلانی

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۲/۷/۹

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در اعتراض به رفتار ظالمانه و غیر انسانی رژیم شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّهُمَّ انْصُرِ الاِسلام ـ اللّهُمَّ انْصُر الْقُرآن ـ اللّهُمَّ انْصُرْ حُماة الدین

ملت غیور و مردم مسلمان ایران

به طوری که مستحضرید ، دولت جائر و قانون‌شکن ، همچنان به رفتار ظالمانه خود ادامه داده و شعارش بی‌اعتنائی به قوانین اسلام و اصول آزادی و انسانیت شده است . و با ارتکاب اعمال خلاف قانون و شرع پیوسته احساسات دینی و ملی مردم مسلمان را به هیجان آورده و سیل نفرت و انزجار عمومی را نسبت به دستگاه بیشتر و شکاف عظیمی بین خود و ملت ایجاد می‌کند ، و ندانسته مملکت را به پرتگاه نیستی و فنا نزدیکتر می‌سازد . و چنین تصور می‌کند که اگر پس از دستگیری مراجع تقلید (حضرت آیت‌الله آقای خمینی دام ظله) مرجع عالیقدر (حضرت آیت‌الله آقای میلانی دام ظله) را در منزلش زندانی کرده و ارتباط معظم‌له را با اجتماع قطع کند می‌تواند در ثبات و استقامت روحانیت و ملت مسلمان در راه مبارزه علیه قانون‌شکنی خللی وارد کند . (زهی تصور باطل . زهی خیال محال) .

مردم مسلمان با استمداد از مقام ولایت حضرت صاحب الامر امام زمان ـ ارواحنا فداه ـ خود را موظف می‌داند در راه استقرار عدالت اجتماعی کوچکترین سستی و فتوری به خرج نداده و برای تحصیل این هدف مقدس از پای ننشیند .

حقیر لازم می‌دانم ، ضمن اظهار تنفر از این اعمال غیر انسانی برای اعتراض نسبت به

Marfat.com

مظالم و فجایع بی‌شمار دستگاه حاکمه که منجر به این اوضاع مفتضح و انتخابات رسوا شده است مردم شریف ایران ، روز شنبه ۱۶ جمادی الاولی برابر با ۱۳ مهر ماه از صبح تا ظهر اعتصاب عمومی بنمایند .

از ساحت قدس ربوبی مسئلت می‌نمایم به حق خاتون محشر جدهٔ سادات حضرت صدیقه کبری -روحی لها الفداء -که این ایام مصادف با شهادت آن علیا مخدره می‌باشد و دولت بدون اعتنا به نوامیس مذهبی جلوگیری از اقامه مجالس عزای آن بانوی اسلام می‌نماید ، به عموم مسلمین فرج عطا فرموده قرآن و اهل قرآن را خرسند و مسرور بنماید .

والسلام علی من اتبع الهدی

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

۱۲ جمادی الاولی ۱۳۸۳

تاریخ : مهر ۱۳۴۲

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در محکوم نمودن اعمال خلاف و ضد اسلامی رژیم شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

«واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»

ملت شرافتمند و با ایمان ایران و جهان : اتحاد و استقامت و ایستادگی شماها در مقابل حکومت سرنیزه نشان بارزی است از حریت و انزجار از پرچم ظلم و ستم و ابراز تنفر از اعمال غیر انسانی .

دنیای کنونی بر احساسات و مجاهدات و از خودگذشتگیهای شما ملت مسلمان ایران تحسین می‌کند ، امروزه این مملکت بر خلاف دیروز آن است ، زیرا تمام ملت ایران را

Marfat.com

صف واحد تشکیل داده و هیئت اسلامی با حرارت ایمان خود در مقابل تجاوز به حریم مقدس اسلام شجاعانه مقاومت کرده و قلب آنان را مرتعش ساخته و آمادگی خود را در راه حفظ اصول و مبانی اسلام اعلام و از هیچ نوع ایذاء و شکنجه و حبس و زجر متألم نگشته ، در مقابل حوادث روز به روز افروخته‌تر ، و به عمال یهود و بیگانگان و دشمنان قرآن به چشم حقارت می‌نگرد .

تعطیل روز شنبه « ۱۶ جمادی الاولی برابر ۱۳ مهرماه » به دنیا نشان داد که مردم ایران از مجلس فعلی متنفرند ، زیرا مجلس شورا فعلاً به صورت غیر شرعی و قانونی مبدل و مفهوم انتخابات به معنی انتصابات درآمده ، و منصوبین آن بر خلاف مقررات اسلام از فتاوای مراجع تقلید سرپیچی کرده‌اند ، با چنین وصف از نظر قانون نیز رسمیت نداشته و الزام‌آور نخواهد بود .

هیئت حاکمه بداند ، تهدید و زور و وادار به تفرق نمودن علماء اعلام از تهران به شهرستانها ، و از تاریکی شب استفاده نمودن و به زور و جبر به قم و مشهد سوق دادن ، موجب سستی و کوچکترین خللی در اراده و اصل مبارزه آنها نخواهد بود ، و چنانچه در مدت اقامت چهارماههٔ خود در تهران گوشزد نموده‌ام که تا خواسته‌های مشروع روحانیت و ملت عملی نشده ممکن نیست که مراجع عظام از نشر حقایق خودداری نمایند .

ممالک دنیا و آزادمردان و ملت مسلمان جهان بدانند : روحانیت و ملت متدین ایران مانع ترقیات مملکت ، عمران و آبادی ، و رشد افکار عمومی نبوده بلکه طبق دستورات اسلام پیشرفت و ترقی و تعالی عموم ملت را آرزومند بوده ، لکن انقلاب اخیر را بر خلاف ترقیات دانسته و نمی‌توان جز افسانه تفسیر کند .

در قاموس حکومت ایران لغات و مفاهیم بکلی تغییر کرده ، و بر خلاف ممالک دنیا اصول معانی خود را از دست داده است .

مفهوم ترقی در ایران : زندانی کردن مراجع و رجال و دانشمندان . مفهوم ترقی : سلب اعتبار بازار و فلج کردن اقتصادیات . مفهوم ترقی : بر حجم فحشاء و منکر

Marfat.com

افزودن ، و ممانعت از تهذیب اخلاق و تشکیل مجالس وعظ و تبلیغات مذهبی . مفهوم ترقی : سلب آزادی فکر و احساسات آیات عظام ، و اساتید محترم دانشگاه و فضلا و طلاب علوم دینیه و دانشجویان ، و کور کردن فهم و دانش و بینش رجال و مردان خیراندیش و روشن‌ضمیر . آری مملکت ما اکنون با وجود خفقان فعلی و سلب آزادی از کلیه طبقات به صورت زندان عمومی درآمده است .

ملت هشیار و متدین را نمی‌توان از دین و رهبران دینی بازداشت . زیرا معتقدند که دستورات مراجع تقلید حاکم بر مجلس و قوانین آن بوده و خواهد بود .

عالم روحانیت بدنبال اقدامات دینی و مجاهدات و سعی در استخلاص حضرت آیت‌الله آقای خمینی و آیت‌الله قمی ـ دامت برکاتهم ـ از تعقیب هدف مقدس و مشروع خویش خودداری نکرده و به مبارزات خود ادامه خواهد داد .

امید است بزودی دست غیبی بداد مظلومیت ملت محروم و ستمدیده ایران رسیده و ملت مسلمان و برادران ایمانی به آمال و آرزوهای خود نائل شوند .

والسلام خیر ختام

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

تاریخ : خرداد ۱۳۴۳

اعلامیهٔ مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم در یکمین سالگرد قیام خونین پانزدهم خرداد

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانّا الیه راجعون ـ وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون

یک سال از فاجعه خونین دوازدهم محرم ۸۳ (پانزده خرداد ۱۳۴۲) گذشت یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد یک سال از بی‌خانمان شدن و بی‌سرپرست شدن

Marfat.com

یتیمان بی‌پدر و زنهای بی‌شوهر و مادران داغدیده گذشت . واقعهٔ ۱۵ خرداد ننگ بزرگی برای هیئت حاکمه به بار آورد . این واقعه فراموش شدنی نیست ، تاریخ آن را ضبط کرد . آیا ملت مسلمان چه جرمی مرتکب شده بود ، زنها و اطفال صغیر چه گناهی کرده بودند ، چرا آنها را به مسلسل بستند؟ علماء اسلام و خطباء مذهبی چه جرمی داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود دفاع از *قرآن کریم* بود . به جرم نصایح مشفقانه و صلاح‌اندیشی اهانت شدند ، به حبس کشیده شدند محصور گردیدند مبتلا به مصائب شدند .

علماء اسلام وظیفه دارند از احکام مسلّمهٔ اسلام دفاع کنند از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند از ستمکاریها و ظلمها اظهار تنفر کنند ، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند ، از اسرائیل و عمال اسرائیل ، دشمنان *قرآن* مجید و اسلام و کشور برائت جویند از اعدامهای بی‌جهت و تبعیدهای دسته‌جمعی و محاکمات غیر قانونی و محکومیتهای بدون مجوز بیزاری جویند . صلاح حال ملت و مملکت را در هر حال بیان کنند . اینها جرم است؟ اینها ارتجاع سیاه است؟ در این مملکت تمام فرق ضاله آشکارا تبلیغ ضد اسلامی می‌کنند ، محافل آزاد دارند ، مجالس علنی دارند ، مسیحیّین فرستنده در کلیسای انجیلی در تهران دارند . مؤسسه در کرمانشاه دارند ، مدارس رسمی دارند . برخوردار از پشتیبانی دولتها هستند . نشر کتب ضد دینی آزاد است فقط مسلمانها و مبلغین مذهبی و علماء اسلام آزاد نیستند . تبلیغات دینی و بیان قانون شکنیها ارتجاع سیاه شناخته شده و ممنوع گردیده ، محافل دینی و مجامع مذهبی محتاج به اجازه شهربانیها و سازمانها است . دسته‌جات عزاداری بر حضرت سیدالشهداء ـ علیه صلواة والسلام ـ باید محدود و ممنوع باشد ما نمی‌دانیم اینها چه بستگی به اسرائیل و عمال اسرائیل دارند . آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می‌کنیم؟ ایران بزرگ تحت‌الحمایه اسرائیل است؟ آیا خلاف مصالح کشور نیست که مطالب خودساختهٔ بی‌سروپایی را در افواه ملی بیاندازند و روزنامه‌ها در اطرافش بحث کنند و ضعف دولت را بر ملاء نمایند

Marfat.com

این سیاست غلط نیست؟ این فضیحت نیست؟ اینها ملت را خواب فرض کردند ، ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم ، برنامهٔ ما که برنامهٔ اسلام است وحدت کلمهٔ مسلمین است اتحاد ممالک اسلامی است برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم همپیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان مقابل صهیونیست ، مقابل اسرائیل ، مقابل دول استعمارطلب ، مقابل کسانی که ذخائر این ملت فقیر را به رایگان می‌برند و ملت بدبخت در آتش فقر و بی‌کاری و بی‌نوائی می‌سوزد . در حضور چهره‌های رنگ‌پریده از گرسنگی و بی‌نوائی دائماً دولتها دم از ترقی و پیشرفتهای اقتصادی می‌زنند . این حقائق تلخ ما را به تنگ آورده علماء اسلام را رنج می‌دهد اگر اینها ارتجاع سیاه است بگذار ما مرتجع باشیم . ما از واقعهٔ دوازدهم محرم/ ۱۵ خرداد ، خجالت می‌کشیم ، واقعهٔ شوم ۱۵ خرداد و مدارس علمی ، فیضیه و غیر آن پشت ما و هر مسلم غیرتمند را می‌شکند تا هیئت حاکمه چه عقیده داشته باشند ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی‌کند ما روز دوازدهم محرم را عزای ملّی اعلام می‌کنیم بگذار ما را مرتجع بخوانند کهنه پرست بدانند ما از عواقب این اعمال جائرانه خائف هستیم و نصیحت هیئت حاکمه را لازم می‌دانیم و کراراً نصیحت کردیم و خیر و صلاح را گوشزد کردیم و رعایت نشده است ، ما مصلحت می‌دانیم که دولت رویه را تغییر دهد سازمانها و شهربانیها را اینقدر بر ملت ستمدیده و بر علماء اسلام و خطباء محترم چیره نکند از این اعمال خلاف قوانین اگر می‌تواند جلوگیری کند علاقهٔ علماء اسلام به ممالک وقوانین اسلامی علاقهٔ الهی ناگسستنی‌است . ما از جانب خدای‌تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت را در مقابل خطرهائی که پیش‌بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می‌دانیم ؛ گناه بزرگ می‌دانیم ؛ استقبال از مرگ سیاه می‌دانیم . پیشوای بزرگ ما حضرت امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی‌دانست و ما نیز جایز نمی‌دانیم . وظیفهٔ ما ارشاد ملت است ؛ ارشاد دولتها است ؛ ارشاد جمیع

Marfat.com

دستگاهها است . ما از این وظیفه به‌خواست خدای تعالی خودداری نمی‌کنیم . در این زمان سکوت در مقابل ستمکاری اعانت به ستمکاران است . وظائف اسلامی وظیفهٔ ما تنها نیست ؛ وظیفهٔ تمام طبقات است ؛ وظیفهٔ مراجع اسلام است ؛ وظیفهٔ علماء اسلام است ؛ وظیفهٔ خطباء اسلام است ؛ وظیفهٔ تمام ملت است ؛ وظیفهٔ تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام است . ما امید واثق داریم که ملل اسلامی در آتیهٔ نزدیکی بر استعمار چیره شود و ما در موقع خود به خواست خدای تعالی از هیچگونه فداکاری دریغ نمی‌کنیم . از خداوند تعالی صلاح حال ممالک اسلامی و ملل اسلام و دولتهای اسلامی را خواستاریم .

اللهمّ اجعل افئدة من الناس تهوی الینا . والسلام علی من اتبع الهدی .

روح الله الموسوی الخمینی ـ محمدهادی الحسینی المیلانی ـ شهاب الدین النجفی المرعشی ـ حسن الطباطبائی القمی

٤

متن بیانات

حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی ـ متع الله المسلمین بطول بقائه ـ که در روز بیستم جمادی الثانیهٔ ۱۳۸۴ / ۴ آبان ۱۳۴۳ مصادف ولادت با سعادت بی‌بی عالم حضرت فاطمه زهراء(ع) ساعت ۹ صبح ایراد فرمودند

بسم الله الرحمن الرحیم

انا اعطیناك الکوثر. فصل لربك وانحر. ان شانئك هو الابتر.

البته آقایان متوجهید که امروز روز بسیار بزرگی است در اسلام . روزی است که خداوند سبحان منت گذارده به ولادت بی‌بی عالم علیا مخدره شفیعهٔ محشر جدهٔ سادات حضرت صدیقهٔ طاهره ـ سلام الله علیها ـ که نسل مبارک پیغمبر الی یوم القیامه به وسیلهٔ

Marfat.com

این بی‌بی است . شرق و غرب عالم را نسل مطهر ایشان پر کرده است . تمام ممالک اسلامی بلکه غیر اسلامی در همه جا نسل رسول اکرم به وسیلهٔ این مخدره است . مقام منیع ایشان محتاج به بیان نیست و امروز روز بزرگی است و روز مسرت است برای عموم مسلمین . (ولی متأسفانه) گرچه ما امروز باید غرق باشیم در شادی و خوشحالی که خداوند سبحان چنین نعمتی مرحمت فرموده ، پیش آمدهائی می‌شود پی در پی و هر روز حادثهٔ تازه‌ای . حالی برای ما باقی نگذارده . خداگواه است و اجداد طاهرینم شاهد است الساعه که دارم با شما صحبت می‌کنم حال صحبت ندارم و قلب من در کمال تزلزل است . لذا احتمال می‌دهم تا آخر نتوانم خودم صبحت کنم . و من برای احتیاط نوشتم بعضی عرایضم راکه اگر نتوانستم به صحبت ادامه دهم به وسیلهٔ خطیب محترم آقای نبوی به سمع شما می‌رسد .

شما می‌شنوید و خیلی چیزها به سمعتان می‌خورد . پاره چیزهائی است که شاید به سمعتان نرسیده باشد . از جمله همین حادثه‌ای است که اخیرا (یعنی این تصویبی که پیش آمده) تصویبی که مصونیت داشته باشد اتباع خارجه مخصوصاً بعضی از خارجه که اسمش برده شده و خواهد برده شد که هر جنایتی را مرتکب شوند یا هر جرمی را مرتکب شوند مصونیت داشته باشند . اگر مثلاً فرض بفرمائید یکی از اتباع آنها شخصیت بزرگ مملکت را از حیث روحانیت و از هر حیث بخواهد صدمه‌ای بزند به هیچ قسم مسئولیت نداشته باشد . مبلغین مسیحی در کمال آزادی ! مبلغین ادیان باطله در کمال آزادی ! خود حقیر با همین دو چشم دیدم که مبلغ مسیحی روی پل قم مشغول تبلیغ است و کتب مسیحی را به دست مردم می‌دهد . مبلغین فرق ضاله در کمال آزادی ! اسم مملکت مملکت شیعه ! مملکت اسلام ! ! و این عملیاتی است که فعلاً دارید ملاحظه می‌فرمائید .

چه بکند انسان ؟ گفتن بیش از این نمی‌شود ! ! چهار ماه در طهران گفته شده وسیله اعلامیه‌ها و منشورات . اتمام حجت شده همه گونه با اینها مذاکره شده . بحق حق

Marfat.com

قسم است که همین چند روز قبل که حالت قلبی حقیر بهم خورده بود خدا شاهد است در همان حال من خوشحال بودم که دارم از این نشئه می‌روم . چون خیلی سخت است که انسان در محیطی گرفتار شود و دائماً ببیند که حملاتی است بر علیه روحانیت و دیانت و نتواند کاری بکند . قلم بسته ! زبان بسته ! تکلیف چیست ؟ ! بغیر از توسل به حضرت ولی عصر ـ روحی له الفداء ـ من دیگر چاره‌ای ندارم و نمی‌دانم چه باید کرد ؟

شما ملاحظه می‌فرمائید که از ماکسی ناراحتتر است ؟ ! خوب الان بعضی از علماء در حبس ؛ بعضی از خطباء آقای حاج شیخ عباسعلی اسلامی ، همه‌تان می‌دانید که در اسلام و در مملکت ایران این شخص چقدر زحمت کشیده ، تمام این مدارس اسلامی مرهون منت ایشان است . شایسته است که این مرد محترم را با دستبند ببرند برای محاکمه ؟ ! دستبندی که به دست دزد می‌زنند ! به دست جانی می‌زنند ! ! این مرد محترم را به این نحوه ببرند برای محاکمه ؟ ! شایسته هست که حضرت حجت‌الاسلام آقای قاضی شخص اول مجاهد آذربایجان ، این سید محترم صحیح النسب عالم را حبس کنند ؟ ! دفعه سوم حبس ایشان است . شایسته است که عده‌ای از مسلمین از بازاریها و غیر بازاریها در شکنجه باشند ؟ ! همین هفت ـ هشت روز قبل علّت ناراحتی قلب بنده این شد که دیدم طرف عصر بود یک مشت‌زن و بچه ریختند توی خانه ، شروع کردند به گریه کردن ، معلوم شد که اینها اشخاصی هستند که شوهرهایشان از پانزده خرداد مصادف با دوازدهم محرم تا امروز در جزایر دور افتاده تبعید شده‌اند ودر شکنجه‌اند . با گریه و ناله گفتند که آقا حتی گلیم زیر پایمان را هم فروخته‌ایم . تکلیف ما چیست ؟ آنها گریه و ماگریه ، شب حال بنده بهم خورد . این وضع فعلی ماست . دیگر بیشتر از این نمی‌توانم صحبت کنم . (در اینجا حالت مزاجی حضرت آیت‌الله‌العظمی بهم خورد و نتوانستند به بیانات خودشان ادامه دهند و خطیب محترم جناب آقای سید حسین نبوی حسب‌الامر معظم‌له بیانیهٔ ایشان را به شرح زیر قرائت نمودند .

Marfat.com

دستخط مبارک حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای نجفی مرعشی زعیم عظیم عالم تشیع در بارهٔ کاپیتالاسیون و بازداشت جمعی از علما که امر فرمودند اینجانب از روی آن قرائت کنم و به سمع برادران عظام ، شیعیان امیرالمؤمنین(ع) ارادتمندان به صدیقهٔ طاهره - سلام الله علیها - برسانم .

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز از نظر اینکه روز تولد یگانه دختر پیغمبر اسلام حضرت فاطمهٔ زهرا - سلام الله علیها - می‌باشد بسیار با اهمیت است . روزی است که تمام مسلمین جهان در تمام ممالک اسلامی باید به پاس احترام این بانوی باعظمت جشنها گرفته و اظهار سرور نمایند . متأسفانه در مملکت ایران رفتار هیأت حاکمه با ملت شریف و متدین نحوی شده گوئی که سرتاسر مملکت را غم و اندوه فرا گرفته و عموم ملت از عاقبت امر نگران و شب و روز خود را به وحشت و نگرانی عجیب می‌گذرانند . من یقین دارم که دل پرخون حضرت ولی عصر(عج) تأثیر عمیقی در تمام دلها داشته و روز به روز رو به تزاید است . تصویبات غیر مشروعه یعنی مصونیّت مستشاران آمریکائی بسیار مایهٔ تأسف است . با اینکه در زمان زمامدار سابق ایادی استعمار دول بیگانه برای اینکه ملت ایران را تحت نفوذ و سلطه و بردگی خود درآورند چنین مطلبی را بر ملت ایران تحمیل کرده بودند و از افتخارات آن زمان این موضوع بود که ملت از فرط خوشحالی جشنها گرفتند . (بدبختانه) نمی‌دانم چه موجباتی فراهم گردید چه عواملی باعث شد که این قانون منحوس را بار دیگر در مجلسین ایران علی رغم انف تمایلات ملت شریف ایران بالاخص جامعهٔ روحانیت تصویب نمودند . آخر در کجای دنیا سابقه دارد که برای رقیّت و بردگی یکمشت ملت محروم همچون قانون وحشیانه را وضع کنند . در صورتی که فعلاً تمام دول عقب افتاده هم برای احراز استقلال و کسب آزادی خود از قید استعمار قیام نموده و از نعمت حریت برخوردار می‌باشند .

Marfat.com

دولت ایران به وسیلهٔ مطبوعات و دستگاه تبلیغات مملکت ما را همردیف با ممالک راقیه دنیا معرفی می‌کند و حال آنکه عملاً بر خلاف آن رفتار مـی‌نماید . (آیـا) مـفهوم ارتقاء این است که اگر یکی از مستشاران آمریکائی روی همین قانون به یک فرد محترم ایرانی حتی شخصیّت بزرگی از هر طبقه جنایت و خیانت کند و به عرض و ناموس و مال مسلمین دست تعدی و تجاوز دراز کند مصونیت داشته باشد و محاکم قضائی ایران حق مداخله و بازداشت او را نداشته باشند . من یقین دارم که عقلای ایـران بـه وضـع رجـال ایران خندیده و این نوع تصویبات را رجوع به قهقرا و ارتجاع سیاه تفسیر خواهند کرد . زیرا مصونیتی که برای آنها تصویب شده بر خلاف قوانین بین‌الملل و دور از شـرافت و انسانیت و غیرت است . (آیا) این معنی را می‌شود به غیر از ارتجاع سیاه تعبیر نمود؟ من نمی‌دانم که به کدام یک از مصیبتها گریه کنم؟ به مخالفت صریح احکام اسـلام و قـرآن گریه کنم یا به نشر کتب ضاله و نشریات ضد اسلامی گریه کنم؟ یا به محدودیت گویندگان دینی گریه کنم؟ به وضع ملت بیچارهٔ ستمدیده گریه کنم یا به وضع فـقرا گـریه کـنم کـه فردای زمستان با این گرانی قیمتها با این قحطی وسائل زندگی چه خواهند کرد؟ به وضع اقتصادی مملکت گریه کنم یا به بازار فلج و راکد گریه کنم؟ به قحط الرجال مملکت گریه کنم ، یا به رفتن فلاحت و زراعت گریه کنم؟ به گرفتاری علماء و خطباء و دانشمندان و رجال و اساتید محبوس گریه کنم؟ یا به زجر و شکنجه‌ها گریه کنم؟

آیا سزاوار است که تاکنون حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقـای قـاضی ، اول شخص مجاهد آذربایجان ـ دامت برکاته ـ در حبس بسـر بـرند؟ آیـا سـزاوار است کـه حضرت حجت‌الاسلام آقای طالقانی و اساتید محترم در حبس باشند؟ آیا روا است که حضرت مستطاب حجت‌الاسلام خطیب شهیر آقای حاج شیخ عباسعلی اسلامی ـ دامت برکاته ـ که از مفاخر روحانیت می‌باشند و خدمات شایانی در اسلام نموده‌انـد (از قـبیل تأسیس مدارس اسلامی) محبوس باشند و با دستبند برای محاکمه به ایـن سـمت و آن سمت بکشند؟ دستبندی که برای دزدها و جانیها می‌باشد .

Marfat.com

(آقایان وکلای بی‌موکل که در خانهٔ ملت گرد آمده‌اید.) آیا شماها برای دفاع از حقوق مسلمین و حفظ استقلال ملت و مملکت جمع شده‌اید یا برای اینکه با دست خود سند اسارت و بردگی یکمشت ملت شریف ایران را امضاء کنید؟

ما کراراً به وسیلهٔ اعلامیه‌ها چه در تهران و چه در قم به همهٔ مردم گفتیم که این مجلس به ملت مربوط نیست . وهرچه تصویب کنند [نیز همین طور] است . زیرا همان وقت ما متوجه این قبیل عواقب وخیمه بودیم و لذا این مجلس را تحریم و غیر قانونی اعلام نمودیم . دیگر بس است . بیائید چند روزی هم به فکر مملکت خود باشید . کاری کردید که آبروی مملکت و ملت را در دنیا بردید .

خدایا تو گواهی ، آنچه وظیفهٔ شرعی و وجدانی ما بود به اولیای امور و ملت رساندیم . من می‌ترسم که یکمشت ملت مسلمان هم به نتیجهٔ اعمال سوء اینها گرفتار شوند .

(من بدین وسیله) از عموم طبقات ملت ایران استمداد می‌کنم که بیش از این صبر و تحمل نکنند و برای حفظ دین و استقلال مملکت خود اعتراض و انزجار خود را ابراز نمایند . من از علمای اعلام و طلاب علوم دینیه تقاضا می‌کنم بیش از پیش در این جنایت بزرگ مردم را آگاه فرمایند . مراجع عظام از اعتراض به مجلسین غیر رسمی خودداری و سکوت نخواهند فرمود . تمام طبقات مسلمین جهان را لازم است که عدم رسمیت این تصویبنامه مفتضح تحمیلی را به دنیا اعلام نمایند و از دولت آمریکا و از دست‌نشاندهٔ او اسرائیل که به منزلهٔ سرطانی است در بین ممالک اسلامی اظهار تنفر کنند . ما از دشمنان اسلام هر دولت و هر مملکتی که باشد متنفر و منزجریم . چه آنهائی که نام برده شد و چه غیر آنها .

بر افرادی که در این جنایت بزرگ و قانون تحمیلی مخالفت کرده‌اند لازم است که از دین مقدس اسلام و مصالح کشور دفاع کنند و نگذارند که بیش از این به نوامیس دینی و ملی تجاوز شود . و آنهائی راکه در مجلسین با تصویب این قانون موافقت کرده‌اند به

Marfat.com

ملت غیور ایران و مراجع عظام معرفی کنند . دولت آمریکا و سایر دول غیر اسلامی نباید بیش از این با نوامیس دینی و ملی ممالک اسلامی بازی کرده و قلوب آنها را جریحه‌دار نمایند . بترسند از روزی که خدای قاهر و توانا آنها را به عذاب خود گرفتار کند بترسند از سیل تنفر ممالک اسلامی بالاخص ملت شریف و اصیل ایران .

خدایا تو شاهدی که من آنچه را که صلاح دین و ملت و مملکت بود گفتم و از وظیفهٔ خود دریغ ننمودم . خدایا از ذات اقدست در این روز عزیز مسئلت می‌نمایم که ملت مسلمان و مملکت ایران را از شرّ اجانب و دشمنان و ایادی خائن محفوظ فرمائی .

والسلام علی من اتبع الهدی

۲۰ جمادی الثانیهٔ ۱۳۸۴

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

تاریخ : آبان ۱۳۴۳

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در پی تبعید امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

(اَلَّذینَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ اِلّا اَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ...)

ملت مسلمان ایران و جهان می‌داند که در این روزها به عالم روحانیت چه‌ها گذشت . می‌داند که عالم روحانیت چه لطمه بزرگی را مشاهده نمود . می‌داند که حوزهٔ علمیهٔ قم با چه مصائبی مواجه شده . می‌داند که مطبوعات علیه روحانیت چه‌ها نوشته ، می‌داند که بار دیگر مجاهد عظیم‌الشأن برادر عزیزمان (حضرت آیت‌الله خمینی دامت برکاته) را با کمال وقاحت در تاریکی دستگیر و بنا بر نوشتهٔ جرائد و تبلیغات به خارج از ایران برده شده و پشت سرش دستگاه دروغپرداز و جرائد چه هتاکیها نموده و چه تهمتهای ناروا

Marfat.com

زده‌اند . می‌داند که پس از گرفتاری معظم‌له آقازادهٔ محترمشان را که با قلبی غمناک و دلی شکسته به منزل حقیر آمده بود مأمورین در روز روشن از بام خانه ریخته و بی‌شرمانه ایشان را نیز بردند . و مقاومت و اصرار من با خشونت مأمورین مواجه گردید . در صورتی که این رفتار جائرانه بر خلاف موازین شرع مقدس اسلام و قانون خودشان می‌باشد . زیرا که منازل مراجع تاکنون مصونیت داشته و نظرشان در اساس قوانین معتبر است .

(هیئت حاکمه بداند) که جرم بسیار بزرگی مرتکب شده و تاریخ جهان این جنایت را هرگز فراموش نخواهد کرد . (آیا) شرم‌آور نیست که یکی از مراجع شیعه را به جرم اعتراض به تصویب بعضی از لوایح غیر شرعی و غیر قانونی از مملکت خود خارج کنند ؟ (آیا) ننگ نیست که اجانب مصون باشند و آیت‌الله خمینی را به بیگانگان بسپارند ؟ من از تبعید معظم‌له بسیار ناراحتم . من دیگر دقیقه‌شماری می‌کنم تا کی از این زندگی ننگین توأم با اسارت مستخلص شوم .

(روحانیت) در جمیع ادوار حافظ نوامیس اسلامی و استقلال مملکت و تمامیت ارضی کشور بوده و قرون متمادی سینه خود را در مقابل حوادث و حملات دشمنان دین و مملکت سپر بلا نموده و تاریخ درخشان در هر عصری خدمات روحانیت و سعی و کوشش مبلغین اسلام را ضبط کرده است .

(آیا) حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ و سایر مراجع عظام جز اصلاح جامعه و حفظ اصول اسلامی و استقلال و تمامیت ارضی مملکت هدفی داشتند که این نحوه با کمال وحشیگری معظم‌له را از وطن خود تبعید کرده و مطالب بی‌اساس را منتشر ساخته و بلا فاصله مساجد و منازل مراجع و مدارس طلاب علوم دینیه را محاصره کنند ؟

مراجع وقت در مواقع احساس خطر ملت مسلمان ایران را متوجه ساخته و هرگز از امر به معروف و نهی از منکرات سکوت نخواهند کرد .

ما بدین وسیله مراتب انزجار و تنفر خود را و جامعه روحانیت و عموم مسلمانان را

Marfat.com

ابراز نموده و به یاری حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عظمت اسلام و مسلمین و استخلاص معظم‌له را از خداوند متعال خواستاریم .

(والسلام علیکم وعلی جمیع اخواننا المسلمین)

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

تاریخ : ۱۳۴۳/۸/۲۰

پاسخ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به تلگرام آیت‌الله‌العظمی میلانی در بارهٔ تبعید امام خمینی

مشهد مقدس

حضرت آیت‌الله آقای میلانی دام ظله

رونوشت تلگراف مورخهٔ ۴۳/۸/۱۳ واصل ، نسبت به گرفتاری و تبعید حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت افاضاته ـ که یکی از مراجع تقلید و مصونیت قانونی دارند ، اظهار تأسف و تأثر فرموده بودید . واقعاً جای تأسف است ، در مملکتی که طبق قانون ، مراجع وقت مصونیت دارند ، به جهت اعتراض به بعضی از لوایح غیر شرعی به خارج از کشور تبعید می‌شوند و مورد تهمتهای ناروا قرار می‌گیرند و آقازادهٔ معظم‌له را که در منزل حقیر بود ، از دیوار بام به منزل ریخته ، با وضع اسفناکی دستگیر می‌کنند . همه می‌دانند که عالم روحانیت و مراجع عظام اولین حامی و پشتیبان مبانی دین و استقلال و تمامیت ارضی مملکت بوده و در ادوار حساس مملکت اسلامی و شیعه ایران را از ورطهٔ سقوط و افتادن بدست بیگانگان نجات داده‌اند .

واقعاً خنده‌آور است که در مجلسین عوض اینکه به فکر بیچارگی مردم باشند . زبان به هتاکی یکی از شخصیتهای بزرگ اسلامی و مراجع دینی و عالم روحانیت می‌گشایند و

Marfat.com

بعضی مطالب اظهار می‌کنند که به مضارّ آن توجه ندارند . (البته) ملت مسلمان ایران کاملاً قضاوت می‌کنند . و حق را از باطل تشخیص می‌دهند .

از ساحت قدس حضرت ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ استمداد می‌کنیم که ما را در حفظ حریم مقدس اسلام و رفع اکاذیب و مفتریات ایادی بیگانه علیه اسلام و حفظ شئون مراجع عالیمقام و روحانیت یاری فرماید . (لا زلتم منصورین و مؤیدین) .

در خاتمه عظمت اسلام و مسلمین و استخلاص حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ را از خداوند سبحان مسئلت می‌نمایم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

۵۰۵۴ سری ه

۴۴۴۵۵۴

مورخه ۴۳/۸/۲۰

تاریخ : ۱۳۴۳/۸/۲۳

تلگرام آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به امام خمینی در پی تبعید ایشان به ترکیه

آنکارا

سفارت ایران

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ تبعید آنجناب و امور موجب تأثرات عمیق حقیر و جامعهٔ روحانیت و حوزهٔ علمیه و ملت مسلمان گردیده به‌طوری‌که قلم عاجز از شرح آن است . انتظار می‌رود که دولت همجوار « ترکیه » مقدم میهمان عالیقدر خود راکه یکی از مراجع و شخصیتهای بزرگ اسلامی می‌باشند محترم شمرده و

Marfat.com

با تجلیل و تکریم از آنجناب نام خود را در میان علاقه‌مندان به علم و تقوی سربلند نماید . لا زلتم منصورین مؤیدین .

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

استفتاء جمعی از علماء و فضلای حوزه در مورد کسب تکلیف و وظیفه شرعی خود در امر تبلیغ و تجلیل از مقام امام خمینی

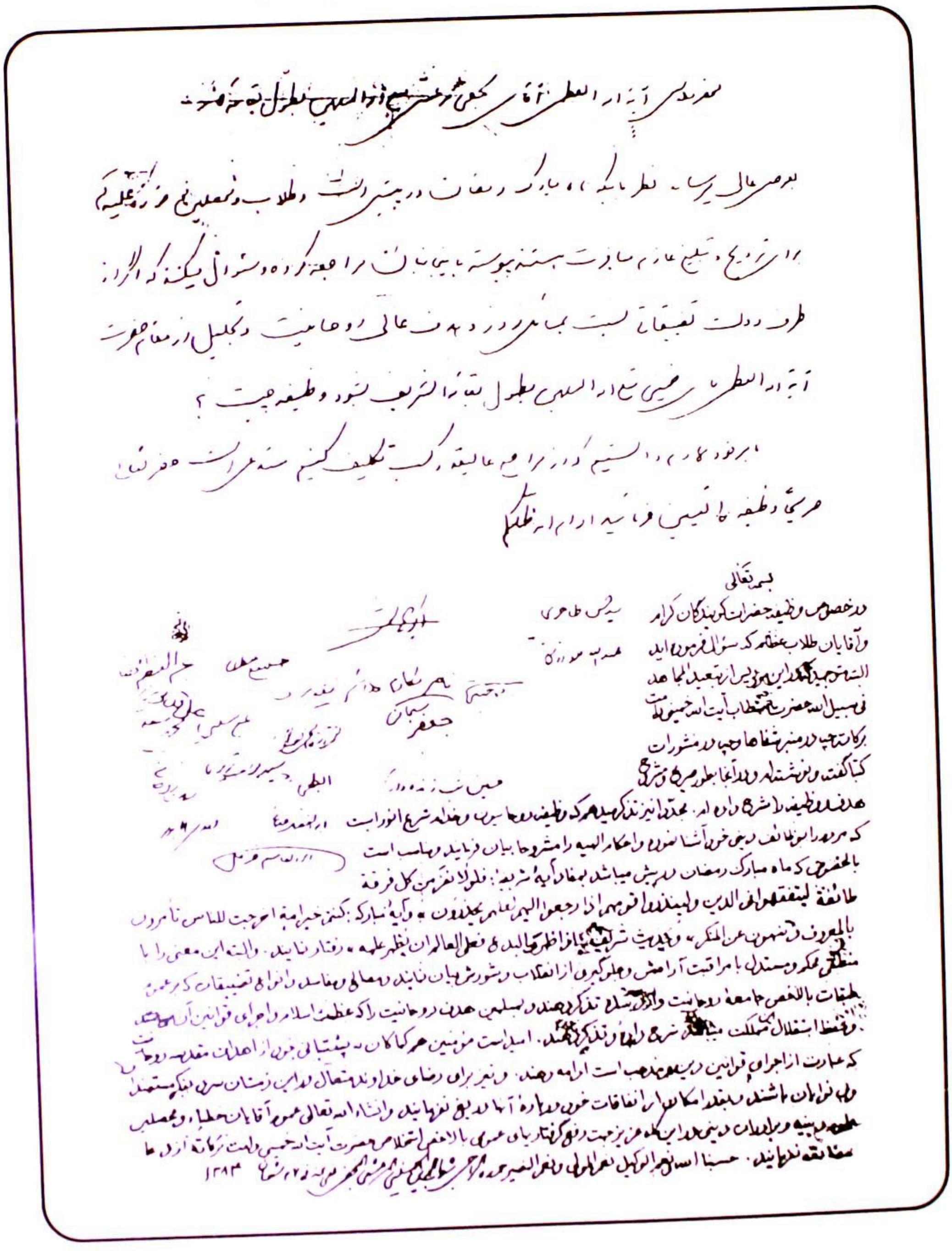

بسم تعالی

در خصوص وظیفه حضرات کوبندگان کرام
و آقایان طلاب معظم که سؤال فرموده اید
البته توجیه کنید این جوری از بعید المجاهد
فی سبیل الله حضرت مستطاب آیت الله خمینی مدظله
برکات وجود در منبر شفاها و چه در منشورات
کتبا گفته و نوشته اند و ما آنها بطور صریح و مشروح
هدف و وظیفه را شرح داده ایم. مجددا یادآور میشویم که وظیفه دینی و حماسی و وظیفه شرع انور است
که مردم را بوظائف دینی خود آشنا نموده و احکام الهیه را مشروحا بیان فرمایند و مناسب است
بالخصوص که ماه مبارک رمضان در پیش میباشد بمفاد آیه شریفه: فلولا نفر من کل فرقة
طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون و آیه مبارکه: کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون
بالمعروف و تنهون عن المنکر، و حدیث شریف: اذا ظهر البدع و فعل العالم ان یظهر علمه، رفتار نمایند. و البته این معنی را با
منطق محکم و مستدل با مراقبت آرامش و جلوگیری از انقلاب و شورش بیان نمایند و معایب و مفاسد و انواع تضییقات که بر عموم
طبقات بالاخص جامعه روحانیت وارد شده تذکر دهند و مسلمین هدف روحانیت را که عظمت اسلام و اجرای قوانین آن است
و حفظ استقلال مملکت میباشد شرح داده و تذکر دهند. اسیاست مؤمنین هر کجا که باشند پشتیبانی خود از اصلات مقلده روحانیت
که عبارت از اجرای قوانین دینی و مذهب است ادامه دهند. و نیز برای رضای خداوند متعال و در این زمان سری بنگر مستمندان
و نیازمندان باشند و بقدر امکان از انفاقات خود دریغ ننمایند و انشاء الله تعالی عموم آقایان علماء و محصلین
علوم دینیه و بالاخص دینی خود را از هر جهت در نظر داشته باشند و بالاخص استدعا از عموم آقایان علماء و محصلین
مضایقه ننمایند. حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر حرره الاحقر [illegible] ۱۳۹۳

بسم تعالی

در خصوص وظیفه حضرات کوبندگان کرام — سید حسن طاهری
و آقایان طلاب معظم که سؤال فرموده اید — [illegible]

البته توجیه کنید این جوری از بعید المجاهد
فی سبیل الله حضرت مستطاب آیت الله خمینی مدظله
برکات وجود در منبر شفاها و چه در منشورات
کتبا گفته و نوشته اند و ما آنها بطور صریح و مشروح
هدف و وظیفه را شرح داده ایم. مجددا یادآور میشویم که وظیفه دینی و حماسی و وظیفه شرع انور است
که مردم را بوظائف دینی خود آشنا نموده و احکام الهیه را مشروحا بیان فرمایند و مناسب است
بالخصوص که ماه مبارک رمضان در پیش میباشد بمفاد آیه شریفه: فلولا نفر من کل فرقة
طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون و آیه مبارکه: کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون
بالمعروف و تنهون عن المنکر، و حدیث شریف: اذا ظهر البدع و فعل العالم ان یظهر علمه، رفتار نمایند. و البته این معنی را با
منطق محکم و مستدل با مراقبت آرامش و جلوگیری از انقلاب و شورش بیان نمایند و معایب و مفاسد و انواع تضییقات که بر عموم
طبقات بالاخص جامعه روحانیت وارد شده تذکر دهند و مسلمین هدف روحانیت را که عظمت اسلام و اجرای قوانین آن است
و حفظ استقلال مملکت میباشد شرح داده و تذکر دهند. اسیاست مؤمنین هر کجا که باشند پشتیبانی خود از اصلات مقلده روحانیت
که عبارت از اجرای قوانین دینی و مذهب است ادامه دهند. و نیز برای رضای خداوند متعال و در این زمان سری بنگر مستمندان
و نیازمندان باشند و بقدر امکان از انفاقات خود دریغ ننمایند و انشاء الله تعالی عموم آقایان علماء و محصلین
علوم دینیه و بالاخص دینی خود را از هر جهت در نظر داشته باشند و بالاخص استدعا از عموم آقایان علماء و محصلین
مضایقه ننمایند. حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر حرره الاحقر [illegible] ۱۳۹۳

سید حسن طاهری
[illegible]
جعفر سبحانی
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

Marfat.com

تاریخ: مهر ۱۳۴۴

تلگرام آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به آیت‌الله‌العظمی خوئی در پی تبعید امام خمینی از ترکیه به نجف

النجف الاشرف

سماحة آیةالله الخوئی دامت افاضاته

ان سماحة آیةالله الخميني ـ دامت برکاته ـ قد حل بناديکم فالرجاء القيام بما هو المرتجی من الفطاحل في حقه .

دمتم منصورين

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

تاریخ: مهر ۱۳۴۴

تلگرام آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به آیت‌الله‌العظمی حکیم در پی تبعید امام از ترکیه به نجف

النجف الاشرف

سماحة زعيم الشيعة آیةالله الحکيم دام ظله الوارف

ان سماحة آیةالله الخميني ـ دامت افاضاته ـ نزل ضيفاً لكم عائذاً بحامي الحمى العلوي فالرجاء ما هو الجدير بذلك . دمتم مؤيدين

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

Marfat.com

تاریخ: مهر ۱۳۴۴

تلگرام آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به آیت‌الله‌العظمی شاهرودی در پی تبعید امام از ترکیه به نجف

النجف الاشرف

سماحة آیةالله الشاهرودي دامت افاضاته

قد حل سماحة آیةالله الخميني ـ دامت معاليه ـ برحبكم الفسيح والامل من الاعلام ماهو الحقيق في حقه دمتم مؤيدين .

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

تاریخ: خرداد ۱۳۴۶

افتتاح حساب از سوی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی برای کمک به مسلمانان آسیب‌دیدهٔ از تجاوز رژیم اشغالگر فلسطین

بسمه تعالی

به منظور کمک به برادران مسلمان آسیب دیده و بازماندگان مقتولین و آوارگان حوادث اخیر حسابی در بانک صادرات شعبه قم به شمارهٔ (۱) افتتاح گردید . امید است ملت مسلمان ایران به قدر وسع خود از کمک به اخوان اسلامی که چشم به راه محبت آنان هستند دریغ ننمایند .

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۶/۳/۲۱

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در اعتراض به تجاوز وحشیانهٔ رژیم اشغالگر فلسطین به کشورهای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

(وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا في سَبيلِ اللهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)

همان طور که مقام شامخ روحانیت پیش‌بینی می‌کرد و خطر یهود را مکرراً گوشزد مسلمانان می‌نمود ، این پیش‌بینی و دوراندیشی جامهٔ عمل به خود پوشید و ضایعهٔ مؤلمه یعنی حوادث اخیر را به بار آورد . این فاجعه موجب تأثر شدید کلیهٔ مسلمانان و بالخصوص علماء اعلام گردید و روحانیون ایران تجاوز ظالمانه اسرائیل را بر برادران مسلمان شدیداً تقبیح نموده و از خداوند متعال درخواست می‌نماید که کید و مکر آنان را به خودشان برگردانده و مسلمانان را نصرت و یاری فرماید و امید از برادران دینی چنان است که از هر نوع کمک و ارتباط با ملت یهود خودداری نموده و از کمک مادی و معنوی به آسیب‌دیدگان و بازماندگان مسلمین دریغ نفرمایند (**اِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ**) [لذا بدین منظور حسابی در بانک صادرات قم به شمارهٔ (۱) افتتاح گردید امید است ملت مسلمان ایران به قدر وسع خود از کمک به برادران مسلمان که چشم به راه محبت آنان هستند دریغ نفرمایند.]

رجاء آن دارم که این پیش آمد ناگوار موجب بیداری بیشتری برای مسلمانان و توجه آنان را به تذکرات روحانیت فراهم آورد و به جهت اعتلاء اسلام و حفظ احکام و قوانین قرآن شریف وحدت و اتفاق خودرا حفظ بفرمایند . (**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَميعاً وَلا تَفَرَّقُوا**) .

حرّره الداعي

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

۲ ربيع المولود ۱۳۸۷

Marfat.com

اصل متن دستنویس عربی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در همدردی با مسلمانان فلسطین و دیگر کشورهای عربی

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی فی کتابه الکریم: لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون. سلام علیکم یا اخوانی فی الدین اهل القبلة وامة سید المرسلین صلی الله علیه وآله المیامین، غیر خفی علیکم ان الکارثة الاخیرة والطارقة المولمة قد افجعت الافئدة واسالت الدموع کیف لا وقد قتل عدة من المسلمین بغدر الیهود الذین ضربت علیهم الذلة این ما ثقفوا الا بحبل من الغربیین فیا لیت دری ذاک الحبل وشعر بانه یؤازر قوما یدور فی خلدهم السلطة علی کافة الحکومات والزعامات فی اقطار العالم، ولا یبالون فی النیل الی الجهات المادیة بکل عظیمة من القتل والنهب والاسر، وانهم الدوا الخصام علی عالم الاسلام وکافة الادیان قسما بالله رب الراقصات وداحی المدحوات ان علماء الدین کانوا یرون منذ زمان هذا الخطر العظیم والنار الموقدة تحت الرماد من وراء الستار وکانوا ینادون باعلی الصوت یا اهل القرآن وامة خاتم الانبیاء ایاکم والیهود قبل ان یحل ما نراه الیوم فیا معاشر المسلمین المرجی موازرة اخوانکم فی الدین المصابین فی هذه الهائلة الدامیة من النقود والعروض وایصاله الیهم والامل کل الامل من فضلکم الاصطفاف فی صف واحد بالهجر عن الصهیونیین والیهود وترک الرابطة والمراودة والمساومة معهم این ما کان خذلهم الله واخزاهم ورد کیدهم ومکرهم الیهم وفی الختام نحن سکنة ایران ونزلاء تلک البلاد نبتهل الی الله الکریم ان ینصر اخواننا المسلمین ویشد ازرهم علی اعداء الدین آمین آمین حرره بیراعه وبنانه وفاه بفیه ولسانه العبد المستکین شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

ایران قم المشرفة ۳ ربیع الاول ۱۳۸۷

Marfat.com

تاریخ: ۱۳۴۶/۴/۳

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به مناسبت همدردی با مسلمانان آسیب‌دیدهٔ از تجاوز رژیم اشغالگر فلسطین

بسمه تعالی

یفرح هذالوری بعیدهم ونحن اعیادنا مآتمنا

به مناسبت جریحه‌دار بودن قلوب مسلمین از حوادث اخیره و عزادار بودن بازماندگان مقتولین از آنها شایسته است برادران دینی برای اظهار همدردی با مصیبت‌زدگان و آسیب‌دیدگان مسلمین از دست ملت منفور (اسرائیل) تظاهر و جشن و چراغانی در روز مولود مسعود پیغمبر اکرم ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ ننمایند و حقیر هم در یوم مذکور از جلوس خودداری خواهم نمود از خداوند متعال درخواست فتح و فیروزی برادران مسلمان نموده و خذلان طائفه یهود را خواهانم.

شهاب الدین الحسینی مرعشی نجفی

۱۵ ربیع الاول ۱۳۸۷

متن تلگراف حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی ـ دام ظله العالی ـ که در جواب تلگراف حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عباس مهری به کویت مخابره شده است:

بسمه تعالی

فضیلة العالم الجلیل الشریف النبیل حجة الاسلام والمسلمین الحاج السید عباس

Marfat.com

المهری ادام الباری سبحانه برکاته . و بعد : قد استلمت البرقیة الحاکیة عن انباء موحشة و اخبار مدهشة من سوء صنیع الحکومة العراقیة بالنسبة الی عدة غیر قلیلة من المؤمنین العلماء و غیرهم اللائذین بتلك المشاهد المقدسة و « بیوت اذن الله ان یرفع و یذکر فیها اسمه » و هم من تبعة القرآن الکریم والنبی العظیم ، وتسفیرهم الی ایران فی هذا البرد الشدید والاهویة المثلوجة ومصادرة اموالهم وتعذیبهم وهتکهم والاذدراء فی حقهم فلیسئل عن هؤلاء الظلمة مباشری هذه الفجایع الجاهلیة شناشن الاعصار الحجریة بای قانون فعلتم وتفعلون افبقانون الاسلام او قوانین الدوُل والسلطات الراقیة الحیة فی العالم .

فیا مراجع حل العوائص والمعاضل بین الامم انشدکم بما تقدسونه لو کانت محارشة ومناوشة بین الحکومتین فما ذنب الملة فهل یؤخذ الجار بالجار وهل تساق النساء ذوات الخدور والصبیان الرضع والشیوخ الرکع کماکانت تساق الارقاء والاسراء فی ازمنة الاسترقاق ، حاشا ثم حاشا :

ویا زعماء الحکومة العراقیة انادیکم باعلی صوت واقسم بالله ـ تعالی شأنه ـ داحی المدحوات ورب الراقصات وانه لاقسم لقد جئتم شیئاً نکرا تنفطر منه قلوب المسلمین بل افئدة ذوی النهی من کلة ملة ونحلة . وقد خسرت البلاد العراقیة بما صنعتم وفقدت رواجها واقتصادها . افلا تدرون ماکانت تتوجه فی طیلة السنة من النقود والعروض الیها بسبب الایرانیین مجاوریهم وزائریهم ومستطرقیهم ام تتجاهلون وانتم عامدون فی هذه الضربة القاصیة الدامیة وافناء العمران ، نبهکم المولی من نومة الغافلین وایقظکم من دسائس اعداء الدین ووساوس المستعمرین . آمین آمین .

حرره اقل خدمة الدین واهله

ابو المعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

فی اصیل یوم الاثنین ۱۴ ذی القعده ۱۳۹۱

Marfat.com

تاریخ: خرداد یا تیر ۱۳۵۲

فتوای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی پیرامون حرمت خرید و فروش کالاهائی که سود آن در راه تبلیغات حزب جاسوس‌پیشهٔ بهائیت بهره‌برداری می‌گردد

بسمه تعالی

خرید و فروش هرچه که عائدات آن در راه تبلیغات فرقهٔ ضالهٔ بهائیه صرف می‌شود حرام می‌باشد خواه از مایعات باشد مانند پپسی و نحو آن و خواه غیر آنها از خداوند سبحان مزید توفیقات مؤمنین را در عمل به وظائف شرعیه مسئلت می‌نمایم.

جمادی الاولی ۱۳۹۳

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

تاریخ: ۱۳۵۶/۱۰/۲۲

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در پی حوادث قم و اهانت به امام خمینی در روزنامهٔ اطلاعات

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلَّذینَ اِذا اَصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قالُوا اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ

باکمال تأثر و تأسف پیش‌آمد ناگوار و جانگداز و اسفناک این چند روزه در شهر مقدس قم که منجر به قتل و شتم و ضرب عدّه‌ای از طلاب حوزهٔ علمیه و غیرهم که به دنبال اعتراض به پاره‌ای از مطبوعات که در آن به مقام شامخ روحانیت و مقدّسات دینی

Marfat.com

و اهانت به حضرت آیت‌الله خمینی ـ دامت برکاته ـ شده موجب تشنج افکار و جریحه‌دار شدن قلوب مؤمنین خاصه جامعهٔ روحانیت گردیده ، لذا مصادر امور را مسئول این قضایا می‌دانیم و شدیدا معترض هستیم . امید است خداوند سبحان أجر جزیل و صبر جمیل به اولیاء مقتولین مرحمت و مرتکبین این فجایع و خونریزی را مجازات بفرماید .

اللّهمّ إنّا نشكوا إليك فقد نبيّنا وغيبة وليّنا وتظاهر الفتن علينا .

والسلام على إخواني المؤمنين والرحمة والبركة .

في ٢ صفر المظفر ١٣٩٨

شهاب الدين الحسينى المرعشى النجفى

Marfat.com

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به مناسبت چهلمین روز شهدای تبریز
۱۷ ربیع الثانی ۱۳۹۸

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«انّا لله و انّا الیه راجعون»

چهل روز است که از حادثه جانگداز و دلخراش دارالمؤمنین تبریز میگذرد. چهل روز است که عدّه ای از مردم مسلمان بضرب گلوله های آتشین مأمورین از خدایی خبر بقتل رسیده اند. چهل روز است صدها تن مجروح و مصدوم و مضروب شده اند. چهل روز است ملّت مسلمان و مردم غیور آذربایجان در غم عزیزان از دست رفته خود که هدف تیرهای ستم قرار گرفته اند بعزا نشسته اند. و بالاخره چهل روز است که صدها نفر از علاقمندان باسلام و روحانیت در زندانهای تبریز بسر میبرند و هنوز از سرنوشت عدّه ای از آنان اطلاع صحیحی در دست نیست.

آری گناه آنان چیست؟ گناه آنان در مملکت اسلامی دفاع از حریم مقدس اسلام و روحانیت. گناه آنان شرکت در مراسم چهلمین روز مقتولین حادثه تأسف آور حوزه علمیّه قم. گناه آنان پیروی از مراجع تقلید و بزرگان دین.

واقعا جای بسی تأسف است در مملکتی که حکومت آن دم از آزادی میزند هیچکس را یارای سخن گفتن و حقایق را ذکر نمودن نیست. بارها گفته و می گوئیم تصویب لوائح ضدّ اسلامی را که گاهی مشاهده میشود بشدّت محکوم میکنیم. و وظیفه ما در گذشته و حال دفاع از حریم مقدّس اسلام بوده و هست. آنان که بوظیفه خود عمل میکنند یا تبعید میشوند و یا تحت محاکمات قلّابی قرار میگیرند.

متأسفانه تاکنون در عوض مرهم گذاردن بر دل داغدار مصیبت زدگان قم و تبریز روز بروز مصادر امور فجایع و جنایاتشان افزوده میشود.

هم اکنون که در آستانه چهلمین روز مقتولین حادثه تبریز قرار گرفته ایم باکمال تأثر بار دیگر دست ظلم که همه روزه ممالک اسلامی را به بهانه ای بخاک و خون میکشد در جنوب لبنان نیز بوسیله عمّال خود (صهیونیسم) هزاران تن از برادران و شیعیان (از مرد و زن و کودک) را بمباران نموده و ده ها هزار نفر از آنان را آواره و بی خانمان کرده است. ما از راه دور برای مقتولین ملّت مسلمان و شیعیان و آوارگان لبنان درود می فرستیم و برای آنان از خداوند صبر و شکیبائی بیشتر آرزو می نمائیم.

خداوندا هرچه زودتر امور مسلمین را که درحال حاضر در سخت ترین شرائط قرار گرفته اند اصلاح بفرما.

خداوند سبحان آنهائی را که در راه دین و آئین مقدس اسلام از هیچگونه تهدیدی هراس نداشته و با نهایت شهامت در برابر ظلم و ستم مصادر امور و گلوله های مأمورین چه در قم و چه در تبریز جان عزیز خود را از دست داده و بدینوسیله پیوند ناگسستنی خود را باسلام و روحانیت مستحکم نموده اند غریق رحمت بفرماید. و ما را نیز در راه وظیفه ای که در قبال شرع مطهّر داریم بیش از پیش موفق بگرداند.

در خاتمه لازم به یادآوری است که بدین مناسبت صبح روز پنجشنبه بیستم ربیع الثانی برابر دهم فروردین ماه مجلس ترحیمی در مسجد اعظم منعقد خواهد بود. والسلام علی من اتّبع الهدی.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

فی ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۹۸

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۹۸

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

روز سه‌شنبه اول جمادی الثانی ۹۸ ه اربعین خونهای بناحق ریخته شده، یزد، جهرم، و اهواز است
چهل روز پیش در اربعین خونین تبریز گروهی از مردم مسلمان و عزادار در این شهر با هجوم ظالمانه پلیس و مأمورین مسلح
جانشان از دست رفت و در نتیجه جراحات التیام نیافته و دردهای درمان نشده ملت مسلمان ایران فزونی
گرفت و یکبار دیگر چهرهٔ ظلم و قساوت سخت دلی ظالمین آشکار گردید. ما طی سخنرانیها و اعلامیه‌های قبلی
اعمال خلاف عدالت هیئت حاکمه را کراراً محکوم کرده‌ایم اما تاکنون هیچگونه تغییری در اوضاع حاصل نشده است
و معلوم نیست که تا چه وقت این رویه را ادامه خواهند داد و چرا به خواسته‌های شرعی و قانونی جامعه و جامعیت
و ملت مسلمان ترتیب اثر نمی‌دهند و بجای آن با تظاهرات ساختگی و ادامهٔ اعمال گذشته بر تنفر و نارضایتی
مردم دامن میزنند لذا روز سه‌شنبه اول جمادی الثانی اربعین یزد، جهرم، و اهواز را گرامی میداریم و بدین مناسبت
مجلس ترحیمی صبح همان روز در مسجد اعظم قم منعقد خواهد شد. انتظار مجدد ما از عموم مسلمانان مراعات
نظم و آرامش در برگزاری مراسم بزرگداشت چهلمین روز می‌باشد و کاری نشود که طرف سوء استفاده بیشتری بنماید
خداوند متعال خواسته‌های مشروع ملت مسلمان را جامهٔ عمل بپوشاند و سیعلم الذین
ظلموا ای منقلب ینقلبون بیست و هفتم شهر جمادی الاولی ۱۳۹۸ ه

سید کاظم شریعتمداری محمدرضا الموسوی الگلپایگانی شهاب الدین الحسینی المرعشی

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت چهارمین اربعین ملّت مسلمان ایران، ۵ رجب ۱۳۹۸ / ۲۰ خرداد ۱۳۵۷

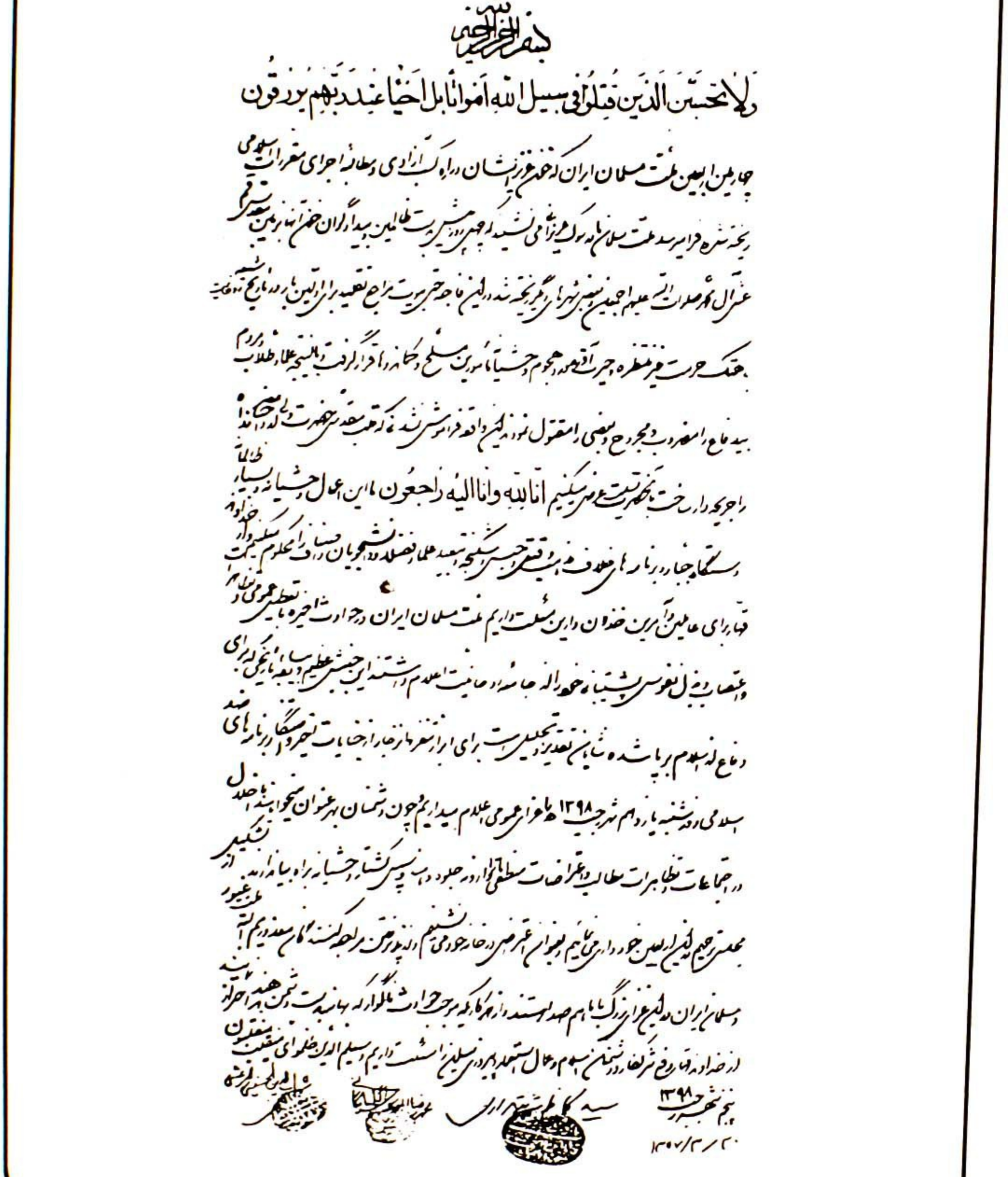

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

چهارمین اربعین ملت مسلمان ایران که خون عزیزانشان در راه کسب آزادی و مقدمه اجرای مقررات اسلامی ریخته شده فرا میرسد ملت مسلمان ما به سوگ عزیزانی نشسته که همچون شهیدان طالقان و پیدا گران خونین آبان ماه و ۱۵ خرداد قم و عشایر تمام اعصار و اعیان شهرهای گرانقدر ما که در این فاجعه جریحه دار شده اند در این ایام تعطیل عمومی و سوگواری شرکت جسته و در مراسم تجلیل از این شهیدان راه حق و آزادی و اسلام شرکت خواهند نمود.

ملت قهرمان ما در طول تاریخ مبارزات خود علیه استعمار و استبداد همواره با تکیه بر ایمان و اعتقاد راسخ به اسلام و رهبری روحانیت مبارز و آگاه بر تمام توطئه های شوم دشمنان اسلام و میهن اسلامی فائق آمده و پیروزی نهائی را از آن خود ساخته است.

ملت ما در این مبارزات خونین و پیگیر بیش از ۶۰ هزار شهید و ده ها هزار مجروح و معلول و صدها هزار زندانی و تبعیدی و شکنجه شده و خانه و زندگی خود را از دست داده تا امروز که با تحمل این همه رنج و محرومیت و ستم و شکنجه و اختناق و خفقان و با تقدیم خون عزیزان خود به پیروزی رسیده

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت کشتار وحشیانهٔ رژیم پهلوی در مشهد مقدس و همدان، ۹ رمضان ۱۳۹۸ / ۲۳ مرداد ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

هنوز ماتم‌زدگان عزیزان از دست رفته خود که در چند ماه اخیر در قم، تبریز، یزد و سایر شهرها کشته شده اند عزادار بودیم که بار دیگر خبر وحشیانه دیگری از مشهد مقدس و همدان به ما رسید و عده‌ای از مردم بی‌دفاع در صحن مطهر حضرت ثامن الائمه علیه السلام و در مسجد جامع همدان مورد هجوم قرار گرفته و عده زیادی از آنان به شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند. در مشهد مقدس نیز مأموران رژیم ستمشاهی به صحن مطهر حضرت ثامن الائمه علیه السلام هجوم برده و با شلیک گلوله و پرتاب گاز اشک‌آور عده زیادی از زوار بی‌دفاع را به شهادت رساندند و مجروح کردند. در همدان نیز مأموران رژیم ستمشاهی به مسجد جامع شهر هجوم برده و با شلیک گلوله و پرتاب گاز اشک‌آور عده زیادی از مردم بی‌دفاع را به شهادت رساندند و مجروح کردند. این اعمال وحشیانه که در ماه مبارک رمضان و در ایامی که ملت مسلمان ما به عبادت و روزه‌داری مشغول است، حوادث دردناک تازه‌ای در اصفهان و شیراز را به یاد همگان آورد که هنوز داغ آن از دلها نرفته است. گذشته از واقعهٔ أسف‌بار اصفهان که باران مجروح از لحظه گشوده مواجه گردید، حادثهٔ بسیار تکان‌دهنده و کم‌سابقه‌ای در شیراز به وقوع پیوست که طبق اعلامیهٔ علمای اعلام شیراز، روز پنجم رمضان که مردم مسلمان در مسجد جامع گرد آمده بودند مورد هجوم مأموران پلیس و مأمورین مسلح قرار گرفته و صدها تن از آنان کشته و مجروح شدند. در شبستان مسجد بیحی، جنازه خدا بوجود آمده و اخبار و اطلاعاتی از آنست که در بعضی از شهرهای دیگر نیز حوادث تأسف‌آوری برای مردم بیدفاع ایران ایجاد کرده‌اند. فَإِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ما این مصائب بزرگ را به ساحت مقدس ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای شهیدان راه اسلام و میهن عزیز علو درجات و برای بازماندگان و داغدیدگان صبر و شکیبایی مسألت می‌نماییم. شهریار حادثه تأسف‌آور دیگری است که هر روز هیئت حاکمه از خود ببار می‌آورد و ملت مسلمان ایران را در سوگ عزیزان از دست رفته‌اش عزادار می‌کند. این بار نیز عده‌ای از مردم بی‌دفاع را مجروح و مضروب و زندانی و شهید نموده است. اگر هیئت حاکمه خیال می‌کند که با ارتکاب این اعمال خلاف شرع و قانون می‌تواند مارهم مردم را در چنگال و محرومیت و آزادی نگاه دارد سخت در اشتباه است و این درسی است که تاریخ به همه آموخته و می‌آموزد. ملت ایران در راه کسب آزادیهای مشروع و خواسته‌های قانونی آنان مبارزه کرد، هیئت حاکمه کوچکترین ترتیب اثری نداده و حتی با اقامه تعبیر تاریخ اسلامی حرمتی و مقام خود را حریم مقدس رسول گرامی اسلام (ص) ملحوظ نداشت است. هیئت حاکمه ایران بجای آنکه به خواسته‌های مشروع و منطقی مردم و حمایت و ملت مسلمان گوش فرا داده و تسلیم آنان گردد تمام قوای مملکت را علیه ملت بسیج می‌نماید. ما برای چندمین بار رفع ظلم و مظالم و کشتار بیرحمانه مردم مسلمان را شدت محکوم می‌کنیم و با اطلاع عموم می‌رسانیم که روحانیت شیعه براساس وظایفی که دارد با پشتیبانی مردم مسلمان حق‌طلب تا کسب آزادیهای مشروع و قانونی از هر نوع ظلم و تعدی اجتماعی و تا لغو لوایح و قوانین ضد اسلامی و تا ایجاد یک نظام عادلانه در ایران مبارزات صحیح و منطقی خود ادامه خواهد داد.

ما ضمن تشکر از عواطف و علائق مذهبی ملت مسلمان ایران برای آگاهی و هشیاری عموم اعلام می‌داریم که استعمارگران و مخالفین اسلام با صحنه‌سازیها و ایجاد بلوا میخواهند اعتراضات منطقی ما را وانمود کرده و مبارزات روحانیت و مردم مسلمان را آلوده سازند لذا ملت مسلمان ما باید بداند که مبارزه بهنگامی پیروز است که با همبستگی مردم و با آرامش صحیح و انتخاب طرق هوشیارانه‌ای که با تلفات و صدمات کمتر نتیجه بیشتری دارد همراه باشد. سر عموم مردم است که با اتحاد و اتفاق کامل پیروزی و تبعیت از روحانیت شیعه که در قرون متمادیه حافظ دین و مروج مذهب و قاطع ایادی استعمارگران و ظالمین بوده است در عمل باحکام مقدسه قرآن و ودیع شترد دشمنان اسلام خنثی و نکوشا باشند. نصرت اسلام و مسلمین و ذلت و خذلان دشمنان و معاندین را از خداوند متعال متقابلا مسئلت داریم.

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۹ رمضان المبارک ۱۳۹۸ برابر ۵۷/۵/۲۳

سید کاظم شریعتمداری — محمد الحسینی روحانی — ناصر مکارم شیرازی

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت هفتمین روز جنایات رژیم پهلوی در تهران، ۹ شوال ۱۳۹۸ / ۲۱ شهریور ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

هفت روز از جنایات فجیع و کشتار بی‌رحمانهٔ دستگاه جبار در تهران میگذرد و هر روز تألم جامعهٔ روحانیت و مردم مسلمان بیشتر و داغها تازه‌تر میگردد. هزاران نفر مردم مسلمان را که از حکومت نظامی بی‌اطلاع بودند و ایستاده یا نشسته بودند به آتش گلوله بستند و کشتاری کم‌نظیر نمودند زنان و کودکان و مردان پیر و جوان بی‌دفاع بسیاری را به خاک و خون کشیدند و عموم ملت ایران را داغدار کردند

انا لله و انا الیه راجعون

جامعهٔ روحانیت با اعلام عزای عمومی نماز جماعت و جمعه‌های دیروز را تعطیل و مردم مسلمان ایران با تعطیل کسب و کار همدردی و یگانگی خود را با برادران و خواهران مسلمان اظهار داشتند و به دنیا ثابت کردند که خواهان برچیده شدن نظام استبدادی و استعماری هستند. این اتحاد و اتفاق و استقامت و بیداری سزاوار تقدیر و تشکر است. دنیا باید بداند که ملت ایران خواستار عدالت اجتماعی و برقراری نظام اسلامی و اجراء احکام قرآن مجید میباشد. و با حکومت نظامی و کشتار دسته‌جمعی و زندان و تبعید از خواسته‌های خود منصرف نمیشوند و به مبارزهٔ صحیح و منطقی خود ادامه میدهند. اعلام حکومت نظامی دلیل ضعف دستگاه و قانون‌شکنی بیشتر از طرف کسانی است که خود مجری قانون اساسی میباشند.

جامعهٔ روحانیت و ملت ایران این جنایات بی‌شمار و حکومت نظامی را محکوم میکنند. ما ضمن طلب مغفرت و رحمت برای کشته شدگان بر عموم برادران و خواهران مسلمان بخصوص داغدیدگان و مصیبت‌زدگان تسلیت عرض و از کسانی که با تعطیل عمومی برادری و اخوت دینی خود را ثابت کردند تشکر نموده و از عموم مسلمانان انتظار داریم با توجه به رشد سیاسی و اجتماعی که دارند بهانه برای کشتار بدست دشمنان ندهند.

ملت ایران بپا و جامعهٔ روحانیت و علماء اعلام میباشد و به اخبار جعلی و بی‌اساس جرائد و وسائل خبری وابسته و انتهاماتی که نسبت به مقامات روحانی و ملی داده میشود ترتیب اثر نمیدهند. امید است برادران ایمانی نسبت به مجروحین و بازماندگان مقتولین حوادث اخیر از هر گونه کمک و مساعدت دریغ ننمایند. نصرت اسلام و مسلمین و دفع شر عمال استعمار و معاندین را از خداوند متعال مسئلت داریم. یوم شوال المکرم ۱۳۹۸ هـ
۵۷/۶/۲۱

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

سید کاظم شریعتمداری

محمد رضا الموسوی الگلپایگانی

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حادثهٔ مؤلمهٔ نجف اشرف، ۳ ذی قعدهٔ ۱۳۹۸ / ۱۴ مهر ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

بطور یقین عموم مردم اطلاع دارند حکومت عراق برخلاف آداب اسلامی میهمان نوازی عزیز و برخلاف قوانین حقوق بشر حضرت آیة الله خمینی دامت برکاته را تحت فشار و محاصره قرار داد که طبق اخبار واصله اینان ناچار به ترک عراق و عزیمت به کویت شده اند. دولت کویت هم نه پذیرفتن اینان خودداری نموده و نه اجازه ورود داده است. عدم اطلاع از وضع معظم له مرجع بزرگوار فوق العاده ملت مسلمان بخصوص شیعیان و همانند را حائز گردیده است. با توجه به اینکه ملت عراق با چند قسط از هرگونه حمله تحریک آمیز حکومت ایران جلوگیری کرده و اکنون به علت عدم دخالت در امور داخلی کشور دیگر از اظهار رأی و اعلام نظر نسبت به مراجع طراز اول شیعه امامیه خودداری می‌نماید، این اقدام مانند اقدامات دیگر دولت کنونی عراق علیه حوزه علمیه بزرگ نجف اشرف و مقامات برجسته روحانی جز در جهت استعمار و تحکیم نفوذ اسلام و استعمار نیست.

در موقعیت آزاد و خطیر و نگران کننده‌ای که ملت ما در این عملیات حکومت عراق با آن روبرو است و با توجه به اینکه رهبران دینی جهت اعتصابات غیر ملی ایران می‌نمایند، مکلوم میکنیم از امامت تمام مسلمین و در عداد وقوف فکری آنها میدانیم. معلوم است که عکس العمل این عملیات در تمام مجامع آزادی خواه دنیا و طرفداران حقوق بشر جز تنفر و انزجار نخواهد بود. بنابراین حکومت عراق را با این عمل سابقه خودشان که استعمار را عهده دار شده‌اند مکلوم خواهد نمود. و به حکومت ایران اعلام میکنیم که اگر دامن عملی و سلب آزادی از ایشان که در راه مستقیم به ملت ایران و جامعه تشیع است با دولت عراق تبانی ندارد، شاهد عدم رضایت خود را از عمل دولت عراق اعلام نماید و ملت مسلمان هم باید بداند که با رعایت مقامات خود را در راه شرف تعهد دینی تعقیب خواهد نمود و به فشارها، کشتارها، تبعیضاتی که از طرف هیئت حاکمه ایران شده و جز تنزل بعضی از مراجع تجار و جمعی را متعول و مجروح کرده انها را از راه خود باز نمیدارد و با یاری خداوند متعال بر وظایف دینی خود عمل خواهند نمود. وما النصر الا من عند الله خداوند متعال عموم مسلمانان را از شر اجانب محفوظ و دست دشمنان را از بلاد اسلام قطع فرماید. قم ۱۲/۷/۵۷ سید کاظم شریعتمداری ۱۳۹۸

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت چهلمین روز فاجعهٔ میدان ژالهٔ تهران، ۹ ذی قعدهٔ ۱۳۹۸ / ۲۰ مهر ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

با فرا رسیدن روز شنبه سیزدهم ذیقعده ۹۸ هـ خاطرهٔ دردناک حادثهٔ میدان ژاله تهران میبارد و یکبار دیگر تجدید میشود مردم مسلمان ایران
و چهلمین روز منقولین این فاجعه بسوگ می نشیند. چه روز پیش همگان شاهد بودند که جمعیت کثیری از مردم مسلمان و حق طلب تهران در ادامه
نهضت مقدس اسلامی خود علیه ظلم و استبداد به پیاده روی و تظاهرات آرام پرداخته بودند مورد هجوم وحشیانه ماموران مسلح قرار گرفتند
و با ریختن خون بسیاری از مردم حق طلب به دفاع، میدان ژاله را رنگین ساخت، فاجعهٔ تهران بقدری دلخراش و وحشتناک است که پس از گذشت
چهل روز از کثرت کشته شدگان مجروحین هنوز آمار دقیقی ممکن نشده است، و حتی چندین بیمارستان که شهیدان را برای امانت
و عیادت آنان گرفته بودند این فاجعه لحظات سنگینی را بخصوص پیدا کرده اند به بیمارستانهای مختلف تهران مراجعه کنید تا عظمت این حادثه
و قلب هر مسلمانی را بدرد می آورد دریابید. بدنهای تکه تکه شده مجروح و بیجان شهیدان راه آزادی مسلمان به بیمارستانها سند زنده گویای
این ترتیب ظلم و بیدادگری بر ایران است. بگذارید که ظالمین و ستمگران با هم بر جامعهٔ مسلمان ایران ستم و وارد آورند حقوق حقهٔ آنان را با کلوله پاسخ دهند
ولی چندی نخواهد پائید که مظلومین و ستمدیدگان و فریاد آزادیخواهانهٔ حق طلبان خانهٔ ظلم را خراب خواهد کرد
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. جا دارد تأسف آوری که این روزها از کشتار مردم مسلمان در حرم آبادگران شاه
اهل بیت بوکان، جاده ساوه، و بعضی از شهرهای دیگر میرسد در همین راستا اربعین کشتگان تهران بصورت عزای عمومی در همهٔ جا و نقاط
ملت مسلمان ایران درآمده است لذا از روز شنبه سیزدهم ذیقعده ۹۸ برابر ۲۴ مهرماه ۵۷ عنوان اربعین حوزه های علمیه برای تجلیل از خونهای بخاک ریخته
و همدردی با بازماندگان جانباختگان بعنوان خط اصلت در ایام نهضت مقدس سوگواری تعطیل خواهد بود شایسته است که عموم مسلمانان با تعطیل روز شنبه بازار و مغازه ها
و بطور کلی همه در این مصیبت عظمی سیاه پوشی و اظهار عزاداری و همبستگی خود را با خانواده های داغدار و عزادار نشان دهند از خداوند متعال
برای همه شما توفیق روز افزون و سربلندی در خدمت اسلام و مسلمانان آرزومندیم. و از خداوند متعال مسلمانان را از کید ستمگران و دشمنان اسلام و از شر ظالمین بیدادگر
محفوظ داشته و سایهٔ پرمهر آیت الله العظمی خمینی را بر سر ملت ما پایدار بگرداند. ۲۰ مهرماه ۱۳۵۷ مطابق با ۹ ذی قعده ۱۳۹۸

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی — حسینعلی منتظری — محمدرضا الموسوی الگلپایگانی

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حوادث خونین شهرهای مختلف ایران، ۸ ذی حجهٔ ۱۳۹۸ / ۱۸ آبان ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت مسلمان ایران

مدتهاست که شما مردم مسلمان ریحدیدهٔ ایران ـ رهبری روحانیت به مبارزات سرهای بخش خود ادامه داده اید. بی‌شک این مجاهدات و مبارزات مستمر و خستگی ناپذیر که بنام اسلام و برای اسلام آغاز گردیده تأییدات الهی و نصرت خداوندی را نیز بدنبال خواهد داشت و بالاخره پیروزی نهائی از آن خطبان و آزادیخواهان مسلمان است و آنچه در چند ماه اخیر بر ملت شهید پرور ما گذشت حوادث دلخراش و خونینی بود که استبداد در فضای به اصطلاح باز سیاسی و اشتی ملی بوجود آورد و با جنایات بیشمار چهرهٔ کریه حکومت ستمگر را در تاریخ نهضت مبارزات اسلامی ایران ترسیم نمود. هنوز حرکت وحشیانه گلوله‌های جیره خوار را شما مردم مسلمان در جادهٔ کرمان بخاطر دارید، هنوز فجایع چماق بدستان دستگاه ستمکار را در کرمانشاه و سربل ذهاب و ... فراموش نکرده اید، هنوز میدانید که بر ملت مسلمان در استانهای مختلف کشور بخصوص در کهستان چها گذشته است، هنوز خاطرهٔ هجوم و یورش وحشیانهٔ مأمورین مسلح و نیروهای ارتش را به مراکز علم و دانش و دانشگاه از یاد نبرده اید و بالاخره در موقعی که هنوز تر و نابسامان زیادی دامنگیر ماست آزادی و دموکراسی و آمادگی و برقراری نظام عادلانهٔ اسلامی میدهیم با یک دولت نظامی مواجه گشته ایم که از همان آغاز کار شیوهٔ دیرینهٔ مردم کشی را از سر گرفته و در شهرهای مختلف قم و زنجان و تبریز و مشهد و ... ملت را بخاک و خون کشید. این دولت ننگین نه تنها مورد قبول ملت و روحانیت شریف و حق طلب نیست، بلکه کاملاً محکوم و مردود است، و مردم مسلمان با ظلم و استبداد مبارزه خواهند کرد و به مجاهدات منطقی و مشروع خود ادامه خواهند داد، لذا عموم ملت مسلمان باید این نهضت اسلامی را زنده نگهدارند و با وحدت کامل و از طرق هشیارانه و سودمند تر دنبال نمایند و از هرگونه نفاق و تفرقه که باعث اختلاف کلمه و کندی مبارزه میباشد شدیداً اجتناب ورزند. خداوند متعال را آنان که در راه او و جهت اسلام و نجات مسلمین مبارزه با ظلم و بیداد مینمایند پیروزی و سعادت جاودانی را وعده فرموده است (ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم)

۱۳۹۸

۱۸/۸/۵۷

Marfat.com

متن اعلامیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حادثهٔ اسفناک مشهد مقدس، ۲۵ ذی حجهٔ ۱۳۹۸ / ۵ آذر ۱۳۵۷

۲۴ ذی الحجة ۱۳۹۸ بسم الله الرحمن الرحیم

ملت محترم ایران ، کمتر روزی میگذرد که خبر وحشتناکی از یکی از شهرستانها و یا قراء وقصبات ایران شنیده نشود و ضرب وجرح و یا کشتارهای بیرحمانه صورت نگیرد وقایع شیراز و یزد و اصفهان و اهواز و مشهد و بسیاری دیگر از شهرها و لاهیجان و رستمکلا و کرمانشاه و همدان و زنجان وغیره قسمتی از این فجایع می باشد فانا لله وانا الیه راجعون این کشتارهای متوالی و پی در پی حکومت نظامیان فعلی دلیل بیچارگی و زبونی رژیم استبدادی و عاجز بودن هیئت حاکمه دیکتاتور از حل مشکلات ملت است . اگر از خشونت و آدم کشی کاری ساخته بود دولت قبلی از آن کشتارهای فجیعی که بعمل آورد نتیجه میگرفت و چند روز بیشتر بحکومت استبدادی و ظالمانه خود ادامه میداد . . . . این رفتارهای ظالمانه شدیدترین وجه مورد نفرت ملت بوده و محکوم و مردود است وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون هر حکومت ها و رژیم های ظالمانه دیکتاتوری از درک این حقیقت ابتدائی عاجز بوده و هستند که عمل مداوم ظلم و زور کوتاه قابل تحمل ملت ها نیست و این نوع اعمال ظالمانه عزم ملت را در ادامه مبارزه راسخ تر و استوارتر نموده و بالاخره پایه های ظلم و استبداد را از بین خواهد برد . و مجددا با کمال تاسف و تاثر باطلاع رسیده است که حرم و حریم مقدس حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه آلاف التحیة والثناء در مشهد مقدس نیز لگد آسیب محفوظ نبوده و مورد هتک و بی احترامی واقع شده است و در صحن مقدس تیراندازی و کشتار شده و حرم مطهر نیز مورد بی احترامی و آسیب قرار گرفته است لذا بمنظور اعتراض باین عمل بی ادبانه و ظالمانه - روز یکشنبه ۲۵ ذی الحجة الحرام ۱۳۹۸ مطابق پنجم آذرماه ۱۳۵۷ شمسی را عزای عمومی اعلام میکنیم و با مراعات متانت کامل روز مزبور تعطیل عمومی خواهد بود . . .

خداوند متعال اسلام و مسلمین را منظفر و منصور فرموده و ظالمین را بعذاب الیم خود گرفتار نماید

Marfat.com

متن اطلاعیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حوادث خونین شهرهای مختلف ایران، ۶ محرم ۱۳۹۹ / ۱۶ آذر ۱۳۵۷

باسمه تعالی عظّم الله اجورنا و اجورکم بمصابنا بالحسین علیه السّلام

ماه محرم و عاشورای حسینی صلوات الله علیه را بجمیع شیعیان جهان و عموم مسلمانان تسلیت میگوئیم. در ایران مرکز تشیع، مردم گرفتار مصائب و مظالم شدید بوده و روزی نیست که خبر ناگوار و دلخراش فاجعه‌یی از شهرهای متعدد و گوشه و کنار مملکت نرسد کشتارهای مستمر مردم بیگناه، ضرب و جرح، نهب، غارت از اعمال دائمی و روزمره هیئت حاکمه مستبد میباشد علاوه بر این اعمال و فجایع، اخیراً تعدی بعلماء و روحانیون بلاد نیز در برنامه قرار گرفته است، در شهر خوی یکی از وعاظ آنجا را بدون علت و سبب بخارج شهر برده و بعد از ضرب و اهانت و کندن لباس رها می‌کنند. در شهر ملایر حاضرین بنماز جماعت را مضروب نموده و عالم موجه آنجا را مورد اهانت قرار میدهند در شهر شیروان عالم مورد اعتماد آنجا اظهار میکند که عده کثیری غفلتاً بخانه ایشان حمله کرده و خانه را بکلی ویران نموده و عائله اش را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار میدهند که در بیمارستان بستری میشوند در شهر بیرجند مأمورین شهربانی بمدرسه علوم دینی حمله کرده ضمن شکستن در و پنجره و مضروب کردن طلاب ریش دو نفر از فضلاء را میتراشند و بامام جماعت و سایر روحانیون اهانت میکنند. فجیع‌تر و دردناکتر از همه اینکه در شهر بوشهر بخانه یکی از علماء آنجا رفته و آن عالم را کشته و شهری را بعزا و سوگواری و تنفر میکشانند، در تهران شبها عده‌ای را کشته و مجروح مینمایند و در شهرستانها نیز نظیر این جنایات هر روز تکرار میشود، این نوع ارعاب نمیتواند روحانیت مجاهد و حق طلب و ملت مسلمان ایران را از انجام وظایف خود باز دارد. دولت نظامی به بهانه حفظ نظم هر روز کسانی را که برای بدست آوردن نظمی واقعی و نظامی عادلانه مبارزه میکنند بخاک و خون میکشد. آیا این مغالطه میتواند مجوزی برای این اعمال وحشیانه بوده باشد؟

ما در اینجا بهمه آنهائیکه ادامه حکومت ظالمانه خود را در اعمال خشونت و کشتار مردم می‌بینند اخطار میکنیم که این حربه پوسیده دیگر اراده ملت کاهساز نیست و نتیجه این اعمال بجز وخیم‌تر نمودن اوضاع چیز دیگری نمیتواند باشد،

ارتش مسلمان ایران باید بداند که تیراندازی بهموطن مسلمان در تحت هیچ شرایطی و بهیچ بهانه‌ای جایز نیست و ما حکم میکنیم که این عمل حرام مؤکد است. اینها که کشته میشوند برادران همدین شما هستند و بخاطر برادران و خواهران و مادران و فرزندان شما جانفشانی میکنند این اسلحه را برای مقابله با دشمن بدست شما داده اند نه برای برادرکشی و جنگ خانگی مخصوصاً در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی که مردم مشغول عزاداری سرور آزادگان هستند باحترام آنحضرت نهایت احترام بمسلمانان بر افراد ارتش لازم و ضروری میباشد.

از خداوند متعال بخاطر خون پاک شهید راه حق حسین ابن علی (ع) مسئلت میداریم که اسلام و مسلمین را مظفر و منصور فرموده بهدفهای عالی اسلامی و انسانی نایل فرماید. ششم محرم الحرام ۱۳۹۹ سید کاظم شریعتمداری

Marfat.com

متن اطلاعیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حوادث خونین ماه محرم و اعلام عزای عمومی، ۱۵ محرم ۱۳۹۹ / ۲۵ آذر ۱۳۵۷

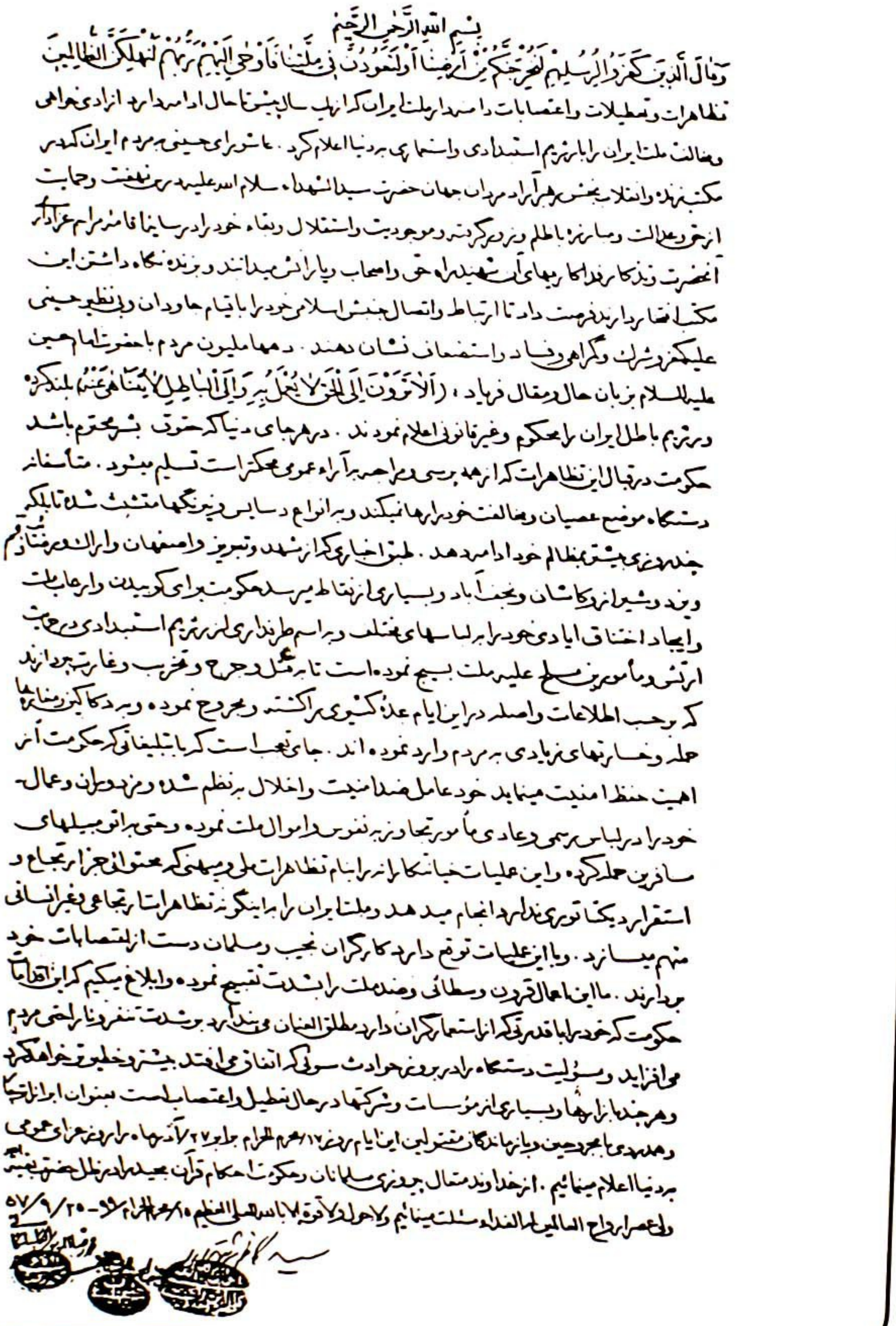

بسم الله الرحمن الرحیم

وقال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنکم من ارضنا او لتعودن فی ملتنا فاوحی الیهم ربهم لنهلکن الظالمین

تظاهرات و تعطیلات و اعتصابات دامنه‌دار ملت ایران که از نهصد سال پیش تاکنون سابقه نداشته است بیانگر آن است که ملت ایران با رژیم استبدادی و اسنادی که به دنیا اعلام کرد. عاشورای حسینی به مردم ایران که در مکتب زنده و انقلابی خویش رهبر آزادمردان جهان حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه درس عفت و حمایت از حق و عدالت و مبارزه با ظلم و زورگوئی و موجودیت و استقلال و بقاء خود را در سایه قیام و عزاداری آن حضرت و تبدیل کارزارهای آن شهید راه حق و اصحاب و یارانش میدانند و برنده نگاه داشتن این مکتب افتخار دارند فرصت داد تا ارتباط و اتصال جنبش اسلامی خود را با ایام جاودان و بی نظیر حسینی علیه‌السلام بیان حال و مقال فریاد، (الا تزرون الی الحق لا یعمل به و الی الباطل لا ینتهی عنه) بلند کرده و رژیم باطل ایران را محکوم و غیرقانونی اعلام نمودند. در هر جای دنیا که حکومت بشر محترم باشد حکومت در قبال این تظاهرات که از همه بررسی و مراجعه به آراء عمومی محکومیت تسلیم میشود. متأسفانه دستگاه موضع عصیان و مخالفت خود را رها نمیکند و به انواع دسایس و نیرنگها متشبث شده تا بلکه چند روزی بیشتر به ظالم خود امهال دهد. طبق اخباری که از مشهد و تبریز و اصفهان و اراک و رفسنجان و یزد و شیراز و کاشان و نجف‌آباد و بسیاری از نقاط میرسد حکومت برای کوبیدن و ارعاب ملت و ایجاد اختناق ایادی خود را با لباسهای مختلف و به اسم طرفداری از رژیم استبدادی در حالت ارتش و مأمورین مسلح علیه ملت بسیج نموده است تا به قتل و جرح و تخریب و غارت بپردازند که بر حسب اطلاعات واصله در این ایام عدهٔ کثیری را کشته و مجروح نموده و به دکاکین و مغازه‌ها حمله و خسارتهای زیادی به مردم وارد نموده‌اند. جای تعجب است که با تبلیغاتی که حکومت از اهمیت حفظ امنیت مینماید خود عامل ضدامنیت و اخلال به نظم شده و مزدوران و عمال خود را در لباس رسمی و عادی مأمور تجاوز به نفوس و اموال ملت نموده و حتی با توسیلهای مسافرین حمله کرده و این عملیات خیانتکارانه را در ایام تظاهرات ملی و مسالمتی که محتوای جز ارتجاع و استقرار دیکتاتوری ندارد انجام میدهد و ملت ایران را با این گونه تظاهرات ارتجاعی و غیرانسانی متهم میسازد. و با این عملیات توقع دارد کارگران نجیب و مسلمان دست از اعتصابات خود بردارند. ما این اعمال قرون وسطائی و ضدملت را شدیداً تقبیح نموده و ابلاغ میکنیم که این اقدامات حکومت که خود را با قدرتی که از استعمارگران دارد مطلق العنان میداند بر شدت تنفر و ناراحتی مردم میافزاید و مسئولیت دستگاه را در بروز حوادث سوئی که اتفاق میافتد بیشتر و خطیرتر خواهد کرد. و هر چند بازارها و بسیاری از مؤسسات و شرکتها در حال تعطیل و اعتصاب است بدینوسیله از ادامه این اعتصابات و همدردی با مجروحین و بازماندگان متضررین این ایام روز ۱۲ محرم الحرام مصادف با ۲۷ آذرماه را روز عزای عمومی به دنیا اعلام مینمائیم. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان و حکومت احکام قرآن مجید را در ظل حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مسئلت مینمائیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. ۱۵ محرم الحرام ۱۳۹۹ - ۵۷/۹/۲۵

Marfat.com

متن اطلاعیهٔ حضرات آیات عظام و مراجع تقلید حوزهٔ علمیهٔ قم به مناسبت حوادث خونین شهرهای مختلف ایران، ۸ صفر ۱۳۹۹ / ۱۷دی ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحیم

حوادث خونین وفجیع در شهرهای متدین: مشهد، قم وکرمان، قزوین، کرمانشاه، اردبیل، بهاربند، آستانه اشرفیه، لاهیجان، آبادشهر وبابل ودیگر بلاد، نشان داد که تصمیم جانی وقطعی ملت مسلمان ایران که طرد استعمار ویاپادوارن به نظام فردی و دیکتاتوری واستقرار نظام عدل وحق اسلامی است خلل ناپذیر است وازمصائب وصدمه های جبران ومبانقه ای که دشمن خون آشام بوجودی آورد هراس نمیکند ورشد وشعور اسلامی ملت که درسایه آن علیه استبداد - قیام برخاسته تحت الشعاع هیچ جنایت وخشونتی قرارنخواهدگرفت وبحول وقوه الهی باآگاهی تمام آنها ازنیرنگها وحیله‌های گوناگونی که استعمار واستبداد ردوری ازسیاهم عالی اسلامی بوجود آورده است محو خواهدکرد. وبه فتح سانسور ازمطبوعات، وعدم اعمال سانسور ازسازمان اوقاف تاعدم تجاوز خواهدکرد ومبلوزه را تا نیل - هدف وسقوط کامل دیکتاتوری واستبداد ادامه خواهد داد وخواهدگفت امنیت جریحه‌های عزیزانی که ریخته شده وخاطراتی که متحمل گردیده است بهدر نرود. ماضمن اینکه برای مقتولین جنایات نظام جنایت منفور سیمایم وبازماندگان شان تسلیت سیلیعم وبه عنوان همدردی باآنها روز چهارشنبه نهم صفر ۱۳۹۹ مطابق ۱۸ دیماه ۱۳۵۷ راعلام عزای عمایم توجه عموم رابه تذکرات ذیل جلب می کنیم -

هگان سراغیت کنند لوامال شیطانی که - بهانه های گوناگون افراد را مورد تهدید قرارداده دهند جلوگیری نموده ویگذارند میرنهضت بسیر خود که امنیت حق مردم افراد فقط - دست مراجع ذیصلاح ملتی تواند مورد تعرض قرارگیرد - افراد بحول الله - وباشناخته وبایفه وظیفه هرچه که برای یک اجتماع سالم ومترقی ومتمدن وپیشرفتی لازم است کمال اهتمام را نمایند وبرای اجرای کامل اسلام واجرای احکام قرآن مجید آماده شوند وبرادری وتعاون اسلامی رابطور کامل انجام دهند وازگرانفروشی، اجحاف واحتکار جداً پرهیز نمایند ودرکنار وامانت مالی وغیره باسایر دیگران وبازماندگان مقتولین دریغ ننمایند وازکلیه - نظام طاغوتی تاسقوط قطعی آن تاآنجاکه ممکن است خودداری نمایند ومتوجه باشند جنایت که استعمارین المللی ودشمنان اسلام اکنون دست روی دست گذاشته نشسته وازفرصت وپیشامدی سوء استفاده نموده آنها همیشه نقشه های خودراعلیه اسلام ومسلمین واستعمار دنبال می کنند ما باید علی الدوام آگاه وهوشیار باشیم وتمام راه های نفوذ آنها را به بندیم وبه صلاح (اَشِدّاءُ علی الکفار رُحَماءُ بینهم) خودرا مجهز بازیم وعلم علی من اتبع الهدی

و سر ۱۹ سلطنتی ۱۳۵۷

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۱/۶

اعلامیهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در اعتراض به اقدامات غیر قانونی دولت شاپور بختیار

بسم الله الرحمن الرحیم

از ملت شریف و مسلمان و آگاه و بیدار ایران که در راه اعتلاء کلمهٔ حقه و سرنگونی و نابودی مظاهر استبداد جانفشانی کرده و هزاران افراد از جان گذشته را قربانی داده متشکریم. هم‌اکنون که بحمدالله جل شأنه در آستانهٔ فتح و پیروزی و استقرار نظام حق و عدل اسلامی هستیم رژیم فاسد و منحط با دستیاری عمال مزدور خود تلاش مذبوحانهٔ دیگری می‌کند تا شاید بتواند در صفوف متشکل ملت غیور ایران رخنه ایجاد نموده و به منویات پلید خود برسد غافل از اینکه دسائس بیگانگان در این نهضت عالمگیر و مقدّس هیچگونه تأثیری نکرده بلکه عزم آنان را راسختر و صفوفشان را فشرده‌تر می‌نماید لذا بدین‌وسیله در این موقع حساس عموم ملت شریف ایران را به نکات ذیل جلب می‌نمائیم:

۱ ـ دولت غیر قانونی فعلی با دستیاری بعضی از عوامل به عنوان حمایت از قانون، راهپیمائیهائی تشکیل می‌دهد و همه باید بدانند که این همان افرادی هستند که سالیان متمادی ملت را استعمار و بَرده بیگانگان قرار داده و حال به این عنوان می‌خواهند بار دیگر سلطهٔ ظالمانه خود را بر سر این ملت شریف برقرار نمایند؛ البته برادران دینی شرکت در این قبیل تظاهرات فرمایشی که غالباً با ارعاب و تهدید صورت می‌گیرد نخواهند نمود.

۲ ـ عموم برادران و فرزندان ایمانی نیروهای ارتش بایستی در این موقع به مقتضای

Marfat.com

احترام به قوانین اسلام و حمایت از برادران مسلمان و پاسداری از حریم مقدّس روحانیّت با ملت و مسلمانان همصدا و همگام شده و آنان را در اهداف عالیه اسلامی خود یاری نمایند و خودشان را در آغوش پرمهر ملت قرار دهند . باشد تا بدین وسیله شهامت و شجاعت و جانبازی را در راه اسلام و مسلمین به جهانیان ثابت نمایند .

۳ـ اقدام غیر قانونی دولت در بستن فرودگاههای ایران و ممانعت جاهلانه آن از ورود حضرت مستطاب آیت‌الله آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ که همگان بی‌صبرانه در انتظار معظم‌له هستند لکهٔ ننگ دیگری است بر دامن دولت غیر قانونی فعلی که مغایر با تمام قوانین بین‌المللی است . و این دولت غاصب باید بداند که در این عمل ننگین خود بایستی تجدید نظر نموده و فرودگاهها را هرچه زودتر باز نماید که عواقب وخیم و خطرناکی در پی خواهد داشت و مسئولیت آن مستقیم متوجه خود دولت می‌باشد .

۴ـ بر ملت شریف ایران لازم است که صفوف خود را هرچه بیشتر متشکل نموده و تا مادامی که به اهداف عالیه خود که برقراری نظام حق و عدل اسلامی است نائل نشده‌اند از تظاهرات و پشتیبانی عالم روحانیّت و مراجع دینی کوتاهی ننمایند .

خداوند سبحان مسلمانان را در این موقع سرنوشت‌ساز یاری نموده و ایران را تحت لواء اسلام و عنایات عالیه اهل بیت عصمت و طهارت(ع) یاری نماید . ان شاء الله تعالی .

والسلام علی من اتبع الهدی .

في ۲۷ صفر المظفر ۱۳۹۹

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

متن پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به ملّت شریف ایران
۱۳ ربیع المولود ۱۳۹۹

بسم الله الرّحمن الرّحیم

درود بی پایان بملّت شریف وشجاع مسلمان وآگاه ایران رحمت لایزال خداوند برآنان باد . درود برملّتی که در راه اعتلاء کلمه حقه و پیشبرد اهداف عالیه اسلامی وخواسته های مشروع خود تاپای جان استقامت کرده و بافداکاری عجیب و خارق العاده جهانی را بحیرت و تحسین واداشته وکاخهای ظلم وستم و نفاق و بیدینی و رژیم منحط سلطنتی را یکی پس از دیگری ویران نموده است .

درود برعموم طبقات خاصّه علماء اعلام و حجج اسلام شهرستانها ومدرّسین و طلّاب حوزه های علمی . همچنین برافسران و درجه داران و همافران نیروی هوائی که ازبذل جان دریغ ننموده و بانثارخون خود نهال دیانت واسلام واستقلال و آزادی را آبیاری نموده اند . و بالاخره درود ما برارتش مسلمان ایران که پشتیبانی خود شان را از ملّت آزاده ایران اعلام داشته و به صفوف مردم پیوستند . گو اینکه هنوز هم بعضی ازآنان بسوی مردم تیراندازی نموده و بایستی بدانند که این عمل حرام و نزد خداوند مسئول خواهند بود .

بدینوسیله دراین لحظات حساس و سرنوشت ساز تاریخی که افق پیروزی نمایان گشته ضمن تشکر و سپاس ازتمامی طبقات که در بدست آوردن آزادی و طرد مزدوران وعمّال بیگانه و برقراری نظام حق وعدل اسلامی از بذل هرگونه مجاهدت کوتاهی ننموده اند تقاضامندم در تمام مراحل ضمن الهام از مراجع عالیمقام نسبت بانجام آنچه را که دولت موقت اسلامی جناب آقای مهندس مهدی بازرگان پیشنهاد مینمایند اهتمام نموده و در برقراری نظم وآرامش سعی وافر نمایند تا انشاءالله تعالی تمامی چرخهای اقتصادی و اجتماعی مملکت فعالیت خود را آغاز کرده تانظام حق وعدل اسلامی ماهیت اصیل و اعجاب انگیز خود را بجهانیان بنمایاند .

در خاتمه ضمن عرض تسلیت به بازماندگان مقتولین حوادث امروز ودیروز گذشته ازعموم ملّت شریف ومتدیّن خواهانم تا باخویشتن داری از تعقیب افراد متهم و مظنون خود داری نموده و از نفوذ عوامل مشکوک در صفوف متّحد خود که هدف ازآن ایجاد تفرقه وآتش افروزی و هرج و مرج در سطح شهرها خاصّه تهران است جدّا احتراز نموده و ازهرگونه کمک درمانی و غذائی بمصدومین و مجروحین حادثه که هم اکنون در بیمارستانها و درمانگاهها بسرمیبرند دریغ ننمایند .

خداوند سبحان عموم ملّت شریف ایران را تحت لواء اسلام وعنایات ائمه اطهار علیهم السلام بمدارج عالیه نائل فرماید .

والسلام علی من اتبع الهدی ۱۳ ربیع المولود ۱۳۹۹

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

متن پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مد ظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و متدین ایران

اکنون که به همت والای شما مردم غیور و مبارز ایران حکومت طاغوتی سرنگون و طلیعه حکومت دائمی اسلام با تصویب قانون اساسی کشورهمه را نوید یک زندگی سرفراز و سعادتمند در پرتو احکام عالیه اسلامی میدهد راجع به مذهب رسمی مملکت که شیعهٔ اثنا عشری است بعضی از برادران عزیز اهل تسنن ما اشکالاتی میکنند لازم دیدم در این خصوص تذکراتی به عموم برادران مسلمان بدهم .

اول ـ با مطالعه دقیق در تمام قوانین ممالک توحیدی دنیا مذهب رسمی آنان مشخص شده است .

دوم ـ در ممالک اسلامی با اینکه همه تحت لوای اسلام وقرآن زندگی می‌کنند ولی مذهب رسمی آنان از نظر قانون اساسی محرز و مشخص می‌باشد که به شرح ذیل است :

۱ ـ مصر ـ با اینکه همهٔ فرق مسلمین در آن کشور سکونت دارند ولی به‌لحاظ اکثریت پیروان محمّد بن ادریس شافعی مذهب رسمی شافعی است .

۲ ـ مراکش مذهب رسمی مالکی .

۳ ـ حجاز مذهب رسمی حنبلی .

۴ ـ یمن شمالی مذهب رسمی زیدی .

۵ ـ یمن جنوبی مذهب رسمی شافعی .

۶ ـ پاکستان مذهب رسمی حنفی .

۷ ـ عراق مذهب رسمی حنفی .

Marfat.com

۸ ـ افغانستان مذهب رسمی حنفی.

۹ ـ اندونزی مذهب رسمی شافعی.

همچنین سایر ممالک اسلامی با اینکه پیرو اسلام و قرآن می‌باشند ولی در رسمی‌بودن مذهب در قانون اساسی کشور باید تابع یکی از مذاهب رائج به لحاظ اکثریت پیروان آن می‌باشند .

سوم ـ مملکت اسلامی ایران نیز مثل سائر ممالک اسلامی جهان در تدوین قانون اساسی کشور حتماً باید مراعات اکثریت آنان را از حیث مذهب بنماید و چون اکثریت عظیم مردم ایران شیعه و تابع ائمهٔ اهل بیت ـ سلام الله علیهم اجمعین ـ می‌باشند لازم است که در قانون اساسی هم مذهب رسمی جعفری اثنا عشری بوده باشد چنانچه در قانون اساسی سابق نیز مذهب رسمی جعفری اثنا عشری بوده است ، و اشخاصی که دانسته یا ندانسته در مقام اعتراض به این مادهٔ پیش‌نویس قانون اساسی برمی آیند و اشکال می‌کنند حتماً آگاه از وضع قوانین اساسی سائر ممالک اسلامی نیستند والا با علم به این معنی خدای ناکرده پای غرض‌ورزی و القاء فتنه به میان می‌آید که مسلماً برادران دینی ما مبرا می‌باشند ، خداوند سبحان همه ملت شریف ایران را در عمل به قوانین عالیهٔ اسلامی موفق و مؤید بدارد .

والسلام علینا وعلی اخواننا المسلمین

قم ـ سید شهاب‌الدین المرعشی النجفی

۲۵ رجب ۱۳۹۹

Marfat.com

متن پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی دام ظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و مسلمان ایران

چهاردهمین قرن هجری به پایان می‌رسد . مبدأ تاریخ هجری هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله به مدینهٔ منوره و سرآغاز شکوفائی اسلام و ظهور انقلاب عظیم اسلامی در جهان است . انقلابی که بزرگترین و پرثمرترین انقلاب تاریخ بشریت بوده و بیشترین امواج را در پیشبرد انسانها به سوی تعالی و ترقی به وجود آورد . در آن مقطع زمان ، پربارترین رحمت الهی بر بشریت تابیدن گرفت و کاملترین دین خدا که سعادت بشر را در تمام ابعاد تضمین می‌کند و سیر تکامل ، انسان را به عالیترین اوج آن می‌رساند ، وسیله رسول مکرم و عظیم الشأن اسلام در میان بشریت نازل گردید .

آن بزرگوار با هجرت خود به مدینهٔ منوره به تحکیم پایه‌های اسلام و اتقان آن به جامعهٔ اسلامی اقدام نمود و به آماده کردن آن برای گسترش در اقطار جهان پرداخت .

پس از پیامبر بزرگ ، ائمهٔ طاهرین ما نیز آن راه را ادامه داده و مسلمانان را پیوسته با دریای علوم الهی آشنا ساخته و آنان را رهبری فرمودند .

اسلام عظیمترین جنبش و تحرک را به انسانها داده است ، هر انسانی که از چشمهٔ لایزال اسلام سیراب شود ، پرتحرک و فعال بوده و در سیردادن جامعه به سوی کمالات معنوی عاملی قوی می‌باشد . مسلمین در هر عصری وظیفه دارند بر ادامهٔ انقلاب الهی که به دست پیغمبر اسلام به وجود آمده همکاری نموده و هر مسلمانی بایستی موجی از این انقلاب را به وجود آورد : « کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر » تا توحید و ستایش خدای یگانه راهگشای آنان در تمام فعالیت‌های اجتماعی و

Marfat.com

اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان گردد .

قدرتهای جهان در طول این چهارده قرن برای جلوگیری از پیشرفت اسلام ، همواره به مبارزه برخاسته و بخصوص در این قرن که به پایان آن می‌رسیم امپریالیستهای جهانخوار شرق و غرب برای به دست آوردن منابع ثروت کشورهای اسلامی با سیاستهای استعماری و استثماری وارد میدان عمل شده و برای چپاول سرمایه‌های آنان به مبارزه با اسلام و مسلمین به شیوه‌های مختلف که اهم آن تفرقه افکنی میان مسلمانان است پرداختند . آری قرن چهاردهم براستی برای بشریت بخصوص برای مسلمین ، قرنی بسیار تلخ و رنج آور بود . قرن فتنه‌ها و آشوبها ، قرن ستمها و ستمگریها ، قرن جاه طلبی‌ها و سلطه‌جوئی و چپاولگری استعمارگران . در این قرن تاریخ بشریت شاهد پیش آمدهای ناگواری بود از جمله جنگهای جهانی اول و دوم و جنگهای دیگر از قبیل : ویتنام ، اریتره ، پاکستان ، بنگلادش ، عراق ، افغانستان ، سوریه ، لبنان ، الجزائر وغیره . و نیز در همین قرن به وسیلهٔ امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین المللی آتش فتنهٔ خانمانسوزی به نام دولت اسرائیل به وجود آمد که شعله‌های آن قسمتی از سرزمین مقدس فلسطین را به کام صهیونیستها و طرفدارانشان فرو برد که هنوز هم جمعی از مردم مسلمان فلسطین ، بی‌خانمان و آواره بوده و هر روز شاهد کشتار جمعی از آنان در جنوب لبنان به وسیلهٔ همان امپریالیسم می‌باشیم . از دیگر حوادث مهم این قرن ، حوادث رقت‌انگیز و تأسف‌بار کشور عزیزمان ایران است که ذکر آنها بیش از آن است که در این مختصر بگنجد و همگان از آن آگاهی کامل دارند .

در حال حاضر ملت عزیز ما پس از برانداختن سلطنت جبار و مزدور خاندان پهلوی که ضربات عظیمی بر پیکر اسلام عزیز زد ، بار دیگر به مبارزه علیه استعمارگران خارجی پرداخته و علیه امپریالیسم جهانی که در رأس آن آمریکا قرار دارد قیام کرده است . عده‌ای از دانشجویان مبارز و فداکار ، سفارتخانهٔ آمریکای جهانخوار راکه لانهٔ جاسوسی علیه ملت ما بود ، به عنوان اعتراض به سیاست آمریکا و پناه دادن شاه مخلوع

Marfat.com

به تصرف درآورده و با پشتیبانی عموم ملت در سنگر مبارزه به سر می‌برند و حکومت استعمارگر آمریکا به طور مستقیم و غیر مستقیم با تحریک عوامل دست‌نشاندهٔ خود علیه ما توطئه می‌کنند. لذا چون ما، در این برهه از زمان در موقعیت حساسی قرار گرفته‌ایم و چشم جهانیان به انقلاب اسلامی ما دوخته شده، لازم دانستم نکاتی را تذکر دهم:

۱. بر تمام افراد ملت لازم است که به مصداق آیهٔ شریفهٔ: « واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا » عمل نموده و همگی به حبل متین الهی، چنگ بزنند و از هم گسیخته نشوند.

۲. ملت ما موظف است در خلال این نبرد مقدس، در کار و کوشش اجتماعی و در انجام وظیفهٔ شغلی خود سعی بلیغ نموده تا اقتصاد کشور پیشرفت کرده و ما را بی‌نیاز از دیگران نمایند.

۳. مسئولین اجرائی موظفند که به دردهای اجتماعی رسیدگی نموده و ریشه‌های فساد را قلع و قمع نمایند.

۴. بر عموم ملت لازم است که به ندای هموطنان خود که در حادثهٔ دلخراش زلزلهٔ خراسان، صدها نفر مقتول و مجروح و بی‌خانمان به جای گذارده بشتابند و با مساعدتهای خود، چه وسیلهٔ مسئولین امور و یا مستقیماً آنان را در این امر خدا پسندانه یاری دهند.

۵. کارمندان دولت موظفند در انجام خدمت به ملت و گره گشائی در کارهای مردم اهتمام بیشتری به خرج دهند.

۶. ماه محرم که بیانگر ریشه‌های خونین اسلام و آغاز هر قرن نیز با طلیعهٔ آن شروع می‌شود فرا می‌رسد و یاد بزرگترین فداکاری و جانبازی تاریخ را برای پیشرفت اسلام زنده می‌سازد. محرم ماه شهادت سرور شهیدان حضرت سیدالشهداء حسین بن علی ارواحنا فداه است. شادابی شاخ و برگ درخت اسلام، تاکنون نیز به برکت خونهائی است که آن حضرت از خود و فرزندان و برادران و یاران عزیزش به پای آن ریخت. در

Marfat.com

این سال که انقلاب اسلامی کشور ما ، به ثمر رسیده و مراحل حساس بنیادی خود را می‌پیماید ، بر عموم ملت لازم است که مراسم عزاداری آن حضرت و ذکر مصائب آن بزرگوار و خاندان طاهرینش را ، با شکوهتر از هر سال بپا داشته و با توجه کامل به هدف جانبازی فرزند معصوم پیغمبر که احیاء اسلام است به عزاداری بپردازند .

۷. بر وعاظ و گویندگان محترم ـ ایدهم الله تعالی ـ لازم است که در ارشاد ملت و آشنا کردن آنان به وظائف دینی و اجتماعی و رهنمود به قرآن کریم و مذهب اهل بیت عصمت و طهارت ـ علیهم السلام ـ عنایت کافی مبذول فرموده و هر چه بیشتر ، اجتماع را با فلسفه و حقیقت این قیام بزرگ الهی آشنا سازند . در خاتمه از درگاه با عظمت حضرت باریتعالی می‌خواهیم ، تا در ظهور حضرت ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ تعجیل و دیدگان ما را روشن فرموده و دست ما را از ذیل عنایت آن بزرگوار کوتاه نفرماید . به امید توفیق و سعادت بیشتر ، برای ملت عزیز ما ایران . و السلام علینا و علی جمیع عباد الله الصالحین .

۲۵ ذی الحجهٔ ۱۳۹۹

قم ـ شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

استفتاء جمعی از کشاورزان مناطق فارس، خراسان و مازندران در بارهٔ قانون زمینداری و حدود مالکیت در اسلام و جواب آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۰۰ / ۱۹ اسفند ۱۳۵۸

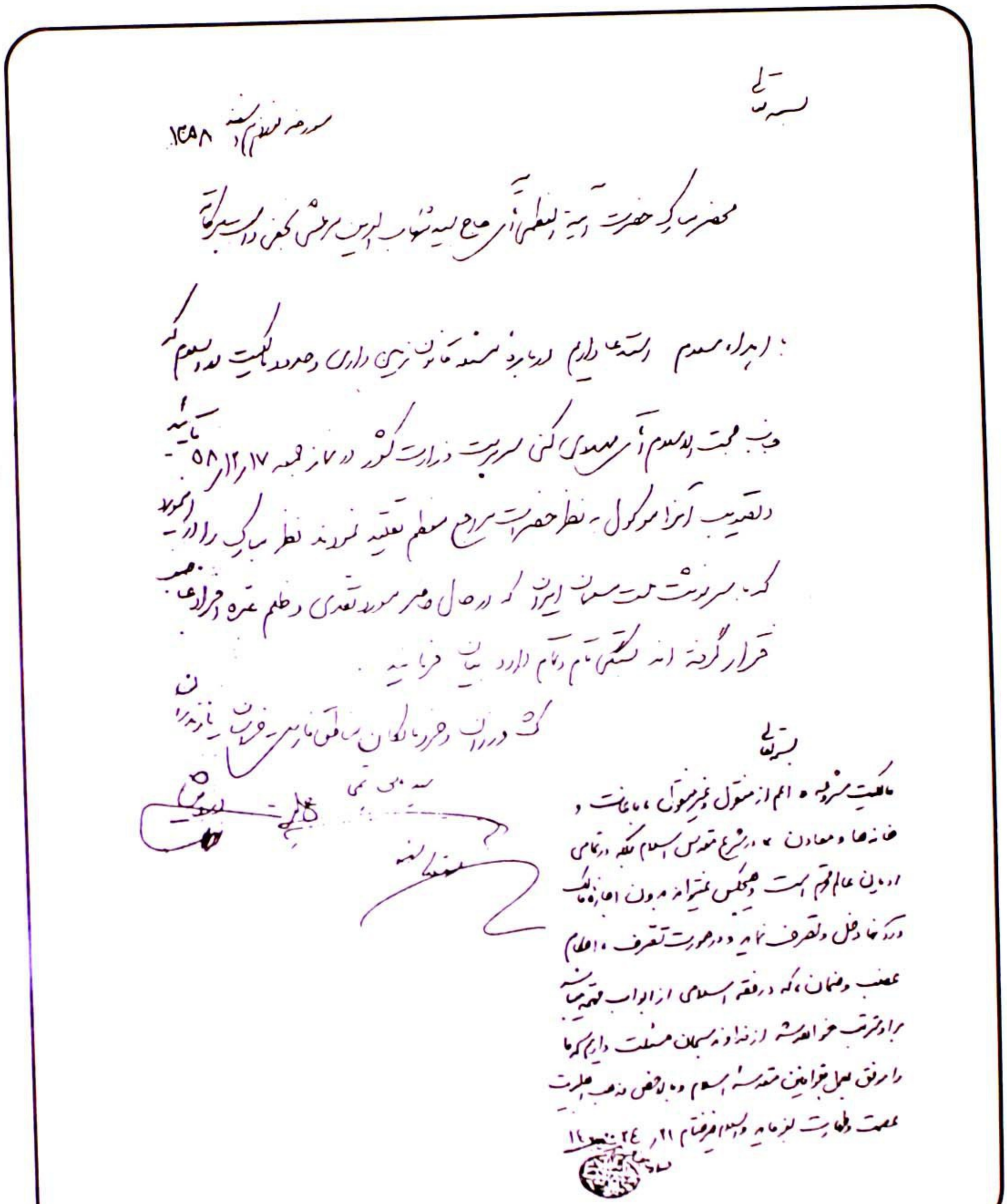

بسمه تعالی

مورخه نوزدهم اسفند ۱۳۵۸

محضر مبارک حضرت آیة‌الله‌العظمی آقای حاج سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی دامت برکاته

با اهداء سلام استدعا داریم در بارهٔ مسئله قانون زمین‌داری و حدود مالکیت در اسلام که جناب حجت‌الاسلام آقای مهدوی کنی سرپرست وزارت کشور در نماز جمعه ۱۷/۱۲/۵۸ تأیید و تصویب آنرا موکول به نظر حضرات مراجع معظم تقلید نمودند نظر مبارک را در این مورد که با سرنوشت ملت مسلمان ایران که در حال حاضر مورد تعدی و ظلم عده افراد غاصب قرار گرفته‌اند بستگی تام و تمام دارد بیان فرمایید.

کشاورزان و خردمالکان مناطق فارس، خراسان، مازندران

سید علی تمیمی

بسمه تعالی

مالکیت مشروطه، اعم از منقول و غیرمنقول، باغات و خانه‌ها و معادن، در شرع مقدس اسلام بلکه در تمامی ادیان عالم محترم است و هیچکس نمی‌تواند بدون اجازه مالک در آنها دخل و تصرف نماید و در صورت تصرف، احکام غصب و ضمان، که در فقه اسلامی از ابواب مهمه می‌باشد بر او مترتب خواهد شد. از خداوند سبحان مسئلت داریم که ما را موفق بعمل بقوانین مقدسه اسلام و بالاخص مذهب اهلبیت عصمت و طهارت بفرماید. والسلام خیر ختام ۲۱/۲۴/۱۴

Marfat.com

متن بیانیهٔ مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی دام‌ظله العالی در مورد روز جهانی قدس

بسم الله الرحمن الرحیم

مردم غیور و مسلمان و شهیدپرور ایران ، خداوند سبحان همهٔ شما را اجر جزیل عنایت فرماید . فرزندان برومند شما در لحظات حسّاس در راه سیر به طرف الله و تثبیت قوانین اسلام ، از ایثار خون مضایقه نکردند و عظمت اسلام و قرآن را به جهانیان ثابت نمودند و خودشان را در ردیف شهدای صدر اول اسلام قرار دادند . فداکاریهای رزمندگان غیور ما در تمامی ابعاد جهشهای اسلامی و عرض مکتب جهان بینی توحید و صراط مستقیم الله ، درسهای آموزنده‌ای برای ما آموخت و برای همهٔ مسلمین جهان مکتب ایثار و شهادت را در خط‌مشی قرآن و اسلام و حمایت ملل تحت ستم بنیان نهاد . بر ما لازم است که به پاس خون شهیدان راه اسلام ، بر آنان ارج نهیم و در راه پیشبرد مقاصد عالیهٔ مکتب توحید از هیچ مانعی نهراسیم و با روحیهٔ شهامت و شجاعت سنگر به سنگر جهانخواران شرق و غرب را رسوا و آنان را از سرزمینهای مسلمین بیرون برانیم . ملت شریف ایران ، اکنون چشم برادران و خواهران دینی مادر ممالک اسلامی خاصه عزیزان و فرزندان غیور فلسطینی رانده شده از وطن خود « سرزمین مقدس فلسطین و قدس » نظاره گر همّت و غیرت و پایمردی برادران دیگر خود ، در تمام کشورهای اسلامی مخصوصاً کشور عزیز ما ایران است که با انقلاب خونین خود ، جان تازه‌ای در کالبد بی‌جان و مأیوس مستضعفین دمیده است ، چه آنکه مکتب ما در حفظ و حراست شعائر اسلام و حدود و ثغور آن مرزی را نمی‌شناسد . هرکجا مسلمانی مورد تعدّی و اجحاف قرارگیرد بر همهٔ مسلمانان وظیفه است که به یاری آن بشتابند . نزدیک به نیم

Marfat.com

قرن است که سرزمین پاک قدس و بیت المقدس ، قبلهٔ اول مسلمین به اشغال عمّال مزدور و نژادپرست صهیونیزم درآمده است . همه باید در آزادی آن بکوشیم و از قدرتهای پوشالی امپریالیسم نهراسیم . قیام ما چون در راه حق و تحقّق آرمانهای انسانی است پیروز خواهد شد . بدین وسیله لازم به یادآوری است همانگونه که رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران جمعهٔ آخر ماه مبارک رمضان را روز قدس اعلام فرموده‌اند ، بر عموم مسلمین لازم است که در این روز بزرگ با تشکّل تمام و اتّحاد و اتفاق با تظاهرات عظیم و راه‌پیمائیهای بزرگ به جهانیان ثابت کنند که فلسطین تنها نیست و هنوز خون پرتحرّک ایثار و فداکاری و حفظ شعائر دینی و حمایت از مظلومین در شریانها جاری است . این روز بزرگ را مغتنم شمرید و با تمام نیرو به شیطان بزرگ و عمّال او درس عبرت بدهید . شما در راه خدا و برای خدا قدم بردارید خدا هم یار و معین شما است . واقعاً جای بسی تأسف است که با وجود چند صد میلیون مسلمان ، قبلهٔ اول اسلام و بیت المقدس به اشغال عدّه‌ای چپاولگر درآید و مسلمین نسبت به آن بی‌تفاوت بمانند و هر روز ما شاهد بمبارانهای پی در پی آنان در سرزمینهای اشغالی و جنوب لبنان باشیم . در خاتمه ، امید است خداوند سبحان بحقّ مقرّبان درگاهش ، ما را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و مذهب اهل بیت عصمت و طهارت ـ علیهم السلام ـ موفّق فرموده و عموم مسلمین را در جهان پیروز و سرفراز کرده و قدرتهای بزرگ شرق و غرب و صهیونیزم بین المللی را محو و نابود فرماید .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .

۲۴ رمضان المبارک ۱۴۰۰

قم ـ شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی

Marfat.com

Marfat.com

پیوست چهارم

اسناد و مدارک مربوط به
کتابخانهٔ عمومی حضرت
آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

Marfat.com

Marfat.com

صفحهٔ اوّل وقفنامهٔ رسمی کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در سال ۱۳۴۶ شمسی

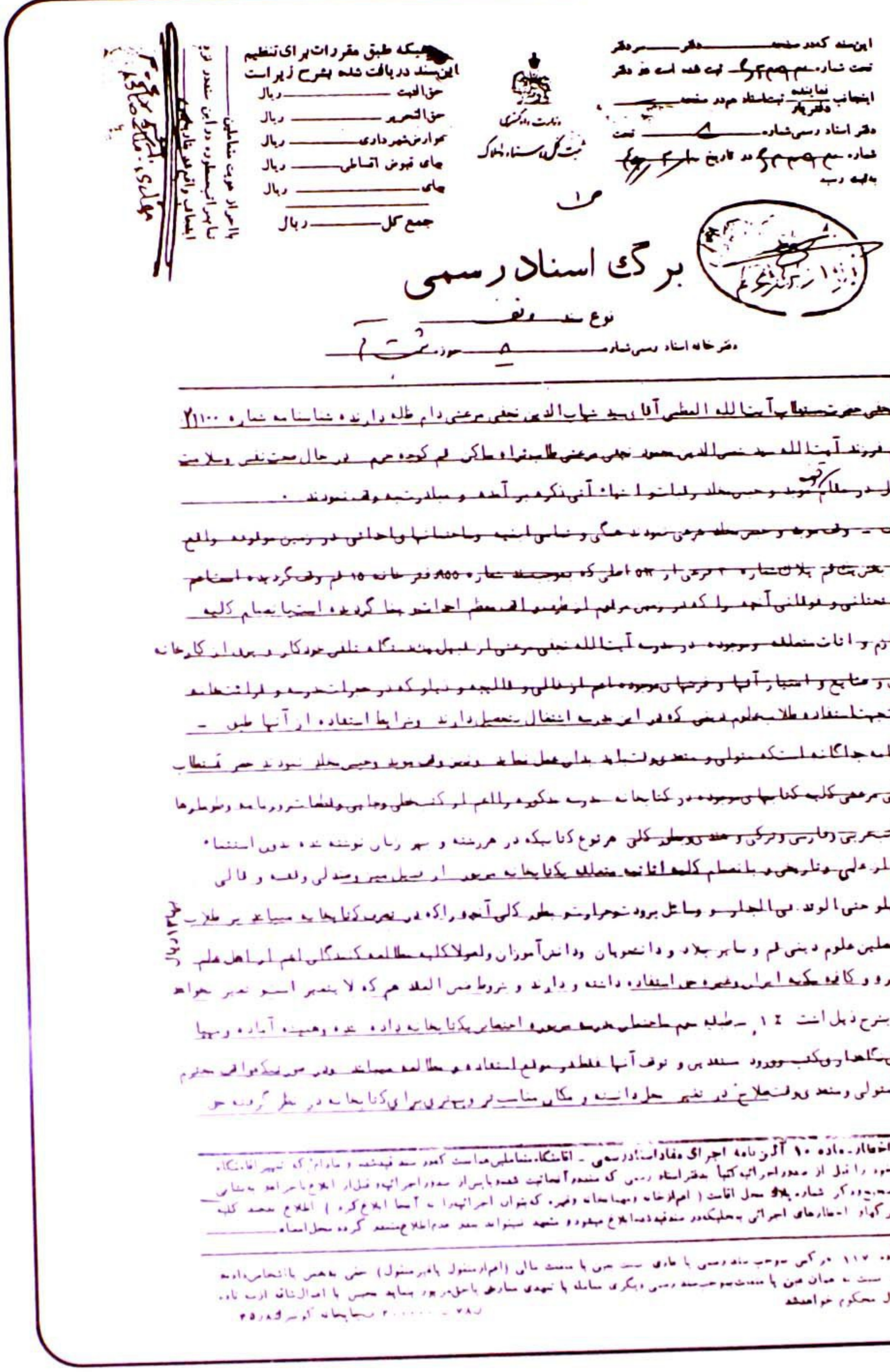

برگ اسناد رسمی

نوع سند وقف

دفترخانه اسناد رسمی شماره

لاجلی حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی دام ظله دارنده شناسنامه شماره ۲۱۰۰ ...
قم فرزند آیت الله سید حسن الدین محمود نجفی مرعشی طاب ثراه ساکن قم کوچه حرم در حال صحت نفس و سلامت ...
عقل و رشد و اختیار و توجه و حین تجلد و اشتهار آنی نکرده بر آمده و مبادرت به وقف نمودند ...
الی یوم الوقت و حین تجلد مرقوم نمودند همگی و خالص لوجه الله و ابتغاء مرضاته و احداثی در زمین مزروعه واقع ...
در بخش بیست قم پلاک ثبتی ۲ فرعی از ۵۳ اصلی که بموجب سند شماره ۸۵۵ دفتر خانه ۱۵ قم وقف گردیده است تمام ...
ارتفاعاتی و توابعاتی آنچه دارد کنونی و بعد مرقوم لوحه وقف معظم الیها شده یا گردیده است با تمام کلیه ...
لوازم و اثاث متعلقه و موجوده در حدود آیت الله نجفی مرعشی در قبال مبلغ سیصد تومان خودکار و بعد از کارخانه ...
برق و مشایخ و استبار آنها و فرشهای موجود تمام لوازالی و قالیچه و نیلوکمد و حصیرات حدوده و لوازمات متعلقه ...
استجهت استفاده طلاب علوم دینی که فعلا در این حدیقه اشتغال بتحصیل دارند و شرایط استفاده از آنها طبق ...
برنامه جداگانه است که متولی و منتظم وقت باید بدان عمل نماید و تغییر و قلب نموده و چیزی بخلاف نشود تحت نظارت ...
نجفی مرعشی کلیه کتابهائی موجوده در کتابخانه حدود مذکوره و تمام آن کتب خطی و چاپی و قطعات و رساله و نقشه‌ها ...
و کتب عربی و فارسی و ترکی و هندی و سایر کلیه کتابیکه در هر رشته و بهر زبان نوشته شده بدون استثناء ...
اهم از علمی و تاریخی و غیره تمام کلیه اثاثیه متعلقه بکتابخانه مرحوم اعم از قفسه میز و صندلی و قالی ...
و نیلو حتی الوقت فی المجلس و وسائل برودت و حرارت و سایر کلیه آنچه و اکه در تصرف کتابخانه میباشد بر طلاب ...
و محصلین علوم دینی قم و سایر بلاد و دانشجویان و دانش آموزان و بطور کلیه مطالعه کنندگان اعم از اهل علم ...
و غیره و کافه مکلفه اعم از ذکور و اناث استفاده دانسته و دارند و شروط من الان هم که لا یتغیر است تغییر خواهد ...
کرد بشرح ذیل است ۱۴ - طلبه علوم محصل حدیقه مرحومه اختیار کتابخانه داده شده و همیشه آماده و مهیا ...
برای نگاهداری کتب و ورود مستفیدین و توقف آنها فقط برای استفاده و مطالعه مجاز خواهد بود در صورتیکه مواقع تحویل ...
و یا متولی و منتظم وقت تشخیص دهد محل دائمی و مکان مناسب تر و بهتری برای کتابخانه در نظر گرفته شود ...

اخطار - ماده ۱۰ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی - اقامتگاه متعاملین عبارت است از محل سند قید شده و مادامی که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه کتبا بدفتر اسناد رسمی که سند در آنجا ثبت شده یا پس از صدور اجرائیه قبلا از ابلاغ باجرا به شماره مخابره کار شماره ... محل اقامت (ام‌الدخانه و نمابر و غیره که بتوان اجرائیه را به آنها ابلاغ کرد) اطلاع نداده کلیه مراسلات و اخطارهای اجرائی به محلیکه در سند قید و اعلام شده است ابلاغ میشود و متعهد نمیتواند بعلت عدم اطلاع متذرع گردد محل امضاء

ماده ۱۱۷ - هر کس موجب سند رسمی یا عادی است معین یا منتهی بسال (ام‌الرسئول یا غیر مسئول) حتی بعضی یا انتخاب داده شده است و همان معین یا منتهی بموجب سند رسمی دیگری مسامحه یا تعهدی مساوی یا طولانی‌تر بنماید معین یا اصالتا از آن تاریخ سال محکوم خواهد شد

صفحهٔ آخر وقفنامهٔ رسمی کتابخانهٔ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در سال ۱۳۴۶ شمسی

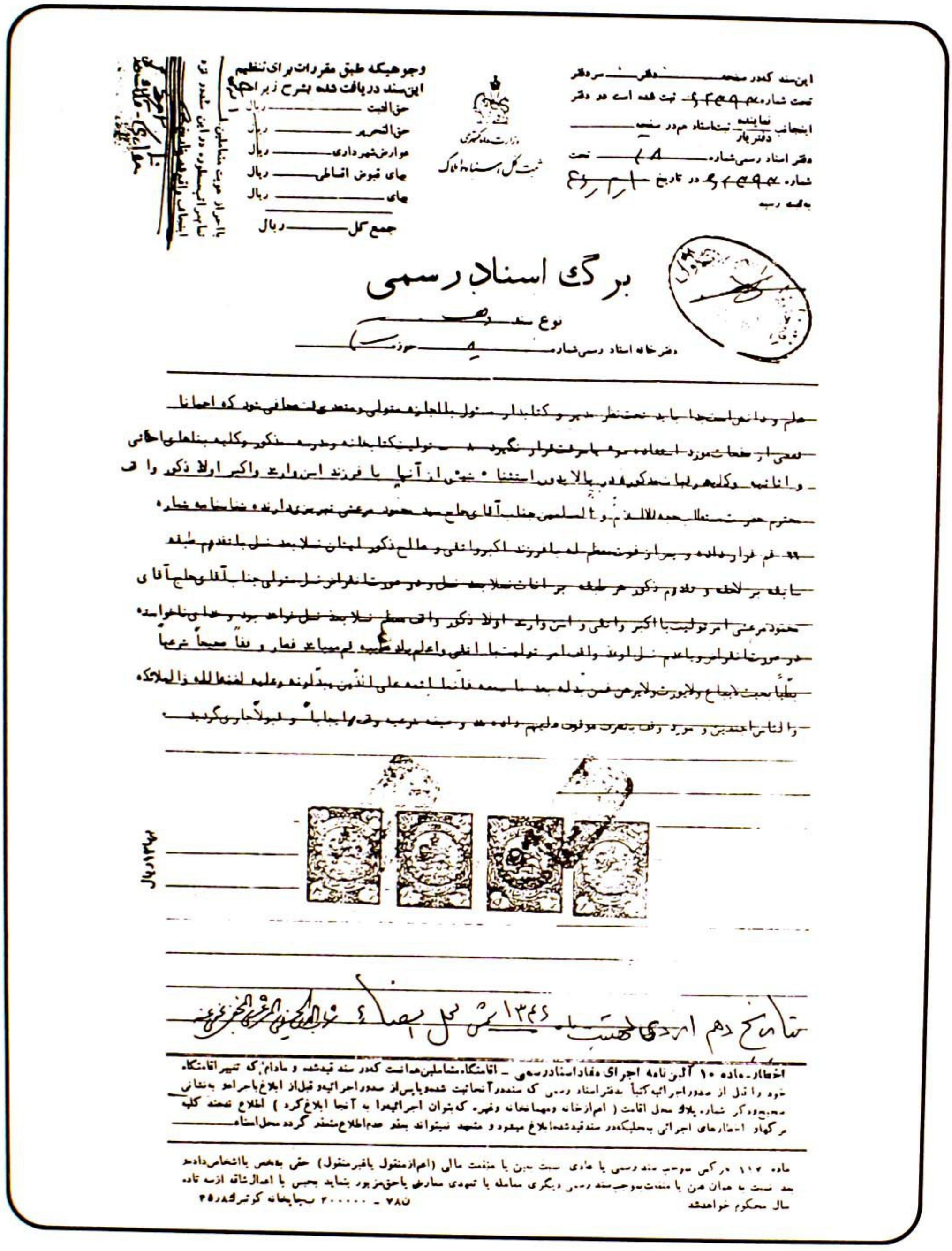

وجوهیکه طبق مقررات برای تنظیم این سند دریافت شده بشرح زیر است

حق الثبت ـــــ ریال
حق التحریر ـــــ ریال
عوارض شهرداری ـــــ ریال
بهای قبوض اقساطی ـــــ ریال
بهای ـــــ ریال
جمع کل ـــــ ریال

وزارت دادگستری
ثبت کل اسناد و املاک

این سند که در صفحه ـــــ دفتر ـــــ سر دفتر
تحت شماره ـــــ ثبت شده است در دفتر
اینجانب نماینده / دفتر یار ثبت اسناد هم در صفحه ـــــ
دفتر اسناد رسمی شماره ـــــ تحت
شماره ـــــ در تاریخ ـــــ
به ثبت رسید

برگ اسناد رسمی

نوع سند ـــــ
دفترخانه اسناد رسمی شماره ـــــ حوزه ـــــ

علم و دانش است جدا باید تحت نظر مدیر و کتابدار مسئول با اجازه متولی و متصدی قسمت صحافی شود که احیاناً
قسمتی از صفحات مورد استفاده شود یا سرقت قرار نگیرد ـــ تولیت کتابخانه و مدرسه مذکور و کلیه بناهای احداثی
و اثاثیه و کلیه رقبات مذکوره در بالا بدون استثناء شیئی از آنها با فرزند اسن وارشد و اکبر اولاد ذکور واقف
محترم حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید محمود مرعشی تبریزی دارنده شناسنامه شماره
۶۶ قم قرار داده و پس از فوت معظم له با فرزند اکبر و اتقی و صالح ذکور ایشان نسلاً بعد نسل با تقدم طبقه
سابقه بر لاحقه و تقدم ذکور هر طبقه بر اناث نسلاً بعد نسل و در صورت انقراض نسل متولی جناب آقای حاج آقای
محمود مرعشی امر تولیت با اکبر و اتقی و اسن وارشد اولاد ذکور واقف معظم نسلاً بعد نسل خواهد بود و خدای ناخواسته
در صورت انقراض و یا عدم نسل اولاد واقف امر تولیت با اتقی و اعلم بلد طیبه قم میباشد فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً
بتاً بحیث لا یباع و لا یورث و لا یرهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و علیه لعنة الله و الملائکة
و الناس اجمعین و مورد وقف بتصرف موقوف علیهم داده شد و صیغه شرعیه وقف ایجاباً و قبولاً جاری گردید

بهای ۱۳ ریال

تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ شمسی محل امضاء شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی عفی عنه

اخطار ـ ماده ۱۰ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی ـ اقامتگاه متعاملین همانست که در سند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه کتباً بدفتر اسناد رسمی که سند در آنجا ثبت شده و یا پس از صدور اجرائیه و قبل از ابلاغ باجرا و به نشانی صحیح و ذکر شماره پلاک محل اقامت (اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجرائیه را به آنجا ابلاغ کرد) اطلاع ندهند کلیه برگها و اخطارهای اجرائی بمحلیکه در سند قید شده ابلاغ میشود و متعهد نمیتواند بعذر عدم اطلاع متعذر گردد محل امضاء

ماده ۱۱۷ هر کس بموجب سند رسمی یا عادی نسبت بعین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیر منقول) حقی بشخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت بموجب سند رسمی دیگری معامله یا تعهدی معارض یا حق مزبور بنماید بحبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد

۷۸۰ ـ ۲۰۰۰۰۰ چاپخانه کوتبرگ ۴۵

Marfat.com

۳۳ - راجع به موضوع کتابخانه عمری که اهم موضوعات این وصیت است این است که این کتابخانه در حقیقت بنیانگذار آن آقای حاج سید محمود فرزند میباشد زیرا اینجانب حدود بیست سال قبل با اختصاص دادن دو حجره از مدرسه عشیه خیابان ارم کنونی کتابخانه فعلی قرار داد برای کتابخانه مدرسه و سپس خریداری چند ملک دیگر کتابخانه فعلی را تشکیل میدهد این مؤسسه عام المنفعه عظیم را بتدریج توسعه داده تا امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی است. من حق از ایشان که برای ابقاء و اداره و توسعه روزافزون آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده و همکاری و همیاری تمام اوقات خود حتی دوران حاوچه شها و با مسافرت‌های متعدد و تحمل رنج زحمت صرف در آن نمایند تشکر و قدردانی میکنم. کسانی که حقیقت بایستی گفت کسانی که مؤسس اولی آن شخص ایشانست - تنها نگرانی حقیر درباره این فرهنگستان عظیم اسلامی توسعه ساختمان و اداره آن از لحاظ مالی پس از حقیر میباشد چون چنین مؤسسه عظیم با خارج سنگین و توسعه روزافزون آن خارج از تحمل شخص یا اشخاص خرج و تنها میتوان برروی پشتیبانی دولتی تکیه کرد و این خود از وظائف دولت یا نهادهای دیگر است که چنین مجموعه‌ای را نگاه بدارند - چه خوبست آنهائی که تاکنون ندیده انداز نزدیک ملاحظه نمایند و ببینند که چه خون دلهائی اینجانب و حقیر برای جمع آوری این مقدار کتاب خورده ایم. باشد تا راهی فراخان این موضوع میباشد تمرکز بابی موسسه عظیم کمتر توقف نماید و مربوط به عموم مردم است توجه بیشتری شود تا بیاری خدا مدارکی از آثار ارزشمند اسلامی که از آفات زمان مصون مانده به دست ما رسیده صحیح و سالم به نسلهای بعدی تحویل گردد و من اشخاصی را که در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکنند در حق آنها دعا کرده و طلب مغفرت مینمایم. و بدانند که خود این کتابخانه از صدها مجلد نسخه خطی و عتیقه و بیمارستان و غیره لازم تر است. و خدا خود شاهد است که حتی برای یک جلد نسخه خود را به فروش نرسانیده و در هیچ آفرت خرید کرده ام. و رعایت شان کسانی که در طبق اخلاص گذارده و صدها و صدها میلیون ارزش ظاهری آنهاست و تقدیم جامعه نموده ام، نگران ادامه و بقاء آن باشم - گرچه خداوند بزرگ تا زمانی که مصلحت بداند و از این پس نیز خود وسائل آنرا مهیا میفرماید ان شاء الله تعالی حقیر مسئولیان را نیز پیش از دیگری معین کرده و امیدوارم اعلام و مراجع برای همیشه راه را

نظارت فرمایند.

Marfat.com

صفحه‌ای از دفترچهٔ صورت کمکهای مردمی برای ساختمان کتابخانه

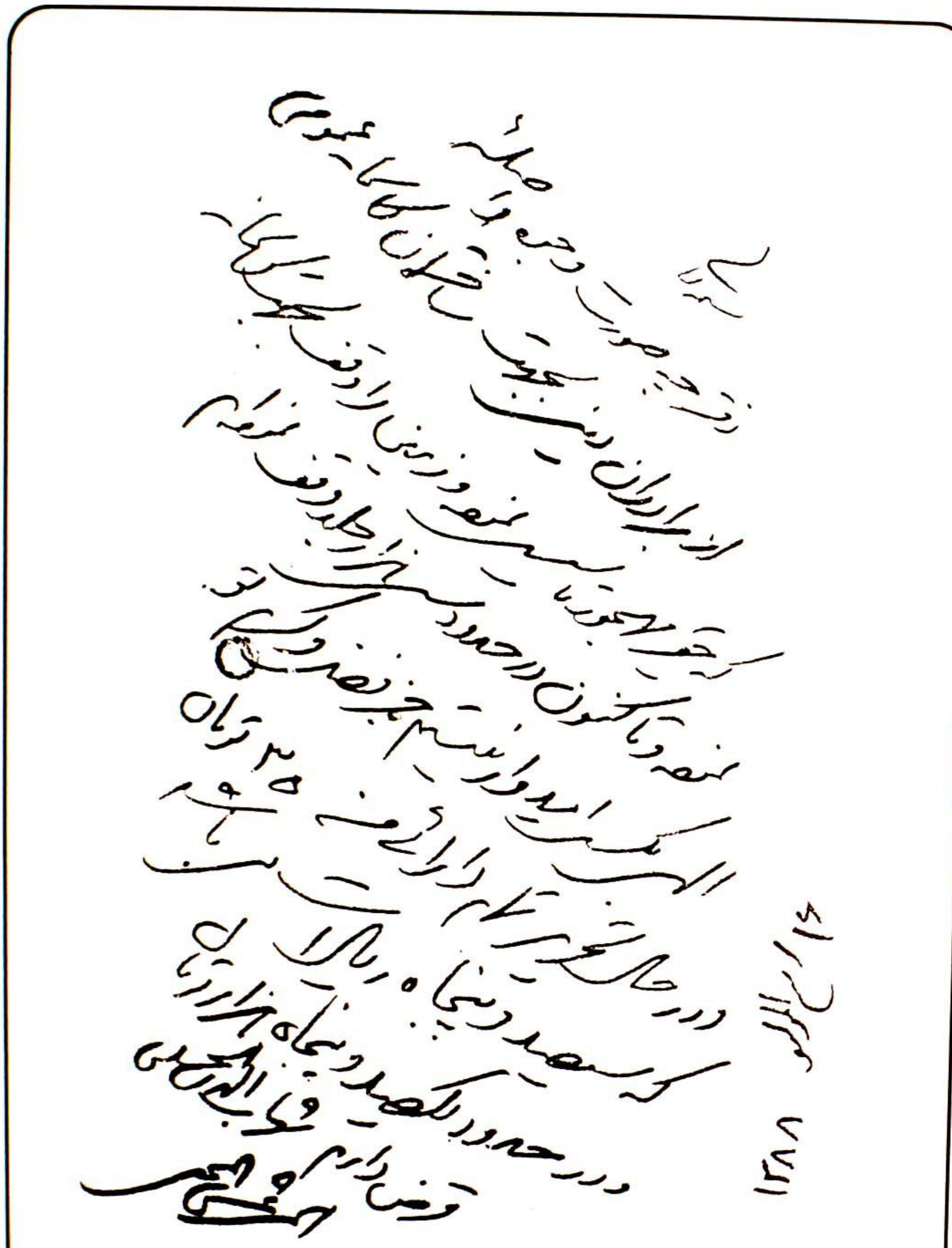

Marfat.com

اسناد و مدارک کتابخانه
دو صفحه از دفترچهٔ تهیّه و خرید کتاب برای کتابخانه به خط آیت‌الله مرعشی
در نجف اشرف

الدیباج المذهب در موضوع المذهب المالکی لابن فرحون
الوسطه، در احوال مالکیه بخط فارس شدیاق حسب الجواب
الاحاطه در اخبار غرناطه لسان الدین الخطیب خریداری شده

تاریخ الیعقوبی لابن واضح
تاریخ الیعقوبی لابی عثمان الناباسی
تاریخ لبنان للاب لامنس طبع بیروت
بنو معروف در جبل حوران طبع دمشق
تسریح الابصار فی تاریخ لبنان للاب لامنس طبع بیروت
الدر المنتخب در تاریخ حلب لابن الشحنه طبع بیروت
در صحراء لیبیا لاحمد حسنین بک
الشذرات التاریخیه لامین امین
البیان والاعراب عما بارض مصر من الاعراب للمقریزی خریداری شده
مختصر تاریخ الشیعه لاحمد عارف الزین طبع صیدا

نزهة الالبا فی طبقات الادبا لابن الانباری خریداری شد
النادی الحسینی للبلادی
التحفة السنیه فی اسماء البلاد المصریه لابن الجیعان طبع میرس بلاشد
الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره لابن الزیات طبع میرس
الدرر السنیه فی رد الوهابیه لزینی دحلان المکی
القول الشرعیه فی رد الوهابیه للشیخ مصطفی الشطی طبع بیروت
الشرف المؤبد لآل محمد للنبهانی طبع بیروت
طبقات الخواص اهل الصدق والاخلاص للشرجی
المفاخر العلیه فی مآثر الشاذلیه لابن عباد
العقود الجوهریه فی مدائح الحرمه الزاهیه وتراجم الحمادیین للفاروقی
حسن الاسوة فیما ثبت عن الله ورسوله فی حق النسوة لصدیق حسن خان طبع حواشی
نجعة الرائد وشرعة الوارد فی المترادف والمتوارد للیازجی
الوسیلة فی تراجم علماء شنقیط للشنقیطی حریداشده

Marfat.com

یادداشتی از آیت‌الله مرعشی بر صفحه‌ای از کتاب **اسد الغابة**، در ۱۳۴۱ قمری

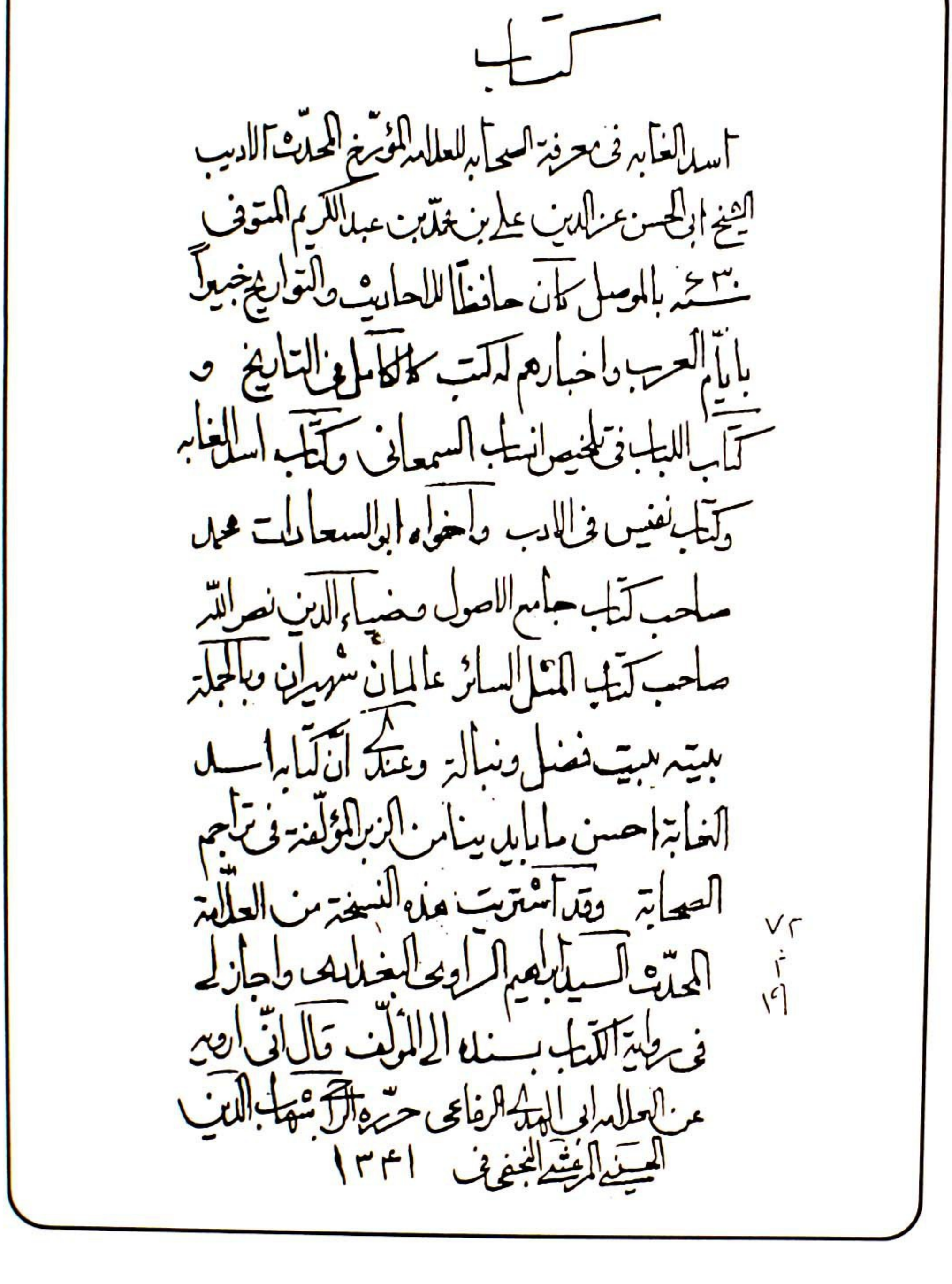

کتاب

اسد الغابه فی معرفة الصحابه للعلامة المؤرخ المحدث الادیب
الشیخ ابی الحسن عزالدین علی بن محمد بن عبد الکریم المتوفی
سنة ۶۳۰ بالموصل کان حافظا للاحادیث والتواریخ خبیرا
بایام العرب واخبارهم له کتب کالکامل فی التاریخ و
کتاب اللباب فی تلخیص انساب السمعانی وکتاب اسد الغابه
وکتاب نفیس فی الادب واخوه ابو السعادات محمد
صاحب کتاب جامع الاصول وضیاء الدین نصر الله
صاحب کتاب المثل السائر عالمان شهیران وبالجملة
بیتیه ببیت فضل ونباله وعندی ان کتابه اسد
الغابة احسن ما بایدینا من الزبر المؤلفة فی تراجم
الصحابة وقد اشتریت هذه النسخة من العلامة ۷۲
المحدث السید ابراهیم الراوی البغدادی واجاز لی ۱۰
فی روایة الکتاب بسنده الی المؤلف قال انی اروی ۱۶
عن العلامة ابی الهدی الرفاعی حرره الراجی شهاب الدین
الحسینی المرعشی النجفی فی ۱۳۴۱

Marfat.com

یادداشتی دیگر از آیت‌الله مرعشی بر صفحهٔ اوّل کتاب کشف اللغات و الاصطلاحات در سال ۱۳۴۲ قمری

Marfat.com

یادداشتی دیگر از آیت‌الله مرعشی بر صفحهٔ اوّل کتاب تاریخ ابن خلدون در سال ۱۳۴۱ قمری

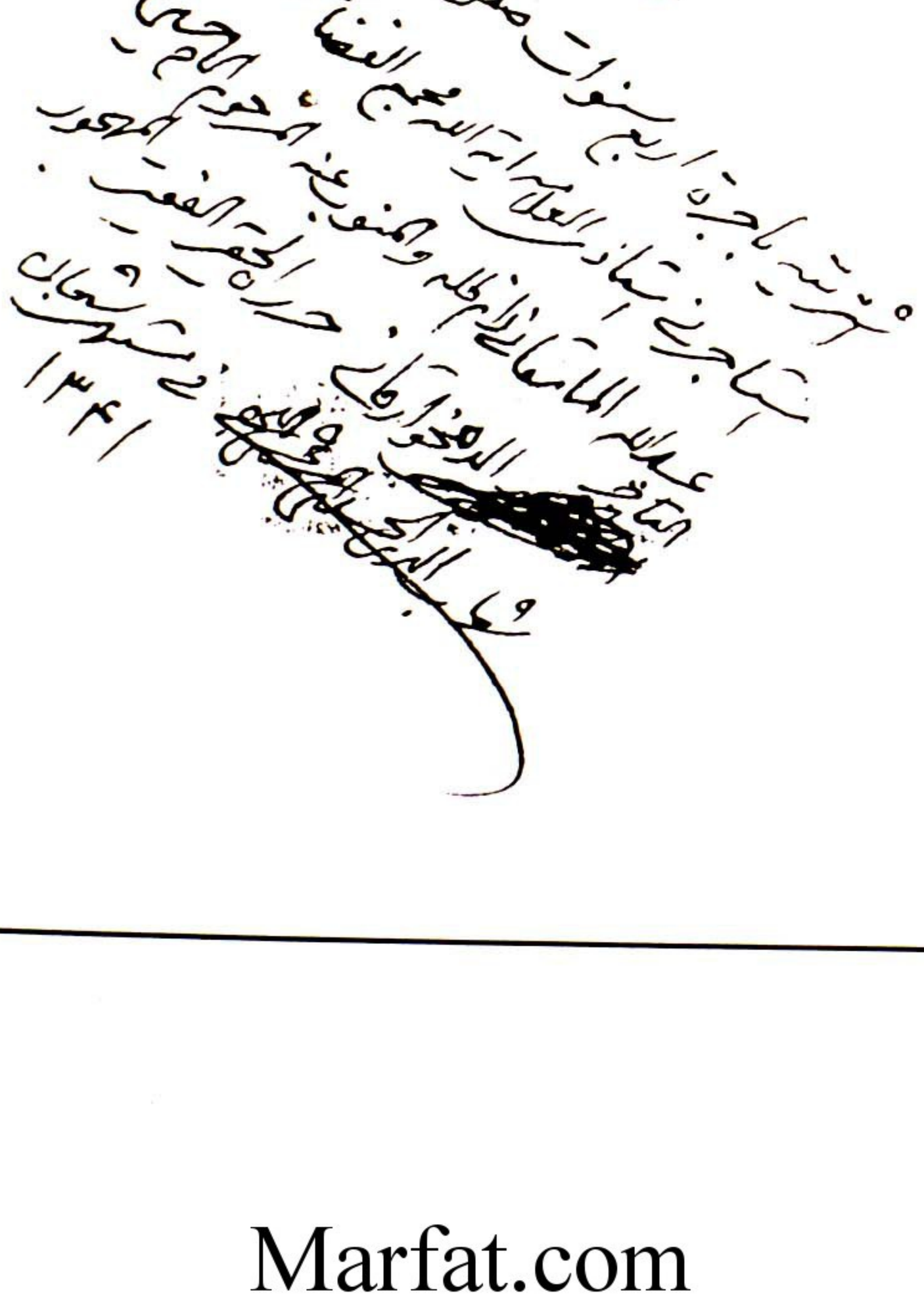

Marfat.com

یادداشتی دیگر از آیت‌الله مرعشی بر صفحهٔ اوّل کتاب بغیة الوعاة سیوطی
در سال ۱۳۴۰ قمری

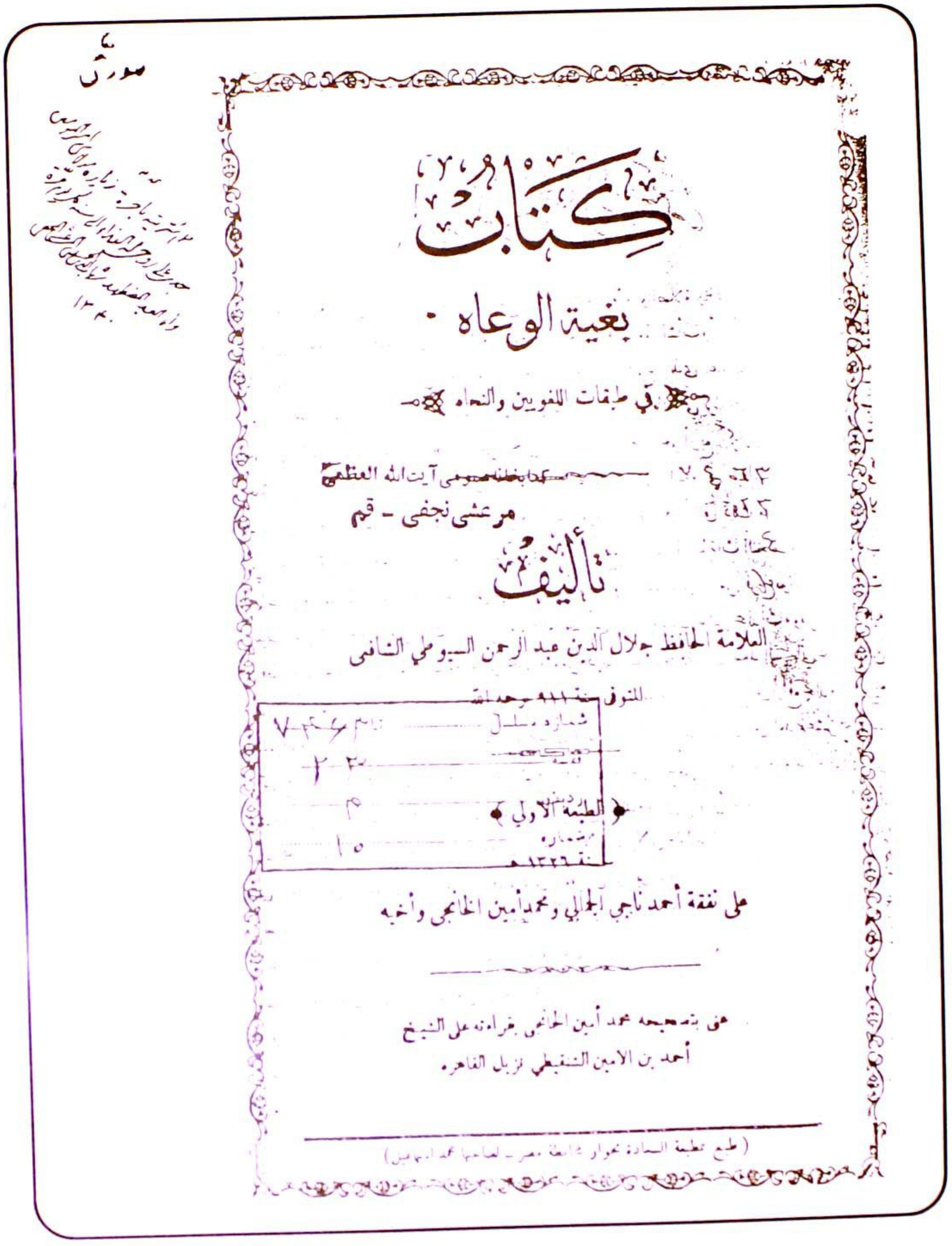

کتاب

بغية الوعاه

في طبقات اللغويين والنحاه

کتابخانه عمومی آیت الله العظمی
مرعشی نجفی - قم

تأليف

العلامة الحافظ جلال الدين عبد الرحمن السيوطي الشافعي

المتوفى سنة ٩١١ رحمه الله

الطبعة الاولى

على نفقة أحمد ناجي الجمالي ومحمد أمين الخانجي وأخيه

عني بتصحيحه محمد أمين الخانجي بقراءته على الشيخ
أحمد بن الامين الشنقيطي نزيل القاهره

(طبع بمطبعة السعادة بجوار محافظة مصر - لصاحبها محمد اسماعيل)

Marfat.com

یادداشتها و مطالب استخراجی آیت‌الله مرعشی از کتاب **المغنی فی الضعفاء**
تالیف شمس‌الدین ذهبی، در سال ۱۳۹۳ قمری

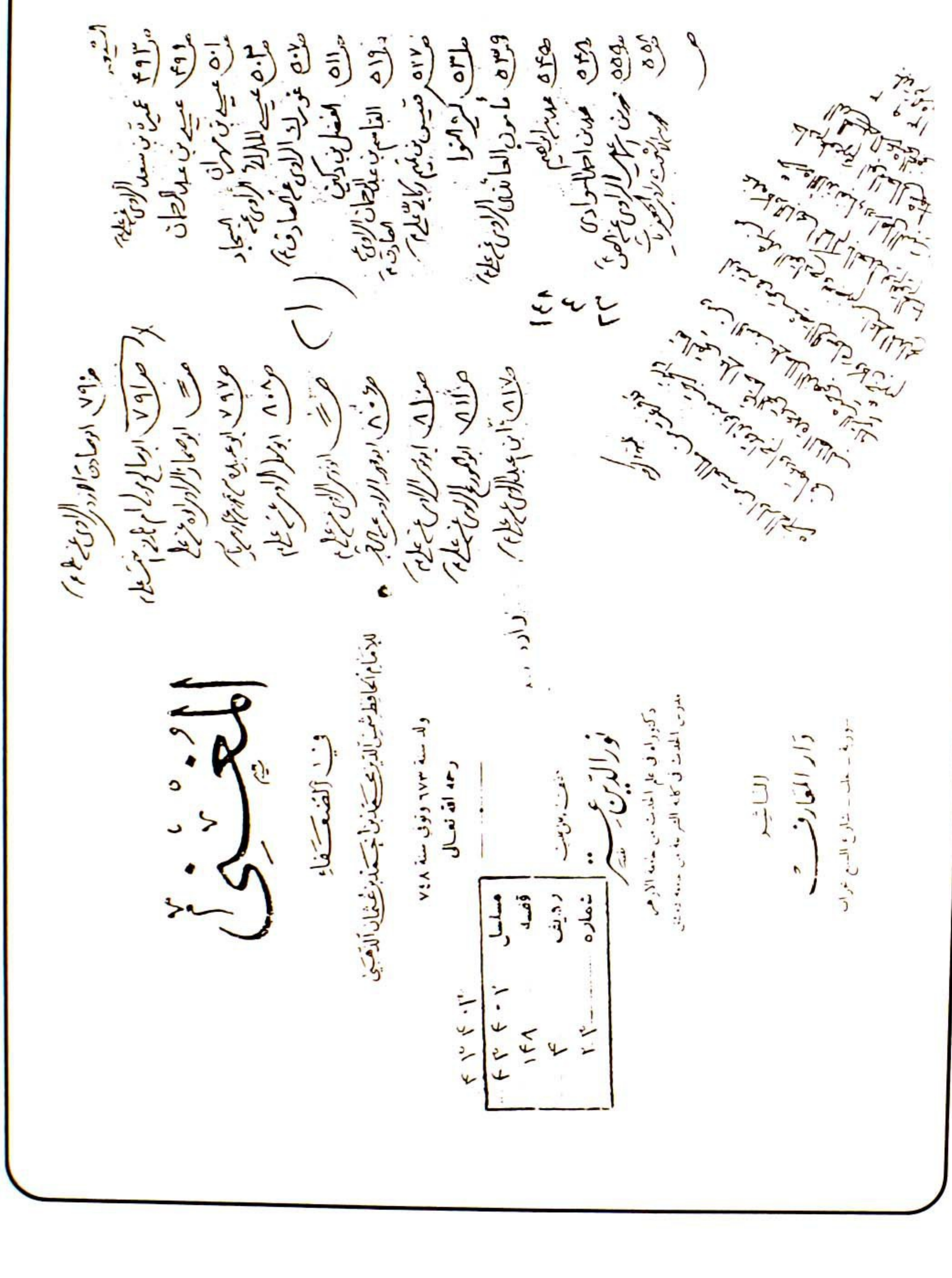

Marfat.com

یادداشتها و مطالب استخراجی آیت‌الله مرعشی از کتاب قواعد في علوم الحديث
تالیف علّامه ظفر احمد عثمان تهانوی

قواعد في علوم الحديث

للعلامة المحقق المحدث الفقيه ظفر أحمد العثماني التهانوي

حققه وراجع نصوصه وعلق عليه

عبد الفتاح أبو غدة

مكتب المطبوعات الإسلامية

حلب - باب الحديد - مكتبة النهضة - هاتف ١٥٢٩١

بيروت ص. ب ٦٣٤٧ - هاتف ٢٢٥٢٧١

ص ٢٤ نقلاً عن المستدرك والمحدث حفظه الله تعالى

ص ٢٩ وفات صاحب كتاب التعريف بالآثار من معالم دار الحجرة

ص ٤٧ رواية الحديث ناقص

ص ١٤٩ فيه ان مراسيل ابراهيم النخعي عندهم صحيحة كمراسيل ابي عمر عندنا

ص ١٥٢ وفيه ان مراسيل شريح القاضي عندهم صحيحة

ص ١٥٣ فيه ان مراسيل مجاهد المكي صحيحة عندهم

ص ١٧٧ أبو خالد يجرح بكل جارح

ص ١٩٧ شرائط قبول الرواية

ص ١٩٩ في امور عدت من الجرح وليست منه

ص ٢٠١ حكم انكار الراوي روايته

ص ٢٠٢ حكم عمل الراوي بخلاف روايته

ص ٢٥٨ الفرق بين قولهم حديث منكر ومنكر الحديث

ص ٤٠٧ الغلو في التشيع ليس معلولاً بخارج

ص ٤٢٦ تساهل البخاري في احاديث الرغائب والرهيب

ص ٤٢٧ اخراج البخاري لأحاديث الضعاف الثاثر

ص ٤٢٨ رواية

ص ٤٣٣ ترجيح الخوارج على الشيعة

ص ٤٦٣ مغازلة الصحيحين

ص ١٥١ مراسيل كبار التابعين مقبولة

ص ٤٦٩ شيخ المؤلف هو شيخ عبد الرشيد علي

كما ص ٤٧ في الكلام على خليل أحمد

راجعه من أوله إلى آخره واستخرجت منه ما يهمني

شاهد المحدث عن المحدث

والمؤلف من مشايخ دار الحديث

المتوفى وهو من المتصنف في

أسلافه ومذهبه الذي يظهر من

صحيحه المسيب

سعيد بن

٢٧٢

٦

٩

Marfat.com

یادداشتها و مطالب استخراجی آیت‌الله مرعشی از کتاب **اعلام الوری باعلام الهدی**

تالیف علّامهٔ طبرسی

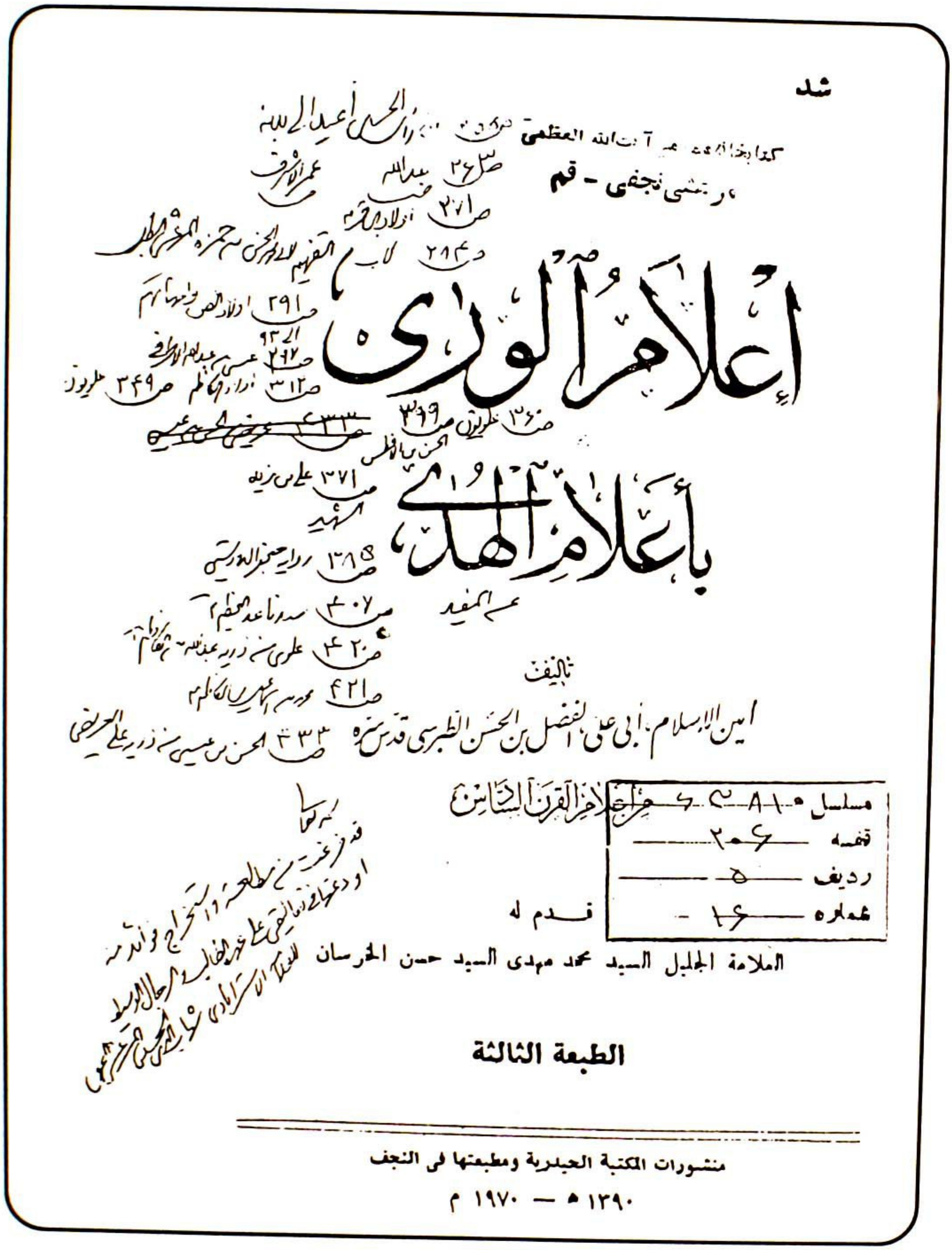

Marfat.com

یادداشتها و مطالب استخراجی آیت‌الله مرعشی از کتاب مراجع تاریخ الیمن
تالیف عبدالله محمد الحبشی

وارد شد
کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی - قم

مراجع تاريخ اليمن

عبدالله محمد الحبشي

منشورات وزارة الثقافة
مسلسل ۷۰۴
قسم ۲۰۸
رديف ۷ دمشق ۱۹۷۲
عدده ۴

Marfat.com

یادداشت آیت‌الله مرعشی بر صفحهٔ اول کتاب **القاهرة في الف عام**، در سال ۱۳۹۱ قمری

الفاهرة

في ألف عام

۹۶۹ — ۱۹۶۹

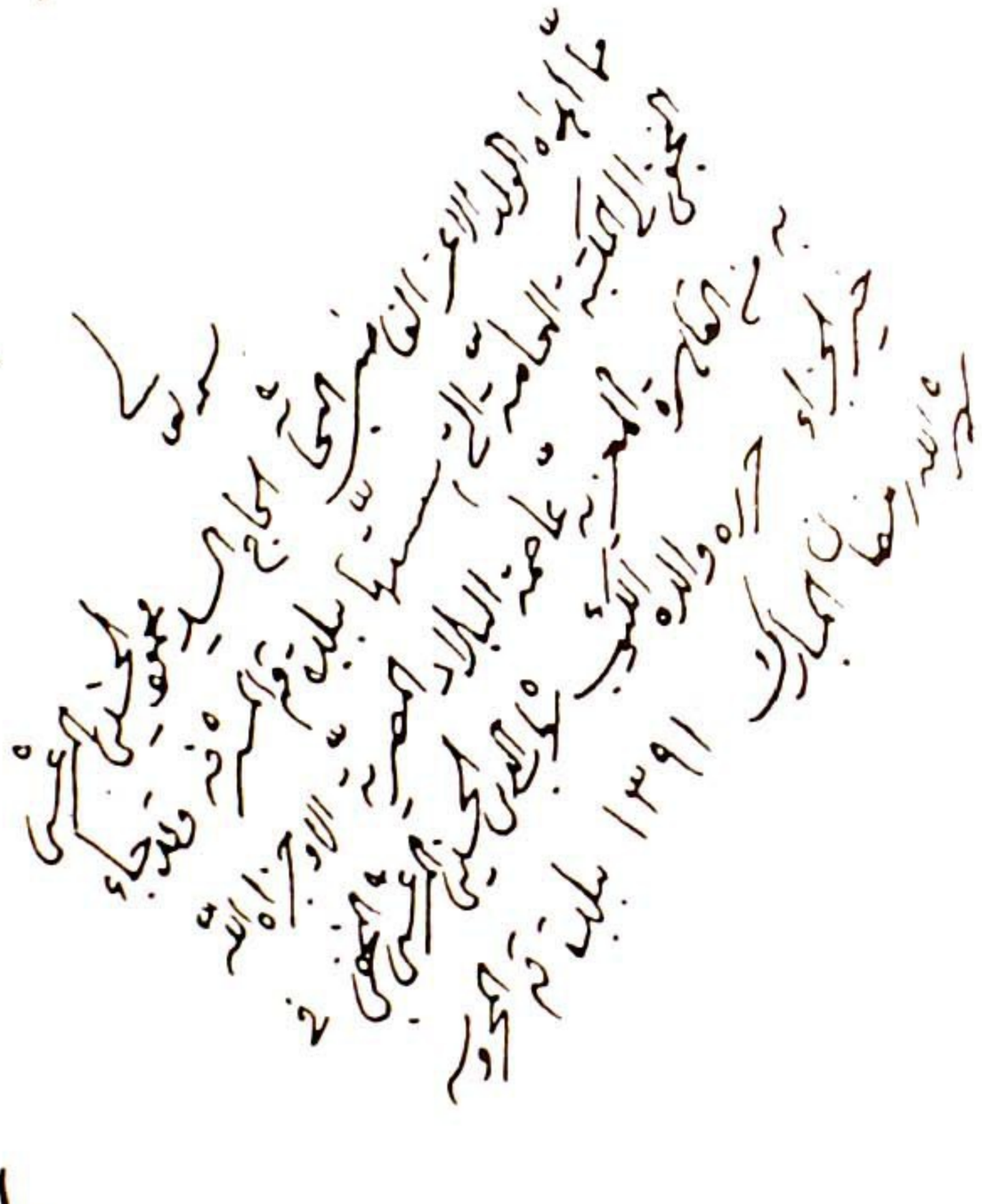

دار الكاتب العربي
للطباعة والنشر

Marfat.com

یادداشتی دیگر از آیت‌الله مرعشی و اهدای کتاب به فرزند ارشد و وصیّ خود حجت الاسلام و المسلمین حاج سیّد محمود مرعشی نجفی، در سال ۱۳۷۴ قمری

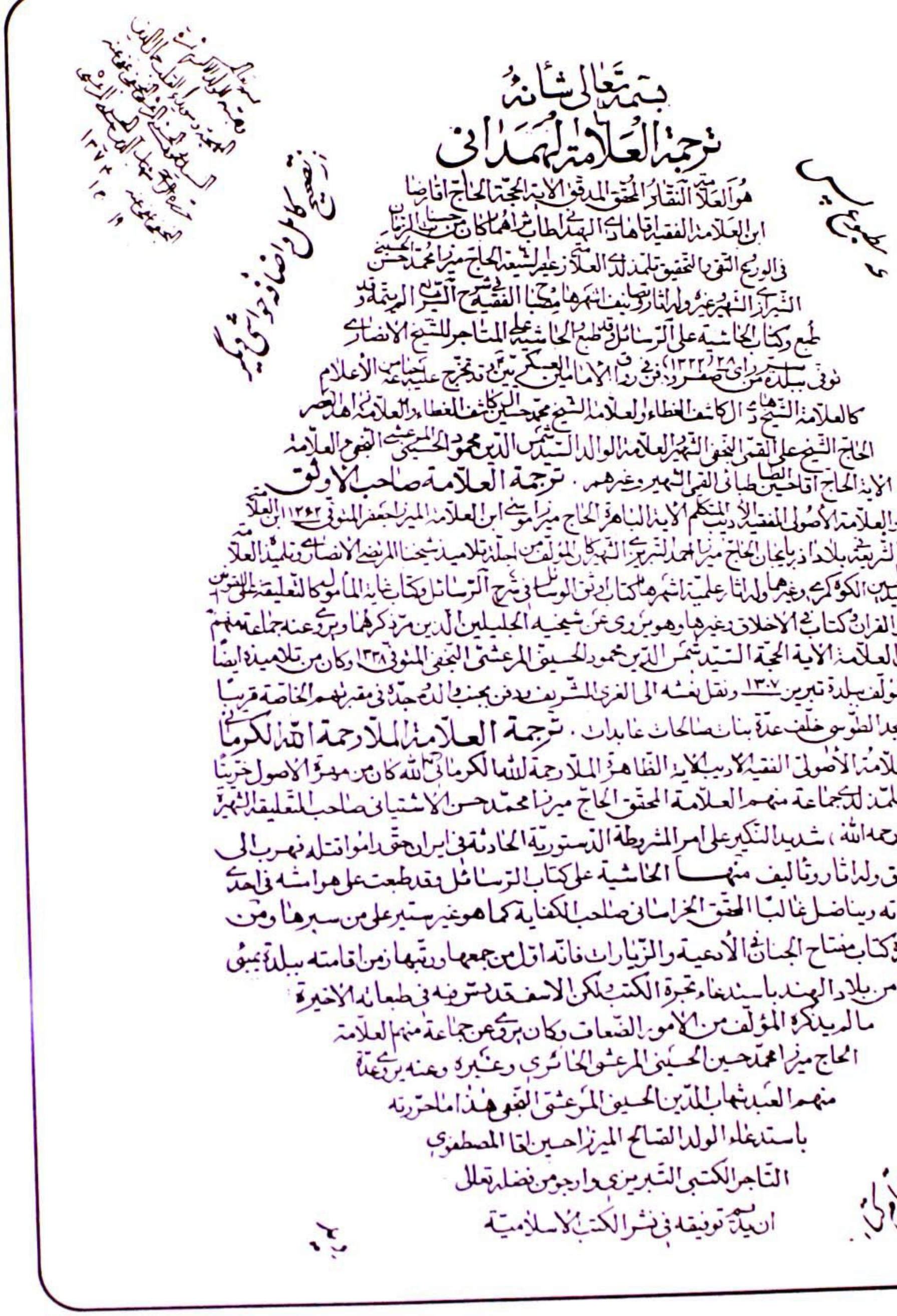

بسمه تعالی شأنه

ترجمة العلامة الهمدانی

هو العلامة النقاد المحقق المدقق الآية الحجة الحاج آقا رضا
ابن العلامة الفقيه آقا هادي الهمداني طاب ثراهما كان من حسنات الزمان
في الورع والتقى والتحقيق تلمذ لدى العلامة زعيم الشيعة الحاج ميرزا محمد حسن الحسيني
الشيرازي الشهير وغيره وله آثار وتصانيف اشهرها مصباح الفقيه في شرح الشرائع المرتبة وقد
طبع وكتاب الحاشية على الرسائل وقد طبع والحاشية على المتاجر للشيخ الانصاري
توفي ببلدة سر راى ٢٨ صفر (١٣٢٢) ودفن في رواق الامامين العسكريين وقد تخرج عليه جماعة من الاعلام
كالعلامة الشيخ هادي آل كاشف الغطاء والعلامة الشيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء والعلامة زاهد العصر
الحاج الشيخ علي القمي النجفي الشهير والعلامة الوالد السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النجفي والعلامة
الآية الحاج آقا حسين الطباطبائي القمي الشهير وغيرهم. ترجمة العلامة صاحب الاوثق
العلامة الاصولي الفقيه الاديب المتكلم الآية الباهرة الحاج ميرزا موسى ابن العلامة الميرزا جعفر المتوفى ١٢٦٢ ابن العلامة
الشريعة في بلاد آذربايجان الحاج ميرزا احمد التبريزي الشهير كان المؤلف من اجلة تلاميذ شيخنا المرتضى الانصاري وتلميذه العلامة
السيد حسين الكوه كمري وغيرهما وله آثار علمية اشهرها كتاب اوثق الوسائل في شرح الرسائل وكتاب غاية المأمول كالتعليقة على القوانين
القرآن وكتاب في الاخلاق وغيرها وهو يروي عن شيخيه الجليلين الذين مر ذكرهما ويروي عنه جماعة منهم
العلامة الآية الحجة السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النجفي المتوفى ١٣٣٨ وكان من تلاميذه ايضا
المؤلف ببلدة تبريز ١٣٠٧ ونقل نعشه الى الغري الشريف ودفن بجنب والده وجده في مقبرتهم الخاصة قريبا
مسجد الطوسي خلف عدة بنات صالحات عابدات. ترجمة العلامة الملا رحمة الله الكرماني
العلامة الاصولي الفقيه الاديب الآية الظاهرة الملا رحمة الله الكرماني رحمه الله كان من مهرة الاصول خريتا
تلمذ لدى جماعة منهم العلامة المحقق الحاج ميرزا محمد حسن الاشتياني صاحب التعليقة الشهيرة
(رحمه الله) شديد النكير على امر المشروطة الدستورية الحادثة في ايران حتى راموا قتله فهرب الى
العراق وله آثار وتآليف منها الحاشية على كتاب الرسائل وقد طبعت على هوامشه في احدى
طبعاته ويناضل غالبا المحقق الخراساني صاحب الكفاية كما هو غير ستير على من سبرها ومن
آثاره كتاب مفتاح الجنان في الادعية والزيارات فانه اول من جمعها ورتبها زمن اقامته ببلدة بمبئي
من بلاد الهند باستدعاء تجرة الكتب ولكن الاسف قد دس فيه في طبعاته الاخيرة
ما لم يذكره المؤلف من الامور الضعاف وكان يروي عن جماعة منهم العلامة
الحاج ميرزا محمد حسين الحسيني المرعشي الحائري وغيره وعنه يروي عدة
منهم العبد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي هذا ما حررته
باستدعاء الولد الصالح الميرزا حسين آقا المصطفوي
التاجر الكتبي التبريزي وارجو من فضله تعالى
ان يديم توفيقه في نشر الكتب الاسلامية

Marfat.com

وقف کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

نمونه مهرهای مختلف کتابخانهٔ عمومی

وقف کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
قم بتاریخ ۱۳۵۲ هـ ش

وقف کتابخانه و قرائت خانه حضرت آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی

حسب الوصیه مرحوم حاج شیخ علی اصغر سالمی جابلقی
بکتابخانه عمومی آیة الله مرعشی نجفی اهدا گردید

کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قم
۱۳۹۴ هـ ق

وارد بدفتر کتابخانه و قرائت خانه حضرت آیت الله العظمی
آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی - قم
تاریخ ..... - شماره .....

وقف کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی
« قم »

کتابخانه و قرائت خانه عمومی
حضرت آیت الله العظمی آقای سید
شهاب الدین مرعشی نجفی - قم

کتابخانه عمومی حضرت آیة الله العظمی مرعشی نجفی
قم

Marfat.com

صفحه‌ای از قرآن کریم به خط علی بن هلال مشهور به ابن بوّاب، تحریر ۳۹۲ قمری در بغداد، از نفایس کتابخانه



Marfat.com

خط شیخ طوسی بر صفحه‌ای از تفسیر التبیان، در سال ۴۵۵ قمری
از نفایس کتابخانه



Marfat.com

اعراب القرآن، تحریر سال ۴۴۶ قمری

از نفایس کتابخانه



Marfat.com

صفحهٔ پایانی قدیمیترین نسخهٔ دستنویس نهج البلاغه به خط حسن بن حسین مؤدّب
تحریر سال ۴۶۹ قمری، از نفایس کتابخانه

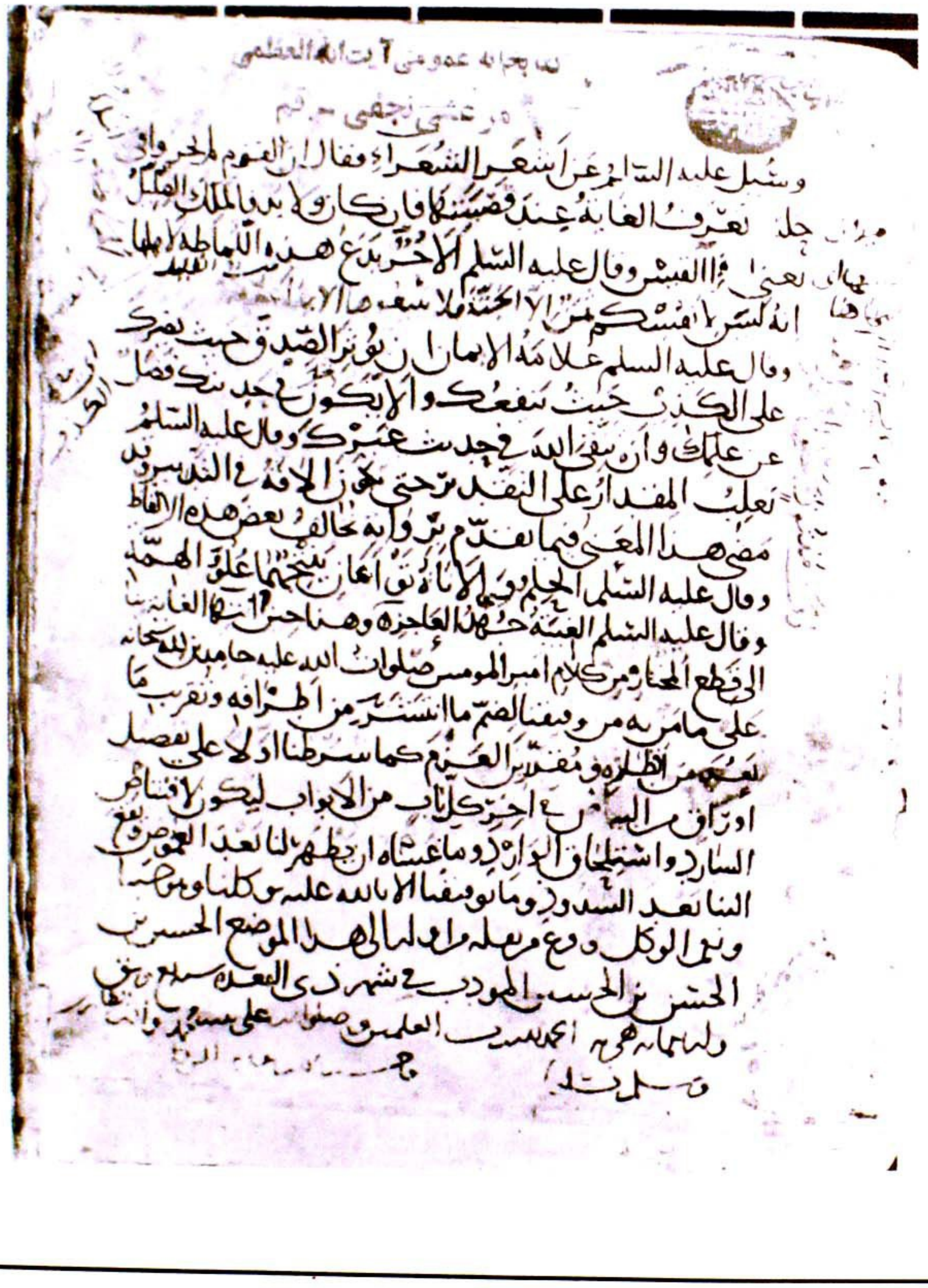

Marfat.com

خط محقق حلّی صاحب کتاب شرایع الاسلام، تحریر ۶۵۴ قمری
از نفایس کتابخانه

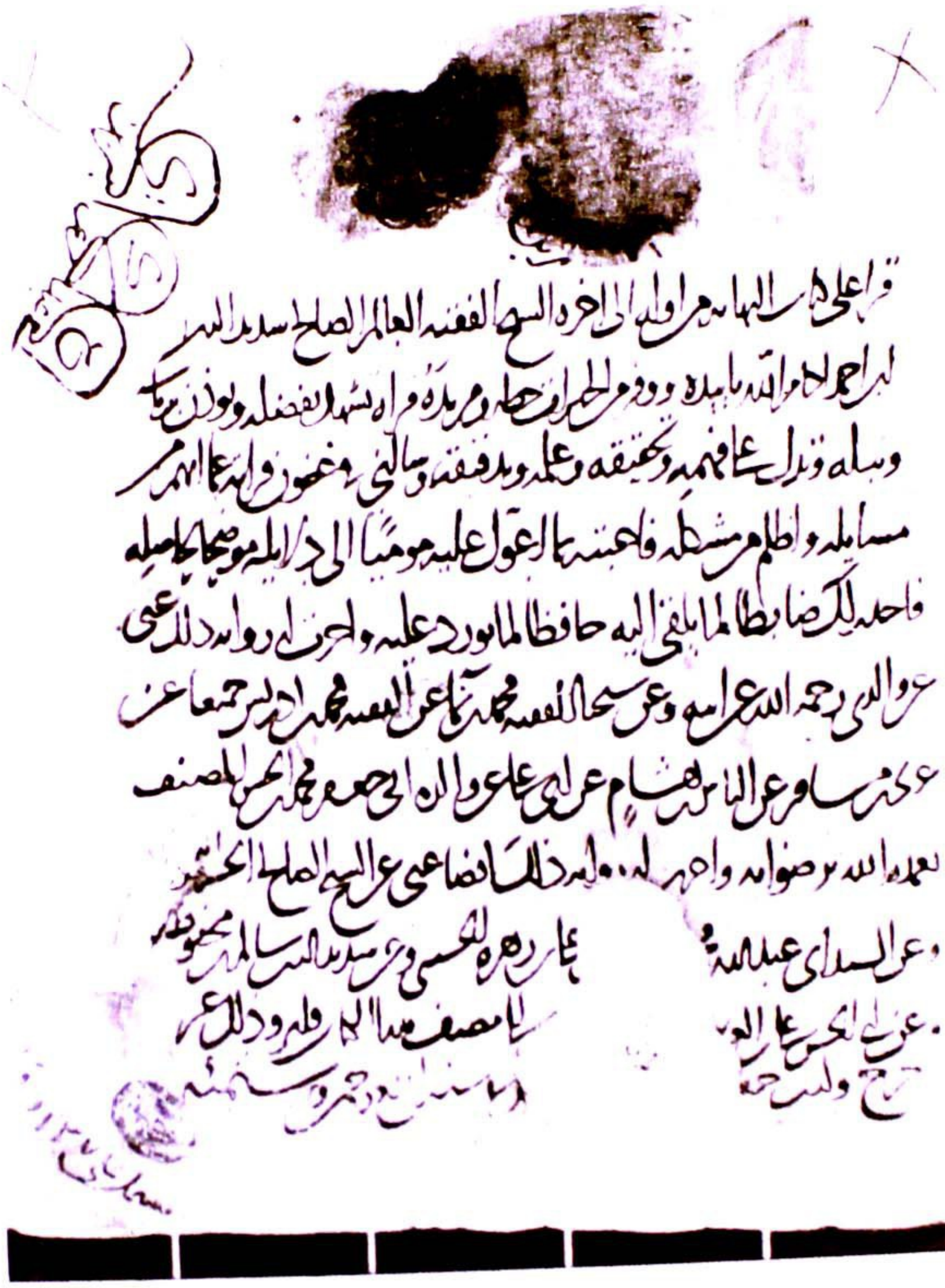

Marfat.com

خطّ علّامهٔ حلّی بر صفحه‌ای از کتاب مبادی الوصول، تحریر ۷۰۱ قمری
از نفایس کتابخانه

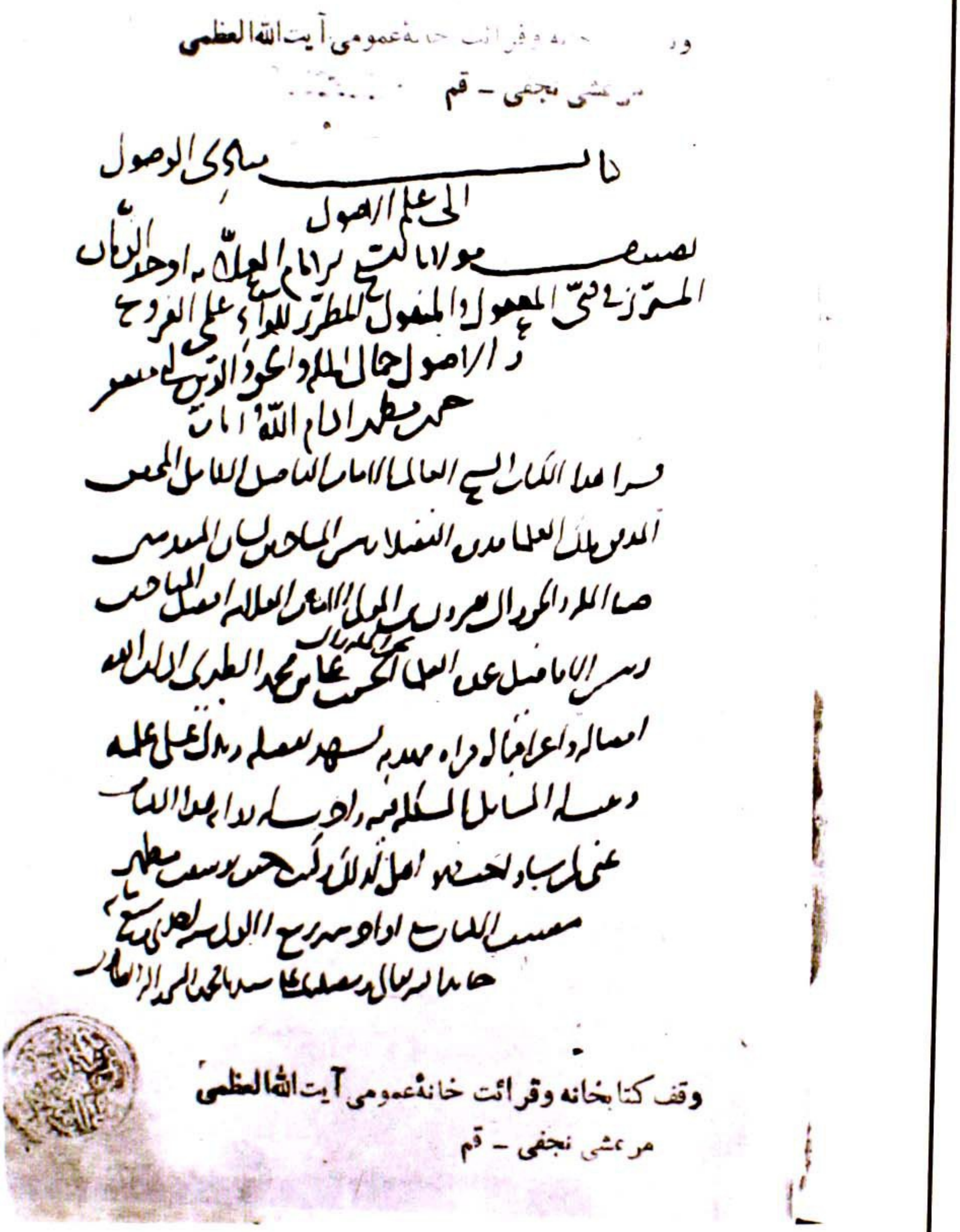

Marfat.com

خط شیخ بهاءالدین محمّد عاملی معروف به شیخ بهائی
از نفایس کتابخانه

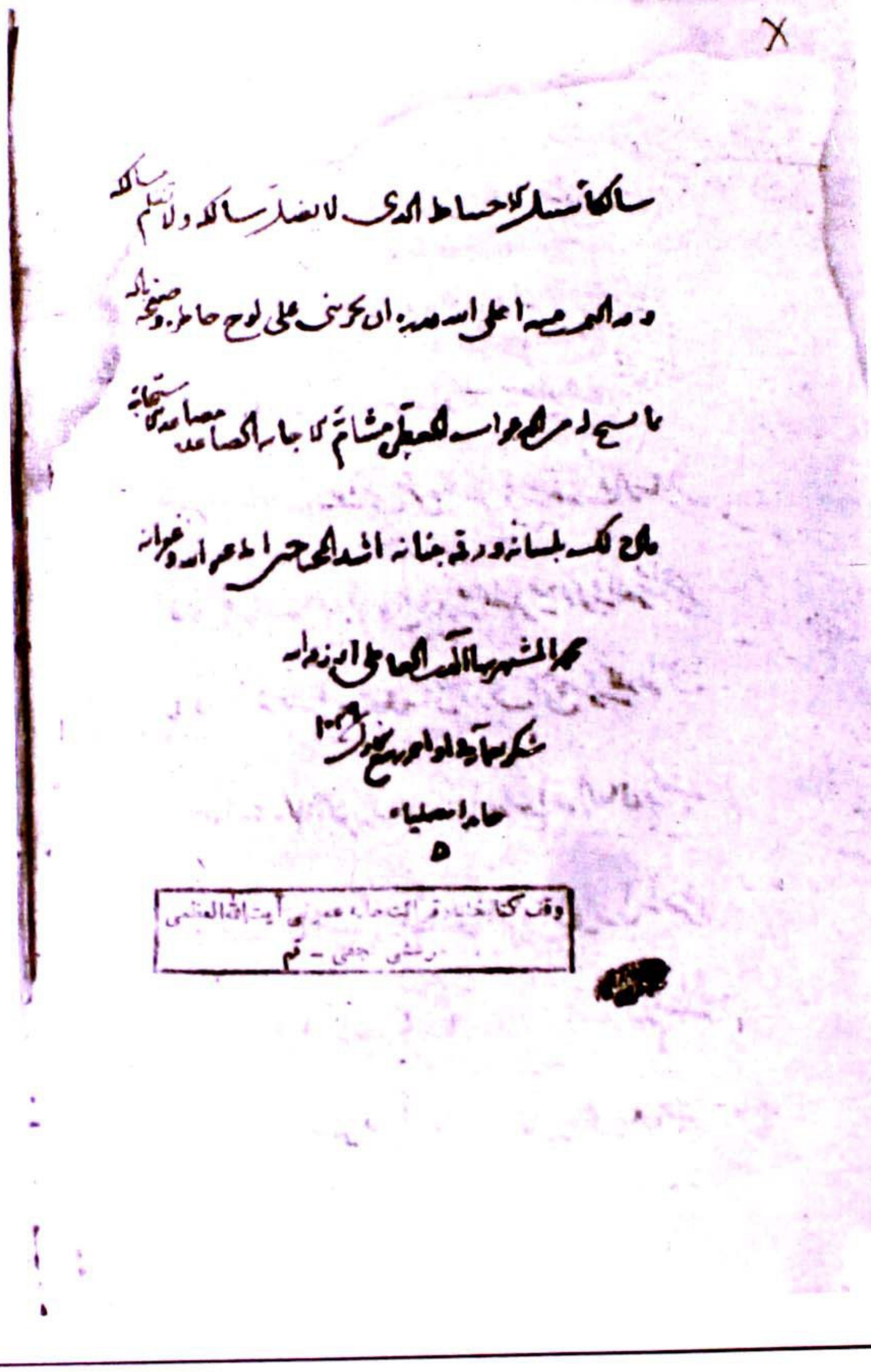

نسخهٔ اصل وسائل الشیعه به خط مؤلف آن شیخ حرّ عاملی
از نفایس کتابخانه

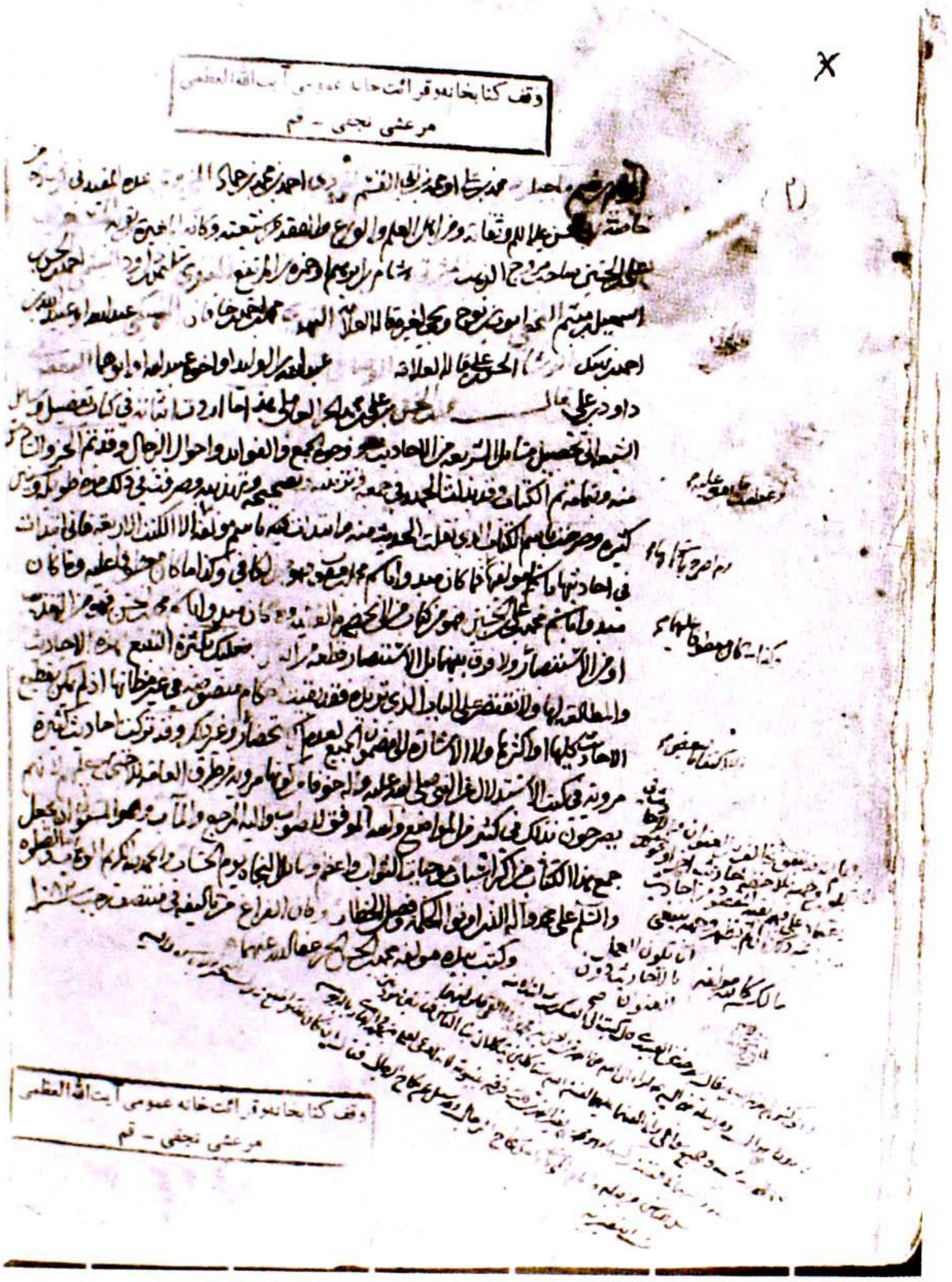

Marfat.com

خط فیلسوف بزرگ اسلام، صدر المتألّهین شیرازی
از نفایس کتابخانه

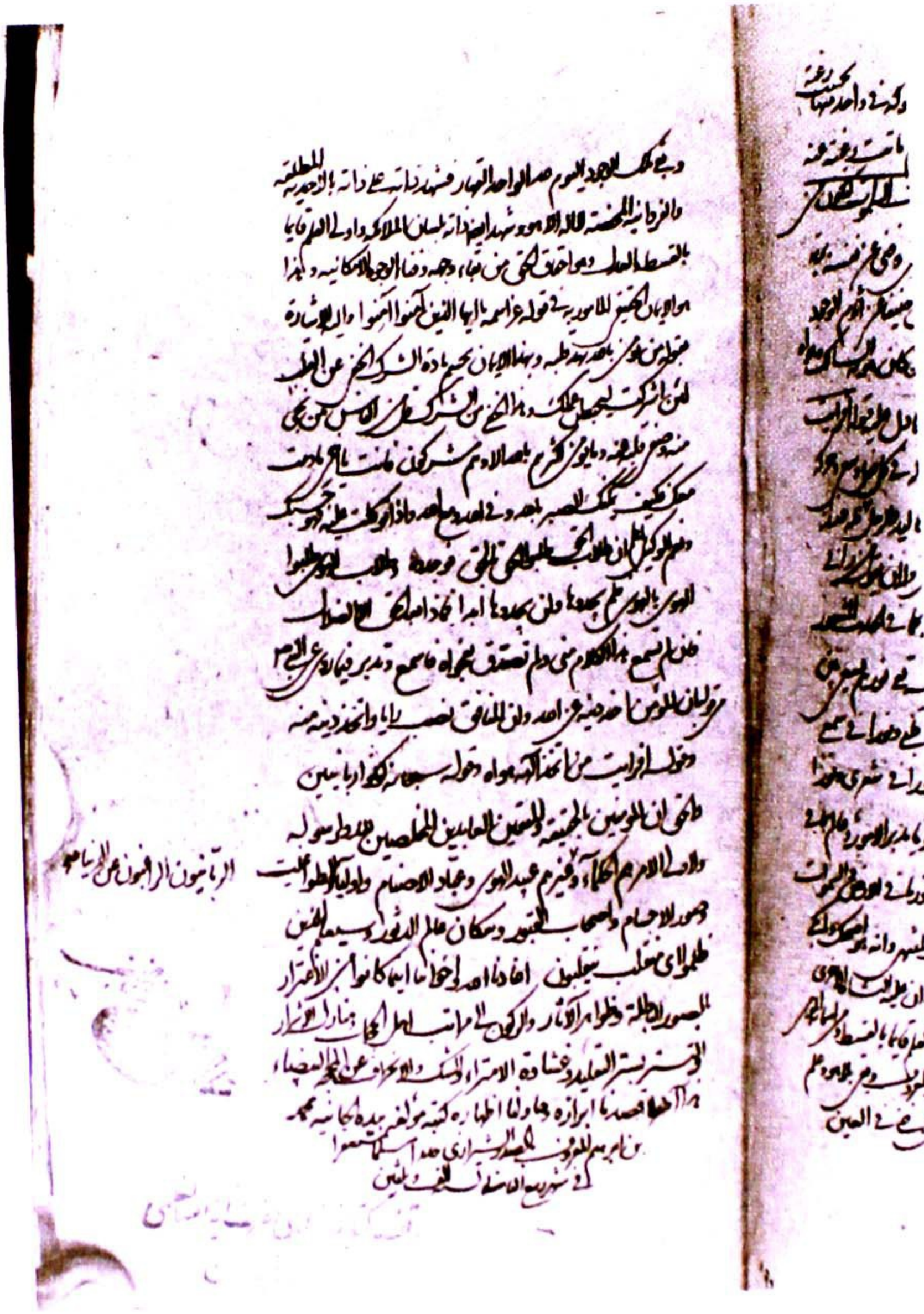

Marfat.com

خط شیخ محمّدحسن نجفی مؤلف جواهر الکلام
از نفایس کتابخانه

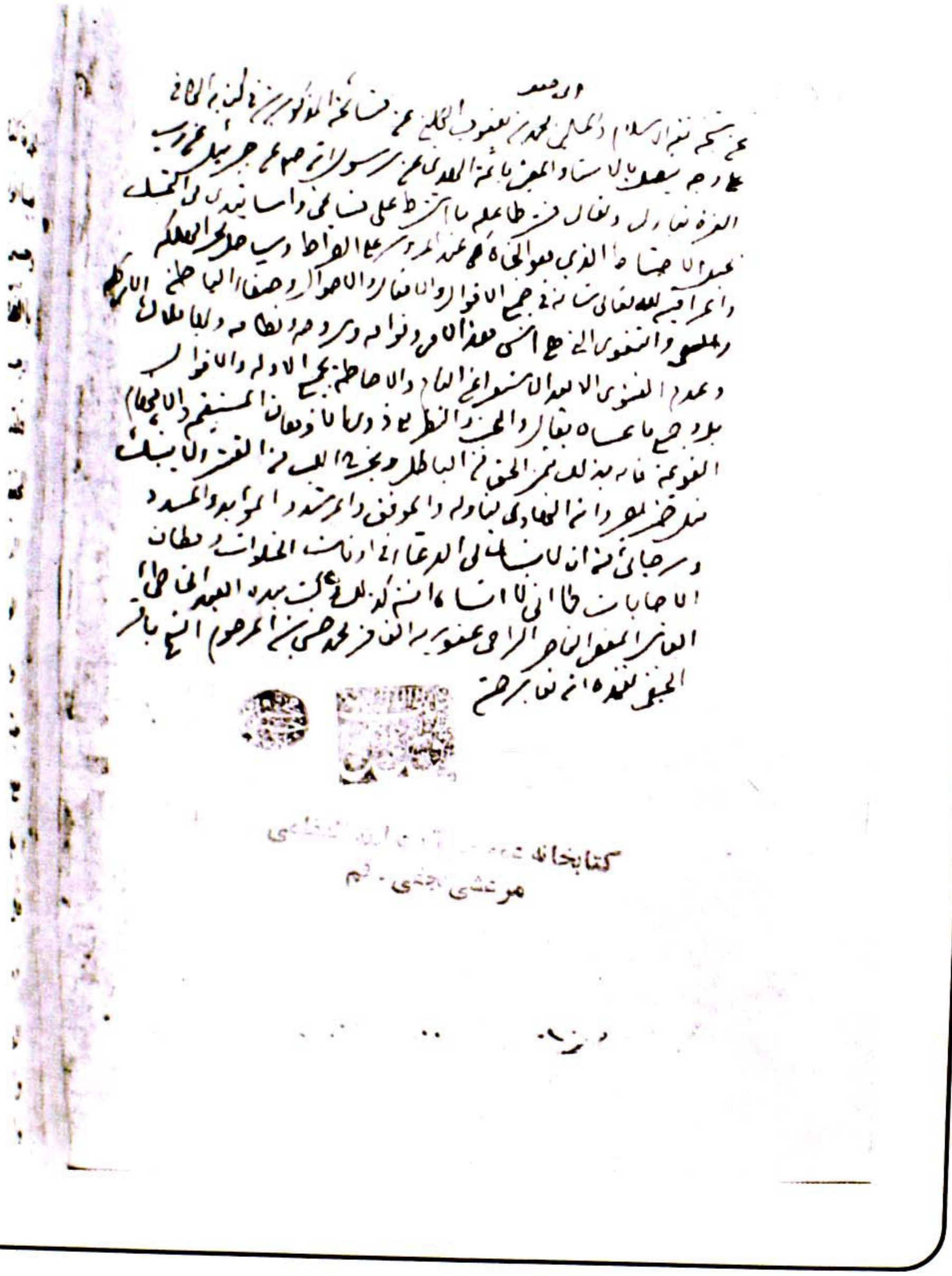

Marfat.com

نامهٔ رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی در بارهٔ کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای موسوی نخست وزیر محترم ایده الله تعالی

کتابخانه حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی دامت برکاته از کتابخانه‌های کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر ایران است. کتب نفیس اعاظم شیعه و کتابهای منحصر بفرد و خطی آن از ذخائر فرهنگ غنی اسلام و ایران می باشد. از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنها بگونه‌ای نیست که کتابها مصون از خطر باشد و محیط مطالعه برای مشتاقان کتاب بسیار کوچک است. جنابعالی موظف می باشید آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه فراهم آورید. جناب حجة الاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی که خود از جرگه‌ان و شایستگان در امر کتاب شناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است بهترین فردی است که می تواند شما را در این امر یاری دهد. انشاءالله هرچه زودتر با ساخته شدن بنائی در حوزه اسلام و انقلاب و حوزه علمیه قم قدمی مفید در راه رشد تعالیم اسلام برداشته شود. روشن است آنچه در این زمینه ساخته میشود اختیارش با حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی و یا فردی است که ایشان تعیین نمایند. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

۶۷/۱۲/۲۴

Marfat.com

نمونهٔ امضای آیت‌الله مرعشی، در دفتر یادبود کتابخانه

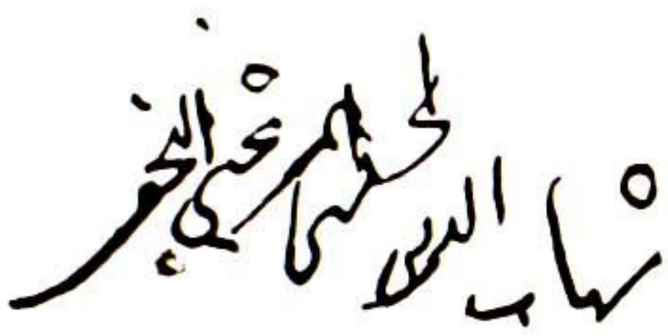

Marfat.com

یادداشت و امضای مقام معظم رهبری، در دفتر یادبود کتابخانه
در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۲

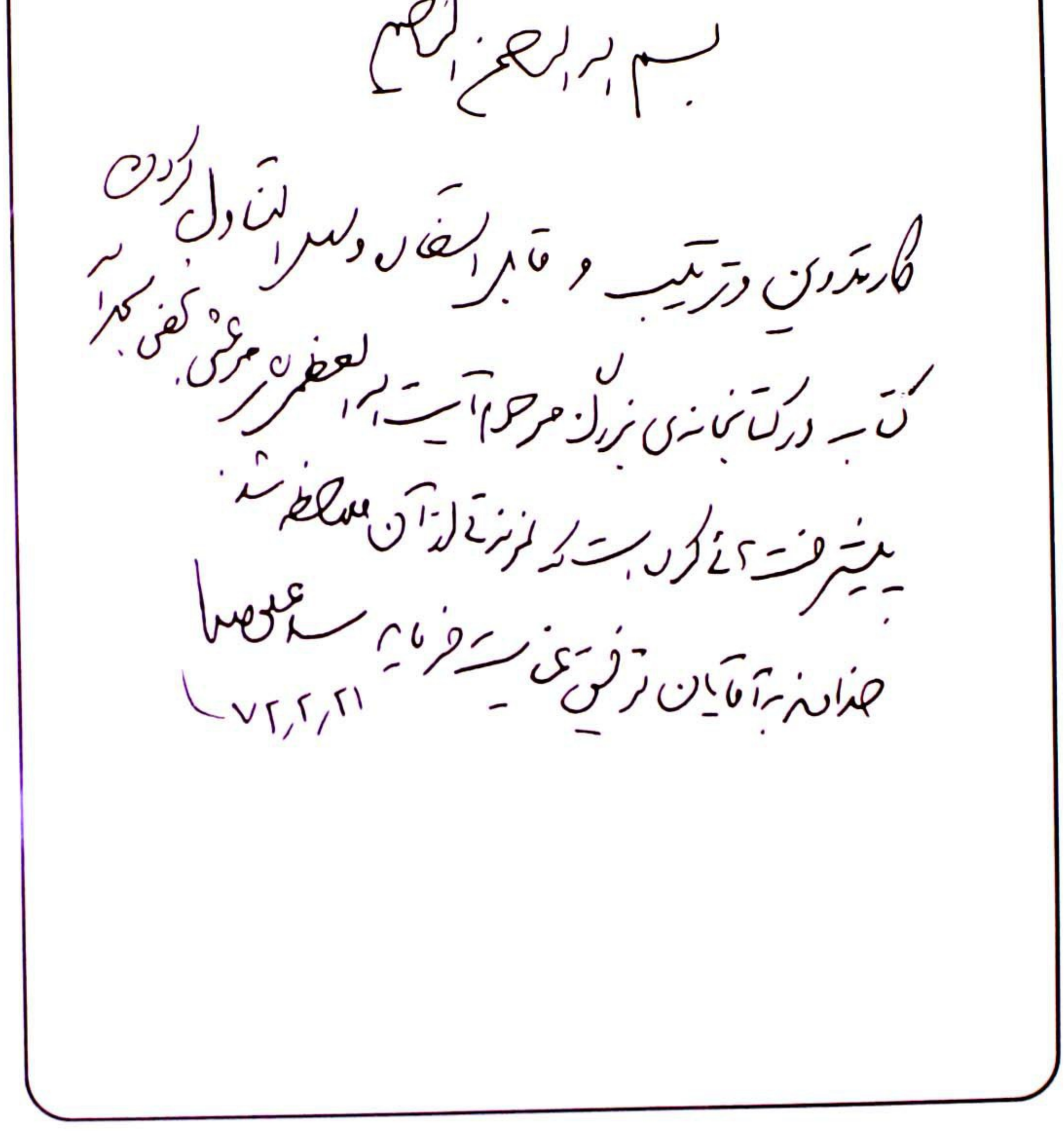

بسم الله الرحمن الرحیم

کار تدوین و ترتیب و قابل استفاده و سهل التناول کردن
کتاب در کتابخانه‌ی بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بحمدالله
پیشرفت‌هائی کرده است که نمونه‌ای از آن ملاحظه شد.
خداوند به آقایان توفیق عنایت فرماید سید علی‌ما
۷۲/۲/۲۱

Marfat.com

یادداشت و امضای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، در دفتر یادبود کتابخانه
در ۲۷ آذر ۱۳۷۱

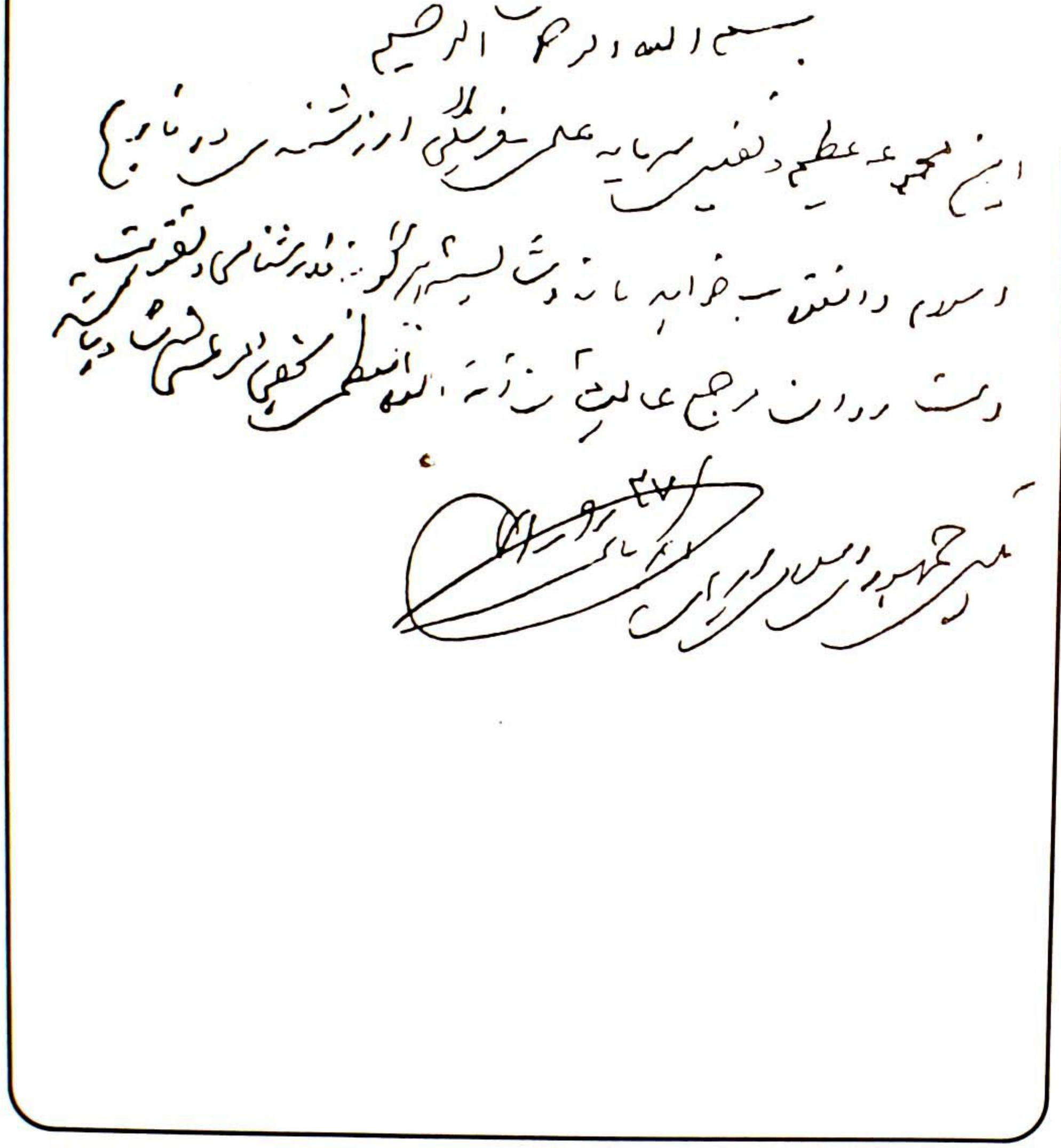

Marfat.com

یادداشت و امضای محمّد نجیب السیّد احمد، وزیر آموزش و پرورش جمهوری سوریّه
در دفتر یادبود کتابخانه، در سال ۱۹۸۴ میلادی

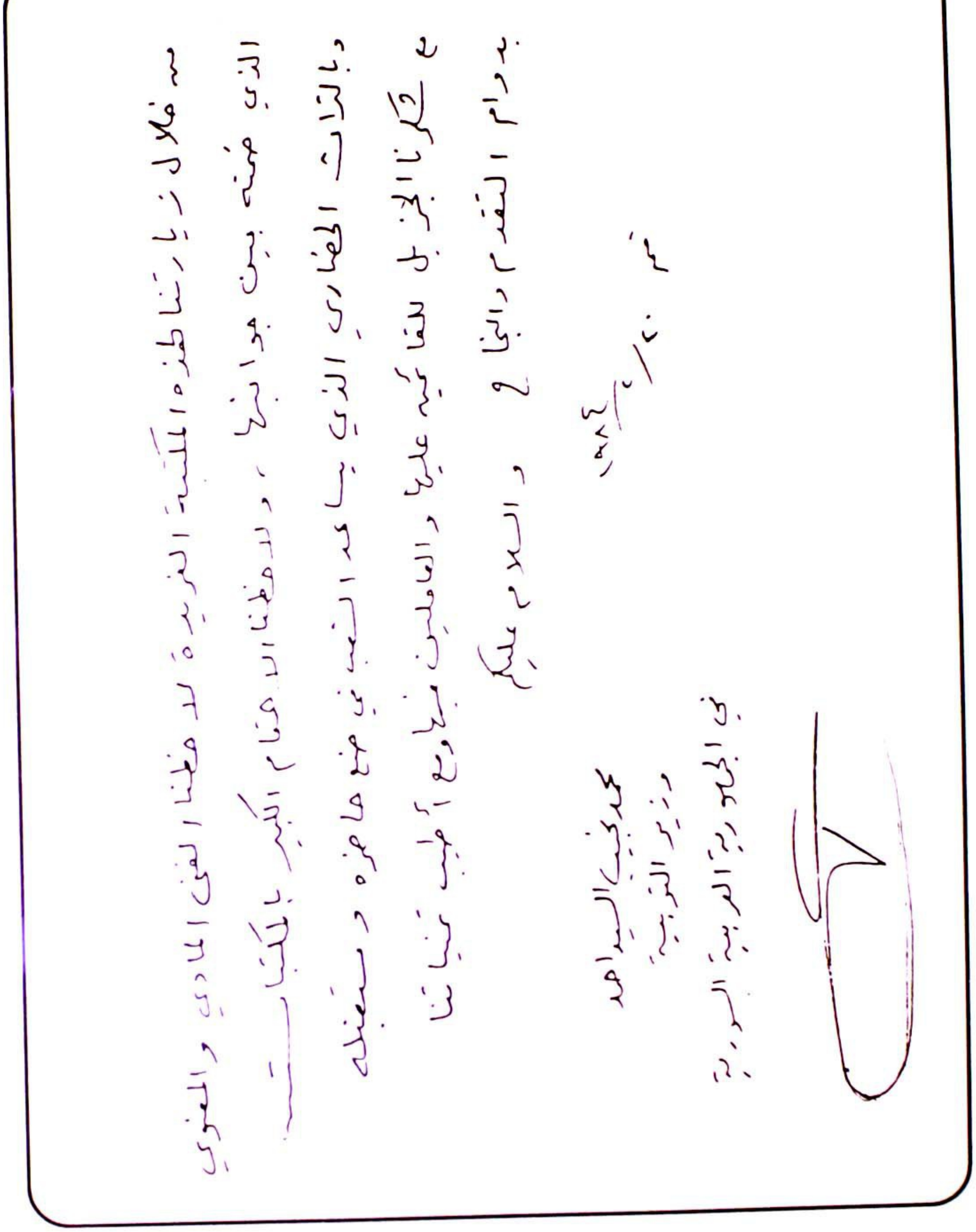

Marfat.com

یادداشت و امضای دکتر جان گرنی، استاد دانشگاه آکسفورد انگلستان
در دفتر یادبود کتابخانه، در سال ۱۹۸۶ میلادی

For many years have used the regular printed
of the excellent catalogues of the Arabic library of Ayatollah
al-Ozma Marashi al-Najafi and have come to rely
manuscripts that were being offered there. The kind
assistance of the Curator of the library, H. Sayyid Mahmud
Marashi. I have been able to use the library on four
separate occasions for periods of very considerable benefit to
scholars in the many different branches of Islamic and
Iranian studies. It has been a privilege to see the many
aspects of the library at work, and to note how it has
adapted to changing demands and interests, and has within
the short span of a very few years become one of the great
libraries in Iran. I very much hope that it will continue
to develop as a unique and splendid centre for scholars from abroad
as well as Iran and a fitting tribute to its founder,
Ayatollah al-Ozma Sayyid Shihab al-Din al-Marashi al-Najafi, that
it will be an outstanding exhibition of Islamic scholarship. I
am deeply grateful for this opportunity to do the library and
him honour in the form which he would like to remember above
all: cooperation in providing microfilms, and an exchange of articles with
other Islamic scholars around Iran.

15 April '86

J.J. Gurney
Oxford University

Marfat.com

یادداشت و امضای پروفسور عثمان یحیی، از پاریس، در دفتر یادبود کتابخانه در سال ۱۹۹۲ میلادی

بسم الله و الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی و علی سیدهم المجتبی المصطفی و علی آله أهل الصفا و أولیائه ذوی الحق و الوفا

و بعد: زرت هذه الکتبة الدمیة للمرة الأولی منذ عشرین سنة و أزورها الیوم - بفضل الله و رعایته - و سعادتی و ازدیادی

لا یغیر المشرف علیها مدعی نیة و رعایة. صلی الله و حفظ أهلها أبدا توبة بها

[illegible]

عثمان اسماعیل یحیی

العنوان فی باریز:

Mr. Osman Yahia

C.N.R.S. (Sect. 31)

15, Quai Anatal - France

الغرفة الجدیدة Paris 7e (France)

41 bis, Av. F. Malé

92160 / Antony (France) tél (33) (1) 42 37 84 34

Marfat.com

یادداشت و امضای نخست وزیر کشور مالزی، ماهاتیر محمّد، در دفتر یادبود کتابخانه در سال ۱۹۹۳ میلادی

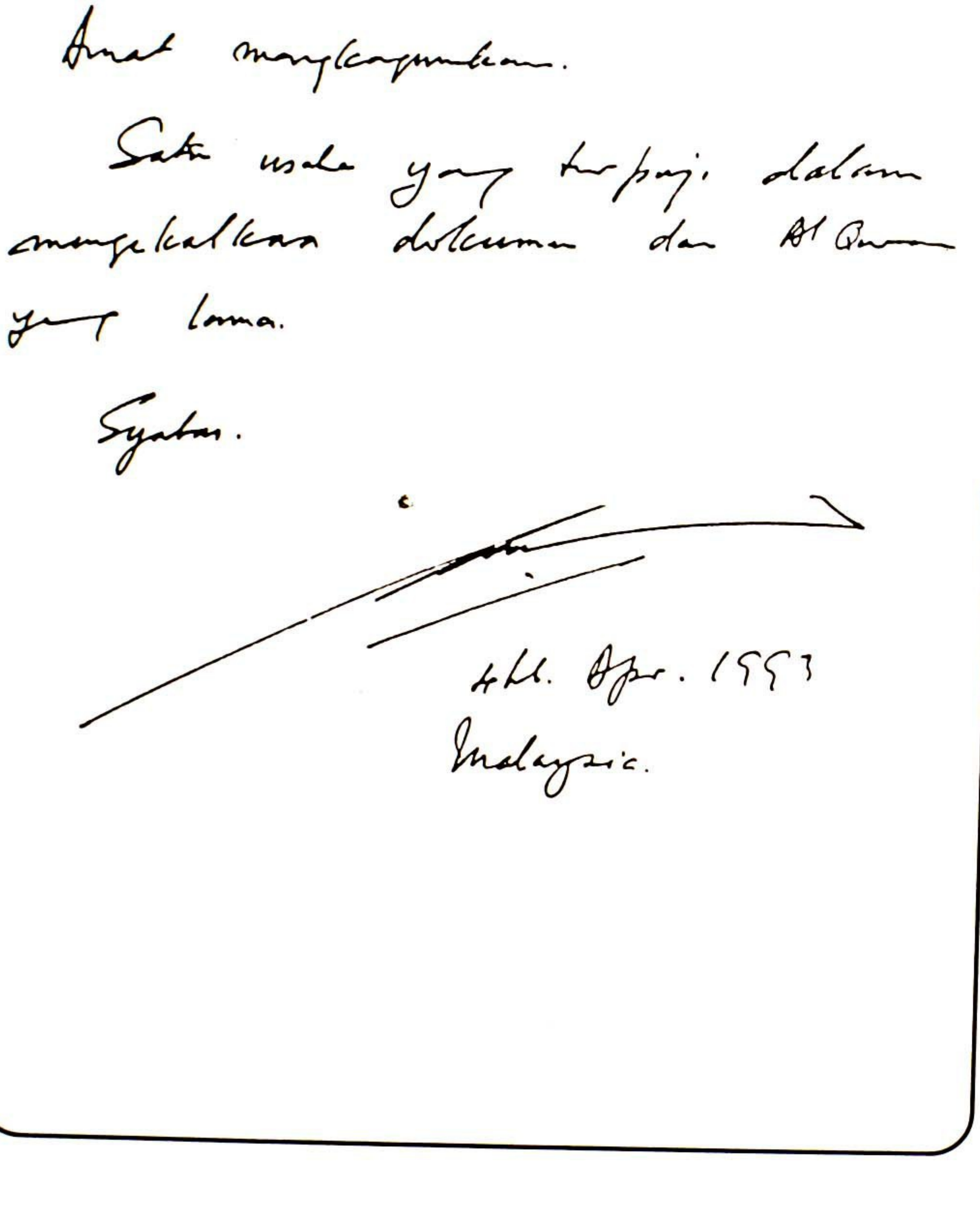

Marfat.com

یادداشت و امضای دکتر فاروق حماده، در دفتر یادبود کتابخانه در ۲۵ شوال ۱۴۱۳

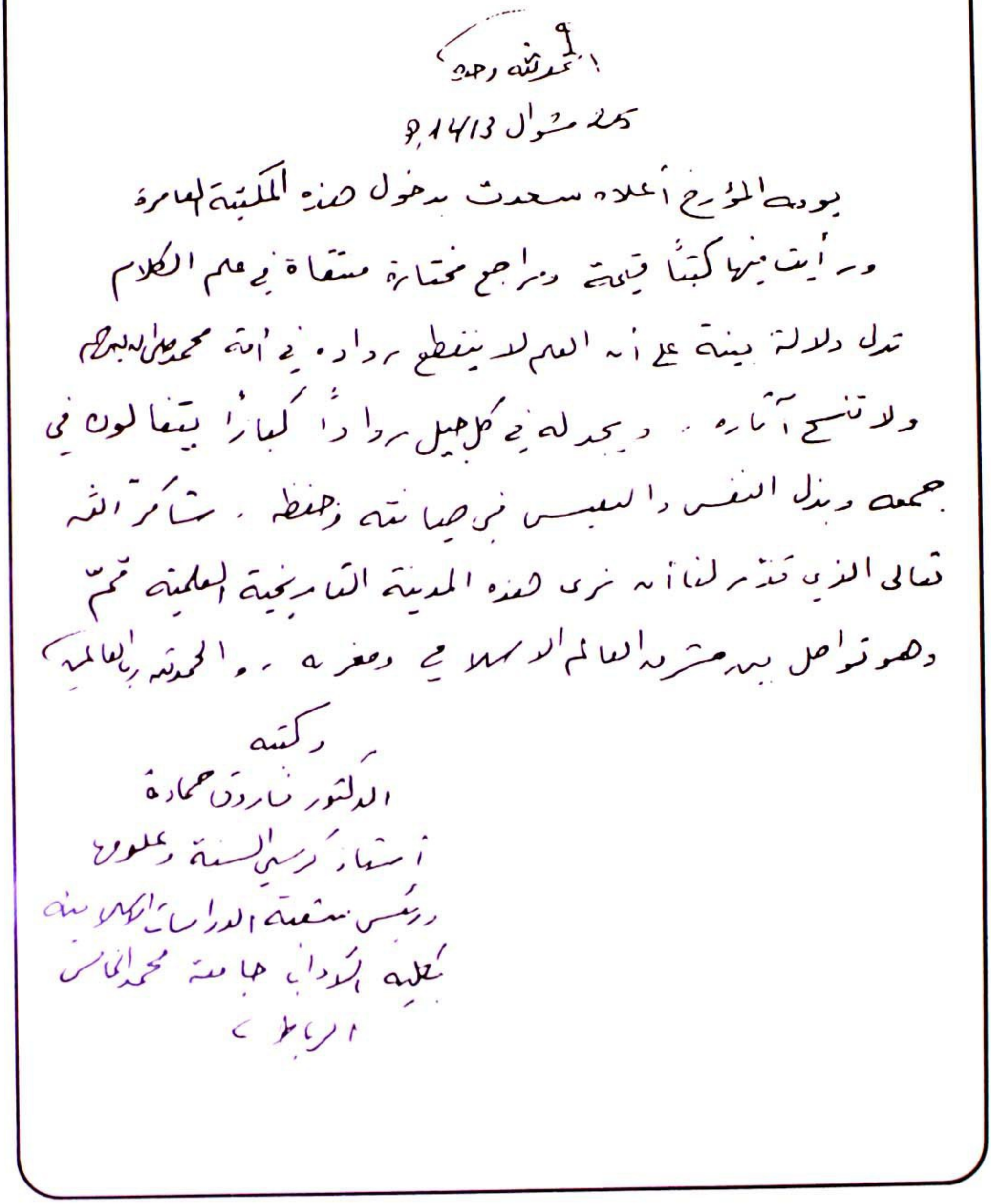

الحمد لله وحده

25 شوال 1413 هـ

يومه المؤرخ أعلاه سعدت بدخول هذه المكتبة العامرة
ورأيت فيها كتباً قيمة ومراجع مختارة منتقاة في علم الكلام
تدل دلالة بينة على أن العلم لا ينقطع رواده في أمة محمد صلى الله عليه وسلم
ولا تنسخ آثاره . ويجد له في كل جيل رواداً كباراً يتفالون في
جمعه وبذل النفس والنفيس في صيانته وحفظه . شاكراً لله
تعالى الذي قدّر لنا أن نرى هذه المدينة التاريخية العلمية تمّ
وهو تواصل بين مشرق العالم الإسلامي ومغربه . والحمد لله رب العالمين

وكتبه
الدكتور فاروق حمادة
أستاذ كرسي السنة وعلومها
ورئيس شعبة الدراسات الإسلامية
بكلية الآداب جامعة محمد الخامس
الرباط

Marfat.com

یادداشت و امضای جمعی از میهمانان کنگرهٔ شیخ مفید در قم: دکتر حسین علی محفوظ، دکتر علی حسین الجابری، دکتر محمّد رمضان عبدالله، دکتر عبدالحمید العلوجی، دکتر فاروق حماده و ... در دفتر یادبود کتابخانه، در ۲۶ ـ ۲۸ شوال ۱۴۱۳

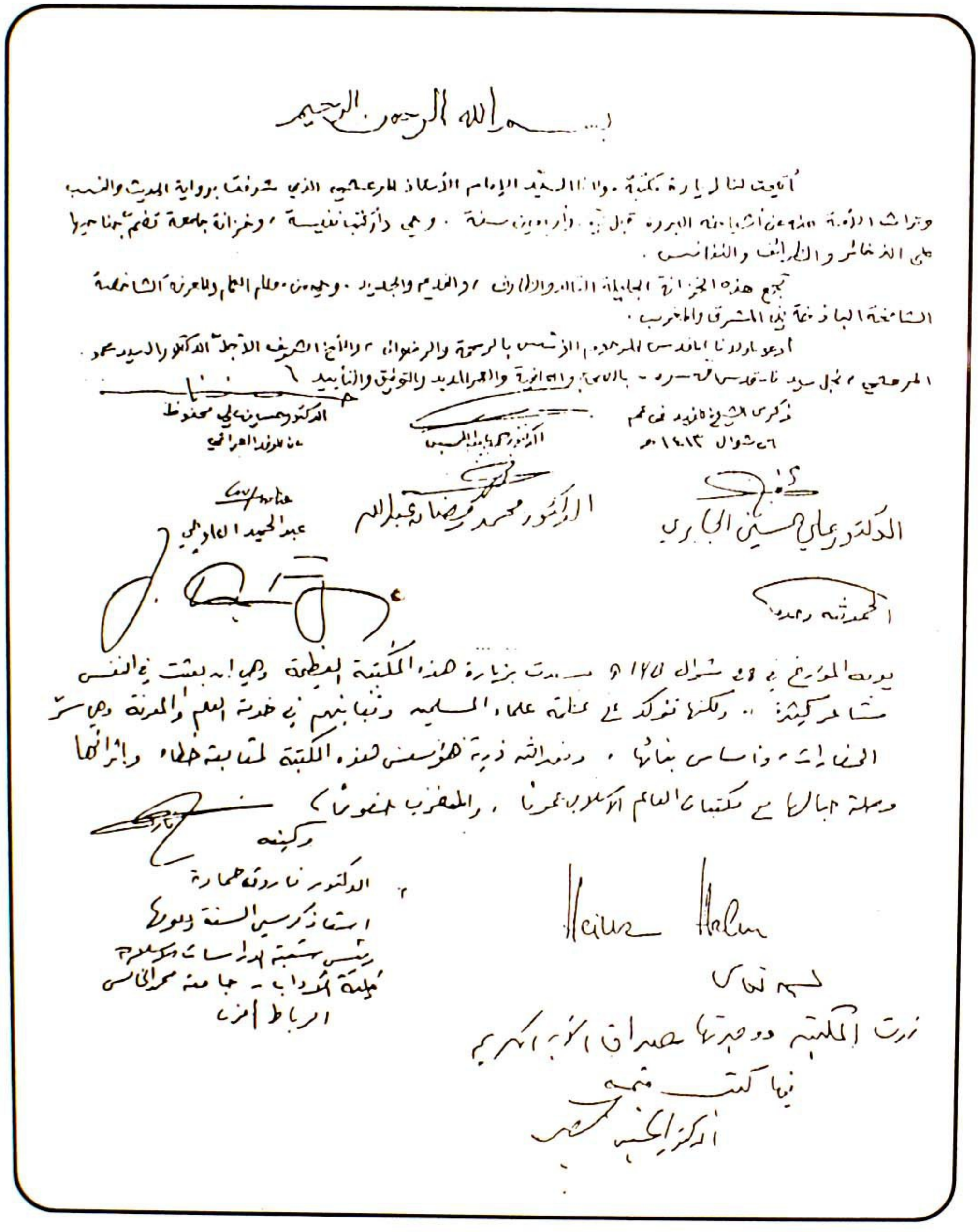
بسم الله الرحمن الرحيم

أتاحت لنا الزيارة مكتبة ... والد السيد الإمام الأستاذ المرعشي الذي شرفنا برواية الحديث والنسب وتراث الأمة عنه عن أشياخه الكبار قبل بضع وأربعين سنة. وهي دار كتب نفيسة، وخزانة جامعة تضم بين جنباتها الذخائر والطرائف والنفائس.

تجمع هذه الخزانة الجليلة التالد والطارف، القديم والجديد. وهي من معالم العلم والمعرفة الشامخة الشامخة الباذخة بين المشرق والمغرب.

أدعو لأولادنا الأقدسين المرحوم الأستاذ بالرحمة والرضوان، والأخ الشريف الأجل الدكتور السيد محمود المرعشي، نجل سيدنا الأقدس المرحوم ... بالأجر والمثوبة والعمر المديد والتوفيق والتأييد.

ذكرى الشيخ المفيد في قم
٢٦ شوال ١٤١٣ هـ

الدكتور علي حسين الجابري

الدكتور حسين علي محفوظ
عن الوفد العراقي

الدكتور محمد رمضان عبدالله

Comptesse
عبدالحميد العلوجي

الحمد لله وحده

يوم الموافق ٢٦ شوال ١٤١٣ هـ سعدت بزيارة هذه المكتبة العظيمة وهي التي بقيت في النفس مشاعر كثيرة .. ولكنها تذكرني بعظمة علماء السلف وتفانيهم في خدمة العلم والمعرفة وهي سر الخيرات وأساس بنائها. وفقه الله ذرية طيبة لتحافظ على هذه المكتبة لتعانق عطاء وآثارها وصلتها بالعالم الإسلامي عمومًا، والمغرب خصوصًا.

وكيله
الدكتور نادية حمارنة
أستاذ كرسي السنة وعلومها
رئيس شعبة الدراسات الإسلامية
كلية الآداب - جامعة محمد الخامس
الرباط المغرب

Hakim Hakim

زرت المكتبة ووجدتها مصداق الآية الكريم
فيها كتب قيمة
الدكتور أحمد الكبيسي

Marfat.com

یادداشت و امضای م.د. اکمل الدّین احسان اوغلی، رئیس کل مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ و هنر اسلامی استانبول، در دفتر یادبود کتابخانه، در سال ۱۹۹۳ میلادی

بسم الله الرحمن الرحیم

لقد كان من دواعي سعادتي وسروري انني زرت معرض
المخطوطات العلمية الاسلامية المنظم في جامعة تهران بالمكتبة
المركزية. وقد زاد من سروري من رؤيتي من معروضات
مكتبة المغفور له آية الله المرعشي التي طالما سمعت عنها
وراسلت مديرها... ولكن ما رأيت اليوم فاق كل ما تصورت
وضمنت... انها مجموعة رائعة لا مثيل لها... وانني متشوق
إلى زيارتها في قم. فهذا شيء يفتخر به كل مسلم.
رحمة الله العلامة مرعشي على ما جمعه وحفظه ومنحه لنا
واتمنى ان تظل هذه السنة الطيبة باقية ابد الدهر

م.د. اكمل الدين احسان اوغلي
مدير عام مركز الابحاث للتاريخ والفنون والثقافة
الاسلامية (ارسيكا) باستانبول

17.5.93 [signature]

Marfat.com

یادداشت و امضای رشدی راشد، مدیر مرکز تحقیقات تاریخ علوم و فلسفهٔ عربی و قرون وسطی، در پاریس، در دفتر یادبود کتابخانه، در ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۴۱۳

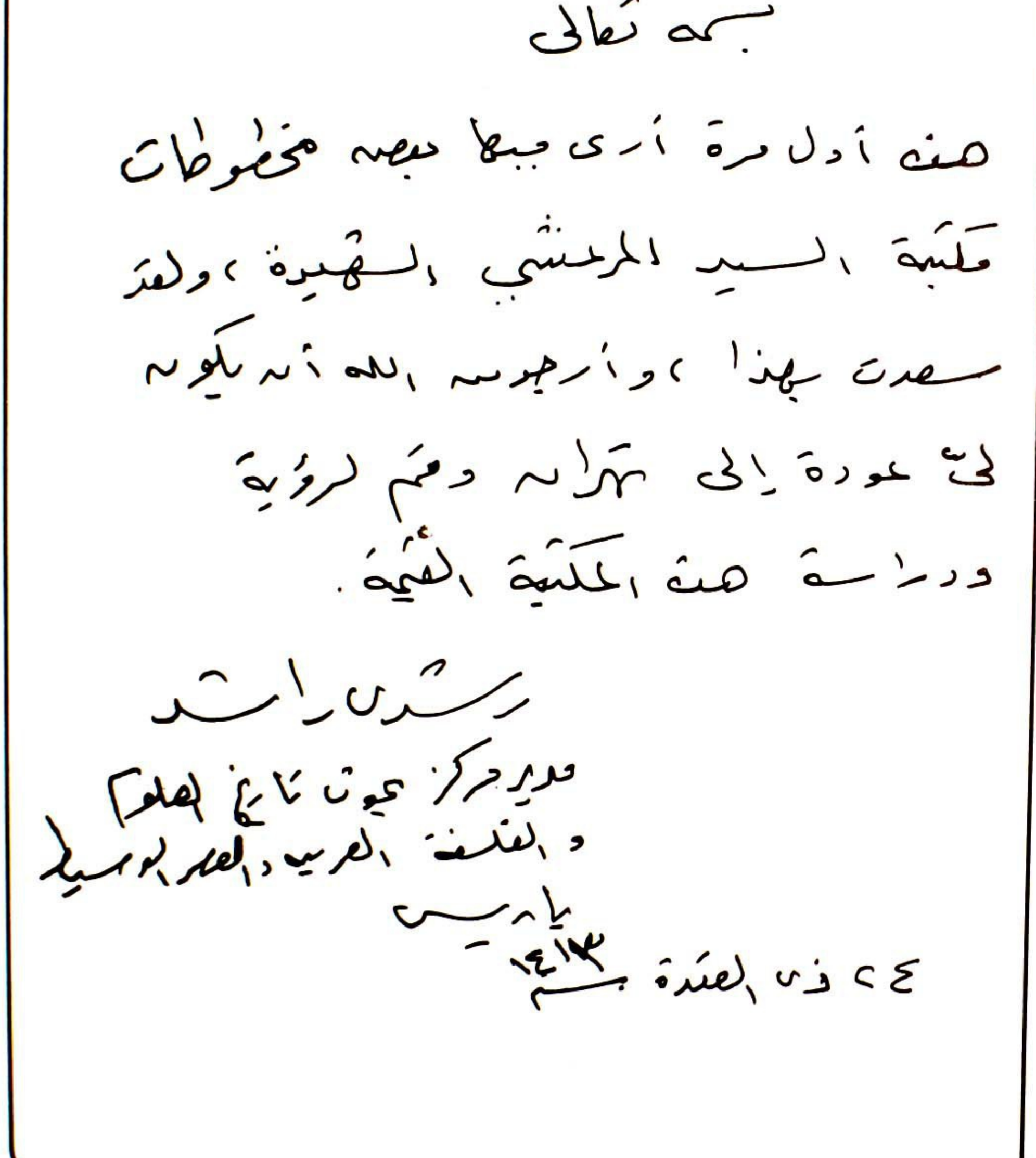

بسمه تعالی

هذه أول مرة أرى فيها بعض مخطوطات
مكتبة السيد المرعشي الشهيرة، ولقد
سعدت بهذا، وأرجو من الله أن يكون
لي عودة إلى تهران وقم لرؤية
ودراسة هذه المكتبة القيمة.

رشدي راشد
مدير مركز بحوث تاريخ العلوم
والفلسفة العربية والعصر الوسيط
باريس
٢٤ ذي القعدة سنة ١٤١٣

Marfat.com

یادداشت و امضای وزیر فرهنگ کشور مراکش و همراهان وی، در دفتر یادبود کتابخانه در ۱۶ مرداد ۱۳۷۲ / ۱۸ صفر ۱۴۱۴

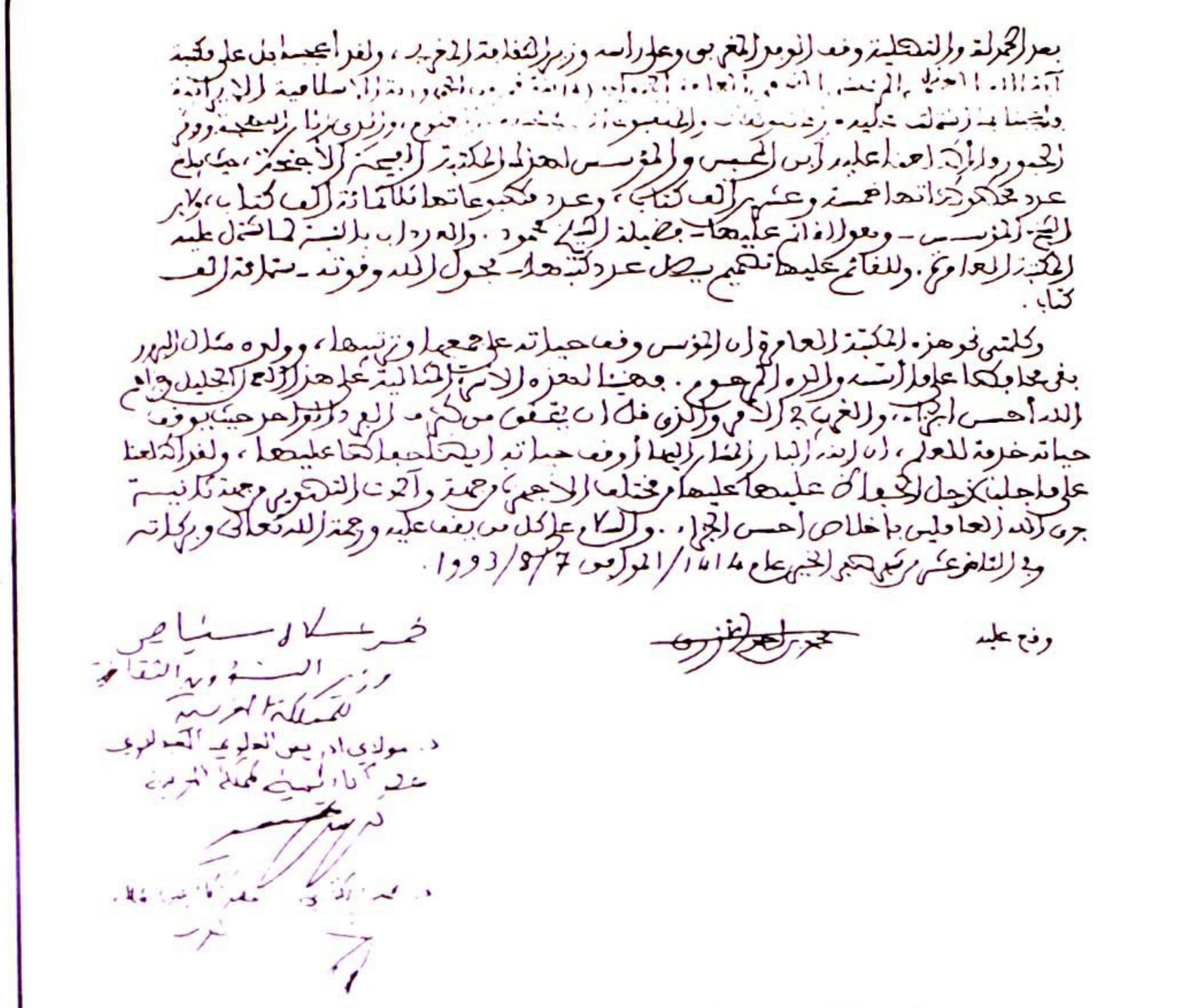

بعد الحمدلة والتصلية وقف الوفد المغربي وعلى رأسه وزير الثقافة المغربي، ولقد أعجبنا بل على مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي العامة الجواد [illegible] الإسلامية الإيرانية [illegible] والمطبوعات [illegible] وزيارة [illegible] الجمهور والإكثار عليه ابن المحبس والمؤسس لهذه المكتبة الفسيحة الأجنحة، حيث يبلغ عدد مخطوطاتها خمسة وعشرين ألف كتاب، وعدد مطبوعاتها ثلاثمائة ألف كتاب، ولابن الشيخ المؤسس - وهو القائم عليها - فضيلة الشيخ محمود. والعدد أب بالنسبة لما تشتمل عليه المكتبة العامرة. وللقائم عليها تصميم يصل عدد كتبها - بحول الله وقوته - ستمائة ألف كتاب.

وكلمتي نحو هذه المكتبة العامرة أن المؤسس وقف حياته على جمعها وترتيبها، وولده مثال البرور بقي محافظا على ما أسسه والده المرحوم. فهنيئا لهذه الأسرة المثالية على هذا العمل الجليل وجزاهم الله أحسن الجزاء، والغريب في الأمر والذي قل أن يتحقق من كثرة الفرد الواحد حيث يوقف حياته خدمة للعلم، أن ابنه البار المشار إليها أوقف حياته أيضا حفاظا عليها، ولقد اطلعنا على ما جلب لأجل الحفاظ عليها عليها من مختلف الأجهزة من جهة وآلات التصوير من جهة ثانية جزى الله العاملين بإخلاص أحسن الجزاء. والسلام على كل من يقف عليه ورحمة الله تعالى وبركاته

وفي الثامن عشر من شهر صفر الخير عام 1414 / الموافق 7/8/1993.

وقع عليه

محمد بن أحمد الأزرق

محمد علال سيناصر
وزير الشؤون الثقافية
للمملكة المغربية

د. مولاي إدريس العلوي العبدلاوي
عضو أكاديمية المملكة المغربية

د. محمد الكتاني عضو أكاديمية المملكة المغربية

خطوط بالأمر بوط ـ بازدید وزیر فرهنگ کشور مراکش و همراهان از کتابخانه در تاریخ ۱۶/۵/۷۲ و ۱۸ صفر ۱۴۱۴

۱- سید محمد علال سیناصر — وزیر فرهنگ مراکش
۲- مولای ادریس العلوی العبدلاوی — عضو آکادمی مراکش
۳- سید محمد بن احمد الازرق — مستشار وزیر اوقاف مراکش
۴- سید محمد کتانی — استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تطوان مراکش و عضو آکادمی آن کشور

خطوط بالأمر بوط ـ بازدید وزیر فرهنگ کشور مراکش و همراهان از کتابخانه در تاریخ ۱۶/۵/۷۲ و ۱۸ صفر ۱۴۱۴

۱- سید محمد علال سیناصر — وزیر فرهنگ مراکش
۲- مولای ادریس العلوی العبدلاوی — عضو آکادمی مراکش

Marfat.com

یادداشت و امضای محمّدحسین فضل‌الله، از علمای بزرگ لبنان، در دفتر یادبود کتابخانه در ۱۶ شعبان ۱۴۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد شاهدت نموذجاً من مخطوطات
مكتبة آية الله العظمى السيد المرعشي قدس سرّه
فعرفت من خلال ذلك مدى الخدمة التي قدمها
للعلم وأهله في مكتبته العامة الحديثة النظير في
هذا البلد، وهذا دليل على اهتمامه الكبير بما
يرفع المستوى العلمي للإسلام والمسلمين
فجزاه الله عن الإسلام وأهله خير جزاء المحسنين

١٦ شعبان
١٤١٤ هـ

محمد حسين
فضل الله

Marfat.com

یادداشت و امضای پروفسور فؤاد سزگین، از فرانکفورت آلمان، در دفتر یادبود کتابخانه

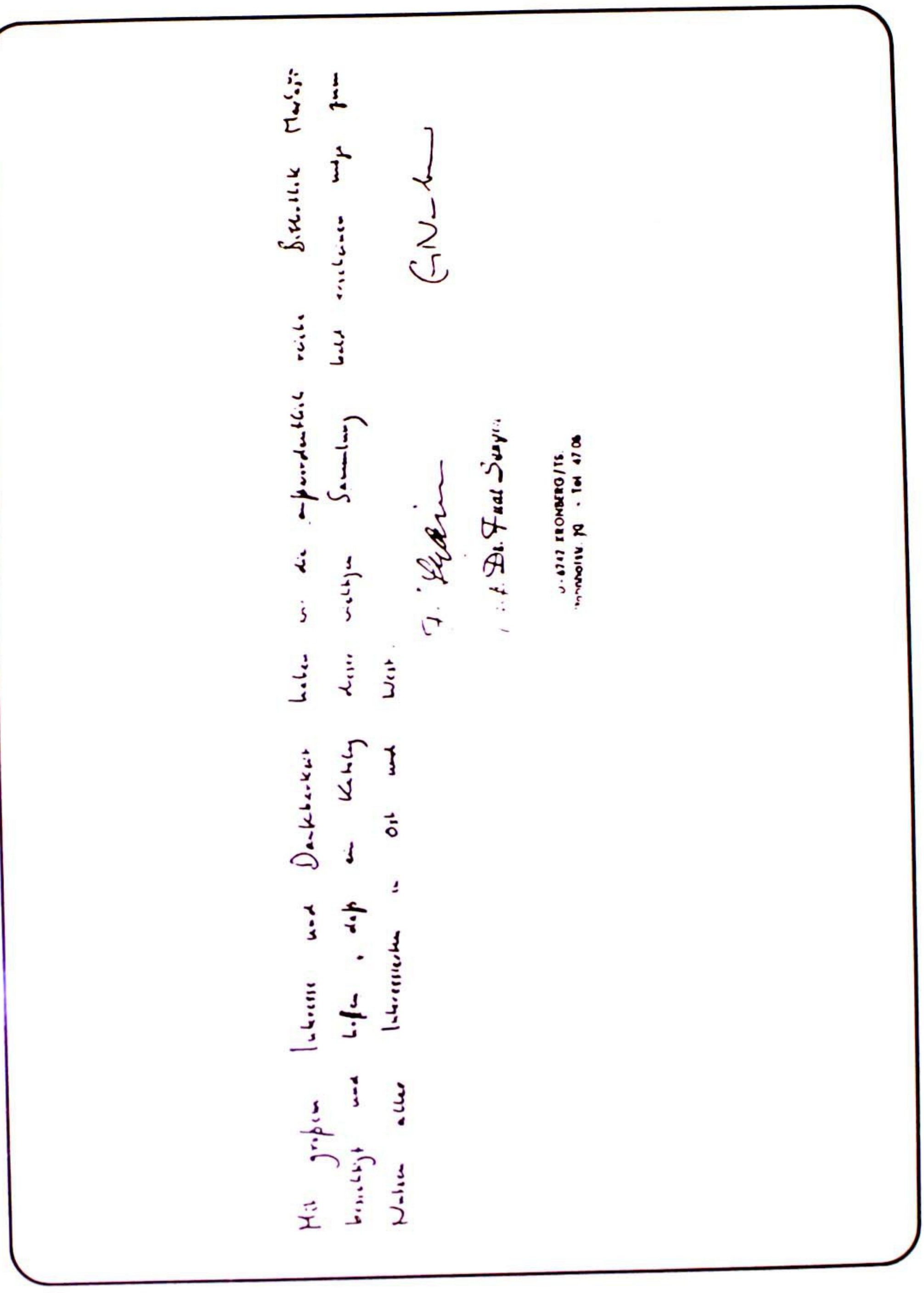

Marfat.com

یادداشت و امضای وزیر آموزش و پرورش کشور الجزائر، در دفتر یادبود کتابخانه

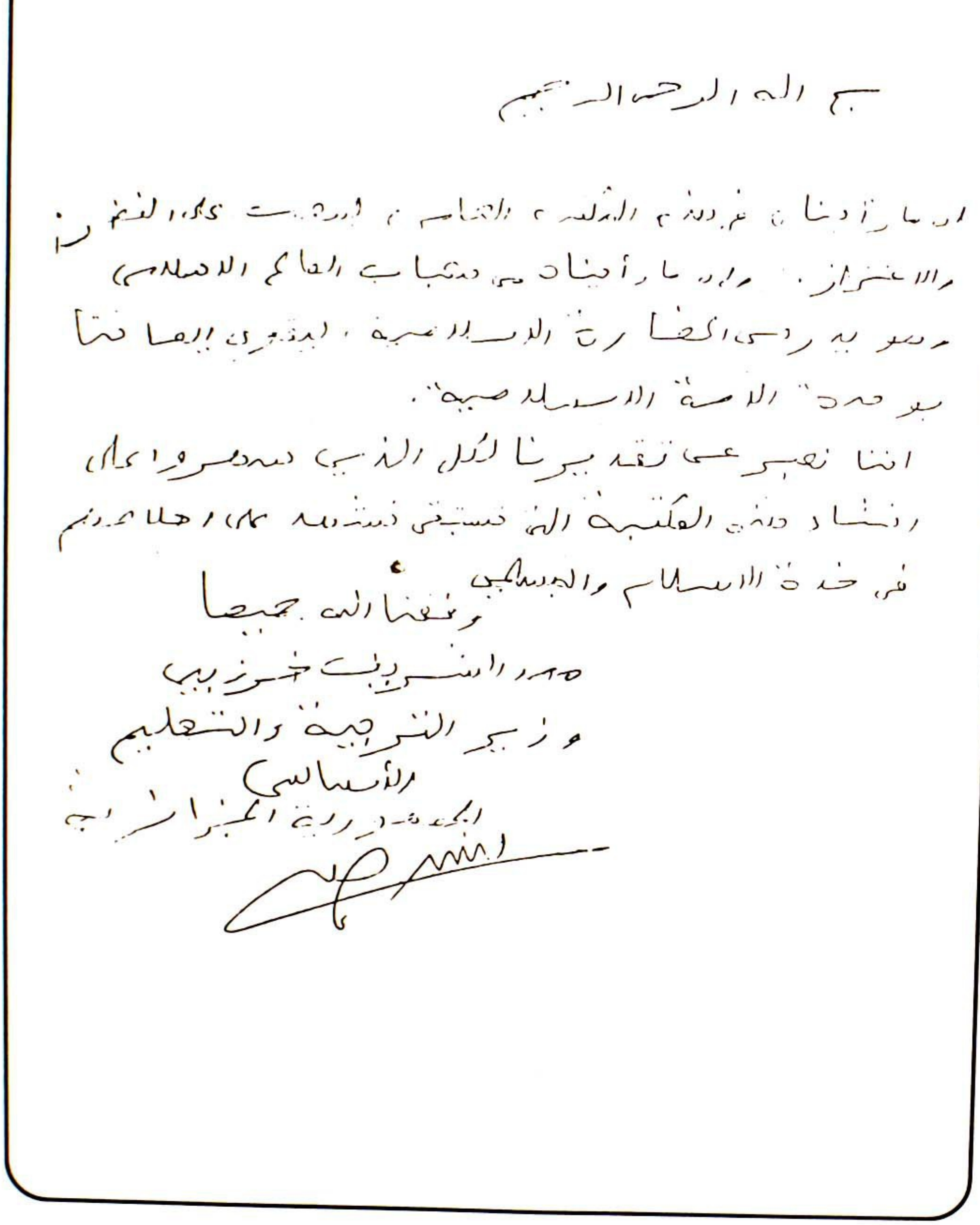

پیوست پنجم

در آینهٔ مطبوعات

Marfat.com

Marfat.com

روزنامهٔ رسالت، ۸ شهریور ۱۳۶۹

آیت الله العظمی نجفی مرعشی در سن ۹۶ سالگی

دارفانی را وداع کرد

بخش خبری: عالم جلیل القدر حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی ازمراجع عظام وعلمای اعلام شب گذشته پس از اقامه آخرین نماز جماعت و عشاء درحرم مطهر حضرت معصومه(س) و بازگشت به بیتشان در سن ۹۶ سالگی بر اثر سکته قلبی دارفانی را وداع گفتند و به جوار رحمت حق پیوستند.

براساس اطلاع واصله پیکر مطهر حضرت آیتالله العظمی نجفی مرعشی درساعت ۹ صبح فردا از بیت ایشان تاحرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام تشییع وسپس به وصیت خودشان در کتابخانه عمومی ایشان به خاک سپرده میشوند.

به همین مناسبت از سوی حضرت آیتالله خامنهای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام تسلیتی منتشر شد. متن پیام به این شرح است:

«اناالله وانا الیه راجعون»

ارتحال عالم جلیل القدر و فقیه اهل بیت علیهالسلام آیت اللهالعظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی رضوان ا...علیه را به حضرت ولیعصر ارواحنا فدا و جهان تشیع مخصوصاً مراجع عظام و علمای اعلام و حوزههای علمیه بالاخص خانواده محترم ایشان تسلیت میگویم.

آن بزرگوار یکی از اساتید حوزه علمیه واز ارکان علمی وعملی آن محسوب میشدند وعمر بابرکت خود را به تعلیم، تدریس، تربیت و تزکیه مصروف نمودند.

فقدان این عالم جلیل حقاً ضایعهای بزرگ است از خداوند متعال علو درجات آن حضرت مسئله نموده و ملت عزیز را به تجلیل از مقام شامخ ایشان در سراسر کشور دعوت میکنم.

«سیدعلی خامنهای»

همچنین به همین مناسبت از طرف مقام معظم رهبری تلگرام تسلیتی به حضرات آیات عظام گلپایگانی و اراکی ارسال شد.

وهمچنین حجةالاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی به نمایندگی از طرف مقام معظم رهبری جهت ابرازمراتب تسلیت معظم له به بازماندگان آن عالم جلیل القدر به قم عزیمت کردند.

در پیام رئیس جمهوری همین مناسبت آمده است:

این مرد بزرگ عمر خود را در راه ترویج دین مبین اسلام و فرهنگ غنی شیعه در جهانمصروف داشتهو خود راوقفخدمت به اسلام ومسلمین کردوبهحق پشتوانه استوار و محکم برای انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و از یاوران صدیق امام را حل و بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره الشریف بود به مناسبت این ثلمه عظیم از سوی دولت جمهوری اسلامی سه روز عزای عمومی اعلام میشود.»

اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس جمهوری اسلامی ایران
۶۹/۶/۷

به مناسبت رحلت آیت الله العظمی نجفیمرعشی سه روز عزای عمومی اعلام شد



رسالت ۸/۶/۶۹

پیام حضرت آیتالله خامنهای:

✿ آن بزرگوار یکی از اساتید حوزه علمیه و از ارکان علمی و عملی آن محسوب می شدند و عمر با برکت خود را به تعلیم، تدریس، تربیت وتزکیه مصروف نمودند.

✿ ملت عزیز را به تجلیل از مقام شامخ ایشان در سراسر کشور دعوت می کنم

✿ پیام حجةالاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی: ایشان به حق پشتوانه استوار ومحکم برای انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و ازیاوران صدیق امام خمینی قدس سره الشریف بود.

✿ آیتالله العظمی نجفی مرعشی دراثر سکته قلبی، در سن ۹۶ سالگی دارفانی را وداع کرد

صفحه آخر

Marfat.com

روزنامهٔ رسالت، ۱۰ شهریور ۱۳۶۹

پیکر پاک آیة‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در میان انبوه مردم عزادار تشییع شد

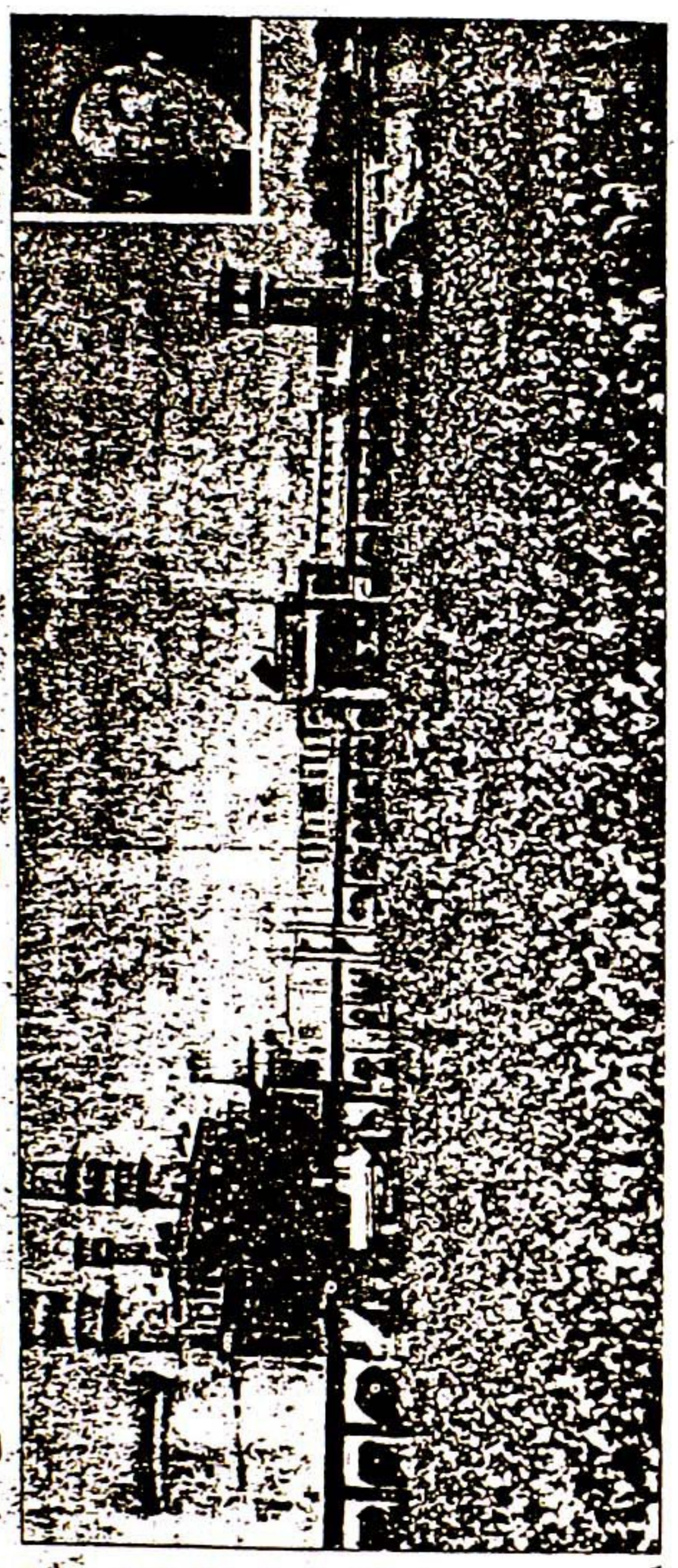

● مراسم بزرگداشت ارتحال آیة‌العظمی مرعشی نجفی از سوی مقام معظم رهبری برگزار شد

● شخصیت علمی و انسانی آیة‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به روایت آیة‌الله سبحانی و حجة‌الاسلام والمسلمین فاطمی نیا

● نمایندگان رهبری، نمایندگان مراجع تقلید، رئیس مجلس، معاون اول رئیس جمهور، حجة‌الاسلام حاج سید احمد خمینی، و جمعی از وزرا در مراسم تشییع و خاک سپاری حضور داشتند.

● آیت‌الله امامی کاشانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران: حضرت آیة‌الله‌العظمی مرعشی نجفی همواره از امام امت در طول مبارزاتشان علیه رژیم ستم شاهی حمایت می‌کردند.

در همین صفحه و ۲ و ۸ و ۱۰

Marfat.com

روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ۱۳۶۹

جمهوری اسلامی — اخبارشهرستانها

پیام تسلیت آیت الله العظمی گلپایگانی



پیام تسلیت حجت الاسلام سید احمد خمینی به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی مرعشی نجفی



اظهارات ائمه جمعه پیرامون شخ
مرعشی نجفی، هفته دولت وا

تلگرام تسلیت آیت الله میرزا هاشم آملی

چندین طرح اقتصادی د
هفته دولت مورد بهره‌بر

بزرگترین شناور صیادی آب انداخته شد

بزرگراه آزادگان در اصفهان افتتاح شد

پیکر پاک آیت الله‌العظمی مرعشی نجفی در قم تشییع و به خاک سپرده شد

Marfat.com

مجلس ترحیم آیت الله العظمی مرعشی نجفی صبح امروز از سوی رهبر انقلاب اسلامی برگزار می شود

از سوی حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز شنبه (امروز) مجلس ترحیم حسینی به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در مقبره علی شهید مطهری منعقد می شود

متن اطلاعیه دفتر مقام معظم رهبری بدین شرح منتشر شد

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

اقامات العالم تلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شی

صایمه موجه ارحال عالم جلیل القدر، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی را به محضر مبارک حضرت بقیة الله الاعظم ولی عصر (ارواحنا فداه) و جهاد اسلام و مراجع عالیقدر و حوزه‌های علمیه و خانواده محترم ایشان تسلیت گفته و برای ساحت مقدس حسینی طلب غفران و رحمت الهی برای ایشان می نماید

ضمن طلب علو درجات برای آن فقیه و مرجع بزرگوار از کلیه اقشار و آحاد ملت عزیز دعوت می شود با شرکت خود در این مجلس از مقام شامخ علم و روحانیت تجلیل شایسته بعمل آورند

اولین گروه از مفقودان جاویدالاثر در مرقد مطهر امام خمینی با رهبر انقلاب اسلامی بیعت کردند

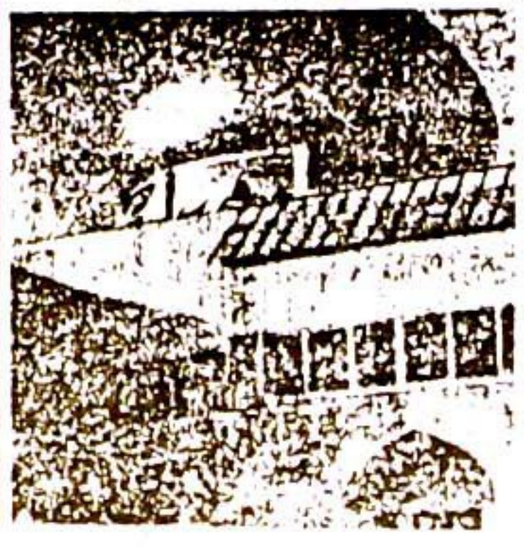

لبنان در عزای رحلت آیت الله العظمی مرعشی نجفی غرق در ماتم شد

۱۵۰۰ تن از آزادگان مخفیانه در اسارتگاههای عراق حافظ قرآن شده‌اند

دکتر ولایتی روند صلح میان ایران و عراق را خوب توصیف کرد

۹۰۰ تن دیگر از اسرای ثبت نا... دیشب به میهن اسلامی با...

هیچکاک‌زده

روزنامهٔ اطلاعات، ۱۰ شهریور ۱۳۶۹


اطلاعات

پیکر پاک مرجع عالیقدر جهان اسلام
حضرت آیت الله العظمی
باشکوه فراوان تشییع و
به خاک سپرده شد

Marfat.com

OBITUARIES

Ayatollah al-'Ozma Shihab al-Din Mar'ashi-Najafi

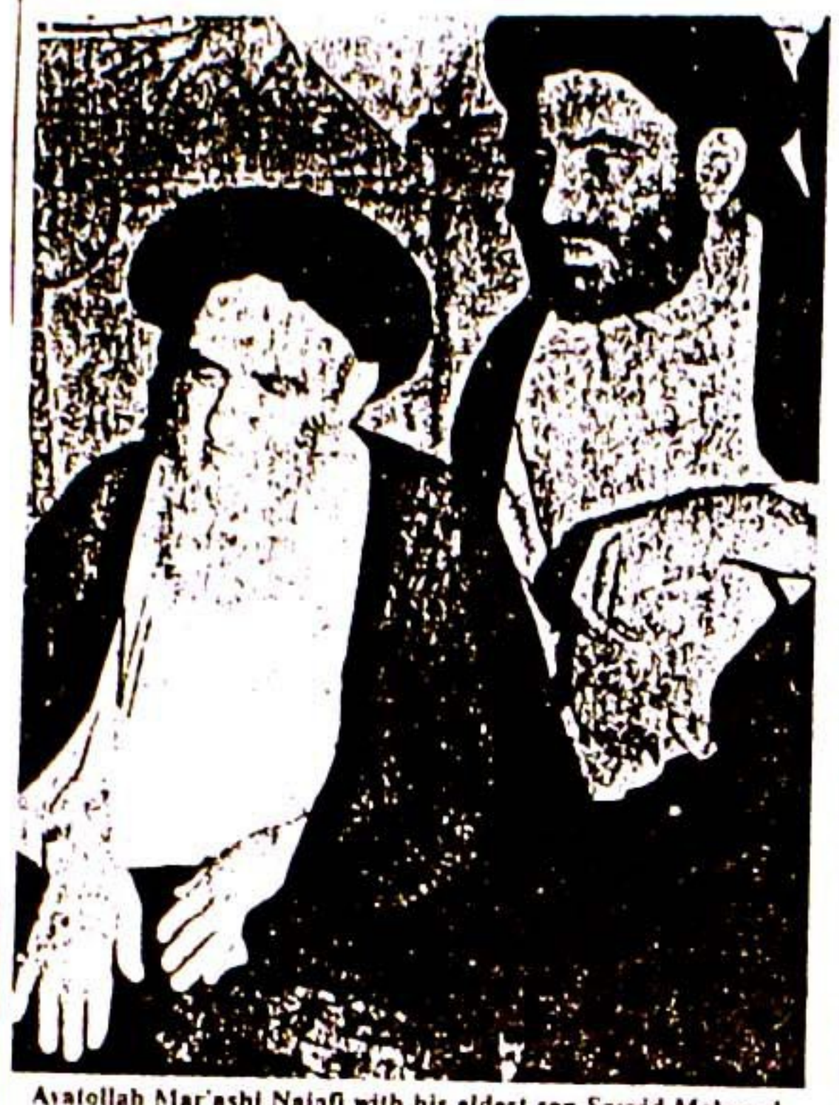

Ayatollah Mar'ashi Najafi with his eldest son Sayyid Mahmud

AYATOLLAH al-'Ozma Shihab al-Din Mar'ashi-Najafi was one of the three pre-eminent religious leaders (*marja al-taqlid*) in the Shi'ite world.

With his death, Iran has lost one of its most attractive and best loved religious figures, and seen almost the last effective link with an earlier pattern of religious life and practice which had governed Shi'ite Islam for many centuries. Ayatollah Mar'ashi was born in 1897 at the shrine city of Najaf, in present day Iraq, into a family descended from the Mar'ashi dynasty which ruled Mazandaran in northern Iran from the late fourteenth to the second half of the sixteenth centuries and was connected by marriage to the Safavids, the mother of Abbas I being a Marashi *sayyid*. More immediate forebears had been physicians and divines, and Ayatollah Mar'ashi followed their example with a traditional religious education in the shrine towns of Iraq, studying with the great teachers of the day, including Sayyid Abul Hasan Isfahani, Shaikh al-Sharia and Shaikh Muhammad Husain Naini.

Once Qum had been established in the early 1920s as a religious centre which could rival the Iraqi shrine towns, Mar'ashi, like many religious scholars from an Iranian background, was drawn to the new centre by the inspiring figure of Abdul Karim Haeri. From 1924 he permanently settled in Qum, began to teach the traditional range of Islamic subjects, positive law and theology, and specialised in the two with which his name became intimately associated, genealogy and biography of the transmitters of *hadith* (sayings of the Prophet).

In the generous Islamic tradition of moving between a number of outstanding teachers, almost all the religious leaders in Iran over the last decades would have been his pupils, and a large number of Muslims beyond the borders of Iran have benefited from his numerous scholarly works and commentaries, amongst which should be mentioned the Ta'liqat Ihqaq al-Haqq, Ghayat al-Quswa and on genealogy, Mashajarat Al al-Rasul.

As his following increased, he was at a relatively young age accepted into the ranks of the *maqa al-taqlid* and over the years enhanced his position despite the vicissitudes that traditional Shi'ism had witnessed in recent decades. Though not attracting such large amounts in religious taxes as some of his peers, with characteristic generosity he founded three religious schools in Qum and supported many more throughout Iran.

With this reputation for scholarship in most of the branches of traditional learning went an extraordinary expertise in recognising manuscripts. The library which he inherited from his learned ancestors and his own collection of manuscripts and lithographs, together with additions from all parts of the Islamic world and the West, grew so vast that in recent years he has made it into a public trust, and he has watched it develop into a library of international importance, attracting scholars from all over the world. Its daily administration had been handled over to his eldest son, Sayyid Mahmud, who has continued to expand the buildings and increase the collections as his father desired.

If for future generations the Library will be a permanent memorial to Ayatollah Mar'ashi's scholarship, to his many followers he will be remembered as much for his personal the religious qualities.

His genuine piety and asceticism touched many hearts. Every evening, until prevented by illness in recent months, he would lead the prayers in the great courtyard of the shrine at Qum, a frail, slight figure, supported by a large gathering who counted themselves privileged to pray behind him.

Even in his nineties he would continue to teach five mornings a week, relishing the cut and thrust of debate, dealing with each interruption with good humour and courtesy, holding an audience by his remarkable memory for historical detail and witty anecdote. In his own home, where he was always accessible to everyone from the humblest to the most powerful, he had a kind word and interested question for every visitor, receiving them in his simple, book-strewn room, seating them on the carpet just beyond his mattress, as he kept up a witty, vivacious conversation with all around.

In the late evenings, after his eyesight had failed in last years, he was read to by a close circle of family and friends, or dictated an introduction to a new edition, snatching a few hours sleep before the daily routine of prayer, teaching and study would begin again. He represented the finer, gentler tradition of Shi'ite scholarship and piety, and he will be mourned throughout the Islamic world.

John Gurney

Sayyid Shihab al-din Mar'ashi Najafi, religious leader and scholar, born 22 July 1897, died Qum 29 August 1990

Marfat.com

کیهان هوائی، ۱۴ دی ۱۳۶۹

(یول) سای ۸۹۵- چرشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۹، ۵ سپتامبر ۱۹۹۰

بؤیوک مرجع، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی حضرتلری آللاه رحمتینه گئتدی

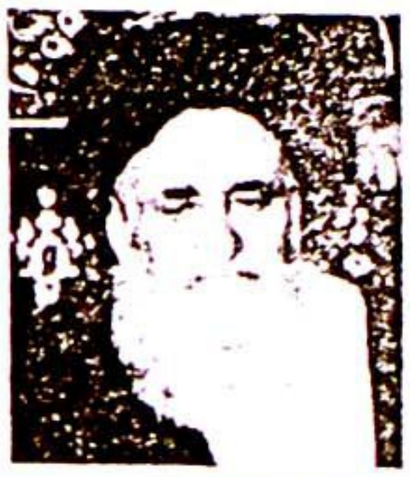

حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی چرشنبه گونو شهریورین ۷ سینده (۷ صفر ۱۴۱۱) ۹۶ یاشیندا وفات ائتدی.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ۲۰ صفر ۱۳۱۵ هجری قمری دهنجف اشرف شهرینده دوغولموش، دینی علملری تحصیل ائتدیکدن سونرا ۱۳۴۲ هجری قمری دهامام رضا(ع)ین پاک تربه سینی زیارت ائتمک مقصدیله ایرانا گلمیش، تهراندا ۳ آی قالدیقدان سونرا مقدس قم شهرینه گئتمیشدیر.

قم شهرینده قم علمیه حوزه سی‌نین مؤسسی آیت‌الله العظمی حائری نین ایسته‌گی ایله بوشهرده قالمیش واسلامی علملری تدریس ائتمک وچوخلو اثرلر تألیف ائتمکله مشغول اولموشدور.

مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نین چوخلو خیریه آثاری واردیر، اوندان یادگار قالان بؤیوک کتابخانادیرکی ۳۰۰ مین جلددن آرتیق نفیس کتاب واو جمله دن ۲۵ مین جلد الیازماسی اونون رنگین خزینه سینی تشکیل ائدیر.

بوکتابخانانین اهمیتی‌نی و اونون کتابلاری نین گوندن‌گونه آرتماسینی نظره آلاراق حضرت امام(ره) ۱۳۶۷ نجی ایلده اونون گئنیشلنمه سی حقده گؤستریش وئردیلر. ایندی ۲ مین کوادرات متر ساحه سینده ۷ مرتبه‌لی بیرینا بیرمیلیون سککیزیورمین کتاب توتوملو مخزن ایله تیکیلمکده دیر.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نین وفاتی مناسبتیله دولت طرفیندن ۳ گون عمومی ماتم اعلان ائدیلدی.

Iran's Grand Ayatollah Passes Away at 96



TEHRAN (IRNA) — Grand ayatollah and religious authority of national stature Shahabeddin Marashi Najafi died of a heart attack at the age of 96 at his home in the holy city of Qom Wednesday night.

President Ali Akbar Hashemi Rafsanjani declared a three-day national mourning in memory of the renowned scholar.

Ayatollah Marashi Najafi was born in Najaf, Iraq, in 1894. He visited Iran in 1923 to pay pilgrimage to the holy shrine of Imam Reza and after a three-month stay in Tehran was invited to teach at Qom theological school which he accepted.

He authored many treaties on various topics in Islam and Shi'ism.

Meanwhile, the leader of the Islamic Revolution Ayatollah Ali Khamene'i issued a message of condolence Thursday on the occasion of the death of the grand ayatollah on Wednesday.

Praising the late ayatollah, the leader extended condolences to the world of Islam, ulema and especially his relatives.

Similar messages were issued by prominent ulema including Grand Ayatollah Mohammad Reza Musavi Golpayegani and high-ranking officials of the country.

Marfat.com

Marfat.com

پیوست ششم

اسناد گوناگون

Marfat.com

Marfat.com

حکم خدمتگذاری روضهٔ منوّرهٔ حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، برای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) که توسط تولیت و دیگر خدمتگذاران آن روضهٔ منوره امضا شده است

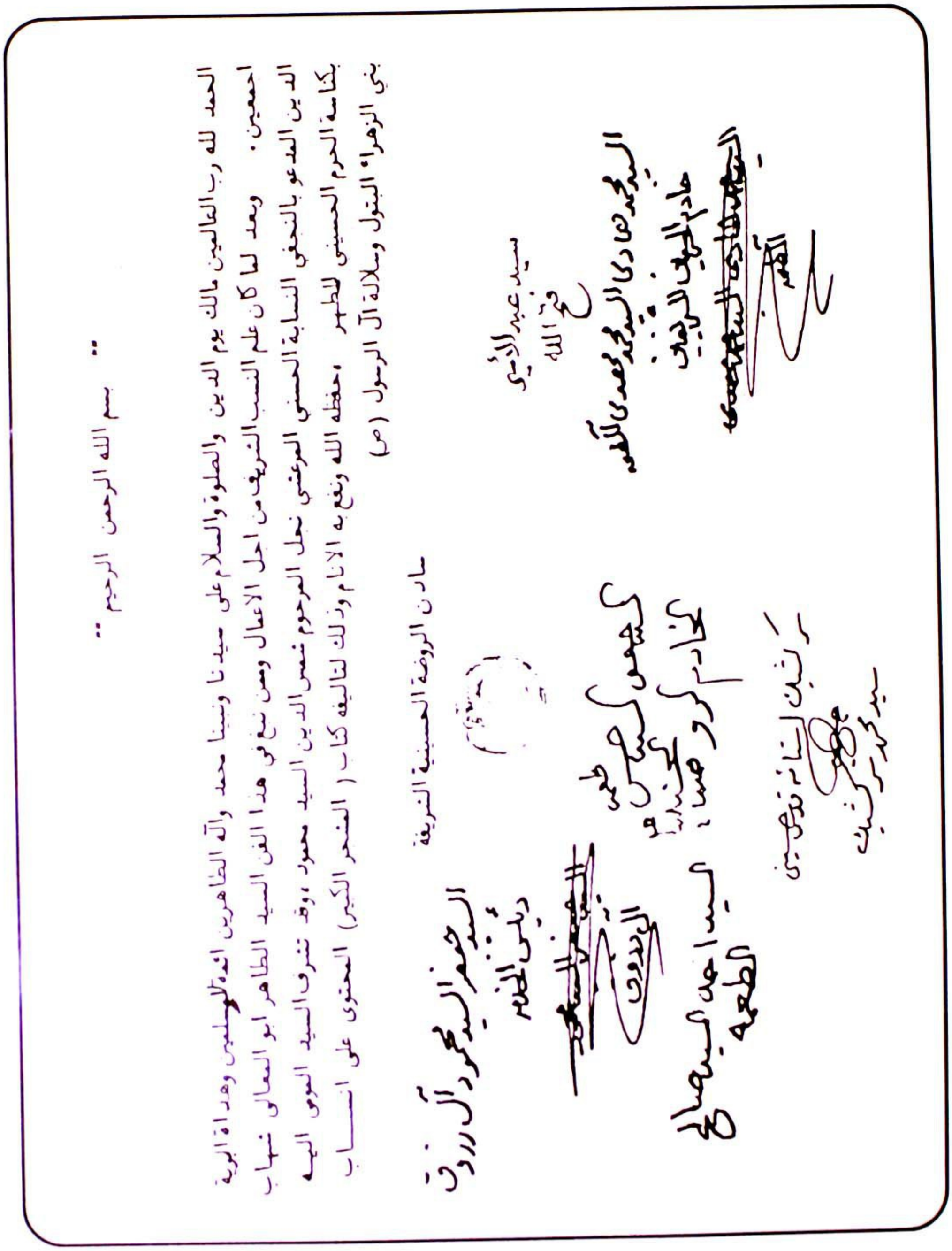

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین مالك یوم الدین والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطاهرین ائمة المسلمین وهداة البریة اجمعین. وبعد لما کان علم النسب الشریف من اجل الاعمال وممن نبغ فی هذا الفن السید الطاهر ابو المعالی شهاب الدین المدعو بالنجفی النسابة الحسنی المرعشی نجل المرحوم شمس الدین السید محمود، وقد تشرف السید المومی الیه بکناسة الحرم الحسینی المطهر، حفظه الله ونفع به الانام وذلك لتالیفه کتاب (المنجر الکبیر) المحتوی علی انساب بنی الزهراء البتول وسلالة آل الرسول (ص)

سادن الروضة الحسینیة الشریفة

السید جعفر السید محمود آل زروق
رئیس الخدم
الجعفر السید محمود
آل زروق

السید احمد السید صالح
الطعمة

سید عبد الأمیر
فتح الله

السید محمد هادی السید محمد مهدی آل الطعمة
خادم الحرمین الشریفین
السید هادی السید محمد
آل الطعمة

الشیخ السید حسن طعمه
الخادم کرو صما
سرکشیك لسانه قدس سره
سید محمد سرکشیك

Marfat.com

حکم رسمی وزیر معارف وقت علی‌اصغر حکمت، جهت تدریس فقه و اصول در قم
برای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، در سال ۱۳۰۸ شمسی

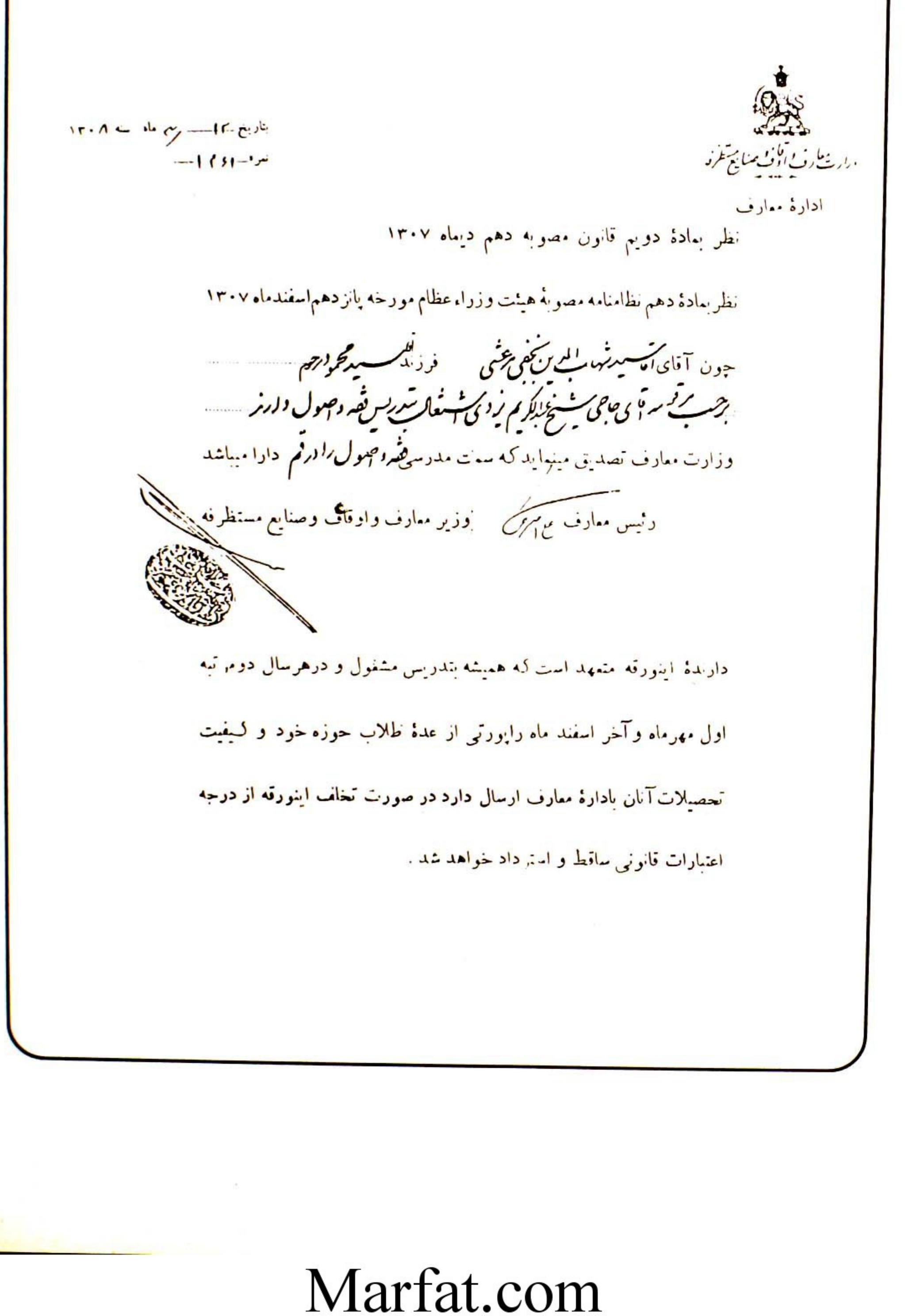

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بتاریخ ۱۲ — ۳ ماه ۱۳۰۸
نمره — ۱۲۶۱ —

ادارهٔ معارف

نظر بمادهٔ دویم قانون مصوبه دهم دیماه ۱۳۰۷

نظر بمادهٔ دهم نظامنامه مصوبهٔ هیئت وزراء عظام مورخه پانزدهم اسفندماه ۱۳۰۷

چون آقای آقاسید شهاب الدین نجفی مرعشی فرزند مرحوم آقاسید محمود .....
برحسب مراتب آقای حاجی شیخ عبدالکریم یزدی اشتغال بتدریس فقه و اصول دارند .....
وزارت معارف تصدیق مینماید که سمت مدرسی فقه و اصول را دارا میباشد

رئیس معارف [illegible] وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دارندهٔ اینورقه متعهد است که همیشه بتدریس مشغول و درهرسال دوم تیه اول مهرماه و آخر اسفند ماه راپورتی از عدهٔ طلاب حوزه خود و کیفیت تحصیلات آنان بادارهٔ معارف ارسال دارد در صورت تخلف اینورقه از درجه اعتبارات قانونی ساقط و استرداد خواهد شد.

Marfat.com

حکم رسمی مدرّسی آستانهٔ مقدّسهٔ فاطمهٔ معصومه (س)، از جانب تولیت وقت آستانه برای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، در سال ۱۳۴۸ قمری

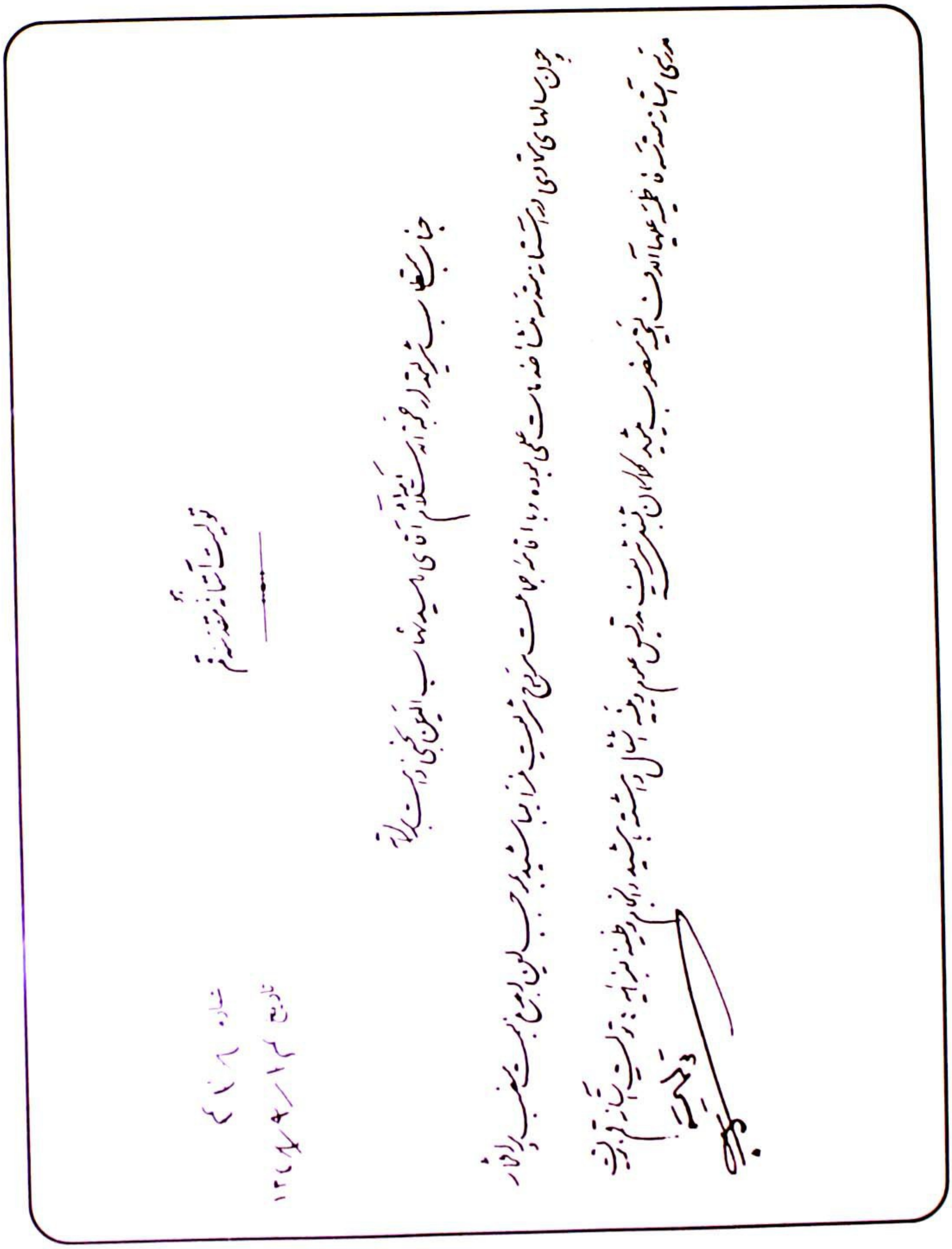

حکم رسمی امام جماعتی و مدرّسی آستانهٔ مقدّسهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه (س)
برای آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، در سال ۱۳۶۰ شمسی

آستانه مقدسه قم
اداره تشریفات

شماره ۵۱۸۰
۱۷/۶/۱۳۶۰ هجری شمسی
مطابق با نهم ذیقعده ۱۴۰۱ هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای سید شهاب الدین المرعشی النجفی دام ظله العالی

پس از عرض خواسته چون در ایام ماضیه و اعوام متمادی حضرتعالی در مسجد بالاسر حرم مطهر فاطمه معصومه سلام الله علیها به اقامه نماز جماعت و تعلیم شعائر الله و ارشاد و تربیت عالمان و مدرسین طلاب علوم دینیه مفتخر بوده اید همچنان مشمول این فیض عظمی تا رسیدن به مقصد اعلی و لقاء الله خواهید بود انشاء الله تعالی.

رجا، واثق دارم این خادم خدام را همواره مشمول ادعیه خالصانه خود خواهید فرمود. والسلام علیکم و رحمة الله

تولیت آستانه مقدسه قم خادم حرم اهل بیت نبوت علیهم السلام: احمد مولائی

۱۷/۶/۶۰

آلبوم عکس

Marfat.com

Marfat.com

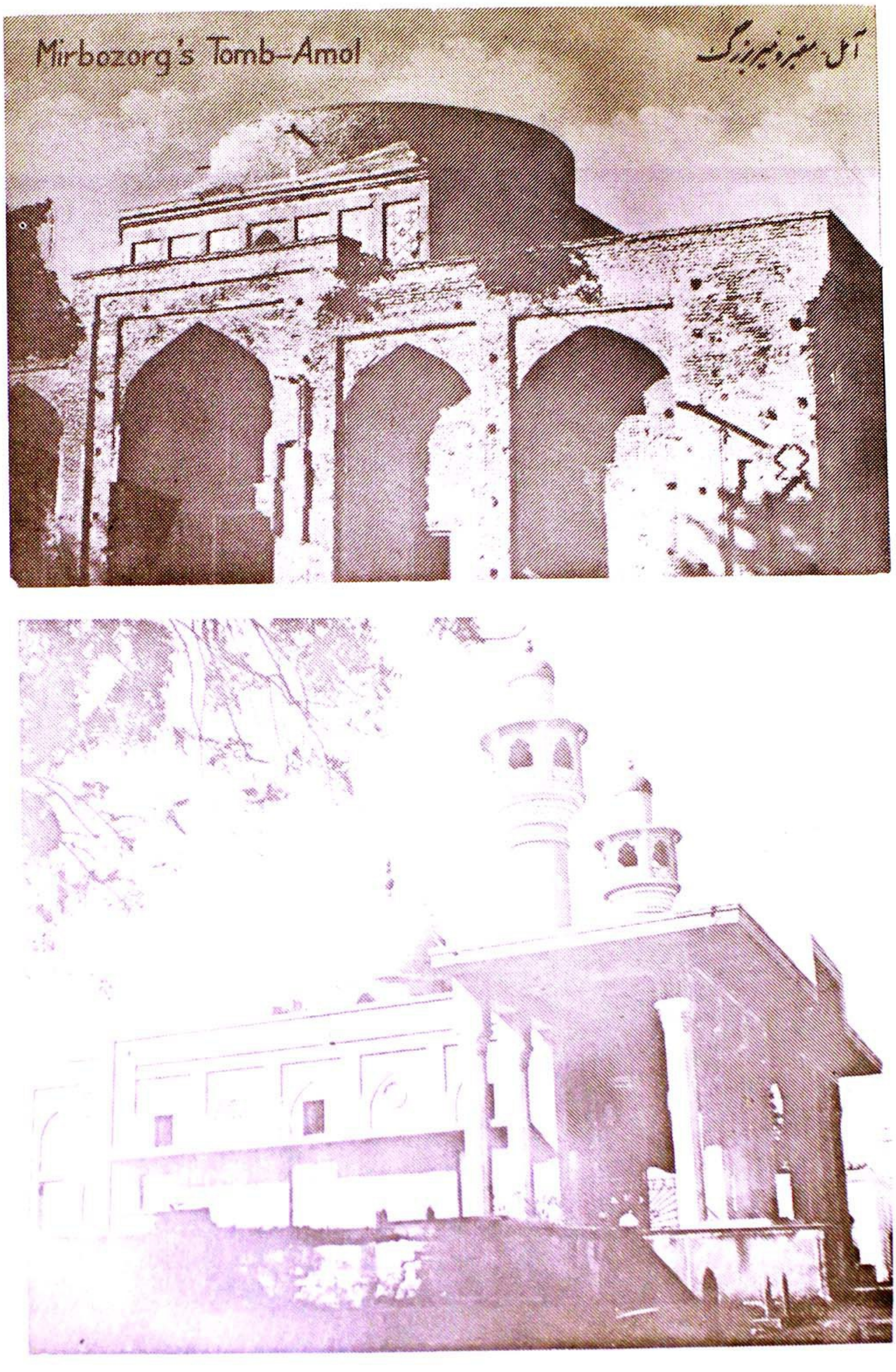

عکس بالا: مرقد سیّد قوام‌الدّین، مشهور به میر بزرگ مرعشی
سر سلسلهٔ سلاطین مرعشی مازندران در شهر آمل
عکس پایین: مرقد مرحوم شهید قاضی نورالله مرعشی شوشتری
در شهر آگرا در هندوستان

Marfat.com



مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج میرزا یوسف طباطبائی، یکی از اجداد مادری آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره). این تصویر در سفر جهاد با روسها در روز جمعه هنگام خطبهٔ نماز جمعه گرفته شده است.

Marfat.com



مرحوم آیت‌الله سیّد علی، معروف به سیّد الحکماء و سیّد الاطباء، جدّ آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی (ره)

Marfat.com



مرحوم آیت‌الله سیّد علی، سیّد الحکماء مرعشی همراه با سه تن از فرزندان
و چندین تن از نوادگان خود

Marfat.com



مرحوم آیت‌الله سیّد شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی (ره)
پدر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

Marfat.com



مرحوم آیت‌الله سیّد جعفر افتخار الحکماء مرعشی
عموی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

Marfat.com

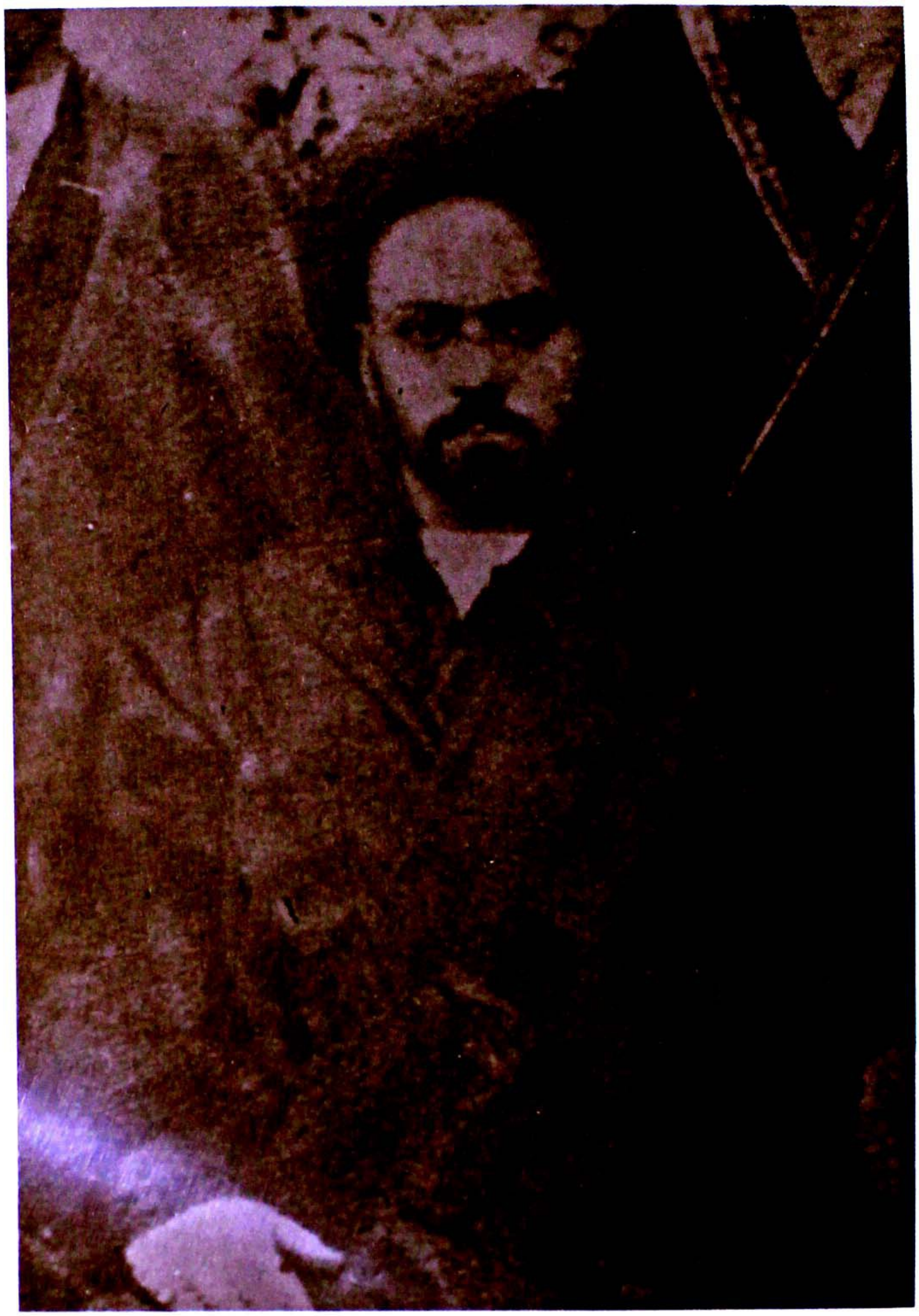

مرحوم میرزا ابراهیم مرعشی، یکی دیگر از عموهای آیت‌الله‌العظمی
مرعشی نجفی (ره)

Marfat.com

Marfat.com



با تنی چند از همدرسان در ۲۲ سالگی در نجف اشرف، مدرسهٔ قوام، سال ۱۳۳۷ قمری

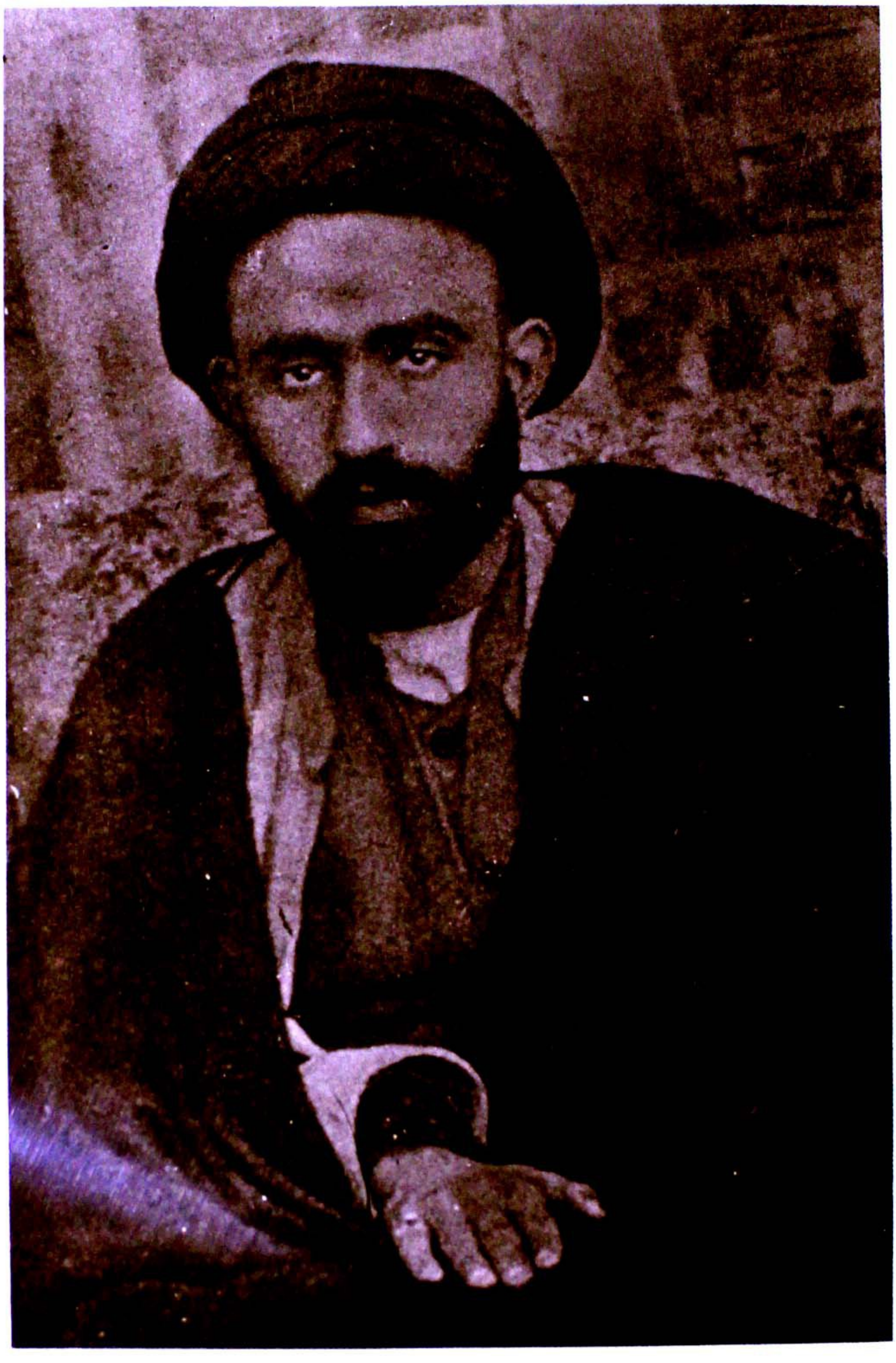

در ۳۰ سالگی در شهر مقدّس قم، ۱۳۴۵ قمری

Marfat.com



در ۴۰ سالگی

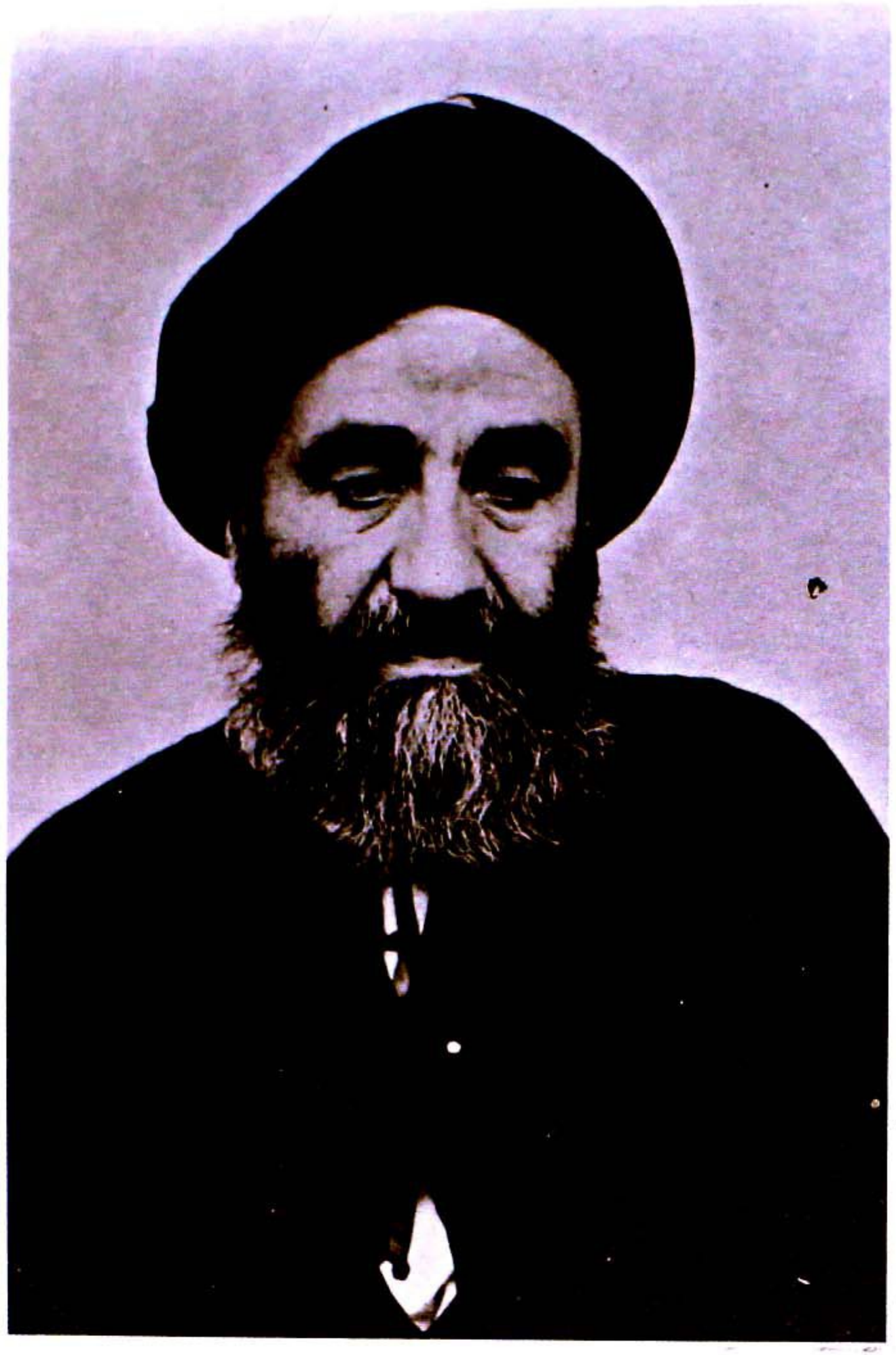

در ۶۰ سالگی

Marfat.com

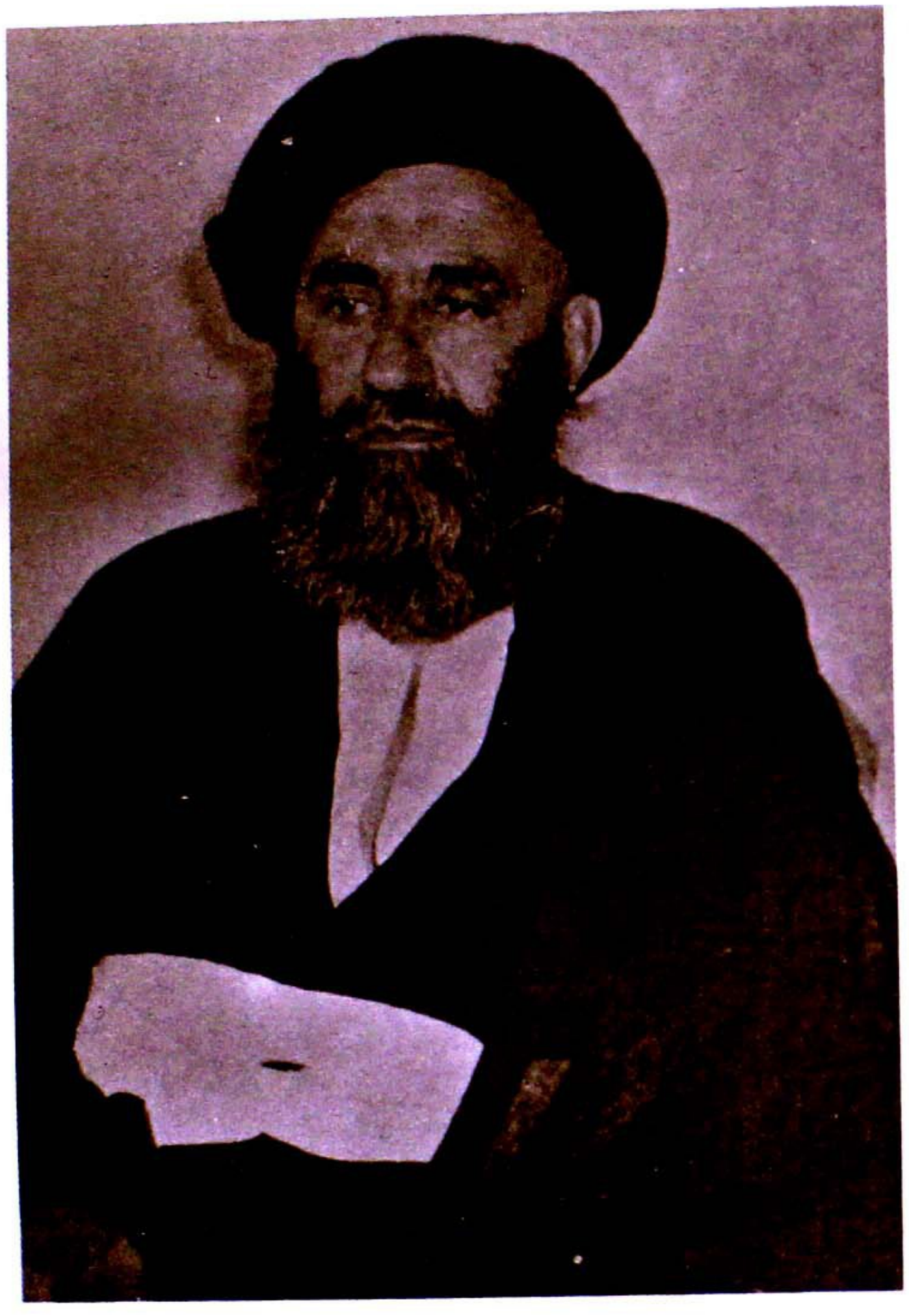

در ۷۰ سالگی



در ۷۵ سالگی

Marfat.com

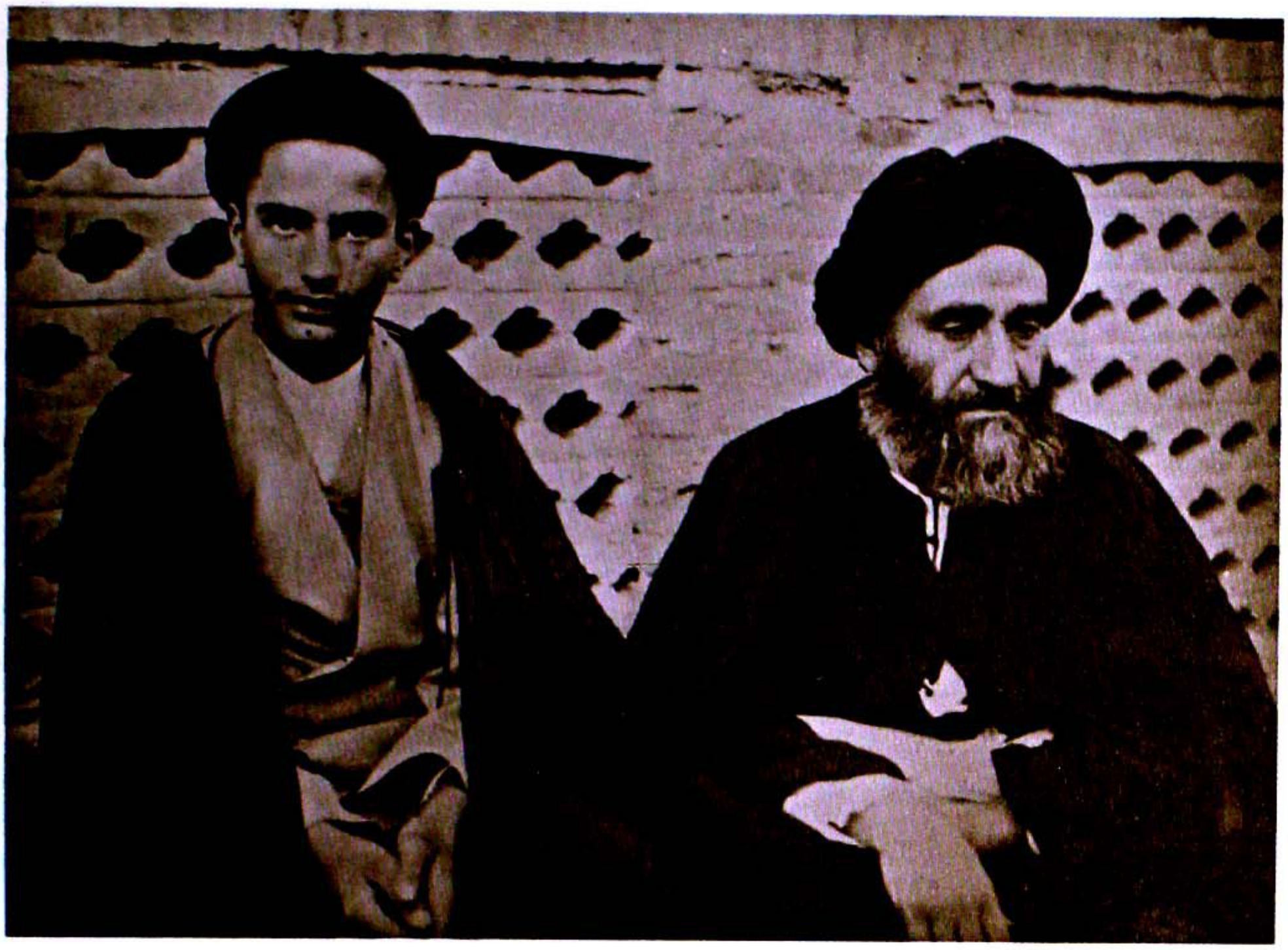

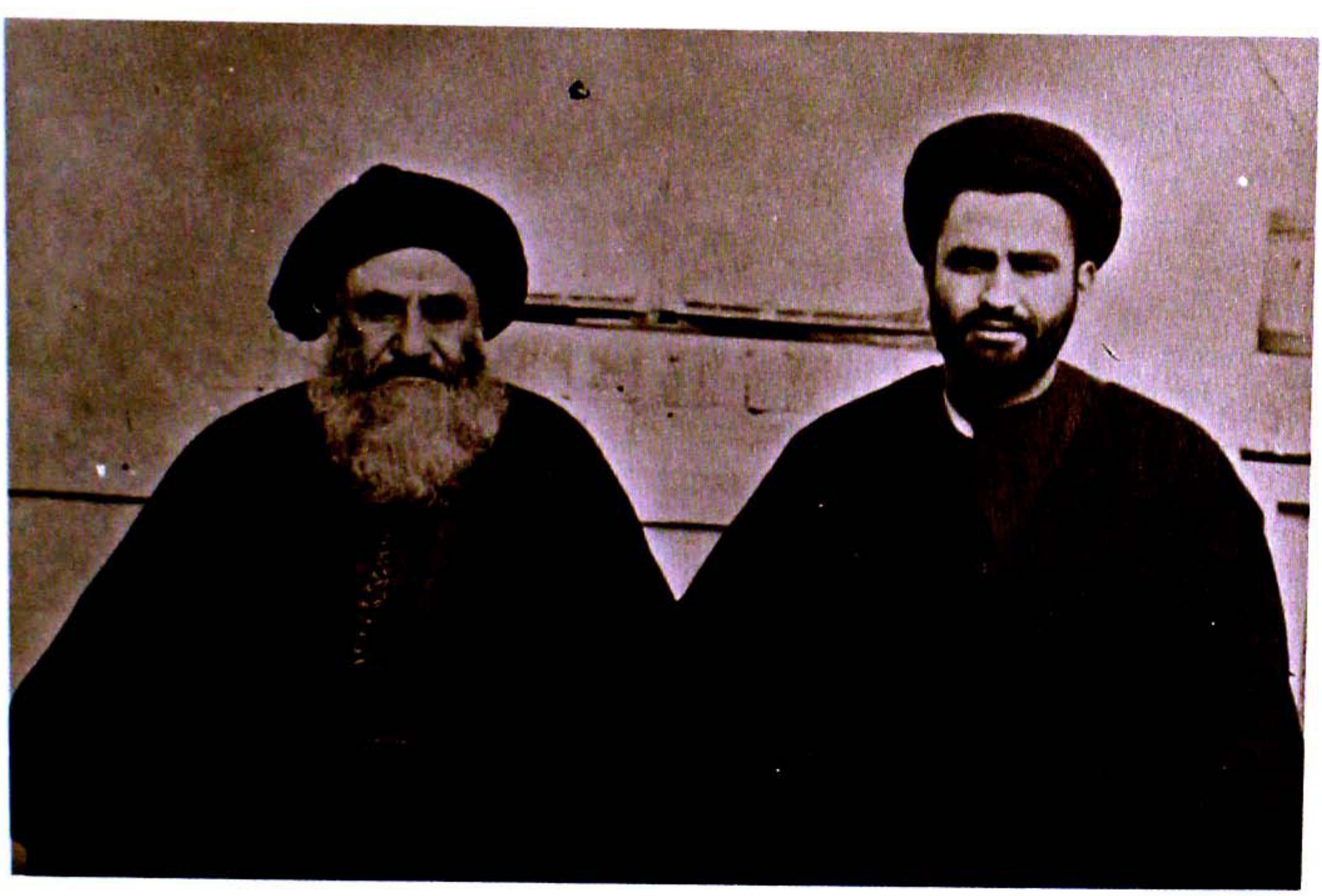

دو تصویر از آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) همراه با فرزندشان
حجت الاسلام و المسلمین حاج سیّد محمود مرعشی

Marfat.com





بالا: آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) همراه با سه تن از فرزندان

پایین: سه تن از فرزندان آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره). از چپ به راست:

حجج اسلام حاج سیّد امیر حسین، حاج سیّد محمود و حاج سیّد محمّدجواد مرعشی

Marfat.com

Marfat.com



آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی(ره) وبرادر ایشان آیت‌الله سیّد مرتضی مرعشی‌نجفی وتنی چند از فرزندان و آیت‌الله عمید زنجانی، داماد ایشان

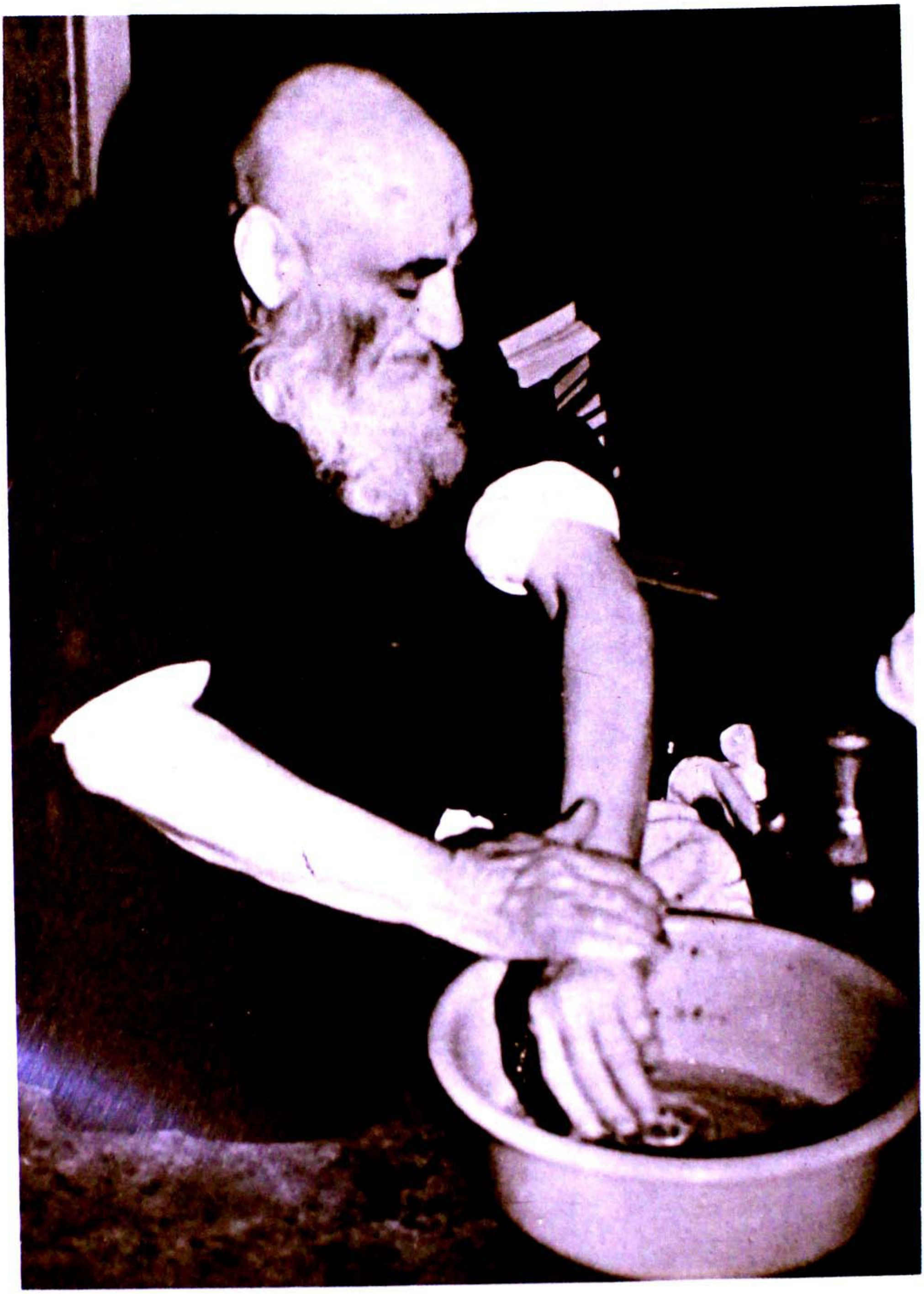

Marfat.com



نماز عید فطر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در صحن مطهّر حضرت معصومه (س)، سال ۱۳۳۶ شمسی

Marfat.com



نماز عید فطر آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در صحن مطهّر حضرت معصومه (س)، حدود سالهای ۱۳۵۰ ـ ۱۳۵۳ شمسی

Marfat.com

Marfat.com



سخنرانی مهمّ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در حرم مطهّر حضرت معصومه (س)، در بارهٔ نقش روحانیّت، ۲۳ رجب ۱۳۸۴



امام خمینی (ره) و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در بیت امام، قم، سال ۱۳۴۲ شمسی

Marfat.com

Marfat.com



امام خمینی (ره) و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) و مرحوم آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی در قم

سال ۱۳۴۲ شمسی



امام خمینی (ره)، آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی (ره) و فرزندان آن بزرگواران و برادر خانم آیت‌الله مرعشی (ره)،
در سال ۱۳۴۲ شمسی در قم

Marfat.com

Marfat.com



امام خمینی (ره) و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) و فرزندان ارشد آن دو بزرگوار، مدرسهٔ فیضیّه، قم، سال ۱۳۴۲ شمسی



آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) و مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی (ره) و تنی چند از بزرگان، قم،
سالهای ۱۳۵۰ ـ ۱۳۵۲ شمسی

Marfat.com



امام خمینی (ره) و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، بهار ۱۳۵۸

Marfat.com



رأی به نظام جمهوری اسلامی ایران، دوازده فروردین ۱۳۵۸

Marfat.com

Marfat.com



مرحوم شهید رجائی، رئیس جمهور وقت در حضور آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم



آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) همراه با فرزند ارشد و تنی چند از روحانیّون،

بهشت زهرا، مزار شهدا، اوّل اسفند ۱۳۵۸

Marfat.com

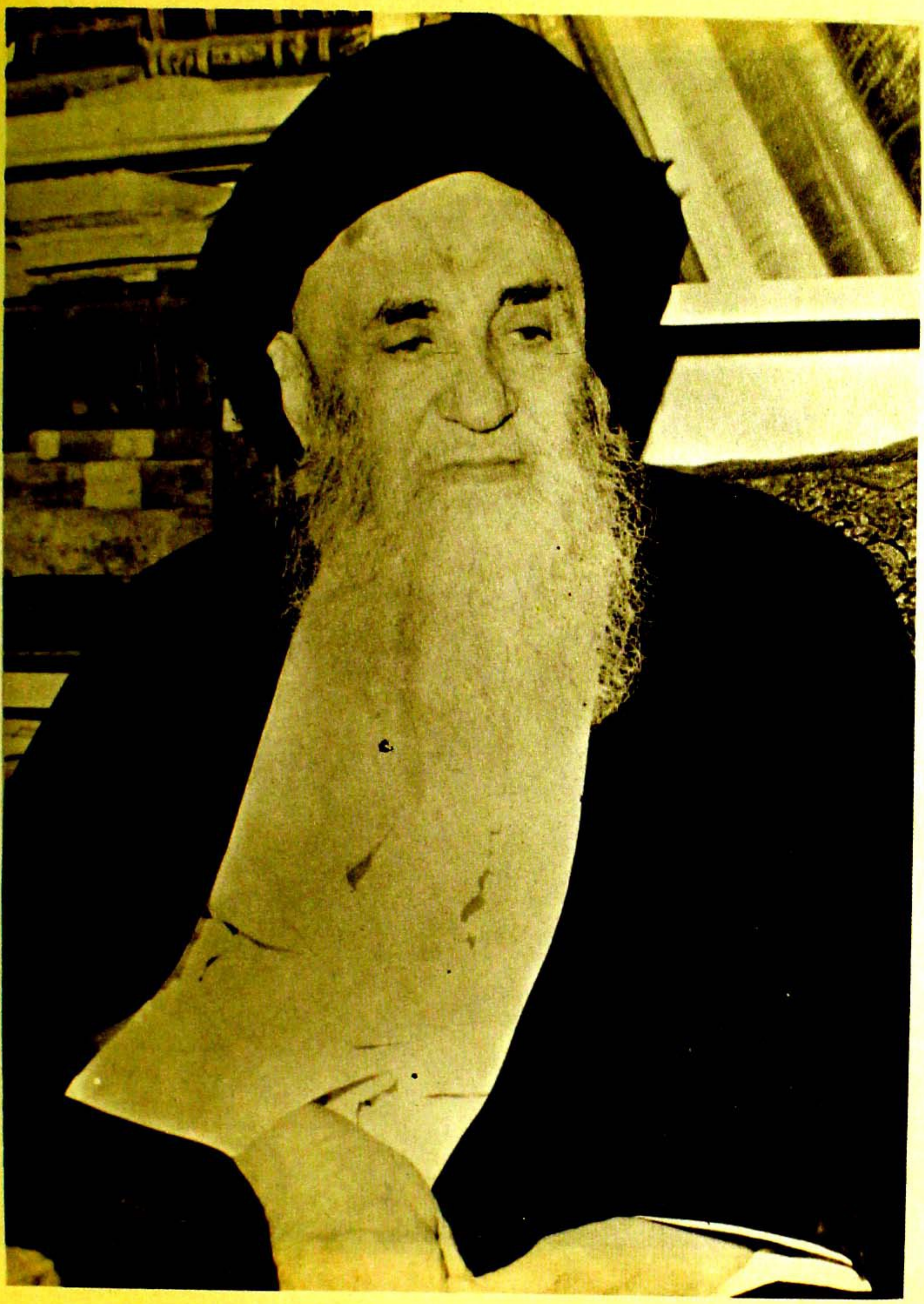

Marfat.com

است . از طرف دیگر ایشان استاد و مدرّس تمام وقت به شمار می‌رفته که بیشتر سالهای عمر خود را به تدریس علوم مختلف ، بویژه خارج فقه و اصول ، می‌پرداخته و تشکیل جلسات متعدد درسی و پاسخگویی به نیازها و سؤالات شاگردان ، نیاز به مطالعهٔ مواد درسی و فرصت کافی برای تدریس و ادارهٔ جلسات درس در چندین نوبت داشته است . با توجه به این مسائل و مطالب و گرفتاریهای دیگر ، روشن می‌شود که مطالعهٔ شمار فراوانی از کتب مختلف تا چه اندازه مهم و گسترهٔ مطالعات ، عمق دانش و اندیشه و ژرفای اطلاعات علمی و آگاهیهای عمومی ایشان تاکجاست .

۳. مقدّمه‌ها و تقریظهای معظم‌له بر کتابها و تألیفات دیگران

یکی دیگر از جلوه‌های شخصیت ایشان در بعد علمی ، تقریظها و مقدمه‌هایی است که بر بیش از دهها کتاب نوشته‌اند . در ذیل به برخی از آنها فهرستوار اشاره می‌کنیم :

مقدمه و تقریظ بر کتابهای : *دررالاخبار فیما یتعلّق بحال‌الاحتضار* ؛ *ذرایع‌البیان فی عوارض‌اللسان* ، محمد رضا طبسی نجفی ؛ *مجموعهٔ نفیسه* ، که به امر معظم‌له چاپ شده است ؛ *کتاب‌المخازن* سید عباس حسینی کاشانی ؛ *اثنی عشر رسالة* ، للمعلم‌الثالث ؛ *عشق و رستگاری* ، احمد زمرّدیان ؛ *مدائن‌الفضائل والمعاجز* ، شمس‌المحدثین اصفهانی نجفی حسینی ؛ *السعید والسعادة* ، عادل علوی ؛ *السیدالبطحاء* ؛ *جواهرالاخلاق* ، محمود امینی ؛ *کشف‌الحجب والاستار عن اسماءالکتب والاسفار* ، سید اعجازحسین نیشابوری کنتوری ؛ *خودآموز معالم* ، سید مهدی لاجوردی حسینی قمی ؛ *رسالهٔ اسدیه* ، عبیدلی سبزواری ؛ *چهرهٔ درخشان امام‌زمان یا ترجمهٔ الزام‌الناصب* ، سیدمحمدجوادمرعشی‌نجفی ؛ شرح‌نفیس ، سید مصطفی حسینی مازندرانی ؛ *رهنمای سعادت یا راه هدایت* ، محبوب ابراهیم‌زاده سرابی ؛ *دروس* ، شهید اول ؛ *اقوال‌الائمة* ، ج ۵ و ۶ ، *محبّ‌الاسلام* ؛ *کشف‌الاستار عن وجه‌الکتب والاسفار* ، سید احمد صفائی خوانساری ؛ *بیان‌المطالب (حاشیهٔ مکاسب)* ، الیاسی‌مراغی ؛ *تأسیسات* ، بستان‌الرازی ؛ *عوالی‌اللآلی* ؛ *آئین پارسائی* ، محسن طالقانی‌نیا ؛

Marfat.com

هر یک از آنها جهت مطالعهٔ طلاّب کتابخانه‌هایی تأسیس کردند و مقداری از کتب مورد لزوم را در آنها قرار دادند . همچنین برای مدارس علوم دینی بسیاری از شهرها نیز کتابخانه‌ای تشکیل و کتب لازم را خریداری و اهدا کرده‌اند که در این مختصر نمی‌گنجد و ان شاءالله در زندگینامهٔ تفصیلی ایشان به این موضوعات بیشتر خواهیم پرداخت .

چهارم. تشویق به مطالعه

معظم‌له چون خود از دوران جوانی تا آخرین ساعات پیش از رحلتشان همیشه در اوقات فراغت به مطالعه می‌پرداختند و از این کار فواید فراوانی دیده بودند ، دوستان ، شاگردان و دیگران را نیز به تلاوت *قرآن مجید* و تعمق و تدبّر در آیات و احادیث و مطالعهٔ کتب تفسیر ، حدیث ، تاریخ و دیگر علوم تشویق می‌کردند و فواید آن را برمی‌شمردند . اهتمام وی به مطالعه و تشویق دیگران به آن در فرازهایی از وصیتنامهٔ الهی ـ اخلاقی ایشان نیز مورد تأکید قرار گرفته است ، چنان‌که نخست طلاب و عموم مردم را به مطالعه در آثار ، اخبار ، معارف اسلامی ، تلاوت *قرآن مجید* و بررسی تفاسیر و کتب حدیثی فرامی‌خواند و سپس به فرزندان خود عموماً و به فرزند ارشدشان خصوصاً توصیه می‌کنند که به امر تلاوت قرآن و مطالعه و تألیف و انتشار آثار بزرگان اسلام مداومت کند و از این موضوع حیاتی غافل نشود .

پنجم. نقش ایشان در ایجاد وحدت میان حوزه و دانشگاه

آیت‌الله مرعشی از دیرباز با شخصیتهای مختلف علمی ـ دانشگاهی در ارتباط بوده است و از سالها پیش از انقلاب ، به فکر ایجاد نوعی وحدت میان حوزه و دانشگاه برآمد و روابط گسترده‌ای با مراکز دانشگاهی ، شخصیتهای علمی و دانشگاهی برقرار کرد .

زمانی که ایشان مجموعهٔ بسیار بزرگی از کتب ارزشمند خطی و چاپی را در منزل خود فراهم کرده بود ، شخصیتهای علمی و دانشگاهی بزرگی ، مانند سید محمد

Marfat.com